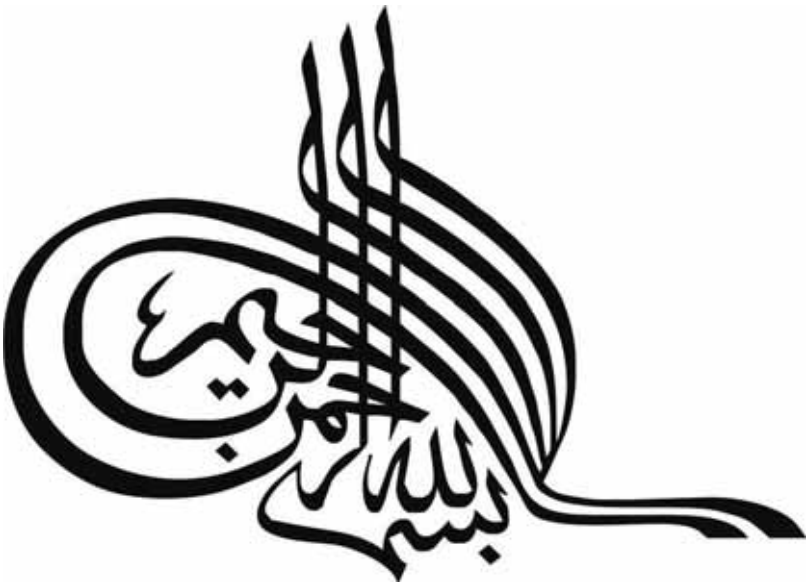


آموزش فنی و حرفه‌ای و اشتغال در چشم‌انداز پژوهش

آموزش فنی و حرفه‌ای و زنان

جلد اول

سرشناسه: همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال (نخستین:۱۳۹۲:تهران)
عنوان و نام پدید آور :آموزش فنی و حرفه‌ای و زنان [کتاب]/ گردآورندگان: حسن‌رضا زین‌آبادی، کورش پرند، علی توکلی گلپایگانی، یداله مهرعلی‌زاده.
مشخصات نشر : تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۵۴۰ص
فروست: آموزش فنی و حرفه‌ای و اشتغال در چشم‌انداز پژوهش؛ ۱.
شابک : 978-964-153-411-2
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
قیمت : ۲۵۰,۰۰۰ ریال
شناسه افزوده : زین‌آبادی، حسن‌رضا، ۱۳۵۷-؛ گردآورنده
شناسه افزوده : پرند، کورش،۱۳۵۰-؛گردآورنده
شناسه افزوده : توکلی گلپایگانی، علی،۱۳۵۲-؛گردآورنده
شناسه افزوده : مهرعلی‌زاده، یدالله، ۱۳۴۰-،گردآورنده
رده بندی کنگره: ج۱۳۹۱ ۸۴ هـ۹ الف/LC۱۰۴۷
رده بندی دیویی : ۳۷۰/۱۱۳۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۸۸۴۸۳
موضوع : آموزش حرفه‌ای – ایران – کنگره‌ها
موضوع : آموزش فنی –ایران—کنگره‌ها
موضوع : زنان – ایران – آموزش حرفه‌ای

سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور

عنوان کتاب : **آموزش فنی و حرفه‌ای و اشتغال در چشم‌انداز پژوهش/ آموزش فنی و حرفه‌ای و زنان**
گردآوردنگان : دکتر حسن‌رضا زین‌آبادی، دکتر کورش پرند، دکتر علی توکلی گلپایگانی، دکتر یداله مهرعلی‌زاده
صفحه آرا : ژیلا حسینی
نمونه‌خوان: ندا حیدری
کارشناسان: ملیحه شیرمحمدی، رسول شیرزادی، علیرضا سوری، شریف‌علی حبیبی، یزدان رحیمیان
طراح جلد: الهام افضلی
نوبت چاپ: اول
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
قطع: وزیری
قیمت: ۲۵۰,۰۰۰ ریال
ناشر: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور
مرکز پخش: تهران، خیابان آزادی، نبش چهارراه خوش، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور
www.irantvto.ir

آموزش فنی و حرفه‌ای و اشتغال در چشم‌انداز پژوهش

پیش‌گفتار ۷

آموزش فنی و حرفه‌ای و زنان ۹

ارزیابی تأثیر دوره‌های کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای بر توسعهٔ اشتغال‌زایی زنان (مورد مطالعه: مرکز فنی و حرفه‌ای شهرستان کرمانشاه واحد خواهران)/ مژگان علوی نیا، بهمن خسروی پور و مریم علوی نیا ۱۱

آسیب‌شناسی نقش رسانه‌ها در اشتغال زنان/ حمید عزیزی، فرید عزیزی و کمال خلیل بیگی ۲۱

آموزش و نرخ مشارکت زنان کشورهای حوزهٔ منا (به تفکیک گروه سنی)/ خیزران روستائی شلمانی و دکتر زهرا میلا علمی ۳۰

آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی رهیافتی بر اشتغال زنان/ زهرا زمانی زنوز ، فاطمه زمانی زنوز ۴۷

آینده‌پژوهی اشتغال زنان در ایران با تأکید بر دورکاری و کار از خانه/ امین بینایی باش و مهران کرمی فخرآبادی ۵۸

بایسته‌های اشتغال زنان در رقم زدن بر تولید ملی و حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی/ زهرا زمانی زنوز و فاطمه زمانی زنوز ۶۹

بررسی اثر اشتغال زنان در توسعهٔ اقتصادی و آبادانی کشور/ میترا نویزی، حمیرضا خانپورهرسمی و تورج نویزی ۸۰

بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی، مطالعه موردی استان کردستان/ هادی فتحی، موسی اعظمی و نگین دولتی ۸۸

بررسی اثربخشی دوره های آموزشی پرورش گل و گیاه در کسب مهارت خود اشتغالی بانوان (مطالعه موردی منطقه ۸ تهران)/ سمیه غلامعلی زاده و مجتبی میرزا کاظمی ۹۸

بررسی آموزش‌های مهارتی بر عملکرد و اشتغال زنان سرپرست خانوار ادارهٔ کل بهزیستی استان کرمان/ سید حبیب الله هاشمی پور و مهناز نجیب زاده وامق آبادی ۱۰۷

بررسی تأثیر اشتغال زنان بر ضریب جینی در ایران/ سید عبدالمجید جلائی اسفند آبادی و سپیده صمیمی ۱۱۷

بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی و راهنمایی شغلی بر افزایش رفتار کاریابی زنان جویای کار استان کرمانشاه/ شیما همایی ۱۲۵

بررسی تأثیرات آموزش مهارت‌های کسب و کار بر اشتغال زنان/ الهه اکبری و سیده ملیحه حسینی ۱۳۵

بررسی رابطهٔ بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین روستایی/ دکتر حسین خنیفر، نفیسه زروندی و جواد زروندی ۱۴۶

بررسی ضرورت حمایت از تولید ملی با تأکید بر نقش کسب و کار خانگی زنان/ هادی احمدی آزرم، امیر نوری ساعد، فاطمه کریمی ۱۵۴

بررسی عوامل پیش برنده و بازدارنده مشارکت زنان روستایی در توسعه پایداراروستایی و کشاورزی/ بهمن خسروی پور و زینب محمدی کربلایی ۱۶۳

بررسی عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت زنان در کشورهای درحال توسعهٔ گروه هشت/ زهرا میلا علمی و خیزران روستائی شلمانی ۱۸۴

بررسی مشکلات زنان کارگر روستایی(مطالعه موردی: روستای پهناب از توابع شهرستان جویبار)/ فاطمه صالحی طالشی و ابوالقاسم شریف زاده ۱۹۵

بررسی مطالعهٔ جامعه‌شناختی اثرات مهارت‌آموزی بر اشتغال زنان/ سیدعلی مظلومی و حمیدرضا خانپور ۲۰۸

فهرست

بررسی مقایسه‌ای عزت نفس و خودکارآمدی در زنان شاغل و غیر شاغل/ محمد رضا تمنایی فر ، فاطمه سلامی محمد آبادی و سمیه دشتبان زاده ۲۲۱

بررسی مقایسه ای عوامل مؤثر بر احساس منزلت اجتماعی زنان شاغل و غیرشاغل در زمینهٔ مشاغل خانگی در آموزش فنی و حرفه‌ای استان زنجان در سال ۹۰/ مینا اکبری امامی و سیده زهرا میر محمد رضایی ۲۳۲

بررسی میزان تأثیر آموزش های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات IT) در اشتغال زنان استان مازندران/ حکیمه‌السّادات شریف‌زاده و حمیده یوسفی ۲۴۰

بررسی میزان مهارت مربیان و محتوای دوره‌های آموزشی بر توانمندی مهارتی زنان مرکز خواهران ایلام/ همایون مرادنژادی، رضا نصری، امین رستم نیا و فریبا جمشیدی ۲۴۸

بررسی نقش زنان در تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی/ خدیجه محمدنیا، سید سهیل معنوی امری و جابر مهدی نیا افرا۲۶۶

بررسی وضعیت رضایت زناشویی در زنان شاغل/ محمد رضا تمنایی فر، فاطمه سلامی محمد آبادی و سمیه دشتبان‌زاده ۲۷۶

بررسی اثرات تسهیلات مشاغل خانگی بر خوداشتغالی زنان مطالعهٔ موردی: مرکز فنی و حرفه‌ای خواهران رشت/ زینب صفرپور بهدانی و آزاده قربانی واقعی ۲۸۸

بررسی اشتغال، مهارت و معضلات اجتماعی ناشی از نبود آن در بین زنان شهرستان خرم آباد/ گوهر عزیزی پور و سارا عزیزی پور ۲۹۶

بررسی موانع اشتغال زنان درسطوح مدیریتی آموزش و پرورش ازدیدگاه کارمندان زن آموزش و پرورش ناحیه (۲) کرمان/ مرجان ابراهیمی و لیلا اسفندیاری ۳۰۴

بررسی میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال زنان استان مازندران در سال ۱۳۹۰/ علی فرشاد و زهره نیک روی ۳۱۹

بررسی و ارزیابی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه و تثبیت اشتغال زنان در شهرستان خرم بید/ جلال الدین حق شناس و عبدالرسول کازرونی ۳۲۷

بررسی وضعیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی زنان استان گلستان و میزان اشتغال‌یافتگی آنان برپایهٔ سامانهٔ رصد اشتغال در سال ۱۳۹۱/ ترانه عنایتی و ابراهیم پفاژ ۳۳۴

تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی مهارتی زنان، مطالعهٔ موردی کارآموزان مرکز شمارهٔ ۷ خواهران ایلام/ رضا نصری، امین رستم نیا، فریبا جمشیدی و سمیه غیابی ۳۴۶

تأثیر اشتغال زنان در خانواده از منظر دینی/ مصطفی شیرمهنجی ۳۵۹

تأثیر صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی بر افزایش تولیدات صنایع روستایی، نمونهٔ موردی روستای آرندان شهرستان سنندج/ پیمان حسینی، محمد حسین منهاج و لقمان صادقی ۳۷۱

تأثیرکارگاه‌های آموزشی در روستاها بر توسعهٔ اشتغال زنان روستایی (نمونهٔ موردی شهرستان رشت)/ پیمان حسینی، محمد جلیل خورشیدی، محمدکریم معتمد و بابک مرادی ۳۷۹

تبیین جایگاه مهارت‌آموزی و اشتغال زنان در اسلام و ایران/ امیر عظیمی و سید جواد کلاری حسینی ۳۸۷

چالشهای پیش روی زنان متأهل بعنوان کارآموز در سازمان آموزش فنی و حرفـه ای ولـزوم کسـب مهـارت هـای لازم بـرای اشـتغال آنان، مطالعهٔ موردی: زنان متأهل کارآموز در مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای کرمانشاه/ سهیلا شادفر ۳۹۶

رویکردهای توانمندسازی زنان در حوزهٔ کارآفرینی با تأکید بر فناوری اطلاعات/ رضا تاج آبادی ، محمد رحیمی و سمیه شعبانی ۴۱۳

زنان خانه‌دار شاغلین بی‌ادعا و اقتصاددانان گمنام / رجبعلی حکم آبادی و الهام قلیزاده رضایی ۴۱۷

زنان روستایی و کارآفرینی: ضرورت، چالش ها و راهکارها/ بهمن خسروی پور، امید مهراب قوچانی و منتهی بوعذار .....

زنان و مهارت‌آموزی و اشتغال/ حسن شهرکی پور و شادی جمالی ۴۲۹

زنان، مهارت آموزی، کارآفرینی و توسعهٔ اجتماعی/ مریم کیوانی و علیرضا شفقی ۴۴۱

کارآفرینی، بستری برای توانمندسازی زنان/ آیت اله ممیز ، فاطمه یوسفی و شقایق محمدی ۴۵۴

کارآفرینی و اشتغال زنان و بازکاوی نقش زنان در تولید ملی/ نازیلا زیرک، نائله زیرک و فاطمه محمدزاده ۴۶۹

مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان روستایی و کمک به توسعهٔ اقتصادی کشور / مهدی جودان و حسام الدین عباسی ۴۷۷

موانع و بازدارنده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای بانوان، مورد: شهرستان گرگان، استان گلستان/ محمـد رضـا محبـوبی، بنفشـه ترحمـی و فرهاد شادکام ۴۸۸

موانع و مشکلات فرهنگی بازدارندهٔ اشتغال زنان ایرانی/ اصغر شریفی ، فاطمه اسلامیه ۴۹۷

مهارت‌های مورد نیاز زنان سرپرست خانوار روستایی برای خوداشتغالی/ اصغر شریفی و فاطمه اسلامیه ۵۰۳

نقش فرهنگ کار آفرینی و تأثیر آن در اشتغال زنان در کشور/ منیره کتابچی ۵۰۹

نقش آفرینی زنان درتحقق شعار سال تولید ملی وحمایت از کار و سرمایه ایرانی/ محبوبه زحمتکش ۵۱۶

نگاهی بر تأثیر جنسیت در میزان دسترسی به آموزش های فنی و حرفه‌ای در کشورهای جهان (با تأکید بـر کـاربرد ICTs دربسـیج اشتغال‌زایی و توانمندسازی زنان روستایی)/ فرهود گل محمدی، فرناز گل محمدی ۵۲۲

پیش‌گفتار

با نگاه به چشم‌انداز بیست‌ساله و با عنایت به برنامه‌های اول تا پنجم توسعه و توجه خاص دولت به امر اشتغال و نقش آموزش در اشتغال پایدار، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور مفتخر به تشکیل و استقرار «سازمان ملی مهارت و فناوری» و طراحی «نظام جامع ملی و مهارت و فناوری» با سه زیرنظام «نظام آموزش مهارت و فناوری»، «نظام صلاحیت حرفه‌ای» و «نظام شرایط احراز اشتغال» می‌باشد. در این شرایط با یکپارچه‌سازی مدیریت و سیاست‌گذاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شاهد تحول بزرگ در نظام‌مند نمودن این آموزش‌ها از طریق استقرار نظام جامع مهارت و فناوری با رویکرد و توجه به تغییرات فناوری و مبتنی کردن آنها با نیاز بازار کار می‌باشیم. در این راستا نخستین همایش بین‌المللی «مهارت‌آموزی و اشتغال» با مشارکت گستردهٔ کارشناسان ملی و بین‌المللی و با توجه به کلیهٔ اسناد بالادستی از جمله «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، مواد ۲۱» و «۱۹۴ برنامهٔ پنجم توسعه»، «سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغ‌شده از طرف مقام معظم رهبری»، «سند راهبردی مهارت و فناوری سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور» برگزار شده است. آنچه هم راستا با ایجاد ساختارها، نظام‌ها، تدوین قوانین و رویه‌ها در مسیر توسعهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاربرد این آموزش‌ها در عرصهٔ عمل در کشور ضروری به نظر می‌رسد، داشتن رویکرد مدبرانه، علمی و مبتنی بر پژوهش به این آموزش‌ها می‌باشد که در این عرصه گام‌های مؤثری برداشته شده است و برگزاری این همایش‌ها یکی از آنها بوده است. شناسائی چالش‌ها، فرصت‌ها، نقاط قوت و ضعف، تبیین نظام جامع مهارت و فناوری، فرهنگ‌سازی برای گسترش توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و تبیین نقش حساس این آموزش‌ها در اشتغال از جمله اهداف کلانی است که این همایش پیگیری نموده است. با تأکید بر نگاه پیشرو و آینده‌پژوهانه در کلیهٔ فعالیت‌ها، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، بیانیه و نتایج محوری حاصل از این همایش به شرح ذیل در نظر گرفته شده است:

- ارتقاء نقش‌آفرینی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان زیربنای توسعهٔ پایدار و کاهش نرخ بیکاری.
- کاربست چارچوب صلاحیت حرفه‌ای ملی برای ارتباط صلاحیت‌ها، مدارک و گواهینامه‌ها در سطوح و انواع مختلف در حوزه، حرفه و شغل و در جهت به رسمیت شناختن یادگیری مادام‌العمر.
- رتبه‌بندی، اعتبارسنجی و اعتباربخشی به مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای دولتی و غیردولتی بر اساس شاخص‌های مدیریت اجرائی، فرآیند یاددهی و یادگیری نیروی انسانی، تحقیق و توسعهٔ منابع و شاخص پشتیبانی فراگیران.
- ضرورت استقرار نظام جامع مهارت و فناوری با سه زیرنظام، نظام آموزش مهارت و فناوری، نظام صلاحیت حرفه‌ای و نظام شرایط احراز اشتغال به عنوان زیربنای ایجاد اشتغال بر پایهٔ آموزش فنی و حرفه‌ای.
- توسعهٔ الگوهای آموزشی بر اساس ظرفیت‌های فضای کسب و کار کشور و نیز ارائهٔ آموزش‌های شبیه‌سازی‌شده.
- برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت کشورهای پیشرو در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای اجرای پروژه‌های مشترک.
- برنامه‌ریزی برای استفاده از تجارب کشورهای موفق در عرصهٔ مسابقات جهانی و نیز برگزاری مسابقات بین‌المللی مهارت بین کشورهای اسلامی.
- ضرورت برنامه‌ریزی برای اعتباربخشی به گواهینامه‌های سازمان در نظام آموزش بین‌المللی.
- آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار (فعلی و آتی) و ارتقاء توان کارآفرینی و توأم کردن آموزش و مهارت و جلب همکاری بنگاه‌های اقتصادی برای استفاده از ظرفیت آنها.

- ارتقاء مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی از طریق توانمندسازی آنان با بهره‌گیری از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
- افزایش سهم گسترده و تأثیرگذار آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی و توانمندسازی اقشار در معرض آسیب.
- طراحی و اجرای دوره‌های تکمیلی بین سطوح تحصیلی با مشارکت دانشگاه جامع علمی-کاربردی در دو بخش آموزش مهارتی دولتی و خصوصی.
- استفاده از منویات و فرمایشات مقام معظم رهبری و سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی معظم له در بخش اشتغال و نظام اداری و آموزشی سند راهبردی مهارت و فناوری سازمان و با اجرای بیش از ۲۶۰ برنامهٔ عملیاتی سند مذکور در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.

مجموعهٔ حاضر در شش جلد منعکس کنندهٔ مقالات ارسال شده برای این همایش است. این مجموعه در کنار مجموعهٔ چهار جلدی «مهارت‌آموزی و اشتغال در ایران»، از جمله اسناد علمی مهم در حوزهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌باشد. با توجه به کمبود اسناد علمی و پژوهشی در این حوزه، این شش جلد نیز می‌تواند بسیاری از نیازهای پژوهشی پژوهشگران علاقه‌مند به حوزهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را مرتفع نماید. این مجموعه نیز برای استفادهٔ بهتر و هدفمند در قالب بخش‌های ذیل طراحی و تدوین شده است:

- آموزش فنی و حرفه‌ای و زنان. (جلد اول)
- آموزش فنی و حرفه‌ای، اشتغال و آینده پژوهی (جلد دوم)
- آموزش فنی و حرفه‌ای، تضمین کیفیت و نیازهای مهارتی. (جلد سوم)
- آموزش فنی و حرفه‌ای، یادگیری، مدیریت و رفتار سازمانی. (جلد سوم)
- آموزش فنی و حرفه‌ای، اقتصاد و تولید ملی. (جلد چهارم)
- آموزش فنی و حرفه‌ای، فناوری و نظام جامع مهارت و فناوری. (جلد چهارم)
- آموزش فنی و حرفه‌ای و کارآفرینی. (جلد پنجم)
- آموزش فنی و حرفه‌ای، مشاغل خانگی و توسعهٔ پایدار روستایی. (جلد ششم)
- آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی. (جلد ششم)

در پایان ضمن تشکر از تمامی دست‌اندرکاران برگزاری این همایش، به‌ویژه کمیتهٔ علمی و اجرایی، امیدواریم که با استعانت خداوند بزرگ و یاری تمامی پژوهشگران و دست‌اندرکاران آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، شاهد اعتلای هر چه بیشتر ایران عزیز در سایهٔ این آموزش‌ها باشیم.

حسن رضا زین‌آبادی
عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی
کورش پرند
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی
علی توکلی گلپایگانی
عضو هیأت علمی پژوهشگاه استاندارد
یداله مهرعلی‌زاده
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

آموزش فنی و حرفه‌ای و زنان

ارزیابی تأثیر دوره‌های کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای بر توسعهٔ اشتغال‌زایی زنان (مورد مطالعه: مرکز فنی و حرفه‌ای شهرستان کرمانشاه واحد خواهران)

مژگان علوی نیا[1]
بهمن خسروی پور[2]
مریم علوی نیا[3]

چکیده

ظهور اقتصاد دانش‌محور در کشورهای صنعتی در دهه‌های آخر قرن گذشته و به‌دنبال آن در برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین نشان داد که سرمایهٔ انسانی نقشی محوری در توفیق این کشورها برای ورود به اقتصاد جدید ایفا نموده است. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایهٔ انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. هدف از این آموزش‌ها، افزایش توانایی، دانش، مهارت و قدرت درک افراد و انجام مطلوب‌تر کار در محدودهٔ وظایف شغلی است. موضوع بیکاری یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات جهان است و در کشورهای در حال توسعه با توجه به عدم توازن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سهم بیشتری را در توسعه دارد، انتظار می‌رود سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای با ارائهٔ آموزش‌های مهارتی بتواند نقش به‌سزایی در کاهش میزان بیکاری ایفا کند. بدون شک، مهم‌ترین عاملی که آهنگ رشد و توسعهٔ اقتصادی اجتماعی را تسریع می‌بخشد"منابع انسانی" آن جامعه است. هر جامعهٔ انسانی نیز متشکل از زنان و مردانی است که تحت روابط متقابل اجتماعی، در عین وابستگی متقابل هر یک از دو جنس به یکدیگر، نقش و کارکرد ویژه‌ای را ایفا می‌کنند و بی‌تردید زنان، به عنوان نیمی از جمعیت، تأثیر مستقیمی در توسعهٔ جامعه دارند. هدف از تهیهٔ این مقاله ارزیابی تأثیر دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش‌های فنی حرفه‌ای بر توسعهٔ اشتغال‌زایی زنان است. جامعهٔ آماری این پژوهش، زنان شرکت‌کننده دردوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت فنی حرفه‌ای در مرکز آموزش فنی حرفه‌ای واحد خواهران شهرستان کرمانشاه بود. تعداد افراد شرکت‌کننده در این دوره ۱۱۰ نفر بود که با استفادهٔ جدول نمونه‌گیری مورگان تعداد ۸۶ نفر از افراد انتخاب گردیدند. تحقیق از نوع پیمایشی است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته بود که پس تأیید روایی آن توسط اساتید مربوطه، پایایی آن توسط روش آلفای کرونباخ درسطح ۰/۷۸ مورد تأیید قرار گرفت و جهت پردازش اطلاعات از نرم‌افزار SPSS استفاده گردید.

واژگان کلیدی: مهارت‌آموزی، اشتغال، دوره‌های کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان،
Email:lavinia4438@yahoo.com
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، Email:b.khosravipour@gmail.com
۳. فارغ‌التحصیل رشتهٔ ترویج و آموزش کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی رازی کرمانشاه،
Email:alavinia3768@yahoo.com

مقدمه

ظهور اقتصاد دانش‌محور[1] در کشورهای صنعتی در دهه‌های آخر قرن گذشته و به دنبال آن در برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین نشان داد که سرمایهٔ انسانی[2] نقشی محوری در توفیق این کشورها برای ورود به اقتصاد جدید ایفا نموده است (بانک جهانی:۲۰۰۲). به‌علاوه می‌توان گفت که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای[3] به دلیل توأم نمودن آموزش‌های نظری و عملی از توانایی زیادی در تشکیل سرمایهٔ انسانی و تربیت کارگر دانش‌مدار[4] برخوردار می‌باشند. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایهٔ انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار موردنیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها می‌باشند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌نمایند. به علاوه، این آموزش‌ها راه میان‌بری در مسیر تربیت نیروی انسانی نیز به‌شمار می‌روند، چرا که از یک سو با توجه به بهره‌مندی این آموزش‌ها از مبانی علمی و استفاده از روش‌های پذیرفته‌شدهٔ آموزش‌های کلاسیک راه خود را از یادگیری بر مبنای تجربهٔ عملی صرف جدا کرده و از این طریق راه درازمدت و غیرعلمی این نوع فراگیری را کوتاه نموده و این توانایی را در آموزش‌دیده فراهم می‌کنند تا بتواند خود را در مقابل تغییرات تکنولوژیکی به آسانی هماهنگ نماید. از سوی دیگر، این آموزش‌ها با توأم نمودن آموزش‌های نظری و عملی این امکان را برای آموزش‌دیده فراهم می‌نمایند که همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته و از این طریق امکان بیشتری برای جذب آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی فراهم گردد (سلیمی‌فر و مرتضوی، ۱۳۸۴). هدف از این آموزش‌ها، افزایش توانایی‌های دانش، مهارت و قدرت درک افراد و انجام مطلوب‌تر کار در محدودهٔ وظایف شغلی است. از آنجایی که موضوع بیکاری یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات جهان است و در کشورهای درحال‌توسعه با توجه به عدم توازن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سهم بیشتری را در توسعه دارد و با توجه به اینکه یکی از دلایل بیکاری در کشور فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازارکار از سوی جویندگان کار است، انتظار می‌رود سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای با ارائهٔ آموزش‌های مهارتی بتواند نقش به‌سزایی در کاهش میزان بیکاری ایفا کند. در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای نیز نظیر سایر مؤسسات آموزشی رسمی و غیررسمی، غیر از آموزش علم و مهارت مواردی از قبیل انضباط، تعهد، احساس مسئولیت، وظیفه‌شناسی نیز جزء محتوای آموزشی است که به افراد آموخته می‌شود. از این‌رو، این نظام آموزشی از طریق تحول در فرهنگ جامعه می‌تواند در بالا بردن کارایی و بهره‌وری نقش مؤثری ایفا نماید (ویژه‌نامهٔ کارآفرینان برتر کشور،۱۳۹۱). محققان توسعه بر این عقیده‌اند که از میان سرمایه‌های فیزیکی، تکنولوژی و انسانی، آنچه که در مسیر تحولات تمدن غرب مهم و مؤثر بوده است، متغیر کلان سرمایهٔ انسانی و بهره‌برداری صحیح از آن بوده است. شرکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی از آغاز پیدایش بشر واقعیتی انکارناپذیر

1.Knowledge base Economy
2..Human Capital.
3.Vocational and Technical Eduactions
4. Knowledge-Worker

بوده است و از قدیم‌الایام زنان سهم عمده‌ای در تولید ملی داشته‌اند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۵). مشارکت زنان درفعالیت‌های اقتصادی به عنوان نیمی از پیکر جامعه از جمله اصول اساسی و اجتناب‌ناپذیر اهداف توسعهٔ برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی در سطح جهان است و استفادهٔ بهینه از این منبع غنی و سرشار نیروی انسانی در راستای اهداف توسعه، مستلزم تجهیز آن به دانش و مهارت‌های مورد نیاز در بازار کار می‌باشد (غلامرضایی، ۱۳۸۵)

ضرورت واهمیت

در جهان فراصنعتی امروز توسعه به معنی عام بدون توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مفهوم نخواهد داشت. انقلاب علمی ـ فنی، انقلابی عمیق و کیفی در نیروهای تولید و از آن جمله در نیروی انسانی و روش‌های تولید به وجود آورده است. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای انجام فعالیت‌هایی است که می‌تواند فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار آماده نماید یا کارایی و توانایی وی را در انجام آن افزایش دهد. این آموزش‌ها کسب مهارت‌ها را در راستای تکنولوژی و علوم وابسته به همراه دانش‌های خاص مربوط به شغل و در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌دهد. توسعهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در شرایط کنونی برای اقتصاد و فرهنگ ایران و به‌ویژه شتاب‌دهی به فرایند تولید امری حیاتی است؛ زیرا سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و افزایش ابزار و تجهیزات و به‌طور کلی سرمایهٔ فیزیکی بدون سرمایهٔ انسانی بلااستفاده مانده و یا به نحو اقتصادی و کارآمد مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد (کریمی،۱۳۸۷). ازسوی دیگر، با توجه به اهداف برنامه‌های توسعه، نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعهٔ جامعه واقعیتی انکارناپذیر تلقی می‌شود. این آموزش‌ها کمک می‌کنند تا درراستای فناوری و علوم وابسته، به همراه دانش‌های خاص مربوط به شغل و در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهارت‌های لازم کسب گردد. آموزش مهارت‌های لازم باید در راستای نیازهای جامعه باشد. در غیر این صورت، جامعه قدرت جذب آن‌هارا نخواهد داشت (شریف زاده،۱۳۹۰). آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل، نیروی کار چین را بزرگترین ثروت این کشور قلمداد می‌کند، ثروتی که در حال حاضر در کشور ما به وفور یافت می‌شود. اما چرا به جای بهره‌برداری از این ثروت گرانبها، همواره با مشکل اشتغال‌زایی و بهره‌وری نیروی کار روبه‌رو هستیم؟ با اندکی تأمل در اوضاع اقتصادی چین و با توجه به تأثیر بحران جهانی براقتصادهای قدرتمند دنیا، می‌بینیم که توان مدیریت اقتصادی این کشور که ناشی از تکامل نیروی کار، سرمایه و مدیریت آن است، چین را به سکاندار اقتصاد جهان تبدیل کرده است. امروزه دغدغه اصلی کشورهای دنیا، چگونگی افزایش تولیدات با استفاده از انواع ابزارها و اهرم‌های تکنولوژیکی ومدیریتی و بهره‌گیری از منابع انسانی کارآمد است؛ موضوعی که در کشور ما جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است (متین،۱۳۹۰). بدون شک، مهم‌ترین عاملی که آهنگ رشد و توسعهٔ اقتصادی اجتماعی را تسریع می‌بخشد "منابع انسانی" آن جامعه است. هر جامعهٔ انسانی نیز متشکل از زنان و مردانی است که تحت روابط متقابل اجتماعی، در عین وابستگی متقابل هر یک از دو جنس به یکدیگر، نقش و کارکرد ویژه‌ای را ایفا می‌کنند و بی‌تردید زنان، به عنوان نیمی از جمعیت نیز، تأثیر مستقیمی در توسعهٔ جامعه دارند. لذا، استراتژی‌های یک جامعهٔ توسعه‌یافته، لازم است بر مبنای مشارکت

هر چه فعال‌تر زنان در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پی‌ریزی گردد (ملک‌زاده،۱۳۸۷). زیرا هدف هر جامعه‌ای به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی است. رفاه اجتماعی تابعی از درآمد سرانه، توزیع عادلانهٔ درآمد، بهبود سطح امکانات تعلیم و تربیت، و میزان مشارکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی مردان و زنان و..... است. در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینهٔ اشتغال در فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود، زیرا مشارکت زنان در بازار کار، موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه سبب افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌شود. برعکس، دسترسی محدود و نابرابر به فرصت‌های کسب درآمد و اشتغال که به صورت بیکاری وکم کاری پدیدار می‌شود خود از عمده‌ترین علل فقر است (نواب نیکو،بی تا). اشتغال یکی از راه‌حل‌های حیاتی برای کاهش فقر و بهبود وضعیت زنان است. با این حال، زنان در صورتی توانمند می‌گردند که یک فرصت برای بهبود وضعیت خود و بالا بردن توانایی‌های خود فراهم نمایند (ریواستاوا وریواستاوا[1]، ۲۰۰۹). اشتغال زنان داستان موفقیت بزرگ چهل سال گذشته بوده است. این نیروی محرکه جهت بهبود استانداردهای زندگی است. در طول سی سال گذشته مشارکت زنان در بازار کار افزایش قابل توجهی داشته است (گزارش کنفرانس زنان[2]،۲۰۱۲). توانمندسازی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان از طریق افزایش دسترسی زنان به شرایط کاری و کنترل بر درآمد امکان‌پذیر است. از زمانی که زنان نسبت به حقوق و نیازهای خود آگاه شده‌اند به‌طور فزاینده‌ای وارد بازار کار شده‌اند و سهم زنان در نیروی کار همچنان در حال افزایش است (مایوکس[3]، ۲۰۰۱).

بنابراین، باتوجه به اهمیت نقش زنان در اشتغال‌زایی، تحقیق حاضر نیز بنا دارد به ارزیابی دوره‌های کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای بر توسعهٔ اشتغال‌زایی زنان شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان کرمانشاه بپردازد و به دنبال دسترسی به اهداف زیراست:

- تأثیر دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای در ایجاد روحیهٔ اشتغال‌زایی در افراد شرکت‌کننده در دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت،
- تأثیر سطح سواد شرکت‌کنندگان در میزان مشارکت آن‌ها در دوره‌های آموزشی،
- بررسی نقش صلاحیت‌های فردی در افزایش مهارت و روحیهٔ اشتغال‌زایی افراد شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی.

روش تحقیق

ماهیت این پژوهش از نوع توصیفی است و شیوهٔ گردآوری دادها از نوع پیمایشی می‌باشد و جامعهٔ آماری این تحقیق را زنان شرکت‌کننده دردوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت فنی حرفه‌ای در مرکز آموزش فنی حرفه‌ای واحد خواهران شهرستان کرمانشاه تشکیل می‌دهد که تعداد افراد شرکت‌کننده ۱۱۰ نفر بود که با استفاده از جدول مورگان تعداد ۸۶ نفر انتخاب گردید.

---

1. Srivastava & Srivastava
2. *Report for Women's Conference*
3. Mayoux

شیوهٔ گردآوری داده‌ها از نوع اسنادی و میدانی است. به نحوی که برای مبانی نظری از روش تحقیق کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش میدانی و پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته استفاده شده است که شامل ۵۴ گویه (۵ گویه درارتباط با خصوصیات شخصی شامل سن، جنسیت، سطح تحصیلات، شغل و سابقهٔ کار و ۴۹ گویه درارتباط با زمینه‌های شرکت در دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای) در یک پرسش‌نامه طراحی شده است. از آنجا که شاخص‌ها و متغیرها به دفعات در مطالعات کارآفرینی و اهمیت دوره‌های فنی و حرفه‌ای به کاربرده شده است، روایی آن وجود دارد. پایایی آن نیز توسط روش آلفای کرونباخ در سطح ۰/۷۸ مورد تأیید قرار گرفت. به‌منظور تحلیل داده‌ها ازروش‌های آماری استفاده گردید که پس از جمع‌آوری داده‌های به‌دست آمده توسط نرم‌افزارSPSS مورد پردازش قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که میانگین سنی پاسخگویان ۲۹ سال است و کمترین و بیشترین فراوانی به ترتیب به ردهٔ سنی بالای ۵۰ سال و ردهٔ سنی ۳۰-۲۱ سال اختصاص دارد. از آنجا که این پژوهش در بین شرکت‌کنندگان خانم، در مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای واحد خواهران انجام گرفته است، بر اساس حجم نمونه ۸۶ پرسش‌نامه توزیع گردید که ۸۱ نفر به آن پاسخ دادند. میانگین سابقهٔ کار در بین افراد شرکت‌کننده در این دوره‌ها ۸ سال و بیشترین و کمترین فراوانی بین افراد با سابقهٔ کاری کمتر از ۵ سال و سابقهٔ کاری ۲۰-۱۶ سال است. از نظر سطح تحصیلات، ۷۵ درصد شرکت‌کنندگان دارای مدرک لیسانس می‌باشند و ۳درصد دارای مدرک فوق‌لیسانس و ۲۱ درصد دارای مدرک دیپلم می‌باشند (جدول شمارهٔ ۱).

جدول ۱. ویژگی‌های فردی شرکت‌کنندگان دردوره‌های آموزشی

متغیر		فراوانی	میزان درصد
گروه سنی	کمتراز۲۰سال	۵	۶
	۳۰-۲۱	۵۰	۶۲
	۴۰-۳۱	۱۵	۱۹
	۵۰-۴۱	۹	۱۱
	بیشتراز۵۰	۱	۱
سابقه کار	کمتراز۵سال	۴۰	۵۹
	۱۰-۶	۲	۲
	۱۵-۱۱	۳	۴
	۲۰-۱۶	۱	۱
میزان تحصیلات	دیپلم	۱۷	۲۱
	لیسانس	۶۱	۷۵
	فوق لیسانس	۲	۳
شغل	شاغل	۱۱	۱۴
	بیکار	۲۸	۳۵
	خانه دار	۲۰	۲۵
	دانشجو	۱۲	۱۵

با توجه به داده‌های مربوط به جدول شمارهٔ (۲) در رابطه با زمینه‌های تأثیر دوره‌ها در ایجاد شغل در فرد، در حدود ۶۸,۶۷ درصد افراد نظر خیلی موافق و موافق داشتند و در حدود ۱۹,۸۳ درصد افراد نظری نداشتند و در آخر در حدود ۹,۳۴ درصد افراد نظر خیلی مخالف و مخالف داشتند. همین‌طور در بین متغیرهای مربوط به زمینه‌های ایجاد اشتغال در فرد متغیر ایجاد زمینه‌های کارآفرینی در فرد بیشترین میانگین را به خود اختصاص داد و کمترین میانگین مربوط به متغیر حس مسئولیت‌پذیری نسبت به شغل آینده بود. بنابراین، هر چه افراد با زمینه‌های کارآفرینی در طی دوره‌ها آشنا شوند، زمینه‌های اشتغال‌زایی در آن‌ها افزایش می‌یابد.

جدول ۲. زمینه‌های تأثیر دوره‌ها در ایجاد روحیهٔ شغل‌زایی در فرد

	خیلی موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالفم		خیلی مخالفم		میانگین
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
حس مسئولیت‌پذیری نسبت به شغل آینده	۳۳	۴۰	۲۶	۳۲	۱۵	۱۹	۵	۶	۰	۰	۱,۸۹
تأثیر دوره‌ها در آیندهٔ کاری	۲۸	۳۵	۲۹	۳۶	۱۱	۱۴	۷	۹	۲	۳	۲,۰۳
ایجاد زمینه‌های کارآفرینی درفرد	۲۴	۳۰	۲۳	۲۸	۲۳	۲۹	۸	۱۰	۱	۱	۲,۲۲
ایجاد زمینه‌های شغلی در فرد	۲۳	۲۸	۳۵	۴۳	۱۲	۱۵	۹	۱۱	۱	۱	۲,۱۲
نشان‌دادن سمت و سوی کار به فرد در آینده	۲۴	۳۰	۳۳	۴۱	۱۸	۲۲	۵	۶	۱	۱	۲,۰۸
مهم بودن گذراندن دوره‌ها در آیندهٔ شغلی فرد	۲۲	۲۷	۳۴	۴۲	۱۶	۲۰	۶	۷	۱	۱	۲,۱۱
میانگین(درصد)	۳۱,۶۷		۳۷		۱۹,۸۳		۸,۱۷		۱,۱۷		

براساس نتایج حاصل از جدول شمارهٔ (۳) ۴۶,۷۴ درصد افراد نظر خیلی موافق و موافق نسبت به دلایل مشارکت دردوره‌ها را داشتند و در حدود ۹,۷۵ درصد افراد نظری نسبت به این دلایل نداشتند و در حدود ۲۳,۳۷ درصد افراد نظری خیلی مخالف و مخالف نسبت به دلایل مشارکت در دوره‌ها داشتند. همین‌طور در بین گویه‌ها گرفتن مدرک، فرار از بیکاری،

افزایش مشارکت اجتماعی با توجه به ضریب تغییرات اولویت بالاتری نسبت به گویه‌های دیگر داشت که باتوجه به نتایج می‌توان استنباط کرد که از دلایل حضور افراد در دوره‌های آموزشی دلایلی غیر از زمینه‌های اشتغال‌زایی و افزایش مهارت می‌باشد.

جدول ۳. دلایل مشارکت افراد شرکت کننده دردوره‌ها

	خیلی موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالفم		خیلی مخالفم		میانگین	ضریب تغییرات
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
کسب وضعیت بهتر	۴۵	۵۵,۶	۳۰	۳۷	۳	۳,۷	۳	۳,۷	۰	۰	۱,۵۵	۰,۴۸
فرار از بیکاری	۷	۸,۶	۴	۴,۹	۱۸	۲۲,۲	۳۳	۴۰,۷	۱۷	۲۱	۳,۶۲	۰,۳۱
علاقه به شرکت در دوره‌ها	۳۳	۴۰,۷	۳۵	۴۳,۷	۹	۱۱,۱	۲	۲,۵	۱	۱,۲	۱,۷۸	۰,۴۷
پر کردن اوقات فراغت	۹	۱۱,۱	۲۴	۲۹,۶	۱۰	۱۲,۳	۲۶	۳۲,۱	۱۰	۱۲,۳	۳,۰۵	۰,۴۱
گرفتن مدرک	۳	۳,۷	۶	۷,۴	۱۳	۱۶	۳۶	۴۴,۴	۲۲	۲۷,۹	۳,۸۵	۰,۲۷
مرتبط بودن با رشته	۱۴	۱۷,۳	۲۵	۳۰,۹	۷	۸,۶	۲۴	۲۹,۶	۱۰	۱۲,۳	۳,۵۳	۱,۶۸
علاقه به تجربه شرکت در دوره‌ها	۳۷	۴۵,۷	۳۳	۴۰,۷	۹	۱۱,۱	۱	۱,۲	۰	۰	۱,۶۷	۰,۴۳
افزایش مشارکت اجتماعی	۲۷	۳۳,۳	۴۲	۵۱,۹	۹	۱۱,۱	۱	۱,۲	۱	۱,۲	۱,۸۳	۰,۴۲
میانگین	۲۱,۸۷		۲۴,۸۷		۹,۷۵		۱۵,۷۵		۷,۶۲			

با توجه به داده‌های به‌دست آمده از جدول شمارهٔ (۴) سطح تحصیلات به سطوح دیپلم، لیسانس و فوق‌لیسانس تقسیم شده است که بیشترین افراد در سطح تحصیل لیسانس قرار

دارند و با توجه به مقدار (F:۴,۲۷۶) و سطح معناداری ۵ درصد بین سطوح تحصیلات دیپلم و فوق لیسانس از نظر میزان مشارکت در دوره‌ها و فعالیت‌ها تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد. اما باتوجه به داده‌ها با افزایش سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان میزان مشارکت آنان در دوره‌ها کاهش می‌یابد.

جدول ۴. مقایسهٔ تفاوت میانگین بین میزان مشارکت افراد با سطح تحصیلات گوناگون افراد با استفاده از آزمون دانکن

		زیرگروه		مقدار F
سطح تحصیلات	حجم نمونه	۱	۲	
دیپلم	۱۴		۲۵,۸۵	۴,۲۷۶
لیسانس	۵۸	۱۹,۸۷	۱۹,۸۷	
فوق‌لیسانس	۲	۱۵,۵۰		

با توجه به نتایج حاصل از جدول شمارهٔ (۵) بین صلاحیت فردی با اشتغال و مهارت رابطهٔ معنادار و مثبتی وجود دارد. بدین معنی که با افزایش صلاحیت‌های حرفه‌ای در فرد، میزان مهارت و زمینه‌های ایجاد شغل در فرد افزایش می‌یابد.

جدول ۵. همبستگی بین صلاحیت فردی با متغیرهای مهارت و اشتغال

	صلاحیت فردی	
	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی
مهارت	۰,۰۰	۰,۴۱
اشتغال	۰,۰۰	۰,۵۷

نتایج به‌دست آمده از پژوهش نشان داد که ایجاد زمینه‌های کارآفرینی و زمینه‌های شغلی در افراد شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی به ترتیب بیشترین تأثیر را در ایجاد روحیهٔ اشتغال‌زایی دارد. جدول شمارهٔ (۲) و(۳) تأییدی بر فرضیهٔ تأثیر دوره‌ها در ایجاد روحیهٔ کارآفرینی است. سعیدی مهرآباد و مهتدی، ۱۳۸۷ نیز درپژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که اگر آموزش‌هایی متناسب با ویژگی‌های فرد انجام گیرد، امکان تأثیرگذاری بیشتر این آموزش‌ها فراهم می‌گردد. همچنین، با توجه به جدول شمارهٔ (۴) و جهت تأیید فرضیهٔ دوم نتایج گویای آن است که بین سطوح مختلف تحصیلات از نظر میزان مشارکت، تفاوت آماری معناداری وجود دارد. آن‌چه قابل توجه بود این است که با افزایش سطح تحصیلات میزان مشارکت افراد کاهش می‌یابد. این نتیجه با نتایج کار لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴در بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی همخوانی دارد که بیان می‌دارد از دلایل کاهش حضور و مشارکت زنان تحصیل‌کرده این است که چون زمان بیشتری را به یادگیری و آموزش اختصاص می‌دهند، زمان کمتری برای گذراندن دوره‌های آموزشی دارند. همچنین، نتایج گویای این است که بین صلاحیت‌های فردی شرکت‌کنندگان و افزایش مهارت و اشتغال رابطهٔ معنادار و مستقیمی وجود دارد. به این معنی که هرچه افراد در طی حضور در دوره‌ها

توانایی و صلاحیت‌های خود را ارتقاء دهند باعث افزایش سطح مهارت و روحیهٔ اشتغال‌زایی فرد می‌گردد. جدول شمارهٔ (۵) فرضیه مربوط به نقش صلاحیت‌های فردی در افزایش مهارت و اشتغال‌زایی را تأیید می‌کند که این نتیجه، با نتایج کار پاپ‌زن و همکاران، ۱۳۹۰ در ارزشیابی آموزش‌های فنی حرفه‌ای روستایی در زمینهٔ صنایع دستی همخوانی دارد. مطلق و صابری، ۱۳۸۹ نیز در نتایج پژوهش بررسی رابطهٔ دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای و اثربخشی آن در کاریابی اشتغال کارآموزان مرد شهر اراک، رابطهٔ بین درجهٔ مهارت کسب‌شده در بین کارآموزان فنی و حرفه‌ای و اشتغال آنان را تأیید می‌کنند. در انتها، بی‌شک دلایل بسیاری برای حضور افراد در دوره‌های آموزشی وجود دارد. اما برای دستیابی بیشتر به صلاحیت‌های فردی و افزایش روحیه و انگیزهٔ اشتغال‌زایی علاوه بر موارد بیان شده وجود زیرساخت‌های مناسب اشتغال‌زایی و برگزاری دوره‌های متناسب با ویژگی‌های فردی و زمینه‌های اشتغال‌زایی توصیه می‌گردد. همچنین، پیشنهاد می‌گردد تأثیر دوره‌های آموزشی بر افزایش توانایی فردی و اجتماعی افراد در زمینهٔ اشتغال‌زایی مورد بررسی قرار گیرد تا در صورت لزوم در دوره‌های بعدی نقاط ضعف آن برطرف گردد و بر نقاط قوت آن توجه بیشتری گردد.

منابع

پاپ‌زن، ع، خالدی، خ وسلیمانی، ع. ۱۳۹۰. ارزشیابی آموزش‌های فنی‌حرفه‌ای زنان روستایی در زمینهٔ صنایع‌دستی. فصل‌نامهٔ علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شمارهٔ سوم. صفحهٔ ۲۱-۳۷.

سلیمی فر، م و مرتضوی، س. ۱۳۸۴. سرمایهٔ انسانی وکارآفرینی در رویکرد فنی و حرفه‌ای (مورد مطالعاتی خراسان). مجلهٔ دانش توسعه (علمی-پژوهشی) شمارهٔ ۱۷.

شریف زاده، م. ۱۳۹۰. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اشتغال. رشد، آموزش فنی و حرفه‌ای، دورهٔ ششم، شمارهٔ ۴. صفحهٔ ۱۸-۱۹.

غلامرضایی، س. ۱۳۸۵. رویکردی به وضعیت اشتغال زنان برخی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته. ماهنامهٔ کار و جامعه، شمارهٔ ۷۸-۷۷. صفحهٔ ۷۰-۶۱.

کاظمی‌پور، ش. ۱۳۸۵. تحولات اخیر و آیندهٔ وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان. جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شمارهٔ۱. صفحهٔ ۲۰-۴۲.

کریمی، م. ۱۳۸۷. ضرورت توسعهٔ آموزش‌های فنی بر اساس نیاز بازار کار. هفته‌نامهٔ بازار کار. قابل دسترس در سایت:www.job portal.ir

لهسایی‌زاده، ع.ع؛ جهانگیری، ج و خواجه‌نوری. ۱۳۸۴. بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعهٔ موردی استان فارس). مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران، دورهٔ ششم، شمارهٔ ۳. صفحهٔ ۱۴۵-۱۲۴.

متین، ن. ضرورت تحول در آموزش‌های فنی وحرفه‌ای. آموزش رشد، دورهٔ ششم، شمارهٔ ۴.صفحهٔ ۳۵-۳۰.

مطلق، م وصابری، م. ۱۳۸۹. بررسی رابطهٔ دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای و اثربخشی آن در کاریابی اشتغال کارآموزان مرد شهر اراک. پژوهش‌نامهٔ علوم اجتماعی، سال چهارم. صفحهٔ ۱۵۶-۱۳۳.

ملک زاده، ف. ۱۳۸۷. نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقش‌ها. قابل دسترس در سایت www.isuw.ac.ir

مهرآباد، م. س و مهتدی، م. ه. ۱۳۸۷. تأثیر آموزش کارآفرینی بر توسعهٔ رفتارهای کارآفرینانه (مطالعهٔ موردی: آموزش‌های کارآفرینی وزارت کار و امور اجتماعی). سال اول، شمارهٔ ۲. صفحهٔ ۷۳-۵۷.

نواب نیکو،م. اشتغال وکارآفرینی. مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری. www.womengov.ir

ویژه‌نامهٔ کارآفرینان برتر کشور. ۱۳۹۱. وضعیت ایران درحوزهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای منحصر به فرد است. روزنامه دنیای اقتصاد. شنبه ۱۴ مرداد ماه ۱۳۹۱ شمارهٔ ۲۷۰۶. صفحهٔ ۱۵.

Mayoux, Linda. 2001. Jobs, Gender and Small Enterprises: Getting the Policy Environment Right. SEED WORKING PAPER No. 15. Series on Women's Entrepreneurship Development and Gender in Enterprises – **WEDGE .** International Labour Office Geneva .

Report for Women's Conference. 2012. Women's pay and employment update: a public/private sector comparison. Available on the site: http://www.tcu. Org.uk

Srivastava, Nisha & Srivastava Ravi.2009. Women, work, and employment outcomes in rural India. Paper presented at the FAO-IFAD-ILO Workshop on Gaps, trends and current research in gender dimensions of agricultural and rural employment: differentiated pathways out of poverty Rome, 31 March - 2 April 2009.

آسیب‌شناسی نقش رسانه‌ها در اشتغال زنان

حمید عزیزی[۱]
فرید عزیزی[۲]
کمال خلیل بیگی[۳]

چکیده

امروزه زنان حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. با این وجود، تنها تعداد کمی از آنها شاغل بوده و به کسب درآمد می‌پردازند. آمارها نشان می‌دهد که اغلب زنان به کار خانگی اشتغال دارند و یا اینکه اگر کار می‌کنند، بیشتر در مشاغلی مشغول کارند که درآمد چندانی برای آنها ندارد. این امر می‌تواند یک تهدید یا یک فرصت خوب برای پیشرفت باشد. تهدید از این جهت که اگر همچنان این جمعیت بیکار بماند، اقتصاد کشور دچار مشکلات زیادی خواهد شد. فرصت از این بابت که اگر کشور از این نیروی عظیم کاری بهره گیرد، به رشد اقتصادی بسیار بالایی خواهد رسید. از دیدگاه نگارندهٔ این مقاله دلیل اصلی بیکاری زنان ناشی از فرهنگ جامعهٔ ایرانی است که بر مردسالاری مبتنی است. فرهنگ مردسالار عموماً با کار زنان خارج از خانه مخالفت می‌ورزد و به همین دلیل است که کشور از این نیروی عظیم کاری که برای شکوفایی اقتصاد ملی به آن احتیاج دارد، بی‌بهره می‌ماند. رسانه‌ها از جمله ابزارهایی هستند که می‌توانند عقاید عموم را در بسیاری موارد شکل داده و یا تغییر و تعدیل کنند. با استفاده از به‌کارگیری قدرت رسانه‌ها می‌توان دیدگاه مردم را به گونه‌ای شکل داد که نه تنها با کار زنان خارج از خانه مخالفت نشود، بلکه خود مشوق این امر باشند. رسانه‌های داخلی توجه چندانی به این امر ندارند و حتی در پاره‌ای موارد در حال دامن زدن به این تصورند که زنان فقط در کار خانگی است که موفقند. این پژوهش بر آن است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیلی- اسنادی راه حلی برای این موضوع ارائه دهد.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، فرهنگ جامعه، مردسالاری، عقاید عمومی.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات؛ دانشگاه علامه طباطبایی، Email:hamid.azizy1@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات؛ دانشگاه علامه طباطبایی، Email:tota.totaii@gmail.com
۳. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی؛ دانشگاه تهران، Email: kbeigy@ut.ac.ir

مقدمه

نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی کرد. در جهت این پویایی، بی‌تردید زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، تأثیر مستقیمی در توسعهٔ جامعه دارند (یزدخواستی، احمدی، ۱۳۸۵). زنان یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی متأثر از کیفیت زندگی و در عین حال مؤثر بر آن می‌باشند. این گروه عظیم اجتماعی از آنجا که ارتباط مؤثری با گروه‌های اجتماعی جامعه دارند، علاوه بر وظایف شخصی و خانوادگی، نقش فعالی را در پیشرفت‌های اجتماعی و توسعهٔ پایدار آن ایفا می‌کنند. زنان نقش بسیار حساس و تعیین‌کننده‌یی در فعالیت‌های اجتماعی دارند، آنان برای تسریع روند تغییر و توسعهٔ پایدار جامعه، مسئولیت بسیار جدی و تعیین‌کننده‌ای بر عهده دارند. به همین دلیل، کشورهایی که در مسیر توسعهٔ سازنده قرار دارند؛ به این امر مهم پی برده‌اند که ضرورت ایجاد جامعهٔ سالم در گرو وجود زنان فعال و مؤثر در جامعه می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۸). با بهره‌گیری از نیروی کار زنان -که حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، می‌توان روند توسعهٔ جامعه را تسریع کرد و باعث پویایی اقتصادی شد. به‌کارگیری نیروی کار زنان در گرو تغییر و اصلاح فرهنگ مردسالار جامعهٔ ایرانی است که عموماً مرد را مسئول کار خارج از خانه و زن را مسئول کارهای خانگی و وظایف بچه‌داری، و غیره می‌داند. یکی از راه‌های اصلی اصلاح فرهنگی استفاده از رسانه و فرهنگ‌سازی رسانه‌ای است.

در همهٔ جوامع، نیروی کار از مهمترین عوامل تولید به‌شمار می‌رود و درآمد حاصل از آن همیشه بخش بزرگی از درآمد ملی هر کشور را تشکیل می‌دهد (علویون، ۱۳۸۴). بی‌تردید جامعه‌ای که در تربیت و بهره‌گیری متناسب از نیروی انسانی ناکارآمد باشد، قادر به توسعه نخواهد بود (تودارو، ۱۳۸۳). نظر به اینکه جوامع مختلف در زمان رشد سریع اقتصادی به نیروی کار نیاز دارند و زنان نیز نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، جمعیت زنان باید بخشی از نیروی کار مورد نیاز جامعه را تأمین کنند. بدون تردید نیروی کار زنان در توسعهٔ اقتصادی کشورها نقش مهمی دارد و به همین دلیل، کشورهای پیشرفته در روند صنعتی شدن به‌طور مداوم بر نرخ مشارکت زنان در تولید افزودند. به‌طورکلی، در خصوص میزان اشتغال زنان در سطح جهان باید گفت که در کشورهای مختلف دنیا سهم مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی تفاوت زیادی با یکدیگر دارند (علویون، ۱۳۸۴). اشتغال در معنی خاص خود عبارت است از تطابق نیروی انسانی با فرصت‌های شغلی و درجهٔ تطبیق این نیرو با حرفه‌ها و فعالیت‌های موجود در یک جامعه (حسینی، ۱۳۸۲). در بسیاری از کشورها معمولاً کارهای خانگی و کارهای بدون مزد خانوادگی زنان جزء فعالیت‌های اقتصادی محصوب نمی‌شود (علویون، ۱۳۸۴).

تجربهٔ دهه‌های اخیر کشورهای در حال توسعه مبین آن است که افزایش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، به‌ویژه آموزش زنان، زمینه‌های لازم را برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر و رفاه اجتماعی بیشتر مهیا می‌سازد. از بین بردن تفاوت‌ها و شکاف‌های جنسی در

بخش‌های گوناگون اقتصادی و نیز آموزش، نه فقط به برابری بیشتر، بلکه به کارایی بالاتر می‌انجامد (کامرون۱، ۲۰۰۱). با نگاهی به اجتماع، قوانین (شامل قوانین ناظر بر خانواده و قوانین کار) سنت و عرف اجتماعی درمی‌یابیم که نگرش حاکم، مرد را نان‌آور خانه تلقی می‌نماید و بنا به همین نگرش، مشارکت و فعالیت اقتصادی زنان لازم و ضروری به شمار نمی‌آید. در حالی که با توجه به افزایش سطح سواد دختران و نیز سهم قبول‌شدگان دختر در دانشگاه‌ها، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش بعد خانوار و کاهش قدرت خرید سرپرست خانوار، افزایش سریع نرخ مشارکت زنان در سال‌های آتی قطعی است و باید برای ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، با توجه به سطح سواد و مهارت آن‌ها برنامه‌ریزی شود. لذا، برنامه‌ریزان توسعه همواره باید در نظر داشته باشند که در ارتقاء شرایط اجتماعی، زنان، شهروندان درجهٔ دوم، ضعیف یا حاشیه‌ای نیستند، بلکه برای رسیدن به شرایط مطلوب اجتماعی، باید بر نقش زنان به‌عنوان فعال اقتصادی تأکید شود، زیرا عدم بهره‌وری از نیروی بالقوهٔ زنان در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دستیابی به توسعه را ناممکن می‌سازد (حاجیانی، ۱۳۸۵).

در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینهٔ اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود، زیرا مشارکت زنان در بازار کار، موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه سبب افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌شود. برعکس، دسترسی محدود و نابرابر به فرصت‌های کسب درآمد و اشتغال که به‌صورت بیکاری و کم‌کاری پدیدار می‌شود، خود از عمده‌ترین علل فقر است و برای از بین بردن فقر، بیکاری و نابرابری باید هر دو جنس را مد نظر قرارداد و باید شناخت جایگاه و نقش زنان در توسعه و ابعاد گوناگون آن در کانون توجه برنامه‌ریزان توسعه قرارگیرد (غفاری، ۱۳۸۴).

عدم بهره‌وری از نیروی بالقوهٔ زنان در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دستیابی به توسعه را ناممکن می‌سازد. آمارهای موجود حاکی از آن است که امروز زنان ایران در جایگاه و منزلتی دوگانه قرار دارند. از نظر شاخص‌های بهداشتی آموزشی، زنان ایران در شرایطی به مراتب بهتر از اکثر کشورهای منطقه قرار دارند، اما از نظر حضور در بازار کار و سهم درآمدی، در میان کشورهای در حال توسعه رتبهٔ بسیار پایینی دارند (سفیری، ۱۳۸۲).

با توجه به این‌که فرهنگ جامعهٔ ایران، فرهنگی مرد سالار است، به گونه‌ای که کار خارج از خانه را مختص مردان می‌داند و با کار زنان در خارج از خانه مخالف است؛ باید سعی در اصلاح این فرهنگ داشت تا این‌که با کار زنان خارج از خانه مخالفتی نشود و آنان بتوانند به کار در زمینه‌های تخصصی خود بپردازند.

یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که با آن می‌توان فرهنگ را تغییر داد و یا اصلاح کرد، استفاده از رسانه‌ها و به‌خصوص تلویزیون است. رسانه‌ها می‌توانند با فرهنگ‌سازی به اصلاح یا تغییر فرهنگ مردسالار جامعهٔ ایرانی بپردازد و باعث شوند که با کار زنان در خارج از خانه مخالفت نشود و بدین ترتیب، نیروی کار زنان مختص به امور خانگی نشود و در بازار کار هم از نیروی کار آنان استفاده شود. این درحالی است که در رسانه‌های داخلی نه تنها سعی بر اصلاح یا

1. Cameron

تغییر فرهنگ مرد سالار ایرانی نمی‌شود، بلکه دائماً در رسانه‌ها و مخصوصاً تلویزیون بر این امر دامن زده می‌شود که زنان در خانه و کار خانگی، همسرداری است که موفقند و در سایر کارها ناموفقند. تصویری که از زنان در اغلب این رسانه‌ها بازنمایی می‌شود، همان تصوری است که مرد ایرانی از زن دارد؛ یعنی زن در نقش‌های کلیشه‌ای و در حال کار در آشپزخانه و ایفای نقش همسرداری. بدین ترتیب و با توجه به مطالب ذکر شده، مسئلهٔ اصلی این پژوهش آسیب‌شناسی نقش رسانه‌ها در اشتغال زنان است. به این ترتیب که با استفاده از روش اسنادی- کتابخانه‌ای به آسیب‌شناسی نقش رسانه‌ها در تثبیت فرهنگ مرد سالارانه می‌پردازد و در نهایت، چند راهکار را پیشنهاد می‌دهد.

کار زنان

کار، جوهرهٔ وجودی انسان است. با کار و در کار است (کار ذهنی) که انسان به خودآگاهی می‌رسد. هگل[1] با هدف قرار دادن این مسأله بنیان فلسفهٔ خویش را گذاشت. او با بیان اینکه با کار است که انسان از پایگاه بودن به پایگاه شدن می‌رسد و با شدن است که زمان و تاریخ پدید می‌آید (هگل، ۱۳۸۷). تنها با کار و در کار است که انسان سرانجام از معنی و ارزش و ضرورت تجربه‌ای که در ضمن ترسیدن از قدرت مطلق به او دست می‌دهد، آگاه می‌شود- قدرت مطلقی که برای او در وجود ارباب مجسم شده است. تنها پس از کار کردن در خدمت ارباب است که او ضرورت پیکار میان ارباب و بنده و ارزش خطر و اضطرابی را که این پیکار به همراه دارد درمی‌یابد (هگل، ۱۳۸۷). بر اساس تفاسیر هگلی از کار می‌توان گفت که زنان با کار کردن است که می‌توانند به آزادی برسند و به نوعی خود را از سلطهٔ مردسالاری برهانند.

همان‌طور که پیشتر نیز گفتیم، مردسالاری ایرانی با کار زنان در خارج از خانه مخالفت می‌کند و تصوری جز این ندارد که، زنان متعلق به خانه هستند و کاری جز کار خانگی و همسرداری ندارند. این تصور از فرهنگ جامعهٔ ایرانی نشأت می‌گیرد که در آن زنان عموماً ضعیفه هستند و برای کارهای خارج از خانه ساخته نشده‌اند. یکی از مهم‌ترین معیارها برای ارزیابی توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتبار زنان در یک کشور است. در جوامع پیشرفته‌تر و توسعه‌یافته‌تر، حضور زنان در عرصه‌های مختلف فعالیت مؤثرتر و پررنگ‌تر است و این حضور بر روند توسعه و افزایش کمّی و کیفی نیروی انسانی جامعه اثرگذار خواهد بود.

آمار وضعیت اشتغال زنان در ایران نشان می‌دهد که فقط ۹,۶ درصد (حدود ۳ میلیون و نیم) از این جمعیت شاغلند. این در حالی است که زنان در حدود ۴۹,۶ درصد (حدود ۳۷ میلیون نفر) کل جمعیت (سال ۹۰) را تشکیل می‌دهند. بررسی آمار کلی و وضعیت اشتغال زنان در کشور طی سال ۸۸ نشان می‌دهد که از کل ۲۱ میلیون شاغل کشور در این سال بیش از ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر آن زن و آمار اشتغال مردان در این بخش رقمی بیشتر از ۱۷,۳میلیون نفر بوده است.

در حالی که مردان ۸۷ درصد کل اشتغال کشور را در اختیار داشته‌اند، زنان توانسته‌اند ۱۳درصد کل فرصت‌های شغلی را در کشور به خود اختصاص دهند که خود این موضوع نشان‌دهندهٔ توزیع نامتوازن فرصت‌های شغلی بین مردان و زنان است (وب سایت جهان نیوز).

1. Hegel

بر اساس آمار ارائه‌شده، نرخ اشتغال زنان بسیار پایین است و نسبت به مردان در حد بسیار پایین‌تری است. اغلب زنان ایرانی به همان پیشه‌ای که مردسالاری بورژوایی ایرانی برایش تعیین کرده‌اند؛ یعنی کار خانگی اشتغال دارند. در این رابطه می‌توان چنین استدلال کرد که نرخ پایین اشتغال زنان بیشتر ناشی از فرهنگ مردسالار ایرانی است که به زنان اجازهٔ کار خارج از خانه را نمی‌دهد و شغل اصلی زنان را همسرداری و کارخانگی می‌داند.

نظریهٔ فیمینیسم[1] نیز که شاخه‌ای از پژوهش میان‌رشته‌ای است، جنسیت را به‌عنوان مقولهٔ اصلی سامان‌بخش تجربه در نظر می‌گیرد. فمینیسم، تقسیمات جنسیتی در درون جامعه را امری سیاسی و نه طبیعی و بازتاب رابطهٔ قدرت بین مردان و زنان می‌داند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱). نظریه‌پردازان فمینیسم نشان می‌دهند که جنسیت به‌طور عمیقی در روابط اجتماعی نهفته است و زنان و مردان و روابط ساختاری بین آنان را تعریف می‌کند. برای مثال، جامعه روی هم‌رفته انتظار دارد مردان گستاخ و زنان مؤدب باشند، مردان مستقل باشند و زنان روابط خود را بر این اساس منطبق کنند؛ مردان قوی و زنان ضعیف باشند؛ مردان آگاه و فعال و زنان پاکدامن و نکته‌بین باشند؛ مردان بر احساسات خود کنترل داشته باشند و زنان عاطفی و پراحساس باشند. این انتظارهای کلی جامعه، نمونهٔ ماهیت فرهنگی جنسیت است.

در این راستا، در رویکرد فمینیسم لیبرال، رسانه‌ها میراث جامعه را که جنسیتی شده است، منتقل می‌کنند تا انسجام، یکپارچگی و نظم را حفظ کنند. فمینیسم سوسیالیستی معتقد است که رسانه‌ها شاکله‌های سرمایه‌داری را به‌عنوان جذاب‌ترین نظام موجود ترسیم می‌کنند. فمینیسم رادیکال، رسانه‌های پدرسالار را در خدمت نیازهای جامعهٔ پدرسالار و مردسالار می‌داند، زیرا تجارت، زنان را سرکوب و تحریف می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱).

رسانه‌ها و اشتغال زنان

رسانه‌ها امروزه به مهم‌ترین ابزار فرهنگ‌ساز در جوامع بدل شده‌اند، به‌گونه‌ای که در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و غیره در حال شکل دادن به دیدگاه‌های مردم و فرهنگ‌سازی مورد نظر خود هستند. یکی از زمینه‌هایی که رسانه‌ها در حال شکل دادن به دیدگاه‌های مردم هستند، اشتغال زنان است. فرهنگ جنسیتی ایران نیز که مبتنی بر مردسالاری است، در رسانه‌ها بازتولید می‌شود و به نوعی با این بازتولید رسانه‌ای تقویت می‌شود. به عبارت دیگر، از آنجایی که فرهنگ مردسالار ایرانی با کار زنان در خارج از خانه مخالف است و این امر نیز توسط رسانه‌ها باز تولید می‌شود، پس رسانه‌ها در تقویت ایدئولوژی مردسالاری مؤثرند و به این ترتیب به نوعی باعث می‌شوند که زنان همچنان به عنوان جنسی نگریسته شوند که فقط در کارخانگی توانایی دارد و اینکه نباید در خارج از خانه شغلی داشته باشد. به این ترتیب، می‌توان گفت که رسانه‌ها به جای فرهنگ‌سازی در زمینهٔ اشتغال‌زایی زنان، به آن صدمه می‌رسانند و باعث می‌شوند که همچنان زنان شغل نداشته باشند. در این زمینه، پژوهش‌های زیادی مؤید این مطلب است که رسانه‌ها با بازتولید فرهنگ مردسالار مانع کار زنان در خارج از خانه می‌شوند.

---

1. Feminism

جمعدار (۱۳۷۳) در تحلیل سیمای زن در سینمای پس از انقلاب با تحلیل محتوای شخصیت زن در سریال‌های خانوادگی و اجتماعی پس از انقلاب تا سال ۱۳۷۲ بیان می‌کند که مشکل اصلی زن در سینمای ایران ناشی از مخدوش بودن و قالبی بودن تصویر زن در جامعه و بازنمایی آن در سینما است به‌گونه‌ای که در فیلم‌ها زنان غالباً انسان‌هایی احساساتی و فاقد تفکر تصویر شده‌اند و این تصاویر منفی و کلیشه‌ای متأثر از انگاره‌های فرهنگی است. همچنین پاینده (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان بررسی یک آگهی تلویزیونی از منظر مطالعات فرهنگی به این نتیجه می‌رسد که آگهی های تجاری، با تکرار ایماژهای رایج از زنان و تبدیل آن به‌نوعی کلیشهٔ فرهنگی، یا با نشان دادن زنان در موقعیت‌های معین و در حال انجام دادن کارهای معین، برداشتی از جنسیت زنانه را رواج می‌دهند که با گذشت زمان و تکرار، از نظر آحاد جامعه (اعم از مردان یا حتی زنان) برداشتی مطابق با عقل سلیم یا معرفت عموم محسوب می‌شود و نوعی ضمیر ناخودآگاه فرهنگی به‌وجود می‌آورد. شاید هم بر اثر الزامات ناخودآگاهانهٔ این ضمیر عمومی است که گاه حتی تحصیل کرده‌ترین و فرهیخته‌ترین مردان هم از همسر خود تصوری جز آنچه نوعاً در این آگهی‌ها نشان داده می‌شود، ندارند و زن را معادل خدمتکار طبیعی خانه می‌دانند (پاینده، ۱۳۸۵).

بخش بزرگی از پیام‌های تجاری، زنان را در نقش‌های سنتی کلیشه‌ای نشان می‌دهند که از هر حیث برسازنده و مبین ارزش‌های فرهنگی غالب در جامعهٔ امروز ما هستند. زنانی که در آشپزخانه مشغول طبخ غذا هستند، مسئول شست و شو و نظافت خانه‌اند و نقش مادرانی دلسوز برای فرزندان و همسرانی فداکار را برای شوهرانشان ایفاء می‌کنند. نکتهٔ حائز اهمیت در مورد آگهی‌های تجاری این است که به ظاهر، آگهی‌ها به‌منظور فروش و ارسال یک سری اطلاعات در مورد کیفیت کالاهاست و هیچ ارتباطی به ساختن و تثبیت باورهای ما در مورد مثلاً جنسیت مردانه و زنانه ندارد. اما همچنان که گافمن گفته است سبک رفتاری زنان و زنانگی در آگهی‌های تجاری، تصویری تصادفی و بی‌دلیل را بیان نمی‌کند؛ بلکه این بیان نوعی مراسم سیاسی است که موقعیت طبقهٔ زن را در ساختار اجتماعی تثبیت می‌کند. او همچنین از ویژگی‌های متنی در آگهی‌های بازرگانی نام می‌برد و آن را نوعی نمایش جنسیتی می‌نامد (کاظمی، فصیحی، ۱۳۸۶).

همچنین، بهار و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی باعنوان تصویر زنان در آگهی‌های بازرگانی تلویزیون ایران به این نتیجه رسیدند که همهٔ تبلیغات به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم روابط مسلط جنسیتی را نشان می‌دهند و ارزش‌های حاکم را تولید و بازتولید می‌کنند و عناصر محوری گفتمان‌های مسلط آگهی‌های بازرگانی باعث هژمونیک شدن گفتمان مردانه در روابط جنسیتی می‌شود. تحلیل‌ها نشان از تضاد بین واقعیت نقش‌های جنسیتی در جامعه و تبلیغات بازرگانی تلویزیون است. از نظر بهار و همکاران در واقع، گفتمان حاکم بر آگهی‌های بازرگانی با احیای ارزش‌هایی به شکل غیرمستقیم همان چیزی را پایه‌گذاری می‌کنند که تقویت‌کنندهٔ نظام مردسالاری است. در تمام آگهی‌های بازرگانی مورد تحلیل، روش‌های غالب نگرش کلیشه‌ای به زنان حاکم بود و با تثبیت نشانه‌ها در یک نظام معنایی واحد به انحای مختلف باعث تولید، بازتولید و بازنمایی گفتمان مسلط مردانه در هر کدام از آگهی‌ها شده و به‌طورکلی، در همهٔ آگهی‌ها باعث هژمونیک شدن دال‌های مردانه می‌شود، به‌طوری که وجود چنین نقش‌های جنسیتی در متون طبیعی به نظر می‌رسد. در این راستا،

فروتن (۱۳۹۰) نیز به نتایج مشابهی دست یافت. او در پژوهشی با عنوان بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران به این نتیجه رسید که الگوی سنتی تفکیک نقش‌های جنسیتی داخل و خارج خانه و مدل «مرد نان‌آور خانواده» به وضوح در این کتاب‌های درسی بازنمایی شده است. تنوع شغلی بسیار محدود و همجنس بودن افرادی که زنان شاغل با آنان سروکار دارند، نیز از مهم‌ترین ویژگی‌های بازنمایی اشتغال زنان در کتاب‌های درسی محسوب می‌شود. به علاوه، تفاوت‌های مهم و قابل ملاحظه‌ای در خصوص الگوها و ویژگی‌های اشتغال زنان بر حسب مقاطع تحصیلی، پایهٔ تحصیلی و عناوین کتاب‌های درسی در این تحقیق مشاهده گردید. همچنین، آنها به این نتیجه رسیدند که سیستم آموزشی و متون درسی (به‌عنوان مهم‌ترین ابزار انتقال استانداردهای فرهنگی)، الگوهای معینی را در زمینهٔ ویژگی‌های اشتغال زنان بازنمایی می‌کنند. این شیوهٔ بازنمایی رسمی استانداردهای فرهنگی که اصطلاحاً تحت عنوان «کدهای جنسیتی» نامیده می‌شود، نقش تعیین‌کننده‌ای در درونی شدن و جامعه‌پذیری هویت جنسیتی به‌طور عام و موضوع اشتغال زنان به‌طور خاص ایفا می‌نماید.

همان‌طورکه پژوهش‌های بالا نشان می‌دهند، رسانه‌های داخلی به جای فرهنگ‌سازی برای به‌وجود آوردن زمینه‌هایی برای اشتغال زنان، در حال بازتولید فرهنگ مردسالار هستند و با بازتولید ایدئولوژی مردسالاری و فعال کردن کلیشه‌های جنستی به نوعی اشتغال زنان را در خارج تأیید نمی‌کنند و به این وسیله بیان می‌کنند که زنان برای کار خانگی و همسرداری ساخته شده‌اند. فرهنگ مسلط، در واقع سعی دارد تمایز بین جنس به عنوان مقوله‌ای زیست‌شناختی را با جنسیت به‌عنوان مقوله‌ای اجتماعی و فرهنگی از بین برده و انجام بعضی امور را جزء سرشت و طبیعت زنان قلمداد می‌کند (کاظمی، فصیحی، ۱۳۸۶). با توجه به مطالب بیان‌شده، می‌توان گفت که رسانه‌ها با تأیید و تقویت ایدئولوژی مردسالارانه بورژوایی باعث شده‌اند که زنان همچنان در خانه و کنج آشپزخانه باقی بمانند و وارد بازار کار نشوند. در واقع، رسانه‌ها به جای تلطیف ایدئولوژی مردسالارانه بورژوایی با تقویت آن باعث شده‌اند، این برداشت را که زنان جنس دوم هستند و روحیهٔ آنها برای کار خارج از خانه ساخته نشده است؛ تأیید و تثبیت کنند. در مجموع، یافته‌های این تحقیق، شواهد تجربی جدیدی را در تأیید تحقیقات پیشین از جمله در کشورهای جهان سوم و جوامع اسلامی ارائه می‌کند، مبنی بر اینکه علی‌رغم پیشرفت‌های نسبی در دهه‌های اخیر در زمینهٔ وضعیت زنان در این جوامع (از جمله افزایش سطح تحصیلات و کاهش سطح باروری)، میزان اشتغال آنان همچنان بسیار پایین است و یکی از مهم‌ترین دلایل آن نیز نقش تعیین‌کنندهٔ سیستم‌های آموزشی و رسانه‌ای در زمینهٔ چگونگی بازتولید نقش‌های جنسیتی و الگوهای شغلی، زنان و مردان می‌باشد (فروتن، ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری

در عصر ما توسعه هدفی والاست که در ایران و دیگر کشورها مورد توجه سیاستمداران و مجریان امور بوده و کوشش‌های بسیاری در زمینهٔ تحقق آن صورت پذیرفته است، اما در این‌میان توجه چندانی به بحث جدی زنان، به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه نشده است.

برای رفع این خلاء باید تلاش‌های گسترده‌ای برای مشارکت زنان در توسعه صورت پذیرد و استراتژی‌های جهانی به بوتهٔ آزمون نهاده شده و مناسب‌ترین آنان به‌کار گرفته شوند (الوانی، ضرغامی فرد، ۱۳۸۰).

بر اساس آمار، زنان حدود نصف جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و این در حالی است که تنها درصد بسیار کمی از آنها شاغلند. یکی از موانع اصلی اشتغال زنان در ایران مردسالاری سنتی است که با اشتغال زنان در خارج از خانه مخالف است. بدین ترتیب، این امر باعث شده که کشور از یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های توسعه‌ای خود بی‌بهره بماند. به نظر می‌رسد با توجه به بافت جامعهٔ ایرانی این امر را بتوان تعدیل کرد. به‌طوری که زنان هم در خارج از خانه بتوانند مشغول به‌کار شوند. این امر در صورتی ممکن است که افکار عمومی جامعه نسبت به کار زنان در خارج از خانه حساسیت خود را از دست بدهد و با این امر مخالفتی نداشته باشد. یکی از مهم‌ترین وسایلی که می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد رسانه‌های جمعی هستند که از قدرت اقناعی بالایی برخوردارند و می‌توانند افکار عمومی جامعه را در زمینه‌های مختلف تغییر دهند. اما بر اساس پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینهٔ کار زنان و بازنمایی زنان در رسانه‌های مختلف می‌توان گفت که رسانه‌های جمعی نه تنها سعی در کاهش تعصب مردسالاری سنتی ایرانی نسبت به کار زنان در خارج از خانه نداشته‌اند، بلکه باعث تقویت این دیدگاه‌ها شده‌اند و به این ترتیب به نوعی رسانه‌های جمعی مانع اشتغال زنان شده‌اند. برنامه‌های رسانه‌ای بر اساس جهت‌گیری خاصی تنظیم شده‌اند و سرشار از رمزهایی هستند که دارای بار ایدئولوژیک هستند. این برنامه‌ها با تداعی دال‌هایی خاص در حال بازنمایی خاصی از زندگی هستند که می‌توان آن را مشاهده کرد. در حقیقت برنامه‌های رسانه‌ای در حال ساختن ارزش‌های فرهنگی، رفتاری و ایدئولوژیک خاصی هستند (حمیدی، ۱۳۸۵).

رسانه‌ها زنان را همواره در موقعیت ضعیف‌تر، کار آشپزخانه‌ای و ... نشان می‌دهند و از طرف دیگر، مردان را در موقعیت‌های کاری، حرفه‌ای و قدرتمند نشان می‌دهند و به این طریق با تقویت انگاره‌های مردسالاری ایرانی باعث تثبیت موقعیت زن ایرانی در همان جایگاه سنتی خود می‌شوند. به این ترتیب، در نهایت می‌توان گفت که رسانه‌های جمعی در ایران با بازنمایی‌های خاصی که از زنان نشان می‌دهد، بر اساس رسالت توسعه‌ای خود عمل نمی‌کنند و باعث می‌شوند که کشور از این ظرفیت توسعه‌ای خود (کار زنان) به‌طور کامل بهره نگیرد.

برای اینکه رسانه‌ها بتوانند به رسالت خود عمل کنند و باعث شوند که زنان نیز همچون مردان در خارج از خانه و در مشاغل مختلف مشغول به‌کار شوند، لازم است که به تضعیف بنیان‌های ایدئولوژی مردسالاری بپردازند و با دگرگون کردن انگاره‌های مردم هم آزادی زنان را توسعه دهند و هم باعث شوند که کشور از کار زنان بهرمند شود و به این وسیله روند توسعه در کشور تسریع یابد. رسانه‌ها می‌توانند با نمایش زنان در موقعیت‌های کاری یا در موقعیت مستقل و قوی نشان دادن آنها باعث دگرگونی انگاره‌های ایدئولوژیک مردسالاری ایرانی در رابطه با کار زنان شوند. اگر کشور نتواند از نیروی کار زنان بهرمند شود در درازمدت از کشورهای دیگر عقب می‌افتد. رسانه‌ها می‌توانند با استفاده از قدرت اقناعی خود و برد وسیعی که دارند در زمان به نسبت کوتاهی باعث شوند که زنان نیز همچون مردان در خارج از خانه کار کنند و به این ترتیب به روند توسعه‌ای کشور شتاب بخشند.

منابع

اسحاق حسینی، سید احمد، (۱۳۸۲). مجموعه مقالات زنان؛ مشارکت و برنامه‌ریزی برای توسعهٔ پایدار، (تهران: برگ زیتون)، ص ۱۹۰-۱۸۵.

الوانی، مهدی، ضرغامی فرد، مژگان (۱۳۸۰). نقش زنان در توسعه، مجلهٔ تدبیر، شمارهٔ ۱۱۳.

بهار، مهری؛ حاجی محمدی، علی، (۱۳۸۹). تصویر زنان در آگهی‌های بازرگانی تلویزیون ایران، زن: حقوق و توسعه (تحقیقات زنان)، سال چهارم، شمارهٔ اول، ص ۵۰- ۷۶.

تودارو، مایکل (۱۳۸۳) توسعهٔ اقتصادی در جهان سوم، (ترجمه: غلامعلی فرهادی)، تهران: انتشارات کوهسار، چاپ سیزدهم.

جمعدار، الهام، (۱۳۷۳). تحلیل سیمای زن در سینمای پس از انقلاب، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

پاینده، ح. (۱۳۸۵). بررسی یک آگهی تلویزیونی از منظر مطالعات فرهنگی. تهران: فصل‌نامهٔ انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ص ۳-۹.

حاجیانی، هادی (۱۳۸۵). بررسی اشتغال زنان در دوران زناشویی، انتشارات بهنامی، تهران.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). زنان و توسعهٔ اجتماعی، مجلهٔ حقوق زنان، شمارهٔ ۱۰، انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد تربیت معلم تهران.

حمیدی, م. ف. (۱۳۸۵). بازنمایی زندگی روزمرهٔ در خیابان: نشانه‌شناسی کلیپ‌های راهنمایی و رانندگی. ۱۵۹-۱۷۷.

سفیری، خدیجه، (۱۳۸۲). اشتغال زنان در توسعهٔ رضایت شغلی و نوع مشاغل، مجموعه مقالات زنان؛ مشارکت و برنامه‌ریزی برای توسعهٔ پایدار، (تهران: برگ زیتون)، ص ۱۶۸-۱۶۷.

علویون، سید محمدرضا، (۱۳۸۴). کار زنان در حقوق بین‌المللی کار، چاپ دوم، روشنگران و مطالعات زنان.

فروتن، یعقوب، (۱۳۹۰). بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دورهٔ نهم، شمارهٔ دوم، ۳۸- ۸۰.

کاضمی، فصیحی, ع. (۱۳۸۶). بازنمایی زنان در یک آگهی تجاری تلویزیونی. تهران: پژوهش زنان، دورهٔ ۵، شمارهٔ۱.

مهدی‌زاده، سید محمد. (۱۳۹۱). نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. انتشارات همشهری.

هاشمی،سید احمد (۱۳۸۸). مقالهٔ زن، محور توسعهٔ پایدار جامعه، www.Dr-Hashemi.com

هگل. (۱۳۸۷). خدایگان و بنده. (ح. عنایت, مترجم)، تهران: انتشارات خوارزمی.

وب سایت جهان نیوز. www.jahannews.com .6/11/89

یزد خواستی، بهجت؛ احمدی، وکیل، (۱۳۸۵)، بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تأکید بر سرشماری ۱۳۸۵، مجلهٔ مطالعات زنان، سال اول، شمارهٔ سوم.

Cameron, L.A (2001) Education and labor market participation of women in Asia: Evidence from five countries, Economic Development and Cultural Change, 49: 460- 477.

آموزش و نرخ مشارکت زنان کشورهای حوزهٔ منا
(به تفکیک گروه سنی)

خیزران روستائی شلمانی[۱]
دکتر زهرا میلا علمی[۲]

چکیده

یکی از عوامل مهم اثرگذار بر رشد و توسعـهٔ اقتصادی هر کشور، نیروی انسانی است که مشارکت آنان اعم از زن و مرد نقش به‌سزایی در رشد و توسعـهٔ اقتصادی هر کشور ایفا می‌کند. زنان حدود نیمی از جمعیت و سرمایهٔ انسانی جهان را به خود اختصاص می‌دهند. بنابراین، استفاده از این سرمایهٔ بالقوهٔ انسانی در توسعه‌یافتگی و رشد جوامع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این‌رو، این پژوهش برآن است که به بررسی عوامل مؤثر، به‌طور خاص، اثر آموزش بر نرخ مشارکت زنان، به تفکیک گروه سنی بپردازد. برای دست‌یابی به این هدف، از روش برازش داده‌های پانلی در دورهٔ زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ برای کشورهای منتخب حوزهٔ منا[۳] استفاده شده است. نتایج برآورد حاکی از آن است که آموزش عالی دارای اثری مثبت و معنادار برنرخ مشارکت زنان این حوزه می‌باشد. نرخ بیکاری با اثری دلسرد و مأیوس‌کننده بر این نرخ همراه است و نرخ باروری با اثرگذاری منفی منجر به کاهش نرخ مشارکت زنان در کشورهای مورد مطالعه می‌گردد.

واژگان کلیدی: نرخ مشارکت زنان، آموزش، کشورهای منا، روش داده‌های پانلی، ایران.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، Email:kheyzaranrustaei@yahoo.com
۲. دانشیار دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه مازندران، Email:z.elmi@umz.ac.ir
3. Middle East and North Africa

مقدمه

آموزش را می‌توان محرکی سازنده برای تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانست. آموزش از طریق افزایش بهره‌وری، سبب‌ساز تحرک شغلی و استفادهٔ بیشتر از قابلیت‌های افراد می‌گردد که از مجرای تأثیر بر بازار کار، تغییر و تحول اقتصادی جوامع را موجب می‌شود. از سوی دیگر، نرخ مشارکت زنان در دهه‌های اخیر به‌صورت چشمگیر و فزاینده‌ای افزایش یافته‌است (گزارش سازمان بین‌المللی کار[1]، ۲۰۱۰، سازمان ملل متحد[2]، ۲۰۱۰، وزارت کار ایالت متحدهٔ آمریکا، ۲۰۱۱). به‌گونه‌ای که این نرخ از ۵۰/۲ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۵۱/۷ درصد در سال ۲۰۰۸ رسیده‌است (گزارش سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۱۰). اما شکاف نرخ مشارکت زنان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نسبت به سطح جهانی قابل توجه است. به‌گونه‌ای که این متوسط این نرخ برای کشورهای منا از ۱۸/۲۷ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۲۰/۸۹ درصد در سال ۲۰۱۰ می‌رسد و برای کشورهای در حال توسعهٔ در منطقه منا این نرخ حتی کمتر می‌باشد و در سال‌های مذکور ۱۷/۶۵ و ۱۹/۶۶ درصد می‌باشد (بانک جهانی، ۲۰۱۲). البته در دههٔ اخیر با تحولات اقتصادی اجتماعی در سطح بین‌المللی و منطقه و با تغییر نگرش زنان نسبت به توانمندی‌هایشان و جامعه نسبت به زنان و نقشی فراتر از همسر و مادر قائل شدن برای زنان، سبب شده تا زنان به کسب آموزش بیشتر تمایل داشته باشند. از آن‌جا یکی از اثرات آموزش در جامعه، تمایل آموزش‌دیدگان در بازار کار است، از این‌رو، بررسی و تحلیل آموزش بر مشارکت زنان در بازار کار حائز اهمیت است که می‌تواند دربردارندهٔ نکات مفیدی برای سیاست‌گذاران اقتصادی کشورها باشد.

تجزیه و تحلیل اقتصادی مشارکت زنان در بازار کار از مطالعات مینسر[3] (۱۹۶۲) و بکر[4] (۱۹۶۵) مورد توجه قرار گرفت. رویکرد مینسرین سرمایهٔ انسانی را بر فرض حداکثرسازی ارزش فعلی لحاظ می‌کند و رویکرد بکِرین با استفاده از توابع تولید فعالیت خانگی، در تلاش برای توضیح الگوهای مصرف و عرضهٔ خانوار می‌باشد. نتیجه‌گیری از این دو رویکرد این است که برای یک زن، تخصیص زمان بین تصمیمات متفاوت، به مزایا و هزینه‌های نسبی آن تصمیم‌ها -مانند ثبت‌نام در مدارس- وابسته است (ساخاروپولوس و تزاننا‌توس[5] ۱۹۸۷).

آنکر[6] (۱۹۹۸) تضاد جنسی موجود در بازار کار را در سه دسته طبقه‌بندی کرد: ۱-نظریهٔ سرمایهٔ انسانی نئوکلاسیکی ۲-نظریهٔ جدایی‌پذیری بازار کار و نهادها[7] ۳- نظریهٔ جنسیتی[8]

در بخش نظریه‌های نئوکلاسیک، اهمیت نقش ذخیره سرمایه‌ی انسانی زنان و مردان را برجسته می‌سازد. برای مثال بسیاری از والدین تصمیم می‌گیرند که به دخترانشان نسبت به پسرانشان فرصت کسب آموزش کمتری بدهند. در مقایسه با مردان، زنان به داشتن سطح کمتری از آموزش تمایل دارند. ارتباط کمتری بین زمینه‌ی مطالعات زنان با نیاز بازار کار،

1. International Labour Organization (ILO)
2. United Nation
3. Mincer,1962
4. Becker, 1965
5. Psacharopoulos and Tzannatos, (1987)
6. Anker, 1998
7. Institutional and labour market segmentation theories
8. Feminist (gender) theories

وجود دارد. زنان تمایل به داشتن کارهای کوتاه مدت و نیمه‌وقت دارند. علاوه بر این، خود زنان تمایل کمتری به تجربه‌اندوزی دارند که می‌توان آن را ناشی از فرصت‌های شغلیِ کمتر بازار کار برای زنان دانست. همه‌ی این عوامل به طور منفی بر بهره‌وری، دستمزد و نوع شغلِ زنان واجد شرایط اثرگذار است.

یکی از معروف‌ترین نظریه‌ی جدایی بازار کار، "نظریهٔ بازار کار دوگانه[1]" است. مطابق این نظریه، بازار کار به یک بخش اولیه و یک بخش ثانویه تفکیک می‌شود. در بخش اولیه، کارها نسبتاً از لحاظ دستمزد، امنیت، فرصت‌های پیشرفت و شرایط کاری مناسب است. کارهای بخش دوم نسبتاً با کیفیت ضعیف، دستمزد کم، ناچیز بودن شانس ارتقا، شرایط کاری نامناسب و امنیت شغلی پایین می‌باشد.

نظریه‌های جنسیتی به‌طور عمده بر متغیرهای غیر بازاری کار[2] متمرکز می‌شود که اقتصاددانان از آن بهره جسته‌اند. فرض اساسی در نظریه‌ی جنسیتی این است که موقعیت محروم زنان در بازار کار انعکاسی از مردسالاری و موقعیت پایین زنان در جامعه و خانواده-شان است. در تمام جوامع، مسئولیت اصلی زنان خانه‌داری و نگه‌داری از فرزندان تعریف شده‌است، در حالی که وظیفهٔ اصلی مردان نان‌آوری است. این برداشت و هنجارهای اجتماعی از واقعیت در میان زنان، مردان و خانواده‌ها متفاوت است؛ ولی از تأثیرش بر رفتار و اثرش بر علت تبعیض علیه زنان نمی‌کاهد. هم‌چنین نظریهٔ جنسیتی به محدودیتِ فرهنگیِ تعریفِ کارِ قابلِ پذیرش برای زنان، در برخی کشورها اشاره می‌کند.

تعدادی از مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف به بررسی عوامل موثر بر مشارکت نیروی کار زنان بر اساس نظریهٔ نئوکلاسیک پرداخته‌اند که در آن بر سرمایهٔ انسانی تاکید شده‌است. در این مطالعات افزایش سرمایهٔ انسانی، افزایش حضور زنان در بارازر کار را موجب می‌گردد (تانسل[3] ۲۰۰۲، براتی[4] ۲۰۰۳، اوانس و کلی[5] ۲۰۰۴،اوالس و همکاران[6] ۲۰۰۷، فریدی و همکاران[7] ۲۰۰۹، اینس[8]۲۰۱۰، کاستل و همکاران[9] ۲۰۱۰، میندین[10] ۲۰۱۲، عمادزاده ۱۳۸۲، ایروانی ۱۳۸۳). در کنار سرمایهٔ انسانی و آموزش که بر ارزش بازاری مشارکت زنان در بازار کار اثرگذار هستند فعالیت‌های غیربازاری همانند ازدواج، طلاق، تعداد فرزندان و سن نیز بر حضور زنان در بازار کار اثرگذار است. به عنوان مثال، مکان زندگی بر مشارکت زنان معنادار است لیزانیلر و بهاتی[11] ۲۰۰۵، ساکی[12] ۲۰۰۵، اجاز[13] ۲۰۰۷، نتولی[14] ۲۰۰۷، نوروزی ۱۳۸۳). باروری و تعداد فرزندان از دیگر عوامل غیربازاری تعیین‌کنندهٔ

1. Dual labor market theory
2. Non-labour market
3. Tansel
4. Bratti
5. Evans& Kelley
6. Euwals et al.
7. Faridi et al.
8. Ince
9. Castel et al.
10. Mainddin
11. Lisaniler and Bhatti
12. Sackey
13. Ejaz
14. Ntuli

مشارکت بازار کار است که در مطالعات آرانگو و پوسادا[1] ۲۰۰۷، کانتررس و پلازا[2] ۲۰۰۸، علی‌خان و تسنیم‌خان[3] ۲۰۰۹، جاو و لی[4] ۲۰۱۱، ببالی[5] ۲۰۱۱، میرزایی ۱۳۸۳) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. رشد اقتصادی نقش تعیین کننده‌ای در نرخ مشارکت زنان دارد (لینکو و آرنولد[6] ۲۰۰۸، مونچ و ویجنبرگن[7] (۲۰۰۹)، صادقی و عمادزاده ۱۳۸۳). در پاره‌ای از پژوهش‌ها، اثرگذاری ازدواج و طلاق مورد مطالعه قرار گرفته‌است (نتولی ۲۰۰۷، عزیز[8] ۲۰۰۹، اوانس و کلی ۲۰۱۱). در برخی مطالعات سن زنان از عوامل کلیدی در ورود زنان به بازار کار گزارش شده‌است (آرانگو و پوسادا ۲۰۰۷، کانتررس و پلازا ۲۰۰۸، جاو و لی ۲۰۱۱، نوروزی ۱۳۸۰) و در برخی دیگر اثرگذاری عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت زنان به تفکیک گروه‌های سنی انجام یافته‌است (جنری و همکاران[9] ۲۰۰۵، تنویر و الهورست[10] ۲۰۰۸، مونچ و ویجنبرگن ۲۰۰۹ و زراءنژاد و منتظر حجت ۱۳۸۵).

با توجه به کم بودن چشمگیر نرخ مشارکت زنان حوزهٔ منا نسبت به سطح جهانی، سؤالاتی که به ذهن متبادر می‌شود این است که چه عواملی در افزایش این نرخ اثرگذارند؟ آیا آموزش و به‌طور ویژه آموزش عالی، شانس مشارکت زنان را در بازار کار افزایش می‌دهد؟ از این‌رو، با در نظر گرفتن این موضوع، این مقاله سعی دارد که به تبیین و اثرگذاری این عوامل بپردازد.

ساختار این مقاله پس از مقدمه و طرح مسأله، روش‌شناسی است. بخش سوم یافته‌های تحقیق را گزارش می‌کند. در نهایت، بحث و نتیجه‌گیری پایان بخش این مقاله است.

روش‌شناسی

در این مقاله از داده‌های پانلی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ برای ۱۶ کشور منتخب حوزهٔ منا شامل: الجزایر، ارمنستان، قبرس، مصر، ایران، عراق، اردن، کویت، مراکش، عربستان‌سعودی، سوریه و ترکیه، تونس، امارات متحدهٔ عربی و یمن استفاده می‌شود. داده‌های مورد نیاز از سایت بانک جهانی[11]، سازمان بین‌المللی کار (ILO) و سازمان ملل متحد گردآوری شده‌اند.

متغیرهای مورد مطالعه، نرخ مشارکت زنان به عنوان متغیر وابسته و متوسط سال‌های آموزش در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی، لگاریتم تولید ناخالص داخلی، مربع لگاریتم تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، نرخ طلاق، نرخ ازدواج و نرخ باروری به عنوان متغیرهای مستقل است. نرخ مشارکت نیروی کار، درصدی از جمعیت در سن کار در اقتصاد بوده که یا در حال کار و یا در جستجوی آن هستند. جمعیت در سن کار معمولاً به افراد ۶۴-۱۶ ساله اطلاق می‌گردد. افرادی که در این گروه سنی به عنوان نیروی کار محسوب نمی‌شوند، دانش-

1. Arango and Posada
2. Contreras and Plaza
3. Ali Khan and Tasnim Khan
4. Jao and Li
5. Bbaale
6. Lincove and Arnold
7. Münch & Wijnbergen
8. Aziz
9. Genre et al.
10. Tanveer & Elhorst
11. World bank

آموزان، افراد خانه‌دار، سربازان و افراد زیر ۶۴ سال که بازنشسته شده‌اند، می‌باشند (ینیلمز و ایسیکلی[1]، ۲۰۱۰).

متوسط سال‌های آموزش جایگزین سرمایهٔ انسانی است که از داده‌های محاسبه شدهٔ بارو-لی[2] (داده‌های بانک جهانی، ۲۰۱۱) اخذ شده است. محاسبات روش بارو-لی در مقاطع زمانی پنج‌ساله برآورد شده‌اند که در این پژوهش آمار سال‌های ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ مورد استفاده بوده‌اند. برای سال‌های میانی نیز متوسط نرخ رشد متغیر مذکور محاسبه و داده‌های سال‌های میانی بر اساس آن تکمیل شده‌اند (مجتهد و جوادی‌پور، ۱۳۸۳).

در این مطالعه، به‌منظور بررسی عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت، از روش داده‌های تابلویی استفاده شده‌است. داده‌های تابلویی، تلفیقی از داده‌های مقطعی و سری زمانی است که در این داده‌ها، واحدهای مقطعی در طول زمان مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

زمانی که متغیرهای مستقل و جملهٔ خطا نامحدود هستند، متغیر وابستهٔ کران‌دار، نیازمند احتیاط بیشتری است. به این دلیل که با پیش‌فرض خطی بودن، امکان خروج از محدودهٔ مجاز وجود دارد. بر این اساس، با توجه به این‌که متغیر وابسته یک متغیر کیفی دوحالته مشارکت یا عدم مشارکت زنان را نشان می‌دهد، در اکثر مطالعات به‌منظور برآورد این نرخ، از مدل‌های انتخاب دوتایی[3] (مدل پروبیت یا لاجیت) استفاده می‌شود. معادلهٔ ۱ تضمین می‌کند که مقادیر پیش‌بینی شده از متغیر وابسته به خارج از محدودهٔ ۱-۰ تجاوز نکند.

$$FLP = \frac{1}{1+e^{-(\alpha+\beta X)}} \equiv \frac{e^{(\alpha+\beta X)}}{1+e^{(\alpha+\beta X)}} \qquad (۱)$$

که در آن FLP متغیر وابسته نرخ مشارکت زنان و X بردار متغیرهای مستقل است. یکی از روش‌های جایگزین مدل‌های رگرسیونی لاجستیک، استفاده از احتمال متغیر وابسته است (مونچ و ویجنبرگن، ۲۰۰۹). اگر FLP نسبت زنانی باشد که در بازار کار مشارکت دارند، بنابراین، (1 - FLP) نسبت زنانی است که خارج از بازار کار می‌مانند. با تقسیم FLP به 1 - (FLP)، شانس مشارکت زنان به‌دست می‌آید (معادلهٔ ۲).

$$\frac{FLP}{(1-FLP)} = \frac{\frac{e^{(\alpha+\beta X)}}{1+e^{(\alpha+\beta X)}}}{\frac{e^{-(\alpha+\beta X)}}{1+e^{-(\alpha+\beta X)}}} = e^{(\alpha+\beta X)} \qquad (۲)$$

با لگاریتم گرفتن از معادلهٔ ۲، خواهیم داشت:

$$\log\left(\frac{FLP}{(1-FLP)}\right) = \alpha + \beta X \qquad (۳)$$

1. Yenilmez and Isikli, 2010
2. Barro and Lee
3. Binary Choice Models

معادلهٔ ۳ نشان می‌دهد لگاریتم شانس نرخ مشارکت زنان، خطی است و می‌تواند مقادیر واقعی به خود بگیرد، در حالی که مشارکت نیروی کار زنان غیرخطی است و فقط مقادیر صفر و یک را می‌پذیرد (مونچ و ویجنبرگن، ۲۰۰۹).

در این مطالعه، لگاریتم شانس نرخ مشارکت زنان به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل شامل: متوسط سال‌های آموزش در مقاطع ابتدایی (pri)، متوسطه (sec) و عالی (ter)، لگاریتم تولید ناخالص داخلی (loggdp)، مربع لگاریتم تولید ناخالص داخلی (loggdpsq)، نرخ بیکاری (unm)، نرخ طلاق (div)، نرخ ازدواج (mar) و نرخ باروری (fer) است. در این‌جا، برآورد صورت گرفته به تفکیک گروه سنی صورت می‌پذیرد. گروه‌های سنی مورد بررسی گروه‌های ۲۴-۱۵ و ۶۴-۴۵ سال که از کم‌ترین نرخ مشارکت و ۲۹-۲۵، ۳۴-۳۰، ۳۹-۳۵، ۴۴-۴۰ سال است. بنابراین، الگوی استفاده‌شده در این تحقیق به‌صورت یک معادلهٔ رگرسیون خطی چند متغیره به صورت (۵) می‌باشد:

$$log\left(\frac{FLP_{ijt}}{1-FLP_{ijt}}\right) = \alpha_i + \beta_i Pri_{ijt} + \beta_i Sec_{ijt} + \beta_i Ter_{ijt} + \beta_i loggdp_{ijt} + \beta_i loggdpsq_{ijt} + \beta_i Div_{ijt} + \beta_i Mar_{ijt} + \beta_i Unm_{ijt} + \beta_i Fer_{ijt} + \sigma_{it} + \sigma_{jt} + \varepsilon_{ijt} \quad (۵)$$

که در آن i، j و t به‌ترتیب معرف گروه‌های سنی، مقاطع و زمان است. σ_{it} و σ_{jt} اثرات مشاهده‌نشدهٔ زمان و مقاطع و ε_{ijt} جمله اخلال یا جزء تصادفی می‌باشند.

در این تحقیق انتظار بر این است که با افزایش سطح تحصیلات زنان به‌ویژه آموزش عالی، نرخ مشارکت زنان افزایش یابد (بوتلین[1]، ۱۹۹۵، اسمیتز و ورلوو[2] ۲۰۰۸، وندریک و کاورز[3] ۲۰۰۹، ویکرت و پالیمیر[4] ۲۰۱۰، صادقی و عمادزاده ۱۳۸۳). نرخ بیکاری از یک سو می‌تواند اثر دلسرد و مأیوس‌کننده بر مشارکت زنان داشته‌باشد و از سوی دیگر، می‌تواند زنان را برای پیوستن به بازار کار به‌منظور جبران درآمد از دست دادهٔ خانوادهٔ خود به دلیل بیکاری همسر، تحریک کند که اصطلاحاً اثر کارگر اضافی نامیده می‌شود (جاموت[5]، ۲۰۰۳). برخی شواهد حاکی از آن هستند که در اغلب مناطق، با افزایش نرخ بیکاری اثر منفی عدم تشویق کارگر بر اثر کارگر اضافی مسلط بوده و اولین گروهی که توسط کارفرما از بازار کار خارج می‌گردند زنان هستند. از این‌رو، می‌توان انتظار داشت که نرخ بیکاری دارای اثری منفی بر نرخ مشارکت زنان باشد (تانسل۲۰۰۲، جاموت ۲۰۰۳، جنری و همکاران ۲۰۰۵، نوروزی، ۱۳۸۰). در رویکردهای نظری، دو رهیافت متفاوت در رابطه با رشد اقتصادی و نرخ مشارکت زنان وجود دارد. رهیافت نوین نئوکلاسیک[6] یک اثر مثبت از رشد روی مشارکت بازار کار

1. Butlin
2. Smits and Verloo
3. Vendrik and Corvers
4. Wichert and Pohlmeier
5. Jaumotte
6. Modernization Neoclassical Approach

زنان اظهار می‌دارد و فرضیهٔ زنانهٔ U شکل[1] یک اثر محدب بین رشد اقتصادی و نرخ مشارکت زنان را فرض می‌کند. به این معنا که رشد اقتصادی، مشارکت زنان در بازار کار را ابتدا کاهش و سپس در مراحل توسعه آن را افزایش می‌دهد. برای تأیید فرضیهٔ U شکل، مربع لگاریتم تولید ناخالص داخلی باید مثبت و معنادار باشد (لوسی[2]، ۲۰۰۹).

در بسیاری از مطالعات رابطهٔ منفی بین نرخ باروری و نرخ مشارکت (پرایب[3]، ۲۰۱۱؛ عبدالله و ابوبکر[4]، ۲۰۱۱)، نرخ ازدواج و نرخ مشارکت زنان (نتولی۲۰۰۷، لیزانیز و بهاتی ۲۰۰۵) و از سوی دیگر رابطهٔ مثبت بین نرخ طلاق و نرخ مشارکت زنان (برمر و کسلرینگ [5] ، ۲۰۰۴؛ نتولی، ۲۰۰۷) گزارش شده و در برخی مطالعات رابطهٔ علّی معناداری بین طلاق و ازدواج و نرخ مشارکت زنان دیده نشده‌است (عزیز، ۲۰۰۹). علاوه بر این، انتظار بر این است در گروه‌های سنی بالا اکثر عوامل تأثیر چندانی بر ورود زنان به بازار کار نداشته و در گروه‌های میانی شانس مشارکت زنان بیشتر باشد و عوامل بیشتری در انگیختن آنان برای ورود به بازار کار دخیل هستند. از سوی دیگر، در گروه‌های پایین ۱۵-۲۴ که معمولاً در حال تحصیل هستند، نرخ مشارکت پایینی انتظار می‌رود. این می‌تواند بیانگر رابطهٔ U معکوس بین سن و نرخ مشارکت زنان باشد (آرانگودا و پوسادا، ۲۰۰۷).

برآورد الگو

به‌منظور مشخص کردن نوع برآورد الگو، به‌وسیلهٔ داده‌های تلفیقی یا اثر ثابت، از آزمون چاو و به‌منظور تعیین برآورد بین داده‌های تلفیقی یا اثر تصادفی از آزمون بریوش-پاگان[6] بهره‌گرفته و برای تعیین نوع برآورد با کمک روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن[7] استفاده شده‌است. نتایج این آزمون‌ها در جدول ۱ آورده شده‌است:

1. "Feminisation U" hypothesis
2. Luci
3. Priebe
4. Abdullah and Abu Bakar
5. Bremmer and Kesselring
6. Breusch-Pagan
7. Hausman

جدول ۱. آزمون‌های تعیین روش مورد نیاز برای برآورد الگو

مدل	نوع آزمون	آمارهٔ آزمون	سطح معناداری	نتیجهٔ آزمون
گروه سنی ۱۵-۲۴	آزمون چاو	۱۳	۰,۰۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر ثابت
	آزمون ضریب لاگرانژ	۸۰,۶۶	۰,۰۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر تصادفی
	آزمون هاسمن	-۳,۱۲		رد مدل اثر ثابت تأیید مدل اثر تصادفی
گروه سنی ۲۵-۲۹	آزمون چاو	۶,۹۶	۰,۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر ثابت
	آزمون ضریب لاگرانژ	۸۰,۵۸	۰,۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر تصادفی
	آزمون هاسمن	۱۲۲,۷۸	۰,۰۰۰	رد مدل اثر تصادفی تأیید مدل اثر ثابت
گروه سنی ۳۰-۳۴	آزمون چاو	۱۹,۳۴	۰,۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر ثابت
	آزمون ضریب لاگرانژ	۸۷,۲۲	۰,۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر تصادفی
	آزمون هاسمن	-۷,۷۶		رد مدل اثر ثابت تأیید مدل اثر تصادفی
گروه سنی ۳۵-۳۹	آزمون چاو	۱۱,۲۹	۰,۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر ثابت
	آزمون ضریب لاگرانژ	۹۲,۲۲	۰,۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر تصادفی
	آزمون هاسمن	۱۰,۷۹	۰,۲۹	رد مدل اثر ثابت تأیید مدل اثر تصادفی
گروه سنی ۴۰-۴۴	آزمون چاو	۹,۲۸	۰,۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر ثابت
	آزمون ضریب لاگرانژ	۸۸,۳۳	۰,۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر تصادفی
	آزمون هاسمن	۸۴,۵۴	۰,۰۰۰	رد مدل اثر تصادفی تأیید مدل اثر ثابت
گروه سنی ۴۵-۶۴	آزمون چاو	۵,۱۸	۰,۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر ثابت
	آزمون ضریب لاگرانژ	۱۲۲,۰۰	۰,۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر تصادفی
	آزمون هاسمن	۵۴,۶۱	۰,۰۰۰	رد مدل اثر تصادفی تأیید مدل اثر ثابت

منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Stata10

با توجه به نتایج مندرج در جدول(۱)، مدل ۵ برای کشورهای منتخب منطقهٔ منا، برای گروه‌های سنی ۲۴-۱۵، ۳۴-۳۰ و ۳۹-۳۵ برآورد با اثر تصادفی صورت می‌گیرد. در گروه‌های سنی ۲۴-۱۵ و ۳۴-۳۰ سال با توجه به منفی شدن آمارهٔ χ^2 فرضیهٔ H_0 که برآورد با اثر ثابت است، رد می‌گردد (اسکرایبر[1]، ۲۰۰۸). در گروه سنی ۳۹-۳۵ سال، با توجه به بزرگ بودن احتمال χ^2، مدل با اثری تصادفی تخمین زده خواهدشد. در باقی گروه‌ها برآورد با اثرات ثابت است که نتایج آن در جداول مربوط ارائه می‌شود.

جدول ۲. نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای منتخب حوزهٔ منا، گروه سنی ۱۵-۲۴

متغیر وابسته: احتمال مشارکت زنان گروه سنی ۱۵-۲۴			
متغیرهای توضیحی	ضریب	آماره t	P – value
متوسط سال‌های آموزش مقطع ابتدایی (pri)	-۰,۲۳	-۰,۸۷	۰,۳۸۲
متوسط سال‌های آموزش مقطع متوسطه (sec)	-۰,۰۰۳	-۰,۱۳	۰,۸۹
متوسط سال‌های آموزش عالی (ter)	۰,۲۶	۲,۷۸	۰,۰۰۵
لگاریتم تولید ناخالص داخلی (loggdp)	-۱,۸	-۴,۱۵	۰,۰۰۰
لگاریتم مربع تولید ناخالص داخلی (loggdpsq)	۰,۲۱	۳,۵۸	۰,۰۰۰
نرخ بیکاری (unm)	-۰,۰۰۱	-۰,۸۶	۰,۳۸
نرخ طلاق (div)	-۰,۰۹	-۴,۰۷	۰,۰۰۰
نرخ ازدواج (mar)	۰,۰۱	۲,۱۱	۰,۰۳
نرخ باروری (fer)	-۰,۰۶	-۲,۷	۰,۰۰۷
عرض از مبدأ	۳,۳۸	۴,۲۱	۰,۰۰۰
آماره F	۸۰,۶۶		۰,۰۰۰۰
R^2	۰,۵۲		

منبع: برآورد تحقیق با استفاده از نرم افزار Stata10

با توجه به جدول ۲، آماره‌ی F، بیانگر معناداری کل رگرسیون می‌باشد و متغیرهای به‌کار گرفته‌شده در مدل ۵۲ درصد تغییرات مشارکت زنان کشورهای منتخب حوزهٔ منا را توضیح می‌دهد. آمارهٔ تی-استیودنت نشان می‌دهد که متغیرهای متوسط سال‌های آموزش در مقطع آموزش عالی، لگاریتم تولید ناخالص داخلی و مربع آن، نرخ طلاق، ازدواج و باروری در سطح اطمینان بالای ۹۰٪ معنی‌دار می‌باشند. با توجه به این‌که بیشتر افراد این گروه سنی، در حال تحصیل می‌باشند، معنی‌دار نبودن ضرایب متوسط سال‌های آموزش مقاطع ابتدایی و متوسطه قابل توجیه‌است. ضرایب منفی و مثبت لگاریتم تولید ناخالص داخلی و مربع آن نشان‌دهندهٔ فرضیهٔ زنانهٔ U شکل است.

1. Schreiber

آمارهٔ F در جدول ۳، معناداری کل رگرسیون را بیان می‌دارد و متغیرهای مستقل در مدل ۷۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. ضرایب برآوردی مدل برای گروه سنی ۲۹-۲۵ سال در جدول ۳ بیان‌دارندهٔ آن است که متوسط سال‌های آموزش عالی، لگاریتم تولید ناخالص داخلی و مربع آن، نرخ طلاق و باروری در سطح معناداری بالای ۹۰ درصد معنادار هستند. افزایش متوسط سال‌های آموزش عالی سبب افزایش احتمال مشارکت زنان می‌شود. طلاق در افزایش نرخ مشارکت زنان نقش مثبتی دارد. ضریب منفی لگاریتم تولید ناخالص داخلی و مثبت بودن مربع آن تأییدی بر فرضیهٔ زنانهٔ U شکل بین رشد و نرخ مشارکت زنان است. ضریب منفی باروری نشان می‌دهد که افزایش باروری در زنان ۲۹-۲۵ ساله، نرخ مشارکت آنان را کاهش می‌دهد.

جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای منتخب حوزه منا، گروه سنی ۲۹-۲۵

متغیر وابسته: احتمال مشارکت زنان گروه سنی ۲۹-۲۵			
متغیرهای توضیحی	ضریب	آماره t	P – value
متوسط سال‌های آموزش مقطع ابتدایی (pri)	-۰,۰۰۲	-۰,۱۴	۰,۸۹
متوسط سال‌های آموزش مقطع متوسطه (sec)	۰,۰۲۰	۰,۷۶	۰,۴۴
متوسط سال‌های آموزش عالی (ter)	۰,۱۶	۱,۷۵	۰,۰۸
لگاریتم تولید ناخالص داخلی (loggdp)	-۱,۷۰	-۴,۹۶	۰,۰۰۰۰
لگاریتم مربع تولید ناخالص داخلی (loggdpsq)	۰,۲۲	۴,۷۵	۰,۰۰۰
نرخ بیکاری (unm)	-۰,۰۰۱	-۱,۲۳	۰,۲
نرخ طلاق (div)	۰,۰۴	۱,۸۶	۰,۰۶
نرخ ازدواج (mar)	۰,۰۰۲۵	۰,۵۲	۰,۶۰
نرخ باروری (fer)	-۰,۰۴۲	-۱,۸۱	۰,۰۷
عرض از مبدأ	۲,۹۳	۳,۳۴	۰,۰۰۰
آمارهٔ F	۶,۹۶		۰,۰۰۰
R^2	۰,۷۵		

منبع: برآورد تحقیق با استفاده از نرم افزار Stata10

با توجه به جدول ۴، ۰,۶۷ درصد از تغییرات مشارکت زنان توسط متغیرهای وابسته توضیح می‌شود و معناداری کل رگرسیون با آمارهٔ F تأیید می‌شود.

جدول ۴. نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای منتخب حوزهٔ منا، گروه سنی ۳۴-۳۰

متغیر وابسته: احتمال مشارکت زنان گروه سنی ۳۴-۳۰			
متغیرهای توضیحی	ضریب	آماره t	P – value
متوسط سال‌های آموزش مقطع ابتدایی (pri)	۰,۰۳۸	۱,۳۶	۱,۷۵
متوسط سال‌های آموزش مقطع متوسطه (sec)	-۰,۱	-۳,۲۶	۰,۰۰۱
متوسط سال‌های آموزش عالی (ter)	۰,۷۷	۶,۳۳	۰,۰۰۰
لگاریتم تولید ناخالص داخلی (loggdp)	-۰,۶۶	-۱,۶۸	۰,۰۹
لگاریتم مربع تولید ناخالص داخلی (loggdpsq)	۰,۰۷	۱,۲۸	۰,۲
نرخ بیکاری (unm)	-۰,۰۰۵	-۳,۵۲	۰,۰۰۰
نرخ طلاق (div)	۰,۰۹	۴,۴۹	۰,۰۰۰
نرخ ازدواج (mar)	۰,۰۰۴	۰,۹۳	۰,۳۵۵
نرخ باروری (fer)	-۰,۰۴	-۱,۸۶	۰,۰۶
عرض از مبدأ	۱,۰۳	۱,۳۹	۰,۱۶
آمارهٔ F		۱۷۵,۴۹	۰,۰۰۰
R^2	۰,۶۷		

منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم افزار Stata10

با توجه به ضرایب برآوردی آموزش عالی دارای اثری مثبت و معنادار است و با افزایش ۱ سال به متوسط سال‌های آموزش مقطع عالی، احتمال مشارکت زنان ۳۴-۳۰ سال منطقهٔ خاورمیانه به میزان ۰,۷۷ درصد افزایش می‌یابد. نرخ بیکاری دارای اثری دلسردکننده بر نرخ مشارکت زنان است و با افزایش آن نرخ مشارکت زنان کاهش می‌یابد. نرخ طلاق و باروری به ترتیب دارای اثری مثبت و منفی هستند.

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای منتخب حوزهٔ منا، گروه سنی ۳۹-۳۵

متغیر وابسته: احتمال مشارکت زنان گروه سنی ۳۹-۳۵			
متغیرهای توضیحی	ضریب	آماره t	P – value
متوسط سال‌های آموزش مقطع ابتدایی (pri)	۰,۰۳۹	۱,۴۱	۰,۱۶
متوسط سال‌های آموزش مقطع متوسطه (sec)	-۰,۰۱۶	-۰,۵۵	۰,۵۸
متوسط سال‌های آموزش عالی (ter)	۰,۳۳	۲,۳۲	۰,۰۲
لگاریتم تولید ناخالص داخلی (loggdp)	-۱,۶۰	-۳,۳۲	۰,۰۰۱
لگاریتم مربع تولید ناخالص داخلی (loggdpsq)	۰,۲۱	۳,۱۳	۰,۰۰۲
نرخ بیکاری (unm)	-۰,۰۰۵	-۲,۷۴	۰,۰۰۶
نرخ طلاق (div)	۰,۰۹۲	۳,۱۵	۰,۰۰۲
نرخ ازدواج (mar)	-۰,۰۰۱	-۰,۲۸	۰,۷
نرخ باروری (fer)	-۰,۰۵	-۱,۷۶	۰,۰۷
عرض از مبدأ	۲,۷	۲,۹۹	۰,۰۰۳
آمارهٔ F	۹۹		۰,۰۰۰
R^2	۰,۷۳		

منبع: برآورد تحقیق با استفاده از نرم افزار Stata10

در گروه سنی ۳۹-۳۵ سال، اکثر متغیرهای مدل در سطح بالای ۹۳ درصد معنادار هستند. آموزش عالی و نرخ طلاق اثری مثبت بر نرخ مشارکت زنان دارد. نرخ بیکاری و باروری به کاهش مشارکت زنان منجر می‌شود. فرضیهٔ U شکل بین رشد اقتصادی و نرخ مشارکت زنان وجود دارد.

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۶، برآورد گروه سنی ۴۰-۴۴ در کل معنادار است. البته با بالا رفتن گروه سنی ملاحظه می‌شود که تعداد عوامل تأثیرگذار بر نرخ مشارکت زنان رو به کاهش است.

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای منتخب حوزه منا، گروه سنی ۴۴-۴۰

متغیر وابسته: احتمال مشارکت زنان گروه سنی ۳۹-۳۵			
متغیرهای توضیحی	ضریب	آماره t	P – value
متوسط سال‌های آموزش مقطع ابتدایی (pri)	-۰,۰۷	-۳,۳۳	۰,۰۰۱
متوسط سال‌های آموزش مقطع متوسطه (sec)	۰,۰۲۸	۱,۳۵	۰,۱۷
متوسط سال‌های آموزش عالی (ter)	-۰,۰۵	-۰,۳۱	۰,۷۶
لگاریتم تولید ناخالص داخلی (loggdp)	-۰,۲۸	-۰,۷۳	۰,۴۶
لگاریتم مربع تولید ناخالص داخلی (loggdpsq)	۰,۰۴	۰,۸۱	۰,۴۲
نرخ بیکاری (unm)	-۰,۰۰۳	-۲,۰۹	۰,۰۴
نرخ طلاق (div)	۰,۰۳۵	۱,۵۰	۰,۱۳
نرخ ازدواج (mar)	-۰,۰۰۰۵	-۰,۱۱	۰,۹
نرخ باروری (fer)	-۰,۱۲	-۴,۵۲	۰,۰۰۰
عرض از مبدأ	۰,۶۶	۰,۹۳	۰,۳
آماره F	۵۱,۲۹		۰,۰۰۰۰
R^2	۰,۵۰		

منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم افزار Stata10

در این گروه سنی آموزش ابتدایی با اثری منفی بر نرخ مشارکت زنان تاثیرگذار است و بدین معناست که کمتر بودن متوسط سال‌های آموزش ابتدایی با افزایش مشارکت زنان همراه است. نرخ بیکاری و باروری با اثری منفی بر مشارکت زنان در ورود به بازار کار نقش دارند.

جدول ۷: نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای منتخب حوزه منا، گروه سنی ۶۴-۴۵

متغیر وابسته: احتمال مشارکت زنان گروه سنی ۶۴-۴۵			
متغیرهای توضیحی	ضریب	آماره t	P – value
متوسط سال‌های آموزش مقطع ابتدایی (pri)	-۰,۲۴	-۴,۹۸	۰,۰۰۰
متوسط سال‌های آموزش مقطع متوسطه (sec)	۰,۲۸	۱,۵۸	۰,۱۱۷
متوسط سال‌های آموزش عالی (ter)	-۰,۲۵	-۰,۳۴	۰,۷۳
لگاریتم تولید ناخالص داخلی (loggdp)	-۰,۲۸	-۰,۴۷	۰,۶۴
لگاریتم مربع تولید ناخالص داخلی (loggdpsq)	۰,۰۴۶	۰,۵۲	۰,۶۰
نرخ بیکاری (unm)	-۰,۰۰۴	-۲,۳۵	۰,۰۲
نرخ طلاق (div)	-۰,۰۰۰۰۴	-۰,۰۰	۰,۹۹
نرخ ازدواج (mar)	۰,۰۱۷	۲,۱۶	۰,۰۳
نرخ باروری (fer)	-۰,۰۹۳	-۲,۹۹	۰,۰۰۴
عرض از مبدأ	۰,۱۴	۰,۱۴	۰,۸۹
آماره F	۳۴,۶۰		۰,۰۰۰
R^2	۰,۳۷		

منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم افزار Stata10

در گروه سنی بالا آموزش ابتدایی با تأثیری منفی بر نرخ مشارکت زنان اثرگذار است و آموزش متوسطه در سطح معناداری ۰,۸۹ سبب افزایش شانس ورود زنان به بازارکار می‌شود. نرخ بیکاری و باروری به کاهش احتمال مشارکت زنان منجر می‌شوند.

در یک جمع‌بندی کلی، آموزش ابتدایی در گروه‌های سنی پایین و متوسط تأثیر چندانی بر نرخ مشارکت زنان ندارد، اما در گروه سنی ۴۴-۴۰ و ۶۴-۴۵ سال اثری منفی بر نرخ مشارکت زنان دارد. به عبارت دیگر، کاهش آموزش ابتدایی در گروه‌های سنی بالا منجر به مشارکت بیشترشان می‌گردد. آموزش متوسطه در مشارکت یا عدم مشارکت زنان در اکثر گروه‌های سنی، نقش مهمی را ایفا نمی‌کند؛ البته در سطح ۰,۸۹ درصد دارای اثری مثبت بر گروه‌های سنی ۴۴-۴۰ و ۴۵-۶۴ ساله است. آموزش عالی جز در گروه‌های سنی بالا دارای اثری معنادار و مثبت است. به عبارت دیگر، آموزش عالی سبب افزایش مشارکت زنان در گروه‌های سنی جوان و میان‌سال می‌شود و کمتر بودن متوسط سواد ابتدایی و بی‌سوادی اثر مثبت بر گروه‌های سنی بالا دارد. از این ضرایب برآوردی به این نتیجه می‌توان رسید که بازار کار در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا حالتی دوگانه دارد. به‌این معنا که در بازارهای کار، زنان بی‌سواد و با تحصیلات عالی از بیشترین نرخ مشارکت برخوردارند (نوروزی، ۱۳۸۱). زنان بی‌سواد عمدتاً در کارهای صنایع دستی، خدماتی مشغول به‌کارند و زنان دارای تحصیلات عالی معمولاً در بخش‌های آموزش و بهداشت اشتغال دارند. با توجه به ضرایب برآوردی، وجود رابطهٔ منفی بین لگاریتم تولید ناخالص داخلی و نرخ مشارکت زنان و رابطهٔ مثبت بین لگاریتم مربع تولید ناخالص داخلی و نرخ مشارکت زنان در تمام گروه‌ها و معنادار بودن آن جز در گروه‌های سنی بالا، دلالت بر رابطه‌ی U-شکل بین نرخ مشارکت زنان و رشد

اقتصادی دارد که نتیجهٔ مشابه‌ای مانند تحقیقات لینکو و آرنولد (۲۰۰۸)، لوسی (۲۰۰۹) و مونچ و ویجنبرگن (۲۰۰۹) به‌دست آمده‌است. علامت منفی ضریب نرخ بیکاری در تمام گروه‌های سنی بیان‌گر این می‌باشد که با افزایش نرخ بیکاری، نرخ مشارکت زنان کاهش می‌یابد. به‌عبارتی اثر دلسرد و مأیوس‌کنندهٔ بیکاری بر مشارکت زنان بیش از اثر تشویقی آن بوده‌است. نرخ باروری با اثری منفی و معنادار در تمام گروه‌های سنی دیده می‌شود. نرخ طلاق در گروه‌های سنی میانی ۲۵-۴۴ سال که بیشترین احتمال برای ازدواج و طلاق را دارند دارای اثری ترغیبی برای ورود زنان به بازار کار دارد. ازدواج بر گروه‌های سنی با اثری نامشخصن دیده شد.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت روزافزون نرخ مشارکت زنان در بازار کار و عوامل تأثیرگذار بر آن، و با توجه به این‌که نرخ مشارکت زنان حوزهٔ منا در سطح جهانی و هم‌چنین در مقایسه با نیروی کار مردان، از میزان بسیار پایینی برخودار است، تحقیق حاضر درصدد این بود که اثر عوامل اثرگذار را، با توجه به دسترسی به داده‌های مورد نیاز، در ۱۶ کشور حوزهٔ منا بررسی کند.

نتایج الگو حاکی از اثر مثبت بین متوسط سال‌های آموزش عالی در گروه‌های سنی جوان و میانسال بر نرخ مشارکت زنان در بازار کار است. بنابراین، دست‌یابی زنان جوان به مقاطع عالی و سرمایه‌گذاری در امکانات آموزشی بیشتر، با افزایش مشارکت اقتصادی زنان می‌تواند همراه می‌باشد. از سوی دیگر، ضریب منفی آموزش ابتدایی بر نرخ مشارکت در دو گروه سنی بالا گویای آن است که احتمال مشارکت زنان کم‌سواد در سنین بالا در بازار کار وجود دارد. اثر همسوی افزایش آموزش عالی و سطح بی‌سوادی با مشارکت زنان را شاهدی بر دوگانگی بازار کار کشورهای مورد بررسی می‌توان دانست در این‌گونه کشورها زنان یا دارای تحصیلات عالی هستند و بیشر در مشاغل آموزشی و بهداشتی به‌کار مشغول هستند و یا کم‌سواد و بی‌سواد هستند و در مشاغل خدماتی به کار اشتغال دارند. این دوگانگی بازار کار در این کشورها رد یا عدم رد فرضیهٔ "افزایش سطح تحصیلات زنان، نرخ مشارکت زنان را در بازار کار افزایش می‌دهد." را با دوگانگی مواجه می‌سازد. یعنی برای زنان دارای تحصیلات عالی، با عدم رد فرضیه و برای زنان دارای تحصیلات ابتدایی با رد این فرضیه مواجه هستیم.

بین رشد اقتصادی و نرخ مشارکت زنان رابطهٔ U شکل وجود داشته‌است که بدین مفهوم است که فرضیهٔ زنانهٔ U شکل که بیان‌کنندهٔ یک اثر محدب از رشد اقتصادی بر نرخ مشارکت زنان می‌باشد. به این معنا که رشد اقتصادی، مشارکت زنان در بازار کار را ابتدا کاهش و سپس در مراحل توسعه آن را افزایش می‌دهد. به بیان دیگر، در دو حالت توسعه‌یافتگی و عدم توسعه‌یافتگی، مشارکت زنان با احتمال بیشتری همراه است. نرخ بیکاری و باروری دارای اثری منفی و معنادار بر مشارکت زنان و نرخ طلاق سبب افزایش این نرخ می‌شود.

در کشورهای در حال توسعه، تأکید بر آموزش زنان به مراتب بیشتر احساس می‌شود. افزایش زمینه‌های متناسب با امکانات آموزشی و دانشگاهی بیشتر، مسیر ورود زنان به بازار کار را تسهیل می‌کند. برخی از دوره‌های آموزشی اساسی و پایه‌ای می‌تواند سبب انتقال زنان از بخش کشاورزی به بخش‌های خدمات و صنعت را فراهم آورد. از سوی دیگر، با توجه به

تغییرات اجتماعی و فرهنگی دو دههٔ اخیر و تغییر در ترکیب جنسیتی جمعیت دانشگاهی در دههٔ اخیر تاکنون، تأثیر مثبت تحصیلات آموزش عالی بر نرخ مشارکت زنان، افزایش هر چه بیشتر نرخ مشارکت زنان در سال‌های آتی مورد انتظار است. از این‌رو، فراهم نمودن زمینه‌های افزایش تولیدات داخلی که به افزایش زمینه‌های اشتغال منجر می‌شود، می‌تواند راه‌گشا باشد. هم‌چنین رفع موانع فرهنگی و اجتماعی موجود و فرهنگ‌سازی مناسب می‌تواند زمینه‌ساز حضور فعال زنان در فعالیت‌های اقتصادی گردد.

منابع

ایروانی، م (۱۳۸۴). زنان، نظام اموزش عالی و اشتغال در ایران. فصل‌نامهٔ بررسی‌های اقتصادی، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۲، ص‌ص ۸۲-۱۰۲.

زراءنژاد، م و منتظر حجت، ا. م (۱۳۸۴) نگاهی به مشارکت اقتصادی زنان در ایران، پژوهش‌نامهٔ علوم انسانی و اجتماعی، سال پنجم، شمارهٔ ۱۷، ص‌ص ۷۷-۱۰۴.

عمادزاه، م (۱۳۸۲). اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان. پژوهش زنان، دورهٔ ۱، سال ۲، شمارهٔ ۷، ص‌ص ۱۱۵-۱۴۰.

مجتهد، ا و س جوادی‌پور، س (۱۳۸۳)، بررسی اثر مخارج بهداشتی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای منتخب در حال توسعه)، فصل‌نامهٔ پژوهش‌های اقتصادی ایران، شمارهٔ ۱۹، ص‌ص ۳۱-۵۴.

میرزایی، ح (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان ایران با استفاده از مدل رگرسیونی داده‌های پانلی، پژوهش زنان، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۱، ص‌ص ۱۱۳-۱۳۲.

نوروزی، ل (۱۳۸۰)، تأثیر تحصیلات عالی بر نرخ مشارکت و عرضهٔ نیروی کار زنان و پیش‌بینی تحولات آن در آینده، مؤسسهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاست‌گذار توسعهٔ منابع انسانی کشور، طرح پژوهشی شمارهٔ ۲۶.

نوروزی، ل (۱۳۸۱)، مدلی برای تبیین نرخ مشارکت اقتصادی زنان شهری و تحولات آینده، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۴، ص‌ص ۱۳۸-۱۶۰.

نوروزی، ل (۱۳۸۳)، تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی، پژوهش زنان، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۱، ص‌ص ۱۶۵-۱۷۸.

Abdullah, N., & Abu Bakar, N.A. (2011). The Causal Relationship between Fertility and Women Labor Force Participation: Evidence for the Four Selected Asian Countries. *European Journal of Social Sciences*, ISSN 1450-2267, 26(2), 154-158

Ali Khan, R. E., & Khan, T. (2009). Labor force participation of married women in Punjab (Pakistan). *Journal of Economic and Social Research*; 11, 2, 77-106.

Anker, R. (1998*). Gender and Jobs: Sex Segregation of Occupation in the World*. Geneva, ILO.

Arango, L. E., & Posada, C. E. (2007). Labour participation of married women in Colombia. *DESARROLLO Y SOCIEDAD*; pp. 93-126.

Aziz, F. (2008). Trends in labor force participation rates by gender and race. *Economics School of Business*. Hamline University.

Bbaale, E. (2011). Female Education, Labour force participation and fertility: Evidence from Uganda. *Final Report Submitted to the African Economic Research Consortium (AERC)*, Nairobi-Kenya.

Bratti, M. (2003). Labour force participation and marital fertility of Italian women: the role of education. *Journal of Population Economics*; No. 16, 525-554.

Bremmer, D., & Kesselring, R. (2004). Divorce and Female Labor Force Participation: Evidence from Times-Series Data and Co-integration. *Association of European Journalists: AEJ,* 32(3).

Butlin, G. (1995). Adult Women's Participation Rate at a Standstill. *Perspectives on Labour and Income*, 7, 30-33.

Castel, V., Phiri, M., & Stampini, M. (2010). Education and employment in Malawi. *African Development Bank Group*, Working Paper series, No. 110.

Contreras, D., & Plaza, G. (2008). Female Labor Force Participation in Chile: How Important Are Cultural Factors?. *Journal of Feminist Economics.*

Ejaz, M. (2007). Determinants of female labor force participation in Pakistan an empirical analysis of PSLM (2004-05) Micro Data. *The Labore Journal of Economics*, 203-235

Euwals, R., Knoef, M., & Vuuren, D.V. (2007). The trend in female labour force participation: What can be expected for the future?. *IZA Discussion Paper Series*; No. 3225.

Evanse, M.D.R., & Kalley, J. (2004). Trends in women's labor force participation in Australia: 1984-2002. *Melbourne Institute; Working Paper*, ISSN 1328-4991, ISBN 0 7340.

Evans M.D.R., & Kelley, J. (2011). PROJECT 26: Effects of education, fertility and divorce on married women's employment: Patterns past, present and future. *Melbourne Institute of Applied Economic and Social Research*, Working Paper

Faridi Z. M., Malik, Sh., & Basit, A.B. (2009). Impact of education on female labour force participation in Pakistan: Empirical evidence from primary data analysis. *Pakistan Journal of Social Sciences (PJSS);* 29, 1, 127-140

Genre V., Salvador, R. G., & Lamo, A. (2005). European women why do (not) they work?. *European central Bank*, Working Paper Series, No 454.

Ince, M. (2010). How the education affects female labor force? Empirical evidence from Turkey. *Procedia Social and Behavioral Sciences*; 2, 2, 634-639.

Jao Y., & Li, J.A. (2011). Trends in the labor force participation of married mothers of preschool-aged children in Taiwan. *RAND Working Paper*; No. 850.

Jaumotte, F. (2003). Female labour participation: Past trends and main determinants in OECD countries. *Economics Department Working Paper;* No. 379.

International Labour Office, 2010 "Women in labor markets: Measuring progress and identifying challenges". Geneva: ILO.

Lincove, J. A. (2008), Growth, girls' education and female labor: A longitudinal analysis. *The Journal of Developing Areas*; 41. 2. 45-68.
Lisaniler, F.G., & Bhatti, F. (2005). Determinants of female labour force participation: A study of North Cyprus. *Review of Social, Economic & Business Studies*, Vol. 5/6, 209–226.
Mainddin, M. (2012). Education and Women's Participation in India Economy: A Regional Analysis. *Journal of Geography and Regional Planning*; 5, 2, 36-50.
Munch, C., & Wijnbergen, S. (2009). Education and labor market activity of women: An age-group specific empirical analysis. *University of Amsterdam, Tinbergen Institute Discussion Paper*.
Ntuli, M. (2007). Determinants of South African women's labour force participation, 1995-2004. *IZP Discussion Paper Series*, NO. 3119.
Psacharopoulos, G., & Tzannatos, Z. (1987). Education and female labor force participation, *Paper presented at the World Congress of Comparative Education*, 6th, Rio de Jaherio, Brazil, Reports – Research, Technical. Speeches/Conference Papers (150).
Priebe, J. (2011). Child Costs and the Causal Effect of Fertility on Female Labor Supply: An Investigation for Indonesia 1993-2008. *University of Göttingen*, CRC-PEG Discussion Paper No. 45.
Sackey, H. (2005). Female labour force participation in Ghana: The effect of education. *AERC Research Paper 150, African Economic Research Consortium, Nairobi*.
Schreiber, S. (2008). The Hausman test statistic can be negative even asymptotically. *Journal of Economics and Statistics*, 228. 394-405.
Smits, J., & Verloo, M. (2008). Micro and Macro-level Determinants of Women's Employment in Six MENA Countries. Nijmegen Center for Economics (NiCE), *Institute for Management Research*, Radboud University Nijmegen, Working Paper 08-104.
Tansel, A. (2002). Economic development and female labor force participation in Turkey: Time-series evidence and cross-province estimates. *Economic Research Center*, ERC Working Papers in economics 01/05.
Tanveer, M., & Elhorts, J. P. (2008). Demographic transition and female labor force participation behavior: An empirical investigation. European Economic Association & Econometric Society 2009 Parallel Meetings. Female labor supply. Barcelona.
United Nations, 2010, "The World's Women 2010 Trends and Statistics" Department of Economic and Social Affairs, United Nations, New York, 2010.
Yenilmez, F., & Isikli, B. (2010). The comparison of labor force participation rate of women in Turkey with the world country groups. *Anadolu University Journal of social*, 10, 3, 77–92.
www.ILO.org
www.sid.ir
http://unstats.un.org
www.worldbank.com
http://www.unesco.org/new/en/

آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی رهیافتی بر اشتغال زنان

زهرا زمانی زنوز[1]
فاطمه زمانی زنوز[2]

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی بر اشتغال زنان انجام‌شده، نوع تحقیق توصیفی بوده و باروش کتابخانه‌ای، اسناد و پژوهش‌های پیشین که با موضوع ارتباط محتوایی و اهدافی دارد، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. مسئلهٔ اشتغال، به‌ویژه اشتغال زنان طی دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از موضوعات مهم و تأثیرگذار در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشور تبدیل شده است. هرچند اشتغال زنان طی سال‌های گذشته به‌دلیل افزایش جمعیت فعال با دشواری‌هایی مواجه شده است، اما زنان با کارآفرینی می‌توانند در عرصه‌های اقتصادی، شرایط فعالیت خود را در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی باز تعریف کنند و آن را بهبود بخشند. هم‌اکنون حدود ۶۵ درصد صندلی‌های دانشگاه‌ها توسط زنان اشغال شده است. درحالی‌که در بازار کار کشور، مشارکت زنان کمتر از ۱۳ درصد است. به‌عبارتی مشارکت زنان کمتر از یک‌پنجم حضور آنها در دانشگاه‌های کشور است. نابرابری چنین گسترده حاکی از آن است که بازار کار کشور هنوز مناسب کار زنان در ابعاد گسترده نیست و زنان به‌ویژه زنان دارای تحصیلات دانشگاهی با مشکلات بیشتری، برای حضور فعال در بازار کسب و کار مواجه هستند. امروزه تحقیقات نشان می‌دهد که با افزایش آموزش و مهارت‌های تخصصی، بهره‌وری و کارایی که از اصول اساسی توانمندی شغلی و کارآفرینی به‌حساب می‌آیند، افزایش می‌یابد. هر چند آموزش تنها عامل توسعهٔ کارآفرینی در جامعه نیست، اما بی‌شک یکی از اساسی‌ترین عوامل رشد و توسعهٔ کارآفرینی در کنار سایر عوامل موجود در یک سیستم تعریف‌شده برای بهبود شاخص کارآفرینی به حساب می‌آید. کارآفرینی به‌ویژه برای زنان نیاز به حمایت و پشتیبانی از سوی دولت‌ها را دارد. زیرا در غیر این‌صورت فقط تعداد برگزیده‌ای که دارای ممارست و پیگیری مضاعفی هستند، می‌توانند از طریق کارآفرینی راهی برای حضور در بازار کسب و کار بیابند. با توجه به دانش و مهارتی که زنان طی سال‌های اخیر فراگرفته‌اند، امکان ایجاد کسب و کار به‌صورت فردی و یا گروهی در رشته‌های مختلف تخصصی را دارند، ایجاد تفکر کارآفرینی و ورود به کسب و کار در میان آنها باعث می‌شود تا بتوانند با بهره‌گیری از استعدادهای بالقوهٔ خود، افرادی خلاق، نوآور و خودباور شوند.

واژگان کلیدی: مهارت‌آموزی و اشتغال، کارآفرینی و اشتغال زنان، مهارت‌آموزی زنان.

---

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، دفتر طرح و برنامه‌های درسی،
Email:zamanizenooz@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد ریاضی، کارمند بانک پاسارگاد،
Email:zamanielnaz@yahoo.com

مقدمه

آموزش یکی از زمینه‌های زیربنایی تقویت آگاهی افراد و از منابع حیاتی توسعه بوده که باعث می‌شود افق‌های جدید و نویی فراروی انسان‌ها قرار بگیرد. یکی از ابعاد مهم و اساسی آموزش آن است که دامنهٔ فراخی از انتخاب و اختیار را به روی آدم می‌گشاید و آنان را در انتخاب، توانا می‌سازد. در این ارتباط می‌توان خاطرنشان ساخت که یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهند که حتی زنانی که تا حدی از آموزش ابتدایی برخوردارند، مدیرانی کوشا و توانمند برای ادارهٔ منابع خانه‌داری بوده و در زمینهٔ فعالیت‌های مربوط به تندرستی، بهداشت، تغذیه و تعلیم و تربیت و... موجبات ارتقاء و بهزیستی خانواده را فراهم می‌آورند. علاوه بر این، آموزش و پرورش این امکان را برای زنان فراهم می‌آورد که بر پیش‌داوری‌های اجتماعی غلبه نموده و سررشتهٔ زندگی را خود به دست گیرند و در زندگی اجتماعی مشارکتی بیشتر داشته باشند. (مهرانگیز، ۱۳۷۹)

لازم به ذکر است، در جهان امروزین، اعتقاد بر این است که منابع انسانی پایهٔ اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند. چراکه سرمایه و منابع طبیعی، عوامل تبعی تولیدند حال آنکه انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه را متراکم ساخته، از منابع طبیعی بهره‌برداری نموده، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را پایه‌ریزی کرده و توسعهٔ ملی را به جلو می‌برند. بنابراین، اگر کشوری قادر نباشد مهارت و دانش مردم را توسعه بخشد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری نماید، نخواهد توانست چیز دیگری را توسعه بخشد. (عسگری، ۱۳۷۸)

از این‌رو، کشورهایی که خواهان دستیابی به مدارج بالای توسعه‌یافتگی می‌باشند، سعی وافر در به‌کارگیری عوامل لازم جهت ارتقای دانش، بینش و مهارت عوامل انسانی خویش داشته و در این راه از شیوه‌ها و روش‌های مختلف و متفاوتی سود می‌جویند. لذا، می‌توان گفت یکی از این عوامل و شیوه‌ها آموزش رسمی یا همان آموزش مدرسه‌ای بوده و شامل آن قسمت از نظام آموزشی است که از کودکستان آغاز و تا اتمام آموزش عالی ادامه می‌یابد. این نوع آموزش، حالتی بسیار سازمان‌یافته داشته و دارای ساختاری مشخص می‌باشد و از سلسله‌مراتب منطقی پیروی می‌نماید. از طرف دیگر، می‌توان آموزش غیررسمی یا مهارتی را به‌عنوان نوع دیگر ابزار یا عوامل مؤثر در ارتقاء دانش، بینش و مهارت عوامل انسانی قلمداد نمود. این نوع آموزش اگرچه در جوامع مختلف از توان بالنسبه متفاوتی برخوردار است ولیکن، همواره به‌عنوان یکی از بهترین راه‌های ارتقای دانش و توسعهٔ افراد انسانی، به‌عنوان اصلی‌ترین عامل آموزش مهارتی مورد نظر بوده است. در اینجا باید خاطر نشان نمود پتانسیل آموزشی موجود نه‌تنها در جوامع مختلف جهانی متفاوت می‌باشد، بلکه میزان و چگونگی توزیع آن در مناطق مختلف یک جامعهٔ واحد همچون یک کشور نیز یکسان نمی‌باشد. مورد مذکور یکی از عمده‌ترین دلایل عدم توفیق کامل آموزش غیررسمی در جوامع کشورهای جهان سوم می‌باشد که اوج عدم موفقیت آموزش‌های غیررسمی در جوامع توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته، در توزیع ناعادلانهٔ این‌گونه آموزش‌ها میان زنان و مردان می‌باشد. به بیان دیگر، گرچه آموزش‌های غیررسمی با هدف افزایش سطح مهارتی افراد به‌منظور بهره‌گیری

مناسب و بهینه از منابع مادی و سرمایه‌ای و همچنین کاهش فقر، توزیع عادلانهٔ درآمد، افزایش تولید و ... پدید آمده، ولیکن بنا به دلایل متعدد، در انجام رسالت خویش از ناکامی محسوسی برخوردار بوده است.

برخی از عوامل مؤثر در این ناکامی و عدم دسترسی زنان و دختران به آموزش عبارت بوده‌اند از:

۱. نیاز شدید والدین به نیروی کار دختران،
۲. عدم توجه کارشناسان و برنامه‌ریزان آموزشی به نیازهای آموزشی زنان و دختران،
۳. عدم وجود مراکز یا مکان‌های مناسب برای آموزش زنان و دختران،
۴. وجود و برپایی کلاس‌های مختلط (پسر و دختر)،
۵. هزینه‌های آموزشی،
۶. عدم تصور نقش حیاتی برای دختران،
۷. وجود برخی سنن و اعتقادات اجتماعی و فرهنگی غلط در مورد دختران،
۸. ازدواج زودرس،
۹. عدم دسترسی به اشتغال، استخدام و درآمد. (مهرگان،۱۳۹۰)

در اغلب نقاط دنیا زنان از مزایای اشتغال، کار دستمزدساز و درآمد محرومند. تعداد بسیار کمی از آنها در بخش‌های رسمی مشغول به‌کار می‌باشند و بقیه که در بخش‌های غیررسمی فعالیت دارند، اغلب مزدی دریافت نکرده و یا مزد بسیار کمی می‌گیرند.

با توجه به اینکه دسترسی به آموزش مهارتی، دسترسی به اشتغال را میسر و تسهیل می‌نماید و به دنبال آن بسیاری از مشکلات دختران و زنان را چاره‌ساز است. بنابراین، باید متذکر گردید که در اغلب نقاط دنیا زنان از مزایای اشتغال، کار دستمزدساز و درآمد محروم می‌باشند. حال آنکه زنان ۵۰ درصد از جمعیت بالغ دنیا و یک سوم از نیروی کار رسمی دنیا را تشکیل می‌دهند. اما با وجودی که نزدیک به دو سوم ساعت کار، به فعالیت مشغولند، تنها یک‌دهم درآمد جهان را دریافت داشته و کمتر از یک درصد دارایی‌های دنیا به آنان تعلق دارد. بر اساس آمار در کشورهای صنعتی میانگین حقوق زنان، در سطحی بین۵۰ تا ۸۰ درصد حقوق مردان در مقابل ساعات کار مساوی است. در اکثر کشورها، کارفرمایان در ازای مشاغل خاصی که برای زنان در نظر می‌گیرند، مزد کمتری پرداخت می‌کنند.

اقتصاددانان نیز کار بدون پاداش زنان را از حساب‌های ملی حذف می‌کنند و از در نظر گرفتن زنان خانه‌دار به‌عنوان قسمتی از جمعیت فعال خودداری می‌نمایند. شاید بتوان مهم‌ترین مشکل اشتغال زنان را موارد ذیل دانست:

- کار خانگی زنان که متضمن دریافت پاداش مادی نمی‌باشد و نقش آنان در خانواده منحصر به باروری و تولید مثل است که آن هم تابعی از قدرت و ارادهٔ شوهر است.
- زنان از ایفای نقش‌های تولیدی و از امکانات برابر در اشتغال برخوردار نیستند. بسیاری از مشاغلی که به زنان واگذار می‌شود دارای کمترین مزایای مادی و امکان پیشرفت است.
- محرومیت زنان از زندگی اجتماعی و سیاسی، بر اشتغال آنان اثر منفی می‌گذارد. سوادآموزی، بهبود دانش فنی نسبت به کارهای خانه و دسترسی به تعلیمات فنی و

حرفه‌ای، اقداماتی هستند که هر یک جنبهٔ خاصی از مسألهٔ زنان را مدنظر داشته، اما آن را با درکی جامع از جامعه، سازمان و نحوهٔ کار آن ادغام نکرده‌اند. (رجب پور، ۱۳۸۴)

بر اساس مطالعات دفتر امور زنان سازمان بهزیستی کشور، در ارتباط با اشتغال زنان، سه دیدگاه وجود دارد:

- بینش مخالف با اشتغال زنان: بر اساس این بینش، زن باید در محدودهٔ خانه زندانی شود و هر فرصت برای کار و تلاش مؤثر از او سلب گردد و کار او تنها به شوهرداری، بچه‌داری و خانه‌داری منحصر شود. در این گزارش، بینش مذکور را ناشی از دو عامل می‌داند:
- یکی جهل و ناآگاهی نسبت به تعالیم مقدس اسلام و دیدگاه‌های این آیین حیات‌بخش و زندگی‌آفرین در ارتباط با زنان و دیگری اوضاع نامطلوب اجتماعی در دوران سلطه رژیم ستم‌شاهی به دلیل فساد و فحشا و بهره‌برداری‌های ناصواب از حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و رشد و گسترش مشاغل کاذب در میان زنان در آن دوران.
- بینش موافقین افراطی با اشتغال زنان: این بینش زاییدهٔ تفکر و فرهنگ غرب می‌باشد که به عنوان آزادی زنان، آنان را در بیراهه‌های جاهلیت مدرن غلطانیده و از جسم او برای تأمین مطامع سیاستمداران و سرمایه‌داران بزرگ سوء استفاده می‌کند.
- بینش موافق با اشتغال معقول و متعادل زن: در این بینش، هرگز شخصیت و منزلت زن فدای اهداف و انگیزه‌های اقتصادی نمی‌شود و زن را بالاتر از آن می‌داند که شأن و هویت انسانی‌اش را در لجنزارهای شهوانی و نفسانی آلوده کند. این بینش هرگز حاضر نیست که هویت انسانی زن با سود و بهره‌برداری معامله شود. (زعفرانچی، ۱۳۸۸)

روش‌شناسی

با توجه به نوع پژوهش که توصیفی می‌باشد، روش تحقیق در این پژوهش روش کتابخانه‌ای بوده و اسناد و پژوهش‌های صورت گرفتهٔ پیشین که با موضوع ارتباط محتوایی و اهدافی دارد موردمطالعه و بررسی قرار گرفته و سپس با گردآوری مطالب مربوطه پژوهش حاضر گردآوری شده است.

یافته‌ها

در جامعهٔ امروز، زنان نقش مهم و در حال گسترشی در زمینهٔ کسب و کار دارند. در سال‌های اخیر سهم زنان در کسب و کارهای خصوصی به‌اندازهٔ کارهای دولتی روند رو به رشدی را طی کرده است. مثلاً در آمریکا از سال ۱۹۹۰ تا سال ۱۹۹۸ کارهایی که توسط زنان اداره می‌شود، افزایش چشمگیری داشته است. ۹/۱ میلیون کار اداره‌شده توسط زنان در آمریکا ۲۷/۵ میلیون نفر را به‌کار گرفته است و ۳/۶ تریلیون دلار در اقتصاد آمریکا مشارکت دارد. با این وجود، زنان با موانع خاصی در کسب و کار مواجه می‌شوند که به‌تدریج باید بر آن‌ها غلبه کنند. (پرکاس، ۱۳۹۰)

یکی از راهکارها کاربرد کارآفرینی است که خود بسیار فراتر از ایجاد شغل و اشتغال‌زایی است. کارآفرینی فرایندی ارزشی است که منجر به تولید کالا یا خدمتی جدید می‌شود. با توجه به مشارکت همه‌جانبهٔ زنان در آموزش‌های رسمی و غیررسمی و حضور مؤثر آنان در

عرصه‌های علم و دانش که نشانگر وجود شایستگی و توانمندی در آن‌هاست، ایجاد کسب و کار مبتنی بر کارآفرینی توسط زنان در مقیاس‌های کوچک و متوسط چه به صورت کار در منزل و چه به صورت ایجاد شرکت‌های تولیدی، دستاوردهای مهمی خواهد داشت. با توجه به نوپایی کارآفرینی زنان مشکلات زیادی وجود دارد. مهم‌ترین آنها مشکلات فرهنگی ـ اجتماعی است که رفع آن مستلزم اجرای سیاست‌ها و ساز وکارهای مناسب با آن است. یکی از راه‌های حل معضل بیکاری در میان زنان تحصیل‌کرده، توسعهٔ کارآفرینی در میان زنان و دختران دانشگاهی است. ایجاد تفکر کارآفرینی و ورود به کسب و کار در میان بانوان کشور خصوصاً دانش‌آموختگان دانشگاهی که با توجه به دانش و مهارتی که در رشتهٔ تخصصی دانشگاهی خود فراگرفته‌اند، امکان ایجاد کسب و کار به صورت فردی یا گروهی در رشتهٔ تخصصی خود را دارند و باعث می‌شود آنها با بهره‌گیری از استعدادهای بالقوهٔ خود افرادی خلاق، نوآور و کارآفرین شوند و خود را باور کنند که این خودباوری نه تنها منجر به تسلط و موفقیت در زندگی شخصی‌شان می‌شود، بلکه بسیاری از ناهنجاری‌های فکری و روانی که امروز با آن دست به گریبانند را کاهش خواهد داد و آنان را به جایگاه واقعی خود می‌رساند. (صادقی، ۱۳۸۳)

در حال حاضر زنانی در کشور ما به‌عنوان نیمی از جامعه نه تنها دیگر خانه‌نشین نیستند، بلکه متقاضیان مهارت‌دیده و دارای تحصیلات عالیه‌اند که از این نظر بر مردان برتری یافته‌اند. به‌طوری‌که هم‌اینک بیش از ۶۰ درصد از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به محدودیت‌های سرمایه‌گذاری از سوی دولت، کارآفرینی اگر نگوییم تنها راه پیش‌رو است، دست‌کم یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های معضل بیکاری زنان محسوب می‌شود. اما جامعهٔ ما با پذیرش این بینش که کار منزل برای زنان و کار بیرون برای مردان و اولویت اشتغال نیز برای مردان است. نیمی از آحاد جامعه را از صحنه‌های اقتصادی کشور حذف کرده‌اند. لذا، زنان کشور ما نیاز به الگوهایی دارند که آنان را در یافتن مسیر مناسب زندگی کاری یاری دهد. برای ارائهٔ چنین الگویی، توجه به عوامل فرهنگی جامعه با در نظر گرفتن جایگاه اصلی زنان در خانواده ضروری به‌نظر می‌رسد. یکی از مسائلی که نتیجهٔ مطالعات متعدد در کشورهای مختلف است، پایین بودن نرخ کارآفرینی بین زنان کمتر است! این سؤال از این‌رو اهمیت دارد که نزدیک به نیمی از جمعیت کشورها را زنان تشکیل می‌دهند و در عین‌حال به واسطهٔ تحولات گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فنی زنان، آمادگی بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی پیدا کرده‌اند. بنابراین، هرگونه افزایش در نرخ کارآفرینی زنان می‌تواند در نهایت به شتاب‌گیری توسعهٔ کارآفرینی و اشتغال منجر شود. اما چرا زنان کمتر از مردان به شروع فعالیت‌های کارآفرینانه اقدام می‌کنند؟ و آیا دلایل مؤثر در کاهش نرخ کارآفرینی زنان در مقایسه با مردان از آنچنان اهمیتی برخوردارند که نیاز به رویکردهای متفاوتی در توسعهٔ کارآفرینی زنان را موجه کنند؟ در پایان باید گفت در شرایط کنونی جامعهٔ ایران یکی از بهترین راهکارهای حل معضل بیکاری در میان زنان، آموزش و کارآفرینی است. گرچه تجربهٔ زنان کارآفرین حکایت از مشکلات و موانع بسیاری در مسیر کارآفرینی زنان دارد، اما امید آن می‌رود که با عنایت مسئولان و تلاش بیش از پیش زنان در جهت رفع مشکلات، آینده‌ای بهتر را نظاره‌گر باشیم. (فهیمه ملک زاده، ۱۳۷۸)

بحث و نتیجه‌گیری

واژهٔ کارآفرین از کلمهٔ معنای متعهد شدن[1] مشتق شده که در اصل از زبان فرانسه به دیگر زبان‌ها راه یافته است. انگلیسی‌ها سه اصطلاح با نام‌های ماجراجو، متعهد و کارفرما را در مورد کارآفرین به‌کار می‌بردند. از نظر آنها، کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند.

در واقع، کارآفرین کسی است که نوآوری خاص داشته باشد. این نوآوری می‌تواند در ارائهٔ یک محصول جدید، ارائهٔ یک خدمت جدید، در طراحی یک فرآیند نوین و یا نوآوری در رضایت مشتری و... باشد.

کارآفرینان در واقع به تغییر به عنوان مقولهٔ تعیین‌کننده می‌نگرند، آنها ارزش‌ها را تغییر می‌دهند و ماهیت آنها را دچار تحول می‌کنند. آنان برای تحقق این ایده، قدرت ریسک‌پذیری خود را به‌کار می‌گیرند. به درستی تصمیم‌گیری می‌کنند و از این‌رو، هر کس به درستی اتخاذ تصمیم نماید به نوعی کارآفرین تلقی می‌شود.

از نظر «شومیتر»[2] کارآفرین نیروی محرکه و موتور توسعهٔ اقتصادی است. وی مشخصهٔ کارآفرین را نوآوری می‌داند. همچنین، «جفری تیمونز»[3] معتقد است که کارآفرین فردی است که باعث خلق بینشی ارزشمند از هیچ می‌شود. (کریمی، ۱۳۹۰)

کارآفرینی فرآیندی است که بتواند با استفاده از خلاقیت، چیز نویی را همراه با ارزش جدید با استفاده از زمان، منابع، ریسک و به‌کارگیری همزمان به‌وجود آورد کارآفرینی گویند. کارآفرینی فقط فردی نیست. سازمانی هم می‌تواند باشد، حتی شرکت‌های بزرگ اعم از دولتی و خصوصی هم می‌توانند به کارآفرینی دست زنند. امروزه حتی صحبت از دولت کارآفرین به میان آمده است.

به عقیدهٔ «ارتورکول»[4] کارآفرینی عبارت است از فعالیت هدفمند که شامل یک سری تصمیمات منسجم فرد یا گروهی از افراد برای ایجاد، توسعه یا حفظ واحد اقتصادی است. «روبرت نشتات»[5] کارآفرینی را قبول مخاطره، تعقیب فرصت‌ها، ارضای نیازها از طریق نوآوری و تأسیس یک کسب و کار می‌داند. از نظر «پیتر دراکر»[6] کارآفرینی یک رفتار می‌باشد و در واقع به‌کار بردن مفاهیم و تکنیک‌های مدیریتی، استانداردسازی محصول، بنا نهادن کار بر پایهٔ آموزش می‌باشد. (چنگیزی، ۱۳۸۸)

نقش کارآفرینی در اشتغال

زمانی که کارآفرینان یک شغل جدید را شروع می‌کنند، بالطبع حداقل به یک یا چند نیروی استخدامی نیاز دارند تا کارهای خود را سامان بخشند. کارآفرینان به علت قابلیت اشتغال‌زایی که دارند، به کاهش نرخ بیکاری که از اهداف کلان اقتصادی، اجتماعی، دولت‌ها است کمک می‌کنند. بنابراین، کارآفرینی می‌تواند زمینه‌ساز اشتغال نیروی کار باشد و نوآوری که در یک

1. Entrepreneur
2. Shomiter
3. Jefry Timonz
4. Artour col
5. Robert Neshtat
6. Piter Dracer

فعالیت اقتصادی توسط خود فرد ایجاد می‌شود، خود نیز منجر به ایجاد اشتغال در جامعه می‌گردد. بر اساس آخرین نظرسنجی که تحت عنوان فرهنگ کار و نگاه ایرانیان در آن انجام شده است، فقط ۴۲ درصد از جمعیت ایران خواهان شغل‌های ثابت اداری و یا در چارچوب شغل‌های وظیفه‌گرایی هستند. این در حالی است که در سال ۲۰۰۰ بیش از ۶۲ درصد از جمعیت دنیا اظهار داشتند که می‌خواهند دارای شغل مستقل (فعالیت خوداشتغالی) باشند، ۳۴ درصد از کل جمعیت بالا آمادهٔ پذیرش ریسک به‌منظور دستیابی به رضایت شغلی متکی بر فعالیت‌های فردی تأکید داشتند. امروزه روحیهٔ کارآفرینی به شدت در میان جمعیت جوان ایران در حال گسترش است. از طرفی، با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی کشور در حال حاضر، توجه به کارآفرینی بیش از پیش حائز اهمیت شده است. با عنایت به اعمال سیاست کاهش تصدی‌گری دولت و همچنین محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، سوق‌دهی جوانان و زنان جویای کار به سمت مشاغل کارآفرینی و خوداشتغالی ضرورت می‌یابد. مملکتی که یکی از آغازکنندگان تمدن بشری بوده، احتیاج به جوانانی دارد که کانون‌های تولید و اشتغال را در جامعه تشکیل دهند. (محمدی، ۱۳۸۹)

مزایا و منافع کارآفرینی

- کارآفرینی عامل ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری است.
- کارآفرینی عامل تحریک و تشویق حس رقابت است.
- کارآفرینی عامل تغییر و نوآوری است.
- کارآفرینی باعث ایجاد اشتغال می‌شود.
- کارآفرینی کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد.
- کارآفرینی موجب توزیع مناسب درآمد می‌شود.

بنابر منافع مذکور، امروزه در تمام سرمایه‌گذاری‌های دنیا سعی بر این است که مغزهای متفکر صنعتی را شناسایی و جذب کنند، زیرا دنیای امروز، جهان علم و تکنولوژی است و ارزش اصلی تولید در مغز انسان‌ها نهفته است. (رضوی، ۱۳۸۴)

آموزش کارآفرینی

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل مؤثر در حرکت کارآفرینی از قوه به فعل، بروز روحیهٔ کارآفرینی در افراد از طریق آموزش می‌باشد. سازمان بین‌المللی کار[1] به‌منظور ارتقاء کارآفرینی مدیران صنایع کوچک، برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای با عنوان سیب[2] در کشورهای مختلف به‌وجود آورده است. این برنامه‌ها که عملکرد مؤسسات کوچک اقتصادی را بهبود می‌بخشد، برحسب توانایی مدیران صنایع کوچک و نوع فعالیت طراحی شده‌اند. قابل توجه است که با طی دورهٔ سیب، ۹۰ درصد شرکت‌کنندگان با اصول اولیهٔ کسب و کار آشنا شده‌اند و ۵۰ درصد از کارآفرینان مهارت‌های خاص مدیریتی را فرا گرفته‌اند. در حال حاضر

1. International Labor Organization
2. Siyb

سازمان جهانی کار در ۷۰ کشور دنیا برنامهٔ سیب را که هدف آن رشد کارآفرینی در صنایع کوچک است به اجرا آورده است. (منصوری، ۱۳۹۱)

کارآفرینی در ایران

طی یک دهه از اجرای برنامه سیب توسط سازمان جهانی کار در کشورهای مختلف جهان، بیش از صد هزار کارآفرین تحت آموزش قرار گرفته‌اند. با استفاده از الگوی سیب و تجارب ارزنده‌ای که از اجرای آن به‌دست آمده و با توجه به شرایط اقتصاد ایران، چارچوبی برای تشکیل دوره‌های آموزشی کارآفرینی در ایران در قالب طرح «ستاد آموزش کارآفرینی ایران»[1] طراحی و ارائه شده است. همچنین، مؤسسهٔ کار و تأمین اجتماعی با استفاده از منابع بین‌المللی کار، طرح آموزش کارآفرینی را در سال ۱۳۶۷ ارائه نمود و همزمان با تدوین نظام جدید آموزشی، در سال ۱۳۶۸ «کارآفرینی» را به‌عنوان یکی از دروس رشتهٔ کار و دانش پیشنهاد کرد. در طرح آموزش کارآفرینی تأکید شده است که «آموزش برای ایجاد اشتغال با مزد» دیگر تنها راه حل مقابله با مشکل فزایندهٔ بیکاری نبوده و قلمرو آموزش از فرهنگ «برای دیگران کار کردن» فراتر رفته است.

وزارت کار و امور اجتماعی نیز در راستای وظایف و اهداف خود، به کارآفرینی به‌عنوان یک راهکار مؤثر در ایجاد اشتغال نگریسته و در این زمینه اقداماتی به‌عمل آورده است. از جمله اهم این اقدامات می‌توان به برگزاری جشنوارهٔ اشتغال و کارآفرینی در مهر ماه سال ۱۳۸۳ اشاره کرد. این جشنواره که در تاریخ ۱۴ و ۱۵ مهر ماه سال ۱۳۸۳ در مجموعهٔ فرهنگی ورزشی وزارت متبوع با همکاری سازمان همیاری اشتغال فارغ‌التحصیلان برگزار شد، اهداف زیر را دنبال می‌کرد:

- شناسایی و معرفی طرح‌ها و تلاش‌گران برگزیده در حوزهٔ اشتغال و کارآفرینی،
- ترویج و اشاعهٔ فرهنگ کارآفرینی به‌منظور ایجاد اشتغال بیشتر،
- فراهم ساختن زمینهٔ مناسب برای رقابت سازنده در این عرصه،
- این جشنواره دارای برنامه‌های آموزشی و ترویجی نیز بود از جمله سه کارگاه آموزشی در زمینه‌های:
  - روش جذب و تأمین سرمایه برای راه‌اندازی کسب و کار،
  - روش تهیه طرح کسب و کار،
  - مدیریت توسعه بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط۲ (فتحی، ۱۳۸۹)
- همچنین، جلسات و نشست‌های تخصصی در زمینه‌های اخلاق و فرهنگ کار، مشاوره شغلی، حقوق و قوانین کار و ... نیز برگزار شد.

تجارب چند کشور جهان

اولین کشوری که ترویج فرهنگ کارآفرینی را از سطح دبیرستان شروع کرد ژاپن بود. اولین مؤسسه در توکیو در سال ۱۹۵۶ میلادی آغاز به کار کرد. در سال ۱۹۵۸ سازمان آموزش و

1. Saka
2. Smes

پرورش ژاپن طرحی را برای اشاعهٔ فرهنگ کارآفرینی تحت عنوان سربازان فداکار اقتصادی ژاپن، پیاده و اجرا کرد. براساس این طرح از افراد از سطح دبیرستان‌ها به مسئلهٔ کارآفرینی پرداخته و آموزش دیدند که در حین تحصیل چگونه کار کنند و به دنبال کسب سود باشند و چگونه کشورشان را از وابستگی صنعتی رهایی دهند. به تدریج مسئلهٔ کارآفرینی در ژاپن به سطح دانشگاه‌ها هم کشیده شد. اکنون در ژاپن بیش از ۲۵۰ مؤسسهٔ بزرگ کارآفرینی وجود دارد.

بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ میلادی بیش از ۹۶ درصد نوآوری صنعتی که توانست موقعیت ژاپن را در اقتصاد جهانی به یک موقعیت برتر تبدیل کند، توسط کارآفرینان صورت گرفت. البته ناگفته نماند حمایت‌های دولت هم در این زمینه نقش مهمی داشته است.

در انگلستان، دولت به دانشگاه‌ها جهت آموزش و کارآفرینی یارانه‌هایی می‌پردازد. در هلند، برای پرسنل توسعهٔ بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط آموزش‌های حرفه‌ای گذاشته شد به‌طوری که در سال ۱۹۹۸، ۳۲ درصد از توسعهٔ بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط درگیر آموزش حرفه‌ای بوده‌اند. همچنین در ایتالیا، ۸۵۵ دورهٔ کسب و کار برای ۱۰۰۰۰ نفر شرکت‌کننده در بیش از ۲۰ دانشگاه ارائه شده است. (کار،۱۳۷۹)

راهکارهای ترویج کارآفرینی

در گزارش سال ۲۰۰۲ مرکز کارآفرینی کافمن، تأکید شده است کارآفرینی زنان نقش برجسته‌ای در سلامت اقتصاد ملت‌ها دارد. بر اساس تحقیق مقایسه‌ای دیگر در مورد فعالیت کارآفرینی بین زنان و مردان در ۳۷ کشور جهان، مشخص شد ویژگی‌های خاص هر کشور، نرخ رواج کارآفرینی را در میان زنان و مردان آن کشور تعیین می‌کند، به نحوی که مشارکت زنان در کارآفرینی از میزان ۰/۶ در هزار در ژاپن تا ۸/۵ در هزار در تایلند متغیر است. براساس تحقیق دیگری، مقایسهٔ بین کارآفرینی زنان و مردان در یک نمونه از شهرهای اروپایی در چهار بخش مختلف تجارت، تولید، خدمات و صنایع دستی صورت گرفته که نتایج آن در دو بخش تجارت و صنایع دستی نشان می‌دهد کارآفرینی زنان به‌طور عام در بخش صنایع دستی و کارآفرینی مردان در بخش خدمات صورت گرفته و هر دو کمترین میزان کارآفرینی را در بخش تولید داشته‌اند. (نعمت اللهی،۱۳۸۴)

ضروری است به کارآفرینی که مقوله‌ای جوان در ایران است به‌طور جدی توجه شود و راهکارهایی که بتوان آن را در جامعه توسعه داد، اتخاذ کرد. ایجاد و بسط و توسعهٔ فرهنگ کارآفرینی در جامعه به‌ویژه برای زنان، می‌تواند زمینهٔ تحرک نیمی از جمعیت جامعه را به‌گونه‌ای فراهم کند که در نهایت تولید ملی در کشور افزایش چشمگیری یابد و معضل بیکاری مهار شود.

با ضرورت روزافزون نیاز به افراد کارآفرین در جامعهٔ ما، به‌ویژه بعد از انقلاب و دوران سازندگی که با رشد صنعت مواجه هستیم، باید تمامی ارگان‌ها با همکاری هم در این زمینه قدم بردارند و هر کدام نقشی را بر عهده گیرند و نقش دولت در این میان از همه مهمتر است. از جمله:

- تنظیم و تدوین سیاست‌های بلندمدت و میان‌مدت در خصوص حمایت از فعالیت‌های کارآفرینی و کارآفرینان نوپا.
- ترویج فرهنگ کارآفرینی و معرفی کارآفرینان نمونه از طریق مطبوعات و قدردانی از آنها.
- ساختن فیلم و سریال در مورد زندگی کارآفرینان نمونه و تشویق مردم به‌سوی کارآفرینی توسط صدا و سیما.
- وارد کردن مضامین کارآفرینی در کتاب‌های درسی می‌تواند بذر ایجاد انگیزهٔ کارآفرینی را در کودکان بارور کند.
- تبیین شرایط محیطی لازم برای پرورش و رشد استعدادهای کارآفرینی.
- برگزاری سمینار، نشر مقاله و ارائهٔ سخنرانی به‌منظور تغییر دانش و معرفت مدیران و سیاست‌گذاران و کارگزاران مؤسسات.
- گسترش فرهنگ کارآفرینی در بخش دولتی و تعاونی.
- تدوین دوره‌های آموزشی بلندمدت در چارچوب دوره‌های تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌ها، ایجاد مراکز آموزشی مستقل و مراکز آموزشی مدیریت در سطح دبیرستان‌ها و مدارس راهنمایی و ابتدایی.
- حمایت‌های دولتی و خصوصی جهت فعالیت بیشتر و مطلوب‌تر کارآفرینان.
- ایجاد و گسترش صنایع کوچک به‌منظور بهره‌برداری از ظرفیت‌های خالی اقتصاد کشور.
- اصلاح سیاست‌ها و قوانین دست و پاگیر دولتی.
- برگزاری جلساتی با حضور کارآفرینان و بیان مشکلات موجود بر سر راه آنان و ارائهٔ شیوه‌های مقابله با آن مشکلات.
- معرفی یک روز به عنوان روز کارآفرین تا به عمل آنها ارزش و اعتبار بخشیم.

در خاتمه، امید آن می‌رود که فضای کشور به گونه‌ای فراهم شود که کارآفرینان بتوانند رشد نمایند و این امر مستلزم همکاری نزدیک محافل علمی و مؤسسات اجرایی برای شناسایی و پرورش و توسعهٔ استعدادهای افراد است تا بتوانیم هر چه بهتر و بیشتر از این ذخایر گرانبها به نحو احسن استفاده نماییم. (چنگیزی،۱۳۸۹)

منابع

پرکاس، جمشید (۱۳۹۰) اهمیت کار زنان http://www.bazarekar.ir-

چنگیزی، ناهید (۱۳۸۹) اهمیت کارآفرینی در توسعهٔ اقتصادی http://www.imi.ir/tadbir/tadbir،

رجب پور، علیرضا (۱۳۸۴) کارآفرینی راهکاری مهم برای توسعهٔ اشتغال زنان، تهران، انتشارت نمونه.

رضوی نعمت‌اللهی، اقدس‌السادات (۱۳۸۴). مفاهیم و کلیات کارآفرینی، منبع : روزنامهٔ همشهری، سه‌شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۸۴، سال سیزدهم، شمارهٔ ۳۶۷۷، صفحهٔ ۱۰.

زعفرانچی، لیلا سادات (۱۳۸۸) اشتغال زنان مرکز امور زنان و خانوادهٔ ریاست جمهوری – دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

صادقی، مسعود و عمارزاده، مصطفی (۱۳۸۳). تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان. تهران، نشریهٔ پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه .
عسگری، علی و گلی، علی (۱۳۷۸). بررسی تحولات رشد اقتصادی استان برای فعالیت‌های عمدهٔاقتصادی همدان و شهرستان‌های تابعه طی دورهٔ ۱۳۵۵.
فتحی، لاله (۱۳۸۴) زنان در عرصهٔ مدیریت روزنامه همشهری، یکشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۸۴، سال سیزدهم، شمارهٔ ۳۸۰۳، صفحهٔ ۱۰.
فتحی سعید (۱۳۸۹).کارآفرینی برای توسعهٔ اقتصادی ،http://www.imi.ir/tadbir/tadbir
کار، مهرانگیز(۱۳۷۹). زنان در بازار کار ایرا ن تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
کریمی، حمیدرضا (۱۳۹۰). کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای کوچک، تورنتو کانادا.
ملک زاده، فهیمه (۱۳۷۸). نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقش‌ها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
محمدی، مقداد (۱۳۸۹). اشتغال زنان و نقش آن در توسعهٔ کشور، http://www.bazarekar.ir
منصوری، خلیل(۱۳۹۱). اهمیت و ارزش تولید و کارآفرینی در اقتصاد مقاومتی، http://www.imi.ir/tadbir/tadbir

آینده‌پژوهی اشتغال زنان در ایران با تأکید بر دورکاری و کار از خانه

امین بینایی باش[1]
مهران کرمی فخرآبادی[2]

چکیده

به‌طورکلی مشارکت اقتصادی زنان در سراسر دنیا روند رو به رشدی یافته و به نظر می‌رسد که این روند تسریع شده است. زنان کارآفرین در رسیدن به توسعهٔ پایدار می‌توانند نقش‌آفرین باشند، اما همواره پیشرفت برای زنان با موانع اساسی رو به‌رو بوده است. از مهم‌ترین موانع توسعه‌ای در زمینهٔ اشتغال زنان، موانع اجتماعی، فرهنگی و عدم آموزش کافی است. در سال‌های اخیر میزان آموزش و تحصیلات زنان با رشد چشمگیری رو به رو شده، ولی مشارکت زنان در بازار کار به‌طور متناسب با آن افزایش نداشته است. از آنجایی‌که کار از راه دور، همراه با مزایای مفید و اثربخشی هم برای زنان و هم برای کارفرمایان و سازمان‌ها و جامعه است. لذا، در این مقاله سعی شده است تأثیر فن‌آوری اطلاعات و دورکاری و مهارت‌آموزی بر اشتغال زنان، بررسی و موانع آن واکاوی و به ارائهٔ مشکلات و مزایا و لزوم مهارت‌آموزی تکنولوژی IT در بین زنان پرداخته شده است. در انتها راهکارهایی برای خوداشتغالی زنان و کار در خانه با تأکید بر مزایای دورکاری برای زنان با توجه به محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران و شخصیت زن و مهارت‌ها و توانایی‌های بی‌نظیر آنها ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، دورکاری، کار از خانه، مهارت‌آموزی، کارآفرینی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت استراتژیک دانشگاه تهران، Email:binaei.amin@ut.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت استراتژیک دانشگاه تهران، Email:mehrankarami@ut.ac.ir

مقدمه

مشارکت زنان در امر اشتغال از قدمتی تاریخی برخوردار است. به گفتهٔ محققان، زنان از ابتدای شروع تمدن بشری به مشاغل زراعی و کشاورزی روی آورده‌اند که تاریخ جوامع انسانی، مرهون و قدردان حضور مؤثر و سازنده آنان است. تلاش زنان در رسیدن به مشاغل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دهه‌های اخیر، در پی تقاضای یابندگان کار و همچنین نیاز بازار کار، رشدی قابل توجه و چشم‌گیر داشته است. (نساجی، ۱۳۸۸)

بانوان برای حضور در عرصه‌های اجتماعی و دست یافتن به آنچه سبب رشد و تعالی آنان می‌گردد، مختارند. اکثر کارشناسان، خانه‌داری، تولد و حفظ فرزندان را مناسب‌ترین شغل برای وی می‌دانند؛ زیرا دوران بارداری و سپس شیردهی که پایهٔ بقای نسل است، به عهدهٔ زنان می‌باشد. این شیوه را که طبیعت زن بر آن بنا شده و تاریخ بشریّت بر اساس آن پیش رفته، اسلام نیز تأیید نموده است؛ گرچه خانه‌داری شغلی نیست که اسلام آن را بر زن تکلیف کرده باشد، بلکه سنّت و عرف در دنیا بر این پایه‌گذاری شده؛ زیرا زنان این کار را بهتر انجام می‌دهند. (سفیری، ۱۳۸۲)

از طرف دیگر، با توجه به افزایش سطح تحصیلات در بین زنان و ایجاد دیدگاه مثبت نسبت به کار زنان در سازمان‌ها، دورکاری و کار از خانه برای کمک خرج بودن و استفاده از تحصیلات از یک طرف و انجام کارهای خانه از طرف دیگر، می‌تواند امکان‌پذیر باشد.

روان‌شناسان معتقدند که وجود مادر در خانه، به‌ویژه در یکی دو سال اول زندگی لازم است و این به خاطر دلبستگی عاطفی کودک به مادر است. امروزه شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جوامع، مادران را اندکی پس از تولد فرزند، روانهٔ بازار کار می‌کند که این امر می‌تواند آثار منفی بر کودک داشته باشد. این بررسی‌ها به این نتیجه رسیدند کودکانی که مادرانشان بعد از ۳ سالگی به کار بازگشته‌اند و مدت ۳ سال را کنار فرزند خویش بوده‌اند، حرف شنوی بیشتری داشته و مطیع‌تر و آرام‌تر بوده‌اند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود مادران در یکی دو سال اول زندگیِ کودک به کار مشغول نشوند و از پذیرفتن کار تمام وقت دوری کنند. (آبوت و الاس، ترجمهٔ نجم عراقی، ۱۳۸۰)

گزارش‌های منتشرشدهٔ بانک جهانی نشان می‌دهد که جهان به این نتیجه رسیده است که توسعهٔ اقتصادی، به‌تنهایی پاسخ‌گوی مفهوم کامل توسعه نمی‌باشد. بر اساس آخرین گزارش‌های جهانی، سرمایه‌های ملی یا ثروت ملی شامل ۳ منبع اصلی است که عبارتست از: ۱. منابع انسانی ۲. منابع فیزیکی ۳. منابع طبیعی.

در یک نگاه اجمالی به ۳ کشور ژاپن، آلمان و ایران مشاهده می‌شود که منبع نیروی انسانی در کشور ما، تنها ۳۴درصد از منابع و ثروت ملی را شامل می‌شود. در حالی که این رقم در کشور ژاپن و آلمان بالای ۷۵ درصد می‌باشد. این امر بیان‌گر این است که ما نتوانسته‌ایم به بهترین شکل از غنی‌ترین منبع خود (منبع انسانی) استفاده کنیم.

منابع فیزیکی و طبیعی فناپذیر بوده و پس از چند بار استفاده قابلیت و کارایی خود را از دست داده و از چرخهٔ تولید خارج می شوند. اما منبع انسانی، نه‌تنها فناناپذیر است، بلکه هرچه استفاده از آن بیشتر می‌شود، کارایی آن بالاتر می‌رود، زیرا تنها منبع قابل تکامل می‌باشد.

امروزه در جهان کسی را نمی‌توان یافت که فقط با توجه به امکانات فردی خود کار مهمی را انجام داده باشد. پس لازم است برای رسیدن به موفقیت در زمینه‌های گوناگون، هم سیاست‌های عمومی مدبرانه و عاقلانه را در پیش‌گرفته و هم به گسترش سازمان‌های اجتماعی مبتنی بر مشارکت مردم بپردازیم. حال می‌خواهیم زنان وارد عرصهٔ جامعه شوند و از حقوق خدادادی خود به نحو احسن بهره‌مند شوند. (محمدی، ۱۳۸۵)

انگیزه‌های اشتغال

مشارکت زنان در بازار کار ناشی از انگیزه‌های متفاوتی است که در جوامع گوناگون، گاه مشترک و گاه متضاداند. صاحب‌نظران دو انگیزهٔ روانی و اقتصادی را در اشتغال زنان، مهم و مؤثر می‌دانند که با توجه به فرهنگ، سطح سواد و طبقهٔ اجتماعی متغیّر است.

انگیزهٔ اقتصادی

شرایط سخت اقتصادی در خانواده‌ها زن را خواسته یا ناخواسته آمادهٔ هرگونه همکاری با همسر در جهت پرکردن خلأهای مادی می‌کند؛ به‌طوری‌که هر شغلی را ولو سخت و یا با دست مزد کم می‌پذیرد.

کسب منزلت اجتماعی

حضور در اجتماع و کسب منزلت و آگاهی اجتماعی، انگیزهٔ مهمی در اشتغال زنان به‌کار است. میل به کسب هویّت، خاصه زمانی که توانایی‌ها و قابلیّت‌های فرد برای مطرح کردنش در حدّ پایینی است، زن را به کار در خارج از خانه می‌کشاند تا بدین وسیله از او چهره‌ای مؤثر و اجتماعی بر جای گذارد. (اسحاق حسینی، ۱۳۸۲)

دورکاری و کار از خانه

دورکاری[1] بحث تازه‌ای در اشتغال نیست و قدمت زیادی در تمام دنیا دارد. دورکاری یا همان انجام کار از راه دور (منزل) شیوهٔ جدید اشتغال در بسیاری از کشورهایی است که زیرساخت‌های فنی و فرهنگی آن فراهم شده و برای شاغلان در سازمان‌های مختلف نوعی فرصت تلقی می‌شود. (فیلاتف،۱۳۸۵)

روش کار سنتی در حال تبدیل به کار از راه دور، از منزل و یا از مراکز دورکاری و هر جایی جز محل کار است که بر اساس توسعهٔ اینترنت، شبکه‌های گسترده در سطح جهانی، ملی، محلی و ابزارهای دسترسی مانند رایانه و تلفن همراه به‌وجود آمده است. (وسیلینی، ۱۳۸۵)

انجمن بین‌المللی کار از راه دور[2]«کار از راه دور را این‌گونه تعریف می‌کند: «به‌طورکلی کار از راه دور نوعی انجام کاری که طی آن، افراد به شکل انعطاف‌پذیر از نظر زمان (پاره‌وقت یا تمام‌وقت) و از نظر مکان (در خانه، مراکز از راه دور، دفتر شرکت یا به‌شکل سیار) به انجام

1.Teleworking
2. International telework association and council (ITAC)

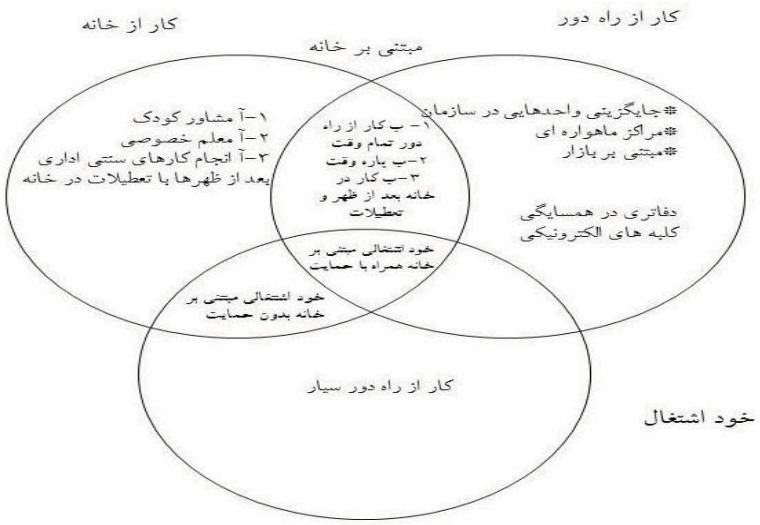
وظیفه و پاسخ به امور محوله می‌پردازند.» کمیسیون اروپایی کار از راه دور[1] نیز، دور کاری را استفاده از کامپیوترها و ارتباطات راه دور برای تغییر موقعیت جغرافیایی محل کار و انجام وظایف شغلی می‌داند.

بر اساس گزارش، مؤسسهٔ فدسکوپ[2] یکی از مراجع رسمی اخبار حوزهٔ فناوری اطلاعات در دولت فدرال آمریکا میزان رضایت از دورکاری در بخش دولتی ۹۱ درصد و در بخش خصوصی ۹۵ درصد بوده است. زمان حضور افراد دورکار در خانواده پس ازدورکاری ۴۶ درصد افزایش داشته و کاهش۷۱ درصدی آلودگی هوا، ۶۹ درصدی افزایش بهره‌وری، ۷۶ درصدی افزایش کیفیت زندگی،۷۰ درصدی ذخیره پول و ۸۴ در صدی صرفه جویی در وقت نیز از دیگر تغییرات محقق‌شده در میان افراد دور کار پس ازدورکاری محسوب می‌شود. بر اساس نظرسنجی رویترز[3]، تقریبا از هر پنج کارگر در سراسر جهان یک نفر، به‌ویژه کارکنان در آسیای میانه، امریکا لاتین و آسیا، اغلب از ارتباط از راه دور استفاده می‌کنند و نزدیک به ۱۰ درصد روزانه از خانه کار خود را انجام می‌دهند. (رینی، ۲۰۱۲)

یافته‌ها در ایران نشان می‌دهد که فن‌آوری اطلاعات تأثیری معنادار بر نرخ فعالیت اقتصادی زنان نداشته است، اما تأثیر آن بر میزان درآمد و افزایش توانمندی آنان معنادار بوده است؛ با این تفاوت که تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر در آمد زنان در کوتاه‌مدت مثبت است و سپس با گذشت زمان کاهش می‌یابد. (افشاری و رمضانی، ۱۳۸۵)

لنارت فورشبک[4]در مطالعات خود تحت عنوان «تجربیات سوئدی کار از راه دور» به صورت گرافیکی تفاوت‌های واضح بین کار از راه دور و کار در خانه را نشان می‌دهد. نمودار او بیانگر وضعیت شخصی خوداشتغال است که احتمال دارد از راه دور کار کرده و یا نکند و درصورتی‌که این افراد به کار از راه دور بپردازند، ممکن است که از راه دور در خانه کار کرده و یا نکند. (مصطفی لو، ۱۳۸۲)

1. European Commission teleworking
2. Fedscoop
3. Reuters
4. Lennart Forsback



شکل ۱. کار مبتنی بر خانه و کار از راه دور برای کارمند و خود اشتغال
(ر ک، مارتینو، ترجمه مصطفی لو ۱۳۸۲)

روش‌شناسی

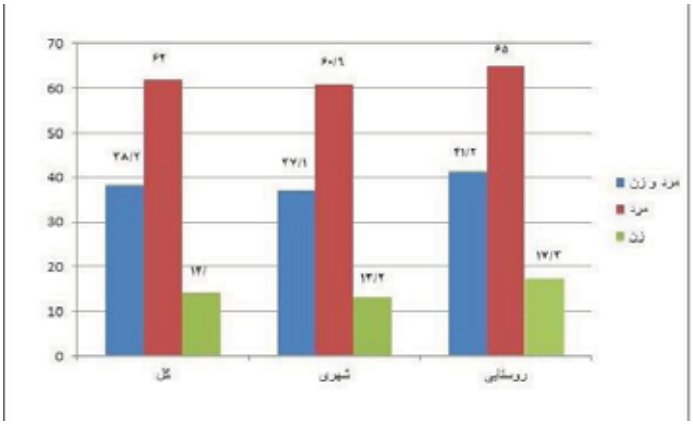
چون در این تحقیق به توصیف و مطالعه آنچه هست می‌پردازیم، یک تحقیق توصیفی است. از آنجایی که در تحقیقات توصیفی می‌توان ویژگی‌های جامعهٔ مورد مطالعه را از طریق پیمایش ارزیابی نمود، تحقیق حاضر یک تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است که سعی در ارائهٔ مدل بومی برای پذیرش و قبول دورکاری توسط سازمان‌ها برای افزایش اشتغال زنان است.

یافته‌ها

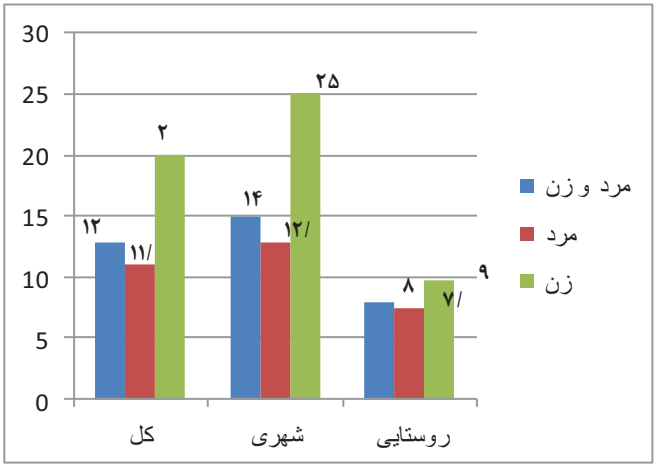
آمار اشتغال زنان در ایران

آمار اشتغال زنان در ایران با توجه به نمودارهای ارائه‌شده توسط سازمان آمار ایران حاکی از آن است که نرخ مشارکت اقتصادی مردان در جمعیت بالای ۱۰ سال نزدیک به ۴ برابر بیشتر از زنان می‌باشد و این نشان از عدم استفاده از توانایی زنان به‌دلایل مختلف که برشمردیم می‌باشد. نمودار۲ نشان می‌دهد نرخ بیکاری زنان نزدیک به ۲ برابر بیش از مردان است که نیازمند تمهیداتی برای کاهش نرخ بیکاری زنان می‌باشد و این میزان در مناطق شهری به شدت نسبت به مناطق روستایی بیشتر است. لذا، نیاز به برنامه‌ریزی دارد و امید است با استفاده از دورکاری و استفاده از مزایای آن و ایجاد فرهنگ دورکاری در بین سازمان‌ها و افراد این میزان با کاهش روبه‌رو شود و تعداد بیشتری از زنان علاوه بر فعالیت‌های منزل به کارهای شغل خود بپردازند تا هم موجب افزایش نرخ میزان مشارکت اقتصادی و هم کاهش نرخ بیکاری در میان زنان باشیم.

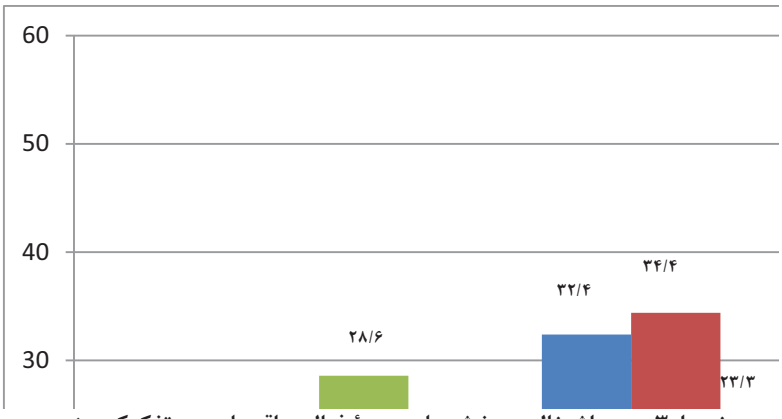
در نمودار ۳ سهم اشتغال در بخش‌های عمدهٔ فعالیت اقتصادی در بین زنان و مردان آمده است که نشان از میزان اشتغال قابل قبول و چشمگیر زنان در بخش‌های خدمات و کشاورزی است. با توجه به ماهیت شغل‌های خدماتی انتظار می‌رود زیرساخت‌ها و تمایل در سازمان‌ها و افراد به استفاده از تلفن و رایانه از منزل برای انجام کارهای منزل و محیط کار که موجب کاهش در هزینه‌های حمل و نقل و آلودگی هوا و مشکلات حاصل از کار بیرون از خانه که گاهی با مخالفت خانواده روبه‌رو می‌شوند و افزایش نرخ مشارکت زنان و استفاده از توانایی‌های آنان در جامعه شود. با توجه به تعداد اندک کارکنان زن در بخش‌های صنعتی، امید است سازمان‌ها تمهیداتی برای افزایش اشتغال زنان در این بخش در سایهٔ کار از خانه داشته باشند.



نمودار ۱. نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به تفکیک جنس، نقاط شهری و روستایی



نمودار ۲. نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به تفکیک جنس، نقاط شهری و روستایی



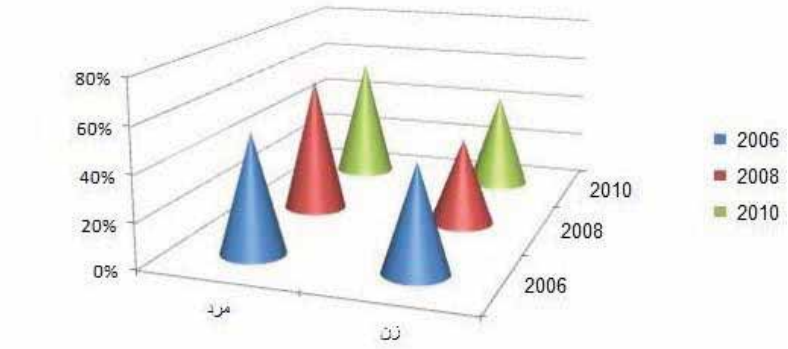
نمودار۳. سهم اشتغال در بخش های عمدهٔ فعالیت اقتصادی به تفکیک جنس

سایت جهانی دورکاری[1] هر ساله آمار و ارقامی مربوط به میزان دورکاری و نرخ رشد دورکاری در کشورهای توسعه‌یافته را ارائه می‌دهد که می‌توان از این اطلاعات و آمار و ارقام به‌عنوان چشم‌انداز و هدف برای افزایش اشتغال زنان و مهارت‌آموزی به‌وسیلهٔ مزایای دورکاری نام برد. اطلاعات نشان از رشد و توانایی انجام دورکاری در بین زنان با توجه به شرایط دارد که با توجه به اطلاعات حاصل از ایران، به بررسی میزان دورکاران زن در کشور ایالت متحده پرداخته‌ایم که نشان از رشد اشتغال زنان در این کشورها براساس دورکاری داشته است.

جدول ۱. مشخصات دورکاران در سال‌های ۲۰۰۶ – ۲۰۰۸ – ۲۰۱۰

	۲۰۰۶ (n=140)	۲۰۰۸ (n=130)	۲۰۱۰ (n=96)
تعداد کل دورکاران (ایالت متحده)	۲۸,۷ میلیون	۳۳,۷ میلیون	۲۶,۲ میلیون
مرد	٪۵۳	٪۶۱	٪۵۶
زن	٪۴۷	٪۳۹	٪۴۴
سن			
۳۴-۱۸	٪۳۸	٪۴۲	٪۴۲
۵۴-۳۵	٪۵۲	٪۴۸	٪۵۱
۵۵+	٪۱۱	٪۸	٪۸
متوسط سن	۴۱,۰	۴۰,۳	۳۹,۹
میانه سن	۴۰,۰	۳۸,۰	۴۰,۰
مدرک تحصیلی			
دبیرستان یا پایین تر	٪۱۸	٪۲۳	٪۲۴
فوق دیپلم	٪۲۵	٪۲۸	٪۳۲
لیسانس	٪۵۷	٪۵۰	٪۴۴
فوق لیسانس	٪۲۲	٪۱۵	٪۲۵

1.World at work telework 2011



نمودار ۴. مقایسهٔ جنسیت دورکاران در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۸، ۲۰۱۰

نمودار (۴) به مقایسهٔ جنسیت دورکاران پرداخته است که زنان تنها ۸٪ کمتر از مردان است و در مقایسه با ایران تفاوت چشمگیری دارد. لذا، با توجه به شرایط کشور ما، زنان کارآفرین در رسیدن به توسعهٔ پایدار می‌توانند نقش‌آفرین باشند. خوداشتغالی زنان و کار در خانه با تأکید بر مزایای دورکاری برای زنان با توجه به محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران و شخصیت زن و مهارت‌ها و توانایی‌های بی‌نظیر آنها نیازمند مطالعه است. کسب رتبه‌های بالا در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توسط زنان، نشان‌گر قابلیّت و خلاقیّت این قشر مؤثر و توانمند است؛ امّا مشاهده می‌شود که درصد پست‌های مدیریّتی که زنان تحصیل‌کرده اشغال کرده‌اند، نسبت به مردان پایین‌تر است. اگر تبعیضات فرهنگی و اجتماعی موجود تقلیل یابد و نگرش‌های منفی در این زمینه برطرف گردد، شاهد درخشش بیش از پیش زنان و بروز استعدادهای ذاتی آنها خواهیم بود. بسیاری از مدیران، کارفرمایان و مسئولین امور اداری عقیده دارند زنان در هر پست و مقامی باشند در محل کار، کارمندان جدی، خلاق، مسؤولیت‌پذیر و دارای روابط انسانی و اخلاق پسندیده هستند.

جدول ۲. مکان‌های عمده‌ای که دورکاران در آنها مشغول به کار هستند

مکان	۲۰۰۶ (n=140)	۲۰۰۸ (n=130)	۲۰۱۰ (n=96)
خانه	٪۷۶	٪۸۷	٪۶۳
ماشین	٪۳۸	٪۳۷	٪۴۰
زمان تعطیلات[1]	٪۱۸	٪۲۳	٪۳۷
هتل یا مسافرخانه	٪۲۶	٪۲۶	٪۳۶
کافی‌شاپ یا رستوران	٪۳۱	٪۲۳	٪۳۴
مکان مشتری[2]	٪۲۸	٪۴۱	٪۳۳

1. While on vacation
2. Customer/client location

مکان	۲۰۰۶ (n=140)	۲۰۰۸ (n=130)	۲۰۱۰ (n=96)
فرودگاه ،ایستگاه قطار و مترو	٪۱۶	٪۲۳	٪۱۶
پارک یا دیگر مکانهای بیرونی	٪۱۹	٪۱۴	٪۱۴
کتابخانه	٪۱۶	٪۱۰	٪۱۳
در هواپیما،قطار،اتوبوس،مترو	٪۱۳	٪۲۱	٪۱۲
مکانهای دورکاری-دفاتر اجاره توسط کارمندان[1]	در سال ۲۰۱۰ تاسیس شد و قبل از آن نبود		٪۱۲
مراکز ماهواره- دفتر کارمند در نزدیک خانه اش[2]	٪۳	٪۷	٪۱۱

در جدول (۲) مکان‌های عمده‌ای که امکان دورکاری در آنها وجود دارد، به نسبت میزان انجام دورکاری در آن مکان‌ها آورده شده است. همان‌طور که انتظار داشتیم خانهٔ افراد عمدترین مکانی است که دورکاران علاقه به انجام کار دارند، زیرا می‌توانند به کارها و وظایف درون منزل نیز بپردازند. اما این امر مستلزم ایجاد زیرساخت‌های لازم است. از نکات دیگر، ایجاد مراکز دورکاری در نزدیک منازل کارکنان با تجهیزات لازم است که موجب صرفه‌جویی در هزینه و زمان رفت و آمد می‌شود و با توجه به وظایف زنان در منزل و مراقبت از کودکان، با توجه به اینکه زنان بیشتر زمان خود را در منزل برای وظایف مادری و همسری خود طی می‌کنند و از طرف دیگر، رشد تحصیلات و مهارت در بین زنان و نیاز به استفاده از توانایی‌های آنها در محیط کار، آموزش و ایجاد دورکاری از منزل در بین زنان بیش از پیش ضرورت می‌یابد.

نتیجه‌گیری

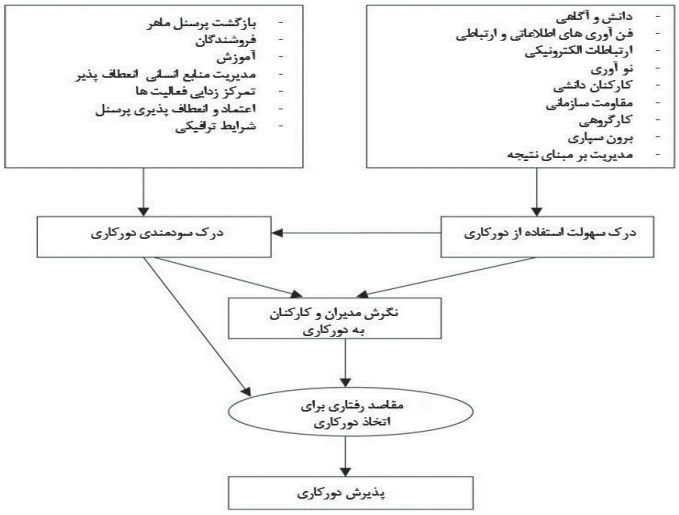
فن‌آوری و به‌ویژه فن‌آوری اطلاعات (IT) انگیزشی در زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جهان پدید آورده است. بیشتر راهبردهای توسعه بر نقش بنیادی فن‌آوری اطلاعات بر توسعهٔ اقتصادی تأکید دارند. (افشاری، ۱۳۸۵) کار از راه دور نیز، امروزه در بسیاری از بخش‌های هر کشور نظیر خرید و فروش، بانکداری، حقوق و دعاوی، بازاریابی و تبلیغات و آموزش و خدمات اداری و رفاهی و اتوماسیون اداری، خود را نشان داده است. امروزه در کشور ما تعداد کارکنان از راه دور، روز به روز افزایش می‌یابد. اما در اتخاذ تصمیمات گوناگون هنوز در کارها تأخیر مشاهده می‌شود. مهم‌تر از آن این که شیوهٔ نگرش به کار از راه دور در بسیاری از حالات، هنوز هم مبتنی بر مفاهیم و روش‌های پاسخگویی می‌باشد که امروزه برای این دورهٔ جدید از تغییرات، حالتی نامناسب و ناکارآمد می‌باشد. با توجه به تحلیلی که از دورکاری در آمریکا داشتیم و ملاحظه مزایا و پیشرفت این کشور در این زمینه که موجب توسعهٔ بهره‌وری و اقتصاد سازمان‌ها شده است. لذا، با توجه به وضعیت موجود ایران و

1. Telework center- office leased by employer
2. Satellite center

زیرساخت‌های موجود در در زمینهٔ دورکاری و مزایا و چالش‌های موجود در این حوزه و احساس نیاز در سازمان‌ها برای ایجاد دورکاری و استفاده از تکنولوژی برای توسعه و پیشرفت به ارائهٔ راهکارهایی در این زمینه می‌پردازیم:

- تعیین متولّی ویژهٔ هدایت و سیاست‌گذاری کار از راه دور: در امریکا، متولی این امر، وزارت کار[1] این کشور است. در ایران نیز وزارت کار و امور اجتماعی می‌تواند با کمک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (به‌ویژه شورای عالی انفورماتیک)، سازمان‌های تأمین اجتماعی و دستگاه‌های ذی‌ربط دیگر، متولّی هدایت و نظارت این سیستم باشد.
- فرهنگ‌سازی به‌منظور حذف تدریجی یا تغییر روش‌های اجرایی مشاغل سنتی و جایگزینی مشاغل در بدنه اجرایی کشور.
- معرفی مدل‌ها و نمونه‌های موفقی که با اجرای این دورکاری توانسته‌اند از مزایای این‌گونه اشتغال برخوردار شوند، موجب افزایش سودآوری و بهره‌وری آنها شده است.
- توجه به زنان و بانوان با توجه به شرایط اشتغال زنان ایران در بیرون از منزل با ایجاد و توسعهٔ مشاغلی از جمله حسابداری و منشی از راه‌دور یا بازاریابی و فروش از منزل که امروزه در بسیاری از کشورها متداول است.
- ایجاد مراکز دورکاری در هر منطقه از شهر با تجهیزات مورد نیاز دورکاری کامل که افراد دورکار در نزدیکترین نقطه به منزل توانایی انجام کار را داشته باشند و از رفت و آمدهای طولانی جلوگیری شود.

با توجه به موارد ذکر شده، به تبین مدلی که عوامل متفاوتی از جمله سازمان‌ها و افراد که در قبول و پذیرش دورکاری دخیل هستند پرداختیم که در نتیجهٔ آن امکان افزایش اشتغال زنان در پایهٔ دورکاری در آینده فراهم می‌شود.



مدل ۱. مدل پیشنهادی برای پذیرش دورکاری

1. U.S .Department of Labor(www.dol.gov)

منابع

اسحاق حسینی، سید احمد؛ (۱۳۸۲). مجموعه مقالات زنان: مشارکت و برنامه‌ریزی برای توسعهٔ پایدار، (تهران:برگ زیتون). صفحهٔ ۱۸۵-۱۹۰.

افشاری، زهرا و رمضانی، فرح (۱۳۸۵). تأثیر فناوری اطلاعات بر اشتغال زنان. بررسی مقطعی بین کشوری. مطالعات زنان شمارهٔ ۱ ص ۲۳-۳۶.

درگاه ملی آمار (۱۳۹۱). یافته‌های طرح آمارگیری نیروی کار، بهار (۱۳۹۱). جمعیت به تفکیک جنس.

دی مارتینو، ویتوریو (۱۳۸۲). کار از راه دور، مترجم مصطفی لو، مژگان، مؤسسهٔ کار و تأمین اجتماعی، تهران، ص۱۳.

سفیری، خدیجه (۱۳۸۲). اشتغال زنان در توسعهٔ رضایت شغلی و نوع مشاغل. مجموعه مقالات زنان؛ مشارکت و برنامه‌ریزی برای توسعهٔ پایدار، (تهران: برگ زیتون)، ص۱۶۷-۱۶۸.

فیلاتف، تارجا (۱۳۸۵). از دورکاری تا کار الکترونیکی-سازماندهی انسانی کار. ترجمهٔ علی حسین قاسمی. مجلهٔ الکترونیکی، پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران. ص ۱۹.

کلرو آلاس، پاملا آبوت (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان، منیژه نجم عراقی، نشر نی، تهران. ص ۱۷۳-۱۷۶.

مقداد محمدی، (۱۳۸۵). اشتغال زنان و نقش آن در توسعهٔ کشور.دانش پژوهان شمارهٔ ۹ .

نساجی، زهرا (۱۳۸۸). زنان، اشتغال، خانواده. درس‌هایی از مکتب اسلام شمارهٔ ۶ ص ۲۴.

وسیلینی،آندریا (۱۳۸۵). کار از راه دور مجارستان ترجمهٔ علی قاسمی. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. شمارهٔ اول دورهٔ چهارم. ص ۲۵.

Reaney, Patricia (2012) About one in five workers worldwide telecommute: poll. Reuters (US edition). Thomson Reuter

Telework Research Network. The bottom line on telework: California government workforce. 2011

Status of teleworking in the federal government, report to the congress, united states office of personnel management. 2012

Telework 2011, a world at work special, based on data collected by the dierniger reaserch group inc. 2012 http://www.worldatwork.org/

Hafkin, Nancy and Nancy Taggart. 2001. Gender Information Technology, and developing Countries : An Analytic Study. Washington DC: Academy for Educational Development; Agency for International Development (Department State)

بایسته‌های اشتغال زنان در رقم زدن بر تولید ملی و حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی

زهرا زمانی زنوز[1]
فاطمه زمانی زنوز[2]

چکیده

موضوع اصلی این پژوهش، بررسی بایسته‌های اشتغال زنان در حمایت از تولید ملی و حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی است، نوع تحقیق توصیفی بوده و با مطالعهٔ پژوهش‌های پیشین، موضوع مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. انسان محور توسعهٔ پایدار است. بررسی‌های صاحب‌نظران جامعه‌شناسی نشان می‌دهد جامعه‌ای می‌تواند توسعه یابدکه همهٔ افراد آن جامعه ظرفیت توسعه‌پذیری را داشته باشند و روشه‌ای مناسبی برای حصول توسعهٔ پایدار بیابند. تحقق این موضوع تنها زمانی امکان‌پذیر است که زنان یک جامعه به‌عنوان نیمی از نیروی انسانی در روند توسعه، جایگاه خود را داشته باشند. توجه به وضعیت اشتغال زنان و هدایت آنها به بازارکار می‌تواند زمینهٔ بهره‌گیری بهتر جامعه از این نیروی بالقوه را به فعل آورد. به همین دلیل، مجموعهٔ عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت هرچه بیشتر این جمعیت توانمند در عرصه‌های اقتصادی اجتماعی کشور باشد، از اولویت بیشتری برخوردار است. آموزش‌های مهارتی یکی از زمینه‌های زیربنایی تقویت توانایی افراد و از منابع حیاتی توسعه بوده که باعث می‌شود افق‌های جدید و نویی فرا روی انسان‌ها قرار بگیرد. یکی از ابعاد مهم و اساسی مهارت‌آموزی آن است که دامنهٔ فراخی از انتخاب و اختیار را به روی آدم می‌گشاید و آنان را در اشتغال، توانا می‌سازد. از طرفی، در جهان امروزین اعتقاد بر این است که منابع انسانی پایهٔ اصلی ثروت ملت‌ها راتشکیل می‌دهند. چراکه سرمایه و منابع طبیعی، عوامل تبعی تولیدند. حال آنکه انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه را متراکم ساخته، از منابع طبیعی بهره‌برداری نموده، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را پایه‌ریزی کرده و توسعهٔ ملی را به جلو می‌برند. بنابراین، اگر کشوری قادر نباشد مهارت و دانش مردم را توسعه بخشد و از آن در اقتصاد ملی به‌نحو مؤثری بهره‌برداری نماید، نخواهد توانست چیز دیگری را توسعه بخشد. زیرا توانایی حمایت از سرمایه‌های داخلی را ندارد.

واژگان کلیدی: حمایت از تولید ملی، حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی، اشتغال زنان، آموزش زنان و اشتغال.

---

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، دفتر طرح و برنامه‌های درسی،
Email:zamanizenooz@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد ریاضی، کارمند بانک پاسارگاد، Email:zamanielnaz@yahoo.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش درجهٔ توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این‌رو، در تحول همهٔ جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌گردد. با توجه به این‌که نیمی از کل جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند و دو سوم ساعات کار انجام شده توسط زنان صورت می‌پذیرد، تنها یک‌دهم درآمد جهان و فقط یک‌صدم مالکیت اموال و دارایی‌های جهان به زنان اختصاص یافته است. در چند سال گذشته، مطالعات متعددی از سوی سازمان جهانی کار[۱] در مورد تجزیه و تحلیل موقعیت زنان در سطوح منطقه‌ای، ملی، میزان اشتغال آنان و عوامل بازدارندهٔ فعالیت زنان، نگرش‌ها و تمایلات زنان و نقش زنان در توسعه انجام شده است که سعی در آماده‌سازی افکار عمومی ملت‌ها، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جهت حل مشکلات مربوط به دست‌یابی زنان به اشتغال بیشتر را داشته است. از آنجایی که در بررسی عوامل مؤثر بر توسعهٔ اقتصادی اجتماعی کشورها، توجه به نیروی انسانی و تخصص مطرح است، لذا، سخن از اشتغال زن و رابطهٔ آن با توسعه نیز امری ضروری است. (سفیری،۱۳۷۷)

نرخ مشارکت زنان در ایران در سال ۱۳۷۵، ۹/۱ درصد بوده که جمعیت دو میلیون نفری زنان در اشتغال را نشان می‌دهد. ولی نرخ مشارکت مردان در همان زمان ۶۰/۸ درصد بوده که شامل جمعیت چهارده میلیونی مردان در اشتغال می‌باشد. این آمار نشان می‌دهد که فقط دو میلیون از شانزده میلیون نفر از کل جمعیت فعال و شاغل در ایران را زنان تشکیل داده‌اند که حاکی از سهم بسیار ناچیز زنان در اشتغال بوده است.

شاخص توسعهٔ انسانی برای زنان در کشورهای توسعه‌یافته ۸۰ درصد، در کشورهای توسعه‌نیافته ۶۰ درصد مردان و در ایران شاخص، ۶۱ درصد مردان می‌باشد. بررسی علل این تفاوت در کشورهای توسعه‌نیافته نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر این تفاوت ناشی از میزان اشتغال و سطح دستمزدهاست در حالی‌که در کشورهای توسعه‌نیافته علاوه بر تفاوت‌های مربوط به بازار کار، تفاوت در تعلیم و تربیت، بهداشت و تغذیه نیز به چشم می‌خورد.

در این بحث باید به دو محور اساسی در مورد مشارکت زنان جامعه توجه نمود:

توجه به محدودیت‌ها و موانع مشارکت زنان در فعالیت‌ها: برخی از مسائل و مشکلات اشتغال زنان، موانع توسعه‌ای است که به ساختار کشورها مربوط می‌شود و بخشی از آن موانع غیرتوسعه‌ای و غیرساختاری می‌باشد. از موانع توسعه‌ای؛ موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را می‌توان نام برد و موانع غیرتوسعه‌ای نیز به ویژگی‌های شخصیتی و فیزیولوژی زنان باز می‌گردد. (مهرگان، ۱۳۸۶)

۱.Ilo (international labor organization)

موانع فرهنگی

با وجود این‌که عامل اقتصادی در اشتغال زنان، دارای بیشترین اهمیت می‌باشد، مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته نشان داده است که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی رایج در یک جامعه، تأثیر مستقیمی بر میزان اشتغال زنان داشته است. در مورد ایران، فرهنگ پذیرفته شده در جامعه این باور را به‌وجود آورده است که در صورت عدم موفقیت شوهر با کار زن حتی در صورت تمایل او به ادامهٔ کار، زن باید از کار خود چشم‌پوشی نماید. از مهم‌ترین موانع فرهنگی بر سر راه اشتغال زنان در ایران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱.باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌ها.
۲. عدم آگاهی زنان ایرانی نسبت به حقوق شهروندی خود.
۳. عدم آگاهی زنان از زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فعالیت.
۴. بالاتر بودن نرخ بی‌سوادی زنان نسبت به مردان.
۵. پایین بودن درصد متخصصین و دارندگان مدارج علمی در بانوان نسبت به مردان (محمدی، ۱۳۹۰)

موانع اجتماعی

در بررسی موانع مشارکت زنان، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آنان را نمی‌توان کاملاً از هم تفکیک کرد و موانع اجتماعی اشتغال زنان از موانع فرهنگی و اقتصادی آنان جدا نیست، ولی با این حال مهم‌ترین راه دست‌یابی به توسعهٔ فرهنگی را آموزش و پرورش زنان می‌دانند. در این زمینه دو نهاد مدرسه و خانواده را مهم‌ترین عامل در آموزش، تربیت و جامعه پذیری زنان ارزیابی می‌کنند.

موانع اقتصادی

در خصوص موانع اقتصادی مشارکت زنان به چهار عامل مهم آن اشاره می‌کنیم:

۱. کار خانه‌داری بدون دستمزد: خانه‌داری که عمده‌ترین کار زنان در جامعهٔ ما می‌باشد، فعالیت‌های اقتصادی گوناگونی را در برمی‌گیرد، نظیر امرار معاش از طریق کشاورزی در روستاها و تولید کالا و خدمات که این کارها بدون پرداخت دستمزد می‌باشد و هیچ ارزیابی اقتصادی از این فعالیت زنان به عنوان مادر و همسر در کاهش هزینه‌های خانواده و مؤثر بودن آن در اقتصاد غیر پولی انجام نمی‌شود.

۲. اختلاف سطح دستمزدها: اختلافات در زمینهٔ درآمدها تا حدی ناشی از اختلاف در اشتغال است، هر چند ممکن است ساعات کار زنان، کمتر از مردان باشد و به کارهای متوسط یا پاره‌وقت مشغول باشند. عامل دیگری که در اختلاف درآمد بین مردان و زنان تأثیر دارد، تبعیض در پرداخت دستمزد است. چنین تصور می‌شود که در دوره‌های رکود و تعدیل ساختاری بر تعداد کارگران زن افزوده شده باشد و به میزانی که مردان شغل خود را در بخش وسیعی از دست داده‌اند، زنان مجبور بوده اند برای بقای خانواده در بخش غیررسمی کار کنند و این چیزی است که یونیسف از آن به عنوان تعدیل نامرئی نام می‌برد. در اکثر کشورهای در حال توسعه، زنان ۲۵درصد بیشتر از مردان کار می‌کنند، ولی حقوق زنان

۴۰درصد کمتر از مردان می‌باشد، این تبعیض حتی در کشورهای توسعه‌یافته (البته با شدت کمتری) نیز وجود دارد، به عنوان مثال، در کشور صنعتی و پیشرفته‌ای چون ژاپن، بسیار قابل توجه است که دستمزد زنان در مقابل مردان ۵۱ در برابر ۱۰۰ می‌باشد که نشان‌دهندهٔ وضعیت بسیار نابرابر میان مردان و زنان است. بهترین وضعیت را در بین کشورهای توسعه‌یافته، سوئد با نابرابری ۹۰ در برابر ۱۰۰ دارا می‌باشد، همان‌طور که مشاهده می‌شود هنوز در جهان دستمزد مساوی با مردان برای زنان وجود ندارد. (جمشیدی، ۱۳۸۷)

۳. نوع مشاغل: حضور زنان در برخی مشاغل که بیشتر زنانه نامیده می‌شود از جمله معلمی، بهیاری و خدمت‌کاری در ادارات که در ادامهٔ نقش‌های سنتی بدون مزد زن در خانه می‌باشد، تمرکز بیشتری دارد که از کیفیت پایینی برخوردار می‌باشد همچنین، داری سطح دستمزدهای پایینتری نیز هستند. لذا، حضور زنان در این‌گونه مشاغل که آنان را به همان کارهایی که در فرهنگ سنتی در خانواده انجام می‌داده است، می‌گمارند. نه‌تنها هیچ راهکار مناسبی برای مشارکت زنان ندارد، بلکه آنان را عملاً از صحنهٔ فعالیت اقتصادی دور نگه می‌دارد.

به‌طورکلی، مشکلات و موانع اشتغال برای زنان مربوط به همهٔ کشورها اعم از صنعتی و در حال توسعه می‌باشد، با این تفاوت که شدت و ضعف در آنها وجود دارد. بعضی عوامل مؤثرتر و بعضی دیگر تأثیر کم‌رنگ‌تری دارند. موانع غیرتوسعه‌ای چون وضعیت فیزیولوژیک زنان و نظام شخصیتی آنان که از نظام فرهنگی و ارزش‌های جامعه نیز تأثیر می‌پذیرد، در اکثر کشورها از مهم‌ترین موانع می‌باشد، و موانع توسعه‌ای که به ساختار کشورهای در حال توسعه مربوط است و با توجه به شرایط خاص هر کشوری لزوم توجه بیشتری به رفع موانع تعیین می‌گردد.

۴. محدودیت‌های اقتصادی ناشی از محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی بانوان: یعنی محدودیت‌هایی که در قسمت الف و ب اشاره شد نیز می‌تواند بر فعالیت‌های اقتصادی بانوان تأثیر بگذارد.

۵. توجه به امکانات و قابلیت‌ها به‌طورکلی، مشارکت و برنامه‌ریزی برای رفع تدریجی موانع و محدودیت‌ها با شناخت دقیق مسائل زنان در ابعاد منطقه‌ای و ملی می‌تواند در رشد و توسعهٔ مشارکت زنان تأثیر به‌سزایی داشته باشد. (زعفرانچی، ۱۳۸۸)

روش‌شناسی

با توجه به نوع پژوهش که توصیفی می‌باشد، روش تحقیق در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای بوده و اسناد و پژوهش‌های صورت‌گرفتهٔ پیشین که با موضوع ارتباط محتوایی و اهدافی دارد مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و سپس با گردآوری مطالب مربوطه پژوهش حاظر گردآوری شده است.

یافته‌ها

امروزه آنچه اقتصاد جهانی را بیش از پیش تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، بازارهای کار و اشتغال ملی و بین‌المللی است که هر روز متفاوت‌تر و متنوع‌تر از قبل می‌شود. در این شرایط

کشورها سخت در تلاشند تا با ایجاد نظام‌های آماده‌سازی افراد برای اشتغال، منابع خود را به‌طور بهینه مورد استفاده قرار دهند. آنچه مسلم است این است که در حقیقیت همهٔ کشورها، حتی کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته، به شرطی می‌توانند در بازار کار رقابت کنند که از مهارت‌های مختلف فنی و حرفه‌ای برخوردار باشند. اگرچه مهیاسازی نیروی کار مورد نیاز جوامع از رهگذار آموزش‌های مهارتی (فنی و حرفه‌ای) از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است، لکن گرایش گسترده‌ای در حال حاضر نسب به آن پدید آمده است. به‌طوری که از مهارت‌آموزی به‌عنوان بهترین مسیر برای اشتغال پایدار، رشد و بهره‌وری، افزایش سرانهٔ تولید ناخالص ملی و در نهایت، رشد اقتصادی و اعتماد ملی یاد می‌کنند.

اشتغال هرچه بیشتر زنان نه تنها باعث افزایش بیشتر و سریع‌تر تولید ناخالص داخلی در مقایسه با اشتغال مردان شده، بلکه افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه را نیز به دنبال داشته است.

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نزدیک به نیمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و دانشجویان شاغل به تحصیل را دختران تشکیل می‌دهند و اکنون پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که زنان هم سرمایه‌گذاران خوبی هستند و هم به خوبی از سرمایهٔ خود استفاده می‌کنند.

طبق گزارش‌های منتشرشده، در سال ۱۹۵۰میلادی تنها یک‌سوم زنان و دخترانی که در سن اشتغال قرار داشتند، به‌طور رسمی دارای شغلی خاص بودند و حقوق دریافت می‌کردند. حال آنکه امروزه دوسوم زنان در چنین موقعیتی قرار دارند.

از سال ۱۹۵۰به بعد، سهم مردان از اشتغال با ۱۲درصد کاهش به ۷۷ درصد رسید در نتیجه، فضا برای نقش‌آفرینی بیشتر و پررنگ‌تر زنان در عرصهٔ کسب و کار و اقتصاد فراهم شد و پس از سال ۱۹۵۰ بود که میزان اشتغال مردان در کشورهای توسعه‌یافته رو به کاهش نهاد هر چند در کشورهایی مانند ژاپن و ایتالیا، سهم زنان از مشاغل هنوز هم در سطح ۴۰ درصد یا کمتر باقی مانده است. در این دوران افزایش اشتغال زنان در کشورهای توسعه‌یافته با تحولی عظیم در نوع مشاغلی که غالباً به زنان پیشنهاد می‌شود، همراه شد (رجب‌پور، ۱۳۸۴).

در چند دههٔ اخیر کارهای تولیدی که به‌طور سنتی کارهای مردانه قلمداد می‌شود، کاهش یافت و شرایط برابری برای کار زنان فراهم شد. امروزه در کشورهای در حال‌توسعه نیز وضعیت در حال دگرگونی است. در این کشورها نیز زنان، حضور پررنگ‌تری در مجامع کاری و خدماتی را تجربه می‌کنند. هم‌اکنون در کشورهای پیشرفتهٔ جنوب شرقی آسیا، در ازای هر ۱۰۰ نفر نیروی کار مرد، ۸۳ زن شاغل وجود دارد که این نرخ حتی از میانگین اشتغال زنان در کشورهای عضو سازمان توسعهٔ همکاری‌های اقتصادی[1] نیز بیشتر است. در سال‌های اخیر زنان کشورهای آسیایی سهم به‌سزایی در موفقیت صنایع صادراتی داشته‌اند، به‌طوری که بین ۶۰ تا ۸۰ درصد مشاغل بخش‌های صادراتی این کشورها به‌ویژه بخش نساجی و پوشاک با دستان زنان اداره می‌شود. البته باید دانست که نقش‌آفرینی زنان در اقتصاد جهانی، صرفاً به

1. DECD

حضور آنها در محیط کار و سهم آنها از کل نیروی کار کشورها محدود نمی‌شود. زنان علاوه بر اشتغال رسمی، در خانه نیز مشغول به کار هستند و به اصطلاح «خانه‌داری» می‌کنند، از کودکان خود نگهداری و مراقبت می‌کنند، خانه را تمیز می‌کنند، آشپزی می‌کنند و هزاران کار دیگر انجام می‌دهند که در ازای آنها هیچ مزدی نمی‌گیرند؛ کارهایی که با وجود پیامدهای مثبت بسیار در آمار و ارقام رسمی وارد نمی‌شوند. با این وجود به همان اندازه که بر اشتغال رسمی زنان افزوده می‌شود، از میزان ساعات کار غیررسمی و بدون مزد آنها در خانه کاسته می‌شود. البته این کاهش ساعات کار در خانه می‌تواند به افزایش بهره‌وری کلیت اقتصاد جامعه کمک کند. برای اثبات این ادعا کافی است به نرخ عظیم تولید ماشین‌های ظرفشویی و ماشین لباسشویی یا تعداد قابل توجه پرستار بچه، مهد کودک و خدمتکاران پاره‌وقت در جوامع امروزی نگاهی کرد تا دریافت اشتغال زنان در بیرون از خانه، تا چه حد می‌تواند به اشتغال‌آفرینی و رونق اقتصادی کمک کند. با این همه، در اقتصادهای توسعه‌یافته هنوز هم سهم زنان از تولید ناخالص داخلی در سطحی کمتر از ۴۰ درصد قرار دارد. اما اگر ارزش واقعی کار زنان در خانه (به جای پرستار بچه یا خدمتکار) را محاسبه کنیم، درمی‌یابیم که زنان بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه‌یافته را در دست دارند. به گفتهٔ کارشناسان، افزایش اشتغال زنان یکی از عوامل اصلی رشد جهانی طی دهه‌های اخیر بوده است. همچنین، طی ۱۵ سال اخیر، تأثیر اشتغال روزافزون زنان در اقتصادهای توسعه‌یافته بر رشد اقتصاد جهانی بیش از تأثیر رشد اقتصادی چین بر اقتصاد جهانی طی همین دوره بوده است. با وجود همهٔ این پیشرفت‌ها، سهم زنان از کل نیروی کار دارای حد و مرزی است. در نتیجه، زنان در بسیاری از کشورهای جهان ترجیح می‌دهند به‌جای کشمکش و رقابت با مردان بر سر تصاحب مناسب عالی بر کیفیت و بهره‌وری کار خود بیفزایند. در سال‌های اخیر، دختران نمره‌های بهتری در مقایسه با پسران همکلاسی خود در مدارس کسب می‌کنند و در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، نزدیک به نیمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و دانشجویان شاغل به تحصیل را دختران تشکیل می‌دهند. در آمریکا دختران دانشجو بر پسران دانشجو پیشی گرفته‌اند به‌طوری‌که در ازای هر ۱۰۰ فارغ‌التحصیل پسر، ۱۴۰ دختر از دانشگاه‌های آمریکا فارغ‌التحصیل می‌شوند. این در حالی است که دختران سوئدی دست آمریکایی‌ها را نیز از این حیث بسته‌اند، زیرا در ازای هر ۱۰۰ پسری که از دانشگاه‌های این کشور فارغ‌التحصیل می‌شوند، ۱۵۰ دختر فارغ‌التحصیل وجود دارد. تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند در سال‌های آینده بر تعداد زنان تحصیل‌کرده‌ای که به مدارج عالی و مناسب با ارزشی چون وزارت، نمایندگی پارلمان و مدیریت سازمان‌ها و شرکت‌ها می‌رسند، افزوده می‌شود. هم‌اکنون نیز تعداد پزشکان و وکلای زن در انگلیس بر تعداد پزشکان و وکلای مرد برتری دارد. هر چند پزشکان زن متخصص و جراح یا وکلای درجهٔ یک زن در این کشور بسیار محدود و انگشت شمارند. (نشریهٔ پژوهش زنان، ۱۳۸۳)

از سوی دیگر، کارشناسان تأکید می‌کنند دلیل اصلی این مسأله که دستمزد پرداختی به زنان به مراتب کمتر از دستمزد مردان است، این نیست که نسبت به زنان تبعیض وجود دارد، بلکه این امر از آنجا ناشی می‌شود که بیشتر زنان به دلیل مشغله‌های فراوان در خانه به اندازهٔ مردان تمایلی به بالا رفتن از نردبان ترقی و پیشرفت نشان نمی‌دهند، یا اینکه به انجام دادن

مشاغل کم‌درآمد و آسانی چون پرستاری و آموزگاری گرایش بیشتری نشان می‌دهند. با این حال، همین الگو نیز در حال تغییر و دگرگونی است. استفادهٔ بهینه از مهارت‌ها و توانایی‌های زنان مسأله‌ای صرفاً اقتصادی یا اجتماعی نیست، بلکه همان‌گونه که تحقیقات و بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد، این امر برای رونق کار و تجارت جهانی نیز مفید خواهد بود. هنوز هم سهم زنان از اعضای هیأت مدیرهٔ شرکت‌های بزرگ جهان به‌طور متوسط هفت درصد است. این رقم در آمریکا ۱۵ درصد و در ژاپن فقط یک درصد است. ممکن است این واقعیت برای مردان تلخ و ناگوار باشد، اما پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که زنان هم سرمایه‌گذاران خوبی هستند و هم استفاده‌کنندگان خوبی از سرمایه. بررسی مؤسسهٔ مالی «دیجیتال لوک» نشان می‌دهد، زنان در پول درآوردن و ترقی اقتصادی از مردان پیشی گرفته‌اند. دلیل اصلی این موفقیت نیز در این مسأله نهفته است که زنان نسبت به «هدر رفتن» سرمایهٔ خود بسیار حساس و دقیق هستند و معمولاً پیش از تصمیم‌گیری با افراد مختلفی مشورت می‌کنند. حال آنکه مردان به نخستین ایده‌ای که از آن خوششان بیاید، اکتفا و بر اساس آن عمل می‌کنند. به‌رغم همهٔ این دستاوردها و موفقیت‌های زنان در عرصه‌های ملی و بین‌المللی، هنوز هم زنان جزء آن دسته از منابع اقتصاد جهانی هستند که به فعالیت کافی نرسیده‌اند. هنوز هم جای زنان در بسیاری از مشاغل و مناصب خالی است و بسیاری از زنان شاغل نیز در جایی مشغول به‌کار هستند که از مهارت‌ها و توانایی‌های بالقوهٔ آنها به‌درستی استفاده نمی‌شود. اگرچه، اهمیت زنان در عرصهٔ اقتصاد جهانی، طی دهه‌های اخیر به سرعت افزایش یافته است، اما هنوز هم زنان می‌توانند در این عرصه پیشرفت کنند. هنوز هم زنان قادرند در سلسله‌مراتب سازمانی و اداری به پیش روند و از نردبان ترقی صعود کنند و رشد بلندمدت و پایداری را برای جوامع به ارمغان آورند. زنان کلید رشد و ترقی کشورهای در حال‌توسعه و تنها راه برون‌رفت از فقر و فساد را در دستان خود دارند. (ملک زاده، ۱۳۸۷)

بحث و نتیجه‌گیری

کار موضوعی می‌باشد که از ابتدای تکامل بشر مطرح بوده است. به‌طوری‌که مارکس می‌گوید انسان را کار آفریده است. در واقع، مهم‌ترین عامل تکامل بشر را مارکس کار می‌داند و نقل قولی از اوین تافلر از کتاب موج سوم او در مورد تأثیر کار در جنسیت "یکی از باورهای غالبی مرسوم این است که مردان را در سوگیری خود نسبت به مسائل، عینی و زنان را ذهنی تعریف می‌کند. اگر در این ادعا کمی هم حقیقت وجود داشته باشد، نه ناشی از واقعیت به اثبات رسیدهٔ بیولوژیکی، بلکه ناشی از تأثیرات روانی شکاف نامرئی است."

تافلر این شکاف نامرئی را ناشی از این می‌داند که در دورهٔ پایان کشاورزی و آغاز انقلاب صنعتی، زنان در خانه ماندند ولی مردان وارد جامعه شدند. در واقع مردان در کار مزدی شرکت کردن و این تأثیرات خاصی را در روحیه و روابط اجتماعی آنان داشته است. تافلر می‌گوید"مرد مسئولیت انجام کار پیشرفته را به عهده گرفت و زن عقب ماند تا نوع قدیمی‌تر و عقب افتاده‌تر کار را انجام دهد. مرد از آنجا که بود به‌سوی آینده حرکت کرد و زن در گذشته ماند." او در بخش‌های دیگر کتاب خود تفاوت‌های جنسیتی ایجادشدهٔ دیگری را نیز

که ناشی از حضور مرد در جامعه بوده مطرح می‌کند. از جمله اینکه وقت‌شناسی مردان را ناشی از حضور مردان در جامعه و یادگیری تعاریف صنعتی زمان و نظم و وقت‌شناسی زنان را ناشی از این عدم حضور می‌داند. این بیانگر نقش کار در شکل‌گیری جنسیتی است. در اینجا نگاهی گذرا به تاریخ می‌اندازیم. از ابتدای تکامل بشر در جوامع مختلفی در طول تاریخ وجود داشته، از جمله گروه‌های شکارچی، گردآوری خوراک کار به نوعی دارای تقسیمات بوده است. در این دوره طبق تحقیقات مردم‌شناسی تقسیم کار بیشتر بر حسب سن و جنس بود امر شکار با توجه به وضعیت بدنی و حالت جنگجوئی به عهدهٔ مردان و گردآوری و نگهداری خوراک بر عهدهٔ زنان و کودکان همراه آنان بوده است. پس از این دوره که انسان شروع به تولید غذا می‌کند، تقریباً حدود ۸ تا ۱۰ هزار سال پیش گروه‌های شکار و گردآوری خوراک به دو دستهٔ کوچ‌نشینان دام‌پرور و کشاورزان یکجانشین تبدیل می‌شوند. در هردو این گروه‌ها نیز زنان و مردان به‌طور یکسان فعال بودند و یا هستند، زیرا نمونه‌های آن هنوز در برخی از نقاط جهان هنوز وجود دارند. به‌طوری‌که می‌بینیم در طول تاریخ بشر زنان و مردان هر دو به همراه هم در عرصهٔ کار حضور داشتند و حضور آنها تقریباً به یک اندازه و مساوی بود به‌جز در زمان‌هایی که زنان برای فرزندآوری برای مدتی فعالیت کمتری داشتند. اما با صنعتی شدن و انقلاب صنعتی به دلایل و شرایط خاصی که در حوصلهٔ این گفتار نیست، زنان مجبور شدند در خانه بمانند و کار خانگی را انجام دهند و مردان بیشتر در عرصهٔ اجتماع حاضر شدند. (پرکاس، ۱۳۹۰)

نقش و اهمیت کار در شکل‌گیری برخی از ویژگی‌های جنسیتی زنان و مردان مطرح است. این نقش می‌تواند در عملکردهای هر دو جنس تأثیرات مختلفی داشته باشد. از جمله، در تربیت فرزند یا نقش‌های اجتماعی هر دو جنس مهم است. همان‌طور که مطرح شد پس از انقلاب صنعتی، حضور زنان در عرصهٔ کار بسیار کم می‌شود. اما کم‌کم با رشد صنعت سرمایه‌داری و نیاز بیشتر به نیروی کار، کارخانه‌داران متوجه نیروی کار عظیم زنان می‌شوند که در خانه بوده است و تقریباً بلا استفاده مانده است. بدین‌سان، تلاش‌هایی برای کشاندن زنان به عرصهٔ کار شروع می‌شود. بدین ترتیب، بتدریج درصد حضور زنان در جامعه بیشتر می‌شود.

آنتونی گیدنز در کتاب درسی جامعه‌شناسی خود در این مورد می‌گوید"تاکنون در کشورهای غربی کار مزدی غالباً مردانه بوده، اما در طول چند دههٔ گذشته این وضعیت به‌طور ریشه‌ای تغییر کرده است. روز به روز زنان بیشتری به نیروی کار می‌پیوندند. امروزه بین ۳۵ تا ۶۰ درصد زنان دارای سنین بین شانزده تا شصت سال در اغلب کشورهای اروپایی دارای کار مزدی بیرون از خانه می‌باشند."

گیدنز در مورد دلیل حضور بیشتر زنان می‌گوید:" یکی از دلایل آن کاهش نیروی کار در دوران جنگ جهانی اول بود، در سال‌های زمان جنگ زنان بسیاری از کارهایی را که منحصراً در حوزهٔ کارهای مردانه محسوب می‌شد به خود اختصاص دادند. البته پس از بازگشت مردان از جنگ، جای قبلی خود را به‌دست آوردند، اما الگوی ثابت قبلی شکسته شد."

اگر در سال ۱۹۴۵ فقط ۲۹ درصد نیروی کار را زنان تشکیل می‌دادند، در حال حاضر این مقدار به ۴۵ درصد نیروی کار رسیده است. در سال ۱۹۹۷ بیش از ۷۵ درصد زنان بین

سنین ۲۵ تا ۴۵ ساله از نظر اقتصادی فعال بودند که این شامل شاغلین در کار مزدی و یا آنهایی که جویای کار بودند می‌باشد.

اما اگرچه حضور زنان در جامعه از نظر کمّی بیشتر می‌شود، اما از نظر کیفی بیشتر زنان در حوزه‌هایی از فعالیت اجتماعی قرار دارند که به‌عنوان کارهای سطح پایین محسوب می‌شود. مثل معلمی، موقتی و با مزد اندک می‌باشند.

گیدنز این نابرابری در اشتغال زنان و مردان را در سه حوزهٔ جداسازی شغلی، تمرکز در کار نیمه وقت و شکاف دستمزد می‌داند. کارکنان زن به‌طور سنتی در شغل‌های با دستمزد کم و کارتکراری متمرکز بودند. بسیاری از این شغل‌ها بسیار جنسیتی‌شده هستند. بدین صورت که آنها به‌عنوان کار زنانه محسوب می‌گردند. منشیگری، شغل‌های نگهداری مثل پرستاری، مددکاری و بچه‌داری به‌طور وسیعی به‌عهدهٔ زنان بوده و به‌عنوان شغل‌های زنانه محسوب می‌شود. جداسازی جنسیتی شغلی به این واقعیت اشاره دارد که مردان و زنان در انواع مختلفی از شغل‌ها متمرکز شده‌اند که بر اساس فهم غالب از آنچه مناسب مرد و زن است قرار دارد. (منصوری، ۱۳۹۱)

به این سه مورد می‌توان ناامنی شغلی را نیز اضافه کرد. کیت پورسل در مقاله‌ای با عنوان "ناامنی جنسیتی کار" می‌گوید در بریتانیا تقریباً نیمی از کارکنان مزدی زن هستند اما توزیع آنها متفاوت است. بیش از نیمی از کارهای نیمه‌وقت در دست زنان است. در رابطه با کار نیمه وقت با توجه به تحلیل‌ها مشاهده می‌شود که در انگلستان در تمامی حوزه‌ها نسبت اشتغال موقت زنان بیشتر است.

اشتغال موقت دارای ویژگی‌های ناامنی شغلی عمدتاً غیرتخصصی و ساده، مزد کمتر، فقدان پرداختی‌های رفاهی و بیمه و ... می‌باشد. با توجه به بالا بودن نسبت اشتغال موقت زنان می‌توان گفت ناامنی شغلی در کار زنان بیشتر است.

در بخش کارهای انعطاف‌پذیر نیز نسبت اشتغال زنان بیشتر است. با توجه به سرشت کار انعطاف‌پذیر که معمولاً نیمه وقت بوده و فاقد امنیت شغلی می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که کارهای موقت بیشتر به عهدهٔ زنان و کارهای دائمی بیشتر توسط مردان اشغال شده است.

کارهای انعطاف‌پذیر معمولاً کارهایی است که با تغییر شیوهٔ کار و اطلاعاتی شدن آن یک سری از کارها بسیار تخصصی شده و یکسری از کارها کاملاً ساده و غیرتخصصی می‌باشد. معمولاً حوزه‌هایی که کارهای ساده و تکراری دارد، بیشتر کارهای نیمه‌وقت را پوشش می‌دهد که در این حوزه‌ها اقشاری که قبلاً فعالیت کمتری در جامعه داشتند مثل زنان، اقلیت‌ها و یا کسانی که امکان کار تمام‌وقت نداشتند مثل دانشجویان، بیشتر وارد این حوزه‌ها شدند. این حوزه‌ها معمولاً امنیت شغلی کمتری دارند، نیازی هم به مهارت ندارند. (فتحی، ۱۳۹۱)

در واقع، با افزایش اقتصاد دانش‌محور قطبی شدن کار هم بیشتر می‌شود. یعنی یک قطب بسیار مهارتی و یک قطب بسیار ساده، در این نوع کار بحث‌های فقدان تأمین اجتماعی، بازنشستگی، حمایت‌های رفاهی فرزندآوری و غیره وجود ندارد. بدین معنا که در اقتصاد جدید انعطاف‌پذیر این امکانات رفاهی مطرح نیست. در شکل کلاسیک که اتحادیه‌ها و حوزه‌هایی از نیروی کار برای دریافت امکانات اجتماعی حمایت می‌کرد، در اینجا دیگر مطرح

نمی‌باشد. با توجه به اینکه زنان بیشترین شرکت را در این اقتصاد جدید دارند، می‌توان گفت که از نظر بحث‌های تأمین اجتماعی و به‌طور کل امنیت اجتماعی بسیار ضعیف‌تر از مردان هستند.

همچنین، الگوی فعالیت‌های زنان با مسئولیت‌های خانگی‌شان نیز ارتباط دارد. این مسئولیت‌ها نیز با سن فرزندان آنها متناسب است. در مقاله‌ای پورسل به میزان اشتغال و رابطهٔ آن با تعداد فرزندان اشاره می‌کند. با توجه به آمارهای بریتانیا ۷۴,۴ درصد از کل زنان در این کشور از نظر اقتصادی فعال هستند. اما این میزان برای زنان دارای فرزند ۵-۱۰ ساله ۷۰,۹ درصد و برای زنان دارای فرزند ۴ ساله یا کوچکتر ۵۵ درصد است.

مهم‌ترین مشکل زنان برای فعالیت اقتصادی تداخل کار بیرون با مسئولیت‌های خانگی و داشتن فرزند است. فرزندآوری مسئله‌ای است که موجب می‌شود زنان در این دوره از شغل خود خارج شوند. بخشی از زنان پس از آنکه فرزندشان به سنی رسید که بتوانند همراه کار از او نگهداری کنند به کار بازمی‌گردند که این خارج شدن از کار و ورود مجدد موجب می‌گردد بخشی از تجربیات و پایه و موقعیت‌های شغلی خود را به‌طور کلی از دست بدهند. این وقفه که در کار زنان به‌وجود میاید، همچنین از نظر میزان مزد نیز به آنها صدمه می‌زند و شکاف دستمزد کار زنان و مردان را افزایش می‌دهد.

در مورد شکاف دستمزد نیز می‌توان گفت: از ابتدای حضور گستردهٔ زنان در کار مزدی آنان در کارهایی قرار داشتند که دارای مزد کمتر و به کارهای زنانه معروف بوده است. اگرچه در انگلستان این شکاف دستمزد در حال کم شدن است. گیدنز یکی از دلایل وجود و دوام شکاف دستمزد را جداسازی شغلی می‌داند. جداسازی شغلی بر اساس جنسیت یکی از مهم‌ترین عوامل شکاف دستمزد بین زنان و مردان است. زنان حضور بسیار زیاد در بخش شغل‌های مزد کم دارند. در سال ۱۹۷۹ فقط ۴۹٪ از زنان آمریکائی در خانه کار می‌کردند. بقیه که کار بیرون را انتخاب کرده بودند. در کار تمام‌وقت فقط ۶۳٪ مزد مردان را دریافت می‌کنند. در سال ۲۰۰۰ شمار زنانی که در بازار کار نیستند به ۴۰٪ کاهش یافته است. دریافتی مزد برای آنهائی که کار تمام‌وقت انجام می‌دهند ۷۶٪ مردان است. در گروه‌های سنی پایین‌تر شکاف دستمزد کمتر است و این بخاطر تحصیلات بالاتر و عدم تأهل در گروه‌های مذکور است. در کارهای تخصصی‌تر معمولاً نابرابری مزد کمتر است. در سال‌های ۱۹۴۰ زنان معمولاً در کارهای سنتی زنانه همچون معلمی و پرستاری مشغول بودند که دریافتی اندکی دارد. در سال‌های اخیر حوزه‌های تخصصی‌تر نیز حضور زنان را به‌طور وسیع‌تر تجربه می‌کند. (عسگری، ۱۳۷۸)

به‌طورکلی، مشارکت و برنامه‌ریزی برای رفع تدریجی موانع و محدودیت‌ها با شناخت دقیق مسائل زنان در ابعاد منطقه‌ای و ملی می‌تواند در رشد و توسعهٔ مشارکت زنان تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

امروزه توانمندسازی زنان و مشارکت کامل آنان بر پایهٔ برابری، در همهٔ زمینه‌ها از جمله در فرآیند اشتغال و تصمیم‌گیری و مدیریت جامعه یکی از پیش‌نیازهای توسعهٔ پایدار می‌باشد که کشور ما سخت بدان نیازمند است. در جوامعی که هنوز تعادل مطلوب و قابل قبول و مشارکت عادلانهٔ زن و مرد در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم نشده

و فرصت منصفانه بروز خلاقیت و استعداد انسان‌ها برقرار نگردیده است و فرآیند توسعه آن‌گونه که انتظار داشته‌اند موفق نبوده است. تداوم و شتاب توسعه هنگامی رخ خواهد داد که زن و مرد دوشادوش یکدیگر مسئولیت توسعه را بر عهده بگیرند.

از سوی دیگر، کسب مشاغل توسط زنان علاوه بر آن که زنان را در مقابله با تبعیضاتی چون معیارهای استخدامی نابرابر، دستمزدهای نابرابر، فرصت‌های آموزشی حرفه‌ای نابرابر، دسترسی نابرابر به منابع تولیدی و امکانات نابرابر در ارتقای شغلی تواناتر می‌کند، سبب بالا رفتن اعتماد به نفس، کسب هویت مستقل و بهبود وضعیت و رشد اجتماعی آنان می‌شود که کل جامعه از آن منتفع خواهد شد. (فتحی، ۱۳۸۴)

منابع

پرکاس، جمشید (۱۳۹۰). اهمیت کار زنان، http://www.bazarekar.ir

جمشیدی، رمضان (۱۳۷۸). تجزیه و تحلیل روند اشتغال و تغییرات ساختاری آن در بخش صنعت کشور، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

رجب‌پور، علیرضا (۱۳۸۴). کارآفرینی راهکاری مهم برای توسعهٔ اشتغال زنان، تهران، انتشارت نمونه.

زعفرانچی، لیلا سادات (۱۳۸۸). اشتغال زنان مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری – دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

سفیری، خدیجه (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران، تبیان، چاپ اول.

عسگری، علی و گلی، علی (۱۳۷۸). بررسی تحولات رشد اقتصادی استان برای فعالیت‌های عمدهٔ اقتصادی همدان و شهرستان‌های تابعه.

فتحی، سعید (۱۳۹۱). کارآفرینی برای توسعهٔ اقتصادی - http://www.imi.ir/tadbir/tadbir

فتحی، لاله (۱۳۸۴). زنان در عرصهٔ مدیریت، روزنامهٔ همشهری، یکشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۸۴، سال سیزدهم، شمارهٔ ۳۸۰۳، صفحهٔ ۱۰.

کار، مهرانگیز، (۱۳۷۹). زنان در بازار کار ایرا ن تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

ملک زاده، فهیمه (۱۳۸۷). نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقش‌ها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

محمدی، مقداد (۱۳۹۰). اشتغال زنان و نقش آن در توسعهٔ کشور- http://www.bazarekar.ir

منصوری، خلیل (۱۳۹۱). اهمیت و ارزش تولید و کارآفرینی در اقتصاد مقاومتی، http://www.imi.ir/tadbir/tadbir

مهرگان، نادر. موسائی، میثم. رضایی، روح الله (۱۳۸۶). تحولات اشتغال زنان در ایران با استفاده از تحلیل انتقال سهم –فصل‌نامهٔ علمی – پژوهشی رفاه اجتماعی سال یازدهم شمارهٔ ۴۰.

بررسی اثر اشتغال زنان در توسعهٔ اقتصادی و آبادانی کشور

میترا نویزی[۱]
حمیدرضا خانپورهرسمی[۲]
تورج نویزی[۳]

چکیده

نرخ بیکاری شاخصی برای سنجش میزان توسعه‌یافتگی کشورهاست. یکی دیگر از عواملی که برای اندازه‌گیری درجهٔ توسعه‌یافتگی یک کشور مورد توجه قرار می‌گیرد، نقش زنان جامعه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد. در سال‌های دور زنان کمتر به اشتغال می‌پرداختند و محدودهٔ فعالیت آنان بسیار کوچک بود ولیکن امروزه به دنبال تغییر در شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه، محدودهٔ فعالیت زنان بسیار گسترده‌تر از پیش شده است و زنان همپای مردان حتی در بخش های صنعتی و عمرانی نیز فعال شده اند. در ایران نیز با گذشت زمان مشارکت زنان و فعالیت آنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی دارای روند رو به رشد و افزایشی بوده است. تحقیقات نشان می‌دهد که با گسترش فعالیت‌های اقتصادی زنان یا به عبارتی با افزایش اشتغال زنان، شاخص‌های اقتصادی مانند GDP و GNP (تولید ناخالص داخلی و تولید ملی) کشور افزایش می‌یابد. از طرفی، مقدار صادرات کشور افزایش می‌یابد و به دنبال آن درآمد ملی کشور گسترش می‌یابد. می‌توان نتیجه گرفت که حضور فعال زنان در اجتماع و اشتغال می‌تواند منجر به شکوفایی اعتماد به نفس، شایستگی‌ها و توانایی‌های بانوان در زمینه‌های مختلف شود و تحولات اقتصادی، فرهنگی و... را به دنبال داشته باشد. این عوامل می‌تواند در کشورهای درحال توسعه مانند ایران به عنوان عاملی برای توسعه‌یافتگی باشد. در این مقاله نقش زنان و میزان اثرگذاری آنان در اقتصاد کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه مانند ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: اشتغال، زنان، توسعه، اقتصاد.

۱. کارشناس اقتصاد نظری، Email:m_navizi@yahoo.com
۲. مدیرکل فنی و حرفه‌ای استان تهران، کارشناس مدیریت و علوم سیاسی، Email:Modirkol@tehrantvto.ir
۳. مربی ادارهٔ کل فنی و حرفه‌ای استان تهران، کارشناس ارشد مهندسی مواد، Email:t_navizi.tvto@yahoo.com

مقدمه

اشتغال و بیکاری یکی از تأثیرگذارترین و مهم‌ترین عوامل در زمینهٔ تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی هر کشور، به‌خصوص کشورهای درحال توسعه‌ای مانند ایران می‌باشد. جمعیت بیکار و جویای کار حال حاضر کشور ایران بیش‌تر جوانانی هستند که برای ورود به بازار کار با هم به رقابت می‌پردازند و بر سر راه آن‌ها مشکلاتی از قبیل عدم تجربه و نداشتن سابقهٔ کار در یکی از ارگان‌های خصوصی و دولتی به چشم می‌خورد. در این مسیر باید به بانوانی نیز اشاره داشت که برای کسب موقعیت‌های شغلی مناسب با تحصیلات و مهارت‌هایشان با آقایان نیز به رقابت می‌پردازند. از طرف دیگر، در این راه با موانع دیگری نیز مانند موانع فرهنگی مواجه هستند. اگرچه نقش زنان در امور داخلی منزل مانند خانه‌داری و نقش همسری و مادری از اهمیت بسیاری برخوردار است. ولی حضور فعال زنان در جامعه و امور اقتصادی کشور و فعالیت آن‌ها در ارگان‌های مختلف اجتماع با ارزش و تاثیرگذار برآورد شده است. امروزه در کشور ما بحث از توسعه و یافتن راه‌هایی مناسب و بهینه با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی جامعه در شرایطی که جامعهٔ جهانی به سرعت به سمت پیشرفت روزافزون و نوآوری‌ها حرکت می‌نماید، از ضروری‌ترین نیازهاست. نیازی که بدون توجه همه‌جانبه و جدی به آن و بدون تلاش پیگیر و مستمر برای ایجاد تحولاتی عمیق، واقع‌بینانه و متناسب با ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی شرایط کنونی مان امکان دستیابی به آن ممکن نخواهد بود. مهم‌ترین مسئله در بحث توسعه در جهان امروز، توسعه‌ای است که در تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها و در تمامی مناطق جامعه رخ می‌دهد. توسعه‌ای که در آن تمامی سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات جهت بهبود شرایط زندگی، رفاه و اندیشهٔ انسان صورت گیرد. این مفهوم از توسعه را در حقیقت توسعهٔ انسانی پایدار می‌گویند که در سال‌های اخیر موضوع بحث اغلب علاقه‌مندان، دانشمندان و سیاست‌گذاران به توسعهٔ پایدار در جامعهٔ جهانی می‌باشد. یکی از مسائل اساسی که در بحث از توسعهٔ پایدار انسانی به آن توجه می‌شود، مسئلهٔ بهره‌گیری از منابع انسانی و فراهم کردن فرصت مناسب، در جامعه، جهت مشارکت عادلانه و فعال همهٔ اقشار، و از آن جمله، بهره‌گیری از نیروی انسانی زنان می‌باشد. هرساله تعداد زیادی از دختران از دانشگاه‌های کشور فارغ‌التحصیل می‌شوند به این امید که تمام سدها و مشکلات موجود بر سر راه اشتغالشان را برداشته و مانند مردان حضوری فعال و مؤثر در جامعه داشته باشند.

پیش از هر چیز باید تعریفی را درمورد افراد شاغل براساس اعلام سازمان‌ها و نهادهای مختلف ارائه داد:

تعریف شاغل براساس اعلام سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD)

شاغل به افراد بالای ۱۵ سال گفته می‌شود که طی هفتهٔ مرجع حداقل یک ساعت کار کرده باشد و همین‌طور افرادی که طی هفتهٔ مرجع کار نکرده‌اند، اما شغل دارند ولی به‌طور موقت بیکارند، گفته می‌شود. کارکنان خانوادگی نیز شاغل محسوب می‌شوند.

تعریف شاغل طبق استاندارد سازمان بین‌المللی کار

شاغل شامل افرادی است که در دورهٔ مرجع حداقل یک ساعت مشغول به کار بوده است. همچنین، افرادی که به‌طور موقت کارشان را ترک کرده‌اند و افراد شاغل در کارهای خانوادگی نیز شاغل محسوب می‌شوند.

تعریف شاغل براساس اعلام مرکز آمار ایران

این تعریف که به ادعای منتقدان، تعریف کاملاً غیرعلمی و غیرکارشناسی است که در هیچ‌جای دنیا استفاده نمی‌شود، شاغل به تمام افراد ۱۰ساله و بیش‌تر که درطول هفته مرجع حداقل یک ساعت کارکرده و یا بنا به دلایلی به‌طور موقت کارشان را ترک کرده باشند، گفته می‌شود.

آثار اشتغال زنان در توسعه

موضوع اشتغال به‌ویژه اشتغال زنان جزء مسائلی است که همواره در راستای موضوعات رشد و توسعه بررسی می‌شود. به عبارت دیگر، هر زمانی که بحث توسعه و توسعه‌یافتگی کشوری مطرح می‌شود، یکی از عوامل اثرگذار بر آن اشتغال زنان می‌باشد. اگرچه در کشورهای درحال توسعه در حوزهٔ اشتغال زنان موانع و مشکلاتی وجود دارد که از فعالیت بانوان در جامعه می‌کاهد. اما هستند بانوانی که خود به‌عنوان کارآفرین و خوداشتغال در جامعه فعالیت می‌کنند، مانند ایجاد مشاغل خانگی در محل سکونت افراد که زنان بدون نیاز به ماشین‌آلات صنعتی و مراکز بزرگ اقدام به تولید کالاها و اجناس می‌کنند و به‌صورت تعاونی و شرکت‌های تعاونی در راستای اهداف وزارت تعاون فعالیت می‌کنند. خوداشتغالی و کارآفرینی یکی از عوامل توسعه‌یافتگی کشورهای توسعه‌یافته به‌منظور پایین آوردن نرخ بیکاری نیز محسوب می‌شود. به هرحال، یک کارآفرین برای ایجاد یک فرصت شغلی باید از لحاظ خصوصیات اخلاقی و توانایی‌های عملکردی و ابتکار و خلاقیت، ویژگی‌های قابل قبولی را داشته باشد.

دلایل تمایل زنان به اشتغال

- **رهایی از فضای یکنواخت خانه:** برخی از زنانی که بیرون از خانه مشغول به کار می‌باشند، ادعا می‌کنند که موفق‌تر هستند و احساس آرامش بیشتری می‌کنند، چون در قبال خدمتی که انجام می‌دهند، درآمد کسب می‌کنند. از این‌رو، بعضی از زنان با پناه بردن به اشتغال و محیط بیرون از منزل می‌خواهند زندگی خود را تغییر داده و از یکنواختی زندگی و کارهای تکراری و ملال‌آور همیشگی نجات پیدا کنند.
- **بهبود وضع اقتصاد خانواده:** پاسخ به نیازهای روزافزون خانواده، زنان را در جهت فراهم آوردن امکانات رفاهی بیشتر و آرامش و امنیت خاطر اقتصادی بیشتر به سوی اشتغال ترغیب می‌نماید.
- **کسب استقلال اقتصادی:** به عقیدهٔ برخی کارشناسان، وابستگی اقتصادی زن به مرد، عامل بازدارنده و تضعیف‌کنندهٔ موفقیت زن در خانواده و اجتماع می‌باشد. لذا، زن با

اشتغال در جامعه و کارکردن می‌خواهد خود را از بند وابستگی برهاند. زنان شاغل با کسب درآمد و استقلال اقتصادی می‌توانند راحت‌تر به سایر آزادی‌ها و خواسته‌های خود دست‌یابند.

▪ **کسب هویت و موقعیت اجتماعی**: اشتغال و تحصیل زنان باعث رشد و ارتقاء منزلت اجتماعی آنان می‌شود و فرصتی برای حضور فعال و رقابتی در تعامل با مردان پیدا خواهند کرد. آنها با اشتغال، فرصت حضور در جامعه را به‌دست می‌آورند و اعتماد به نفس نهفته در خود را شکوفا می‌کنند و توانایی‌های بالقوه درآنها به‌صورت بالفعل درمی‌آید.

موانع اشتغال زنان

▪ نداشتن تحصیلات و مهارت‌های لازم برای اشتغال در جامعه.

▪ آداب و رسوم‌ها: در بسیاری از خانواده‌های ایرانی، علی‌الخصوص در شهرستان‌ها و روستاها این اجازه به دختران داده نمی‌شود که از محل زندگی خود به مکان‌های دیگری برای تحصیل و یا اشتغال مهاجرت کنند.

▪ تفاوت‌های فیزیکی (فیزیولوژیکی): این‌گونه تصور می‌شود که به دلیل شرایط و تفاوت‌های فیزیکی که زنان در مقایسه با مردان دارند، می‌بایست فعالیت‌هایی را که به فیزیک بدنی و توانایی‌های بیشتری احتیاج دارند، مردان انجام دهند و زنان تنها به کارهای خانه‌داری و پرورش و تربیت فرزندان و امور داخلی منزل محدود می شوند. در واقع، این تصور عام‌گونه از تسلط مردان بر زنان حکایت می‌کند .

▪ موانع اقتصادی: زنان در جامعه به عنوان نیروی کار ذخیره محسوب می‌شوند و در زمان بروز مشکلات و بحران‌ها بیشتر ترجیح داده می‌شود که از نیروی کار مردان استفاده شود. ولیکن کارگزاران در بخش‌های کوچک و نوپا به دلیل پایین بودن سطح دستمزد زنان و کار بیشتر ترجیح می‌دهند که از زنان استفاده کنند و این خود تبعیضی در زمینهٔ دستمزد زنان و مردان می‌باشد.

▪ موانع فرهنگی: باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌ها، عدم آگاهی زنان ایرانی نسبت به حقوق شهروندی خود، عدم آگاهی زنان از زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فعالیت.

اثرات اشتغال بر سلامت زنان

بررسی‌های انجام‌شده بر روی دو گروه زنان شاغل و غیرشاغل در کشورهای غربی نشان داد که وضعیت سلامت روانی و جسمانی زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل (خانه‌دار) در شرایط بهتر و مطلوب‌تری قرار دارد، اما در مورد کشوری مانند ایران به دلیل تسلط فرهنگ سنتی و مذهبی و به دلیل اهمیت نقش زنان در خانه و نقش مادری ـ همسری آنان، رابطه‌ای مانند آنچه که در کشورهای غربی میان سلامت زنان شاغل و غیرشاغل وجود دارد حاصل نشد. البته در مورد مقایسهٔ سلامت زنان شاغل و غیرشاغل دو دیدگاه نیز وجود دارد که در دیدگاه اول: گروهی معتقدند که بر اثر اشتغال زنان و هم‌زمانی نقش مادری و همسری و نقش آنان در جامعه و کارهای خارج از منزل، میزان فعالیت آنان بیشتر می‌شود و به دلیل افزایش مسئولیت، استرس بیشتری را تحمل می‌کنند و روی سلامتی زنان اثرنامطلوب و سوء

می‌گذارد و این باعث می‌شود که زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار از لحاظ روحی و جسمی در وضعیت نامناسب‌تری قرار گیرند. در دیدگاه دوم: گروهی معتقدند که با اشتغال زنان در خارج از منزل و حضور آنان در اجتماع، در واقع آنها صاحب نقش جدیدی در جامعه می‌شوند و استقلال مالی پیدا می‌کنند و اعتماد به نفس زنان افزایش می‌یابد و این خود عاملی می‌شود که زنان شاغل نسبت به زنانی که تنها به کار در منزل و امور خانه‌داری می‌پردازند از لحاظ جسمی و روحی در شرایط بهتری قرار گیرند. می‌توان بیان کرد که نقش اشتغال، به‌عنوان نقش جدیدی به نقش‌های سنتی زنان اضافه شده، نقشی که افزایش عزت نفس، افزایش درآمد، بالارفتن حمایت‌های اجتماعی و... را به دنبال دارد و در نهایت، در جهت ارتقاء سلامت زنان مورد تأکید قرار می‌گیرد.

نظریات زنان در سیاست‌های توسعه

نظریهٔ برابری(عدالت): این نظریه تشخیص می‌دهد که زنان شرکت‌کنندگان فعال در فرآیند توسعه هستند و از طریق نقش‌های تولیدی و باروری و نگهداری و پرورش نیروی انسانی خود یک نقش بسیار مهم، و اغلب شناخته‌نشده، در رشد اقتصادی کشورشان دارند. این نظریه بر این باور است، استراتژی‌های اقتصادی بیشترین تأثیر را بر امور زنان دارند و باید از طریق استخدام و معرفی زنان به بازار کار، آنان را وارد فرآیند توسعه نمود. **(دفتر امور زنان ریاست جمهوری صندوق کودکان)**

نظریهٔ فقرزدایی: این نظریه، نابرابری اقتصادی بین زنان و مردان را نتیجهٔ فقر می‌داند. براین اساس، فقر زن و عدم برابری او با مرد نتیجهٔ عدم دسترسی به تملک زمین، سرمایه و تبعیض موجود در بازار کار می‌باشد. درنتیجه، هدف آن بالابردن سطح اشتغال و درآمد زنان سطوح کم‌درآمد از طریق ایجاد دسترسی بهتر به منابع تولیدی می‌باشد.

نظریهٔ کارایی: در نظریهٔ کارایی، تمرکز از زنان برداشته شده و بر(توسعه) نهاده‌شده و تأکید بر افزایش شرکت زنان در امور اقتصادی دارد، از نظر صاحب‌نظران این دیدگاه، زنان نه‌تنها به عنوان تولیدکننده، بلکه به عنوان مدیران منطقهٔ خود به حساب می‌آیند و فعالیت‌های آنان انعطاف زیادی در نقش خانه‌دار و پرورش‌دهندهٔ نیروی انسانی و در فعالیت‌های اجتماع دارد.

نظریهٔ توانا‌سازی: نظریهٔ توانا‌سازی از عدم برابری بین زن و مرد و سرچشمهٔ فرمانبرداری زنان در خانواده آگاه است، ولی بر این حقیقت تأکید دارد که زنان مورد ظلم و تعدی متفاوتی قرار می‌گیرند که بستگی به نژاد، طبقه، تاریخچهٔ استعماری و موقعیت فعلی آنان در نظام بین‌المللی اقتصادی دارد. بنابراین، این نظریه تأکید می‌نماید که زنان باید ساختار و موقعیت ظالم را در سطوح مختلف و هم‌زمان زیر سؤال برند و با آن مبارزه کنند. این نظریه برخلاف نظریهٔ برابری تأکید کمتری بر افزایش "موقعیت" زن نسبت به مرد دارد، ولی به دنبال توانا‌سازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در داخل خانواده و همچنین در میان اجتماعات مختلف است.

اشتغال زنان از منظر قرآن و اسلام

از دیدگاه اسلام نیز می‌توان به اهمیت و جایگاه زنان در اقتصاد یک جامعه و اشتغال آنان با حفظ شئونات و قوانین اسلامی اشاره کرد و با تأکید بر آیهٔ ۳۲ سورهٔ نساء که می‌فرماید: "مردان از آنچه به اقتضای طبیعت یا تلاش و کوشش خود فراهم آورده‌اند، بهره‌ای دارند و زنان نیز از آنچه به اقتضای طبیعت و یا کسب و کار خویش به‌دست آورده‌اند، بهره‌ای دارند." دلیلی مبنی بر اشتغال زنان می‌باشد. همان‌طور که در دورهٔ پیامبر اکرم (ص) زنان به فعالیت در امور دام و کشاورزی و ... می‌پرداختند. هر چند اسلام حق کار برای زنان را به رسمیت شناخته و در کنار آن استقلال مالی و دستمزد **عادلانه** را نیز مورد تأکید قرار داده است، اما با توجه به ضرورت بنیاد خانواده، اهمیت کار زنان در خانه را ترجیح می‌دهد. در تقسیم کار، زنان کارهای خانه و تربیت اولاد را به‌عهده گیرند، و در صورت اختلال بین کار زنان در بیرون از خانه و مصالح مهم‌تر، مصالح اساسی‌تر مقدم خواهند بود.

نتایج آمارگیری نیروی کار بهار ۱۳۹۱ (برگرفته از سایت مرکز آمار ایران)

تعاریف

جمعیت فعال اقتصادی: تمام افراد ۱۰ ساله و بیش تر(حداقل سن تعیین شده)، که در هفته تقویمی قبل از هفته آمارگیری (هفته مرجع) طبق تعریف کار، در تولیدکالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده اند (بیکار)، جمعیت فعال اقتصادی محسوب می شوند.

نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت): عبارت است از نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) به جمعیت در سن کار، ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ساله و بیشتر)، ضرب در ۱۰۰.

نرخ اشتغال: عبارت است از نسبت جمعیت شاغل به جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، ضرب در ۱۰۰.

جدول شمارهٔ ۱ میزان اشتغال زنان با سن بیشتر از ده سال در ایران را طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۲ نشان می‌دهد.

جدول ۱. درصد زنان شاغل ده ساله و بالاتر در دورهٔ ۱۳۸۲-۱۳۳۵

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
زنان شاغل برحسب درصد	۹/۵	۱۱	۶/۱	۶/۲	۸	۹/۲۵	۱۳/۶	۱۲/۷

با دقت در جول فوق و بررسی روند آن در می‌یابیم که در سه دههٔ گذشته، میزان اشتغال زنان از افزایش نسبی برخوردار بوده است. افزایش میزان مشارکت زنان در جامعه با افزایش سطح تولید ملی جامعه همراه بوده و افزایش تولید در جامعه یکی از عوامل اثرگذار در توسعه‌یافتگی کشورها می‌باشد.

جدول ۲. تغییرات شاخص‌های عمدهٔ نیروی کار در بهار ۹۱ نسبت به بهار ۹۰ برحسب نقاط شهری و روستایی و جنس

شرح	کل کشور			نقاط شهری			نقاط روستایی		
	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر									
نرخ مشارکت اقتصادی	-۰/۶	-۰/۴	-۰/۵	-۰/۵	-۰/۱	-۰/۳	-۰/۸	-۱/۲	-۰/۸
نرخ اشتغال	-۰/۶	-۰/۹	۰/۸	-۰/۷	-۱/۴	۲/۴	-۰/۳	۰/۱	-۱/۹

بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی نشان می‌دهد در بهار ۱۳۹۱ نسبت به بهار ۱۳۹۰ شاخص نرخ مشارکت اقتصادی در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر**۰/۶** درصد کاهش داشته است، این شاخص در بین مردان۰/۴ درصد و در بین زنان ۰/۵ کاهش یافته است.

جدول ۳. نسبت اشتغال به تفکیک جنس

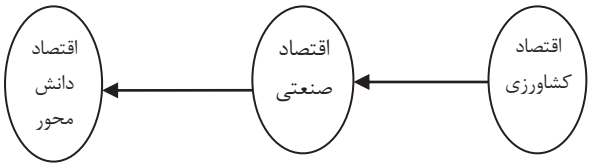
شرح	کل	مرد	زن
نسبت اشتغال جمعیت۱۰ساله و بیشتر	۳۳/۵	۵۵/۰	۱۱/۵

نسبت اشتغال نشان می‌دهد که چنددرصد جمعیت واقع در سن کار، شاغل هستند. نتایج به‌دست آمده در فصل بهار۱۳۹۱ نشان می دهد، نسبت اشتغال جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر ۳۳/۵ درصد بوده است، این نسبت برای مردان به مراتب بیشتر از زنان بوده است، به‌طوری‌که نسبت اشتغال در بین مردان ۵۵/۰ درصد و در بین زنان ۱۱/۵ درصد می‌باشد. این تفاوت آشکار در میزان اشتغال زنان و مردان، بیانگر سهم پایین اشتغال زنان جامعه و به دنبال آن سهم پایین زنان در رشد و توسعه‌یافتگی نظام اقتصادی کشور می‌باشد.

نتیجه

با تأمل در داده‌های جداول ۱،۲ و ۳ مشاهده می‌شود که در طی یک دههٔ گذشته میزان اشتغال زنان در جامعه افزایش چشمگیری نداشته است و این روند در جهت منافع اقتصادی کشور نیست. با توجه به سیر تحول اقتصاد در دنیا و گسترش اقتصاد دانش‌محور امروزه با پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات حضور زنان در این عرصه بست و پویایی اقتصاد کشور را در بر دارد. ضمن اینکه توسعهٔ مشاغل خانگی در کشور و حمایت دولت از کارآفرینان و خوداشتغالی، منجر به افزایش اشتغال زنان می‌شود. نتایج بررسی‌های کارشناسانه، حاکی از آن است که اشتغال هرچه بیشتر زنان در اقتصاد کشورها باعث رشد شاخص‌های کلان اقتصادی مانندGDP می‌شود و رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد و به‌دنبال آن افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه را نیز به دنبال دارد. زنان تحصیل‌کرده و باتجربه، نه تنها باعث افزایش بهره‌وری و بازدهی نیروی کار می‌شوند، بلکه فرزندانی سالم‌تر، باسوادتر و ماهرتر را تربیت می‌کنند و از این طریق نیز به رشد و ترقی همه‌جانبه و پایدار کشورها کمک می‌کنند. دولت در هرکشوری به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه‌ای مانند ایران برای

توسعه‌یافتگی نظام اقتصادی کشور از توانایی‌ها و استعدادهای بالقوهٔ نیروی کار فعال زنان در جامعه می‌بایست به بهترین روش استفاده نماید و تمامی مشکلات و موانعی راکه بر سر راه اشتغال آنها وجود دارد، از میان بردارد تا زنان همپای مردان به مشارکت در عرصه‌های مختلف اجتماع بپردازند. چنانچه به زن به‌عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمّی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت. می‌توان نتیجه گرفت که حضور فعال زنان در اجتماع و اشتغال می‌تواند منجر به شکوفایی اعتماد به نفس، صلاحیت‌ها و توانایی‌های بانوان در زمینه‌های مختلف شود و تحولات اقتصادی، فرهنگی و... را به دنبال داشته باشد، که این عوامل می‌تواند در کشورهای درحال توسعه مانند ایران به عنوان عاملی برای توسعه‌یافتگی باشد.



شکل ۱. سیر تحول اقتصاد جهانی

با توجه به وضعیت نیروی کار و روند فعالیت آنها که در اقتصاد کشاورزی نیروی کار ماهر مورد توجه قرار می‌گیرد و در اقتصاد صنعتی علاوه بر نیروی کار، حضور سرمایه نیز از ارکان اساسی می‌باشد، در اقتصاد دانش‌محور دانش افراد در کنار نیروی کار و سرمایه به‌عنوان عاملی تولیدی شناخته می‌شود. با دقت در ویژگی‌های اقتصاد دانش محور، واضح است که برخلاف اقتصاد کشاورزی و اقتصاد صنعتی نیروی کار و توان فیزیکی نقش اصلی را در این اقتصاد ایفا نمی‌کند، بلکه این میزان دانش و مهارت افراد است که تعیین‌کننده است. لذا، با توجه به شرایط فیزیکی و توان بدنی زنان و محدودیت‌هایی که برای اشتغال آنان در دوره‌های پیشین اقتصاد وجود داشت، انتظار می‌رود درصد اشتغال زنان با گسترش اقتصاد دانش‌محور در کشور افزایش یابد.

منابع

جامعه‌شناسی اشتغال زنان، دکتر خدیجه سفیری.
زهرا افشاری، اشتغال زنان و نقش آن در بازسازی اقتصاد کشور.
مرکز آمار ایران.
محمد تقی شیخی، جامعه‌شناسی زنان و خانواده، شرکت سهامی انتشار، تهران.
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (سالنامهٔ آماری کل کشور).
مرکز امور مشارکت زنان.
ناصر فکوهی کتاب از فرهنگ تا توسعه.

بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی
مطالعهٔ موردی استان کردستان

هادی فتحی[۱]
موسی اعظمی[۲]
نگین دولتی[۳]

چکیده

اعتبارات خرد به‌عنوان یک گزینه می‌تواند سرمایهٔ لازم برای زنان را ایجاد کند و همچنین عاملی برای حمایت از واحدهای کوچک بهره‌برداری، ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی کار عظیم موجود در روستاها، جلوگیری از مهاجرت روستاییان و نهایتاً تعمیم عدالت اجتماعی باشد. با توجه به این امر، مطالعهٔ حاضر با هدف بررسی اثرات اعتبارات خرد و جایگاه آن در خانواده انجام گردید. تحقیق حاضر به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده و حجم نمونهٔ آماری ۲۱۰ نفر از زنان روستایی بود که طی ۵ سال گذشته از اعتبارات خرد استفاده کرده بودند. نتایج نشان می‌دهد بیشترین زمینهٔ مصرف وام در منطقه به ترتیب کارهای مربوط به دامپروری، باغبانی، کشاورزی، خرج‌های تحصیل فرزندان، خرید و سایل خانه، خرید خوراک و پوشاک، خرج‌های دارویی درمان و بهداشت و صنایع دستی است. اعتبارات خرد پرداخت‌شده در زمینهٔ اشتغال، بیشترین تأثیر را در تثبیت شغلی قبلی زنان دریافت‌کنندهٔ وام داشته است. نتایج به‌دست آمده در زمینهٔ تأثیر اعتبارات خرد نشان داد این اعتبارات بیشترین تاثیر را در زمینهٔ بالا بردن اعتماد گروهی در بین زنان داشته است. همچنین، عوامل ایجاد احساسی قوی انجام کار، افزایش مهارت مدیریت زندگی، افزایش اعتماد به‌نفس، آگاه سازی زنان از توانایی‌های بالقوهٔ خود و بهبود منزلت زنان در خانواده در دریافت وام تأثیر زیادی داشته است. تحلیل همبستگی بین اشتغال و متغیرهای مستقل نشان داد بین میزان تحصیلات زنان، میزان تحصیلات مردان و نگرش کلی مردان خانواده نسبت به دریافت وام توسط زنان معنی‌دار بوده است.

واژگان کلیدی: اشتغال، اعتبارات خرد، زنان، زنان روستایی، کردستان.

---

۱. دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد توسعهٔروستایی، دانشگاه بوعلی سینا، Email:hfathi19@yahoo.com
۲. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا، همدان.
۳. دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد توسعهٔ روستایی دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

مقدمه

برنامه‌های اعتبارات خرد از رهیافت‌های مهم فقرزدایی در دهه‌های اخیر است که با ایجاد و گسترش فعالیت‌های در آمدزا به‌ویژه برای زنان کم‌درآمد، توسعهٔ جوامع محلی را تسهیل می‌کند، زادگاه این برنامه‌ها در کشورهای فقیر آسیایی همچون بنگلادش و هند بوده که به‌تدریج در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و صنعتی گسترش یافته است. این برنامه‌ها روش کارایی برای افزایش در آمد خانوارهای فقیر در مناطق حاشیه شهرها و روستاهاست. روش‌شناسی و نحوهٔ اجرای برنامه‌های اعتبارات خرد بسیار متنوع و هر کشور بر اساس شرایط اجتماعی خود نوآوری‌هایی در این برنامه‌ها داشته است. ماهیت این برنامه‌ها توسعه‌ای است و علاوه بر عرضهٔ وام، سایر خدمات آموزشی و اجتماعی نیز به وام‌گیرندگان فقیر ارائه می‌کنند. متأسفانه اعتبارات لازم برای ایجاد شغل برای افراد جامعهٔ روستایی خصوصاً زنان به‌سختی می‌شود. گرچه در حال حاضر منابع اعتباری زیادی وجود دارند که به روستائیان وام و اعتبار می‌دهند، ولی این منابع کافی نیستند و از طرفی هم، قوانین آن‌ها به گونه‌ای است که بسیاری از روستائیان و به‌ویژه زنان روستایی نمی‌توانند از تسهیلات اعتباری این منابع مالی استفاده کنند (جهانشاهی،۱۳۷۵: ۴۶). اعتبارات خرد به‌عنوان یک گزینه می‌تواند سرمایهٔ لازم برای زنان را ایجاد کند و عاملی برای حمایت از واحدهای کوچک بهره‌برداری، و افزایش تولیدات صنایع روستایی باشد.

بیان مسأله

یکی از مهم‌ترین عوامل توسعهٔ روستایی، توانمندسازی زنان روستایی می‌باشد که شامل عملکرد توسعه‌یافتهٔ زنان در مدیریت تصمیم‌گیری و اجرا در محیط خانواده و جامعه است. در راستای سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران دفتر امور زنان روستای و عشایر بنا به اهمیت بهبود اقتصادی کشور از طریق افزایش تولیدات صنایع روستایی در مناطق روستایی و همچنین رسیدن به عدالت اجتماعی با ایجاد اشتغال و کاهش فقر طرح تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستای را ایجاد نموده است و در استان کردستان تعداد ۸ صندوق در شهرستان‌های سنندج، کامیاران، مریوان، سقز، دهگلان، قروه، بانه و سرو آباد تشکیل شده است که شامل ۲۲۰ عضو بوده و اهداف فوق را دنبال می‌کنند. اما سؤالی که اینجا مطرح است این است که اعتبارات تا چه اندازه در بر آوردن اهداف مورد نظر موفق بوده است؟ توجه به اهمیت و جایگاه تأمین اعتبارات لازم برای تولید صنایع روستایی و حمایت از زنان روستایی چه میزان است؟ این مطالعه به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است. با توجه به موارد فوق بررسی علمی اثرات اعتبارات خرد روستایی از دیدگاه زنان روستایی دریافت‌کنندهٔ این اعتبارات ضروری می‌باشد و این ضرورت در استان کردستان که روستاییان، درصد بالایی از جمعیت استان را تشکیل می‌دهند، بیشتر است.

اهمیت و ضرورت

با توجه به وضعیت اقتصاد روستایی استان کردستان، زنان روستایی از نقش پررنگی در عرصهٔ اقتصاد و تولیدات صنایع روستایی برخوردارند. به‌طوری‌که بدون حضور آنان ساختار

اقتصادی خانواده نمی‌تواند پایدار باشد. بر این اساس، صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی به‌منظور افزایش توان مدیریت زنان در فعالیت‌هایی اقتصادی روستا و تأمین مالی پروژه‌های کوچک درآمدزا، از جمله تولیدات صنایع روستایی جهت بهبود وضعیت درآمد خانوار روستایی، تشکیل شده است. پژوهش حاضر نیز سعی دارد تا اثرات اعتبارات خرد زنان روستایی رادر بین خانوارهای ساکن ۸ روستای شهرستان‌های استان که دارای این صندوق‌ها می‌باشند، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و راهکارهایی در جهت بهبود و ارتقاء اثرات مثبت صندوق‌های فوق برای افزایش تولیدات روستایی در محیط‌های روستایی ارائه دهد. هدف کلی این تحقیق، بررسی اثرات اعتبارات خرد بر روی میزان تولیدات صنایع روستایی است. تعیین اثر اعتبارات خرد بر درآمد زنان روستایی و خانوادهٔ آن‌ها، اشتغال زنان روستایی،کاهش فقر و جایگاه اجتماعی زنان روستایی از دیگر اهداف این مطالعه بود.

پیشینهٔ تحقیق

از مهم‌ترین سازمان‌هایی که اعتبارات خرد در قالب وام و تسهیلات اعتباری را به گروه‌های داوطلب به‌ویژه زنان ارائه می‌دهند، می‌توان به هیأت توسعهٔ روستای بنگلادش، بانک گرامین، و کمیتهٔ پیشرفت روستایی بنگلادش اشاره کرد (رحمان[1]، ۲۰۰۵). موانع اشتغال زنان را به سه دسته: موانع فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و فردی شخصیتی تقسیم کرده است. در بخش موانع فرهنگی- اجتماعی به نگرش منفی جامعه (خانواده و همسر) میزان تحصیلات همسر و درصد رقیبان مرد در مقابل زنان اشاره می‌کند (نوفل، ۱۳۷۶).

ماتیسون (۲۰۰۳)، با معرفی اعتبارات خرد و تأثیرات اقتصادی بحران‌های طبیعی بر زندگی خانوارهای فقیر، بر نقش اعتبارات خرد در بازسازی آثار بحران تأکید می‌کند. به باور او، اعتبارات خرد می‌تواند در ایجاد مشاغل خانگی و کسب و کار خرد برای خانوارهای فقیر نقشی مهم ایفا کند؛ و بدین ترتیب، تأکید او بیش از هر چیز بر نقش اقتصادی اعتبارات خرد در مدیریت بحران است. رحمانی (۱۳۸۶) در مطالعهٔ خود در یافت که، از جمله عواملی که بر موفقیت زنان در دریافت وام و ایجاد اشتغال تأثیر مثبتی دارند، می‌توان به میزان تحصیلات زنان، میزان تحصیلات مردان و نگرش کلی مردان خانواده نسبت به دریافت وام توسط زنان خود اشاره نمود. رزمی و همکاران (۱۳۷۹) میزان سرمایه و منابع تأمین آن، کمیت و کیفیت نیروی انسانی، چگونگی دسترسی به مواد اولیه و تجهیزات، وضعیت بازار محصولات، نگرش افراد نسبت به صنایع روستایی، تمرکز و عدم تمرکز صنایع، امکانات رفاهی و زیربنائی منطقه، برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی، قوانین و مقررات موجود، و وضعیت فرهنگ عمومی منطقه را از عوامل مؤثر بر ایجاد و گسترش صنایع روستایی دانسته‌اند. از جمله تجربیات صورت‌گرفته در زمینهٔ اعتبارات خرد در کشورهای دیگر می‌توان به جنبش جهانی بانک روستا در سال ۱۹۷۶ و با آغاز طرح تحقیقاتی دکتر یونس که منجر به تأسیس بانک گرامین در بنگلادش شد، اشاره نمود. در اوایل دههٔ ۱۹۸۰ سازمان‌های غیر رسمی بین‌المللی دیگری مانند اکسیون و فنیکا در جهت از میان بردن فقر در کشورهای آمریکای لاتین اقدام به تأسیس بانک روستا کردند. در سریلانکا طرح اعتباری هیأت توسعهٔ صنعتی با فراهم ساختن اعتبارات برای

1. Rahman

روستاییان موجب تقویت صنایع کوچک در روستاها و افزایش اشتغال گردید (نادری مهدیی، ۱۳۸۱). صادقی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی اقتصادی صنایع روستایی استان مازندران" به محاسبهٔ بهره‌وری نهایی نیروی کار و سرمایه و نیز کل عوامل تولید پرداخته و نتیجه گرفته که در دورهٔ مورد بررسی، بهره‌وری نهایی نیروی کار در صنایع کانی، نساجی و فلزی استان پایین‌تر از سایر بخش‌ها بوده است. همچنین، نتیجه گرفته که میزان بهره‌وری کل عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار) در صنایع شیمیایی و سلولزی نسبت به سایر زیربخش‌های صنایع روستایی استان بیشتر بوده و نرخ رشد آن منفی و تقریباً روند نزولی داشته است. ایشان از شاخص کندریک برای محاسبهٔ بهره‌وری کل عوامل تولید استفاده کرده است. ساروخانی (۱۳۷۰) در تحقیقات خود دربارهٔ اشتغال زنان بر روی یک نمونهٔ ۱۰۲۰ نفری از زنان به این نتیجه دست یافت که ۳۶/۵ درصد از زنان مورد پژوهش موافق مطلق اشتغال زن، ۲۷ درصد مخالف مطلق و ۳۲/۳ درصد موافق مشروط اشتغال زنان بوده‌اند. ۵۷ درصد از زنان موافق اشتغال زنان، دلیل خود را کمک اقتصادی به خانه دانسته‌اند. ۴۰ درصد نیز دلایل روانی، اعتبار اجتماعی و اشتغال زن را مطرح نموده‌اند.

روش‌شناسی

در این مقاله از روش تحقیق توصیفی و به صورت پیمایشی استفاده شده است. پیمایش روشی سریع و نسبتاً کم‌هزینه جهت کشف ویژگی‌ها و عقاید یک جمعیت در مقیاس وسیع است و جزو متداول‌ترین روش‌های تحقیق در علوم رفتاری و اجتماعی محسوب می‌شود. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر شیوهٔ جمع‌آوری اطلاعات پیمایشی، از نظر نوع تحقیق توصیفی و علّی‌ارتباطی است. جامعهٔ آماری پژوهش را کلیهٔ زنان عضو صندوق خرده وام‌دهی استان کردستان مشتمل بر ۲۱۰ نفر تشکیل می‌دهند. به‌منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز تحقیق از مصاحبه و پرسش‌نامه استفاده شده است. بر اساس اهداف، پیشینهٔ نگاشته‌ها، فرضیات تحقیق و نتایج به‌دست آمده از مصاحبه‌های انجام‌شده، پرسش‌نامه‌ای تنظیم گردید. برای اطمینان از روایی ابزار اندازه‌گیری، پرسش‌نامهٔ طراحی‌شده در اختیار اساتید صاحب‌نظر در زمینهٔ مطالعات اجتماعی و برخی از کارشناسان خبرهٔ بانک کشاورزی استان قرار داده شد و اصلاحات مورد نیاز در آن اعمال گردید. برای محاسبهٔ قابلیت اعتماد، روش‌های گوناگونی وجود دارد که در تحقیق حاضر از آنجا که سؤالات به صورت بسته و در مقیاس لیکرت بودند، این نمونه‌گیری کوچک مقدماتی غالباً نتایجی به‌دست می‌دهد که بر اساس آنها می‌توان پرسشنامه‌ها را اصلاح کرد و از بروز اشکالات عمده در نمونه‌گیری با حجم زیاد جلوگیری نمود. آلفای کرونباخ محاسبه‌شده معادل ۰/۸۱ بوده است که نشان از مناسبت ابزار برای بررسی نظرات زنان روستایی است. پارامترهای مورد نیاز برای فرمول کوکران از پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده در مرحلهٔ پیش‌آزمون استخراج شد و پیش‌برآورد واریانس جامعه، از فرمول کوکران به شرح رابطهٔ (۱) استفاده شد:

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} \qquad (۱)$$

N = حجم جامعه n = حجم نمونه t= ضریب اطمینان قابل قبول (۲= ۱/۹۶=t)
d = دقت احتمالی مطلوب S = پیش‌برآورد واریانس متغیر مورد نظر

بدین ترتیب حجم نمونه ۲۱۰ نفر محاسبه گردید. این تعداد نمونه مجدداً به روش انتساب متناسب برای هر زنان روستایی محاسبه شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده پرسش‌نامه به‌صورت مصاحبه حضوری تکمیل گردید.

یافته‌ها

سن روستاییان مورد مطالعه بین ۱۸ سال تا ۵۷ سال متغیر است (میانگین ۲۹/۵۸، انحراف معیار۱/۳۸). از مجموع ۱۵۱ نفر نمونهٔ آماری در این پژوهش، تعداد ۳۲ نفر (۱۹/۳درصد) از پاسخگویان در دامنهٔ سنی ۲۰ سال و کمتر، تعداد ۵۲ نفر (۴۰ درصد) در دامنهٔ سنی ۳۰-۲۱ سال، ۴۱ نفر (۲۸/۶ درصد) در دامنهٔ سنی ۴۰-۳۱ سال، ۲۰ نفر (۱۰/۷ درصد) در دامنهٔ سنی ۵۰-۴۱ سال و ۶ نفر (۱/۴ درصد) نیز در دامنهٔ سنی بالای ۵۰ سال قرار دارند. بیشترین فراوانی (۴۰درصد) مربوط به گروه سنی ۳۰-۲۱ سال و کمترین فراوانی (۱/۴) مربوط به گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر است. سطح سواد روستاییان، ۱۰/۷درصد از آنان با فراوانی (۱۵ نفر) بی‌سواد، ۹/۳ دارای تحصیلاتی در حد خواندن نوشتن و ۳۴/۳ درصد نیز ابتدایی بوده‌اند. همچنین، ۲۳/۶ درصد افراد دارای تحصیلات راهنمایی، ۱۲/۹ درصد دارای تحصیلات دبیرستان، ۵درصد پاسخگویان نیز دارای تحصیلات دیپلم و ۴/۳ درصد از آنان با کمترین فراوانی (۹۱) دارای تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر بوده‌اند جدول (۱).

جدول ۱. توزیع فراوانی زنان روستایی

ویژگی	روستاییان	
	فراوانی	درصد
گروه‌های سنی		
زیر ۲۰ سال	۳۲	۱۹/۳
۳۰-۲۱	۵۲	۴۰
۴۰-۳۱	۴۱	۲۸/۶
۵۰-۴۱	۲۰	۱۰/۷
۵۱ و بالاتر	۶	۱/۴
سطح تحصیلات		
بی‌سواد	۱۷	۱۰/۷
خواندن و نوشتن	۱۵	۹/۳
ابتدای	۵۲	۳۴/۳
راهنمای	۳۲	۲۳/۶
دبیرستان	۱۹	۱۲/۹
دیپلم	۹	۵
دانشگاهی	۷	۴/۳

زمینه‌های مصرف وام در منطقه

با توجه به زمینهٔ پرداخت اعتبارات خرد که توسط بانک کشاورزی اعلام گردیده بود، میزان مصرف وام در زمینه‌های دامپروری، کشاورزی، باغبانی، ماهگیری، خرید وسایل خانه، خرید خوراک و پوشال، خرج‌های دارویی درمان و بهداشت، خرج تحصیل فرزندان و کارهای دستی خانگی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. زمینهٔ مصرف وام زنان روستایی

گزینه‌ها	کم		متوسط		زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
فعالیت شیلات		۵۱/۵		۳۶/۳		۱۲/۲
فعالیت باغبانی		۳۶/۴		۵۴/۱		۹/۵
فعالیت دامپروری		۴۲/۱		۳۴/۲		۲۳/۷
هزینه‌های مربوط به تحصیل فرزندان		۱۵/۱		۵۱/۴		۳۳/۵
هزینه‌های وسایل خانه		۶/۲		۳۴/۴		۵۹/۴
خوراک و پوشاک		۳/۳		۱۹/۴		۷۷/۳
دارویی درمان و بهداشت		۳۲/۳		۳۶/۱		۳۱/۶
کار خانگی و دستی		۱۳/۲		۴۲/۳		۴۴/۵

با توجه به جدول بالا، بیشترین زمینهٔ مصرف وام مربوط به فعالیت‌های شیلات، باغبانی، دامپروری، هزینه‌های مربوط به تحصیلات فرزندان، وسایل خانه، مواد دارویی و بهداشتی و کار خانگی و دستی پرداخت شده است.

اثر اعتبارات خرد

نتایج تحقیق حاکی از آن است که اثرات اعتبارات خرد بر متغیرهای؛ ایجاد احساس قوی در توانایی انجام کار، افزایش مهارت مدیریت زندگی، افزایش اعتماد به‌نفس، آگاه‌سازی زنان از توانایی‌های بالقوهٔ خود، بهبود منزلت زنان در خانواده، افزایش آگاهی اجتماعی، افزایش مسئولیت‌پذیری، افزایش توان کار گروهی بین زنان و ... نشان می‌دهد که از این متغیرهای مورد بررسی بیشترین تأثیر اعتبارات خرد بر روی متغییرهای افزایش اعتماد به‌نفس زنان روستایی، آگاه‌سازی زنان از توانایی‌های بالقوهٔ خود و افزایش مسئولیت‌پذیری زنان روستایی بیشترین تأثیر را داشته‌اند.

جدول ۳ . میزان اثر اعتبارات خرد در زمینه‌های مختلف

عامل	خیلی‌زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی‌کم	میانگین رتبه‌ای	انحراف معیار	دامنهٔ تغییرات
ایجاد احساس قوی در زنان در توانایی انجام کار	۷۷/۹	۱۸	۲/۹	۰/۷	۰/۷	۴/۷۱	۰/۶۲	۰/۱۳۱
افزایش مهارت مدیریت زندگی در زنان	۷۷/۱	۱۶/۴	۴/۳	۰/۷	۱/۴	۴/۶۷	۰/۷۲	۰/۱۵۴
افزایش اعتماد به‌نفس زنان	۱۹/۳	۷۵/۷	۱/۴	۲/۱	۱/۴	۴/۰۹	۰/۶۴	۰/۱۵۶
آگاه‌سازی زنان از توانایی‌های بالقوهٔ خود	۸۰/۷	۱۲/۹	۲/۱	۲/۱	۱/۴	۴/۷۰	۰/۷۴	۰/۱۵۷
بهبود منزلت زنان در خانواده	۲۲/۹	۶۲/۹	۹/۳	۲/۹	۱/۴	۴/۰۳	۰/۷۵	۰/۱۸۶
افزایش آگاهی اجتماعی زنان	۷۹/۳	۱۲/۹	۲/۹	۲/۱	۲/۹	۴/۶۳	۰/۸۷	۰/۱۸۷
افزایش مسئولیت‌پذیری زنان	۲/۱	۲۳/۶	۶۷/۱	۵	۲/۱	۳/۱۸	۰/۶۵	۰/۲۰۴
افزایش توان کارگروهی بین زنان	۱/۴	۰/۷	۰/۷	۸۸/۶	۸/۶	۲/۰۴	۰/۶۲	۰/۳۰۳
فراهم نمودن زمینه‌های برای ایجاد مشاغل کوچک	۰/۷	۱/۴	۶/۴	۶۹/۳	۲۲/۱	۱/۸۹	۰/۶۳	۰/۳۳۳
آگاه‌سازی زنان به توانایی‌های بالقوهٔ خود	۱۴	۱۰۶	۱۶	۲	۲	۳/۹۵	۱/۵۷	۰/۳۹۷
افزایش انگیزهٔ زنان در رسیدن به اهداف زندگی	۱۴	۱۱۰	۱۲	۳	۱	۴/۵۸	۱/۸۹	۰/۴۱۲
فرهم نمودن زمینه‌هایی برای کسب درآمد توسط زنان	۳۰/۷	۵۲/۱	۱۲/۱	۳/۶	۱/۴	۴/۴۲	۱/۸۳	۰/۴۱۴
افزایش مهارت‌های اجتماعی زنان	۰/۷	۱/۴	۵	۸۴/۳	۸/۶	۱/۹۵	۰/۸۴	۰/۴۳۰
تأمین رفاه نسبی خانواده زنان	۱۹/۳	۶۰/۷	۱۲/۹	۵/۷	۱/۴	۳/۹۰	۱/۸۲	/۴۶۶
تقویت حس آینده‌نگری بین زنان	۵۱/۴	۲۸/۶	۱۵	۴/۶	۰/۷	۴/۲۵	۲/۰۱	۰/۴۷۲
بالا بردن مهارت‌های فردی زنان در تولید	۴/۳	۱۵/۷	۱۷/۱	۵۰/۷	۱۲/۱	۳/۴۹	۱/۹۲	۰/۵۵۰

تأثیرات اجتماعی و فرهنگی اعتبارات خرد

تأثیر اعتبارات دریافت‌شده توسط زنان روستایی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در ده جنبه مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که از بین این ده عامل اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی، ایجاد گرایش به پس‌انداز در بین زنان، و ایجاد گرایش به فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری اقتصادی بین اعضاء بیشترین تأثیر و عوامل کاهش تدریجی نابرابری جنسیتی درآمد و بسترسازی اجتماعی جهت پدید آمدن نهادهای اجتماعی کمترین تأثیر را بر اعتبارات خرد داشته‌اند.

جدول ۴. تأثیرات اجتماعی و فرهنگی اعتبارات خرد

عوامل فرهنگی و اجتماعی	میانگین رتبه‌ها	انحراف معیار	ضریب تغییرات	اولویت
ایجاد گرایش به پس‌انداز در بین زنان	۴/۰۳	۰/۷۳	۰/۱۸۱	۱
ایجاد گرایش به فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری اقتصادی بین اعضاء	۳/۹۱	۰/۸۷	۰/۲۲۲	۲
افزایش مشارکت‌های فکری مردم	۳/۸۰	۰/۹۳	۰/۲۴۴	۳
کاهش جو سنتی و بازدارندهٔ فرهنگی فعالیت زنان	۳/۵۹	۰/۹۸	۰/۲۷۲	۴
افزایش مشارکت‌های مالی مردم	۳/۱۰	۱/۰۱	۰/۳۲۵	۵
بسترسازی اجتماعی جهت پدید آمدن نهادهای اجتماعی	۲/۸۹	۱/۱۲	۰/۳۸۷	۶
کاهش تدریجی نابرابری جنسیتی درآمد	۲/۱۱	۱/۲۶	۰/۵۹۷	۷

تأثیر اعتبارات خرد بر مؤلفه‌های مرتبط با وضعیت اشتغال زنان

با توجه به اینکه یکی از اهداف اصلی پرداخت اعتبارات خرد به زنان روستایی، ایجاد اشتغال یا بهبود وضعیت اشتغال زنان روستایی است، تأثیر این اعتبارات بر مؤلفه‌های مرتبط با وضعیت اشتغال زنان مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج همچنین از بین مؤلفه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد افزایش میزان تولیدات اعضاء و تقویت توان تولیدی اعضاء یا تولید کننده به ترتیب بیشترین تأثیر را داشته است و مؤلفه‌های ارتقاء کیفیت تولیدات اعضاء و ارتقاء مهارت‌های افراد شاغل یا تولیدکننده کمترین تأثیر را داشته‌اند.

جدول ۵. تأثیر اعتبارات خرد بر مؤلفه‌های مرتبط با وضعیت اشتغال زنان

مؤلفه‌ها	میانگین رتبه‌ها	انحراف معیار	ضریب تغیرات	الویت
افزایش میزان تولیدات اعضاء	۳/۲۱	۰/۲۵۱	۰/۰۷۸	۱
تقویت توان تولیدی اعضاء یا تولیدکننده	۳/۰۱	۰/۲۷۹	۰/۰۹۲	۲
تثبیت مشاغل قبلی اعضای شاغل	۲/۸۹	۰/۳۱۱	۰/۱۰۷	۳
کمک به توسعهٔ شغلی اعضای شاغل	۲/۵۹	۰/۳۵۱	۰/۱۳۵	۴
افزایش بهره‌وری شغلی اعضاء	۲/۱۲	۰/۳۷۲	۰/۱۷۵	۵
ارتقاء سطح آموزش‌های افراد شاغل یا تولیدکننده	۱/۶۳	۰/۵۲۸	۰/۳۲۳	۶
ارتقاء مهارت‌های افراد شاغل یا تولید کننده	۱/۵۲	۰/۵۳۸	۰/۳۵۳	۷

مؤلفه‌ها	میانگین رتبه‌ها	انحراف معیار	ضریب تغیرات	الویت
ارتقاء کیفیت تولیدات اعضاء	۱/۴۱	۰/۶۱۲	۰/۴۳۴	۸

ارتباط بین اشتغال زنان روستایی و متغیرهای مستقل

نتایج آمار استباطی نشان می‌دهد در تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از ضرایب همبستگی استفاده شده است. با توجه به اینکه اشتغال زنان روستایی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، میزات تحصیلات همسر و نگرش کلی مردان خانواده به دریافت اعتبارات خرد توسط زنان که در جدول نشان داده شده است.

جدول ۶. ضرایب همبستگی

متغیر مستقل	جنس	نوع ضریب	میزان ضریب	سطح معنی‌داری
سن	فاصله‌ای	فی لاندا	۰/۱۸۰	*۰/۰۳۲
میزان تحصیلات	ترتیبی	Vکرامر	۰/۲۹۱	*۰/۰۱۲
وضعیت تأهل	اسمی(چندوجهی)	چوپروف	۰/۴۴۵	**۰/۰۰۰
تعداد افراد خانوار	اسمی	فی لاندا	۰/۱۳۸	*۰/۰۲۰
نگرش مردان به دریافت اعتبارات توسط زنان	ترتیبی	پیرسون	۰/۱۱۷	*۰/۰۵۱

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج تحقیق حاضر، میزان موفقیت زنان مورد مطالعه در پیاده‌سازی برنامه‌ها و طرح‌های خود پس از دریافت وام در حد متوسط است. از دیدگاه زنان روستایی وام دریافتی بر ایجاد احساس قوی در توانایی انجام کار، افزایش مهارت مدیریت زندگی، افزایش اعتماد به‌نفس، آگاه‌سازی زنان از توانایی‌های بالقوهٔ خود، بهبود منزلت زنان در خانواده، افزایش آگاهی اجتماعی، افزایش مسئولیت‌پذیری، افزایش توان کارگروهی بین زنان و ... نشان می‌دهد که از این متغیرهای مورد بررسی بیشترین تأثیر اعتبارات خرد بر روی متغییرهای افزایش اعتماد به‌نفس زنان روستایی، آگاه‌سازی زنان از توانایی‌های بالقوهٔ خود و افزایش مسئولیت‌پذیری زنان روستایی بوده است. هدف از پرداخت اعتبارات خرد ایجاد اشتغال برای زنان روستایی می‌باشد، ولی بررسی زمینه‌های مصرف وام در منطقه نشان می‌دهد این وام‌ها در اموری نظیر خرید وسایل خانه، خرید خوراک و پوشاک، خرج‌های دارویی درمان و بهداشت، خرج تحصیل فرزندان و کارهای دستی و خانگی نیز هزینه می‌شود که این امر نشان‌دهندهٔ وضعیت بحرانی این افراد است که از تأمین نیازهای اولیهٔ خود نیز درمانده‌اند و ناچار وام‌های دریافتی را به‌جای سرمایه‌گذاری در ایجاد اشتغال، صرف مخارج روزمره و اضطراری می‌نمایند. با توجه به نتایج تحقیق حاضر، ممکن است اجرای پروژهٔ صندوق با پیامدهای اجتماعی مثبت مانند ارتقاء پایگاه اجتماعی، آگاهی و دانش اجتماعی افزایش

سطح تحصیلات و کاهش مهاجرت همراه باشد که به امید همین دستاورد نیز چه بسا عزم مسئولان در انجام این مهم راسخ‌تر است. از آنجا که هرچه میزان مشارکت فکری و مالی اعضا در صندوق بیشتر باشد، دستیابی صندوق به اهداف مورد مورد نظر بیشتر خواهد بود، پیشنهاد می‌شود که از سوی مسئولان ذی‌ربط زمینه و امکان مشارکت حداکثری اعضاء فراهم شود. ارائهٔ دورهای آموزشی جهت فرهنگ‌سازی و بهبود هنجارهای فرهنگی از طریق رسانه‌های گروهی برای روستاهای استان ضروری به نظر می‌رسد. با در نظر گرفتن این امر که زنان روستایی دریافت‌کنندهٔ این وام‌ها، زنان بیوه و سرپرست خانواده هستند و حامی ندارند، پیشنهاد می‌گردد این‌گونه اعتبارات تداوم یابد. به علت کم بودن مبلغ اعتبارات پرداختی برای راه‌اندازی یک شغل جدید، اعتبارت پرداخت‌شده در زمینه‌های ایجاد اشتغال موفق نبوده است، پیشنهاد می‌شود مطالعات علمی دقیقی مبنی بر میزان سرمایهٔ لازم برای ایجاد شغل‌های جدید متناسب با شرایط و موقعیت‌های هر منطقه انجام گیرد و مبلغ وام‌های پرداختی بر اساس این مطالعات باشد.

فهرست منابع

رحمانی، م (۱۳۸۶). نقش شبکه‌های خرده‌وام‌دهی بر توانمندسازی زنان، مطالعهٔ موردی روستای پشترود بم. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. گروه علوم اجتماعی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

رزمی، ب (۱۳۷۹). گزارش فاز اول امکان‌پذیری توسعهٔ اشتغال، از طریق ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی شهرستان‌های اردبیل، نیر و نمین. اردبیل: سازمان جهاد سازندگی استان اردبیل.

ساروخانی، ب (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی خانواده. چاپ اول، انتشارات سروش.

صادقی، ا (۱۳۸۰). بررسی اقتصادی صنایع روستایی استان مازندران . فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی مدرس، سال اول، شمارهٔ اول.

نادری مهدیی، کریم (۱۳۸۱). اعتبارات، سرمایه و توسعهٔ روستایی، جهاد، ۲۴۸-۲۴۹.

نوفل، م (۱۳۷۶). تأثیر اشتغال زنان بر اجتماعی شدن فرزندان، پایان‌نامهٔ دورهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

Rahman, Mahbubur (2005), "Micro credit in poverty eradication and achievement of MDGs: Bangladesh experience". Retrieved 10 August 2007. www.un.org/esa/socdev/social/papers/paper-rahman.pdf.

Mathison, Stuart (2003), "Microfinance and disaster management". Retrieved 14 August 2009. Available on: www.developmentgateway.com.au/jahia/webdav/site/.../mf_disasters.pdf

Mathison, Stuart (2003), "Microfinance and disaster management". Retrieved 14 August 2009. Available on: www.developmentgateway.com.au/jahia/webdav/site/.../mf_disasters.pdf

بررسی اثربخشی دوره‌های آموزشی پرورش گل و گیاه در کسب مهارت خوداشتغالی بانوان (مطالعهٔ موردی منطقهٔ ۸ تهران)

سمیه غلامعلی‌زاده[۱]
مجتبی میرزا کاظمی[۲]

چکیده

منابع انسانی دارای مهم‌ترین و بیشترین نقش در روند توسعهٔ یک کشور می‌باشند و پایهٔ اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند که جزء عوامل متعالی محسوب می‌شوند. در حقیقت، کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردم خود را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی کمک بگیرد، قادر نخواهد بود هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد. با وجود اینکه نیمی از نیروی انسانی کشورمان را زنان تشکیل می‌دهند و داری توان بالقوه در افزایش سطح بهره‌وری جامعه هستند، حضور آنان در مشاغل مدیریتی جامعه بسیار ناچیز است. از این رو، نیاز است تا مقولهٔ آموزش زنان در جهت خوداشتغالی و کسب درآمد به‌منظور افزایش رفاه خانواده و کسب مقام اجتماعی والا در جامعه مورد بررسی قرار گیرد. مرکز آموزش و مشاورهٔ گل و گیاه شهرداری منطقهٔ ۸ نیز اقدام به برگزاری دورهٔ آموزشی رایگان گل و گیاه نموده تا زنان بتوانند از این طریق به خوداشتغالی دست یابند. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و ابزار سنجش نیز پرسش‌نامه است که پایایی آن با کمک آلفای کرونباخ= ۸۱/۰ تعیین شد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزارspss انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که از نظر زنان، دورهٔ آموزشی تکثیر و پیوند کاکتوس بیشترین اثر را بر کسب مهارت خوداشتغالی آنان داشته و دوره‌های آموزشی تکثیر آلوئه‌ورا، سبزیکاری و پرورش قارچ اولویت‌های دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند و اثربخشی کلیهٔ دوره‌ها در حد متوسط تا زیاد بوده است. می‌توان نتیجه گرفت که هزینهٔ تهیهٔ نهاده‌ها عاملی مهم در اشتغال زنان می‌باشد و کم‌هزینه بودن کاکتوس نسبت به سایر موارد دلیل بر اثربخشی بالای آنها می‌باشد. بنابراین، می‌توان پیشنهاد کرد تا تسهیلاتی توسط شهرداری برای زنان در نظر گرفته شود تا بتوانند نهاده‌ها با قیمت پایین تهیه نمایند و زمین‌هایی به‌عنوان مزرعه خانواده و گلخانه در اختیار آنها قرار گیرد تا بتوانند تحت نظارت کارشناسان به تولید و اشتغال‌زایی اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: آموزش، خوداشتغالی، زنان، گل و گیاه، اثربخشی.

---

۱. کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی (کارشناس مرکز آموزش و مشاورهٔ گل و گیاه شهرداری منطقه ۸)، Email:S_gholamalizadeh@yahoo.com
۲. رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸، میدان هفت حوض، ساختمان شمارهٔ ۲ شهرداری منطقه ۸، ادارهٔ فضای سبز Email:M_mirzakazemi@yahoo.com

مقدمه

یکی از زمینه‌های اصلی توسعهٔ منابع انسانی، آموزش و پرورش نیروی انسانی بیان شده که شامل کلیهٔ آموزش‌هایی است که برای بهتر انجام شدن امور لازم می‌باشد. این آموزش‌ها شامل آموزش‌های تخصصی شغلی، آموزش‌های رفتاری، آموزش‌های مهارتی، آموزش‌های روانی- حرکتی و ... می‌باشند. در حقیقت، منابع انسانی دارای مهم‌ترین و بیشترین نقش در روند توسعهٔ یک کشور می‌باشند (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۳). منابع انسانی پایهٔ اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند که جزء عوامل متعالی محسوب می‌شوند و می‌توانند سرمایه‌ها را متراکم سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را بسازند و توسعهٔ رفاهی را به جلو بیاندازند (Day, 1998) . در حقیقت، کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردم خود را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی کمک بگیرد، قادر نخواهد بود هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد (حاتمی، ۱۳۸۳). در این میان، زنان از نقش به‌سزایی برخوردارند و در جامعه‌ای که زنان همپای مردان به کار و فعالیت می‌پردازند، نیاز است تا توانایی‌های زنان بیشتر مورد بررسی قرار گیرد و استعدادها و توانایی‌های بالقوهٔ آنان در اثر آموزش‌ها و هدایت‌های صحیح به‌صورت بالفعل درآید. در واقع با وجود اینکه نیمی از نیروی انسانی جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و داری توان بالقوه در افزایش سطح بهره‌وری جامعه هستند، حضور آنان در مشاغل مدیریتی جامعه بسیار ناچیز است. در طی سال‌های اخیر توسعه و توانمندسازی زنان کانون توجه سازمان‌های بین‌المللی و ملی بوده است (خسروی، ۱۳۸۱). در طی دو دههٔ اخیر برنامه‌ها و پروژه‌های متعدد و متنوعی در سرتاسر جهان در این راستا به اجرا درآمده است. از این رو، نیاز است تا مقولهٔ آموزش زنان در جهت خوداشتغالی و کسب درآمد به منظور افزایش رفاه خانواده و همچنین کسب مقام اجتماعی والا در جامعه مورد بررسی قرار گیرد. از این رو، مرکز آموزش و مشاوره گل و گیاه شهرداری منطقهٔ ۸ با هدف ارتقاء آگاهی شهروندان از روش‌های نگهداری و تکثیر گیاهان (سبزیکاری، پرورش قارچ، تکثیر آلوئه‌ورا، تکثیر بنفشهٔ آفریقایی، پرورش بنسای و ...) به منظور کسب مهارت‌های تولید و تکثیر گیاهان و خوداشتغالی، اقدام به برگزاری دوره‌های رایگان آموزشی گل و گیاه نموده و در پژوهش حاضر میزان اثر بخشی این دوره‌ها در کسب مهارت‌های خود اشتغالی زنان مورد بررسی قرار گرفته و اولویت دوره‌های آموزشی که بیشتری تأثیر را در اشتغال‌زایی داشته مشخص شده است.

در عصر حاضر، آموزش به عنوان حقوق اولیهٔ انسان‌ها، عامل تغییر و پیشرفت اجتماعی شناخته شده است. بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که شرایط یادگیری باید چنان سازماندهی شود که هر فراگیر بر اساس توانایی‌های خود به فعالیت و یادگیری بپردازد (Buckeley, 2003). در حقیقت، آموزش به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی آموزشگر، طرح‌ریزی می‌شود و بین او و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد (مشاعری، ۱۳۸۳). ایجاد تحولات سریع و روزافزون در جوامع باعث شده تا آموزش نقش متفاوت و در عین حال پیچیده‌ای داشته باشد و یکی از روش‌های آموزشی، آموزش فراگیرمحور است. آموزش فراگیرمحور بر اساس شیوهٔ

تسهیل‌گری می‌باشد. تسهیل‌گری تعهدی است برای درگیر کردن در فرایند یادگیری، در این حالت یادگیرنده نقطهٔ تمرکز و فضای سبز، محتوا و متن است (هاشمی، ۱۳۹۰). جولیس و ویل (۲۰۰۴) معتقدند که ترکیب عوامل انگیزش و آموزشی می‌تواند عامل استقبال از روش‌های آموزشی باشد. آرگلد و بردالی (۱۹۹۸) معتقدند به دلیل نیاز جامعه امروز به افراد متفکر و خلاق، ضرورت تغییر روش‌های تدریس و استفاده از روش‌های تدریس بیش از پیش در جامعه احساس می‌شود (شهرستانی، ۱۳۹۰).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است، زیرا نتایج آن را می‌توان در جهت افزایش اثربخشی دوره‌های آموزشی مرکز آموزش و مشاورهٔ گل و گیاه شهرداری منطقه ۸ به منظور اشتغال‌زایی برای زنان به‌کار گرفت و از آنجا که داده‌ها با ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری می‌شوند، از نوع پیمایشی است. جامعهٔ آماری، کلیهٔ بانوان بهره‌مند از خدمات آموزشی این مرکز می‌باشند و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان ۱۰۰ نفر تعیین شده است. پرسش‌نامه شامل دو بخش:۱. ویژگی‌های فردی و ۲. بررسی دیدگاه زنان نسبت به اثربخشی دوره‌های آموزشی در افزایش توانایی خوداشتغالی آنان، که روایی آن با کمک اساتید فن و پایایی آن با کمک ضریب آلفای کرونباخ ۸۱/۰ تعیین شده است و تحلیل داده‌ها با کمک نرم‌افزارspss نسخهٔ ۱۶ انجام شده است.

یافته‌ها

سطح تحصیلات زنان

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اکثر زنان (۴۴ درصد) دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند و میزان تحصیلات آنها به ترتیب اولویت در جدول شمارهٔ ۱ نشان داده شده است. همچنین، بر اساس نتایج به‌دست آمده، میانگین سطح تحصیلات افراد در حد دیپلم و فوق دیپلم است.

جدول ۱. تحصیلات شهروندان

تحصیلات	فراوانی	درصد	اولویت	تحصیلات
بیسواد	۵	۵	۱	دیپلم
زیر دیپلم	۲۰	۲۰	۲	زیر دیپلم
دیپلم	۴۴	۴۴	۳	فوق دیپلم
فوق دیپلم	۱۷	۱۷	۴	لیسانس و بالاتر
لیسانس و بالاتر	۱۴	۱۴	۵	بیسواد
مجموع	۱۰۰	۱۰۰		

* میانگین: ۱۵/۳

نحوهٔ آشنایی زنان با مرکز آموزش و مشاورهٔ گل و گیاه

بررسی‌ها نشان می‌دهد که نحوهٔ آشنایی زنان با این مرکز بیشتر (۳۰درصد) از طریق پلاکاردهایی بوده که توسط مرکز در بوستان مختلف سطح منطقه نصب می‌شده و پس از آن، تراکت‌های تبلیغاتی مرکز بیشتری اولویت را به خود اختصاص داده است. آشنایی با مرکز از طریق دوستان و اطرافیان نیز (۲۶ درصد) اولویت سوم را به خود اختصاص داده است و تبلیغات در روزنامه همشهری محله و ارسال اخبار مرکز به صورت پیامک به شهروندان منطقه ۸ نیز در دو اولویت آخر قرار گرفتند.

جدول ۲. نحوهٔ آشنایی زنان با مرکز آموزش و مشاورهٔ گل و گیاه

نحوهٔ آشنایی	فراوانی	درصد	اولویت	نحوه آشنایی
پلاکارد	۳۰	۳۰	۱	پلاکارد
روزنامهٔ همشهری محله	۱۲	۱۲	۲	تراکت
دوستان و اطرافیان	۲۶	۲۶	۳	دوستان و اطرافیان
پیامک	۴	۴	۴	روزنامهٔ همشهری محله
تراکت	۲۸	۲۸	۵	پیامک
مجموع	۱۰۰	۱۰۰		

اثربخشی دوره‌های آموزشی

یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که اکثر زنان مراجعه‌کننده به مرکز آموزش و مشاورهٔ گل و گیاه (۴۸ درصد)، اثر بخشی دوره‌های آموزشی این مرکز رادر حد متوسط می دانند و این در حالی است که میانگین اثربخشی کلاس‌های آموزشی از نظر زنان در حد متوسط تا زیاد تعیین شده است.

جدول ۳. اثربخشی دوره‌های آموزشی از دیدگاه زنان

اثربخشی	فراوانی	درصد
کم	۲۳	۲۳
متوسط	۴۸	۴۸
زیاد	۲۹	۲۹
مجموع	۱۰۰	۱۰۰

* میانگین= ۰۶/۲

عناوین دوره‌های آموزشی

از نظر اکثر زنان (۴۸ درصد) عناوین دوره‌های آموزشی مطلوب می‌باشد و درصد کمی از آنان (۱۲ درصد) این عناوین را تکراری بیان کرده‌اند.

جدول ۴. دیدگاه شهروندان نسبت به عناوین دوره‌های آموزشی

عناوین	فراوانی	درصد
تکراری	۱۲	۱۲
کم	۴۰	۴۰
مطلوب	۴۸	۴۸
مجموع	۱۰۰	۱۰۰

تعداد جلسات و ساعات دوره‌های آموزشی

یافته‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از زنان (۵۷ درصد) تعداد جلسات و ساعات کلاس‌ها را در حد خوب می‌دانند و بر اساس میانگین پاسخ‌های زنان، تعداد جلسات و ساعات کلاس‌ها در حد خوب تا زیاد می‌باشد.

جدول ۵. دیدگاه زنان نسبت به تعداد جلسات و ساعات دوره‌های آموزشی

تعداد جلسات و ساعات کلاس‌ها	فراوانی	درصد
کم	۲۰	۲۰
خوب	۵۷	۵۷
زیاد	۲۳	۲۳
مجموع	۱۰۰	۱۰۰

* میانگین= ۰۳/۲

اثر بخشی دورهٔ آموزشی سبزی‌کاری

بررسی‌ها حاکی از آن است که از نظر اکثر زنان (۷۶ درصد) دورهٔ آموزشی سبزی‌کاری تا حد زیادی به خوداشتغالی آنان کمک کرده و این امر در حالی است که میانگین پاسخ زنان نشان‌دهندهٔ اثربخشی این دوره در حد متوسط تا زیاد است.

جدول ۶. اثربخشی دورهٔ آموزشی سبزی‌کاری

اثربخشی دوره	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زیاد	۷۶	۷۶	۷۶
متوسط	۱۲	۱۲	۸۸
کم	۱۱	۱۱	۹۹
به هیچ وجه	۱	۱	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	

* میانگین= ۶۳/۳

اثر بخشی دورهٔ آموزشی پرورش قارچ صدفی در منزل

با توجه به جدول ۷ بیش از نیمی از زنان (۵۳ درصد) اثربخشی چنین دورهٔ آموزشی را در حد زیاد می‌دانند و جمعیت کمی از آنان (۴ درصد) اثربخشی دوره را در حد کم ارزیابی کرده‌اند. همچنین، میانگین پاسخ‌های زنان نشان‌دهندهٔ اثربخشی متوسط تا زیاد دورهٔ آموزشی پرورش قارچ صدفی در خوداشتغالی آنان بوده است.

جدول ۷. اثربخشی دورهٔ آموزشی پرورش قارچ صدفی در منزل

اثربخشی دوره	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زیاد	۵۳	۵۳	۵۳
متوسط	۴۲	۴۲	۹۵
کم	۴	۴	۹۹
به هیچ وجه	۱	۱	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	

* میانگین= ۴۷/۳

اثر بخشی دورهٔ آموزشی پرورش و تکثیر آلوئه ورا در منزل

نتایج حاکی از آن است بیش از سه‌چهارم زنان (۸۵ درصد) دورهٔ آموزشی پرورش و تکثیر آلوئه‌ورا را تا حد زیادی در مقولهٔ خوداشتغالی مؤثر می‌دانند و میانگین پاسخ‌های آنان نیز نشان‌دهندهٔ اثربخشی این دوره در حد متوسط تا زیاد می‌باشد.

جدول ۸. اثربخشی دورهٔ آموزشی پرورش و تکثیر آلوئه‌ورا در منزل

اثربخشی دوره	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زیاد	۸۵	۸۵	۸۵
متوسط	۱۲	۱۲	۹۷
کم	۳	۳	۱۰۰
به هیچ وجه	۰	۰	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	

* میانگین= ۷۲/۳

اثر بخشی دورهٔ آموزشی تکثیر و پیوند کاکتوس در منزل

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اکثر زنان (۷۸ درصد) از طریق شرکت در دورهٔ آموزشی تکثیر و پیوند کاکتوس به خوداشتغالی دست یافته‌اند و میانگین پاسخ‌های آنان نیز حاکی از اثربخشی متوسط تا زیاد این دوره بوده است.

جدول ۹. اثربخشی دورهٔ آموزشی تکثیر و پیوند کاکتوس در منزل

اثربخشی دوره	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زیاد	۷۸	۷۸	۷۸
متوسط	۱۸	۱۸	۹۶
کم	۳	۳	۹۹
به هیچ وجه	۱	۱	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	

* میانگین= ۷۳/۳

اولویت اثربخشی دوره‌های آموزشی بر مهارت خوداشتغالی زنان

بررسی‌ها حاکی از آن است که از نظر زنان شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی مرکز آموزش و مشاورهٔ گل و گیاه، دوره تکثیر و پیوند کاکتوس بیشترین اثر را بر مهارت خوداشتغالی آنان داشته و پرورش قارچ صدفی در منزل نیز در میان سایر دوره‌ها کمترین اولویت را به خود اختصاص داده است. اولویت سایر دوره‌ها نیز در جدول ۱۰ آورده شده است.

جدول ۱۰. اولویت دوره‌های آموزشی

اولویت	دوره	میانگین
۱	تکثیر و پیوند کاکتوس	۷۳/۳
۲	تکثیر آلوئه‌ورا	۷۲/۳
۳	سبزی‌کاری	۶۳/۳
۴	پرورش قارچ صدفی	۴۷/۳

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده می‌توان نتیجه گرفت که کلیهٔ آموزش‌های ارائه‌شده از سوی مرکز آموزش و مشاورهٔ گل و گیاه شهرداری منطقه ۸ از نظر زنان شرکت‌کننده در دوره‌ها اثربخش بوده و باعث افزایش مهارت‌های آنان در زمینهٔ خوداشتغالی شده است. دورهٔ آموزشی تکثیر و پیوند کاکتوس بیشترین اثرگذاری را بر خوداشتغالی زنان داشته و دلیل این امر را می‌توان به هزینهٔ پایین‌تر تهیه نهاده‌های آن در مقابل سایر موارد نسبت داد. جولیس و ویل (۲۰۰۴) معتقدند که ترکیب عوامل انگیزش و آموزشی می‌تواند عامل استقبال از روش‌های آموزشی باشد. بنابراین، کم‌هزینه بودن نهاده‌ها و در مقابل، تولید محصول آسان‌تر می‌تواند از عوامل انگیزشی برای فعالیت بانوان به حساب آید. از طرفی، دورهٔ آموزشی پرورش قارچ صدفی در منزل علی‌رغم اینکه دارای اثربخشی متوسط تا زیاد بوده است اما نسبت به سایر دوره‌های آموزشی، از کمترین اثربخشی برخوردار بوده است و دلیل این امر را می‌توان در آن دانست که تولید قارچ به فضای بیشتری نسبت به سایر موارد نیاز دارد و نیازمند مراقبت و رسیدگی روزانه می‌باشد. پرورش و تکثیر آلوئه‌ورا نیز از دوره‌های آموزشی مؤثر برای زنان بوده است. زیرا طریقهٔ تکثیر این گیاه بسیار آسان و مقرون به‌صرفه است و از طرفی، امروزه

تقاضا برای چنین محصولی در کشور ما افزایش یافته است و اثرات معجزه‌آسای این محصول بر کسی پوشیده نیست. دورهٔ آموزشی سبزی‌کاری نیز به زنان کمک می‌کند تا از نظر تولید سبزیجات مورد نیاز خانوار به خودکفایی دست یابند و در صورت تولید محصول بیشتر آن را به سایر اطرافیان خود عرضه کنند.

به‌منظور افزایش هرچه بیشتر کارایی دوره‌های آموزشی و به‌کارگیری توان بالقوهٔ زنان در جهت خوداشتغالی و دستیابی به خودکفایی می‌توان موارد ذیل را پیشنهاد کرد:

- ✓ برگزاری دوره‌های آموزشی متنوع و متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی زنان شرکت‌کننده در کلاس‌های آموزشی.
- ✓ دعوت از بانوان داوطلبی که در زمینهٔ خاصی مهارت کسب کرده‌اند و می‌توانند تجربیات خود را به صورت عملی در اختیار سایر شهروندان قرار دهند.
- ✓ تقدیر از بانوان فعال و کارآفرین در زمینهٔ تولید و پرورش گیاهان به‌منظور تشویق سایر بانوان جهت اقدام به خوداشتغالی.
- ✓ تهیهٔ نهاده‌هایی با قیمت ماسب‌تر توسط شهرداری جهت آن دسته از بانوانی که قصد تولید به منظور اشتغال‌زایی را دارند.
- ✓ تهیهٔ زمینه‌هایی به‌عنوان مزرعه خانواده و یا گلخانه توسط شهرداری برای بانوان متقاضی جهت تولید محصول.
- ✓ برپایی بازارهای محلی دوره‌ای توسط شهرداری به‌منظور عرضهٔ محصولات تولیدی بانوان.

منابع

امیر اعلایی، ع. ر (۱۳۸۸). بررسی و شناخت راهکارها و موانع موجود بر مشارکت مردم در بازیافت زباله‌های شهری از دیدگاه شهروندان. ماهنامهٔ پیام سبز، سال نهم، شمارهٔ ۷۹، صفحهٔ ۳۹- ۳۲.

ایران منش، ی (۱۳۸۴). نقش مشارکت مردمی در توسعهٔ فضای سبز. نشریهٔ بین‌المللی، فنی و مهندسی سیمای محیط، سال چهارم، شمارهٔ ۱۲ و ۱۳، صفحهٔ ۱۶- ۱۴.

بالاپور، ش (۱۳۸۴). تأثیر مناظر طبیعی بر روی سلامت فیزیکی و روانی انسان. ماه‌نامهٔ پیام سبز، سال پنجم، شمارهٔ ۵۰، صفحهٔ ۵۲-۵۰.

بنی‌هاشمی، ح (۱۳۸۳). توسعهٔ فضای سبز خانگی. ویژه‌نامهٔ فضای سبز، صفحهٔ ۴۰-۳۵.

حاتمی، م (۱۳۸۳). نقش مردم در حفظ و نگهداری فضای سبز. ویژه‌نامهٔ فضای سبز، صفحهٔ ۴۴- ۴۲.

حسین نخعی، م (۱۳۸۲). اهمیت فضای سبز و تأثیر آن بر روان انسان. مجلهٔ فضای سبز، جلد ۵، صفحهٔ ۷۷-۷۰.

خسروی، م (۱۳۸۱). نقش حیاتی فضای سبز در کاهش استرس های محیط های شهری. محیط زیست، سال دوم، شمارهٔ ۵، صفحهٔ ۱۸-۱۶.

خلیل نژاد، م (۱۳۸۸). رابطهٔ نیایشی انسان و طبیعت از دیدگاه اسلام. ماه‌نامهٔ پیام سبز، سال نهم، شمارهٔ ۷۹، صفحهٔ ۴۴- ۴۰.

دی وریس، ا (۱۳۸۲). تأثیر وجود فضای سبز در محیط زندگی بـر فعالیـت هـای تفریحـی و سلامتی. ترجمه: گروه توسعه. مجلهٔ پیام سبز، سال سوم، شمارهٔ ۲۰، صص ۱۵- ۱۱.

شهرستانی، ح (۱۳۹۰). نقش مؤثر شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی، مهندسـی کشـاورزی در گسترش خدمات ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی. فصل‌نامهٔ نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال هشتم، شمارهٔ، صفحهٔ ۵۸- ۵۰.

مشاعری، م (۱۳۸۳). بررسی نیازهای آموزشی- ترویجی مـردم در مـدیریت منـابع طبیعـی. فصل‌نامهٔ نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال دوم، شمارهٔ پنجم، صفحهٔ ۴۴- ۳۷.

هاشمی، م (۱۳۹۰). نگرشی استراتژیک به نگهداری فضای سبز. ماه‌نامهٔ آموزشی، پژوهشـی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی پیام سبز. شمارهٔ ۹۲- ۹۱، صفحهٔ ۱۱- ۷.

Buckeley, K.M. (2003). Evaluation of classroom- based, Web enhanced and Web- based distance learning nutrition courses for undergraduate nursing. J Nnurse Educ, Vol. 42, pp 300-367.

Clark, R.E. (1983). Reconsidering research on learning from media: Review of Educational Research, Vol. 53, pp 445- 459.

Day, T. (1998). The effects of world wide web instruction and traditional instruction and learning styles on achievement and changes in student attitudes in a technical writing in an agricultural course. Journal of Agricultural Extension, Vol. 39, pp. 65-75.

بررسی اثرات تسهیلات مشاغل خانگی بر خوداشتغالی زنان مطالعهٔ موردی: مرکز فنی و حرفه‌ای خواهران رشت

زینب صفرپور بهدانی[1]
آزاده قربانی واقعی[2]

چکیده

اعتبارات خرد در قالب تسهیلات مشاغل خانگی به‌عنوان یک گزینه می‌تواند سرمایهٔ لازم را برای زنان ایجاد کند. همچنین، عاملی برای حمایت از افراد پشتیبان، ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی کار عظیم زنان جامعه و در نهایت، تعمیم عدالت اجتماعی باشد. با توجه به این امر، مطالعهٔ حاضر با هدف بررسی اثرات اعتبارات خرد و جایگاه آن در خانواده و خوداشتغالی زنان انجام گردید. جامعهٔ آماری این پژوهش ۱۰۰ نفر از زنانی می‌باشد که طی ۱۸ ماه از تسهیلات مشاغل خانگی استفاده کرده‌اند. تعداد پرسش‌نامهٔ تکمیل و جمع‌آوری شده ۹۲ نسخه بوده و به‌منظور دستیابی به اطلاعات موردنیاز تحقیق از پرسش‌نامهٔ محقق استفاده شد. برای اطمینان از روایی، پرسش‌نامهٔ مورد نظر در اختیار اساتید صاحب‌نظر قرار گرفت و اصلاحات مورد نظر در آن اعمال گردید. سؤالات به صورت بسته در مقیاس لیکرت بوده است. از ضریب آلفای کرونباخ به‌منظور محاسبهٔ پایایی پرسش‌نامه استفاده شد. این تحقیق از نوع توصیفی و به‌صورت پیمایشی می‌باشد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) استفاده شد. به‌منظور آزمون همبستگی میان متغیرهای مورد مطالعه باتوجه به نوع مقیاس متغیرهای تحقیق از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج تحلیل بیانگر این بود که تسهیلات پرداخت‌شده در زمینهٔ اشتغال بیشترین تأثیر را در تثبیت شغل قبلی زنان دریافت‌کنندهٔ وام داشته و بیانگر این امر بود که این تسهیلات بیشترین تأثیر را در زمینهٔ بالابردن اعتماد گروهی در بین زنان داشته است. تحلیل همبستگی بین اشتغال و متغیرهای مستقل نشان داد که میان میزان تحصیلات زنان، میزان تحصیلات مردان و نگرش کلی مردان خانواده نسبت به دریافت وام توسط زنان خود در سطح ۰/۰۱ رابطهٔ معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: اشتغال، تسهیلات مشاغل خانگی ،زنان.

---

۱. رئیس مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خواهران رشت، کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، Email:m4edu@gilantvto.ir
۲. کارشناس مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خواهران رشت، کارشناسی ارشد مهندسی صنایع چوب و کاغذ، مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خواهران رشت، Email:ghorbani.azade@gmail.com

مقدمه

توسعه یک مفهوم ارزشی است که هدف آن ارتقاء کیفیت زندگی در خصوص مسائلی مانند بهداشت، آموزش، رفاه، آزادی، حق بیان و حقوق مختلف است. اما یکی از ابعاد توسعه، توسعهٔ انسانی است که اخیراً توجه همگان را به خود معطوف داشته است. در توسعهٔ انسانی بر عنصر انسان به‌عنوان کلیدی برای مشارکت مردمی تکیه می‌شود، نه ابزاری در این راستا. متأسفانه تسهیلات لازم برای ایجاد شغل برای افراد جامعه خصوصاً زنان به سختی یا اصلاً تهیه نمی‌شود. گرچه در حال حاضر، منابع اعتباری زیادی وجود دارند که به زنان وام و اعتباری می‌دهند، ولی این منابع کافی نیستند و از طرفی هم، قوانین آنها به‌گونه‌ای است که بسیاری از زنان نمی‌توانند از تسهیلات اعتباری این منابع مالی استفاده کنند. (جهانشاهی، ۱۳۷۵) تسهیلات مشاغل خانگی به‌عنوان راهکاری برای فائق آمدن بر فقر در مورد گروه‌های در حاشیه قرار گرفته در نظر گرفته می‌شود. اعتبارات خرد در قالب تسهیلات مشاغل خانگی به‌عنوان یک گزینه می‌تواند سرمایهٔ لازم را برای زنان ایجاد کند عاملی برای حمایت از افراد پشتیبان، ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی کار عظیم زنان جامعه و نهایتاً تعمیم عدالت اجتماعی باشد. در کشور ما نیز بعد از انقلاب اسلامی نهادهای مختلفی همچون وزارت جهاد کشاورزی، بانک کشاورزی و کمیتهٔ امداد امام خمینی(ره) اقدام به تشکیل صندوق اعتباری به این نام و یا پرداخت اعتباراتی تحت عنوان اعتبارات خرد نموده‌اند.

پیشینهٔ تحقیق

خدیجه سفیری در رسالهٔ دکترای خود با عنوان "بررسی جنبه‌های کمی و کیفی اشتغال زنان و رابطهٔ آن با توسعهٔ اقتصادی" بخشی از مسائل و مشکلات اشتغال زنان را حاصل موانع توسعه‌ای- که به ساختار کشورها باز می‌گردد- دانسته و بخشی را معلول موانع غیر توسعه‌ای می‌داند. از جمله موانع توسعه‌ای، موانع اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی را می‌توان نام برد. (سفیری، ۱۳۷۳).

سادات نوفل موانع اشتغال زنان را به سه دسته: موانع فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی و فردی- شخصیتی تقسیم کرده است. در بخش موانع فرهنگی- اجتماعی به نگرش منفی جامعه (خانواده و همسر) میزان تحصیلات همسر و درصد رقیبان مرد در مقابل زنان اشاره می‌کند(نوفل،۱۳۷۶). ساروخانی در تحقیقات خود دربارهٔ اشتغال زنان بر روی یک نمونهٔ ۱۰۲۰ نفری از زنان به این نتیجه دست یافت که ۳۶/۵ درصد از زنان مورد پژوهش موافق مطلق اشتغال زن، ۲۷ درصد مخالف مطلق و ۳۲/۳ درصد موافق مشروط اشتغال زنان بوده‌اند. ۵۷ درصد از زنان موافق اشتغال زنان، دلیل خود را کمک اقتصادی به خانه دانستند. ۴۰درصد نیز دلایل روانی، اعتبار اجتماعی و اشتغال زن را مطرح نمودند (ساروخانی، ۱۳۷۰).

پس از بررسی تحقیقات انجام‌شده در زمینهٔ اشتغال زنان می‌توان به این نتیجه رسید که خودباوری زنان در مورد حضور یا عدم حضور آنان در مشاغل مدیریتی، کرسی‌های نمایندگی، رشته‌های مختلف فنی و مهندسی و اعتقاد به تناسب یا عدم تناسب بعضی از مشاغل برای زنان و بعضی برای مردان می‌تواند تبیین‌کنندهٔ حضور کمرنگ یا پررنگ آنها در

فعالیت‌ها گردد. از طرفی نگرش‌های فرهنگی رایج در کشور ما از جمله عوامل اصلی کناره‌گیری زنان از فعالیت‌های اجتماعی ـ اقتصادی می‌باشد، به‌طوری‌که دامنهٔ اشتغال زنان نسبت به مردان محدودتر بوده و زنان هر شغلی را با توجه به فرهنگ جامعه و رسالت خانوادگی خویش نمی‌توانند انتخاب کنند. نگرش‌های فرهنگی رایج در کشور ما عامل اصلی کناره‌گیری زنان از فعالیت‌های اجتماعی – اقتصادی شده است. لذا، هنوز در بین زنان این احساس باقی مانده که آنان دارای موقعیت اجتماعی و اقتصادی درجهٔ دوم هستند (غلامی، ۱۳۸۰).

تغییر دیدگاه فرهنگی نسبت به اشتغال زنان می‌تواند مشارکت زنان را در جامعه تقویت کند (حسینی،۱۳۸۰). همچنین، زنان به سبب عوامل اجتماعی و فرهنگی در مقایسه با مردان از سرمایهٔ اجتماعی کمتری برخوردارند (رفعت‌جاه و قربانی، ۱۳۹۰)

تحقیقات نشان می‌دهند که عوامل اجتماعی فرهنگی بر عامل اقتصادی غلبه دارند و در طی سال‌های گذشته حاکمیت فرهنگ سنتی، تقسیم کار مبنی بر نقش‌های جنسیتی و روحیهٔ پدرسالاری حاکم بر خانواده از جمله موانع مشارکت زنان در ساخت خانواده به حساب می‌آید (شهبازی، ۱۳۷۵).

صعود و نزول مقام و منزلت زنان از جمله اشتغال آنان معلول شرایط و تحولات فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی جوامع است (بنی فاطمه و مهبد، ۱۳۸۹).

برای ایجاد فرصت‌های اشتغال بانوان باید زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی لازم جهت پذیرش اجتماعی آن فراهم شود (خداپرست، ۱۳۷۵).

مطالعات و تحقیقات انجام‌شده حاکی از آن است که اگر به زنان نیز مانند مردان فرصت لازم داده شود و از توانمندی و شایستگی‌های آنها به نحو مناسب استفاده گردد، می‌توانند به موقعیت‌هایی همانند مردان دست یافته و امکان رشد فردی و اجتماعی پیدا نمایند (حسن‌زاده، ۱۳۸۰).

بیان مسأله و اهداف

سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که اعتبارات پرداخت‌شده تا چه میزان در بر آوردن اهداف مورد نظر موفق بوده است؟ با توجه به اهمیت و جایگاه اعتبارات لازم برای ایجاد اشتغال و حمایت از زنان، این مطالعه به دنبال پاسخگویی این سؤال است، هدف کلی این تحقیق بررسی اثرات تسهیلات مشاغل خانگی بر روی خود اشتغالی زنان و جایگاه آن در خانواده است.

روش‌شناسی

در این مقاله، از روش تحقیق توصیفی و به صورت پیمایشی استفاده شده است. جامعهٔ آماری این پژوهش۱۰۰ نفر از زنانی می‌باشد که طی ۱۸ ماه از تسهیلات مشاغل خانگی استفاده کرده‌اند. تعداد پرسش‌نامهٔ تکمیل و جمع‌آوری شده ۹۲ نسخه بوده و به‌منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز تحقیق از پرسش‌نامهٔ محقق استفاده شد. برای اطمینان از روائی، پرسش‌نامهٔ مورد نظر در اختیار اساتید صاحب‌نظر در زمینهٔ مطالعات اجتماعی و برخی از

کارشناسان خبرهٔ مشاغل خانگی قرار داده شد و اصلاحات مورد نیاز در آن اعمال گردید. در پژوهش حاضر، از آنجا که سؤالات به صورت بسته و در مقیاس لیکرت بودند، از ضریب آلفای کرونباخ به‌منظور محاسبهٔ پایایی پرسش‌نامه استفاده شد. محاسبهٔ آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار spss انجام شد و این ضریب برای کل سؤالات پرسش‌نامه ۸۲ درصد به‌دست آمد. پس از تعیین ضریب مذکور و کسب اطمینان از بالا بودن پایایی پرسش‌نامه‌ها، نسبت به تکمیل آن‌ها اقدام شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) استفاده شد. به‌منظور آزمون همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه با توجه به نوع مقیاس متغیرهای تطبیق از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

یافته‌ها

تعدادی از سؤالات پرسش‌نامه به بررسی مشخصات فردی آنان اختصاص داده شده بود که عبارتند از: سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد افراد خانوار، وضعیت فعالیت قبل و بعد از دریافت وام که یافته‌های مربوط به این ویژگی‌ها ارائه می‌گردد. محدودهٔ سنی پاسخگویان در این تحقیق بین ۲۵ تا ۴۵ سال و میانگین سنی آن ۳۴ سال است.

میزان تحصیلات: در این تحقیق از میان ۹۲ نفر پاسخگویان ۳۲ نفر دارای مدرک سوم راهنمایی ۵۱ نفر دیپلم و ۹ نفر دارای مدرک کاردانی هستند.

وضعیت تأهل: توزیع پاسخگویان بر اساس تأهل بیانگر آن است که ۲ نفر بی‌همسر ۲/۱۷ درصد (بر اثر فوت همسر) ۳ نفر بی‌همسر ۳/۲۶ درصد (بر اثر طلاق) ۷۶ نفر دارای همسر ۸۲/۶ درصد و ۱۱ نفر ۱۱/۹۵ درصد هم مجرد می‌باشند.

وضعیت فعالیت همسر: بررسی وضعیت همسران زنان دارای همسر نشان می‌دهد که همسران این زنان یا بیکار بوده (۱۲ درصد) یا جزء اقشار کم درآمد (۸۸درصد) هستند.

تعدادخانوار: میانگین تعداد خانوار پاسخگویان ۴/۲ نفر است. کمترین فراوانی مربوط به تعداد خانوار ۲ و ۶ نفری با فراوانی ۴ و بیشترین تعداد افراد خانوار مربوط به خانوارهای ۴ نفری با فراوانی ۳۶ می‌باشد که ۳۹/۱ درصد پاسخگویان را تشکیل می‌دهد.

تمایل به پس‌انداز: در رابطه با تمایل به پس‌انداز بخشی از درآمد توسط زنان مورد مطالعه، نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد ۸۰ درصد به پس‌انداز بخشی از درآمد خود تمایل دارند و تنها ۲۰ درصد تمایلی نسبت به این کار ندارند. علی‌رغم تمایل به پس‌انداز بخشی از درآمد توسط اغلب پاسخگویان تنها ۳ نفر ابراز نموده‌اند سال گذشته مبلغی را پس‌انداز نموده‌اند و بقیه گفته‌اند به علت کمبود درآمد قادر به هیچ‌گونه پس‌اندازی نشده‌اند.

متوسط هزینهٔ خانوار در ماه: متوسط هزینهٔ خانوار در یک ماه از طریق یک پرسش با مقیاس نسبتی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد میانگین هزینهٔ خانوار طی یک ماه مبلغ ۲۰۰ هزار تومان است. کمترین مبلغ ذکر شده ۱۵۰ هزار تومان در ماه و بیشترین مبلغ ذکر شده ۵۰۰ هزار تومان در ماه می‌باشد. بیشترین فراوانی مربوط به مبلغ ۲۳۰ هزار تومان در ماه با فراوانی ۲۷ نفر است.

تاثیر وام‌های دریافتی در زمینهٔ اشتغال: با توجه به اینکه یکی از اهداف اصلی تسهیلات مشاغل خانگی ایجاد اشتغال یا کمک به حفظ شغل قبلی است، تأثیر این اعتبارات در زمینهٔ ایجاد یا حفظ مشاغل به صورت گروهی یا فردی توسط زنان دریافت‌کنندهٔ اعتبارات از دیدگاه این افراد مورد سنجش قرار گرفت. خلاصهٔ نتایج به‌دست آمده در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. تأثیر وام‌های دریافتی در زمینهٔ اشتغال از دیدگاه زنان دریافت‌کنندهٔ تسهیلات مشاغل خانگی

تأثیر وام‌های دریافتی در زمینهٔ اشتغال	کم درصد	متوسط درصد	زیاد درصد
زنان وام‌گیرنده به‌تنهایی شغل قبلی را ادامه داده‌اند	۱۷	۲۱/۳	۶۱/۷
زنان وام‌گیرنده هریک به تنهایی شغل جدیدی ایجاد کرده‌اند	۵۳	۲۲/۴	۲۴/۶
زنان وام‌گیرنده به شکل گروهی شغل قبلی را ادامه داده‌اند	۶۰/۲	۳۹/۸	۰
زنان وام گیرنده به شکل گروهی شغل جدیدی ایجاد کرده‌اند	۸۱/۸	۱۸/۲	۰

همان‌طور که در جدول بالا مشخص شده است، تسهیلات پرداخت‌شده در زمینهٔ اشتغال بیشترین تأثیر را در زمینهٔ ادامهٔ شغل قبلی توسط زنان دریافت‌کنندهٔ وام به تنهایی داشته است. همچنین، ایجاد شغل جدید به‌تنهایی در مرتبه بعدی قرار داشته است. اعتبارات پرداخت‌شده کمترین تأثیر را در زمینهٔ ایجاد شغل جدید توسط زنان به شکل گروهی داشته است.

نقش میزان آگاهی و دخالت مردان در زمینهٔ دریافت تسهیلات مشاغل خانگی: با توجه به اینکه تسهیلات مشاغل خانگی به زنان پرداخت شده و دیدگاه و همکاری مردان خانواده در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد، دیدگاه زنان دریافت‌کنندهٔ وام نسبت به این امر مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد. در پاسخ به این سؤال که آیا مردان خانواده در زمینهٔ دریافت وام توسط زنان باید اطلاع داشته باشند؟ ۹۷/۲ درصد پاسخ‌دهندگان موافق آگاهی و اطلاع مردان هستند و ۲/۸ درصد در پاسخ به این سؤال بیان کرده‌اند که اطلاع یا عدم اطلاع مردان در این زمینه مهم نیست و هیچ‌کدام از پاسخ‌دهندگان با اطلاع و آگاهی مردان خانواده در زمینهٔ دریافت وام توسط زنان مخالف نبوده‌اند. نتایج به‌دست آمده در زمینهٔ میزان علاقهٔ مردان خانواده به دریافت وام توسط زنان نشان می‌دهد. ۸۰/۲ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند مردان خانواده علاقه‌مند بوده‌اند، ۶/۷ درصد گفته‌اند مردان مخالف بوده‌اند. ۱۳/۱ درصد نیز بیان کرده‌اند که برای مردان خانواده مهم نبوده است. همچنین، ۷۸/۵ درصد پاسخ‌دهندگان بیان کردند مردان خانواده در استفادهٔ بهتر از وام‌ها به زنان کمک کرده‌اند و به ثمربخش بودن فعالیت زنان خود در زمینهٔ استفاده از وام اعتماد داشته‌اند. نتایج تفصیلی این یافته در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نظرات زنان دریافت‌کنندهٔ وام دربارهٔ میزان آگاهی و دخالت مردان در زمینهٔ دریافت تسهیلات

گویه	موافق درصد	مخالف درصد	مهم نیست درصد
مردان خانواده از فعالیت شما در زمینهٔ دریافت وام آگاهی کافی داشته باشند.	۹۷/۲	۰۰/۰	۲/۸
مردان خانواده به همکاری در دریافت وام علاقه داشتند.	۸۰/۲	۶/۷	۱۳/۱
مردان خانواده به زنان در استفادهٔ بهتر از وام‌ها کمک کرده‌اند.	۷۸/۵	۶/۹	۱۴/۶
مردان خانواده به ثمربخش بودن فعالیت زنان خود در زمینهٔ استفاده از وام اعتماد داشته‌اند.	۷۸/۵	۶/۹	۱۴/۶

اثرات تسهیلات مشاغل خانگی: اثرات تسهیلات مشاغل خانگی بر مواردی همچون بالا بردن اعتماد گروهی، ایجاد احساسی قوی در توانایی انجام کار، افزایش مهارت مدیریت زندگی، افزایش اعتماد به نفس، آگاه‌سازی زنان از توانایی‌های بالقوهٔ خود، بهبود منزلت زنان در خانواده، افزایش آگاهی‌های اجتماعی، افزایش مسئولیت‌پذیری، افزایش توان کار گروهی بین زنان، فراهم نمودن زمینه‌هایی برای ایجاد مشاغل کوچک، افزایش انگیزهٔ زنان در رسیدن به اهداف زندگی، فراهم نمودن زمینه‌هایی برای کسب درآمد توسط زنان، افزایش مهارت‌های اجتماعی زنان، تأمین رفاه نسبی خانواده، تقویت حس آینده‌نگری و بالا بردن مهارت‌های فردی زنان در تولید مورد سنجش قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده نشان داد از بین موارد فوق تسهیلات مشاغل خانگی بیشترین تأثیر را در زمینهٔ بالا بردن اعتماد گروهی در بین زنان داشته است، به‌طوری که بیش از ۷۱/۲ درصد پاسخ‌دهندگان بیان کرده‌اند که اعتبارات دریافت‌شده توسط آنها در این زمینه تأثیر زیادی در آنها داشته است. پنج مورد بعدی که به بیان پاسخ‌دهندگان وام‌های دریافتی تأثیر زیادی در آنها داشته به ترتیب عبارتند از: بالا بردن اعتماد گروهی در بین زنان با میانگین ۲/۶، ایجاد حسی قوی در زنان در توانایی انجام کار با میانگین ۲/۵۷، افزایش مهارت مدیریت زندگی در زنان با میانگین ۲/۴۲، افزایش اعتماد به‌نفس زنان با میانگین ۲/۳۵ و آگاه‌سازی زنان از توانایی‌های بالقوهٔ خود با میانگین ۲/۳۰ بوده است. بر اساس بیان پاسخ‌دهندگان، اعتبارات خرد کمترین تأثیر را به ترتیب در زمینه‌های زیر داشته است: بالا بردن مهارت‌های فردی زنان، تقویت حس آینده‌نگری بین زنان، تأمین رفاه نسبی خانواده زنان، افزایش مهارت‌های اجتماعی زنان و فراهم نمودن زمینه‌هایی برای کسب درآمد توسط زنان. نتایج تفصیلی این یافته در جدول شمارهٔ ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. میزان اثرات تسهیلات مشاغل خانگی در زمینه‌های مختلف

عامل	کم (درصد)	متوسط (درصد)	زیاد (درصد)	میانگین رتبه‌ها	انحراف معیار	c.v
بالا بردن اعتماد گروهی در بین زنان	۱۳/۶	۱۵/۲	۷۱/۲	۲/۶	۰/۷۴	۰/۲۸
ایجاد احساسی قوی در زنان در توانایی انجام کار	۱/۲	۴۴/۳	۵۴/۵	۲/۵۷	۰/۵	۰/۲۰
افزایش مهارت مدیریت زندگی در زنان	۲/۲	۴۳/۸	۴۱/۶	۲/۴۲	۰/۵۶	۰/۲۳
افزایش اعتماد به‌نفس زنان	۱۱/۱	۴۸/۶	۴۰/۳	۲/۳۵	۰/۶۷	۰/۲۹
آگاه‌سازی زنان از توانایی‌های بالقوه خود	۱۳/۶	۴۰/۳	۴۶/۱	۲/۳	۰/۷۲	۰/۳۱
بهبود منزلت زنان در خانواده	۱۷/۸	۴۴/۹	۳۷/۳	۲/۲	۰/۷۳	۰/۳۳
افزایش آگاهی‌های اجتماعی زنان	۲۱	۳۵/۶	۴۳/۴	۲/۲	۰/۷۸	۰/۳۵
افزایش مسئولیت‌پذیری زنان	۲۵/۳	۲۸/۵	۴۶/۲	۲/۲	۰/۸۳	۰/۳۸
افزایش توان کار گروهی بین زنان	۲۹/۳	۲۹/۳	۴۱/۴	۲/۱	۰/۸۴	۰/۴۰
فراهم نمودن زمینه‌هایی برای ایجاد مشاغل کوچک	۶	۸۸	۶	۲	۰/۳۵	۰/۱۸
آگاه‌سازی زنان به توانایی‌های بالقوهٔ خود	۲۰/۷	۶۸/۹	۱۰/۵	۱/۹۲	۰/۵۶	۰/۲۹
افزایش انگیزهٔ زنان در رسیدن به اهداف زندگی	۴۱/۹	۲۷/۶	۳۰/۶	۱/۹۱	۰/۸۷	۰/۴۶
فراهم نمودن زمینه‌هایی برای کسب درآمد توسط زنان	۲۲/۴	۷۱/۵	۶/۱	۱/۸۳	۰/۴۷	۰/۲۶
افزایش مهارت‌های اجتماعی زنان	۲۰/۳	۷۹/۷	۰	۱/۷۹	۰/۴۲	۰/۲۳
تأمین رفاه نسبی خانواده زنان	۴۶/۵	۲۸/۱	۲۵/۴	۱/۷۳	۰/۸	۰/۴۶
تقویت حس آینده‌نگری بین زنان	۵۴/۱	۳۲/۷	۱۳/۲	۱/۶	۰/۷	۰/۴۴
بالا بردن مهارت‌های فردی زنان در تولید	۵۵/۴	۴۴/۶	.	۱/۴۴	۰/۵	۰/۳۵

تأثیر تسهیلات مشاغل خانگی بر مؤلفه‌های مرتبط با وضعیت اشتغال زنان

با توجه به این که یکی از اهداف اصلی پرداخت این تسهیلات به زنان، ایجاد اشتغال یا بهبود وضعیت اشتغال زنان است، تأثیر این اعتبارات بر مؤلفه‌های مرتبط با وضعیت اشتغال زنان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد از میان مؤلفه‌های مورد بررسی قرار گرفته، تسهیلات پرداخت‌شده بیشترین تأثیر را به ترتیب بر تثبیت مشاغل قبلی اعضای شاغل با میانگین ۳/۴ و کمک به توسعهٔ شغل اعضای شاغل با میانگین ۲/۳ داشته است.

هم‌چنین مشخص شد اعتبارات پرداخت‌شده کمترین تأثیر را بر ارتقاء سطح آموزش‌های افراد شاغل یا تولیدکننده (میانگین ۱/۶) و ارتقاء مهارت‌های افراد شاغل یا تولیدکننده (میانگین۱/۷۵) داشته است. نتایج تفصیلی این یافته در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. تأثیر تسهیلات مشاغل خانگی بر مؤلفه‌های مرتبط با وضعیت اشتغال زنان

مؤلفه‌ها	میانگین رتبه‌ها	انحراف معیار	c.v
تثبیت مشاغل قبلی اعضای شاغل	۳/۴	۰/۴۱	۰/۱۲
کمک به توسعه شغلی اعضای شاغل	۲/۳	۱/۳	۰/۴۸
ایجاد شغل جدید برای اعضای فاقد شغل	۲	۱/۵	۰/۷۲
افزایش میزان تولیدات اعضا	۱/۹۵	۱/۲	۰/۴۹
تقویت توان تولیدی اعضاء شاغل یا تولید کننده	۱/۸۲	۰/۹	۰/۴۱
افزایش بهره وری شغلی اعضاء	۱/۸۱	۰/۸	۰/۴۴
ارتقاء کیفیت تولیدات اعضاء	۱/۸	۰/۹۲	۰/۴۶
ارتقاء مهارت‌های افراد شاغل یا تولید کننده	۱/۷۵	۰/۶	۰/۳۰
ارتقاء شطح آموزش‌های افراد شاغل یا تولید کننده	۱/۶	۰/۷	۰/۵۱

به‌منظور آزمون همبستگی میان متغیرهای مورد مطالعه، با توجه به نوع مقیاس متغیرهای تحقیق، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

بررسی ارتباط بین اشتغال زنان و متغیرهای مستقل: با توجه به سؤالات و فرضیات کلی تحقیق، متغیرهایی که با متغیر اصلی (اشتغال زنان) از طریق آزمون همبستگی تحلیل می‌شوند، عبارتند از: سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات همسر و نگرش کلی مردان خانواده به دریافت تسهیلات توسط زنان که در جدول ۵ نتایج حاصله از تحلیل همبستگی نشان داده شده است.

جدول ۵. ضرایب همبستگی به‌دست آمده بین متغیرهای مستقل و اشتغال زنان

متغیر مستقل مورد بررسی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
سن	S -۰/۱۴	۰/۹۱۵
میزان تحصیلات	S ۰/ ۵۳۷	**/۰۰۳
وضعیت تأهل	S -/۵۹۰	۰/۶۵۳
تعداد افراد خانوار	S -/۰۰۹	۰/۹۴۵
نگرش کلی مردان خانواده به دریافت تسهیلات توسط زنان	S /۴۱۸	**/۰۰۱

S: ضریب همبستگی اسپیرمن ** : همبستگی در سطح ۰/۱ معنی‌دار است.

همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است، بررسی همبستگی بین متغیر اصلی تحقیق یعنی اشتغال زنان و متغیرهای مستقل نشان داد از بین متغیرهای مورد بررسی رابطهٔ میان میزان تحصیلات زنان، میزان تحصیلات مردان خانواده نسبت به دریافت وام توسط زنان خود در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است (p> ۰/۱). بنابراین، می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد قضاوت نمود که بین متغیرهای مذکور و اشتغال زنانی که از تسهیلات مشاغل خانگی استفاده نموده بودند، رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پرداخت تسهیلات مشاغل خانگی ایجاد اشتغال برای زنان می‌باشد، ولی بررسی زمینه‌های مصرف وام نشان می‌دهد این وام‌ها در اموری نظیر خرید وسایل خانه، خرید خوراک و پوشاک، خرج‌های دارویی درمان و بهداشت، خرج تحصیل فرزندان و کارهای دستی و خانگی نیز هزینه می‌شود که این امر نشان‌دهندهٔ وضعیت بحرانی این افراد است که از تأمین نیازهای اولیه خود نیز درمانده‌اند و ناچار وام‌های دریافتی را به‌جای سرمایه‌گذاری در ایجاد اشتغال، صرف مخارج روزمره و اضطراری می‌نمایند. همچنین، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که مبالغ وام پرداختی به مراتب کمتر از هزینه لازم برای سرمایه‌گذاری در زمینهٔ اشتغال است. نتایج به‌دست آمده در زمینهٔ تأثیر تسهیلات پرداخت‌شده در زمینهٔ اشتغال نشان می‌دهد این اعتبارات بیشترین تأثیر را در زمینهٔ تثبیت شغل قبلی زنان دریافت‌کنندهٔ وام داشته است. همچنین، این اعتبارات در ایجاد مشاغل جدید به صورت فردی و گروهی از موفقیت چندانی برخوردار نبوده است که علت آن ناکافی بودن مبالغ پرداخت‌شده برای راه‌اندازی یک شغل جدید می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که مقدار وام پرداختی به هیچ‌عنوان تکافوی هزینه ایجاد یک شغل جدید را نداشته است. همچنین، مشخص شد بانک‌های ملت و رفاه در هدف خود در زمینهٔ خلق کار، شغل و کاستی از فقر از طریق این اعتبارات با توجه به ناچیز بودن مبلغ اعتبارات، موفق نبوده‌اند. با توجه به یافته‌های پژوهشی می‌توان نتیجه‌گیری نمود که اعتبارات پرداختی علاوه بر کمک به اشتغال در افزایش قابلیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان همچون: بالا بردن اعتماد گروهی در بین زنان، ایجاد احساس قوی در زنان برای انجام کار، افزایش مهارت مدیریت زندگی در زنان و افزایش اعتماد به‌نفس زنان نیز مؤثر بوده است. از جمله عواملی که بر موفقیت زنان در دریافت وام و ایجاد اشتغال تأثیر مثبتی دارند می‌توان به میزان تحصیلات زنان، میزان تحصیلات مردان و نگرش کلی مردان خانواده نسبت به دریافت وام توسط زنان خود اشاره نمود.

پیشنهادات

با توجه به نتایج به‌دست آمده تحقیق به‌منظور هدفمند نمودن این تسهیلات و هر چه بیشتر مؤثر واقع شدن آن توجه به پیشنهادات زیر می‌تواند راهگشا باشد:

- ✓ با توجه به نتایج به‌دست آمده در زمینهٔ اشتغال زنان که بیانگر عدم اشتغال این افراد است، پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی همراه با پشتیبانی مالی با هدف آموزش زمینه‌های اشتغال برای این افراد ارائه گردد.

- ✓ به علت ناکافی بودن مبلغ وام‌های پرداختی برای راه‌اندازی یک شغل جدید، اعتبارات پرداخت‌شده در زمینهٔ ایجاد اشتغال موفق نبوده است. پیشنهاد می‌گردد مطالعات علمی دقیقی در زمینهٔ میزان سرمایهٔ لازم برای ایجاد شغل‌های جدید متناسب با شرایط و موقعیت‌های موجود انجام گیرد و مبلغ وام‌های پرداختی بر اساس این مطالعات پرداخت گردد.
- ✓ با توجه به این که در برخی موارد وام‌های دریافتی در زمینه‌هایی مصرف شده است که با اهداف پرداخت وام مغایر بوده است. پیشنهاد می‌شود پس از پرداخت وام در زمینهٔ نحوهٔ مصرف آن نظارت کافی اعمال گردد.

منابع

بنی فاطمه، ح.، و مهبد، ن(۱۳۸۹). جایگاه اشتغال زنان از منظر دانشجویان. فصل‌نامهٔ تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی– واحد شوشتر. سال چهارم، شمارهٔ هشتم، بهار ۱۳۸۹، صفحهٔ ۴۸-۲۵.

جهانشاهی، ح. (۱۳۷۵). بحثی پیرامون ضرورت تشکیل صندوق اعتبارات روستایی. ماهنامهٔ جهاد. شمارهٔ ۱۸۴-۱۸۵.

حسن‌زاده ، ر.(۱۳۸۰). بررسی پیام‌های روانی- اجتماعی اشتغال زنان و ارائهٔ راهکارهایی برای رفع موانع اشتغال آنان. رودهن: همایش ملی بررسی راه‌کارهای علمی ایجاد اشتغال.

حسینی، ز.(۱۳۸۰). ضرورت‌ها و محدودیت‌های اشتغال زنان. رودهن: همایش ملی بررسی راه‌کارهای علمی ایجاد اشتغال.

خداپرست، م.(۱۳۷۵). بررسی امکانات اشتغال بانوان در قالب شرکت‌های تعاونی. مجموعه مقالات عملکرد تعاون، زن/ اشتغال، وزارت تعاون.

رفعت جاه، م، و قربانی، س. (۱۳۹۰). تأثیر سرمایهٔ اجتماعی بر ارتقاء شغلی زنان. فصل‌نامهٔ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). (پیاپی ۳۲)، صفحهٔ ۱۴۶-۱۱۷.

ساروخانی، ب.(۱۳۷۰) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش.

سفیری، خ (۱۳۷۳). بررسی جنبه‌های کمی و کیفی اشتغال زنان و رابطهٔ آن با توسعهٔ اقتصادی. پایان‌نامهٔ دورهٔ دکترا، دانشکدهٔ علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

شهبازی، م.ا.(۱۳۷۵). مطالعهٔ موقعیت خانوارهای قالی‌باف زنجانی، در روند تغییرات اجتماعی و دگرگونی شیوه‌های تولید با تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی زنان و دختران قالی‌باف. مجموعه مقالات و عملکرد تعاون، زن/ اشتغال، وزارت تعاون.

غلامی، م.(۱۳۸۰). موانع اشتغال رسمی زنان. رودهن: همایش ملی بررسی راه‌کارهای علمی ایجاد اشتغال.

نوفل، م.س.(۱۳۷۶). تأثیر اشتغال زنان بر اجتماعی شدن فرزندان. پایان‌نامهٔ دورهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

بررسی اشتغال، مهارت و معضلات اجتماعی ناشی از نبود آن در بین زنان شهرستان خرم آباد

گوهر عزیزی پور[1]
سارا عزیزی پور[2]

چکیده

در این تحقیق به بررسی اشتغال زنان و معضلات ناشی از بیکاری آنان در جامعه پرداخته شده است. آمارهای رسمی مرکز آمار ایران، استان لرستان را جزء ۱۰ استان کشور که از نظر نرخ بیکاری زنان در سطح بالاتری قرار دارند نشان داده است (نرخ زنان بیکار تحصیل‌کردهٔ لرستان ۷۰درصد می‌باشد). عواملی که در این تحقیق مورد بررسی قرارگرفته حالت افسردگی که در بین زنان تحصیل‌کردهٔ بدون شغل وجود داشته، رابطه داشتن شغل با میزان ازدواج و طلاق و بررسی میزان بزهکاری در رابطه با داشتن شغل می‌باشند. نتایجی که از این تحقیق به‌دست‌آمده با توجه به آمارهای بررسی‌شده این است که اکثر قبول‌شدگان دانشگاه‌ها دختران هستند. لذا، این تعداد بعد از فراغت از تحصیل نیاز به کار در جامعه دارند و عدم اشتغال آنان علاوه بر مشکلات اقتصادی، پیامدهای اجتماعی از قبیل افزایش میزان بزهکاری در جامعه، افزایش طلاق، کاهش ازدواج و افزایش میزان افسردگی را شامل می‌شود.

واژگان کلیدی: اشتغال، معضلات اجتماعی، زنان، خرم‌آباد.

۱. مدرس دانشگاه پیام‌نور خرم‌آباد، Email: gazizipor@yahoo.com
۲. کارشناس صنایع تحلیل سیستم‌ها، Email: azizisara94@yahoo.com

مقدمه

خانواده به‌عنوان اولین واحد اجتماعی و کوچک‌ترین آن، یگانه ساختار اجتماعی بادوام و هماهنگی است که از دیرباز در زندگی بشر وجود داشته است و برآورد مهم‌ترین خواسته‌های حیاتی انسانی و برقرارکنندهٔ روابط اجتماعی اوست. کانون خانوادگی تا حدودی قابل ملاحظه‌ای طرز تفکر و روش اجتماعی آینده را تعیین می‌کند.

اسلام به‌عنوان یک دین اجتماعی برای خانواده اهمیت زیادی قائل است و مفهوم وسیعی را تعریف می‌کند. در دین ما ازدواج آغاز و شروع یک خانواده بوده است و سپس در ادامه همدلی بین زوجین و تربیت فرزندان وجود دارد.

زنان جوان نقش کانونی در خانواده و به‌عنوان هستهٔ اولیهٔ اجتماعی در سال‌های ابتدایی زندگی کودک بازی می‌کند. لذا، زنان به‌خاطر نقش مرکزیت و همچنین به دلیل وضعیت جسمی و روحی و در چنین اوضاع واحوالی که زمینه برای انحراف و گناه در جامعه وجود دارد و ممکن است ناخواسته در پرتگاه انحراف قرارگیرد، از ابعاد مختلف از جمله اشتغال و مهارت‌آفرینی، ازدواج و طلاق و وضعیت روحی تحصیل‌کردگان بیکار مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنین، زن به‌عنوان عضو مؤثر جامعه، می‌تواند نقش پیشگام خود را که در بعضی مسئولیت‌ها متبلور است، ایفا نماید. از جملهٔ این مسئولیت‌ها، ترویج مفهوم مشارکت و اشتغال در زندگی و زمینه‌سازی مناسب برای فعالیت آزادانه و شناساندن حق مدیریت اقتصادی، مالکیت و حضور خود به جامعه است. با توجه به این نکته که مفهوم مشارکت زنان، الزاماً مساوی با اشتغال نیست، قطعاً بخشی از مشارکت زنان در بحث اشتغال آنان متبلور می‌شود.

امروزه پدیدهٔ بیکاری تحصیل‌کردگان در همه‌جا به چشم می‌خورد و بر حسب شرایط اقتصادی خاص هر یک، میزان آن در کشور فرق می‌کند. در این میان، بیکاری زنان تحصیل‌کردهٔ دانشگاهی که نقش مادری و همسری خود را باید به بهترین وجه ایفا کنند، بیشتر نمود پیدا می‌کند. با وجود این که جهان به سوی استفادهٔ بهینه از نیروی انسانی پیش‌می‌رود، همچنان زن به عنوان جنس دوم مطرح می‌شود.

قبل از اینکه توانایی، هوشمندی و کارآیی او مدنظر قرار گیرد، جنسیت اوست که توانایی‌اش را تحت پوشش قرار می‌دهد و با توجه به اینکه همگام با مردان در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند، ولی به هنگام فارغ‌التحصیل شدن، راهیابی به بازار کار و استخدام از سوی کارفرمایان با دید اغماض نگریسته می‌شود و مورد تبعیض قرار می‌گیرد.

پس در ادامه شغل (نوع کاری است مطابق با تعریف و مصادیق آن که توسط فرد در طول ۷ روز گذشته انجام شده است.)، ازدواج و طلاق (تشکیل خانواده و از هم گسیختگی خانواده) و عوامل مربوط به آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مر کز آمار ایران،۱۳۹۰).

بررسی اشتغال و مهارت‌های زنان در خرم آباد

با دقت در آمار پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها می‌توان ملاحظه کرد که تعداد زنان پذیرفته‌شده در دانشگاه‌ها بیشتر از مردان می‌باشد. لذا، این تعداد زنان تحصیل‌کرده بعد از فراغت از تحصیل وارد جامعه می‌شوند و نیاز به کار و اشتغال دارند.

طبق آمارهای رسمی آمار ایران، ۱۰ استان کشور نرخ بیکاری بالای۶۰ درصد را برای زنان جوان بیان کرده است:

کرمانشاه ۷۷درصد، کهکیلویه و بویراحمد۷۶ درصد، کرمان ۷۴درصد، ایلام ۷۱ درصد، لرستان۷۰ درصد، سمنان ۶۸ درصد، اردبیل۶۶ درصد، فارس ۶۵ درصد، چهارمحال و بختیاری ۶۴ درصد و کردستان۶۴ درصد .

نکتهٔ مهم این است که بر اساس تعریف استاندارد مورد استفادهٔ مرکز آمار ایران، افرادی که به‌طور فعال به دنبال شغل نگردند، بیکار محسوب نمی‌شوند. یعنی زنان خانه‌دار، زنان دانشجو یا غیرشاغلی که به دنبال شغل نمی‌گردند، جزء آمار بیکاران نمی‌باشند.

کارآفرینی به سه بخش ترویج، آموزش و پژوهش‌های کارآفرینی تقسیم می‌شود که هر کدام اهداف خاصی دارند (شهشهانی،۱۳۸۷).

مسألهٔ بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی در سال‌های اخیر از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. سخن در مورد اشتغال زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی کار چندان ساده‌ای نیست، چون ابعاد و الگوی مشارکت این گروه از زنان فقط تابع مکانیزم‌ها، قوانین و قواعد اقتصادی حاکم بر بازار کار نمی‌باشد. بلکه متأثر از ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و اصولاً نگرش‌ها و وجه نظرهایی که در میان شهروندان خصوصا مردان نسبت به کار مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی متداول است، می‌باشد.

از سوی دیگر، اندیشهٔ اسلامی در نظام آفرینش به زن و مرد از دیدگاه واحدی می‌نگرد. هر دو را یک‌جا به سازندگی و حرکت دادن تمدن اسلامی در حیات انسان‌ها فرا می‌خواند. مسئولیت انحراف از مسیر یا پایداری در راه عقیده را به‌طور یکسان به دوش هر دو می‌گذارد و بر اساس تکامل، نقش و مسئولیت‌ها را بین آن دو تقسیم می‌کند (موحدی، ۱۳۸۰، ص۱۷-۱۱).

در واقع، نگرش اسلام به زن، فارغ از مسائلی که به نوعی رنگ زمانی و مکانی به خود می‌گیرند، می‌تواند عمق توجه اسلام را به زنان نشان دهد.

شهر خرم‌آباد از نظر وضعیت آموزشی زنان و دختران دارای ظرفیت بالقوه‌ای می‌باشد که برای آزادسازی این ظرفیت، سیاست‌های مکمل مناسبی به‌منظور بسترسازی برای نقش‌آفرینی اقتصاد زنان باید ایجاد شود، در غیر این‌صورت خطر بروز چالش‌های اجتماعی جامعه را تهدید خواهد کرد. چراکه زنانی که سال‌های جوانی خود را برای تحصیل و آموزش صرف کرده‌اند، در مواجهه با بیکاری با سرخوردگی مواجه می‌شوند و موج صعودی تمایل زنان عمدتاً تحصیلکرده برای اشتغال علاوه بر هدررفت سرمایه‌های هنگفت مربوط به تحصیل زنان و دختران نتایج اجتماعی ناخوشایندی را به‌وجود آورده است.

نرخ بیکاری زنان در استان لرستان در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی می‌باشد. نرخ بیکاری زنان استان لرستان در مناطق شهری ۵۳/۱ درصد و نرخ بیکاری زنان در مناطق روستایی استان لرستان۶۴/۶ درصد می‌باشد (ملک‌زاده، ۱۳۸۷، ص۱۰و۲) .

همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که اکثر بزهکاران شغل مناسبی نداشته یا در به دست آوردن شغل مورد نیاز خود موفق نبوده‌اند. پس باید آموزش‌ها به صورت کاملاً تخصصی باشد و سطح مهارت‌های شغلی بانوان را بالا ببریم، و در این راه نیاز به پرورش افراد کارآفرین می‌باشد. واژۀ کارآفرین از کلمۀ فرانسوی Entreprendre به معنای متعهد شدن نشأت گرفته است (شهشهانی،۱۳۸۷).

به‌طورکلی، دلایل بیکاری دانش‌آموختگان در منطقۀ مورد مطالعه را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

عدم تناسب رشد اقتصادی و ظرفیت اشتغال‌زایی جامعۀ رشد دانش‌آموختگان، عدم ارتباط کافی بین نظام آموزش و نظام اشتغال، فقدان آموزش و یادگیری مهارت‌های لازم و متناسب با بازار کار از سوی مراکز آموزشی، کمبود اطلاعات کافی در زمینۀ مشاغل مورد نیاز بازار کار در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، نبود هماهنگی بین مراکز آموزشی و نیازهای بازار کار در مقاطع زمانی مختلف در زمینه‌های شغلی متفاوت.

برای حل مشکلات بیکاری جوانان تحصیل‌کرده، ایجاد تغییر در سیاست‌ها و برنامه‌ها باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد: تغییر جهت برنامه‌های آموزشی در سطح دبیرستان و دانشگاه برای کاربردی کردن آموزش و تناسب‌سازی دروس با نیازهای روز جامعه، انجام تحقیقاتی در مورد کارآفرینی و اشتغال سودمند قشر تحصیل‌کردۀ دانشگاه‌ها، حذف آموزش‌های غیرضروری بی‌بازده و نامتناسب با نیاز ضعف و اقتصاد و آزاد کردن وقت و فکر جوانان برای شناخت و یادگیری تکنولوژی و فنون مولد کاربردی، تلاش برای افزایش فرصت‌های شغلی زنان و برنامه‌ریزی برای ارتقاء سطح تقاضای بازار کار زنان متناسب با افزایش سطح عرضۀ نیروی کار زن تحصیل‌کردۀ دانشگاهی، انجام پروژه‌هایی در راستای مقایسۀ بین وضعیت و مشکلات اشتغال فارغ‌التحصیلان بیکار مرد و زن با شاغلین تحصیل‌کردۀ دانشگاهی و بررسی دلایل بیکاری آنها، ایجاد حس اعتماد در زنان نسبت به باور کردن توان علمی و تخصصی و ظرفیت فکری آنها که قدرت انجام مسئولیت‌های محوله را به نحو احسن انجام دهند.

تغییر در نگرش و دیدگاه‌های اجتماعی و فرهنگی نسبت به فارغ‌التحصیلان که انتظار پشت‌میز نشینی نداشته باشند، تا تلاش در جهت اصلاح فرهنگ و نگرش اجتماعی نسبت به مقولۀ تحصیل زن، به‌گونه‌ای که تحصیلات دانشگاهی زن لزوماً مترادف با درخواست شغل یا حرفه‌ای تخصصی و رسمی متناسب با آن نباشد و از این طریق افزایش نرخ تحصیل زنان، افزایش عرضۀ نیروی کار و تقاضای شغل در بازار کار را به همراه نداشته باشد. البته این راهکارها به‌لحاظ دیر پا بودن سنت‌های فرهنگی و کندی تحولات آنها، نمی‌توان به تحقق سریع آن چشم داشت (پورقاسم، کاظمی‌پور، ۱۳۸۱).

جدول شمارهٔ ۱. درصد زنان و دختران آسیب‌دیدهٔ منطقهٔ مورد مطالعه (از نظر اجتماعی) به تفکیک وضعیت اشتغال (قاسمی ،۱۳۹۰)

وضعیت اشتغال	درصد	درصدمعتبر	درصد تراکمی
بیکار	۹۷/۸	۹۷/۸	۹۷/۸
شاغل	۲/۲	۲/۲	۱۰۰/۰

همان‌طور که در جدول بالا نشان داده شده، می‌توان گفت که درصد زنان آسیب‌دیدهٔ بیکار بیشتر از زنان آسیب‌دیدهٔ شاغل می‌باشد.

بررسی میزان ازدواج و طلاق در رابطه با اشتغال در خرم آباد

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد بالاترین نرخ بیکاری کشور در میان جمعیت۲۰تا۲۴ ساله‌ها وجود دارد. این آمار بیانگر آن است که وضعیت در بین جوانان کشور بحرانی‌تر از سایر گروه‌های سنی است. بیکاری در میان این گروه طبیعتاً به تأخیر زمان ازدواج منجر خواهد شد.

طی سال‌های اخیر نیز کاهش ازدواج در این سنین و بالا رفتن قابل سن ازدواج را برخی از کارشناسان به پایین بودن نرخ اشتغال در این گروه سنی نسبت می‌دهند.

نرخ بیکاری بر اساس آمار مرکز آمار ایران، در سنین ۲۰ تا ۲۴ ساله برابر با ۲۹/۴ درصد بوده است. بررسی این شاخص در بین زنان و مردان نشان می‌دهد نرخ بیکاری در این گروه سنی در میان زنان به مراتب بالاتر از مردان است. نرخ بیکاری در میان مردان این گروه سنی ۲۴/۸ درصد و درمیان زنان این گروه سنی ۴۸/۵ درصد بوده است. به این ترتیب، زنان در این گروه سنی شانس بسیار پایینی برای یافتن کار دارند.

به‌طورکلی، افرادی که دارای شغل مناسبی نبوده و از نظر اقتصادی به یک بن بست رسیدند، احتمال این‌که در روی روابط خانوادگی آنها تأثیر منفی داشته‌باشد، خیلی زیاد می‌باشد. یکی از مهم‌ترین عوامل طلاق و از هم‌گسیختگی خانواده‌ها نداشتن شغل می‌باشد. آمارهای حاصل از یک تحقیق نشان داده است که ۶۲/۴۹ درصد از افرادی که طلاق گرفته‌اند، تحصیل‌کرده بوده‌اند و این موضوع این واقعیت را نشان می‌دهد که میزان سطح تحصیلات با طلاق رابطهٔ نزدیکی دارد.

جدول شمارهٔ ۲. مقایسهٔ روند طلاق ثبت‌شده در استان لرستان و کل کشور در طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۵ (در هر ۱۰۰۰۰نفر)،(سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان ،۱۳۹۰)

سال	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
لرستان	۵/۵	۶/۲	۶/۵	۷/۱	۷/۰	۷/۹	۸/۰	۹/۰	۷/۸	۱۰/۳	۱۱/۱	۱۲/۳	۱۲/۹	۱۴/۶	۱۴/۹	۱۷/۷
کشور	۶/۳	۶/۹	۶/۹	۸/۱	۸/۵	۹/۴	۱۰/۳	۱۰/۹	۹/۴	۱۲/۳	۱۳/۳	۱۴/۰	۱۵/۲	۱۷/۱	۱۷/۸	۱۸/۵

جدول شمارهٔ ۳. مقایسهٔ روند ازدواج ثبت‌شده در استان لرستان و کل کشور، طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۵ (در هر ۱۰۰۰۰نفر)،(سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان،۱۳۹۰)

سال	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
لرستان	۷۳/۳	۷۳/۸	۸۷/۱	۹۶/۴	۱۰۳/۶	۱۰۵/۱	۱۰۶/۲	۱۰۸/۷	۹۲/۱	۱۲۲/۸	۱۱۹/۸	۱۲۸/۴	۱۴۱/۸	۱۴۰/۵	۱۳۹/۲	۱۴۲/۶
کشور	۷۹/۸	۷۳/۹	۸۶/۰	۹۷/۴	۱۰۱/۵	۹۹/۳	۹۹/۳	۹۹/۳	۱۰۲/۴	۸۹/۳	۱۱۵/۰	۱۱۰/۴	۱۱۷/۶	۱۲۱/۵	۱۲۰/۹	۱۱۹/۳

همان‌طور که از جدول مربوط به طلاق در استان ملاحظه می‌شود، میزان طلاق از سال ۷۵ تا ۹۰رو به افزایش بوده و این تبعاتی را به دنبال دارد، می‌دانیم که رفتار نامطلوب فرد در نتیجهٔ جامعه‌پذیری نامطلوب وی در محیط خانواده و مدرسه می‌باشد و موجب تقویت مکانیزم‌هایی می‌شود که نهایتاً موجب رانده و طرد شدن وی از سوی تمام محیط‌های اجتماعی می‌گردد. چنان‌که خویشاوندان و دوستان سابق، از این افراد که اکنون نامطلوب به‌نظر می‌رسند، فاصله می‌گیرند. عدم ثبات خانوادگی موجب فقدان جامعه‌پذیری مطلوب گشته و نهایتاً منجر به انزوا و کناره‌گیری اجتماعی می‌شود. (نژاد سبزی ،۱۳۸۷)

تحصیل، مهارت و معضلات اجتماعی

گفتنی است که میزان تحصیلات، مهارت و داشتن شغل رابطهٔ معکوسی با کاهش یا افزایش معضلات اجتماعی در بین زنان منطقهٔ مورد مطالعه دارد. هرچه میزان تحصیلات و مهارت آنان بیشتر باشد، به تبع میزان انحرافات اجتماعی ناشی از فقدان آن کمتر می‌شود.

جدول شمارهٔ ۴. درصد زنان و دختران آسیب‌دیده (از نظر معضلات اجتماعی) به تفکیک وضعیت تحصیلی (قاسمی ،۱۳۹۰)

میزان تحصیلات	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
بی‌سواد	۵/۶	۵/۶	۵/۶
ابتدایی	۲۹/۲	۲۹/۲	۳۴/۸
راهنمایی	۴۲/۷	۴۲/۷	۷۷/۵
دبیرستان	۷/۹	۷/۹	۸۵/۴
دیپلم	۱۳/۵	۱۳/۵	۹۸/۹
تحصیلات عالیه	۱/۱	۱/۱	۱۰۰/۰

با توجه و دقت در جدول بالا می‌توان گفت که هر چه میزان تحصیلات بیشتر شود، میزان انحرافات اجتماعی زنان کمتر خواهد شد.

جدول شمارهٔ ۵. درصد زنان و دختران آسیب‌دیده به تفکیک داشتن مهارت‌های فنی و حرفه‌ای (قاسمی ،۱۳۹۰)

آیا در زمینهٔ خاصی تبحر دارد؟	درصد
بلی	۳/۴
خیر	۹۶/۶
جمع	۱۰۰/۰

همچنین، با توجه به جدول شمارهٔ (۵) می‌توان گفت هرچه زنان و دختران منطقه دارای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و تبحر خاصی باشند، میزان آسیب‌های اجتماعی آنان کمتر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق میزان اشتغال، مهارت، طلاق و ازدواج در شهرستان خرم آباد مورد بررسی قرار دادیم و از این تحقیق نتایج زیر به‌عمل آمد:

- میزان بیکاری زنان جوان در این منطقه ۷۰ درصد می‌باشد، همچنین، بیکاری زنان در گروه سنی ۳۴-۱۵ سال بیشتر از نرخ بیکاری مردان در همین گروه سنی می‌باشد (این آمار مربوط به زنان تحصیل‌کردهٔ بیکار می‌باشد)، و درصد زنان آسیب‌دیدهٔ بیکار منطقه بیشتر از زنان آسیب‌دیدهٔ شاغل می‌باشد.
- پیامدهای حاصل از عامل بیکاری زنان: افسردگی و سرخوردگی خود آنها، سست شدن روابط خانوادگی، افزایش معضلات اجتماعی از جمله فرار دختران از خانواده، افزایش میزان طلاق در جامعه و....
- طبق آمارهای مورد بررسی در این تحقیق می‌توان گفت میزان طلاق از سال‌های ۹۰-۷۵ افزایش یافته است و یکی از مهم‌ترین دلایل ازهم‌گسستگی خانواده‌ها اوضاع بد اقتصادی و نداشتن شغل زوجین می‌باشد.
- آموزش‌های دانشگاه‌ها برای وارد شدن به جامعه و اشتغال کافی نمی‌باشد، همچنین آموزش و مهارت‌آموزی برای زنان در منطقهٔ مورد مطالعه کافی نمی‌باشد، هرچه میزان تحصیلات بیشتر شود، میزان انحرافات اجتماعی زنان کمتر خواهد شد.
- درصد آسیب‌های اجتماعی زنان و دختران منطقه که دارای تبحر و مهارت در زمینهٔ خاصی می‌باشند، ۳/۴ و زنان و دخترانی که مهارت خاصی ندارند ۹۶/۶ درصد دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شوند.

پیشنهادات

- ✓ ترویج فرهنگ کار، تولید و کارآفرینی.
- ✓ آموزش نیروی انسانی متخصص و ماهر متناسب با بازار کار.
- ✓ بررسی ساختار بازار کار برای اشتغال زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی در مورد رشته‌های مختلف.
- ✓ تصحیح نگرش و دیدگاه جامعه و زنان دارای تحصیلات دانشگاهی در مورد بازار کار و ادامهٔ تحصیل.
- ✓ مشخص کردن توانایی‌ها و تخصص‌های زنان تحصیل‌کردهٔ جویای کار.
- ✓ بررسی ساختار بازار کار برای اشتغال زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی در مورد رشته‌های مختلف.
- ✓ مهارت‌آموزی و تقویت کارآفرینی در بین زنان.
- ✓ ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار برای زنان تحصیل‌کرده.

- ✓ بهبود محیط کسب و کار و ارتقاء شاخص‌های آن.
- ✓ جذب سرمایه، فناوری و منابع مالی در زمینهٔ اشتغال بانوان.

منابع

پورقاسم، شهلا، کاظمی پور،۱۳۸۱، بررسی وضعیت اشتغال زنان تحصیل‌کرده.
سال‌نامهٔ آماری استان لرستان، ۱۳۹۰، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان.
شهشهانی، محمد حسن، ۱۳۸۷، کارآفرینی، انتشارات نشر در دانش بهمن ص۸.
قاسمی، پوراندخت، ۱۳۹۰، اثربخشی بازپروری زنان آسیب‌دیده، انتشارات شاپورخواست خرم‌آباد.
معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مر کز آمار ایران، ۱۳۹۰، راهنمای مأمور سرشماری، انتشارات ستاد سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور.
نژاد سبزی، پروانه، رابطهٔ عوامل خانوادگی با فرار کودکان از منزل خرم‌آباد، سال یازدهم، شمارهٔ ۴۰، فصل‌نامهٔ علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی.
وزارت کار و امور اجتماعی، معاونت سرمایهٔ انسانی و توسعهٔ اشتغال، ۱۳۸۹، فصل‌نامهٔ آمار کار، شمارهٔ ۵، نشریهٔ مرکز آمار و اطلاعات بازار کار.
ملک‌زاده، فهیمه، ۱۳۸۷، نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقش‌ها.
موحدی، بهناز، ۱۳۸۰، زنان توسعه و تعدد نقش‌ها، تهران انتشارات زیتون.

بررسی آموزش‌های مهارتی بر عملکرد و اشتغال زنان سرپرست خانوار ادارهٔ کل بهزیستی استان کرمان

سید حبیب الله هاشمی پور[۱]
مهناز نجیب زاده وامق آبادی[۲]

چکیده

در جامعهٔ امروز مردان عهده‌دار مسائل اقتصادی خانواده می‌باشند. حال اگر به هر دلیلی زنان از برخورداری وجود همسر محروم شوند و تأمین نیازهای زندگی بر عهدهٔ زنان گذارده شود، انجام این وظیفه مستلزم وجود شرایطی همچون توانائی‌های فردی و به دنبال آن آماده بودن شرایط اجتماعی می‌باشد که خود نیازمند آموزش‌های لازم و آموختن مهارت‌هایی است که بتواند کسب درآمد نماید و استقلال اقتصادی داشته باشد. بدیهی است در این سیر دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی و یادگیری مهارت‌ها به‌خصوص مهارت‌های فنی و حرفه‌ای عامل مؤثر در ارتقاء وضعیت اقتصادی این قشر است. این تحقیق با طراحی کیفی و به روش گراندد تئوری در رابطه با زنان سرپرست خانوار شهر کرمان انجام پذیرفته، و به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، از روش نمونه‌گیری هدفمند و انجام مصاحبه‌های عمیق استفاده شده است. جمع‌آوری داده‌ها آن قدر ادامه یافته تا اشباع داده‌ها حاصل گردیده است و در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز روش تحلیل مقایسه‌های مداوم به‌شیوهٔ اشتراوس و کوربین استفاده گردیده است. این پژوهش، علاوه بر روش توصیفی، تحلیلی نیز می‌باشد و اطلاعات مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای و با مطالعهٔ کتاب‌های فارسی و لاتین و نشریات داخلی و خارجی به‌منظور دست‌یابی به مباحث تئوریک و نیز از طریق آمارهای موجود در ادارهٔ کل بهزیستی استان کرمان جهت آگاهی از تعداد زنان سرپرست خانواده انجام گرفته است. این تحقیق بر روی ۹۰ نفر از زنان سرپرست خانوار در رده‌های مختلف سنی – تحصیلی و اجتماعی انجام پذیرفته است و در این کار علمی مشارکت‌کنندگان اعلام داشته‌اند که آموزش‌های مهارتی بر روی متغیرهای ساختاری و فردی تأثیر گذارده است. لذا، برای تسهیل روند آموزشی آنها ایجاب می‌نماید که الگوها و مهارت‌های خاص و ویژه‌ای جهت بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی این قشر خاص در نظر گرفته شود تا این نوع مهارت‌ها با توجه به وضعیت و خواسته‌های آنان صورت گیرد، برنامه‌ریزی و سپس اجرا شود.

واژگان کلیدی: زنان سرپرست خانوار، مهارت‌آموزی، ساختار آموزشی.

---

۱. کارشناس مسئول امور خیریه‌ها، ادارهٔ کل بهزیستی کرمان، Email:seyed_habib547@yahoo.com
۲. دانشجوی دکترای مطالعات اجتماعی و زبان شناختی، ادارهٔ کل فنی و حرفه‌ای کرمان،
Email:mahnaz_najib@yahoo.com

مقدمه

امروزه اغلب کشورها دست‌یابی به توسعهٔ پایدار "توانمندسازی" را کارآمدترین روش یافته‌اند. توانمندسازی، فرآیندی است که طی آن زنان قادر می‌شوند اتکاء به نفس خود را افزایش دهند، حق مستقل برای انتخاب کسب کنند، خود را سازماندهی کنند و منابعی را کنترل نمایند. این مجموعه به آنها برای کاهش فقر، حذف فرودستی و تحولات بنیادی کمک خواهد کرد. اینچنین، فرآیندی زنان فقیر را قادر می‌سازد که خودمختاری، کنترل و اعتماد به نفس کسب کنند و با احساس قدرت فردی و جمعی در کنار گروهی از زنان و مردان برای تفوق بر شرایط اجتماعی مسلط و تبعیض‌گرا اقدام کنند. همچنین، در اغلب موارد آموزش و اشتغال به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر در توانمندسازی بیان شده است. توسعهٔ اجتماعی از طریق آموزشی عمومی مردم به دنبال سازماندهی نمایندگان طیف‌های مختلف جامعه است. آموزش‌ها، مردم را آمادهٔ مواجهه با مشکلات پیش‌بینی نشده و تصمیم‌گیری برای رفع آنها می‌کند. از سوی دیگر، اشتغال، امکان و زمینهٔ مشارکت آنان را در گروه‌های اقدام برای توسعه فراهم می‌آورد. بر این اساس، جامعهٔ انسانی به میزانی که به این ۲ مقوله (آموزش و اشتغال) توجه نماید، به‌طور فزاینده‌ای به سمت استقلال و خوداتکائی پیش می‌رود و جامعه با استفاده از منابع داخلی و خارجی و با تکیه بر عقلانیت برای ایجاد یک فضای مناسب تحریک می‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که توسعهٔ اجتماعی با چنین دیدگاهی می‌تواند در زمینهٔ بهبود وضعیت اجتماع کمک مؤثری نماید. توسعهٔ اجتماعی پیش از آن که توسط نهادهای دولتی کنترل و هدایت شود، می‌تواند توسط سازمان‌های خودمختار محلی و گروه‌هایی از زنان و مردان توانمند هدایت و کنترل شود و از سوی دیگر، پیگری توسعهٔ اجتماعی توسط گروه‌های مردمی، باعث ایجاد همدلی، هماهنگی و توانایی در رهبریت محلی می‌شود (بلکبرن، ۱۳۸۰).

توسعهٔ اجتماعی پیش از هر چیز یک فرآیند ارتباطی و متحدکننده است که بازیگران اصلی آن خود مردم می‌باشند و به مفهوم بهبود زندگی نیست، بلکه مجموعه‌ای کلی از فعالیت‌های گروهی و جمعی است که مزیت‌های زیر را به ویژه برای محرومان جامعه فراهم می‌آورد:

۱. ایجاد فرصت‌هایی برای آموزش و ارتقاء سطح اطلاعات.
۲. آشنا ساختن مردم با راهبردها و خط مشی‌های ملی.
۳. ترویج فرهنگ ملی و خصائل انسانی نظیر قناعت، خدمتگذاری.
۴. تشخیص و شناخت مسائل و نیازهای اجتماعی و ارائهٔ راهکارهای عملی از طریق پژوهش.
۵. ارتقاء همبستگی اجتماعی.

بنابراین، توانمندسازی زنان، موضوع محوری در توسعهٔ اجتماعی است و در این بین توجه به گروه‌هایی خاص در بین زنان دارای اهمیت است. زنان سرپرست خانوار از جمله این گروه‌ها می‌باشند که به دلیل محدودیت‌های بیشتر و آسیب‌های واردشده به آنها لازم است توجه بیشتر و دقیق‌تری به توانمندسازی آنها داشت. زنان سرپرست خانوار و خود

سرپرست به زنانی اطلاق می‌شود که مسئولیت تأمین معایش زندگی و ادارهٔ امور خود و خانوار خود را به‌طور دائم یا موقت، عهده‌دار هستند و به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

۱. زنان سرپرست خانواری که به‌طور دائم یا موقت غیرشاغل و فاقد منابع اقتصادی درآمدزا هستند و مسئولیت نگهداری یک یا چند فرزند کمتر از ۱۸ سال یا فرزندان بالای ۱۸ سال غیرشاغل را بر عهده دارند.

۲. زنان سرپرست خانوار شاغل یا برخوردار از منابع اقتصادی درآمدزا که درآمد خانوار آنان کمتر از حداقل دستمزد موضوع قانون کار است.

۳. زنان سرپرست خانواری که مسئولیت تأمین معاش خانواده را برعهده ندارند ولی به‌دلیل از کار افتادگی، غیبت وقت یا دائم سرپرست مرد، مسئولیت ادارهٔ امور خود و خانواده را برعهده دارد.

۴. زنانی که به دلیل طلاق یا فوت همسر در خانواده پدر یا سایر اقوام زندگی می‌کنند و مادامی که مستقل نشده‌اند. این دسته از زنان را خود سرپرست نیز مینامند و بالاخره ...

۵. زنان سرپرست خانوار شاغل یا برخوردار از منابع اقتصادی درآمدزا با درآمد خانوار بالای حداقل دستمزد موضوع قانون کار که نیازمند خدمات اجتماعی و فرهنگی می‌باشند. (کاظمی، موسی: نگاهی به راهکارهای توانمندسازی سرپرست خانوار، مجلهٔ تعاون شمارهٔ ۱۹۲-۱۹۱مرداد و شهریور۱۳۸۶). مطالعهٔ دیدگاه‌ها و نظریه‌های علمی در این‌خصوص نشان می‌دهد که بوان ولوار در سال ۱۹۹۲ توانمندسازی را به‌عنوان ابزاری بیان نمودند که افراد را برای تصمیم‌گیری قادر می‌سازد. پاستور در سال ۱۹۹۶ در رابطه با توانمندسازی اعتقاد داشته که این مهم یک پدیدهٔ شخصی است که افراد برای انجام کارهایشان توان مسئولیت می‌کنند و این تعریف بر اهمیت افراد در اجرای موفق برنامه‌های توانمندسازی تأکید دارد. یاگیل توانمندسازی را فرآیند نفوذ بر رویدادها و پیامدهای مهم برای فرد یا گروه می‌داند، بر این اساس، او توانمندسازی را اساساً یک فرآیند انگیزشی می‌داند که فرد در طی آن یک حس توانمندی را تجزیه می‌کند. در جایی دیگر کانگر و کانتگو در سال ۱۹۸۸ توانمندسازی را به‌عنوان یک سازه نسبتی و انگیزشی تعریف می‌کنند، اجرای یک برنامهٔ توانمندسازی با اهداف افزایش دانش، انگیزه، عزت نفس و خودکارآمدی که به خود کنترلی رفتاری و اتخاذ رفتارهای پیشگیرانه منجر می‌شود و به‌منظور ارتقاء کیفیت زندگی ضروری است و فرآیند مشارکت افراد در راستای ارتقاء کیفیت زندگی یکی از اجزای کلیدی توانمندسازی محسوب می‌شود (مسعودی و سایرین، ۱۳۸۹:۵۹) در جایی دیگر و اندیشمندان دیگری به نقش آموزش و به‌خصوص آموزش‌های شغلی در توانمندسازی اشاره می‌کنند و آموزش را در راستای پیدا کردن کار، باقی ماندن در کار موفق بودن، داشتن زندگی مستقل و حفظ آن، انطباق هرچه بیشتر با جامعه و .... مورد تأکید قرار می‌دهند (سیف نراقی و سایرین، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۳۸). همچنین، بریگر و همکاران در بحث مهارت توانمندی‌های شغلی بر سه عنوان مهارت اشاره می‌کنند که عبارتند از: مهارت‌های انطباق، مهارت‌های اساسی و مهارت‌های فنی (همان،۱۳۹). آن‌چه درنهایت و درخصوص توانمندسازی می‌توان گفت عبارت است از این مهم که توانمندسازی باید احساس تملک را نسبت به کار و موقعیت افزایش دهد. به نحوی که افراد نسبت به کارشان احساس غرور

نمایند و انجام وظائف و مسئولیت‌ها را با رغبت بر عهده بگیرند. چراکه در غیر این‌صورت یک نگاه خالی از احساس نسبت به کار خواهند داشت. نایت و یورک توامندی شغلی را ترکیب سینرژیک کیفیت‌ها و صلاحیت‌های فردی، مهارت‌های فنی و فرآیندها و مهارت‌ها و شایستگی‌های کلیدی می‌داند. همچنان‌که زولینکن ابعاد توانمندی شغلی را در ۶ بعد عمده مطرح می‌کند:

۱. بعد عمومی، ۲. بعد شناختی، ۳. بعد شخصیتی، ۴. بعد اجتماعی و ارتباطی، ۵. بعد اجتماعی و هنجاری و ۶. بعد اشستراتژیک.

در کنفرانس بواردای کانادا مهارت‌ها و شایستگی‌ها و توانمندی‌های شغلی مورد نیاز بازار کار به سه دستهٔ اصلی تقسیم شدند که عبارتند از: ۱. مهارت‌های آکادمیک، ۲. مهارت‌های فردی، ۳. مهارت‌های کارگروهی و در همین راستا سازمان بین‌المللی کار(ILO) در طی توصیه‌نامه‌ای توانمندی شغل کار کارکنان را این‌گونه بیان می‌دارد، افراد با دارا بودن مهارت‌های اکتسابی بنیانی شامل کارگروهی، حل مسئلهٔ مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، مهارت‌های یادگیری و چگونه آموختن می‌توانند در موقعیت‌های شغل و حرفه‌ای، بسیار کاراتر، عمل نمایند، این مهارت‌ها افراد را در برابر پذیرفتن تغییرات در دنیای کار آماده‌تر می‌سازند. (نراقی، مریم و سایر همکاران: ۱۴۰– ۱۳۹). در زمینهٔ توانمندسازی زنان، مطالعات زیادی در کشورهای مختلف صورت پذیرفته است. کاگاتای و اوزلر با استفاده از داده‌های بین کشوری در سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ نتیجه گرفتند که اجرای سیاست‌های اصلاح ساختاری به افزایش سهم زنان در نیروی کار منجر می‌گردد. اسپرینگ نشان می‌دهد که متغیر آموزش عامل بسیار مهمی در افزایش اشتغال زنان است (همان منبع: ۷). هادیان و حیدرپور طی بررسی‌هایی که انجام داده‌اند به این نتیجه اعتقاد دارند که دولت می‌تواند با تعدیل عوامل ایجاد تبعیض بین زنان و مردان شرایط و امکانات لازم برای مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی کشور را فراهم نمایند (همان منبع: ۹). مقالات متعددی در رابطه با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به رشتهٔ تحریر درآمده است، از جمله مقاله‌ای از آقای دکتر موسی کاظمی با موضوع نگاهی به راهکارهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر نقش تعاونی‌ها که در این مقاله به بررسی قابلیت‌های بخش تعاون به‌عنوان یکی از کارآمدترین راهکارهای توانمندسازی زنان پرداخته است و ساز و کارهایی را در این ارتباط ارائه می‌دهد.

مقالهٔ دیگری از آقای علیرضا وحیدزاده با موضوع تبیین موانع مرتبط با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت حمایت ادارهٔ بهزیستی شهرستان کرمان سال ۱۳۹۱ با تأکید بر نقش گروه‌های همیار انجام گرفته که در مقالهٔ ایشان ضرورت‌ها و سیاست‌های سازمان بهزیستی در رابطه با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در قالب گروه‌های همیار و سطح قابلیت‌های فردی آنها و تشکیل اعتلاف‌های اداری زمینه و فرصت لازم را برای آنها و تعدیل برای شرایط حضور و نقش آفرینی آنها ایجاد نماید.

مقالهٔ دیگری در رابطه با شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از آقای سیدعلی کیمیایی که نشان داده است اجرای برنامه‌های توانمندسازی همان‌گونه که در سایر کشورها نتایج مثبتی به همراه داشته است، اجرای آن در مورد زنان سرپرست خانوار نه تنها به

اشتغال و افزایش سطح درآمد و ارتقاء آن‌ها به سطوح طبقاتی بالاتر اجتماعی اقتصادی جامعه منجر می‌شود، بلکه به کمک آموزش شغلی از وابستگی آن‌ها به سازمان‌های حمایتی کاسته شده و به لحاظ اقتصادی اجتماعی خود را همچون سایر افراد جامعه می‌بینند.

آمارهای ارائه‌شده از طرف ادارهٔ کل بهزیستی کرمان نشان می‌دهد که تعداد ۱۸۲۳ نفر زن سرپرست خانوار، تحت حمایت این ساختار سازمانی قرار داشته و از این تعداد ۱۱۶۹ نفر یعنی بیش از ۶۴ ./. آنها به لحاظ تخصصی قابلیت بازتوانی دارند که با توجه به تأکیدات صورت‌پذیرفته در رسالت و دستورالعمل‌های اجرایی، سازمان بهزیستی باید با مکانیزم‌های تخصصی در رابطه با توانمندسازی آنها اقدامات لازم صورت پذیرفته و زمینهٔ جدایی آنها از بدنهٔ حمایتی (مساعدت اجتماعی) سازمان هموار گردد. یکی از مکانیزم‌های مهم در این رابطه آموزش‌های ارائه‌شده از طرف سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای مبنی بر عقد تفاهم‌نامه بین سازمان بهزیستی کشور و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای می‌باشد. طبق تعریف سازمان بهزیستی کشور، «زن سرپرست خانوار» زنی است که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار خویش است. زنان مطلقه، زنان افراد معتاد و بیکار، زنان بیوه، زنان افراد از کار افتاده و زنانی که شوهرانشان مهاجرت کرده‌اند، به‌عنوان زن سرپرست خانوار شناخته می‌شوند. این زنان به دلیل ایفای نقش‌های چندگانه (نقش مادری، نقش عاطفی، نقش تأمین معاش خانواده، فرزندپروری و...) باید تحت حمایت اقتصادی، اجتماعی و روانی کامل قرار گیرند.

مقالهٔ فوق در حال حاضر اولین مقالهٔ نوشته شده است. امید می‌رود تا این مقاله، گامی مؤثر در جهت ارائهٔ مقالات برتر دیگری در این زمینه باشد. هدف از ارائهٔ این مقاله آن است، که نشان داده شود با تخصیص بیشتر آموزش‌های مهارتی و فنی به آموزش زنان بی‌سرپرست، نه تنها به از بین بردن مشکلات کمک می‌شود، بلکه موجب ارتقاء سطح بهره‌وری تولید بیشتر و درآمد بالاتر آنها خواهد شد. افزون بر موارد یادشده، ایجاد فرصت‌های آموزشی سبب تقویت حس اعتماد به نفس و نیز استقلال و افزایش مشارکت‌های اجتماعی زنان بی‌سرپرست می‌شود (چابکی:۷۰). از این‌رو، با انجام پژوهش‌هایی در این زمینه، موانع موجود بر سر راه ایجاد مهارت‌های آموزشی و شغلی در کشور مورد شناسایی قرار گیرد تا با رفع آنها امکان آموزش و اشتغال برای این بانوان در عصر جدید میسر گردد. لذا، در این رابطه این سؤال مطرح می‌گردد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای چه تأثیری می‌تواند در روند مهارت‌آموزی و سپس اشتغال زنان بی‌سرپرست داشته باشد؟

روش‌شناسی

روش اجرای این بررسی با روش گراندد تئوری[1] انجام پذیرفته است. این روش معمولاً در زمینه‌هایی به‌کار می‌رود، که قبلاً تحقیق زیادی در رابطه با آن صورت نپذیرفته است. گراند تئوری یک روش استقرائی و اکتشافی است (منصوریان:۱). جامعهٔ هدف این بررسی،

1.Grounded Theory

کارآموزان زن بی‌سرپرست ادارهٔ کل بهزیستی شهرستان کرمان می‌باشد، که در کلاس‌های متنوع سازمان ثبت‌نام نموده‌اند. برای تجزیه و تحلیل و ارائهٔ نظر نهایی در این رویکرد در ابتدا، داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها چندین بار مورد مطالعهٔ کارشناسی قرار گرفته، و به کوچکترین اجزاء مفهومی تقسیم شده است. (بین داده‌های به‌دست‌آمده و مفاهیم مورد نظر ارتباط لازم برقرار شده) بدین منظور، در وهلهٔ اول و با توجه به این مهم که روش گردآوری اطلاعات، مصاحبه بوده، داده‌ها توسط شخص محقق پیاده‌سازی و متن مصاحبه‌ها مورد مطالعه و مفاهیم مستتر در آن مورد شناسایی قرار گرفته است. در مرحلهٔ بعد مفاهیم استخراج‌شده مورد دسته‌بندی قرار گرفته است، که این خود پیوند بین مفاهیم را نیز آشکار می‌سازد. در مرحلهٔ سوم، محورهای اصلی در مجموعه داده‌ها، مشخص و کدگذاری کل این محورها انجام پذیرفته و در نهایت محقق با توجه به کدها و مفاهیم شناسایی‌شده، فرایند کدگذاری را استحکام بیشتری بخشیده و زمینه را برای تدوین تئوری همراه می‌نماید.

قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی، موضوعی)

این بررسی با توجه به پنج سال گذشته به کندو کاو فرایندهای مهارت‌آموزی زنان بی‌سرپرست شهرستان کرمان در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای کرمان می‌پردازد.

مشخصات ابزار جمع‌آوری اطلاعات و نحوهٔ جمع‌آوری

در این کندوکاو، مصاحبه عمیق می‌باشد. لازم به ذکر است که برای کامل شدن اطلاعات به‌دست آمده، علاوه بر مصاحبه‌های مکرر با برخی از کارآموزان، به اطلاعات کارمندان به افراد فعال و خبره در این خصوص نیز رجوع گردیده. پس از اینکه خطوط کلی مصاحبه‌ها از طریق مطالعهٔ آثار و اسناد موجود، همکاری و نظر تخصصی کارمندان فعال در این رابطه مشخص گردیده، مصاحبه‌ها ظرف مدت یکسال، با رعایت نکات علمی انجام، و اطلاعات مربوط پیاده‌سازی و کدگذاری (کدگذاری بازمحوری و انتخابی) شده است، که در این مرحله نیز به برخی از نظرات مصاحبه‌شوندگان نیز، رجوع گردیده است. این در واقع فرایند یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در جهت خلق نظریه تلقی می‌شود.

روش نمونه‌گیری

در این رویکرد، برای انتخاب مشارکت‌کنندگان، به روش‌های نمونه‌گیری تعمدی یا قضاوتی، از طریق مراجعه به مراکز ثبت‌نام فنی و حرفه‌ای و مصاحبه با کارآموزانی که در این مراکز پرونده داشته‌اند، با نمونه‌گیری هدفمند (تکنیک گلوله برفی) رجوع گردیده است. به این روش "snowball sampling " یا نمونه‌گیری "گلوله برفی" می‌گویند که یک روش غیر احتمالاتی است و در مواقعی به‌کار می‌رود که شناختی از کل جامعهٔ آماری وجود ندارد و چارچوب نمونه‌گیری مشخص نیست. این روش برای نمونه‌گیری از جامعه‌های آماری به‌کار می‌رود که اصطلاحاً پنهان هستند و یا محل استقرار مشخصی ندارند و شما اطلاعات اندکی از آن‌ها دارید.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم به شیوهٔ اشتراوس[1] و کوربین[2] استفاده شده است. در این روش، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، هم‌زمان انجام می‌شود، به‌طوری‌که بعد از هر مصاحبه، محقق آن را استخراج و قبل از اقدام به مصاحبهٔ بعدی، کدگذاری می‌نماید. سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی طبق روش اشتراوس و کوربین بر روی داده‌ها انجام شده است. به این منظور، داده‌ها خط به خط خوانده و کدهای باز، استخراج گردیده است، کدهای حاصل با کدهای قبلی مقایسه، و کدهایی که از نظر مفهومی شبیه یکدیگر بوده‌اند، در یک طبقه جای می‌گرفتند و به این ترتیب بود که به تدریج طبقات شکل می‌گرفتند. در مرحلهٔ بعد طبقات نیز با یکدیگر مقایسه شده و در صورت نیاز با یکدیگر ادغام و در برخی از موارد یک طبقه به دو یا چند طبقه تغییر پیدا می‌کرد و در نهایت، محورها پدیدار شدند.

روایی و پایایی داده‌ها

در طول مطالعه روش‌هایی برای اطمینان و صحت و پایایی تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. در این راستا از بازنگری مشارکت‌کنندگان، برای تأیید و صحت داده‌ها و کدهای استخراج شده، استفاده شد و کدهایی که از نظر مشارکت‌کنندگان بیانگر دیدگاه آنها نبود، مورد اصلاح قرار می‌گرفت. همچنین، متن برخی از مصاحبه‌ها،کدها و طبقات استخراج‌شده توسط چهار نفر از مسئولان آموزش فنی مرکز خواهران مورد بررسی و کدگذاری مجدد قرار گرفت که ۹۲٪ تا ۹۸٪ توافق میان نتایج استخراج شده وجود داشت.

یافته‌ها

کدگذاری‌ها: در اینجا منظور از کدگذاری، عبارت است از عملیاتی که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی، و به شکل تازه‌ای در کنار هم قرار می‌گیرند (فلیک اوه: ۳۲۹). کدگذاری باز: این نوع کدگذاری قصد دارد تا داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم درآورد. به این منظور، ابتدا داده‌ها از هم مجزا می‌شوند، عبارت‌ها بر اساس واحدهای معنایی دسته‌بندی می‌شوند تا تعلقات و مفاهیم به آنها ضمیمه شود (همان منبع: ۲۳۰). کدگذاری محوری: فرایند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی‌تر را شامل می‌شود.

جدول ۱. مشخصات افراد مشارکت‌کننده

ردیف	عنوان	تعداد
۱	تعداد افراد مشارکت‌کننده	۹۰ نفر
۲	میانگین سنی افراد مشارکت‌کننده	۲۵ سال
۳	میانگین مدت زمان آموزش در مرکز	۲ ماه

1.Strauss Anselm
2.Corbin Juliet

نظر زنان سرپرست خانواده در رابطه با رشتهٔ آموزشی ارائه‌شده از طرف سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای: افراد مشارکت‌کننده اعلام کرده‌اند که رشته‌های متنوع و زیادی وجود دارد اما هنوز به حد مطلوب و در خور آنها نمی‌باشد.

نگرانی زنان سرپرست خانواده در رابطه با آموزش‌های ارائه‌شده: اکثریت قریب به اتفاق مورد مصاحبه تأکید بر این داشتند که با آموزش‌های مهارتی جدید و به روز سازمان امکان دسترسی به مشاغل متعدد برای آنها میسرتر خواهد بود.

نظر سرپرست خانوار در رابطه با آموزش‌های سنتی و مهارتی زنانه: مشارکت‌کنندگان رشته‌های سنتی اعتقاد داشتند که آموزش‌ها، کمک به دستیابی به استقلال فردی و افزایش مشاغل خانگی کرده است.

نظر زنان سرپرست خانواده در رابطه با دنبال کردن آموزش‌های سنتی: مشارکت‌کنندگان تمایل زیادی نسبت به آموزش‌های فوق داشتند و برخی از آنها مدرن‌سازی و تغییرات اساسی را در آموزش‌های سنتی خواستار بودند.

نظر زنان سرپرست خانوار در رابطه با آموزش‌ها و کاریابی: اکثریت پاسخ‌گویان به اهمیت نقش آموزش‌های مهارتی و پیدا کردن شغل‌های متعدد در این زمینه و حتی برآوردن احتیاجات و نیازهای خانواده اذعان داشتند.

مشکلات زنان سرپرست خانواده: مصاحبه‌شونده‌ها اعتقاد داشتند که عدم توجه به آنها باعث فزونی شدن و بیکاری و عدم استقلال آنان از سازمان‌های حمایتی شده و ایجاد رشته‌های آموزش متنوع‌تر و بیشتر را خواستار بودند.

حمایت بازار کار از کارآموزان زن سرپرست خانواده: مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند در رشته‌های آموزشی، اکنون بازارهای کاری تا حدودی موفق وجود دارد.

نظر خانواده‌های زنان سرپرست خانواده نسبت به آموزش‌های سازمان: اکثریت قریب به اتفاق افراد مصاحبه‌شونده اعتقاد داشتند با توجه به برآوردن نیازها و توجهات افراد و اعضای خانواده این‌گونه آموزش‌ها، گام‌های مؤثری در این زمینه برداشته است.

نظر مسئولین سازمان بهزیستی راجع به کارآموزان زن سرپرست خانواده از رابطه با آموزش‌های مهارتی:

اکثریت کارشناسان و مسئولین مصاحبه‌شونده، این‌گونه آموزش‌ها را امری ضروری و حمایتی در جهت اشتغال، شکوفائی، خودباوری و اشتغال زنان سرپرست خانواده مطرح کردند.

نقش مهارت‌آموزی بر جسارت اجتماعی کارآموزان زن سرپرست خانواده: اکثریت قریب به اتفاق مورد مصاحبه اعتقاد داشتند که آموزش‌های مهارتی منجر به ایجاد نوعی اعتماد به نفس در آنها می‌گردد و این باعث ظهور جسارت در آنها می‌گردد و همچنین باعث ایجاد شغل و انگیزه برای ایجاد درآمد می‌گردد که از نظر آنها مثبت تلقی می‌شود.

نقش مهارت‌آموزی بر استقلال عملی کارآموزان زن سرپرست خانواده: اکثریت افراد مورد مصاحبه آموزش‌های مهارتی را گامی در جهت داشتن استقلال فکری و مادی

می‌دانستند و بر این عقیده بودند که در راستای این‌گونه آموزش‌ها، دولت موظف به ایجاد پست‌های شغلی مناسب برای آن‌ها در این زمینه‌ها می‌باشد.

محدودیت‌های کارآموزان زن سرپرست خانواده در رابطه با مهارت‌آموزی: مشارکت‌کنندگان محدودیت تنوع آموزش‌ها، امکانات آموزشی مناسب‌تر و ایجاد دوره‌های بیشتر و طولانی‌تر را خواستار بودند.

نقش باورها و عقاید در آموزش مهارتی ویژهٔ زنان و سرپرست خانواده

اکثریت مصاحبه‌شوندگان خواستار تداوم آموزش‌های سنتی، تغییر در آموزش‌های سنتی و امیدوار به ایجاد رشته‌های متنوع در جهت افزایش نیروی بالقوهٔ زنان بودند که مهارت‌های اکتسابی و بنیانی آنان را مؤثرتر نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

جمع‌بندی مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای ساختار مناسبی برای آموزش و اشتغال زنان به‌ویژه زنان سرپرست خانوار می‌باشند که با توجه به اصولی که در آموزش‌های آنها مورد توجه است، می‌تواند منجر به توانمندسازی زنان و ایجاد خودکفائی و خودتکایی آنان شود. این‌گونه آموزش‌ها احتمال واخوردگی زنان سرپرست خانواده را به شدت کاهش می‌دهند و حضور آنان را در عرصهٔ اقتصادی جامعه تسریع نموده و محیط همراه با آرامشی برای آنها فراهم می‌آورند. توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با توجه به شاخص کلی ظرفیت‌سازی در بدنهٔ دولت – ارائهٔ آموزش‌های توانمندسازی برای مشارکت اجتماعی و تفویض مسئولیت مدیریت اجرایی به زنان و ارائهٔ خدمات حمایتی و پشتیبانی دولتی در راستای ایجاد محیط مناسب اشتغال زنان سرپرست خانوار می‌باشد و در صورتی که حمایت زنان سرپرست خانوار مورد نظر باشد، در مقولهٔ توانمندسازی با هدف ایجاد اشتغال پایدار برای آنها و افزایش خوداتکایی در این گروه‌ها، ارائهٔ آموزش‌های متنوع نه تنها مثبت است، بلکه عملکرد این زنان سرپرست خانوار را به میزان زیادی افزایش می‌دهد. حمایت از زنان سرپرست خانوار باید در درون شبکه‌های آموزشی دیگری نیز دنبال شود. به‌طور مثال، مراکز آموزشی – آموزشگاه‌های آزاد که به‌نحوی این گروه از خدمات و تخفیف‌های ویژه برخوردار باشند، در کل نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از این است که اجرای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به نحو صحیح و دقیق در جهت توانمندسازی، همان‌گونه که در سایر کشورها نتایج مثبتی به همراه داشته است، اجرای آن در کشورما به این قشر ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه (زنان سرپرست‌خانوار) نه تنها به اشتغال و افزایش سطح درآمد خانوار و ارتقاء آن‌ها به سطوح بالاتر طبقات اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود، بلکه این کمک آموزشی از وابستگی آنان به سازمان‌های حمایتی کاسته شده و به لحاظ اقتصادی – اجتماعی خود را همچون سایر افراد جامعه می‌بینند. علاوه بر آن، به توانمندسازی روانی آن‌ها در حوزه‌های مختلف روان‌شناختی هم چون خودکارآمدی، خودارزشمندی و عزت نفس، کنترل بر زندگی، قدرت تصمیم‌گیری و حل مسئله و .... منجر می‌شود که خود سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر و بالاتر از توان مالی و اقتصادی است.

بنابراین، پیشنهادهای کاربردی پژوهش بیان‌گر این است که سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای باید توانمندسازی این قشر را هدف برنامه‌های عدالت طلبانهٔ خود قرار دهند و حتی این‌گونه آموزش‌ها کلیهٔ اعضای خانوادهٔ مددجو را درگیر آموزش در جهت توانمندسازی آنها نماید. ارائهٔ آموزش‌های متنوع و رایگان در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و آشنا کردن آنها با محیط کار و اشتغال از راهکارهای توانمندسازی پایدار است.

منابع

بلداجی، تاتینا و آینهٔ فروزان و حسن رفیعی، ۱۳۸۹، کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی، فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۱ شمارهٔ ۴۰(ص ۹-۲۸).

سیف نراقی، مریم و علی شریعت‌مداری و عزت ا... نادری و معصومه سادات ابطحی، بررسی میزان توانمندسازی شغلی در برنامه‌های درسی دانش‌آموزان، فصل‌نامهٔ علوم تربیتی، شمارهٔ ۵ (ص۱۶۰– ۱۳۵)

کیمیایی، سید علی، ۱۳۹۰، شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ساب ۱۱ شمارهٔ ۴۰ (ص ۹۲ – ۶۳)

مسعودی، رضا و فاطمه المانی و جعفر مقدسی و مصطفی قربانی، ۱۳۸۹، تأثیر الگوی توانمندسازی خانواده‌محور بر دانش – نگرش و عملکرد مراقبین بیماران، مجلهٔ علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دورهٔ ۱۷، شمارهٔ ۲ ص ۹۷- ۸۷)

منصوریان، یزدان، ۱۳۸۱، گراند تئوری چیست و چه کاربردهایی دارد؟
http://saeedalhs.net

مؤسسهٔ تحقیقات اجتماعی دانمارک ۱۳۸۱، تأمین اجتماعی در اروپا، ترجمهٔ هرمز همایون‌پور، تهران، مؤسسهٔ عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

وحیدزاده، علیرضا، افسانه تاجی‌زاده، دکتر رضا عبدلی، دکتر علیرضا اسدی، تبیین موانع مرتبط با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت حمایت ادارهٔ بهزیستی کرمان سال ۱۳۹۱، دفتر پژوهش مرکز آموزش علمی ـ کاربردی بهزیستی کرمان،۱۳۹۱.

بررسی تأثیر اشتغال زنان بر ضریب جینی در ایران

سید عبدالمجید جلائی اسفند آبادی[1]
سپیده صمیمی[2]

چکیده

یکی از مهم‌ترین معیارها برای ارزیابی توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتبار زنان در یک کشور است. در جوامع پیشرفته و توسعه‌یافته‌تر، حضور زنان در عرصه‌های مختلف فعالیت مؤثرتر و پررنگ‌تر است و این حضور، بر روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی جامعه اثرگذار خواهد بود. تجربهٔ دهه‌های اخیر کشورهای در حال توسعه مبین آن است که افزایش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، به‌ویژه آموزش زنان، زمینه‌های لازم را برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر و رفاه اجتماعی بیشتر مهیا می‌سازد. با توجه به جمعیت زنان در ایران و توجه به آموزش این طبقه از جمعیت کشور، مقالهٔ حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که افزایش اشتغال زنان چه تأثیری بر توزیع عادلانهٔ درآمد و افزایش سطح استاندارد زندگی و رفاه در جامعهٔ ایران داشته است؟ به‌منظور پاسخگویی به این سؤال، از مدل مناسبی برای ضریب جینی به‌عنوان متداول‌ترین شاخص نابرابری درآمد استفاده می‌شود و با بهره‌گیری از روش خودرگرسیون برداری (VAR) به بررسی اثر اشتغال زنان بر ضریب جینی در ایران برای دورهٔ ۱۳۷۰-۱۳۸۷ پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: توزیع عادلانهٔ درآمد، ضریب جینی، اشتغال زنان، VAR.

۱. دانشیار دانشکدهٔ اقتصاد و مدیریت دانشگاه شهید باهنر کرمان، Email: jalaee44@gmail.com
۲. دانشجوی دکترای علوم اقتصادی دانشگاه شهید با هنر کرمان، Email: samimi.s@umz.ac.ir

مقدمه

امروزه نابرابری درآمدی یکی از پدیده‌های نامطلوب زندگی اجتماعی است و تمامی‌جوامع بشری کاهش و نهایتاً حذف آن را در رأس اهداف خود قرار داده‌اند. سیاستگذاران اقتصادی، طی دهۀ ۱۹۵۰ تمرکز خود را متوجه رشد اقتصادی کردند. هدف آنها افزایش درآمد و تولید ملی بود؛ زیرا این اعتقاد وجود داشت که افزایش درآمد و تولید باعث بیشتر شدن سهم افراد جامعه خواهد شد؛ اما (همان‌گونه که کینز نیز معتقد بود) قبل از افزایش تولید و در نتیجه پیش از آنکه فواید حاصل از این افزایش تولید و رشد اقتصادی به اقشار فقیر جامعه برسد، ابتدا می‌بایست منابع موجود در دست عده‌ای خاص متمرکز گردد تا به سرمایه‌گذاری و تولید اختصاص یابد؛ زیرا چنین استدلال می‌شود که ثروتمندان نسبت به فقرا درصد بیشتری از درآمدهایشان را پس‌انداز می‌نمایند و انباشت پس اندازهاست که به نوبۀ خود می‌تواند سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را ممکن سازد.

اما بیش از یک دهه رشد نسبتاً سریع اقتصادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در سال‌های ۱۹۶۰ نشان داد که منافع رشد اقتصادی، نصیب گروه‌های خاصی از افراد جامعه شده و شکاف درآمدی بین فقرا و ثروتمندان افزایش می‌یابد. بنابراین، انتظار بهبود شرایط زندگی همۀ قشرهای جامعه و یا کاهش فاصلۀ بین طبقات درآمدی محقق نگشت و این سرآغازی برای توجه اقتصاددانان به این قبیل مسائل شد.

توزیع درآمد در اقتصاد که به معنای تقسیم درآمد ملی بین گروه‌ها، طبقات اجتماعی و بخش‌های اقتصادی است، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر عدالت اجتماعی محسوب می‌شود. سؤال مهمی‌که در مورد توزیع درآمد به ذهن می‌رسد این است که توزیع درآمد تحت تأثیر چه عواملی قرار دارد؟ مطالعاتی که در زمینۀ بررسی اثر عوامل اقتصادی بر توزیع درآمد انجام شده است از الگوی شولتز (۱۹۹۶) الهام گرفته و سه دسته متغیر کلان اقتصاد تأثیرگذار بر توزیع درآمد را معرفی کرده‌اند. این متغیرها عبارتند از: رشد اقتصادی با تأثیر مثبت، تورم و بیکاری با تأثیر منفی. برخی متغیرهای اقتصادی نظیر بهره‌وری، حاشیۀ نرخ ارز، مالیات مستقیم، بهره‌وری کار و ... نیز در این مطالعات به‌عنوان متغیرهای اثرگذار با اولویت کمتر اشاره شده است.

در مقالۀ حاضر، با توجه به اهمیت حضور زنان در مسیر توسعه‌یافتگی کشور و افزایش حضور زنان تحصیل‌کرده در جامعۀ ایران، تأثیر افزایش اشتغال زنان بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم. مقالۀ حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که افزایش اشتغال زنان چه تأثیری بر توزیع عادلانۀ درآمد و افزایش سطح استاندارد زندگی و رفاه در جامعۀ ایران داشته است؟ به‌منظور پاسخگویی به این سؤال، از مدل مناسبی برای ضریب جینی به‌عنوان متداول‌ترین شاخص نابرابری درآمد استفاده می‌شود و با بهره‌گیری از روش خودرگرسیون برداری (VAR) به بررسی اثر اشتغال زنان بر ضریب جینی در ایران برای دورۀ ۱۳۷۰-۱۳۸۷ پرداخته می‌شود.

❖ ضریب جینی

به نظر عده‌ای از محققان، شرایط اقتصادی هر فرد (گروه) را می‌توان بر حسب درآمد ولی مشخص کرد؛ بنابراین، با مقایسۀ نحوۀ توزیع درآمد می‌توان تفاوت‌ها را درک نمود. بر این

اساس نابرابری، عبارت از تفاوت در شرایط اقتصادی اشخاص و گروه‌های مختلف است (خدادادکاشی و حیدری، ۱۳۸۸) متداول‌ترین شاخص نابرابری، ضریب جینی است. از نظر آماری، ضریب جینی عبارت است از نسبت اندازهٔ نابرابری توزیع درآمد در جامعه به حداکثر اندازهٔ نابرابری درآمدی ممکن در یک توزیع درآمد کاملاً ناعادلانه. این ضریب بین صفر و یک متغیر است و هر چه اعداد به‌دست آمده به صفر نزدیکتر باشند، یعنی توزیع ثروت عادلانه‌تر و هر چه به یک نزدیکتر باشند، یعنی ثروت در دست اقضار ثروتمند محدود شده است و توزیع درآمد به سمت نابرابری بیشتر سوق پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، ضریب جینی کوچک نشان می‌دهد که تمام افراد جامعه تقریباً از سطح درآمد یا ثروت یکسانی برخوردار هستند، در حالی که ضریب یک نشان می‌دهد یک نفر تمام ثروت را در اختیار دارد و سهم مابقی از ثروت تقریباً صفر است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۰).

این ضریب به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$G = \left[\frac{1}{2n^2u}\right]\sum_{i=1}^{n}\sum_{i=1}^{n}|x_i - x_j|$$

که در آن G ضریب جینی، n تعداد خانوار، X_i درآمد (هزینه) خانوار i ام، X_j درآمد (هزینه) خانوار j ام و u متوسط درآمد (هزینه) جامعه است. دامنهٔ تغییرات این شاخص بین صفر (توزیع کاملاً برابر) و یک (توزیع کاملاً نابرابر) در نوسان است. لذا، مقدار بزرگتر این ضریب نشان‌دهندهٔ توزیع ناعادلانه‌تر درآمد در جامعه است.

اهمیت اشتغال زنان

یکی از مهم‌ترین معیارها برای ارزیابی توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتبار زنان در یک کشور است. در جوامع پیشرفته‌تر و توسعه‌یافته‌تر، حضور زنان در عرصه‌های مختلف فعالیت، مؤثرتر و پررنگ‌تر است و این حضور بر روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی جامعه اثرگذار خواهد بود. بسیاری از جامعه‌شناسان (بولینگ ۱۹۷۷، تینکر ۱۹۷۹، هادیان و حیدرپور۱۳۷۸) بر نقش زنان در توسعهٔ تأکید ورزیده‌اند و معتقدند بدون مشارکت زنان راه برای توسعهٔ هموار نخواهد شد. تجربهٔ دهه‌های اخیر کشورهای در حال توسعه مبین آن است که افزایش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، به‌ویژه آموزش زنان، زمینه‌های لازم را برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر و رفاه اجتماعی بیشتر مهیا می‌سازد.

از مسائل مهم در رابطه با ساختار بیکاری و اشتغال، رویارویی با پدیدهٔ کمبود یا نبود فرصت‌های شغلی یا اشتغال نامناسب دانش‌آموختگان دانشگاهی را می‌توان نام برد، که به ویژه در دههٔ اخیر در ایران بروز کرده است و هر سال حادتر می‌شود، زیرا در ایران نیز همچون بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه، جمعیت دارای تحصیلات عالی در سال‌های اخیر از لحاظ کمّی رشد قابل توجهی داشته است. درست است که آمار بالای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان باعث بالا رفتن سطح علمی و گسترش فرهنگ می‌شود، اما این تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در انتظار شغل مناسبی می‌باشند و در صورت نبود شغل مناسب، تبعاتی را در جامعه به دنبال خواهد داشت. لذا جذب و پذیرش دانشجو از سوی دانشگاه‌های کشور باید در راستای بازار کار و متناسب با نیازهای جامعه باشد و بایستی بین مؤسسات آموزشی و بازار کار تعامل ایجاد شود.

علی‌رغم تأکید برنامه‌های توسعه به‌ویژه برنامهٔ سوم بر ضرورت کاهش شکاف‌ها در بسیاری از زمینه‌ها از جمله شاخص توسعهٔ انسانی، آموزش و تأمین اجتماعی، وضعیت زنان در زمینهٔ فعالیت و اشتغال، تاکنون تغییر چشمگیری نکرده است. به عنوان مثال، درصد پذیرفته‌شدگان زن در مراکز آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از حدود ۳۴ درصد در سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳ به حدود ۶۰ درصد در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ افزایش یافته است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱). میزان فعالیت زنان ۱۰ ساله و بیشتر با افزایش اندک از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است، اما میزان اشتغال آنها در همان دوره از ۸۶/۷ درصد به ۷۶/۷ درصد کاهش یافته است (ترابی ۱۳۹۰؛ محمودیان ۱۳۸۲).

مطالعات تجربی

بلجر و گیریرو (۱۹۹۰)، با مطالعهٔ تجربی متغیرها و سیاست‌های کلان اقتصاد فیلیپین به بررسی اطلاعات جمع‌آوری‌شده از خانوارهای فیلیپینی و تخمین فرم حل‌شده معادلات به‌دست آمده پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که مخارج دولت همانند پدیده‌های دیگر چون تورم و بیکاری منجر به بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود. همچنین، بهره وری، نرخ واقعی بهره و نرخ واقعی ارز به بهبود این توزیع کمک می‌کند.

سارل (۱۹۹۷)، با استفاده از داده‌های مقطعی ۵۲ کشور، تأثیر متغیرهای اقتصاد کلان را بر ضریب جینی به عنوان شاخصی از نابرابری توزیع درآمد بررسی کرده است. نتایج وی حاکی از آن است که متغیرهای تورم، نسبت مصرف عمومی به خصوصی، وضعیت تراز تجاری (صادرات و واردات)، سطح نرخ ارز واقعی و نسبت قیمت کالاهای سرمایه‌ای به کالاهای مصرفی بر توزیع درآمد اثر معنی‌داری ندارد. ولی در مقابل، متغیرهای لگاریتم درآمد سرانه، نرخ رشد درآمد واقعی سرانه، اثر خالص تغییر در رابطهٔ مبادله تجاری، نسبت سرمایه‌گذاری به کل جذب داخلی (که از مجموع مصرف خصوصی، مصرف عمومی و سرمایه‌گذاری به‌دست می‌آید) همگی بر توزیع درآمد اثر منفی و تغییر در نرخ ارز واقعی، درصد جمعیت فعال، تغییرات سالانه جمعیت فعال، تأثیر مثبت بر توزیع درآمد دارد.

نولان (۱۹۹۸)، با استفاده از اطلاعات سری زمانی توزیع درآمد، نرخ تورم و روند خطی زمانی، به بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد انگلستان در دورهٔ ۱۹۴۹-۱۹۷۹ پرداخت و به همان نتایجی رسید که بلندر و ایساکی (۱۹۷۸) در مطالعهٔ مشابه در آمریکا به آن رسیدند. آنها به این نتیجه رسیدند که تورم، بیکاری و سهم درآمدی عوامل تولید مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توزیع درآمد هستند.

چو، داودی و گوپتا (۲۰۰۰)، با استفاده از روش داده‌های تابلویی با مقایسه داده‌های برخی از کشورهای در حال توسعه و در حال گذار در سه دههٔ ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰، به ارتباط سیاست‌های هزینه‌های دولت با توزیع درآمد پرداخته‌اند. در این تحقیق، چو و همکاران به موارد و علت ضعف دولت در استفاده از مالیات‌ها در جهت رفع نابرابری‌های درآمدی اشاره نموده‌اند.

هوور و والاس (۲۰۰۳)، با استفاده از داده‌های منطقه‌ای نرخ فقر به بررسی ارتباط بین فقر و شرایط اقتصادی در دورهٔ (۱۹۷۰-۱۹۹۰) می‌پردازند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نرخ فقر به شرایط اقتصادی حساس است.

ایسیلند و همکاران (۲۰۰۵) به بررسی اثر بیکاری، اشتغال و تولید بر توزیع درآمد در آمریکا پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اشتغال و تولید سرانه در جهت کاهش فقر عمل می‌کنند و بیکاری اثری بر فقر ندارد.

آستن و ریموند (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای به بررسی نابرابری درآمد مردها، اشتغال زنان و نابرابری درآمد زنان در استرالیا طی دورهٔ ۲۰۰۷- ۱۹۸۲ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که درآمد زنان در تعدیل اثرات افزایش نابرابری‌های درآمد مردان روی نابرابری درآمد خانوار، نقش داشته است. این اثر که بین سال‌های ۲۰۰۷- ۱۹۸۲ افزایش یافته است، منعکس‌کنندهٔ یک الگو از تغییر اشتغال زنان در سراسرخانوارها با درآمد پایین و بالای مردان می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات در درآمد زنان، نابرابری توزیع درآمد خانوار را کاهش داده است.

هارکنیس (۲۰۱۰)، به بررسی سهم اشتغال زنان و درآمد حاصل از آن در نابرابری درآمد خانوار در کشورهای OECD پرداخته است. وی بیان می‌کند در تمام کشورها علی‌رغم شکاف‌های زیاد اشتغال بین زنان تحصیل‌کرده در سطح بالا و در سطح پایین، درآمدهای زنان، قدرت یکسانی بر توزیع درآمد اعمال می‌کند. همچنین، برای همهٔ کشورها، بالابردن اشتغال زنان و کاهش نابرابری اشتغال بین زنان می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر کاهش نابرابری درآمدهای خانوارها و تأثیر به مراتب بزرگتر نسبت به کاهش شکاف جنسیتی دستمزد بگذارد.

خانی (۱۳۷۵)، در رسالهٔ دکترای خود تحت عنوان"نقش اشتغال در فرآیند توسعهٔ روستایی (مطالعهٔ موردی استان گیلان)"، به این نتیجه رسیده است که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر نحوهٔ مشارکت اقتصادی زنان روستایی در سال‌های اخیر، بیکاری و مدرنیزاسیون در مناطق روستایی بوده است، اگرچه اشتغال زنان تحت تأثیر شرایط کشت و زرع و نیاز فصلی به نیروی کار قرار دارد، لیکن از جنبه‌های اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی جامعه نیز متأثر می‌گردد. به‌طوری‌که فقر خانوارها نیاز به مشارکت زنان در نیروی کار را تشدید نموده و از سوی دیگر، با کنار رفتن الزامات اقتصادی از مشارکت آنان در بازار کار کشاورزی کاسته می‌شود.

ابونوری (۱۳۷۶)، سه طریق مهم برای بررسی آثار شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد متصور است: الف) تغییرات در سهم درآمد عوامل تولید به دلیل نوسانات سطح فعالیت‌های اقتصادی در سری زمانی؛ ب) تغییرات در سطح بیکاری؛ ج) تغییرات در سطح تورم (تغییرات نسبی قیمت‌ها). نتایج این مطالعه نشان می‌دهد نسبت عوامل اشتغال و بهره‌وری کار، آثار کاهشی بر سطح نابرابری داشته است ولی عوامل تورم، سهم نسبی درآمد شخصی از تولید ناخالص داخلی، متوسط کل مالیات‌های دریافتی از هر خانوار و هزینهٔ دولت برای هر خانوار، آثار افزایشی بر آن داشته‌اند.

شیبانی و افشاری (۱۳۸۰) با استفاده از روش داده- ستانده، به محاسبهٔ ضریب اشتغال زنان در بخش‌های مختلف اقتصاد، در دو بخش دولتی و خصوصی و بر پایهٔ میزان سواد و

مهارت پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تداوم فرآیند خصوصی‌سازی در ایجاد شغل برای زنان با تحصیلات عالی محدود است، اما اثر آن در ایجاد شغل برای زنان دارای آموزش متوسط و پایین‌تر، مثبت است؛ به‌گونه‌ای که زنان بی‌سواد در بخش صنعت (منسوجات)، زنان با تحصیلات متوسط در بخش بهداشت، و زنان دانش‌آموخته در دو بخش آموزش عالی و آموزش و بهداشت دارای بالاترین ضریب اشتغال‌اند.

صادقی و عمادزاده (۱۳۸۳) با بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان ایران در دورهٔ ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۰ نشان می‌دهند افزایش تحصیلات عالی، احتمال یافتن شغل در بازار کار را برای زنان بالا می‌برد؛ یعنی افزایش تولید ناخالص داخلی و حجم سرمایه‌گذاری، سهم اشتغال زنان در بازار کار را افزایش خواهد داد.

جرجرزاده و اقبالی (۱۳۸۴)، به بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران طی سال‌های ۱۹۶۸-۲۰۰۲ پرداخته‌اند. شاخص مورد استفاده آنها در توزیع درآمد، ضریب جینی است. نتایج به‌دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی سبب نابرابرتر شدن توزیع درآمد در کل کشور و در فضای شهری می‌گردد. اما در مورد این تأثیر در فضای روستایی به صراحت نمی‌توان اظهار نظر نمود.

مهدوی عادلی و رنجبرکی (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای به بررسی چگونگی تعامل دو شاخص توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ابعاد مختلف اقتصادی در ابعاد مختلف نظری و تجربی در ایران طی دورهٔ ۱۹۶۸- ۲۰۰۲ پرداخته‌اند. بررسی نحوهٔ تعامل این دو متغیر طی دورهٔ بیان شده، نشان می‌دهد که فرضیهٔ کوزنتس در این دوره در ایران صادق نیست و رابطهٔ هم‌گرایی بلندمدت مثبت، میان رشد اقتصادی و شاخص توزیع نابرابر درآمد (ضریب جینی) وجود دارد؛ همچنین، آزمون علیت گرنجری بین دو متغیر نشان‌دهندهٔ وجود تأثیری متقابل و دوطرفه بین آنهاست.

داودی و براتی (۱۳۸۶)، به بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از یک شبیه‌سازی خرد برای یک مدل اقتصادکلان‌سنجی اقدام نموده‌اند. نتایج به‌دست آمده از این مدل‌سازی کلان به خرد نشانگر این است که سیاست‌گذاری‌های دولتی به شدت در بهبود تضعیف نظام توزیع درآمد مؤثر است. کفایی درستکار (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر آموزش رسمی بر توزیع درآمد ایران پرداخته‌اند. در این مطالعه، رابطهٔ بین متغیرهای آموزشی (میانگین و انحراف معیار سواد در جامعه) و توزیع درآمد در طی دورهٔ ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۱ مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که افزایش سطح سواد باعث بهبود توزیع درآمد می‌گردد، ولی تشدید پراکندگی سواد، توزیع درآمد را بدتر می‌کند.

صباحی و همکاران (۱۳۸۹)، در مقالهٔ خود، تأثیر بهره‌وری نیروی کار بر توزیع درآمد کشورهای منتخب در حال توسعه را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج به‌دست آمده از تخمین الگوی تحقیق نشان می‌دهد افزایش تورم و رشد اقتصادی موجب نابرابرتر شدن توزیع درآمد می‌شود. همچنین، رشد بهره‌وری نیروی کار و درآمد مالیاتی و مخارج مصرفی دولت، توزیع درآمد را برابرتر می‌کند.

صیدایی و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۸۹- ۱۳۳۵پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هر چند نرخ بیکاری در برخی استان‌ها کاهش محسوسی را نشان داده، ولی با این حال نرخ بیکاری در کشور، رقم بالایی را

نسبت به کشورهای توسعه‌یافته و بیشتر کشورهای در حال توسعه دارد و دلیل آن رشد روزافزون جمعیت و افزایش عرضهٔ نیروی کار و همچنین پایین بودن ظرفیت‌های تولید می‌باشد.

معرفی مدل

مطالعهٔ آثار متغیرهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد از چند دههٔ گذشته آغاز شده است. اگرچه توزیع درآمد و فقر به صورت سنتی در چارچوب اقتصاد خرد جای می‌گیرند، اما امروزه به‌طور وسیعی در مباحث اقتصاد کلان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند (ابونوری و خوشکار، ۱۳۸۵). عوامل زیادی از جمله بهره‌وری نیروی کار و نرخ اشتغال بر نحوهٔ توزیع درآمد مؤثر می‌باشد و هدف این تحقیق، شناسایی تأثیر نرخ اشتغال زنان بر توزیع درآمد است. متغیرهای تورم و تولید ناخالص ملی سرانه به علت نقش آنها در درآمد خانوار، از دیگر متغیرهای مهم تأثیرگذار بر توزیع عادلانهٔ درآمد می‌باشند که در الگوی زیر به‌عنوان متغیرهای توضیحی وارد مدل شده‌اند. همچنین، از آنجاکه یکی از وظایف اصلی دولت برقراری توزیع عادلانهٔ درآمد می‌باشد، اثر مخارج دولت و همچنین درآمدهای مالیاتی دولت بر ضریب جینی در نظر گرفته شده است.

بر اساس مطالعه صباحی و همکاران (۱۳۸۹)، مدل زیر به‌منظور بررسی اثر اشتغال زنان بر توزیع درآمد استفاده شده است.

$$G = f(GDP, CPI, Female, Tax, GJ)$$

G: شاخص نابرابری درآمد (ضریب جینی) GDP: تولید ناخالص داخلی سرانه
CPI: نرخ تورم Female: نیروی کار زنان بالای ۱۵ سال
Tax: درآمد مالیاتی دولت GJ: مخارج مصرفی دولت

اطلاعات و آمار مورد استفاده در این تحقیق از آمار و اطلاعات بانک جهانی و بانک مرکزی ایران استخراج شده است. به علت محدود بودن اطلاعات آماری، دورهٔ زمانی ۱۳۷۰-۱۳۸۷ در نظر گرفته شده است.

روش تحقیق و معرفی مدل

❖ روش خودرگرسیون برداری

رهیافت خود رگرسیون برداری دارای گرایش داده‌ای است. در ابتدا از طریق داده‌ها مدل تصریح می‌شود؛ به‌طوری‌که متغیرهای درونزا[1] در قالب وقفه‌های خود بیان می‌شود. اولین قدم در توسعهٔ یک مدل (VAR)، انتخاب متغیرهای کلان اقتصادی لازم برای تحلیل می‌باشد. به عقیدهٔ سیمز فارغ از مسائل مربوط به درونزا یا برونزا[2] فرض کردن متغیرهای کلان، می‌توان سیستمی را طراحی کرد که پیش‌بینی بهتری از متغیرهای کلان به‌دست دهد. بر مبنای این روش، طبقهٔ متغیرهای برون‌زا وجود نداشته؛ فقط یک مجموعه معادلات به شکل خلاصه‌شده با وقفه‌های مساوی برای همهٔ متغیرها تخمین زده می‌شود.

1. Endogenous
2. Exogenous

برای تعیین وقفه‌ها از معیار شوارز- بیزین استفاده شده است، زیرا با توجه به کم بودن سال‌های مورد بررسی، این معیار کمترین تعداد وقفه‌ها را پیشنهاد می‌کند در حالی که معیار آکائیک بیشترین تعداد وقفه‌ها را پیشنهاد می‌کند و معیار حنان- کوئین معمولاً تعداد وقفه‌ها را حد وسط این دو تعیین می‌کند. در وقفهٔ بهینه، این معیارها در حداکثر خود می‌باشند (نوفرستی، ۱۳۷۸)

آزمون پایایی[1]

مدل‌سازی اقتصادسنجی با استفاده از سری‌های زمانی، روش‌های سنتی و معمول، مبتنی بر فرض ایستایی متغیرهای سری زمانی مدل است. حال چنانچه متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در برآورد پارامترهای مدل ناایستا باشند، احتمال اینکه رگرسیون به‌دست آمده کاذب باشد، بسیار بالا می‌باشد که در این‌صورت استفاده از آمارهای t و F گمراه‌کننده خواهد بود.

آزمون ریشه واحد[2] جهت تعیین پایایی

آزمون ریشهٔ واحد، یکی از معمول‌ترین آزمون‌هایی است که امروزه برای تشخیص پایایی یک فرایند سری زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. جهت انجام این آزمون از آزمون ریشه واحد دیکی- فولر تعمیم یافته (ADF)[3] استفاده می‌کنیم. در این قسمت برای اطمینان از ایستایی و یا ناایستایی متغیرهای مورد استفاده در مدل مورد نظر، کلیهٔ متغیرهای استفاده‌شده براساس آزمون دیکی – فولر تعمیم‌یافته مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر قدر مطلق آمارهٔ محاسبه‌شده از قدر مطلق مقدار بحرانی ارائه‌شده توسط مک کینون بزرگتر باشد، آنگاه فرضیه H_0 رد می‌شود، یعنی سری زمانی پایاست (به عبارت دیگر، پایا بودن سری زمانی را نمی‌توان رد کرد). چنانچه سری زمانی، در سطح پایا نباشد، آزمون ADF به همان روش بالا روی تفاضل مرتبهٔ اول آن صورت می‌گیرد. باز هم اگر سری زمانی پایا نشد از آن تفاضل مرتبه بالاتر گرفته تا وقتی پایا شود.

هم‌انباشتگی

این تمایل در اغلب سری‌های زمانی اقتصاد کلان وجود دارد که هم‌جهت با یکدیگر حرکت کنند. علت این امر وجود روندی است که در تمامی آنها مشترک است. چنانچه متغیرهای سری زمانی که ناپایا هستند، در برآورد ضرایب الگوئی مورد استفاده قرار گیرند، ممکن است نتیجه به یک رگرسیون کاذب بیانجامد. زیرا در متغیرهائی که از روند برخوردارند این گرایش دیده می‌شود که حتی در مواردی که رابطهٔ اقتصادی معنی‌داری بین آنها وجود ندارد همبستگی شدیدی را نشان دهند.

1. Stationary test
2. Unit Root test
3. Augmented Dickey- Fuller

آزمون همگرایی جوهانسن[1]

در این مطالعه، از روش جوهانسن جوسلیوس برای یافتن رابطهٔ بلندمدت بین متغیرهای موجود در مدل استفاده شده است. قبل از انجام روش هم‌جمعی جوهانسون باید با انجام آزمون ریشه واحد به درجهٔ هم‌جمعی متغیرها پی‌برد و اطمینان حاصل کرد که متغیرهای مدل حداکثر (I_1) هستند. برای برآورد مدل هم‌انباشتگی جوهانسون، ابتدا باید فرضیهٔ بهینهٔ متغیرهای موردنظر ارائه شود. برای تعیین وقفهٔ بهینهٔ مدل مربوط، ابتدا باید مدل خود همبستگی برداری را برآورد نموده و وقفهٔ بهینهٔ آن مدل را به‌عنوان وقفهٔ بهینهٔ مدل جوهانسون انتخاب کرد. بعد از تعیین وقفهٔ بهینهٔ باید مدل جوهانسون را برای برآورد رابطهٔ بلندمدت به‌کار گرفت. برای انجام هم‌انباشتگی جوهانسون از آزمون‌های حداکثر مقدار ویژه استفاده می‌شود. پس از تشخیص تعداد بردارهای هم‌انباستگی با استفاده از آزمون‌های مذکور، بردارهای معمولی و نرمال استخراج می‌شوند. با استفاده از دو آمارهٔ بزرگترین مقدار ویژه و آزمون اثر، وجود هم‌انباشتگی و تعداد روابط هم‌انباشتگی، تعیین می‌گردد. اگر آماره‌های آزمون مربوط به این متغیرها از مقادیر بحرانی در سطح پنج‌درصد بیشتر باشد، فرضیهٔ Ho رد می‌شود. به این ترتیب، تعداد بردارهای هم انباشتگی[2] به دست می‌آید.

نتایج آزمون‌های روش خودرگرسیون برداری

نتایج آزمون دیکی- فولر تعمیم‌یافته جهت بررسی پایایی داده‌های آماری، گویای آن هست که داده‌های آماری مورد استفاده در پژوهش حاضر، همگی با یک تفاضل، پایا می‌باشند. از مهم‌ترین گام‌های روش خودرگرسیون برداری، تعیین تعداد وقفهٔ بهینه می‌باشد که در مدل مورد مطالعهٔ حاضر، با توجه به معیار شوارتز، تعداد وقفهٔ بهینهٔ مدل مورد نظر، ۱ می‌باشد. بعد از آزمون پایایی داده‌ها و تعیین تعداد وقفهٔ بهینهٔ مدل، با استفاده از آزمون همگرایی جوهانسون، به بررسی تعداد بردارهای هم‌انباشتگی و تعیین بردارهایی که بتوانند به واقعیت متغیرهای کلان اقتصادی در ایران نزدیکتر باشند، پرداخته شده است.

$$G = 0.421 + 0.0043\ GDP + 0.456\ CPI - 0.0032\ Female - 0.306\ Tax - 0.104\ GJ$$

ضرایب بردارد همگرایی بین متغیرهای مدل مورد مطالعه، نشان می‌دهد افزایش اشتغال زنان، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و افزایش مخارج مصرفی دولت، باعث کاهش ضریب جینی و در واقع کاهش توزیع ناعادلانه درآمد می‌شود. همچنین، نتایج نشان می‌دهد افزایش تورم و افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه موجب افزایش ضریب جینی و ناعادلانه‌تر شدن توزیع درآمد می‌شود. در حقیقت با توجه به افزایش زنان تحصیل‌کرده در جامعهٔ ایران، از طریق افزایش ایجاد فرصت اشتغال برای زنان، می‌توانیم شاهد عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد در جامعه و افزایش سطح رفاه عمومی جامعه باشیم.

1. Cointigration Vector
2. Johnsen

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

توزیع درآمد در اقتصاد که به‌معنای تقسیم درآمد ملی بین گروه‌ها، طبقات اجتماعی و بخش‌های اقتصادی است، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر عدالت اجتماعی محسوب می‌شود. در مقالهٔ حاضر، با توجه به اهمیت حضور زنان در مسیر توسعه‌یافتگی کشور و افزایش حضور زنان تحصیل‌کرده در جامعهٔ ایران، تأثیر افزایش اشتغال زنان بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران را مورد بررسی قرار داده‌ایم. به همین منظور، از مدل مناسبی برای ضریب جینی به عنوان متداول‌ترین شاخص نابرابری درآمد استفاده شده و با بهره‌گیری از روش خودرگرسیون برداری (VAR) به بررسی اثر اشتغال زنان بر ضریب جینی در ایران برای دورهٔ ۱۳۷۰-۱۳۸۷ پرداخته شد. نتایج برآورد مدل، نشان می‌دهد افزایش اشتغال زنان، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و افزایش مخارج مصرفی دولت، باعث کاهش ضریب جینی و در واقع کاهش توزیع ناعادلانه درآمد می‌شود. همچنین، نتایج نشان می‌دهد افزایش تورم و افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه موجب افزایش ضریب جینی و ناعادلانه‌تر شدن توزیع درآمد می‌شود. در حقیقت با توجه به افزایش زنان تحصیل‌کرده در جامعهٔ ایران، از طریق افزایش ایجاد فرصت اشتغال برای زنان، می‌توانیم شاهد عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد در جامعه و افزایش سطح رفاه عمومی جامعه باشیم.

منابع

تودارو، مایکل (۱۳۸۳)، توسعهٔ اقتصادی در جهان سوم، ترجمه: غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات کوهسار، چاپ سیزدهم.

خانی، فصیله (۱۳۷۵)، "جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرآیند توسعهٔ روستایی (مطالعهٔ موردی: استان گیلان)، رسالهٔ دورهٔ دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس.

داودی، پرویز و محمد علی براتی (۱۳۸۶)، "بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران"، فصل‌نامهٔ پژوهش‌نامهٔ بازرگانی، سال یازدهم، شمارهٔ ۴۳، صفحات ۳۲۲- ۲۸۳.

صادقی، مسعود و عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۳)، "تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان ایران، پژوهش زنان، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۱.

صباحی، احمد و دهقان شبانی، زهرا و شهنازی، روح الله (۱۳۸۹)، " تأثیر بهره‌وری نیروی کار بر توزیع درآمد (مطالعهٔ موردی در کشورهای منتخب"، مجلهٔ دانش و توسعه، سال هجدهم، شمارهٔ ۳۱، ص ۱۴۲-۱۱۹.

صیدایی، سید اسکندر، عیسی بهاری و زارعی، امیر (۱۳۹۰)، " بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۸۹- ۱۳۳۵"، مجلهٔ راهبرد یاس، شمارهٔ ۲۵، صفحات ۲۴۷- ۲۱۶.

کفایی، سید محمد علی و درستکار، عزت‌اله (۱۳۸۶)، "تأثیر آموزش رسمی بر توزیع درآمد ایران"، فصل‌نامهٔ پژوهش‌های اقتصادی ایران"، سال نهم، شمارهٔ ۳۰، صفحات ۷۶- ۵۳.

Abonoori, E. (۱۹۹۷), “Effect of Macroeconomic Index on Income Distribution”, Journal of Economic Research, No 51 (in Persian).

Abonoori, E., Khoshkar,A. (۲۰۰۶), "Effect of Macroeconomic Index on Income Distribution: Inter-Province Study", Journal of Economic Research, No ۷۷ (in Persian).

Blejer M. I. & I. Guerrero. (1990). "The Impact of Macroeconomic Policies on Income Distribution: An Empirical Study of the Philippines. the Review of Economics and Statistics", Published by: The MIT Press, 72(3): 414-423.

Ghanbari Arani, A., Aghaei, M. and Rezagholizadeh, M. (2011), "Investigation of the Effect of Financial Development on Income Distribution in Iran", Economic Research Review, spring, 11(40), pp1-30.

Chu, K.Y., H. Davoodi & S. Gupta. (2000). "Income Distribution and Tax and Government Social Spending Policies in Developing Countries".IMF Working Paper, Mar. WP/00/62.

Hoover, Gary, Wallace, Geoffrey (۲۰۰۳). "Examining the Relationship between the Poverty Rate and Economic Conditions: A Comparison of the۱۹۸۰s and ۱۹۹۰s", Working Paper. University of Alabama.

Iceland, J., L. Kenworthy and M. Scopilliti (۲۰۰۵), "Macroeconomic Performance and Poverty in the ۱۹۸۰s and ۱۹۹۰s: A State-Level Analysis", IRP Discussion Papers and Reprints, Also See: www.u.arizona.edu.

Jerjerzadeh,A., Eghbali, A.(۲۰۰۵). "Effect of oil revenue on Income Distribution in Iran ".Journal of Social Welfare, No ۴ (in Persian).

Khodadad Kashi F. and Heydari K.H. (2009), "Income Distribution In Iran's Economy, Application of Gini Coefficient, Theil and Atkinson Indices", Economic Research Review, 4, pp 151-179

Mahdavei Adeli, MH., Ranjbaraki,a. (۲۰۰۵). "Long Run Relation between Economic Growth and Income Distribution in Iran", Economic Research reviews Quarterly, No ۱۸ (in Persian).

Nolan, B. (۱۹۸۸), "Macroeconomic Conditions and the Size Distribution of Income: Evidence from the United Kingdom", Journal of Post Keynesian Economics, Vol. ۱۱, No. ۲, PP. ۱۹۶–۲۲۱.

Sarel, M. (۱۹۹۷), "How Macroeconomic Factors Affect Income Distribution: the Cross-Country Evidence", IMF Working Paper, No.۹۷/۱۵۲, Washington, International Monetary Fund.

Harkness, Susan (2010), "The contribution of Women's Employment and Earnings to Household Income Inequality: A Cross-Country Analysis", Luxembourg Income Study Working Paper Series, Working Paper No. 531, PP 1- 46

Austen, Siobhan & Gerry, Remond (2010), "Male Earnings Inequality, Women`s Employment and Family Income Inequality in AUSTRALIA, 1982 – 2007", 31st General Conference of the International Association for Research in Income and Wealth, St-Gllen, Switzerland, 22-28 August, 2010

بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی و راهنمایی شغلی بر افزایش رفتار کاریابی زنان جویای کار استان کرمانشاه

شیما همایی[1]

چکیده

هدف مقالهٔ حاضر بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی و راهنمایی شغلی بر افزایش رفتار کاریابی زنان جویای کار در کرمانشاه بوده است. در این مقاله که مستخرج از تحقیقی تجربی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و گروه گواه است، از بین زنان بیکار مراجعه‌کننده به مرکز فنی حرفه‌ای خواهران کرمانشاه ۴۲ نفر به شیوهٔ تصادفی انتخاب شده و در سه گروه (دو گروه آزمایش و یک گروه گواه هرکدام ۱۴ نفر) جایگزین شدند. گروه اول تحت آموزش راهنمایی شغلی و گروه دوم تحت آموزش کارآفرینی قرار گرفتند و گروه گواه هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. (نتایج با استفاده از تحلیل مانوا) حاکی از آن بود که هر دو شیوهٔ آموزشی، رفتار کاریابی زنان جویای کار کرمانشاه را در مقایسه با گروه گواه افزایش داده است. همچنین، بین دو شیوهٔ آموزشی تفاوت معناداری وجود نداشته و فراگیری این مهارت‌های آموزشی رفتار کاریابی آنها را افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی: آموزش کارآفرینی، راهنمایی شغلی، رفتار کاریابی، زنان جویای کار.

---

۱. کارشناسی معماری، دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری (مربی مرکز فنی حرفه‌ای شمارهٔ ۳ خواهران کرمانشاه)،
Email: homaeework@yahoo.com

مقدمه

یکی از مباحث اساسی در جوامع امروز اشتغال و در پی آن کاریابی است. بیکاری پدیده‌ای اجتماعی در جهان امروز است که در اکثر کشورهای جهان مشاهده می‌شود. این پدیده باعث مشکلات اجتماعی مختلفی مانند رواج فقر و شرایط سخت زندگی در کشور و بروز بیماری‌های جسمی و روانی در افراد جامعه می‌گردد. (اردهه و ابراهیمیان، ۱۳۸۳).

در حالی که کشور ما با رشد قابل توجه عرضهٔ نیروی کار جوان از سویی و رشد ناچیز تقاضای نیروی کار از سوی دیگر مواجه است، عمق مشکلات جوانان تا آنجا افزایش یافته که در مورد ادامهٔ صعودی بودن روند نرخ بیکاری دختران، فعالان عرصهٔ اشتغال کشور مناسب نبودن فضای کسب و کار کشور، نوع نگاه جامعه به زنان، فراهم نبودن فرصت‌های شغلی برای دختران و در نتیجه جذب نشدن دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی به فرصت‌های شغلی را عوامل افزایش بیکاری عنوان می‌کنند، (هفته‌نامه آسمان، شمارهٔ ۱۱).

همچنین، افزایش نرخ بیکاری زنان جوان طی سال‌های اخیر به بالاترین میزان رسیده است، یعنی ۳۹/۵ درصد در مقابل مردان که ۲۵/۸ درصد بوده است. (خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)/ کد خبر ۸۰۳۹۲۶۴۷)

در فضای کنونی، کاریابی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که افراد در مقاطع تحصیلی مختلف و با وضعیت‌های اجتماعی ـ اقتصادی متفاوت درگیر آن هستند. در این‌میان، به نظر می‌رسد که در کشور ما با وجود اینکه جویندگان کار بسیار زیادند، اما مهارت‌های کاریابی و جستجوی شغل کمتر مورد توجه است و نگرش و باور غالب افراد جامعه را کمبود فرصت‌های شغلی تشکیل می‌دهد. این امر باعث‌شده که جویندگان کار کمتر به سمت فراگیری مهارت‌های کاریابی رفته و از روش‌های منفعلی برای جستجو استفاده کنند.

مطالعات متعدد نشان می‌دهد که رفتار کاریابی[1] به‌طور معناداری با موفقیت شغلی مرتبط بوده و وجود چندین سابقهٔ کاریابی به‌طور معناداری با موفقیت شغلی مرتبط می‌باشد. (ساکس[2] وآشفورت[3]، ۱۹۹۹)

با توجه به تحول‌های چشمگیری که بعد از دههٔ ۱۹۷۰ در جوامع بین‌المللی برای احقاق حقوق زنان صورت گرفته است، اما هنوز هم زنان با موانعی برای ورود به دنیای کار مواجه هستند. برخی از این موانع مربوط به نگرش‌های سوگیرانه در محیط کار نسبت به زنان است. اما با این حال برخی از زنان امروزه ورای نقش‌های سنتی و قالبی در جامعه می‌نگرند و خواهان مشاغل غیرسنتی می‌باشند، ولی برای احراز این مشاغل با مشکلاتی دست به گریبانند. یکی از مهم‌ترین مشکلات و موانع موجود، عدم مهارت در کاریابی است. به‌طور مسلم زنان نیز مانند دیگر جویندگان کار به برخی از مهارت‌های کاریابی نیازمندند که راهگشای آنها به دنیای مشاغل خواهد بود. (زونکر[4]، ۱۹۹۴)

1. Job search behavior
2. Saks
3. Ashforth
4. Zunker

راهنمایی شغلی نقش‌محوری در کارآمدی بازارکار دارد، زیرا به فرد کمک می‌کند بهتر خود را بشناسد و از نیازهای جامعه و مشاغل گوناگون آگاهی یابد، از شرایط احراز آنها مطلع شده و در انجام امور شغلی خود تواناتر گردد. همچنین راهنمایی شغلی می‌تواند برابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی را تسهیل نماید و نه تنها نقش مهمی در کارآمدتر کردن بازار کار دارد، بلکه در مبارزه با محرومیت‌های اجتماعی نیز مؤثر است. از طرفی، کارآفرینان و نیروی کار می‌توانند از این خدمات در جهت کارآفرینی و برخورداری از مهارت‌های مورد نیاز بازار کار بهره‌مند گردند. (اردهه و ابراهیمیان، ۱۳۸۳).

با توجه به آنچه گفته شد راهنمایی شغلی برای افزایش اشتغال به کار بیکاران نقش اساسی پیدا می‌کند، از این‌رو، در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف برنامه‌های مشاورهٔ شغلی برای غلبه بر بیکاری اجرا می‌شود. به عنوان مثال، در بلژیک کلوپ‌های شغلی[1]، در آلمان نشست‌های شغلی، در اسپانیا کارگاه‌های تحصیلی شغلی[2]و در انگلستان دوره‌های شاگردی[3](فتوریست[4]، ۱۹۹۵).

موضوع آموزش و تعلیم کارآفرینی نیز در سال‌های اخیر مورد توجه فراوانی قرار گرفته است و تحقیقات در این زمینه در حال رشد است. در واقع فعالیت‌های کارآفرینانه باعث شناخت نیازها، خلق ایده‌ها و تولید فناوری‌ها می‌شود، با کارآفرینی است که نیازها شناخته می‌شوند و با رفع نیازها پیشرفت حاصل می‌شود.

نتایج مطالعات در زمینهٔ کارآفرینی نشان می‌دهد که در بیشتر کشورها کارآفرینی یکی از متداول‌ترین راه‌حل‌ها برای غلبهٔ بر بیکاری است. در بسیاری از کشورها نیز آنچه باعث تحریک زنان برای کارآفرین شدن می‌شود، رویدادهای بیرونی به‌نام بیکاری است و آموزش کارآفرینی برای غلبه بر بیکاری و افزایش مهارت‌های زنان برای کارآفرین شدن از برنامه‌های مهم دولت است (کنز [5]، ۲۰۰۳)

با توجه به مطالب یادشده و تحقیقات به‌عمل آمده در زمینهٔ کاریابی و کارآفرینی به نظر می‌رسد مهارت‌های کاریابی و کارآفرینی قابل آموزش است. اما از آنجا که تحقیقات کمتری در مورد مسائل زنان و آموزش آنها برای غلبه بر بیکاری صورت گرفته و از طرفی هیچ مطالعه‌ای در ایران در مورد آموزش مهارت‌های کاریابی صورت نگرفته و آموزش کارآفرینی نیز در ابتدای راه خود می‌باشد. هدف این تحقیق بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی و راهنمایی شغلی بر افزایش رفتار کاریابی زنان جویای کار کرمانشاه می‌باشد. بدین منظور، این سؤال مطرح می‌باشد که آیا راهنمایی شغلی و فراگیری مهارتهای کارآفرینی بر توانمندسازی (فردی، شغلی و حرفه‌ای) زنان جویای کار استان کرمانشاه بر افزایش رفتار کاریابی آنان در جهت اشتغال‌زایی تأثیر دارد؟

1. Job Club
2. School Workshops
3. Apprenticeships
4. Fturist
5. Katz

روش‌شناسی

روش پژوهش

این پژوهش، پژوهشی تجربی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و گروه گواه بوده که در آن افراد به شیوهٔ تصادفی انتخاب شده و در دو گروه آزمایش و یک گروه گواه جایگزین شدند، به‌طوری که هر یک از گروه‌های آزمایش۱۴ عضو و گروه گواه نیز شامل۱۴ عضو بود. در گروه اول متغیر مستقل راهنمایی شغلی و در گروه دوم متغیر مستقل آموزش کارآفرینی اعمال‌شده و در گروه گواه هیچ متغیر مستقلی اعمال نشد.

گروه مشاورهٔ شغلی در ۵ جلسه به مدت ۲ ساعت جمعاً ۱۰ ساعت مهارت‌های کاریابی را آموزش دیدند. فرمت این جلسات آموزشی بر اساس مدل راهنمایی شغلی آرولمانی[1] (۲۰۰۴) تهیه شد. عناوین جلسات آموزشی بدین شرح است:

جلسهٔ اول: معرفی اهداف دورهٔ آموزشی، معرفی افراد به یکدیگر و میزان انگیزهٔ آنها برای کار، توزیع کاربرگ شمارهٔ ۱ نگرش تجاری داشتن.

جلسهٔ دوم: تعریف استعداد، انواع استعداد،گرایش‌ها و تمایلات شخصی، توزیع کاربرگ شمارهٔ ۲.

جلسهٔ سوم: باورها و چگونگی شکل‌گیری آنها.

جلسهٔ چهارم: راه‌های شناخت دنیای کار، راهکارهای شغلی چیست؟ توزیع کاربرگ کار کردن برای خود یا برای دیگران.

جلسهٔ پنجم: رفتار کاریابی ، روش‌های جستجو ، نوشتن رزومه، مهارت مصاحبه، فعالیت گروهی معاملهٔ سیب.

گروه آموزش کارآفرینی نیز در۱۰ جلسه به مدت ۳ ساعت، جمعاً۳۰ ساعت فرآیند کارآفرینی را آموزش دیدند. فرمت این جلسات آموزشی بر اساس کتابچهٔ محتوای درسی KAB (همه‌چیز دربارهٔ کسب و کار) (سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، ۱۳۸۸) تهیه شد. عناوین جلسات آموزشی بدین شرح است:

جلسهٔ اول، جسارت در ایجاد کسب و کار: معرفی افراد، فعالیت یخشکنی، انواع مختلف بنگاه‌های کسب و کار، ویژگی افراد جسور در ایجاد کسب و کار. مهارت‌های خودمدیریتی، مهارت‌های تصمیم‌گیری .

جلسهٔ دوم، تعریف کارآفرینی: وظایف کارآفرین، منابع کارآفرینی، عادات کارآفرینانه، انگیزش ذهنی کارآفرینان.

جلسهٔ سوم، ریسک‌پذیری: تشریح وضعیت ریسک، انواع ریسک‌پذیران، ریسک‌پذیری سنجیده، طراحی و اجرایی کردن بهترین گزینهٔ انتخابی.

جلسهٔ چهارم، کارآفرینان که هستند: ارزیابی پتانسیل کارآفرینانه، شناسایی خصوصیات کارآفرینانه.

جلسهٔ پنجم، رهبری کارآفرینانه: سبک‌های رهبری.

---

1. Arulmany

جلسهٔ ششم، اصول مذاکره: فرآیند، مفاهیم، ماهیت و مهارت‌های مذاکره، تعیین هدف در گوش کردن.

جلسهٔ هفتم، مهارت‌های شنیداری کارآفرینانه: ایجاد و تقویت مهارت‌های عالی شنیداری، توصیه‌هایی برای ایجاد مهارت‌های عالی شنیداری.

جلسهٔ هشتم، اهمیت کارآفرینی در جامعه: خوداشتغالی، مزایا و معایب خود اشتغالی.

جلسهٔ نهم، دلایل انتخاب کسب و کار: نقاط قوت و ضعف بنگاه‌های کوچک، تصمیم برای کارآفرین شدن.

جلسهٔ دهم، چگونه یک کسب و کار خوب پیدا کنم: خلاقیت و نوآوری، ایده‌سازی، شناسایی و ارزیابی فرصت‌های کسب و کار.

جامعهٔ آماری

جامعهٔ آماری پژوهش حاضر عبارتند از: مراجعه‌کنندگان زن جویای کار به مرکز آموزش فنی حرفه‌ای خواهران کرمانشاه، دارای مدارک دیپلم، فوق‌دیپلم، لیسانس و بالاتر ساکن در استان کرمانشاه که در دامنهٔ سنی ۲۰ تا ۴۵ سال قرار دارند.

نمونه و روش نمونه‌گیری

تعداد و حجم نمونه ۴۲ نفر بوده که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده و در سه گروه قرار گرفته‌اند.

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش، برای جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی تغییرات احتمالی، پرسش‌نامهٔ رفتار کاریابی تنظیم‌شده و مورد استفاده قرار گرفته است. این پرسش‌نامه دارای ۲۰ سؤال می‌باشد.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری spss استفاده شده است. روش آماری مورد استفاده در این تحقیق آمار توصیفی شامل جداول میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی (تحلیل مانوا) است.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار نمرات رفتار کاریابی در سه مرحلهٔ پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در دو گروه آزمایشی و گروه گواه در جدول ۱ ارائه‌شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات رفتار کاریابی در سه مرحله

منبع تغییر	متغیر وابسته	تعداد	گروه مشاوره شغلی		گروه کارآفرینی		گروه گواه	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف‌معیار
رفتار کاریابی	پیش‌آزمون	۱۴	۸۶/۷	۱۹/۳	۸۶/۵	۱۷/۴	۸۶/۸	۲۲/۳
	پس‌آزمون	۱۴	۱۰۲/۷	۱۵/۴	۹۶/۰۸	۱۴/۳	۸۳/۰۴	۱۸/۳
	پیگیری	۱۴	۱۰۴/۷	۱۳/۴	۱۰۱/۰۷	۱۷/۱۸	۸۱/۲۲	۱۵/۷

در این جدول نمرات سه گروه مورد مقایسه قرار گرفته و همانطور که در جدول مشهود است، میانگین نمرات هر سه گروه در پیش‌آزمون تقریباً مساوی است. میانگین نمرات گروه مشاورهٔ شغلی در مرحلهٔ پس‌آزمون و پیگیری افزایش داشته و نسبت به گروه کارآفرینی نیز بالاتر است. میانگین نمرات گروه کارآفرینی نیز در مرحلهٔ پس‌آزمون و پیگیری نسبت به گروه گواه افزایش داشته است. این در حالی است که میانگین نمرات رفتار کاریابی گروه گواه در مرحلهٔ پیگیری نسبت به دو مرحلهٔ قبل نیز کاهش داشته است.

جدول ۲. خلاصه نتایج تحلیل مانوا مربوط به گروه‌های آزمایشی و گروه گواه و نمرات رفتار کاریابی در پس‌آزمون و پیگیری

مرحله	مجموع مجذورات	درجهٔ آزادی	میانگین مجذورات	سطح معناداری	میزان تأثیر	توان آماری
پس‌آزمون	۲۰۱۴/۹۵	۲	۱۰۱۲/۵۴	۰/۰۰۳	۰/۲۳	۰/۹
پیگیری	۴۲۹/۴۹	۲	۲۰۳۵/۳	۰/۰۰۱	/۶	۱

خلاصهٔ نتایج تحلیل مانوا مربوط به گروه‌های آزمایشی و گروه گواه و نمرات رفتار کاریابی در جدول ۲ آمده است. با توجه به نتایج این جدول، تفاوت نمرات دو گروه آزمایش و گواه در مرحلهٔ پس‌آزمون (p = ۰/۰۰۳) و مرحلهٔ پیگیری (p = ۰/۰۰۱) معنادار است.

جدول ۳ – خلاصه نتایج مربوط به مقایسه‌های زوجی مربوط به رفتار کاریابی

مرحله	گروه	تفاوت میانگین‌ها	خطای مجاز	سطح معناداری
پس‌آزمون	آزمایش مشاوره شغلی ،کارآفرینی	۶/۴	۴/۵	۰/۱۸
	گواه	۱۷/۴	۴/۵	۰/۰۰۱
	آزمایش کارآفرینی، مشاورهٔ شغلی	-۶/۴	۴/۵	۰/۱۸
	گواه	۱۱/۹	۴/۵	۰/۰۲۳
پیگیری	آزمایش مشاورهٔ شغلی،کارآفرینی	۳/۷	۴/۳	۰/۶۲
	گواه	۱۹/۶	۴/۳	۰/۰۰۱
	آزمایش کارآفرینی، مشاورهٔ شغلی	-۳/۷	۴/۳	۰/۶۲
	گواه	۱۹/۶	۴/۳	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج مانوا تفاوت معناداری بین گروه آزمایش کارآفرینی و گواه مشاهده می‌شود. لذا، تأثیر آموزش کارآفرینی بر افزایش رفتار کاریابی زنان جویای کار تأیید می‌شود. پس‌آزمون (p = ۰/۰۲۳) و مرحلهٔ پیگیری (p =۰/۰۰۱). همچنین، با توجه به نتایج جدول ۳ مشاهده شد که در مرحلهٔ پس‌آزمون تفاوت معناداری بین گروه مشاورهٔ شغلی و گروه کارآفرینی وجود نداشته (p = ۰/۱۸) و در مرحلهٔ پیگیری نیز تفاوت معناداری وجود ندارد. (p = ۰/۶۲)

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها مشخص گردید که راهنمایی شغلی بر رفتار کاریابی مؤثر بوده است. این نتیجه با تحقیقات مشابه انجام‌گرفته همسو می‌باشد. مانند: استریت و امیلی[1](۱۹۹۸)، ساکس و آشفورت[2](۱۹۹۹) که هرکدام تأثیر آموزش را در افزایش رفتار کاریابی نشان داده‌اند.

در تحقیقات مربوط به کارآفرینی، نقش آن در کاهش بیکاری نشان داده شده است و از کارآفرینی به‌عنوان یکی از متداول‌ترین راه حل‌های بیکاری یاد شده است. (هیتی [3]، ۲۰۰۳، بادوی [4]و همکاران، ۱۹۹۸).

در جلسات آموزش کارآفرینی، ایجاد تفکر اشتغال‌زایی در افراد تحریک شده و برای ایجاد انگیزه، نمونه‌های افراد کارآفرین معرفی‌شده و مثال‌های متعددی از کارآفرینی به عنوان راه حل بیکاری یاد شده است. از آنجا که افراد در گروه کارآفرینی تکالیف خود را انجام می‌دادند و در ایده‌سازی نیز بسیار فعال بودند و در بازخوردها نیز احساس توانمندی خود را بیان داشته‌اند می‌توان گفت که، فعالیت آنها در کاریابی افزایش یافته و باورهای غالب دربارهٔ عدم وجود کار و شغل تعدیل شده است.

در گروه آزمایش اول، به شناخت علائق، استعدادها و باورهای شغلی و همچنین رفتار کاریابی و مهارت‌های ایجاد آمادگی شغلی پرداخته شده است. تکالیف در همان جلسات آموزشی توسط اعضاء انجام می‌شده است و در انجام تکالیف بسیار فعال بوده‌اند و نسبت به علائق و استعدادها و باورهای خود شناخت بیشتری پیدا کرده و افراد برای جستجو و شناخت مشاغل تشویق شده‌اند.

در گروه آزمایشی دوم، ایجاد تفکر کاریابی و اشتغال‌زایی برای خود و دیگران به‌جای شغل‌یابی، ایجاد انگیزه برای کارآفرینی، ایده‌سازی مورد تأکید قرار گرفته است و بیشتر اعضای این گروه که از سطح تحصیلات خوبی برخوردار بوده‌اند، تفکر کاریابی را پذیرفته و به تلاش و پیگیری برای کاریابی و تولید یک ایده برای شروع کار پرداختند. از آنجا که بیشتر فعالیت‌های کلاسی در قالب کارهای تیمی و گروهی صورت می‌گرفت، باعث آن شد که افراد افکار و باورهای منفی دربارهٔ نبود کار را کنار گذاشته و به فکر کار و خود اشتغالی برای خود و دیگران باشند. بنابراین، رفتار کاریابی هردو گروه افزایش داشته و تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشده است.

بنابراین، با توجه به تحقیقات انجام‌شده در زمینهٔ کاریابی و نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان گفت مهارت‌های کاریابی و کارآفرینی قابل آموزش بوده و مشاوران شغلی با آموزش این مهارت‌ها می‌توانند افراد جویای کار را هدایت و راهنمایی نمایند. آموزش‌های مذکور اثرات معنادار، مثبت و مؤثری بر افزایش رفتار کاریابی دانش‌آموختگان زن جویای کار استان کرمانشاه داشته و توسعه و ترویج این آموزش‌ها ضروری به نظر می‌رسد. گرچه برای بررسی رفتار کاریابی زنان جویای کار نیاز به مطالعات طولی (دراز مدت) می‌باشد. افراد جویای کار نیز می‌توانند با فراگیری این مهارت‌ها رفتار کاریابی خود را افزایش داده و به نتایج امیدوارتری دست یابند.

---

1. Street & Emily
2. Saks & Ashforth
3. Hitty
4. Badwey

پیشنهادهای مبتنی بر یافته‌ها

- ✓ با توجه به اینکه یافته‌های تحقیق نشان داد، آموزش‌های راهنمایی شغلی و مهارت‌های کارآفرینی بر توانمندسازی زنان جویای کار مؤثر می‌باشد. بنابراین، توصیه می‌شود که در جهت ارتقاء توانمندی زنان جویای کار و ایجاد اشتغال‌زایی و کارآفرینی، به تداوم این آموزش‌ها تأکید بیشتری نموده به‌طوری‌که زنان جویای کار به‌راحتی بتوانند از توانمندسازی فردی، اجتماعی و اقتصادی خود در راستای اشتغال‌زایی بهره‌مند شوند.
- ✓ با توجه به یافته‌های تحقیق و تأثیر متغیر «آموزش‌های راهنمایی شغلی» و «مهارت‌های کارآفرینی» بنابراین، توصیه می‌شود که به‌منظور افزایش اطلاعات فردی ـ شغلی، افرد جویای کار، به‌گونه‌ای تخصصی فعالیت نموده و در واقع، آموزش‌ها در جهت افزایش آگاهی‌ها و اطلاعات فردی ـ شغلی صورت گیرند یعنی آموزش‌ها به‌طور تخصصی انجام گیرد تا به افزایش آگاهی‌ها و اطلاعات فردی ـ شغلی بیانجامد و زنان جویای کار بتوانند با آگاهی‌های بیشتری به انتخاب شغل اقدام نمایند.
- ✓ با توجه به اینکه در این تحقیق مشخص گردید، آموزش‌های راهنمایی شغلی و مهارت‌های کارآفرینی بر توانمندسازی زنان جویای کار و ابعاد آن یعنی توانمندسازی فردی، توانمندسازی اجتماعی و توانمندسازی اقتصادی، بسیار مؤثر است. لذا، پیشنهاد می‌شود که استفاده و بهره‌مندی از آموزش‌های فوق در بین زنان جویای کار رواج یافته و امکاناتی را در اختیار این زنان قرار دهند تا بتوانند به انتخاب شغل بپردازند تا کارایی خود را در شغل مربوطه به نمایش بگذارند.

منابع

مقالهٔ فارسی: اردهه ، ح. و ابراهیمیان ،ش، (۱۳۸۳)، نقش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در راهنمایی و مشاورهٔ شغلی، مجلهٔ کار و جامعه، شمارهٔ ۵۷، ص ۴۱-۳۵.

کتاب فارسی: رافمن، بندات، ویلیام، سوکی نیک، دایان.(۱۳۸۱). برنامهٔ آمادگی شغلی، ترجمه فرجی، م. تهران: انتشارات رشد.

صابر، ف، (۱۳۸۲)، راه‌های توسعهٔ کارآفرینی زنان در ایران ، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

مرکز آموزش بین‌المللی تورین ایتالیا، سازمان جهانی کار ILO-ITC،(۱۳۸۸)، کتابچهٔ محتوای درسی (ویژهٔ فراگیران)، ترجمهٔ گروه مترجمین. تهران: مرکز تربیت مربی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.

Arelmani, G. & Arulmani, S. N. (2004). *Career counseling*. New Delhi: Tata, Mcgraw Hill Companies.

Badway, R.; Marccau, N.; Marchand, M. & Vigneault, M. (1998). *entrepreneurship*, asymmetric information and unemployment.

Futurist. (1995). Uptting Europe's youth to work . Academic search Premier, 29(5) .

Hytti, U. (2003). From unemployment to entrepreneurship: constructing different meanings .

Katz, g. A. (2003). the chronology and intellectual trajectory of America entrepreneurship education. Journal of business venturing, 18, 283-300

Saks, A. M. & Ashforth, B. E. (1999). Effects of individual Differences and job search behavior on the Employment statuse of recent university Graduates. Journal of vocational behavior, 54,355-349

Zunker, V. G. (1994). Career counseling. California: Brooks/ col publishing company.

بررسی تأثیرات آموزش مهارت‌های کسب و کار بر اشتغال زنان

الهه اکبری[1]
سیده ملیحه حسینی[2]

چکیده

امروزه افزایش فرصت‌های شغلی زنان از شاخص‌های مهم توسعهٔ اقتصادی است. در جوامع در حال توسعه، اشتغال زنان با موانع زیادی رو به رو است، بنابراین، آسیب‌شناسی بازار کار زنان منجر به شناسایی فرصت‌های رشد و از بین بردن این موانع می‌شود. آموزش‌های آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار بر توانمندسازی زنان جویای کار مؤثر بوده و منجر به افزایش توانمندی آنان شده است. این پژوهش که به‌صورت مروری بوده است به بررسی چالش‌ها و راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال زنان در جامعه پرداخته است. بدین‌منظور، ابتدا مروری بر تاریخچه و ضرورت اشتغال زنان داشته و در ادامه موانعی که بر سر راه کسب و کار زنان وجود دارد را مورد بررسی قرار داده است. سپس به نقش آموزش مهارت‌های کسب و کار به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر ارتقاء اشتغال زنان تأکید می‌شود و در پایان بر اساس یافته‌های این مطالعه، پیشنهادهایی در حوزهٔ راهکارهای بهبود مشارکت اقتصادی زنان ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: موانع کسب و کار زنان، ضرورت اشتغال زنان، نقش مهارت‌های کسب و کار در اشتغال زنان.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، Email:akbari366@yahoo.com
۲. کارشناسی ارشد علوم تربیتی، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی، Email:malihe_hosseini12@yahoo.com

مقدمه

اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات اساسی اقتصاد هر کشور است. به‌گونه‌ای که آمار اشتغال بالا و بیکاری پایین از جمله شاخص‌های مهم توسعه‌یافتگی جوامع به‌شمار می‌روند. در این راستا، امروزه در جوامع توسعه‌یافته مشارکت زنان در بازار کار امری معمول و متداول است. دولت‌ها با فراهم ساختن شرایط لازم و مناسب برای زنان و مردان، آنان را در مشارکت اقتصادی جامعه سهیم ساخته‌اند. همچنین، سهم اشتغال زنان برای بالا بردن نرخ تولید ناخالص داخلی کشورها برجسته شناخته شده است.

شاغل شدن زنان و کسب درآمد، قدرت تصمیم‌گیری آنان را در مسائل اساسی خانواده افزایش می‌دهد و هرم قدرت در چارچوب خانواده به‌صورت افقی درمی‌آید. بر طبق آخرین آمارهای منتشر شده، نرخ پایین فعالیت اقتصادی زنان به میزان ۱۴٫۵ درصد در سال ۸۸، منعکس‌کنندهٔ میزان اندک مشارکت اقتصادی زنان در مقایسه با مردان در جامعهٔ در حال توسعهٔ ایران است و با این وجود موانع بسیاری نیز در دسترسی اشتغال زنان وجود دارد. استفادهٔ بهینه از مهارت‌ها و توانایی‌های زنان در پیشرفت اقتصادی جامعه تأثیر به‌سزایی خواهد داشت. افزایش بهره‌وری نیروی کار زنان از طریق آموزش‌های مهارت‌زا، تسهیل دسترسی آنها به منابع مورد نیاز و دگرگونی در باورهای زنان نسبت به توانایی‌های خود، همگی تضمینی در جهت مشارکت سازنده‌تر و توزیع عادلانه‌تر منابع توسعه خواهد بود.

به‌طورکلی، می‌توان گفت که توسعهٔ هر کشوری در گرو به‌کارگیری صحیح عوامل مؤثر در آن است. زنان نیز به‌عنوان نیمی از منابع انسانی نه تنها موضوع توسعه هستند، بلکه اهرم مؤثری در پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌آیند. بنابراین، آموزش زنان سهم زیادی در توسعهٔ کشور خواهد داشت. (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۸۸)

تاریخچهٔ اشتغال زنان

اشتغال زنان به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعهٔ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شناخته می‌شود. اگرچه، بحث از اشتغال صرف نیست، زیرا زنان همواره در تهیهٔ خوراک و پرورش کودکان شاغل بوده‌اند، آنچه مهم است دستاوردهای ایشان از صرف انرژی و کار خود در فرایند توسعه است.

در دو قرن اخیر، جهان، شاهد پدیدهٔ اجتماعی ـ اقتصادی جدیدی به نام مشارکت زنان در بازار کار» بوده است. این رخداد، پیامد تغییر و تحوّلات اساسی در رویکردهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جوامع بشری به مسئلهٔ زنان و کار» بوده است.

در کل، دو سوم کارهای انجام‌شده در جهان را زنان ـ که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، به‌عهده دارند. چنانچه به استعدادهای بالقوّه این پتانسیل قوی ـ که انواع مختلف کارها را چه به‌صورت رسمی و چه غیررسمی انجام می‌دهند ـ ، توجّه شود، می‌تواند آن را به یکی از بزرگ‌ترین منابع سرمایه‌گذاری برای کشورهای در حال توسعه تبدیل کند.

مشارکت زنان ایرانی در بازار کار، صد سال بعد از حضور همتایانشان در جوامع صنعتی بوده است و این مشارکت، در طول سه دههٔ اخیر، با نوسان‌های شدیدی رو به رو شده است.

طبق آمارهای ارائه‌شده، نرخ مشارکت زنان در بازار کار کشورهای پیشرفتهٔ امریکای شمالی و کانادا، حدود پنجاه درصد است، در حالی که این عدد در کشورهای خاورمیانه، بین یازده تا سیزده درصد است. نرخ اشتغال زنان در ایران، بر اساس آمارهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، حدود یازده درصد و براساس برخی آمارهای غیررسمی، بالغ بر سیزده درصد است.

در بررسی عرصه‌های بین‌المللی، شاخص رفاه زنان را می‌توان از سطح آموزش، باروری و میانگین عمر آنان مشخّص نمود. آمارهای موجود در این زمینه، در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، نشانگر پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای بوده است؛ امّا در زمینهٔ مشارکت زنان در اقتصاد و ارتقاء توانمندی آنان در عرصه‌های سیاسی، شاهد حضور بسیار کم‌رنگ این کشورها در این زمینه بوده‌ایم. این امر را می‌توان به علّت وجود منابع سرشار نفتی و بالا بودن سطح درآمدِ غیر از حاصل کار دانست. رونق نفتی‌ای که در دههٔ ۱۹۷۰ میلادی در خاورمیانه به‌وقوع پیوست، موجب افزایش سریع دستمزدهای واقعی شد و افراد شاغل را قادر ساخت تا بتوانند مخارج بستگان غیرشاغل خود را تا اندازه‌ای تأمین نمایند؛ امّا در دههٔ ۱۹۸۰م، با شروع رکود اقتصادی و افزایش فشارهای اقتصادی بر خانوارها، اشتغال زنان در بیرون از منزل، ضرورت پیدا کرد. البته ذکر این نکته، دارای اهمیت است که زنان، همواره در کنار کار و اشتغال رسمی، به امور منزل نیز پرداخته‌اند و در قبال آن، هیچ‌گونه مزدی دریافت نکرده‌اند. لذا، این بخش از فعّالیت‌های آنان، در آمارهای رسمی به‌حساب نمی‌آید. (عمادزاده، ۱۳۸۲)

در گذشته در ایران نیز کوشش مربیان بیشتر این بود که دختران را فقط برای زندگی سالم خانوادگی آماده کنند و به کارهای علمی و فکری توجه لازم نمی‌شد. ورود زنان به بازار کار و صنعت و اشتغال در ایران یک قرن بعد از حضور گستردهٔ زنان غربی بود. زیرا ورود فناوری به ایران با این فاصله صورت گرفت. البته، سیر صعودی اشتغال زنان در ایران به کندی و آهسته پیش می‌رفت. زیرا شرایط برای تولید انبوه که با ساخت یا ورود فناوری ارتباط مستقیم دارد تا مدت‌ها مهیا نبود و بازار کار ظرفیت جذب نیروی کار زنان بیشتری را نداشت. در کشور ما گرایش زنان به اشتغال همگام با دسترسی بیشتر آنان به سازمان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) در طی مدت به نسبت کوتاه در اغلب شهرهای بزرگ شدت یافت. اما از آنجا که این امر با شتاب‌زدگی در میان برخی گروه‌ها مطرح گردید، در عین حال شرایط اجتماعی- فرهنگی جامعه در خیلی از موارد پویای متناسب با آن را نداشت. اشتغال زنان از سویی با مسائل حاد مواجه گردید و اختلاف عقیده را در میان توده‌های مختلف مردم موجب شد.

تغییرات بافت اقتصادی اشتغال زنان در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اشتغال زنان کشور توسعه نمی‌یابد، مگر اینکه فعالیت‌های صنعتی رشد و پیشرفت اقتصادی مناسبی پیدا کند. یعنی اگر در جستجوی این هستیم که زنان سهم جایگاه مناسبی در تولید کشور داشته باشند و به نرخ‌های مشارکت قابل توجهی دست پیدا کنند، باید فعالیت‌های کشور توسعه پیدا کند و متناسب با آن سهم زنان از مجموعه فعالیت‌های صنعتی افزایش یابد.

ضرورت تحقیق

کارشناسان اقتصادی و جامعه‌شناسان بر این عقیده هستند که در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینهٔ اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود، زیرا مشارکت زنان در بازار کار، موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه، سبب افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌شود.

اشتغال، سطح توانمندی زنان را ارتقاء می‌دهد. توانمندسازی، شامل افزایش توانایی شناختی، افزایش توانایی عاطفی و افزایش توانایی رفتارهای مبتنی بر شناخت و عاطفه است. (جواهری، سراج‌زاده، رحمانی، ۱۳۸۹) اشتغال زنان با ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساخت جامعه، نظام ارزش‌های سنتی، توزیع نقش‌ها و پایگاه‌های زن و مرد اهمیت به‌سزایی را در روابط خانوادگی، ثبات خانوادگی و از جمله کودکان بر جای گذاشته است.

- زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در امور زندگی خود برخودارند. بالا رفتن سن و سطح سواد زنان، قدرت تصمیم‌گیری زنان شاغل را افزایش می‌دهد.
- زنان شاغل بیش از زنان غیرشاغل از همکاری همسران خود در کارهای خانه برخوردارند.
- نرخ زاد و ولد در زنان شاغل کنترل‌شده‌تر از زنان غیرشاغل است.

تقسیم وظایف و نقش‌های افراد خانواده و تسخیر فضاهای اجتماعی توسط زنان منجر به دگرگونی خانواده شده و تعادل جدیدی در خانه و خانواده به وجود آورده است. (توسلی، رفیعی‌خوانی،۱۳۸۷) همچنین، موفقیت زنان در دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب، ویژگی‌های کار زنان و مشکلات فراروی آنها، لزوم توسعهٔ شغلی شایسته برای زنان، ایجاد امنیت و حیثیت انسانی، رعایت حقوق زنان در بازار کار و نقش آنان در خانواده و پرورش نیروی انسانی آینده، همچنین، کسب درآمد و مشارکت زنان در گروه‌های اجتماعی و کارورزی و ارتقاء توانمندی از جمله مسائل مهم در زندگی زنان است. (صالحی، ۱۳۸۹)

موانع و چالش‌های اشتغال زنان

زنان در کشورهای در حال توسعهٔ امید اول برای ارتقاء خانواده‌ها و رشد و توسعهٔ کشورهای خود هستند. اما در این کشورها موانع ساختاری متعددی از جمله فقدان سرمایه، منابع و قدرت اقتصادی وجود دارد. عدم تعادل موجود در نیروی بازار کار نشان می‌دهد که محدودیت‌های فرهنگی و ساختاری تأثیر قابل توجهی در کسب و کار و سرمایه‌گذاری زنان ایرانی دارد. موانعی نامرئی بر سر راه اشتغال زنان وجود دارد، از جمله نابرابری جنسیتی و تصور اینکه موفقیت از صفات مشخصه مردانه است.

تحقیقات نشان داده است که در سال‌های اخیر، افزایش نرخ بیکاری، موجب تقویت نگرش‌های جنسیتی در مسئولان و بازار کار جامعه شده است و با این تفکر که مردان نان‌آور خانواده هستند، اولویت دادن به مردان هنگام استخدام و اشتغال شدت گرفته است. جامعه‌شناسان معتقدند آموزش زنان بخشی از راه حل رفع مشکلات اصلی جامعه از قبیل فقر، بیکاری و فساد اجتماعی است و دسترسی برابر به آموز برای همه و به‌ویژه دختران و

زنان از اولویت زیربنایی برخوردار است. (شریفی، اسدی، رضایی، عادلی،۱۳۸۹) موانع اشتغال زنان را از ابعاد مختلف می‌توان بررسی کرد:

۱)بعد فردی: از جمله توانایی‌های شخصیتی، نرخ باروری، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات که با اشتغال زنان رابطهٔ متقابل دارند.

۲)بعد اجتماعی: هنجارهای رایج در زمینهٔ تقسیم کار، وجود مرزبندی طبیعی میان کار زنان و مردان، تفکیک جنسیتی آموزش، نحوهٔ گزینش نیروی کار، مسئلهٔ تعدد نقش زنان را دچار نوعی تن و تضاد نقش و فشارهای ناشی از آن می‌کند. همچنین، پایین بودن سطح تخصص و بالا بودن میزان تقاضا برای مشاغلی که به مهارت زیاد نیاز ندارد، مانع از آن است که در زندگی اجتماعی زنان شاغل تحول شگرفی ایجاد شود.

۳) بعد فرهنگی: فرهنگ اقتدارگرا و مردسالار، همواره رواج دهندهٔ باورهای سنتی و جنسیتی بوده است. همچنین، کمبود آگاهی زنان از حقوق فردی، اجتماعی و حرفه‌ای و عدم شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به استمرار ساخت نابرابر کمک می‌رساند.

۴) بعد اقتصادی: در حالی که زنان به‌طور متوسط ۱۲ تا ۱۳ ساعت بیشتر از مردان کار می‌کنند، به دلیل بی‌مزد بودن کار خانگی همچنان در سطح نازلی قرار می‌گیرند. همچنین، مواردی چون پایین بودن حقوق در مقایسه با نوع کار، ناعادلانه بودن توزیع پاداش‌ها و مزایا می‌باشد.

۵) بعد آموزشی: از جمله تنوع رشته‌های مهارتی برای پسران در مقایسه با دخترها فرصت‌های اشتغال زنان را محدود کرده است.

سازمان بین‌المللی کار (۱۹۹۸) موانع کار آفرینی زنان را به این صورت دسته‌بندی کرده است:

موانع رفتاری: زنان اعتماد به نفس کمتر و تصور منفی از خود دارند.

موانع ایفای نقش: تعارض میان وظایف مختلف با محدودیت‌های زمانی.

موانع اجتماعی و فرهنگی: دید منفی نسبت به زنان در کار.

موانع تحصیلی: زنان به‌طور نسبی از سطح تحصیلات پایین‌تری نسبت به مردان برخوردارند و اغلب دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی شغلی را دارند.

موانع شغلی: زنان فرصت کمتری در بخش رسمی اقتصاد برای پیشرفت مهارت‌های خود دارند.

موانع زیربنایی: دسترسی به اعتبار، فناوری، خدمات حمایتی، زمین و اطلاعات به‌طور اصولی برای زنان مشکل‌تر است.

موانع قانونی: فعالیت قانونی مستقل برای زنان محدود است. (شریفی و همکاران، ۱۳۸۹)

نقش آموزش مهارت‌های کسب و کار بر اشتغال زنان

برگزاری دوره‌های آموزشی از جمله راه‌های عملی افزایش سطح دانش و مهارت‌های افراد به‌شمار می‌رود. دوره‌های آموزشی که محتوای آنها متناسب با نیازهای واقعی شرکت‌کنندگان

باشد، موجب افزایش تولیدات و در نهایت، بهبود کیفیت زندگی آنها می‌شود. امروزه، هدف از آموزش زنان، بر خلاف دوره‌های قبل، کسب مهارت‌های خانگی یا افزایش آمادگی برای نگهداری از فرزندان نیست، بلکه ارتقای مهارت‌هایی است که به کسب استقلال اقتصادی، حضور و مشارکت اجتماعی، افزایش دانش و غیره کمک می‌کند. با توجه به این اهداف، در اکثر کشورها آموزش زنان در قالب‌هایی مشابه با الگوی آموزش مردان در کشورهای صنعتی، طراحی و توسعه‌یافته است که به‌طور کلی بر آموزش اطلاعات و همچنین، مهارت‌های لازم برای فعالیت در مراکز تولیدی، تحقیقاتی، خدماتی و سیاسی متمرکز می‌باشد.

استقبال گستردهٔ جوامع گوناگون از آموزش زنان و این الگو احتمالاً دلایل متعددی دارد. دلیل اول نفرت و انزجار عمومی از ستم جنسیتی که در تجربهٔ تاریخی تمام ملت‌ها کمابیش وجود دارد. دلیل دوم، رواج سنت‌های ستم آلودی که همچنان زمینهٔ تداوم خشونت و پایمال شدن حقوق و آزادی‌های زنان را تقویت می‌نمود و دلیل سوم با معرفی آموزش و اشتغال در زمرهٔ استانداردهای زندگی، زنان و مردان به‌طور یکسان مشتاق دریافت دانش‌های رسمی و شغل‌های شهری شدند.

اشتغال و آموزش زنان از ملاک‌های مهم، پیشرفت یک جامعه تلقی می‌شود و به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق نیاز دارد و نقش زنان در توزیع ارزش‌های مسلط و انتقال آن به نسل‌های تازه می‌تواند اهمیت سیاست‌گذاری در حوزهٔ آموزش زنان را آشکار سازد. بدون شک نیازهای آموزشی زنان با انتظارات بازار اشتغال هماهنگ‌شده و آموزش معطوف به اشتغال در گرو برآورد دقیق فرصت‌های شغلی و برنامه‌ریزی برای افزایش آنهاست. توسعهٔ صنعتی و پیشرفت اقتصادی علاوه بر منابع انرژی و نیروهای موجود در طبیعت به کیفیت و کمیت نیروهای انسانی وابسته می‌باشد و این ارتباط سبب شده کسب مهارت‌های شغلی با نوع فعالیت‌های یادگیری ارتباط تنگاتنگی پیدا کند.

تشابه مطالبات آموزشی زنان با مردان توانسته است بار دیگر آموزش زنان را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو کند. ۱) حضور اجتماعی زنان و ارتقاء موقعیت آنان در گرو نقش‌هایی است که زنان بتوانند هم پای مردان در قالب مشاغل گوناگون ایفاء کنند. ۲) تشدید رقابت‌های شغلی سبب تشدید رقابت‌های آموزشی شده و مداخلات دولت‌ها را برای طبقه‌بندی مشاغل و رشته‌های تحصیلی و در نتیجه، هدایت تحصیلی مردان و زنان ضروری نموده است.

همچنین، برنامه‌های آموزشی زنان در این حوزه به مهارت‌ها و آموخته‌هایی معطوف می‌شود که در سبد انتظارات بازار است و به جای تناسب با علایق و نیازهای یادگیرنده، با نیازها و انتظارات مراکز صنعتی، علمی، خدماتی و تولیدی سازگاری دارد. در نتیجه، نارضایتی شغلی به نارضایتی از رشتهٔ تحصیلی تعمیم یافته و سبب می‌شود انگیزه‌های تحصیلی به انگیزه‌های شغلی نظیر درآمد بیشتر و منزلت بالاتر گره بخورد.

علاوه بر این، الگوی رایج آموزش زنان که معطوف به اشتغال است، با ناسازگاری انتظارات زنان تحصیل‌کرده با مسئولیت‌ها و نقش‌هایی مواجه می‌شود که آنها به‌طور سنتی بر عهده داشتند. بنابراین، واقعیات مربوط به اشباع بازار اشتغال و همچنین تداوم نقش سنتی به شیوع نارضایتی‌های مختلف در میان زنان دامن می‌زند و هزینه‌های سنگینی را برای مبارزه با ناهنجاری‌های اخلاقی، درمان مشکلات روانی، حل نابسامانی‌های خانوادگی، رفتارهای

مخاطره‌آمیز و غیره بر جامعه تحمیل می‌کند. بدین ترتیب، رابطهٔ آموزش با اشتغال که از زمینه‌های تاریخی و دلایل واقعی توسعهٔ آموزش زنان بوده است، کم کم با اشباع فرصت‌های شغلی و افزایش رقابت‌های مربوط به آن تفسیر نموده و در نتیجه، آموزش زنان به لحاظ کیفی و کمّی با تهدید رو به رو شده است.

نتایج تحقیقات در رابطه با نقش آموزش زنان در دیگر کشورها نشان داده است دوره‌های آموزشی کسب و کار برای کمک به زنان جهت بهبود مدیریت و سودآوری در کسب و کار موفقیت‌آمیز است. اما کمک‌های مالی از قبیل اعطای وام‌های کوچک به همراه آموزش میزان این موفقیت را افزایش می‌دهد. تحقیقات در سریلانکا نشان می‌دهد آموزش به تنهایی به تغییر در برخی شیوه‌های کسب و کار منجر می‌شود، اما تأثیری در افزایش سود، خرید و فروش و سهام ندارد. در مقابل ترکیبی از آموزش و کمک مالی منجر به پیشرفت‌های بزرگ و قابل توجهی در سودآوری کسب وکار می شود. (دی مل، مک کنزی، وودروف، ۲۰۱۲)[1]

سیاست‌گذاران در کشور آرژانتین پس از بحران‌های اقتصادی در قرن حاضر به نقش کنسرسیوم‌های کسب و کار برای کمک به زنان کارآفرین توجه خاصی نشان داده‌اند.

پنج نقش اصلی این کنسرسیوم‌ها بدین صورت تعریف شده است:

۱. آموزش عملیات کسب و کار و شیوه‌های آن.
۲. همکاری در پروژه‌هایی که منافع مشترک دارند.
۳. دسترسی انجمن‌هایی برای اشتراک گذاشتن ایده‌ها و تجربیات.
۴. ایجاد فرصت برای ظهور شبکه‌های اجتماعی زنان.
۵. حمایت‌های مالی (واکر، ۲۰۰۲)[2]

بسیاری از مطالعات در کشورها ارتباطی قوی بین افزایش دسترسی دختران به آموزش و رشد تولید سرانهٔ داخلی را نشان می‌دهند .در کرهٔ جنوبی تعداد زنان کارآفرین رو به افزایش است. زنان صاحب ۳۶ درصد از سرمایه‌گذاری در این کشور هستند. اما بیشتر زنان کارآفرین در بخش خدمات و خرده‌فروشی مشغول به فعالیت هستند (سون و جو،۲۰۱۱)[3]. سازمان بین‌المللی کار در کشورهای مختلف اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی مختلفی برای زنان کرده است به عنوان نمونه در تانزانیا پس از شرکت در این برنامه‌ها، عضویت در انجمن زنان کارآفرین ۶۰ درصد افزایش یافته است.

تحقیقات نشان می‌دهد توانمندسازی یک ایدهٔ متداول محسوب می‌شود که به‌عنوان بخشی از عوامل توسعهٔ نیروی انسانی، قادر است اشتغال‌زایی و کارآفرینی را به‌وجود آورده و با بهبود عملکرد افراد به تثبیت نیروی انسانی کارآمد یاری رساند. توانمندسازی زنان جویای کار، نیازمند آموزش‌های ویژه‌ای است که در طی این آموزش‌ها بتوانند به توانایی غلبه بر مشکلات، تفکر خلاقانه و غیره دست یابند و از این طریق بتوانند به اشتغال‌زایی و در نهایت، کارآفرینی دست یابند. آموزش‌های آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار بر

1. de Mel,S, McKenzie,D, Woodruff,K
2. Walker, C J
3. Lee,J, Sohn,S and Ju,Y

توانمندسازی زنان جویای کار مؤثر است. توانمندسازی دانش‌آموختگان زن جویای کار باید با تأکید بر سه عنصر توانمندسازی فردی، توانمندسازی اجتماعی و توانمندسازی اقتصادی صورت گیرد تا ازین طریق بتوانند به اشتغال‌زایی پرداخته و توانایی برطرف نمودن مشکلات مرتبط با کسب و کار را به دست آورند. آموزش‌ها باید به‌طور تخصصی انجام گیرد تا به افزایش آگاهی‌ها و اطلاعات فردی- شغلی بیانجامد و زنان جویای کار بتوانند با آگاهی‌های بیشتری به انتخاب شغل اقدام نمایند.

پیشنهادات و راهکارها

به‌منظور اشاعه و تقویت فرهنگ اشتغال زنان، ایجاد بستر مناسب برای بروز خلاقیت اشتغال زنان و بهره‌گیری از استعدادها و توانایی‌های انها راهکارها و تدابیر لازم پیشنهاد و ارائه می‌شود:

- ✓ فرهنگ‌سازی در تغییر نگرش جامعه نسبت به توانمندی زنان در فعالیت‌های اقتصادی.
- ✓ تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی با نیازهای حرفه‌ای زنان توسط سیستم آموزشی کشور.
- ✓ ایجاد انعطاف در ساعات کار زنان و داشتن فرصت‌هایی کوتاه برای ترک محل کار خود.
- ✓ احداث محل‌هایی برای مراقبت از کودکان در محل کار.
- ✓ تشکیل انجمن‌های جهت اشتراک‌گذاری تجربیات آموزشی کسب و کار زنان و حمایت از کارآفرینی آنها.
- ✓ ارائهٔ خدمات مشاوره‌ای جهت تسریع و تسهیل بسترسازی اشتغال زنان در شرکت‌های کوچک و متوسط.
- ✓ شناخت و تقویت انگیزه‌ها در زنان شاغل، رشد و توسعهٔ سرمایهٔ انسانی آنان.
- ✓ طراحی بستهٔ نرم‌افزاری جامع خدماتی برای زنان کارآفرین.
- ✓ ترویج آگاهی‌های برابری جنسیتی برای توانمندسازی زنان در خانواده و جامعه.
- ✓ کمک به کارآفرینان جوان با حمایت‌های مالی و رفع موانع جذب سرمایه در بازار کار زنان.
- ✓ تدوین خط مشی‌ها، استراتژی‌ها و قوانین مناسب توسط دولت در جهت ترویج و توسعهٔ کسب و کارهای مستقل و خود اشتغالی زنان (گلرد،۱۳۸۴).

منابع

پاپ زن،ع؛ خالدی،خ و سلیمانی،ع (۱۳۹۰). ارزشیابی آموزش‌های فنی حرفه‌ای زنان روستایی در زمینهٔ صنایع دستی. جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شمارهٔ ۳.

توسلی،ا؛ رفیعی خونانی، ف(۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به اشتغال در خارج از منزل. پژوهش‌نامهٔ علوم اجتماعی، سال دوم، شمارهٔ ۲.

جواهری،ف؛ سراج زاده، ح و رحمانی، ر(۱۳۸۹). تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان. پژوهش زنان، دورهٔ ۸، شمارهٔ ۲.

شریفی،ا؛اسدی،ع؛رضایی،ر وعادلی،م (۱۳۸۹).کارآفرینی زنان دانشگاهی. پژوهش‌نامهٔ زنان، سال اول، شمارهٔ اول.

صالحی،م (۱۳۸۹). ضرورت توسعهٔ کارآفرینی زنان و راهکارهای آنـان. پـژوهش‌نامـهٔ زنـان، سال اول، شمارهٔ اول.
عظیم‌زاده اردبیلی، ف (۱۳۸۸). مطالعهٔ تطبیقی حقوق زنان در اسلام و غرب جلد دوم (حق مالکیت و اشتغال)، امور زنان ریاست جمهوری.
عمادزاده، م (۱۳۸۲). اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان پژوهش زنان (فصل‌نامـهٔ مرکـز مطالعات زنان)، سال اوّل، شمارهٔ ۷.
گلرد،پ (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بـر توسـعهٔ کـارآفرینی زنـان ایرانـی. پـژوهش زنـان، دورهٔ ۳، شمارهٔ۱.

de Mel,S, McKenzie,D, Woodruff,K(2012). Business Training and Female Enterprise Start-up, Growth, and Dynamics: Experimental Evidence from Sri Lanka, The World Bank,Development Research Group, Finance and Private Sector Development Team.
Lee,J, Sohn,S and Ju,Y(2011). How Effective Is Government Support for Korean Women Entrepreneurs in Small and Medium Enterprises? Journal of Small Business Management, 49(4).
Walker, C J(2002). Gender Issues in Argentine Entrepreneurship: "La Clave Es Participar Para Cambiar Algunas Cosas." Honors Thesis, Honors College, Brigham Young University, Provo.
ILO Gender News (2012) International Labour Office, No. 19.

بررسی رابطهٔ بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین روستایی

دکتر حسین خنیفر[1]
نفیسه زروندی[2]
جواد زروندی[3]

چکیده

امروزه همراه با تغییرات مختلف اقتصادی مانند خصوصی‌سازی، نقش و جایگاه زنان در اقتصاد نیز دستخوش تغییرات فراوانی شده است و زنان کارآفرین به‌عنوان بخش مهمی‌از پیکرهٔ بخش خصوصی نظام اقتصاد، در نظر گرفته می‌شوند. از این‌رو توسعهٔ کارآفرینی و پایه‌ریزی مشاغل خانگی به‌وسیلهٔ زنان که شاغلان پنهان در جامعه روستایی هستند، از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات(ICT) یکی از روش‌هایی است که سهم زنان روستایی در فعالیت‌های کارآفرینی را توسعه می‌بخشد. در این مقاله به بررسی ارتباط بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین روستایی پرداخته شده است. جامعهٔ آماری تحقیق را ۵۰ نفر از زنان کارآفرین روستایی شهرستان نیشابور (زروند، شوریاب، دستجرد) تشکیل می‌دهد. ابزار اصلی مورد استفاده، پرسشنامه می‌باشد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. بررسی فرضیات نشان می‌دهد که میان استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و نیاز به موفقیت، خطرپذیری، استقلال‌طلبی، خلاقیت وکنترل‌درونی زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، زنان روستایی، کارآفرینی، آموزش.

۱. دانشیار دانشگاه تهران.
۲. کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه تهران، Email:nzarvandi@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد و پژوهشگر اجتماعی، Email:javadzarvandi@gmail.com

مقدمه

یکی از موضوعات اساسی در برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان اقتصادی کشورها توجه به نیروی انسانی است و زنان نیز به‌عنوان نیمی از منابع انسانی نه تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه‌ای هستند، بلکه اهرمی مؤثر در پیشبرد و توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده، و در صورت بهره‌وری بهینه از استعداد و نیروهای بالقوه می‌توان در جهت توسعه گام‌های مهمی برداشت (طاهری، ۱۳۸۴).

به گزارش بانک توسعهٔ آسیا، زنان از پتانسیل کارآفرینی بسیار بالایی در کشورهای آسیایی برخوردارند و می‌توانند مشارکت فعال و سرنوشت‌سازی در رشد اقتصاد محلی، ملی و منطقه‌ای داشته باشند (Asian Development Bank , 2007).

از این‌رو، سهم آنان در بخش‌های مختلف اقتصاد پیوسته رو به افزایش بوده و فاصله‌های جنسیتی رایج در فعالیت‌های اقتصادی رو به کاهش است (Weeks , 2001).

در عین حال، اگرچه زنان کارآفرین در همه جای دنیا اقلیت کارآفرینان را تشکیل می‌دهند، سهم آنها در خاورمیانه و شمال آفریقا کمتر از سایر مناطق در حال توسعهٔ جهان است (World Bank , 2007) .

در این میان، زنان روستایی نیز بخش مهمی از این قشر را در بر می‌گیرند. از آنجایی که زنان روستایی، رکن مهمی در تولید مواد غذایی هستند، یک روز قبل از روز جهانی غذا، یعنی ۱۵ اکتبر به نام زنان روستایی نام‌گذاری شده است. این امر برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ در چهارمین کنفرانس زن در پکن پیشنهاد شد و امروزه بیش از ۵۰ کشور جهان این روز را جشن می‌گیرند.

بیان مسأله

در مقام مقایسهٔ نسبی میان اعضای جامعهٔ شهری با اعضای جامعهٔ روستایی و عشایری در ایران، شهرنشینان با استفاده از امکانات آموزشی و منابع اطلاعاتی قابل دسترس از مواهب آموزشی و پرورشی بیشتری برخوردارند در حالی که روستاییان و عشایر چادرنشین و کوچ‌رو به مقدار کمتری به این امکانات و منابع دسترسی دارند. زنان روستایی و عشایری در مقام مقایسه با مردان همین جوامع، باز هم به مقدار بسیار کمتری از مواهب برنامه‌های آموزشی و پرورشی در کل جامعه برخوردار بوده و هستند. بدین جهت می‌توان زنان روستایی و عشایری را به علت عدم دسترسی به منابع اطلاعات و امکانات آموزشی به‌عنوان مستضعف‌ترین اقشار جامعهٔ بزرگ ایران قلمداد کرد (شهبازی، ۱۳۷۵، ۵۰۹ – ۵۱۰) .

از دیدگاه هیسریچ[1](۲۰۰۵) زنان بزرگترین گروه محرومان در جهان هستند. در این خصوص برنامه‌ریزان و کارشناسان در گام نخست باید تلاش خود را معطوف به جبران محدودیت‌ها، محرومیت‌ها و سوق دادن زنان روستایی به سوی تساوی اجتماعی و اقتصادی نمایند. وی معتقد است این امر جز با توانا‌سازی آنان از طریق کارآفرینی میسر نیست (Hisrich , 2005).

1. Hisrich

در این میان، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات[1](ICT) ابزار مهمی برای رشد کارآفرینی زنان روستایی می‌باشد. این پدیدهٔ هزاره سوم به اندازه‌ای قوی است که می‌تواند نقش جنسیت را در فعالیت‌های اقتصادی به نفع زنان که معمولاً در اقتصاد جامعه نقش کمتری دارند، افزایش داده و فرصت‌های بیشتری را برای توانمندسازی آنها فراهم کند. (جلالی، بی‌تا) مشارکت مؤثر زنان روستایی در تمام جنبه‌های ICT و منفعت اجتماعی و اقتصادی آنها از ICT نیازمند اقدامات فوری و قاطع در بسیاری از حیطه‌هاست (Ozer .etal , 2005 , pp.213-218). بهره‌مندی درست از این فن‌آوری، زمانی محقق خواهد شد که آموزش‌های لازم در این‌باره صورت پذیرد، زیرا آموزش سبب توانمندی خواهد شد. با افزایش توانمندی زنان در کسب درآمد مستقل، آموزش جایگاه زنان را در جامعه بالا می‌برد و به مشارکت بیشتر آنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و جامعه منتهی می‌شود (یونیسف، ۱۳۷۱).

در این مقاله ضمن تبیین اهمیت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در ارتقای توانمندی زنان روستایی، به بررسی رابطهٔ بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین روستایی شهرستان نیشابور (زروند، شوریاب، دستجرد) می‌پردازیم.

درآمدی بر مفهوم کارآفرینی

کارآفرینی[2] مفهومی است که از سه قرن پیش مطرح و تعاریف متنوعی از آن ارائه شده است. واژهٔ کارآفرینی از کلمهٔ فرانسوی«Entreprendre» به معنای متعهد شدن نشأت گرفته است. از سال ۱۷۰۰ میلادی به بعد فرانسویان دربارهٔ پیمانکاران دولت که دست‌اندر کار ساخت جاده، پل و تأسیسات بودند به کرات لفظ کارآفرین و کارآفرینی را به‌کار برده‌اند (Cochran ., 1968 , p.10)

مطالعهٔ اسنادی حکایت از آن دارد که برای مفهوم کارآفرینی که بیش از سه قرن از زمان طرح اولیهٔ آن در کشور فرانسه می‌گذرد، تعریف واحد و جهان‌شمولی وجود ندارد و هر یک از صاحب‌نظران با توجه به زمینهٔ تخصصی و زاویهٔ نگاه خویش به موضوع، تعریف ویژه‌ای از کارآفرینی ارائه داده‌اند. (Jylhankaugas , 2007).چنان‌که پیتر دراکر می‌نویسد، کارآفرینی منحصر به یک علم و یا یک هنر نیست، بلکه یک تجربه است. کارآفرین بازاری را می‌بیند که هنوز وجود ندارد و تمام مخاطرات مالی موجود برای تولید محصول جدید را می‌پذیرد. آینده‌نگری، خلاقیت و جسارت کارآفرین موجب شکل‌گیری بنگاهی جدید می‌گردد که اقتصاد ملی را به پیش می‌راند و تولیدات جدید، صنایع بدیع، اشتغال و ثروت می‌آفریند (Tom & Jeann , 2008) و به افراد جسور و بلند همتی اشاره دارد که آمادگی لازم برای پذیرش مخاطره‌های راه‌اندازی یک کسب و کار جدید را از خود بروز می‌دهند .(Koreen , 2001) استیونسون و همکارانش معتقدند که کارآفرینی عبارت از فرایندی است که فرصت‌ها به وسیلهٔ افراد (یا برای خودشان یا برای سازمان‌هایی که در آن کار می‌کنند) بدون توجه به منابعی که در کنترل آنهاست تعقیب می‌شود (p.14 Hurley , 1999).

1. and Communication Technologies (ICT)
2. Entrepreneurship

از نظر شانی، کارآفرین فردی است که با کشف و ارزیابی فرصت‌ها و بهره‌گیری از راه‌های جدید به سازماندهی بازار، فرآیندها، مواد خام و ساختار بپردازد تا کالا و خدماتی جدید ارائه دهد (Brush .etal , 2006). به‌طور کلی، فعالیت‌های کارآفرینانه استانداردهای زندگی افراد جامعه را به واسطهٔ آفرینش یک پیشهٔ نو یا تولید کالا و ارائهٔ خدمات در شکلی جدید بالا می‌برد و در مجموع، موجب بهبود رفاه اجتماعی می‌گردد (Jylhankaugas , 2007) . از منظر فردی نیز کارآفرینی باعث غلبه بر موانع و معضلاتی همچون نژاد، طبقهٔ اجتماعی و جنسیت می‌شود (Dollinger , 2003).

بنابراین، کارآفرینی مزایای بسیاری در سطح کلان، برای توسعهٔ اقتصادی و در سطح خرد برای توسعه و رضایت فردی دارد (Drucker , 1985).

زنان و کارآفرینی در مناطق روستایی

کارآفرینی عمل کارآفرین بودن است که به معنای قبول مسئولیت، تعقیب فرصت‌ها، تأمین نیازها و خواسته‌ها از طریق نوآوری و راه‌اندازی یک کسب و کار تجاری است(Burch,1986).

بنابه تعاریف کلی که برای کارآفرینی آمده است، کارآفرینی روستایی اساساً تفاوتی با کارآفرینی در شهر ندارد، جز اینکه باید آن را در فضای روستا تصور نمود (تی. پ، ترجمه زرنگار، ۱۳۸۱، ص۶۳).

طبق گفتهٔ بانک جهانی اهداف وسیع و گستردهٔ توسعهٔ روستایی عبارت‌اند از: رشد، فقرزدایی و مدیریت بهبود یافته منابع پایهٔ طبیعی، توسعهٔ فن‌آوری و پذیرش سریع آن در سیستم‌های تولید و فرآوری کشاورزی و عناصر کلیدی که در دستیابی به این اهداف وسیع و گسترده می‌باشند (سایت بانک جهانی, ۱۹۹۶).

به نظر مایکل تودارو «ضرورت تقدم و توجه به توسعهٔ روستایی نسبت به توسعهٔ شهری به این علت نیست که اکثریت جمعیت جهان سوم در مناطق روستایی قرار دارند، بلکه به این علت است که راه‌حل نهایی مسئلهٔ بیکاری شهری و تراکم جمعیت، بهبود محیط روستایی است» (ازکیا، ۱۳۸۳،ص۱۷). اخیراً استراتژی‌های توسعهٔ روستایی تجدیدنظر شده توسط بسیاری از مؤسسات ملی و بین‌المللی مجدداً بر کاهش فقر از طریق رشد اقتصادی تأکید می‌کنند (مؤسسهٔ توسعهٔ روستایی ایران، ۱۳۸۱، ص۵۴). از این‌رو، کارآفرینی روستایی و توسعهٔ آن دارای اهمیت زیادی است، زیرا عامل ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری در روستاها شده و حس رقابت در بین روستاییان را تحریک و تشویق می‌کند. از سوی دیگر، کارآفرینی باعث ایجاد اشتغال‌زایی در مناطق روستایی می‌شود، کیفیت زندگی روستاییان را بهبود می‌بخشد و موجب توزیع مناسب درآمد و ایجاد تعادل منطقه‌ای می‌گردد (طاهرخانی، ۱۳۷۹، صص ۹۲ – ۹۸). در این میان، زنان روستائی حدود نیمی از جمعیت ساکن در مناطق روستائی را تشکیل داده و نقش آنان در کمک به رشد و ارتقاء سطح زندگی خانوارهای روستائی غیرقابل انکار است. شرکت‌های تعاونی روستائی زنان از جمله تشکل‌های فعال در مناطق روستائی هستند که هدف آنها توانمندسازی زنان روستائی برای خودیاری و همیاری آگاهانه و کمک به بهبود مستمر وضعیت زندگی می‌باشد (مومندی، ۱۳۸۸). لاول و

فیورستین[1] (۱۹۸۵) بیان می‌کنند که این عجیب است که وقتی مردم در مورد جامعه فکر می‌کنند، توجه آن‌ها اغلب به زنان و بچه‌ها معطوف می‌گردد، ولی زمانی که به توسعه می‌اندیشند، اغلب مردان را به خاطر می‌آورند» این در حالی است که زنان روستایی دارای ظرفیت‌های ارزشمندی هستند و در طول دو دهۀ اخیر نقش حیاتی آنان در بسیاری از امور توسعه مانند فراهم نمودن امنیت غذایی، پایداری محیط زیست، ریشه‌کنی فقر، کنترل جمعیت و توسعۀ اجتماعی، برای جامعۀ بین‌المللی روشن گردیده است (فمی، ۱۳۸۵).

امروزه توسعۀ کارآفرینی آن هم در میان زنان و در نواحی روستایی، به نوبۀ خود فرآیندی بسیار پیچیده و بغرنج به شمار می‌رود که سطوح مختلف آن به شدت از شرایط پیرامونی، هنجارها، نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی و نیز برنامه‌های حکومتی یک کشور تأثیر می‌پذیرد (Koreen , 2001).

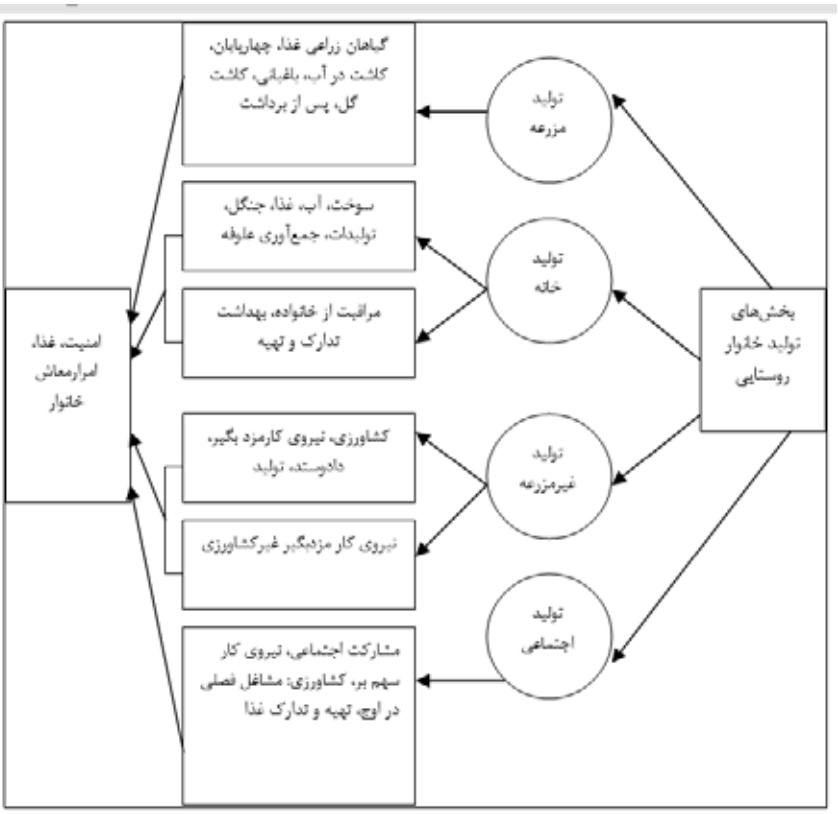
زن کارآفرین عبارت است از شخصی که به تنهایی یا با مشارکت، کسب و کاری را ایجاد کرده و یا پذیرفته و با قبول مسئولیت‌های اجتماعی و اداری و مالی، در ادارۀ امور روزانه شرکت می‌جوید. شخصی که خطرات مالی را به‌منظور ورود به کسب و کاری می‌پذیرد و با خلاقیت و نوآوری محصولات جدیدی را ایجاد و تولیدات جدید را گسترش می‌دهد تا در بازار خرید و فروش بر رقبا غلبه یابد (Brid & Brush , 2003). کارآفرینی صرف‌نظر از زمینه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند دارای سه عنصر کلیدی است:

۱. بینش،
۲. کسی با مهارت‌های رهبری که می‌تواند بینش را به صورت عملیاتی درآورد،
۳. اراده‌ای که چیزی را بنا کند، درآن رشد کند و پایدار بماند.

(Thompson . etal , 2000 , p.12). به عقیدۀ اسکرمرون[2] (۲۰۰۸)، انگیزۀ نیرویی در درون فرد است که علت، درجه، جهت و پافشاری در تلاشی که صرف کار می‌شود را تعیین می‌کند. اوتا[3] (۱۹۹۸)، انگیزه را فرآیندی می‌داند که با یک نیاز یا کمبود روانی یا فیزیولوژیکی آغاز می‌شود و رفتاری را در جهت دستیابی به یک هدف یا مشوق برای رفع آن نقص یا نیاز شکل می‌دهد (Tandelilin,2010). به گزارش سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی[4] در سال ۲۰۰۰ میلادی، برخی ارزش‌های سنتی و اجتماعی در شماری از کشورها نظیر کره، از جمله مهم‌ترین موانع توسعۀ کارآفرینی زنان به حساب می‌آیند. این سازمان با اشاره به اینکه بسیاری از زنان روستایی از تحصیلات دانشگاهی برخوردار نیستند، ضعف محتوای آموزش مدارس و نبود سازمان‌های غیردولتی[5] فعال را از دیگر بازدارنده‌های توسعۀ کارآفرینی زنان می‌داند (Koreen , 2001). در کشور ما زنان روستایی در اغلب نقاط کشور، در فعالیت‌های کشاورزی نقش اساسی دارند. در کشت محصولات زراعی در بخش‌هایی که به صورت مکانیزه انجام نمی‌شوند، زنان تا ۱۰۰درصد نقش دارند و در داشت و برداشت محصولات باغی تا ۳۰ درصد فعالیت می‌کنند. زنان در فعالیت‌های پس از برداشت مانند

1. Lovel and Feurestein
2. Schermerhon
3. Utha
4. OECD
5. *NGOs*

انبارداری، نگهداری محصول، تبدیل و فرآوری مهم‌ترین مسئولیت را دارا هستند. در برخی از نقاط کشور که بازارهای محلی وجود دارد، کار بازاریابی و فروش محصول نیز با آنان است. در امور دام، بعد از فصل تعلیف سبز تا ۷۰ درصد نقش دارند و کلیه امور مربوط به نگهداری و مراقبت از دام، شیردوشی و تبدیل و فرآوری تا ۱۰۰ درصد به عهدهٔ آنان است. در اغلب نقاط ایران زنان مطابق با سنت‌های جامعه خود به کارهای هنری می‌پردازند. از دوختن لباس تا بافتن پوشاک پشمی‌که بعضی از آنها نخ و رنگ آن را نیز خود تهیه می‌کنند تا حصیربافی، گلیم، جاجیم، فرش و غیره از فعالیت‌های بارز آنان است (بی‌نام، ۱۳۸۰، ص۲).



شکل ۱. بخش‌های تولید خانوار روستایی (Anonymus , 2004, p.10)

اهمیت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات(ICT) در ارتقای توانمندی زنان روستایی

فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به فن‌آوری‌هایی اطلاق می‌شود که ارتباطات را تسهیل کرده و انتقال اطلاعات را به کمک وسایل الکترونیکی انجام می‌دهند. این تعریف دامنهٔ کاملی از وسایل را شامل می‌شود، از رادیو و تلویزیون گرفته تا تلفن (ثابت و متحرک)، رایانه و

اینترنت. بسیاری از کشورهای آسیایی اهمیتی کلیدی برای توسعهٔ این فنآوری قائل شده‌اند (بارانی و قدسی راثی، ۱۳۸۲) . اهمیت اطلاعات و دسترسی به آن جوامع صنعتی و پیشرفته را به جامعهٔ اطلاعاتی و اقتصاد آنها را از اقتصاد صنعتی به اقتصاد مبتنی بر خدمات اطلاعات و دانش تبدیل کرده است (نوری، ۱۳۷۵). به همین دلیل امروزه تدوین و تنظیم سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعهٔ ICTبه یک مسئلهٔ مهم برای بسیاری ازکشورها، به‌ویژه کشورهای جهان سوم تبدیل گردیده است. دو عامل فراهم آوردن زیرساختارهای ارتباطی و اطلاعاتی مناسب و بسترسازی فرهنگی و علمی لازم برای استفاده از ابزارICT با هم ارتباط و تعامل بسیار بالایی دارند (سوزنگر، ۱۳۸۲). در حالی‌که واژهٔ ICT می‌تواند دربردارندهٔ بخش وسیعی از رسانه‌ها باشد اما ICTهای جدید به معنی استفاده از کامپیوترها و سامانه‌های ارتباطی بین کامپیوترها، مورد استفاده قرار می‌گیرند. ICTهای جدید قابلیت دسترسی بیشتری دارند و استفاده‌کنندگان از آنها می‌توانند اطلاعات را از منابع متنوع به‌دست آورند. کامپیوتر نیز توانسته است نیازهای یک اجتماع روستایی بزرگ را برآورده کند. سمینار CTA در مورد نقش اطلاعات برای توسعهٔ روستایی در کشورهایACP نتیجه‌گیری کرد که این فناوری‌های جدید چشم اندازهای جدید و چندگانه‌ای را ارائه می‌کنند که به معنای دسترسی سریع‌تر با تمرکز بهتر بر اطلاعات می‌باشد (گل محمدی و همکاران، ۱۳۸۶، ص۱۱۱). با توجه به اینکه دختران و زنان روستایی نقش مهمی در اقتصاد کشاورزی، ایفا می‌کنند، لیکن دسترسی ناچیز آنها به دانش و اطلاعات موجب شده است که نتوانند بهره‌وری فعالیت‌هایشان را افزایش دهند و از فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوهٔ خود استفاده کنند (کریمی و دیگران، ۱۳۸۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنانی که کسب و کار جدیدی را آغاز می‌کنند، معمولاً با کمبود اطلاعات کسب و کار و دسترسی به نظام‌های حمایتی مواجه هستند (Allen & Truman, 1993). همچنین، زنان کارآفرینی که در ابتدای راه قرار دارند فاقد منابع سخت‌افزاری (پس‌انداز و سرمایه) و منابع نرم‌افزاری (تجارب مدیریتی و آموزش) هستند (Carter, 2005). بنابراین، باید به‌طور جدی به برنامه‌ریزی برای توسعهٔ نیروی انسانی بخش کشاورزی به‌خصوص دختران و زنان روستائی پرداخت و سرمایه‌گذاری‌های فکری و مادی را در این زمینه متمرکز نمود. بدیهی است که اولین گام در برنامه‌ریزی توسعهٔ منابع انسانی آگاهی از ویژگی‌های نیروی انسانی و سمت‌گیری مناسب در جهت دستیابی به این هدف خواهد بود. در این راستا در مورد زنان روستایی باید نیازسنجی نمود و سپس به اولویت‌بندی نیازها پرداخت (شریعت‌زاده و چیذری، ۱۳۸۳). همان‌طور که ابرمایر[1] (۱۹۹۰) به درستی بیان می‌کند، « در یک بررسی کلی، زنان کشورهای در حال توسعه تنها علاقه‌مند به اموری هستند که برایشان جنبهٔ عینی و ملموس داشته باشد، خواه این اقدام پروژه‌های بیشتر و بهتری باشد که به طور اختصاصی برای زنان اجرا می‌شود و خواه منظور این باشد که زنان بیشتری تحت پوشش برنامه قرار بگیرند تا بتوانند برای رسیدن به مرحلهٔ آزادی عمل، مشکلات موجود بر سر راه خود را شخصاً از پیش پا بردارند.» کمک به زنان برای دسترسی به خدمات ترویج باید با پیشرفت‌های عینی و ملموس برای زنان روستایی همراه باشد و باعث افزایش بهره‌وری و بازدهی بخش کشاورزی و بهبود امنیت غذایی ملی از طریق افزایش تولید

1. Ober Maier , 1990

برای عرضه به بازار باشد (سوانسون و دیگران، ۱۳۸۱، صص۲۳۵ – ۲۳۶). بهترین راهکارهای توسعهٔ فرهنگ کارآفرینی در روستاها ارتقای سواد کارآفرینیِ روستانشینان از طریق برنامه‌های آموزشی و ترویجی مختلف است (پترین، ۱۳۸۱). ترکیب این فناوری همراه با سایر علوم ارتباطات می‌تواند به خانواده‌ها کمک کند تا با سرعت بیش‌تری نسبت به شناخت و استفاده از آن اقدام کنند و بتوانند با ارتقای دانش در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی هم از جنبهٔ نظری و تصمیم‌سازی و هم از جنبهٔ عملی و کاربردی سهم مؤثری داشته باشند (جلالی، بی‌تا). ICTها می‌توانند به اجتماعات روستایی قدرت ببخشند و به آنها توان اظهار عقیده بدهند که این کار امکان مشارکت آنها را در فرایند توسعه فراهم می‌کند. با ICTهای جدید، اجتماعات روستایی می‌توانند توانایی بهبود و پیشرفت شرایط زندگی‌شان را به‌دست آورند و از طریق آموزش و مباحثه با دیگران تشویق شوند تا برای توسعهٔ خودشان تصمیم بگیرند. کاستل[1]، در این‌باره بیان می‌کند «هرگونه موفقیت در توسعهٔ روستایی و مدیریت آن، بستگی کامل به اطلاعات به‌روز، موثق و کافی دارد که ICT برای دستیابی به آن می‌تواند نقش کلیدی داشته باشد.» (گل محمدی و همکاران، ۱۳۸۶، صص۱۰۱ و ۱۱۲).

به کمک ICT یک کشاورز می‌تواند با تماس تلفنی در مرکز مخابرات راه دور روستایی، از خویشاوند دور خود تقاضای فرستادن پول نقد بکند و به فاصلهٔ چند روز، وجه مربوط را از طریق انتقال دیجیتالی دریافت کند. کشاورزان می‌توانند از تلفن موبایل برای تأیید قیمت‌ها و ارائهٔ خدمات مسائل حمل و نقل برای فروش محصول خود استفاده کنند. برنامه‌های رادیویی روستایی می‌تواند از پست الکترونیکی، فاکس یا تلفن موبایل برای کمک به اشتراک و اشاعهٔ سریع اطلاعات استفاده کنند. (مانند کشور زامبیا) (Hambly . et al , 2002) ICT نقش مهمی در ارتقای موقعیت زنان به‌وسیلهٔ ایجاد فرصت‌های شغلی داشته است. در آسیا در مراحل اول صنعتی شدن و در آمریکای لاتین در مرحلهٔ دوم، فرصت‌های شغلی بسیاری از این طریق ایجاد شده است. به‌عنوان مثال، در بخش صنایع دستی، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از طریق ارتقاء مهارت‌های زنان روستایی و بازاریابی برای محصولات آن‌ها نقش مهمی داشته است. یکی دیگر از تغییراتی که ایجاد کرده است، افزایش مشاغل خانگی[2] بوده است. از آن‌جا که محل کار این مشاغل خانه است، زنان در این بخش بدون قرارداد ثابت و بدون برخورداری از قوانین کار به‌کار گرفته می‌شوند (افشاری و شیبانی، ۱۳۸۳).

بهره‌مندی از این فن‌آوری، منافع زیر را در بر می‌گیرد: (اخوان صراف و آراسته، ۱۳۸۷)

۱. توسعهٔ دست‌یابی زنان به بازارها و افزایش دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی که از طریق تجارت الکترونیکی صورت می‌گیرد. خرید و فروش و تبادل هرگونه کالا، خدمات و یا اطلاعات از طریق شبکه‌های رایانه‌ای یا انجام مبادلات تجاری در قالب الکترونیکی.

۲. تسهیل توانایی زنان در تعادل بین کار و خانواده، که از طریق ایجاد انعطاف‌پذیری بیشتر در زمینهٔ انجام وظایف شغلی و انجام بعضی از کارها در خانه صورت می‌گیرد.

۳. افزایش میزان و سرعت دسترسی به اطلاعات و شبکه‌ها از منافع اصلی فناوری اطلاعات و ارتباطات برای کارآفرینی زنان است. زنان می‌توانند از طریق آموزش الکترونیکی

1. Castells , 1998
2. Home Base

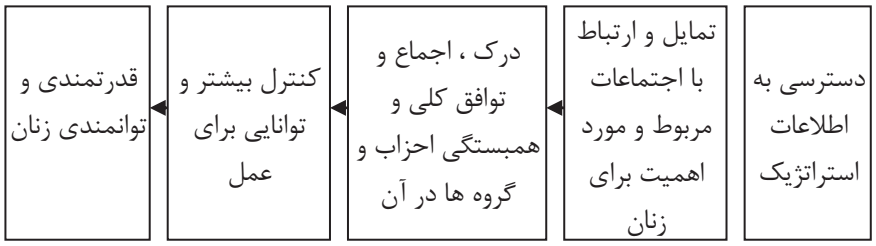
در هر زمان و مکان، آموزش‌های لازم در مورد کسب و کار مورد نظر خود را به‌دست آورند، با نتایج کارها و روش‌هایی که در دیگر کشورها در مورد این کسب و کار صورت گرفته، آشنا شوند و با مشکلاتی که دیگر زنان کارآفرین در کشورهای دیگر با آن مواجه هستند، آشنا شده و راه‌حل‌هایی که آن‌ها برای حل این مشکلات به‌کار می‌برند را بشناسند و حتی می‌توانند از طریق اینترنت با مراکز مشاوره از اقصی نقاط دنیا ارتباط برقرار کرده و از خدمات آن‌ها بهره مند گردند.

۴. کاهش هزینه‌های مبادلهٔ محصولات و معاملات کسب و کار که با استفاده از تجارت الکترونیکی صورت می‌پذیرد.

۵. بهبود توانایی زنان در راه‌اندازی کسب و کارهای جدید با استفاده از فناوری‌های نو و ابزارهای قدرتمند که منجر به ترویج کارآفرینی زنان در اجتماع می‌شود.

۶. ارتقاء وسعت دید مالکان زن کسب و کار در اجتماع گستردهٔ کسب و کار نیز منفعت دیگر فناوری اطلاعات و ارتباطات برای کارآفرینی می‌باشد.

در واقع، بر اساس آنچه گفته شد، بهره‌مندی از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) سبب قدرت‌بخشی به زنان از جمله کارآفرینان روستایی خواهد شد.



شکل ۲. مدل قدرت بخشی زنان به وسیلهٔ ICT (Nath , 2001 , p.4)
مطالعهٔ موردی: استفاده از ICT در فعالیت‌های زنان روستایی در پروژهٔ آناتولی جنوب شرقی (GAP)

این پروژه بزرگ‌ترین پروژهٔ توسعهٔ منطقه‌ای در ترکیه است که ۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع زمین، ۹ استان و یک دهم از کل مساحت ترکیه را می‌پوشاند . هدف اساسی این پروژه بهبود وضعیت اقتصادی ناحیهٔ آناتولی جنوب‌شرقی با دیدگاه کاهش اختلاف و نابرابری‌ها بین ناحیه GAP و نواحی نسبتاً توسعه‌یافتهٔ ترکیه است. زنان در میان گروه‌های محروم از شرایط مشارکت و بهره‌مندی از فعالیت‌های توسعه قرار دارند. در این پروژه به ویژه ICT حامی مشارکت زنان در فرایند توسعه است. ICT توسعهٔ متوازن جنسیتی را به‌وسیلهٔ قدرت‌بخشی به زنان از طریق تسهیل انتقال اطلاعات، ارتقاء می‌بخشد. نتایج یک تحقیق در کاربرد ICT توسط زنان در این ناحیه GAP نشان داد که دانش و آگاهی زنان روستایی از ICT ناکافی است و این امر اثرات منفی در بهره‌مندی زنان روستایی از ICT باقی می‌گذارد و گنجاندن آموزشICT در فعالیت‌های آموزشی این ناحیه، آموزش کشاورزی، خواندن و نوشتن، آموزش در جهت گسترده‌تر کردن چشم‌انداز زنان روستایی، مفید و سودمند است. همچنین،

محدودیت‌های فرهنگی برای استفاده از ICT در این ناحیه مشاهده شد (Ozer . etal , 2005 , pp.213-218) .

چالش‌های زنان کارآفرین روستایی در بهره‌مندی از (ICT)

فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) با قابلیت‌های متنوع خود به‌ویژه در عرصهٔ نشر و انتقال اطلاعات و نوآوری‌ها به مناطق دوردست و از جمله روستاها، قرین موفقیت بوده است و به عنوان امید آیندهٔ ترویج و توسعهٔ روستایی و کشاورزی به صورت چالشی عمده در میان صاحب نظران و دست‌اندرکاران مربوط مطرح است (فاضل نیا، کیانی، ۱۳۸۲، ۲۳). به‌گونه‌ای تاریخی، زنان دسترسی کمتری به اطلاعات رسمی و سامانه‌های ارتباطی مرتبط با تحقیقات و ترویج کشاورزی داشته‌اند. بدین‌سان، نقش‌ها و روابط جنسیتی مکمل، معارض و مشارکتی، می‌تواند توسعهٔ روستایی و کشاورزی کشورهای در حال توسعه را شکل دهد (Hambly . etal , 2002) .



شکل ۳. بخشی از مهم‌ترین نیازهای اطلاعاتی افراد در روستا
(فاضل نیا و کیانی، ۱۳۸۲، صص۲۱-۲۲)

با گذشت زمان و طی بررسی‌ها مشخص شده است که رهیافت متعارف ترویج و اطلاع رسانی روستایی، علی‌رغم برخی موفقیت‌ها به‌ویژه در زمینه‌های فنی، به دلایل متعدد از

جمله: یک سویه بودن، تأکید بر برخی اقشار خاص و عدم پوشش همگانی (هم در سطح فردی و هم در سطح قلمروهای روستایی)، عدم تطبیق با نیازهای واقعی آموزشی ترویجی روستائیان و تأکید عمده بر ترویج کشاورزی و چه بسا غیرضرور دانستن دیگر نیازهای نامحسوس و متنوع آموزشی – ترویجی روستائیان، نتوانسته است، موفقیت چندانی برای روستائیان در پی داشته باشد، چرا که علاوه بر نارسائی‌های فوق، بومی نبوده و با خصوصیات فرهنگی جوامع روستایی سازگاری نداشته است

(لهسایی زاده، ۱۳۷۹، ۷۵ –۹۰). از این‌رو، اغلب پارادایم‌های جدید توسعهٔ پایدار روستایی بر اهمیت نقش ترویج و آموزش‌های مبتنی بر آگاه‌سازی روستائیان و نیز بر دسترسی برابر افراد روستایی به منابع اطلاعاتی تأکید دارند و راهبرد مناسب برای این منظور را نیز، متفق‌القول رهیافت‌های ترویجی – اطلاع‌رسانی می‌دانند (Baker , 1987 , pp.3-4 & Ramani , 1999 , p.2) . بسیاری از نوشتارهای مربوط به ترویج و پذیرش حاکی از آن است که هرچه از شیوه‌ها و کانال‌های بیشتری در ترویج کشاورزی استفاده شود، احتمال موفقیت بیشتر است. اما بدون توجه به میزان پیچیدگی روش، کارآیی پیام تا حدود زیادی مبتنی بر فردی است که مسئول اجرای آن است. شیوهٔ انتقال یک پیام تا اندازهٔ زیادی تعیین کنندهٔ تغییر در رفتارها می‌باشد. مروجین به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، آموزش‌های کمی را در مبادلهٔ اطلاعات و دانش با توجه به سطح فراگیری، توانایی و تجربه زارعان دارند (کرمی، فنایی، ۱۳۷۳، ۱۹۴ – ۱۹۵). در این ارتباط در یکی از گزارش‌های سازمان جهانی کار چنین آمده است: «شرکت در حرکت‌ها و تلاش‌های جمعی، باید زاییدهٔ نیاز و ضرورتی باشد که مردم روستایی در درون خود احساس می‌کنند و نه اجبار» (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ص۳۵).

امروزه این ایده مورد توجه و اتفاق نظر اکثر صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و توسعهٔ روستایی قرار گرفته است که در بین عوامل محرک و بسترساز برنامه‌های اقدام برای توسعهٔ پایدار روستایی، شاید مهم‌ترین عامل، ادراک، فهم و آگاهی ساکنین مناطق روستایی از توانایی‌های خود و محیط پیرامون و به عبارتی فراگیری قواعد رفتار خردمندانه در زندگی فردی، اجتماعی و حرفه‌ای (شروع یک فعالیت کارآفرینی) می‌باشد (فاضل نیا و همکاران، ۱۳۸۴).

کمال مطلوب آن است که مردم روستایی بتوانند خود مسایل و نیازهای خود را تشخیص دهند. لیکن، وقتی آنها برای بهبود وضعیت موجود خود و محیط پیرامون و از جمله، شروع یک فعالیت کارآفرین، با روش‌ها و فنونی مواجه می‌شوند که ورای سطح معلومات و دانش تجربی و سنتی آنهاست، همدستی و یاری را باید به معنای کمک کردن به آنها تلقی کرد، نه کنترل آنها (مک دونالد و هیرل، ۱۳۷۶، ص۲). اگرچه در علوم مختلف پژوهش‌های متعددی در زمینهٔ کارآفرینی به انجام رسیده است، در عرصهٔ کشاورزی به آن توجه چندانی نشده و در نتیجه، ادبیات مرتبط با کارآفرینی در کشاورزی بسیار محدود می‌باشد (مرادی نژاد و همکاران، ۱۳۸۶). عدم وجود یک متولی مشخص برای سامان‌دهی به مسائل کارآفرینی زنان روستایی نیز یکی دیگر از چالش‌ها می‌باشد. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای دنیا، تشکیلات قدرتمندی مسئولیت امور کارآفرینی زنان را بر عهده گرفته و مسایل آنان را

پیگیری می‌نماید. به عنوان مثال در کشور مالزی، دو وزارتخانه «کارآفرینی و توسعهٔ تعاونی‌ها[1]» و «وزارت زنان، خانواده و توسعهٔ جامعه»[2] با همکاری یکدیگر، در صدد کشف استعدادها، کمک به رشد کارآفرینان زن موجود و در مجموع توسعهٔ کارآفرینی زنان هستند (Ming-Yen & Chong , 2008). به هرحال، توسعهٔ بنیادین فناوری اطلاعات ممکن نخواهد بود مگر با ایجاد سواد این فناوری بین نوجوانان و جوانان (عبادی، ۱۳۸۴). امروزه زمینه‌های متنوع زندگی روستایی، ضرورت اقدامات معطوف به آموزش مبتنی بر آگاه‌سازی روستائیان در زمینه‌های متعدد را بیش از پیش نمایان ساخته است Rinkerton & (Glazier, 1993). به سبب گسترش روزافزون استفاده از اینترنت و دیگر ابزارهای تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، کارآفرینی با بهره‌گیری از این ابزارها رو به رشد است(آذری نیا، ۲۰۰۸). بنابراین، مهم‌ترین نکته در بهره‌مندی از این فن‌آوری، فراهم نمودن زمینه‌های آموزش آن به‌ویژه برای زنان کارآفرین روستایی می‌باشد. بر این اساس، می‌توان گفت، مجموعه اقدامات ترویجی – اطلاع‌رسانی روستایی که در نهایت به ارتقاء سطح دانش، آگاهی‌ها و توسعهٔ دامنهٔ اطلاعاتی ساکنین نواحی روستایی می‌انجامد، راهبردی اساسی است که ایشان را در برقراری یک تعامل سازنده و پایدار با محیط پیرامون و شرایط همواره درحال تغییر مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی یاری کرده و به مثابهٔ محرکی انگیزشی، روستائیان و مناطق روستایی را از قید بی‌خبری و ناآگاهی می‌رهاند (شهبازی، ۱۳۷۵، صص۲۰-۲۱).

هدف پژوهش

مطالعه و بررسی ارتباط بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین روستایی

فرضیات پژوهش

فرضیهٔ اصلی

بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین روستایی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیات فرعی

- ✓ بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و نیاز به موفقیت زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.
- ✓ بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و خطرپذیری زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.
- ✓ بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و استقلال‌طلبی زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

1. MECD
2. MWFCD

- ✓ بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و خلاقیت زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.
- ✓ بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و کانون کنترل درونی زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

چارچوب مفهومی پژوهش

دربارهٔ ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان، چند ویژگی را به‌طور غالب بیان نموده‌اند: (Fry , 1993 , pp.193-197)

۱. نیاز به موفقیت: نیاز به موفقیت عبارت از تمایل به انجام کار در استانداردهای عالی جهت موفقیت در موقعیت‌های رقابتی است.

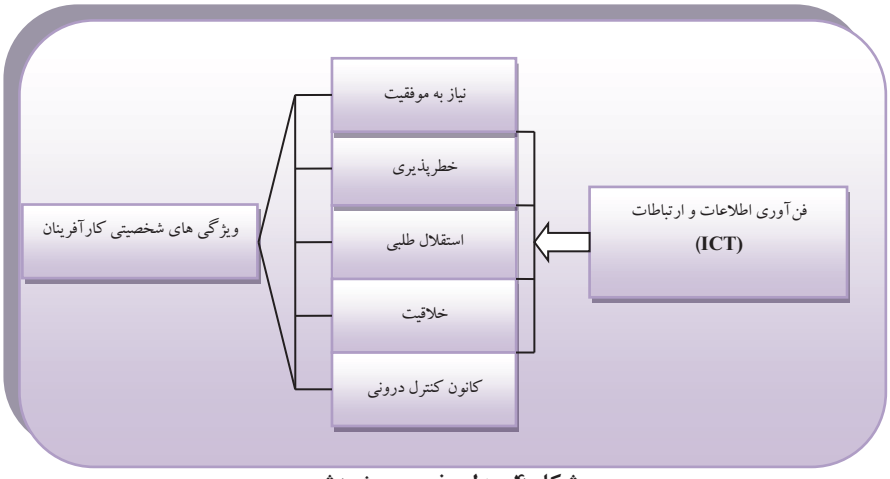
۲.کانون کنترل درونی: کارآفرینان به خود ایمان دارند و موفقیت یا شکست را به سرنوشت یا شانس نسبت نمی‌دهند و خود را عامل اصلی شکست‌ها و پیشرفت‌های خود می‌دانند.

۳. خطرپذیری: هرچند عموماً کارآفرینان را عاشق مخاطره می‌دانند که ویژگی مشترک آنها مخاطره پذیری است لیکن تحقیقات نشان می‌دهد که کارآفرین نوعاً چنین نیست، بلکه او در اقدام به مخاطره بسیار حساب شده و با دقت عمل می‌کند و تمام تلاش خود را انجام می‌دهد تا احتمالات را به نفع خود تغییر دهد.

۴. استقلال‌طلبی: فرای معتقد است که ویژگی بارز کارآفرین، سلطه جویی درونی و استقلال عمل اوست. سلطه‌جویی درونی بدین معنی است که فرد احساس کند بر سرنوشت خویش حاکم است. (Carland & Boulton , 1984 , pp.345-359)

۵. خلاقیت: خلاقیت، توانایی خلق ایده‌های جدید است که این ایده‌ها ممکن است به خدمات یا محصولات جدیدی منجر شود . (Gibb , 1987, pp.133-137)

با توجه به مبانی نظری مطرح شده، مدل مفهومی‌این پژوهش به صورت زیر می‌باشد:



شکل ۴. مدل مفهومی پژوهش

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، از نوع کاربردی است و بر حسب نحوهٔ گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی (غیر آزمایشی) و از میان انواع تحقیق‌های توصیفی، از نوع همبستگی می‌باشد. جامعهٔ آماری این پژوهش، زنان کارآفرین روستایی شهرستان نیشابور (زروند، شوریاب، دستجرد) می‌باشند که شامل ۵۰ نفر می‌باشد. این پژوهش به‌منظور بررسی ارتباط بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین روستایی و در بهمن سال ۱۳۹۰ صورت گرفته است.

ابزارهای اصلی برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش، شامل مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی می‌باشد. در بخش تحقیقات میدانی، از پرسش‌نامه استفاده شده است.

برای تأیید روایی پرسش‌نامه از نظر خبرگان استفاده شده است. جهت بررسی پایایی پرسشنامه‌ها، یک نمونهٔ ۳۰ تایی از پرسش‌نامه‌ها در میان جامعهٔ آماری توزیع و با استفاده از نرم‌افزار SPSS آلفای کرونباخ آن اندازه‌گیری شده است. با توجه به اینکه آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه عدد ۰/۹۱۴۷ به‌دست آمد. بنابراین، پایایی پرسش‌نامه نیز تأیید می‌گردد.

نتایج به‌دست آمده از آمار استنباطی

نتیجه‌گیری از آزمون فرضیهٔ اصلی

فرضیه	Sig	نتیجه
بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین روستایی رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۰۰۳	Sig < ٪۵ تأیید فرضیه

با انجام آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی معنی‌دار بودن رابطه بین متغیرهای این فرض در سطح اطمینان ۹۵٪ میزان p – value را محاسبه کرده که مقدار Sig = ۰/۰۰۳ و چون Sig < ۰/۰۵ می‌باشد، لذا، فرض صفر را رد کرده و فرض مقابل را پذیرفتیم. یعنی بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری از آزمون فرضیات فرعی

نتیجه‌گیری از آزمون فرضیهٔ فرعی اول

فرضیه	Sig	نتیجه
بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و نیاز به موفقیت زنان کارآفرین روستایی رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۰۰۲	Sig < ٪۵ تأیید فرضیه

با انجام آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی معنی‌دار بودن رابطه بین متغیرهای این فرض در سطح اطمینان ۹۵٪ میزان p – value را محاسبه کرده که مقدار Sig = ۰/۰۰۲ و چون Sig < ۰/۰۵ می‌باشد، لذا، فرض صفر را رد کرده و فرض مقابل را پذیرفتیم. یعنی بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و نیاز به موفقیت زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری از آزمون فرضیهٔ فرعی دوم

فرضیه	Sig	نتیجه
بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و خطرپذیری زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.	۰/۰۰۴	Sig٪ ۵ > تأیید فرضیه

با انجام آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی معنی‌دار بودن رابطهٔ بین متغیرهای این فرض در سطح اطمینان ۹۵٪ میزان p – value را محاسبه کرده که مقدار Sig = ۰/۰۰۴ و چون Sig < ۰/۰۵ می‌باشد، لذا، فرض صفر را رد کرده و فرض مقابل را پذیرفتیم. یعنی بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و خطرپذیری زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری از آزمون فرضیهٔ فرعی سوم

فرضیه	Sig	نتیجه
بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و استقلال‌طلبی زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.	۰/۰۰۱	Sig٪ ۵ > تأیید فرضیه

با انجام آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی معنی‌دار بودن رابطهٔ بین متغیرهای این فرض در سطح اطمینان ۹۵٪ میزان p – value را محاسبه کرده که مقدار Sig = ۰/۰۰۱ و چون Sig < ۰/۰۵ می‌باشد، لذا، فرض صفر را رد کرده و فرض مقابل را پذیرفتیم. یعنی بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و استقلال‌طلبی زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری از آزمون فرضیهٔ فرعی چهارم

فرضیه	Sig	نتیجه
بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و خلاقیت زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.	۰/۴۳۷	Sig٪ ۵ > تأیید فرضیه

با انجام آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی معنی‌دار بودن رابطهٔ بین متغیرهای این فرض در سطح اطمینان ۹۵٪ میزان p – value را محاسبه کرده که مقدار Sig = ۰/۴۳۷ و چون Sig < ۰/۰۵ می‌باشد، لذا، فرض صفر را رد کرده و فرض مقابل را پذیرفتیم. یعنی بین

استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و خلاقیت زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری از آزمون فرضیهٔ فرعی پنجم

فرضیه	Sig	نتیجه
بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و کانون کنترل درونی زنان کارآفرین روستایی رابطه معناداری وجود دارد	۰/۰۰۲	Sig٪ ۵ > تأیید فرضیه

با انجام آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی معنی‌دار بودن رابطهٔ بین متغیرهای این فرض در سطح اطمینان ۹۵٪ میزان p – value را محاسبه که مقدار Sig = ۰/۰۰۲ و چون Sig < ۰/۰۵ می‌باشد، لذا، فرض صفر را رد کرده و فرض مقابل را پذیرفتیم. یعنی بین استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و کانون کنترل درونی زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

امروزه همراه با تغییرات مختلف اقتصادی مانند خصوصی‌سازی، نقش و جایگاه زنان در اقتصاد نیز دستخوش تغییرات فراوانی شده است و زنان کارآفرین به عنوان بخش مهمی از پیکره بخش خصوصی نظام اقتصاد، در نظر گرفته می‌شوند. این در حالی است که نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهند که از ظرفیت‌های ارزشمند این منبع مهم استفاده کافی به عمل نمی‌آید. (Koreen , 2001)

بخش عظیمی از این نیروی توانمند، زنان کارآفرین روستایی می‌باشند. در کشور ما زنان روستایی در اغلب فعالیت‌های کشاورزی و دامداری نقش اساسی دارند و در نقاطی از کشور که بازارهای محلی وجود دارد، فعالیت بازاریابی و فروش محصول نیز به عهدهٔ زنان می‌باشد. علاوه بر اینها قالی بافی و صنایع دستی نیز محصول فعالیت این قشر عظیم می‌باشد. توسعهٔ هدفمند و درست این فعالیت‌ها سبب رشد اقتصادی در روستاها شده و سطح توسعهٔ اجتماعی و رفاه روستاییان را بالا می‌برد. از سوی دیگر، پدیدهٔ مهاجرت به شهرها را کاهش داده و در نهایت رشد و شکوفایی اقتصاد ملی را به دنبال خواهد داشت. امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی و تغییر در عادت‌های زندگی، کشاورزی سنتی، به تنهایی پاسخ‌گوی نیازهای روستاییان نخواهد بود و این فعالیت‌ها باید با علم روز همراه باشد.

طی سالیان اخیر سهم زنان در بخش‌های مختلف اقتصاد پیوسته رو به افزایش بوده و فاصله‌های جنسیتی رایج در فعالیت‌های اقتصادی رو به کاهش است (Weeks , 2001).

استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) یکی از روش‌هایی است که سهم زنان روستایی در فعالیت‌های کارآفرینی را توسعه می‌بخشد. به عنوان مثال، در بخش صنایع دستی، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از طریق افزایش مهارت‌های زنان روستایی و بازاریابی برای محصولات آن‌ها نقش مهمی‌ایفا می‌کند. نتیجهٔ آماری این پژوهش نیز نشان می‌دهد که میان استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین روستایی رابطهٔ معنادار و مثبت وجود دارد. اما متأسفانه زنان روستایی برای

دسترسی به ICT با مشکلات مختلفی روبه رو می‌شوند. عدم آشنایی با زبان انگلیسی، عدم داشتن مهارت کافی در استفاده از این اطلاعات و به‌طورکلی کمبود آگاهی در این زمینه، از جمله موانع مهم می‌باشد. طبیعی است که ارائهٔ آموزش‌های لازم تنها راهی خواهد بود که این موانع را کنار می‌گذارد. باید به این نکته توجه نمود که آموزش در این عرصه، هزینه نیست زیرا نتایج حاصل از کارآفرینی زنان روستایی، پیشرفت‌های بسیاری را به دنبال خواهد داشت.

پیشنهادات

پیشبرد فرآیند توسعهٔ کارآفرینی در میان زنان روستایی، بدون انجام مطالعات میدانی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن به ویژه در نقاط محروم و دور از مراکز شهری، امکان‌پذیر نخواهد بود. از این‌رو، انجام مطالعات میدانی برای بررسی عوامل و شرایط مورد نیاز اهمیت زیادی دارد. در این راستا پیشنهادات ذیل مطرح می‌شود:

- ✓ یکی از مهم‌ترین بایسته‌های بهره‌مندی از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، کسب مهارت‌های ویژه آن می‌باشد. آموزش کامپیوتر و مقدمات آن از جمله این موارد است.
- ✓ آگاهی از تجارب زنان موفق کارآفرین روستایی در موفقیت سایر زنان تأثیر قابل توجهی دارد. بنابراین، باید زنان موفق در این عرصه شناسایی و از تجربیات آنها استفاده گردد. در این راستا پیشنهاد می‌شود جلساتی در این ارتباط برگزار گردد تا به تبادل دانش و اطلاعات و نیز معرفی فعالیت‌های سودمند در این عرصه بپردازد.
- ✓ واگذاری امکانات کارآفرینی و کسب و کارهای روستایی از جمله تسهیلات مالی باید مورد توجه مسئولان ذی‌ربط قرار گیرد که این امر نیازمند حمایت‌های مالی و اعتباری از طرق مختلف می‌باشد.
- ✓ استفاده از اینترنت توسط یک زن در روستا هنوز در برخی از مناطق روستایی وجههٔ خوبی در میان زنان روستا ندارد و حتی حالت تدافعی برای مبارزه با آن وجود دارد. از این رو، پیشنهاد می‌شود که در این زمینه نیز برنامه‌هایی جهت فرهنگ‌سازی به‌خصوص برای زنان روستایی و کارآفرین صورت پذیرد.
- ✓ دسترسی به شبکه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در روستاها معمولاً با مشکلات فراوانی روبه‌رو است. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که تمهیداتی اتخاذ گردد تا بهره‌مندی از این شبکه در روستاها به‌خصوص برای زنان روستایی راحت‌تر صورت گیرد.
- ✓ بخش عمدهٔ دانش و توانایی‌های مربوط به کارآفرینی، آموختنی است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که دوره‌های آموزشی جهت ارتقای سطح دانش و مهارت زنان کارآفرین روستایی برگزار شود.

منابع

اخوان صراف، ا.، آراسته، م. (۱۳۸۷). کارآفرینی زنان و فناوری اطلاعات و ارتباطات. ماهنامهٔ کار و جامعه. شمارهٔ ۹۶ و ۹۷.

آذری نیا محمدعلی، (۲۰۰۸) «کارآفرینی دیجیتال، روند غالب دهه‌های آینده»، نشریهٔ کارآفرینی بین‌المللی.
ازکیا، م. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعهٔ روستایی، (بی‌جا).
افشاری، ز.، شیبانی، ا. (۱۳۸۳). بررسی اثر فناوری اطلاعات بر نابرابری جنسیتی (مطالعهٔ مقطعی بین کشوری). مجلهٔ تحقیقات اقتصادی، شمارهٔ ۶۶.
بارانی،ح.، قدسی راثی،ه. (۱۳۸۲). بیم‌ها و امیدها در توسعهٔ فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستاها. همایش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستا، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۵ و ۶ اسفند ماه.
بی نام، (آبان ۱۳۸۰)، روز جهانی زنان روستایی، ماهنامهٔ مروج، تهران، انتشارات فنی معاونت ترویج سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمد امیر، (۱۳۸۱)، نظریه های توسعهٔ روستایی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
پترین، تی. (۱۳۸۱). کارآفرینی به منزلهٔ یک نیروی اقتصادی در توسعهٔ روستایی. (مترجم: حمیدرضا زرنگار). نشریهٔ جهاد. سال ۲۲. شمارهٔ ۲۵۳.
تی. پ. (۱۳۸۱). کارآفرینی به منزلهٔ یک نیروی اقتصادی در توسعهٔ روستایی، حمیدرضا زرنگار، نشریهٔ جهاد، سال ۲۲، شمارهٔ ۲۵۳، مهر و آبان. ۶۳.
جلالی، ع.(بی تا). توانمندسازی زنان با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات. موجود در سایت انجمن زنان مدیر کارآفرین.
سوانسون، بتز و سو فرانکو، (۱۳۸۱)، بهبود ترویج کشاورزی، کتاب مرجع، مترجمان: غلامحسین صالح نسب، رضا موحدی، اسماعیل کرمی دهکردی، تهران، معاونت ترویج و نظام‌های بهره‌برداری، دفتر مطالعات و تلفیق برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی.
سوزنگر،ع. (۱۳۸۲). راهکارهای لازم جهت ورود و توسعهٔ ICT در روستاها و آشنایی با پروژهٔ اتوبوس اینترنتی. همایش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستا، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۵ و ۶ اسفندماه.
شریعت زاده، مهدی و چیذری، محمد. (۱۳۸۳). ویژگی های نیروی انسانی توسعه. فصل‌نامهٔ رهیافت. شمارهٔ۳۲.
شهبازی، اسماعیل. (۱۳۷۵)، توسعه و ترویج روستایی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
طاهرخانی، م. (۱۳۷۹). صنعتی شدن روستا: سنگ بنای استراتژی آیندهٔ توسعهٔ روستایی. تهران. ادارهٔ کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری.
طاهری، کبری، (۱۳۸۴)، «بررسی تأثیر اشتغال زنان بر قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده» پایان‌نامهٔ دورهٔ کارشناسی، دانشگاه پیام‌نور بهشهر.
عبادی، رحیم، (۱۳۸۴)، فناوری اطلاعات و آموزش و پرورش، تهران، نشر عروج.
فاضل نیا، غریب، افتخاری، عبدالرضا رکن الدین، (۱۳۸۴)، تبیین نظریه‌ای عوامل مؤثر بر شناخت و آگاهی روستائیان از توانش‌های خود و محیط پیرامون، فصل‌نامهٔ علمی– پژوهشی مدرس، دورهٔ نهم، شمارهٔ اول، پیاپی۳۸.

فاضل‌نیا، غریب، کیانی، اکبر، (اسفند ۱۳۸۲)، فناوری های اطلاعات و ارتباطات و تبیین نظریهٔ روستایی و روستای غنی و فقیر اطلاعاتی، مقاله ارائـه شـده در همـایش کـاربرد فنـاوری اطلاعات و ارتباطات در روستا، دانشگاه علم و صنعت تهران، مجموعه مقالات همایش.

فمـی، شـعبانعلی حسـین، (۱۳۸۵)، اصـول تـرویج و آمـوزش کشـاورزی، چـاپ اول، تهـران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

کرمی، ع، فنایی، ا، (۱۳۷۳)، بررسی نظریه‌پردازی هـا در تـرویج، جلـد دوم، معاونـت تـرویج و مشارکت مردمی، وزارت جهاد سازندگی، تهران.

کریمی، احمدرضا، صدیقی، حسین و فعلـی، سـعید. (۱۳۸۵)." آمـوزش الکترونیکـی نمـودی نوین در آموزش زنان با تأکید بر زنان روستائی". همایش زنان و اینترنت در هـزارهٔ سـوم. تهران. ۸ آبان ۱۳۸۵.

گل محمدی، فرهود، میردامادی، سید مهدی، معتمد، محمد کریم، (۱۳۸۶)، فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در اشتغال‌زایی و بهره‌وری زنان (با تأکید بر زنان روستایی)، فصل‌نامـهٔ مطالعات فرهنگی – دفاعی زنان، سال سوم، شمارهٔ ۱۰ و ۱۱.

لهسایی زاده، عبدالعلی، (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی توسعهٔ روستایی، نشر زر، شیراز.

مرادی نژاد همایون و همکاران، (۱۳۸۶)، تحلیل موانع توسعهٔ کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران، مجلهٔ علوم کشاورزی ایران، دورهٔ ۲ـ۳۸، شمارهٔ ۲.

مک دونالد. آیان، هیرل. دیوید، (۱۳۷۶)، مهارت‌هـای ارتبـاطی درخـدمت توسـعهٔ روسـتایی، مترجم: منصور شاه ولی، چاپ اول، ناشر: معاونـت تـرویج و مشـارکت‌هـای مردمـی وزارت جهاد کشاورزی، تهران.

مومونڈی، عبدالله، (۱۳۸۸)، ارتقاء اثربخشی آموزش‌های ارائه‌شـده در تعـاونی هـای روسـتائی زنان. مجموعه مقالات اولین نشست تعاونی‌های زنان.

مؤسسهٔ توسعهٔ روستایی ایران (۱۳۸۱). چالش ها و چشـم انـدازهای توسـعهٔ روسـتایی ایـران, تهران: دانشگاه تهران.

نوری، م. (۱۳۷۵). فناوری های اطلاعات و ارتباطات و فقر روستایی. همـایش کـاربرد فنـاوری اطلاعات و ارتباطات در روستا، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۵ و ۶ اسفندماه.

یونیسـف (۱۳۷۱)، راهبردهـایی در راسـتای تـرویج آمـوزش دختـران (بخـش آمـوزش و برنامه‌ریزی)، ترجمهٔ آتش برگ، محمد علی، تهران، چاپخانهٔ دفتر فرهنگ و نشر اسلامی.

Allen, S. and Trumman, C. (1993). Women in business perspectives on women Entrepreneurs .London: Routledgepress.14_27

Anonymus . (2004) , Technology Development and transfer for rural women in asia . available online:www.fao.org

Asian Development Bank. (2007). Premoting Rural Women Entrepreneurship in Transition Economies, Project Number: 40308, December 2007, Retrieved 5 DEC 2010 from http://www.adb.org/

Baker. H.R,(1987), Future Options and Prospects in rural extension and technology transfer, occasional paper in rural extension, No.1, University of Guelph, Ontario, Canada

Brid,B.J. and Brush,C.G.(2003).A Gendered Perspective on Organizational Creation:Entrepreneurship Theory and Practice.26(3).41-65

Brush, Bruin, Welter (2006) Introduction to the special Issue Toward Building Women`s Entrepreneurship, Entrepreneurship: Theory and Practice

Burch, john G. (1986). Entrepreneurship, United States of America: John Wiley& sons

Carter, S. (2005). Constraints on women enterprise. University of strathclyed in Glasgow, 27th June 2005

Carland . J . W , Boulton . W . R . (1984) ; Differentiating Entrepreneurs from small business owners : A conceptualization , Academy of Management Review .

Cochran,T. (1968). Entrepreneurship in D.L. Sills(ed). International Encyclopedia of the social sciences, Newyork. Free press. Pp10

Dollinger,M(2003). Entrepreneurship:Strategies and Resources,3rd ed., Prentice-Hall,Englewood Cliffs

Drucker,P (1985). The Disciplie of Innovation Harvard Business Review Maj-june

Fry . F . (1993) ; Entrepreneurship : A planning approach , Englewood Cliffs N . J . prentice – Hall

Gibb . A . (1987) ; Enterprise Culture – its Meaning and Implications for education and training , Journal of european industrial training , Vol . 11

Hambly , Odame , H . Hafkin , N . Wesseler , G , Boto , I , (September , 2002) , Gender and Agriculture in the information society , in : Briefing paper 55 , International Service for national agricultural research (ISNAR)

Hisrich, R. (2005). Entrepreneurship. New York: McGraw-Hill .Irwin

Hurley, A. (1999). incorporating feminist theories in to sociological theories of entrepreneurship, women in management review, vol.14, N.2. p14

Jylhankaugas, M. (2007). The Motivation Factors of Finnish Women to Become Entrepreneurs, Bachelor's Thesis, Retrieved 5 DEC 2010 from http://publications.theseus.f/

Koreen, M. (2001). Women Entreprenuers in SMEs: Restablishing the Benefits of Globalization and the Knowledge- Based Economy, Synthesis, Chapter 1, Women Entreprenuers in SMEs: Restablishing the Benefits of Globalization and the Knowledge- Based Economy, Second OECD Conference on Women Entrepreneurs in SMEs, Paris, 2001

Ming-Yen, W. and Chong, S.C. (2008). Improving Women Entrepreneurship in SMEs in Malaysia: Policy Recommendation, Journal of communication of the IBIMA, VOL 2, 2008

Nath , V . (April , 2002) , Empowerment and Governance Through ICT : Womens perspective . Internet & ICTs for social justice and development news-APC . Volume 11 , No . 1 , available online :www.iimahd. ernet. in/egov/ifip/apr2001/article1.htm

Ozer , D. Yilmaz , Y , Demiryurek , K , Gulcubuk , B , Talug , C .(October 12-14 , 2005) , Do Information and communication Technologies (ICTs) Have any Meaning for rural Woen? In : proceedings International Congress on information Technology in Agriculature , Food and Environment (ITAFE05)

Ramani. G,(1999), "Rural infrastructure Programmers for poverty reduction" Policy form the SRI LANKAN EXPERIENCE, institute of policy, Clombo, sirlanka

Rinkerton.J.R, Glazier.J.D, (1993) "Extending information resource in rural areas", Journal of extension, Vol.31, No.2

Tandelilin, E. (2010). Work Motivation between Women Entrepreneurs and Female Employees in Suraboya. Retrieved 10 DEC 2010 from http://fekon.unand.id/

Tom, W. and Jeann, H. (2008). Entrepreneurship, PITT Business Magazine, univesity of PITT SBURGH, spring 2008

Thompson, J & Geoff, A & Lees, A. (2000). Social entrepreneurship: A new look at the people and the potential, management decision, Vol 38, No. 5.p12

Weeks, R. J. (2001). The Face of Women entrepreneurs: What We Know Today, Chapter 3, Women Entreprenuers in SMEs: Restablishing the Benefits of Globalization and the Knowledge- Based Economy, Second OECD Conference on Women Entrepreneurs in SMEs, Paris, 2001

World Bank. (2007). The Environment for Women's Entrepreneurship in the Middle Eeast and North Africa Region, Retrieved 5 DEC 2010 from http://www.worldbank.org/

www. The World Bank .COM

بررسی ضرورت حمایت از تولید ملی با تأکید بر نقش کسب و کار خانگی زنان

هادی احمدی آزرم[1]
امیر نوری ساعد[2]
فاطمه کریمی[3]

چکیده

دنیای کنونی شاهد تغییرات عمده‌ای در عرصهٔ کسب و کار و محیط‌های کاری است. با توجه به مطالعات انجام‌شده، کسب و کارهای خانگی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، سهم قابل ملاحظه‌ای در ایجاد اشتغال و ارزش افزوده و حتی در صادرات به خود اختصاص داده است. این نوع اشتغال، مزایایی دارد که موجب اقبال بسیاری افراد از جمله زنان، به این روش برای درآمدزایی شده است. با توجه به اینکه کسب و کارهای خانگی در ایران به‌طور سنتی در قالب فعالیت‌های استاد شاگردی زمینهٔ تاریخی قابل توجهی دارد، حمایت از کسب و کارهای خانگی می‌تواند اثرگذاری بالایی در اقتصاد کشور داشته باشد. مشارکت اقتصادی زنان که نیمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند، سهم بالایشان در تولید ملی را نمی‌توان نادیده گرفت و از زنان می‌توان به عنوان موتور محرکهٔ اقتصادی نام برد که در همین‌خصوص توجه به بسیاری از مشاغل، از سنتی‌ترین تا نوظهورترین آنها که در طیف گستردهٔ مشاغل خانگی جای می‌گیرند می‌توان به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین محور این موتور محرکه برای ایجاد درآمد و اشتغال‌زایی در آرامش محیط مسکونی به تولید خدمت یا کالای قابل عرضه به بازار خارج از محیط مسکونی نام برد. نظر به اینکه مشاغل خانگی هزینهٔ بالایی را به خانواده‌ها تحمیل نکرده و موجب به‌کارگیری ظرفیت‌های شغلی خانگی شده و در عین حال باعث افزایش درآمد و در نهایت تولید ملی در کشور می‌شود، نگاه ویژه به این موضوع را بیشتر نمایان می‌کند. از سیاست‌های مهم در جهت حمایت از تولید ملی، بهبود فضای کسب و کار در کشور است که در این مقاله تأثیر مشاغل خانگی زنان بر تولید ملی نشان داده شده است.

واژگان کلیدی: کسب و کار خانگی، تولید ملی، ایران.

۱. کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، مدرس دانشگاه پیام‌نور مرکز بهار، Email:h.ahmadiazarm@gmail.com
۲. کارشناس ارشد علوم اقتصادی، مدرس دانشگاه پیام‌نور مرکز بهار، Email:saed313@gmail.com
۳. دکترای مدیریت اجرایی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، Email:mahoor1376@yahoo.com

مقدمه

یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی افزایش درآمد سرانه است که خود نتیجهٔ توسعهٔ اقتصادی و در عین حال، عامل تقویت آن نیز می‌باشد. رشد و توسعه در بخش‌های مختلف اقتصادی زمانی حاصل می‌گردد که نیروی انسانی به‌عنوان عامل زایش و انجام کار، بر اساس برنامه‌های دقیق و اهداف روشن کار کند. بنابراین، عامل کردن، زیربنای توسعهٔ اقتصادی معرفی می‌گردد. درآمد سرانه به‌عنوان شاخص مهم توسعهٔ اقتصادی که خود در قالب تولید ناخالص داخلی[1] GDP دیده می‌شود، عملاً و به‌طور اصولی در گرو فعالیت زیاد توأم با کارایی و اثربخشی در تمام بخش‌ها و سطوح اقتصادی است و دستیابی به کارایی و اثربخشی بالا در بازار کار کشور، ریشه در عوامل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، عدم بهره‌گیری از نیروی کار بالقوهٔ آنان که به‌صورتی مزمن و خطرناک خود را نشان می‌دهد، مانند آن است که به‌طور عمدی در جهت حذف بخش مهمی از نیروی کار بالقوه عمل نموده باشیم.

در محاسبات آماری برای تخمین ارقام مربوط به GDP، در بخش مربوط به زنان، این قشر به دو گروه فعال و غیرفعال تقسیم می‌شود. بخش فعال شامل جمعیت شاغل و بیکار (جویای کار) و بخش غیرفعال شامل زنان خانه‌دار، محصلین، افراد دارای درآمد بدون کار و سایرین می‌باشند. مطالعهٔ ترکیب جمعیت زنان غیرفعال بر حسب سن در کل کشور حاکی از آن است که در سنین ۱۹-۱۰ سالگی، اشتغال به تحصیل عمده‌ترین عامل عدم فعالیت زنان محسوب شده است، اما در سنین ۲۰ سالگی به بعد، زنان خانه‌دار بزرگترین گروه زنان غیرفعال را در کشور تشکیل می‌دهند (جزنی، ۱۳۸۲).

کسب و کارهای خانگی بخشی از فعالیت‌های اقتصادی است که در سال‌های اخیر به دلیل کاهش مشکلات راه‌اندازی و تسهیل ادارهٔ کسب و کار بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. روند توسعهٔ اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته بیانگر این واقعیت است که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است. کارآفرینی از طریق افزایش بهره‌وری منجر به رشد و توسعهٔ اقتصادی می‌شود و توجه به کسب و کارهای خانگی از طریق کاهش بیکاری و افزایش تولید ملی به توسعهٔ اقتصادی کمک می‌کند. از طرفی، به دلیل نقش زنان در اقتصاد خانواده و همچنین تناسب کسب و کارهای خانگی با فعالیت‌ها و وظایف سنتی زنان، ترویج و توسعهٔ کارآفرینی زنان در حوزهٔ کسب و کارهای خانگی نقش مهم و ارزنده‌ای در توسعهٔ اقتصاد ملی خواهد داشت.

در کشور ما در چند سال اخیر به موضوع کسب و کارهای خانگی توجه شده است و قبل از آن توجه ویژه‌ای در این خصوص وجود نداشته است. متأسفانه نظام آموزشی ایران نیز به جای این که کارآفرین باشد، عملاً کارجوپرور است به گونه‌ای که با زحمت و هزینهٔ زیادی افرادی را تربیت می‌کند که فقط می‌توانند شکاف‌های شغلی بسیار تعریف شده و کلیشه‌ای را پر کنند و افراد کارآفرین در این نظام کمتر پرورش می‌یابند. دربارهٔ نقش و اهمیت دولت در توسعهٔ کارآفرینی باید گفت که برخی از صاحب‌نظران، مقوله‌ای به نام دولت کارآفرین را

1. Gross domestic product

مطرح کرده‌اند. دولت‌های کارآفرین با حذف قوانین و مقررات زائد و دست و پاگیر، تشویق خلاقیت و نوآوری‌ها و حضور غیرمستقیم در بازار، فضای کسب و کار را بهبود بخشیده و تمایل و تلاش‌های راه‌اندازی کسب کار را افزایش می‌دهند. در کشور ما نوسانات اقتصادی در دورهٔ گذشته دست یافتن به پول‌های باد آورده در جریان این تغییرات، موجب شد که در مباحث اقتصادی به عنوان "کارتبلور یافته" شناخته می‌شد به‌صورت کالا و غنیمتی درآید که دستیابی به آن، لزوماً با انجام کار همراه نیست، بلکه زرنگی، اطلاع از اوضاع و مهمتر از همه شانس و اقبال بیشتر از کار در آن سهم دارد. این عوامل به همراه درآمد نفت که عمدهٔ آن را سود تشکیل می‌دهد و توسط دولت به مصرف می‌رسد، موجب شد پول به‌عنوان ارزش فی‌نفسه و تا حدودی مستقل از کار و بیشتر وابسته به شانس و اقبال در جهت تضعیف کارآفرینی عمل کند. زمانی که کسب و کارهای خانگی به‌عنوان یک شیوهٔ زندگی توسط اکثریت افراد جامعه و به‌خصوص زنان پذیرفته شود، آن جامعه بسیار سریع توسعه می‌یابد، زیرا سبب اشتغال، بهبود کیفیت زندگی، کاهش هزینه‌ها، تولید رفاه، ثروت و سرمایه، نوآوری و کاهش اضطراب‌های اجتماعی می‌شود. آنچه به اختصار به آن اشاره شد، جایگاه زنان در فعالیت‌های اقتصادی بود. اما آیا زنان نقش کمرنگی را در چرخهٔ اقتصادی ایفا می‌کنند؟ آیا در چرخهٔ تولید، توزیع و مصرف، تنها در حلقهٔ مصرف می‌توان برای زنان جایگاهی قابل ذکر قائل شد؟ آیا زنان جامعه که بخش اعظم آنان را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند، هیچ‌نوع ارزش افزوده‌ای در قلمرو فعالیت‌های خود ایجاد نمی‌کنند؟

ادبیات نظری موضوع

پدیدهٔ اشتغال و کار از ابتدای زندگی اجتماعی بشر، مورد توجه بوده است و اشتغال زنان همراه با مردان در مزارع و در خانه، امری عادی تلقی می‌شده و از آنجا که زنان در حدود نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، نقش آنان عمدتاً در برنامه‌های ملی و بین‌المللی، در رابطه با نحوهٔ برخورد با مقاطع مختلف زندگی و توسعهٔ سرمایه‌گذاری، در مناطق در حال پیشرفت مهم‌تر است که متأسفانه نادیده گرفته شده است. به طورکلی بررسی وضعیت زنان در جهان و به‌ویژه کشورهای جهان سوم، اهمیت مسأله را بیشتر می‌کند. زنان این نیروی عظیم، که انواع مختلف کارها را چه به‌صورت رسمی و چه غیررسمی انجام می‌دهند، چنانچه به استعدادهای بالقوهٔ آنان توجه شود، یکی از منابع سرمایه‌گذاری برای کشورهای در حال توسعه خواهند بود (امیرنژاد، ۱۳۸۷).

کار از خانه قدمت دیرینه‌ای داشته و شاید بتوان گفت که پیشینهٔ آن به ظهور مفهوم خانه و یکجانشینی انسان بازمی‌گردد. بخش اعظم فعالیت‌های اقتصادی مردمان قبل از عصر صنعتی شدن در خانه‌ها و محل زندگیشان صورت می‌گرفته و خلط مفهوم خانه و کسب و کار مفهوم غریبی نبوده است. با انقلاب صنعتی و گسترش نظام کارخانه‌ای رفته رفته مرز میان خانه و محل کار پررنگ‌تر شده به‌طوری‌که مراکز صنعتی و تجاری به‌عنوان محلی برای فعالیت اقتصادی و خانه به کانونی گرم و آرام‌بخش برای مردمان خسته از کار روزانه در این مراکز تبدیل گردید. وقوع یک شک اقتصادی حاصله از بحران انرژی اپک در سال ۱۹۷۳ باعث شد که توجهات دوباره نسبت به خانه به‌عنوان محل کار جلب گردد. به‌طوری‌که توصیه‌های کارشناسان و سیاست‌گذاران عرصهٔ اقتصادی به‌خصوص کارهایی که

نایلز[1] (۱۹۷۷) در این زمینه انجام داد به بازگشت دوبارهٔ بخشی از فعالیت‌های اقتصادی به خانه‌ها برای صرفه‌جویی‌های هزینه و انرژی به‌خصوص رفت و آمد، معطوف گردید (رابرتز، ۱۹۹۸). اما این تنها شروع ماجرا بود. صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که سه عامل دیگر باعث گردیده است که کسب و کارهای خانگی در سال‌های اخیر روند رو به رشدی را طی نماید (وبستر، ۲۰۰۴).

- ظهور، گسترش فناوری‌های جدید به‌خصوص فناوری اطلاعات و اتباطات که باعث رونق و توسعهٔ کارهای از راه دور و کسب و کارهای اینترنتی از قبیل خرید و فروش اینترنتی شده است.
- تغییر ساختار صنعتی و کوچکتر شدن سازمان‌ها و برون‌سپاری‌هایی که از یک سو موجب افزایش احساس ناامنی شغلی در افراد و تلاش بیشتر برای خود اشتغالی و کسب و کار مستقل و از سوی دیگر، توجه به کسب و کارهای خانگی که می‌تواند مرجع مناسبی برای این برون‌سپاری‌ها باشد.
- تغییر ارزش‌های اجتماعی از یک سو همچون تمایل افراد به آزادی و استقلال بیشتر در کار و حضور بیشتر در کنار خانواده و از سوی دیگر ارتقاء سطح استاندارد زندگی در میان خانواده‌های امروزین که نیاز به درآمد بیشتر و دوم را طلب می‌کند دو نیروی متضاد است که برآیند آنان راه‌اندازی یک کسب و کار در خانه را سبب می‌گردد (خنیفر، ۱۳۸۹).

مطالعات انجام‌شده

با توجه به آنکه نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، عدم بهره‌گیری از نیروی کار بالقوهٔ آنان که به‌صورتی مزمن و خطرناک خود را نشان می‌دهد، مانند آن است که به‌طوری عمدی در جهت حذف بخش مهمی از نیروی کار بالقوه عمل نموده باشیم. در سال ۱۹۸۳ مؤسسهٔ Instraw وابسته به سازمان ملل متحد با تشکیل جلسه‌ای با حضور اقتصاددانان برجسته، به تحلیل موقعیت و جایگاه زنان در اقتصاد پرداخت. نتیجهٔ این اجلاس دو سال بعد در مجلهٔ زنان و اقتصاد جهان[2] منتشر شد. در این جمع‌بندی تأکید بر ارتقاء جایگاه زنان در اقتصاد و بارز کردن اهمیت نقش ملموس زنان در شاخص‌ها و نماگرهایی که تعیین‌کنندهٔ رفاه و قابلیت‌های تولید یک کشور است، بیش از پیش توصیه شده است.

از جمله پژوهش‌ها و اقدامات انجام‌شده در زمینهٔ محاسبهٔ ارزش کار زنان خانه‌دار در منزل، تحقیقی است به نام «برآورد ارزش کار خانگی[3]» که در سال ۱۹۷۱ توسط اویل هاوریلشن[4] در کشور کانادا صورت گرفته است. در سال ۱۹۸۱ نیز وی با بهره‌گیری از روش پژوهش مذکور برآورد دیگری صورت داد که در آن تعداد ۱۲۰۷ نفر از زنان خانه‌دار به‌طور داوطلبانه به‌عنوان نمونهٔ آماری انتخاب شدند. برآورد ارزش کار زنان خانه‌دار در کانادا بر دو رویکرد کلی تکیه داشت که به عنوان روش‌های تحقیق مزبور معرفی شدند: ۱. روش هزینهٔ عملکرد فردی[5] و ۲. روش هزینهٔ فرصت.[6]

1. Niles
2. Women and the world economy 1985 and valuation of unpaid contribution
3. Estimating the value of household work
4. oil Hawrylyshn
5. Individual-Function-Cost(FC)
6. Household Opportunity-Cost(HOC)

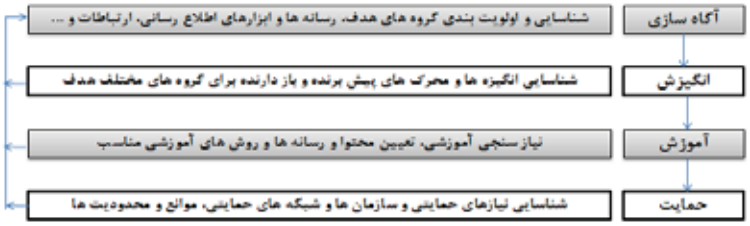
در روش هزینهٔ عملکرد فردی، هر یک از فعالیت‌های خانگی زنان خانه‌دار را با توجه به قیمت بازار ارزشیابی می‌کند. این روش نیازمند کسب اطلاعات دقیق پیرامون بها و ارزش هریک از فعالیت‌ها در بازار و تعیین دستمزد به‌ازای هر یک از خدمات فوق بود. روش هزینه فرصت، مستلزم محاسبهٔ کل زمان صرف‌شده از یک سو و هزینهٔ فرصت (دستمزد) فعالیت‌های انجام‌نشده در زمان‌های صرف‌شده بابت کار خانگی، از سوی دیگر می‌باشد. چنانچه بتوان کار خانگی زنان را وارد محاسبات اقتصادی نمود و آن را وارد حساب‌های ملی کرد، نتیجه‌ای شگفت‌انگیز به‌دست خواهد آمد. واقعیت آشکارا نشان‌دهندهٔ این است که میزان ساعات فعالیت‌های زنان به مراتب بیش از مردان است، زیرا همان‌طور که می‌دانیم بسیاری از زنان علاوه بر سهم برابر در تلاش‌های اقتصاد، به امور مربوط به خانه‌داری نیز می‌پردازند (جزنی، ۱۳۸۲).

تحقیقات پژوهشگرانی چون کوین دالی، اقتصاددانان بانک گلدمن ساکس، نشان می‌دهد که با افزایش اشتغال زنان در اقتصاد کشورها، زمینهٔ مساعدی برای بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی، به‌ویژه تولید ناخاص داخلی و سطح رفاه اجتماعی فراهم می‌گردد که در این صورت، تولید ناخالص داخلی آمریکا تا ۹ درصد، اتحادیه اروپا تا ۱۳ درصد و ژاپن تا ۱۶ درصد می‌تواند افزایش یابد (علوی لنگرودی، ۱۳۸۶).

ضرورت و اهمیت کارآفرینی زنان جهت توسعهٔ مشاغل خانگی

زنان در کشورهای رو به توسعه، امید اول برای ارتقاء خانواده‌ها و رشد و توسعهٔ کشورهای خود محسوب می‌شوند. موفقیت زنان کارآفرین در جوامع نه تنها سبب سودهای اقتصادی می‌شود، بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌کند. با توجه به توسعهٔ زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بیکاری زنان ضروری است که شرایط لازم برای توسعه و کارآفرینی زنان فراهم شود تا زنان با ایجاد کسب و کار و فرصت‌های شغلی برای خود و دیگران بتوانند معضل کنونی جامعه را پایان بخشند (احمدی، ۱۳۸۸).

توسعهٔ پایدار کارآفرینی خانگی، علاوه بر برنامه‌های آگاه‌سازی، انگیزش و آموزش کارآفرینی، مستلزم تعریف سازوکارهای حمایتی می‌باشد. بر این اساس، می‌توان فعالیت‌های آگاه‌سازی، انگیزش، آموزش و حمایت را به‌عنوان ابعاد چهار گانه برنامه‌های ترویج کارآفرینی برای توسعهٔ مشاغل خانگی معرفی نمود. طبیعی است حصول به اهداف مورد نظر در هر یک از ابعاد، مستلزم تعریف و تدوین برنامه‌ها و شیوه‌های اجرایی مناسب می‌باشد. با این توصیف می‌توان ابعاد محتوایی فرایند ترویج کارآفرینی را به‌صورت شکل ۱ در نظر گرفت (یعقوبی فرانی، ۱۳۸۹).



شکل ۱. ابعاد محتوایی فرایند ترویج کارآفرینی برای توسعهٔ مشاغل خانگی

تعریفی از کارآفرینی زنان

پرفسور لاوی دینا[1](۱۹۹۵)[1]، زنان کارآفرین را چنین تعریف می‌کند:

«شخصی که به تنهایی، با مشارکت یا از طریق ارث کسب و کاری را ایجاد کرده یا پذیرفته و یا با قبول مسئولیت‌های اجتماعی و اداری و مالی، در ادارهٔ امور روزانه شرکت می‌جوید.» شخصی که خطرهای مالی را به‌منظور ورود به کسب و کاری می‌پذیرد و با خلاقیت و نوآوری محصولات جدیدی را ایجاد و تولیدات جدید را گسترش می‌دهد تا در بازار خرید و فروش بر رقبا غلبه یابد (لاوی، ۱۳۸۸).

ضرورت توسعهٔ کارآفرینی زنان در شرایط کنونی

امروزه، جوامع با تحولات و تهدیدهای گستردهٔ بین‌المللی روبه‌رو هستند. تحولات و دگرگونی‌های نظام اجتماعی- اقتصادی عصر حاضر، حاصل از پیشرفت‌های شگرف علمی و فن‌آورانه است که در جایگاه خود موجب دیدگاه‌ها، ضرورت‌ها و نیازهای جدیدی شده است. برای پاسخ به این نیازها و همراهی با تحولات و دگرگونی‌های یادشده، نمی‌توان به روش‌ها و فرایندهای موجود اکتفا کرد. از این‌رو، تضمین و تداوم حیات و بقای جوامع، نیازمند ارائهٔ راه‌ها و روش‌های جدید به‌منظور رویارویی با مشکلات است. به همین خاطر که نوآوری، ابداع، تولید محصول جدید، فرایندها و روش‌های نو بیش از پیش ضرورت می‌یابد. به‌منظور استفادهٔ بهینه از توانایی‌های زنان و دستیابی به توسعهٔ اقتصادی، سیاستمداران با کمک اقتصاددانان و برنامه‌ریزان به دنبال ارائهٔ الگویی هستند که نقش کارآفرینی زنان را در توسعهٔ همه‌جانبه به ویژه توسعهٔ صادرات اقتصادی تقویت کند (احمدی، ۱۳۸۸). در عصر حاضر، طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار[2] به موازات صنعتی شدن کشورها، تعداد بیشتری از زنان، صاحب موقعیت‌های شغلی بیشتری شده‌اند. رشد و توسعهٔ اقتصادی موجب شد تا به زنان اجازه داده شود به آرزوی دست‌یابی به فرصت‌های شغلی با دستمزدهای بهتر که افق آن هرگز در گذشته به روی آن‌ها گشوده نشده بود، نایل شوند (قاسمی، ۱۳۸۷).

کشورهای پیشرفته صنعتی خیلی سریع توانستند نقش زنان کارآفرین را در توسعهٔ اقتصادی کشف کنند و به دنبال توسعه و ترویج چنین فرهنگی در میان زنان بوده و در این راستا سیاست‌های حمایتی مناسبی را در تقویت ویژگی‌های کارآفرینانه و بقای روحیهٔ کارآفرینی در میان زنان اتخاذ کرده‌اند. در واقع، در عرصهٔ کنونی جهان، زنان خلاق، نوآور و مبتکر به‌عنوان کارآفرینان، منشاء تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و نقش آنان به عنوان موتور توسعهٔ اقتصادی، قهرمانان ملی و توسعهٔ صنعتی، محرک و مشوق سرمایه‌گذاری، عامل ایجاد اشتغال، گزینهٔ اصلی انتقال فن‌آوری و عامل رفع خلل و تنگناهای بازار، در جوامع تبین یافته است (احمدی، ۱۳۸۸).

مفهوم کسب و کارهای خانگی

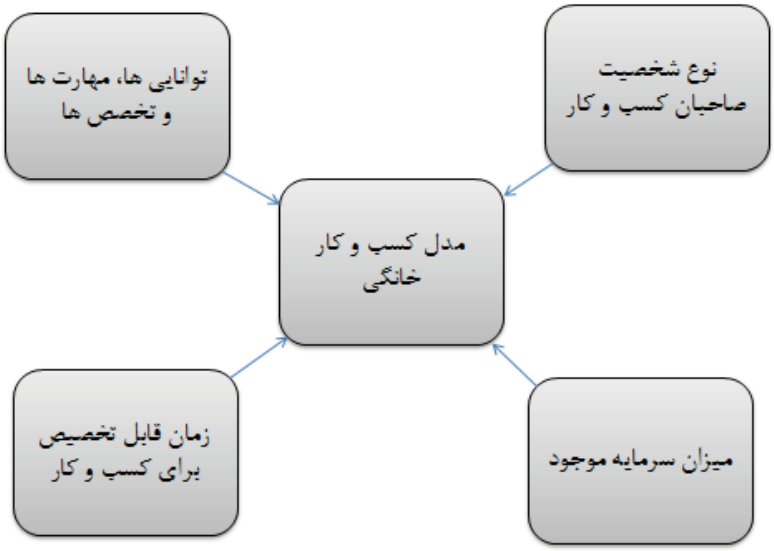
دنیای کسب و کار امروز و شدت رقابت شرایط سخت و بعضاً طاقت‌فرسایی را به بعضی از کارکنان تحمیل می‌کند. ساعات طولانی کار و وظایف و مسئولیت‌های مختلف نمونه‌ای از این

1. Lavoie Dina
2. International Labor Organization (ILO).

شرایط سخت بوده و این شرایط روز به روز در حال تشدید هستند. همین مسئله موجب‌شده که بسیاری از افراد تمایلی به کسب درآمد از طریق استخدام و کار برای شرکت‌ها نداشته و در جستجوی شغل و منبع درآمد مناسبی باشند. در همین راستا، مشاغل و کسب و کارهای خانگی می‌توانند بهترین گزینه محسوب شوند (ناطقی، ۱۳۸۹). بر اساس تعاریف علمی هر نوع فعالیت اقتصادی در محل سکونت شخصی که با استفاده از امکانات و وسایل منزل راه‌اندازی شود، کسب و کار خانگی است (احمدپور داریانی، ۱۳۸۸).

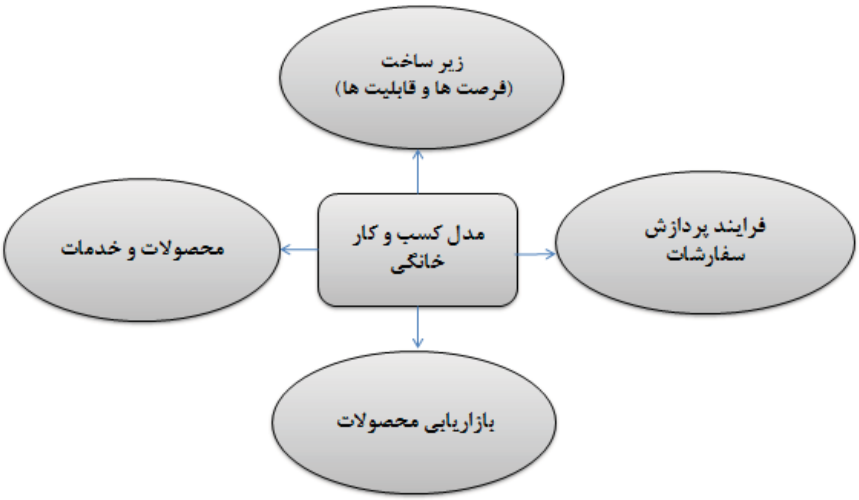
در کشور ماهم باید به شکل جدی به کسب و کارهای خانگی توجه کرد. گسترش کسب و کارهای خانگی در ایران هم بی‌تردید می‌تواند میزان بی‌کاری را کاهش دهد و از هزینه‌هایی که دولت صرف ایجاد شغل می‌کند، بکاهد. کارشناسان اعتقاد دارند که در کشور ما که سابقهٔ بسیار زیادی در زمینهٔ صنایع دستی و خانگی دارد، این نوع از کسب و کار می‌تواند به سرعت رشد کرده و گسترش یابد. کما اینکه هم‌اینک هم بسیاری در این عرصه فعالیت می‌کنند. تحصیلات بالای زنان و علاقهٔ آنان برای استفاده از تخصصشان، هزینه‌های بسیار گران فضاهای تجاری و اداری، نگرانی از بابت تربیت فرزندان و مقتضیات محیط سنتی به‌ویژه برای زنان، از عمده دلایلی است که می‌تواند به گسترش کسب و کارهای خانگی به‌ویژه برای زنان بینجامد (ناطقی، ۱۳۸۹).

اجرای یک کسب و کار خانگی، مانند هر فعالیت اقتصادی دیگری در خارج از منزل، نیازمند تلاش و صرف زمان است. تنها تفاوتی که وجود دارد این است که فرد مدیر خود است و دیگر مدیری که سرزنش و توبیخ کند وجود ندارد و همین مسئله به کسب و کارهای خانگی جذابیت خاصی داده است. در شکل ۲ عوامل مؤثر بر انتخاب مدل کسب و کار خانگی مناسب نشان داده شده است.



شکل۲. عوامل مؤثر بر انتخاب یک مدل کسب و کار خانگی مناسب

به‌طورکلی، می‌توان اجزا و عناصر تشکیل‌دهندهٔ یک مدل کسب و کار خانگی را به چهار بخش تقسیم کرد. این ۴ عنصر اصلی می‌توانند در مراحل ایجاد کسب و کار خانگی جدید نیز در نظر گرفته شوند. یک مدل کسب و کار برجسته و مناسب، تنها زمانی می‌تواند ایجاد شود که اجزا و عناصر آن شناسایی شده باشند. یک مدل کسب و کار خانگی دارای ۴ جزء اصلی شامل زیرساخت (فرصت‌ها و قابلیت‌ها)، فرایند پردازش سفارشات، محصولات و خدمات و بازاریابی برای محصولات می‌باشد. شکل ۳ اجزای یک مدل کسب و کار خانگی را نشان می‌دهد (ناطقی، ۱۳۸۹).



شکل ۳. اجزای یک مدل کسب و کار خانگی

نقش و سهم زنان در اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته

در دهه‌های اخیر سهم اشتغال و نقش‌آفرینی زنان در اقتصاد جهانی، بسیار بیشتر از نسل پیشین بوده است. علاوه بر این، درصد دانشجویان دختر در دانشگاه‌های جهان، نسبت به مردان بیشتر شده است. آنچه مسلم است این است که هرچه اشتغال زنان در بازار کار کشورهای مختلف افزایش بیشتری یابد، دنیای بهتر و ثروتمندتری شکل خواهد یافت. تبعیض‌های جنسیتی در بازار کار کشورهای درحال توسعه، به مراتب بیش از کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی است. بر اساس گزارش کمیسیون اقتصادی اجتماعی سازمان ملل[1] در مورد وضعیت اشتغال زنان در آسیا و اقیانوسیه آمده است: تبعیض‌های جنسیتی در آسیا و اقیانوسیه، هر سال ۴۲ تا ۴۷ میلیارد دلار به اقتصاد کشورهای این مناطق زیان وارد می‌کند و بخش عمدهٔ این ضرر هم به علت از بین رفتن یا بلا استفاده ماندن فرصت‌های شغلی مناسب زنان و محدود ماندن اشتغال فعال زنان به وجود می‌آید (علوی لنگرودی، ۱۳۸۶).

1. United Nation Economic and Social Commission

بالاتر رفتن نرخ اشتغال زنان می‌تواند به ابزاری کارآمد برای مقابله با مشکلات و معضلات ناشی از پیر شدن جمعیت کشورها نیز بدل گردد. به طور طبیعی، با افزایش تعداد افراد شاغل، نسبت افراد بازنشسته به کارگران فعال کاهش می‌یابد. از سویی دیگر، بر خلاف عقیدهٔ عوام، افزایش اشتغال زنان هیچ تأثیر ملموسی بر کاهش نرخ زاد و ولد[1]در میان زنان ندارد و لذا نگرانی افرادی که فکر می‌کنند اشتغال زنان موجب کاهش انگیزهٔ آنها برای بچه‌دار شدن می‌شود، کاملاً بی‌مورد است. بررسی‌های جامع نشان داده‌اند که هرچه شکاف بین سهم زنان و مردان از بازار کار و اشتغال کمتر باشد، زنان علاقهٔ بیشتری برای بچه‌دار شدن نشان می‌دهند. دلیل این مسأله آن است که در کشورهایی که در آنها مالیات بر مشاغل ثانویه (مشاغل زنان) بالاست، یافتن پرستار کودک ارزان قیمت دشوارتر می‌گردد. لذا، زنان مجبورند بین بچه‌دار شدن و کار کردن، یکی را برگزینند، اما در جوامعی که زنان شاغل در مشاغل ثانویه، مجبور به دادن مالیات‌های سنگین نیستند، هزینهٔ نگهداری از نوزادان پایین بوده و لذا گرایش به سمت بچه‌دار شدن درمیان زنان بیشتر مشاهده می‌شود.

بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران عرصهٔ اشتغال زنان، بر این اعتقادند که وضعیت جنسیتی اشتغال در حال دگرگونی چشمگیری است، به نحوی که ایتالیا و اسپانیا که بیشترین فاصله و شکاف جنسیتی اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند، طی چند سال اخیر، دست به خانه تکانی زده‌اند و زنان را بیش از مردان جذب بازار کار کرده‌اند. هم‌اکنون، بیش از نیمی از افزایش اشتغال در این دو کشور، ناشی از افزایش اشتغال زنان بوده است که این امر، تأثیرگذاری بیشتر و تعیین‌کننده‌تر اشتغال زنان بر تولید ناخالص داخلی این کشورها را به دنبال داشته است. با این همه، چنین پیشرفت‌هایی در آمریکا و ژاپن دیده نمی‌شود و این دو کشور همچنان از وجود شکاف جنسیتی در اشتغال رنج می‌برند. زنان آمریکایی و ژاپنی هنوز نتوانسته‌اند سهم قابل توجهی از بازار اشتغال کشورهای خود را تصاحب نمایند و از این حیث از زنان اسپانیایی و ایتالیایی خیلی عقب‌افتاده‌اند. زنان اسپانیایی موفق شده‌اند طی دههٔ اخیر، بالاترین نرخ افزایش سهم زنان از مشاغل جدید را به خود اختصاص دهند و از این حیث، رتبهٔ اول را در جهان کسب نمایند. زنان اسپانیایی بین ۲۰ تا ۳۰ ساله بسیار بیشتر و جدی‌تر از زنان آمریکایی و ژاپنی در پی شاغل شدن هستند و توانسته‌اند از این طریق، موجب حداقل نیمی از رشد بالای اقتصادی اسپانیا طی سال‌های اخیر گردند (علوی لنگرودی، ۱۳۸۶).

زنان، اشتغال و توسعه

حضور جدی زنان در فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار، همراه با روند تکامل اشتغال آنها، تغییرات بنیادینی در نقش سنتی ایشان به وجود آورده است. تغییر نقش سنتی زنان بدیهی است که در کشورهای در حال توسعه یا کم توسعه‌یافته از اهمیت خاصی برخوردار باشند، چرا که در اغلب این کشورها استفاده از نیروی زن متخصص پدیده‌ای نسبتاً جدید است. این امر روند تاریخی جامعهٔ بشری را در آستانهٔ تحولی بس عظیم قرار داده است. چنانچه باعث‌شده جوامع و فرهنگ‌های سنتی نیز به تغییر طرز تلقی خود نسبت به نقش زن ملزم

1. Fertility Rate

شوند. بدیهی است که در کشورهای مختلف نگرش‌ها و برداشت‌های متفاوت و حتی مقاومت‌های فرهنگی نسبت به کار زن در بیرون از خانه وجود داشته است.

دشواری جوامع سنتی در پذیرش اشتغال زنان به این دلیل است که در این جوامع معمولاً نقش آرمانی زن «نقش مادر و نقش همسر خانه‌دار» تلقی می‌شود و پذیرش نقش زن به عنوان بخشی از نیروی کار هنوز به‌خوبی جا نیفتاده است. گرچه، جوامع سنتی نیز در برابر پدیدهٔ فن‌آوری جدید و به دلیل سهولت ارتباط میان جوامع شدیداً در معرض تحول و دگرگونی قرار گرفته‌اند. بنابراین، اگر میزان اشتغال زنان به عنوان یک شاخص بررسی توسعه تلقی شود کاملاً قابل توجیه است. زیرا شاخص اشتغال زنان نهایتاً نمایانگر میزان تساهل فرهنگی و درجهٔ نوینه شدن آن جامعه است (جزنی، ۱۳۸۴).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

امروزه همه دریافته‌اند جوامعی که بیشتر به فکر متکی بوده‌اند تا به منابع زیرزمینی، در بلندمدت موفق‌تر و سرافرازتر بوده‌اند. منابع زیرزمینی در کشورهای در حال توسعه به رغم مزیت‌های آن از جمله موانع توسعه‌یافته‌گی محسوب شده است، در صورتی که نبود این منابع در برخی از کشورها باعث شده است تا آنها با استفاده از نیروی فکر، خلاقیت و ابتکار و در یک کلمه، کارآفرینی، از کشورهای پیشرو در جهان کنونی شوند. افزایش میزان توجه سیاست‌گذاران به این موضوع حساس و ضروری در جامعهٔ در حال رشد ما، زمینهٔ مناسبی برای بروز استعدادهای زنان و دختران کارآفرین به‌منظور توسعهٔ اقتصادی کشور فراهم خواهد ساخت. رسیدن به این هدف نیازمند همکاری نزدیک دولت در تدوین سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و قوانین، و محافل علمی در ارائهٔ راهکارهای اجرایی برای شناسایی، پرورش و شکوفایی استعدادهای این افراد است تا از این طریق بتوانیم هر چه بهتر و بیشتر از این ذخایر گرانبها و پایان‌ناپذیر به نحو احسن استفاده کنیم.

ضروری است به کارآفرینی که مقوله‌ای جوان در ایران است به طور جدی توجه شود و راهکارهایی که بتوان آن را در جامعه توسعه داد، اتخاذ کرد. ایجاد و بسط و توسعهٔ فرهنگ کارآفرینی در جامعه، به‌ویژه برای زنان، می‌تواند زمینهٔ تحرک نیمی از جمعیت جامعه را به‌گونه‌ای فراهم کند که در نهایت تولید ملی در کشور افزایش چشمگیری یابد و معضل بیکاری مهار شود. در این فرایند مهمترین راهبردها در باب اتخاذ سیاست‌هایی که به افزایش مشارکت زنان و سهم آنان در تولید ملی منجر می‌شود، ارائه می‌گردد:

- ✓ با توجه به نوع غالب خانواده در کشور ما که از گونهٔ خانواده‌گستر است و با توجه به انگیزه‌های بالای خانوادگی و بالاخص زنان در کسب و کارهای خانگی، تشویق و ترغیب برخی صنایع و خدمات به ایجاد طرح‌های مشارکتی و واگذاری بخشی از فرایند و چرخه تولید به خانواده‌ها مانند قطع کاری و سری کاری توصیه می‌شود.
- ✓ ایجاد بازارهایی جهت فروش محصولات حاصل از فعالیت زنان.
- ✓ تأسیس مراکز آموزش حرفه‌ای برای زنان، به‌منظور ارتقاء قابلیت‌ها و افزایش بهره‌وری.
- ✓ شناسایی و تقویت کانال‌های مناسب برای ارائهٔ خدمات مالی و غیرمالی به زنان کارآفرین.

- ✓ آموزش افراد در بخش‌های دولتی و بانک‌ها و دیگر مؤسسه‌های مالی یا اعتباری برای تشخیص توان اقتصادی کارآفرینان زن.
- ✓ پیشنهاد عمده و کلی تحقیق، با عنایت به عصر تغییر و آهنگ هزارهٔ سوم و تجارب ارزشمند سال‌های اخیر در خودکفایی و حضور مؤثر کارآفرینان در عرصه‌های تولید و پررنگ شدن نقش کارآفرینان خانگی این است که دولت سیاست واگذاری خدمات و ترغیب کارآفرینی و آموزش‌های لازم بالاخص در موضوعات زنان کارآفرین، و کسب و کارهای کوچک را پررنگ نماید.

منابع

احمدی، ف، عالیشوندی، س(۱۳۸۸) گسترش کارآفرینی میان زنان، مجلهٔ اقتصادی-ماهنامهٔ بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۸۹ و ۹۰، صفحهٔ ۴۲-۱۷.

احمدپور داریانی، م، عزیزی،م (۱۳۸۸). کارآفرینی، تهران: محراب قلم.

امیر نژاد، ق، محسن نسب، م(۱۳۸۷). دانشگاه کارآفرین، اشتغال زنان و کارآفرینی. ماهنامهٔ کار و جامعه، شمارهٔ ۱۰۱، صفحهٔ ۸۹-۷۵.

خنیفر، ح، احمدی آزرم، ه، زمانی فر، م (۱۳۸۹). نقش انگیزه‌ها و عوامل شناختی در کارآفرینی خانگی، همایش ملی توسعهٔ مشاغل خانگی، چالش‌ها- راهکارها، جهاد دانشگاهی.

قاسمی، م، جمشیدی کهساری، ح (۱۳۸۷). کارآفرینی زنان و موانع توسعهٔ آن، فصل‌نامهٔ تخصصی مرکز کارآفرینی پردیس قم دانشگاه تهران، شمارهٔ دوم، صفحهٔ ۹۵-۸۰.

جزنی، نسرین (۱۳۸۴). مدیریت منابع انسانی. نشر نی.

جزنی، نسرین (۱۳۸۲). ارزش کار خانگی زنان، ماهنامهٔ کار و جامعه، شمارهٔ ۵۲، صفحهٔ ۳-۱.

علوی لنگرودی، س (۱۳۸۶). نقش و سهم زنان در اقتصاد، ماهنامهٔ بانک و اقتصاد، شمارهٔ ۸۴، صفحهٔ ۲۴.

ناطقی، ع و همکاران (۱۳۸۹). معرفی برخی مدل‌های کسب و کار خانگی، همایش ملی توسعهٔ مشاغل خانگی، چالش‌ها- راهکارها، جهاد دانشگاهی.

یعقوبی فرانی، ا، موحدی، ر(۱۳۸۹). ترویج کارآفرینی، زمینه‌ساز توسعهٔ مشاغل خانگی، همایش ملی توسعهٔ مشاغل خانگی، چالش‌ها- راهکارها، جهاد دانشگاهی.

Roberts leisa patricia(1998), Home-Based Entrepreneurs, None-home-based Entrepreneurs and White-collar,Non-management Workers, dissertation submitted to the faculty of graduate studies in partial fulfillment of the requirements for doctor of philosophy, faculty of manadement,Calgary,Alberta.

Lavoie Dina (1995), forum sur I entrepreneurship feminine quebecois, montreal, ecoledes hautes etudes commericales montreal.

Walker Elizabeth Anne (2003), The use of business assistance by women home-based business operators. 16th Annual Conference of Small Enterprise Association of Australia and New Zealand,

Walker Elizabeth, Webster Beverley(2004), "Gender issues in home-based businesses". Women in Management Review Volume 19 .pp. 404-412.

بررسی عوامل پیش‌برنده و بازدارندۀ مشارکت زنان روستایی در توسعۀ پایدار روستایی و کشاورزی

بهمن خسروی پور[1]
زینب محمدی کربلایی[2]

چکیده

در توسعۀ پایدار روستایی و کشاورزی توجه به منابع انسانی از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت روستا را زنان روستایی تشکیل می‌دهند، می‌توان به نقش ویژۀ آنان در پیشرفت و توسعۀ روستا اشاره نمود. مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تولیدی حائز اهمیت بوده و زمینه‌ای را در جهت خودکفایی و استقلال روستا فراهم می‌آورد. از این‌رو، زنان روستایی نیازمند آگاهی و آموزش جهت افزایش توانایی‌های خود هستند. این امر در تمامی جوامع روستایی به‌عنوان یک عامل مهم در دستیابی به اهداف توسعۀ پایدار مطرح می‌باشد. در هر صورت، علی‌رغم اهمیت حضور زنان روستایی در ابعاد مختلف در روستا، جایگاه آنان در راستای توسعۀ پایدار روستایی و کشاورزی به‌خوبی شناخته نشده و نقش آنان بعضاً نادیده گرفته می‌شود. به هر حال، لازم است عواملی که می‌توانند در ایفای این نقش تسریع بخشیده شناسایی، و مشکلات این موضوع نیز بررسی شود تا زنان روستایی بتوانند توانایی‌های خود را نشان داده و استعدادهای خود را شکوفا سازند. این مقاله که به روش مروری و با استفاده از منابع مکتوب و سایت‌های اینترنتی تدوین شده است تلاش دارد، ضمن شناسایی عوامل پیش‌برنده و بازدارندۀ مشارکت زنان روستایی در توسعۀ پایدار روستایی و کشاورزی اهمیت مشارکت، اشتغال و توانمندسازی آنان به عنوان بخش مهمی از جوامع روستایی را بررسی و در این رابطه راهکارهای کاربردی لازم را ارائه نماید.

واژگان کلیدی: مشارکت، اشتغال، زنان روستایی، توسعۀ پایدار روستایی، توسعۀ پایدار کشاورزی.

---

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان،
Emailb.khosravipour@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی- ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان
EmailLzeynab.mohmedi@yahoo.com

مقدمه

رسیدن به خودکفایی، استقلال، توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی مستلزم مشارکت همهٔ افراد جامعه روستایی در فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی و اجتماعی است، از این‌رو، نمی‌توان مشارکت نیمی از جمعیت جامعه، یعنی زنان روستایی را نادیده گرفت چرا که، دستیابی به توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصهٔها امکان‌پذیر نیست (عسگریان دهکردی و همکاران، ۱۳۸۸). در تمامی جوامع، زنان روستایی به‌عنوان یک عامل مهم در رسیدن به اهداف توسعه مطرح بوده و دارای توان بالقوه‌ای در افزایش سطح بهره‌وری جامعه هستند، از طرفی با توجه به نقش‌های متعددی که زنان در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تربیت نسل، ادارهٔ زندگی و سازندگی خود ایفاء می‌کنند، ضرورت آموزش آنان در تمامی ابعاد بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین، طراحی و اجرای مناسب برنامه‌های آموزشی- ترویجی برای این قشر جهت دستیابی به اشتغال و بهبود وضعیت اقتصاد در زندگی فردی و اجتماعی حائز اهمیت می‌باشد (خسروی‌پور و برادران، ۱۳۸۲). با گسترش دیدگاه توسعهٔ پایدار در سال ۱۹۸۰، توجه به زنان در فرایند توسعهٔ انسانی وارد مرحلهٔ جدیدی گردیده است، بدین ترتیب، توجه به توانمندسازی زنان در فعالیت‌های مختلف امری غیرقابل اجتناب و ضروری است (عسگریان دهکردی و خسروی‌پور، ۱۳۸۹). به هر حال، در میان مشارکت فراگیر اقشار مختلف روستایی در برنامه‌های توسعه پایدار روستایی و کشاورزی، مسئلهٔ مشارکت زنان روستایی، مسئله‌ای بسیار مهم است و از آنجا که زنان روستایی درصد قابل توجهی از نیروی فعال جامعه را به خصوص در بخش‌های روستایی تشکیل می‌دهند، مشارکت آنان در عرصهٔ تولیدات، فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و اشتغال آنان از اهمیت فوق‌العاده ای برخوردار است. هدف این مطالعه، بررسی عوامل پیش‌برنده و بازدارندهٔ مشارکت زنان روستایی در توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی می‌باشد. در این مقاله با تأکید بر اهمیت مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف و ضرورت آموزش آنان در جهت توانمندسازی، راه‌هایی به‌منظور برطرف نمودن موانع و مشکلات آنان ارائه می‌شود. مقالهٔ حاضر به روش مروری است و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از منابع مکتوب و سایت‌های اینترنتی تدوین شده است.

تعاریف و مفاهیم

مشارکت

مشارکت به معنای شرکت نمودن مردم در گروه، دسته، سازمان اجتماعی و دخالت در امور جامعه و تصمیم‌گیری است، به نحوی که هر یک از اعضاء دارای رأی و نظری برابر و همتراز با دیگران باشد. بدین ترتیب، همهٔ گروه‌های مردمی، در همهٔ مراحل توسعه شرکت می‌نمایند (اشرف حامدی، ۱۳۸۵). مشارکت، شرکت آگاهانه و خودانگیختهٔ افراد در برنامهٔ توسعه است و از ارکان اساسی توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی به‌شمار می‌رود (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۱) در واقع، می‌توان مشارکت را دخالت مردم در توسعه و تکامل خود، زندگیشان و محیط زیست دانست. نگرش سیستمی به توسعهٔ روستایی و کشاورزی، پدیدهٔ مشارکت را امری طبیعی و کاملاً بنیادی نشان می‌دهد. در حقیقت، مشارکت همهٔ اقشار پیش‌نیاز اهداف

توسعه است (علی بیگی و بنی عامریان، ۱۳۸۷). به عقیدهٔ ون دن بن و هاوکینز مشارکت یعنی همکاری افراد در اجرای برنامه‌ها، سازماندهی فعالیت‌ها به وسیلهٔ مردم، تهیهٔ اطلاعات مؤثر برای یک برنامه‌ریزی و مشارکت افراد در تصمیم‌گیری و ارزشیابی و...است. مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه، غالباً به عنوان راهی برای توفیق بیشتر برنامه‌ها است. به‌خصوص این امر جهت حل مشکلات مردم فقیر بسیار پرفایده و سودمند است (تبرائی و زمانی‌پور، ۱۳۸۸). در سال‌های اخیر بر اهمیت مشارکت هم به‌عنوان یک وسیله و هم به‌عنوان یکی از هدف‌های مهم توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی اشاره شده است (زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۸). به هر حال، در فرایند توسعه، مشارکت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، به‌گونه‌ایی که مفهوم مشارکت، امروزه تبدیل به یکی از واژه‌های مهم در فرهنگ توسعه شده است (انجم شعاع و همکاران، ۱۳۸۵).

توسعهٔ پایدار روستایی

در تعریف توسعهٔ پایدار روستایی تعریف واحد و مشخصی وجود ندارد. سعی شده است به برخی از آنها که، توسط صاحب‌نظران مطرح شده است، اشاره شود، توسعهٔ پایدار روستایی را می‌توان بهبود شرایط زندگی توده‌های قشر کم‌درآمد ساکن روستا، و خودکفا ساختن آنان دانست (ازکیا، ۱۳۸۵). به هر حال، توسعهٔ پایدار روستایی یک فرایند توسعه بخشیدن و مورد استفاده قرار دادن منابع طبیعی، انسانی، تکنولوژی، تسهیلات زیربنایی، نهادها و سازمان‌ها، سیاست‌های دولت و برنامه‌ها به‌منظور رشد اقتصادی در مناطق روستایی جهت اشتغال و بهبود کیفیت زندگی روستایی برای ادامهٔ زندگی و پایداری حیات می‌باشد. این فرایند علاوه بر رشد اقتصادی، درگیر تغییرات در طرز رفتار و در بسیاری موارد حتی شامل تغییر در عادات و اعتقادات مردم نیز می‌باشد. فرایند توسعهٔ روستایی در برگیرندهٔ تمامی تغییرات است که به‌وسیلهٔ آن یک جامعهٔ روستایی از شرایط زندگی نامطلوب به سمت زندگی مطلوب حرکت می‌کند (زمانی‌پور،۱۳۸۷). همچنین، می‌توان توسعهٔ روستایی را به‌معنای بلوغ اندیشه‌ها و تلاش پیگیر و اقدام مصممانهٔ روستاییان برای بهسازی جامعهٔ خویش، از طریق خودآموزی، خودیاری و همیاری دانست (شهبازی، ۱۳۸۴).

توسعهٔ پایدار کشاورزی

در تعریف توسعهٔ پایدار کشاورزی، تعریف ثابتی وجود ندارد، برخی آن را گذر از کشاورزی سنتی دانسته‌اند و بعضی دیگر آن‌را فرایندی می‌دانند که در طی آن به تدریج اوضاع اقتصادی و اجتماعی اکثریت کشاورزان یک کشور بهبود و اصلاح می‌شود. همچنین، به موضوع افزایش دسترسی به غذا و حفاظت و بهبود منابع طبیعی اشاره دارد (زمانی‌پور، ۱۳۸۷). امروزه روند افزایش رشد جمعیت، لزوم تأمین غذا برای آنان و در نتیجه فشار بیشتر بر منابع موجود است که می‌تواند محیط زیست و حیات نسل‌های آتی را با خطر مواجه سازد، این امر باعث توجه بیشتر کشورهای جهان به توسعهٔ پایدار کشاورزی شده است. چالش اساسی در نظام‌های کشاورزی پایدار استفاده و بهره‌وری بهینه از منابع موجود می‌باشد (رزاقی بورخانی و نظری، ۱۳۸۸). بنابراین، بخش کشاورزی و منابع طبیعی یکی از مهم‌ترین

و اساسی‌ترین بخش‌های تولیدی است و حمایت از این بخش موضوع بسیار مهمی می‌باشد (مختاری حصاری و همکاران، ۱۳۸۶) در این بین کم‌آبی، مصرف بیش از اندازهٔ مواد شیمیایی و عوامل تخریب جنگل‌ها و مراتع و اراضی که نتیجهٔ فعالیت‌های انسانی است و همهٔ اکوسیستم‌های بخش کشاورزی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تخریب‌ها آسیب‌پذیری خانوارهای روستایی و عشایری را افزایش داده و به نوبهٔ خود موجب افزایش فشار بیشتر، بر منابع طبیعی می‌گردد (کرمی دهکردی،۱۳۸۷).

اهمیت مشارکت

نگاهی به اهداف، اصول و فلسفهٔ توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی نشان می‌دهد که توسعهٔ پایدار در گرو مشارکت همهٔ اقشار روستایی در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها است (کوشکی و همکاران،۱۳۹۰). در توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی، مردم روستایی ثروت واقعی هر ملّتی را تشکیل داده و هدف توسعه، ایجاد شرایطی است که مردم بتوانند از عمر طولانی و زندگی سالم بهره‌مند شوند. به عبارت دیگر، توسعه وسیله‌ای برای رشد و تعالی انسان‌هاست، بنابراین، انسان بالاترین اهمیت را در توسعهٔ پایداردارد. توسعهٔ پایدار علاوه بر توجه به مسائل اقتصادی، بیشتر به سمت اهداف انسانی، آزادی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فرصتی برای دستیابی به نقشی خلاق و سازنده و برخورداری از منزلت شخصی گرایش دارد. بنابراین، برای دستیابی به توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی مشارکت مردم در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک مسئلهٔ بنیادی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴). به هر حال، مشارکت در جوامع روستایی از دیرباز یکی از ابزارهای مهم زندگی انسان‌ها در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بوده و به همین منظور نهادهایی بر پایهٔ مشارکت و مبتنی بر نیاز تشکیل یافته است که هنوز هم به حیات خود ادامه می‌دهند (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۹). نقش نهادینه‌سازی مشارکت مردم محلی و کشاورزان به‌وسیلهٔ سازمان‌های جامعهٔ مدنی به‌طور اعم و سازمان‌های کشاورزان به‌طور اخص، به‌عنوان مؤلفهٔ نهادی توسعهٔ پایدار کشاورزی، عاملی ضروری برای موفقیت در توسعهٔ پایدار روستایی است (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵).

ضرورت و اهمیت مشارکت و اشتغال زنان روستایی

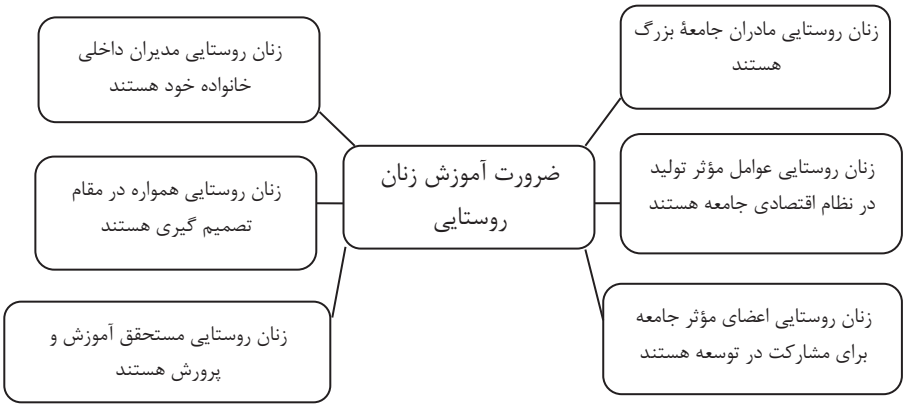
نقش زنان روستایی تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیکی است، آنان به‌عنوان یکی از پتانسیل‌های قابل توجه در جوامع روستایی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت‌های مختلف روستایی مشارکت دارند (Vahedi etal،۲۰۱۲)، نقش زنان به دلیل جایگاه تاریخی، خانوادگی و نیز تمایلات فطری آنان سبب شده که محققین به نقش برجستهٔ آنان در مسائل زیست‌محیطی پی‌برده و ضرورت مشارکت آنان در مسائل زیست‌محیطی، تولید محصول سالم (بابایی بازکیانی و همکاران، ۱۳۸۹)، امنیت غذایی، تولیدات کشاورزی، توسعه و بهبود وضعیت اقتصادی و ثبات مناطق روستایی را مطرح نمایند، اما با این حال این قشر زحمتکش با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند (.Butt etal، ۲۰۱۰). در تمامی جوامع، زنان روستایی به‌عنوان یک عامل مهم در رسیدن به اهداف توسعهٔ

پایدار روستایی و کشاورزی می‌باشند (سروش‌مهر و رفیعی، ۱۳۸۸)، به همین دلیل، در خانوادهٔ روستایی، هر کدام از اعضای خانواده از مرد و زن و کودک در امر تولید، وظیفهٔ معینی بر عهده دارند و برحسب قدرت و توانایی خود سهمی از کار را انجام می‌دهند. در این میان، ارزشیابی دقیق از کار زنان در خانوادهٔ روستایی امری دشوار به‌نظر می‌رسد، زیرا وضعیت زنان در خانوادهٔ روستایی به‌گونه‌ای است که خانه‌داری و کارهای تولیدی را با هم انجام می‌دهند (نیک‌خلق،۱۳۸۴)، در حقیقت زنان روستایی وظایف و نقش‌های مختلف و متعددی به‌عهده دارند. از جمله می‌توان به همسر، مادر، تولیدکنندهٔ محصولات زراعی و باغی، شرکت در فعالیت‌های دامداری، صنایع دستی، فن‌آوری، بازاریابی، تهیهٔ خوراک، غذا و... اشاره نمود (غفاری و ترکی هرچگانی،۱۳۹۰)، زنان روستایی همچنین رکنی از واحدهای تولیدی و ساختار اقتصادی جوامع به‌شمار آمده و فعالیت آنان در توسعهٔ روستایی و اقتصادی جامعه واقعیتی غیرقابل‌انکار است. بنابراین، با فراهم نمودن زمینه‌ای برای توانمندسازی و اشتغال مناسب ویژهٔ زنان روستایی، می‌توان نقش آنها را نمایان‌تر کرد، وجود زنان ماهر در عرصهٔ تولید از اساسی ترین عوامل توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی است. در نتیجه، برای ایفای وظایف و نقش‌های خود در جنبه‌های مختلف نیاز به آگاهی، توسعهٔ دانش، مهارت‌های لازم تولیدی و کارآفرینی می‌باشند (کرمی و همکاران،۱۳۸۸). میرک‌زاده و همکارانش (۱۳۸۹) به نقل از آگهی (۱۳۸۴) اظهار نمودند، وضعیت زنان هر جامعه نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه است و سربلندی و پیشرفت کشورها در گرو استفادهٔ هدفمند از تمامی نیروها و استعدادهای انسانی خود، از جمله زنان می‌باشد. مشارکت زنان روستایی و توجه به مسئلهٔ اشتغال آنان در فرایند توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی نه‌تنها ضرورت دارد، بلکه استفاده از توانمندی‌های زنان روستایی در سازندگی روستاها و افزایش تولید و درآمد خانوار روستایی و بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی روستایی و فراهم نمودن شرایطی اشتغالی برابر با مردان از اساس کار محسوب می‌شود (زمانی‌پور،۱۳۸۷). در مورد مشارکت زنان روستایی در فرایند توسعه، در سال‌های گذشته و در بسیاری از مجامع بین‌المللی بحث‌های فشرده‌ای شده است،که توسعه را یک فرایند انسانی دانسته که با مردم شروع شده و باعث پیشرفت مردم می‌شود، و ضرورت مشارکت و توجه به اشتغال در جریان طرح‌های توسعه را نشان می‌دهد (Bamgose&Kongolo ،۲۰۰۲).

ضرورت آموزش زنان روستایی

امروزه در میان سرمایه‌های متنوعی که برای توسعه وجود دارد، بدون شک، سرمایهٔ انسانی از اولویت خاصی برخوردار است و طبیعی است که سرمایه‌گذاری در این زمینه موجب پرورش افرادی خبره، ماهر، آگاه و رشدیافته می‌شود (نگهدار،۱۳۸۲)، با توجه به اینکه زنان روستایی بیش از یک سوم از جمعیت فعال جهان را تشکیل داده و نقش‌های متعددی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارند، ضرورت آموزش و پرورش زنان روستایی در تمامی ابعاد، بیش از پیش احساس می‌شود. زنان روستایی در شرایط بسیار سنتی کار می‌کنند، با ابزارهای اولیهٔ سنتی کشاورزی سر و کار دارند و فاقد اطلاعات لازم دربارهٔ سیستم‌های جدید زراعی، دامداری و...می‌باشند (خسروی‌پور و برادران،۱۳۸۲). به همین منظور، آموزش و

پرورش اعضای هر جامعه به‌ویژه زنان، همواره امری مهم و لازم است. این امر به‌خصوص برای زنان روستایی که در محرومیت به سر می‌برند حائزاهمیت بیشتری است، پس می‌توان علو انگیزه‌های اصلی، برای آموزش زنان روستایی را در شش قالب کلی در نمودار(۱) نشان داد (شهبازی،۱۳۸۴):

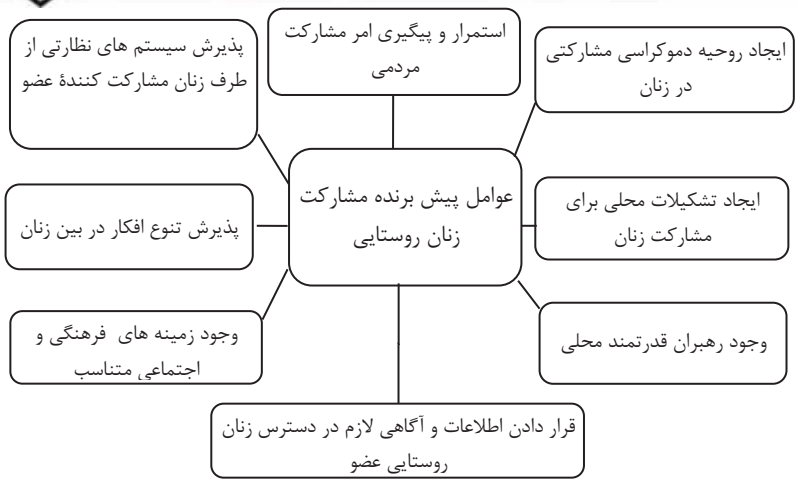


نمودار۱. ضرورت آموزش زنان روستایی

به هر صورت، آموزش زنان روستایی یکی از بهترین راهبردها برای تضمین موفقیت در ارتباط با توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی است (عباس پور،۱۳۸۲). کرمی و همکارانش (۱۳۸۸) به نقل از محبوبی (۱۳۷۴) بیان نمودند، در نظام آموزشی _ ترویجی باید شناختی کلی از جایگاه زنان در اقتصاد جامعهٔ روستایی و نیازهای آنها صورت گیرد، زیرا زنان روستایی اعضای مؤثر در روند توسعهٔ روستایی، تولید محصولات کشاورزی و مولدان آیندهٔ مکتب آموزشی ترویج به‌شمار می‌روند. نقش ترویج به‌عنوان یک نظام آموزشی خاص، یاری مردم روستایی، بهبود موقعیت اقتصادی، اجتماعی، تغییر در دانش، بینش، نگرش و مهارت افراد در جهت مثبت می‌باشد (فتوتی و همکاران،۱۳۹۰) به همین منظور، برگزاری دوره‌های آموزشی از جمله راه‌های علمی و عملی افزایش سطح دانش و مهارت می‌باشد و می‌بایست این دوره‌های آموزش محتوای آنها متناسب با نیازهای واقعی شرکت‌کنندگان باشد که در نهایت افزایش تولیدات و بهبود کیفیت زندگی آنها را به همراه دارد (Asdolahpour ،۲۰۰۶).

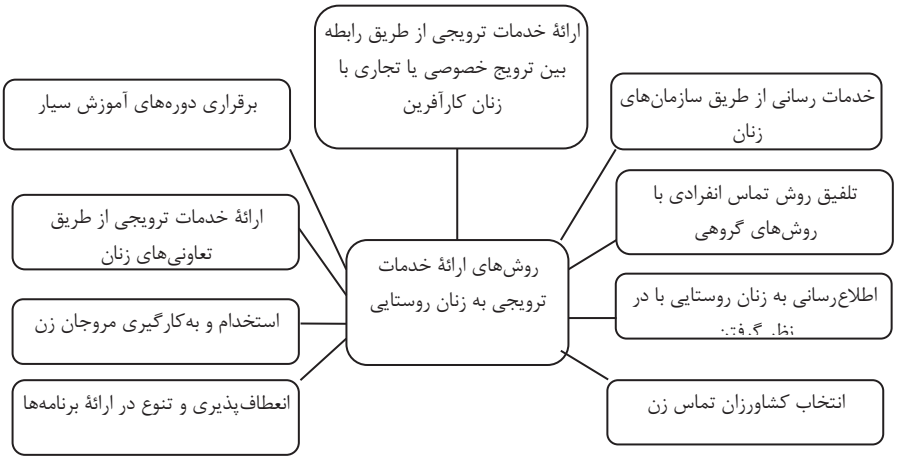
عوامل پیش‌برندهٔ مشارکت زنان روستایی

روند تحول مشارکت زنان روستایی در طول دهه‌های اخیر با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است (Anabestani etal.،۲۰۱۲). اهمیت مشارکت زنان روستایی به‌گونه‌ای است که بدون حضور آنان امکان دستیابی به توسعهٔ روستایی ناممکن است. هرچه امکان مبادلهٔ اطلاعات بین زنان با مسئولین در محیط روستا بیشتر باشد، به همان نسبت آگاهی‌های آنان توسعه‌یافته‌تر و امکان برنامه‌ریزی جهت انتقال اطلاعات، آگاهی و تجارب بیشتر خواهد بود (میرترابی و همکاران،۱۳۸۹). به‌همین منظور برخی از عوامل مؤثر در مشارکت زنان روستایی در نمودار(۲) نشان داده می‌شود (غلامعلی زاده ورضایی مقدم،۱۳۸۸):



نمودار۲. عوامل پیش‌برندهٔ مشارکت زنان روستایی

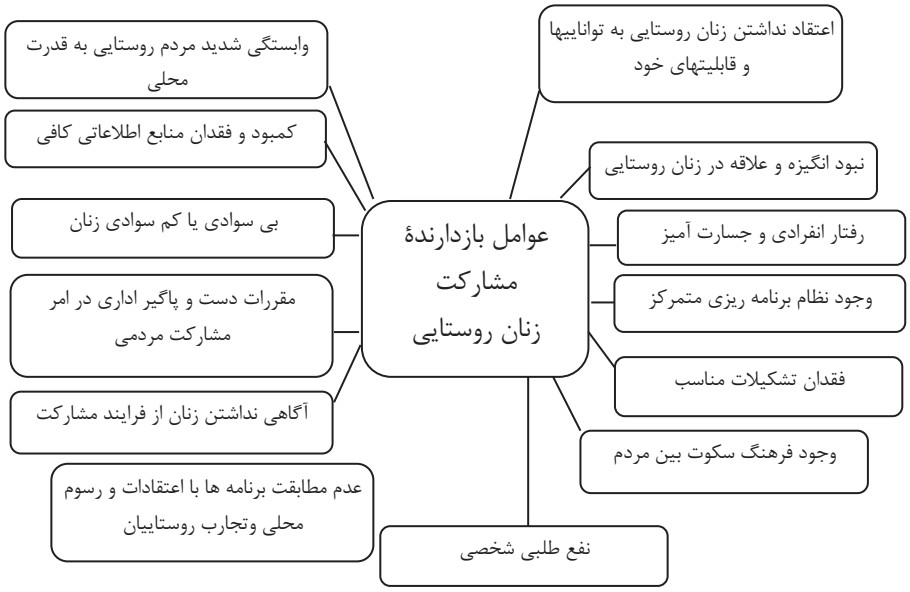
بر این اساس، رهیافت‌های مشارکتی بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. زیرا به کمک آنها نیازهای واقعی روستاییان مشخص و برنامه‌هایی اجرا می‌شود که بتواند مشکلات واقعی از جمله اشتغال آنان را حل نماید. مشارکت زنان روستایی در برنامه‌ها باعث بهبود خدمات‌رسانی برنامه‌های ترویجی در روستا شده، همچنین موجب شده که زنان روستایی مهارت‌ها و دانش بالقوهٔ خود را به فعلیت درآورده و توانایی‌های خود را شناسایی نمایند. به همین دلیل، در ارائهٔ خدمات ترویجی به زنان روستایی در جهت مشارکت آنان در برنامه‌های توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی روش‌هایی به‌کار گرفته شده است، به‌همین منظور، به برخی از آنها در نمودار (۳) اشاره می‌شود (شعبانعلی فمی، ۱۳۸۹):



نمودار۳. روش‌های ارائهٔ خدمات ترویجی به زنان روستایی

عوامل بازدارندهٔ مشارکت زنان روستایی

دستیابی به اهدف توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی بدون مشارکت زنان روستایی غیرممکن است. تجربیات جهانی نشان داده است که به‌منظور موفقیت در برنامه‌های کشاورزی و توسعهٔ پایدار، توانمندسازی زنان و مشارکت آنها در تصمیم‌گیری امری ضروری است، اما بنا به دلایلی مشارکت آنان در برنامه‌های آموزشی محدود می‌باشد (Khaledi etal.، ۲۰۱۲). با توجه به اینکه زنان روستایی سهم زیادی از نیروی کار را تشکیل می‌دهندف نقش حیاتی زنان در کارهای کشاورزی و غیرکشاورزی در آمارهای رسمی نشان داده نشده است (. Farid etal، ۲۰۰۹). به هر حال، در زمینهٔ توانمندسازی زنان روستایی دو مانع عمده وجود دارد: اول اینکه درخیلی از مناطق آموزش‌های مورد نیاز زنان روستایی را مسئولان ارائه نمی‌دهند و دوم اینکه در مناطقی که آموزش‌ها ارائه می‌شود، میزان مشارکت زنان روستایی ناچیز است. در واقع، می‌توان به جرأت عنوان کرد که امروزه یکی از چالش‌های عمدهٔ برنامه‌های آموزشی و ترویجی، عدم مشارکت کافی مخاطبان، به‌خصوص زنان در این برنامه‌ها است (میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). کوشکی و همکارانش (۱۳۹۰) به نقل از ثابت قدم (۱۳۷۲) بیان نمودند، بر اساس گزارش‌های بانک جهانی، تجارب سازمان‌های دست‌اندرکار در زمینهٔ بهبود جایگاه اقتصادی، اجتماعی و اشتغال زنان به‌ویژه در مناطق روستایی، نشان می‌دهد مشارکت زنان روستایی در زمینه‌های اقتصادی پیش‌نیاز توانمندسازی و مشارکت همه‌جانبهٔ آنها در برنامه‌های توسعهٔ روستایی است، اما در جوامع مختلف به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تعادل مطلوب و قابل قبولی در امر مشارکت عادلانهٔ زنان روستایی در جهت توسعه و بروز خلاقیت‌ها و استعدادهای آنها بر قرار نشده است. دین‌پناه (۱۳۸۲) به نقل از صادقی گرمارودی (۱۳۷۹)، برخی موانع و محدودیت‌های مشارکت زنان روستایی را در نمودار (۴) بیان می‌نماید:



نمودار۴. عوامل بازدارندهٔ مشارکت زنان روستایی

نتیجه‌گیری

زنان روستایی بار مسئولیت چندگانه‌ایی به دوش می‌کشند، از یک طرف، در فعالیت‌های کشاورزی شرکت کرده و از این طریق، هزینه‌های کشت را کاهش داده و به اقتصاد خانواده کمک می‌کنند از طرف دیگر، رسیدگی به امور خانه و مدیریت آن را برعهده دارند، با این وجود، میزان ارزش و اهمیت کار آنها در اجتماع چندان روشن نیست. زنان روستایی در طی سال‌های طولانی، در فعالیت‌های مختلف شانه به شانه مردان کار کرده و سهم عمده‌ای در امر تولید ایفاء می‌نمایند. با این حال، هنوز آنان نتوانسته‌اند نقش حیاتی خود را در شرایط مساوی داشته باشند و عمدتاً در بخش‌های غیر رسمی، کشاورزی و زیربخش‌های به اصطلاح غیرفعال اقتصادی فعالیت می‌نمایند. به همین منظور، آموزش‌های ترویجی به‌عنوان محفلی برای حضور و مشارکت زنان و بهبود وضعیت اشتغال آنان در برنامه‌های توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی عمل می‌نماید و نقش مهمی در توانمندسازی آنان دارد و هیچ توسعهٔ پایداری، مؤثر و کارا نخواهد بود اگر در رأس اهداف خود زنان روستایی را مورد توجه قرار ندهد. در حقیقت، برنامه‌های آموزشی ترویج، یکی از محورهای توانمندسازی زنان روستایی است و مشارکت واقعی زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی ترویج از اهمیت خاصی برخوردار است. فراهم نمودن فرصت‌هایی برای آموزش زنان روستایی باعث ارتقاء سطح آگاهی‌های آنها می‌شود و فرصتی برای زنان روستایی می‌باشد تا همپای مردان از امکانات آموزشی بهره‌مند شوند و به اعتبارات مورد نیاز خود دست یابند و با مشاغل جدید جهت اشتغال و درآمدزایی آشنا شوند. توجه به وضعیت اشتغال زنان و هدایت آنان جهت ورود به بازارکار زمینه‌ای برای استفادهٔ بهتر از آنان را فراهم می‌نماید. در حقیقت می‌بایست اهمیت مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی را شناخت، و به هنگام سیاست‌گذاری‌ها، خواسته ها و نیازهای آنان را مورد توجه قرار داد و جهت دستیابی آنان به این توانایی‌ها، برنامه‌ریزی‌های لازم و مناسبی صورت گیرد، طبیعی است تدارک فرصت‌های آموزشی برای آنان باعث خواهد شد تا بتوانند توانایی‌ها و استعدادهای خود را نشان داده و در جهت توسعه و پیشرفت خود و جامعهٔ روستایی گام‌های محکمتری بردارند.

پیشنهادها

به‌منظور دستیابی به مشارکت زنان روستایی در فرایند برنامه‌های توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ✓ تغییر نگرش مسئولین بخش کشاورزی در مورد زنان و توجه به زنان روستایی در برنامه‌ریزی‌ها.
- ✓ اجرای طرح بررسی نیازسنجی زنان روستایی در کلیهٔ مناطق با توجه به ویژگی‌های هر منطقه در راستای برنامه‌ریزی آموزشی مطابق نیاز آنان.
- ✓ به‌کار بردن تکنولوژی مناسب و تهیهٔ فیلم‌های آموزشی برای زنان روستایی جهت آشنایی با فعالیت‌های پیش‌برندهٔ توسعهٔ روستایی در روستا.

- ✓ ایجاد انگیزه در زنان روستایی برای مشارکت و همکاری با برنامه‌های ارگان‌های فعال در روستاها نظیر بهداشت، تغذیه، نهضت سوادآموزی، آموزش و پرورش، مراکز بهزیستی و ...
- ✓ ایجاد مزارع نمایشی ویژهٔ زنان روستایی کشاورز و برگزاری کلاس‌های آموزشی در روزهای مناسب با توجه به ساعات و فصول فراغت زنان روستایی.
- ✓ فراهم ساختن آموزش‌های لازم دربارهٔ کشت محصولات، پرورش دام و طیور، صنایع دستی، صنایع تبدیلی و ... برای زنان روستایی.
- ✓ گسترش تعاونی‌ها و تشکل‌های مرتبط با اشتغال زنان و ایجاد تسهیلات بانکی ویژه برای زنان روستایی در قالب تشکل‌های اشتغال‌زا.
- ✓ آموزش و حمایت از زنان روستایی برای کسب استقلال مالی (اعطای وام بدون بهره، بیمه، تسهیلات غیرنقدی و...).
- ✓ افزایش کارشناس و مروج زن در واحدهای آموزشی ـ ترویجی و مراکز خدمات کشاورزی، تأمین وسیله برای آنان برای عزیمت به روستا جهت ارتباط آموزشی با زنان روستایی در جهت مشارکت در برنامه‌های توسعهٔ پایدار روستایی و کشاورزی.
- ✓ برنامه‌ریزی جهت آموزش‌های سوادآموزی تابعی برای زنان روستایی.
- ✓ برنامه‌ریزی مناسب و اصولی جهت فرهنگ‌سازی به‌منظور ارتقاء مقام و منزلت زنان روستایی و معرفی نقش مهم آنان در خانواده.

منابع

ازکیا،م (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات.

ازکیا،م و غفاری،غ (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان.

انجم شعاع، ر؛ آزادی،ح و بوستانی،م(۱۳۸۵). مقایسهٔ رویکرد مدیریت مشارکتی و رویکرد مدیریت متمرکز در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی استان کرمان. ماهنامهٔ علمی ترویج کشاورزی در توسعهٔ روستایی، وزارت جهاد کشاورزی ـ معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، سال ۲۶، شمارهٔ ۲۷۵ ، صفحهٔ ۳۴-۲۰.

اشرف حامدی،ع (۱۳۸۵). چگونکی مشارکت زنان در تشکل‌های اقتصادی اجتماعی روستایی استان گلستان. ماه‌نامهٔ علمی ترویج کشاورزی در توسعهٔ روستایی، وزارت جهاد کشاورزی ـ معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، سال ۲۶، شمارهٔ ۲۷۵، صفحهٔ ۱۲۵-۱۰۱.

بن ،و.ن و هاوکینز (۱۳۸۸). ترویج کشاورزی. مترجمان: محسن تبرائی و اسدالله زمانی‌پور، چاپ دوم، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

بابایی بازکیایی، ز؛ دهدار درگاهی، م و عبدزاده گوهری، ع(۱۳۸۹). میزان آگاهی و مشارکت زنان روستایی از مسائل زیست محیطی و تأثیر آن در تولید محصول سالم. مطالعهٔ موردی در روستای بازکیاگوراب استان گیلان. اولین همایش کشاورزی پایدار و تولید محصول سالم (www.civilica.com).

خسروی پور،ب و برادران،م (۱۳۸۲). مقدمه‌ای برطراحی نظام مطلوب ترویج کشاورزی. اهواز: انتشارات کردگار.
دین پناه،غ (۱۳۸۲)، نقش مشارکت مردمی در فرایند آموزش و توسعهٔ روستایی. نشریهٔ داخلی فناوران روستا (ضمیمهٔ ماهنامهٔ جهاد)، وزارت جهاد کشاورزی ـ معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، سال سوم، شمارهٔ ۹، صفحهٔ ۱۷-۹.
رزاقی بورخانی، ف و نظری،س (۱۳۸۸). بهینه‌سازی مصرف آب کشاورزی گامی اساسی در جهت توسعهٔ پایدار. همایش ملی الگوهای توسعهٔ پایدار در مدیریت آب (www.civilica.com).
زرافشانی،ک؛ خالدی،خ و غنیان،م(۱۳۸۸). تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی براساس نردبان مشارکت شری آرنستین. پژوهش زنان، دورهٔ ۷، شمارهٔ۳، صفحهٔ ۱۲۸-۱۰۷.
زمانی پور،الف(۱۳۸۷). ترویج کشاورزی در فرآیند توسعه. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
سروش مهر،ه و رفیعی،ح (۱۳۸۸). بررسی اثر راهبردهای ترویجی و عوامل روان‌شناختی-اقتصادی بر مشارکت اقتصادی زنان روستایی مطالعهٔ موردی شهرستان همدان. سومین کنگرهٔ علوم ترویج و آموزش کشورزی (www.civilica.com).
شعبانعلی فمی،ح(۱۳۸۹). اصول ترویج وآموزش کشاورزی.تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
شهبازی،الف(۱۳۸۴). توسعه و ترویج روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
شریف زاده،الف؛ راستگو،ح و مراد نژادی،ه(۱۳۸۵). بهینه‌سازی کارکرد سازمان‌های کشاورزان در فرایند ترویج و توسعهٔ روستایی. ماهنامهٔ علمی ترویج کشاورزی در توسعهٔ روستایی، وزارت جهاد کشاورزی ـ معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، سال ۲۶، شمارهٔ ۲۷۵، صفحهٔ ۲۲۴ -۱۹۱.
طالب،م و نجفی اصل،ز(۱۳۸۹). آموزه‌هایی از روند مشارکت روستایی در ایران. فصل‌نامهٔ پژوهش‌های روستایی. دورهٔ۱، شمارهٔ۲، صفحهٔ ۴۸-۲۷.
عسگریان دهکردی، ف و خسروی پور،ب(۱۳۸۹). تحلیل نقش تسهیلگران در افزایش مشارکت زنان روستایی به‌منظور پیشرفت در توسعهٔ پایدار کشاورزی. اولین همایش ملی کشاورزی پایدار و تولید محصول سالم (www.civilica.com).
علی بیگی، الف و بنی عامریان، ل (۱۳۸۷). تحلیل مشارکت زنان روستایی شهرستان سنقز و کلیایی در برنامه‌های آموزشی ترویجی. اولین همایش مدیریت و توسعهٔ کشاورزی پایدار در ایران (www.civilica.com).
عسگریان دهکردی،ف؛ میری،ف و خسروی پور،ب(۱۳۸۸). شناسایی جایگاه و نقش تسهیلگران در ارتقاء آگاهی و مشارکت زنان و دختران روستایی. سومین کنگرهٔ علوم ترویج وآموزش کشاورزی (www.civilica.com).
عباس پور،آ(۱۳۸۲). آموزش نیروی انسانی تضمینی برای موفقیت در توسعهٔ پایدار کشاورزی. نشریهٔ داخلی فناوران روستا (ضمیمه ماهنامهٔ جهاد)، وزارت جهاد کشاورزی ـ معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری ، سال سوم، شمارهٔ ۹، صفحهٔ ۴۰-۳۸.

عنابستانی،ع .الف؛خسروبیگی،ر. تقیلو، ع.الف و اکبری،م.ح (۱۳۹۱). تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در نواحی روستایی. فصل‌نامهٔ روستا و توسعه، وزارت جهاد سازندگی _ مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سال۱۵، شمارهٔ ۱، صفحهٔ ۱۰۸ – ۸۵.

غفاری،ر و ترکی هرچگانی،م (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان و دختران در توسعهٔ مناطق روستایی استان چهار محال و بختیاری: مطالعهٔ موردی روستاهای بخش فارسان. فصل‌نامهٔ جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شمارهٔ ۳، صفحهٔ۱۳۰-۱۰۹.

غلامعلی زاده، ث و رضایی مقدم، ک (۱۳۸۸). چالش‌های عمدهٔ مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها. فصل‌نامهٔ نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال هفتم، شمارهٔ ۲۵، صفحهٔ ۲۵-۱۹.

فتوتی،ه؛ برادران،م. سلمان زاده،س و غنیان، م(۱۳۹۰). تبیین نقش ترویج و آموزش کشاورزی در افزایش مشارکت زنان روستایی در توسعهٔ پایدار روستایی. مطالعهٔ موردی دهستان شاوور شهرستان شوش. اولین همایش ملی راهبردهای دستیابی به کشاورزی پایدار (www.civilica.com).

کوشکی،ف؛ ایروانی.ه و کلانتری،خ(۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی: مطالعهٔ موردی استان کرمانشاه. فصل‌نامهٔ روستا و توسعه، وزارت جهاد سازندگی _ مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سال چهاردهم، شمارهٔ۱، صفحهٔ ۳۳-۱۵.

کرمی،ش؛ آگهی،ح و پاپ زن،ع (۱۳۸۸). ارزشیابی طرح آموزش، حمایت و سازماندهی زنان روستایی استان کرمانشاه به‌منظور تولید قارچ دکمه‌ای. فصل‌نامهٔ روستا و توسعه، وزارت جهاد سازندگی – مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سال دوازدهم، شمارهٔ۲، صفحهٔ ۱۵۳-۱۲۷.

کرمی دهکردی،الف (۱۳۸۷). چالش‌های مهمکشاورزی و منابع طبیعی و رسالت نوین ترویج و آموزش‌های کاربردی در مدیریت پایدار این چالش‌ها. همایش ملی توسعهٔ کارآفرینی در آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی (www.civilica.com).

میرک زاده،ع.الف؛ علی آبادی،و و شمس،ع(۱۳۸۹). واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه های آموزشی و ترویجی. فصل‌نامهٔ روستا و توسعه، وزارت جهاد سازندگی _ مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سال سیزدهم، شمارهٔ۲، صفحهٔ ۱۶۵-۱۴۷.

میرترابی،م.الف؛ حجازی،ی و حسینی،م (۱۳۸۹). عامل‌های ارتباطی تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های پس از برداشت محصولات کشاورزی بخش آسارا. فصل‌نامهٔ زن و جامعه، سال اول، شمارهٔ ۴، صفحهٔ ۳۲-۱۹.

مختاری حصاری،آ؛ شعبانعلی فمی، ح.اسدی، ع و زارعی دستگردی،ز(۱۳۸۶). ابعاد و اهمیت خدمات کشاورزی با تأکید بر تمرکزدایی در برنامه‌ریزی برای ارائهٔ خدمات به کشاورزان. ماهنامهٔ علمی ترویج کشاورزی در توسعهٔ روستایی، وزارت جهاد کشاورزی _ معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، سال ۲۷، شمارهٔ ۲۷۶، صفحهٔ ۱۹۸-۱۸۱.

نیک خلق،الف (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی روستایی. تهران: انتشارات چاپخش.

نگهدار،ج (۱۳۸۲). روش‌های ارتباطی در خدمت توسعهٔ روستایی. نشریهٔ داخلی فناوران روستا (ضمیمهٔ ماهنامهٔ جهاد)، وزارت جهاد کشاورزی ـ معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، سال سوم، شمارهٔ ۹، صفحهٔ ۲۳- ۱۸.

Asdolahpour؛A .(2006).Evaluation of educational courses for stockmen(The case of Mazandaran). Iranian Agricultural Extension and Education Journal؛2,(2), 99–110.

Anabestani؛A.A ., Javan,J & Ahmadzadeh,S .(2012). The relationship between individual characteristics of women andtheir participation in rural development process (Case study:Darzab Dehestan - Mashhad County). Urban - Regional Studies and Research Journal؛3, (12), 15-18.

Butt؛T.M ., Z.Y. Hassan . K. Mehmood & S. Muhammad .(2010). Role of rural women in agricultural development and their constraints . Journal Of Agriculture & Social Sciences؛6,(3), 53–56.

Fatemi؛I.,Razeghi.H.,M.R.Rezaei &Vahedi. L.(2011). The importance of rural women empowerment in rural development.JournalAdvances in Environmental Biology؛ 5,(9), 2989-2993.

K.S؛Farid .,L.Mozumdar.M.S.Kabir & U.K.Goswami.(2009). Nature and extent of rural woman's participation in agricultural and non-agricultural activities. Agricultural Research Communication Centre؛29,(4), 254-259.

Kongolo؛M.,& Bamgose , O.O .(2002). Participation of rural woman in development(Case study of tsheseng , thintwa,and makhalaneng villages,south Africa). Journal Of International women's studies؛ 4,(1), 79-92.

Khaledi؛ Kh., Agahi.H & Eskandari.F .(2012). rural women's participation in extension education program(Case study of sanandaj city). Journal Of Education Research؛1,(3), 57-64.

بررسی عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت زنان در کشورهای درحال توسعهٔ گروه هشت

زهرا میلا علمی[1]
خیزران روستائی شلمانی[2]

چکیده

در چند دههٔ اخیر تغییرات قابل توجهی در فعالیت‌های نیروی کار زنان به‌وجود آمده است. امروزه، مشارکت نیروی کار زنان نسبت به دههٔ ۱۹۷۰ به طور چشمگیری افزایش یافته است. در این تحقیق به مطالعهٔ عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت زنان و به‌طور ویژه اثر سرمایهٔ انسانی بر این نرخ پرداخته می‌شود. برای دست‌یابی به این منظور، از داده‌های پانلی مربوط به سال‌های ۱۹۹۰تا۲۰۱۰ برای زنان بالای ۱۵ سالهٔ کشورهای اسلامی در حال توسعهٔ گروه هشت و از متغیرهایی مانند نسبت ثبت‌نام زنان در مقاطع مختلف، نرخ بیکاری، نرخ باروری، تولید ناخالص داخلی استفاده گردیده است. از مهم‌ترین نتایج به‌دست‌آمده می‌توان به اثرگذاری معنادار و مثبت آموزش بر نرخ مشارکت زنان و اثر منفی باروری و بیکاری بر این نرخ عنوان نمود. نتایج مدل بر فرضیهٔ زنانهٔ U شکل بین نرخ مشارکت زنان و رشد اقتصادی دلالت دارد.

واژگان کلیدی: نرخ مشارکت زنان، کشورهای در حال توسعهٔ گروه هشت، داده‌های پانلی.

۱. دانشیار دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه مازندران، Email:z.elmi@umz.ac.ir
۲. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه مازندران، Email:kheyzaranrustaei@yahoo.com

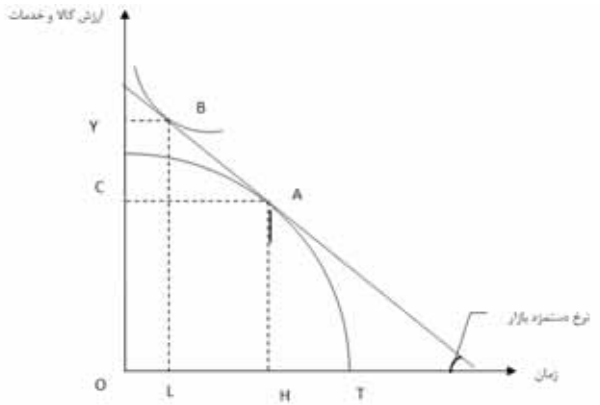
مقدمه

میزان بهره‌گیری درست و منطقی از توانایی‌ها و استعدادهای نیروی انسانی هر جامعه، یکی از مباحث اساسی در زمینهٔ توسعه می‌باشد. امروزه مطالعات پیرامون موضوعات زنان، به عنوان نیمی از جمعیت فعال کشور، و اثرگذاری نقش آنان بر متغیرهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به‌طور قابل توجهی افزایش یافته و مورد توجه قرار گرفته‌است.

مشارکت اقتصادی زنان در جامعه، به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه یا به عبارتی زیربنای توسعه شناخته شده‌است. از قابل توجه‌ترین پدیده‌های دوران اخیر، افزایش سهم زنان در بازار کار و همچنین نرخ مشارکت آنان بوده است. نرخ مشارکت نیروی کار، درصدی از جمعیت در سن کار در اقتصاد بوده که یا در حال کار و یا در جستجوی آن هستند. جمعیت در سن کار معمولاً به افراد ۱۶-۶۴ ساله اطلاق می‌گردد. افرادی که در این گروه سنی به عنوان نیروی کار محسوب نمی‌شوند، دانش‌آموزان، افراد خانه‌دار، سربازان و افراد زیر ۶۴ سال که بازنشسته شده‌اند، می‌باشند (ینیلمز و ایسیکلی[1]، ص ۲، ۲۰۱۰).

کنار گذاشتن زنان که نیمی از نیروی کار جامعه را تشکیل می‌دهند، به معنای عدم-استفاده از تمامی امکانات تولیدی جامعه است که این می‌تواند بر رشد اقتصادی و تولید کشور مؤثر باشد. شناسایی عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت زنان در بازار کار امکانی فراهم می‌آورد که با شناخت صحیح و دقیق این بازار و آثار آن بر متغیرهای کلان اقتصادی و اجتماعی راهکارهایی جهت افزایش این نرخ اتخاذ شود.

در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد اقتصاددانان مشارکت را در نظریهٔ عمومی عرضهٔ کار وارد کرده‌اند (مینسر[2] ۱۹۶۲، بکر[3] ۱۹۶۵، گرانوا[4] ۱۹۷۷). در شکل ۱ تخصیص زمان زن بین خانه (فعالیت خانگی) و بازار کار (عرضهٔ نیروی کار) نشان داده شده‌است.



شکل (۱). تخصیص زمان زن بین خانه و بازار کار، (پساخاروپولوس و تزاناتوس[5]، ۱۹۸۷)

1. Yenilmez and Isikli, 2010
2. Mincer
3. Becker
4. Gronau
5. Psacharopoulos and Tzannatos

یک زن برای هر دورهٔ زمانی، حداکثر زمان T را در دسترس دارد (هر دورهٔ زمانی می‌تواند به‌صورت ساعتی، روزانه یا سالانه در نظر گرفته شود). با شروع از نقطهٔ T، با حرکت در طول منحنی امکانات تولید TC، این زمان می‌تواند به تولید کالاهای خانگی و خدمات اختصاص یابد. شکل خاص منحنی ناشی از فرض بازدهی نزولی به‌ازای هر واحد اضافی از زمان به تولیدات خانگی می‌باشد. در برخی نقاط مانند A، حرکت از T به C ، بهره‌وری زن در خانه (شیب منحنی انتقال[1]) ممکن است کمتر از چیزی باشد که او می‌تواند با کارکردن در بازار به‌دست آورد. جایی که منحنی امکانات تولید مؤثر TAY می‌شود. از این نقطه به بعد، برای یک زن متوقف کردن زمان برای فعالیت‌های خانه‌داری و ورود به بازار کار سودمندتر خواهد بود.

جایی که او کار کردن برای خانه یا بازار کار را متوقف خواهد نمود، به سلیقهٔ وی در انتخاب بین فراغت و مصرف (یا درآمد معادل[2]) بستگی دارد. در مورد شکل (۱)، این زمانی اتفاق می‌افتد که محدودیت بودجه به بالاترین منحنی بی‌تفاوتی مماس شود (نقطهٔ B). در این وضعیت، سرانجام او TH از زمان دسترسش را برای کار در خانه و LH را در بازار کار و OL را به فراغت اختصاص می‌دهد.

در مورد زنان متأهل (به عنوان اکثریتی از زنان) تصمیم به مشارکت یا عدم مشارکت در چارچوب خانواده گرفته می‌شود. عوامل تأثیرگذار در برانگیختن زنان برای ورود به بازار متفاوت از عوامل اثرگذار بر مشارکت آنان به گونه‌ای متفاوت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. همان‌گونه که ذکر شد زنان باید زمان خود را به گونهٔ متفاوت بین بازار کار، فراغت و خانه‌داری اختصاص دهند. در برخی از مطالعات خارجی و داخلی مانند تانسل[3] ۲۰۰۲، براتی[4] ۲۰۰۳، اوانس و کلی[5] ۲۰۰۴، اوالس و همکاران[6] ۲۰۰۷، فریدی و همکاران[7] ۲۰۰۹، اینس[8] ۲۰۱۰، کاستل و همکاران[9] ۲۰۱۰، میندین[10] ۲۰۱۲، عمادزاده ۱۳۸۲، ایروانی ۱۳۸۳ اثری مثبت از سوی افزایش سرمایهٔ انسانی و آموزش بر نرخ مشارکت زنان دیده می‌شود. پژوهش‌های آرانگو و پوسادا[11] ۲۰۰۷، کانترراس و پلازا[12] ۲۰۰۸، علی‌خان و تسنیم‌خان[13] ۲۰۰۹، جاو و لی[14] ۲۰۱۱، ببالی[15] ۲۰۱۱، میرزایی ۱۳۸۳ بیانگر آن هستند که باروری با اثری منفی بر نرخ مشارکت زنان نقش دارد. اثرگذاری رشد اقتصادی در مطالعات لینکو و آرنولد[16] ۲۰۰۸، مونچ و ویجنبرگن[1] (۲۰۰۹)، صادقی و عمادزاده ۱۳۸۳ مورد ارزیابی قرار

1. Transformation curve
2. Equivalent income
3. Tansel
4. Bratti
5. Evans& Kelley
6. Euwals et al.
7. Faridi et al.
8. Ince
9. Castel et al.
10. Mainddin
11. Arango and Posada
12. Contreras and Plaza
13. Ali Khan and Tasnim Khan
14. Jao and Li
15. Bbaale
16. Lincove and Arnold

گرفته‌است. آرانگو و پوسادا ۲۰۰۷، کانتررواس و پلازا ۲۰۰۸، جاو و لی ۲۰۱۱، نوروزی ۱۳۸۰ به بررسی رابطهٔ سن و نرخ مشارکت زنان می‌پردازند. عوامل متعدی می‌تواند در برانگیختن یا منع ورود زنان به بازار کار دخیل باشد که این پژوهش مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت زنان در کشورهای اسلامی گروه هشت را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا، مطالعهٔ حاضر از ۴ بخش تشکیل یافته که پس از مقدمه و بیان مسأله، به توصیف داده و روش تحقیق مورد نظر پرداخته می‌شود. در ادامه، برآورد الگو و در نهایت یافته‌های حاصل از این مطالعه و راهکارهایی برای افزایش اشتغال زنان در راستای نیل به اهداف توسعه بیان می‌گردد.

داده و روش تحقیق

داده

در این مقاله از داده‌های پانلی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ برای کشورهای اسلامی درحال توسعه گروه هشت[2] شامل: بنگلادش، مصر، اندونزی، ایران، مالزی، پاکستان و ترکیه[3] استفاده می‌شود. داده‌های مورد نیاز از سایت بانک جهانی[4]، سازمان بین‌المللی کار[5] (ILO) و سازمان ملل متحد[6] گردآوری شده‌اند.

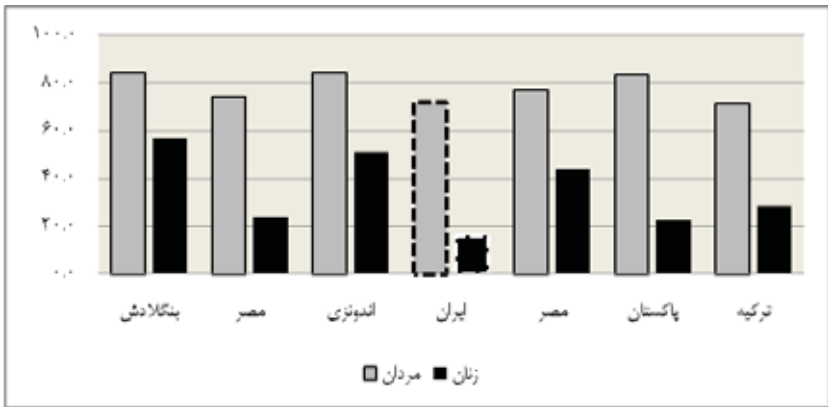
نرخ مشارکت زنان در سطح جهانی در سال ۱۹۸۰، ۵۰,۲ درصد بوده که در سال ۱۹۹۰ به ۵۲,۲ درصد می‌رسد. اما پس از آن این نرخ به ۵۱,۴ درصد در سال ۲۰۰۹ کاهش می‌یابد (گزارش ILO، ۲۰۱۰).

برای کشورهای مورد مطالعه، نرخ مشارکت در طی ۳ دههٔ اخیر، همواره به سود مردان بوده‌است. میانگین نرخ مشارکت مردان برای کشورهای گروه هشت از ۸۰/۵ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۷۷/۲ درصد در سال ۲۰۱۰ می‌رسد. علی‌رغم این کاهش نرخ مشارکت مردان در بازار کار، نرخ مشارکت زنان از یک روند نسبتاً ثابتی برخوردار بوده‌است و در دهه‌های اخیر بین ۵۱/۱ و ۵۲/۴ نوسان دارد (برآورد محقق از داده‌های بانک جهانی).

در شکل ۱، نرخ مشارکت زنان و مردان کشورهای مورد مطالعه برای سال ۲۰۱۰ دیده می‌شود. نسبت به سایر کشورها، نرخ مشارکت زنان ایرانی در سال ۲۰۱۰ با ۱۶/۱ درصد از پایین‌ترین نرخ برخوردار است. در حالی که بنگلادش با ۵۶/۹ درصد بیشترین نرخ مشارکت زنان را داراست.

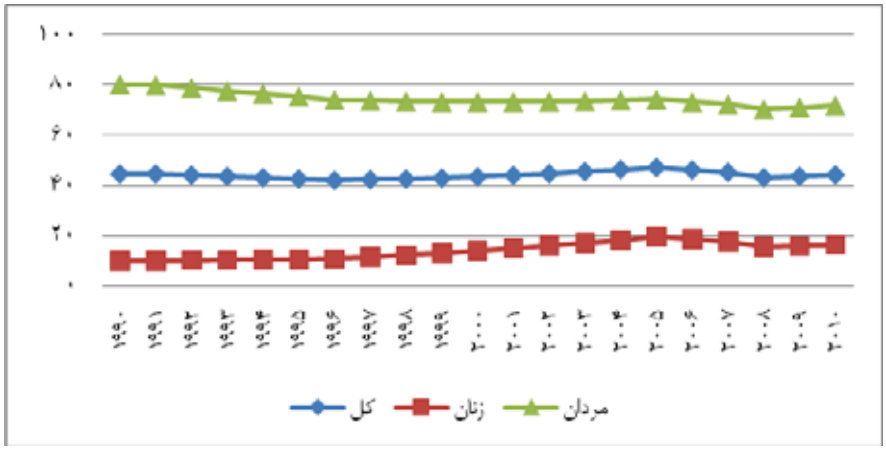
---

1. Münch & Wijnbergen
2. Developing 8 Countries
۳. با توجه به عدم دسترسی داده‌های مورد نیاز نیجریه، این کشور کنار گذاشته شده‌است.
4. World bank
5. International Labour Organization
6. United Nation



شکل ۱. نرخ مشارکت مردان و زنان کشورهای اسلامی گروه هشت، ۲۰۱۰
منبع: بانک جهانی، ۲۰۱۲

در ایران نرخ مشارکت مردان همواره بیشتر از زنان بوده است که شکاف این دو نرخ، در طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ در شکل ۳ دیده می‌شود. فاصلهٔ بین نرخ مشارکت زنان و مردان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۷، با متوقف شدن سیاست‌های مهار رشد جمعیت، لغو قانون حداقل سن ازدواج، وضع قوانین و مقررات موافق با افزایش زاد و ولد، که سبب افزایش نرخ باروری و نرخ رشد جمعیت در دههٔ ۱۹۸۵-۱۹۷۵ گردید، منجر به تغییر نگرش پیرامون کار زنان در بیرون از منزل شد و همچنین تقویت سنت‌ها و نگرش‌های خاص در جامعه و خانواده فرهنگ مردسالاری تأکید بر فعالیت‌های خانه‌داری و نقش‌های غیراقتصادی زنان، افزایش یافت (نوروزی، ۱۳۸۰)، اما با اتمام جنگ و شروع دوران بازسازی و سرمایه‌گذاری‌های مجدد نرخ مشارکت زنان اندکی افزایش می‌یابد.



شکل ۳. نرخ مشارکت کل، زنان و مردان ایران، ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰
منبع: بانک جهانی، ۲۰۱۲

روش تحقیق

در این مطالعه، به‌منظور بررسی عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت، از روش داده‌های تابلویی استفاده شده‌است. داده‌های تابلویی، تلفیقی از داده‌های مقطعی و سری زمانی است که در این داده‌ها، واحدهای مقطعی در طول زمان مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

زمانی که متغیرهای مستقل و جملهٔ خطا نامحدود هستند، متغیر وابسته‌ی کران‌دار، نیازمند احتیاط بیشتری است. به این دلیل که با پیش‌فرض خطی بودن، امکان خروج از محدودهٔ مجاز وجود دارد. بر این اساس، با توجه به این‌که متغیر وابسته یک متغیر کیفی دو حالتهٔ مشارکت یا عدم مشارکت زنان را نشان می‌دهد، در اکثر مطالعات به منظور برآورد این نرخ، از مدل‌های انتخاب دوتایی[1] (مدل پروبیت یا لاجیت) استفاده می‌شود. معادلهٔ ۱ تضمین می‌کند که مقادیر پیش‌بینی شده از متغیر وابسته به خارج از محدودهٔ ۰-۱ تجاوز نکند و نتایج معقول‌تری به‌دست می‌دهد.

$$FLP = \frac{1}{1+e^{-(\alpha+\beta X)}} \equiv \frac{e^{(\alpha+\beta X)}}{1+e^{(\alpha+\beta X)}} \quad (۱)$$

که در آن FLP متغیر وابسته نرخ مشارکت زنان و X بردار متغیرهای مستقل است. یکی از روش‌های جایگزین مدل‌های رگرسیونی لاجستیک، استفاده از احتمال متغیر وابسته است (مونچ و ویجنبرگن، ۲۰۰۹). اگر FLP نسبت زنانی باشد که در بازار کار مشارکت دارند، بنابراین $1 - FLP$ نسبت زنانی است که خارج از بازار کار می‌مانند (معادلهٔ ۲).

$$(1-FLP) = \frac{1}{1+e^{(\alpha+\beta X)}} \equiv \frac{e^{-(\alpha+\beta X)}}{1+e^{-(\alpha+\beta X)}} \quad (۲)$$

با تقسیم ۱ به ۲، شانس مشارکت زنان به‌دست می‌آید (معادلهٔ ۳).

$$\frac{FLP}{(1-FLP)} = \frac{\frac{e^{(\alpha+\beta X)}}{1+e^{(\alpha+\beta X)}}}{\frac{e^{-(\alpha+\beta X)}}{1+e^{-(\alpha+\beta X)}}} = e^{(\alpha+\beta X)} \quad (۳)$$

با لگاریتم گرفتن از معادلهٔ ۳، خواهیم داشت:

$$\log\left(\frac{FLP}{(1-FLP)}\right) = \alpha + \beta X \quad (۴)$$

معادلهٔ ۴ نشان می‌دهد که لگاریتم شانس نرخ مشارکت زنان، خطی است و می‌تواند مقادیر واقعی به خود بگیرد، در حالی که مشارکت نیروی کار زنان غیرخطی است و فقط مقادیر صفر و یک را می‌پذیرد (مونچ و ویجنبرگن، ۲۰۰۹).

1. Binary Choice Models

مدل مورد استفاده

در این مطالعه هدف بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی اثرگذار بر نرخ مشارکت زنان بالای ۱۵ سال است. از این رو مدل زیر طراحی گردید.

$$log\left(\frac{FLP_{it}}{1-FLP_{it}}\right) = \alpha_i + \beta_0 Pre_{it} + \beta_1 Pri_{it} + \beta_2 Sec_{it} + \beta_3 Ter_{it} + \beta_4 loggdp_{it} + \beta_5 loggdpsq_{it} + \beta_6 Div_{it} + \beta_7 Unm_{it} + \beta_8 Fer_{it} + U_{it} \quad (۵)$$

در این مطالعه، U_{it} جمله اخلال یا جزء تصادفی نوفه‌سفید است و i و t به‌ترتیب معرف کشورها و زمان هستند. لگاریتم شانس نرخ مشارکت زنان بالای ۱۵ سال به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل شامل مواد زیر است:

- نسبت ثبت‌نام ناخالص زنان در مقطع- نسبت ثبت‌نام ناخالص در هر مقطعی، کل ثبت‌نام هر مقطع، بدون در نظر گرفتن سن، نسبت به کل جمعیتی است که باید در مقطع مذکور آموزش رسمی ببینند.- پیش‌دبستانی (pre)، ابتدایی (pri)، متوسطه (sec) و عالی (ter) به عنوان جانشین سرمایهٔ انسانی در نظر گرفته شد که انتظار بر این است با افزایش سطح تحصیلات زنان به‌ویژه آموزش عالی، نرخ مشارکت زنان افزایش یابد (بوتلین[1]، ۱۹۹۵، اسمیتز و ورلوو[2] ۲۰۰۸، وندریک و کاورز[3] ۲۰۰۹، ویکرت و پالیمیر[4] ۲۰۱۰، صادقی و عمادزاده ۱۳۸۳).
- لگاریتم تولید ناخالص داخلی (loggdp) و مربع لگاریتم تولید ناخالص داخلی (loggdpsq) از عوامل اقتصادی اثرگذار بر نرخ مشارکت زنان است. در رویکردهای نظری، دو رهیافت متفاوت در رابطه با رشد اقتصادی و نرخ مشارکت زنان وجود دارد. رهیافت نوین نئوکلاسیک[5] یک اثر مثبت از رشد روی مشارکت بازار کار زنان اظهار می‌دارد و فرضیهٔ زنانهٔ U شکل[6] یک اثر محدب بین رشد اقتصادی و نرخ مشارکت زنان را فرض می‌کند. به این معنا که رشد اقتصادی، مشارکت زنان در بازار کار را ابتدا کاهش و سپس در مراحل توسعه آن را افزایش می‌دهد. برای تأیید فرضیهٔ U شکل، باید ضریب لگاریتم تولید ناخالص داخلی منفی و معنی‌دار و ضریب مربع لگاریتم تولید ناخالص داخلی باید مثبت و معنادار باشد (لوسی[7]، ۲۰۰۹).
- نرخ بیکاری (unm) دیگر متغیر اقتصادی اثرگذار بر مشارکت زنان است که در مطالعات صورت‌گرفتهٔ بیکاری با دو اثر گزارش شده‌است. نرخ بیکاری از یک سو می‌تواند اثر دلسرد و مأیوس‌کننده بر مشارکت زنان داشته‌باشد و از سوی دیگر، می‌تواند زنان را برای

1. Butlin
2. Smits and Verloo
3. Vendrik and Corvers
4. Wichert and Pohlmeier
5. Modernization Neoclassical Approach
6. "Feminisation U" hypothesis
7. Luci

پیوستن به بازار کار به‌منظور جبران درآمد از دست دادهٔ خانوادهٔ خود به دلیل بیکاری همسر، تحریک کند که اصطلاحاً اثر کارگر اضافی نامیده می‌شود (جاموت[1]، ۲۰۰۳). برخی شواهد حاکی از آن هستند که در اغلب مناطق، با افزایش نرخ بیکاری اثر منفی عدم تشویق کارگر بر اثر کارگر اضافی مسلط بوده و اولین گروهی که توسط کارفرما از بازار کار خارج می‌گردند، زنان هستند. از این‌رو، می‌توان انتظار داشت که نرخ بیکاری دارای اثری منفی بر نرخ مشارکت زنان باشد (تانسل۲۰۰۲، جاموت ۲۰۰۳، جنری و همکاران ۲۰۰۵، نوروزی، ۱۳۸۰).

- نرخ طلاق (div) و نرخ باروری (fer) که به عنوان متغیر اجتماعی در مدل وارد شدند. در بسیاری از مطالعات رابطهٔ منفی بین نرخ باروری و نرخ مشارکت (پرایب[2] ۲۰۱۱، عبدالله و ابوبکر[3] ۲۰۱۱)، نرخ ازدواج و نرخ مشارکت زنان (لیزانیز و بهاتی ۲۰۰۵، نتولی۲۰۰۷) و از سوی دیگر، رابطهٔ مثبت بین نرخ طلاق و نرخ مشارکت زنان (برمر و کسلرینگ [4] ۲۰۰۴، نتولی ۲۰۰۷) گزارش شده و در برخی مطالعات رابطهٔ علّی معناداری بین طلاق و ازدواج و نرخ مشارکت زنان دیده نشده‌است (عزیز، ۲۰۰۹).

برآورد الگو

برای برآورد مدل این مطالعه از الگوی رگرسیونی تابلویی و نرم‌افزار آماری Stata نسخهٔ ۱۰ استفاده شده است. قبل از برازش نهایی الگوی مورد مطالعه، ابتدا آزمون‌هایی جهت تعیین روش مناسب برآورد صورت می‌گیرد. نخست توسط آمارهٔ چاو، مدل برآوردی بین تلفیقی یا اثر ثابت انتخاب می‌گردد. آمارهٔ F آزمون، برابر ۲۲,۱۵ به‌دست آمد که در سطح ۹۹ درصد معنادار است. لذا، با رد فرضیهٔ صفر لزوم بررسی مطالعهٔ حاضر به صورت اثر ثابت مورد تأیید قرار می‌گیرد. آزمون ضریب لاگرانژ یا بریوش پاگان به‌منظور تعیین مدل بین تلفیقی و اثر ثابت مورد استفاده قرار می‌گیرد. آمارهٔ χ^2 برابر ۰,۸۱ به‌دست آمد که با توجه به سطح معناداری مدل اثر تصادفی رد می‌گردد. برای انتخاب الگوی برتر از میان مدل آثار ثابت و آثار تصادفی در روش داده‌های پانل، از احتمال آمارهٔ هاسمن[5] (H) استفاده شده است. بر اساس آزمون هاسمن، وجود اختلاف بین برآوردگرهای روش آثار ثابت و آثار تصادفی، به عنوان فرض صفر در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب در صورت رد شدن فرضیهٔ H_0، از روش اثر ثابت و در غیر این صورت از روش اثر تصادفی استفاده می‌شود. نتایج حاصل از ۳ آزمون مذکور در جدول (۱) گزارش می‌شود.

1. Jaumotte
2. Priebe
3. Abdullah and Abu Bakar
4. Bremmer and Kesselring
5. Hausman

جدول ۱. آزمون‌های تعیین روش مورد نیاز برای برآورد الگو

مدل	نوع آزمون	آمارهٔ آزمون	سطح معناداری	نتیجهٔ آزمون
کشورهای در حال توسعهٔ اسلامی گروه هشت	آزمون چاو	۲۲,۱۵	۰,۰۰۰۰	رد مدل داده‌های تلفیقی تأیید مدل اثر ثابت
	آزمون ضریب لاگرانژ	۰,۸۱	۰,۳	رد مدل اثر تصادفی تأیید مدل داده‌های تلفیقی
	آزمون هاسمن	۴۶,۳۲	۰,۰۰۰	رد مدل اثر تصادفی تأیید مدل اثر ثابت

منبع: نتایج حاصل با استفاده از نرم‌افزار Stata10

با توجه به نتایج مندرج در جدول(۱)، مدل ۶ برای کشورهای اسلامی گروه هشت، روش اثرات ثابت تأیید و در برآورد استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۲) گزارش شده‌است.

جدول ۲. نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای منتخب حوزهٔ منا

متغیر وابسته: احتمال مشارکت زنان			
متغیرهای توضیحی	ضریب	آماره t	P – value
نسبت ثبت‌نام زنان در مقطع پیش دبستانی (pre)	۰,۰۰۱۲	۰,۴۲	۰,۶
نسبت ثبت‌نام زنان در مقطع ابتدایی (pri)	۰,۰۰۷	۱,۷۵	۰,۱۰
نسبت ثبت‌نام زنان در مقطع متوسطه (sec)	-۰,۰۰۶	-۲,۱۰	۰,۰۵۵
نسبت ثبت‌نام زنان در مقطع عالی (ter)	۰,۰۰۵	۲,۰۴	۰,۰۶
لگاریتم تولید ناخالص داخلی (loggdp)	-۱۲,۶	-۲,۵۲	۰,۰۲۴
لگاریتم مربع تولید ناخالص داخلی (loggdpsq)	۱,۵	۲,۲۲	۰,۰۴۳
نرخ باروری (fer)	-۰,۲۱	-۴,۰۵	۰,۰۰۱
نرخ بیکاری (unm)	-۰,۰۱۹	-۳,۱۷	۰,۰۰۷
نرخ طلاق (div)	۰,۰۱۷	۰,۵۹	۰,۵۶
عرض از مبدأ	۲۴,۶	۲,۷۸	۰,۰۱۵
آماره F	۲۲,۱۵		
P-value	۰,۰۰۰۰		
R^2	۰,۹۳۴۴		

منبع: برآورد تحقیق با استفاده از نرم افزار Stata10

آمارهٔ F در جدول (۲) بیانگر معناداری کل رگرسیون است و متغیرهای به‌کار رفته در مدل ۹۳,۴۴ درصد از تغییرات مشارکت زنان کشورهای مورد مطالعه را توضیح می‌دهند. با توجه به آمارهٔ تی‌استیودنت، متغیرهای نسبت ثبت‌نام زنان در مقطع آموزش متوسطه، عالی،

لگاریتم تولید ناخالص داخلی، مربع آن، نرخ باروری و بیکاری در سطح بالای ۹۵ درصد و متغیر نسبت ثبت‌نام زنان در مقطع آموزش ابتدایی در سطح ۹۰ درصد معنادار هستند و نرخ بیکاری و ثبت‌نام زنان در مقطع پیش‌دبستانی بی‌معنا بوده و تغییرات متغیر وابسته را توضیح نمی‌دهند.

نتایج جدول متضمن آن است که با افزایش ثبت‌نام زنان در مقاطع ابتدایی و عالی احتمال ورود زنان به بازار کار بالا می‌رود. افزایش نسبت ثبت‌نام زنان در بازار کار احتمال ورود آنان به بازار کار را ۵ درصد افزایش می‌دهد. افزایش ثبت‌نام زنان در آموزش متوسطه با اثری منفی دیده می‌شود. این مورد برای کشورهای درحال توسعه که زنان شاغل آن یا دارای تحصیلات آموزش عالی هستند و معمولاً در بخش‌های آموزش و بهداشت مشغولند و یا زنان با سطح سواد کم که به کارهای کشاورزی و منسوجات اشتغال دارند، قابل توجیه است (نتایج همانند مطالعهٔ شیبانی و افشاری).

ضریب منفی لگاریتم ناخالص داخلی و مثبت بودن مربع آن تأییدی بر فرضیهٔ زنانهٔ U-شکل و بیانگر آن است که در مراحل اولیهٔ توسعه با توجه به کاهش حضور کارگران در بخش کشاورزی، نرخ مشارکت زنان رو به افول می‌رود و سپس با افزایش توسعه‌یافتگی و تقویت بخش‌های صنعت و خدمات نرخ مشارکت زنان رو به افزایش می‌نهد.

با توجه به نتایج برآوردی، افزایش نرخ بیکاری سبب کاهش نرخ مشارکت زنان می‌شود. یعنی اثر مأیوس و دلسرکنندهٔ نرخ بیکاری از اثر تحریک و تشویق کننده برای ورود به بازار کار بیشتر می‌باشد. افزایش نرخ باروری حضور زنان در بازار کار را کاهش می‌دهد. نرخ طلاق نیز علی‌رغم بی‌معنا بودن با اثری مثبت در برآورد دیده می‌شود. علامت تمام ضرایب برآوردی مطابق انتظار بوده‌است.

نتیجه‌گیری

نقش و جایگاه مشارکت زنان در توسعه و تأمین نیروی انسانی از اهمیت بالایی برخودار است. میزان مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف، از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رشد و توسعهٔ اقتصادی هر کشوری می‌باشد. به دلایل مختلف فرهنگی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، زمینه‌های مشارکت زنان در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی محدود است. با توجه به اهمیت موضوع، تحقیق حاضر به مطالعهٔ عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت زنان کشورهای اسلامی در حال توسعهٔ گروه هشت برای سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ پرداخت. نتایج برآورد گویای آن است که زنان با سطوح آموزشی پایین و بالا از احتمال مشارکت بیشتری برای ورود به بازار کار برخوردارند. این برای کشوری مانند ایران که از نیمهٔ دوم دههٔ ۱۳۸۰، جمعیت دانشگاهی آن، شاهد حضور رو به افزایش زنان در مقطع تحصیلات عالی بوده، زنگ خطری است که اگر نشنیده گرفته شود، سبب اتلاف سرمایهٔ انسانی می‌شود. با توجه به این‌که در ادبیات جدید بر تأثیر سرمایهٔ انسانی بر رشد اقتصادی تأکید شده است. در حقیقت، سیاست‌گذار اقتصادی باید با رفع موانع فرهنگی و اجتماعی ورود زنان به بازار کار و فرهنگ‌سازی مناسب، زمینهٔ ورود زنان به بازار کار در مشاغلی علاوه بر آموزشی و بهداشتی و هم‌چنین حضور هر چه گسترده در نهادهای تصمیم‌گیری را فراهم سازد.

فرضیهٔ زنانهٔ U-شکل بین نرخ مشارکت زنان و رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه تأیید گردید. در واقع رشد اقتصادی در مراحل اولیه سبب کاهش این نرخ شده و سپس در مراحل بعدی توسعه آن را افزایش می‌دهد. نرخ باروری احتمال حضور زنان را در بازار کار کاهش داد. اثر دلسردکنندهٔ نرخ بیکاری کاهش مشارکت زنان در کشورهای مورد مطالعه را سبب گردید.

منابع

ایروانی، م (۱۳۸۴). زنان، نظام آموزش عالی و اشتغال در ایران. فصل‌نامهٔ بررسی‌های اقتصادی، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۲، ص‌ص ۱۰۲-۸۲.

زراءنژاد، م و منتظر حجت، ا. م (۱۳۸۴) نگاهی به مشارکت اقتصادی زنان در ایران، پژوهشنامهٔ علوم انسانی و اجتماعی، سال پنجم، شمارهٔ ۱۷، ص‌ص ۷۷-۱۰۴.

شیبانی، ا و افشاری، ز (۱۳۸۰). اثر رشدبخشی بر اشتغال زنان در ایران (با استفاده از روش داده-ستانده)، مجلهٔ تحقیقات اقتصادی، ش ۵۹، ص‌ص ۶۳-۳۷.

عمادزاه، م (۱۳۸۲). اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان. پژوهش زنان، دورهٔ ۱، سال ۲، شمارهٔ ۷، ص‌ص ۱۴۰-۱۱۵.

میرزایی، ح (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان ایران با استفاده از مدل رگرسیونی داده های پانلی، پژوهش زنان، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۱، ص‌ص ۱۱۳-۱۳۲.

نوروزی، ل (۱۳۸۰)، تأثیر تحصیلات عالی بر نرخ مشارکت و عرضهٔ نیروی کار زنان و پیش‌بینی تحولات آن در آینده، مؤسسهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاست‌گذار توسعهٔ منابع انسانی کشور، طرح پژوهشی شمارهٔ ۲۶.

نوروزی، ل (۱۳۸۱)، مدلی برای تبیین نرخ مشارکت اقتصادی زنان شهری و تحولات آینده، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۴، ص‌ص ۱۳۸-۱۶۰.

نوروزی، ل (۱۳۸۳)، تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی، پژوهش زنان، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۱، ص‌ص ۱۶۵-۱۷۸.

Abdullah, N., & Abu Bakar, N.A. (2011). The Causal Relationship between Fertility and Women Labor Force Participation: Evidence for the Four Selected Asian Countries. *European Journal of Social Sciences*, ISSN 1450-2267, 26(2), 154-158

Ali Khan, R. E., & Khan, T. (2009). Labor force participation of married women in Punjab (Pakistan). *Journal of Economic and Social Research*; 11, 2, 77-106.

Anker, R. (1998*). Gender and Jobs: Sex Segregation of Occupation in the World*. Geneva, ILO.

Arango, L. E., & Posada, C. E. (2007). Labour participation of married women in Colombia. DESARROLLO Y SOCIEDAD; pp. 93-126.

Aziz, F. (2008). Trends in labor force participation rates by gender and race. *Economics School of Business*. Hamline University.

Bbaale, E. (2011). Female Education, Labour force participation and fertility: Evidence from Uganda. *Final Report Submitted to the African Economic Research Consortium (AERC)*, Nairobi-Kenya.

Bratti, M. (2003). Labour force participation and marital fertility of Italian women: the role of education. *Journal of Population Economics*; No. 16, 525-554.

Bremmer, D., & Kesselring, R. (2004). Divorce and Female Labor Force Participation: Evidence from Times-Series Data and Co-integration. *Association of European Journalists: AEJ,* 32(3).

Butlin, G. (1995). Adult Women's Participation Rate at a Standstill. *Perspectives on Labour and Income*, 7, 30-33.

Castel, V., Phiri, M., & Stampini, M. (2010). Education and employment in Malawi. *African Development Bank Group*, Working Paper series, No. 110.

Contreras, D., & Plaza, G. (2008). Female Labor Force Participation in Chile: How Important Are Cultural Factors?. *Journal of Feminist Economics.*

Ejaz, M. (2007). Determinants of female labor force participation in Pakistan an empirical analysis of PSLM (2004-05) Micro Data. *The Labore Journal of Economics*, 203-235

[13] Euwals, R., Knoef, M., & Vuuren, D.V. (2007). The trend in female labour force participation: What can be expected for the future?. *IZA Discussion Paper Series*; No. 3225.

Evanse, M.D.R., & Kalley, J. (2004). Trends in women's labor force participation in Australia: 1984-2002. *Melbourne Institute; Working Paper*, ISSN 1328-4991, ISBN 0 7340.

Evans M.D.R., & Kelley, J. (2011). PROJECT 26: Effects of education, fertility and divorce on married women's employment: Patterns past, present and future. *Melbourne Institute of Applied Economic and Social Research*, Working Paper

Faridi Z. M., Malik, Sh., & Basit, A.B. (2009). Impact of education on female labour force participation in Pakistan: Empirical evidence from primary data analysis. *Pakistan Journal of Social Sciences (PJSS);* 29, 1, 127-140

Genre V., Salvador, R. G., & Lamo, A. (2005). European women why do (not) they work?. *European central Bank*, Working Paper Series, No 454.

Ince, M. (2010). How the education affects female labor force? Empirical evidence from Turkey. *Procedia Social and Behavioral Sciences*; 2, 2, 634-639.

Jao Y., & Li, J.A. (2011). Trends in the labor force participation of married mothers of preschool-aged children in Taiwan. *RAND Working Paper*; No. 850.

Jaumotte, F. (2003). Female labour participation: Past trends and main determinants in OECD countries. *Economics Department Working Paper;* No. 379.

International Labour Office, 2010 “Women in labor markets: Measuring progress and identifying challenges”. Geneva: ILO.

Lincove, J. A. (2008), Growth, girls' education and female labor: A longitudinal analysis. *The Journal of Developing Areas*; 41. 2. 45-68.

Lisaniler, F.G., & Bhatti, F. (2005). Determinants of female labour force participation: A study of North Cyprus. *Review of Social, Economic & Business Studies*, Vol. 5/6, 209–226.

Mainddin, M. (2012). Education and Women's Participation in India Economy: A Regional Analysis. *Journal of Geography and Regional Planning*; 5, 2, 36-50.

Munch, C., & Wijnbergen, S. (2009). Education and labor market activity of women: An age-group specific empirical analysis. *University of Amsterdam, Tinbergen Institute Discussion Paper*.

Ntuli, M. (2007). Determinants of South African women's labour force participation, 1995-2004. *IZP Discussion Paper Series*, NO. 3119.

Psacharopoulos, G., & Tzannatos, Z. (1987). Education and female labor force participation, *Paper presented at the World Congress of Comparative Education*, 6th, Rio de Jaherio, Brazil, Reports – Research, Technical. Speeches/Conference Papers (150).

Priebe, J. (2011). Child Costs and the Causal Effect of Fertility on Female Labor Supply: An Investigation for Indonesia 1993-2008. *University of Göttingen*, CRC-PEG Discussion Paper No. 45.

Sackey, H. (2005). Female labour force participation in Ghana: The effect of education. *AERC Research Paper 150, African Economic Research Consortium, Nairobi*.

Smits, J., & Verloo, M. (2008). Micro and Macro-level Determinants of Women's Employment in Six MENA Countries. Nijmegen Center for Economics (NiCE), *Institute for Management Research*, Radboud University Nijmegen, Working Paper 08-104.

Tansel, A. (2002). Economic development and female labor force participation in Turkey: Time-series evidence and cross-province estimates. *Economic Research Center*, ERC Working Papers in economics 01/05.

Tanveer, M., & Elhorts, J. P. (2008). Demographic transition and female labor force participation behavior: An empirical investigation. European Economic Association & Econometric Society 2009 Parallel Meetings. Female labor supply. Barcelona.

United Nations, 2010, "The World's Women 2010 Trends and Statistics" Department of Economic and Social Affairs, United Nations, New York, 2010.

Yenilmez, F., & Isikli, B. (2010). The comparison of labor force participation rate of women in Turkey with the world country groups. *Anadolu University Journal of social*, 10, 3, 77–92.

www.ILO.org

www.sid.ir

http://unstats.un.org

www.worldbank.com

بررسی مشکلات زنان کارگر روستایی (مطالعهٔ موردی: روستای پهناب از توابع شهرستان جویبار)

فاطمه صالحی طالشی[۱]
ابوالقاسم شریف زاده[۲]

چکیده

توسعهٔ پایدار زمانی حاصل خواهد شد که که همهٔ اقشار جامعه را مد نظر قرار دهد، یک قشر فراموش‌شده در این امر زنان روستایی می‌باشند که جایگاه ویژهٔ آنها بر کسی پوشیده نیست. پژوهش حاضر در روستای ۹۱۰ خانواری پهناب از توابع شهرستان جویبار انجام شده است. تقریباً ۵۰ نفر از زنان در روستای نامبرده به عنوان کارگر کشاورزی می‌باشند که مشکلات زنان کارگر روستایی را به روش مصاحبهٔ عمقی و روش نمونه‌برداری تصادفی مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهندهٔ این است که اکثر این افراد از خانواده‌هایی می‌باشند که مالک زمین کشاورزی نیستند و با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند و به همین دلیل برای گذران زندگی و کسب درآمد بالاتر و امید به زندگی بهتر به کار کشاورزی مشغول می‌شوند. همچنین، پس از انتخاب این شغل به مسائل جدیدتری دچار خواهند شد که بالاجبار خود را با آن سازگار می‌سازند تا به این طریق به‌گونه‌ای کمی درآمد خانواده را جبران کنند. در این مطالعه علاوه بر موارد فوق به توانمندسازی و اشتغال‌زایی زنان نیز اشاره شده است.

واژگان کلیدی: توسعهٔ پایدار، مشکلات زنان، روستای پهناب، توانمندسازی زنان، اشتغال‌زایی زنان.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد توسعهٔ روستایی، آدرس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان،
Email:fatemesalehi10@yahoo.com
۲. استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان،
Email:sharifsharifzadeh@gmail.com

مقدمه

امروزه یکی از اهداف نهایی هر کشوری رسیدن به توسعهٔ همه‌جانبه می‌باشد و برای رسیدن به این هدف مهم نیاز به توسعهٔ اجتماعی و در نتیجه توسعهٔ انسانی است. زنان و به‌طور اخص زنان روستایی قشر بسیار مهم اما فراموش‌شده در امر توسعهٔ انسانی محسوب می‌شوند. مطالعات صورت گرفته بیانگر این است که برنامه‌های اجرا شده به‌منظور تسریع روند توسعه و ایجاد زیرساخت‌های توسعه بدون توجه به نقش برجستهٔ زنان بوده و سرمایه‌گذاری‌های بسیار محدودی در زمینهٔ برنامه‌های آموزشی ترویجی زنان و کلیهٔ فعالیت‌های پشتیبانی انجام گرفته است. با وجود نقش به‌سزایی که زنان روستایی در امر کشاورزی، دامداری و باغداری و همچنین فعالیت‌های پس از برداشت و فرآوری محصولات ایفا می‌نمایند، سهم زنان روستایی از توسعهٔ انسانی و آموزش بسیار ناچیز است. « زنان روستایی عوامل مؤثر تولید در نظام اقتصادی جامعه هستند. آنان تولیدکنندگان و تبدیل‌کنندگان محصولات کشاورزی در نظام اقتصادی بوده و نیز مدیران داخلی خانواده‌های خود می‌باشند؛ بنابراین، ایجاد فرصت‌های لازم برای آموزش زنان روستایی در جهت افزایش سطح داده‌ها و معلومات علمی و فنی آنان، از جمله اقدام‌های بنیانی در فرآیند توسعهٔ روستایی است.» (پاپ زن و همکاران،۱۳۹۰).

با اینکه زنان روستایی نقش مهمی را ایفا می‌کنند، اما بیشتر اوقات مشکلاتی بر سر راهشان وجود دارد که اگر این مشکلات رفع نشود می‌تواند مانعی برای آنها و توسعهٔ روستا و در نهایت، توسعهٔ پایدار باشد.

موانع و مشکلات زنان روستایی عبارت‌اند از: الف) مشکلات فردی و خانوادگی که شامل: ۱.ناتوانی جسمی زنان روستایی، ۲.مهاجرت مردان و افزایش کار زنان، ۳.حجم زیاد فعالیت‌های داخل و خارج از منزل، ۴.مشکلات مربوط به دسترسی به تسهیلات اعتباری و نهاده‌ها، ۵. مشکلات مربوط به دسترسی به خدمات آموزشی و ترویجی، ۶. موقعیت و منزلت پایین زن در خانواده و ۷.درصد بالای بی‌سوادی در بین زنان روستایی.

ب) مشکلات اجتماعی: ۱.آداب و سنن اجتماعی، ۲. موقعیت حقوقی و عرفی، ۳. انکار مشارکت زنان در پروژه‌های اجرایی در محیط روستا، ۴.مشارکت دسترسی به خدمات و تسهیلات اجتماعی.

ج) مشکلات سازمانی:۱. نامناسب بودن برنامه‌های ترویجی زنان روستایی، ۲. ارائهٔ پیام‌های ترویجی نامناسب، ۳. عدم وجود برنامه‌های مربوط به خانه‌داری، ۴. سیاست‌های غلط مکانیزاسیون کشاورزی، ۵. سیاست‌های غلط تولید محصول و ۶. عدم انعکاس مسائل زنان در سیستم بازخورد اطلاعات ترویجی. (محبوبی،۱۳۷۲)

در این مطالعه سعی شده است بر اساس مصاحبه‌ای که با زنان کارگر روستای پهناب صورت گرفته، مهم‌ترین مشکلات این قشر شناسایی شود و برای رفع آن پیشنهاداتی ارائه شود.

توانمندسازی و اشتغال‌زایی زنان روستایی

برای رسیدن به توسعهٔ پایدار لازم است که در جهت توانمندسازی و اشتغال زنان روستایی اقدامات لازم صورت گیرد. در مورد توانمندسازی می‌توان به تعریف زیر اشاره کرد:

«توانمندسازی یعنی اینکه مردم باید به سطحی از توسعهٔ فردی دست یابند که به آنها امکان انتخاب بر اساس خواست‌های خود را بدهند.»(شادی طلب،۱۳۸۱،به نقل ازگندم زاده،۱۳۹۰)

به‌منظور توانمندسازی زنان روستایی باید کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد. «کارآفرینی فرآیند شناسایی فرصت‌های جدید و با ارزش است که با اختصاص زمان و تلاش لازم و در نظر گرفتن ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی و رسیدن به رضایت فردی و مالی استقلال به ثمر می‌رسد. کارآفرینی به فرصت‌های جدید، نوآور و رشدیابنده برای بهره‌برداری از فرصت‌های شناسایی‌شده اطلاق می‌شود که در نتیجهٔ آن کالاها و خدمات جدیدی به جامعه عرضه می‌شود.» (گندم‌زاده، ۱۳۹۰)

کارآفرینی زنان موجب موفقیت آنها و موجب تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌گردد. با انجام این امر مشکلاتی از قبیل نارضایتی زنان از شغل قبلی به‌ویژه در مورد زنان کارگر روستایی کنترل خواهد شد و همچنین باعث کاهش بی‌کاری می‌شود. لازم به ذکر است که زنان برای اشتغال با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند. برای مثال: انجام وظیفهٔ خانه‌داری به همراه شغل دیگر سخت خواهد بود و یا عدم اجازهٔ شوهران برای اشتغال همسرانشان مشکل ایجاد خواهد کرد و همچنین سایر موارد می‌توانند مانعی برای اشتغال زنان باشند. «موانعی بر سر راه اشتغال‌زایی زنان وجود دارد. برخی از این موانع فیزیولوژیکی و شخصیتی هستند که از ویژگی‌های بیولوژیکی و زیستی ناشی می‌شوند. برخی از موانع، فرهنگی است که تحت تأثیر موانع فیزیولوژیکی قرار دارد و به نوعی نتیجهٔ نگرش مسلط خانواده بر نقش مرد و با تأکید بر قدرت است که در دست مردان قرار دارد. موانع اجتماعی چون عدم توجه به آموزش و تفکیک شغلی در جامعه هم از دیگر محدودیت‌های اشتغال زنان است. موانع اقتصادی مهم چون نابرابری دستمزدهای اشتغال زنان با مردان، بهره‌کشی و استثمار توانمندی‌های زنان در عرصهٔ کار، بدون توجه به دستمزد و اختلاف دستمزدها را می‌توان در عرصهٔ حوزهٔ عمومی کار براساس این نابرابری مشاهده کرد، عدم توجه به نوع مشاغل، ناپایدار بودن فعالیت اشتغال زنان در بخش‌های اقتصادی و کار و عدم تضمین آیندهٔ شغلی از دیگر موارد مؤثر در شکل‌گیری موانع اقتصادی است.» (شربتیان،۱۳۸۶)

در اکثر نقاط جهان بیشتر زنان بی‌کار تلقی می‌شوند. در صورتی که گاهی ساعات کاری آنها از مردان نیز بیشتر است.

«بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، زنان به‌طور متوسط دو برابر ساعت کار مردان در شبانه روز کار می‌کنند. در کشورهای جهان سوم زنان به‌طور متوسط ۱۲ تا ۱۸ ساعت و مردان ۸ تا ۱۲ساعت کار می‌کنند. در جامعهٔ جهانی فقط کاری کار شمرده می‌شود که به‌صورت مستقیم منجر به کسب درآمد پولی شود، از همین رو، در آمارهای دولتی اکثر زنان بیکار تلقی می‌شوند و درصد اندکی از زنان جزو نیروهای مواد و شاغل محسوب می‌شوند.» (عزیزی و آذرکمند، ۱۳۸۸)

به‌منظور رفع مشکلات فوق و ایجاد اشتغال زنان و بهبود وضعت کنونی، صندوق‌های خرد روستایی و اعتبارات پرداختی پیشنهاد می‌شود، «اعتبارات پرداختی علاوه بر کمک به اشتغال در افزایش قابلیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی همچون بالا بردن اعتماد گروهی در

بین زنان، ایجاد احساسی قوی در زنان برای انجام کار، افزایش مهارت مدیریت زندگی در زنان و افزایش اعتماد به نفس زنان نیز مؤثر بوده است» (یعقوبی،۱۳۸۴)

به‌طور کل، برای رسیدن به توسعهٔ پایدار باید به زنان به عنوان افرادی توانمند نگاه کرد و در این راستا، ایجاد اشتغال متناسب با توانمندی‌ها و نیازهای روز زنان و پاسخگویی به نیازهای عملی آنان حائز اهمیت فراوان است.

هدف پژوهش حاضر بررسی مسائل و مشکلات زنان کارگر روستایی و ارائهٔ راهکارهایی برای رفع این مشکلات می‌باشد.

پیشینهٔ تحقیق

- یعقوبی در سال ۱۳۸۴با بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان به این نتیجه رسیده است که اعتبارات خرد به‌عنوان یک گزینه می‌تواند سرمایهٔ لازم برای زنان را ایجاد کند و همچنین عاملی برای حمایت از واحدهای کوچک بهره‌برداری، ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی کار عظیم موجود در روستاها، جلوگیری از مهاجرت روستاییان و نهایتاً تعمیم عدالت اجتماعی باشد.
- عزیزی و آذرکمند در سال ۱۳۸۸به بررسی تأثیر آموزش بر اشتغال زنان با تأکید بر ایران پرداختند، این پژوهش بیان می‌کند که جامعه‌ای می‌تواند توسعه یابد که همهٔ افراد آن جامعه ظرفیت توسعه‌پذیری را داشته باشند و روش‌های مناسبی برای اصول توسعهٔ پایدار بیابند، تحقق این موضوع تنها زمانی امکان‌پذیر است که زنان یک جامعه به‌عنوان نیمی از نیروی انسانی در روند توسعه، جایگاه خود را داشته باشند.
- کلانتری و همکارانش در سال ۱۳۸۹ به بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارندهٔ توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعهٔ موردی شهرستان همدان) پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین مؤلفه‌های تاثیرگذار بر تسهیل توانمندسازی اقتصادی زنان، سه عامل (مشارکت اقتصادی، انسجام خانوادگی و آگاهی اجتماعی) است و مقدار واریانس تجمعی تبیین‌شده توسط این سه عامل، ۵۵/۸۷ می‌باشد.
- مطالعات حجازی و همکارانش در سال۱۳۹۰ با موضوع مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های پس از برداشت محصولات کشاورزی مطالعهٔ موردی بخش آسارا شهرستان کرج بیان می‌کند که در سطح ۹۵ درصد اطمینان رابطهٔ مثبت و معنی‌داری بین متغیر مشارکت در فعالیت‌های پس از برداشت و متغیرهای تعداد اعضای خانوار، میزان درآمد، عضویت و میزان مشارکت در تشکل‌ها و تعاونی‌ها وجود دارد. در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطهٔ مثبت و معنی‌داری بین متغیر مشارکت در فعالیت‌های پس از برداشت و متغیرهای انگیزش درونی، استفاده از کانال‌های ارتباطی و میزان حضور در دوره‌های آموزشی – ترویجی وجود دارد. آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای شرکت در دوره‌های آموزشی – ترویجی و استفاده از کانال‌های ارتباطی، توانایی تبیین ۶۶/۵ درصد از تغییرات مشارکت زنان روستایی را در فعالیت‌های پس از برداشت محصولات کشاورزی دارا می‌باشند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر مبنی بر کار میدانی است که در حوزهٔ مطالعاتی روستای پهناب از توابع شهرستان جویبار در استان مازندران صورت گرفته است. این روستا دارای ۸ محله و۹۱۰ خانوار می‌باشد که حدوداً ۵۰ نفر زن از بین کل زنان ساکن در روستای نام‌برده به‌عنوان کارگر کشاورزی می‌باشند که از بین آنها به روش نمونه‌گیری تصادفی ۱۵ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب گردیدند. روستای پهناب شامل طالش محله، آزادبن، ماندی محله، شاهرضا، کیامحله، پهناب محله، چهارطاق بن (جدیدا در تقسیمات از توابع ساری محسوب می‌شود.)، عشیره سر (علت نامگذاری آن، سکونت یافتن عشایر در این منطقه است) و ترک محله می‌باشد.

مساحت اراضی زیر کشت برنج در روستای پهناب به این صورت می‌باشد:

آزادبن:۲۴۰ هکتار پهناب محله:۱۹۵ هکتار طالش محله:۲۸۲هکتار

ماندی محله:۱۹۵هکتار ترک محله:۶۶ هکتار عشیره سر:۲۳ هکتار

بدین ترتیب با توجه به اهداف تعیین‌شده، تحقیق حاضر بر این سؤال استوار گردید که: آیا با کاهش سطح زندگی خانوارهای روستایی اشتغال زنان در کشاورزی افزایش یافته و به دنبال آن با مشکلات متفاوتی دست و پنجه نرم خواهند کرد؟

بدین منظور، با هدف شناسایی مشکلات این قشر اطلاعاتی با ابزار مصاحبهٔ کیفی و مشاهدات میدانی گردآوری‌شده و داده‌ها به روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌ها

مشخصات پاسخگویان

جداول ۱ بیانگر وضعیت سنی و میزان تحصیلات پاسخگویان می‌باشد، داده‌های جدول (۱) بیانگر این موضوع است که نیمی از پاسخگویان در محدودهٔ سنی ۳۱-۴۵ سال می‌باشند و هیچ‌کدام از پاسخ‌گویان در محدودهٔ سنی ۶۱-۷۵ سال نبودند. در واقع، اکثر زنان کارگر کشاورزی در روستای مورد مطالعه در محدودهٔ سنی میانسالی به سر می برند. اکثر پاسخگویان بی‌سواد می باشند و یا در حد ابتدایی سواد دارند.

جدول ۱. سن و تحصیلات

محدودهٔ سنی	فراوانی	درصد	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
۱۵-۳۰	۳	٪۲۰	بی‌سواد	۵	٪۳۳/۳
۳۱-۴۵	۸	٪ ۵۳/۳	ابتدایی	۴	٪۲۶/۶
۴۶-۶۰	۳	٪۲۰	راهنمایی	۳	٪۲۰
۶۱-۷۵	-----	-----	دبیرستان	۳	٪۲۰
۷۶-۹۰	۱	٪۶/۶			

مطالعات نشان می‌دهد که حدود ۹۳/۴ ٪ افراد مورد مطالعه متاهل و ۶/۶ ٪ مجرد می‌باشند، همچنین، ۴۰ ٪ از پاسخگویان اشاره داشتند که همسرشان بیکار است و ۲۶/۷ ٪ از آنها کشاورز می‌باشند و ۲۶/۷ ٪ نیز مشاغل دیگر (دامدار، بنا، ...) را برعهده دارند و ۶/۶٪ نیز

به فوت همسر اشاره داشتند. ۱۳/۳ ٪ آنها نیز تحت پوشش کمیتهٔ امداد امام خمینی (ره) می‌باشند، پس می‌توان دریافت که تعداد معدودی از این گروه مورد حمایت واقع می‌شوند. ۶/۶ ٪ از کارگران کشاورزی این روستا مهاجر هستند که اکثر آنها از بجنورد و شهرهای اطراف آن به این روستا مهاجرت دائمی داشته‌اند و علت مهاجرت آنها فقط به‌منظور کار در زمینهٔ کشاورزی و کسب درآمد بیشتر می‌باشد. مطالعات بیانگر این موضوع است که اکثر زنان کارگر کشاورزی روستای پهناب از مردم محلی می‌باشند.

کشاورزان برای دسترسی به کارگران، به کارفرما (سرکارگر) مراجعه می‌کنند و او هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهد و در موعد مقرر کارگران حاضر می‌شوند. ایاب و ذهاب کارگران نیز بر عهدهٔ صاحب زمین می‌باشد.

پرداخت حقوق در روستاهای ایران بسته به نوع کاری که زنان روستایی انجام می‌دهند متفاوت است. این در حالی است که « در کشور انگلستان نیز بر اساس آموزش، شغل، هنر و جایگاه شغلی که دارند حقوقشان حساب می‌شود و جلوه‌های مختلفی از نرخ دست‌مزد بین نواحی مکانی کوچک دیده می شود.» (Hoggart&cheng,2006)

وضعیت حقوق زنان کارگر کشاورزی در روستای پهناب به این صورت می‌باشد که به ازای یک روز کار، ۲۵۰۰۰ تومان در همان روز دریافت می‌نمایند که ۱۰۰۰ تومان از آن را باید به سرکارگر بپردازند. در واقع، هر زن کارگر در یک روز ۲۴۰۰۰ تومان دریافت می‌نماید.

ساعات کاری آنها در طول یک روز بین ۸-۱ ساعت متغیر است. به این معنی که بسته به نوع و حجم کاری که انجام می‌دهند، امکان دارد یک روز را کامل به کار کشاورزی بپردازند یا اینکه فقط چند ساعت از روز را به این کار مشغول باشند. همچنین، نظرات پاسخگویان نشان می‌دهد که ۹۳/۴٪ از آنها به میل خود به کار کشاورزی مشغول می‌باشند و ۶/۶ ٪به اجبار به این کار می‌پردازند. در روند تحقیق از انگیزهٔ زنان روستایی در رابطه با انتخاب شغل کشاورزی سؤال شد که پاسخ‌های آنان در جدول شمارهٔ (۲) دسته‌بندی شده است. بر اساس داده‌های این جدول ۸۶/۷ ٪ از آنان برای کسب پول و درآمد بیشتر برای گذران زندگی این شغل را انتخاب کردند و ۲۶/۶ ٪ از آنان اشاره کردند که امیدوارند بتوانند آیندهٔ خوبی را برای فرزندان خود رقم زنند. یکی از پاسخگویان اظهار نمود که: «دوست دارم کار کنم تا آیندهٔ روشنی را که برای فرزندانم آرزو دارم نصیبشان شود و پیشرفت کنند و احساس کمبودی در زندگی نداشته باشند. نمی‌خواهم مشکلاتی که خودم داشتم آنها نیز تجربه کنند».

بر اساس داده‌های جدول(۲)، ۲۰ ٪ از زنان کارگر مورد مطالعه اشاره داشتند که به علت تمایلشان به دور شدن از محیط نامناسب و ناآرام منزل این شغل را انتخاب کردند. همچنین، ۲۰ ٪ از آنها معتقد بودند که خواهان آرامشی هستند که در اثر همنشینی با افرادی مانند خود نصیبشان می‌شود، در این‌خصوص، یکی از پاسخگویان اظهار داشت که :«وقتی به همراه افرادی مانند و هم‌سطح خود کار می‌کنم احساس خوبی دارم و مشکلاتم را فراموش می‌کنم». ۱۳/۳٪ معتقد بودند که اعضای خانواده و اطرافیانشان نظر مثبتی نسبت به کار کردن آنها دارند و همچنین ایستادگی آنها در مقابل مشکلاتشان را تحسین می‌کنند.۶/۶٪ نیز اظهار داشتند که به علت علاقه به کار کشاورزی آن را انتخاب کردند و ۶/۶٪ نیز به این

مورد اشاره داشتند که چون دوستانشان این شغل را انتخاب کردند ما نیز به تبعیت از آنها و همراه آنها به کشاورزی می‌پردازیم.

جدول۲. انگیزه برای کارگری زنان روستایی در زمینهٔ کشاورزی

ردیف	انگیزه	فراوانی	درصد
۱	پول	۱۳	٪۸۶/۷
۲	امید به فراهم کردن آیندهٔ روشن برای فرزندان	۴	٪ ۲۶/۶
۳	دور شدن از محیط نامناسب منزل	۳	٪ ۲۰
۴	ایجاد آرامش در اثر همنشینی با افرادی مشابه خود	۳	٪ ۲۰
۵	عادت به کار کشاورزی	۳	٪ ۲۰
۶	جلب نظر مثبت اطرافیان	۲	٪ ۱۳/۳
۷	علاقه به کار کشاورزی	۱	٪۶/۶
۸	به تبعیت از دوستان	۱	٪۶/۶

زنان کارگر کشاورزی با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند، این مشکلات را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد: الف) مشکلات قبل از انتخاب شغل کارگری کشاورزی (این مشکلات می‌تواند علتی برای انتخاب این شغل باشد).

ب) مشکلات بعد از انتخاب شغل کارگری کشاورزی

مشکلات دسته الف و ب به ترتیب در قالب جدول ۳ و ۴ بیان شده است. داده‌های جدول (۳) نشان می‌دهد که ۸۶/۷٪ از گروه مورد مطالعه مشکل مالی داشتند و ۴۰٪ نیز مالک زمین نبودند این دو مسئله دارای رابطهٔ دو طرفه می‌باشند، یعنی مشکل مالی دلیلی است برای اینکه خانواده نتواند مالک زمین باشد و عدم مالکیت زمین دلیلی است بر مشکل مالی، زیرا زمین می‌تواند به‌عنوان منبع درآمد باشد. بعد از موارد فوق اعتیاد سرپرست خانواده ۳۳/۳٪ نظر پاسخگویان را به خود اختصاص داده است. ۲۶/۶٪ به بیماری اعضای خانواده اشاره داشتند. یکی از پاسخگویان در تشریح وضعیت خود بیان نمود که «همسر و فرزندانم بیمار هستند و من مجبورم کار کنم تا هزینهٔ دارو و درمان آنها را تهیه نمایم». ۲۰٪ اشاره داشتند که همسرانشان آنها را از نظر مالی تأمین نمی‌کنند و از آنها می‌خواهند که خودشان پول مورد نیاز خود را تأمین کنند. در این‌خصوص، یکی از پاسخگویان اظهار نمود «همسرم از نظر مالی هیچ مشکلی ندارد اما نیاز مالی من و فرزندانم را تأمین نمی‌کند، با پول کارگری دو دخترم را به خانه بخت فرستادم و پسرم نیز ازدواج کرده است».

۱۳/۳٪ مشکلات خانوادگی را مطرح نمودند، که منظور از آن مشکلاتی مانند طلاق، مشاجرات خانوادگی و... می‌باشد.۱۳/۳٪ نداشتن مدرک تحصیلی در سطح بالا را مانعی بر سر راه انتخاب شغل‌های مناسب می‌دانند.

نیاز به تأمین امکانات بهداشتی و رفاهی در منزل و تکمیل جهیزیه فرزند دختر و فوت همسر از دیگر مواردی است که پاسخگویان به آن اشاره کردند.

جدول۳. مشکلات قبل از انتخاب شغل کارگری کشاورزی

ردیف	مشکلات	فراوانی	درصد
۱	مشکلات مالی	۱۳	٪ ۸۶/۷
۲	عدم مالکیت زمین	۶	٪۴۰
۳	اعتیاد سرپرست خانواده	۵	٪ ۳۳/۳
۴	بیماری اعضای خانواده	۴	٪ ۲۶/۶
۵	عدم تمکین مالی توسط همسر	۳	٪ ۲۰
۶	مشکلات خانوادگی	۲	٪ ۱۳/۳
۷	نداشتن مدرک تحصیلی	۲	٪ ۱۳/۳
۸	نیاز به تأمین امکانات بهداشتی و رفاهی در منزل	۱	٪ ۶/۶
۹	تکمیل جهیزیه فرزند دختر	۱	٪ ۶/۶
۱۰	فوت همسر	۱	٪ ۶/۶

همان‌گونه که در مطالب فوق بیان شد جدول شمارهٔ (۴) بیانگر مشکلات بعد از انتخاب شغل کارگری کشاورزی می‌باشد. داده‌ها نشان می‌دهد که ۴۰ ٪ از زنان مورد مطالعه معتقد بودند که خانه‌داری به همراه کشاورزی بسیار سخت و طاقت‌فرسا است و ۴۰٪ نیز از فصلی بودن شغل کشاورزی گلایه داشتند. خستگی پس از کار و مشکلات جسمانی ۲۶/۶٪ و عدم انجام وظیفهٔ مادری نیز ۲۶/۶٪ از نظرات پاسخگویان را به خود اختصاص داده است. همچنین، یکی از پاسخگویان حجم کاری بالای خود را اینگونه توصیف کرد: «هم باید خانه‌داری کنم و هم کشاورزی، گاهی نمی‌توانم وظیفهٔ خانه‌داری را به درستی انجام دهم. از همه مهم‌تر من یک مادر هستم و فرزندانم به من نیاز دارند اما من ساعاتی را که می‌توانستم در کنار فرزندانم باشم را باید برای کشاورزی صرف کنم. دوست داشتم وقت بیشتری را می‌توانستم صرف گذراندن با فرزندانم کنم.»

بر اساس مطالعات صورت گرفته ۲۰٪ اظهار داشتند که در جامعه به‌عنوان قشر فقیر و ضعیف به شمار می‌آیند و نسبت به آنها دیدگاه منفی وجود دارد. ۶/۶ ٪ اشاره کردند که برای فرزندانشان امنیت وجود ندارد برای برای نمونه یکی از پاسخگویان بیان داشت: «همسرم ۲-۳ ماه است که رفته و خبری از او نداریم، من به همراه فرزندانم در خانهٔ پدرم زندگی می‌کنم و مجبورم فرزند کوچکم را با خود به سر کار ببرم.» ۶/۶٪ به تصادف با ماشین‌آلات کشاورزی اشاره داشتند، برای مثال خانم شمارهٔ ۱۵ می‌گوید: «در اثر تصادف با تراکتور یک کلیهٔ خود را از دست دادم.»

جدول۴. مشکلات بعد از انتخاب شغل کارگری کشاورزی

ردیف	مشکلات	فراوانی	درصد
۱	دو شغله بودن (خانه‌داری و کشاورزی)	۶	٪ ۴۰
۲	فصلی بودن کار کشاورزی	۶	٪ ۴۰
۳	خستگی پس از کار و مشکلات جسمانی	۴	٪ ۲۶/۶
۴	عدم انجام وظیفهٔ مادری به درستی	۴	٪ ۲۶/۶
۵	دیدگاه منفی در جامعه	۳	٪ ۲۰
۶	عدم امنیت برای فرزند	۱	٪۶/۶
۷	تصادف با ماشین‌آلات کشاورزی	۱	٪ ۶/۶

جدول (۵) فعالیت‌های مختلفی را که توسط زنان کارگر روستایی در فصول مختلف سال انجام می‌شود را نشان می‌دهد. که در فصل بهار ۹۳/۳٪ از پاسخگویان برای نشاء برنج فعالیت می‌کنند و همچنین ۶۶/۷٪ نیز در برداشت نخودفرنگی و ۸۰٪ در وجین شالیزار مشارکت داشتند. در فصل تابستان نیز ۸۰ ٪به فعالیت در نشاء تابستانه برنج برای کشت دوم برنج اشاره کردند و ۸۰ ٪ نیز در زمینهٔ وجین شالیزار فعالیت می‌کنند. ۱۳/۳٪ در برداشت فلفل، گوجه، بادنجان و ... مشارکت دارند و ۶۶/۷ ٪ برای درو برنج کار انجام می‌دهند. ۷۳/۳ ٪ در فصل پاییز به برداشت مرکبات می‌پردازند و ۶۶/۷ ٪ برنج کشت دوم را درو می‌نمایند. داده‌های جدول بیان می‌کند که در فصل زمستان ۲۰ ٪ سورتینگ مرکبات و ۲۰ ٪ نیز در گلخانه خیار کار می‌کنند.

جدول۵. فعالیت‌های زنان کارگر کشاورز در فصول مختلف

	بهار			تابستان			پاییز			زمستان		
ردیف	فعالیت‌های کشاورزی	فراوانی	درصد	فعالیت‌های کشاورزی	فراوانی	درصد	فعالیت‌های کشاورزی	فراوانی	درصد	فعالیت‌های کشاورزی	فراوانی	درصد
۱	نشاء برنج	۱۴	۹۳/۳ ٪	برداشت فلفل، گوجه، بادنجان و ...	۲	۱۳/۳ ٪	برداشت مرکبات	۱۱	۷۳/۳ ٪	سورتینگ مرکبات	۳	۲۰ ٪
۲	برداشت نخود فرنگی	۱۰	۶۶/۷ ٪	نشاء تابستانه برنج برای کشت دوم	۱۲	٪۸۰	درو برنج کشت دوم	۱۰	۶۶/۷ ٪	گلخانه خیار (کاشت، داشت، برداشت)	۳	۲۰ ٪
۳	وجین شالیزار	۱۲	٪ ۸۰	وجین شالیزار	۱۲	٪۸۰						
۴				درو برنج	۱۰	۶۶/۷ ٪						

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که فصل بهار و تابستان به‌عنوان پرکارترین فصل کاری و پاییز و زمستان کم‌کارترین فصل می‌باشد. این مهم مستلزم فراهم کردن فرصت شغلی در فصول پاییز و زمستان برای پیشگیری از بیکاری فصلی و ارائهٔ آموزش‌ها در این فصول و نیز حمایت ویژه در فصول بهار و تابستان از زنان روستایی است.

انتظارات زنان کارگر کشاورزی

از زنان کشاورز در مورد انتظاراتشان سؤال شد، بیشتر آنها ابراز رضایت می‌کردند اما پاسخ‌هایی که ارائه شد نشان می‌دهد که۱۳/۳٪ خواستار برگزاری کلاس‌های آموزشی در روستا می‌باشند و ۶/۶ ٪خواستار خدماتی مانند بیمه و عیدی آخر سال و... می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

مشاهدات مستقیم محققان حاکی از این است که: اکثر زنان کارگر کشاورزی انتظارات کمی دارند. در واقع خود را در داشته‌هایشان محدود کردند. برای مثال، وضعیت ایاب و ذهاب آنها در حد بسیار ضعیف می‌باشد، (رفت و برگشت معمولاً با ماشین‌های باری صورت می‌گیرد.) همچنین، یک مورد منجر به فوت گزارش شده است، اما هیچ‌گونه اعتراضی ندارند. این قشر از هیچ‌گونه حمایت و خدمات بیمه‌ای برخوردار نمی‌باشند و هیچ نهاد یا ارگانی از آنها حمایت نمی‌کند. یافته‌های توصیفی حاکی از آن بود که بیشتر پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی و بی‌سواد می‌باشند. لذا، برگزاری کلاس‌های سوادآموزی و آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با شرایط بانوان روستایی مثل آموزش صنایع دستی می‌تواند گوشه‌ای از مشکلاتشان را حل کند. یافته‌های پژوهش پاپ زن و همکارانش نشان می‌دهد که دانش زنان روستایی در زمینهٔ صنایع روستایی پس از برگزاری دوره‌های آموزشی افزایش یافته است و این مسئله نیز حاکی از اثربخشی برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای بوده است. پژوهش حاضر بیانگر این موضوع می‌باشد که زنان در خانواده‌هایی که مالک زمین و دارای درآمد بالا می‌باشند، کمتر به کشاورزی می‌پردازند و در نتیجه کمتر با مشکلات حاصل از آن رو به رو خواهند شد، یافته‌های حاصل از مطالعات دادورخانی نیز با این موضوع همخوانی دارد به‌گونه‌ای که بیان می‌کند، زنان در خانواده پردرآمد درگیری کمتری در انجام امور زراعت، دامداری و پرورش طیور داشته‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که هدف زنان کارگر روستایی از انتخاب این شغل بیشتر برای تأمین نیاز مالیشان می‌باشد که این امر نشان‌دهندهٔ وضعیت بحرانی این افراد است که از تأمین نیازهای اولیه خود نیز درمانده‌اند و به ناچار به کار کشاورزی می‌پردازند.

پیشنهاد

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده تحقیق به‌منظور رفع مشکلات زنان کارگر روستایی پیشنهادات زیر می‌تواند راهگشا باشد.

- ✓ اگر نهادهای آموزشی مختلف مانند ادارات ترویجی و ادارهٔ تعاون و ادارهٔ فنی و حرفه‌ای با همکاری همدیگر توجه خود را به این قشر فراموش‌شده بیشتر نمایند و در روستا کلاس‌های آموزشی تشکیل دهند که با روحیه و وضعیت فیزیکی آنها سازگار باشد و حرفهٔ مناسبی را آموزش دهد، دیگر این افراد مشکلات ناشی از شغل طاقت‌فرسای کشاورزی را به جان نخواهند خرید و حتی می‌توانند در اقتصاد جامعهٔ روستایی بسیار تأثیرگذار خواهند بود.
- ✓ همچنین، پیشنهاد می‌شود که شرایطی فراهم شود تا این افراد نیز بتوانند از خدمات دولتی مثل بیمه و سایر حمایت‌ها برخوردار شوند.

منابع

پاپ زن، عبدالحمید. خالدی، خوشقدم و سلیمانی، عادل. (۱۳۹۰). ارزشیابی آموزش‌های فنی حرفه‌ای زنان روستایی در زمینهٔ صنایع دستی. فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شمارهٔ۳. صفحهٔ ۳۷-۲۱.

حجازی، یوسف. میرترابی، مهدیه‌السادات و حسینی، سید محمود. (۱۳۹۰). مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های پس از برداشت محصولات کشاورزی مطالعهٔ موردی بخش آسارا شهرستان کرج. تحقیقات اقتصاد و توسعهٔ کشاورزی ایران، سال چهل و دوم، شمارهٔ۱، صفحهٔ ۱۱۷.

دادورخانی، فضیله. (۱۳۸۵). توسعهٔ روستایی و چالش‌های اشتغال زنان. پژوهش‌های جغرافیایی، شمارهٔ ۵۵. صفحهٔ ۱۸۸-۱۷۱.

شربتیان، محمدحسن. (۱۳۸۶). بررسی ابعاد و موانع اجتماعی اشتغال زنان، پیک نور، سال هفتم، شمارهٔ ۳، صفحهٔ ۹۵-۸۵.

عزیزی، پروانه. آذر کمند، رزا. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر آموزش بر اشتغال زنان با تأکید بر ایران. فصل‌نامهٔ جغرافیایی آمایش، شمارهٔ ۸. صفحهٔ ۲۳-۱.

کلانتری، خلیل. فمی، شعبانعلی و سروش مهر، هما. (۱۳۸۹). بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارندهٔ توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعهٔ موردی شهرستان همدان). فصل‌نامهٔ توسعهٔ روستایی، شمارهٔ ۲، صفحهٔ ۱۰۷.

گندم‌زاده، راضیه. (۱۳۹۰). توانمندسازی تعاونی زنان رویکردی کارآمد در توسعهٔ کارآفرینی. مقاله. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند. (نشر الکترونیک از کتابخانهٔ مجازی ایران:.www. irpdf.com.تاریخ بازیابی:۱۳۹۱/۲/۲۱)

محبوبی، محمدرضا. (۱۳۷۲). چشم‌اندازی از نقش زنان روستایی در تولید و موانع و مشکلات آنان. مجموعه مقالات هفتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور. صفحهٔ ۵۶۳-۵۸۰.

یعقوبی، جعفر. (۱۳۸۴). بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان. پژوهش زنان، دورهٔ۳، شمارهٔ ۱.صفحهٔ: ۱۴۶-۱۲۵.

بررسی مطالعهٔ جامعه‌شناختی اثرات مهارت‌آموزی بر اشتغال زنان

سیدعلی مظلومی[1]
حمیدرضا خانپور[2]

چکیده

زنان رکن اساسی جامعه و خانواده محسوب می‌شوند که نیمی‌از پیکرهٔ هر اجتماع را تشکیل می‌دهند. گرایش زن به سوی اشتغال بیش از همه به خانواده اثر می‌نهد و روابط زن و شوهر و فرزندان را دگرگون می‌سازد و این امر همواره مورد توجه صاحب‌نظرانی که اشتغال زن را از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی نموده‌اند، قرارگرفته است. اشتغال زنان در جامعه، یکی از عمده‌ترین شاخص‌های توسعهٔ اقتصادی- اجتماعی جوامع به حساب می‌آید. بی‌گمان، اشتغال زنان با مهارت‌آموزی همراه بوده که از دیرباز مورد توجه عموم قرار گرفته و کسب تخصص و مهارت به مثابهٔ تجربهٔ مفید و بهره‌مند و در عین‌حال اشتغال‌زا و درآمدآفرین، موضوعی است که ضرورت‌های آن هیچ‌گاه از رونق و اهمیت باز نمانده است. در شرایط کنونی بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت فعال کشور فاقد مهارت و تخصص‌های کافی برای انجام کار بوده و یا پاره‌ای از شاغلین از صلاحیت شغلی و یا به تعبیر دقیق‌تر مهارت کافی و استانداردشده برخوردار نیستند و در بازار کار، حرفه‌ها و مهارت‌ها از نظر سطح مهارت و اندوخته‌های فنی و تجربه مطلوب و کارآمد نیستند. پس با کارآیی و اثربخشی هر جامعه تا حد قابل ملاحظه‌ای مبتنی به کاربرد صحیح و مؤثر منابع انسانی دارد و با آموزش‌های مهارتی می‌توان سطح دانش و تخصص افراد را بالا برد تا بتوان گام‌های مؤثری در جهت توسعه و اشتغال برداشت. مطالعهٔ مقالهٔ حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با هدف بررسی مطالعهٔ جامعه‌شناختی اثرات مهارت‌آموزی بر اشتغال زنان است و روش تحقیق توصیفی- تحلیلی بوده و در آخر به نتیجه‌گیری از مباحث پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، کیفیت آموزش، مهارت‌آموزی.

---

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای آذربایجان غربی،
Email:mazloumi.seyedali@yahoo.com

۲. مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای استان تهران.

مقدمه

مهارت‌آموزی از دیرباز مورد توجه عموم بوده و کسب تخصص و مهارت به مثابهٔ یک تجربهٔ مفید و بهره‌مند و در عین حال اشتغال‌زا و درآمدآفرین، موضوعی است که ضرورت‌های آن هیچ‌گاه از رونق و اهمیت بازنمانده است. در شرایط کنونی بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت فعال کشور فاقد مهارت و تخصص‌های کافی برای انجام کار بوده و یا پاره‌ای از شاغلین از صلاحیت شغلی و یا به تعبیر دقیق‌تر تخصص کافی و استانداردشده برخوردار نیستند و از چالش‌های کلیدی برای فراگیران، شناسایی فرصت‌های به‌کارگیری مهارت‌های جدید است. نکتهٔ اساسی، اینکه چگونه می‌توان اطمینان داشت که فراگیران، مهارت‌های جدیدشان را در حال حاضر و در آینده به‌کار خواهند گرفت؟ ضرورت پرداختن به این موضوعات و بسیاری از موضوعات مشابه، آنقدر مهم است که دست‌اندرکاران نظام‌های آموزشی، معمولاً آنها را جزء بدیهیات زندگی اجتماعی تلقی می‌کنند و هزینه‌های مربوط به آن را بدون هیچ توجهی به بازدهی اقتصادی و اجتماعی آن در آیندهٔ نزدیک و یا دور تقبل و پرداخت می‌نمایند و انتظارشان بر آن است که جامعه‌ای مرکب از نیروی انسانی پرورش‌یافته و آموزش‌دیده‌ای این‌چنین محیطی ایده‌ال و اثربخش جهت گذراندن زندگی اجتماعی است. از دیدگاه جامعه‌شناختی، اشتغال زنان از مسائل مهم هر جامعه‌ای است که در واقع زن با کار و فعالیت اجتماعی، قدرت خلاقیت، کارایی و استقلال بیشتری می‌یابد. چرا که زن در ازاء دریافت وجه حاصل از فعالیت اجتماعی و همچنین تبادل اطلاعات علم و آگاهی و مهارت‌آموزی و تعامل اجتماعی، استقلال عمل بیشتری می‌یابد و بهتر می تواند در برابر مشکلات اقتصادی و اجتماعی تصمیم‌گیری و مداخله نماید و با اشتغال زنان ساخت خانواده دموکراتیک‌تر می‌شود. (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ۱۴۱). در سال‌های اخیر با تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی صورت‌گرفته در سطح کشور، گرایش ورود به بازار کار تغییر یافته است. بنابراین، انتظار می‌رود با ارائهٔ این روند در آینده میزان ورود زنان به بازار کار و افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف، خصوصاً در عرصه‌های اقتصادی افزایش یافته و تفاوت‌های میان زنان و مردان در این حوزه به نحو متناسبی تغییر یابد. با این وصف، نظام آموزشی یکی از پیچیده‌ترین زیرنظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع بشری است که اهمیت نظام آموزشی و ضرورت افزایش هرچه بیشتر کارایی آن پرداختن به برنامه‌ریزی آموزشی را ایجاب می‌کند. انجام این امر مستلزم تشخیص مسائل، شناسایی نارسایی‌ها و کاستی‌های آن از طریق انجام تحقیقات آموزشی است و در انجام این مهم سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور وظایف سنگینی را برعهده دارد. این وظایف نه فقط شامل پرورش نیروی انسانی متخصص در نظام آموزش مهارتی در راستای نیازهای نظام آموزشی است، بلکه انجام پژوهش‌های آموزشی مرتبط با مسائل و تنگناهای نظام یادشده و نیز عرضهٔ خدمات مشورتی به نظام آموزشی را نیز در بر می‌گیرد. با تغییر نگرش در آموزش‌های نظام مهارتی صرف آموزش‌های کارآفرینی می‌تواند موجب ارتقاء و اثربخشی این آموزش‌ها شده و جهت این آموزش‌ها را از اشتغال از طریق سیستم مزدبگیری به سمت خوداشتغالی و کارآفرینی سوق دهد. در حال حاضر هدف اصلی آموزش‌های مهارتی، ایجاد شرایط لازم برای کسب و دانش و

ایجاد نگرش و پرورش مهارت نیروی انسانی به‌منظور احراز شغل و یا ارتقاء مهارت می‌باشد. همچنین، کارایی و اثربخشی هر جامعه تا حد قابل ملاحظه‌ای بستگی به کاربرد صحیح و مؤثر منابع انسانی دارد و با آموزش می‌توان سطح دانش و تخصص افراد را بالا برد تا بتوان گام‌های مؤثری در جهت توسعه و اشتغال زنان برداشت.

نگاهی به رویکرد جامعه‌شناختی اشتغال زنان

زنان، رکن اساس جامعه و خانواده محسوب می‌شوند که نیمی از پیکرهٔ هر اجتماع را تشکیل می‌دهند. امروزه دانشمندان و نظریه‌پردازان تأکید زیادی بر مقولهٔ مشارکت مردم در امور مختلف دارند، تا جایی که مشارکت مردم و شهروندان در بسیاری از جوامع به‌عنوان پایه‌های توسعه محسوب می‌شوند و برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها توجه به نقش مردم و مشارکت شهروندان میسر نیست و به مرور زمان مشارکت روزافزون زنان شاغل اندک اندک سبب مقبولیت عرفی زنان شاغل شده و نگرش سنتی به کار خارج از خانه را از میان می‌برد. تغییر نگرش اجتماعی و به دنبال آن رفع تبعیضات قانونی حضور زنان شاغل را بیش از پیش امکان‌پذیر می‌سازد.

متون و منابع علمی نشان می‌دهد که در دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی به لزوم کار برای همهٔ افراد جامعه تأکید دارد و افکار مبتنی بر ناتوانی زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی را بازتاب فرهنگ جامعه و تأثیرات آن در انزوای اجتماعی زنان می‌داند. این نظریات تعارض نقش جنسیتی را در اشتغال زنان، عاملی مؤثر در عدم موفقیت و یا تضعیف توانایی آنان برمی‌شمارد. پژوهشی که دربارهٔ آثار و نتایج اشتغال زنان صورت گرفته حاکی از آن است که در اشتغال زنان در قشرها و طبقات مختلف اجتماعی، انگیزه‌های متفاوتی انجام می‌شود. همچنین، نوع مشاغلی که زنان در گروه‌های اجتماعی مختلف بدان روی آورده، یا به عبارتی امکان دسترسی به آن را دارند با هم متفاوت است. (دانش، ۱۳۷۱: ۷۱).

در فرهنگ اقتصادی، سرمایهٔ انسانی ذخیره‌ای از مهارت‌ها و دانش تولیدی دانسته شده است که در مردم متبلور است و بازدهی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی که مبتنی بر ارتقاء مهارت‌ها و قدرت دریافت‌های انسان و افزایش کارایی در تصمیم‌گیری اقتصادی است و هم در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر بازار کار و هم در نظام‌های اقتصادی غیرمبتنی بر بازار مطرح می‌باشد. بدین‌ترتیب آموزش‌های غیررسمی در خدمت ارتقاء سطح سرمایهٔ انسانی مورد تفسیر قرار می‌گیرد و هر نوع اقدام و تلاش و نهادی موجب افزایش بهره‌وری نیروی کار از طریق بالا بردن نیروی انسانی است. در واقع، آموزش، صورتی متفاوت برای زنان و مردان درپی خواهد داشت. لیکن دستیابی محدود زن به فرصت‌های آموزشی ضربه‌ای به آزادی واقعی او در برخورداری از مواهب اجتماعی وارد می‌سازد که نتیجهٔ طبیعی آن پیدایی جامعه‌ای دوگانه در درون مرزهای ایران خواهد بود. بی‌توجهی به زنان از دیدگاه نیروی انسانی، به هدر رفتن و یا ضایع کردن امکانات بالقوهٔ رشد و بالندگی جامعه است. (علویان، ۱۳۸۱: ۲۵).

در جامعهٔ امروز با توجه به وسعت و تنوع مشاغل، چگونگی انتخاب و ورود به آنها اهمیت یافته است و از سوی دیگر، مشاغل در تعیین منزلت درآمد و سبک زندگی صاحبان آنها اثر

می‌گذارد. از این‌رو، با تخصصی شدن مشاغل، آموزش و یادگیری حرفه‌ها و مهارت‌ها ضرورت یافته است. آموزش‌های مهارتی بازدهی سریع و مبتنی بودن آن بر تأمین نیازهای بازار کار به مهارت‌ها و تخصص‌های سطوح میانی اشتغال است که الگوی توسعهٔ اجتماعی به گونه‌ای برجسته بر این حقیقت تأکید دارد که توسعهٔ پایدار بدون مشارکت زنان تحقق نخواهد یافت.

بنابراین، ارتقاء و بهبود کیفیت آموزش در هر جامعه، هدف متعالی هر نظام آموزشی است. دست نیافتن به این هدف باعث به هدر رفتن منابع اقتصادی، زوال اعتماد به نفس و تزلزل شخصیت فردی و اجتماعی فراگیران می‌شود.

ماهیت و نقش آموزش در اشتغال زنان

اهمیت نظام آموزشی و ضرورت افزایش هرچه بیشتر کارایی پرداختن به برنامه‌ریزی آموزشی را ایجاب می‌کند و نکتهٔ مهم و اساسی در مورد اثربخشی آموزش آن است که قبل از آنکه درصدد بررسی نحوهٔ اندازه‌گیری اهداف باشیم، می‌بایست در پی انجام صحیح فرایند آموزش و اطمینان از تحقق آن در هر مرحله از این فرایند باشیم. دستیابی به وضع مطلوب در هر نظام آموزشی، اعم از خرد یا کلان، مستلزم تحقیق و ارزیابی آموزشی دربارهٔ زمینه‌های مربوطه انجام پذیرد و برنامه‌ریزی توسعهٔ آموزشی به‌عمل آید و مدیریت آموزشی اعمال شود. بنابراین، به‌کار گرفتن ارزیابی آموزش به‌عنوان بازخوردی جهت بهبود فعالیت‌های آموزشی، امر نسبتاً جدیدی است و ارتقاء و بهبود کیفیت آموزش، هدف متعالی هر نظام آموزشی است که مورد توجه جدی قرار می‌گیرد.

سنجش برنامه‌های آموزشی و کارآموزی‌ها، قضاوت دربارهٔ موفقیت آنها در دستیابی به آرمان‌ها و هدف‌های تعیین‌شده و مشخص کردن نیازهای آموزشی از جمله فعالیت‌هایی است که طی فرایند تحلیل ویژه‌ای انجام می‌پذیرد. این فرایند که با عنوان «تحلیل‌های بخش آموزش و توسعهٔ منابع انسانی» شناخته شده است، از یک سو، با استفاده از داده‌های آماری موجود و تولید داده‌های آماری جدید و منسجم، به استقرار و تکمیل نظام آموزشی وسیله‌ای است سودمند و ضروری برای سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در بخش آموزش است. (مشایخ، ۱۳۹۰: ۱۷)

همچنین، امروزه نقش آموزش‌های مهارتی در غالب کشورهای جهان دگرگون شده است که هر نوع تحول بنیادی در سازمان به‌منظور انطباق با تحول‌های سریع جامعه، باید مبتنی بر برنامه‌ریزی آن هم از نوع استراتژیک باشد. طی چنین برنامه‌ای می‌توان نیازها، امکانات و قابلیت‌های محیط را شناخت و عوامل پیش‌برنده و بازدارنده را مشخص نمود و راه‌های برخورد با عوامل بازدارنده و بهره‌گیری از عوامل پیش‌برنده را مورد تحلیل قرار داده و با رشد سریع جمعیت، افزایش روزافزون آگاهی، افزایش نیازها و انتظارهای افراد و گروه‌ها، تحول بنیادی در مهارت‌ها و تخصص‌های مورد نیاز جامعه، مسئلهٔ اشتغال و تأمین شغلی، رفاه اجتماعی و تأمین اعتبارهای لازم جهت تحقق اهداف و برنامه‌های توسعهٔ ملی، همه و همه نظام آموزش فنی و حرفه‌ای کشور را در شرایطی قرار داده که اهداف و رسالت و ساختار و عملکرد خود را با شرایط متحول کنونی و نیازهای آیندهٔ جامعه منطبق نماید. در این رابطه وظایف و کارکردهای مذکور اگر به نحو مناسب و مطلوبی به انجام برسد، زمینه‌های تحقق

سیاست‌های توسعهٔ همه‌جانبهٔ کشور را فراهم می‌آورد. الگوی ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در نظام آموزش مکانیسمی است که با استفاده از آن وضعیت آموزش، پژوهش و انجام تحقیقات علمی از نظر کمّی و کیفی مشخص و بر اساس آن توصیه‌های اصلاحی به‌عمل می‌آید و با استفاده از الگوی ارزیابی درونی به‌منظور حفظ و بهبود کیفیت، منجر به ارزیابی بیرونی به جهت تضمین کیفیت استفاده می‌شود. همچنین، ارزشیابی و بهبود مستمر کیفیت به علت نقش و اهمیت روزافزون آنها در تدارک نیروی انسانی در سطوح مختلف آموزشی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دارد. و هر موقعیت آموزشی از سه عامل متغیر، شامل روش‌های آموزشی، شرایط آموزشی و نتایج آموزشی شکل گرفته است. (فردانش، ۱۳۸۹: ۱۴). در ماهیت مفهوم آموزش در نظام مهارتی باید به این نکته توجه کرد که مفهوم حرفه‌آموزی معنایی بسیار محدودتر نسبت به پرورش، آموزش و تدریس دارد. هدف آن بر خلاف پرورش، شکوفا ساختن استعدادهای همه‌جانبهٔ افراد یا رشد شخصیت آنان نیست، بلکه منظور، دادن فنون و مهارت‌های مورد نیاز به کار آموزان برای انجام شغل یا حرفه‌ای معین است، مانند انواع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که هدف آن برآوردن اغراض و اهداف کلی پرورش نیست و شامل همه‌جنبه‌های آموزش و تدریس نمی‌شود، بلکه منظور گسترش نگرش، دانش، مهارت و الگوهای رفتاری موردنیاز یک فرد برای انجام عملکرد مناسب در یک وظیفه یا شغل معین است. در واقع، حرفه‌آموزی یک فرایند یاددهی- یادگیری کوتاه‌مدت است که هدفش صرفاً آماده‌کردن افراد برای حرفه‌ای معین است. (شعبانی، ۱۳۹۰: ۱۲)

ما باید آموزش را نه به مثابهٔ هزینهٔ سازمانی، بلکه جزو وظایف سازمانی و نوعی سرمایه‌گذاری تلقی کنیم و یک برنامهٔ فعالیت آموزشی تنها زمانی می‌تواند ارزشمندی خود را توجیه کند که شواهد قابل اطمینان معتبری در مورد تأثیر آموزش بر بهبود رفتار و عملکرد فراگیران و بالطبع منافع سازمانی عرضه‌کند. این امر به جنبه‌های مهمی از آموزش و ارزشیابی آموزش اشاره دارد که معمولاً از آن به‌عنوان اثربخشی آموزش یاد می‌شود. به‌طورکلی، در تعیین اثربخشی برنامه‌های آموزشی تعیین بازدهٔ آموزش، ارتقاء کیفیت آموزش مطرح است. لذا، در ماهیت و نقش آموزش در اشتغال زنان به دو رویکرد اساسی و مهم می‌توان اشاره کرد.

الف. اثربخشی آموزش

در اثربخشی آموزشی شرایطی لازم است تا سازمان‌ها ضمن تطبیق با شرایط پیچیده بتوانند با تغییرات برخورد منطقی نمایند و سازمان‌های خود را در جهت موفقیت حرکت دهند. به همین علت و به‌منظور بررسی و مطالعهٔ عوامل مؤثر در اثربخشی آموزش‌های کاربردی، چگونگی آماده‌سازی بستر اجرای آموزش در سازمان‌ها، تحلیل نیازهای آموزشی، ارزیابی، پایش و بهبود فرآیند آموزش، برای افزایش اثربخشی و کارآمدی آنها در سازمان‌ها نیاز به بررسی بیشتری می‌طلبد.

در آغاز فرایند ارزشیابی اثربخش آموزش این نکته باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد که آیا بهترین راه حل مسائل عملکردی در سازمان ارائهٔ آموزش است یا خیر؟ لذا، در پاسخ

باید گفت که باید برنامه‌های آموزش را طراحی، اجرا و ارزشیابی کرد و در غیراین‌صورت اگر نیاز به سایر ملاحظات توسعهٔ منابع انسانی باشد، باید نسبت به آنها توجه نشان داد.

ارتقاء کیفیت آموزش به بهبود مستمر عملکرد فرایندها و عملیات آموزشی اشاره دارد. لذا، برای بهسازی مداوم عملکرد با نتایج فراگردها و فعالیت‌های آموزشی، باید داده‌ها و اطلاعات مربوط به کارایی و اثرات بیرونی و درونی برنامه‌های آموزشی را به‌صورت بازخورد و در چرخهٔ عملیات آموزشی وارد ساخت. در واقع، بازخورد عبارتست از: اطلاعات اکتسابی در خصوص وضعیت فعالیت‌ها و برونداد سیستم‌های آموزشی و اثرات آنها، که از طریق تلاش‌های رسمی و نظامدار حاصل می‌گردد. بدین ترتیب، از طریق سنجش اثربخشی آموزش می‌توان نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها را تشخیص داده و اطلاعات و شناخت لازم را برای طراحی برنامه‌هایی با کیفیت‌تر کسب کرد. نکتهٔ مهم و اساسی در مورد اثربخشی آموزشی این است که قبل از آنکه در صد بررسی نحوهٔ اندازه‌گیری اهداف باشیم، می‌بایست در پی انجام صحیح فرایند آموزشی و اطمینان از تحقق آن در هر مرحله از این فرایند باشیم. اثربخشی و کیفیت آموزشی می‌بایست در طول فرایند آموزش ایجاد و تضمین گردد و در پایان این فرایند برای اطمینان از صحت اقدامات و تحقق اهداف مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گیرد.

همچنین، در کیفیت اثربخشی آموزش باید گفت که کیفیت علاوه بر داشتن ویژگی‌های عینی و قابل مشاهده دارای بار ارزشی نیز می‌باشد. البته به این معنا که کیفیت قابلیت تبدیل به کمیت و عملیاتی شدن را ندارد. چراکه اگر ما در برنامه‌ریزی‌های سازمان دید روشن و مشخصی از مأموریت‌ها و اهداف سازمان را داشته باشیم، می‌توانیم راهبردهای روشنی برای عملیات اجرایی ارائه دهیم که بخش مهمی از کار تضمین کیفیت انجام گرفته است و باید توجه داشت که تعیین میزان کیفیت یک دورهٔ آموزشی بستگی به عوامل مختلفی از جمله فرهنگ سازمان، تجارب قبلی فراگیران و مرتبط بودن با فعالیت‌های تخصصی دارد. تضمین کیفیت در حوزهٔ آموزش، یعنی ارائهٔ عینی قابل مشاهدهٔ آنچه در برنامه‌ریزی راهبردی سازمان پیش‌بینی شده است. ارزیابی کیفیت برنامه‌های آموزشی دارای جنبه‌های خاصی است که کلیات نظام آموزشی را دربر می‌گیرد. بنابراین، کیفیت نظام آموزشی را می‌توان بر مبنای عوامل تشکیل‌دهندهٔ نظام آموزشی ارزیابی کرد که عناصر آموزشی عبارتند از، دروندادها، فرایند، محصول، برونداد و پیامد که براساس عناصر نظام آموزشی می‌توان کیفیت و اثربخشی آموزشی را بیان کرد.

ب. ارزشیابی کیفیت آموزش

ارزشیابی، یکی از مهم‌ترین مراحل برنامه‌ریزی آموزشی است که انجام صحیح آن اطلاعات بسیار مفیدی را دربارهٔ چگونگی طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی را در اختیار می‌گذارد و مبنای مفیدی جهت ارزیابی عملکرد آموزشی مراکز به‌دست می‌دهد. ارزشیابی آموزش فرایند جمع‌آوری ستاده‌های مورد نیاز برای تعیین اثربخشی آموزش است و اثربخشی فوایدی است که سازمان و فراگیران از آموزش دریافت می‌کنند. فواید آموزش برای فراگیران شامل یادگیری مهارت یا رفتارهای جدید برای سازمان می‌تواند شامل کاهش ضایعات، کاهش

عیب، افزایش ضریب ایمنی در محیط کار و رضایت مشتری باشد و دلیل ارزشیابی آموزشی باید توجه به اینکه سرمایه‌گذاری در آموزش در حال افزایش است مورد بررسی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، آموزش را به‌عنوان استراتژی جهت موفقیت خود انتخاب کرده‌اند. تا فواید و نتایج آموزش را ارزیابی‌کنندهٔ مهم آموزش در تولید محصول و خدمات آن سازمان یا واحدهای تولید مشخص گردد.

به نظر رالف تایلر، ارزشیابی آموزشی فرایند سنجش میزان تحقق اهداف از قبل تعیین‌شده می‌باشد. در کلیهٔ تعاریف ارزشیابی به مفهوم علمی آن می‌توان سه عنصر مشترک «فرایند منظم، هدفدار جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات» در قضاوت ارزشی دربارهٔ میزان مطلوبیت موضوع مورد ارزشیابی و اقدام و عمل مرتبط بر نتایج ارزشیابی را مشاهده کرد. (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۹-۲۰). همسو با تعریف ارائه‌شده از ارزشیابی آموزشی، هدف اصلی و پایه‌ای ارزشیابی را می‌توان قضاوت کردن دربارهٔ ارزش پدیدهٔ مورد ارزشیابی دانست. مسئلهٔ اصلی در رویکرد ارزشیابی، کسب اطلاعات مربوط به فرآورده‌های آموزشی است که توسط مصرف‌کنندگان آموزشی از میان برنامه‌های درسی مختلف فرآورده‌های آموزشی نظایر اینها انتخاب و مورد استفاده قرار می‌گیرند. (سیف، ۱۳۷۵: ۶۹).

ابتدایی‌ترین امر در کنترل و ارزیابی کیفیت آموزش، داشتن یک دیدگاه مشترک از کیفیت می‌باشد. ارزیابی کیفیت برنامه‌های آموزشی دارای جنبه‌های خاصی است که کلیات نظام آموزشی را دربرمی‌گیرد. برخی از مهم‌ترین این جنبه‌ها عبارتند از: نیازسنجی آموزشی، ارزشیابی تشخیصی، پشتیبانی از فعالیت‌های آموزشی، مدیریت آموزشی، ارائهٔ بازخورد، تدریس و ارائهٔ مستندات و اطلاعات مورد نیاز مهارت‌آموختگان در بهره‌برداری از آموخته‌های خود، فرایند آموزشی که در کنترل کیفیت آموزش مؤثر است که نیاز به ساختارهای قابل‌انعطاف آموزشی، نیاز به اهمیت بخشیدن به هویت آموزش و ایجاد فرهنگ آموزش و نیاز به ارتقاء کیفیت و اثربخشی آموزشی از بهترین دلایل توجه به شاخص‌های ارزیابی می‌باشد. پس منظور از روش ارزیابی، چگونگی گردآوری داده‌ها، تنظیم و تلخیص و تحلیل آنهاست. پس از آنکه روش ارزیابی به اجرا درآمد، اطلاعات به‌دست آمده تلفیق و تفسیر می‌شود و چنانچه در ارزیابی فراهم‌آوردن اطلاعات مورد نیاز برای ارزیابی تشخیص یا تکوینی باشد می‌توان یکی از روش‌های کمّی و کیفی را به‌کار برد. (بازرگان، ۱۳۷۹: ۱۴۵).

در ارزیابی کارایی و اثربخشی آموزش باید گفت که باید بروندادها و پیامدها ارزیابی شوند و ویژگی‌های عوامل برونداد که همان فضا و تسهیلات آموزشی از جمله عوامل درونداد است که در ارزیابی اثربخشی به آن توجه می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زمینهٔ ایجاد اشتغال زنان باید گفت که از دیدگاه جامعه‌شناختی، اشتغال زنان اکنون پدیده‌ای عام و فراگیر گردیده است. این امر برنامه‌ریزی صحیح آموزشی را ایجاب می‌کند که در این راستا با هدف نیاز به تشخیص مسائل، شناسایی نارسائی‌ها و کاستی‌های آن، از طریق انجام تحقیقات آموزشی با استفاده از دو شاخص مهم یعنی اثربخشی و ارزشیابی کیفیت آموزش می‌توان به هدف متعالی نظام

آموزش دست یافت که فراگیران پس از طی کردن آموزش‌های مهارتی بتوانند به راحتی در جامعه جذب بازار کار گردند. همچنین، کارایی و اثربخشی هر جامعه تا حد قابل ملاحظه‌ای بستگی به کاربرد صحیح و مؤثر منابع انسانی دارد و با آموزش می‌توان سطح دانش و تخصص افراد را بالا برد تا بتوان گام‌های مؤثرتری در جهت توسعه و اشتغال زنان برداشت.

منابع

بازرگان، عباس و همکاران، ۱۳۷۹. رویکرد مناسب ارزیابی درونی برای ارتقاء مستمر کیفیت گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی، مجلهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

سیف، علی اکبر، ۱۳۷۵. روش‌های اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، تهران، نشر دوران.

دانش، پروانه، ۱۳۷۱. بررسی اشتغال‌زایی مادران کارمند و تأثیر آن بر هرم قدرت و تصمیم‌گیری در خانوادهٔ امروز، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکدهٔ علوم اجتماعی.

شعبانی، حسن، ۱۳۹۰. مهارت‌های آموزشی، تهران، نشر سمت، چاپ هفتم.

علویان، محمدرضا، ۱۳۸۱. کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی کار، چاپ اول، تهران، انتشارات روشنگران.

لشین، نیتیابی، ۱۳۸۹. راهبردها و فنون طراحی آموزشی، ترجمهٔ هاشم‌فر دانش. تهران، نشر سمت. چاپ ششم.

محمدی، رضا، ۱۳۸۱. ارزیابی درونی کیفیت گروه‌های آموزشی ریاضی محض و کاربردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشکدهٔ علوم تربیتی تهران.

مشایخ، فریده، ۱۳۹۰. دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، نشر سمت، چاپ یازدهم.

منصورنژاد، محمد، ۱۳۸۱. مسئلهٔ زن اسلام و فمنیسم، تهران، نشر برگ زیتون.

بررسی مقایسه‌ای عزت نفس و خودکارآمدی در زنان شاغل و غیرشاغل

محمد رضا تمنایی فر[1]
فاطمه سلامی محمد آبادی[2]
سمیه دشتبان زاده[3]

چکیده

در سال های اخیر، روند ورود زنان به بازار کار رو به افزایش بوده است و این پدیده فرصت ها و چالش های زیادی را برای زنان ایجاد کرده است. بر خلاف رویکرد جنسیتی نقش، که کار و شغل برای مردان و مسئولیت خانه داری و فرزند پروری برای زنان است، امروزه فرصت های شغلی به مردان محدود نمی شود و زنان نیز بخش مهمی از نیروی کار را تشکیل می دهند. اشتغال زنان از سویی می تواند باعث کسب ارزشها و برداشت های جدید شود و از سوی دیگر می تواند باعث دشواری در هماهنگی نقش های سنتی و جدید شود. به دلیل اهمیت اشتغال زنان هدف پژوهش حاضر، بررسی و مقایسه عزت نفس و خودکارآمدی زنان شاغل و غیر شاغل شهرستان کاشان بود. در این پژوهش که از نوع زمینه یابی است برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت و پرسشنامه احساس خودکارآمدی شرر استفاده گردیده است. نمونه آماری این پژوهش شامل ۸۰ زن شاغل و ۸۰ زن غیر شاغل شهرستان کاشان بود که به صورت تصادفی انتخاب شدند. نتایج داده ها نشان داد بین عزت نفس زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین معلوم گردید که بین خودکارآمدی زنان شاغل و غیر شاغل تفاوت معنی درای وجود دارد. به عبارت دیگر، زنان شاغل عزت نفس و خودکارآمدی بالاتری نسبت به زنان غیر شاغل دارند.

واژگان کلیدی: عزت نفس، خودکارآمدی، زنان شاغل، زنان غیر شاغل.

۱. استادیار گروه روان شناسی دانشگاه کاشان(نویسنده مسئول)، Email:Tamannai@ kashanu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه کاشان، Email:fatemesalami69 @ yahoo.com
۳. کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه کاشان ، Email:dashtban62@yahoo.com

مقدمه

از دهه‌های گذشته مشکلات اقتصادی و تغییر در انتظارات خانواده‌ها از زندگی، درآمد بیشتر را برای بقای خانواده ضروری ساخته است. امروزه در اغلب کشورها سبک زندگی از خانواده‌های با یک نان‌آور به سمت خانواده‌های با دو نفر شاغل تغییر کرده به‌گونه‌ای که زوج‌های هر دو شاغل، تعداد زیادی از زوج‌ها را تشکیل می‌دهند (شلتون[1]، ۱۹۹۱).

میزان مشارکت زنان در نیروی کار در سراسر جهان در حال افزایش است. سهم زنان از نیروی کار جهان از ۳۸ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۴۱ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. (لو[2]، ۱۹۹۷).

امروزه مشارکت روزافزون زنان در بیرون از خانه باعث تقویت حس اعتماد به نفس و استقلال قدرت تصمیم‌گیری و برخورد مناسب با رویدادها و حوادث زندگی و اثر مطلوب بر روابط خانوادگی شده است. در واقع زن با کار و فعالیت اجتماعی قدرت خلاقیت، کارایی و استقلال بیشتری می‌یابد (نیک صالحی، ۲۰۰۵).

باید گفت که ایفای نقش شغلی، دیگر نقش‌های زنان را کم رنگ نمی‌سازد، بلکه زنان اغلب ناگزیراند آن کارها را نیز انجام دهند. در این‌باره، به گفتهٔ هارت من[3] «با افزایش ساعات کار خارج از خانه زنان، هر چند کاهشی در ساعات کارهای منزل دیده می‌شود، اما در کل، به افزایش مجموع ساعات کار هفتگی زنان می‌انجامد. مردانی که همسرانشان شاغل هستند، نسبت به مردانی که همسرانشان خانه‌دار است، کمک بیشتری در کارهای خانه ارائه نمی‌دهند».

پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهد که اگر نگوییم زنان شاغل مادران بهتری هستند، دست کم باید بپذیریم که زنان شاغل وظیفهٔ مادری را برای انجام کارهای خانه فراموش نمی‌کنند و حتی بر آنها مادری بر کارهای دیگر برتری دارد (اعزازی، ۱۳۸۰).

هر چند که تصور بر این است که در صورتی که مادر کار کند فرزندش دچار نارحتی می‌شود، شواهد نشان می‌دهد که اشتغال مادر در مادر و کودک به‌خصوص در دختران تأثیرات مثبت می‌گذارد. مادران شاغل معمولاً رضایت بیشتری از خود دارند و به‌طور متوسط به اندازهٔ مادران غیر شاغل به فرزندانشان محبت و توجه نشان می‌دهند. (ماسن و همکاران، ۱۳۸۰).

ارزیابی هافمن نشان داد که دختران مادران شاغل در مقایسه با دختران غیر شاغل، اعتماد به نفس بیشتر، نمرات درسی بهتر و آیندهٔ شغلی روشن‌تری دارند. اشتغال مادر می‌تواند از رهگذر افزایش درآمد خانواده موجب عزت نفس بالاتر مادر، تمایز اندک بین تنش‌های زن و مرد و ایجاد یک الگوی مثبت به سود پسران و دخترانشان در زندگی آیندهٔ آنها باشد (هافمن[4]، ۱۹۸۹). ارتقاء سطح بهداشت خانواده، بهره‌وری بیشتر از منابع مادی و معنوی خانواده، افزایش توان مدیریتی زن در خانواده، افزایش روحیهٔ اعتماد به نفس در

1. Shelton
2. Llo
3. Hartman
4. Hoffman

اجتماع، پر شدن اوقات فراغت و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی، شکوفایی استعدادهای انسانی زن، احساس تعهد و مسئولیت بیشتر نسبت به خانواده، استقلال مالی زن و استحکام یافتن خانواده و ارتقاء سطح خود باروری و احساس خودکارآمدی در زنان را می‌توان از فواید اشتغال زنان نام برد (موحدی، ۱۳۸۰). مطالعات انجام‌شده در کشورهای غربی حکایت از برتری نسبی وضعیت سلامت زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل یا به عبارت دیگر زنانی دارد که صرفاً به ایفای نقش خانه‌داری محدود شده‌اند (آربر و کوپر[1]، ۲۰۰۰؛ هی[2]، ۱۹۹۸).

بنابراین، توجه به وضعیت روانی زنان شاغل از جمله عزت نفس و احساس خودکارآمدی آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عزت نفس و احساس خودکارآمدی از سازه‌هایی هستند که بسیار مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و تحقیقات زیادی را به خود اختصاص داده‌اند.

عزت نفس[3] درجهٔ تصویب، پذیرش و ارزشمندی است که شخص نسبت به خود احساس می‌کند (بیابانگرد، ۱۳۷۲). دانلی[4]، عزت نفس را به‌عنوان اعتقادات و نیز دیگران از این که چقدر رقابتی موفق، مؤثر و با ارزش بوده تعریف کرده است (دانلی و همکاران، ۲۰۰۱). به عبارتی، منظور از عزت نفس آن است که افراد نسبت به خود چگونه فکر می‌کنند، چقدر خود را دوست داشته و از عملکردشان راضی می‌باشند، به‌خصوص به لحاظ اجتماعی و تحصیلی خود را چگونه احساس کرده و میزان هماهنگی و نزدیکی خود ایده‌آل و خود واقعی آنها چقدر است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۶).

مطالعه‌ای نشان داد اشخاصی که از عزت نفس بیشتری برخوردار هستند، در مقایسه با اشخاص با عزت نفس کم، در برابر مسائل زندگی و مشکلات مقاومت بیشتر کرده و در نتیجه احتمال موفقیت‌شان بیشتر است (آلویس مارتین[5] و همکاران، ۲۰۰۲).

اشتغال زنان باعث افزایش شناخت نسبت به خود که یکی از پایه‌های عمدهٔ سلامت روان است می‌شود و منابع گوناگونی برای احساس رضایت در خود و دریافت پاداش را ایجاد می‌کند. لذا، زنان شاغل امکان انجام فعالیت‌های مقبول و ارزشمند اجتماعی را به سبب افزایش عزت نفس پیدا می‌کنند. انجام مطالعه‌ای پیرامون ارتباط بین اشتغال و افسردگی در زنان آمریکایی نشان داد که زنان شاغل کمتر از زنـــان غیرشاغل افسرده می‌شوند و آنها نمرات بالاتری در سلامت عمومی (رضایت از زندگی و اعتماد به نفس) و نمرات پایین‌تری نسبت به عدم امنیت و اضطراب دارند. مطالعات نشان می‌دهد زنانی که وظایف همسری و مادری و شغلی را با هم در می‌آمیزند از بیشترین شادی، عزت‌نفس و احساس خودکارآمدی برخوردارند (وزیری‌نژاد، ۱۳۸۶). برخی تحقیقات نشان داده‌اند که میـان رضامندی شغلی و عزت نفس ارتباط وجود دارد. هرزبرگ و دیگران (۱۹۵۹) معتقدند که تجربهٔ شغلی خشنودکننده می‌تواند عزت نفس را افزایش دهد (جواهری و همکاران، ۱۳۸۹). در همین راستا کالدمبرگ[6] یکی از آثار مثبت اشتغال زنان را افزایش عزت‌نفس آنها دانسته است. احساس خودکارآمدی نیز از سازه‌ای دیگر است که در تحقیقات اخیر مورد بررسی فراوان

1. Arber & Cooper
2. Hee,c
3. self-esteem
4. Donnelly
5. Alves-Martins,M
6. Kaldemberg.

قرار گرفته است. احساس خودکارآمدی[1] از نظریهٔ شناخت اجتماعی[2] آلبرت بندورا[3] روان‌شناس مشهور، در سال۱۹۷۷ وارد پیشینهٔ روان‌شناسی شد. از دیدگاه بندورا خودکارآمدی «توانایی فرد در انجام یک عمل خاص در کنار آمدن با یک موقعیت ویژه است. به عبارتی، خودکارآمدی به قضات‌های افراد در رابطه با توانایی‌هایشان برای به ثمر رساندن سطوح طراحی‌شده عملکرد اطلاق می‌شود» (نجفی و فولادچنگ، ۱۳۸۶).

فتسکو و مککلور[4] معتقدند که خودکارآمدی به باورهای افراد دربارهٔ توانایی کنترل زندگی زندگی به دست خودشان گفته می‌شود (سیف، ۱۳۸۶).

باورهای خودکارآمدی بر طرز تفکر افراد، چگونگی رویارویی با مشکلات، سلامت هیجانی، تصمیم‌گیری، مقابله با استرس و افسردگی، انتخاب اهداف و دسترسی به آن‌ها تأثیر می‌گذارد. نظام باورها از طرفی در بهبود رفتار، سلامتی و رضایت‌مندی از زندگی نقش دارد و از طرف دیگر، بسیاری از مسائل و مشکلات افراد ناشی از این باورها است. بر طبق نظر بندورا ناکارآمدی ادراک‌شده۵ نقش مهمی در افسردگی، اضطراب، استرس، روان‌آزردگی و دیگر حالت‌های عاطفی بازی می‌کند. همچنین، می‌تواند منجر به احساس‌ها و باورهای پوچی گردد. زمانی که فرد خود را در رسیدن به انتظارات با ارزش ناکارآمد بداند افسرده خواهد شد و وقتی که خود را در کنار آمدن با محرک‌های تهدیدآمیز ناتوان ببیند مضطرب خواهد شد (نجفی و فولادچنگ، ۱۳۸۶). افرادی که خودکارآمدی بالایی دارند معتقدند که به نحو مؤثری می‌توانند با موقعیت‌ها و وقایع پیش‌آمده برخورد کنند. چون انتظار دارند که در غلبه بر موانع موفق شوند، لذا در کارها استقامت به خرج می‌دهند و اغلب در سطح بالایی عمل می‌کنند. آنها به توانایی‌های خود اطمینان بیشتری دارند. آنها، مشکلات را به جای تهدید، چالش تلقی می‌کنند و فعالانه در جستجوی موقعیت‌های تازه هستند. خودکارآمدی بالا ترس از شکست را کاهش می‌دهد، سطح آرزوها را بالا می‌برد، توانایی حل مسأله و تفکر تحلیلی را بهبود می‌بخشد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۶). خودکارآمدی نه تنها بر آنچه افراد انجام می‌دهند تأثیر می‌گذارد، بلکه مقدار تلاشی که آنها صرف انجام یک کار یا تکلیف می‌کنند، مخصوصاً زمانی که با مانع روبه‌رو می‌شوند را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر قدر افراد خود را بیشتر باور داشته باشند، یعنی اثربخشی خود را بالاتر ارزیابی کنند، به احتمال بیشتری استقامت به خرج خواهند داد. در مقابل اگر خود را لایق ندانند، به احتمال زیاد مأیوس شده و دست از تلاش بر می‌دارند. از این‌رو، خودکارآمدی در محیط کار و عرصه‌های شغلی عامل مهمی به شمار می‌آید.

هارسون، رینر، هوچ وارتر و تامپسون (۱۹۹۷) نشان دادند کسانی که در مورد لیاقت شخصی خود قضاوت‌های مثبتی دارند و خودکارآمدی بالایی دارند، از عملکرد شغلی بسیار خوبی برخوردار (یزدانی، ۱۳۸۸). همچنین، متاآنالیز ۱۱۴ تحقیق که بیش از ۲۱۶۰۰ آزمودنی را در برداشتند، از رابطهٔ مثبت معنی‌دار بین خودکارآمدی و عملکرد شغلی حمایت کرده است. تحقیق دیگری معلوم کرده است افرادی که از نظر خودکارآمدی بالا هستند در مقایسه با کسانی که از این نظر پایین هستند، در برنامه‌های شغلی موفق‌ترند و رضایت شغلی بیشتری را گزارش می‌دهند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۶). در پژوهش وزیری نژاد (۱۳۸۶) که به بررسی مقایسه‌ای زنان شاغل و زنان غیرشاغل از نظر رضایت زناشویی، عزت‌نفس و

1. self-efficacy
2. Social cognition theory.
3. Bandura.
4. Festco & Mcclure.
5. Perceived inefficacy.

خودکارآمدی پرداخته، نشان داده که احساس خودکارآمدی و عزت نفس زنان شاغل بالاتر از زنان غیرشاغل می‌باشد.

نظر به این که زنان شاغل بخش مهمی از جامعهٔ کنونی ما را تشکیل می‌دهند، هدف از پژوهش حاضر مقایسهٔ وضعیت زنان شاغل و غیرشاغل از نظر عزت نفس و خودکارآمدی بوده است و دو فرضیه به قرار زیر آزمون شده‌اند:

- میزان عزت نفس زنان شاغل بالاتر از میزان عزت نفس زنان غیرشاغل است.
- میزان خودکارآمدی زنان شاغل بالاتر از میزان خودکارآمدی زنان غیرشاغل است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات زمینه‌یابی است. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر شامل کلیهٔ زنان شاغل در سازمان‌های اداری (آب- برق- گاز- مخابرات و بانک‌ها) و زنان غیرشاغل در شهرستان کاشان می‌باشد. نمونهٔ تحقیق شامل ۸۰ زن شاغل و ۸۰ زن غیرشاغل شهرستان کاشان می‌باشد که به صورت تصادفی انتخاب گردیدند.

ابزار اندازه‌گیری

به‌منظور گردآوری اطلاعات و داده‌های این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شده است:

الف) پرسشنامهٔ عزت نفس کوپر اسمیت: در بررسی‌هایی که در ایران و خارج انجام گردیده معلوم شده که این آزمون از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار است. با روش بازآزمایی ضریب پایانی این آزمون در ایران با فاصلهٔ چهار هفته و دوازده روز به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۸۰ گزارش شده است. ضریب همسانی درونی گزارش شده بین ۰/۸۹ تا ۰/۸۴ در مطالعات مختلف متغیر بوده است (تمنائی و همکاران، ۱۳۸۶).

ب) پرسش‌نامهٔ خودکارآمدی شرر (Sherer): این مقیاس توسط شرر و همکاران در ۱۹۸۲ ساخته شده است. در این پژوهش از مقیاس ۱۷ ماده‌ای خودکارآمدی شرر استفاده شده است.

شرر و همکاران در ۱۹۸۲ میزان آلفای کرونباخ را ۰/۸۶ گزارش کردند: در پژوهش نجفی و فولاد چنگ آلفای کرونباخ پرسش‌نامه را ۰/۸۰ گزارش شده است (نجفی و فولاد چنگ، ۱۳۸۶).

یافته‌های تحقیق

جدول ۱. نتایج آزمون تفاوت میانگین‌های دو گروه زنان شاغل و غیرشاغل در متغیر عزت نفس خودکارآمدی

شاخص آماری / متغیر	زنان شاغل			زنان غیر شاغل			درجهٔ آزادی	مقدار T	سطح معناداری
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار			
عزت نفس	۸۰	۸۹/۱	۵/۸۴	۸۰	۸۷/۳۱	۵/۹۱	۱۵۸	۲/۷۹	۰/۰۰۶
خودکارآمدی	۸۰	۵۹/۴۷	۸/۴۰	۸۰	۵۷/۲۸	۹/۳۴	۱۵۸	۱/۵۵	۰/۱۲

با توجه به نتایج به‌دست آمده، مشاهده می‌کنید که میانگین نمرات عزت نفس در زنان شاغل و غیرشاغل به ترتیب ۸۹/۱ و ۸۷/۳۱ و میانگین نمرات خودکارآمدی در زنان شاغل و غیرشاغل به ترتیب ۵۹/۴۷ و ۵۷/۲۸ می‌باشد.

همچنین، نتایج یافته‌های استنباطی نشان داد که بین عزت نفس زنان شاغل و غیرشاغل تفاوت معنی‌داری وجود دارد و عزت نفس زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل است. سایر یافته‌های تحقیق نشان داد که بین خودکارآمدی زنان شاغل و غیرشاغل تفاوت معنی‌داری وجود دارد و خودکارآمدی زنان شاغل بالاتر از زنان غیر شاغل است.

بحث و نتیجه گیری

امروزه با عنایت به رشد اجتماعی، افزایش توانمندی‌ها و تحصیلات زنان ایرانی و از آنجایی که تأمین استقلال اقتصادی برای زنان از نیازهای ضروری جامعهٔ امروز ایران است، اشتغال زنان از اهمیت خاصی برخوردار شده است. در مورد آثار اشتغال زنان بر وضعیت روانی آنها و به‌طور کلی، بر زندگی آنها تحقیقات زیادی انجام گردیده است و یافته‌های حداقل دسته‌ای از مطالعات حاکی از برتری نسبی وضعیت سلامت روانی زنان شاغل درمقایسه با زنان غیرشاغل می‌باشد.

بر این اساس، در پژوهش حاضر هدف آن بوده است که وضعیت زنان شاغل و غیرشاغل از نظر عزت نفس و خودکارآمدی بررسی و مقایسه گردد. از یافته پژوهش حاضر این بود که زنان شاغل عزت نفس بالاتری نسبت به زنان غیرشاغل دارند. این یافتهٔ پژوهش حاضر با پژوهش‌های وزیری‌نژاد (۱۳۸۶)، جواهری و همکاران (۱۳۸۹)، آلویس – مارتین (۲۰۰۲) و کالدمبرگ (۱۹۹۱) هماهنگی دارد.

در تبیین این یافته، می‌توان به فرضیه‌های اعتلای نقش[1] و نظریهٔ بسط نقش[2] اشاره کرد که تأکید دارند اشتغال به عنوان نقش جدید که به نقش‌های سنتی زنان اضافه شده، موجب عزت نفس بیشتر، استقلال مالی بیشتر و کسب حمایت اجتماعی گسترده‌تر می‌شود (احمدنیا، ۱۳۸۰). همچنین، اشتغال برای زنان عزت نفس بیشتری به همراه دارد و می‌تواند آنها را از پرداختن صرف به امور خانه‌داری که بعضاً کسل‌کننده است و در نظر آنها ارج و قرب کمتری دارد رهایی بخشد (سفیری و زارع، ۱۳۸۰).

از یافته‌های دیگر پژوهش حاضر این بود که خودکارآمدی زنان شاغل بالاتر از زنان غیرشاغل است. پژوهش حاضر با یافته‌های وزیری‌نژاد (۱۳۸۶)، سیف (۱۳۸۶) و یزدانی (۱۳۸۸) همسو می‌باشد. در توجیه این یافته باید اشاره کرد که با توجه به این که بندورا خودکارآمدی را عاملی می‌داند که به عنوان یک میانجی شناختی عمل می‌کند و شناخت و افکار و احساسات افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به‌دست آوردن چنین نتیجه‌ای به دور از انتظار نیست؛ چرا که وقتی افراد در معرض رویدادها و موقعیت‌های استرس‌زا قرار می‌گیرند احساس خودکارآمدی بالا به آنها کمک می‌کند تا بتوانند آن رویدادها و موقعیت‌ها را اداره و کنترل کنند و در نتیجه خود را در برابر بسیاری از مشکلات روانی محافظت کنند (نجفی و فولاد چنگ، ۱۳۸۶). در این راستا هاریسون و همکاران (۱۹۷۷) نشان دادند کسانی که در مورد لیاقت شخصی خود قضاوت‌های مثبتی دارند و خودکارآمدی بالایی دارند، از عملکرد شغلی بسیار خوبی برخوردارند (یزدانی، ۱۳۸۸).

---

1. Role Enhancement.
2. Rde Exponsion.

همان‌طور که یافته‌های این پژوهش و سایر پژوهش‌ها نشان می‌دهند، اشتغال زنان و توجه کردن به سلامت روانی آنها از جمله عزت نفس و خودکارآمدی از مسائل مهم است و برای پیشگیری از مسائل روانی و بالا بردن سلامت روانی زنان شاغل و خانه‌دار بایستی به عوامل متعدد توجه داشت. تأکید شده است که زوجین، مشاوران، روان‌شناسان، سازمان‌ها و نهادهای سیاست‌گذاری و فرهنگی باید در برنامه‌های پیشگیرانه مشارکت جدی داشته باشند.

منابع

احمدنیا، ش. (۱۳۸۰). اثرات اشتغال بر سلامت زنان. فصل‌نامهٔ رفاه اجتماعی. سال سوم، شمارهٔ ۱۲: ۱۸۰ – ۱۵۸.

اعزاری، ش. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خانواده؛ با تأکید بر نقش، ساختار، و کارکرد خانواده در دوران معاصر. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان: تهران.

بیابانگرد، الف. (۱۳۷۲). روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. انتشارات انجمن اولیا و مربیان: تهران.

تمنائی فر، م و نیازی، م، و امینی، م. (۱۳۸۶). بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانشجویان مشروط و ممتاز. دانشور رفتار، سال چهاردهم، شمارهٔ ۲۴: ۵۲-۳۹.

جواهری، ف و سراج زاده، ج، و رحمانی، ر. (۱۳۸۹). تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان . پژوهش زنان، دورهٔ ۸، شمارهٔ ۲، ۱۶۲-

حسینی، م و دژکام، م و میرلاشاری، ژ. (۱۳۸۶). همبستگی عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان توان‌بخشی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی تهران. مجلهٔ ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال هفتم، شمارهٔ ۱: ۱۴۲-۱۳۷.

سفیری، خ و زارع، ز. (۱۳۸۵). احساس ناسازگاری میان نقش‌های اجتماعی و خانوادگی در زنان. مطالعات زنان. سال چهارم، شمارهٔ ۲: ۷۰ – ۴۷.

سیف، ع. (۱۳۸۶). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. نشر دوران: تهران.

شولتر، د و شولتز، س. (۱۳۸۶). نظریه‌های شخصیت. ترجمهٔ یحیی سید محمدی. نشر ویرایش: تهران.

موحدی، ب. (۱۳۸۰). گزارش اجمالی از وضعیت اشتغال زنان. فصل‌نامهٔ زنان، توسعه و تعدد نقش‌ها. مرکز امور مشارکت زنان، تهران: ۱۹.

نجفی، م و فولاد چنگ، م. (۱۳۸۶). رابطهٔ خودکارآمدی و سلامت روان در دانش‌آموزان دبیرستانی. دانشور رفتار، سال چهاردهم، شمارهٔ ۲۲: ۸۲- ۶۹.

نیک صالحی. (۲۰۰۵). اشتغال چه تأثیری بر عملکرد و روحیات او دارد.
www.google.com

وزیر نژاد، الف. (۱۳۸۶). بررسی مقایسه‌ای زنان شاغل و غیرشاغل از نظر میزان عزت نفس و رضایت زناشویی و احساس خودکارآمدی. پایان‌نامهٔ کارشناسی، دانشگاه کاشان.

هری ماسن، پ و جین وی و کانجر، ج و هوستون، آ. (۱۳۸۰). رشد و شخصیت کودک ترجمهٔ مهشید یاسایی. نشر مرکز: تهران.

یزدانی، ز، (۱۳۸۸). بررسی مقایسه‌ای تفکر انتقادی و خودکارآمدی دانشجویان رشته‌های هنری و غیرهنری. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان.

Alves-Martins M, peixoto F, Goureial- pereira M,Amaral V,pedro I..(2002). self-esteem and academic achievement among adolescents Educational psychology, 22(1):51-62.

Arber S, cooper H.(2000). Gender and In qualities in health a cross the life course. In E. Annandale and K. Hunt (eds.)Gender inequalities in health. Buckingham: open University press,123-149.

Donnelly JW, Eburne N, kittleson M. (2001). Mental health: Dimension of self-esteem and emotional well-being. Boston:Apllyn and Bacon.

Hee C. (1998). women's health. Psychological and social perspectives. London: sage.

Hoffman LW.(1989). Maternal employment. American psychologist, 34:859-865.

Kaldemberg D.(1991). performance, self-esteem and job satisfaction psychological report, 69(1):201-202.

Ilo.(1997). Streaking through the Glass ceiling: women in Management. Geneva: ILO.

Shelton BA.(1991). Does marital status make a difference? Journal of family Issues, 4: 402-420.

بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر احساس منزلت اجتماعی زنان شاغل و غیرشاغل در زمینهٔ مشاغل خانگی در آموزش فنی و حرفه‌ای استان زنجان در سال ۹۰

مینا اکبری امامی[۱]
سیده زهرا میر محمد رضایی[۲]

چکیده

هدف کلی از پژوهش حاضر، بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر احساس منزلت اجتماعی در بین زنان شاغل و غیرشاغل در زمینهٔ مشاغل خانگی در آموزش فنی و حرفه‌ای استان زنجان در سال ۹۰ می‌باشد. این تحقیق از نوع پیمایش طولی بوده که جامعهٔ آماری مورد مطالعه شامل زنانی می‌شود که از ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان زنجان در سال ۹۰ مجوز مشاغل خانگی دریافت نمودند و از این جامعهٔ آماری در ابتدای دریافت مجوز و قبل از اقدام به اشتغال به‌صورت نمونه‌گیری حجم نمونه‌ای تعیین گردیده و بررسی به عمل آمد و سپس از همین حجم نمونه بعد از ایجاد مشاغل خانگی و اشتغال آنان بررسی دیگری با همان ابزار صورت گرفت. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده و با استفاده از جدول اعداد تصادفی است. جامعهٔ آماری این پژوهش ۲۸۶۸ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۳۸ به دست آمد و جهت افزایش روایی و پایایی پژوهش این مقدار به ۳۵۰ نفر افزایش یافت. ابزار مورد استفادهٔ پرسش‌نامهٔ محقق ساخته است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد و فرضیات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش آماری مورد استفاده t گروه‌های مستقل می‌باشد و در نهایت، نتایج به‌دست آمده نشان داد که زنان شاغل از احساس‌استقلال، اعتماد، مشارکت، عزت‌نفس، مسئولیت‌پذیری، شادابی و نشاط بیشتر و احساس محرومیت نسبی کمتر برخوردار هستند و در کل زنان شاغل از احساس منزلت اجتماعی بیشتری نسبت به زنان غیرشاغل برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: منزلت اجتماعی، زنان شاغل، زنان بیکار، آموزش فنی و حرفه‌ای.

---

۱. کارشناسی ارشد رشتهٔ پژوهشگری اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان
۲. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران
Email:mirmohammadrezaei@yahoo.com

مقدمه

روابط خانوادگی، تحت تأثیر پویایی نهادهای اجتماعی، با تحول دائم روبه‌روست. با تحول شرایط زیستی و به تبع آن، بروز نیازهای جدید، پیوسته نقش‌ها در حال تغییرند، به‌طوری که از اعتبار نقش‌های سنتی روزبه‌روز بیشتر کاسته شده و موجبات دگرگونی آنها فراهم می‌شود.

همراه با تغییرات ساختاری جامعه و بر اثر تحولات زندگی خانوادگی، زن خانه‌دار در عین مسئولیت‌های متعارف خود، بیش از پیش، مجبور به کار در خارج از خانه شده است. در عین حال، اشتغال زن در سطح وسیع جامعه، به رغم تعهدات دوگانه‌اش الزاماً به معنی بردگی و استثمار او نیست و نباید به چنین تحولی به دیدهٔ انکار نگریست؛ زیرا آثار مثبت مادی و معنوی این اشتغال غالباً علاوه بر وضع خود زن، که ضمن کسب درآمد به استقلال و اعتبار اجتماعی بیشتری دست می‌یابد، متوجه همسر و فرزندان او نیز می‌شود. تأثیر اجتماعی عمدهٔ این تغییر، دگرگونی روال سنتی در نقش زنان و تقسیم کار درون خانواده است. هر چند که، به‌رغم پذیرش وسیع اشتغال زنان از جانب طبقات متفاوت اجتماعی ایران، هنوز آن تغییرات فرهنگی که لازمهٔ هماهنگی میان اشتغال زن و تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها در خانواده است به‌طور کامل روی نداده است، بررسی روابط و مناسبات درون خانواده چنین نشان می‌دهد که با زیر سؤال رفتن پاره‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، نقش زن با تغییراتی روبه‌رو شده است و حاصل این تغییرات بسط و توسعهٔ زمینهٔ فعالیت‌های اجتماعی اوست.

امروزه کسب و کارهای خانگی به‌عنوان راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد در سراسر جهان محسوب می‌گردند. قابلیت انجام این نوع کسب و کار در «منزل» سبب ایجاد مزایای بسیاری برای شاغلین آن‌ها می‌شود، که از جمله می‌توان به ایجاد توازن بین مسئولیت خانوادگی زنان و اشتغال آنان، حذف هزینه‌های مربوط به خرید، رهن و اجاره کارگاه و ایاب و ذهاب، استفاده از نیروی کار سایر اعضای خانواده و ایجاد زمینه‌های کار خانوادگی، امکان انتقال تجارب از طریق آموزش غیررسمی به شیوهٔ استاد- شاگردی بین اعضاء خانواده و... اشاره نمود.

بیان مسئله

داعیه‌ها و اعترافات حاکی از آن بوده که در زندگی اجتماعی، امتیازات، با موازین منطبق با عدالت اجتماعی توزیع نشده است و چون این امر فارغ از پی‌آمدهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی نیست. لذا، در هر زمان و مکانی متناسب با شرایط و مقتضیات آن، کوشش‌هایی به‌عمل آمده که از اهداف آن، برقراری توازن منطقی در موقعیت دو جنس بوده است. اما تا به حال چنین وضعیت مطلوبی تحقق نیافته است. در واقع طرح موضوع منزلت اجتماعی زن، تا حدی نابرابری‌های اجتماعی را به ذهن می‌آورد. زیرا منزلت زن در طول تاریخ و تقریباً در همهٔ جوامع با پدیدهٔ نابرابری توأم بوده و یا حداقل از آن متأثر بوده است. پدیدهٔ نابرابر نیز خود، دارای ریشه‌های تاریخی، اجتماعی است و به‌همین دلیل مورد بحث در محافل علمی است.

اما به عقیدهٔ جامعه‌شناسان، مهم‌ترین تغییر در زندگی اجتماعی زنان در عصر حاضر زمانی رخ داد که زنان فارغ از کار خانه توانستند به اشتغال پرداخته و دارای درآمد مستقل از مردان باشند. در واقع مهم‌ترین فاکتوری که زنان را به حقوق نسبتاً برابر با مردان رسانده است، اشتغال زنان در بنگاه‌های اقتصادی بوده است. در واقع، اشتغال زنان برای آنان درآمد، استقلال، رشد اجتماعی و عزت نفس و منزلت اجتماعی به ارمغان آورده است. در واقع مهم‌ترین دستاوردهای مثبت اشتغال زنان را، جامعه‌شناسان به شرح ذیل بیان می‌کنند.

- ✓ اشتغال زنان باعث افزایش آگاهی و بینش اجتماعی آنان و ایجاد روحیهٔ اعتماد به نفس، رشد، استقلال فکری و روحی آنان می‌شود.
- ✓ کمک به فهم و درک مسائل زنان و کمک به حل این مشکلات، چرا که با حضور آنان در اجتماع بیشتر مشکلات و مسائل زنان را فهمیده و سعی در رفع آن می‌نمایند.
- ✓ بالا رفتن منزلت زن در جامعه.
- ✓ مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها باعث می‌شود از حالت انفعالی خارج شده و به‌صورت فعال در اجتماع حاضر شوند.
- ✓ آشنایی بیشتر با روش‌های افزایش بهره‌وری امکانات مادّی و معنوی خانواده و تلاش در جهت افزایش بهره‌وری.
- ✓ افزایش توان مدیریتی زنان که کمک به‌سزایی در تصمیم‌گیری‌های اساسی خانواده خواهد کرد.
- ✓ کمک به حفظ شئونات اسلامی و حفظ حریم زن و مرد، در صورت رعایت موازین از طرف زن شاغل.
- ✓ استفاده از اوقات فراغت و جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی در اثر فقر و نیاز مالی به‌خصوص در مورد زنان بیوه و مطلقه.
- ✓ کمک به اقتصاد خانواده.
- ✓ کمک به شادابی و سلامت روح و جلوگیری از افسردگی در اثر بیکاری و یکنواختی زندگی روزمره.

در این نوشتار سؤال‌هایی مطرح می‌شود که در سراسر بررسی در پی یافتن جوابی برای این سؤال‌ها خواهیم بود. آیا الگوهای رفتاری و ویژگی‌های زنان تحت تأثیر موقعیت آنها مبنی بر شاغل و یا بیکار بودن متفاوت است یا خیر؟ آیا تفاوتی بین میزان احساس منزلت اجتماعی زنان شاغل و غیرشاغل وجود دارد؟ آیا عوامل مؤثر بر احساس منزلت اجتماعی زنان شاغل و غیرشاغل با یکدیگر متفاوت است؟ آیا رشد اجتماعی زنان شاغل و غیرشاغل با یکدیگر متفاوت است؟ آیا تفاوتی در میزان احساس مسئولیت زنان شاغل و غیرشاغل وجود دارد؟ آیا اشتغال خانگی زنان در ایجاد منزلت اجتماعی آنان مؤثر است؟

اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش

از آنجایی که اشتغال زنان در جهان امروز نقش به‌سزائی در افزایش منزلت اجتماعی آنان دارد و این امر از اهمیت فوق‌العاده‌ای در شکل‌گیری هویت اجتماعی زنان دارد و زنان امروز

سعی می‌کنند با اشتغال در ادارهٔ جامعه مشارکت بیشتری را کسب کنند و سهم مهم‌تری در ادارهٔ جامعه برعهده بگیرند. از طرف دیگر، اشتغال زن و داشتن درآمد اقتصادی مستقل از همسر، فاکتور مهمی در شکل‌گیری استقلال اجتماعی زنان دارد. لذا، در همهٔ جوامع امروز زنان سعی می‌کنند به اشتغال دست یابند و به این امر به‌صورت یک امر حیاتی نگاه می‌کنند و یا در واقع، این امر به‌صورت یک هدف اولیه و اساسی مد نظر قرار می‌گیرد. زیرا دستیابی به اشتغال باعث افزایش منزلت اجتماعی، حفظ استقلال اقتصادی – اجتماعی و افزایش اعتماد به نفس می‌شود.

تعریف مفاهیم اساسی

منزلت اجتماعی

اعتبار اجتماعی، نفوذ و اعتباری است که دیگران به شخص به جهت خصایص گوناگون و کم و بیش واقعی که به او منبعث می دارند، می بخشد. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۹۳)

منزلت اجتماعی، ارج یا اعتبار اجتماعی است که به گروه خاص به‌وسیلهٔ اعضای دیگر یک جامعه داده می‌شود. گروه‌های منزلتی معمولاً دارای سبک زندگی خاص هستند- یعنی الگوهای رفتاری ویژه‌ای دارند که اعضای گروه از آن پیروی می‌کنند. امتیاز منزلت ممکن است مثبت یا منفی باشد. گروه‌های منزلتی پاریا از اکثریت جمعیت خوار می‌شمارند، یا با آنها به‌عنوان مطرودین اجتماع رفتار می‌کنند. (شایان مهر،۱۳۷۷: ۵۱۱)

منزلت، پدیده‌ای است اجتماعی و می‌توان گفت از آن هنگام که قشربندی اجتماعی به‌وجود آمده است، این پدیده نیز در زندگی مردمان به‌صورتی مورد یافته و مطرح گردیده است. (تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۵۵)

مشاغل خانگی

به آن بخش از کسب و کارهای خانوادگی گفته می‌شو د که ممکن است لزومًا مشارکت همهٔ اعضای خانواده را در بر نداشته و صرفًا یک یا چند نفر از اعضای خانواده به فعالیت موقعیت مکانی یعنی وجود کسب و کار در منزل معیار تلقی ILO اقتصادی مشغول باشند، به‌عنوان مشاغل خانگی است این در حالی است که کسب و کار خانوادگی، به کسب و کارهایی اطلاق می‌شود که فعالیت‌های اجرایی، مدیریتی، مالی و عملیاتی آنها برعهدهٔ اعضای یک یا چند خانواده باشد و تصمیمات استراتژیک و سرنوشت‌ساز در مورد شرکت یا کسب وکار توسط آنها اتخاذ گردد (سید امیری، ۱۳۸۷ :۲)

پیشینهٔ تجربی تحقیق

الف - «گیتی ناصحی» در تحقیقی که اخیراً دربارهٔ وضعیت اشتغال زنان در ایران امروز انجام داده ،«ناصحی» چنین نتیجه می‌گیرد که باید شرایط و فضای مناسب را برای اشتغال زنان در خارج از خانه فراهم کرد و برای نیل به این هدف چند پیشنهاد را عرضه می‌کند که مهم‌ترین آنها، کار پاره‌وقت زنان و رواج الگوی ژاپنی «کار در خانه» می‌باشد. اما، بر اساس

قوانین موجود ایران، افرادی که به کار «پاره‌وقت» اشتغال دارند، نیمی از حقوق و دستمزد کار تمام‌وقت را دریافت می‌دارند.

آمار و ارقام نشان می‌دهد که این سرشماری عمومی ۱۹۷۶ و ۱۹۸۶ زنان کارگر بیش از دیگر اقشار اجتماعی، کار خود را از دست داده‌اند. پس از انقلاب، اشتغال زنان در بنگاه‌های بزرگ صنعتی همچنان ادامه یافت. اما آنچه حائز اهمیت است، مشارکت آنها در بخش‌های بسیار پیشرفتهٔ صنعتی می‌باشد.

در سال‌های پس از انقلاب، علی‌رغم نقش بزرگی که زن روستایی در تولید کشاورزی و روستایی ایران ایفا کرد، سیستم آماری ایران، نیروی کار او را در زمرهٔ کار خانگی ارزیابی کرد و او را در طبقه‌بندی کارهای بدون دستمزد قرار داد. بدین ترتیب است که در آمار رسمی کشور فقط ۸/۲۲ درصد از نیروی کار کشاورزی را زنان تشکیل می‌دادند که این رقم در سرشماری اواخر دههٔ ۱۹۸۰ به کمتر از ۱/۸ درصد کاهش پیدا کرد.

پیشینهٔ نظری

کارل مارکس

هیچ‌کس در تاریخ اندیشهٔ اجتماعی مانند کارل مارکس تاریخ بشر را تاریخ نبرد طبقاتی و نیروی مولد تغییرات آن ندانسته است. او در بیانیهٔ کمونیستی بیان می‌کند: «تاریخ بشر، تاریخ نبرد و کشمکش طبقاتی است». یعنی نبرد دو قطب موجود در جامعه، یکسو طبقات حاکم و در مقابل طبقات محکوم قرار دارند. بر طبق نظر مارکس، طبقات بر اساس موقعیت‌ها و نقش‌های مختلفی که افراد در شکل تولید یک جامعه ایفا می‌کنند، توسعه می‌یابد. مفاهیم کلیدی برای مارکس عبارتند از: شیوهٔ تولید (مانند کشاورزی، صنایع دستی، صنعتی) و روابط تولیدی (نقش‌های منزلتی اصلی و روابط آنها در فعالیت های اقتصادی).

آن‌طور که مارکس (در جامعه) مشاهده می‌کند، مردم در روابط متفاوتی که نسبت به وسائل تولید دارند، به‌طور طبیعی منافع متضادی هم دارند. اندیشهٔ کلیدی تشکیل «طبقه» در دیدگاه مارکیستی کارگران هستند که لزوماً آنها آگاهی بدان ندارند. از نظر مارکس آنها بر اساس دو زمینهٔ عینی تشکیل طبقه می‌دهند:

۱. وضعیت مشترک اقتصادشان در مقابل ابزار تولید.

۲. بی‌قدرتی نسبتاً یکنواختشان مقابل قدرت که در خنثی کردن ابزار نارضایتی‌شان استفاده می‌شود. اندیشهٔ عینی بودن وجود طبقه، اساس برداشت مارکیستی در مطالعهٔ قشربندی است.

با توجه به مطالب ذکرشده در بینش مارکس جامعه‌ای قطب‌بندی‌شده قلمداد می‌گردد (طبقهٔ حاکم و طبقهٔ محکوم) که در آن یک طبقه دارای ابزار تولید بوده و طبقه‌ای فاقد آن و بر اساس پدیدهٔ قشربندی تشکیل می‌شود.

مکتب کارکردگرایی

دورکیم

دورکیم با تأثیرپذیری از ژان ژاک روسو، سن سیمون و آگوست کنت، اما در واکنشی نسبت به مارکس، نابرابری‌های سرچشمه گرفته از انتساب و منزلت موروثی را نابهنجار می‌دانست،

وی، از مالیات بر ارث که می‌تواند از بین‌برندهٔ ثروت زیاد باشد، جانبداری می‌کرد، اما برخلاف مارکس، انزجاری از گردآوری سرمایه و منزلت نداشت؛ البته هنگامی که در نتیجهٔ کار و تلاش به‌دست آورده باشد و نه میراث‌گونه. آنچه دربارهٔ تقسیم کار و نابرابری‌های منزلتی، مورد علاقهٔ دورکیم بود، اشاره به توانایی‌های شگرف و پیچیدهٔ انسان‌ها بود. از دیدگاه دورکیم در جوامع ارگانیک، این غیرطبیعی است که ثروت، موروثی بوده و این منزلت موروثی، به‌وسیلهٔ یک طبقه، برای استثمار طبقهٔ دیگر، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. چنین موقعیتی، بیانگر تقسیم کاری تحمیلی و اجباری است. دورکیم این نکته را درک می‌کرد تا هنگامی که منزلت موروثی، به‌ویژه ثروت وجود دارد، یک طبقه می‌تواند طبقهٔ دیگر را استثمار کرده و از آن بهره‌برداری کند. وی باور داشت که رهایی از وراثت، اجتناب ناپذیر است. زیرا مردم، با داشتن یک وجدان استوار گروهی، به سوی پذیرش منزلت و استثمار، دیگر فریب نخواهد خورد. همین که انسان‌ها از همبستگی مکانیکی، آزاد شده و به سوی همبستگی ارگانیکی رفتند، می‌توانند خویش را از چنگ باورهایی برهانند که اغلب، برای مشروعیت دادن به استثمار، دستاویز دیگران واقع می‌شوند (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۰)

تالکوت پارسونز

بنا به‌نظر پارسونز، قشربندی عنصر ضروری سازمان اجتماعی است، چون در تمام جوامع دیده می‌شود. هر نوع گروه‌بندی سازمان‌یافته اجتماعی برای حفظ بقای خود، باید دارای سلسله مراتب باشد. «تمامی مطالعه‌های جامعه شناختی این نکته را تصدیق کرده‌اند که قشربندی اجتماعی جنبهٔ عام، ساختار تمام نظام‌های اجتماعی است و همچنین نظام قشربندی پیوندی تنگاتنگ با نوع و سطح یکپارچگی نظام به منزلهٔ یک سیستم دارند.»

اگرچه صور تجربی نظام قشربندی گوناگون و متنوع‌اند، اما همگی با یک تئوری واحد قابل تبیین هستند از همین‌رو، ساختار رده‌بندی منزلتی مشاغل در آمریکا و نظام کاستی در هند و یا سلسله‌مراتب سنی و خونی در جوامع بدوی فقط اشکال گوناگون یک پدیدهٔ عام هستند و با یک تئوری عام نیز تحلیل می‌شوند. برای رسیدن به این هدف، قشربندی ابزاری برای رتبه‌بندی اجتماعی تلقی می‌شود که بر مبنای ارزش‌های فرازین جامعه ساخته شده و بر همان مبنا نیز توجیه می‌شود. اگر بتوان منظومه‌های ارزشی را مقوله‌بندی کرد، صور گوناگون قشربندی نیز قابل تبیین می‌شود. (تأمین ملوین، ۱۳۷۲: ۹)

ماکس وبر

وبر با بعضی از جنبه‌های اصلی اندیشهٔ مارکیست موافقت کرد. خصوصاً به اهمیت اساسی جنبه های اختصاصی قشربندی، برای وبر همچنان که برای مارکس کنترل بر ثروت واقعیت اساسی در تعیین فرصت‌های زندگی یک فرد یا یک طبقه بود. اما بر عکس مارکس، وبر به بعد اقتصادی قشربندی دو بعد دیگر اضافه کرد: قدرت و منزلت یا اعتبار. وبر ثروت، قدرت و منزلت را به مثابهٔ سه پایهٔ جدا از هم، اگرچه با اثر متقابل متصور شد، که روی آنها سلسله مراتب در هر جامعه‌ای بنا می‌شود. تفاوت‌های ثروت، طبقات ایجاد می‌کند. تفاوت‌های قدرت

منجر به ایجاد احزاب سیاسی می‌شود و تفاوت‌های منزلتی منجر به ایجاد گروه‌های منزلتی یا اقشار می‌شود. در مجموع، آنچه ما در برداشت وبر مشاهده می‌کنیم، دیدگاهی است از جامعهٔ مشتمل بر سه نوع گروه اجتماعی یا منافع که بدواً متوجه آن هستند با یکدیگر فرق دارند، بنابراین، ما تمرکز اقتصادی را بر طبقات، پایهٔ افتخار (اعتبار را برای گروه‌های منزلتی) و مرکز قدرت را برای احزاب داریم. این‌ها اغلب عضویت‌های متداخل در قلمرو هم دارند و بعضی اوقات تحت مقتضیات خاص، طبقهٔ اقتصادی واقعاً بر گروه منزلتی و حزب سیاسی منطبق است. (تامین ملوین، ۱۳۷۲: ۹)

لوید وارنر

وارنر بیشتر از هر کس دیگر در مطالعات امریکائی قشربندی بر شهرت و اعتبار تأکید می‌کند. او جهت توسعه فهرستی از خصوصیات منزلتی مبتنی بر ملاک‌هائی چون شغل، محل اقامت، درآمد و سبک منزل تلاش می‌کرد و معتقد بود آمریکائی‌ها در تخصیص ارزش اجتماعی همدیگر از آنها استفاده می‌کنند و با توجه به آنها دوستان خود را بر می‌گزینند و یا شرایط خود را انتخاب می‌کنند.

«وارنر» بیشتر بر ملاک ذهنی قشربندی مانند "چگونه اعضای این اجتماع وضعیت خود را می‌بینند"، تکیه می‌کرد تا بر تفاوت‌های عینی میان آنها. او به ارائهٔ نقطه‌نظری از جامعهٔ آمریکائی به‌عنوان جامعه‌ای قشربندی‌شده که واحد قشربندی آن طبقات است و هر طبقه عبارت از گروهی است که از نوعی اعتبار مشابه برخوردار هستند، می‌پردازد. زیرا او معتقد است که طبقات بر اساس این نوع ارزیابی از اعتبار شکل می‌گیرند. وارنر وجود یک ساخت شش طبقه‌ای را در امریکا بدیهی می‌شمرد. (ادیبی،۱۳۵۴: ۱۴۷)

آخرین نکته در تحقیقات وارنر، روش مطالعهٔ او می‌باشد که اصطلاحاً به روش اشتهاری معروف است و همین نکته است که مهم‌ترین کانون انتقاد علیه او نیز می‌باشد. او دو تکنیک، مشارکت ارزیابی‌شده و شاخص خصوصیات منزلت (که اولی از دو دستهٔ مطلعین و محققین که بر اساس ارزیابی موقعیت افراد عمل می‌کنند و در دومی عواملی چون شغل، میزان درآمد، نوع مسکن، محل سکونت و تحصیلات ملاک عمل هستند) استفاده می‌نمایند.

برگر، نظریهٔ مرجع ساختاری

اگر در یک نظام اجتماعی (از جمله یک گروه اجتماعی)، موقعیت‌های اجتماعی به‌طور متفاوت ارزیابی شوند، یعنی از نظر اهمیت و ارزش درجه‌بندی می‌شوند. در آن صورت مقام پایگاهی اجتماعی به‌وجود می‌آید.

برگر و همکارانش معتقدند که انسان‌ها بر اساس سه نوع مرجع ساختاری ارزیابی می‌شوند و از طریق پایگاه بالاتر کسب می‌کنند.

۱. ساختار وابستگی گروهی، ضابطهٔ ارزیابی در مقام‌ها در اینجا این است که «توکی هستی»

۲. ساختار توانائی، در اینجا ضابطه آن است که «تو چه می‌توانی یا بلدی»

۳. ساختار نتایج، وقتی انسانها براساس نتایج کارشان ارزیابی شوند، یعنی براساس ضابطهٔ «تو چه کردی» دو نکتهٔ آخر در یک تئوری خلاصه می‌کند که به آن میزان که یک شخص در موقعیت خود در یک گروه، در حل مسائل (جدید) گروه موفقیت داشته باشد، مشروعیت بیشتر برای کسب پایگاه بالاتر به‌دست می‌آورد و برعکس به آن میزان که شخصی در موقعیت خود در گروه، در حل مسائل جدید گروه اشتباه کند و ناموفق باشد، مشروعیت خود برای حفظ پایگاهش را از دست می‌دهد.

دارندورف

به نظر رالف دارندورف، تغییر و تفاوت ارزش یعنی موقعیت های اجتماعی (بدون ضوابط مورد توافق همگان) از لحاظ امتیازات منافعی که به همراه دارند و نیز وجود فاصله بین امتیازات و نیازهای مربوط به دارندگان موقعیت‌های اجتماعی، باعث می‌شود که میزان ارضای نیازها در بین افراد جامعه، به‌صورت برابر و یکسان نباشد. لذا، وجود شکاف گسترده بین طبقات اجتماعی منجر به "تضاد قشری" و نهایتاً "نابرابری اجتماعی" می‌شود. در واقع، از دیدگاه نابرابری اجتماعی محصول تمایز و لایه‌لایه شدن (قشربندی) نظام اجتماعی بر اساس "نمادهای منزلتی" به‌عنوان درجه‌بندی پایگاه اجتماعی است (صدفی، بابایی، ۱۳۸۰: ۸)

بنابراین، در هر یک از گروه های اجتماعی، ملاک‌های ارزشیابی (ارزش) برای گروه‌بندی و طبقه‌بندی مردم متفاوت است.

پس، در تحلیل نابرابری اجتماعی می‌توان به رابطهٔ آن با قشربندی اجتماعی (به‌عنوان منشاء و محرک) اشاره کرد که بر اساس دو مقوله، یعنی سبک زندگی و بحث زندگی تلاش برای تغییر موقعیت اجتماعی (مبتنی بر نمادهای منزلتی) و یا به عبارتی تحرک اجتماعی شکل می‌گیرد. (صدفی، بابایی، ۱۳۸۰: ۸)

ادوارد گرب

بنابراین، از نظر "ادوارد گرب"، پس از تأثیرگذاری پدیدهٔ "تفاوت و تفکیک" (مبتنی بر رویکردهای اجتماعی تلقین‌شده نسبت به تفاوت‌های فردی)، عمدتاً سه "مکانیزم فشار" (به‌عبارتی مکانیزم‌های تسلط گروه اکثریت بر گروه اقلیت همانند تعصب و پیشداوری، تصورات کلیشه‌ای و تبعیض، "نابرابری اجتماعی" را هموار می‌سازد. (صدفی و بابایی، ۱۳۸۰: ۸۵)

دیوید لاک وود

دیوید لاک وود یکی از جامعه شناسان برجستهٔ انگلیسی است. در کتاب "کارگران کت سیاه" در سال ۱۹۸۵ و همچنین در کتابی که با همکاری کادتروپ و دیگران در سال ۱۹۶۸ دربارهٔ متوسط جدید در انگلستان پرداخته است. لاک وود برای تمایز موقعیت طبقاتی کارگران کت سیاه، وضعیت بازار و وضعیت کاری را از یکدیگر متمایز می‌سازد. وضعیت بازار، مربوط است به منبع و اندازهٔ درآمد. میزان امنیت شغلی و فرصت برای تحرک اجتماعی رو به بالا، و

وضعیت کاری به یک رشته روابط اجتماعی که فرد از طریق جایگاهش در تقسیم کار اجتماعی در آن قرار گرفته است، مربوط می‌شود.

این وجه تمایز وود متضمن دو تغییر در مفهوم فرصت‌های زندگی وبر است. اول آن که او معتقد است فرصت‌های زندگی نه‌تنها متمایز از درآمد است، بلکه تحت تأثیر در دسترس بودن فرصت‌های شغلی هم هست.

دوم، آنچه که در کار وی به‌عنوان ویژگی مهم فرصت‌های زندگی مهم می‌باشد. آنچه که خصوصاً در بحث لاک وود اهمیت دارد "فرصت‌ها برای تجانس و استقلال" در تصمیم‌گیری از یک طرف و ایجاد موقعیت در سلسله مراتب کنترل از طرف دیگر است (انصاری، ۱۳۷۸: ۴۹)

گوستاو شمولر

گوستاو شمولر، اقتصاددان آلمانی، در آغاز سدهٔ بیستم، مفهوم طبقه را با حرفه پیوند داده است. او مقصود خود را از طبقه چنین بیان می‌کند: "مقصود ما از طبقه، همانا تقسیم جامعه به چندین گروه است... که افراد و یا خانواده‌های دارای شرایط یکسان و یا مشابه، در آنها قرار دارند: مانند گروه‌های کم و بیش مسدودی که نه بر اساس روابط خویشاوندی و همسایگی، بلکه بر اساس حرفه، سبک زندگی، تملک فرهنگ و حتی غالباً بر اساس حقوق سیاسی، تشکیل آنها انجام یک کار مشترک نیست، بلکه آگاهی یافتن جدی‌تر، نسبت به اشتراک طبقاتی خویش، تأمین روابط اجتماعی بین خود و دنبال کردن منافع مشترک است (گورویچ، ۱۳۸۵: ۱۱۵)

از نظر شمولر، طبقه‌ها، به منزلهٔ پایگاهی هستند که در آن، یکی برتر از دیگری است. زیرا حرفه‌ها متفاوت از یکدیگر می‌باشند. سنجه‌های شمولر در تعریف طبقه، حرفه، پایگاه، احترام‌ها، سطح زندگی، نوع زندگی، شیوهٔ مصرف، نوع نیازها و شیوهٔ پاسخ‌گویی به آنهاست. (لهسایی زاده، ۱۳۸۰: ۴۰)

بلا – پایگاه اجتماعی، جانشینی برای پول

وسیلهٔ عمومی دیگری که تا اندازه‌ای با امکان پذیرفتن ساختن نیمهٔ معاملات و تاحدی با موازنه کردن معاملاتی که از جهات دیگر نابرابرند، به موازنهٔ معاملات در نظام‌های اجتماعی، سیاسی کمک می‌کند، دادن منزلت یا نشان دادن احترام یک طرف به طرف دیگر است. (کلمن، ۱۳۷۲: ۲۰۱) اما منزلت اغلب بر پایهٔ رویدادهایی اعطا می‌شود که به‌طور مستقیم بر شخصی که منزلت را اعطا می‌کند، تأثیر نمی‌گذارند. (همان: ۲۰۳)

منزلت متفاوت در نظام‌های اجتماعی الگویی عام است. در واقع به‌نظر می‌رسد دادن منزلت برای موازنه کردن معاملات نابرابری امکان‌پذیر ساختن نیمهٔ معاملات، رایج‌ترین جانشین کارکردی برای پول در نظام‌های اجتماعی و سیاسی باشد.

از دیرباز روان‌شناسان، منزلت با شناخت از سوی دیگران را، منبع اصلی ارضای شخصی در نظر گرفته‌اند. یعنی، می‌توان تصور کرد که هر فردی به منزلت علاقه‌مند است (همان: ۲۰۴)

با وجود این، منزلت مانند پول نیست، اما ویژگی‌های خود را دارد. برای فرد منزلت در نظر شخص ممکن است چندان معنایی نداشته باشد، اما منزلت در نظر شخص دیگری اهمیت زیادی داشته باشد، منزلت پیچیده است. ارزش احترام فرد معینی در درون نظام اجتماعی بسته معمولاً برای همهٔ دریافت‌کنندگان منزلت همانند است. اما در میان نظام‌های اجتماعی باز که در یکدیگر نفوذ متقابل دارند و جامعهٔ مدرن از آنها ترکیب شده است. (کلمن، ۱۳۷۲: ۲۰۵)

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری تحقیق مبتنی بر نظریهٔ کارکردگرائی دورکیم، ساختارگرائی مارکس، مرجع ساختاری برگر و نظام اجتماعی پارسنز است. بر اساس نظریهٔ کارکردگرائی جامعهٔ انسانی به‌عنوان یک نظام یا سیستم اجتماعی تلقی می‌شود که در درون این سیستم اجتماعی هر عنصری دارای یک وظیفه، کارکرد و یا نقش در ارتباط با اجزاء دیگر و کل سیستم است و بر اساس مکتب تضاد نیز بررسی‌های لازم به‌عمل خواهد آمد.

در این پژوهش، فرض بر این است که در درون نظام اجتماعی ایران اشتغال زنان دارای کارکردهای مثبت می‌باشد. در این پژوهش سعی شده است کارکردها و نقش اشتغال زنان را در افزایش میزان منزلت اجتماعی مورد بررسی قرار دهد.

فرضیهٔ تحقیق

به نظر می‌رسد که احساس استقلال اقتصادی و اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عزت نفس، شادابی و نشاط، فقدان محرومیت نسبی، مسئولیت‌پذیری زنان و رشد اجتماعی زنان در میزان احساس منزلت اجتماعی آنان تأثیر مثبت دارد.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایش طولی بوده که جامعهٔ آماری مورد مطالعه، شامل زنانی می‌شود که از ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان زنجان در سال ۹۰ مجوز مشاغل خانگی دریافت نمودند و از این جامعهٔ آماری در ابتدای دریافت مجوز و قبل از اقدام به اشتغال به‌صورت نمونه‌گیری حجم نمونه‌ای تعیین گردیده و بررسی به‌عمل آمد و سپس از همین حجم نمونه بعد از ایجاد مشاغل خانگی و اشتغال آنان بررسی دیگری با همان ابزار صورت گرفت.

مهم‌ترین عوامل و متغیرهای مورد بررسی

۱. متغیر وابسته: میزان احساس منزلت اجتماعی (y) و شاخص‌های مربوط به آن.

۲. متغیر مستقل: شاغل بودن، عوامل فردی، عزت نفس، احساس استقلال، مسئولیت‌پذیری، اعتماد اجتماعی، شادابی و نشاط، مشارکت اجتماعی، رشد اجتماعی و محرومیت نسبی به‌عنوان متغیر مستقل (X) هستند.

نحوهٔ سنجش متغیرها از طریق گویه‌های محقق‌ساخته و به‌وسیله طیف لیکرت صورت پذیرفته است.

روش سنجش روائی و پایائی پرسش‌نامه

به‌منظور تعیین روائی پرسش‌نامه از روش روائی صوری استفاده شده است. در این روش از نظر متخصصان استفاده شد. سپس به‌صورت (pre test) پرسش‌نامه در اختیار ۵۰ گروه نمونه قرار گرفت و نتایج تجزیه و تحلیل شد و روایی آن بالای ۷۰ درصد بود.

پس از آزمون مقدماتی در مرحلهٔ نهایی بر اساس آزمون آلفای به‌دست‌آمده برای گویه‌های متغیرهای وابسته و مستقل در هر دو گروه زنان شاغل با (Alpha=0.80> Alpha 0.70) و غیرشاغل با (Alpha=0.76> Alpha 0.70) به‌دست آمد که این مقادیر از حد نصاب استاندارد (Alpha=0.70) بیشتر بوده و در واقع نشان از همبستگی خوب بین گویه‌های متغیر وابستهٔ احساس منزلت اجتماعی زنان شاغل و متغیرهای مستقل فوق است. بر این اساس، می‌توان گفت که گویه‌های مورد نظر دارای روایی خوبی هستند و ابزار مناسبی برای سنجش متغیرهای تحقیق می‌باشند.

جامعهٔ آماری، روش نمونه‌گیری و روش تعیین حجم نمونه

جامعهٔ آماری مورد مطالعه شامل زنانی می‌شود که از ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان زنجان در سال ۹۰ مجوز مشاغل خانگی دریافت نمودند و از این جامعهٔ آماری در ابتدای دریافت مجوز و قبل از اقدام به اشتغال به‌صورت نمونه‌گیری حجم نمونه‌ای تعیین گردیده و بررسی به‌عمل آمد و سپس از همین حجم نمونه بعد از ایجاد مشاغل خانگی و اشتغال آنان بررسی دیگری با همان ابزار صورت گرفت.

جامعهٔ آماری این پژوهش ۲۸۶۸ نفر می‌باشد. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۳۸ به‌دست آمد و جهت افزایش روایی و پایایی پژوهش این مقدار به ۳۵۰ نفر افزایش یافت.

روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده و با استفاده از جدول اعداد تصادفی است. برای تعیین حجم نمونه از روش کوکران استفاده شد. در این روش طبق فرمول زیر حجم را به‌دست می‌آوریم.

$$n = nt2.pq / nd2+t2.pq$$

$$n=(۲۸۶۸)(۳/۸۴۱۶)/(۰/۲۵)(۰/۰۵)(۲)+(۳/۸۴۱۶)(۰/۲۵) = ۳۳۸$$

به دلیل افزایش اعتبار و روائی پژوهش حاضر، از کلیهٔ بانوانی که مجوز مشاغل خانگی دریافت نموده بودند و جامعهٔ آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. به تعداد ۲۸۶۸ با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۳۸ به‌دست آمد، جهت افزایش روایی و پایایی پژوهش این مقدار به ۳۵۰ نفر افزایش یافت و پرسش‌نامه محق‌ساخته را در ابتدای دریافت

مجوز مشاغل خانگی و قبل از اشتغال آنها در اختیار آنها قرار داده شد و سپس بعد از ایجاد مشاغل خانگی همان ابزار پژوهش در اختیار همان گروه توزیع شد.

روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات

داده‌های تحقیق در بخش مربوط به سنجش فرضیات برای متغیرهای مستقل و وابسته توسط پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته استفاده گردید و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه و جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها را وارد (Data sheet) جدول مادر می‌نمائیم، سپس با استفاده از آمار توصیفی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته و سپس در سطح آمار استنباطی از آماره‌های استنباطی استفاده می‌کنیم. در آمار استنباطی پس از محاسبهٔ همبستگی درونی گویه‌ها از T گروه‌های مستقل استفاده می‌نماییم.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

مقایسهٔ جداول و نمودارهای فوق بیانگر این مطلب است که از ۳۵۰ نفر حجم نمونهٔ مورد مطالعه، نتایج آمار توصیفی این گروه قبل از ایجاد مشاغل خانگی و بعد از اشتغال آنها بیانگر آن است که:

- ۶/۵ ٪ از زنان شاغل و ۱۹٪ از زنان بیکار، دارای احساس منزلت اجتماعی پایینی هستند.
- ۴۹٪ از شاغل و ۷۹٪ از زنان بیکار، دارای احساس منزلت اجتماعی متوسطی هستند.
- ۴۴/۵٪ از شاغل و ۲٪ از زنان بیکار، دارای احساس منزلت اجتماعی بالایی هستند.

بنابراین، ملاحظه می‌شود که احساس منزلت اجتماعی در بین زنان شاغل بعد از ایجاد مشاغل خانگی بیشتر از زمان قبل از ایجاد مشاغل خانگی و اشتغال آنان بوده است.

همچنین، بررسی‌ها بیانگر این است که:

- مشارکت اجتماعی در بین زنان شاغل با ۸۳/۵ درصد بیشتر از زنان غیرشاغل با ۶/۵ درصد است.
- احساس اعتماد اجتماعی در بین زنان شاغل با ۳۴/۵ درصد بیشتر از زنان غیرشاغل با ۱۴ درصد است.
- رشد اجتماعی در بین زنان شاغل با ۹۲/۵ درصد بیشتر از زنان غیرشاغل با ۲ درصد است.
- عزت نفس زنان شاغل با ۷۳/۵ بیشتر از زنان غیرشاغل با۵۰ درصد است.
- احساس استقلال اقتصادی- اجتماعی در بین زنان شاغل با ۵۸/۵ درصد بیشتر از زنان غیرشاغل با ۳/۵ درصد است.
- مسئولیت‌پذیری در بین زنان شاغل با ۷۷/۵ درصد بیشتر از زنان غیرشاغل با ۱/۵ است.
- شادابی و نشاط در بین زنان شاغل با ۸۶ درصد بیشتر از زنان غیرشاغل با ۲ درصد است.
- احساس محرومیت زنان شاغل با ۷۶ درصد کمتر از زنان غیرشاغل با ۲۴ درصد است.

جدول مربوط به آزمون t گروه‌های مستقل بین زنان شاغل و غیرشاغل با توجه به احساس استقلال اقتصادی و اجتماعی آنها

Independent Samples Test

	Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means						
	F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean	Std. Error	95% Confidence Interval of the Difference	
								Lower	Upper
استقلال									
Equal variance assumed	۱/۳۷۳	۰/۰۱۰	۰/۳۸۹	۹۸	۰/۰۲۰	۰/۰۳۵۰	۰/۰۸۹۹۷	-۰/۲۱۳۶۳	۰/۱۴۳۶۳
Equal variance not assume			۰/۳۸۹	۹۴/۳۳۵	۰/۰۲۰	۰/۰۳۵۰	۰/۰۸۹۹۷	-۰/۲۱۳۶۳	۰/۱۴۳۶۳
اعتماد									
Equal variance assumed	۰/۱۹۰	۰/۰۱۷	۰/۶۲۰	۹۸	۰/۰۱۵	-۰/۰۷۵۶	۰/۱۲۱۹۵	-۰/۳۱۷۵۵	۰/۱۶۶۴۴
Equal variance not assumed			۰/۶۲۰	۹۷/۸۶۴	۰/۰۲۸	-۰/۰۷۵۶	۰/۱۲۱۹۵	-۰/۳۱۷۵۶	۰/۱۶۶۴۵
عزت‌نفس									
Equal variance assumed	۰/۰۳۵	۰/۰۱۵	۲/۷۴۱	۹۸	۰/۰۰۷	-۰/۲۳۸۰	۰/۰۸۶۸۴	-۰/۴۱۰۳۴	-۰/۰۶۵۶۶
Equal variance not assumed			۲/۷۴۱	۹۷/۹۹۸	۰/۰۰۷	-۰/۲۳۸۰	۰/۰۸۶۸۴	-۰/۴۱۰۳۴	-۰/۰۶۵۶۶
محرومیت									
Equal variance assumed	۰/۰۲۳	۰/۰۰۴	۱/۳۵۸	۹۸	۰/۰۱۷	-۰/۱۹۵۰	۰/۱۴۳۶۲	-۰/۴۸۰۰۰	۰/۰۹۰۰۰
Equal variance not assumed			۱/۳۵۸	۹۵/۷۹۳	۰/۰۱۲	-۰/۱۹۵۰	۰/۱۴۳۶۲	-۰/۴۸۰۰۸	۰/۰۹۰۰۸
مسئولیت‌پذیری									
Equal variance assumed	۰/۰۵۲	۰/۰۲۶	۲/۷۶۸	۹۸	۰/۰۰۷	-۰/۲۱۷۸	۰/۷۸۶۸	-۰/۳۷۳۹۲	-۰/۰۶۱۶۴
Equal variance not assumed			۲/۷۶۸	۹۷/۰۶۶	۰/۰۰۷	-۰/۲۱۷۸	۰/۷۸۶۸	-۰/ ۳۷۳۹۳	-۰/۰۶۱۶۲
مشارکت									
Equal variance assumed	۰/۳۷۴	۰/۰۲۳	۲/۹۸۲	۹۸	۰/۰۰۴	-۰/۲۸۴۴	۰/۹۵۴۰	-۰/۴۷۳۷۷	-۰/۰۹۵۱۲
Equal variance not assumed			۲/۹۸۲	۹۷/۰۱۷	۰/۰۰۴	-۰/۲۸۴۴	۰/۹۵۴۰	-۰/۴۷۳۷۹	-۰/۰۹۵۱۰
رشد									
Equal variance assumed	۰/۹۶۶	۰/۰۱۴	۳/۴۵۸	۹۸	۰/۰۰۱	-۰/۳۵۲۵	۰/۱۰۱۹۵	-۰/۵۵۴۸۱	-۰/۱۵۰۱۹
Equal			۳/۴۵۸	۹۲/۷۵۰	۰/۰۰۱	-۰/۳۵۲۵	۰/۱۰۱۹۵	-۰/۵۵۴۹۶	-۰/۱۵۰۰۴

	Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means						
	F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean	Std. Error	95% Confidence Interval of the Difference	
								Lower	Upper
variance not assumed									
شادابی Equal variance assumed	۲/۹۴۲	۰/۰۱۰	۲/۱۴۸	۹۸	۰/۰۳۴	-۰/۲۰۰۰	۰/۰۹۳۰۹	-۰/۳۸۴۷۴	-۰/۰۱۵۲۶
Equal variance not assumed			۲/۱۴۸	۸۸/۳۷۷	۰/۰۳۴	-۰/۲۰۰۰	۰/۰۹۳۰۹	-۰/۳۸۴۹۹	-۰/۰۱۵۰۱

- نتایج جدول فوق نشان می‌دهد t مشاهده شده (t =۲/۱۴۸) در سطح آلفای (۰/۰۵) معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی، بین میانگین نمرهٔ زنان شاغل (۴/۵۴۲) و زنان غیرشاغل (۳/۳۴۲) در زمینهٔ شادابی و نشاط تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و زنان شاغل نسبت به زنان غیرشاغل از شادابی و نشاط بالاتری برخوردارند.

- همچنین در زمینهٔ رشد اجتماعی t مشاهده‌شده (t =۳/۴۵۸) در سطح آلفای (۰/۰۵) معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی، بین میانگین نمرهٔ زنان شاغل (۴/۳۷۲) و زنان غیرشاغل (۴/۰۲۰) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و زنان شاغل نسبت به زنان غیرشاغل از رشد اجتماعی بالاتری برخوردارند.

- در زمینهٔ مشارکت اجتماعی t مشاهده شده (t =۲/۹۸۲) در سطح آلفای (۰/۰۵) معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی، بین میانگین نمرهٔ زنان شاغل (۴/۳۴۸) و زنان غیرشاغل (۴/۰۶۴) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و زنان شاغل نسبت به زنان غیرشاغل از مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردارند.

- در زمینهٔ احساس مسئولیت‌پذیری t مشاهده‌شده (t =۲/۷۶۸) در سطح آلفای (۰/۰۵) معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی، بین میانگین نمرهٔ زنان شاغل (۴/۲۳۳) و زنان غیرشاغل (۴/۰۱۵) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و زنان شاغل نسبت به زنان غیرشاغل مسئولیت‌پذیری بالاتری برخوردارند.

- در زمینهٔ احساس محرومیت t مشاهده‌شده (t =۱/۳۵۸) در سطح آلفای (۰/۰۵) معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی، بین میانگین نمرهٔ زنان شاغل (۳/۶۶۲) و زنان غیرشاغل (۳/۴۶۷) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و زنان شاغل نسبت به زنان غیرشاغل از احساس محرومیت بالاتری برخوردارند.

- در زمینهٔ احساس عزت نفس t مشاهده شده (t =۲/۷۴۱) در سطح آلفای (۰/۰۵) معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی، بین میانگین نمرهٔ زنان شاغل (۴/۱۵۶) و زنان غیرشاغل (۳/۹۱۸) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و زنان شاغل نسبت به زنان غیرشاغل از احساس عزت نفس بالاتری برخوردارند.

- در زمینهٔ احساس اعتماد اجتماعی t مشاهده شده (t =۰/۶۲۰) در سطح آلفای (۰/۰۵) معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی، بین میانگین نمرهٔ زنان شاغل (۳/۲۱۱) و زنان غیرشاغل (۳/۱۳۵) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و زنان شاغل نسبت به زنان غیرشاغل از احساس اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند.

- در زمینهٔ احساس استقلال اقتصادی و اجتماعی t مشاهده شده (t =۰/۳۸۹) در سطح آلفای (۰/۰۵) معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی، بین میانگین نمرهٔ زنان شاغل (۴/۰۴۵) و زنان غیرشاغل (۴/۰۱۹) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و زنان شاغل نسبت به زنان غیرشاغل از استقلال اقتصادی و اجتماعی بالاتری برخوردارند.

بحث و نتیجه‌گیری

منظور جامعه‌شناسان از منزلت اجتماعی، مجموعه ارزش‌هایی است که در یک جامعه به یک نقش از طرف اکثریت افراد یک جامعه قائل می‌گردد. بنابراین، افراد یک جامعه سعی می‌کنند ایفاگر نقش‌هایی باشند که از احترام، پذیرش و ارزش بیشتری برخوردار باشد. بدین ترتیب، در نظام اجتماعی ایران، زن ایرانی بر اساس تعریف فوق صاحب یک منزلت اجتماعی است و در طی تحولاتی که در این نظام اجتماعی رخ داده است، زنان سعی کرده‌اند ایفاگر نقش‌های جدیدتری شوند که از منزلت اجتماعی بیشتری برخوردار است و در این راستا، اشتغال زنان از جمله نقش‌هایی است که زن ایرانی درصدد دستیابی به آن است و این نقش تحولی عظیم در زندگی اجتماعی زن و منزلت اجتماعی او محسوب می‌شود.

جمع‌بندی یافته‌ها

بر اساس نظریات مطروحه چنین استنباط می‌گردد:

۱. بر اساس ارزش‌های اجتماعی، مهم‌ترین معیارهای طبقه‌بندی انسان‌ها در قشربندی اجتماعی نمادهای منزلتی است که شامل: ثروت و مالکیت بر اساس درآمد و دارائی است. بر این اساس، می‌توان گفت زنان شاغل با توجه به داشتن دستمزد در مقابل کارشان دارای منزلت اجتماعی بیشتری بوده و بر اساس نتایج به‌دست آمده از این تحقیق و تحقیقات پیشین انجام‌یافته می‌توان چنین تجزیه و تحلیل کرد که داشتن استقلال اقتصادی بر میزان احساس منزلت اجتماعی تأثیر خواهد داشت.

۲. زنان غیرشاغل به دلیل ارتباط با افراد کم در جامعه و ندیدن بسیاری از واقعیات در جامعه دیدگاه بدبینانه‌تری به اجتماع و افراد دارند. در نتیجه، بیشتر با ناملایمت‌ها مواجهند و نگرش منفی آن‌ها نسبت به شاغلین بیشتر است. بر این اساس، می‌توان گفت زنان شاغل با توجه به داشتن ارتباطات بیشتر در جامعه نسبت به زنان غیرشاغل از اعتماد اجتماعی بیشتری برخوردار بوده و داشتن اعتماد اجتماعی بر روی میزان احساس منزلت اجتماعی تأثیر خواهد داشت.

۳. زنان شاغل به علت مشارکت در گروه، دارای روابط اجتماعی و مشارکت گروهی بیشتری هستند. اما زنان غیرشاغل کمتر در گروه شرکت دارند. بنابراین، عضویت در طبقه‌ها

و گروه‌های متفاوت جامعه منجر به تحرک بیشتر زنان شاغل شده بر روی میزان احساس منزلت اجتماعی تأثیر خواهد داشت.

۴. دسترسی به امکان و فرصت برای تهیه کالاها و شانس افراد در استفاده از اموال و کالاهای موجود در بازار باعث بالا رفتن حس اعتماد به‌نفس و در نتیجه برخورداری از عزت نفس را فراهم خواهد آورد. زنان شاغل به دلیل داشتن فرصت‌های بالا در جهت داشتن اختیار بیشتر استفاده از اموال و کالاها در طبقات و لایه‌های بالای جامعه دارای اعتماد به‌نفس بیشتری هستند و داشتن این اعتماد به‌نفس و بالطبع آن عزت نفس بالاتر بر روی میزان احساس منزلت اجتماعی تأثیر دارد.

۵. با توجه به تأثیر اشتغال بر عملکرد و روحیات زنان می‌توان گفت هرچه زنان بیشتر وارد عرصهٔ اجتماعی شوند به همان نسبت بحران هویت فردی و اجتماعی، افسردگی و انزواگرائی، بیزاری از نظام کنترل اجتماعی، بی‌اعتمادی و بدبینی به قوانین و قواعد حاکم بر جامعه در این قشر عظیم کاسته خواهد شد و منجر به ارضاء نیازهای آنان و احساس مطلوب بودن و رضایت خاطر زنان شاغل خواهد شد که بر روی میزان احساس منزلت اجتماعی تأثیر خواهد داشت.

۶. با توجه به اینکه گروه‌های اجتماعی مبتنی بر عناصر چهارگانهٔ قوم‌گرائی یا قوم‌مداری، گرایش افراطی کلیشه‌ای، گرایش به اعمال تبعیض، انتشار احساس "محرومیت نسبی" یا "بی‌عدالتی نسبی" ایجاد می‌گردد. انتشار احساس"محرومیت نسبی" یا "بی‌عدالتی نسبی" یعنی گروه مقابل و یا غریبه نیز آرزوی داشتن سهم بیشتری در موهبات و امتیازاتی که گروه خودی داراست را دارد و در اینجا زنان غیرشاغل با توجه به اینکه در مقابل آزار و اذیت مردان نیز در اغلب موارد قادر به ترک محیط زندگی نمی‌باشند، برای کسب منزلت اجتماعی بالاتر در برابر زنان شاغل احساس محرومیت نسبی بیشتری می‌کنند.

۷. آنچه دربارهٔ تقسیم کار و نابرابری‌های منزلتی، عنوان گردیده، از این‌رو، بر اساس یافته‌ها نیز زنان شاغل برای توازن در امورات زندگی از حس مسئولیت‌پذیری بالاتری نسبت به زنان غیرشاغل برخوردار بوده‌اند که بر احساس منزلت اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد.

۸. میزان امنیت شغلی و فرصت برای تحرک اجتماعی رو به بالا و وضعیت کاری به یک رشته روابط اجتماعی که فرد از طریق جایگاهش در تقسیم کار اجتماعی در آن قرار گرفته است مربوط است که همهٔ این موارد به میزان رشد و بالندگی فرد و در نهایت، به منزلت اجتماعی فرد در جامعه برمی‌گردد. پس می‌توان چنین استنباط کرد که میزان بالای تحرک زنان شاغل منجر به داشتن منزلت اجتماعی بیشتری نسبت به زنان غیرشاغل خواهد شد.

پیشنهادات

- ✓ با توجه به نتایج پژوهش، به‌نظر می‌رسد شرایط و فضای مناسب برای اشتغال زنان را بایستی فراهم کرد و موانع مربوط به تقسیم کار زنانه و مردانه را از بین برد تا زنان بتوانند در روند توسعه نقش‌آفرینی بیشتری داشته باشند.

- ✓ با توجه به اهمیت اشتغال در پایگاه و منزلت اجتماعی افراد، بایستی شکاف عمیق موجود میان زن و مرد را در عرصهٔ حیات عمومی جامعه کاهش داد تا دسترسی یکسان به اشتغال و منابع درآمد میسر گردد.
- ✓ با انجام تحقیقات مشابه در جوامع گوناگون و گسترده، شاخص‌های مؤثرتر و تخصصی‌تری که به روشن شدن ابعاد متعدد منزلت اجتماعی منجر خواهد شد، به‌دست خواهد آمد.
- ✓ لزوم برنامه‌ریزی برای ایجاد نظام آموزشی خلاقانه و کارآفرین را برجسته‌تر نموده که به اشتغال هرچه بیشتر زنان تحصیلکرده منجر خواهد شد.
- ✓ با مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای، گروه‌های مختلف جامعه باعث تأمل بیشتر در بازتعریف مفهوم‌هایی مثل تقسیم کار، تحرک اجتماعی، طبقه، منزلت اجتماعی و مهندسی مجدد فرآیندها و مفاهیم خواهد انجامید که برای محققین آینده راهگشا خواهد بود.

منابع

آراسته خو، م (۱۳۸۱). نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی– اجتماعی تحقیق. نشر چاپخش، چاپ اول، تهران.

ابراهیمی، پریچهر (۱۳۷۳) : پایان‌نامهٔ بیگانگی به همراه بررسی موردی بیگانگی از کار، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، تهران.

ادیبی، حسین (۱۳۵۴): پایان‌نامهٔ طبقات اجتماعی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی تهران.

گرپ، ا (۱۳۷۳). نابرابری‌های اجتماعی، دیدگاه نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر. مترجمان سیاهپوش محمد و غروی‌زاد احمدرضا. نشر معاصر چاپ دوم، تهران.

اسحاقی، ح (۱۳۸۳). موانع و راهبردها و آسیب‌های مشارکت زنان. ماهنامهٔ رواق اندیشه، تهران.

اعزازی، ش (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش و ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. انتشارات روشنفکران مطالعات زنان، چاپ ششم، تهران.

انصاری، ا (۱۳۷۸). نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران. انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، اصفهان.

بیلور (۱۳۷۱). کاربرد روان‌شناسی در آموزش. مترجم پروین کدیور، نشر دانشگاهی، تهران.

پاملا، آ (۱۳۸۷). جامعه شناسی زنان. ترجمهٔ منیژه نجم عراقی. نشر نی، چاپ پنجم، تهران

تامین، م (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. ترجمهٔ عبدالحسین نیک گهر. نشر توتیا، تهران.

تبریزی، ع (۱۳۸۰). بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روان‌شناختی اجتماعی. نمایهٔ پژوهش شمارهٔ ۱۸، تهران.

تیلا، عباس (۱۳۷۱). بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روان‌شناختی اجتماعی، نمایهٔ پژوهش شمارهٔ ۱۸، تهران.

چلبی، م (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم. نشر نی، تهران.

خدابنده لو، س (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.

رفیع پور، ف (۱۳۷۸). آناتومی جامعه. انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران.
ساروخانی، ب (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. انتشارات سروش، چاپ چهارم، تهران.
سفیری، خ (۱۳۷۷). تبعیضات شغلی میان زنان و مردان. انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
کلمن، ج (۱۳۷۷). بنیادهای نظریهٔ اجتماعی. نشر نی، تهران.
کوئن، ب (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمهٔ غلام‌عباس توسلی، رضا فاضل. انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
گیدنز، آ (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی. ترجمهٔ منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ پنجم، تهران.
لهسائی زاده، ع (۱۳۸۰). نابرابری و قشربندی اجتماعی. نشر دانشگاه، شیراز.
مندراس، ه (۱۳۷۱). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمهٔ باقر پرهام. انتشارات امیرکبیر، تهران.
سید امیری، ن (۱۳۸۷). پایان‌نامهٔ بررسی و تعیین عوامل مؤثر در رشد و توسعهٔ کسب و کارهای خانگی در تهران، دانشگاه تهران.

بررسی میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات IT) در اشتغال زنان استان مازندران

دکتر حکیمه‌السّادات شریف‌زاده[1]
حمیده یوسفی[2]

چکیده

حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی به‌ویژه در بخش‌های خدماتی و آموزشی در دهه‌های اخیر قابل توجّه است. برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای یکی از شیوه‌های مؤثر دسترسی برابر زنان براساس جنسیت می‌باشد. از آنجا که آموزش پایه و اساس رشد و توسعهٔ انسانی و توسعهٔ انسانی متضمن توسعهٔ فن‌آوری اطلاعات می‌باشد در این تحقیق میزان تأثیر آزمون‌های فنی حرفه‌ای در اشتغال زنان استان مازندران مورد مطالعه قرار گرفته است. متغیر مستقل در این پژوهش آموزش فن‌آوری اطلاعات کسب‌شده توسط افراد آموزش‌دیده و متغیر وابسته اشتغال زنان استان مازندران بوده است. سؤالات ویژهٔ تحقیق عبارتند از:

۱. آیا شرکت در دوره‌های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات IT) مهارت و توانایی زنان را افزایش می‌دهد؟

۲. آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات IT) موجب نوآوری و ابداع در زنان می‌شود؟

۳. آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات IT) موجب افزایش علاقه به کار و نگرش مثبت در زنان می‌شود؟

۴. آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات IT) موجب کسب درآمد بیشتر در زنان می‌گردد؟ ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق‌ساخته (شامل ۳۲ سؤال) بوده است. تحقیق حاضر از نظر هدف تحقیق کاربردی، از نظر روش میدانی و از نظر زمانی گذشته‌نگر است. جامعهٔ آماری این پژوهش شامل کلیهٔ زنان آموزش دیده در رشتهٔ فن‌آوری اطلاعات استان مازندران به تعداد ۹۰۰ نفر و نمونهٔ آماری با استفاده از جدول کرجسی و مورگان شامل ۲۶۹ نفر می‌باشد. در این پژوهش، برای مشخص کردن داده‌ها و تنظیم و ارائهٔ آنها به صورت جدول‌بندی از آمار توصیفی (مثل فراوانی، میانگین نمودار و ...) و برای تحلیل و تفسیر نتایج حاصله از آزمون Z استفاده شده است. براساس سؤالات مطروحه در این زمینه این نتایج به دست آمد که شرکت در این دوره‌ها موجب افزایش مهارت و توانایی زنان می‌شود. همچنین، نوآوری و ابداع و علاقه به کار و نگرش مثبت را در آنان به حدّ قابل توجهی بالا برده موجب کسب درآمد بیشتر می‌گردد. بنابراین، چنین برنامه‌هایی باید به صورت جامع طراحی شوند نیازهای کلیهٔ فراگیران را در نظر گرفته برای همه در دسترس باشد.

واژگان کلیدی: آموزش فنی و حرفه‌ای، فن‌آوری اطلاعات، اشتغال زنان.

---

۱. استادیار دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، Email:hakimehsharifzadeh@gmail.com
۲.کارشناس ارشد مدیریت، Email:uhamideh@yahoo.com

مقدمه

به دلیل پیدایش شرایط نوین و در حال تغییر در عرصهٔ علم و دانش و فن‌آوری، تقاضاهای مختلف و متنوعی از نیروی انسانی ماهر به‌وجود آمده است. مؤسسات و سازمان‌های آموزشی در این شرایط جدید رسالت آماده‌سازی افراد را به عهده دارند. از سازمان‌های آموزشی مهم که نقش محوری را در این زمینه ایفا می‌کند، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای می‌باشد. خصوصاً در آموزش فناوری اطلاعات که موجب می‌شود افراد آموزش‌دیده اطلاعات بیشتری را در مدت زمان کوتاه‌تری کسب کنند و انگیزهٔ افراد را در یادگیری افزایش می‌دهد. در این راستا مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی ـ اجتماعی و آموزش آنان یکی از شاخص‌های مهم توسعهٔ انسانی است.

حضور فعال زنان به‌عنوان نیمی از جامعهٔ ایرانی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی سیاسی و فرهنگی می‌تواند باعث توسعه و رشد اقتصادی و فرهنگی در جامعه گردد. برای تقویت دسترسی برابر زنان و دختران در برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای باید شیوه‌های هدایت شغلی و مشاوره فراهم شود. در ایران نیز محیط‌های آموزش و کار برای مشارکت زنان و دختران سازماندهی شده است. این تحقیق مسئلهٔ تأثیر آموزش‌های فنی حرفه‌ای (IT) در زنان استان مازندران را مورد بررسی قرار داده است. فن‌آوری اطلاعات IT نقش به‌سزایی در کیفیت امر آموزش به عهده داشته است. به دلیل اهمیت و ضرورت این موضوع مورد توجه قرار گرفت.

وجود نابرابری‌ها به‌خصوص برای زنان در همهٔ جوامع کم و بیش وجود دارد و توجه به این امر در سال‌های اخیر از سوی سازمان‌های مختلف انجام شده است. در مهم‌ترین گروه‌های مورد تحقیق مردان به عملیات برجسته و حادثه‌آفرینی و فعالیت در هوای آزاد و کارهایی که مستلزم کوششی بدنی است و نیز به ماشین‌ها و ابزارها و پدیده‌های طبیعی و اختراع تجارت علاقهٔ خاصی دارند و زنان بیشتر به کارهای خانه و اشیاء و اعمال ذوقی علاقه نشان می‌دهند. مردان در انجام کار ستیزه‌جویی و استقامت و زنان دلجویی و همدردی از خود نشان می‌دهند (کلاین برگ، ۱۳۶۳).

همچنین، یک جوّ روانی نامطلوب در مجموعهٔ کاری برای زنان وجود دارد که ایفای نقش حرفه‌ای را برای یک زن مشکل‌تر کرده و سرانجام منجر به تعارض نقش می‌شود. در محیط اجتماعی فعلی علت تعارض نقش‌ها در نگرش‌های منفی نسبت به کار کردن زنان یا افکار سنتی در مورد نقش‌های مردانه و یا دست‌کم گرفتن اهمیت زندگی خانوادگی ریشه دارد (نوریکورا،۱۹۸۸).

بخشی از زنان متأهل و عملاً تمامی زنان مجرد از آغاز صنعتی شدن در اشتغال فردی شرکت داشتند ولی بسیاری از زنان به محیط خانه محدود شدند. از اوائل قرن بیستم به بعد زنان بیشتری در نیروی کار مشارکت داشتند (گیدن،۱۹۸۹).

خدیجه سفیری (۱۳۷۳) در پایان‌نامهٔ دکترای خود تحت عنوان «بررسی جنبه‌های کمی و کیفی اشتغال زنان و رابطهٔ آن با توسعهٔ فردی» به این نتیجه رسید که از جمله موانع و مشکلات اشتغال زنان این است که زنان براساس باورها و هنجارهای نهادی‌شده در آنان، محدودهٔ فعالیت را برای خود کوچک می‌بینند و انگیزهٔ رشد به سطوح بالاتر را نمی‌یابند.

ابراهیم صالحی (۱۳۸۲) در تحقیقی تحت عنوان «اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاریابی» به این نتیجه رسید که یکی از عوامل اساسی رشد و توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی هر جامعه‌ای منابع انسانی آن است. بدیهی است سرمایه‌گذاری آموزش علی‌الخصوص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر روی منابع انسانی و اشتغال آنها نیز یکی از شاخص‌های اصلی تعیین توسعه‌یافتگی آن محسوب خواهد شد و ایجاد هرگونه ناهماهنگی بین این نوع از آموزش‌ها و اشتغال موجب بحران خواهد گردید.

دیوید سن وکوپر[1] (۱۹۹۲) در مصاحبه‌ای که با ۷۰۰ مدیر زن و ۱۰۵ مدیر مرد انجام داد، نتیجه گرفت که جنسیت مانعی در پیشرفت و ترقی شغل محسوب می‌شود. مطالعه‌ای توسط پالئو کراساس و همکارانش در زمینهٔ پیشرفت‌های زنان کشور انگلستان در علوم و تکنولوژی بیان‌کنندهٔ وجود تفاوت‌های جنسیتی در انتخاب رشته‌های تحصیلی است. طبق این گزارش، اکثر مردانی که به رشته‌های فنی و حرفه‌ای روی آورده‌اند، رشته‌های مهندسی، ساختمان، دارایی، علوم و ریاضیات را انتخاب کرده‌اند؛ در حالی که اکثر زنانی که متمایل به رشته‌های فنی و حرفه‌ای بوده‌اند در رشته‌های فن‌آوری اطلاعات، تعلیم و تربیت، کارآموزی و تدریس، هنرهای زیبا و صنایع دستی، و مراقبت‌های پزشکی - بهداشتی به تحصیل پرداخته‌اند.

هاردی (۲۰۰۰) در یک تحقیق کیفی دانشگاه کبک کانادا در رابطه با کارآموزانی که در مراکز فنی و حرفه‌ای تحصیل می‌کردند و به محیط کار انتقال پیدا کرده بودند، به این نتیجه رسید که یک سال بعد از اتمام دورهٔ ۲/۳ آن‌ها شغلی پیدا کردند.

محققین اعتقاد دارند عواملی مثل دسترسی بیشتر به تحصیلات رسمی، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و نهایتاً حذف باورهای سنتی می‌تواند بر توانمندسازی زنان نقش مؤثری ایفا کند. (کتابی و دیگران، ۱۳۸۲). توانمندسازی زنان یکی از اهداف توسعهٔ انسانی است و به معنای افزایش شناخت خودآگاهی، قابلیت اعتماد و گسترش آزادی انتخاب زنان توسط خودشان است. (فرخی راستایی، ۱۳۸۴).

امروزه در فرایند توسعهٔ اقتصادی – اجتماعی ایران، تحقیقات وسیعی دربارهٔ جایگاه زنان در این فرایند آغاز شده که هدف عمدهٔ آن‌ها، یافتن راه‌های مشارکت اقتصادی - اجتماعی بیش‌تر زنان از طریق بهبود شرایط آموزشی و ایجاد موقعیت شغلی و در نتیجه بالا بردن نرخ اشتغال زنان به‌منظور استفادهٔ بهینه از این بخش از نیروی انسانی کشور می‌باشد. هر اندازه آموزش و تربیت حرفه‌ای برای زنان امکان‌پذیرتر باشد، به همان اندازه موانع و مشکلات برای به‌دست آوردن مشاغل سطح بالاتر با حقوق و مزایای بهتر رو به کاهش می‌گذارد (ایروانی ۱۳۸۴).

آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای می‌تواند نقش مؤثری در پرورش افرادی داشته باشد که منجر به توسعهٔ پایدار اقتصادی – اجتماعی در جامعه خواهد شد. در حال حاضر یکی از شاخه‌های فعال و مورد نیاز جامعه، فناوری اطلاعات است. این تکنولوژی جدید دستیابی، انتقال، پردازش، نگه‌داری و تبادل اطلاعات را آسان می‌سازد.

1.David son cooper

توسعهٔ فناوری اطلاعات (IT) یکی از قابلیت‌هایی است که پیش‌بینی می‌شود بتواند با مهار بحران‌های اداری، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی در بهبود مدیریت بخش عمومی قدم‌های اساسی بردارد. پذیرش فناوری‌ها در جهان امروز با مسألهٔ حادی مواجه نبوده است. فناوری اطلاعات و ارتباطات با پذیرش خوبی از جانب مردم در جهان مواجه شده است و به نظر می‌رسد فناوری‌های پیشین، زمینه را برای فناوری‌های نوین باز کرده باشد. (سرکارآرانی، ۱۳۸۴).

اصولاً بهره‌گیری از تکنولوژی اطلاعات می‌تواند در افزایش کیفیت و کمیّت آموزش‌های فنی حرفه‌ای تحولات اساسی به‌وجود آورد. IT تقاضا برای متخصصان زن را نسبت به مردان افزایش داده است. بحث اشتغال زنان همواره به‌عنوان شاخص مهم ارزیابی توسعهٔ کشورها مطرح می‌شود. شاخصی که میزان توسعه‌یافتگی کشور را از لحاظ استفاده از منابع انسانی نشان می‌دهد(http: //www.koneshgaran.net) .

فناوری اطلاعات (IT) تکنولوژی جدیدی است که دستیابی، انتقال، پردازش نگه‌داری و تبادل اطلاعات را به سهولت در دسترس افراد قرار می‌دهد. گرچه سوابق فناوری اطلاعات در ایران بسیار محدود است، دولت در برنامهٔ سوم توسعه گام‌های اساسی در جهت توسعهٔ فناوری اطلاعات برداشته است و شورای فناوری اطلاعات به‌عنوان عالی‌ترین مرجع بخش سیاستگذاری راهبردی، نقش اساسی در توسعهٔ فناوری اطلاعات در کشور را فراهم نموده است. (عبادی، ۱۳۸۴) IT با برخورداری از ویژگی‌ها و قابلیت‌هایی مثل افزایش سرعت، افزایش دقت، کاهش اندازهٔ فیزیکی مخازن اطلاعات و ... توانسته است انعطاف‌پذیری شایان توجهی را در زمینهٔ کارآفرینی از خود نشان دهد (http://www.irandoc.ac.ir) .

فناوری اطلاعات موتور حرکت فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی می‌باشد و باعث توسعهٔ نیروی انسانی و توسعهٔ اقتصادی و امکان رقابت گسترده با عرضه‌کنندگان محصولات و خدمات در سراسر دنیا می‌گردد و در نتیجه اشتغال در کشور به‌نحو چشمگیر بالا می‌رود (قربانی، ۱۳۸۳). در این میان، افزایش تقاضای کار زنان در بازار کار ایران در سال‌های گذشته جالب توجه است. آموزش زنان برای مشارکت آنان در زندگی اقتصادی تأثیر مثبت دارد و امکان اشتغال را گسترده‌تر می‌کند (ایروانی ۱۳۸۴).

برای تقویت دسترسی برابر زنان و دختران در برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای باید شیوه‌های مؤثر هدایت شغلی و مشاوره فراهم شود که در آنها امکان ارائهٔ خدمات مشاوره و هدایت شغلی به جنسیت پیش‌بینی شده باشد. به‌طور هم‌زمان باید محیط‌های آموزش و کار برای مشارکت زنان و دختران به شکل مساعدتری سازماندهی‌شده و تبعیض‌های پنهان و آشکار از میان برداشته شود، همچنین، تصویر مثبتی همراه با انگیزه‌های مناسب برای مشارکت زنان در آموزش فنی و حرفه‌ای به‌وجود آید. (نفیسی، ۱۳۸۲، ص۲۲) عمده‌ترین چالش‌هایی که در زمینهٔ تضمین دسترسی برابر دختران و زنان به آموزش فنی و حرفه‌ای در قرن بیست و یکم در پیش خواهد بود. افزایش مشارکت دختران به‌ویژه دختران روستایی در آموزش فنی و حرفه‌ای، برطرف کردن تبعیض جنسی از نقطه‌نظر برنامه‌ریزی آموزشی، والدین، جامعه و کارفرمایان، فراتر از آن تسهیل اشتغال زنان از چالش‌های عمده به‌شمار

می‌آید (نفیسی، ۱۳۸۲، ص ۶۴). بنابراین، مسألهٔ تحقیق این‌گونه مطرح می‌شود که: آموزش‌های فن‌آوری اطلاعات در اشتغال زنان استان مازندران تا چه اندازه تأثیر دارد؟

روش تحقیق

با توجه به اهمیت این موضوع در این پژوهش برای رسیدن به هدف کلی بررسی میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات IT) در اشتغال زنان استان مازندران و ارائهٔ پیشنهادات اصولی در این‌خصوص به برنامه‌ریزان آموزش های فنی حرفه‌ای کار تحقیق انجام گردید.

متغیر مستقل در این پژوهش، آموزش فن‌آوری اطلاعات کسب‌شده توسط افراد آموزش دیده و متغیر وابسته اشتغال زنان استان مازندران می‌باشد. همچنین، سؤالات ویژهٔ تحقیق این موارد می‌باشد:

۱. آیا شرکت در دوره‌های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات IT) مهارت و توانایی زنان را افزایش می‌دهد.

۲. آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات IT) موجب نوآوری و ابداع در زنان می‌شود؟

۳. آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات IT) موجب افزایش علاقه به کار و نگرش مثبت در زنان می‌شود؟

۴. آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات IT) موجب کسب درآمد بیشتر در زنان می‌گردد؟

البته تحقیق حاضر از نظر هدف تحقیق کاربردی، از نظر روش میدانی و از نظر زمانی گذشته‌نگر است. جامعهٔ آماری این پژوهش شامل کلیهٔ زنان آموزش‌دیده در رشتهٔ فن‌آوری اطلاعات استان مازندران به تعداد ۹۰۰ نفر و نمونهٔ آماری با استفاده از جدول کرجسی و مورگان شامل ۲۶۹ نفر می‌باشد.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق‌ساخته (شامل ۳۲ سؤال) می‌باشد که تمامی سؤالات مطروحهٔ تحقیق را دربر می‌گیرد. به‌منظور تعیین اعتبار این پرسش‌نامه به‌صورت اجرای مقدماتی بر روی تعداد ۳۰ نفر اجرا شد. سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه معادل ۰/۹۰ محاسبه گردید و با توجه به اینکه پرسش‌نامه از ضریب اعتبار خوبی برخوردار بود، جهت اجرای نهایی آماده گردید.

در این پژوهش برای مشخص کردن داده‌ها و تنظیم و ارائهٔ آنها به صورت جدول‌بندی از آمار توصیفی (مثل فراوانی، میانگین نمودار و ...) و برای تحلیل و تفسیر نتایج حاصله از آزمون Z استفاده شده است.

یافته‌ها

سن افراد آموزش‌دیده در رشتهٔ فن‌آوری اطلاعات بین ۱۸ تا ۳۵ سال در نوسان بوده و بیشترین گروه سنی۲۳ سال و کمترین گروه سنی متعلق به ۳۵ سال بوده است. همچنین، ۷۳/۶ درصد از افراد آموزش‌دیده در رشتهٔ فن‌آوری اطلاعات مجرد و ۲۶/۳۹ درصد متأهل

بوده اند. اکثر افراد آموزش‌دیده دارای مدرک دیپلم با ۴۱/۶۳ درصد و ۳۸/۶۶ درصد دارای مدرک لیسانس، فوق‌لیسانس و بالاتر بوده‌اند و فوق‌دیپلم و زیردیپلم به ترتیب ۱۹/۳۳ درصد و ۰/۳۷ درصد در مراتب بعدی قرار داشته‌اند.

۲۳/۹۵درصد از افراد آموزش‌دیده در رشتهٔ فن‌آوری اطلاعات ۲ و ۱ ICDL و ۰/۷۴درصد ویژوال بیسیک و برنامه‌نویسی را آموخته‌اند. تنها ۱۳/۰۱ درصد از افراد آموزش‌دیده قبلاً شاغل بودند و ۱۱/۵۲ درصد بعد از آموزش شاغل شدند و مابقی یعنی ۷۵/۴۶ درصد بیکار هستند.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ آزمودنی‌ها به مؤلفه‌های مهارت و توانایی

گزینه / فراوانی	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	جمع
F_i	۳۷۳	۱۳۶۹	۶۲۴	۵۵	۲۴۲۱
P_i	۱۵/۴	۵۶/۵۴	۲۵/۷۷	۲/۲۷	۱۰۰

$X = 2/85$

$\mu = 2/5$

تفسیر: با توجه به جدول ۱ ملاحظه می‌شود که از کل آزمودنی‌ها ۵۶/۵۴ درصد گزینهٔ زیاد و ۲/۲۷ درصد گزینهٔ خیلی‌کم و ۲۵/۷۷ درصد گزینهٔ کم و ۱۵/۴ درصد گزینهٔ خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند.

سؤالات ویژهٔ شمارهٔ دوم: «آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای موجب نوآوری و ابداع در زنان می‌شود؟»

جدول ۲ .توزیع فراوانی پاسخ آزمودنی‌ها به مولفه‌های نوآوری و ابداع

گزینه / فراوانی	خیلی‌زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	جمع
F_i	۱۷۹	۶۷۶	۴۴۳	۴۷	۱۳۴۵
P_i	۱۳/۳	۵۰/۲۶	۳۲/۹۳	۳/۴۹	۱۰۰

$X = 2/85$

$\mu = 2/5$

تفسیر: با توجه به جدول ۲ ملاحظه می‌شود که از کل آزمودنی‌ها ۵۰/۲۶ درصد گزینهٔ زیاد و ۳/۴۹ درصد گزینهٔ خیلی‌کم و ۳۲/۹۳ درصد گزینهٔ کم و ۱۳/۳ درصد گزینهٔ خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند.

سؤال ویژهٔ شمارهٔ سوم: «آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای موجب افزایش علاقه به کار و نگرش مثبت در زنان‌می‌شود؟»

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخ آزمودنی‌ها به مؤلفه‌های علاقه به کار و نگرش مثبت

گزینه / فراوانی	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	جمع
F_i	۵۰۲	۱۴۹۶	۸۴۴	۱۱۷	۲۹۵۹
P_i	۱۶/۹۶	۵۰/۵۵	۲۸/۵۲	۳/۹۵	۱۰۰

$\bar{X} = 2/8$

$\mu = 2/5$

تفسیر: با توجه به جدول ۳ ملاحظه می‌شود که از کل آزمودنی‌ها ۵۰/۵۵ درصد گزینهٔ زیاد و ۳/۹۵ درصد گزینهٔ خیلی کم و ۲۸/۵۲ درصد گزینهٔ کم و ۱۶/۹۶ درصد گزینهٔ خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند.

سوال ویژهٔ شمارهٔ چهارم: «آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای موجب کسب درآمد بیشتر در زنان می‌گردد؟»

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخ آزمودنی‌ها به مؤلفه کسب درآمد

گزینه / فراوانی	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	جمع
F_i	۱۹۴	۵۱۸	۶۰۹	۵۶۲	۱۸۸۳
P_i	۱۰/۳	۲۷/۵	۳۲/۳۴	۲۹/۸۴	۱۰۰

$\bar{X} = 2/18$

$\mu = 2/5$

تفسیر: با توجه به جدول و نمودار ۴ ملاحظه می‌شود که از کل آزمودنی‌ها ۳۲/۳۴ درصد گزینهٔ کم و ۱۰/۳ درصد گزینهٔ خیلی زیاد و ۲۹/۸۴ درصد گزینهٔ خیلی کم و ۲۷/۵ درصد گزینهٔ زیاد را انتخاب کرده‌اند.

آزمون Z سؤال ویژه شمارهٔ ۱

حجم نمونه	میانگین طبقات (۱)	میانگین نگرش	واریانس	انحراف معیار (۲)	Z محاسبه شد ه	Z بحرانی	سطح احتمال
۲۶۹	۲/۵	۲/۸۵	۰/۱۳	۳/۶	۱/۶۱	۱/۹۶	٪۹۵ $P\langle\%5$

آزمون Z سؤال ویژهٔ شمارهٔ ۲

حجم نمونه	میانگین طبقات	میانگین نگرش	واریانس	انحراف معیار	Z محاسبه شده	Z بحرانی	سطح احتمال
۲۶۹	۲/۵	۲/۷۳	۰/۵۳	۰/۷۲	۵/۳۴	۱/۹۶	٪۹۵ P〈%5

آزمون Z سوال ویژه شماره ۳

حجم نمونه	میانگین طبقات	میانگین نگرش	واریانس	انحراف معیار	Z محاسبه شده	Z بحرانی	سطح احتمال
۲۶۹	۲/۵	۲/۸	۰/۵۷	۰/۷۵	۶/۶۶	۱/۹۶	٪۹۵ P〈%5

آزمون Z سؤال ویژهٔ شماره ۴

حجم نمونه	میانگین طبقات	میانگین نگرش	واریانس	انحراف معیار	Z محاسبه شده	Z بحرانی	سطح احتمال
۲۶۹	۲/۵	۲/۱۸	۰/۹۵	۰/۹۷	-۵/۶۱	۱/۹۶	٪۹۵ P〈%5

نتیجه‌گیری

در مورد سؤال اول تحقیق به دلیل آنکه z محاسبه‌شده (۸/۳۳) در سطح اطمینان ۹۵٪ از z بحرانی (۱/۹۶) شده است. لذا، تفاوت میانگین نگرش و طبقات از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد، نتیجه اینکه، می‌توان ادعا کرد که شرکت در دوره‌های فنی و حرفه‌ای مهارت و توانایی زنان را افزایش می‌دهد.

در مورد سؤال دوم به دلیل آنکه Z محاسبه‌شده (۵/۳۴) در سطح اطمینان ۹۵٪ از Z بحرانی (۱/۹۶) بزرگتر شده است. لذا، تفاوت میانگین نگرش و طبقات از لحاظ آماری معنی‌دار است، نتیجهٔ اینکه می‌توان نتایج این تحقیق را به جامعهٔ بزرگتر تعمیم داد به عبارت دیگر می‌توان ادعا کرد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای موجب نوآوری و ابداع در زنان می‌شود.

در مورد سؤال سوّم به دلیل آنکه Z محاسبه‌شده (۶/۶۶) در سطح اطمینان ۹۵٪ از Z بحرانی (۱/۹۶) بزرگتر شده است. لذا، میانگین نگرش و طبقات از لحاظ آماری معنی‌دار است، نتیجه اینکه، می‌توان نتایج این تحقیق را به جامعهٔ بزرگتر تعمیم داد به عبارت دیگر، می‌توان ادعا کرد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای موجب افزایش علاقه به کار و نگرش مثبت در زنان می‌شود.

در مورد سؤال چهارم به دلیل آنکه Z محاسبه‌شده (۵/۶۱) در سطح اطمینان ۹۵٪ از Z بحرانی (۱/۹۶) بزرگتر شده است. لذا، تفاوت میانگین نگرش و طبقات از لحاظ آماری

معنی‌دار است، نتیجه اینکه می‌توان نتایج این تحقیق را به جامعهٔ بزرگتر تعمیم داد به عبارت دیگر می‌توان ادعا کرد که آموزش های فنی و حرفه‌ای موجب کسب درآمد بیشتر در زنان می‌گردد.

در مورد سؤال اصلی تحقیق با توجه به تجزیه و تحلیل‌های به‌عمل آمده می‌توان چنین نتیجه گرفت که از کل آزمودنی‌ها ۱۳/۰۱ درصد از افراد آموزش‌دیده قبلاً شاغل بودند و ۱۱/۵۲ درصد بعد از آموزش شاغل شدند و مابقی یعنی ۷۵/۴۶ درصد بیکار هستند. نتایج به‌دست آمده در این تحقیق نیز با نتایج تحقیق ابراهیم صالحی عمران در سال ۱۳۸۲ مطابقت دارد. یعنی در تحقیق ایشان ۲۷ درصد از آموزش دیده‌های فنی و حرفه‌ای شاغل و مابقی بیکار هستند. همچنین، با تحقیق حجت صفار حیدری و صمد ایزدی که در سال ۱۳۸۱ انجام دادند مطابقت دارد، یعنی ۳۹٪ اشتغال یافته‌اند که از این میزان ۱۹٪ اشتغال مرتبط با مدرک آموزشی و ۲۰٪ نیز اشتغال غیر مرتبط با مدرک آموزشی دارند. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش سطح مهارت‌های شغلی دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای امکان ارتقاء مهارت‌های شغلی برای زنان مهیا می‌شود. برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای باید به عنوان نظام‌های جامع و همه‌شمولی طراحی شوند، که نیازهای کلیهٔ فراگیران در آن در نظر گرفته شود و برای همه در دسترس باشد. در جایی که به برنامه‌های تخصصی نیاز باشد، این برنامه‌ها باید به ترتیبی طراحی شوند که ورود به جریان اصلی آموزش را تسهیل کنند. پیش‌بینی می‌شود که IT با توجه به قابلیت‌های فوق‌العاده‌ای که دارد بتواند در جهت ساماندهی تغییرات و تصویر چشم‌اندازی روشن و فعال مؤثر باشد. برای تقویت دسترسی برابر زنان و دختران در برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای باید شیوه‌های مؤثر هدایت شغلی و مشاوره فراهم شود که در آنها امکان ارائهٔ خدمات مشاوره و هدایت شغلی به جنسیت پیش‌بینی شده باشد. به‌طور هم‌زمان باید محیط‌های آموزش و کار برای مشارکت زنان و دختران به شکل مساعدتری سازماندهی شده و تبعیض‌های پنهان و آشکار از میان برداشته شود. همچنین، تصویر مثبتی همراه با انگیزه‌های مناسب برای مشارکت زنان در آموزش فنی و حرفه‌ای به وجود آید.

پیشنهادها

- ✓ دوره‌های فنی و حرفه‌ای مطابق با نیاز بازار کار ارائه شود. اگر Word یا ICDL یا رشته‌های دیگر مورد نیاز بازار کار است، به این رشته‌ها توجه بیشتری شود.
- ✓ تمهیداتی فراهم گردد تا دوره‌های فنی و حرفه‌ای باعث افزایش تسلط و پیشرفت در کارآموزان شود. به‌طور مثال، امتحان پایان دوره با سختگیری بیشتری گرفته شود تا اطمینان حاصل شود کسی که مدرک مربوطه را می‌گیرد مهارت و توانایی لازم را کسب کرده است.
- ✓ دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای کوتاه‌مدت هستند پیشنهاد می‌شود طول مدت این دوره‌ها را افزایش دهند تا مهارت لازم به‌دست آید.
- ✓ مربیان فنی و حرفه‌ای باید مجرب و آگاه باشند تا در انتقال دانش روز به کارآموزان کوتاهی نشود.

- ✓ قرار دادن پایگاه‌های سیار در مناطق دور دست تا امکان استفاده از دوره‌ها برای همه مقدور باشد.
- ✓ تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال زنان در سطح کشور و در کلیهٔ رشته‌ها مورد بررسی و پژوهش قرار بگیرد.
- ✓ کمک‌های مالی جهت آموزش بیشتر ورود به سطح تحصیلات بالاتر برای زنان فراهم شود، و چنانچه مدت کوتاهی از مرخصی زایمان استفاده نمودند، تمهیدات لازم برای بازگردانیدن آنان به بازار کار انجام گیرد و با ورود مجدد آنان آموزش نسبت به اطلاعات روز برایشان مقدور باشد.

منابع

ایروانی، محمدرضا. (۱۳۸۴). زنان و نظام آموزش عالی کشور و اشتغال. شمارهٔ سوم، دورهٔ چهارم، اصفهان: مجلهٔ الکترونیکی.

سرکار آرانی، محمدرضا، مقدم، علی‌رضا (۱۳۸۴) فناوری برای آموزش، تهران: نشر نی.

صالحی، ابراهیم (۱۳۸۲) اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاریابی. مازندران.

صفار حیدری، حجت، ایزدی، صمد. (۱۳۸۱). پژوهشنامهٔ علوم انسانی و اجتماعی. شمارهٔ چهارم، سال دوم. چاپ نیما.

عبادی، رحیم (۱۳۸۴) فناوری اطلاعات و آموزش و پرورش. تهران: نشر عروج.

فرخی راستایی، زهرا (۱۳۸۴) مجله پژوهش علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شمارهٔ ۲، جلد ۱۹. انتشارات دانشگاه اصفهان.

قربانی، مهدی. (۱۳۸۳). مهارت اول شناخت مفاهیم بنیادین it. تهران: انتشارات سیمای دانش.

کتابی و دیگران. (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه. فصل‌نامهٔ مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۷.

کلاین برگ، اتو. (۱۳۶۳). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمهٔ علی محمد کاردان. تهران: نشر اندیشه.

Giddens. Anthony, "Sociology" , polity press, London, 1989.

Novikova. Milova, zaliu Borskaia, Modern women at work and at home, Russia text, 1988 by "Naukea" publishers, EKO No8, Moscow.

www.irandoc.ac.ir

http://www.koneshgaran.net.

تبیین جایگاه مهارت‌آموزی و اشتغال زنان در اسلام و ایران

امیر عظیمی[1]
سید جواد کلاری حسینی[2]

چکیده

دین مبین اسلام به دلیل توجه ویژه‌ای که به جایگاه اثرگذار زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و زندگی دارد، این آفریدهٔ الهی را به‌عنوان موجودی مولد معرفی کرده و عرصه‌های تلاش او را فراتر از محیط خانه قلمداد کرده است. این پژوهش به صورت مروری امر مهارت‌آموزی و اشتغال زنان را بررسی کرده و جایگاه این دو امر را در ساختار دین اسلام تبیین می‌نماید. سپس نقبی در سبقهٔ مهارت‌ورزی و اشتغال زنان درکشور ایران زده و اثرپذیری این دو امر را از آموزه‌ها و دستورات آیینی- اسلامی بررسی می‌نماید. این بررسی تبین می‌نماید که زنان در سی سال اخیر جایگاه کمال یافته‌ای را نسبت به قبل از انقلاب اسلامی داشته و قوانین موضوعه اخیر نیز جایگاه مهارت‌ورزی و اشتغال زنان را با حفظ شئونات اسلامی توسعه بخشیده است.

واژگان کلیدی: مهارت‌آموزی، اشتغال، اشتغال زنان، اشتغال اسلامی زنان، زن و مهارت‌آموزی.

---

۱. کارمند آموزش و پرورش شهرستان عباس آباد، دانشجو کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی آموزشی،
Email:amirkelar@yahoo.com
۲. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد چالوس، کارشناس ارشد مهندسی منابع طبیعی،
Email:s_hoseyni215@yahoo.com

مقدمه

امروزه مشارکت زنان در ادارهٔ امور اقتصادی، نقشی فراتر از تأمین کار ارزان‌بها داشته و مورد توجه کارشناسان توسعهٔ اقتصادی قرار گرفته است (طالبی، ۱۳۹۰). در جوامع پیشرفتهٔ صنعتی و کشورهای نوخاستهٔ صنعتی مشارکت زنان به‌عنوان کارگزاران توسعه و برخوردارشوندگان از آن، اصلی پذیرفته شده است. امّا از آنجا که زنان بی‌سواد و زنانی که تحصیلات مکفی ندارند، نمی‌توانند به راحتی وارد بازار کار شوند، ناگزیر هستند برای تأمین معاش خود و کاهش شدت و اثرات فقر اقتصادی وارد بازارهای غیررسمی کار شوند که به دلیل موانع و تعصب‌های فرهنگی و اجتماعی از واگویی وضعیت اشتغال خود بیم دارند. در چنین بخش‌هایی زنان در موقعیت نامناسب کاری قرار می‌گیرند و عمدتاً دستمزد پایینی دریافت می‌کنند که این اتفاق چیزی جز استعمار نیروی کار زنان نخواهد بود. به‌همین دلیل، مهارت‌آموزی و کارآفرینی جهت توانمندسازی این نیروی مولد بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. زنان خواه به‌صورت مدیر یا کارگر، نقش بسیار مهمی در زمینهٔ کارآفرینی و مهارت‌آموزی در بخش‌های کوچک و بزرگ ایفا می‌کنند (جعفر نژاد و اسفیدانی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳-۷۷). نتایج مطالعات متعدد نشان می‌دهند که آموزش کارآفرینی در غلبه بر بیکاری و افزایش مهارت‌های زنان برای کارآفرین شدن از برنامه‌های مهم دولت‌ها است (کاتز[1]، ۲۰۰۳).

یکی از عوامل بسیار مهمی که در کیفیت ساختار اشتغال و مهارت‌آموزی زنان در هر جامعه‌ای مؤثر است، فرهنگ حاکم بر روابط مردم و دولت می‌باشد. امروزه در فرهنگ غرب، نقش مادری و همسری زن تحت‌الشّعاع دیگر ارزش‌ها قرار گرفته است و در برخی موارد یکی از موانع و مشکلات زنان در برابر اشتغال محسوب می‌شود. اما در فرهنگ اسلامی با توجه به جایگاه زن در جامعهٔ اسلامی و نگاه و جهان‌بینی خاص اسلام به انسان، این سؤال مطرح می‌شود که آیا اسلام اشتغال و فعالیت اقتصادی را برای زنان جایز می‌داند؟(دلاور، ۱۳۸۸) جدا شدن محل کار از زندگی پدیده‌ایست که در جریان صنعتی شدن به‌وجود آمده است. اشتغال زنان به عنوان امر مدرن، پدیده‌ای نو است که مختص جوامع توسعه‌یافته می‌باشد. اشتغال خارج از خانه با تغییراتی که در پایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان ایجاد کرده، منجر به شکل‌گیری پایگاه اکتسابی و جدید برای زنان می‌شود که انتظار می‌رود زنان در این پایگاه جدید، باورها و ارزش‌های متفاوت از زنان خانه‌دار داشته باشند (سرایی و سهامی، ۱۳۸۹). در همین راستا، کشورهایی مانند کشور ما که مردم آن با فرهنگ اسلامی روابط کاری و خانوادگی خود را تنظیم می‌نمایند، اشتغال زنان منوط به نظر دین مبین و شارع مقدس است. قانون نیز بر اساس این موازین دستورالعمل‌های اجرایی را صادر می‌کند. این پژوهش در نظر دارد با طرح پرسشی مبنی بر اینکه آیا دین اسلام با مهارت‌آموزی و اشتغال زنان موافق است یا خیر، کیفیت آن را تبیین و میزان پیشرفت اشتغال زنان در ایران را بررسی نماید و جایگاه آن را در قوانین موضوعه مورد مداقّه قرار دهد.

1.Katz

پیشینهٔ پژوهش

اگرچه اشتغال زنان جزء مباحث مطروحه در هر جامعه‌ای است، اما کیفیت و توسعهٔ آن با توجه فرهنگ‌ها کمتر مورد بررسی قرار گرفته است و پرداختن به این موضوع به‌صورت پژوهشی سازمان یافته، سابقهٔ طولانی ندارد. در این میان، شاهدی و فرجودی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای توصیفی به بررسی جایگاه اشتغال زنان از منظر قرآن پرداخته و نتیجه‌گیری می‌نمایند که اسلام مانع حضور زنان در جامعه برای اشتغال سالم نبوده و زن‌ها به‌عنوان عضو مؤثری در اقتصاد مورد تکریم می‌باشند.

آذرگشسب (۱۳۷۷) پژوهش خود را با موضوع "مقام زن در ایران باستان" انجام داده است وی بر این باور است که از دیدگاه اسلام، جز تنگناهای اندکی که از ناحیهٔ تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و مسألهٔ حفظ عفت عمومی که بر اشتغال زنان تأثیر می‌گذارند، از دیگر جنبه‌ها زنان از آزادی کامل و برابر شغلی با مردان برخوردارند و می‌توانند به فعالیت‌های گوناگون بپردازند و با راه حل شرط در ضمن عقد، مسالهٔ لزوم احراز رضایت شوهر را که به خودی خود سدی در راه اشتغال زنان نیست، حل نمایند. افزون بر این، با کار فرهنگی و تصحیح ذهنیات نادرست نیز می‌توان از بروز مشکل جلوگیری کرد.

فهیم کرمانی (۱۳۷۴) در پژوهش خود با عنوان "چهرهٔ زن در آیینهٔ اسلام" بیان می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در هنگام جنگ برخی از زنان را مأمور مداوای مجروحان جنگی می‌کرد و هنگام حرکت به سوی جنگ گروهی از زنان را که در معالجهٔ بیماران تخصص داشتند، با خود می‌برد و برای آن‌ها خیمه‌ای مستقل برپا می‌کرد.

ساوجی (۱۳۷۱) در پژوهش خود با موضوع "حقوق زن در خانواده و اسلام" به این نتیجه دست یافت که آیات قرآن و سیرهٔ معصومان (علیهم السلام) بیانگر این معناست که زن مسلمان باید در جامعه حضور همه‌جانبه داشته باشد و تمام توان خویش را در جهت پیشبرد اهداف اجتماعی- اقتصادی، در کنار انجام دادن رسالت مادری به‌کار گیرد.

شرفی و عادلی (۱۳۸۹) در مقالهٔ خود با عنوان «تحلیل عاملی موانع موجود در زمینهٔ کارآفرینی و مهارت‌ورزی زنان کشاورز از دیدگاه زنان کشاورز جیرفت» موانع موجود در راه اشتغال زنان را به سه دستهٔ (فرهنگی- اجتماعی)، (خدماتی- حمایتی) و (قانونی) تقسیم می‌نماید.

ویل دورانت[1] (۱۳۶۷) در کتاب تاریخ تمدن، افزایش دارایی‌های قابل انتقال و افزایش محصولات زمینی را به‌عنوان عواملی می‌داند که در فرمانبرداری زن نقش داشته‌اند.

پنی‌پست[2](۱۹۹۴) در تحقیقی به بررسی میزان مشارکت زنان در کشور کانادا پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد مشارکت زنان بین سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۰ در اثر رکود اقتصادی، اندکی کاهش داشته است. او اذعان می‌دارد میزان مشارکت زنان جوان‌تر کمتر از سایر زنان بوده است. این تحقیق، همچنین روند افزایشی نیروی کار و مهارت‌آموز را در سنین بالای ۴۵ سال بیشتر از زنان زیر بیست سال برشمرده است.

---

1. Will Durant
2. P, Basset

تیم کالان[1] و دیگران (۱۹۹۸) در تحقیق خود به بررسی عرضهٔ کار زنان و عدم تساوی درآمد بین زنان و مردان در ایرلند طی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۴ پرداخته‌اند. نتایج حکایت از افزایش همبستگی بین درآمد زوجین، در دورهٔ مورد مطالعه دارد. در عین حال، افزایش مشارکت زنان و افزایش میزان دستمزد آن‌ها (بین ۲۰ تا ۲۵ درصد) باعث کاهش تبعیض درآمد میان مردان و زنان در ایرلند شده است و سایر عوامل به درآمد زنان بستگی ندارد.

جایگاه مهارت‌آموزی شغلی و اشتغال زنان در اسلام

مشارکت و حضور زنان در عرصهٔ فعالیت‌های اقتصادی اعم از تولیدی و یا خدماتی، عمری به قدمت زندگی اجتماعی انسان دارد. زنان به‌عنوان نیمی از جامعه نقش مؤثری در ایجاد تمدن‌های بشری داشته‌اند؛ هر چند در برهه‌هایی از تاریخ نقش آن‌ها در کنار مردان کمرنگ، نامرئی و یا در قالب کارهای خانگی بوده است، اما همواره اشتغال زنان همراه با مردان در مزارع و در خانه امری عادی تلقی می‌شد (اسدی، ۱۳۷۵). یکی از مهم‌ترین و پذیرفته‌ترین نقش‌های زن نیز، نقشی است که در خانواده ایفا می‌کند. خانواده یکی از ارکان مهم جامعهٔ انسانی است و زنان به‌عنوان همسر و مادر عضو کلیدی آن به شمار می‌روند (رسول پور، ۱۳۸۶). در یک نگاه، زن صرف‌نظر از تفاوت جسمی و روانی خود با مرد، خلقتی مستقل از مرد دارد و در اصل آفرینش و گوهر وجودی‌اش، هیچ تفاوتی با مرد ندارد. تفاوت‌های جسمی و روانی میان زن و مرد، موجب تفاوت در مسئولیت‌های آنان شده و به تبع آن، تفاوت حقوق آنان را نیز به دنبال خواهد داشت که اگر وجود تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد را قبول داشته باشیم و تفاوت مسئولیت‌ها و حقوق زن و مرد در قرآن کریم را از همین زاویه بنگریم، تمام شبهات دربارهٔ این مسائل برطرف خواهد شد و مشخص می‌شود که قرآن کریم، هیچ‌گونه تبعیضی بین زن و مرد قائل نشده است (نور حسن فقیده،۱۳۸۲). از دیدگاه اسلام، تفاوت‌های زن و مرد «تناسب» است، نه «نقص» و «کمال». قانون خلقت خواسته است با این تفاوت‌ها تناسب بیشتری میان زن و مرد که قطعاً برای زندگی مشترک ساخته شده‌اند به‌وجود آورد (مطهری، ۱۳۶۷). موضوع مهارت‌آموزی و کار کردن زن مسلمان در بیرون از خانه، باعث اختلاف نظر، میان علمای اهل سنت و علمای شیعی است و هر یک از این فقها، دلیل و سبب‌هایی را برای نظر خود مطرح می‌کنند.

مهارت‌ورزی و اشتغال زنان از نظر قرآن، سنت و فقها

دین اسلام به هنگام پیدایش، برخی امور را که در جاهلیت به‌دان عمل می‌شد، پذیرفت، بعضی را اصلاح کرده، برخی دیگر را از بین برد و قوانین جدیدی را برای ساماندهی زندگی مسلمانان در اجتماع نو ظهور امت اسلام، وضع کرد. اسلام در مورد کار کردن زن، وضع زمان جاهلیت را پذیرفت؛ یعنی بی آن که قانون صریحی بنهد، به زن اجازه داد هم‌چنان کار کند، زیرا دین، همان‌گونه که حق کار کردن مرد را مسلم و بدیهی می‌دانست، در مورد زن نیز چنین عقیده‌ای داشت. در زمان جاهلیت، بسته به فرهنگ محیط، به زن اجازهٔ کار و فعالیت حرفه‌ای داده می‌شد. زن به فعالیت‌های بزرگ و مهم اقتصادی در جامعه می‌پرداخت و در

1. T, Callan

کنار مرد خانواده، یا برای ارتزاق خود و خانواده‌اش، (اگر بیوه یا مطلقه بود) به‌عنوان یک کارگزار، فعالیت کشاورزی و دامپروری داشت. زنان برای کمک به خانواده یا ارتزاق، به صنایع دستی نیز مشغول بودند. آن‌ها آن‌چه را می‌بافتند، یا می‌ریسیدند، و هم‌چنین کره و روغن یا پوست دباغی‌شده را می‌فروختند (الصراف، ۱۳۷۳). خداوند، در قرآن از دختران حضرت شعیب(ع) نام می‌برد که به کار چوپانی اشتغال داشته‌اند. آن‌ها به علت کهولت سن پدر، جایگزین او در کار نگهداری از گوسفندان شده بودند که برای سیراب نمودن گوسفندان خود نیز همیشه تا پایان کار دیگر چوپانان صبر می‌کردند و سپس به گوسفندان خود آب می‌دادند: قالَتا لا نَسْقی حَتّی یُصْدِرَ الرِّعاءُ (قصص: ۲۸). «گفتند ما آن‌ها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند». دختران حضرت شعیب(ع) به دلیل عفاف و تحجُّب خود تا پس از رفتن چوپانان مرد، از سیراب نمودن گوسفندان خودداری می‌کردند تا اینکه حضرت موسی(ع) گوسفندان آن‌ها را سیراب نمود. آن دو این داستان را برای پدرشان بازگو کردند و حضرت شعیب(ع) تصمیم گرفت برای جبران خدمت موسی(ع) او را به خانه‌اش دعوت کند؛ به‌همین منظور یکی از دختران خود را به نزد موسی(ع) فرستاد: فَجاءَتْهُ إِحْداهُما تَمْشی عَلَی اسْتِحْیاءٍ (همان سوره: ۲۵). «پس یکی از آن دو به سراغ او آمد، در حالی که در نهایت حیا گام بر می‌داشت». خداوند با بیان این آیات، به خوبی کیفیت حضور زنان در اجتماع و برخورد با مردان بیگانه را تشریح کرده است.

زن در صدر اسلام فعالیت تجاری هم داشت، چه به‌طور وسیع یا به‌صورت محدود. او در بازارهای محلی یا عمومی خرید و فروش می کرد و یا در محل کسب خود که در طول سال کار می کرد و محصولات دست‌سازش را می فروخت، یا کارهای زنان را که برای وی کار می‌کردند و آن‌چه را ساخته شده از بازار می‌خرید، خرید و فروش می‌کرد. از شمار این زنان «ام منذر بنت قیس» است که ظاهراً در زمان رسول الله(ص) خرما می‌فروخت. یا «اسماء بنت مخرمهٔ بن جندل» که عطر فروش بود و از«یمن» عطر وارد می‌کرد و در مدینه می‌فروخت. برخی از زنان تجارت خارجی می‌کردند و بسیار ثروتمند بودند. مثل«هند بنت عقبه» و «خدیجه بنت خویلد» اولین همسر گرامی پیامبر اکرم(ص). در مقایسه با باقی حرفه‌ها، تجارت اهمیت و موقعیت خاصی داشت و کسانی بدان می پرداختند که شخصیتی قوی داشتند و دور اندیش بودند و می‌توانستند با مردم روابط و پیوند خوبی داشته باشند. افزون بر این کارها، زنان در زمینهٔ فکری و ادبی نقش داشتند و کاهن، شاعر، حکیم و مرجع رفع اختلاف نیز بودند (همان منبع). بنابراین، اسلام مخالف کار کردن زنان نبوده است. چرا که اگر کار و فعالیت زنان در زمان اسلام را ادامهٔ وضع زمان جاهلیت بدانیم و اگر قرآن آیهٔ صریحی دربارهٔ کار کردن زنان نیاورده باشد، هم‌چنان که درباره مردان نیاورده آیا می‌توانیم بدین سبب بگوییم: کار کردن مرد حرام است؟! اگرچه در قرآن به‌طور ضمنی اشاره به کار کردن زنان نشده است، اما مِهر را بر مرد شرعاً واجب کرده، ارث بردن زن را پذیرفته و سهم مشخصی از ارث را در هر وضعی برای وی در نظر گرفته است. این حقوق و اموال، سرمایه‌ای برای زن است که باید آن را توسعه و رشد دهد. قرآن می‌پذیرد که وی قانوناً شایستگی دارد، پیمان ببندد و خرید و فروش و رهن و... کند (رزّاقی، ۱۳۷۹). در سنت که از جمله وظایف آن تشریح و تبیین محتوای قرآن است مطلبی دربارهٔ ممنوعیت کار کردن زن نیامده است،

بلکه زن را به حضور در فعالیت‌ها و به عهده گرفتن وظایف و برخی مناصب می‌خواند، مناصبی که به مقتضای جامعهٔ نو پیدایِ اسلام به‌وجود آمده بود. در مکه و زمان رسول الله (ص)، امور حسبه (مالی) را «سمراء بنت نهیک الا سدیه» بر عهده داشت. وی با شلاق، کسانی را که در داد و ستد، غش و فریبکاری می‌کردند، مجازات می‌کرد. امور حسبه از مهم‌ترین و خطیرترین مناصبی بود که شخص می‌توانست در جامعهٔ اسلامی بر عهده گیرد. مسئولیت امر حسبه، حد و مرزی نمی‌شناخت. از واگذاری این مسئولیت به زن می‌توان میزان اعتماد بالای اسلام به توانایی‌ها و شایستگی‌های زن برای پذیرش مسئولیت پی‌برد. در زمان پیامبر(ص) بسیاری از زنان مانند مردان در جنگ‌ها حضور فعالی داشتند (الصراف، ۱۳۷۳).

مهارت‌ورزی و اشتغال زنان از نظر فقیهان شیعی

سید یزدی(۱۴۱۷.ق) در عروة الوثقی و سید حکیم (۱۳۷۴) در مستمسک گفته‌اند: اگر زن برای خدمت در مدت معینی، [تعهد و توان خود را] اجاره دهد و پیش از انقضای این مدت، ازدواج کند، اجاره[و تعهد] باطل نمی‌شود، حتی اگر خدمت، منافی بهره‌جویی شوهر و حقوق زناشویی باشد. در این حکم تفاوتی نیست شوهر در هنگام ازدواج، تعهد زن را بداند یا نداند، زیرا دو حق اینجا هست: حق خدمت و حق شوهر. اگر زن بتواند هر دو را انجام دهد، که خوب، و اگر جمع میان آن دو ممکن نباشد و تزاحم کنند، حق بیشتر، که تعهد خدمت است، مقدم است، چون اگر حقوق شرعی مزاحم هم شوند، ترجیح با حق سابق است. بنابراین، شوهر حق اعتراض یا فسخ تعهد زن را ندارد و همسر ناشزه محسوب نمی‌شود. اما اگر پس از ازدواج تعهد خدمت دهد و با حق شوهر منافات داشته باشد، بدون اذن و اجازه شوهر، تعهد خدمت درست نیست. اگر تعهد، با حق شوهر مطلقاً منافات ندارد، مثلاً تعهد قرائت قرآن یا بافتن پیراهن با نخ کاموا یا پشم، را بدهد، اجاره[و تعهد] صحیح است حتی اگر شوهر اذن ندهد» (الصراف، ۱۳۷۳). به درستی می‌توان دریافت که متانت، منطقی بودن و واقع‌نگری در نظر این فقیهان مشهود است. اینان اگر کارکردن زن، پس از ازدواج را به موافقت شوهر ربط داده‌اند، به معنای اولویت حضور زن در خانه است. بدون تردید این اجتهاد هم‌خوان با واقعیت‌های اجتماع در آن زمان نیز بوده است. شهید مطهری (ره) نیز در شرح این روایت از رسول مکرم اسلام (ص) که «ان یفلح قوم ولّوا أمرهم امرأة؛ قومی که زنان امورشان را سرپرستی کنند، رستگار نمی‌گردد»(سنن نسایی، ج ۸، ص ۲۲۷). ضمن نقل آن و برداشتی که از منع شارع نسبت به تصدی زنان بر منصب حکومت در سطح کلان دارد، می‌نویسد: وضعیت حکومت امروز با حکومت‌های گذشته فرق دارد. شایستگی‌هایی که امروز است با شایستگی‌هایی که در گذشته بوده، فرق می‌کند. در گذشته حکومت‌ها استبدادی بودند. همین قدر که حکومت را به دست یک کسی می‌دادند؛ معنایش این بود که همهٔ افراد در یک کشتی نشسته باشند که یک کشتیبان داشته باشد، تمام مقررات هم دست او باشد. در این جور کارها بود که هر گونه مردی صلاحیت رهبری نداشت، اگر احیاناً مردی هم صلاحیت می‌داشت، مردی بود که می‌بایست نبوغ فراوانی داشته باشد. دنیای امروز، دیگر

حق چنین حکومتی را نه برای مرد قائل است نه برای زن. حکومتی که تمام اختیارات یک کشور را از اول تا به آخر به دست یک فرد بسپارند (مطهری، ۱۳۶۷).

بنابر آیات، روایات و نظرات ذکر شده می‌توان دیدگاه دین مبین اسلام را دربارهٔ اشتغال و مهارت‌آموزی زنان مثبت تلقی کرد، به شرط حفظ کرامت کانون خانواده و توجه به اصالت‌های اصیل زن در جامعهٔ اسلامی. اگر زنی با رعایت موازین یادشده به مهارت‌آموزی و اشتغال در کارهای متناسب با خودش عضوی از فعالان عرصهٔ اقتصادی جامعه شود، ای بسا مورد تکریم دین مبین نیز خواهد بود. شکل شمارهٔ (۱) ویژگی‌های یک زن مولد، مهارت‌آموز و شاغل را در جامعه اسلامی نشان می‌دهد.



شکل(۱): ویژگی‌های زن مهارت‌ورز و شاغل در دین اسلام

مهارت‌ورزی و اشتغال زنان از نظر قوانین موضوعه

مسألهٔ برابری حقوق زن و مرد در امور مربوط به اشتغال همواره مورد بحث و توجه بوده و در اسناد مختلفی از جمله مقررات سازمان بین‌المللی کار به این امر عنایت لازم مبذول شده است (ملک زاده، ۱۳۸۵). در قوانین کشور ایران نیز که برگرفته از قوانین و نظرات دین اسلام است، به اشتغال زنان بها داده شده است. به همین دلیل طبق مادهٔ ۳۸ قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ «برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد باید به زن و مرد، مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در میزان مزد بر اساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است».

قانون کار ایران به دلیل توجه به تفاوت‌های جسمانی بین زن و مرد و توجه جایگاه مهم زن در کانون خانواده مقررات حمایتی و ویژه‌ای را برای زنان وضع کرده است که از جمله آن‌ها عبارتند از:

- ممنوعیت انجام کارهای سخت و زیان‌آور برای زنان و کار در شب برای زنان
- مرخصی ۱۲ هفته‌ای برای زنان باردار و ادامهٔ آن تا ۶ هفته پس از زایمان
- ساعات کار زنان شیرده (معتمدی و بشیری، ۱۳۷۷).

طبق قوانین، دو نوع محدودیت شغلی در ایران برای زنان وجود دارد. ۱. ممنوعیت برخی از مشاغل به دلیل منع شرعی یا به لحاظ مصالح ملی و امنیتی و رعایت وضع خاص زنان، مانند ممنوعیت از اشتغال به قضاوت و محدودیت اشتغال در نیروهای مسلح؛ ۲. محدودیت

مربوط به زن شوهردار از اشتغال به مشاغل منافی مصالح خانوادگی او. این ماده نوعی محدودیت شغلی را برای زن شوهردار ایجاد می‌کند، ولی محجوریت مطلق مرد را بر زن و مانع شدن از اشتغال او را نمی‌رساند، بلکه به لحاظ اهمیت و اعتباری که به خانواده داده شده به لحاظ حفظ مصالح خانوادگی، محدودیت زن نسبت به برخی مشاغل به وسیلهٔ شوهر مجاز شمرده شده است (ملک زاده، ۱۳۸۵). به‌طورکلی، قوانین موضوعه که در این بخش گذرا به برخی از آن‌ها اشاره شد نگاه منصفانه‌ای نسبت به مهارت‌آموزی و اشتغال زنان در سطح جامعه دارد و عواید حاصل ار آن را جزو حقوق حقهٔ زنان برمی‌شمرد.

نگاهی به سابقهٔ مهارت‌آموزی و اشتغال زنان ایرانی در قبل و بعد از انقلاب

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نزدیک به پنجاه درصد جمعیت فعّال اقتصادی را زنان تشکیل می‌دهند (نقیب السادات، ۱۳۸۱). در طول تاریخ، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی نه تنها در توسعهٔ ظرفیت‌ها و توانایی‌های زنان، بلکه در توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی جامعه نقش کلیدی داشته است. کشورهایی که به دنبال توسعه یا تسریع فرایند توسعه بوده‌اند، نمی‌توانستند نیمی از نیروی انسانی خود را نادیده بگیرند. در نگاه آن‌ها جامعه هنگامی توسعه می‌یابد که همهٔ اعضای جامعه – اعم از زن و مرد- فرصت برابر و انگیزهٔ قوی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را داشته باشند.

در دوران قاجار، بریدگی زنان مرفه شهری از اجتماع به درجه‌ای بود که تنها هنگام حمام رفتن، شرکت در جلسات مذهبی یا میهمانی‌های زنانه می‌توانستند در کوچه و بازار ظاهر شوند. در میان زنان طبقات محروم و متوسط جامعه، برای تأمین هزینهٔ زندگی و رفع ضروریات، کار در مزارع جالیز و شالی و یا کارگاه‌های بافندگی و صنایع کوچک دستی الزامی بوده است (صابر، ۱۳۸۱). کلارا رایس (۱۸۶۶) در کتاب «زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنها» می‌گوید: «ضمن کارهای مربوط به داخل خانه، بافتن و پشم‌ریسی، پختن نان، تهیهٔ لبنیات و غیره نیز به عهده زنان بود. زنان وابسته به طبقات پایین بنا به نوع تولیدات منطقهٔ زیستی خویش در کارگاه‌های خانوادگی مشغول کار بودند و از این طریق به اقتصاد بی‌جان خانواده کمک می‌کردند». او همچنین اضافه می‌کند: «هیچ‌گونه قانونی برای کار وجود ندارد. کارگران مزد بسیار ناچیزی می‌گیرند، لذا بسیاری از زنان باید به کسب معاش خود بپردازند و آنچه را که به اجبار به آنها می‌دهند، دریافت و تحمل کنند.»

گشایش جامعهٔ ایران به سوی آورده‌های تمدن جدید، دگرگونی‌های بسیار به بار آورده است که از مهم‌ترین آنها حضور اجتماعی محسوس و دستیابی به بازار اشتغال است. ورود زنان به بازار کار و صنعت و اشتغال در ایران یک قرن بعد از حضور گستردهٔ زنان غربی به‌وجود آمد. زیرا ورود فن‌آوری به ایران با این فاصله صورت گرفت. البته سیر صعودی اشتغال زنان در ایران به کُندی و آهسته پیش می‌رفت، زیرا شرایط برای تولید انبوه که با ساخت یا ورود فن‌آوری ارتباط مستقیم داشت، تا مدت‌ها مهیا نبوده و بازار کار ظرفیت جذب نیروی کار زنان بیشتری را نداشت. تحولات کُند و آهستهٔ اقتصادی، توأم با ریشه‌های تناور سنتی که همواره در ایران روند ضد اشتغال زنان را طی کرده است، زن را از بازار کار دور نگه داشته‌اند و در مراحلی که زن به‌طور جدی در بازار کار جلوه‌گر شده و جمعی از

مدیران به افزایش حضور او تأکید ورزیده‌اند، ناگهان سدها و موانع سنتی و حقوقی به شکل‌ها و صورت‌های خاص بر سر راهش قرار گرفته و گاهی او را تا قهقرا پس‌رانده‌اند (صابر، ۱۳۸۱).

در ایران، گرایش زنان به اشتغال همگام با دسترسی بیشتر آنان به سازمان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) در اغلب شهرهای بزرگ شدت یافت. اما از آنجا که این امر با شتاب‌زدگی در میان برخی از گروه‌ها مطرح گردید، در عین حال شرایط اجتماعی ـ فرهنگی جامعه در خیلی از موارد پویایی متناسب با آن را نداشت، اشتغال زنان از سویی با مسائل حاد مواجه گردید و اختلاف عقیده را در میان توده‌های مختلف مردم موجب شد. اکنون نیز مشارکت اجتماعی زنان و دختران در عرصه‌های اجتماعی و دانشگاهی در ایران نسبت به سال‌های گذشته بیشتر شده است، به‌طوری که ۶۸ درصد از متقاضیان شرکت در آزمون استخدام‌های ادواری، دختران بوده‌اند. با توجه به شرایط اقتصادی جامعه، نگرش عمومی نسبت به اشتغال، مهارت‌آموزی و تحصیل دختران تغییر یافته است و این امر باعث شده که نیروی کار زنان افزایش یابد (زراءنژاد و منتظر حجت، ۱۳۸۵). جدول شمارهٔ (۲) جمعیت فعال اقتصادی زنان و مردان را طی سه دههٔ گذشته تا سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

جدول شمارهٔ(۲). جمعیت فعال اقتصادی ۱۰ ساله و بالاتر ۱۳۵۵-۱۳۸۵، با احتساب میلیون نفر (مرکز آمار ایران).

شرح	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۷۷	۱۳۸۰	۱۳۸۵
جمعیت کلی زنان	۱۱/۲۰	۱۶/۰۳	۲۲/۳۷	۲۸/۰۳	۳۱/۶۱	۳۴/۶۲
جمعیت فعال زنان	۱/۴۴	۱/۳۰	۲/۰۳	۲/۶۳	۳/۴۷	۳/۶
میزان فعالیت زنان(٪)	۱۲/۹	۸/۱	۹/۱	۹/۳۷	۱۱/۷	۱۲/۳
میزان فعالیت مردان(٪)	۷۰/۷	۶۸/۳	۶۰/۷	۶۰/۷۵	۶۰/۴	۶۷/۲۱
میزان فعالیت کل(٪)	۴۲/۵	۳۸/۹	۳۵/۳	۲۸/۷۴	۳۶/۵	۴۰/۰۲

جدول شمارهٔ ۲ نشان می‌دهد که از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ جمعیت فعال اقتصادی زنان در کشور ما ۸/۱ درصد بوده و نسبت به ۱۰سال گذشته کاهش داشته و از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۵ رفته رفته، رشد خود را شروع کرده است. این روند رو به‌رشد که خیلی هم از سرعت بالایی برخودار نیست در طی سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۵ از رشد بهتری برخوردار بوده است. اگرچه این آمار در مقایسه با سایر کشورها پایین‌تر به‌نظر می‌رسد (همان منبع)، اما در مقایسه با سال‌های قبل از انقلاب با توجه به بهبود نگرش‌های عمومی نسبت به اشتغال زنان از رشد قابل توجّهی برخوردار است. همچنین، به موجب نتایج سرشماری جهانی سال ۱۹۸۶، حدود نهصد هزار زن و ۱۱ میلیون مرد در زمرهٔ شاغلین ایران قرار می‌گیرند که ۶ درصد جمعیت را زنان ده سال به بالا و ۹ درصد کل شاغلین ایران را شامل می‌شده‌اند. بیشترین تعداد زنان در بخش خدمات عمومی و خصوصی مشغول به‌کار بوده اند. مقام دوم را کشاورزی با حدود ۲۶۳ هزار و سپس صنعت با ۲۱۶ هزار زن شاغل به خود اختصاص می‌دادند. اما به نظر می‌رسد در این سرشماری، خیل زنان شاغل در بخش کشاورزی، از دید آمارگران مخفی مانده است. به موجب این سرشماری، تنها ۵۰۸۰۰۰ زن ایرانی حقوق‌بگیر بوده‌اند که از میان آنها ۴۰۸۰۰۰ نفر در بخش عمومی (از مجموع ۴/۳ میلیون کارکنان

بخش عمومی) و یکصد هزار نفر نیز در بخش خصوصی (از مجموع ۸/۱ میلیون نفر کارکنان بخش خصوصی) به کار اشتغال داشته‌اند.

در سال‌های پس از انقلاب، علی‌رغم نقش بزرگی که زن روستایی در تولید کشاورزی و روستایی ایران ایفا کرد، سیستم آماری ایران، نیروی کار او را در زمرهٔ کار خانگی ارزیابی کرد و او را در طبقه‌بندی کارهای بدون دستمزد قرار داد. بدین ترتیب است که در آمار رسمی کشور فقط ۸/۲۲ درصد از نیروی کار کشاورزی را زنان تشکیل می‌دادند که این رقم در سرشماری اواخر دههٔ ۱۹۸۰ به کمتر از ۱/۸ درصد کاهش پیدا کرد.

بدیهی است نگرش‌های دینی و فرهنگی حاکم در جامعه نیز با توجه به این حرکت رو به رشد، تغییراتی قابل توجهی کرده است. این امر از تقاضایی که در مهارت‌آموزی و سوادآموزی حرفه‌ای و فنی زنان در مجامع آموزشی به چشم می‌خورد نیز مشهود است. با وجود این پیشرفت که حاصل نگرش مثبت دولت‌های جمهوری اسلامی نسبت به زنان است (مهدوی، ۱۳۸۶)، موانعی نیز بر سر راه این طبقهٔ اجتماعی وجود دارد که رشد سریع‌تر و بیشتر اشتغال آن‌ها را با کندی مواجه می‌کند. بر خی از این موانع عبارتند از:

- کافی نبودن تقاضا برای نیروی کار زن نسبت به مرد.
- کمبود وقت برای شرکت در کلاس‌ها به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی و خانگی.
- عدم رشد کافی باورهای اجتماعی- فرهنگی که آموزش دختران را کم اهمیت‌تر از آموزش پسران تلقی می‌کند.
- عدم تکامل تفکر اشتغال توأم با تعهد خانواده و پویایی هر دو نهاد.
- تبعیض بین زن و مرد در امر کار و دستمزد توسط کارفرمایان (زراء نژاد و منتظر حجت، ۱۳۸۵).

نتیجه‌گیری

اگرچه زن همیشه خود را در تقاطع دو جریان فکری سنت و پیشرفت، که غالباً با یکدیگر برخورد دارند می‌بیند، ولی زن مسلمان می‌تواند با بصیرت کامل از میان آن دو به خوبی عبور کند. در اندیشهٔ دینی، نه تنها منعی از اشتغال و مالکیت زن وجود ندارد، بلکه حمایت از حقوق اقتصادی او نیز از ابعاد مختف لحاظ گردیده است. قرآن، احادیث و آراء اندیشمندان شیعه و سنی، همگی به حضور زن در ساختار اقتصادی- اجتماعی اشاره داشته‌اند و نقش این طیف را در جامعهٔ اسلامی مهم و سازنده تلقی کرده‌اند.

در کشور اسلامی ایران نیز علی‌رغم چارچوب‌های فرهنگی، و گذرهای تاریخی، مبحث مهارت‌آموزی و اشتغال زنان همچنان مورد حمایت قوانین موضوعه و مورد استقبال دولت‌ها بوده است. یکسان بودن حقوق مشاغل زن و مرد به استثناء برخی مشاغل، از یک سو و سیر پیشرفت زنان شاغل با توجه به جمعیت مشغول به‌کار از سویی دیگر مویّد این موضوع می‌باشند. مقالهٔ حاضر، مهارت‌آموزی و اشتغال زنان را از منظر دین مبین اسلام تبیین نموده است و نظر دین و قوانین موضوعهٔ اسلامی و ایرانی را نسبت به این امر مثبت معرفی کرده است. جا دارد بحث مهارت‌ورزی و اشتغال طبقهٔ زنان به‌عنوان عاملی محرک برای رشد شخصیتی زنان و رشد اقتصادی جامعهٔ اسلامی بیشتر مورد توجه مراکز آموزشی تربیتی و

نهادهای مرتبط با زنان قرار بگیرد تا این مسأله بیش از پیش فرهنگ‌سازی شده و دختران و زنان علاقمند به کار و مهارت‌آموزی بتوانند توازن لازم را بین "کار" و " خانواده" خود به‌وجود بیاورند.

منابع

آذرگشسب، م (۱۳۷۷). مقام زن در ایران باستان. بی جا، چاپ دوم.

اسدی، ج (۱۳۷۵). نگاهی به تاریخ کار و اشتغال در ایران و سایر کشورها. انتشارات پویا، رشت.

جعفر نژاد و اسفیدانی ، م، ر (۱۳۸۴). وضعیت زنان در اشتغال و مدیریت. فصل‌نامهٔ مطالعات زنان، ۳، ۷، ۷۷- ۱۰۳.

حکیم، سید محسن (۱۳۷۴). مستمسک العروة الوثقی. نتشارات دارالتفسیر، قم.

رایس، کلارا (۱۸۶۶، م). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان. مترجم:آزاد، اسدالله، تهران، نشر نگار، ۱۳۸۳.

رزّاقی، م (۱۳۷۹). زن در آیینهٔ قرآن و سنت. شمیم، قم.

رسول پور عربی، ح (۱۳۸۶). بررسی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر. رسالهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۶.

زراء نژاد، م و ا، منتظر حجت، (۱۳۸۵). نگاهی به مشارکت اقتصادی زنان در ایران. مجلهٔ حقوق زنان، شمارهٔ مهر، آبان، آذر ۱۳۸۶.

ساوجی، م (۱۳۷۱). حقوق زن در اسلام و خانواده. تهران، مجرد، چاپ اول.

سرایی، ح، س، سهامی (۱۳۸۹). بررسی تأثیر شغل بر ارزش‌های معطوف به توسعهٔ زنان. فصل‌نامهٔ زن و جامعه، سال اول، ش ۳.

شرفی، ا، م، عادل (۱۳۸۹). تحلیل عاملی موانع موجود در زمینهٔ کارآفرینی زنان کشاورز جیرفت. فصل‌نامهٔ زن و جامعه، سال اول، شمارهٔ ۴.

شیماء الصراف،۱۳۷۳ اشتغال زنان از نگاه قرآن و سنت و نظر فقهای گذشته و حال، مترجم: عبدالله امینی، پیام زن، شمارهٔ هشتم، ص۲۳.

صابر، ف (۱۳۸۱). راه‌های توسعه و کارآفرینی زنان در ایران. تهران، نشر روشنگران.

طالبی، ا (۱۳۹۰). زن در اقتصاد خانواده. نشر عدن، تهران.

فرجودی، م (۱۳۸۹). جایگاه شغلی زن در اجتماع و خانواده از دیدگاه قرآن. فصل‌نامهٔ زن و جامعه، سال اول، شمارهٔ ۴.

فهیم کرمانی، م (۱۳۷۴). چهرهٔ زن در آیینهٔ اسلام و قرآن. دفتر نشر اسلامی، قم.

رایس، کلارا (۱۸۶۶، م). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان. مترجم:آزاد، اسدالله، تهران، نشر نگار، ۱۳۸۳.

مطهری،م (۱۳۶۷). نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۷۷ و ۲۰۵ ، صدرا، چاپ هشتم، تهران.

معتمدی، ق و ع، بشیری (۱۳۷۷). قوانین و مقررات مربوط به زنان در ایران. تهران، نشر ققنوس، چاپ اول، ۱۳۷۷.

ملک زاده، ف (۱۳۸۵). زنان در قوانین موضوعهٔ ایران. مجلـهٔ مطالعـات فرهنگـی، شـمارهٔ ۷، ۱۳۸۵.

مهدوی، ص (۱۳۸۵). بررسی موانع و مشکلات اشتغال زنـان در بخـش‌هـای دولتـی کشـور. مجلهٔ زیتون، شمارهٔ مهر ۱۳۷۰.

نسائی، احمد بن علی (۳۰۳ قمری). سنن نسایی. ترجمهٔ ذبـیح الله اقبـال، مرکـز اطلاعـات و مدارک اسلامی، قم.

نقیب السادات، س (۱۳۸۱). وضعت زنان در روند جهانی شدن. فصل‌نامهٔ کتاب زنـان، شـمارهٔ ۱۱، سال ۱۳۸۱.

نور حسن فقیده، ط (۱۳۸۲). حقوق زن در قرآن و عهدین. با اندکی تلخـیص، ص ۵۷، نشـر زنبق، تهران.

ویل دورانت، (۱۳۶۷). تاریخ تمدن. ترجمهٔ احمد آرام، تهـران، سـازمان انتشـارات و آمـوزش انقلاب اسلامی.

یزدی، سید کاظم (۱۴۱۷.ق) عروة الوثقی. نشر نور، قم، ۱۳۸۴.

Basset, P,(1994). "Dlining Femal Labour Force Participation", Perespective on Labour and Income, Vol. 6. No. 2, Summer 1994.

Callan, T., B. Nolan,O (1998). Donal and Olive Sweetman, "Femaale Labour Supply and Income Inequlity in Ireland", 1998.

Katz، J، A. (2003)، "The choronoloy and intellectual trajectory of American entrepreneurship education 1876-1993"، Journal of Business Venturing Vol. 18 No. 2،pp. 283-300.

بررسی نقش زنان در تولید ملی، حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی

خدیجه محمدنیا[1]
سید سهیل معنوی امری[2]
جابر مهدی نیا افرا[3]

چکیده

یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجهٔ توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. اکنون نگاه جهان، بیشتر به سوی زنان معطوف شده است، زیرا امروز برای تحقق توسعهٔ اجتماعی، تسریع فرایند توسعهٔ اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی، چنان‌چه به زن به‌عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمّی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت. نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این‌رو، در تحول همهٔ جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌گردد. به همین منظور، ضمن انجام یک تحلیل اقتصادی مختصر در زمینهٔ توسعه، به چگونگی رابطهٔ میان موقعیت زنان با توسعه‌یافتگی و تأثیرگذاری مشارکت آنان به عنوان نیمی از نیروی فعال جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، برای تحقق توسعه و عدالت اجتماعی پرداخته شده است. با توجه به این که نیمی از کل جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند و دو سوم ساعات کار انجام‌شده توسط زنان صورت می‌پذیرد، تنها یک‌دهم درآمد جهان و فقط یک‌صدم مالکیت اموال و دارایی‌های جهان به زنان اختصاص یافته است. از آنجایی که در بررسی عوامل مؤثر بر توسعهٔ اقتصادی اجتماعی کشورها، توجه به نیروی انسانی و متخصص مطرح است، لذا سخن از اشتغال زن و رابطهٔ آن با توسعه نیز امری ضروری است.

واژگان کلیدی: زنان، تولید ملی، توسعهٔ اقتصادی، توسعه‌یافتگی.

---

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم شهر، Email:www.gol.saedeh@yahool.com
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم شهر، Email:www.manavi.soheil@gmail.com
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم شهر، Email:www.mehdiniya.jaber@gmail.com

مقدمه

عده‌ای از کارشناسان معتقدند که جایگزینی کالای ایرانی در خانواده‌ها وظیفهٔ جهادی زنان است، این موضوع موجب رونق اقتصادی کشور و حل مشکل بیکاری جوانان می‌شود. تولید ملی و بالابردن کیفیت تولید داخل به صورت جهادی بر عهدهٔ مردان است و حمایت از تولید داخلی در خانواده‌ها مسئولیت زنان است، چراکه مادران در خانواده نقش فرهنگ‌سازی را بر عهده دارند. اقشار عمومی جامعه در تحقق حمایت از تولید ملی نقش مهمی دارند، و باید توجه داشت که افزایش سرمایهٔ ملی محقق نمی‌شود، جز با تولید ملی و بالابردن تلاش و کوشش؛ بخشی از زنان جامعه تولیدکننده و مولد هستند و در بحث اشتغال و پرورش نیروی کار فعالیت می‌کنند. همچنین، مبارزه با تنبلی و بیکاری و پرورش نسلی توانمند و تولیدکننده یکی از وظایف مهم زنان است. برخی اساتید رشتهٔ کارآفرینی بر نقش مؤثر زنان روستایی و شاغل در تقویت تولید ملی تأکید دارند و نقش زنان شاغل و روستایی در تولید ملی بسیار مهم است. چراکه آنها با احساس تعهد و مسئولیت بیشتر می‌توانند چرخهٔ صنعت کشور را رونق دهند. به گزارش فارس اگر زنان با بی‌توجهی به تبلیغات وسیع کالای خارجی، در خرید اجناس مورد نیاز، حس ملی خود را تقویت کرده و در شرایطی که کالاها کیفیت یکسان دارند، جنس ایرانی را انتخاب کنند، شاهد رونق صنعت کشور و کاهش آمار بیکاری جوانان خواهیم بود. تولیدکنندگان داخلی نیز برای رونق گرفتن بازار فروششان و رقابت با محصولات خارجی باید تلاش بیشتری کنند تا کیفیت تولیدات را بالا برد و خدمات پس از فروش کالای ایرانی را که در مقابل با محصولات بسیار ضعیف است، گسترش دهند. در چنین شرایطی است که کالای داخلی جایگزین مناسبی برای محصولات خارجی می‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی شعار امسال را «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی» عنوان کرده و بر حمایت از تولید ملی تأکید کردند. مقام معظم رهبری سهم مردم را در تحقق این شعار مهم‌تر از بقیه می‌دانند. در میان مردم نقش زنان از همه برجسته‌تر است و با توجه به جایگاهی که در خانواده و جامعه دارند، می‌توانند پیشتاز حمایت از تولید ملی باشند. یکی از حوزه‌هایی که زنان می‌توانند نقش‌آفرین باشند، حوزهٔ آموزش است. این آموزش می‌تواند هم در تربیت فرزندان و هم در نقش معلمان در مدارس صورت پذیرد. مادران و معلمان ما می‌توانند از همان کودکی فرزندان خود را به مصرف کالاهایی که در داخل تولید می‌شود، تشویق کنند و فواید آن را برای آنان شرح دهند تا کودکان بدانند که تا چه اندازه می‌توانند در توسعه و پیشرفت کشور خود مفید باشند. این یک کار ریشه‌ای است که می‌تواند آیندهٔ کشور را نیز تضمین کند و حتی زمینه را برای اشتغال آنان در کشور فراهم سازد.

بیان مسئله

در بررسی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی پرداختن به نقش زنان در خانواده از موضوعات مهمی است که باید موردتوجه قرار گیرد، چراکه شخصیت و منش و رفتار فرزندان بستگی به نقش مادران در خانواده دارد. در این تحقیق می‌خواهیم بدانیم در سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی زنان در تولیدات داخلی و محرومیت‌زدایی از خانواده و جامعه چه نقشی دارند.

ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به نقش مهم زنان در خانواده، می‌توان گفت پویایی، سرزندگی توفیق و بالندگی یا بی‌تحرکی و عقب‌ماندگی و خفت و ذلت هر نسلی به چگونگی ایفای نقش آنها در تربیت فرزندان بستگی دارد. در واقع، رفتارهای مثبت اقتصادی، چگونگی برنامه‌های اقتصادی و الگوهای مصرف فرزندان که بر اقتصاد کشور نیز تأثیرگذار است، اساساً از رفتار مادران الگوپذیری می‌کند. بنابراین، یکی از رموز و شیوه‌های محرومیت‌زدایی از خانواده‌ها و در نهایت جامعه و رسیدن به عدالت همگانی و رفاه کلی جامعه توجه به نقش مهم آنان در این زمینه است.

یافته‌ها

دکتر محبوبه قائدی مدرس دانشگاه و متخصص علوم اجتماعی نیز در این‌باره می‌گوید: در راستای تحقق شعار امسال نباید از نقش زنان غافل شد. زنان می‌توانند با آموزش‌های لازمی که می‌بینند، به یکی از بهترین عوامل اجرایی کردن شعار حمایت از تولید ملی تبدیل شوند. زنان به‌عنوان مسئولین اقتصادی خانواده که معمولاً وظیفهٔ تهیه و خرید اقلام مورد نیاز خانواده را بر عهده دارند، به رونق تولید ملی کمک کنند. متأسفانه امروز در بسیاری از خانواده‌ها و به‌خصوص در میان بانوان، خرید اجناس خارجی و مارک‌دار به‌خصوص در مورد پوشاک و لوازم خانگی رواج یافته است که این موضوع ضربات سنگینی بر صنعت نساجی و تولید لوازم خانگی کشور زده است و باعث بیکاری جوانان بسیاری شده است. اگر فرهنگ خرید کالای ایرانی در میان زنان نهادینه شود، کشور ما رشد و جهش خوبی در زمینهٔ تولید خواهد داشت).

دکتر لاله افتخاری نمایندهٔ مردم تهران در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: زنان می‌توانند با اولویت قرار دادن اجناس ایرانی در سبد خرید خانوار به رونق تولید ملی کمک کنند. هم‌اکنون مصرف کالاهای خارجی در میان مردم کشور رواج یافته است. لذا، باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی شود که مردم به مصرف کالای داخلی به‌ویژه در بخش لوازم خانگی گرایش پیدا کنند. سیاست‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که از ورود کالای قاچاق به کشور جلوگیری شود، چرا که ورود کالای قاچاق صنعت تولید در کشور را فلج می‌کند. هم‌اکنون بسیاری از تولیدهای داخلی به دلیل ورود بی‌رویهٔ اجناس چینی تعطیل شده و تعداد زیادی از کارگران بیکار شده‌اند.

عشرت شایق نمایندهٔ مجلس هفتم و فعال سیاسی در این‌باره می‌گوید: «تغییر نگرش در استفاده از کالای ایرانی و حمایت از تولید داخلی یک ضرورت است که زنان می‌توانند در این زمینه راهبر باشند.» وی معتقد است: «برای اصلاح الگوی مصرف باید تولیدات داخلی را جایگزین محصولات خارجی کنیم و زنان و خانواده‌ها باید تصمیم بگیرند برای تهیهٔ وسایل منزل و جهیزیهٔ فرزندانشان از کالاهای داخلی استفاده کنند، نه اجناس خارجی. نقش رسانهٔ ملی در این زمینه بسیار کلیدی است و القای استفاده از کالای ایرانی در تمام برنامه‌ها ضرورتی است که احساس می‌شود. تبلیغات در عرصهٔ فروش و مصرف یک کالا حرف اساسی را می‌زند. باید در سطح خیابان‌های شهر اجناس ایرانی را تبلیغ کنیم تا مردم با خرید اجناس ایرانی از تولید داخلی حمایت کنند.»

اهداف تحقیق

یکی از شاخص‌های عدالت اقتصادی در اسلام کاهش فاصلهٔ بین فقیر و غنی است. این چیزی نیست که دولت به تنهایی یا حتی نظام به تنهایی بتواند به آن برسد، بلکه به مشارکت عمومی مردم به‌خصوص زنان نیاز دارد. البته در این مشارکت عمومی زنان می‌توانند نقش اساسی داشته باشد، چراکه زنان مهم‌ترین و مؤثرترین فرد در تشکیل رفتار و شخصیت فرزندان جامعه می‌باشند. آنان می‌توانند با مدیریت خانواده در چارچوب قوانین اسلامی و دستورات دینی در نهادینه کردن فرهنگ استفاده از منابع خدادادی و ترویج فرهنگ مصرف صحیح و جلوگیری از هدر رفتن آب و نان و رعایت الگوی مصرف اصلاح چشم و هم‌چشمی‌ها و تجمل‌گرایی‌ها شکل‌دهندهٔ رفتار فرزندان خود و در نهایت جامعه می‌باشند. بنابراین، با توجه به نقش مهم زنان در خانواده و در نهایت جامعه، در این تحقیق می‌خواهیم به بررسی نقش زنان در تولیدات داخلی و اقتصاد و محرومیت‌زدایی از خانواده و جامعه بپردازیم.

بخش اول

الف) اقتصاد مایهٔ قوام زندگی و جامعه

قرآن کریم تعبیر جالبی دربارهٔ اموال و ثروت‌ها در آیهٔ ۵ سوره نساء بیان کرده و می‌فرماید: این سرمایه‌های شما که قوام زندگانی و اجتماع شما به آن است و بدون آن نمی‌توانید کمر راست کنید به دست سفیهان و اسرافکاران نسپارید. از این تعبیر به خوبی اهمیتی را که اسلام برای مسائل اقتصادی قائل است روشن می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹).

ب) دیدگاه اسلام نسبت به توسعهٔ اقتصادی

آیات، احادیث و روایات موجود پیرامون تولید، کار، منابع طبیعی، مصرف، علم و دانش، عدالت اجتماعی و ...، از جمله مواردی است که مطالعهٔ آنها می‌تواند منجر به یافتن دیدگاه اسلام نسبت به رشد توسعهٔ اقتصادی گردد. یکی از مشهورترین احادیثی که می‌تواند محرک بالقوه‌ای برای رشد و توسعهٔ اقتصادی مسلمین باشد. این حدیث است: «الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه» به عبارت دیگر، دستیابی به چنین هدف عالی، بدون نیل به درجه‌ای مطلوب، مستمر و قابل اتکا از رشد و توسعهٔ اقتصادی میسر نخواهد بود. امروزه مهم‌ترین عامل قدرت و تسلط، برخورداری از توان بالای رشد اقتصادی است (پژوهشکدهٔ فرهنگ، ۱۳۸۲).

ج) راه رسیدن به توسعهٔ اقتصادی از نظر اسلام

شرع مطهر اسلام همواره امت را به تقوا و عمل صالح، تولید و بخشش، عدالت و همکاری، وفای به عهد و امانتداری و امر به معروف و نهی از منکر فرا می‌خواند و با تحریم غش در معامله و کم‌فروشی و تشریع قوانینی مانند زکات، خمس، انواع صدقات، کفاره‌ها و نفقاتی که بر مسلمانان فرض کرده است مانع تراکم ثروت در دست اغنیا و فقر و بیچارگی دیگران می‌گردد. رسول خدا در این‌باره فرموده‌اند: مثل مؤمنان در دوستی و مهربانی و شفقت ورزیدن به یکدیگر، مثل بدن انسان است که اگر یکی از عضوهای آن ناراحت باشد اعضای دیگر در بیدار ماندن و تب و ناراحتی با وی همکاری می‌کنند (سالم السفار، ۱۳۸۱).

چ) توسعهٔ اقتصادی در تأسی به بانوی کوثر

حضرت فاطمه نه تنها در پوشاک و خوراک به حداقل قناعت می‌کرد و برخود سخت می‌گرفت کارهای خانه را نیز بر عهده دیگری نمی‌گذاشت. از کشیدن آب تا روفتن خانه، دستاس کردن ذرت یا گندم، نگهداری کودک، همه را خود به عهده می‌گرفت .گاه با یک دست دستاس می‌کرد و با دست دیگری طفلش را می‌خواباند (شهیدی،۱۳۸۰). فاطمه در مشی اقتصادی خود این شیوه را در پیش دارد که در تولید کوشاست و در مصرف شخصی حسابگر است و اندیشمند، سعی دارد زیاده‌روی نکند و هرگز از حد متوسط جامعه قدمی فراتر نگذارد و البته زندگیش در اغلب موارد پایین‌تر از حد متوسط جامعه بود. کسی‌که این همه در زندگی شخصی بر خود سختگیر است در راه خدا دستی گشاده دارد، مشی او مشی دوری از بخل، پذیرش و قبول ایثار است اگر چه خود بدان نیاز مند باشند (قائمی، ۱۳۷۵). زنان جامعهٔ ما با الگو گرفتن از منش حضرت زهرا متوجه می‌شوند که سادگی زندگی و دوری انسان از تجملات و وسایل غیرضروری از عوامل مهم سعادت و خوشبختی انسان در زندگی است و این روش را به فرزندان خود مخصوصاً دختران که زنان آیندهٔ مملکت می‌باشند انتقال دهند.

ح) اهمیت کارهای تولیدی در اسلام

اهمیتی را که اسلام به امر صنعت می‌دهد از فرمان معروف علی(ع) به مالک اشتر می‌توان دریافت. در این فرمان به مالک توصیه می‌کند که نسبت به صنعتگران اهمیت بسیار قائل شود و آنها را سرچشمهٔ سودها و اسباب آسایش مردم می‌شمرد. دربارهٔ اهمیت کشاورزی و خودکفایی در این زمینه، همین بس که در سخنان پیشوایان اسلام کشاورزان به‌عنوان گنج‌های الهی در روی زمین معرفی شده‌اند و علاوه بر این، کشاورزی یکی از محبوب‌ترین کارها نزد خداوند شمرده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵).

خ) دیدگاه اسلام نسبت به مصرف

بر اساس دیدگاه اسلامی، هیچ‌چیز در روی زمین به انسان تعلق نداشته و هر آنچه در جهان موجود است متعلق به خداوند می‌باشد: «لله ما فی السموات و الارض» قرآن، مردم را به استفاده (مصرف) کالاها و لذت از آن‌ها تشویق نموده است. به‌رغم این تشویق، دو چیز منع شده است: (بخل و اسراف). این نوع آموزش و نگاه به بخل و اسراف به خوبی قادر است سرمایهٔ مسلمانان را با کنترل مصرف و جلوگیری از اسراف که به پس‌انداز افراد کمک می‌کند، تجهیز نماید. در مجموع، می‌توان بیان نمود که نهی اتلاف منابع و مصرف بیهوده در اسلام، باعث افزایش پس‌انداز و در نتیجه تجهیز سرمایهٔ مردم خواهد بود (افقه، ۱۳۸۴).

بخش دوم: اصول مورد توجه در اقتصاد و تولید

۱. اصل توسعهٔ علوم و نوآوری

یکی از شاخصه‌ها و معیارهای توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و موفقیت و جایگاه بین‌المللی هرکشور، میزان تولید علم و نوآوری و نظریه‌پردازی و مطرح بودن در صحنه‌های علمی، پژوهشی و اختراع‌ها و میزان سرمایه‌گذاری در این زمینه است. هر کشوری که بخواهد

اقتصاد پرتوان و موفقی داشته باشد، چاره‌ای جز حرکت به سوی علم و تولید آن و گسترش فن‌آوری ندارد. ملتی که مصرف‌کنندهٔ اندیشه‌ها، پژوهش‌ها و دستاوردهای علمی و فکری دیگران باشد و از خود آفرینش، خودجوشی، تولید و خلاقیت نداشته باشد و منتظر است تا دیگران چه می‌گویند و چه می‌خواهند، چنین ملتی آینده‌ای جز اسارت و عقب‌ماندگی و خواری ندارد (اسحاقی و همکاران، ۱۳۸۹).

۲. اصل کارآفرینی و ایجاد اشتغال

ایجاد اشتغال و کارآفرینی توسط افراد جامعه خصوصاً زنان یکی از ابعاد مهم جهاد اقتصادی است. طبق تحقیقات علمی، وجود منابع خدادادی یکی از عوامل مهم در افول نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی است. ملتی که از منابع زیر زمینی همچون نفت و گاز استفاده می‌کند، استعدادهای خود را برای اکتشاف و اختراع و تولیدات جدید به‌کار نمی‌گیرد و فقط مصرف‌کنندهٔ تولیدات کشورهای دیگر خواهد بود. کارآفرینی اساس پیشرفت و توسعهٔ جوامع پیشرفته است. اگر ملتی دارای زنان کارآفرین باشد، منابع زیرزمینی خود را نیز در راستای توسعهٔ زیرساختی و اختراعات و ابتکارات و پژوهش‌ها به‌کار خواهد گرفت، به امید آن روز که ملت ایران بدون وابستگی به نفت و گاز بتواند روی پای خود بایستد. البته تا کارآفرینی محور نیروی انسانی قرار نگیرد، این مهم نیز انجام نخواهد پذیرفت. علاوه بر زنان مخترع و مکتشف که می‌توانند کارآفرین باشند زنان خانه‌دار نیز می‌توانند با تشکیل کارگاه‌های صنایع دست و خیاطی در ایجاد اشتغال و محرویت‌زدایی سهم بزرگی داشته باشند (کریمی، ۱۳۸۴).

۳. اصل نهادینه سازی فرهنگ تولید

فرهنگ تولید دارای ابعاد گوناگون است. از یک طرف اشتغال و فرصت‌های شغلی را افزایش می‌دهد و بدین‌ترتیب سبب گسترش عدالت و توزیع عادلانهٔ ثروت و در نتیجهٔ آن محرومیت‌زدایی از محرومان جامعه می‌شود و از طرف دیگر، واردات و وابستگی کشور به بیگانگان را کاهش می‌دهد. علاوه بر آن، باعث افزایش اعتماد به نفس ملی و غرور ملی مردم خواهد شد. استقلال اقتصادی و عدم وابستگی به بیگانگان از مسیر تولید می‌گذرد، بنابراین، تولید و نهادینه‌سازی فرهنگ تولید باید در اولویت جهاد اقتصادی قرار گیرد و عواملی که باعث وابستگی کشور می‌شود و تولید را کاهش می‌دهد، شناسایی و برطرف کرد (ساداتی، ۱۳۹۰).

۴. اصل صرفه‌جویی و مصرف بهینه

عده‌ای مصرف بهینه و صرفه‌جویی را به کم مصرف کردن معنا کرده‌اند، ولی این معنا نمی‌تواند اقتصادی باشد، زیرا هدف از تولید کالای اقتصادی مصرف آن است و مصرف کالا زمانی به‌وقوع می‌پیوندد که آدمی به آن نیاز داشته باشد و با مصرف آن نیازی از نیازهای وی برآورده شود. صرفه‌جویی و مصرف بهینه به معنای استفادهٔ درست و مناسب از کالاهای اقتصادی، بهره‌وری و آگاهی از نیازهای اقتصادی است. صرفه‌جویی و هدر ندادن منابع مانند آب و گاز و برق و ....، پیشگیری از اسراف، درست مصرف کردن و برنامه‌ریزی اقتصادی توسط خانواده‌ها مخصوصاً زنان، از اصولی است که می‌تواند به اندوخته‌ها و ذخایر ملی بیفزاید و توزیع منابع را تا حدودی عادلانه نماید. مادران ما به‌عنوان الگوهای عینی و عملی قناعت و

صرف‌جویی برای فرزندان خود می‌باشند. آنان وظیفه دارند که فرزندان خود را با این امر مهم که تا حدودی سبب عدم وابستگی کشور به بیگانگان می‌شود آشنا کنند (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۱).

۵. اصل نهادینه کردن روش‌های صرفه‌جویی

صرفه‌جویی ممکن است در برخی از حوزه‌ها یا بعضی از خانواده‌ها به صورت شخصی و فردی انجام گیرد، اما کشور ما نیازمند نهادینه شدن روش‌های درست مصرف کردن است. این وظیفهٔ مهم بر عهدهٔ رسانهٔ پرمخاطبی مثل صدا و سیما است، چرا که افراد مختلف جامعه به‌خصوص زنان خانه‌دار وکودکان بیشتر اوقات فراغت خود را به تماشای تلویزیون سپری می‌کنند.بنابراین، مسؤلین این رسانهٔ ملی باید با تولید برنامه‌های پرمحتوا این روش‌ها را به خانواده‌ها آموزش داده تا همهٔ اهرم‌ها و مکانیسم‌هایی که می‌تواند از هدر رفتن منابع خدادادی و تولیدی کشور جلوگیری کند به‌کار افتد و فرهنگ عمیق آن در نسل‌های آینده نیز نهادینه شود (عبدی، ۱۳۸۹).

۶. اصل ساده‌زیستی

زن از نظر لباس، تشریفات خانه، مهمانی‌ها، پذیرایی‌ها، هدیه‌بردن‌ها و غیره یک سلسله عواطف و احساسات خاص دارد. البته زن نباید به این مسائل یک‌طرفه نگاه کند و فقط به چشم و همچشمی‌ها و تجمل دوستی‌های خودش مشغول باشد. یکی از مؤلفه‌های رفتار جهادی زنان جامعه، بهره‌مندی از روحیهٔ ساده‌زیستی و پرهیز از رفتارتجمل‌گرایانه و تربیت فرزندان با این روحیه است که انصافاً لازمه و شرط حقیقی پایداری پیشرفت و توسعهٔ اقتصادی و عدم وابستگی اقتصادی کشور به بیگانگان است. لذا، یکی از نقش‌های رفتار جهادی زنان، اغفال نشدن در مقابل زرق و برق دنیا است (رزاقی، ۱۳۹۱).

۷. اصل عدم استفاده از تولیدات خارجی

گرچه در ابتدا با زور به مصرف خارجی وجوه فرهنگی مبتلا شدیم، ولی اکنون با خودی تلقی‌شدن آن بدون زور مصرف کنندهٔ آن‌ها هستیم. با وجود فرهنگ کهن ایرانی و تنوع بسیار از لحاظ پوشاک و کاملاً منطبق بودن آن با شرایط آب و هوایی به ذوق و هنر ایرانی، از زمان رضا شاه‌لباس غربی را به زور به تن کردیم، ولی اکنون لباس غربی به امری کاملاً عادی بدل شده و می‌رود تا در دورافتاده‌ترین نقاط کشور به دلیل ارزش تلقی شدن آن و ضد ارزش به‌شمار آوردن پوشاک ملی و محلی، رواج یابد امید است که با هوشیاری مادران عزیز در آگاهی دادن به فرزندان خود نسبت به مصرف تولیدات داخلی و کاهش مصرف کالاهای خارجی، گامی بلند در رونق فعالیت‌های اقتصادی کشور برداشته شود (قدیری، ۱۳۸۵).

نتیجه‌گیری و ارائهٔ پیشنهادات

با توجه به ابعاد وسیع وگستردهٔ پیام نوروزی مقام معظم رهبری و نامگذاری سال ۱۳۹۱ به نام سال سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی اگر بخواهیم نقش زنان را در این مورد بررسی کنیم و با توجه به نقش مهم زنان در خانواده‌ها از جمله وظیفهٔ تربیت فرزند و

همسرداری و مدیریت خانواده بخواهیم ارزیابی درستی از میزان اثرگذاری زنان در اقتصاد کشور را محاسبه کنیم، باید به آثار آموزشی و تربیتی مادران در شکل‌دهی رفتار مصرفی فرزندان توجه کنیم. چرا که رفتار مصرفی افراد جامعه در خانواده و تحت تأثیر رفتار مادران شکل می‌گیرد. بنابراین، با توجه به نقش مادران در اقتصاد کشور پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- ✓ تأسی زنان جامعه به حضرت زهرا (س) در تمامی زمینه‌ها خصوصاً در فعالیت‌های اقتصادی.
- ✓ سمت و سو دادن به فکر و اندیشهٔ افراد خانواده در مصرف بهینهٔ آب و برق و گاز و نان.
- ✓ تغییر در محتوای برنامه‌های تلویزیونی در راستای دگرگونی الگوی مصرف کنونی.
- ✓ دگرگونی در فرهنگ کنونی مصرفی در راستای ضدارزش تلقی شدن مصرف کالاها و خدمات خارجی توسط مادران و تبیین این مهم برای فرزندان و اعضای خانواده که گسترش فرهنگ مصرف‌زدگی و مصرف کالاهای خارجی زمینه‌ساز بیکاری جوانان و عواقب ناشی از آن و در نتیجه عقب‌ماندگی کشور می‌شود.
- ✓ تلاش برای نهادینه‌کردن فرهنگ تولید صنایع دستی توسط زنان با برگزاری کلاس آموزش خانواده در مدارس.
- ✓ ایجاد کارگاه های کوچک و بزرگ تولیدی جهت ایجاد شغل برای زنان سرپرست خانواده.
- ✓ پرهیز از از افکار مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی و چشم و هم‌چشمی‌های تجمل‌گرایانه توسط زنان جامعه.
- ✓ تجدید نظر در تربیت فرزندان و آشنا ساختن آنان از همان کودکی با مشکلات و سختی‌ها برحسب توان و رشد آنان از مشارکت در کارِ خانه تا خرید نیازهای روزمره و خانواده با هدف تقویت مسئولیت‌پذیری و اندازه‌خواهی به جای بیش‌خواهی و رفاه‌زدگی.

منابع

افقه،.س،م. (۱۳۷۴). اسلام و توسعه، ص۸۶.

اسحاقی، س، ح.، شکوفایی، ش(۱۳۸۹). ص۹۲-۹۱.

پژوهشکدهٔ فرهنگ و معارف، اسلام و توسعه. (۱۳۸۲). ص۷۸.

رزاقی، ا ، (۱۳۹۱). الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، صص ۸۱ـ۸۰.

سالم السفار، (۱۳۸۱). ترجمهٔ غلامحسین انصاری، سیرهٔ پیامبر در رهبری ص.۱۲۷.

ساداتی، ت، (۱۳۹۰). بررسی نهادینه‌سازی فرهنگ در تولید ملی و جلوگیری از فقر ملی. ص۸۵.

شیرازی، م، (۱۳۷۹). تفسیر نمونه ،جلد ۳،ص۳۴۰.

شهیدی،س،ج ، (۱۳۸۰). زندگانی فاطمه زهرا، ص ۸۴ .

شیرازی ،م، (۱۳۸۵).خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، ص۵۲و۵۳ .

عبدی، م، (۱۳۸۹). بررسی نقش رسانهٔ ملی در اصلاح الگوی مصرف جامعه. ص ۶۵.

قائمی،ع، (۱۳۷۵). در مکتب فاطمه (س)، ص۲۲۸.

قدیری، م ، (۱۳۸۵). بررسی اثرات استفاده از تولیدات داخلی و عدم استفاده از تولیدات خـارجی در رونق اقتصادی کشور. ص ۹.

کریمی، ح، (۱۳۸۴). نقش کار آفرینی در توسعهٔ کشور و بهبود اقتصادی، ص ۴۸.

نصرالهی،ا.، سلیمی یسار ،س، (۱۳۹۱). نگاهی به اصلاح الگوی مصرف،ص۸۴.

بررسی وضعیت رضایت زناشویی در زنان شاغل

محمد رضا تمنایی فر[۱]
فاطمه سلامی محمد آبادی[۲]
سمیه دشتبان زاده[۳]

چکیده

در جامعهٔ امروز، زنان نقش مهم و در حال گسترش در زمینهٔ کسب و کار دارند. گرچه فعالیت‌های اقتصادی زنان قدمتی به اندازهٔ عمر بشر دارد، اما اشتغال در مفهوم جدید آن محصول جهان صنعتی و جایگزین شدن کار در کارخانه‌ها و ادارات به جای فعالیت‌های کشاورزی و دامداری است. رشد روزافزون حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی ناشی از تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. اگرچه ممکن است نقش‌های متعدد زنان دشواری‌هایی در ایجاد هماهنگی بین نقش‌های خانگی و شغلی ایجاد کند، اما می‌توان به منافع بالقوهٔ نقش‌های متعدد توجه نمود. از جمله، افزایش رضایت روانی زنان در سطح فردی. پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسهٔ وضعیت رضایت زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل انجام شده است. جامعهٔ آماری پژوهش شامل کلیهٔ زنان شاغل در سازمان‌های ادرای (آب – برق- گاز - مخابرات و بانک‌ها) و زنان غیرشاغل در شهرستان کاشان می‌باشد. نمونهٔ پژوهش شامل ۸۰ زن شاغل و ۸۰ زن غیرشاغل در شهرستان کاشان می‌باشند که به‌صورت تصادفی انتخاب گردیدند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که زنان شاغل نسبت به زنان غیرشاغل رضایت زناشویی بالاتری دارند.

واژگان کلیدی: رضایت زناشویی، زنان شاغل، زنان غیرشاغل.

۱. استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه کاشان، نویسندهٔ مسئول. Email:tamannai@kashanu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه کاشان، Email:fatemesalami69@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه کاشان، Email:dashtban62@yahoo.com

مقدمه

یکی از تغییرات مهمی که از زمان جنگ جهانی تا به حال در کشورهای مختلف ایجاد شده افزایش سریع تعداد زنانی است که شاغل هستند(اسمیت،۱۹۹۴). تغییر نقش‌های سنتی زنان و تقاضای روزافزون آنان برای مشارکت در عرصه‌های مختلف، امروز به واقعیت انکارناپذیر جامعهٔ ایران تبدیل شده است. این وضعیت حاصل دگرگونی در نظام ارزش‌ها، رشد اندیشهٔ مردم‌سالاری، گسترش آگاهی‌های عمومی، رشد مطالبات مدنی، ارتقای تحصیلات تخصصی زنان و همچنین تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های اخیر است. در این زمینه می‌توان به افزایش نسبی سهم زنان شاغل اشاره کرد. شمار زنان شاغل طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ نزدیک به سه برابر شده است. همچنین، نسبت زنان شاغل به کل جمعیت شاغل کشور از ۸/۹ درصد به ۱۳/۶ درصد رسیده است (جواهری،۱۳۸۹).

امروزه مشارکت روزافزون زنان در بیرون از خانه باعث تقویت حس اعتماد به نفس و استقلال قدرت تصمیم‌گیری، برخورد مناسب با رویدادها و حوادث زندگی و اثر مطلوب بر روابط خانوادگی شده است. در واقع، زن با کار و فعالیت اجتماعی قدرت خلاقیت، کارآیی و استقلال بیشتری می‌یابد، چرا که در ازاء دریافت وجه حاصل بهتر می‌تواند در برابر مشکلات خانه و محیط کار تصمیم‌گیری و مداخله نماید (نیک صالحی،۲۰۰۵).

اشتغال زنان باعث افزایش شناخت نسبت به خود که یکی از پایه‌های عمدهٔ سلامت روان است می‌شود و منابع گوناگونی برای احساس رضایت در خود و دریافت پاداش را ایجاد می‌کند. لذا، زنان شاغل امکان انجام فعالیت‌های مقبول و ارزشمند اجتماعی را به سبب افزایش عزت نفس پیدا می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد زنانی که از کارکردن خود احساس رضایت می‌کنند در انجام وظایف مادری خود دارای سعهٔ صدر و صبوری بیشتری هستند. زیرا زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار کمتر عصبانی شده و به دلیل وجود ارتباطات عاطفی و انسانی در محیط کار در صورت بروز مشکل در خانه سریع‌تر به آرامش می‌رسند (وزیرنژاد،۱۳۸۶).

شواهد نشان می‌دهد که اشتغال مادر در مادر و کودک به‌خصوص در دختران تأثیرات مثبت می‌گذارد. مادران شاغل در مقایسه با مادران غیرشاغل از نقش خود به‌عنوان مادر رضایت بیشتری دارند و به‌طور متوسط به اندازهٔ مادران غیرشاغل به فرزندانشان محبت و توجه نشان می‌دهند. تأثیرات اشتغال مادر در سازگاری اجتماعی و شخصیتی دخترها بهتر از پسرها می‌باشد. هر چند که بعضی از مطالعات حاکی از آن است که در صورت اشتغال مادر مهارت‌های شناختی و تحصیلی پسرها ضعیف می‌شود، این تفاوت‌ها معمولاً ناچیز و ناپایدار است (ماسن،۱۳۸۲).

زنان شاغل سرحال‌تر، سالمتر و دلپذیرتر از زنان خانه‌دار هستند. چرا که مطالعات نشان می‌دهد زنانی که وظایف همسری و مادری و شغلی را با هم در می‌آمیزند از بیشترین شادی، عزت نفس و رضایت از زندگی برخوردارند. مطالعات آشکار می‌سازد که زنان صرفاً خانه‌دار نسبت به زنان شامل تقریباً به تشویش و اضطراب بیشتری دچارند و احساس ناراحتی و ناخوشایندی دارند. در زندگی زنان شاغل ساعات کم‌تحرکی ناشی از بیماری کمتر وجود

دارد، پس اوقات کمتری را در بستر بیماری سپری می‌کنند و با مشکلات مزمن کمتری مواجهند و معمولاً احساس سلامت بیشتری دارند. زنان شاغل در روابط عاطفی نیز با همسر خود موفق‌ترند. آنها معتقدند هیچ‌چیز آنها را بیشتر از مهر ورزی و عشق نسبت به همسر و فرزندان خوشحال و راضی نمی‌کند (وزیرنژاد،۱۳۸۶). با وجود گسترش نسبی اشتغال زنان، هنوز هم کار خارج از خانهٔ زنان موضوعی مناقشه برانگیز است. تجربیات شخصی و یافته‌های پژوهشی بر این واقعیت دلالت دارند که شاغل بودن زنان مانند هر پدیده‌ای در بردارندهٔ مجموعه‌ای از فرصت و محدودیت‌های مختلف است. یکی از تأثیرات اشتغال زنان در کارکرد خانواده، رضایت زناشویی[1] زنان شاغل می‌باشد. رضایت زناشویی و کیفیت زندگی زنان شاغل از مواردی است که به‌طور خاص به حیات آنان مربوط می‌شود.

رضایت زناشویی عبارت است از وجود یک رابطهٔ دوستانهٔ همراه با حس تفاهم و درک یکدیگر و وجود یک تعادل منطقی بین نیازهای مادی و معنوی زوجین (کجباف،۱۳۸۳).

عواملی مختلفی بر پایداری ازدواج و استحکام خانواده مؤثرند. زمانی که زن شوهر از زندگی زناشویی خود رضایت داشته باشند، خانواده از استحکام خوبی برخوردار می‌شود و آنها می‌توانند با مسائل و مشکلات به‌درستی برخورد کنند و از آسیب‌ها در امان بمانند (موسوی، ۱۳۸۳). برخی بررسی‌های انجام‌شده رضایت از ازدواج را در زنان شاغل کمتر از مردان گزارش می‌کنند (فاورز،۱۹۹۱) و این امر می‌تواند زنان متأهل را بیش از زنان مجرد آمادهٔ ابتلا به پریشانی‌های روان‌شناختی کند (شک،۱۹۹۴) بنابراین، رضایت زناشویی مردان متأهل بیشتر از زنان متأهل می‌باشد. در توضیح این مطلب می‌توان بیان کرد با توجه به اینکه در دنیای امروز چشم‌داشت‌های زنان از جامعه و نقش آنها به‌ویژه در خانواده تغییر یافته است و زنان نسبت به دهه‌های پیشین به نقش خودشان در خانواده و جامعه آگاه‌تر شده‌اند؛ از این رو، هنگامی که از سوی شریک زندگی‌اش درک نمی‌شود و خواسته‌هایش برآورده نمی‌شود، دچار برخی مشکلات در ارتباط با همسر می‌شود (رجبی،۱۳۸۸).

با توجه به اینکه همسران شاغل نسبت به همسران غیرشاغل شوهرشان را بهتر حمایت می‌کنند (وزیرنژاد، ۱۳۸۶) و از نظر اقتصادی وضعیت بهتری دارند و اضطراب کمتری را در مسائل مادی تجربه می‌کنند، اما در زندگی آنها انواعی از تعارضات خانوادگی و کاری وجود دارد که تنیده‌گی‌های شغلی، فشار کاری زیاد، تعارض نقش، مشکلات مربوط به مراقبت از کودک و مسایل مربوط به تعادل شغل، خانواده و نیازهای شخصی از جملهٔ آن‌ها است (اسنیدر، ۱۹۹۷).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ناسازگاری نقش‌ها، به‌ویژه در زمینهٔ کار و خانواده، پی‌آمدهایی ناگوار برای زن و شوهر خواهد داشت که از آن میان می‌توان در سطح فردی به افسردگی، ضعف سلامتی، اضطراب و نارضایتی و در سطح پیوندهای اجتماعی به افزایش ناسازگاری بین شخصی و طلاق، و درسطح سازمانی به غیبت‌گرایی، تأخیر و کم‌کاری اشاره کرد (هامر،۲۰۰۳).

1. marital satisfaction

مروری بر متون موجود نشان می‌دهد که نظریهٔ ویژه و مستقلی در مورد تأثیر اشتغال زنان بر رضایت زناشویی آنان وجود ندارد و برخی از یافته‌های پژوهشی متناقض می‌باشند.

انجام مطالعه‌ای پیرامون ارتباط بین اشتغال و افسردگی در زنان آمریکائی نشان داد که زنان شاغل کمتر از زنان غیرشاغل افسرده می‌شوند و زنان شاغل نمرات بالاتری در رضایت زندگی دارند (وزیرنژاد، ۱۳۸۶) نظری و سلیمانیان (۱۳۸۶) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی و مقایسهٔ رضایت زناشویی زوج‌های هر دو شاغل و یکی شاغل» به این نتیجه رسیدند که زوج‌های یکی شاغل از رضایت کمتری نسبت به زوج‌های هر دو شاغل برخوردار هستند. در واقع زوج‌هایی که زن و شوهر هر دو شاغلند، رضایت زناشویی بالاتری دارند.

یافته‌های یک تحقیق در ارتباط با ۷۱۰ زن شاغل نشان می‌دهد، افرادی که از میزان متنوع بودن کار، جالب بودن و کنترل بر جریان کار خود بیشتر راضی بودند، دارای سطحی مطلوب‌تر از سلامت بوده‌اند. همچنین، کار خارج از خانه تأثیر مخربی بر رضایت و کیفیت زندگی زنان شاغل نداشته است (احمدنیا،۱۳۸۳).

نتایج حاصل از پژوهشی در شهر تهران نشان داد که قدرت مردان در خانواده‌های زنان شاغل رو به کاهش است و در بیشتر خانواده‌های زنان شاغل، الگوی تشریک مساعی در امور تصمیم‌گیری وجود دارد. خانواده‌های زنان شاغل از ساخت دموکراتیک بالاتری برخوردار هستند (سروش،۱۳۷۷).

پژوهش مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران (۱۳۸۵) نشان داد که شاغل بودن زنان می‌تواند به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر کم شدن رضایت زناشویی باشد. با توجه به برنامه‌های تنظیم خانواده، سطح بالاتر تحصیلات، افزایش مخارج زندگی و تغییر در نگرش عمومی دربارهٔ کار زن، میزان مشارکت و اشتغال زنان در سال‌های اخیر افزایش یافته است (علاءالدینی، ۱۳۸۳). وجود نتایج متناقض در مطالعات، در کنار اهمیت موضوع رضایت زناشویی زنان شاغل و اثرات آن بر خانواده و جامعه، لزوم انجام پژوهش‌های بیشتر را تأیید می‌نماید. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر، بررسی وضعیت زنان شاغل و غیرشاغل از نظر میزان رضایت زناشویی بوده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع علی- مقایسه‌ای است. جامعهٔ مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیهٔ زنان شاغل در سازمان‌های اداری و زنان غیرشاغل شهرستان کاشان بوده است. نمونهٔ پژوهش شامل ۸۰ نفر از زنان شاغل و ۸۰ نفر از زنان غیرشاغل بوده‌اند که به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه رضایت زناشویی اینریچ[1] (ENRICH) استفاده گردید. پرسش‌نامهٔ اینریچ توسط اولسون، فورینر، جوئن و درانکمن[2] در سال ۱۹۸۹ در آمریکا با هدف ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوهٔ مشکل‌زا و شناسایی زمینه‌های قوت و پرباری روابط زناشویی ساخته شده است (ثنایی،۱۳۷۹).

1. Enriching and Nurturing Relationship Issus communication Happiness Enrich.
2. olson,Fiurnier ,Joan& Dranckman

اولسن ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌نامهٔ اینریچ را در خرده‌مقیاس‌های آن ۰/۴۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است. عبداله‌زاده (۱۳۸۲) در تحقیق خود آلفای کرونباخ پرسش‌نامه را ۰/۹۳ گزارش کرده است. شریف‌نیا (۱۳۸۱) همبستگی پرسش‌نامهٔ رضایت زناشویی را با پرسش‌نامهٔ سازگاری زوجی[1] (FAD) ۰/۹۲ به‌دست آورده است.

نتایج

جدول ۱. نتایج آزمون تفاوت میانگین‌های دو گروه زنان شاغل و غیرشاغل در متغیر رضایت‌زناشویی

شاخص آماری / نمونه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	درجهٔ آزادی	سطح‌معناداری
شاغل	۸۰	۵۴/۴۱	۴/۴۹	۳	۱۵۸	۰/۰۰۳
غیر شاغل	۸۰	۵۱/۹۰	۵/۳۱			

با توجه به نتایج به‌دست آمده، ملاحظه م کنید که میانگین و انحراف معیار نمرات رضایت زناشویی در زنان شاغل به ترتیب ۵۴/۴۱ و ۴/۴۹ و میانگین و انحراف معیار نمرات رضایت زناشویی در زنان غیرشاغل به ترتیب ۵۱/۹۰ و ۵/۳۱ می‌باشد. همچنین، نتایج تحقیق نشان داد که بین رضایت زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل تفاوت معنی‌داری وجود دارد و رضایت زناشویی زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل است (T =۳و sig=۰/۰۰۳)

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت رضایت زناشویی زنان شاغل صورت گرفت. مقایسهٔ رضایت زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل نشان داد بین رضایت زناشویی زنان شاغل و غیرشاغل تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، رضایت زناشویی زنان شاغل به‌طور معنی‌داری بیشتر از زنان غیرشاغل می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های نظری و سلیمانیان که دریافت زوج‌هایی که زن و شوهر شاغلند نسبت به زوج‌هایی که یکی شاغلند، رضایت زناشویی بالاتری دارند، همخوانی دارد.

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های وزیری‌نژاد و احمدنیا همخوانی دارد. نتایج این پژوهش‌ها نشان داده که رضایت زناشویی زنان شاغل بالاتر از زنان غیرشاغل است و کار خارج از خانه نه تنها تأثیر مخربی بر رضایت و کیفیت زندگی زنان شاغل ندارد بلکه با افزایش رضایت زناشویی همراه است. در توضیح و تبیین این مطلب که رضایت زناشویی زنان شاغل بالاتر است، می‌توان گفت که شاغل بودن در یک محیط اجتماعی به‌طور طبیعی زمینهٔ همکاری میان اعضای آن مجموعه را فراهم می‌سازد. اگر این تعامل بر اساس هنجارهای مشترک و حس اعتماد متقابل شکل بگیرد، یک نوع سرمایهٔ اجتماعی پدید می‌آید. از این‌رو، اشتغال با فراهم آوردن سرمایه‌ای اجتماعی بر کیفیت و رضایت زناشویی افراد تأثیر مثبت دارد.

1. Family Adjustment Dyadic.

همچنین زنان شاغل از طریق افزایش سطح درآمد خانواده می‌توانند فقر معیشتی زنان را تقلیل دهند و از این‌رو، در تأمین سلامت روانی که بخشی از کیفیت و رضایت زناشویی آنان است، نقشی مؤثر دارد. از سوی دیگر، بررسی‌های لوئیس و کوزر[1] نشان می‌دهد که نقش مادری با کار بیرون از خانه ناسازگار نیست و بخش بزرگی از زنان شاغل خواستار آن هستند که هر دو نقش خود را با هم انجام دهند و حتی اگر حق گزینش داشته باشند، حاضر نیستند تنها یک نقش را برگزینند.

از آن‌جایی که رضایت زناشویی یکی از ابعاد مهم زندگی زنان شاغل می‌باشد، می‌توان گفت که شرایط مناسب کار، تأثیر مستقیم بر افزایش رضایت زناشویی زنان شاغل دارد. آنها در پژوهش خود دریافتند که زنان شاغل هم از زندگی نارضایتی دارند و شاغل بودن زنان به عنوان عاملی تأثیرگذار بر کم شدن رضایت زناشویی می‌باشد. در توضیح این مطلب هامر (۲۰۰۳) می‌گوید ناسازگاری نقش‌ها به‌ویژه در زمینهٔ کار و خانواده پیامدهای ناگوار برای زن و شوهر دارد که از آن میان ناسازگاری‌های بین شخصی و طلاق از جملهٔ این امور می‌باشد.

یافتهٔ حاصل از این پژوهش نشان داد که زنان شاغل رضایت زناشویی بالاتری نسبت به زنان خانه‌دار دارند. اما با توجه به اینکه در زندگی زنان شاغل انواعی از تعارضات خانوادگی و کاری وجود دارد، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های دولتی برای زنان از روش‌های مشاوره یا کارگاه‌هایی که موجب ارتقای رضایت زناشویی زوجین شاغل می‌شود، بهره بگیرند. که از این میان می‌توان به رویکرد درمان کوتاه‌مدت راه‌حل‌محور که از رویکردهای مهم در عرصهٔ خانواده‌درمانی است، بهره بجویند. اثربخشی دیدگاه راه‌حل‌محور بر رضایت زناشویی و ابعاد مختلف آن در تحقیقات تأیید شده است.

اگرچه ممکن است نقش‌های متعدد زنان دشواری‌هایی در ایجاد هماهنگی بین نقش‌های سنتی (مسئولیت‌های خانوادگی) و نقش‌های جدید (فعالیت‌های خارج از خانه) ایجاد کند و هرچند اضافه شدن نقش و ترکیب نقش‌ها تأثیر منفی بر یکدیگر می‌گذارد، اما می‌توان به منافع بالقوهٔ نقش‌های متعدد توجه نمود. از جمله اینکه پاداش‌ها و امتیازات حاصله باعث افزایش رضایت روانی زنان (درسطح فردی) و باعث افزایش و تقویت ثبات اجتماعی (در سطح نظام اجتماعی) می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد اشتغال زنان تنها هنگامی بتواند نقش مثبت و سازنده داشته باشد که زنان، بتوانند به خوبی با تنش‌ها و تعارض‌های ناشی از آن کنار آمده و از مزیت‌های چنین اشتغالی در جهت رشد شخصی و توسعهٔ اجتماعی کشور بهره‌برداری نمایند. بدون شک، چنین ایده‌آلی بدون ایفای نقش فعال و مؤثر هم از جانب زنان و هم از سوی نهادهای سیاستگذار، و همکاری و حمایت همسران امکان‌پذیر نخواهد بود.

منابع

جواهری ف، سراج زاده ح، رحمانی ر. ۱۳۸۹. تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان. پژوهش زنان، دورهٔ ۸، شمارهٔ ۲: ۱۶۲-۱۴۳.

نیک صالحی. ۲۰۰۵. اشتغال چه تأثیری بر عملکرد زن و روحیات او دارد؟ www.google.com

1. lewis ,J & Coser,R

وزیر نژاد الف. ۱۳۸۶. بررسی مقایسه‌ای زنان شاغل و غیرشاغل از نظر میزان عزت نفس، رضایت زناشویی و احساس خودکارآمدی. پایان‌نامهٔ کارشناسی، دانشگاه کاشان.
هری ماسن پ، کیگان ج ، هوستون آ، وی کانجرج . ۱۳۸۲. رشد و شخصیت کودک. ترجمهٔ مهشید یاسایی. وابسته به نشر مرکز: تهران.
کجباف م، آقایی ا، کاویانی ر. ۱۳۸۳. بررسی رابطه بین میزان رضایت زناشویی والدین و بروز اختلالات رفتاری دختران. فصل‌نامهٔ مطالعات زنان، شمارهٔ ۴: ۱۴۸-۱۲۳.
موسوی الف. ۱۳۸۳. بررسی میزان رضایت زنان تحصیل‌کرده از زندگی زناشویی. طرح تحقیقاتی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی ریاست جمهوری.
رجبی غ، ۱۳۸۸. ساختار عاملی مقیاس رضایت زناشویی در کارکنان متأهل دانشگاه شهید چمران. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال پانزدهم، شمارهٔ ۴: ۳۵۸-۳۵۱.
نظری ع، سلیمانیان ع. ۱۳۸۶. بررسی و مقایسهٔ رضایت زناشویی زوج‌های هر دو شاغل و یکی شاغل. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره. دورهٔ ششم، شمارهٔ ۲۴: ۱۰۳- ۱۲۲.
احمدنیا ش. ۱۳۸۳. اثرات اشتغال بر سلامت روان. فصل‌نامهٔ رفاه اجتماعی. سال سوم، شمارهٔ ۱۲: ۱۸۰-۱۵۸.
سروش س. ۱۳۷۷. بررسی جامعه‌شناسی تغییر قدرت در خانواده. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا(س)، تهران.
مهرابی‌زاده هنرمند م، علی اکبری دهکردی م ، نجاریان ب ، شکرکن ج، شهنی ییلاق م. ۱۳۸۵. شناسایی و مقایسهٔ گروه‌های ترکیبی نه‌گانهٔ سنخ‌های جنسیتی زنان شاغل شهر اهواز و همسران آنان از لحاظ سلامت روانی، رضایت زناشویی و هوش هیجانی. مجلهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی اهواز، سال سیزدهم، شمارهٔ ۳: ۸۰ – ۳۵.
علاء الدینی پ، رضوی م . ۱۳۸۳. وضعیت مشارکت و اشتغال زنان در ایران. فصل‌نامهٔ رفاه اجتماعی. سال سوم، شمارهٔ ۱۲: ۱۵۷-۱۳۲.
ثنایی ب. ۱۳۷۹. مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، انتشارات رشد: تهران.
عطاری ی، امان الهی فرد ع، مهرابی‌زاده هنرمند م. ۱۳۸۵. بررسی رابطهٔ ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی – خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز. مجلهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی اهواز، سال سیزدهم، شمارهٔ ۱: ۱۰۸-۸۱.
اعرازی ش. ۱۳۸۰. جامعه‌شناسی خانواده؛ با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. انتشارات روشن‌گران و مطالعات زنان: تهران.
نظری ع، گلی م. ۱۳۸۶. تأثیر روان‌درمانی راه‌حل‌محور بر رضایت زناشویی در زوج‌های هر دو شاغل. مجلهٔ دانش و تندرستی. دورهٔ دوم، شمارهٔ ۱: ۴۰-۳۶.
تمنائی فر م، صدوقی م. ۱۳۸۹. اشتغال زنان در بستر توسعهٔ اجتماعی: خواسته‌ها، ناخواسته‌ها. مجموعه مقالات همایش ملی توسعهٔ اجتماعی، دانشگاه کاشان: ۱۵۸-۱۵۱.

Smith RE.1994. the subtle revolution: women at work. DC. urban institute.

Fowers BJ.1991. His and here marriage: A multivariate study of gender and marital satisfaction. Sex Roles,24:209-221.

Shek DTl.1994. Marital quality and psychological well-being of marriage adults in Chinese context. The Journal of Genetic psychology,156: 45-56.

Shaevitz M. 1980. Making it together as a two –career couple. Boston: Houghton Mifflin.

Snyder DK. 1997. Manual for the Marital satisfaction inventory revised (MSIR). Western: psychological services.

Hammer L, Thompson C.2003. work-family Role conflict. In work-family Encyclopedia. Retrieved from http:// wfnet work. bc.edu/encyclopedia-entry. php? id=264.

Thomas S, Albert K, white p.1984. Determinants of marital quality in dual-career couples. Family Relations: 513-521.

Zimmerman TS, Jacobsen RB, Macintyre M, waston c.1996. solution-focused parenting groups: An Empirical study. Journal of systemic therapies, 4: 12-25.

Zimmerman TS, prest LA, Wetzel BE, 1997. solution-focused parenting groups: An Empirical study. Journal of systemic therapies, 19:125-144.

بررسی موانع اشتغال زنان درسطوح مدیریتی آموزش و پرورش ازدیدگاه کارمندان زن آموزش و پرورش ناحیهٔ (۲) کرمان

مرجان ابراهیمی[۱]
لیلا اسفندیاری[۲]

چکیده

زنان که نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، به عنوان پرورش‌دهندگان نسل امروز و فردا نقش مهم و کلیدی در توسعهٔ همه‌جانبه و پایدار اسلامی دارند. از این‌رو، باید به تربیت و تعالی آنان توجه خاص شود. میزان حضور و مشارکت آنان، در آموزش و پرورش که یکی از بهترین مراکز پیشرفت اشاعهٔ آموزش است، می‌تواند نشانه‌ای از توسعهٔ کشور محسوب شود. از آن‌جا که مهم‌ترین نمود مشارکت فعال زنان، سطوح مدیریتی هر نهادی است، این تحقیق به بررسی موانع پذیرش مشارکت فعال زنان در سطوح مدیریتی آموزش و پرورش می‌پردازند. اهداف ویژهٔ تحقیق، بررسی موانع روانی، سازمانی، خانوادگی و فرهنگی - اجتماعی مؤثر در پذیرش مشارکت فعال زنان در سطوح مدیریتی آموزش و پرورش است. روش تحقیق، توصیفی از نوع زمینه‌یابی است، جامعهٔ آماری آن کلیهٔ کارمندان زن حاضر در آموزش و پرورش ناحیهٔ ۲ کرمان می‌باشد و نمونهٔ آماری شامل ۲۱۱ نفر می‌باشد که به‌صورت تصادفی طبقه‌ای، انتخاب شده‌اند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته و جهت دسترسی به پیشینه‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاه شده است، در این تحقیق، ۴ سؤال اصلی یا ویژه، ۱۰ سؤال فرعی و ۳۵ سؤال پرسش‌نامه مطرح شد. سؤالات پرسش‌نامه براساس مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت ساخته شده است و برای تجزیه و تحلیل سؤالات آمار توصیفی بهره گرفته شده است. با توجه به یافته‌های تحقیق به این نتیجه می‌رسیم که در آموزش و پرورش کرمان موانع به ترتیب سازمانی، خانوادگی و فرهنگی – اجتماعی است. به عبارتی، موانع سازمانی بیشتر از دیگر موانع، مانع پذیرش مشارکت فعال زنان محسوب می‌شود.

در ادامهٔ تحقیق راهکارهایی در چهار دسته:

۱. ایجاد تحول فکری درنظام آموزش و پرورش.
۲. ایجاد تحول فکری در زنان
۳. توجه به نقش‌های جدید نظام‌های آموزشی
۴. تلاش جهت تقویت رسانه‌ها وخانواده برای تبلیغ ارزش زن در اجتماع مطرح می‌گردد.

بر اساس نتایج حاصله، بهبود وضعیت مشارکت فعال زنان در تمام جوامع، محتاج اراده و عزم راسخ کامل جامعهٔ بشری می‌باشد و تلاش سترگ همهٔ فرهنگ‌ها و جوامع را می‌طلبد. وظیفه دولت‌ها این است که تبعیض، تحقیر و عقب‌ماندگی در زنان را با تدوین مدون و منظم، و استفادهٔ صحیح از رسانه‌های عمومی از بین ببرند.

واژگان کلیدی: زنان – موانع روانی، موانع سازمانی، موانع خانوادگی، موانع فرهنگی– اجتماعی.

---

۱. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، مدرس دانشگاه فرهنگیان (پردیس شهید باهنر)،
Email:m.ebrahimi4457@yahoo.com
۲. کارشناس آموزش ابتدایی، دبیر آموزش و پرورش ناحیه (۲)، Email:Tk201264@gmail.com

مقدمه

دیرزمانی است که تیغ تهاجم فرهنگی رگ انسانیت زن را می‌برد و از طرفی حصار پولادین تحجر و تنگ‌نظری شخصیت والا و استعدادهای توانای زن را در زندان مخوف ترس وی اعتمادی محبوس می‌کند. در اعصار گذشته و قرون متمادی، که جاهلیت و بر بریت سراسر جهان را در کام تلخ جهل و ظلمت فرو برده وزن در جامعهٔ بشریت ارزش و موجودیتی نداشت، زنان و دختران را در ردیف بهائم و حیوانات بارکش قرار داده و گاهی نیز آنان را خرید و فروش می‌نمودند.

اسلام، اولین مکتبی است که زن را به عنوان مسئلهٔ مهم زندگی و متمم حیات انسانی در مسائل اجتماعی، اخلاقی و قانونی خود جاداده است. در دین مقدس هیچ برتری به هیچ کدام از دو گونه آفرینش یعنی زن و مرد اعطا نگردیده است.

امروزه در محافل مدیریتی و مراکز علمی جهان، روی ویژگی‌های مدیر به‌عنوان عضوی مؤثر در سازمان‌ها تأکید می‌شود و هرگز در این تأکید، جداسازی بین زن و مرد صورت نمی‌پذیرد. مطالعهٔ ماهیت انسان‌ها هیچ ارتباطی با جنسیت آن‌ها ندارد. درک ماهیت انسان بر پایهٔ سازندگی، اجتماعی بودن، فعالیت‌های فکری و فیزیکی هرگز با جداکردن زن و مرد در مشاغل مدیریتی و رهبری به جایی نرسیده است و باورهای نادرست بر مبنای جنسیت در سنجش قدرت مدیریت انسان‌ها، گمراه کننده است. (بیان ،۱۳۷۷) توجه به موقعیت زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا زنان بخش عظیمی از چرخ‌های تولیدی و خدماتی هر جامعه را به گردش در می‌آورند. معمولاً زنان علی‌رغم موقعیت نامناسب اجتماعی، نقش قابل توجهی در جامعه ایفا می‌کنند، گرچه رشد شاخص‌های مربوط به توسعهٔ مشارکت زنان دههٔ اخیر بسیار قابل توجه است، لکن در مقایسه با توانمندی‌های زنان هم‌چنان فاصلهٔ قابل توجهی وجود دارد، زیرا حضور آن‌ها در بخش وسیعی از فعالیت‌های جامعه از جمله، مدیریت، تصمیم‌گیری با تنگناهایی همراه بوده است.

معضلی که طی سال‌های گذشته در ایران همواره مطرح بود. عدم حضور مؤثر زنان، علی‌الخصوص در پست‌های کلیدی در عرصه‌های مدیریتی است، یعنی قاعدهٔ کلی که در هر جای دنیا کم و بیش وجود دارد «آن‌جا که قدرت هست زنان نیستند.» (حقیقت جو، ۱۳۸۰) در جامعهٔ ما به علت فقدان نگرش جامع و نگاه جنسیتی به زنان به ویژه در زمینهٔ مشاغل، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری موانع و مشکلات ساختاری وجود دارد که باید آن‌ها را به‌خوبی شناخت و با اقدامات مثبت به مقابلهٔ آن‌ها پرداخت. در نظام اداری ما، زنان بیشتر ارائه‌کنندهٔ خدمات هستند و نه تصمیم‌گیرندگان یا تصمیم‌سازان.

زن در طول تاریخ مظلوم بوده، و با تحقیر و موجودی مسخ‌شده به او می‌نگریستند. جوامع عقب‌مانده در زمان جاهلیت ارزش و مقام زن را نادیده گرفته و حقوق مسلم وی را پایمال می‌کردند.

«آمار نشان می‌دهد که، با وجود دارا بودن تحصیلات علمی، زنان در پست‌های بالای اداری کمتر حضور دارند. از کل زنان تحصیل‌کردهٔ شاغل فقط ۳۰ درصد به پست‌های بالای اداری رسیده‌اند که از این تعداد ۰,۰۰۰۳ درصد زنان جامعه دارای پست‌های کلان مدیریتی هستند. حدود ۸۵ درصد از زنان مورد تحقیق، هرگز از جانب دانشگاه خود، برای فرصت

مطالعاتی و یا دروهٔ آموزشی به خارج از کشور اعزام نشده و بورس تحصیلی دریافت نداشته‌اند و نزدیک به ۹۰ درصد از آنان هرگز به عنوان نمایندهٔ رسمی دانشگاه خود به مرکزی معرفی نشده‌اند. بیش از ۷۰ درصد زنان در طول خدمت خود هرگز در پست‌های اجرایی اشتغال نداشته‌اند.» (مرکز امور مشارکت زنان،۱۳۸۲)

صرف‌نظر از عواملی چون فرهنگ بازدارندهٔ اجتماعی، کمبود میزان و فرصت برای شکوفایی، تجربه و مهارت شغلی مدیریتی، احتمالاً عوامل دیگری در بروز پدیدهٔ عدم مشارکت فعال زنان در سطوح مدیریتی نقش دارند و گره‌های ناگشوده در خصوص مسائل زنان که از مسائل کلان، ملی و استراتژیک و فرهنگی است، وجود دارد. بر اساس آمارنامهٔ نیروی انسانی سازمان آموزش و پرورش استان کرمان (سال ۱۳۸۷) بیش از ۹۳ درصد از پست‌های مدیریتی و ستادی این سازمان در اختیار مردان است. بنابراین، با توجه به مطالب فوق مسئلهٔ پژوهش این است که چرا زنان شاغل در آموزش و پرورش ناحیهٔ ۲ کرمان که بر اساس همان اطلاعات ۶۷ درصد کارکنان را تشکیل می‌دهند، مسئولیت‌های مدیریتی و ستادی را نمی‌پذیرند؟ چرا به‌طور حقیقی از توانایی‌های بالغ بر نیمی از جمعیت بهره گرفته نمی‌شود؟ چرا استعدادهای بالقوهٔ زنان شکوفا نمی‌شود؟ چرا مدیریت سطوح بالا بیشتر به مردان سپرده می‌شود؟ و چه دلایلی برای حضور کم زنان در بخش‌های فعال مدیریتی وزارت آموزش و پرورش (با توجه به جامعهٔ مورد مطالعهٔ شهر کرمان) وجود دارد؟ از بین عوامل روانی، خانوادگی، سازمانی و فرهنگی، اجتماعی کدام‌یک بیشتر مانع این حضور می‌شود؟ امروزه جامعهٔ زنان نیاز به حریمی دارد که آن زنان با حفظ شخصیت و ارزش وجودی خویش بتوانند به‌طور فعال وارد صحنه‌های اجتماعی شوند. پس لازم است که مطالعاتی در مورد آفرینش و خصوصیات منحصر به فرد زنان بیشتر صورت گیرد، تا حریم جامعهٔ زنان حفظ گردد.

با توجه به شرایط و ویژگی‌های فرهنگی – اجتماعی، عقیدتی و سیاسی کشور با عنایت به تحولات اخیر جامعه و ضرورت همسان‌سازی جامعه با تحولات جهانی بر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، اصلاح نگرش‌های سنتی و غلط‌جامعه بر امور زنان، انجام برنامه‌ریزی‌های دقیق و فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای حضور مؤثر زنان در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و با توجه به تفاوت‌های فیزیولوژیکی نقش به‌سزایی به‌رغم تمامی تلاش‌ها، اقدامات، ابتکارت و تدابیر و حرکات‌های مقطعی و برنامه‌های بلندمدت و .... زنان دنیا در موقعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، در ناحیه فرودست‌تری نسبت به مردان به سر می‌برند و وضعیت موجود آن‌ها حکایت از آن دارد که تا زمانی که ریشهٔ مشکلات زنان به‌طور اساسی خشکانیده نشود و به جای پرداختن به معلول، با علت‌العلال عقب‌ماندگی زنان مبارزه نشود، نباید انتظار داشت که در عمل وضعیت زنان بهبود یابد. (مرکز امور مشارکت زنان،۱۳۸۲) جامعهٔ سنتی مردسالار، زنان را سرکوب و کنترل کرده و این امر باعث از دست رفتن عزت نفس و احترام زنان نسبت به خودشان شده است، الگوهای فرهنگی منفی بسیار قوی باعث شده‌اند که زنان به صرف زن بودن، انرژی حیاتی، شهودی، عقلانی زنانهٔ خود را که لازمهٔ رسیدن به یک هدف موفق است، از دست بدهند. (فیلد، ترجمهٔ گنجی،۱۳۸۳) نگاهی به وضعیت موجود زنان در جامعهٔ ایران، ما را به این

حقیقت رهنمون می‌سازد، که هر چند گام‌های بلندی در جهت رساندن زنان به حقوق اسلامی پیموده شده است، اما تا رسیدن به وضع مطلوب، راه‌های نرفتهٔ بسیاری نیز پیش‌رو وجود دارد. وضعیتی که در آن "انسان بودن " و«زن بودن» فدای یکدیگر نشود و حق زن به‌عنوان یک انسان مورد شناسایی قرار گیرد. با توجه به نقش کلیدی زنان در زندگی و فعالیت‌های اجتماعی و اثرات ناشی از آن، که همواره مورد توجه متفکرین بوده، پژوهش حاضر اهدافی را در این راستا مدنظر دارد.

الف- هدف کلی

بررسی و شناخت موانع اشتغال زنان در بخش‌های مدیریتی آموزش و پرورش از دیدگاه معلمان ناحیهٔ (۲) شهر کرمان

ب – اهداف ویژه

- بررسی موانع روانی در اشتغال زنان،
- بررسی موانع سازمانی در اشتغال زنان،
- بررسی موانع خانوادگی در اشتغال زنان،
- بررسی موانع فرهنگی – اجتماعی در اشتغال زنان،
- تعیین اولویت موانع موجود در راه اشتغال زنان،
- پیشنهادهای علمی و عملی به مسئولین، به منظور مرتفع کردن برخی از چالش‌های موجود در اشتغال زنان در بخش‌های مدیریتی آموزش و پرورش کرمان.

سؤالات ویژهٔ تحقیق

۱- چه مقدار موانع روانی مانع اشتغال زنان در سطوح مدیریتی آموزش و پرورش ناحیهٔ ۲ کرمان می‌شود؟

۱-۱- عدم اعتماد به نقش چه مقدار مانع اشتغال زنان می‌باشد؟

۱-۲- سبک اسناد مربوط به موقعیت و شکست زنان، تا چه اندازه در اشتغال زنان نقش ایفا می‌کند؟

۱-۳- پایین بودن انگیزهٔ پیشرفت در زنان، تا چه میزان مانعی برای اشتغال زنان می‌باشد؟

۲- موانع سازمانی، چقدر مانع اشتغال زنان در سطوح مدیریتی آموزش و پرورش ناحیهٔ ۲ کرمان می‌باشد؟

۱-۲- ساختار سازمانی موجود در آموزش و پرورش کرمان چه نقشی در اشتغال زنان ایفا می‌کنند؟

۳- موانع خانوادگی، در اشتغال زنان در سطوح مدیریتی آموزش و پرورش ناحیهٔ ۲ کرمان چه نقشی دارند؟

۱-۳- مخالفت همسران، تا چه حدی مانع اشتغال زنان شاغل در آموزش و پرورش کرمان می‌باشد؟

۲-۳- چه میزان ضرورت حضور بیشتر زنان در خانواده و تربیت فرزندان، مانع اشتغال زنان می‌باشد؟

۴- موانع فرهنگی – اجتماعی چقدر مانع اشتغال زنان در رده‌های مدیریتی آموزش و پرورش ناحیه ۲ کرمان می‌شود؟

۱-۴- نگرش عمومی نسبت به کار زنان تا چه حدی در اشتغال زنان در آموزش و پرورش کرمان مطرح است؟

۲-۴- ارزش‌ها و هنجارهای موجود جامعه، تا چه میزان مانعی در اشتغال زنان می‌باشد.

۳-۴- نگرش منفی مردان نسبت به زنان تا چه میزان مانع اشتغال زنان در آموزش و پرورش است؟

۴-۴ – چه میزان تمایل به حذف رقیب در صحنهٔ فعالیت‌ها توسط مردان، مانع اشتغال زنان در سطوح مدیریت آموزش و پرورش می‌شود؟

تعاریف و اصلاحات و مفاهیم

الف – تعاریف نظری

۱. **اسناد یا نسبت دادن:** عبارت است از استناجی که شخص از علل رفتار خود یا دیگری به عمل می‌آورد. ما آگاهانه یا ناآگاهانه دائماً به دنبال علت هستیم (ماس و همکاران، ۱۳۷۰) اسنادها تبیین‌هایی دربارهٔ علل رفتار هستند. (واینر و همکاران ۱۹۷۲، نقل ازگنجی و حسن‌زاده، ۱۳۸۷)

۲. **انگیزه** «حالت یا وضعی روانی است که رفتار را در جهت هدف یا هدف‌هایی نیرو می‌دهد، فعال می‌سازد و هدایت می‌کند. انگیزه، مستقیماً قابل مشاهده نیست، گاهی از طریق مشاهدهٔ رفتار افراد، انگیزه‌های آن‌ها را حدس می‌زنیم یا استنباط می‌کنیم یا از طریق پرسش از خود آنان به انگیزه‌شان پی می‌بریم. (علاقه‌بندی، ۱۳۷۸، ص۱۱۶)

۳. **انگیزهٔ پیشرفت:** عبارت است از گرایش همه‌جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است. (گنجی حسن زاده،۱۳۸۷)، انگیزش پیشرفت یک ویژگی ناهوشیار است که از جانب فرزندپروری سرچشمه می‌گیرد و تجارب اولیهٔ یادگیری بر رفتار فرد در موقعیت‌های پیشرفت نقش مؤثر و مداوم دارد. (حسن زاده، و عموئی، ۱۳۸۰)

۴. **ساختار سازمانی:** ترکیب رسمی سازمان، تعیین‌کنندهٔ روابط رسمی اجزا و مشاغل مختلف در سازمان است و شامل نمودار سازمانی، شرح شغل‌ها، شرح وظایف پست‌های سازمانی، طریقهٔ تقسیم کار بین اجزاء سازمان و کارکنان سازمان، هماهنگی بین آنان، سلسله مراتب رسمی، روابط و اختیارات قانونی، خط مشی‌ها و روش‌های تعیین‌شده و نحوهٔ نظارت بر فعالیت‌ها و روابط افراد است. (معینی،۱۳۷۰)

۵. **نگرش:** ارزیابی یا برآوردی است که (به صورت مطلوب یا نامطلوب) یک شی، فرد یا رویدادی صورت می‌گیرد. نگرش بازتابی از شیوهٔ احساس فرد نسبت به یک چیز یا موضوع است (پارسائیان، ۱۳۷۶)

۶. **هنجار:** استانداردهای رفتاری قابل قبول در درون یک گروه که اعضای گروه در آن سهیم هستند و آن را رعایت می‌کنند. (پارسائیان، ۱۳۷۶)۰

۷. **فرهنگ**: نظام پیچیدهٔ شناخت‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، خلق‌ها، سنت‌ها و هر نوع توانایی و عادات اکتسابی انسان به عنوان عضو جامعه. (گنجی وحسن‌زاده ۱۳۸۲) یا به مجموعهٔ دانستنی‌ها و آموختنی‌ها اعم از مکتسبانهٔ علمی و عملی، آداب، رسوم، سنت‌ها، اوهام، خرافات، قواعد و مقررات شرعی و عرفی و اعتقادات رایج بین مردم می‌باشد.» (آریایی، ۱۳۴۹)

۸. **سنت**: عبارت است از شیوهٔ تفکر، احساس و عمل که به یک جامعه تعلق دارد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. می‌توان گفت سنت، چیزی است که جامعه برای جوانان خود به ارث می‌گذارد. (گنجی و حسن‌زاده، ۱۳۸۳) و یا «سنت عبارت است از اعمال و رفتاری که در خانواده، قبیله و جامعه از زمان‌های گذشته به ارث مانده و برای انجام آن اعمال رفتار، دلیل منطقی یا دستور صریح یا قانون مدونی وجود ندارد». (روح الامینی، ۱۳۷۹)

ب – تعاریف علمیاتی

متغیرهای این پژوهش نظیر سابقهٔ مدیریت، سابقهٔ خدمت، سن، محل خدمت، رشته و مدرک تحصیلی از طریق مراجعهٔ مستقیم و مطالعهٔ اسناد و مدارک، معین و طبقه‌بندی می‌شوند.

موانع روانی: شامل اعتماد به نفس پایین زنان، سبک اسناد مربوط به موفقیت و شکست زنان و پایین بودن انگیزهٔ پیشرفت و .... است که این متغیر از طریق پاسخی که آزمودنی‌ها به سؤالات ۱ الی ۹ پرسش‌نامه می‌دهند، سنجیده می‌شود.

موانع سازمانی: شامل ساختار موجود در ادارات، تبعیض جنسیتی و فرصت‌های محدود ارتقاء و ترفیع شغلی برای زنان و..... است. این متغیر از طریق پاسخی که آزمودنی‌ها به سؤالات ۱۰ الی ۱۹ پرسش‌نامه می‌دهند سنجیده می‌شود.

موانع خانوادگی: شامل مخالفت همسران، فقدان همکاری آنان در رسیدگی به امور خانه، احساس مسئولیت زنان نسبت به خانه‌داری، همسر و تربیت فرزندان و ..... است که این متغیر از طریق پاسخی که آزمودنی‌ها به سؤالات ۲۰ تا ۲۵ پرسش‌نامه می‌دهند، سنجیده می‌شود.

موانع فرهنگی – اجتماعی : شامل نگرش عمومی، ارزش‌های اجتماعی، هنجارهای موجود، نگرش منفی مردان نسبت به توانایی زنان و تمایل به حذف رقیب از سوی مردان و ... است، که این متغیر از طریق پاسخی که آزمودنی‌ها به سؤالات ۲۶ تا ۳۵ پرسش‌نامه می‌دهند، سنجیده می‌شود.

مسئولیت‌های مدیریتی:دراین پژوهش منظور پست‌های مدیریتی در سطوح سرپرستی، میانی و عالی است که در چارت تشکیلاتی آموزش و پرورش کرمان موجود می‌باشد.

عوامل اجتماعی: شامل آن دسته از عواملی است که از سوی جامعه برای زنان تعیین شده است و احتمال می‌رود آنان را در پذیرش مسئولیت‌های مدیریتی و ستادی به چالش وا

دارد. در این پژوهش این عوامل عبارتند از: نقش مادری، نقش همسری، نقش کارمندی، تشکیل زندگی مشترک، جایگاه زنان در جامعه و.....

عوامل فرهنگی: شامل مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، انتظارات و پیش‌فرض‌هایی است که هر یک از زنان شاغل آن‌ها را از اجتماع خود به همراه دارند. از جمله این نگرش‌ها شامل روحیهٔ مرد سالاری جامعه و اعتقاد به انجام کار در منزل توسط زنان می‌شود. به‌طوری‌که احتمال می‌رود زنان را در پذیرش مسئولیت‌های مدیریتی و ستادی به چالش وا دارد.

عوامل بیولوژیکی: منظور توان و قابلیت جسمانی ظریف زنان نسبت به مردان است، که احتمال می‌رود آن را در پذیرش مسئولیت‌های مدیریتی و ستادی به چالش وا دارد.

عوامل انگیزش : منظور عدم تمایل و علاقهٔ زنان نسبت به پذیرش مسئولیت‌های مدیریتی و ستادی می‌باشد.

عوامل سازمانی و مدیریتی: منظور قوانین و مقررات سازمانی و همچنین نگرش‌های مدیریتی مدیران سازمان آموزش و پرورش استان کرمان است.

روش‌شناسی

روش تحقیق در پژوهش حاضر، با توجه به موضوع و متغیرهای مورد مطالعهٔ این تحقیق، از لحاظ هدف، کاربردی است چون در جستجوی دستیابی به یک هدف علمی است. از لحاظ روش توصیفی از نوع زمینه‌یابی است.

جامعهٔ آماری

در این پژوهش، جامعهٔ آماری شامل کلیهٔ زنان شاغل در ناحیهٔ ۲ آموزش و پرورش استان کرمان به تعداد ۲۱۱۰ نفر می‌باشد که در سه مقطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و کادر اداری آموزش و پرورش به عنوان معلم، معاون و مدیر مشغول انجام وظیفه هستند.

نمونهٔ آماری

نمونه‌گیری، یعنی انتخاب تعدادی از افراد، حوادث و اشیاء از یک جامعهٔ تعریف‌شده به‌عنوان نمایندهٔ آن جامعه (دلاور، ۱۳۷۶) با توجه به اینکه حجم نمونه شامل مدیران و معلمان و کارمندان اداری ناحیهٔ ۲ کرمان بودند به صورت تصادفی، طبقه‌ای به تعداد ۲۱۱ نفر صورت گرفت. برای این‌منظور زنان شاغل در آموزش و پرورش ناحیهٔ ۲ به سه دسته تقسیم شدند: ۱. گروه معلمان، ۲. گروه مدیران و معاونان ۳. کادر اداری. سپس با توجه به نسبت شاغلین بر اساس لیست شاغلین زن ناحیهٔ ۲ که از حوزهٔ معاونت برنامه‌ریزی و نیروی انسانی تهیه شده بود، انتخاب شدند.

ابزارگردآوری داده‌ها

در این پژوهش، برای دسترسی به پیشینه‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات از پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته استفاده شده است.

سؤالات مقدماتی پرسش‌نامه بر اساس مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت ساخته شده است.

گزینه‌ها شامل خیلی زیاد، ۴ امتیاز، زیاد: ۳ امتیاز، کم : ۲ امتیاز و خیلی‌کم : ۱ امتیاز درجه‌بندی شد است. از آزمودنی خواسته می‌شود هر یک از سؤالات را خوانده و گزینهٔ مورد نظر خود را علامت‌گذاری نمایند.

روایی و پایایی ابزارها

جهت بررسی روایی محتوایی و صوری ابزار گردآوری اطلاعات، ابتدا جدول تناظر سؤالات اصلی و فرعی تحقیق با سؤالات پرسش‌نامه تهیه گردید و در اختیار افراد متخصص و صاحب‌نظران و اساتید مربوطه قرار گرفت.

برای سنجش پایایی، تعداد ۴۵ پرسش‌نامه با ۳۴ سؤال در بین معلمان چند مدرسه به‌طور آزمایشی اجرا شد. واریانس هر سؤال محاسبه گردید. آنگاه با استفاده از روش آلفای کرانباخ، ضریب پایایی پرسش‌نامهٔ محاسبه و مقدار ۰/۸۸۷ به‌دست آمد که به نظر مطلوب و قابل اطمینان تلقی می‌گردد.

یافته‌ها

نتایج حاصل از پرسش‌نامه نیز نشان می‌دهد که :

۱. جامعهٔ آماری ما بیشتر ۳۱ساله به بالا (۲۷نفر) بوده‌اند که از نظر سنی مرز را پشت سر گذاشته‌اند.

۲. بیشتر افراد جامعهٔ مورد مطالعهٔ متأهلین می‌باشند که بیشترین فراوانی را از نظر میزان تحصیلات دیپلم می‌باشند که اکثر این افراد خانه‌دار می‌باشند (۱۶نفر) که فراوانی افرادی که درآمدی ندارند نیز بسیار بیشتر است (۲۱نفر)

۳. اکثر افراد مورد مطالعه تبعیض را در سنین قبل ازدواج احساس نموده‌اند و از نظر عاطفی و محبت حدود ۲۸ نفر و از نظر تبعیض مالی نیز تبعیض را احساس کرده‌اند که بیشتر جامعه موردمطالعه ادغان داشته‌اند که حقوق آنها (در مورد انتخاب همسر، انتخاب رشتهٔ تحصیلی و...) توسط والدین رعایت نشده است.

۴. در جامعهٔ مورد مطالعه بیشتر افراد بیان نموده‌اند که رابطه‌ای گرم و صمیمی با همسرشان داشته‌اند و در مورد میزان رعایت خود از طرف همسرشان بیشترین فراوانی را تا حدودی دانسته‌اند، یعنی اینکه حقوق آنها به‌طور کامل از طرف آنان رعایت نمی‌شود.

۵. اکثر افراد مورد مطالعه از زن بودن خود رضایت کامل ندارند، اما در حق مادری تا حدودی ابراز رضایت کرده‌اند.

۶. پاسخگویان رعایت عدالت را در اختلافات ذاتی خود را قبول داشته اما رعایت عدالت را در مورد حقوق مادی خویش ناعادلانه می‌دانند و قریب افراد معتقدند که یا عدالت در مورد آنها خیلی کم رعایت شده، و یا اصلاً رعایت نشده است.

۷. جامعهٔ مورد مطالعه، جایگاه زن در نظام مقدس جمهوری اسلامی را تا حدودی مناسب ارزیابی نموده‌اند و ارتباط بین امنیت اجتماعی و رعایت حجاب را خیلی زیاد بیان کرده‌اند که از این تعداد اکثر افراد یا حدوداً و یا خیلی زیاد به حجاب اعتقاد دارند.

۸. جامعهٔ آماری مورد مطالعه، کارکردن زنان در وضعیت اقتصادی خانواده مؤثر دانسته‌اند وادغان داشته‌اند که در جامعهٔ اسلامی ایران زنان برای کسب علم و انجام فعالیت‌های سیاسی آزاد می‌باشد که حضور زنان را در توسعه و بهبود اوضاع جامعه خیلی‌زیاد ارزیابی کرده‌اند که دراین مورد قریب به اتفاق افراد مورد مطالعه تفاوتی میان زنان و مردان در کسب معنویات علم و اخلاق کرامت انسانی و جایگاه قائل نشده‌اند.

۹. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر زنان جامعهٔ ما از اعلامیهٔ اسلامی حقوق بش در مورد حقوق زنان بی‌اطلاع می‌باشند.

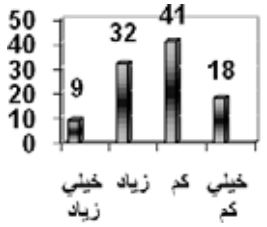
روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

این سؤال شامل سه سؤال فرعی تحقیق و هر سؤال فرعی تحقیق شامل سه سؤال در پرسشنامه می‌شود.

❖ سوال فرعی شمارهٔ ۱: عدم اعتماد به نفس زنان چه مقدار، مانع مشارکت فعال زنان می‌شود؟

گزینه / درصد	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۵۷	۲۰۳	۲۵۹	۱۱۴	۶۳۳
درصد	۹	۳۲	۴۱	۱۸	۱۰۰

فراوانی و درصد پاسخ‌ها به سؤال فرعی شمارهٔ یک تحقیق

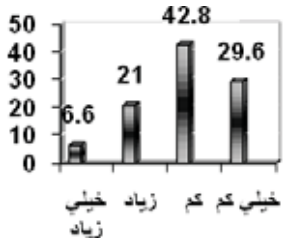


درصد فراوانی سؤال فرعی شمارهٔ یک تحقیق

❖ سوال فرعی شمارهٔ ۲: چه مقدار سبک اسناد مربوط به موفقیت و شکست مانع اشتغال زنان است؟

گزینه / درصد	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۴۲	۱۳۳	۲۷۱	۱۸۷	۶۳۳
درصد	۶/۶	۲۱	۴۲/۸	۲۹/۶	۱۰۰

فراوانی و درصد پاسخ‌ها به سؤال فرعی شمارهٔ دو تحقیق

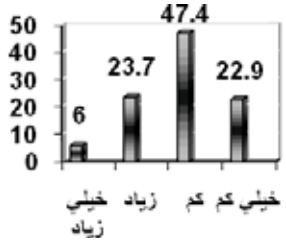


درصد فراوانی سؤال فرعی شمارهٔ دو تحقیق

❖سؤال فرعی شمارهٔ ۳: پایین بودن انگیزهٔ پیشرفت در زنان، تا چه میزان مانع اشتغال زنان در مدیریت آموزش و پرورش می‌باشد؟

گزینه / درصد	خیلی‌زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	جمع
فراوانی	۳۸	۱۵۰	۳۰۰	۱۴۵	۶۳۳
درصد	۶	۲۳/۷	۴۷/۴	۲۲/۹	۱۰۰

فراوانی درصد پاسخ‌ها به سؤال فرعی شمارهٔ سه تحقیق



درصد فراوانی سؤال فرعی شمارهٔ سه تحقیق

جمع‌بندی

موضوع تحقیق «بررسی موانع اشتغال زنان در سطوح مدیریتی آموزش و پرورش از دیدگاه کارمندان زن ناحیهٔ ۲ کرمان» می‌باشد. اهداف ویژهٔ تحقیق بررسی موانع روانی، سازمانی، خانوادگی و فرهنگی – اجتماعی مؤثرتر در اشتغال زنان در سطوح مدیریتی آموزش و پرورش بوده است. روش تحقیق، توصیفی از نوع زمینه‌یابی است و جامعهٔ آماری آن عبارتنداز: کلیهٔ معلمان، مدیر و معاونین و کادر اداری آموزش و پرورش ناحیهٔ ۲ کرمان می‌باشد. نمونهٔ آماری در این تحقیق، ۲۱۱ نفر به عنوان نمونهٔ تحقیق به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته و جهت دسترسی به پیشینه‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. سؤالات پرسش‌نامه بر اساس مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت ساخته شده است و برای تجزیه و تحلیل سؤالات ویژه و فرعی

تحقیق از روش آمار توصیفی استفاده شده است. در این تحقیق، ۴ سؤال اصلی یا ویژه، ۱۰ سؤال فرعی و ۳۵ سؤال پرسش‌نامه مطرح شد.

نتیجه‌گیری از سؤالات اصلی تحقیق

سؤال اصلی شمارهٔ یک: چه مقدار موانع روانی، مانع اشتغال زنان در سطوح مدیریتی آموزش و پرورش ناحیه ۲ کرمان می‌شود؟

با توجه به نتایج دست‌آمده از پرسش‌نامه، ۶۷/۲ درصد از آزمودنی‌ها موانع روانی را به عنوان مانع اشتغال زنان در سطوح مدیریتی آموزش و پرورش تلقی نمی‌کنند.

یافتهٔ فوق با نتایج تحقیق لاله شهیدی (۱۳۸۳) موافقت دارد که می‌گوید: انگیزهٔ پیشرفت بالایی در زنان وجود دارد و زنان نسبت به توانایی‌های خود برای امر مدیریت دارای نگرش مثبت هستند در حالی که هورنر (۱۹۶۵) در تحقیق علمی خود نشان داد ترس از موفقیت به‌عنوان یک مانع روانی در زنان محسوب می‌شود. مدتیک و توماس (۱۹۹۳) معتقدند که جنس مؤنث در قیاس با مردان از اعتماد به نفس کمتری برخوردارند. تحقیقات حسن‌زاده (۱۳۸۷) نشان می‌داد که مدیران زن در مقایسه با مدیران مرد، موفقیت خود را کمتر به عامل توانایی نسبت می‌دهند. ماتلین (۱۹۸۷) معتقد است زنان نسبت به مردان از پیشرفت اجتناب می‌کنند، زیرا آنها اعتقاد دارند که موفقیت ممکن است برای آنها بدبختی به بار آورد.

با توجه به موارد فوق، بین نتایج حاصله از سؤال اصلی شمارهٔ یک با یافته‌های دیگر پژوهشگران، همسانی چندانی به چشم نمی‌خورد، چرا که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر کارمندان زن ناحیهٔ ۲ کرمان دارای اعتماد به‌نفس خوبی هستند، گرایش به ابراز وجود دارند، از دشواری تکلیف مدیریت هراسی به خود راه نمی‌دهند، انگیزهٔ پیشرفت شغلی دارند و در این راه تلاش می‌کنند. پس سزاوار است به نیروهای کارآمد و شایسته میدان داد و بستر را برای بروز استعدادهای نهفته زنان مهیا نمود. سؤال اصلی شمارهٔ دو: «موانع سازمانی، چقدر مانع اشتغال زنان در سطوح مدیریتی آموزش و پرورش ناحیهٔ ۲ کرمان می‌شود؟»

با توجه به نتایج به‌دست آمده ۷۰/۶ درصد آزمودنی‌ها، موانع سازمانی را به‌عنوان مانع اشتغال زنان در سطح مدیریتی آموزش و پرورش ناحیهٔ ۲ کرمان تلقی می‌کنند. این بیانگر آن است که ساختار موجود در ادارات به نحوی است که شرایط نابرابر در احراز پست وجود دارد، فرصت ارتقاء و ترفیع شغلی برای زنان محدود است، به علت تبعیض جنسیتی و یا اعمال سلیقه در محیط کار، محدودیت قانونی و اداری برای حضور زنان وجود دارد و انتخاب مدیران مرد برای مشارکت‌های فعال سطوح مدیریت برتری دارد.

گولومبرگ وفی وش (۱۹۹۴) نیز استدلال کرده‌اند که، زنان در حرفه‌های شغلی خود در مقایسه با مردان، از شأن و رتبهٔ کمتری برخوردارند، حتی موقعی که زنان دقیقاً همان کار مردان را انجام می‌دهند، ضعیف‌تر از مردان ارزشیابی می‌شوند. در ارزیابی مقالات دانشجویان زن و مرد نیز مقالات زنان کم ارزش‌تر و با امتیاز نامناسب ارزشیابی می‌شوند.

طی تحقیقات مرکز آمار ایران (۸۶-۱۳۸۵) تبعیض جنسیتی، زنان را به سمت «مشاغل قالبی» می‌راند و آنان هنوز در مشاغل «زنانه» به‌کار گمارده می‌شوند. از آنجایی که نتایج

تحقیق در این سؤال اصلی با یافته‌های دیگر محققان هماهنگ است، لذا، قابل توجه برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مدیران ارشد می‌باشد که توانمندی زنان را نادیده نیانگارند و بر اساس شایسته‌سالاری دست به انتخاب بزنند.

سؤال اصلی شمارهٔ سه: موانع خانوادگی، در اشتغال زنان در سطوح مدیریتی آموزش و پرورش ناحیه ۲ کرمان چه نقشی دارند؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۶۶/۲ درصد افراد جامعهٔ آماری، موانع خانوادگی را، به‌عنوان مانع اشتغال زنان در سطوح مدیریتی آموزش و پرورش محسوب می‌کنند. سفیری (۱۳۸۰) معتقد است که زنان با وجودی که از مردان همپای خود بالاترند، اما به لحاظ مسئولیت خانوادگی خود را به عقب می‌کشند، مردان نیز بسیاری از وظایف را به عنوان رئیس خانه بر دوش زنان می‌گذارند.

شهیدی (۱۳۸۳) در نتایج تحقیق خود نشان داد که زنان به علت نقش دوگانه ای که در محیط کار ایفا می‌کنند با این انتظار که هر دو نقش را به نحو احسن اجرا نمایند، فشار زیادی را برای انجام همزمان کارها باید متحمل شوند، ... لذا زنان و مردان هر دو معتقدند که عامل مسئولیت‌های خانوادگی بر عدم پذیرش مشارکت فعال در پست‌های مدیریتی از سوی زنان مؤثر است. زاهدی (۱۳۸۰) نیز یکی از موانع مهم ارتقاء زنان را عمده دانستن نقش خانوادگی زن و کم رنگ تلقی کردن نقش حرفه‌ای او می‌داند. (شهیدی، ۱۳۸۳)

با توجه به بررسی‌های حاصله، هماهنگی میان نتیجهٔ این سؤال اصلی با تحقیقات دیگر محققان وجود دارد. البته با توجه به سؤال ویژهٔ شمارهٔ یک که بیانگر وجود فاکتورهای درونی مساعد در مدیران زن می‌باشد، چنانچه مردان به عنوان همسر و پدر در فعالیت‌های مرسوم خانه با همسرانشان شریک و سهیم شوند، زمینه برای پذیرش زنان به مشارکت‌های فعال‌تر همچون شغل‌های مدیریتی بیشتر فراهم خواهد شد. یعنی در صورت مشارکت هرچه بیشتر همسران، خانم‌ها نیز پا به پای آقایان با حفظ عفت و پاکدامنی و رسالت تربیت فرزندان، حضور پررنگ‌تری در عرصه‌های اجتماعی خواهند یافت و جامعه نیز از خدمات ارزنده‌شان استفادهٔ مطلوبی خواهد برد. سؤال اصلی شمارهٔ چهار: «موانع فرهنگی – اجتماعی چقدر مانع اشتغال زنان در رده‌های مدیریتی آموزش و پرورش ناحیه (۲) کرمان» می‌شود؟

با توجه به نتایج حاصله از پرسش‌نامه ۶۲/۶ درصد بر این باورند که موانع فرهنگی – اجتماعی، مانع اشتغال زنان در رده‌های مدیریتی آموزش و پرورش می‌شود.

این نشان می‌دهد که عدم اشتغال زنان در رده‌های مدیریتی، تحت تأثیر نگرش عمومی و فرهنگی رایج جامعه است و اجتماع عکس‌العمل چندان مطلوبی نسبت به اشتغال زنان ندارد.

مردان، آگاهی کافی از حقوق زنان ندارند و وجود تصاویر قالبی و کلیشه‌ای در رسانه‌ها، مطبوعات، کتب درسی و صدا و سیما و سینما اثرگذار است. یافتهٔ فوق با نتایج تحقیق لاله شهیدی (۱۳۸۳) که نگرش مردان را نسبت به مدیریت زنان مثبت می‌داند مغایرت دارد. در حالی که شجاعی (۱۳۸۰) طی تحقیقی نشان داد در طول دو دههٔ بعد از انقلاب، برای زنان ما فرصت‌های مساوی با آقایان وجود نداشته است و مشکل اصلی و مهم زنان جامعهٔ ما عدم وجود نگرش صحیح و منطبق با موازین اعتقادی و فرهنگ ملی و بومی نسبت به زن است.

فروزان (۱۳۸۰) معتقد است که مشکلات اساسی زنان، مسائل فرهنگی، نابرابری‌های اجتماعی و شهروندی، تلقی خاصی است که از زنان در جامعه وجود دارد. با توجه به موارد

فوق، همسانی بین نتایج این سؤال تحقیق با یافته‌های اکثر پژوهشگران وجود دارد. لذا، در این خصوص، بالا بردن فرهنگ خانوادگی جهت ادامهٔ تحصیل دختران و ارتقاء فرهنگ جامعه در برقراری فرصت برابر آموزش و ارائهٔ فرهنگ غنی اسلام از طریق معرفی زنان موفق و توانمند در طول تاریخ و پیش بردن جامعه به سوی هنجارهای مطلوب و تغییر نگرش عمومی به سمت و سوی نگرش مثبت نسبت به فعالیت‌های زنان در عرصه‌های اجتماعی اثر مناسبی بر جای خواهد گذاشت.

سرانجام با توجه به یافته‌های تحقیق و با نگریستن بر موانع اشتغال زنان در سطوح مدیریت به این نتیجه می‌رسیم که در آموزش و پرورش ناحیهٔ ۲، از بین موانع روانی، سازمانی، خانوادگی و فرهنگی – اجتماعی، بیشترین مانع، مانع سازمانی است که از مشارکت فعال زنان جلوگیری می‌کند. برای حل این معضل باید به دنبال نیروهایی باشیم که، بتواند این سقف شیشه‌ای را بشکنند و موقعیت را به نفس زنان پیش ببرد. از جمله این نیروها، اصلاح ساختار موجود در ادارات، رفع محدودیت قانونی و اداری، آگاهی مردان از حقوق زنان، وجود شرایط برابر در احراز پست، عدم تبعیض جنسیتی، همکاری مردان در امور خانه و ارتقاء نگرش عمومی نسبت به کار زنان در جامعه و ... می‌باشد. طبق آیهٔ شریفهٔ ۱۱ از سورهٔ مبارکهٔ رعد «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» وضعیت زنان تغییر نخواهد کرد مگر اینکه خود بخواهند. برای این کار باید شایستگی خود را ثابت کنند و دولتمردان نیز بر اساس شایسته‌سالاری انتصاب یا انتخاب را صورت دهند. سرانجام این‌که، بهبود وضعیت زنان در زمینه‌های مختلف در تمام جوامع محتاج اراده و عزم راسخ کل جامعهٔ بشری می‌باشد و تلاش سترگ همهٔ فرهنگ‌ها و جوامع جهانی را می‌طلبد. وظیفهٔ دولت‌ها این است که تبعیض، تحقیر و عقب‌ماندگی در زنان راکه به‌صورت چرخهٔ فجیعی از هزاران سال پیش وجود داشته، با تدوین برنامه‌های مدون، منظم و استفادهٔ صحیح و مدبرانه از رسانه‌های عمومی از بین ببرند.

پیشنهادات و راهکارها

اکنون دو نوع مانع ساختاری و غیرساختاری بر مشارکت فعال زنان تأثیر گذاشته است. موانع روانی، شخصیت و عادات زنانه به همراه فیزیولوژی خاص، از یک سو و از دیگر سو، موانع سازمانی و سیاسی، فرهنگی – اجتماعی، خانوادگی همگی سبب شده‌اند، زنان در یک فرایند درازمدت (به جز نقش تربیتی فرزند) در سایر زمینه‌ها به عنوان جنس دوم محسوب می‌شوند.

برطرف کردن این کاستی‌ها، نیاز به یک کار درازمدت فرهنگی دارد، ولی ساختار سیاسی با بهینه‌سازی و ساده‌سازی فرایندهای به‌کارگیری زنان در عرصه‌های مدیریتی، می‌تواند عامل شتابنده در جهت بهبود کیفیت مشارکت بانوان محسوب گردد. در اینجا لازم است راهکارهایی در چهار دسته الف) ایجاد تحول فکری در نظام آموزش و پرورش، ب) ایجاد تحول فکری در زنان، ج) توجه به نقش‌های جدید نظام‌های آموزشی، د) تلاش جهت تقویت رسانه‌ها و خانواده برای تبلیغ ارزش زن در اجتماع مد نظر سیاستمداران قرار گیرد که در اینجا به مهم‌ترین آنها می‌پردازم:

- ✓ تشویق احزاب و گروه‌های سیاسی برای تعیین نوعی سهمیه برای حضور زنان در هیئت‌های اداره‌کنندهٔ این مؤسسه‌ها و سازمان‌ها و به تبع آن مشارکت فعال زنان در پست‌های مدیریتی ارشد آموزش و پرورش.
- ✓ ایجاد نظام سهمیه‌بندی برای حضور زنان در هیئت وزیران، وزارتخانه‌ها، نمایندگی مجلس.
- ✓ کمک مالی به نامزدهای زن در فرآیندهای انتخاباتی.
- ✓ آموزش دختران و زنان جوان به‌منظور تشویق آنها در روی آوردن به حرفه‌های سیاسی.
- ✓ تغییر نگرش سنتی خانواده نسبت به زنان و دختران، از طریق آموزش‌های مداوم خانواده‌ها.
- ✓ اصلاح محتوای کتاب‌های درسی و در پیش گرفتن رویه‌های برابری‌خواه و آزادی‌طلب نسبت به دختر و پسر.
- ✓ آماده کردن معلمان به عنوان عامل آموزش‌دهندهٔ تغییر در نگرش‌ها.
- ✓ استخدام بدون تبعیض جنسیتی.
- ✓ ایجاد تسهیلات قانونی و آزادی‌ها برای بیان و تعقیب نظرها، منافع و خواسته‌های فردی، گروهی و صنفی.
- ✓ ارتقاء منزلت زنان در تعلیم و تربیت از طریق تغییر سیاست‌های کلان کشور.
- ✓ تأمین امکانات رفاهی و رفع فقر و محرومیت از زندگی زنان شاغل در آموزش و پرورش.
- ✓ تمرکززدایی و اعمال سیاست مشارکت همه‌جانبهٔ زنان در آموزش و پرورش.
- ✓ ایجاد تشکل‌های صنفی برای دفاع از حقوق زنان در حریم تعلیم و تربیت.
- ✓ معرفی چهره‌های ادبی، علمی و سیاسی زنان و مردان به یک تناسب.
- ✓ به تصویر کشیدن قهرمانان ملی زن در کتاب‌های درسی.

منابع

آریایی، ع (۱۳۴۹)، اصول آموزش و پرورش برای مراکز تربیت معلم، تهران، چاپ گلشن.

احراری، ف (۱۳۸۰)، مشکلات پژوهش از نگاه زنان پژوهشگر، فصل‌نامهٔ منظر، بهار ۱۳۸۰، ص ۸۵.

احمدی، ا (۱۳۸۰)، «نقش فرهنگ در متعادل‌تر ساختن نگرش‌های جنسیتی در حیات اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش توانمندسازی زنان، چاپ اول.

بنیانیان، ز (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات هم‌اندیشی، بررسی مسائل و مشکلات زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ دوم.

بهرنگی، م (۱۳۸۵)، مدیریت آموزش و آموزشگاهی، چاپ هفتم انتشارات گلچین.

بیان، ا (۱۳۷۸)، روش‌های تحقیق و سنجش در علوم تربیت و روان‌شناسی، تهران، انتشارات رهیافت.

بیان، ح (۱۳۷۷)، نقش سازندهٔ زنان در ارتقاء دانش بهره‌وری، مجلهٔ مدیریت دولتی، شمارهٔ ۳۹.

پورگیو، ف (۱۳۸۳)، «بررسی توانمندسازی زنان در ایران با تأکید بر رسانه‌ها و کتب درسی» مجموعه مقالات همایش توانمندسازی زنان، مرکز امور مشارکت زنان، چاپ سوم.

جلودار زاده، س (۱۳۸۰)، فصل‌نامهٔ منظر، تابستان ۱۳۸۰.
حسن زاده، ر (۱۳۸۷) فراتحلیلی بر موانع و مشکلات روانی – اجتماعی پیشرفت زنان، مقاله ارائه‌شده در همایش مسائل اجتماعی زنان.
حشمتی، ن (۱۳۸۱)، تجربیات یک مدیر، نشر نیکوقلم، چاپ دوم.
حقیقت جو، ف (۱۳۸۰)، روزنامهٔ ابرار، مرداد ۱۳۸۰.
خبرنامه زنان (۱۳۸۳)، مشارکت زنان باید از طریق اتخاذ قانون نهادینه شود، شمارهٔ ۲۳، اسفند۱۳۸۳.
دلاور، ع (۱۳۷۶)، مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد، چاپ دوم.
رضائیان، ع (۱۳۷۱)، اصول مدیریت،تهران، چاپ سوم، نشر سمت.
روح الامینی،م (۱۳۷۹)، زمینهٔ فرهنگ‌شناسی،تهران، چاپ سوم.
سالاریان، ف (۱۳۸۵)، «مجموعه گفتگوهای هم‌اندیشی» فصل‌نامهٔ شورای فرهنگی – اجتماعی زنان، چاپ سوم، قم.
شادی طلب، ژ (۱۳۷۷)، چرا مدیریت زنان پذیرفته نمی‌شود. همشهری، ششم اردیبهشت ۱۳۷۷.
شادی طلب، ژ (۱۳۸۰) مجموعه مقالات هم‌اندیشی، بررسی مسائل و مشکلات زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، چاپ اول.
شجاعی، ز، خبرنامه زنان، خبرنامهٔ فرهنگی – اجتماعی، شمارهٔ ۱۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰.
شهیدی، ل (۱۳۸۳)، «بررسی علل و موانع عدم حضور زنان در پست‌های مدیریتی شهر تهران» پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ مدیریت آموزشی، دانشگاه الزهرا (س).
شیخ نظامی، ز (۱۳۸۰)، فصل‌نامهٔ مدیریت درآموزش و پرورش، دورهٔ هفتم، شمارهٔ ۲۷.
ضرغامی، م، الوانی، س (۱۳۸۰)، «نقش زنان در توسعه» کار و کارگر، اسفندماه ۱۳۸۰.
علاقه‌بند، ع (۱۳۶۹)، اصول مدیریت آموزشی، چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
علاقه‌مند، ع (۱۳۷۸)، مدیریت عمومی، تهران، چاپ سوم، نشر روان.
فیلد، ل (۱۳۸۳)، «عزت نفس برای زنان» (ترجمه مهدی گنجی)، چاپ پنجم، نشر ویرایش.
کار، م (۱۳۷۹)، زنان در بازار کار ایران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
گنجی، ح و حسن زاده، ر (۱۳۸۰)، روان‌شناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات سخن.
مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۲)، خبرنامهٔ زنان، خبرنامه فرهنگی – اجتماعی، شمارهٔ ۴۵، بهمن ماه.
معظمی، ش، (۱۳۸۳)، فصل‌نامهٔ شورای فرهنگی – اجتماعی زنان.
معین، ص (۱۳۷۰)، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان، نشر وزارت کشاورزی.
نیکوبرش، ف (۱۳۸۰)، «مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان»، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، چاپ اول.
هاشمی رکاوندی، س م (۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن با نگرش علمی و اسلامی.

بررسی میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال زنان استان مازندران در سال۱۳۹۰

علی فرشاد[۱]
زهره نیک روی[۲]

چکیده

شرط لازم برای موفقیت و دستیابی به اهداف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تنها در گرو استفادهٔ صحیح و بهینه از منابع انسانی و قدرت تفکر آنان بوده و یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعهٔ هر کشور وضعیت اشتغال زنان و نوع مشارکت آنان می‌باشد، زنان بزرگترین ذخائری هستند که هنوز از وجودشان استفادهٔ بهینه به عمل نیامده است. نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند، بنا به سر شماری سال۱۳۹۰میزان جمعیت زنان ایران تعداد ۳۶۴۷۰۳۰۳ نفر بوده که می‌توان به این افراد به دید منابع انسانی بالقوهٔ کشور نگریست و با جهت‌دهی و سرمایه‌گذاری برای اشتغال آنان علاوه بر سودبری از مشارکت آنان در توسعهٔ اقتصادی، زمینهٔ توسعهٔ همه‌جانبه کشور را فراهم آورد. این تحقیق میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال زنان استان مازندران در کلیهٔ دوره‌های آموزشی برگزارشده در سال۱۳۹۰ را مورد بررسی قرار داده است. روش این تحقیق توصیفی از نوع پس رویدادی و پیمایشی و جامعهٔ آماری آن شامل کلیهٔ زنان آموزش‌دیدهٔ مراکز خواهران استان مازندران در سال۱۳۹۰، که آموزش آنان منتج به دریافت گواهینامه سازمان فنی و حرفه‌ای یا تأیید صلاحیت فنی شده است، می‌باشد. محقق جهت أخذ نمونه‌های مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری احتمالی طبقاتی استفاده نموده و برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته‌ای استفاده شده است که روایی آن به روش قضاوتی مورد تأیید قرارگرفته و جهت سنجش پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

واژگان کلیدی: آموزش فنی و حرفه‌ای، اشتغال زنان، کارآفرینی، توسعه.

---

۱. دانشجوی ارشد MBA، مسئول آموزش در صناع استان مازندران، Email:alifarshad7@yahoo.com
۲.دانشجوی ارشد صنایع (سیستم)، مربی واحد آموزش در صنایع استان مازندران،
Email:zohrenik@gmail.com

مقدمه

شرط لازم برای موفقیت و دستیابی به اهداف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تنها در گرو استفادهٔ صحیح و بهینه از منابع انسانی و قدرت تفکر آنان بوده و یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعهٔ هر کشور وضعیت اشتغال زنان و نوع مشارکت آنان می‌باشد. نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند.

بنا به سر شماری سال ۱۳۹۰ طبق جدول ۱میزان جمعیت زنان ایران تعداد۳۶۴۷۰۳۰۳ نفر بوده و از این تعداد ۱۹۰۲۴۰۰۱نفر در بازهٔ سنی۲۰ تا ۵۰ سال قرار دارند که می‌توان به این افراد به دید منابع انسانی بالقوهٔ کشور نگریست و با جهت‌دهی و سرمایه‌گذاری برای اشتغال آنان، زمینهٔ توسعهٔ همه‌جانبهٔ کشور را فراهم آورد.

جدول ۱. آمار زنان ایران در سال ۹۰

جنس وسن	جمع	ایران
ذن	۳۷۲۴۴۰۰۰	۳۶۴۷۰۳۰۳
۰-۴ ساله	۳۰۴۰۲۴۱	۲۹۴۶۶۲۷
۵-۹ ساله	۲۷۵۹۲۳۱	۲۶۵۹۳۳۲
۱۰-۱۴ ساله	۲۷۸۳۰۴۷	۲۶۹۴۱۶۹
۱۵-۱۹ ساله	۳۳۵۹۶۰۷	۳۱۶۷۱۴۶
۲۰-۲۴ ساله	۴۲۱۲۹۲۲	۴۱۲۲۴۹۲
۲۵-۲۹ ساله	۴۳۱۸۰۲۰	۴۲۴۴۸۳
۳۰-۳۴ ساله	۳۴۵۶۰۹۶	۳۴۰۰۶۵۱
۳۵-۳۹ ساله	۲۷۲۰۷۸۵	۲۶۷۶۵۴۷
۴۰-۴۴ ساله	۲۴۲۰۳۷۰	۲۳۸۵۳۴۱
۴۵-۴۹ ساله	۲۰۰۳۱۴۳	۱۹۷۳۵۷۳
۵۰-۵۴ ساله	۱۷۶۲۲۹۵	۱۷۴۰۸۵۲
۵۵-۵۹ ساله	۱۳۵۳۴۸۵	۱۳۴۰۷۸۳
۶۰-۶۴ ساله	۹۸۱۹۴۵	۹۷۱۱۵۳
۶۵-۶۹ ساله	۷۰۰۳۸۹	۶۹۴۶۳۳
۷۰-۷۴ ساله	۵۵۸۸۲۱	۵۵۳۴۲۸
۷۵ ساله و بیشتر	۸۹۵۷۹۹	۸۸۹۲۸۵
نامشخص	۱۷۸۰۴	۹۸۰۸

بی‌تردید، جامعه‌ای که در تربیت و بهره‌گیری مناسب از نیروی انسانی ناکارآمد باشد قادر به توسعه نخواهد بود (تودارو[1]،۸۲:۱۳۸۲). یکی از مهم‌ترین معیارها برای ارزیابی توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتبار زنان در یک کشور است. در جوامع پیشرفته‌تر و توسعه‌یافته‌تر، حضور زنان در عرصه‌های مختلف فعالیت مؤثرتر و پررنگ‌تر است و این حضور بر روند توسعه و افزایش کمّی و کیفی نیروی انسانی جامعه اثرگذار خواهد بود. بسیاری از جامعه‌شناسان (بولینگ[2]۱۹۷۷؛ تینکر[3]۱۹۷۹؛ ابتکار۱۳۷۶؛ هادیان وحیدرپور ۱۳۷۸) برنقش زنان در توسعهٔ تأکید ورزیده‌اند و معتقدند بدون مشارکت زنان راه برای توسعه هموار نخواهد شد. تجربهٔ دهه‌های اخیر کشورهای در حال توسعه مبین آن است که افزایش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، به‌ویژه آموزش زنان، زمینه‌های لازم را برای رشد اقتصادی بالاتر و رفاه اجتماعی بیشتر مهیا می‌سازد. از بین بردن تفاوت‌ها و شکاف‌های جنسی در بخش‌های گوناگون اقتصادی و نیز آموزش، نه فقط به "برابری" بیشتر، بلکه به

1. Todaro
2.Bulling
3.Thinker

"کارآیی" بالاتر می‌انجامد (کامرون [1]و دیگران،۲۰۰۱ ؛۴۶۶).(حسین محمودیان، مرجان رشوند: ۱۳۹۱).

تسهیل اشتغال زنان از چالش‌های عمدهٔ جهان به‌شمار می‌آید. در همین راستا مطالعات و پژوهش‌هایی انجام شده است که می‌توان آنها را به شرح زیر مورد بررسی قرارداد:

(صفارحیدری و ایزدی؛ ۱۳۸۱) در تحقیقی به بررسی وضعیت اشتغال کارآموزان آموزش‌دیدهٔ فنی و حرفه‌ای استان مازندران طی برنامهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی-پرداخته است. جامعهٔ آماری تحقیق، کلیهٔ کارآموزان آموزش‌دیدهٔ فنی و حرفه‌ای می‌باشند که طی سال‌های ۷۴ تا ۷۸ در بازهٔ مرکز آموزشی در ۵۱ رشتهٔ آموزش دیده‌اند. بین جامعهٔ مذکور، تعداد ۷۷۷ نفر به صورت تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. نتیجه آنکه از بین نمونهٔ مورد مطالعه ۳۹٪ اشتغال یافته‌اند که از این میزان ۱۹٪ اشتغال مرتبط با مدرک آموزشی و ۲۰٪ نیز اشتغال غیرمرتبط با مدرک آموزشی دارند. همچنین، صالحی در سال۱۳۸۲ تحت عنوان "اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاریابی به این نتیجه رسید که یکی از عوامل اساسی رشد و توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی هر جامعه‌ای منابع انسانی آن است.

اطلاعات مندرج در جدول توافقی فوق نشان می‌دهد که ۱۸/۸درصد از کل جنسیت آموزش‌دیدگان زن توانستند در بازار کار جذب شوند. به عبارت دیگر، ۸۱/۲ درصد از آنان هنوز بیکار هستند. در مقابل ۳۶/۸ درصد از جمعیت کل آموزش‌دیدگان مرد توانستند در بازار کار جذب شوند. به عبارت روشن‌تر، مشخص می‌گردد که هنوز متأسفانه وضعیت اشتغال زنان در مقایسه با مردان از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشد و شاید بتوان گفت که در جذب آموزش‌دیدگان فنی و حرفه‌ای تسلط مردان در بازار کار بیشتر از زنان می‌باشد.

آقای مجتبی رضایی‌راد و خانم نورا عطار در مقاله‌ای با عنوان: بررسی میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات[2]) در اشتغال زنان استان مازندران در سال ۱۳۸۸، به بررسی میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در رشتهٔ فن‌آوری اطلاعات در اشتغال زنان استان مازندران پرداختند.

از نتایج تحقیق آنان می‌توان به این موارد اشاره نمود: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با تأکید بر فناوری اطلاعات موجب افزایش مهارت و توانایی، نوآوری و ابداع، علاقه به کار و نگرش مثبت و کسب درآمد در زنان و به‌طور کل باعث اشتغال زنان می‌شود. نتایج به‌دست آمده در این تحقیق با نتایج پژوهش صالحی عمران (۱۳۸۳)، حیدری و ایزدی (۱۳۸۱)، سفیری (۱۳۷۳) و هاردی (۲۰۰۰) همسویی دارد.

مسئلهٔ دیگری را که در امر اشتغال زنان باید مد نظر قرار داد این مهم است: با وجود اینکه در سال‌های اخیر تعداد فارغ‌التحصیلان زن آموزش عالی رشد چشمگیری داشته، میزان اشتغال و فعالیت اقتصادی زنان در ایران رشد بسیار اندکی را تجربه نموده است. گرچه در سیستم آموزش سعی بر آن است که کارآیی و توان علمی دانشجویان افزایش یابد، باید دانست که پوشش تمام ابعاد شغلی در بخش آموزش مقدور نیست. در بعضی موارد نیاز به آموزش‌های مجدد یا دوره‌های مکمل است. با توجه به رابطهٔ بین اشتغال و آموزش هرگاه این

1. Cameron
2. Information Technology (it)

رابطه به صورت نامتعادل به سوی هر یک از دو پدیدهٔ اشتغال یا آموزش وزین شود، موجب بحران خواهد شد. بحران‌هایی از قبیل:

۱. بحران بی‌کاری،
۲. سرخوردگی اجتماعی و مسائل روانی ناشی از آن،
۳. بحران سیاسی و انقلاب.

این بحران‌ها مولود عدم اشتغال برای آموزش‌یافتگان است و مسألهٔ فرار مغزها و از دست رفتن نیروی فعّال، رکورد صنعتی، عدم پیشرفت و توسعه و عقب‌افتادگی ناشی از نبود یک سیستم آموزش صحیح و پویا، عواقب و پیامدهای ناگواری است که کشورهای فاقد برنامه‌ریزی درست و اصولی آموزش‌ها به آن مبتلا خواهند شد.

در عصر حاضر با پیشرفت سریع تکنولوژی و تحول در بینش‌ها و استراتژی‌ها نیاز به نیروی انسانی کارآموخته و کارآمد بیش از هر زمان دیگر محسوس می‌باشد. در جهان کنونی که دامنهٔ علم به‌سرعت در حال گسترش است، نیروی آموزش‌دیده به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه برای رشد و توسعهٔ کشور محسوب می‌شود. سرمایهٔ انسانی عبارت است از مهارت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که افراد در فرایند آموزش، تحصیل کرده و موجب بهره‌وری بیشتر عملیات می‌شود. یعنی انواع آموزش‌های رسمی یا غیررسمی که در نهایت به اعتلای کیفیت نیروی کار منجر می‌گردد، همه، نوعی سرمایه‌گذاری در سرمایهٔ انسانی محسوب می‌شوند. لذا، جوامع در حال توسعه در شرایط کنونی برای جبران کمبود شدید سرمایهٔ انسانی چاره‌ای جز سرمایه‌گذاری آموزشی ندارند.

آموزش فنی حرفه‌ای عامل مهمی در تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد است، به‌طوری که سازمان یونسکو معتقد است، آموزش فنی و حرفه‌ای باید بخش مکمل نظام آموزش همه‌جانبه باشد و به این علت باید به محتوای فرهنگی آن توجه کافی کرد. این آموزش باید از تربیت افراد برای یک شغل خاص که با فراهم کردن مهارت‌ها و دانش لازم برای افراد انجام می‌گیرد، پا فراتر نهد و همگام با آموزش عمومی، شخصیت و منش افراد را نیز پرورش دهد و توانایی درک، داوری، اظهار نظر و سازگاری با محیط‌های گوناگون را در آنان تقویت کند.

توسعهٔ منابع انسانی عبارت است از مجموعهٔ سیستم‌ها، روش‌ها و اقداماتی که از طرف سازمان و مدیریت در جهت بهبود و افزایش کارآیی، بهره‌وری، انگیزش، توسعهٔ کیفی، ارزیابی عملکرد، رضایت شغلی، بالندگی، خلاقیت، تلاش و به‌طورکلی رشد و شکوفایی سازمان و نیروی انسانی، با توجه به اهداف سازمان و کارکنان، به‌کار گرفته می‌شوند. توسعهٔ منابع انسانی (HRM) بیشتر از توسعهٔ کارکنان است، یعنی یک برنامه است که هدفش ایجاد مساعدترین هماهنگی بین نیازهای سازمان و دسترسی به منابع انسانی است. این هماهنگی تنها بر مبنای نیازهای جاری نیست، بلکه بر طبق نیازهای آینده نیز می‌باشد.

در این میان، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌عنوان یکی از اجزای بسیارمهم این‌گونه برنامه‌ها مطرح است. این آموزش‌ها بایستی فراهم شود تا افراد دانش جدید را برای عمل در موقعیت کنونی‌شان و یا آماده شدن برای پذیراشدن مسئولیت‌هایی از موقعیت‌های دیگر به‌دست آورند. در واقع توسعهٔ منابع انسانی به نظام آموزش فنی و حرفه‌ای بستگی دارد. نظامی که در توسعهٔ آموزش مهارت‌های شغلی، رکنی اساسی دارد.

بنابراین، باتوجه به اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعهٔ منابع انسانی، هدف کلی این تحقیق، بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعهٔ منابع انسانی می‌باشد. در این مقاله، مفهوم توسعهٔ منابع انسانی تبیین و نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعهٔ منابع انسانی در ابعاد گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گرفته و مشکلات موجود در این زمینه بررسی و پیشنهادها و راهکارهایی ارائه گردیده است.

سؤالات تحقیق

۱. آیا آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای در اشتغال زنان استان مازندران مؤثر است؟
۲. آموزش‌های مهارتی فنی وحرفه‌ای باعث ایجاد چه نوع اشتغالی برای زنان استان مازندران شده است ؟
۳. کدام‌یک از عوامل آموزشی شامل مربی، سرفصل آموزشی، فضای آموزش و آزمون، رضایت بیشتر کارآموزان را فراهم نموده است؟
۴. آیا بین اشتغال و تحصیلات دانشگاهی زنان رابطهٔ معناداری وجود داشته است؟

روش‌شناسی

روش این تحقیق توصیفی از نوع پس رویدادی و پیمایشی و جامعهٔ آماری آن شامل کلیهٔ زنان آموزش‌دیدهٔ مراکز ثابت فنی و حرفه‌ای استان مازندران در سال ۱۳۹۰می‌باشد. جهت أخذ نمونه‌های موردمطالعه از روش نمونه‌گیری احتمالی طبقاتی استفاده شده است. آمار زنان مهارت‌دیدهٔ مراکز ثابت فنی و حرفه‌ای استان مازندران در سال ۱۳۹۰ با توجه به نوع مهارت در۱۲ طبقه[۱] ۲۳۰۰ نفرگردید که با توجه به روش نمونه‌گیری طبقاتی تعداد ۳۶۱ نفر از این ۱۲ طبقه انتخاب شدند.

برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته‌ای استفاده شد که روایی آن به روش قضاوتی و جهت سنجش پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ (۸۴.) استفاده شد. با استفاده از این پرسش‌نامه و روش مصاحبهٔ تلفنی، اطلاعات لازم جمع‌آوری گردید.

یافته‌ها

سؤال اول پژوهش: آیا آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای در اشتغال زنان استان مازندران مؤثر است ؟

۱. هر طبقه مرکز ثابت آموزش فنی و حرفه‌ای می‌باشد.

جدول ۲ . مهارت آموخته‌شده باعث اشتغال شده است.

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بدون شغل	۲۳۷	۶۵,۵	۶۵,۷	۶۵,۷
	بله	۸۷	۲۴	۲۴,۱	۸۹,۹
	نه	۳۷	۱۰,۲	۱۰,۲	۱۰۰
	Total	۳۶۱	۹۹,۷	۱۰۰	
Missing	System	۱	.۳		
Total		۳۶۲	۱۰۰		

Binomial Test

		Category	N	Observed Prop.	Test Prop.	Asymp. Sig. (1-tailed)
working	Group 1	نه	۲۷۲	.۷۵	.۰۵	.۲۷
	Group 2	بله	۸۹	۲۵		
	Total		۳۶۱	۱		

تفسیر

طبق جدول ۲ از تعداد ۳۶۱ نفر از زنان که در مراکز فنی و حرفه‌ای آموزش دیده‌اند، ۲۴۰ نفر بیکار و ۱۲۱ نفر شاغل بودند. ۸۷ نفر از این شاغلین مهارت کسب‌شده در فنی و حرفه‌ای را عامل اشتغال خود اعلام کردند. به‌طور کل می‌توان گفت مهارت‌های فنی و حرفه‌ای باعث اشتغال ۲۴ درصدی زنان استان مازندران شده است.

سؤال دوم پژوهش : آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای باعث ایجاد چه نوع اشتغالی برای زنان استان مازندران شده است؟

جدول۳. نوع اشتغال

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بیکار	۲۳۷	۶۵,۵	۶۵,۷	۶۵,۷
	کارآفرینی	۸۳	۲۲,۵	۲۳	۸۸,۶
	قراردادی	۴۰	۱۱	۱۱,۱	۹۹,۷
	استخدام	۱	.۳	.۳	۱۰۰
	Total	۳۶۱	۹۹,۷	۱۰۰	
Missing	System	۱	.۳		
Total		۳۶۲	۱۰۰,۰		

تفسیر

با توجه به جدول ۳ تعداد ۸۳ نفر ازبین ۸۷ نفر شاغلین با مهارت فنی و حرفه‌ای، اشتغالی از نوع کار آفرینی داشتند و تنها ۳ نفر از این مجموع به صورت قراردادی مشغول به‌کار بودند که نشان می‌دهد مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در زنان استان مازندران بیشتر منجر به اشتغال از نوع کارآفرینی می‌گردد و سهم ۲۲,۹درصدی را درنوع اشتغال به خود اختصاص داده است.

سؤال سوم پژوهش: کدام‌یک از عوامل آموزشی شامل مربی، سرفصل آموزشی، فضای آموزش و آزمون رضایت بیشتر کارآموزان را فراهم نموده است؟

جدول۴ . نظر کارآموزان

		سرفصل دوره	مربی	امکانات آموزشی	آزمون
N	Valid	۳۶۱	۳۶۱	۳۶۱	۳۶۱
	Missing	۱	۱	۱	۱
Mean		۱,۶۰	۱,۴	۱,۸	۱,۷

تفسیر

با توجه به جدول ۴ که با استفاده از طیف لیکرت با امتیازات زیر تهیه شده است:

ا: خیلی خوب ۲: خوب ۳: متوسط ۴: بد ۵: خیلی بد

با توجه به میانگین عددی مربوط به امتیازات مربی<سرفصل دوره<آزمون<امکانات آموزشی

که نشان می‌دهد به ترتیب کارآموزان ابتدا از مربی، سرفصل دوره، آزمون و در پایان از امکانات آموزشی رضایت داشتند. با توجه به اینکه پرسش‌نامه‌ها به‌صورت مصاحبه‌ای پر شده‌اند، اکثر کارآموزان از هر چهار مورد ذکرشده اعلام رضایت نموده‌اند و با توجه به فاصلهٔ عددی بسیارکم میانگین‌ها، رضایت در حد خوب در هر چهار مورد وجود دارد.

سؤال چهارم پژوهش: آیا بین اشتغال و تحصیلات دانشگاهی زنان رابطهٔ معناداری وجود داشته است؟

تفسیر

مقدار ضریب همستگی کای دو مقدار 073 . به‌دست آمد. بنابراین، فرض صفر ردشده و فرض یک پذیرفته می‌گردد. یعنی، تحصیلات دانشگاهی ارتباط معناداری با اشتغال زنان مهارت‌آموختهٔ استان مازندران در سال ۹۰ ندارد و تحصیلات دانشگاه، شانس اشتغال برای زنان را افزایش نمی‌دهد .

بحث و نتیجه‌گیری

اشتغال زنان عنصر مهم توسعهٔ زندگی اجتماعی و اقتصادی است و در ضمن حاکی از شکوفایی استعدادها و توانایی‌های بخش مهمی از جامعه می‌باشد.

نتایج حاصله از این تحقیق نشان می‌دهد آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای موجب اشتغال ۲۴٪ برای زنان استان مازندران شده است. این نتایج با نتایج تحقیق مجتبی رضایی

راد و نورا عطار (۱۳۸۹)، پژوهش صالحی عمران (۱۳۸۳)، حیدری و ایزدی (۱۳۸۱)، سفیری (۱۳۷۳) و هاردی (۲۰۰۰) همسویی دارد.

پیشنهادات

با توجه به نتایج این تحقیق و محدودیت‌هایی که محققان در انجام تحقیق با آن مواجه بودند پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد.

✓ آمارگیری این تحقیق بر اساس طبقات شهرها صورت گرفته و تعداد ۹۰ رشتهٔ آموزشی در مراکز مورد بحث به اجرا درآمده است، پیشنهاد می‌گردد که بررسی اثر مهارت‌آموزی زنان بر اشتغال آنان با توجه به رشته‌های آموزشی انجام پذیرد. جهت انجام چنین تحقیقی مشارکت جدی مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای الزامی خواهد بود. در این‌صورت، می‌توان مواردی از قبیل رشته‌های برتر اشتغال‌زا و رشته‌های با علاقه‌مندی بیشتر را شناسایی نموده، و با توجه به نتایج تحقیق جهت آموزش بهتر کارآموزان و فراهم نمودن امکانات لازم جهت اشتغال آنان تلاش نمود.

✓ پیشنهاد می‌گردد که عملیات رهگیری شغلی از طریق مراکز با جدیت بیشتر و در یک بازهٔ زمانی ۵ ساله در یک فرمت مشخص و یکسان انجام گردد. ضروری است که سازمان فنی و حرفه‌ای کشور در ارائهٔ دستورالعمل و ضمانت اجرایی آن اهتمام بیشتری ورزد. چرا که عملیات رهگیری شغلی به نحوی اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را اندازه‌گیری خواهد نمود.

✓ پیشنهاد می‌گردد این تحقیق برای کلیهٔ مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای بانوان و همچنین، تیم‌های سیار (روستایی)، زندان‌ها، جوار دانشگاه‌ها و کلیهٔ سازمان‌هایی که به‌نوعی با سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای تفاهم‌نامهٔ آموزشی منعقد نموده‌اند، انجام گیرد.

منابع

طاهری، کبری (۱۳۸۴). پایان‌نامهٔ دورهٔ کارشناسی دانشگاه پیام‌نور. بررسی تأثیر اشتغال زنان بر قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانواده.

صالحی عمران، ابراهیم، (۱۳۸۲). اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاریابی. مازندران

حسین محمودیان؛ مرجان رشوند (۱۳۹۱). اشتغال زنان فارغ‌التحصیل آموزش عالی و عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن. مطالعهٔ موردی شهر تهران. زن در توسعه و سیاست، دورهٔ ۱۰، شمارهٔ ۱، بهار ۱۳۹۱: ۱۰۴-۸۳.

مجتبی رضایی راد؛ نورا عطار، (۱۳۹۰). بررسی میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فن‌آوری اطلاعات) در اشتغال زنان استان مازندران در سال۱۳۸۸.

فرهادیان همایون؛ زارعی حمیده؛ دانشور مریم (۱۳۸۴)؛ بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعهٔ منابع انسانی.

بررسی و ارزیابی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه و تثبیت اشتغال زنان در شهرستان خرم بید

جلال الدین حق شناس[1]
عبدالرسول کازرونی[2]

چکیده

به‌منظور بررسی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه و تثبیت اشتغال زنان در شهرستان خرم‌بید در طی سال ۱۳۹۰ و شناسایی مشکلات و تنگناهای موجود در فرآیند مذکور و ارائهٔ راهکارهای اجرایی این پژوهش در سال ۱۳۹۱ به روش مطالعهٔ توصیفی بر اساس عملکرد آموزشی مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خرم‌بید انجام یافت. در این تحقیق، کارآموزان مهارت‌دیده از نظر مقطع تحصیلی، نوع شاخهٔ آموزشی، جنسیت، مرجع معرفی کارآموز به مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای و محل آموزش مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهد که بیشتر کارآموزان مهارت‌آموخته دارای تحصیلات سیکل و زیردیپلم می‌باشند و از نظر جنسیت ۵۵٪ کارآموزان زن و ۴۵٪ کارآموزان مرد هستند. بیشترین تعداد کارآموزان، حرفه‌های زیرمجموعهٔ خدمات را گذرانده و کمترین تعداد مهارت آموختگان مربوط به شاخهٔ صنعت ساختمان می‌باشند. زنان در شاخهٔ خدمات بیشترین تعداد مخاطب (۴۹٪) را داشته‌اند، در صورتی که در سایر شاخه‌ها در مجموع ۷٪ آموزش گذرانده‌اند. همچنین، بیشترین تعداد کارآموزان در مرکز ثابت آموزش‌دیده بودند و از کارآموزان آزاد محسوب می‌شدند. نکتهٔ قابل توجه این است که از دانشگاه ۲۱۲ نفر معادل ۱۹٪ کل کارآموزان که همگی هم از زنان بودند، به مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای معرفی و مهارت‌آموخته‌اند.

واژگان کلیدی: آموزش فنی و حرفه‌ای، اشتغال و زنان.

۱.کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی، مربی مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خرم بید و مدرس دانشگاه پیام نور صفاشهر، Email:jalal1358@yahoo.com

۲. معاون فنی و آموزشی ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان فارس.

مقدمه

در همهٔ کشورهای دنیا آموزش فنی و حرفه‌ای وجود دارد، اما در بازار کار ایران به علت پایین بودن نهاده‌های تولید، کارگر ساده بیشتر به چشم می‌خورد تا کارگر فنی. لذا آموزش فنی و حرفه‌ای از جایگاه اساسی برخوردار بوده تا بتواند از نهاده‌های تولید به نحو مطلوب استفاده نماید. رشد روزافزون تکنولوژی و تحولات بازار کار می‌طلبد که به این آموزش‌ها به شکل جدی‌تر توجه شود. از دیدگاه مسئولان کشور و نیازهای آموزش فنی و حرفه‌ای، این نوع آموزش بایستی به اصول خاص توجه نماید. یکی این که این آموزش‌ها بایستی متناسب با نیاز روز بازار کار باشد. دیگر این‌که، توجه به تغییر و تحول در فرهنگ مناطق نماید. همچنین، از نیروهای خلاق منطقه استفاده نموده و نیازسنجی در زمینهٔ مشاغل حرفه‌ای انجام شود.

اهمیت و توسعهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌عنوان یکی از شاخه‌های توسعه و ابزارهای مهم تحقق برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور بر کسی پوشیده نیست. تأمین نیروی متخصص و ماهر برای اجرای هر برنامه ضرورتی انکارناپذیر است که بدون توجه به آن سرمایه‌گذاری‌های مادی و انسانی به‌هدر خواهد رفت. یکی از ارکان اساسی و مؤثر در توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی، توسعهٔ منابع انسانی است و برای توسعهٔ انسانی طبیعتاً وجود نیروهای متخصص از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی که تخصص لازم را به‌دست می‌آورد، ضروری می‌باشد.

بیان مسأله

دولت‌ها امروزه به مهارت‌های نیروی کار جهت استفاده از تکنولوژی پیشرفته برای رشد و پیشرفت جوامع خود نیاز دارند و برای همین توجه به برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای روز به روز جدی‌تر می‌شود. در سال‌های اخیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌گونه‌ای رشد نموده است که تا حدودی شکاف بین نیروی کار سنتی و تحول بازار کار را پر نموده است و زمینه‌ای را فراهم ساخته است که خیل عظیم نیروی کار بتواند به صورت ماهرتری به فعالیت بپردازد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به خاطر این که محدودیت سنی و جنسی ندارد، از مزایای زیادی برخوردار است و زمینه‌ای را برای رشد تحصیلات آکادمیک فراهم می‌نماید. این آموزش‌ها نقش اساسی در دنیای پیشرفتهٔ صنعتی امروزی دارند و باعث شکوفایی اقتصادی می‌شوند. از نظر بافت جمعیتی، بخش عظیمی از مردم شهرستان را جوانان تشکیل می‌دهند. در بین معضلات گوناگون مبتلا به یک جوان، بی‌تردید موضوع اشتغال و یافتن کار مناسب از اولویت اساسی برخوردار است. زیرا رفع این مشکل کلید حل بسیاری از مشکلات دیگر است. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور دیر زمانی است که رسالت عظیم آموزش‌های کاربردی جوانان و آماده کردن آن‌ها برای احراز مشاغل فنی و حرفه‌ای مورد نیاز جانعه را بر دوش می‌کشد و از ارگان‌های مؤثر در آماده‌سازی زمینه‌های اشتغال جوانان می‌باشد.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی استفاده شده و بر اساس عملکرد آموزشی مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان خرم بید و تحلیل نتایج حاصله صورت گرفته است. جامعهٔ آماری تحقیق شامل کلیهٔ کاراموزان مهارت‌آموخته مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خرم‌بید در بخش دولتی (آموزش در مرکز ثابت، آموزش در مراکز سیار شهری و آموزش در روستاها) در طی سال ۱۳۹۰ و در حرفه‌های مختلف از ۴ شاخهٔ اصلی صنعت، خدمات، کشاورزی و صنعت ساختمان بود. تعداد کارآموزان مهارت‌آموخته ۱۱۴۷ نفر بود که این تعداد در قالب ۷۰ دورهٔ آموزشی مهارت‌آموخته بودند.

حرفه‌های آموزشی مورد تحقیق ۳۶ حرفه شامل مدیر مهد کودک، کارورPLC، قلاب‌باف چرم و جیر، روبان‌دوز، هویه‌کار پارچه، کارگر نگهداری بتن، کارگر بنای سفت کار، مشبک‌کاری، کیف دوز، لوله‌کش و نصاب تأسیسات گازرسانی، تعمیرکار شوفاژ پکیج گازی، تعمیر تلفن همراه، تعمیرکار برق خودرو، تعمیرکار اتومبیل سواری، برقکار ساختمان درجه۲، برقکار صنعتی درجهٔ۲، نقاشی روی چرم، قالیباف، راسته‌دوزی، مانتودوزی، الگوساز و برشکار زنانه، نازک‌دوزی، کارور اتوکد، برنامه‌نویس PHP، مونتاژ کامپیوتر، طراح گرافیک، تولیدکنندهٔ چندرسانه‌ای درجهٔ۲، تولیدکنندهٔ چندرسانه‌ای درجهٔ ۱، پرورش گیاهان دارویی، سبزی‌کاری، پرورش توت فرنگی، پرورش قارچ صدفی، پرورش قارچ دکمه‌ای، باغبان، پرورش گیاهان آپارتمانی و پرورش زنبور عسل بودند. در این تحقیق کارآموزان مهارت‌دیده از نظر مقطع تحصیلی، نوع شاخهٔ آموزشی، جنسیت، مرجع معرفی کارآموز به مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای و محل آموزش مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج

جنسیت

تعداد کل کارآموزان مهارت‌آموخته ۱۱۴۷ نفر بودند. نتایج حاصل از تحقیق نشان دادند که از این تعداد ۶۳۰ نفر معادل ۵۵٪ از کارآموزان زن و تعداد ۵۱۷ نفر معادل ۴۵٪ از کاراموزان مرد بودند. با توجه به افزایش تعداد مهارتآموختگان زن نسبت به مرد، به نظر می‌رسد علاقمندی زنان نسبت به فراگیری آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای در مقایسه با مردان بیشتر بوده است. البته این موضوع دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد. یکی اینکه دوره‌های آموزشی زنان کوتاه‌مدت بوده و باعث شده است که نفر دورهٔ آن‌ها نیز بیشتر شود. با توجه به استقبال گسترده‌تر زنان از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پیشنهاد می‌شود حرفه‌های پرکاربرد از نظر اشتغال‌زایی و به‌ویژه در حوزهٔ مشاغل خانگی که از حمایت‌های دولت نیز برخوردار می‌شوند، آموزش داده شود تا زمینهٔ توسعهٔ اشتغال در شهرستان بیشتر گردد.

مقطع تحصیلی

جدول ۱. تعداد و فراوانی کارآموزان مهارت‌آموخته به تفکیک مقطع تحصیلی

جنسیت	ابتدایی و زیر سیکل		سیکل و زیر دیپلم		دیپلم		بالاتر از دیپلم	
	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی
زن	۰	٪۰	۳۵۳	٪۳۱	۱۰۷	٪۹	۱۸۲	٪۱۶
مرد	۱۴۲	٪۱۲	۳۰۱	٪۲۶	۵۲	٪۵	۱۰	٪۱
جمع	٪۱۲		٪۵۷		٪۱۴		٪۱۷	

نتایج حاصله نشان می‌دهند که از نظر مقطع تحصیلی، بیشترین فراگیران مهارت (۵۷٪) دارای مدرک تحصیلی سیکل و زیر دیپلم بوده‌اند که این موضوع هم در مورد زنان و هم در مورد مردان صدق می‌کند. بعد از این گروه، فراگیران با مدرک تحصیلی بالاتر از دیپلم (۱۷٪) بودند که بیشترین این افراد مربوط به زنان می‌باشند. همچنین، کمترین تعداد مهارت‌آموختگان مربوط به افراد با مدرک تحصیلی ابتدایی و کمتر از سیکل (۱۲٪) می‌باشند. به نظر می‌رسد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توانسته است خلاء مهارت را در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی پر کند. چون تعداد زیادی از این افراد در سال ۹۰ از آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای استفاده نموده‌اند. از نکات جالب توجه در این قسمت می‌توان به این نکته اشاره نمود که ۹۵٪ کارآموزانی که دارای مدرک تحصیلی بالاتر از دیپلم بوده‌اند، زنان هستند و حرفه‌هایی که در مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای گذرانده‌اند، مطابق با نیاز و علائق خودشان بوده است که نشان می‌دهد زنان با هدفمندی بیشتر نسبت به انتخاب دوره‌های آموزشی در جهت ارتقاء مهارت اقدام نموده‌اند.

آموزش در شاخه‌های مختلف آموزشی

از این نظر کارآموزان مهارتآموخته در ۴ شاخهٔ اصلی صنعت، خدمات، کشاورزی و صنعت ساختمان مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج حاصله در قالب جدول آورده می‌شود.

جدول ۲. تعداد و فراوانی مهارت‌آموختگان به تفکیک شاخهٔ آموزشی

جنسیت	شاخهٔ صنعت		شاخهٔ صنعت ساختمان		شاخهٔ خدمات		شاخهٔ کشاورزی	
	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی
زن	۴۷	٪۴	۰	٪۰	۵۵۸	٪۴۹	۲۷	٪۳
مرد	۱۵۶	٪۱۴	۱۴۲	٪۱۲	۲۱	٪۲	۱۸۶	٪۱۶
جمع	٪۱۸		٪۱۲		٪۵۱		٪۱۹	

نتایج حاصله با توجه به جدول ۲ نشان می‌دهد که بیشترین تعداد مهارت‌آموختگان در شاخهٔ خدمات بوده‌اند و کمترین تعداد مهارت‌آموختگان مربوط به شاخهٔ صنعت ساختمان می‌باشند. با نگاهی دقیق‌تر می‌توان دریافت که زنان در شاخهٔ خدمات بیشترین تعداد مخاطب (۴۹٪) را داشته‌اند. اما در صورتی که در سایر شاخه در مجموع ۷٪ آموزش دیده‌اند. در مورد مردان نتایج کاملاً متفاوت است به‌طوری‌که کمترین تعداد و آموزش مربوط به شاخهٔ خدمات بوده و سایر شاخه‌ها تقریباً با یکدیگر مساوی هستند. با توجه به وجود پتانسیل شهرستان در زمینه‌های صنعتی و کشاورزی تعداد مهارت‌آموختگان زنان در این دو شاخه مطلوب به نظر نمی‌رسد. زیرا بسیاری از مشاغل خانگی موجود در شاخهٔ کشاورزی در روستاها با هزینهٔ اولیهٔ بسیار کم قابل اجرا خواهد بود و با ارائهٔ این آموزش‌ها توسط مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای گام بسیار مثبتی جهت اشتغال زنان در حوزهٔ مشاغل خانگی در روستاها برداشته خواهد شد. از اقدامات مؤثر مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای آموزش به تعداد

زیادی از افراد شاغل در حوزهٔ صنعت ساختمان می‌باشد که با ارتقاء مهارت آنان علاوه بر تثبیت اشتغال و افزایش بهره‌وری از مزایای بیمه نیز بهره‌مند شده‌اند.

مرجع معرفی کارآموز

جدول ۳. تعداد و فراوانی مهارت‌آموختگان بر اساس مرجع معرفی کارآموز

جنسیت	کارآموز آزاد		آموزش و پرورش		دانشگاه		بیمه بیکاری		صنعت ساختمان	
	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی
زن	۴۳۴	٪۳۸	۰	٪۰	۲۱۲	٪۱۹	۰	٪۰	۰	٪۰
مرد	۱۷۶	٪۱۵	۶۶	٪۶		٪۰۰	۱۱۷	٪۱۰	۱۴۲	٪۱۲
جمع	٪۵۳		٪۶		٪۱۹		٪۱۰		٪۱۲	

با توجه به جدول ۳ نتایج حاصله نشان می‌دهد که بیشترین تعداد کارآموزان مهارت‌آموخته از کارآموزان آزاد بوده و از نهاد خاصی معرفی نشده بودند. کمترین تعداد کارآموز مربوط به کارآموزان معرفی شده از طرف آموزش و پرورش بودند. نکتهٔ قابل توجه این است که از دانشگاه ۲۱۲ نفر معادل ۱۹٪ کل کارآموزان که همگی هم از زنان بودند، به مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای معرفی و مهارت‌آموخته‌اند. ۶٪ از کارآموزان از طرف آموزش و پرورش معرفی شده بودند که جهت گذراندن برخی مهارت و تطبیق با واحدهای درسی بوده است که اصطلاحاً به این کارآموزان، کارودانشی گفته می‌شوند و در کنار آموزش تئوری در هنرستان‌های آموزش و پرورش، واحدهای عملی خود را در قالب حرفه‌های آموزش مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای می‌گذرانند و با دریافت مدرک دیپلم خود به نوعی آمادهٔ ایجاد شغل و کارآفرینی در صورت عدم راهیابی به دانشگاه خواهند بود.

کارآموزان معرفی‌شده از دانشگاه نیز حرفه‌های مطابق با رشتهٔ تحصیلی خود را در مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای به‌صورت رایگان طی می‌کنند و با ارتقاء مهارت عملی خود آمادهٔ ورود به بازار کار می‌شوند. در قسمت بیمهٔ بیکاری که ۱۰٪ کل کارآموزان را در سال ۹۰ تشکیل می‌دهند، این افراد به هر نحوی که از کار خود بیکار شده‌اند، با توجه به علاقه و نیاز بازار کار و ترجیحاً متناسب با شغل و مهارت قبلی خود، یک دورهٔ آموزشی رایگان را طی نموده‌اند و با یک مهارت بالاتر نسبت به مهارت سنتی خود آمادهٔ ورود به شغل جدید می‌شوند.

محل آموزش

جدول۴. تعداد و فراوانی مهارتآموختگان به تفکیک محل آموزش

جنسیت	مرکز ثابت		آموزش روستایی		تیم‌های سیار شهری		آموزش در دانشگاه	
	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی	تعداد	فراوانی
زن	۲۱۸	٪۱۹	۱۰۸	٪۹	۲۲۰	٪۱۹	۸۶	٪۸
مرد	۳۲۵	٪۲۹	۱۱۰	٪۱۰	۸۰	٪۷	۰	٪۰
جمع	٪۴۸		٪۱۹		٪۲۶		٪۸	

با توجه به نتایج حاصله از جدول ۴ نشان داده می‌شود که بیشترین تعداد مهارت‌آموخته در مرکز ثابت بوده‌اند و کمترین تعداد کارآموز مهارت‌آموخته، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را در دانشگاه گذرانده‌اند. در مرکز ثابت تعداد کارآموزان مرد بسیار بیشتر از کارآموزان زن بوده است. در مورد مکان‌های مختلف آموزشی دیگر این نتایج کاملاً متفاوت بوده است به‌طوری‌که در آموزش روستایی تعداد کارآموزان زن و مرد تقریباً یکسان می‌باشد اما در تیم‌های سیار شهری که در کانون‌های فرهنگی ولایت ناحیهٔ ۱ و کانون فجر ناحیهٔ ۲ و قادرآباد انجام شده است، نتایج نشان می‌دهد که تعداد کارآموزان زن بسیار بیشتر از کارآموزان مرد بوده است. همچنین، در مورد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در دانشگاه نتایج نشان می‌دهد که کلیهٔ کارآموزانی که در دانشگاه آموزش دیده‌اند، زن بوده‌اند و این افراد آموزش‌های متناسب با رشتهٔ تحصیلی خود را به صورت هدفدار طی نموده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

- ✓ نتایج نشان می‌دهند که کارآموزان اکثر رشته‌های آموزشی نیاز به دوره‌های تکمیلی و درجهٔ یک برای افزایش مهارت دارند تا نه تنها سطح آموزشی خود را ارتقاء دهند، بلکه با توجه به نیاز واقعی شغلی آن‌ها تطابق و تناسب بیشتری با کاری که انجام می‌دهند، پیدا کنند.
- ✓ پیشنهاد می‌شود قبل از شروع دورهٔ آموزشی مشاورهٔ تخصصی کارآموزان در خصوص نیاز بازار کار انجام شود نه این‌که آموزش‌ها فقط بر اساس علائق شخص کارآموزان باشد.
- ✓ با توجه به روند ثبت‌نام مشاغل خانگی و علاقمندی زنان به اشتغال نتایج نشان می‌دهد که انتخاب رشتهٔ آموزشی در زنان شاغل هدفدار بوده است.
- ✓ ارزیابی دقیق از وضعیت بازار و نیازهای آن با توجه به قابلیت‌ها و پتانسیل‌های اشتغال در هر منطقه صورت گیرد.
- ✓ رشد، توسعه و ایجاد رشته‌ها و مهارت‌های ارائه‌شده در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای مبتنی بر نیاز بازارکار و قابلیت خود اشتغالی در قالب صنایع و کارگاه‌های کوچک باشد.
- ✓ ارائهٔ آموزش‌های اجباری و کوتاه‌مدت تهیهٔ طرح‌های توجیهی برای فعالیت‌های محدود اقتصادی در قالب مراکز کوچک صنعتی و کارگاهی در مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای به همراه مهارت تخصصی که فراگیر جهت آموزش آن ثبت‌نام نموده است، سبب می‌شود تا در صورت ایجاد هرگونه فعالیت خوداشتغالی، پیش‌بینی وجوه مختلف سرمایه‌گذاری توسط متقاضی لحاظ گردد.
- ✓ معرفی الگوهای برتر افراد خوداشتغال مهارت‌آموخته مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای برای ایجاد انگیزه در کارآموزان دیگر.
- ✓ تبلیغات بیشتر از طریق رسانه‌های گروهی انجام گیرد تا افراد از وجود مرکز آموزش و رشته‌های مختلف مهارتی آگاهی کسب نمایند.
- ✓ توسعهٔ رشته‌های پرکاربرد و اشتغال‌زا در سطح مرکز.
- ✓ ایجاد محدودیت پذیرش در حرفه‌هایی که کمترین اشتغال‌زایی و نیاز بازار را دارند.

منابع

عظیمی جنزق، علی، نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعهٔ کارآفرینی، ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۵.
باقری چرخی، بابک، بررسی وضعیت اشتغال آموزش‌دیدگان فنی و حرفه‌ای، اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۴.
نهال طهماسبی، محمدرضا، بررسی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعهٔ خوداشتغالی در استان هرمزگان طی سال‌های ۱۳۸۲الی ۱۳۸۵، ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان هرمزگان، ۱۳۸۵.
فرهودی، علیرضا، تأثیر آموزش‌های غیررسمی فنی و حرفه‌ای بر اشتغال شهرستان کرمانشاه (۱۳۸۵-۱۳۸۶)، ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان کرمانشاه، ۱۳۸۶.
آغاز، محمد حسن، ارزیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان مرکزی در کاریابی کارآموزان، ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مرکزی، ۱۳۸۱.
منفردی راز، براتعلی،، سامانیان، مصیب و وکیلی، نسرین، تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی بر اشتغال زنان استان خراسان شمالی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان خراسان شمالی، ۱۳۸۵.
ذوالفقاری، محمد، نیازهای آموزشی بازار کار استان مرکزی، ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مرکزی، ۱۳۸۷.
صحرائیان، ناهید، بررسی وضعیت اشتغال کاراموزان مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای استان مرکزی در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷، ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مرکزی، ۱۳۷۹.
تقویم آموزشی مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خرم‌بید.

بررسی وضعیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی زنان استان گلستان و میزان اشتغال‌یافتگی آنان برپایهٔ سامانهٔ رصد اشتغال در سال ۱۳۹۱

ترانه عنایتی[۱]
ابراهیم پفاژ[۲]

چکیده

با توجه به نقش مؤثر زنان در فعالیت‌های تولیدی، ارتقای سطح آگاهی شغلی آنان منجر به بهینه‌سازی روش‌های تولیدی و استفادهٔ هر چه بیشتر و بهتر از امکانات می‌گردد. در این میان، فعالیت زنان در مشاغل خانگی شرایطی را فراهم می‌نماید تا ضمن کمک به اقتصاد خانواده، بخشی از اهداف توسعهٔ اقتصادی کشور نیز تأمین گردد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با رشد استعدادها، خلاقیت، نوآوری و ارتقاء سطح مهارت و تخصص، این امکان را به آنان می‌بخشد تا نقش‌های بیشتر و متنوع‌تری را در جامعه ایفا نمایند. طی سال ۱۳۹۱ تعداد ۳۰۲۸۱ کارآموز زن در مراکز دولتی و آموزشگاه‌های آزاد فنی و حرفه‌ای استان گلستان آموزش دیده‌اند که ۸۵٪ آن‌ها قابلیت اشتغال در مشاغل خانگی را داشته‌اند. طبق گزارش سامانهٔ رصد اشتغال که به‌منظور ثبت و بررسی وضعیت اشتغال افراد در سراسر کشور تهیه گردیده است. طی همین مدت، آمار۹۶۵ نفر از افرادی که موفق به یافتن شغل گشته‌اند، در این سامانه ثبت شده است که ۹۵۲ نفر آن در قالب خوداشتغالی بوده است. از این تعداد ۴۶۲ نفر در مشاغل خانگی مشغول به‌کار شده‌اند که ۴۳۱ نفر آنان زن می‌باشند. این تحقیق درصدد بوده است ضمن بررسی وضعیت مهارت‌آموزی زنان در مشاغل خانگی در شهرستان‌های استان گلستان با استفاده از گزارشات سامانهٔ رصد به تحلیل وضعیت اشتغال آنان بپردازد.

واژگان کلیدی: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مشاغل خانگی، زنان، اشتغال، سامانهٔ رصد.

---

۱. دکترای مدیریت آموزشی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، Email:tenayati@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، Email:e_pofazh@yahoo.com

مقدمه

فعالیت اقتصادی و کار و تلاش، همواره قرین زندگی زنان بوده است. زنان در طول تاریخ، علاوه بر انجام کارهای خانه، همیشه همگام با مردان به فعالیت‌هایی مثل کشاورزی و دامداری اشتغال داشته و از این طریق، بخشی از هزینهٔ خانواده را بر دوش کشیده و به اقتصاد خانواده کمک می‌کرده اند (طعامی،۱۳۹۱).

مشاغل خانگی یا کسب و کار خانگی آن‌دسته از فعالیت‌هایی است که توسط عضو یا اعضای خانواده در فضای مسکونی در قالب یک طرح کسب و کار، بدون مزاحمت و ایجاد اخلال در آرامش واحدهای مسکونی همجوار شکل می‌گیرد و به تولید خدمت و یا کالای قابل عرضه به بازار خارج از محیط مسکونی منجر می‌شود (وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱). در این شیوه، فرد شغل خود را به منزل می‌آورد و به‌جای اینکه هزینه‌های زیادی برای اجاره یا خرید ساختمان بدهد می‌تواند در منزل کار و شغل خود را به انجام برساند. در این نوع کسب و کار ارزش‌افزوده کالا و خدمات تولیدشده نصیب صاحبخانه می‌گردد (مرکز امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران،۱۳۹۱).

بررسی نشان می‌دهد با گسترش روزافزون فناوری‌های نوین به‌ویژه فناوری دیجیتالی و گسترش فضای مجازی، فرصت‌های اقتصادی زیادی برای مشاغل خانگی ایجاد شده است به‌طوری که ۲۰ درصد درآمد کشورهای در حال‌توسعه از مشاغل خانگی به‌دست می‌آید که نمونهٔ آن کشورهای چین و بنگلادش هستند. کسب و کار خانگی از نظر ایجاد شغل، نوآوری در عرضهٔ محصول یا خدمت موجب تنوع و دگرگونی زیادی در اجتماع و اقتصاد هر کشور می شود.

کسب و کارهای خانگی در ایران سابقهٔ دیرینه دارند. بسیاری از صنایع که امروزه هم وجود دارند، در منازل و محل سکونت افراد تولید شده‌اند. در ایران به علل مختلفی حمایت از این مشاغل می‌تواند اثرگذاری بالایی داشته باشد. نخست آنکه در کشورمان این مشاغل به‌طور سنتی در قالب فعالیت‌های استاد ـ شاگردی زمینهٔ تاریخی قابل توجهی دارد، دوم اینکه با توجه به سهم بالای زنان در اقتصاد ملی و افزایش سطح سواد در این گروه از جامعه و همچنین مسائل فرهنگی مربوط به اشتغال زنان این امکان فراهم می‌شود که با توسعهٔ مشاغل خانگی از ظرفیت‌های اقتصادی زنان در جامعه استفادهٔ بهتری شود. با توجه به اینکه یکی از راه‌های سلامت روان داشتن کار و اشتغال است، بنابراین، باید با بینش و آگاهی لازم آنان را به سمت این مشاغل سوق داد و با آموزش حرفه و شغل مناسب هم جامعه را از معضلات دور کرد و هم سلامت روانی جامعه را تضمین کرد (طعامی،۱۳۹۱).

پژوهش‌ها حاکی از آن است که آموزش و مهارت‌آموزی بر روی توانایی نیروی کار برای بهره‌وری بیشتر در طول زمان اثر دارد. اقتصاددان‌ها معتقدند که افزایش پایدار و قابل توجه در بهره‌وری نیروی کار از مقدار و کیفیت بهتر منابع سرمایه‌ای توأم با آموزش بیشتر و بهبود فرآیند تولید ناشی می‌شود. به اعتقاد هاربیسون، انسان در حالت طبیعی، پرورش نیافته است و با آموزش، تربیت و تجربه، توانایی او برای کار مولد افزایش می‌یابد (ابطحی و کاظمی، ۱۳۸۰).

بدون شک برای ایجاد مهارت در نیروی انسانی و افزایش توانمندی و بهره‌وری آن که از الزامات توسعه و ارتقاء کیفیت فناوری جامعه است، باید به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اهمیت داد و زمینه‌های لازم و امکانات اجرایی مورد نیاز را فراهم آورد. دراین راستا، بایستی راهکاری برگزید تا حداکثر استفاده از تمامی منابع در اختیار برای اجرای هدفمند آموزش‌های مهارتی انجام و با حرکت در مسیر توسعهٔ منطقه‌ای کمترین اتلاف منابع و بیشترین بازدهٔ آموزشی را میسر ساخت (شادکام و پفاژ،۱۳۹۱).

ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان گلستان همواره درصدد بوده است تا با مقایسهٔ مستمر میزان انطباق آموزش‌های مهارتی با مسیر توسعهٔ استان و برنامه‌های اقتصادی پیش‌بینی شده، برنامه‌های آموزشی خود را هماهنگ سازد. این پژوهش نیز به‌دنبال آن است تا در حوزهٔ آموزش زنان استان تحلیلی از تأثیر آموزش‌های ارائه‌شدهٔ مشاغل خانگی را در محورها و فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده به‌ویژه در سند توسعهٔ اشتغال استان بر اشتغال زنان مهارت آموخته، انجام و پیشنهادات خود را در جهت همسویی و هم‌راستایی هرچه بهتر ارائه نماید. بدیهی است اجرایی شدن این پیشنهادات نیازمند فراهم‌سازی امکانات و بسترسازی لازم توسط مدیران استانی و حمایت عملی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در استان خواهد بود.

روش‌شناسی

این پژوهش به روش بررسی اسنادی انجام گرفته است. در این پژوهش، از تحلیل وضعیت اقتصادی استان در سند توسعهٔ اشتغال و سند آمایش استان و آمارهای موجود و پیش‌بینی‌شده قابل اطمینان در خصوص وضعیت جمعیت شاغلین و وضعیت اقتصادی استان و آمارهای ارائه‌شده از طرف ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان گلستان مبنی بر دوره‌های آموزشی اجراشده در سال ۱۳۹۱ برای زنان به تفکیک حوزه‌ها، گروه‌ها و رشته‌های آموزشی و نیز نتایج حاصل از ثبت آمار شاغلین زن مهارت‌آموخته در سامانهٔ رصد اشتغال استفاده شده است. تحلیل و تطبیق داده‌ها و ارتباط آن با میزان اشتغال‌یافتگی افراد بر اساس مراجعه به خبرگان و بررسی نتایج این تحلیل و تطبیق استفاده شده است. جامعهٔ آماری، کلیهٔ آموزش‌دیدگان زن فنی و حرفه‌ای در مشاغل خانگی استان گلستان در سال ۱۳۹۱ می‌باشد.

یافته‌ها

مروری بر وضعیت اشتغال استان گلستان

استان گلستان یکی از محدود استان‌های کشور است که جمعیت روستایی آن بیشتر از جمعیت شهری است. از طرف دیگر، سرمایه‌گذاری در حوزهٔ صنعتی طی سالیان گذشته در مقایسه با استان‌های صنعتی کشور، ناچیز بوده است. به همین جهت، ساختار تقاضای نیروی کار ساختاری سنتی با محوریت بخش کشاورزی در جذب نیروی کار بوده است که با توجه به محدود بودن منابع پایه در این بخش سبب افزایش تراکم نیروی کار، خرد شدن زمین‌های کشاورزی، کاهش بهره‌وری نیروی کار، فشار بر منابع طبیعی و محیط زیست و ... شده است.

مقایسهٔ تحولات اشتغال در مناطق شهری و روستایی استان در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نشانگر رشد سریع‌تر فرصت‌های شغلی در مناطق شهری است، به‌نحوی که در مقابل هر ۱۰۰ شغل جدیدی که طی این دوره در روستاها ایجاد شده، ۱۹۵ فرصت شغلی در مناطق شهری به‌وجود آمده است. برآوردها حاکی از آن است که تعداد شاغلان استان در سال ۱۳۸۹ به بیش از ۵۵۷ هزار نفر افزایش یافته، بنابراین، درحالی که در دههٔ منتهی به ۱۳۸۵ به‌طور متوسط سالانه نزدیک به ۱۴ هزار شغل ایجاد شده این شاخص در دورهٔ ۱۳۸۵-۱۳۸۹ به بیش از ۱۷۵۰۰ شغل افزایش یافته است (سند آمایش سرزمین استان گلستان،۱۳۹۰).

اما بررسی روندها نشان‌دهندهٔ انتقال تقاضا به سمت خدمات صنعتی و خدماتی و کاهش نیروی کار کشاورزی است. در این استان بخش کشاورزی در مرحلهٔ گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد مدرن، به‌عنوان بخش تأمین‌کنندهٔ نیروی کار محسوب می‌شود. اما یکی از وجوه مهم همین روند، زوال تدریجی برخی مزیت‌های نسبی سنتی استان، چون تولید پنبه در بخش کشاورزی استان، در نتیجهٔ کاهش سرمایه‌گذاری و جایگزینی آن با فعالیت‌هایی با بازدهی بالاتر و نیز کاهش تمایل نسل‌های جدید به تداوم کشت پنبه در استان است. درکنار آن، کاهش تدریجی رقابت‌پذیری صنایع مکمل تولید پنبه چون صنایع نساجی، تقاضای این فعالیت‌ها برای نیروی کار را در استان کاهش داده است. این روند در کنار مکانیزاسیون تدریجی فعالیت‌های صنعتی، خدماتی و کشاورزی و جایگزینی روش‌های سرمایه‌بر به جای روش‌های سنتی کاربر، باز هم کاهش بیشتری در تقاضای نیروی کار ایجاد شده است (شادکام و پفاژ،۱۳۹۱).

یکی از مسائل استان گلستان، توزیع نامتقارن فعالیت و اشتغال در پهنهٔ استان است. میزان تمرکز فعالیت و اشتغال در مرکز استان نزدیک به نیمی از کل فعالیت‌هاست. تمرکز زیربناهای اقتصادی و اجتماعی در مرکز استان منجر به گسترش و تداوم مهاجرت نیروی کار از سایر شهرستان‌ها به مرکز استان شده و نرخ‌های بیکاری در سایر شهرستان‌ها نسبت به مرکز استان را افزایش داده است. اما از سوی دیگر، با شکل‌گیری صرفه‌های مقیاس در شهرهای استان و ایجاد بنگاه‌های اقتصادی در شهرها به‌خصوص دو شهر بزرگ گرگان و گنبد، تقاضا و اشتغال نیروی کار در شهرهای استان روندی فزاینده داشته است. روی دیگر این روند، کاهش فرصت‌های اشتغال در روستاهای استان است. این کاهش هم ناشی از کاهش صرفه‌های مقیاس ناشی از مهاجرت روستاییان به شهرها و هم زوال برخی فعالیت‌های سنتی در روستاها و هم به‌کارگیری بیشتر فناوری مدرن در بخش کشاورزی است. بدیهی است تداوم این روند نیز خود به مهاجرت بیشتر نیروی کار از روستاها منجر خواهد شد (شادکام و پفاژ،۱۳۹۱).

جدول شمارهٔ ۱ نماگر وضعیت تراکم شاغلین به تفکیک شهرستان‌های استان گلستان در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹ می‌باشد (سند توسعهٔ اشتغال استان گلستان،۱۳۹۰).

جدول ۱. وضعیت سهم شاغلین استان در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹

شهرستان	1375		1385		1389	
	تعداد	سهم (درصد)	تعداد	سهم (درصد)	تعداد	سهم (درصد)
بندرگز	11002	3.2	15106	3.1	17000	3.02
بندر ترکمن	11289	3.2	17543	3.6	21000	3.74
علی آباد	30225	8.7	34111	7	37000	6.58
کردکوی	12148	3.5	19492	4	23000	4.09
گرگان	85580	24.6	128648	26.4	151000	26.87
گنبدکاووس	61740	17.7	90638	18.6	106000	18.86
مینودشت	26695	7.7	39959	8.2	46500	8.27
آق قلا	26680	7.7	35573	7.3	40000	7.12
کلاله	21667	6.2	31187	6.4	36500	6.49
آزادشهر	20428	5.9	20954	4.3	22800	4.06
رامیان	18862	5.4	23878	4.9	27000	4.80
کمیشان	12148	3.5	14619	3	15700	2.79
مراوه تپه	9705	2.8	15594	3.2	18500	3.29
جمع	348168	100	487303	100	562000	100

مأخذ: اطلاعات بازساری شده سرشماری نفوس و مسکن استان گلستان (مرکز آمار ایران) و برآورد تحقیق

برآوردهای انجام‌شده با سه روش مختلف در سند توسعهٔ اشتغال استان گلستان، حاکی از آن است که در سال ۱۳۸۵ بین ۴۳ تا ۶۰ درصد شاغلان استان در بخش غیررسمی جذب شده‌اند. در این سال، سهم بازار غیررسمی در اجزای مختلف بازار کار استان اعم از شهری و روستایی و زنان و مردان، کمتر از ۴۰ درصد نبوده است و سهم زنان در این بازار همواره بیش از مردان بوده است. گستردگی بخش غیررسمی اثرگذاری سیاست‌های رسمی در بازار کار را کاهش می‌دهد و آسیب‌پذیری شاغلان از نوسانات اقتصادی را افزایش می‌دهد (شادکام و پفاژ،۱۳۹۱).

با وجود کاهش قابل توجه نرخ رشد جمعیت استان (در دههٔ ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵)، نرخ بالای رشد جمعیت در دو دههٔ پیش از آن منجر به عرضهٔ ناگهانی نیروی کار در مقیاسی بسیار بزرگتر از ظرفیت‌های تقاضا و جذب نیروی کار شده است، اما از سوی دیگر، موجب افزایش سهم استان از جمعیت فعال کشور شده است و با وجود کنترل زاد و ولد و نیز مهاجرت بخشی از جمعیت استان به سایر مناطق کشور، نرخ بالای زاد و ولد در دوران یادشده منجر به تشدید روند شکل‌گیری خانوارهای جدید در دههٔ اخیر و افزایش تعداد خانوارها و زاد و ولدهای ناشی از آن با وجود ابعاد کوچکتر خانوارها شده است. این وضعیت به‌طور بالقوه استان را در معرض عرضهٔ گستردهٔ نیروی کار در دههٔ آینده و فشار بر بازار کار استان قرار خواهد داد، اما همین روندها از جمله مهاجرت نیروی کار از استان با وجود آنکه از فشار عرضهٔ نیروی کار در استان می‌کاهد، اما تغییر ترکیب جنسیتی جمعیت استان را در پی داشته است (شادکام و پفاژ،۱۳۹۱).

روندهای توسعهٔ آموزش عالی در کنار نرخ‌های فزایندهٔ شهرنشینی و نیز تحولات فرهنگی و اجتماعی در استان، منجر به افزایش نرخ مشارکت زنان در بازار کار شده و فشارهای طرف

عرضه را افزایش داده است. در عین حال، افزایش سهم زنان در بازار کار زمینهٔ ایجاد تنوع جنسی و افزایش قدرت انتخاب کارفرمایان برای به‌کارگیری نیروی کار با تناسب بیشتری با مشاغل و نیز افزایش میزان رقابت در بازار کار استان شده که موضوع مثبتی به‌شمار می‌رود. روندهای توسعهٔ آموزش عالی، به‌تدریج سهم نیروی کار متخصص، ماهر و آموزش‌دیده را در ترکیب عرضهٔ نیروی کار افزایش داده است. این وضعیت اگرچه قدرت انتخاب بنگاه‌ها برای گزینش نیروی کار مورد نیاز خود در استان را افزایش داده و از سویی قدرت مانور و موفقیت نیروی کار متخصص در مقایسه با سایر جویندگان کار را افزایش داده است، اما از سویی منجر به افزایش تدریجی تعداد و سهم دانش‌آموختگان عالی در ترکیب بیکاران استان نیز شده است (شادکام و پفاژ،۱۳۹۱).

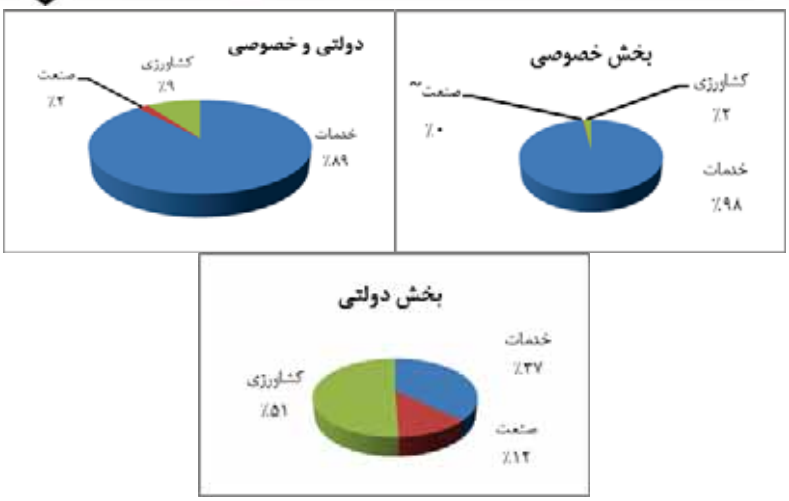
مروری بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ویژهٔ زنان در استان گلستان

ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان گلستان با داشتن ۱۸ مرکز و حدود ۴۵۰ آموزشگاه فنی و حرفه‌ای آزاد در سطح استان اقدام به ارائهٔ آموزش‌های مهارتی به‌منظور ایجاد زمینهٔ اشتغال و یا ارتقاء سطح مهارتی افراد نموده است (ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای گلستان، ۱۳۹۱). آموزش‌های ارائه‌شده برای هر دو قشر زنان و مردان در قالب استانداردهای مهارتی شغل و شایستگی بوده است و در بخش‌های مختلف تابعهٔ مراکز و آموزشگاه‌های آزاد در سه حوزهٔ خدمات، صنعت و کشاورزی ارائه شده است. در سال ۱۳۹۱ تعداد ۲۳۵۹۰ نفر در مراکز دولتی و بخش‌های تابعهٔ آن‌ها آموزش دیده‌اند. در آموزشگاه‌های آزاد نیز ۳۲۰۶۰ نفر که ۲۴۱۷۹ نفر آنان زن و ۷۷۳۳ نفر آنان مرد بوده‌اند، آموزش‌های مهارتی را فرا گرفته‌اند. با توجه به تعداد نسبتاً زیاد آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای آزاد که بر اساس نوع مجوز، فعالیت آنها بیشتر در حوزهٔ خدمات بوده است و نیز باز به همین دلیل، تعداد زنان آموزش‌دیده در این بخش از تعداد مردان بیشتر بوده که این فزونی در عملکرد کلی هر دو بخش دولتی و خصوصی نیز تأثیرگذار بوده است، به نحوی که در مجموع عملکرد این دو بخش ۵۵۶۵۰ نفر شامل ۳۰۲۸۱ زن و ۲۵۰۰۵ مرد می‌باشد (پورتال جامع سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، ۱۳۹۱). با توجه به نوع استانداردهای مهارتی ارائه‌شده به زنان که بیشتر در حوزهٔ خدمات است سهم زیادی از این آموزش‌ها دارای قابلیت ایجاد اشتغال خانگی برای آنان را داشته است. جدول شمارهٔ ۲ آمار ارائهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مشاغل خانگی به زنان استان را طی سال ۱۳۹۱نشان می‌دهد (پورتال جامع سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، ۱۳۹۱).

جدول۲. وضعیت آموزش‌دیدگان زن مشاغل خانگی در سال ۱۳۹۱

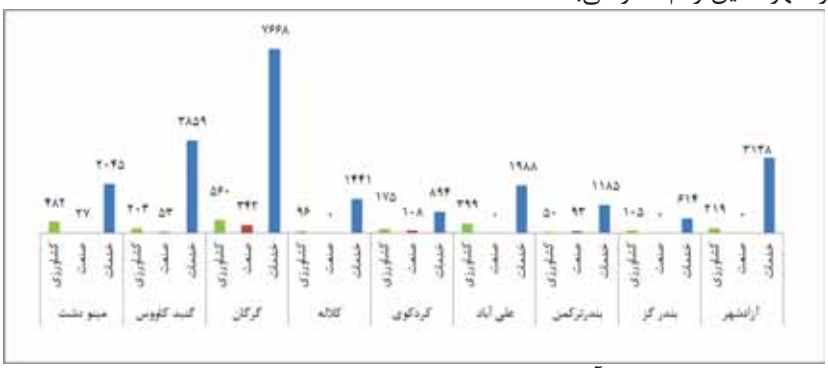
شهرستان	حوشه	تعداد کارآموز زن بخش دولتی	تعداد کارآموز زن بخش خصوصی	جمع کل شهرستان
ازادشهر	خدمات	0	3138	3138
	صنعت	0	0	0
	کشاورزی	204	15	219
ازادشهر	جمع	204	3153	3357
بندر گز	خدمات	54	560	614
	صنعت	0	0	0
	کشاورزی	105		105
بندر گز	جمع	159	560	719
بندرترکمن	خدمات	66	1119	1185
	صنعت	93	0	93
	کشاورزی	50	0	50
بندرترکمن	جمع	209	1119	1328
علی آباد	خدمات	40	1948	1988
	صنعت	0	0	0
	کشاورزی	394	5	399
علی آباد	جمع	434	1953	2387
کردکوی	خدمات	58	836	894
	صنعت	108	0	108
	کشاورزی	160	15	175
کردکوی	جمع	326	851	1177
کلاله	خدمات	178	1263	1441
	صنعت	0	0	0
	کشاورزی	71	25	96
کلاله	جمع	249	1288	1537
گرگان	خدمات	656	7012	7668
	صنعت	316	26	342
	کشاورزی	368	192	560
گرگان	جمع	1340	7230	8570
گنبد کاووس	خدمات	295	3564	3859
	صنعت	43	10	53
	کشاورزی	103	100	203
گنبد کاووس	جمع	441	3674	4115
ی.نو دشت	خدمات	83	1960	2043
	صنعت	27	0	27
	کشاورزی	367	115	482
ی.نو دشت	جمع	479	2075	2554
جمع کل همه شهرها	خدمات	1430	21400	22830
	صنعت	468	36	504
	کشاورزی	1943	467	2410
جمع کل همه حوزه ها		3841	21903	25744

نمودار شمارهٔ ۱ نسبت آموزش‌دیدگان زن مشاغل خانگی را به تفکیک ۳ حوزهٔ مهارت آموزی خدمات، صنعت و کشاورزی نمایش می‌دهد. (پورتال جامع سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، ۱۳۹۱) همان‌طور که مشاهده می‌شود نسبت دوره‌های آموزشی برگزارشده در بخش دولتی در حوزهٔ کشاورزی بیشتر از ۲ حوزهٔ دیگر بوده و تنها در این بخش ارائهٔ آموزش در حوزهٔ صنعت صورت گرفته در حالی که در بخش خصوصی عملکرد حوزهٔ کشاورزی محدود و حوزهٔ صنعت تقریباً صفر بوده است. همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد با توجه به حجم زیاد آموزش‌های ارائه‌شده توسط بخش خصوصی در حوزهٔ خدمات در برآیند عملکرد مجموع دو بخش، سهم حوزهٔ خدمات خیلی بیشتر ۲ حوزهٔ دیگر است.



نمودار ۱. نسبت آموزش‌دیدگان زن مشاغل خانگی در سال ۱۳۹۱ به تفکیک حوزهٔ مهارت

نمودار شمارهٔ ۲ توزیع آموزش‌دیدگان زن مشاغل خانگی را در ۳ حوزهٔ خدمات، صنعت و کشاورزی در شهرهای مختلف استان گلستان نمایش می‌دهد (پورتال جامع سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور،۱۳۹۱). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بیشترین تعداد مهارت‌آموز در شهرستان گرگان و بعد گنبد، آزادشهر و مینودشت دیده می‌شود. در تمام شهرها سهم حوزهٔ خدمات بیشتر است. ارائهٔ آموزش در حوزهٔ کشاورزی نیز به ترتیب برای شهرهای گرگان، مینودشت، علی‌آباد، آزادشهر، گنبد و کردکوی تا حدودی به چشم می‌خورد. آموزش مشاغل خانگی در حوزهٔ صنعت فقط در شهرستان گرگان به میزان محدود انجام گرفته است و در اکثر شهرها این رقم صفر می‌باشد.



نمودار ۲. توزیع آموزش‌دیدگان زن مشاغل خانگی شهرهای استان گلستان در سال ۱۳۹۱ به تفکیک حوزهٔ مهارت

با توجه به جدول ۲ و این دو نمودار به نظر می‌رسد رویکرد آموزش‌های مشاغل خانگی کشاورزی محدود به چند شهرستان آن هم بیشتر در بخش دولتی بوده است و سهم اندک آموزش‌ها در حوزهٔ صنعت بیشتر در ۳ مرکز گرگان، کردکوی و ترکمن در بخش دولتی و به مقدار خیلی ناچیز در شهرهای گرگان و گنبد در بخش خصوصی انجام گرفته است. توزیع ارائهٔ آموزش‌ها در حوزهٔ خدمات در تمام شهرستان‌ها به نسبت تعداد کل مهارت‌آموزان دارای نسبت متقارنی است.

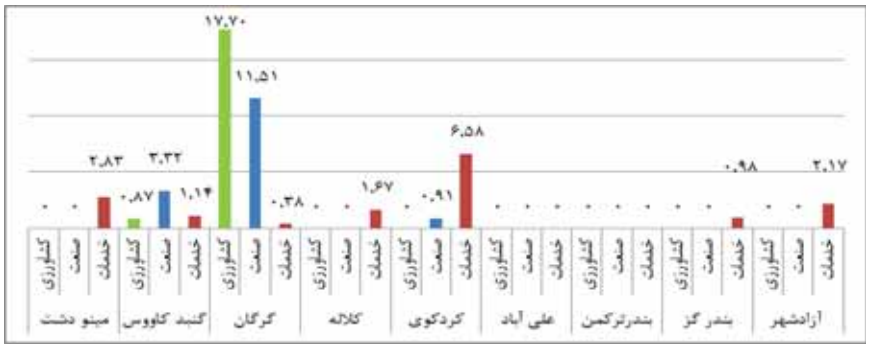
مروری بر آمار اشتغال مهارت‌آموختگان مشاغل خانگی در سامانهٔ رصد اشتغال

سامانهٔ رصد اشتغال توسط دبیرخانه شورای اشتغال کشور مستقر در وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی به‌منظور ثبت و بررسی وضعیت اشتغال افراد در سراسر کشور تهیه گردیده است. در این سامانه کلیهٔ دستگاه‌های اجرایی مرتبط با اشتغال آمار و اطلاعات افرادی را که به واسطهٔ تعهدات آن دستگاه مشغول به‌کار شده‌اند را ثبت و درج می‌نمایند. جدول شمارهٔ ۳ آمار اشتغال‌دارندگان مهارت‌های فنی و حرفه‌ای درج شده در این سامانه در سال ۱۳۹۱ را نمایش می‌دهد (سامانه رصد،۱۳۹۱). بر این اساس، طی سال ۱۳۹۱ تعداد ۹۶۵ نفر مشغول به‌کار شده‌اند که ۹۸/۶۵٪ آن معادل۹۵۲ نفر در قالب خوداشتغالی و در قالب تأسیس واحدهای شغلی، صنفی و تجاری بوده و یا در قالب مشاغل خانگی بوده است. از این تعداد، ۴۶۲ شغل در قالب مشاغل خانگی می‌باشد که ۴۳۱ نفر معادل ۹۳/۲۹٪ از آنان زن بوده‌اند. با مقایسهٔ این ارقام مشخص می‌شود که ۴۴/۶۶٪ شاغلین ثبت شده در این سامانه، زنان اشتغال یافته در مشاغل خانگی می‌باشند.

جدول۳. وضعیت اشتغال زنان در مشاغل خانگی در سال ۱۳۹۱ بر اساس سامانهٔ رصد

شهر	حوزه	تعداد شاغل کل	تعداد شاغل مشاغل خانگی	تعداد شاغل مشاغل خانگی زن
آزادشهر	خدمات	73	73	68
	صنعت	36	0	0
	کشاورزی	0	0	0
آزادشهر	جمع	109	73	68
بندر گز	خدمات	8	8	6
	صنعت	29	0	0
	کشاورزی	0	0	0
بندر گز	جمع	36	8	6
بندرترکمن	خدمات	6	0	0
	صنعت	59	0	0
	کشاورزی	0	0	0
بندرترکمن	جمع	65	0	0
علی آباد	خدمات	172	0	0
	صنعت	29	0	0
	کشاورزی	0	0	0
علی آباد	جمع	201	0	0
کردکوی	خدمات	61	60	59
	صنعت	40	4	1
	کشاورزی	1	0	0
کردکوی	جمع	102	64	60
کلاله	خدمات	28	24	24
	صنعت	28	0	0
	کشاورزی	0	0	0
کلاله	جمع	56	24	24
گرگان	خدمات	98	96	29
	صنعت	50	39	39
	کشاورزی	104	99	99
گرگان	جمع	191	175	168
گنبد کاووس	خدمات	49	49	44
	صنعت	74	7	2
	کشاورزی	2	2	2
گنبد کاووس	جمع	125	58	48
ی‌نو دشت	خدمات	61	61	58
	صنعت	19	0	0
	کشاورزی	0	0	0
ی‌نو دشت	جمع	80	61	58
جمع کل همه شهرها		965	462	431

با در نظر گرفتن توزیع شهرستانی این ۴۳۱ نفر به تفکیک حوزه‌های خدمات، صنعت و کشاورزی و مقایسهٔ آن با توزیع شهرستانی مهارت‌آموختگان زن مشاغل خانگی مندرج در جدول شمارهٔ ۲ با أخذ نسبت، نمودار شمارهٔ ۳ می‌تواند نمایانگر درصد اشتغال به‌کار مهارت‌آموختگان زن مشاغل خانگی در استان باشد (پورتال جامع سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و سامانه رصد،۱۳۹۱).



نمودار ۳. درصد اشتغال خانگی زنان حوزه‌های مختلف استان گلستان در مقایسه با آموزش‌دیدگان فنی و حرفه‌ای سال ۱۳۹۱

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که قبلاً بیان شد بررسی روندها در استان نشان‌دهندهٔ انتقال تقاضا به سمت خدمات صنعتی و خدماتی و کاهش نیروی کار کشاورزی است. اگر ارائهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در استان را بر مبنای میزان تقاضا برای مهارت‌آموزی و در نتیجه تمایل به اشتغال در نظر بگیریم. به نظر می‌رسد تقاضا برای مشاغل خدماتی به نسبت سایر حوزه‌ها بیشتر بوده و بعد از آن با توجه به بافت سنتی استان متقاضی برای مشاغل کشاورزی وجود دارد. همگام با صنعتی شدن تدریجی استان بیشتر تقاضا برای مهارت‌آموزی در مشاغل صنعتی توسط بخش دولتی برآورده می‌شود و بخش خصوصی رغبت چندانی به توسعهٔ دوره‌های مهارتی در حوزهٔ صنعت را نداشته است که می‌تواند علل مختلفی نظیر عدم وجود زیرساخت‌های لازم، سطح حمایت دولت، میزان سرمایه‌های در اختیار این بخش و... داشته باشد که خود می‌تواند زمینه‌ای را برای تحقیق و پژوهش بیشتر فراهم نماید. از طرفی با توجه به اینکه مشاغل خانگی به‌ویژه برای زنان مستلزم صرف هزینه و امکانات کم‌تر می‌باشد؛ استقبال از این آموزش‌ها بیشتر در حوزهٔ کم‌هزینه‌بر نظیر حوزهٔ خدمات و بعد از آن در حوزهٔ کشاورزی بوده است. انجام مشاغل خانگی در حوزهٔ صنعت به نسبت دو حوزهٔ دیگر نیازمند صرف هزینه‌های بیشتر بوده و عواملی نظیر نوع تولید صنعتی، فرآیندها، نوع شغل و مقبولیت و محبوبیت آن برای زنان و امکان انجام آن در محیط خانگی نیز بر این روند تأثیرگذار خواهد بود.

یکی دیگر از مسائل استان توزیع نامتقارن فعالیت و اشتغال در پهنهٔ استان است. میزان تمرکز فعالیت و اشتغال در مرکز استان نزدیک به نیمی از کل فعالیت‌هاست. آمار

آموزش‌های مهارتی ارائه‌شده نیز بیانگر تقاضا و میزان بیشتر تنوع مهارت‌آموزی در شهرهای بزرگ استان است. تأیید این نکته، نسبت اشتغال رهگیری شدهٔ زنان در شهرهای مختلف براساس سامانهٔ رصد است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود درصد بیشتری از افراد دارای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در شهرهای بزرگ استان موفق به اشتغال به مشاغل خانگی شده‌اند و در مقابل، قسمت زیادی از افراد در سایر شهرستان‌ها نتوانسته‌اند موفق باشند. البته با توجه به این که افراد شناسایی و ثبت‌شده در این سامانه الزاماً همان افرادی نیستند که در مقطع زمانی فعلی مهارت‌آموخته‌اند و از طرفی با توجه به تفاوت خیلی زیاد نسبت میانگین اشتغال محاسبه‌شده از این مقایسه، خیلی از افراد آموزش‌دیده هستند که اشتغال یافته‌اند، ولی به هر دلیلی دسترسی به آنها نبوده و در نتیجه آمار آن‌ها در این سامانه درج نشده است. ضمناً تأثیر سایر عوامل مانند تفاوت محل مهارت‌آموزی و اشتغال افراد در شهرستان‌ها و حتی استان‌های مجاور، فاصلهٔ زیاد بین مهارت‌آموزی و اشتغال و گذر از محدودهٔ زمانی ثبت آمار مهارت‌آموزی و زمان شروع به‌کار سامانهٔ رصد در سال‌های اخیر را نیز نباید فراموش کرد. با این حال، می‌توان با فرض نادیده انگاشتن تعدادی از این عوامل به دلیل در اختیار نبودن ابزار کنترل و نیز در نظر گرفتن روند مهارت‌آموزی و اشتغال افراد در دوره‌های متناوب قبل و پیش‌رو در استان به‌طور غیرمستقیم نتایجی را أخذ کرد که بر اساس آن اقدامات اصلاحی و یا توسعه‌ای در برنامه‌ریزی‌های آتی ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان صورت گیرد.

پیشنهادات

- ✓ با توجه به حجم زیاد مهارت‌آموزی در حوزهٔ خدمات و کشاورزی توسعهٔ مشاوره و هدایت شغلی کارآموزان و نیز رهگیری اشتغال آنان به‌ویژه در آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای آزاد و نیز بخش روستایی در آشنایی زنان با شرایط شغلی و انتخاب شغل متناسب با توانایی‌ها و امکان بیشتر برای اشتغال مؤثر خواهد بود. ضمن اینکه به این وسیله امکان پیگیری افراد مشاوره‌شده و درج اطلاعات آنان در سامانهٔ رصد و یا هر فرآیند رهگیری شغلی دیگر فراهم خواهد شد.
- ✓ با توجه به حجم مطلوب آموزش‌های کشاورزی ارائه‌شده در بخش دولتی، به نظر می‌رسد این بخش مستعد توسعهٔ بیشتر می‌باشد. نکته‌ای که نباید فراموش کرد منابع و امکانات مناسبی است که در اختیار زنان به‌ویژه زنان روستایی در بخش کشاورزی است، به‌ویژه در زمینهٔ ارائهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با قابلیت مشاغل خانگی، آموزش‌های تولیدمحور که قابلیت ایجاد ارزش‌افزوده از طریق انجام خدمات و ارائهٔ محصولات را دارد. توسعهٔ مشاغل متناسب با آمایش استان، قطب‌بندی محصولات کشاورزی و تولید محصولاتی که همچنان مزیت نسبی خود را حفظ نموده‌اند، می‌تواند راهگشای توسعهٔ این بخش باشد.
- ✓ با توجه به محدودیت‌های توسعهٔ مشاغل خانگی در بخش صنعت پیشنهاد می‌گردد با ترکیب مشاغل بین حوزه‌ای نظیر خدمات و صنعت و یا مهم‌تر از آن کشاورزی و صنعت، امکان اشتغال افراد در مشاغل بین رشته‌ای فراهم گردد. نظیر آموزش مهارت‌های بسته‌بندی و فرآوری محصولات کشاورزی.

- ✓ با نگاهی به تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار، تغییر دوره‌های آموزشی حوزهٔ خدمات به سمت فنآوری‌های نوین به ویژه مشاغل مجازی و الکترونیکی می‌توان منجر به ایجاد مشاغل خانگی مدرن و یا دارای قابلیت دورکاری گردد که علاوه بر داشتن مزایای منحصر به فرد، نیازمند هزینه و سهم آوردهٔ زیادی هم برای اشتغال افراد نمی‌باشد.

منابع

ابطحی، س.ح ؛ ب، کاظمی (۱۳۸۴). بهره‌وری، انتشارات مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، اقتصاد نو.

ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای گلستان (۱۳۹۱). آمار عملکرد سال ۱۳۹۱. ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای گلستان.

پورتال جامع سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور(۱۳۹۱). سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. وب سایت اینترنتی: http://www.portaltvto.com . دسترسی با نام کاربری اختصاصی در تاریخ: ۹۱/۱۲/۸.

سامانه رصد اشتغال (۱۳۹۱). دبیرخانهٔ شورای اشتغال کشور. وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی وب سایت اینترنتی:http://rasad-eshteghal.ir .دسترسی با نام کاربری اختصاصی در تاریخ: ۹۱/۱۲/۸.

سند آمایش سرزمین استان گلستان (۱۳۹۰)، ویرایش اردیبهشت ۱۳۹۰.

سند توسعهٔ اشتغال استان گلستان (۱۳۹۰)، ویرایش نهایی، اسفند ۱۳۹۰.

شادکام،ف؛ پفاژ، ا (۱۳۹۱). تحلیل تطبیقی آموزش‌های ارتقاء مهارت شاغلین و تنوع فعالیت‌های اقتصادی استان گلستان در سال ۱۳۹۰. همایش راهکارهای ارتقای تولید ملی، حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی. ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای خراسان شمالی، بجنورد، آذر ۱۳۹۱.

طعامی، س (۱۳۹۱). نقش مشاغل خانگی در اقتصاد و اشتغال‌زائی. سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران. وب سایت به آدرس: http://www.corc.ir. دسترسی در تاریخ: ۹۱/۱۱/۲۰.

مرکز امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقهٔ ۱۵ تهران (۱۳۹۱). معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران. وب سایت اینترنتی: http://markaz-ejtemaee15.com . دسترسی در تاریخ: ۹۱/۱۰/۳۰.

تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی مهارتی زنان مطالعهٔ موردی کارآموزان مرکز شمارهٔ ۷ خواهران ایلام

رضا نصری[۱]
امین رستم نیا[۲]
فریبا جمشیدی[۳]
سمیه غیابی[۴]

چکیده

هدف کلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی مهارتی زنان (کارآموزان مرکز شمارهٔ۷ خواهران ایلام) می‌باشد. نوع تحقیق توصیفی و کاربردی است و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود که پس از طراحی روایی صوری آن (بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران) و پایایی (با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۹۴٪) آن سنجیده و در اختیار نمونه‌های جامعهٔ آماری تحقیق قرار داده شد. جامعهٔ آماری تحقیق ۱۰۰ نفر از کارآموزان ۸ رشتهٔ آموزشی مرکز را شامل و نمونهٔ آماری بر اساس جدول مورگان ۸۶ نفر تعیین گردید. پرسش‌نامه‌های دوگانه شامل ۱۵ گویه جهت سنجش توانمندی و ۱۸ گویه جهت سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن تهیه، تکمیل و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. براساس نتایج حاصله می‌توان بیان داشت که دوره‌های آموزشی در تمامی نشانگرهای توانمندی در حد متوسطی نقش داشته‌اند. تحلیل عاملی نیز برای ویژگی‌های دوره‌های آموزشی مهارتی مرکز خواهران ۳ عامل: اثرات روانی، اثرات شغلی و مهارتی، شایستگی و خودباوری با واریانس ۶۳/۷۴ معرفی نمود. بر اساس نتایج رگرسیون گام به گام ۶ متغیر مستقل به مدل وارد شده‌اند که شامل افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشتهٔ آموزشی، افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر، افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس، افزایش توان علمی مطلوب، افزایش قدرت اتکاء به خود بوده و توانسته‌اند۹۴/۲ درصد تغییرات توانمندی مهارتی کارآموزان زن مرکز خواهران ایلام را تبیین نمایند.

واژگان کلیدی: آموزش فنی و حرفه‌ای ایلام، توانمندی مهارتی، زنان.

---

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، معاون اداری و پشتیبانی ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان ایلا
Email:Nasri2003_R@ yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، کارشناس پژوهش ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان ایلام،
Email:aminrostamnia@yahoo.com
۳.کارشناس بودجه ادارهٔ کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان ایلام،
Email:Fariba_gam@yahoo.com
۴. کارشناس رایانه و مربی کارآفرینی مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خواهران ایلام،
Emailsomyehghiabi@yahoo.com

مقدمه

همهٔ متفکران و اندیشه‌ورزان در جهان امروز اتفاق نظر دارند که آموزش از حقوق اساسی هر انسان به‌شمار می‌رود. در فرهنگ ملی ـ اسلامی ما نیز آموزش و یادگیری نه تنها حق انسان به شمار آمده، بلکه به‌عنوان یک"فریضه"بر هر مرد و زن واجب شده است. در فرهنگ دینی ما آموزش و یادگیری منحصر به جنسی خاص نیست و در برگیرندهٔ همهٔ انسان‌ها اعم از زن و مرد، با هر موقعیت اجتماعی و مرتبهٔ شغلی و وضعیت اقتصادی است. به لحاظ ضرورت‌های اجتماعی نیز آموزش زنان از توجیهات کافی و وافی برخوردار است.

زنان نیمی از سرمایهٔ انسانی هر کشور را تشکیل می‌دهند و حتی به قولی آنها "مربی جامعه" هستند. زنان برای ایفای نقش اجتماعی و برای نیل به فلاح فردی و مشارکت در پیشبرد اهداف جامعه، نیازی مبرم به آموزش در جنبه‌های مختلف دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشت و ایمنی، تغذیه و سلامت و مسائل تربیتی و خانوادگی دارند. زنان به‌عنوان یکی از ارکان توسعهٔ کشور در چارچوب فعالیت‌های اجتماعی خود برای همگامی با دنیای پویا و متحول امروزی و برای مشارکت مؤثر در سرنوشت خود و خانواده و همیاری در تصمیم‌سازی در جامعهٔ مدنی ایران اسلامی، نیازمند آموزش هستند. زنان در جامعهٔ امروز ما، برای نقش‌آفرینی بهتر در جایگاه‌های مختلف، همچون خانواده (همسری و مادری)، روابط اجتماعی با دیگر افراد جامعه و انجام وظایف شغلی خود باید مجهز به سلاح دانش و مهارت‌های لازم باشند. بدیهی است منظور از آموزش زنان، فقط انتقال و انباشت اطلاعات و معلومات نیست؛ بلکه ایجاد توانایی تفکر خلاق و سازنده برای حل مسائل فردی و اجتماعی مورد نظر است.

توجه به آموزش زنان و علی‌الخصوص آموزش‌های مهارتی آنها به تحقق آرمان‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه یاری می‌رساند و از این جهت، بخشی از فرایند کلی رشد و توسعهٔ کشور محسوب می‌شود. مسلماً جامعهٔ ما برای رسیدن به فردایی بهتر، به زنان آگاه و ماهر نیاز دارد. واقعیت این است که هرگونه تحول و تغییر سازنده‌ای بدون توجه کافی به آموزش زنان، غیر ممکن است. کاملاً روشن است که همهٔ بزرگسالان از جمله زنان دارای یک سلسله دانش و تجربیات آموزشی و مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای هستند. اما این دلیل نمی‌شود که آنها را بی‌نیاز از هرگونه برنامه‌های دانش‌افزایی و مهارت‌های نو بدانیم. چرا که با سرعت چشمگیری که در تحولات علمی و مناسبات اجتماعی مشاهده می‌شود، بدیهی است دانش و اندوخته‌های این گروه و همچنین مهارت‌های علمی آنها هر روز کهنه‌تر شده، "روز آمدی"و"کار آمدی"خود را از دست می‌دهد. کشور ما که با تکیه بر نیروهای خودی به سوی کسب و حفظ استقلال در همه شئون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گام برمی‌دارد، بدون مشارکت زنان توانمند به اهداف خود دست نخواهد یافت. برای آموزش مستمر زنان اندیشه کنیم و برنامه‌های منظم و مدونی در قالب آموزش‌های غیررسمی در سه بعد دانش‌افزایی، تغییر و اصلاح نگرش‌ها و مهارت‌آموزی برای آنها فراهم نماییم. لذا، در این تحقیق بر آن شدیم که میزان تأثیر آموزش‌های غیررسمی فنی و حرفه‌ای را بر توانمندسازی مهارتی زنان مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

امروزه، اشتغال یکی ا ز شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعهٔ اقتصادی به‌شمار می‌رود. با اینکه ضرورت و الزام اقتصادی اشتغال و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی همواره در تاریخ پیشرفت و توسعهٔ جوامع مطرح بوده است، اما هنوز در این زمینه وضعیت مطلوبی برای زنان ایجاد نشده است. یکی از دلیل‌های آن توجه اندک به آموزش زنان و عدم بسترسازی مناسب برای ایجاد فرصت‌های اشتغال آنان است. این محرومیت، جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان را در فرایند توسعهٔ پایدار به شدت تنزل بخشیده است. (پاپ زن و همکاران، ۱۳۹۰)

خلوتی (۱۳۸۵) در تحقیقی به بررسی میزان توانمندی زنان خانه‌دار و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان شیراز پرداخته و نتایج تحقیق وی نشان داد که میزان توانمندی زنان خانه‌دار پایین است است. آزمون فرضیات بیانگر این بود که بین سرمایهٔ روانی، دسترسی، مشارکت و کنترل در حوزهٔ دولت و جامعه که از متغیرهای این تحقیق بودند، با میزان توانمندسازی زنان خانه‌دار بیشترین همبستگی وجود دارد ($P<0.01$). نتایج تحلیل رگرسون چندمتغیرهٔ تحقیق وی نیز نشان داد که بر اساس ضریب تبین تعدیل‌شده ۸۸٪ تغیرات متغیر وابسته یعنی میزان توانمندی زنان خانه‌دار به وسیلهٔ هشت متغیر واردشده در معادله تبیین می‌شود. در واقع، وی نشان داد که عواملی نظیر عزت نفس، خود کارآمدی، توانایی بیان آرزوها، و علایق و جامهٔ عمل پوشاندن به آنها حتی زمانی که عرف و جامعه آنها را نمی‌پذیرد و به چالش طلبیدن شرایط موجود، آگاهی از عوامل ناتوانی و مقابله با آنها به صورت گروهی، توانایی تصمیم‌گیری در حوزه‌های مهم و استراتژیک زندگی، دسترسی به منابع مالی، مشارکت در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی، تعیین‌کننده‌های اصلی میزان توانمندی زنان خانه‌دار در ایران هستند.

پاپ زن و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "ارزشیابی آموزش‌های فنی حرفه‌ای زنان روستایی در زمینهٔ صنایع دستی" به این نتیجه رسیدند که تفاوتی معنادار بین مهارت پیشین و کنونی پاسخ‌گویان در زمینهٔ صنایع دستی پس از شرکت در برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای به‌دست آمد. بررسی تفاوت در تغییر دانش زنان روستایی بر حسب سطح تحصیلات، حاکی از آن بود که اختلافی معنادار بین تغییر دانش زنان روستایی در سطوح گوناگون تحصیلی وجود دارد. رهنود و همکاران (۱۳۸۷) عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان را در شرکت مخابرات ایران مورد تحلیل و بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که سطح توانمندی کارکنان زن در حد متوسط است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی نیز معرف عوامل تأثیرگذار است ۱. نگرش مدیریت؛ ۲. ساختار گروهی؛۳. ارزش‌های بین گروهی؛ و ۴. روابط اطلاعاتی. مدل تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که از عوامل فوق سه متغیر نخست در مدل وارد شده و مجموعاً ۶۳ درصد از تغییرپذیری در سطح توانمندی کارکنان زن را تبیین می‌کنند. کتابی و همکاران (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه را مورد مطالعه قراردادند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن است که که عواملی همچون افزایش سطح تحصیلات و مهارت‌های حرفه‌ای، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی عوامل مؤثری در توانمندسازی زنان هستند. شکوری (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان سیاست‌های

حمایتی و توانمندسازی زنان به بررسی ابعاد برنامه‌های حمایتی کمیته امداد امام خمینی(ره) در توانمندسازی زنان پرداخت. نتایج تحقیقات و نشان داد که خدمات ارائه‌شده در قالب برنامه‌های مذکور نقش قابل توجهی در بالا بردن خود اتکایی و توانمندسازی زنان جامعهٔ نمونه نداشته و فقط محدود به توانمندی آن دستهٔ معدود از زنانی بوده که از خدمات خاصی مانند وام خوداشتغالی و خدمات آموزش (مهارتی) استفاده نموده‌اند و زمینه‌های مساعدتری داشته‌اند.

قلی‌پور و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران پرداخت. در این تحقیق تلاش شد نقش تحصیلات و اشتغال در توانمندسازی زنان تهران بررسی و مقایسه شود که آیا آنچه در کشورهای غربی به اثبات رسیده با توجه به فرهنگ و پیشینهٔ ما مصداق دارد یا خیر؟ داده‌های تحقیق نشان داد که تحصیلات رسمی اثر معناداری روی توانمندسازی زنان شهر تهران دارد. ($P<0.01, t=3.27, 0.18$). هرچند انتظار محققین این بود که ضریب تحصیلات از درآمد بالا باشد ولی به دلیل نرخ بالای بیکاری در کشور و انتظار پایین در یافتن شغل برای زنان در ایران موجب شده است که ضریب تحصیلات نسبت به اشتغال در مدل آنها پایین باشد. منفرد (۱۳۸۷) نقش آموزش‌های علمی‌کاربردی در توانمندسازی فارغ‌التحصیلان کارآفرین را بررسی نمود. یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش‌های علمی‌کاربردی می‌تواند در گسترش کارآفرینی مورد استفاده قرار گیرد. یافته‌ها بیانگر این است که آموزش‌های علمی‌کاربردی با تأثیر بر ۳۳ مورد از ویژگی‌های شخصی و فردی و شغلی دانشجویان زن، در توانمندی آنها مؤثر بوده و آنها را برای کارآفرینی آماده می‌کند.

شکوری و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان "مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها" به این نتیجه رسیدند که تنها ۴۰ درصد دارای مهارت حرفه‌ای و ۶۰ درصد فاقد مهارت بودند. بررسی تفصیلی نشان داد که از بین افرادی که مهارت حرفه‌ای داشته‌اند، ۱۲/۴ درصد خیاطی، ۱۱/۵ درصد آرایشگری، ۴/۴ درصد قالی‌بافی، ۲/۲ درصد مهارت‌های رایانه‌ای و ۵/۳ درصد از سایر مهارت‌ها برخوردار بوده‌اند. تنها ۲۶ درصد افراد دارای مهارت‌هایی می‌باشند و می‌توانند از طریق آن کسب درآمد نمایند. جعفری مهتاش (۱۳۸۵)، آن دسته از خدمات کمیتهٔ امداد که صرفاً جنبهٔ کمک مالی دارند، تأثیر چندانی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار نداشته و فقط آن دسته از خدمات کمیتهٔ امداد که در راستای تقویت عاملیت زنان می باشد، وام‌های خود اشتغالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌تواند منجر به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از نظر اقتصادی و روانی شود. از جمله ویژگی‌های فردی که بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بیش‌ترین تأثیر را داشته است، تحصیلات، مهارت‌ها و وضعیت اشتغال زنان بوده است. به این معنی که آن دسته از زنان که دارای تحصیلات بالاتر و یا صاحب مهارت بودند، به لحاظ این که با استفاده از قابلیت‌های خود قادر به کار کردن بودند، توانمندتر از سایر زنان بودند. آموزش و آگاه‌سازی باعث افزایش میزان عزت نفس زنان سرپرست خانوار می شود و مشاوره، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کارهای هنری و کارآفرینی به توانمندی زنان سرپرست خانوار کمک می‌کند. قلی‌پور و رحیمیان (۱۳۸۸)، یافته‌ها نشان‌دهندهٔ آن است که آموزش مهارتی و طرح‌های خوداشتغالی

موجب بروز احساس توانمندی در زنان سرپرست خانوار می‌شود. زنان سرپرست خانوار به دلیل داشتن نقش‌های متعدد فرصت آموزش ندارند و معمولاً در مقایسه با دیگر زنان از تحصیلات کمتری برخوردارند. از این‌رو، آموزش تأثیر مثبتی بر خانواده آنها دارد. همچنین اغلب، بزرگترین مشکل زنان سرپرست خانوار مشکل اقتصادی است و هر اقدامی برای کاهش این مشکل مفید خواهد بود.

قلی‌پور و رحیمیان (۱۳۸۸)، زنان به دلیل نیاز مالی به دنبال شغل هستند، اما با توجه به پایین بودن سطح سواد، شغل مناسبی نخواهند یافت. لذا، مهارت‌آموزی از اقداماتی است که می‌تواند آمادگی آنان را برای اشتغال فراهم نماید. اما علتی که مهارت‌آموزی به‌عنوان یکی از ابزارهای توانمندسازی در این تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت، از نظر محققین آن است که زنان سرپرست خانوار اغلب عنوان می‌کردند از مهارتی که آموخته بودند به دلیل نداشتن سرمایهٔ اولیه نتوانسته بودند استفاده کنند. البته در بعضی سازمان‌ها به افرادی که دارای مدرک فنی و حرفه‌ای بودند وام خوداشتغالی داده می‌شد، ولی زنان سرپرست‌خانوار مطرح می‌نمودند که وام مذکور برای ایجاد اشتغال شخصی کفایت نمی‌کند. از این‌رو، مهارت آموخته‌شده از نظر آنها بدون استفاده باقی می‌ماند.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش پیش روی از نوع پژوهش‌های توصیفی-کاربردی است. جامعهٔ آماری مورد بررسی در این تحقیق، کارآموزان مرکز شمارهٔ ۷ خواهران ایلام به تعداد ۱۰۰ نفر می‌باشند. از میان آنها بر اساس جدول مورگان تعداد نمونهٔ متناسب با جامعه به تعداد ۸۶ نفر تعیین گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسش‌نامه می‌باشد. پرسش‌نامهٔ اول مبتنی بر ۱۵ سؤال برای سنجش توانمندی و پرسش‌نامهٔ دوم با ۱۸ گویه برای سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن طراحی گردید. این گویه‌ها در قالب پرسش‌نامه سازماندهی و برای سنجش دیدگاه‌ها از طیف لیکرت و درجات خیلی‌کم تا خیلی‌زیاد بهره‌گیری شد. پرسش‌نامه‌ها برای افراد نمونه ارسال گردید تا مؤلفه‌های توانمندی و عوامل مؤثر بر آن سنجیده شود. برای تعیین روایی و اعتبار پرسش‌نامه‌ها از روایی محتویی و ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. میزان آلفای به‌دست آمده ۹۴٪ است که در تحقیقات مدیریت از حد بالایی برخوردار است. افراد نمونه از طریق نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک و بر مبنای دفاتر حضور و غیاب انتخاب شدند، پرسش‌نامه‌ها پس از تکمیل، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و Excel صورت گرفت. متغیرهای مستقل تحقیق در مجموع ۱۸ گویه را به خود اختصاص داده‌اند. متغیر وابستهٔ تحقیق نیز توانمندی است که توسط ۱۵ گویه با بهره‌گیری از نتایج تحقیقات معتبر علمی مورد سنجش قرار گرفته است. بنا به ضرورت از شیوه‌های آمار توصیفی از قبیل فراوانی، فراوانی تجمعی و نسبی، میانگین، واریانس، انحراف معیار و ... استفاده شد. همچنین، در بخش آمار استنباطی جهت آزمون فرض‌ها از روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی نظیر آزمون همبستگی (ضریب همبستگی پیرسون)، رگرسیون گام به گام و تحلیل عامل‌ها استفاده و داده‌ها از طریق نرم‌افزار SAS و PATH تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها

الف) آمار توصیفی

مشخصات پاسخ‌گویان: از نظر وضعیت تأهل ۶۹/۸ درصد پاسخگویان مجرد و ۳۰/۲ درصد آنها متاهل بودند. از نظر مدرک تحصیلی بیشترین پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی دیپلم، و کمترین تعداد دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم می‌باشند. از نظر سن بیشتر پاسخ‌گویان در ردهٔ سنی ۲۱ تا ۲۵ سال قراردارند. (جدول ۱)

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان

وضعیت پاسخ‌دهندگان		فراوانی	درصد
تحصیلات	زیردیپلم	۴	۴/۷
	دیپلم	۵۰	۵۸/۱
	فوق دیپلم	۲۲	۲۵/۶
	لیسانس	۱۰	۱۱/۶
سن پاسخگویان	۲۰-۱۵ سال	۲۰	۲۳/۳
	۲۵-۲۱ سال	۳۴	۳۹/۵
	۳۰-۲۶ سال	۱۸	۲۰/۹
	۳۵-۳۱ سال	۱۰	۱۱/۶
	۴۰-۳۶ سال	۴	۴/۷
رشتهٔ مهارتی	نقاشی مداد رنگی کار	۱۲	۱۴
	آشپز سنتی	۱۰	۱۱/۶
	اسمبل و ارتقاء رایانه	۶	۷
	طراحی گرافیک	۸	۹/۳
	بسته‌بندی محصولات تجاری	۱۶	۱۸/۵
	نقشه‌کشی سازه	۱۲	۱۴
	معرق کاشی و سرامیک	۱۰	۱۱/۶
	قالی‌بافی	۱۲	۱۴

توانمندی هنگامی به‌وجود می‌آید که کارآموزان قدرت و توان لازم برای انجام یک شغل یا حرفهٔ جدید را کسب نمایند. فرض این تحقیق این است که آموزش‌های مهارتی زنان در مرکز خواهران ایلام می‌تواند در توانمندی زنان مؤثر باشد. در این تحقیق تأثیر آموزش‌های مهارتی در توانمندی زنان از طریق ۱۵ نشانگر مورد بررسی قرار گرفته است که این نشانگرها به همراه فراوانی و میانگین و رتبه در جدول (۲) آمده‌اند.

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌گردد، نشانگرهایی که میانگین رتبه‌ای بیشتری دارند، بیشترین تأثیر را از آموزش‌ها پذیرفته‌اند که شامل: ۱. افزایش روحیه و نشاط و شادابی ۲. افزایش روحیهٔ کار گروهی، ۳. افزایش روحیهٔ موفقیت‌طلبی، ۴. افزایش قدرت تعامل با دیگران. مطالب فوق مبین آن است که کارآموزان توانمندی در سطح متوسط به بالا را از طریق این آموزش‌ها کسب کرده و توانسته‌اند نتیجهٔ آن را در نگرش، رفتار و عمل خویش نشان دهند.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد توانمندی حاصل از ارائهٔ آموزش‌های مهارتی به کارآموزان زن

نشانگرهای سنجش توانمندی کارآموزان زن	هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین رتبه‌ها	اولویت
افزایش روحیه و نشاط و شادابی	۰	۲	۰	۲۲	۳۴	۲۸	۴	۱
افزایش روحیهٔ کار گروهی	۲	۴	۴	۱۸	۳۲	۲۶	۳/۷۷	۲
افزایش روحیهٔ موفقیت‌طلبی	۰	۲	۶	۲۶	۳۲	۲۰	۳/۷۲	۳
افزایش قدرت تعامل با دیگران	۰	۲	۱۰	۲۲	۳۴	۱۸	۳/۶۵	۴
افزایش قدرت تدبیر در کار	۰	۲	۱۴	۱۸	۳۰	۲۲	۳/۶۵	۵
افزایش اعتماد به نفس	۰	۸	۴	۲۴	۲۸	۲۲	۳/۶۰	۶
افزایش انعطاف‌پذیری	۰	۴	۶	۳۰	۳۰	۱۶	۳/۵۶	۷
افزایش قدرت درک و شناخت حرفه	۰	۴	۱۰	۲۸	۲۴	۲۰	۳/۵۳	۸
تقویت و افزایش تلاش مؤثر	۰	۰	۱۲	۲۶	۳۸	۱۰	۳/۵۳	۹
افزایش خلاقیت	۰	۴	۱۰	۲۶	۳۴	۱۲	۳/۴۶	۱۰
افزایش روحیهٔ ابتکار و نو آوری	۰	۶	۱۰	۳۰	۲۴	۱۶	۳/۳۹	۱۱
افزایش قدرت برتری نسبت به دیگران	۰	۴	۱۲	۳۲	۲۲	۱۶	۳/۳۹	۱۲
افزایش توانایی به‌کارگیری ریسک‌های حساب‌شده	۲	۴	۴	۳۸	۲۸	۱۰	۳/۳۵	۱۳
افزایش واکنش در برابر پیشنهادات	۰	۴	۱۲	۳۸	۱۸	۱۴	۳/۳۰	۱۴
افزایش روحیهٔ پویایی و رهبری	۲	۸	۱۲	۴۲	۱۶	۶	۲/۹۳	۱۵

اما متغییرهایی مانند: ۱. افزایش روحیهٔ پویایی و رهبری، ۲. افزایش واکنش در برابر پیشنهادات، و ۳. افزایش توانایی به‌کار گیری ریسک‌های حساب‌شده، میانگین رتبه‌ای کمتری را کسب کرده‌اند و در اولویت‌های پایین‌تری قرارگرفته‌اند که نشان‌دهندهٔ تأثیر کمتر آموزش‌های مهارتی مرکز خواهران در این‌خصوص یا عدم توجه مدیران مراکز به این موارد می‌باشد.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن

نشانگرهای سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن	هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین رتبه‌ها	اولویت
افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشتهٔ آموزشی	۰	۲	۲	۲۴	۲۶	۳۲	۳/۹۷	۱
افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس	۰	۶	۲	۱۶	۴۴	۱۸	۳/۷۶	۲
افزایش رغبت به کار گروهی	۲	۴	۴	۱۸	۳۲	۲۶	۳/۷۶	۳
این مهارت احساس توانایی خوبی به من داده است	۰	۱۰	۶	۱۴	۳۰	۲۶	۳/۶۵	۴
افزاییش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر	۰	۲	۱۴	۱۸	۳۰	۲۲	۳/۶۵	۵

نشانگرهای سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن	هیچ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین رتبه‌ها	اولویت
افزایش قدرت اتکاء به خود	۰	۸	۴	۲۴	۲۸	۲۲	۳/۶۰	۶
افزایش مهارت در به‌کارگیری آموخته‌ها در بازار کار	۴	۴	۸	۱۸	۳۴	۱۸	۳/۴۹	۷
افزایش تغییرات مؤثر	۲	۶	۶	۲۴	۳۰	۱۸	۳/۴۸	۸
افزایش توان علمی مطلوب	۲	۸	۱۰	۱۰	۴۰	۱۶	۳/۴۶	۹
افزایش تمجید از سوی خانواده	۲	۱۰	۸	۱۸	۳۴	۱۴	۳/۳۲۵	۱۰
افزایش دانش و آگاهی از شغل‌های مرتبط با رشتهٔ آموزشی	۲	۱۸	۱۰	۱۸	۳۶	۱۲	۳/۳۲	۱۱
برتری نسبت به دیگران	۲	۴	۱۶	۲۰	۳۲	۱۲	۳/۳۰	۱۲
افزایش دانش و آگاهی از فناوری‌های نوین رشته	۲	۸	۱۲	۲۰	۳۰	۱۴	۳/۲۸	۱۳
افزایش دانش و آگاهی از بازار کار این رشتهٔ آموزشی	۴	۸	۱۰	۲۰	۳۴	۱۰	۳/۱۹	۱۴
افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۲	۱۰	۱۴	۱۸	۳۲	۱۰	۳/۱۴	۱۵
مشارکت در تصمیمات خانواده و محیط زندگی	۸	۸	۶	۲۶	۲۴	۱۴	۳/۰۷	۱۶
انگیزه در جهت ایجاد کارگاه خود اشتغالی	۸	۶	۱۴	۲۰	۲۰	۱۸	۳/۰۶	۱۷
ایجاد شغل با مهارت آموخته‌شده	۸	۴	۱۶	۲۶	۱۴	۱۸	۳/۰۲	۱۸

محتوای آموزشی باید تا حد ممکن بر مبنای نیازهای یادگیرنده باشد و با واقعیت‌های محیط زندگی و کاری فراگیر ارتباط داشته باشد. نظام آموزشی باید این تجارب را با رشتهٔ علمی مرتبط نموده و زمینهٔ استفاده از قوانین و حقایق علمی را در زندگی فراهم آورد. توجه به تغییرات اجتماعی در تعیین محتوای آموزشی باید مورد توجه برنامه‌ریزان آموزش‌های مهارتی قرارگیرد. همان‌گونه که در جدول شمارهٔ (۳) استنباط می‌شود دیدگاه پاسخ‌دهندگان نسبت به ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن در حد متوسط تا زیاد می‌باشد و گویه‌های ۱. افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشتهٔ آموزشی، ۲. افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس، ۳. افزایش رغبت به کار گروهی، . احساس توانایی، ۵. افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر و ۶. افزایش قدرت اتکاء به خود، با میانگین بالاتر از ۳/۵ رتبه‌های اول تا ششم را به خود اختصاص داده و کمترین میانگین رتبه‌ای نیز به توان ایجاد شغل و توان ایجاد کارگاه خوداشتغالی اختصاص داشت که بایستی برنامه‌ریزان آموزش‌ها در تدوین محتوی آموزش‌های مهارتی به این موارد توجه ویژه داشته باشند.

ب) آمار تحلیلی

۱. تحلیل عاملی آموزش‌های مهارتی زنان: در این تحقیق برای تعیین مقیاس‌های مرتبط با آموزش‌های مهارتی زنان از تحلیل عاملی برای ۱۸ متغیر که ویژگی‌های این آموزش‌ها را تعیین نموده‌اند، بهره‌گیری شد تا مشاهده گردد که آنها را در چند عامل می‌توان خلاصه

نمود. در این‌خصوص، تحلیل عاملی صورت گرفت و در ابتدا میزان KMO محاسبه گردید که معادل ۰/۸۵۷بوده و حکایت از کفایت حجم نمونه داشته و ضریب بارتلت معادل ۱۶۲۷/۳۳ و سطح معنی‌داری آن نیز معادل ۰۰۰/. برآورد شد. که نشان‌دهندهٔ تأثیر انجام تحلیل عاملی تحقیق می‌باشد. در مرحلهٔ بعد تحلیل واریانس و رگرسیونی هر کدام از عوامل مشخص گردید، که به شرح جدول (۵) می‌باشد.

جدول ۵. عوامل تعیین‌شده و درصد واریانس تبیین شده

عوامل	درصد تبیین واریانس هر عامل	درصد تبیین واریانس تجمعی
۱	۲۵/۸۳	۲۵/۸۳
۲	۲۴/۶۷	۵۰/۴۹
۳	۲۴/۱۴	۶۳/۷۴

ملاحظه می‌گردد که برای این نشانگرهای ۱۸گانه در مجموع ۳ عامل شناسایی شده‌اند که ۶۳/۷۴ درصد واریانس را تبیین نموده‌اند. این عوامل بر اساس نوع متغیرها در جدول ۶ تعیین گردیده‌اند. در این جدول نیز سهم هر متغیر در عامل آمده است، که در تعیین نام عوامل یا بار عاملی می‌تواند نقش داشته باشد. هر چند تبیین ۶۳ درصد از تغییرپذیری در سطح توانمندی مهارتی کارآموزان زن مرکز خواهران ایلام توسط ۳ عامل احصاءشده (اثرات روانی، اثرات شغلی و مهارتی، شایستگی و خودباوری) نشانگر اهمیت هر یک از آنهاست، اما نباید این موضوع را نادیده گرفت که واریانس تجمعی ۶۳/۷۴ نشانگر وجود عوامل تأثیرگذار دیگری است که در این پژوهش مد نظر قرار نگرفته‌اند.

جدول ۶. عوامل تعیین‌شدهٔ متغیرهای مربوطه و درصد واریانس تبیین شده

عامل و نام آن	متغیرهای مربوطه	بار عاملی
عامل ۱: اثرات روانی	مشارکت در تصمیمات حیاتی خانواده و محیط زندگی	۰/۸۲۸
	افزایش تمجید از سوی خانواده	۰/۸۲۰
	این مهارت مرا نسبت به دیگران برتر می‌نماید	۰/۷۶۱
	با مهارتی که آموخته‌ام می‌توانم شغل ایجاد کنم	۰/۷۳۸
عامل۲: مهارت و شغل	افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس	۰/۸۵۸
	افزایش دانش و آگاهی از فناوری‌های نوین رشته	۰/۷۳۸
	افزایش دانش و آگاهی از بازار کار این رشتهٔ آموزشی	۰/۷۲۰
	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشتهٔ آموزشی	۰/۶۸۵
	افزایش دانش و آگاهی از شغل‌های مرتبط با رشته	۰/۵۹۵
عامل۳: شایستگی و خودباوری	افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر	۰/۸۲۷
	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۰/۷۷۳
	افزایش رغبت به کار گروهی	۰/۶۴۸
	افزایش توان علمی مطلوب	۰/۶۲۶
	افزایش قدرت اتکاء به خود	۰/۵۶۰
	با مهارتی که آموخته‌ام احساس توانایی خوبی دارم	۰/۵۵۵
	تغییرات مؤثر در من افزایش یافته است	۰/۵۳۰

۲) رگرسیون گام به گام: برای تعیین اثرات متغیرهای مستقل بر وابسته از رگرسیون بهره‌گیری شده است. متغیر وابسته توانمندی کارآموزان زن و متغیرهای مستقل، عوامل مرتبط با آموزش‌های مهارتی می‌باشند. نوع رگرسیون گام به گام می‌باشد. در این روش، قوی‌ترین متغیرها یک به یک وارد معادله می‌شوند تا هنگامی‌که خطای آزمون معنی‌داری به ۵ درصد برسد. در این تحقیق، رگرسیون طی ۵ گام صورت گرفته است و ۵ متغیر مستقل به مدل وارد شده‌اند که شامل افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشتهٔ آموزشی، افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر، افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس و افزایش توان علمی مطلوب می‌باشند. در جدول ۷ خلاصهٔ مدل رگرسیونی آمده است. در این جدول بر اساس گام‌های طی‌شده شدت رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته در هر گام توسط ضریب همبستگی چندگانه نشان داده شده است. همچنین، ضریب تعیین (مجذور ضریب همبستگی چندگانه) که نشان‌دهندهٔ توان تبیین تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و ضریب تعیین تعدیل‌شده آمده است. به دلیل این که ضریب تعیین تعدیل‌شده به درجهٔ آزادی وابسته است و نسبت به ضریب تعیین دقیق‌تر است. آنالیز واریانس نیز نشان‌دهندهٔ معنی‌دار بودن رگرسیون تا گام ششم می‌باشد.

جدول ۷. خلاصه و متغیرهای وارد شده به مدل در هر گام از رگرسیون

مدل	متغیرهای واردشده به مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده
۱	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۰/۸۴۵	۰/۷۱۳	۰/۷۱۰
۲	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته	۰/۹۱۹	۰/۸۴۵	۰/۸۴۱
۳	افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر	۰/۹۴۷	۰/۸۹۸	۰/۸۹۴
۴	افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس	۰/۹۵۹	۰/۹۲۰	۰/۹۱۶
۵	افزایش توان علمی مطلوب	۰/۹۶۷	۰/۹۳۵	۰/۹۳۱

در جدول (۸) آخرین مرحله از اجرای رگرسیون گام به گام متغیرها، ضرایب استاندارد و غیر استاندارد، انحراف معیار، تی استیودنت و معنی‌داری آنها آمده است. مشاهده می‌گردد که تمامی متغیرهای وارد شده به مدل در هر مرحله، با معنی‌داری بالایی به تحلیل وارد شده‌اند و تا گام ششم با معنی‌داری در سطح یک درصد وارد مدل شده‌اند.

جدول ۸. ضرایب به‌دست آمده از تحلیل رگرسیون و سطوح معنی‌داری آنها

مدل	متغیرهای واردشده در مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استانداردشده	t	Sig	ضریب تبیین R^2
		(B)	انحراف معیار	(Beta)			
۱	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۰/۵۲۸	۰/۰۳۷	۰/۸۴۵	۱۴/۴۵۹	۰/۰۰۰	۰/۷۱۳

مدل	متغیرهای واردشده در مدل	ضرایب غیراستاندارد (B)	ضرایب غیراستاندارد انحراف معیار	ضرایب استانداردشده (Beta)	t	Sig	ضریب تبیین R^2
۲	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۰/۳۴۳	۰/۳۵	۰/۵۴۸	۹/۸۴	۰/۰۰۰	۰/۸۴۵
	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشتهٔ آموزشی	۰/۳۸۶	۰/۴۶	۰/۴۶۹	۸/۴۱	۰/۰۰۰	
۳	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۰/۲۰۷	۰/۰۳۵	۰/۳۳۲	۵/۸۶	۰/۰۰۰	۰/۸۹۸
	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشتهٔ آموزشی	۰/۳۶۷	۰/۰۳۸	۰/۴۴۵	۹/۷۳	۰/۰۰۰	
	افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر	۰/۲۳۹	۰/۰۳۷	۰/۳۲۶	۶/۴۷	۰/۰۰۰	
۴	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۰/۲۲۵	۰/۰۳۲	۰/۳۶۰	۷/۱۲۲	۰/۰۰۰	۰/۹۲۰
	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشتهٔ آموزشی	۰/۲۴۲	۰/۰۴۲	۰/۲۹۴	۵/۷۰۳	۰/۰۰۰	
	افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر	۰/۲۲۴	۰/۰۳۳	۰/۳۰۵	۶/۷۸۷	۰/۰۰۰	
	افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس	۰/۱۶۳	۰/۰۳۴	۰/۲۰۹	۴/۷۹۵	۰/۰۰۰	
۵	افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب	۰/۱۳۳	۰/۰۳۶	۰/۲۱۳	۳/۶۹۷	۰/۰۰۰	۰/۹۳۵
	افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشتهٔ آموزشی	۰/۲۱۹	۰/۰۳۹	۰/۲۶۶	۵/۶۱۸	۰/۰۰۰	
	افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر	۰/۲۳۰	۰/۰۳۰	۰/۳۱۴	۷/۶۷۷	۰/۰۰۰	
	افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس	۰/۱۵۲	۰/۰۳۱	۰/۱۹۵	۴/۸۸۸	۰/۰۰۰	
	افزایش توان علمی مطلوب	۰/۱۲۷	۰/۰۳۰	۰/۲۰۶	۴/۲۲۸	۰/۰۰۰	

بحث

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها، مشخص گردید که آموزش‌های مهارتی ارائه‌شده در مرکز خواهران در توانمندی مهارتی بانوان شرکت‌کننده در این دوره‌ها تأثیر داشته و توانسته است توانمندی آنان را از جنبه‌های مختلف افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشتهٔ آموزشی، افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر، افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس، افزایش توان علمی مطلوب و افزایش قدرت اتکاء به خود را افزایش دهد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های (پاپ زن و همکاران ۱۳۹۱، شکوری و همکاران ۱۳۸۶، منفرد ۱۳۸۷ قلی‌پور و رحیمیان ۱۳۸۸، جعفری مه تاش ۱۳۸۵) مطابقت دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، سطح دانش مهارتی پاسخ‌گویان در زمینه‌های مهارتی پس از شرکت در برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای غیر رسمی، در تمامی زمینه‌ها افزایش یافته است. بنابراین، دستیابی به هدف افزایش تغییر دانش مشارکت‌کنندگان که جزء اهداف آموزش‌ها می‌باشد، تحقق یافته است. بر اساس میانگین‌های رتبه‌ای عوامل مؤثر بر سنجش توانمندی مهارتی کارآموزان زن که عوامل را از قوی به ضعیف رتبه‌بندی نموده است، می‌توان بر اساس آن اثر آموزش‌های مهارتی را بر هر نشانگر به‌طور مجزا مشخص نمود. مدیران و بر نامه‌ریزان آموزشی بایستی توجه خود را به نشانگرهای ضعیف از جمله با مهارتی که آموخته‌ام می‌توانم شغل ایجاد کنم، انگیزه در جهت ایجاد کارگاه خود اشتغالی، مشارکت در تصمیمات خانواده و محیط زندگی بیشتر معطوف نمایند.

تحلیل عاملی برای ویژگی‌های آموزش‌های مهارتی کارآموزان زن مرکز خواهران ایلام ۳ دسته عامل با واریانس ۶۳/۷۴ معرفی نمود. نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که ۶ متغیر مستقل به مدل وارد شده‌اند که شامل افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشتهٔ آموزشی، افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر، افزایش انگیزه در جهت شرکت مؤثر در کلاس، افزایش توان علمی مطلوب، افزایش قدرت اتکاء به‌خود می‌باشند که توانسته‌اند ۹۴/۲ درصد تغییرات را تبیین نمایند. نتایج با تحقیقات (قلی پور و رحیمیان ۱۳۸۸، پاپ زن و همکاران ۱۳۹۰) مطابقت دارد.

پیشنهادات

- ✓ محتوی آموزشی دوره‌ها متناسب با نیازهای آموزشی مورد بازبینی و ویرایش قرار گیرد و در تدوین محتوی و استانداردها به جدیدترین روش‌های تدریس، ابزارها و تجهیزات نوین و نوآوری‌ها جهت ایجاد بستر اشتغال توجه ویژه گردد.
- ✓ پژوهش‌های مشابه‌ای در استان‌های دیگر و یا به صورت منطقه‌ای در جهت شناخت بهتر نظر شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها به انجام برسد.

منابع

پاپ زن، عبدالحمید.، خالدی، خوشقدم.، سلیمانی، عادل. ۱۳۹۰. ارزشیابی آموزش های فنی و حرفه ای زنان روستایی در زمینهٔ صنایع دستی. فصل‌نامهٔ علمی ـ پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شمارهٔ سوم: ۳۷-۲۱.

جعفری مه‌تاش، معصومه، ۱۳۸۵ ، بررسی و شناخت تأثیر خدمات کمیتهٔ امداد امام خمینی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران با عنوان پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد منتشر نشده.

شکوری، علی.، رفعت جاه، مریم.، جعفری، معصومه. ۱۳۸۶. مؤلفه های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها، پژوهش زنان، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۱: ۲۶-۱.

کتابی، محمود.، یزدخواستی، بهجت.، و فرخی راستابی، زهرا.، ۱۳۸۲، توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصل‌نامهٔ پژوهش زنان، دورهٔ ۱، سال ۳، شمارهٔ ۷: ۳۰-۵.

قلی پور، آرین.، رحیمیان، اشرف.، ۱۳۸۸. رابطهٔ عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصل‌نامهٔ علمی ـ پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شمارهٔ ۴۰: ۶۲-۲۹.

قلی پور، آرین.، رحیمیان، اشرف.، میرزمانی، اعظم. ۱۳۸۷. نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران، پژوهش زنان، دورهٔ ۶، شمارهٔ ۳: ۱۳۲-۱۱۳.

منفرد، نوذر. ۱۳۸۷. بررسی نقش آموزش‌های علمی‌کاربردی در توانمندسازی فارغ‌التحصیلان کارآفرین. مطالعهٔ موردی مرکز آموزش عالی علمی‌کاربردی علوم و صنایع شیلاتی خلیج فارس بوشهر، هفته‌نامهٔ جامع دانشگاه جامع علمی‌کاربردی، شمارهٔ ۳۱۷ و ۳۱۸.

تأثیر اشتغال زنان در خانواده از منظر دینی

مصطفی شیرمهنجی[1]

چکیده

امروزه بحث اشتغال زنان با توجه به تغییر جنسیت در مکان‌های کاری یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه است و از آنجایی‌که زنان نیمی از منابع انسانی جامعه را تشکیل می‌دهند، دستیابی آنان به منابع اقتصادی و تسخیر فضاهای تازهٔ اجتماعی توسط آنان ساخت صدسالهٔ خانواده را دگرگون ساخته و ضرورتاً تعادلی نو را در خانه ایجاد کرده است و به موازات آن توزیع وظایف نیز باید ساختی نو پذیرد. تحقیق حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به‌صورت تحلیلی به بررسی اشتغال زنان، مشکلات سر راه اشتغال و تأثیر خانواده بر اشتغال زنان می‌پردازد. نتایج حاصل نشان می‌دهد کار زنان در خارج از منزل در کنار مسائلی همچون مشکلاتی در انجام امور منزل، ایجاد خلل در تربیت فرزند و عدم برقراری کامل آرامش در خانواده آثار مثبتی همچون جلوگیری از فقر، بالابردن اعتماد به نفس، کاهش ترس از آینده، تبادل علم و آگاهی و تعامل اجتماعی و... را در پی خواهد داشت و دین اسلام کار زن در خانه را بهترین شغل می‌داند، اما مخالف کارهای بیرون از منزل که در شأن و همسو با روحیهٔ زنان باشد، نیست.

واژگان کلیدی: خانواده، امنیت، دین اسلام، اشتغال.

---

۱. استاد دانشگاه خراسان جنوبی،کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، Email:shirmehengi_mostafa@yahoo.com

مقدمه

خانواده به عنوان اولین رکن تشکیل‌دهندهٔ جامعهٔ واحدی که می‌تواند خصوصیات سرنوشت‌ساز اجتماع را تعیین کند، مهم‌ترین واحد اجتماعی است و به‌عنوان بهترین تجلی‌گاه فرهنگ حاکم بر سایر نهادها، محل ارضاء نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی شناخته شده است. به این دلیل که حفظ و سلامت روابط و روند و اهداف آن تأمین‌کنندهٔ سلامت جامعه است و در تمام اعصار از توجه خاص اکثر تخصص‌های مرتبط با بهزیستی آدمی و جامعه برخوردار بوده است، بنابراین، میتوان گفت که خانواده در زمرهٔ مهم‌ترین سازمان‌های اجتماعی و یک واحد حساس اجتماعی است. واحدی که بی‌هیچ شبهه از فراگیرترین واحدهای اجتماعی می‌باشد و بر اساس ازدواج بین دو جنس مخالف صورت می‌گیرد و همانند آیینه‌ای عناصر جامعه را در خود دارد و انعکاسی از نابسامانی‌های اجتماعی است که باید همهٔ مسئولان جامعه در جستجوی علل عمیق اجتماعی آن به اعماق جامعه رسوخ کنند.

انجام تحقیقات با روش علمی در زمینهٔ امور و مسائل اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است. لذا، با تشخیص دقیق و همه‌جانبهٔ مشکل یا مسائل انسانی از راه تتبع در همهٔ جامعه می‌توان از شدت مشکل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن پیشگیری نمود.

تعادل سنتی جامعه در گذشته مبتنی بر کارکرد نان‌آوری مرد و خانه‌دار بودن زن بوده است، اما بعد از انقلاب صنعتی حضور زن در فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه دگرگونی‌هایی را در این ساخت موجب شده و مسائلی تازه در مورد رابطهٔ زن و شوهر و یا رابطهٔ والدین با فرزندان پدید آورده که به دلیل اهمیت‌شان مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. گرایش زنان به اشتغال و انگیزه و عواملی که موجب حضور آنها در فعالیت‌های اقتصادی از خارج خانه را فراهم ساخته است، از دیدگاه اقشار و طبقات مختلف متفاوت بوده و بیانگر برداشت‌های مختلف این اقشار و طبقات نسبت به موضوع اشتغال زن می‌باشد. همچنین، کار زن در خارج خانه خصوصاً در کشورهای جهان سوم، کارکردی اقتصادی را به کارکردهای سابق زن افزوده است. چنانچه توأم با کمک متقابل شوهر در انجام کارهای خانه نباشد، می‌تواند نوعی تساوی جدید در جامعه ایجاد نماید که خود هر روز بیش از پیش به‌عنوان یک بی‌عدالتی اجتماعی جلوه‌گر شود. با توجه به این مسائل است که این پدیده می‌تواند به‌عنوان یک بی‌عدالتی اجتماع جلوه‌گر شود و می‌تواند به‌عنوان یک مسئلهٔ اجتماعی مهم در سطح خانواده مورد مطالعه قرار گیرد (محضری و همکاران، ۱۳۸۱).

وضعیت اشتغال زنان در ایران

ایرانی‌ها از نظر نگاه مثبت به فعالیت‌های اقتصادی زنان در منطقهٔ خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبهٔ نخست قرار دارند. به‌طوری‌که طراز ایرانی‌ها در شاخص تأثیر کار زنان در خارج از خانه ۴/۲۳ اعلام شده است که بیشترین رقم در سطح خاورمیانه و شمال آفریقاست. متوسط نمرهٔ منطقه اروپا و آسیای مرکزی در شاخص تأیید کار زنان در خارج از خانه نیز ۴/۳۱ اعلام شده است. به‌طورکلی، تعداد زنان ایرانی که در بازار کار فعالیت دارند به نسبت جمعیت خود بالاترین رقم را در سطح منطقه به خود اختصاص داده است و از کل جمعیت زنان ایرانی ۳۸ درصد وارد بازار کار شده اند. اشتغال یکی از مظاهر حضور زن در جامعه است. نیاز به نیروی

کار متخصص و تحصیل‌کرده، درآمد اقتصادی، بالا بردن سطح فرهنگ، کمک به اجتماع و... را می‌توان از دلایل رو آوردن زنان به شغل دانست (نیک صالحی، ۱۳۹۰).

وضعیت اشتغال زنان در جهان

زنان برای جبران کمبود درآمد خانواده و بالا بردن قدرت خرید خانواده برای کسب نوعی آزادی فردی، استقلال و یا به‌عنوان ایمنی برای آیندهٔ خود و یا خانواده‌شان یا حضور فعال در اجتماع کار می‌کنند. در این میان جهانی شدن اقتصاد فرصت بی‌بدیلی برای زنان جهان بود تا بتوانند از این مقوله وضعیت خود را در سطح جهان ارتقا داده و بسیاری از محدودیت‌های موجود در جهان را که مانع بالندگی آنها شده بود، به وادی نیستی رهنمون سازند. باید گفت زنان جهان تاکنون نیز با توسعهٔ روند جهانی‌شدن به‌گونه‌ای هوشیارانه از این فرصت استفاده کرده و با همان سرعت به توسعهٔ حضور خود در بخش‌های گوناگون اقتصاد جهان پرداخته‌اند. تقریباً در سراسر جهان، زنان ساعات طولانی‌تری را با دستمزدهای کمتر در مقایسه با مردان در مشاغل مشابه کار می‌کنند. در کشورهای توسعه‌یافته، زنان دست کم در هفته ۲ تا ۱۰ ساعت بیشتر از مردان کار می‌کنند. زنان در ایتالیا ۲۸درصد، اتریش ۱۲درصد، فرانسه ۱۱درصد و ژاپن ۷درصد بیشتر از مردان کار می‌کنند. در ژاپن در مشاغلی که پرداختی به آنان تعلق نمی‌گیرد، سهم زنان ۹ برابر سهم مردان است (هوش‌افزا ، ۱۳۷۲).

آمار نشان می‌دهد که در آمریکا طی یک دورهٔ ۳۰ ساله، زنان همواره ۶۰ سنت در برابر هر دلاری که مردان کسب کرده‌اند، به دست آورده‌اند. هرچند این آمار اخیراً به حدود ۷۵ سنت ترقی کرده است. در حال حاضر بیش از یک سوم نیروی کار دنیا را زنان تشکیل می‌دهند و تقریباً ۷۰ درصد غذای قارهٔ آفریقا توسط زنان تولید می‌شود. اما به‌طورکلی زنان در یک سری از مشاغل سنتی محدود متمرکز شده‌اند. به عبارت دیگر مشاغلی محدود برای آنها باقی مانده است که خیلی از آنها فناوری بالایی را نمی‌طلبد و اکثر آنها با پرداخت‌های پایینی به آنها واگذار می‌شود. طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار[1] به هرحال به موازات صنعتی شدن کشورها، تعداد بیشتری از زنان صاحب موقعیت‌های شغلی بیشتری شده‌اند.

کشورهای آفریقایی در گزارش‌های خود از برخی آمارهای بالا در مورد سهم مشارکت بانوان از نیروی کار فعالشان یاد می‌کنند، اما کارهایی که معمولاً به فعالیت‌های کشاورزی که تأمین کنندهٔ منابع غذایی به حساب می‌آیند، مربوط می‌شوند.

بانک توسعه و بازسازی جهانی یک طرح آموزشی بنیانی را که مورد نیاز زنان و مردان در ملل و جوامع در حال توسعه است، تعریف و تعیین کرده است.

این طرح، شامل اجرای سوادآموزی کاربردی، آموزش برخی از مهارت‌های حرفه‌ای مطرح و مورد نیاز، برنامه‌های مربوط به سلامت خانواده و کودکان، برنامه‌های غذایی و بهداشتی و ارائهٔ دانش لازم برای مشارکت در امور شهرنشینی است.

در بسیاری از کشورها، پیشرفت‌هایی در جهت توسعه و گسترش فرصت‌های شغلی برای زنان در حال تکوین است، اما با این حال هنوز نتوانسته‌اند به اموری چون تحصیلات رایگان برنامه‌های آموزشی ـ فرهنگی دست یافته و یا از وام‌ها و کمک‌های مالی بلاعوض به‌طور برابر

1. ILO

بهره‌مند شوند، به‌ویژه در مناطقی که نیاز به ایجاد یک نظام اقتصادی با ساختار و بنیان ملی باشد. (احمدی، ۱۳۸۸)

پیامدهای منفی اشتغال زنان

یکی از سؤالات و مباحثی که در سال‌های اخیر در جامعهٔ ما مطرح بوده است، بحث از توانایی و کارآمدی زنان و حضور فعال آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است.

در این میان، عدهٔ قابل توجهی از مدیران و مسئولان کشور به استناد برخی از آموزه‌های دینی که دیده یا شنیده‌اند و با توجه به حضور زنان در تمام عرصه‌ها در کنار مردان در بسیاری از کشورها معتقدند که تفاوت چندانی بین زن و مرد در انجام مسئولیت‌ها و مدیریت‌های اجتماعی وجود ندارد و زنان هم مثل مردان باید به دنبال مشاغل اجتماعی و تأمین درآمد از این طریق باشند و آن را یک ارزش و رشدی برای زنان می‌دانند. در طرف مقابل، عده‌ای بر اثر برداشت سطحی از برخی از آیات و روایات و تعصب و افکار خشک و متحجرانه منکر توانمندی‌های زنان در این امور هستند و حتی نسبت به رانندگی زنان و حساسیت منفی نشان می‌دهند و وظایف زنان را فقط در چهارچوب خانه تعریف می‌کنند.

از آنجایی که طبق فرمایش امیرمؤمنان علی علیه‌السلام انسان‌های جاهل در هر مسئله‌ای یا افراط و زیاده‌روی می‌کنند و یا تفریط و کوتاهی، به‌نظر می‌رسد که گروه اول دچار افراط و زیاده‌روی در مورد بانوان شده‌اند و بر اثر جهل و ناآگاهی نسبت به مبانی دینی و عدم شناخت از طبیعت و سرشت زنان و به علت خودباختگی فرهنگی در برابر تفکرات غربی و مرعوب شدن در مقابل سازمان‌های مدعی حمایت از حقوق زنان برخی از مسئولیت‌ها و مدیریت‌های اجتماعی که در حیطه و مسئولیت و توانایی مردان است را به زنان واگذار کرده‌اند (خراسانی، ۱۳۵۸).

این عده با نادیده گرفتن رسالت مهم و ارزشمند بانوان، یعنی مدیریت خانه و رسیدگی به امور منزل، تربیت نسل آینده و ایجاد محبت و گرمی در کانون خانواده مقام و منزلت زن را چنان پایین آورده‌اند که از او توقع و انتظار یک کارگر یا کارمندی با حقوق ناچیز را دارند و به راستی که در حق زنان و بانوان عظیم‌الشان جامعهٔ ما ظلم و بی‌عدالتی روا می‌دارند.

اگر در گذشته زنان از تمام حقوق انسانی خود محروم بودند و مانند یک برده و حیوان با او رفتار می‌شد و زنان موجودی پست و بی‌ارزش به‌شمار می‌آمدند و آن‌گونه در حق زنان ظلم و ستم روا می‌داشتند، در قرن بیستم نیز با بی‌توجهی به طبیعت و ویژگی‌های زنان و بی‌ارزش نشان دادن وظایف خانوادگی و کشاندن زن به جامعه و استفادهٔ ابزاری از آنان ظلم و خیانت دیگری را به زنان کرده‌اند.

اگر زنان غربی همواره به دنبال حقوق تضییع شدهٔ خود باشند، حق دارند. زیرا نه مسیحیت حقوق آنها را تأمین کرده و نه قوانین و آداب و رسوم غرب. اما چنین زحمتی از دوش زنان مسلمان برداشته شده است، زیرا به راستی اسلام تمام نیازهای روحی جسمی و عاطفی زنان را با توجه به طبیعت و سرشت زنان برآورده کرده است.

در حال حاضر کشور سوئد از نظر قوانین مربوط به ارتقاء حقوق زن در جهان غرب رتبهٔ اول را دارد و بخش عظیمی از زنان شاغل و حقوق‌بگیر هستند. ولی جالب است که بدانیم درصد زنان در مدیریت‌ها به اندازهٔ صفر است و از زنان در مشاغل پائین آن هم با حقوقی ناچیز بیگاری کشیده می‌شود و آمار بسیار بالای طلاق، فرزندان نامشروع، ازهم‌پاشیدگی

کانون خانواده، آزار و آزادی‌های جنسی بی‌حد و حساب و زندگی مشترک بدون ازدواج ارمغان چنین تفکری است (سفیری، ۱۳۷۷)

ادعای اصلی ما در این نوشتار این است که طبق آیات و روایات فراوان و بر اساس نظریات برخی از روان‌شناسان و دانشمندان و با عنایت به ویژگی‌ها و خصوصیات جسمی و روحی بانوان، بهترین و مهمترین نقش زنان در جامعه همانا نقش همسری و مادری است که در آموزه‌های دینی بسیار ارزشمند و مقدس شمرده شده است و زن می‌تواند از این طریق به کمال خود برسد. تشویق زنان به اشتغالات اجتماعی بدون قید و شرط و محول کردن مشاغل گوناگون به آنها و سپردن مدیریت‌ها به زنان خصوصاً مدیریت‌های کلان، نه تنها خدمتی به زنان نیست، بلکه خیانت و ظلمی بزرگ به آنان و به کل جامعهٔ بشری است.

ما برای اثبات این ادعا دلایل مختلفی از آیات و روایات و نظرات اندیشمندان را ذکر می‌کنیم. قبل از آنکه به مسئولیت‌ها و وظایف و رسالت اصلی زنان بپردازیم، لازم است که با خلقت و آفرینش زن و مقام و منزلت آنان در آیات و روایات به‌طور مختصر آشنا شویم.

مقام و منزلت زن در قرآن و روایات

در منطق قرآن زن مانند مرد یک انسان تمام عیار است و هیچ تفاوتی میان مرد و زن در اصل خلقت وجود ندارد. هر دوی آنها از یک حقیقت آفریده شده‌اند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم .... همانا گرامی‌ترین و برترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست (قرآن کریم، حجرات)

در جای دیگر می‌فرماید: شما را از یک حقیقت واحدی آفریدیم (قران کریم، زمر)

یا اینکه می‌فرماید: همهٔ شما (چه مرد و چه زن) را از خاک آفریدیم و به خاک برمی‌گردید (قرآن کریم، طه).

طبق نظر اکثر مفسرین شیعه، آفرینش حوا علیهاالسلام همانند آفرینش حضرت آدم علیه‌السلام مستقل بوده است و اینطور نبوده است که حضرت حوا از باقیمانده یا از دندهٔ چپ حضرت آدم باشد. امام صادق علیه‌السلام به یکی از یاران خود به نام زراره می‌فرماید: آیا خداوند قدرت نداشت که برای آدم همسری از غیر دندهٔ او بیافریند، آنگاه آن حضرت فرمودند: خداوند هر کدام از آدم و حوا را از گل آفرید (شیخ صدوق، ۱۳۴۵)

خلاصهٔ مطلب آن که زن و مرد هر دو انسانند و طبعاً باید از یک چیز آفریده شده باشند و در قرآن هیچ اثری از اینکه زن از جنس پست‌تر آفریده شده باشد و یا خلقت زن طفیلی مرد باشد و یا زن را موجودی شر و بد یا عنصر گناه معرفی کند وجود ندارد.

برخلاف بسیاری از اقوام و ملل جهان در گذشته و حال و حتی برخلاف عقیده و نظر یهودیان و مسیحیان که زن را موجودی بد و شر و عنصر گناه و فساد معرفی می‌کنند، اسلام زنان را در مقام و منزلتی والا و ارزشمند قرار داده است. مقام زن در اسلام به حدی است که سومین سورهٔ مفصل قرآن به نام «النساء» نامیده شده است و در ده سورهٔ دیگر به مسائل مربوط به حقوق و منزلت زن اشاره شده است و همه‌جا در خطاب‌های عام قرآن زنان مورد خطاب هستند.

اسلام زن را به عنوان رکن مهم زندگی و متمم حیات انسانی و عضو مهم و مؤثر جامعهٔ بشری قلمداد می‌کند و او را در رأس امری عظیم قرار داده است که همان تولید و تربیت

نسل بشر است. یعنی در دامن زن است که انبیاء الهی و اولیاء و بزرگان برای خدمت به بشریت تربیت می‌شوند. امام امت (ره) در جملهٔ معروفی که از ایشان نقل شده فرمودند : «از دامن زن است که مرد به معراج می‌رود» .

قرآن کریم از برخی از زنان بزرگ با تجلیل فراوان یاد می‌کنند. حضرت آسیه همسر فرعون و حضرت مریم (سلام‌الله‌علیها) را به‌عنوان یک الگو و سرمشق برای همهٔ مومنان معرفی می‌نماید (قران کریم، تحریم).

در جای دیگر حضرت مریم (سلام الله علیها) را همانند یکی از پیامبران بزرگ الهی مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: ای مریم همانا خداوند تو را برگزیده و تو را پاک کرد و تو را بر تمام زنان عالم برتری داد (قران کریم، آل عمران).

همانا مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان عبادت‌کننده و مردان و زنان راستگو و... خداوند برای همهٔ آنها مغفرت و اجر بزرگی آماده کرده است (قرآن‌کریم، احزاب).

همچنین؛ به معاشرت و رفتار پسندیده و مناسب با زنان توصیه شده است. زن و مرد در بهره‌مندی از کسب و تلاش و پاداش عبادات و الزام به تکالیف یکسان و مساوی هستند و زن می‌تواند مانند مرد مستقلاً اراده کند و مستقلاً کار کند و مالک نتیجهٔ کار و تلاش خود شود. قرآن در این زمینه می‌فرماید : مردان و زنان هر کدام بهره‌ای از کوشش‌ها و تلاش‌های خود دارند (قرآن کریم، نسا).

هیچ تفاوتی در مقررات کلی و جزئی و اصول عقاید و فروع آن میان زن و مرد نیست و در واجبات فردی مثل نماز و روزه یا واجبات اجتماعی مانند حج و امر به معروف و نهی از منکر و اقتصادی مانند خرید و فروش تفاوتی بین زن و مرد نیست و زنان در حق تحصیل و انتخاب رشتهٔ تحصیلی مالکیت انتخاب محل سکونت و مانند آن مستقل و خودکفا و آزاد هستند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بهترین اولاد شما دختران هستند (المجلسی، ۱۴۰۳) و در جای دیگری فرزندان دختر را حسنه و نیکی معرفی کردند که خداوند به واسطهٔ آنها به انسان ثواب می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۵) و فرمودند: اگر تحفه و هدیه‌ای برای اهل و عیال خود خریدید اول به فرزندان دختر بدهید و هر کس دختری را خوشحال کند، همانند این است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را در راه خدا آزاده کرده است (حر عاملی، ۱۳۸۷)

رسالت و وظیفهٔ اصلی زنان

اگرچه از نظر انسانی هیچ تفاوتی میان زن و مرد نیست و زنان به مانند مردان یک انسان تمام عیار مستقل و مؤثر و ارزشمند هستند و در این زمینه هیچ‌گونه برتری و امتیازی بر همدیگر ندارند، اما با این وجود دست توانمند آفرینش با ایجاد یک سلسله خصوصیات و ویژگی‌های جسمی و روحی در زنان وظایف و مسئولیت‌های خاصی را از آنها انتظار دارد و خداوند بزرگ برای ایجاد یک نظام احسن و اتم وظایف خاصی را برای زنان تعریف و مشخص کرده است.

همانطور که می‌دانیم زنان از نظر جسمی ظریف‌تر و لطیف‌تر از مردان هستند و از نظر روحی دارای احساسات و عواطف سرشار و فراوانی هستند خشونت و صلابت مردان با لطافت

و ملایمت زنان تعدیل و تکمیل می‌شود و زنان نسبت به مردان محتاط‌تر صبورتر و مذهبی‌تر هستند و علاقهٔ آنها به خانواده و تدبیر امور منزل بیش از مردان است. کارهایی که نیاز به تفکر و تمرکز و توانایی جسمی زیادی دارد زنان را خسته می‌کند و از عهده و توان آنها خارج است و بدون شک می‌توان گفت که بهترین و مهم‌ترین نقش زنان در جامعهٔ بشری با توجه به این ویژگی‌ها و بر اساس آموزه‌های دینی همانا نقش همسری و مادری است و به جرأت می‌توان گفت که خداوند آنها را برای ایفای این دو نقش آفریده است و زنان می‌تواند با ایفای این دو نقش نه تنها به بالاترین قلهٔ کمال و قرب حق‌تعالی برسند، بلکه می‌توانند بهترین و مؤثرترین و ارزشمندترین خدمت را به جامعهٔ بشری ارائه دهند.

همسری و مادری تا جایی مهم است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت علیهم‌السلام جهاد زنان را در راه خدا خوب شوهرداری کردن (و تربیت فرزند) می‌دانند (المجلسی، ۱۴۰۳) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) که بهترین الگوی زنان مسلمان است از اینکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) کارهای داخلی منزل را به او واگذار کردند و کارهای خارج از منزل را به عهدهٔ امیرمومنان علی علیه‌السلام گذاشتند بسیار خرسند و خوشحال شدند (المجلسی، ۱۴۰۳) ملاحظه می‌کنید که رسیدگی زنان به امور خانه‌داری شوهردار تربیت و فرزند تا چه اندازه از قداست و ارزش معنوی برخوردار است و مهم‌ترین رسالت و وظیفهٔ زنان در آفرینش همین است. زیرا خداوند که سازنده و خالق زنان است، بهتر از هر کس می‌داند که چه وظایف و مسئولیت‌هایی از عهده و توان زنان برمی‌آید.

متأسفانه برخی از زنان جامعهٔ ما به دلیل ناآگاهی از ارزش و قداست وظایف خانوادگی و رسالت مادری و عدم شناخت مبانی دینی به دنبال اشتغال و کارهای اجتماعی بدون قید و بند هستند و هدفشان از تحصیلات به‌دست آوردن شغل و کاری برای کسب درآمد است و حاضرند که تن به هر کار و فعالیت اقتصادی و اجتماعی در خارج از منزل بدهند، اگرچه درآمد ناچیزی داشته باشد و اشتغال را برای خود یک ارزش و کمال می‌دانند و کارها و وظایف همسری و مادری را نوعی تحجر و عقب‌ماندگی برای زن محسوب می‌کنند. تأسف بالاتر این است که برخی از مسئولان و مدیران کشور و متولیان امور فرهنگی جامعه از جمله صدا و سیما به این تفکر و عقیدهٔ باطل دامن می‌زنند و آن را تشویق و تبلیغ می‌کنند.

هیچ‌کس در توانائی‌ها و خدمات ارزشمند زنان در جامعه و تاریخ شک ندارد. آنها در برخی از صحنه‌ها حتی از مردان نیز جلوتر هستند، ولی بی‌ارزش کردن و بها ندادن به امور خانواده و تربیت فرزندان و کشاندن زنان به جامعه و محول کردن کارها و مشاغلی که بر عهدهٔ مردان است آنهم با دستمزدهای ناچیز واقعاً "نوعی تجاوز به حقوق زنان و بیگاری کشیدن از آنان است که مفاسد و لطمات جبران‌ناپذیری را به خود زنان و به جامعه و کانون خانواده‌ها وارد می‌سازد.

جالب است بدانیم موضوع دفاع از حقوق زن در غرب در زمانی شدت گرفت که کارخانه‌ها به دنبال انقلاب صنعتی نیاز شدیدی به نیروی کار ارزان قیمت داشتند که در این رابطه زنان به عنوان نیروی کار به دستمزد ناچیز شناخته شدند (محمدیان، ۱۳۹۱).

«تحقیقات نشان می‌دهد که زنان علاقه‌مند هستند که تحت‌نظر اشخاص دیگری کار کنند و از مرئوس بودن و تحت نظر دیگران کار کردن بیشتر خوششان می‌آید. خانم‌ها بیشتر تابع احساساتند و آقایان تابع عقل و منطق. بسیار دیده شده است که خانم‌ها از نظر هوشی

بالاتر از مردان هستند ولی نقطه‌ضعف آنها احساسات شدید آنان است. مردان همیشه عملی‌تر فکر می‌کنند و بهتر قضاوت می‌کنند و سازمان‌دهندهٔ بهتری هستند و بهتر از زنان هدایت و رهبری می‌کنند و برتری روحی مردان بر زنان چیزی است که خداوند طراح آن بوده است و هرچقدر خانم‌ها بخواهند با این واقعیت مبارزه کنند بی‌فایده است. خانم‌ها به خاطر اینکه حساس‌ترند باید قبول کنند که به نظارت آقایان در زندگی نیاز دارند. کارهایی که به تفکر مدام و تصمیم‌گیری‌های دقیق نیاز دارد زن را خسته و ناتوان می‌کند. بزرگترین هدف خانم‌ها در زندگی تأمین شدن است و وقتی به این هدف رسیدند دست از فعالیت می‌کشند (عبد الکریم، ۱۳۹۱).

اکنون این سؤال مطرح است که با آن همه سفارشات دینی و اعترافات روان‌شناسان غربی آیا صحیح است که زنان بی‌قید و شرط به مشاغل اجتماعی وارد شوند و مدیریت‌های اجتماعی خصوصاً مدیریت‌های کلان به آنها واگذار شود!!

هم‌اکنون در کشور ما صدها هزار شغل به تصرف بانوان درآمده است. شغل‌هایی که باید در اختیار مردان بیکار قرار می‌گرفت. آمار دختران و پسران تحصیل کرده‌ای که به دنبال شغل و کار هستند، رشد فزاینده‌ای به خود گرفته است و از آنجا که دختران به حقوق و دستمزد ناچیزی قناعت می‌کنند و مطیع‌تر و فرمانبردارتر از مردان هستند از شانس بیشتری برای اشتغال به کار برخوردارند و واقعاً زنان و دختران جویای کار یا شاغل به‌عنوان یکی از عوامل بیکار ماندن مردان و پسران بیکار محسوب می‌شوند.

از سوی دیگر، درصد ورودی‌های دختران به دانشگاه‌ها بیشتر از پسران شده است و دختران می‌توانند تقریباً در تمام رشته‌های تحصیلی شرکت کنند. رشته‌هایی که هیچ‌گونه سنخیتی با توانائی‌ها و روحیات زن و فرهنگ و باورهای ملی و مذهبی ما ندارد آیا این موارد برای جامعهٔ اسلامی ما یک افتخار است یا یک ننگ و به راستی مقصر چنین وضعی چه کسانی هستند.

طبیعی است که پیامد چنین وضعی بالا رفتن سن ازدواج و افزایش سطح انتظارات دختران رشد فزایندهٔ آمار طلاق افزایش روابط جنسی نامشروع و سست شدن بنیان خانواده‌ها و اختلافات خانوادگی و محروم ماندن بسیاری از فرزندان از محبت مادری خواهد بود.

اگر این وضع و روند به همین شکل ادامه و افزایش یابد قطعاً جامعهٔ اسلامی ما را با یک بحران اجتماعی و بی‌هویتی فرهنگی دچار خواهد کرد. بحرانی که پیامدها و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به عصر ما و نسل ما وارد خواهد ساخت.

امید است که متولیان فرهنگی کشور به‌وسیلهٔ بالا بردن فرهنگ ملی و دینی و آگاه ساختن نسل جوان از خطرات فرهنگ منحط غرب جامعهٔ اسلامی را به سوی تعادل و عدالت بیشتر هدایت نمایند. در جامعه و مساوی بودن آنها در اصل تکلیف تأکید شده است (محمدیان، ۱۳۸۸).

نگرشی بر خانواده و اشتغال زن

به طورکلی، زنان به دلایل چند اشتیاق بیشتری به کار کردن نشان داده‌اند. عوامل اقتصادی معمولاً مهم‌ترین است. زنان برای جبران کمبود درآمد خانواده و بالا بردن قدرت خرید خانواده، برای کسب نوعی آزادی فردی استقلال و یا به‌عنوان ایمنی برای آیندهٔ خود یا خانواده‌شان یا حضور فعال در اجتماع کار می‌کنند. علاوه بر آن، میل شخصی زنان به

گریختن از محیط کسالت‌آور خانه، کارهای تکراری، لذت از کار در محیط بیرون، تسهیل در امر ازدواج، چشم و هم چشمی و ... از علل اشتغال زنان می‌باشد. زنان به‌طورکلی، فعالیت‌های مختلفی را در خانه و در خارج از خانه دارند. چنانچه کار را در معنای معمول آن، هر نوع اشتغالی که پاداش مالی بر آن مترتب باشد، بدانیم بسیاری از فعالیت‌های زنان در این مقوله نمی‌گنجد. زیرا پاداش مالی ندارد. به‌طورکلی، اگر کنش افراد را به صورت یک نظام در نظر بگیریم، رویکرد زنان به اشتغال خارج از خانه تحت تأثیر نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظام شخصیتی آنان است. زنان به واسطهٔ نقش‌های محول خود انتظاراتی را باید پاسخگو باشند که از طریق جامعه‌پذیری در خانواده و مدرسه فراگرفته‌اند. زنان با اهداف جامعه مبنی بر نیاز به کار و فعالیت تولیدی در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و مؤسسات آشنا شده و با انگیزه‌های مختلف وارد چرخهٔ کار می‌شوند. تقسیم کار لازمهٔ یک جامعهٔ رشدیافته است که براساس استعدادها و توانمندی‌های افراد به‌وجود آمده است و ممکن است برحسب شرایط فیزیولوژیکی و سنی افراد فرق کند. به هر حال، موانع متعدد اجتماعی در اشتغال زنان وجود دارد که بعضی از آنها طرح شد و شاید موارد بی‌شماری نیز وجود داشته باشد که با شدت تأثیر کمتر و بیشتر روی اشتغال زنان مؤثر باشد. ترکیب این موانع با موانع اقتصادی، فرهنگی، بیولوژیکی شرایط خاص برای زنان ایجاد نموده است. به‌طورکلی، بررسی وضعیت زنان در جهان و به‌ویژه کشورهای جهان سوم، اهمیت مسأله را بیشتر می‌کند.

فعالیت زن در خانه

فعالیت زن در محیط خانواده بیشتر مورد رضای دین مبین اسلام است. چراکه محیط خانواده، کانون تربیت و انسان‌سازی و دفع آفت اجتماعی اعضای خانواده است. در اسلام ارزش به سروری و حفظ جایگاه پرارزش و لطافت زن است نه کار و فعالیت اجتماعی و اجر کار در خانه چندین برابر فعالیت‌های دیگر است. (سوری، ۱۳۸۹)

نام‌گذاری سالی به نام همت مضاعف و کار مضاعف را بر اساس اصول اسلامی می‌توان به سلامت اعتلای کار خانگی و ارزشمند دانستن آن با توجه به نحله‌هایی از فمینیسم که کار خانگی را امری بی‌ارزش جلوه می‌دهند، سوق داد. باید در نظر داشت که در حوزهٔ زنان افراط و تفریط صورت نگیرد و تعاریف کار، همت عالی برای زنان، کار در خانه، نوع و حد اعلای آن، وظیفهٔ سایرین در قبال فراهم آوردن محیط امن برای کار و زنان شاغل در اجتماع مشخص و ارائه شود و سپس از زنان نیز خواسته شود در اجرای فرمایش رهبر انقلاب وارد عرصه شوند. دو زمینه که اسلام به‌عنوان بهترین کارهای برای زنان بر شمرده عبارتند از ۱.شوهر داری، ۲. بچه داری.

شوهرداری

بهترین کار برای بانوان شوهردار کاری است که در داخل منزل انجام بگیرد. امور خانه‌داری و بچه‌داری و شوهرداری بهترین اشتغالات بانوان است. بانوانی خوش سلیقه و فداکار می‌توانند خانه را به‌صورت بهشت برین و مهد پرورش کودکان خوب و استراحتگاه شوهران مجاهد و پرتلاش خویش درآورند و این کار بسیار بزرگ و ارزنده‌ای است (ساروخانی، ۱۳۵۵).

خانم‌های خانه‌دار علاوه بر کارهای خانه‌داری گاهی فراغت دیگری هم پیدا می‌کنند که آنها را نیز نباید بیهوده صرف کرد. در آن اوقات خوب است اشتغالات مرتبی را برای خودشان انتخاب کنند و کنجکاوی کنند و بر علوم و اطلاعات خویش بیفزایند و نتیجهٔ تحقیقاتشان را به‌صورت کتاب یا مقاله در اختیار دیگران قرار دهند. می‌توانند به کارهای هنری مانند نقاشی، خطاطی، گلدوزی، خیاطی و بافندگی بپردازند. با اشتغال به این کارها می‌توانند هم به اقتصاد خانواده کمک کنند هم به تولید و ترقی اقتصادی جامعه. به علاوه، در اثر اشتغال به کار از ابتلا به بیماری‌های روانی و ضعف اعصاب نیز تا حد زیادی محفوظ خواهند ماند. به هر حال خوب است بانوان نیز شغل و کاری داشته باشند و بهترین کار برای آنها کاری است که در داخل منزل انجام می‌گیرد، تا به خانه‌داری و شوهرداری و بچه‌داری نیز خوب برسند.

بچه‌داری

یکی از وظایف سنگین و حساس بانوان بچه‌داری است. بچه‌داری کار آسانی نیست، بلکه شغل بسیار پرمسئولیتی است. مقدس‌ترین و ارزنده‌ترین شغلی است که دستگاه آفرینش برعهدهٔ بانوان گذاشته است.

اسلام مخالف کار زنان نیست.

بر اساس تعالیم مکتب اسلام، حیات بشر، صحنهٔ تلاش برای کسب تعالی و رسیدن به کمال است. مردان و زنان از یکدیگر برتر نیستند، بلکه آنان می‌کوشند تا به کمال فردی و اجتماعی دست پیدا کنند. زن، محور و مدار خانواده است و حضور عاطفی و فیزیکی او در خانواده سبب فراهم آمدن زمینه‌های رشد و تعالی در همسر و به‌ویژه در فرزندان است. زن با حضور خود، فرزندان را از محبت و عواطف خویش سیراب می‌سازد. فرزندان رشد می‌کنند و شخصیت مطلوب در آنان شکل می‌گیرد.

دبیرکل جمعیت حمایت از حقوق زنان ایران با اشاره به این‌که اسلام به دلیل نقش حساس و تأثیرگذار زنان در خانواده، نان‌آوری و تأمین معاش را از عهدهٔ آنان برداشته است می‌گوید: مردان موظف به تأمین معاش همسر و فرزندان هستند. طبیعی است زن هنگامی می‌تواند با آرامش و آسایش خیال و با فراغت خاطر به ایفای نقش در خانه بپردازد که دغدغهٔ تأمین هزینه‌های زندگانی را نداشته باشد.

وی معتقد است: اسلام اساساً اشتغال و کسب درآمد را برای زنان ممنوع نمی‌داند و در اغلب مشاغل، حضور زنان را بدون اشکال می‌داند. اما با این وجود، در سطح کلان جامعه و برنامه‌ریزی‌های جامع، زنان را به اشتغال برای کسب درآمد و نان‌آوری تشویق و توصیه نمی‌کند. کار فشردهٔ زنان مشکلات عصبی ایجاد می‌کند. دکتر مجید ابهری رفتارشناس دربارهٔ مشکلات زنان کارمند می‌گوید: در دوران اخیر به خاطر مشکلات اقتصادی، زنان جامعه در تلاش هستند تا برخی از مشکلات و نیازهای مادی خود و خانواده را برطرف کنند، به طوری‌که در پاره‌ای از موارد زنان بیشتر از مردان کار می‌کنند (هاشمی ،۱۳۸۵).

خانواده بر لبهٔ تیغ اشتغال زنان

اضطراب و استرس در حالی به یکی از مشکلات شایع در میان مادران شاغل مبدل شده است که کارشناسان معتقدند فرزندان این زنان از اعتماد به نفس و استقلال بیشتری برخوردارند.

به گفتهٔ کارشناسان، زنان با برگزیدن مشاغلی که آنها را وارد چرخهٔ اقتصادی جامعه می‌کند، می‌توانند نقش عمده‌ای در پیشرفت فرهنگی و اقتصادی جامعه ایفاء کنند.

برآوردن نیازهای مالی زنان، افزایش ارتباطات اجتماعی، داشتن حق تصمیم‌گیری مالی و ایجاد خودباوری از جمله انگیزه‌هایی است که زنان را به بازار کار می‌کشاند. با این که اشتغال، خلاقیت، توانایی و اعتماد به نفس زنان را افزایش می‌دهد، اما مشکلاتی هم برای زنان به‌وجود آورده است، از جمله، زنان در جامعه به دلیل ساختار سنتی چندین نقش را با هم می‌پذیرند. کار در بیرون از منزل، نقش همسری، نقش مادری و رسیدگی به وضع منزل در کنار فعالیت در محیط کار باعث شده است زنان دچار خستگی و اضطراب ناشی از محیط کار و منزل شوند. این درحالی است که در دههٔ اخیر زنان با خروج از گسترهٔ خصوصی و ورود به گسترهٔ عمومی و عرصه‌هایی از کار که پیش از این در اختیار مردان بود، سهم زیادی از نیروی کار جوامع را به خود اختصاص داده‌اند و تقریباً در همه‌جای دنیا اشتغال زنان خارج از منزل روبه فزونی است.

با این همه، شرایط حاکم بر زندگانی زنان شاغل در اکثر نقاط دنیا حاکی از آن است که نه تنها از مسئولیت‌های زنان کاسته نشده است، بلکه اشتغال آنان بار مضاعفی را بر دوششان گذاشته است. به‌طوری‌که در اغلب موارد، درصد همکاری لازم میان زنان و مردان شاغل در انجام امور خانه و خانواده وجود ندارد و طبق آمار کمتر از ۱۵ درصد مردان در کارهای خانه با زنان خود همکاری می‌کنند.

دیدگاه سنتی نسبت به اشتغال زنان

بافت سنتی جامعهٔ ما اصولاً با کار کردن زن در بیرون از خانه روی موافق ندارد. البته بسیاری از والدین امروزه به خاطر جو حاکم بر جامعه و فشاری که از سوی خود جوان‌ها وارد می‌شود با ادامهٔ تحصیل دختران موافقت می‌کنند، چون همان‌طور که می‌دانید دین اسلام برای کسب علم و دانش بین مردان و زنان تفاوتی قایل نشده است، ولی وقتی زمان اشتغال خانم‌ها در بیرون از خانه فرا می‌رسد، خیلی از خانواده‌ها برای کار کردن دخترانشان به‌ویژه اگر در محیط‌های خصوصی یا فاقد امنیت شغلی باشد، مخالفت می‌کنند.

بنابراین، دختران به امید دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب‌تر، سعی می‌کنند به سطوح بالاتر تحصیلی نظیر کارشناسی ارشد یا حتی دکتری روی بیاورند که این امر هم البته در وضعیت فعلی بازار کار، هم خانواده‌ها و هم خود دختران را با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. از جمله اینکه هزینهٔ زیادی را به خانواده‌ها تحمیل کرده و در مواردی باعث تأخیر در ازدواج جوان‌ها شده است.

نتیجه‌گیری

به یمن پیروزی انقلاب اسلامی، آن گروه از زنان و دخترانی که تا قبل از آن به دلیل جو حاکم بر جامعه از سوی خانواده برای ورود به عرصهٔ تحصیلات عالی و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی با محدودیت مواجه بودند، پس از انقلاب توانستند زمینهٔ مساعدی برای بروز استعدادهایشان پیدا کنند.

اما به‌نظر می‌رسد با گسترش تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهی و افزایش نرخ بیکاری در کشور، چنانچه دیدگاه دختران و خانواده‌ها نسبت به ادامهٔ تحصیل زنان در رشته‌های متناسب با موقعیت و جایگاه این گروه و نیز نیاز جامعه تغییر پیدا نکند، در آیندهٔ نه چندان دور با آسیب‌های جدی در عرصهٔ استحکام خانواده و جامعه مواجه خواهیم بود.

پس چه بهتر که از هم‌اکنون با واقع‌بینی کافی و به دور از شعارزدگی، در پی یافتن راه حل‌های منطقی و قابل اجرا در زمینهٔ حل مشکل اشتغال زنان با توجه به واقعیت‌ها و نیازهای جامعهٔ ایران باشیم. واضح است که در این راه خود زنان به‌ویژه فرهیختگان جامعه بیش از همه می‌توانند مؤثر باشند (حجت زاده، ۱۳۸۸).

کار زنان در خارج از منزل در کنار مسائلی همچون مشکلاتی در انجام امور منزل، ایجاد خلل در تربیت فرزند و عدم برقراری کامل آرامش در خانواده، آثار مثبتی همچون جلوگیری از فقر، بالابردن اعتماد به نفس، کاهش ترس از آینده، تبادل علم و آگاهی و تعامل اجتماعی و... را در پی نیز خواهد داشت.

می‌توان گفت هرچند دین اسلام کار زن در خانه را بهترین شغل می‌داند، اما مخالف کارهای بیرون از منزل که در شأن و همسو با روحیهٔ زنان باشد نیست.

منابع

قرآن کریم (۱۳۸۸). ترجمه مهدی فولادوند . تهران: دارالقرآن الکریم.

احمدی، ن (۱۳۸۸). زنان در عرصهٔ اشتغال. روزنامهٔ تهران امروز،کد مقاله۲۵۲۱۹

المجلسی ، م (۱۴۰۳). بحار الانوار. تهران. دارالمکتب اسلامی.

حجت زاده ، ع (۱۳۸۸). جوان امروز، بهمن، کد۲۵۲۸۲.

حرعاملی.م (بی تا) . وسایل الشیعه. قم. مؤسسهٔ فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.

خراسانی ، ا (۱۳۸۵). نهج‌البلاغه. انتشارات اشرفی.

ساروخانی ، ب (۱۳۵۵). اشتغال زنان و خانواده. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

سفیری ، خ (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی اشتغال. تهران. انتشارات تبیان، چاپ اول مؤسسهٔ فرهنگی.

سوری، ف (۱۳۸۹). خبرگزاری مهر، ج ۲۱.

شیخ صدوق (۱۳۴۵). .من لا یحضر الفقیه. تهران، چاپ سنگی ، ج۳.

عبد الکریم، ب (۱۳۹۱) . همسری و مادری زیباترین مسئولیت‌ها.سایت مجاهده، www.mojaheda.blogfa.com

کلینی، م (۱۳۷۵). اصول کافی. تهران. دارالکتب الاسلامیه، ج۵.

کلینی، م (۱۳۶۵). اصول کافی. تهران. دارالکتب الاسلامیه ، ج۶.

محضری، پ؛ هاشمی، ف و پورشهریاری، م (۱۳۸۱). بررسی میزان تحصیلات و درآمد مردان بر نگرش آنان نسبت به اشتغال همسرانشان. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

محمدیان، م (۱۳۹۱) . زن و اشتغال. گروه انرژی اتمی. فارس نیوز، www.farsnews.com

محمدیان، م (۱۳۸۸). روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۳ مهر، www.jomhourieslami.com

نیک صالحی،م (۱۳۹۰) . روزنامهٔ تهران امروز. ۲۱ اردیبهشت، www.niksalehi.com

هاشمی، (۱۳۸۵). روزنامهٔ ایران. ۷ بهمن.

هوش افزا، م (۱۳۷۲). نقش زنان در توسعه. انتشارات صندوق کودکان سازمان ملل.

تأثیر صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی بر افزایش تولیدات صنایع روستایی
(نمونهٔ موردی روستای آرندان شهرستان سنندج)

پیمان حسینی[۱]
محمد حسین منهاج[۲]
لقمان صادقی[۳]

چکیده

امروزه در جامعهٔ ایران، زنان نشان داده‌اند که توانایی‌ها و قابلیت‌های بالقوهٔ فراوانی دارند و تحت شرایط مناسب می‌توانند مشارکت مؤثری در اقتصاد خانوار داشته باشند. اعتبارات خرد به‌عنوان یک گزینه می‌تواند سرمایهٔ لازم برای زنان را ایجاد کند و همچنین عاملی برای حمایت از واحدهای کوچک بهره‌برداری، ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش تولیدات صنایع روستای باشد که اهمیت آن به‌گونه‌ای است که بانک جهانی سال ۲۰۰۵ را سال اعتبارات خرد نامگذاری کرده است. مقالهٔ حاضر با هدف بررسی تأثیر صندوق اعتبارات خرد بر افزایش تولیدات صنایع روستای صورت گرفته است. بر این اساس مطالعهٔ موردی در استان کردستان صورت گرفته است. جامعهٔ آماری این پژوهش را زنان روستایی، روستای آرندان در شهرستان سنندج تشکیل داده‌اند و حجم نمونه با استفاده از فرمول کرسجی مورگان معادل۱۲۰ نفر مشخص شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بود و همچنین اعتبار پرسش‌نامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰۰۱ برآورد شد که از بعد آماری قابل قبول بوده است. بر اساس یافته‌های تحقیق ارتباط معناداری بین سطح تحصیلات و میزان تولیدات صنایع روستایی در پاسخگویان وجود داشت. همچنین، نتایج مطالعه نشان می‌دهد که اعتبارات خرد پرداخت‌شده بیشترین تأثیر را به ترتیب بر افزایش تولیدات اعضای و کمک به توسعهٔ شغلی داشته است و مشخص شد اعتبارات پرداخت‌شده کمترین تأثیر را بر افزایش شغل جدید و ارتقاء مهارت‌های افراد تولیدکننده داشته است.

واژگان کلیدی: صندوق اعتبارات، زنان، صنایع روستایی، آرندان.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد توسعهٔ روستایی دانشگاه گیلان، Email:Paymanhosayni@yahoo.com
۲. استادیار اقتصاد محیط زیست و عضو هیئت علمی گروه توسعهٔ روستایی دانشگاه گیلان،
Email:m.menhaj@guilan.ac.ir
۳. فوق‌لیسانس شهر سازی، Email:loghman.sadeghi@gmail.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عوامل توسعهٔ روستایی، توانمندسازی زنان روستایی می‌باشد که شامل عملکرد توسعه‌یافتهٔ زنان در مدیریت تصمیم‌گیری و اجرا در محیط خانواده و جامعه است. در راستای سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران دفتر امور زنان روستایی و عشایر بنا به اهمیت بهبود اقتصادی کشور از طریق افزایش تولیدات صنایع روستایی در مناطق روستایی و همچنین رسیدن به عدالت اجتماعی با ایجاد اشتغال و کاهش فقر طرح تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی را ایجاد نموده است و در روستای آرندان صندوق اعتبارات خرد تشکیل شده است که شامل ۷۳ عضو بوده و اهداف فوق را دنبال می‌کنند. اما سؤالی که اینجا مطرح است این که اعتبارات تا چه اندازه در بر آوردن اهداف مورد نظر موفق بوده است؟ و اینکه آیا تفاوت معناداری بین سن و سطح تحصیلات زنان عضو در جهت تولیدات صنایع روستایی وجود دارد؟ توجه به اهمیت و جایگاه تأمین اعتبارات لازم برای تولید صنایع روستایی و حمایت از زنان روستایی، این مطالعه به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است. با توجه به موارد فوق بررسی علمی اثرات اعتبارات خرد روستایی از دیدگاه زنان روستایی دریافت‌کنندهٔ این اعتبارات ضروری می‌باشد و این ضرورت در استان کردستان که روستاییان، درصد بالایی از جمعیت استان را تشکیل می‌دهند، بیشتر است. با توجه به وضعیت اقتصاد روستایی استان کردستان زنان روستایی از نقش پررنگی در عرصهٔ اقتصاد و تولیدات صنایع روستایی برخوردارند به‌طوری که بدون حضور آنان ساختار اقتصادی خانواده نمی‌تواند پایدار باشد. بر این اساس، صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی به‌منظور افزایش توان مدیریت زنان در فعالیت‌هایی اقتصادی روستا و تأمین مالی پروژه‌های کوچک درآمدزا از جمله تولیدات صنایع روستایی جهت بهبود وضعیت درآمد خانوار روستایی تشکیل شده است. پژوهش حاضر نیز سعی دارد تا اثرات صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی را در بین خانوارهای ساکن روستای آرندان شهرستان سنندج که دارای این صندوق‌ها می‌باشند مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار داده و راهکارهایی در جهت بهبود و ارتقاء اثرات مثبت صندوق‌های فوق جهت افزایش تولیدات روستایی در محیط‌های روستایی ارائه دهد.

از مهم‌ترین سازمان‌هایی که اعتبارات خرد در قالب وام و تسهیلات اعتباری را به گروه‌های داوطلب به‌ویژه زنان ارائه می‌دهند، می‌توان به هیئت توسعهٔ روستای بنگلادش، بانک گرامین، و کمیتهٔ پیسشرفت روستایی بنگلادش اشاره کرد[Rahman, 2005] [. در تحقیقی که تحت عنوان بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی در استان زنجان توسط جعفر یعقوبی صورت گرفت، نتیجه‌گیری شد که اعتبارات پرداختی صندوق علاوه بر کمک به اشتغال و افزایش تولیدات صنایع روستایی، در افزایش قابلیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی همچون بالا بردن اعتماد گروهی در بین زنان، ایجاد احساسی قوی در زنان برای انجام کار، افزایش مهارت مدیریت زندگی در زنان و افزایش اعتماد به نفس زنان نیز موثر بوده است. در کشورما نیز تشکیل توسعهٔ صندوق‌های اعتبار روستایی از چند سال پیش آغاز شده و روند رو به رشدی را در پیش گرفته است، چرا که این صندوق‌ها با جمع‌آوری سرمایه‌های اندک کشاورزان و تولیدکنندگان در برآوردن نیازهای مالی و توسعهٔ

فعالیت‌های تولیدی اعضاء نیز نقش دارد. (فریمانی، ۱۳۸۴)، سادات نوفل (۱۳۷۶) موانع اشتغال زنان را به سه دسته: موانع فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و فردی شخصیتی تقسیم کرده است. در بخش موانع فرهنگی- اجتماعی به نگرش منفی جامعه (خانواده و همسر) میزان تحصیلات همسر و درصد رقیبان مرد در مقابل زنان اشاره می‌کند (نوفل، ۱۳۷۶). در تحقیقی که توسط فائو در سه کشور تایلند، نیجریه، سوریه انجام شد، محققین به این نتیجه رسیدند که کشاورزان زن از نظر دسترسی به منابع مالی و اعتباری، در سه کشور نیجریه، سوریه، و ترینیداد به ترتیب ۱۱/۸، ۳/۷۵ و ۱/۲۵ درصد، دسترسی اندکی به منابع مالی داشته‌اند، ولی در تایلند ۶۱/۲۵ درصد از زنان از منابع مختلف (اقوام یا واسطه‌ها) برای فعالیت‌های کشاورزی پول گرفته‌اند. نکتهٔ جالب این که درصد کمی از زنان تایلندی (۳/۷ درصد) و ترینیداد (۱/۲۵درصد) برای فعالیت‌های کشاورزی از بانک‌های کشاورزی وام گرفته‌اند (موحدی، ۱۳۸۱).

ماتیسون (Mathison, 2003)، با معرفی اعتبارات خرد و تأثیرات اقتصادی بحران‌های طبیعی بر زندگی خانوارهای فقیر، بر نقش اعتبارات خرد در بازسازی آثار بحران تأکید می‌کند. به باور او، اعتبارات خرد می‌تواند در ایجاد مشاغل خانگی و کسب و کار خرد برای خانوارهای فقیر نقشی مهم ایفا کند؛ و بدین ترتیب، تأکید او بیش از هر چیز بر نقش اقتصادی اعتبارات خرد در مدیریت بحران است .ارینس (۲۰۱۰) طی مطالعهٔ خود تحت عنوان زنان روستایی و اعتبارات خرد در غنا به این نتیجه رسیده است که وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی این‌طور نشان می‌دهد که زنان روستایی در زمینه‌های مختلف از سیستم اعتبارات خرد بهره‌برده‌اند، ولی هنوز چالش‌هایی از قبیل دین و سایر عوامل اجتماعی و فرهنگی و سطوح پایین سواد کار این صندوق‌ها را محدود کرده است. غفاری و دیگران (۲۰۱۱) در مطالعهٔ اعتبارات خرد و بهبود وضعیت مالی زنان روستایی به این نتیجه رسیده‌اند که ارائهٔ خدمات اعتبارات خرد برای فقرا در جامعه یک ابزار قدرتمند برای کاهش فقر است، به‌طوری که آن‌ها قادر به ایجاد دارایی، کسب پول بیشتر و تبدیل شدن به قشر کمتر آسیب‌پذیر در برابر فشار اقتصادی هستند. رحمانی (۱۳۸۶) در مطالعهٔ خود دریافت که، از جمله عواملی که بر موفقیت زنان در دریافت وام و ایجاد اشتغال تأثیر مثبتی دارند می‌توان به میزان تحصیلات زنان، میزان تحصیلات مردان و نگرش کلی مردان خانواده نسبت به دریافت وام توسط زنان خود اشاره نمود. رزمی و همکاران (۱۳۷۹) میزان سرمایه و منابع تأمین آن، کمیت و کیفیت نیروی انسانی، چگونگی دسترسی به مواد اولیه و تجهیزات، وضعیت بازار محصولات، نگرش افراد نسبت به صنایع روستایی، تمرکز و عدم تمرکز صنایع، امکانات رفاهی و زیربنائی منطقه، برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی، قوانین و مقررات موجود و وضعیت فرهنگ عمومی منطقه را از عوامل مؤثر بر ایجاد و گسترش صنایع روستایی دانسته‌اند. در مطالعه‌ای بهره‌وری گروه‌های مختلف صنایع روستایی، تعاونی و دولتی چین را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۷۸مقدار بهره‌وری نهاده‌های تولید صنایع روستایی نسبت به تعاونی و دولتی بیشتر بوده است. به‌طوری که متوسط رشد بهره‌وری نیروی کار، موجودی سرمایه و نهاده‌های واسطه‌ای صنایع روستایی طی دورهٔ مورد بررسی به ترتیب برابر با 2/2، 8/5، 16درصد بوده است

صادقی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی اقتصادی صنایع روستایی استان مازندران" به محاسبهٔ بهره‌وری نهایی نیروی کار و سرمایه و نیز کل عوامل تولید پرداخته و نتیجه گرفته که در دورهٔ مورد بررسی (۱۳۷۷-۱۳۷۳) بهره‌وری نهایی نیروی کار در صنایع کانی، نساجی و فلزی استان پایین‌تر از سایر بخش‌ها بوده است. همچنین، نتیجه گرفته که میزان بهره‌وری کل عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار) در صنایع شیمیایی و سلولزی نسبت به سایر زیر بخش‌های صنایع روستایی استان بیشتر بوده و نرخ رشد آن منفی و تقریباً روند نزولی داشته است. ایشان از شاخص کندریک برای محاسبهٔ بهره‌وری کل عوامل تولید استفاده کرده است. ساروخانی (۱۳۷۰) در تحقیقات خود دربارهٔ اشتغال زنان بر روی یک نمونه ۱۰۲۰ نفری از زنان به این نتیجه دست یافت که ۳۶/۵ درصد از زنان مورد پژوهش موافق مطلق اشتغال زن، ۲۷ درصد مخالف مطلق و ۳۲/۳ درصد موافق مشروط اشتغال زنان بوده‌اند. ۵۷ درصد از زنان موافق اشتغال زنان، دلیل خود را کمک اقتصادی به خانه دانسته‌اند. ۴۰ درصد نیز دلایل روانی، اعتبار اجتماعی و اشتغال زن را مطرح نموده‌اند.

روش‌شناسی

در این مقاله از روش تحقیق توصیفی و به صورت پیمایشی استفاده شده است. پیمایش روشی سریع و نسبتاً کم‌هزینه جهت کشف ویژگی‌ها و عقاید یک جمعیت در مقیاس وسیع است و جزو متداول‌ترین روش‌های تحقیق در علوم رفتاری و اجتماعی محسوب می‌شود. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر شیوهٔ جمع‌آوری اطلاعات پیمایشی، از نظر نوع تحقیق توصیفی و علی ارتباطی است. جامعهٔ آماری پژوهش را زنان عضو و غیر عضو صندوق اعتبارات خرد روستای آرندان در شهرستان سنندج استان کردستان مشتمل بر ۱۲۰ نفر تشکیل می‌دهند.

به‌منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز تحقیق از مصاحبه و پرسش‌نامه استفاده شده است. بر اساس اهداف، پیشینهٔ نگاشته‌ها، فرضیات تحقیق و نتایج به‌دست آمده از مصاحبه‌های انجام‌شده، پرسش‌نامه‌ای تنظیم گردید. برای اطمینان از روایی ابزار اندازه‌گیری، پرسش‌نامهٔ طراحی‌شده در اختیار اساتید صاحب‌نظر در زمینهٔ مطالعات اجتماعی و برخی از کارشناسان خبرهٔ بانک کشاورزی استان قرار داده شد و اصلاحات مورد نیاز در آن اعمال گردید. برای محاسبهٔ قابلیت اعتماد، روش‌های گوناگونی وجود دارد که در تحقیق حاضر از آنجا که سؤالات به‌صورت بسته و در مقیاس لیکرت بودند، از ضریب آلفا کرونباخ استفاده شد. برای محاسبهٔ ضریب پایایی پرسش‌نامه (α کرونباخ) تعداد ۱۲ نفر از زنان مستمند شهری که از اعتبارات خرد استفاده کرده بودند از طریق کمیتهٔ امداد امام خمینی استان معرفی گردند و پس از تکمیل پرسش‌نامه‌های مربوطه، قابلیت اعتماد پرسش‌نامه‌ها محاسبه گردید. محاسبهٔ α کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS (Version 11) انجام شد و این ضریب برای کل سؤالات پرسش‌نامه ۰/۷۰۰۱ درصد به‌دست آمد و ۶ سؤال که دارای ضریب کرونباخ پایینی بودند، حذف گردیدند. پس از تعیین ضریب مذکور و کسب اطمینان از بالا بودن پایایی پرسش‌نامه‌ها، نسبت به تکمیل آنها اقدام شد.

یافته‌های تحقیق

ویژگی فردی اعضا صندوق اعتبارات خرد

ویژگی‌های اعضا صندوق بر حسب سن

بررسی اعضاء صندوق بر حسب سن نشان می‌دهد که در گروه‌های چهارگانه سنی، بیشترین تعداد مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال می‌باشد که ۴۷ درصد از اعضاء را نشان می‌دهد و گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال با ۴ درصد کمترین تعداد را نشان می‌دهد. (جدول۱)

جدول ۱. توزیع سنی پاسخگویان

گروه سنی	فراوانی	درصد
۱۵ تا ۲۰ سال	۲۲	۱۸
۲۰ تا ۳۰ سال	۵۶	۴۷
۳۰ تا ۴۰ سال	۳۷	۳۱
۴۰ تا ۶۰ سال	۵	۴
جمع	۱۲۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

سطح تحصیلات اعضاء

بررسی سطح تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد که از مجموع ۱۲۰ حداقل ۹۵ درصد دارای حداقل سواد ابتدای هستند. همچنین، بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات متوسطه (۳۶/۸ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به افراد بی‌سواد (۶/۶ درصد) است. (جدول۲)

جدول۲. توزیع سطح سواد اعضاء صندوق

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۸	۶/۶
ابتدایی	۳۲	۲۶/۴
متوسطه	۴۴	۳۶/۸
دبیرستان	۲۴	۲۰
دانشگاهی	۱۲	۱۰
جمع	۱۲۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تأثیر اعتبارات خرد بر مؤلفه‌های مرتبط با وضعیت تولیدات روستایی

با توجه به اینکه یکی از اهداف اصلی پرداخت اعتبارات خرد به زنان روستایی ایجاد اشتغال یا بهبود وضعیت اشتغال زنان روستایی است، تأثیر این اعتبارات بر مؤلفه‌های مرتبط با وضعیت اشتغال زنان مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد از میان مؤلفه‌های مورد بررسی قرار گرفته، اعتبارات خرد پرداخت‌شده بیشترین تأثیر را به ترتیب افزایش تولیدات اعضای شاغل با میانگین ۴/۱ و کمک به توسعهٔ شغلی اعضای شاغل با میانگین ۳/۹ داشته است. همچنین، مشخص شد اعتبارات پرداخت‌شده کمترین تأثیر را بر افزایش شغل جدید (میانگین:۱/۳) و ارتقاء مهارت‌های افراد شاغل یا تولیدکننده (میانگین۱/۵) داشته است. نتایج تفصیلی این یافته در جدول ۳ ارائه شده است. میزانcv پایین به‌دست آمده نیز دقت بالای میانگین به‌دست آمده را نشان می‌دهد. سه عامل بعدی که اعتبارات خرد در آنها تأثیر زیادی داشته است به ترتیب عبارتند از: افزایش میزان رفاه خانوار اعضاء (میانگین: ۵/۳)، افزایش بهره‌وری تولیدات اعضاء (میانگین: ۳/۲)، ارتقاء کیفیت تولیدات اعضاء (میانگین: ۳/۱) .

جدول۳. تأثیر اعتبارات خرد بر مؤلفه‌های مرتبط با وضعیت اشتغال و تولیدات صنایع روستایی

مؤلفه‌ها	میانگین رتبه‌ها	انحراف معیار	C.V
افزایش تولیدات بعد از تشکیل صندوق	۴/۱	۰/۶	۰/۱۲
کمک به توسعهٔ شغلی اعضای شاغل	۳/۹	۱/۳۶	۰/۵۲
ایجاد شغل جدید برای اعضای فاقد شغل	۱/۳	۱/۶	۰/۷۶
افزایش میزان رفاه خانوار اعضاء	۳/۵	۱/۳۱	۰/۵۹
افزایش بهره‌وری تولیدات اعضاء	۳/۲	۰/۹	۰/۴۹
ارتقاء کیفیت تولیدات اعضاء	۳/۱	۰/۸۸	۰/۴۸
ارتقاء مهارت‌های افراد شاغل یا تولیدکننده	۱/۲	۰/۵	۰/۳۱
ارتقاء سطح آموزش‌های افراد شاغل یا تولیدکننده	۱/۸	۰/۶۴	۰/۴۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بررسی ارتباط بین افزایش تولیدات صنایع زنان روستایی و متغیرهای مستقل

با توجه به سؤالات کلی تحقیق، متغیرهایی که با متغیر اصلی (تولیدات صنایع روستایی) از طریق آزمون همبستگی تحلیل می‌شوند، عبارتند از: سن، میزان تحصیلات که در جدول ۴ نتایج حاصله از تحلیل همبستگی نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، بررسی همبستگی بین متغیر اصلی تحقیق، یعنی تولیدات صنایع زنان روستایی و متغیرهای مستقل نشان داد از بین متغیرهای مورد بررسی رابطهٔ میان میزان تحصیلات زنان، در سطح ۰/۰۱ معنی دار است (P۰/۱). بنابراین، می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد قضاوت نمود که بین متغیر مذکور و میزان تولیدات صنایع روستایی زنانی که از اعتبارات خرد استفاده نموده بودند، رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد.

جدول۴. ضرایب همبستگی به‌دست آمده بین متغیرهای مستقل و افزایش تولیدات زنان روستایی

متغیر مستقل مورد بررسی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
سن	۰/۱۴	۰/۸۹۰
میزان تحصیلات	0/573	۰/۰۰۴**

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

نام‌گذاری سال ۲۰۰۵ از سوی سازمان ملل متحد به‌عنوان (سال اعتبارات خرد) شاهدی است بر تأثیر اعتبارات خرد در زندگی میلیون‌ها انسانی که در سرتاسر جهان، از این اعتبارات استفاده کرده‌اند. سوابق تأمین مالی در روستاهای ایران بیانگر این واقعیت است که علی‌رغم فعالیت بانک کشاورزی و برخی بانک‌های تجاری در مناطق روستایی، هنوز بخشی قابل توجهی از منابع مالی مورد نیاز روستائیان و تولیدکنندگان بخش کشاورزی توسط نهادهای غیررسمی تأمین می‌شود که منابع مالی مورد نیاز روستائیان را با شرایطی نه چندان مناسب در اختیار آنان قرار می‌دهند. صندوق‌های اعتباری روستایی از جمله منابع مالی و اعتباری هستند که علاوه بر ایجاد، حفظ و تقویت روحیهٔ مشارکت، تعاون و همیاری در میان روستائیان، در برآوردن نیازهای ضروری اعضاء و رفع نیازهای مالی و سرمایه‌گذاری در امر تولید نیز نقش مهمی دارند. در جامعهٔ امروز ایران، زنان نشان داده‌اند که توانایی‌ها و قابلیت‌های بالقوهٔ فراوانی دارند و تحت شرایط مناسب می‌توانند مشارکت مؤثری در توسعهٔ اقتصادی کشور داشته باشند. از آنجایی که در دهه‌های اخیر زنان دسترسی بهتری به دانش و اطلاعات فنی در عرصه‌های اقتصادی داشته‌اند، مشارکت داوطلبانه و آگاهی‌های آنها در این زمینه‌ها افزایش یافته است. از این‌رو، افزایش و بهبود مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی، از جمله تولیدات صنایع روستایی از عمده‌ترین اهداف بسیاری از سازمان‌های دولتی از جمله دفتر مشارکت و امور زنان وزارت جهاد کشاورزی در قالب ارائهٔ طرح‌هایی چون طرح صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی است.

نتایج به‌دست آمده در زمینهٔ تأثیر اعتبارات خرد پرداخت‌شده در زمینهٔ تولیدات صنایع روستایی نشان می‌دهد که ارتباط معنی‌داری بین سطح تحصیلات و افزایش تولیدات اعضاء وجود دارد. همچنین، اعتبارات بیشترین تأثیر را در زمینهٔ تثبیت شغل قبلی زنان دریافت کنندهٔ وام و افزایش تولیدات بعد از تشکیل صندوق داشته است و دلیل آن این است که مقدار وام پرداختی به‌هیچ عنوان تکافوی هزینهٔ ایجاد یک شغل جدید را نداشته است و این اعتبارات در ایجاد مشاغل جدید به‌صورت فردی و گروهی از موفقیت چندانی برخوردار نبوده است.

دیگر یافته‌های تحقیق در زمینهٔ ارتقاء مهارت‌های افراد است که با توجه به یافته‌ها تحقیق در این زمینه نیز به‌دلیل عدم یا کم بودن آموزش‌های لازم، افراد عضو مهارت‌های لازم را در زمینهٔ چگونگی استفاه از اعتبارات را کسب نکرده‌اند.

پیشنهادات

با توجه به نتایج به‌دست آمدهٔ تحقیق به‌منظور هدفمند نمودن اعتبارات خرد و هر چه بیشتر مؤثر واقع شدن این اعتبارات توجه به پیشنهادات زیر می‌تواند راهگشا باشد:

- ✓ توجه به نتایج به‌دست آمده در زمینهٔ اشتغال زنان روستایی که بیانگر عدم اشتغال این افراد است؛ پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی همراه با پشتیبانی مالی با هدف آموزش زمینه‌های اشتغال برای این گروه از افراد جامعه که محروم‌ترین گروه جامعه هستند؛ ارائه گردد.
- ✓ پیشنهاد می‌شود با جذب حمایت‌های مالی رسمی و غیررسمی از دیگر سازمان‌ها و نهادها در زمینهٔ افزایش اشتغال و تولیدات صنایع روستایی گام برداشت.
- ✓ دولت می‌تواند هرگونه کمک به توسعهٔ روستایی را در قالب اعطای اعتبار به این صندوق‌ها عملی نماید.
- ✓ پیشنهاد می‌شود نیازهای مالی روستاییان برای فعالیت‌های صنایع روستایی از نظر حجم و ماهیت توسط مؤسسهٔ پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی مورد بررسی و مطالعهٔ دقیق قرار گرفته و تبیین شوند.

منابع

ازکیا، م. و ایمانی، ع. ۱۳۸۵، نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زنـدانیان آزاد شده: تجربهٔ بانک کشاورزی. مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعهٔ روستایی و فقرزدایی، تهران مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی.

خیرخواهان، ج. ۱۳۸۵، صندوقی با نرخ بهرهٔ صفر، روش مبارزه یونس با فقر، روزنامهٔ دنیای اقتصاد، شمارهٔ۱۱۰۷، صفحه: ۳۲

رحمانی، م. ۱۳۸۶، نقش شبکه‌های خرده وام‌دهی بر توانمندسازی زنان (مطالعهٔ موردی روستای پشت رود بم). پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی.

شهریار دوست، س. ۱۳۸۸. بررسی انگیزه و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی شهرستان زابل. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند.

فریمانی، ش. ۱۳۸۴، زمینه‌یابی تشکیل صندوق‌های اعتباری روستای شرق استان تهران، مجلهٔ اقتصاد کشاورزی، جلد۵، شمارهٔ۵۰، صفحه: ۵۴-۴۸ .

کوشکی، ف. ۱۳۸۷. تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر عملکرد صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی و نقش آن در توسعهٔ روستایی استان کرمانشاه، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشکدهٔ اقتصاد و توسعهٔ کشاورزی دانشگاه تهران.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.

نوفل، مینو سادات (۱۳۷۶). «تأثیر اشتغال زنان بر اجتماعی شدن فرزندان»، پایان‌نامهٔ دورهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی

Mathison, S. 2003. ‘‘Microfinance and disaster management’’. Retreved 14 august 2009. Available on: www. Deveopmentga-teway.com.au\ jahia\webdav\site\...mf_disasters.pdf

Rahman, M. 2005. Miro credit in poverty eradication and achievement of MDGs: Bangladesh experiene. Retrieved 10 August

تأثیرکارگاه های آموزشی در روستاها بر توسعهٔ اشتغال زنان روستایی (نمونهٔ موردی شهرستان رشت)

پیمان حسینی(نوبسنده مسئول)[1]
محمد جلیل خورشیدی[2]
محمدکریم معتمد[3]
بابک مرادی[4]

چکیده

زنان با توجه به نقشی که در خانواده ایفا می‌کنند، می‌توانند به عنوان یکی از محورهای اصلی پیشرفت و توسعه محسوب شوند. یکی از مسائلی که می‌بایست امروزه دولت‌ها و حکومت‌های دنیا بدان توجه نمایند، بحث توسعهٔ روستایی به‌خصوص درکشورهای توسعه نیافته است. در ایران برای ارتقاء سطح کیفی زندگی مردم این مناطق، کارگاه‌های آموزشی در روستاها جهت اشتغال زنان روستایی تشکیل شده است. هدف کلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیرات کارگاه‌های آموزشی در روستاهایی شهرستان رشت بود. جامعهٔ آماری این پژوهش را زنان روستایی شهرستان رشت در استان گیلان تشکیل داده‌اند و حجم نمونه با استفاده از فرمول کرسجی مورگان معادل۱۲۰ نفر مشخص شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بود و همچنین، اعتبار پرسش‌نامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰۰۱ برآورد شد که از بعد آماری قابل قبول بوده است. بر اساس یافته‌های تحقیق تفاوت معناداری بین مهارت قبل و پس از تشکیل کارگاه‌های آموزشی در پاسخگویان وجود داشت. در خصوص تغییر دانش زنان روستایی بر حسب سطح تحصیلات، اختلاف معنی‌دار بین تغییر دانش زنان روستایی در سطوح گوناگون تحصیلی وجود دارد. با توجه به اینکه هدف این کارگاه‌ها ارائهٔ آموزش‌هایی جهت ایجاد اشتغال است، اما با توجه به پاسخ ۸۵٪ پاسخ‌دهندگان، نبود اعتبارات کافی و عدم توانایی روستاییان در سرمایه‌گذاری در زمینهٔ اشتغال، یکی از معضلات روستایان بود که ایجاد صندوق اعتبارات روستایی و شرکت‌های تعاونی روستایی در روستاهای این شهرستان پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: کارگاهای آموزشی، رشت، توسعهٔ اشتغال، توسعهٔ روستایی، زنان روستایی.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد توسعۀ روستایی دانشگاه گیلان، Email:Paymanhosayni@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد توسعهٔ روستایی دانشگاه گیلان، Email:khorshidi.jalil@yahoo.com
۳. دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی و عضو هیئت علمی گروه توسعهٔ روستایی دانشکاه گیلان، Email:motamed@guilan.ac.ir
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد توسعهٔ روستایی دانشگاه تهران، Email:bmorady14@yahoo.com

مقدمه

نقش زنان در توسعهٔ کشاورزی و روستایی بر هیچ‌کس پوشیده نیست و مروری بر نگاشته‌های موجود در این زمینه شاهدی است بر انفجار مطالعاتی که نقش زنان را در توسعهٔ کشاورزی و روستایی بررسی می‌کند. (Okly, 1991). یکی از مهم‌ترین عوامل توسعهٔ روستایی، توانمندسازی زنان روستایی می‌باشد که شامل عملکرد توسعه‌یافتهٔ زنان در مدیریت تصمیم‌گیری و اجراء در محیط خانواده و جامعه است. در راستای سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران، سازمان فنی و حرفه‌ای بنا به اهمیت بهبود اقتصادی کشور از طریق افزایش تولیدات صنایع روستایی در مناطق روستایی و همچنین رسیدن به عدالت اجتماعی با ایجاد اشتغال و کاهش فقر، کارگاه‌های آموزشی در روستاها را ایجاد نموده است. امروزه که پیشرفت‌های ناگهانی، تصاعدی و حیرت‌انگیز علوم کشاورزی در نیمهٔ دوم قرن بیستم، د یدگاه‌های علمی مانند اندیشهٔ توسعهٔ پایدار و بهره‌وری بهینه از منابع مادی و انسانی را مطرح کرده است و ارتقای هرچه بیشتر اقتصاد خانوادهٔ روستایی به عنوان اساسی‌ترین عنصر در توسعهٔ بخش کشاورزی و نوعاً توسعهٔ روستایی به‌شمار می‌رود. بنابراین، اهمیت آموزش به‌منظور بهره‌مندی مطلوب از منابع انسانی، به‌ویژه زنان روستایی که هرگونه پیشرفت در بخش کشاورزی به دست آنان امکان‌پذیر است، بیش از پیش آشکار می‌شود. زنان روستایی عوامل مؤثر تولید در نظام اقتصادی جامعه هستند. آنان تولیدکنندگان و تبدیل‌کنندگان محصولات کشاورزی در نظام اقتصادی بوده و هم‌چنین مدیران داخلی خانواده‌های خود می‌باشند؛ بنابراین، ایجاد فرصت های لازم برای آموزش زنان روستایی در جهت افزایش سطح داده‌ها و معلومات علمی و فنی آنان، از جمله اقدام‌های بنیانی در فرآیند توسعهٔ روستایی است حسینی نیا (۱۳۷۸). با توجه به نقش مهم زنان در فرایند توسعهٔ روستایی، امر آموزش زنان به‌ویژه در زمینهٔ صنایع دستی دارای اهمیت بسیار زیاد بوده و در توسعهٔ اقتصادی کشور و بهبود سطح زندگی اقشار روستایی و محروم جامعه نقش مؤثری دارد.

اشتغال زنان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعهٔ اقتصادی همواره مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد و قالبی از برنامه‌ریزی‌های دورنگرانهٔ کشورهاست. رقابت میان کشورهای خاورمیانه در زمینه‌های گوناگون، توسعهٔ اشتغال زنان را هدف می‌گیرد و جمهوری اسلامی ایران در صدد است که در افق ۱۴۰۴ بالاترین قلهٔ اهداف توسعه‌ای را فتح کند. (۲۰۰۹). Pishgahifar در این راستا، واحد امور زنان سازمان جهاد کشاورزی آموزش‌های فنی حرفه‌ای غیر رسمی را با اهداف اشتغال‌زایی، رفع نیاز اقتصادی خانوارهای روستایی، کسب درآمد جهت بهبود اقتصاد خانوار روستایی، آموزش صنایع دستی و پرنمودن اوقات فراغت زنان و دختران روستایی برگزار می‌کند. هدف این آموزش‌ها ایجاد مهار ت‌های لازم جهت ایجاد اشتغال و رفع معضل بیکاری است. آموزش‌های فنی حرفه‌ای بلندمدت بوده و حدود ۷ تا ۶۰ روز می‌باشد و پس از پایان دوره، گواهینامه صادر می‌گردد. برخی از دوره‌های آموزش فنی حرفه‌ای شامل آموزش قالیبافی، گیوه‌بافی، توپ‌دوزی، تابلوهای تزیینی، سجاده‌بافی و... می‌باشد.

محبوبی (۱۳۷۶) به بررسی انواع آموزش‌های مطلوب و مناسب برای دختران روستایی پرداخته است. بر طبق مطالعات وی، مهم‌ترین زمینه‌های آموزش‌های عملی و امکان‌پذیر

برای دختران روستایی شامل زراعت، باغبانی، دامداری، صنایع دستی، صنایع تبدیلی، آموزش‌های عمومی، سوادآموزی، آموزش‌های دینی، آموزش‌های فرهنگی، آموزش‌های اقتصادی-اجتماعی، آموزش کودکیاری، تغذیه، بهداشت و تنظیم خانواده، حفظ محیط زیست، حفظ منابع طبیعی و آموزش‌های سیاسی می‌باشد. کوهساریان، کلزایی و نظری (۱۳۷۶) به بررسی انواع آموزش‌های مطلوب و مناسب برای دختران جوان روستایی پرداخته‌اند. این مطالعه در منطقهٔ گرگان و گنبد انجام شده است. در این مطالعه آموزش‌ها به چهارنوع آموزشی اتفاقی، غیررسمی، رسمی و آزاد تقسیم‌بندی شده‌اند. فرضیاتی در این تحقیق در نظر گرفته شده است. مثلاً رابطهٔ سن و سواد دختران روستایی با نحوهٔ آموزش، میزان تأثیر آموزش‌های ارائه‌شده بر آگاهی، طرق مختلف آموزش، موضوع آموزش و ... مورد بررسی قرار روابط SPSS گرفته است و با استفاده از نرم‌افزار بررسی شده‌اند. در این مطالعه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده است. نتایج نشان داده است است که اکثر دختران روستایی گرایش بیشتری به فراگیری آموزش در زمینهٔ کشاورزی، دامپروری، مسائل اجتماعی، فرهنگی و خانه‌داری دارند. از لحاظ شیوهٔ آموزش، آموزش دو طرفهٔ گروهی را دوست دارند و بهتر است اجراء آموزش تئوری و عملی باشد. معروفی (۱۳۶۹) به بررسی توسعهٔ روستاها درایران موانع و راه حل‌ها پرداخته است. به باور وی آموزش در رشد و توسعهٔ روستاها نقش کلیدی دارد. آموزش فقط به معنای کمال بخشیدن به ابزار کار و به‌کارگرفتن تجهیزات جدید کشاورزی و استفاده از کودهای جدید نمی‌باشد، بلکه آموزش حرفه‌ای دهقانان، ایجاد شبکهٔ مشاوران کشاورزی و مروجان، سازمان دادن عاقلانهٔ کار و کشف و به‌کار بستن روش‌های افزایش قدرت تولید را نیز شامل می‌شود.

آموزش صنایع دستی به زنان راهی جهت کاهش فقر، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و توانمندسازی زنان بوده و گامی‌در جهت افزایش تولیدات و توسعهٔ پایدار روستایی است. لذا، هدف از این پژوهش، ارزشیابی آموزش‌های فنی حرفه‌ای غیررسمی زنان روستاهای شهرستان رشت در استان گیلان در طول سال‌های۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ با توجه به اهداف این آموزش‌ها بود. دستیابی به اهداف این برنامه‌ها به وسیلهٔ مطالعهٔ طرح‌های اجراشده و مصاحبه با کارشناسان ترویج جهاد کشاورزی از جمله کارشناس امور زنان و کارشناس آموزش روستایی آن انجام گرفت. هدف دوره‌های آموزش فنی حرفه‌ای برگزارشده در طول سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ شامل موردهای زیر می‌باشد:

- افزایش دانش زنان روستایی در زمینهٔ صنایع دستی،
- اشتغال‌زایی و رفع معضل بیکاری زنان روستایی.

با توجه به اهداف عنوان شده، پرسش‌های پژوهش زیر در این راستا مطرح می‌گردد:

۱. آیا تفاوت معناداری بین تغییر دانش زنان روستایی بر حسب سطح تحصیلات وجود دارد؟
۲. آیا تفاوت معناداری بین دانش کنونی و پیشین زنان روستایی پس از شرکت در دوره‌های آموزشی فنی حرفه‌ای وجود دارد؟
۳. مشکلات اشتغال زنان روستایی در زمینهٔ صنایع دستی کدامند؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت، پژوهش کمی، از نظر هدف، پژوهش کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش توصیفی – پیمایشی است. جامعهٔ آماری پژوهش را زنان روستاهای شهرستان رشت تشکیل می‌دادند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرسجی و مورگان ۱۲۰نفر برآورد شد که با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای، (Krejcie and Morgan,1980) نمونه‌گیری انجام گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه بود که در ۴ بخش تنظیم گردید. بخش نخست در رابطه با ویژگی‌های شخصی پاسخگویان بود. بخش دوم شامل پرسش‌هایی برای ارزشیابی دوره‌های آموزش فنی حرفه‌ای غیررسمی بود که زنان روستایی را در زمینهٔ صنایع دستی، پیش و پس از برگزاری کلاس‌های آموزشی مورد سنجش قرار می‌داد. بخش سوم، شامل پرسش‌هایی در زمینهٔ مشکلات زنان روستایی برای شرکت در دوره‌های آموزشی، و بخش چهارم شامل پرسش‌هایی در زمینهٔ مشکلات اشتغال زنان در زمینهٔ صنایع دستی بود. روایی ظاهری ۱ و محتوایی ۲ پرسش‌نامه به وسیلهٔ پانل متخصصین شامل اعضای هیئت علمی ترویج کشاورزی و کارشناسان ترویج جهاد کشاورزی تأیید شد. جهت تعیین پایایی پرسش‌نامه از روش آزمون مجدد استفاده گردید که ضریب همبستگی پاسخ‌ها حدود ۷۱ درصد بوده و پایایی آزمون مورد تأیید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و از آمارهای توصیفی spss شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار برای گروه‌های همبسته و تجزیه و t مانند درصد، فراوانی، انحراف معیار و آمار استنباطی آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده گردید.

یافته‌های تحقیق

ویژگی فردی اعضاء شرکت‌کننده در کارگاه‌ها

ویژگی‌های اعضاء بر حسب سن

بررسی شرکت‌کنندگان در کارگاها بر حسب سن نشان می‌دهد که در گروه‌های چهارگانه سنی، بیشترین تعداد مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال می‌باشد که ۴۷ درصد از اعضاء را نشان می‌دهد. گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال با ۴ درصد کمترین تعداد را نشان می‌دهد. (جدول ۱)

جدول ۱. توزیع سنی پاسخگویان

گروه سنی	فراوانی	درصد
۱۵ تا ۲۰ سال	۲۲	۱۸
۲۰ تا ۳۰ سال	۵۶	۴۷
۳۰ تا ۴۰ سال	۳۷	۳۱
۴۰ تا ۶۰ سال	۵	۴
جمع	۱۲۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

سطح تحصیلات اعضاء

بررسی سطح تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد که از مجموع ۱۲۰ نفر، حداقل ۹۵ درصد دارای حداقل سواد ابتدای هستند. همچنین، بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات متوسطه (۳۶/۸ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به افراد بی‌سواد (۶/۶ درصد) است. (جدول ۲)

جدول۲. توزیع سطح سواد اعضا صندوق

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۸	۶/۶
ابتدایی	۳۲	۲۶/۴
متوسطه	۴۴	۳۶/۸
دبیرستان	۲۴	۲۰
دانشگاهی	۱۲	۱۰
جمع	۱۲۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جواب این سؤال تحقیق که ایا آیا تفاوتی معنادار بین تغییر دانش زنان روستایی بر حسب سطح تحصیلات وجود دارد؟ در جدول۳، نتایج تجزیه و تحلیل واریانس یک سویه مربوط به مقایسهٔ میانگین تغییر دانش زنان روستایی بر حسب تحصیلات نشان داده شده است. در سطح خطای کمتر از 5 درصد، اختلافی معنادار بین تغییر دانش زنان روستایی در سطوح تحصیلی گوناگون وجود دارد.

جدول ۳. تحلیل واریانس تفاوت بین تغییر دانش زنان روستایی بر حسب تحصیلات

	مجموع مربعات	درجهٔ آزادی	میانگین مربعات	f	Sig
بین گروهی	253/452	3	65/145	2/41	0/031
درون گروهی	290/154	119	27/2		
کل	470/142	122			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جواب پرسش بعدی که آیا تفاوتی معنی‌دار بین دانش پیشین و کنونی زنان روستایی پس از شرکت در دوره‌های آموزشی فنی حرفه‌ای وجود دارد؟ به‌منظور بررسی معنی‌داری تفاوت بین دانش کنونی و پیشین زنان روستایی در زمینهٔ صنایع روستایی از آزمون t برای گروهای همبسته بهره گرفته شده است.نتایج به‌دست آمده در جدول۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. میانگین دانش پیشین و کنونی زنان روستایی در زمینهٔ صنایع دستی

فراوانی	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معنی داری
۱۲۰	۱/۳۳۱	۰/۶۵۴	۸/۲۵۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یافته‌های به‌دست آمده از جدول ۴حاکی از آن است که با احتمال ۹۹درصد، بین دانش کنون و پیشین زنان در زمینهٔ صنایع روستایی تفاوتی معنادار وجود دارد. بنابراین، دانش زنان در زمینهٔ صنایع روستایی پس از برگزاری دوره‌های آموزشی افزایش یافته است.

در جواب پرسش آخر که مشکلات اشتغال زنان روستایی در زمینهٔ صنایع دستی کدامند؟ بر اساس جدول ۷ مشکلات اشتغال زنان روستایی در زمینهٔ صنایع دستی به ترتیب اولویت شامل کمبود امکانات و منابع مالی، سودمند نبودن فعالیت‌های اقتصادی در سطح خرد و نداشتن دسترسی به بازارهای خرید مواد اولیه و فروش تولیدات می‌باشد.

جدول ۵. مشکلات اشتغال زنان روستایی در زمینهی صنایع دستی

مشکلات اشتغال‌زایی	میانگین	انحراف معیار
کمبود امکانات و منابع مالی	۴/۴۲۰	۰/۵۶
سودمند نبودن فعالیت‌های اقتصادی در سطح خرد	۳/۹۷	۰/۸۴
نداشتن دسترسی به بازارهای خرید مواد اولیه و فروش تولیدات	۳/۸۵۱	۰/۷۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

در نتایج یافته‌های توصیفی دیدیم که نزدیک به ۷۰ درصد از زنان دارای تحصیلات متوسطه به پایین هستند. لذا، برگزاری کلاس‌های سوادآموزی جهت بهبود کیفیت یادگیری زنان روستایی امری ضروری است. این نتیجه با نتایج مطالعات (سلیمانی،۱۳۹۰)، (۱۹۹۷، Rajika)، (بنی‌هاشم، ۱۳۸۰) همسو می‌باشد. بر اساس یافته‌ها، تفاوتی معنی‌داری بین دانش کنونی و دانش پیشین زنان روستایی در زمینهٔ صنایع روستایی وجود دارد. بنابراین، دانش زنان در زمینهٔ صنایع روستایی پس از برگزاری دوره‌های آموزشی افزایش یافته است و این مسئله نیز حاکی از اثربخشی برنامه‌های آموزش فنی حرفه‌ای بوده است. همچنین، از این یافته می‌توان چنین استنباط نمود که چون محتوای دوره‌های آموزشی ذکرشده با نیازهای واقعی زنان روستاهای شهرستان رشت در استان گیلان متناسب بوده است. لذا، آنان با انگیزه در این دوره‌ها شرکت نموده‌اند و دانش آنان در زمینهٔ صنایع روستایی پس از برگزاری دوره‌های آموزشی افزایش یافته است. در زمینهٔ مشکلات زنان روستایی برای شرکت در برنامه‌های آموزش فنی حرفه‌ای غیررسمی، یافته‌ها نشان دادند که برنامه‌های آموزشی بیشتر اوقات بدون توجه به نیازهای زنان طراحی می‌شود که این مسئله موجب پایین آمدن اثربخشی برنامه‌ها، بی‌رغبتی زنان روستایی برای شرکت در دوره‌های آموزشی و هدر رفتن سرمایه‌های ملی می‌شود. لذا، انجام نیازسنجی آموزشی برای پی‌بردن به نیازهای واقعی فراگیران امری اجتناب‌ناپذیر است. باید توجه داشت که انجام نیازسنجی دقیق آموزشی می‌تواند بنیان اصلی برای طرح‌ریزی و اجرای یک برنامهٔ آموزشی اثربخش باشد. با توجه به یافته‌ها در بسیاری از موارد، عدم هم‌زبانی مروج با زنان روستایی، ارتباط دو سویهٔ زنان و آموزشگران را مختل نموده و از اثربخشی برنامه‌های آموزشی می‌کاهد. لذا، پیشنهاد می‌شود جهت رفع این مشکل، انتخاب آموزشگران با دقتی بیش‌تر صورت گرفته و نیز از مددکاران

ترویجی که بومی‌منطقه بوده و به زبان محلی آشنایی دارند، به عنوان رابطهای آموزشی استفاده شود. همچنین، در رابطه با آموزش زنان روستایی، پیشنهاد می‌شود که از زنان تسهیل‌گر روستایی استفاده شود. با توجه به این که بیشتر پاسخگویان (۸۲) درصد متأهل بودند و مشکل نگهداری از کودکان را در زمان برگزاری دوره‌های آموزشی داشتند ، برگزاری کلاس‌های مهدکودک همزمان با برگزاری این دوره‌ها پیشنهاد می‌شود با توجه به یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش، به دلیل فرهنگ مردسالاری حاکم بر جوامع روستایی، مردان از مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، از جمله شرکت در دوره‌های آموزشی جلوگیری می‌کنند. بنابراین، فرهنگ‌سازی در جوامع روستایی از راه برگزاری نشست با مردان روستایی و سخنرانی در راستای تقویت ارزش برابری حقوق زنان و مردان می‌تواند در رفع این معضل مفید واقع شود. این نتیجه با نتایج سازمان برنامه و بودجه همسو می‌باشد که در این مطالعات به فرهنگ مردسالاری حاکم بر جوامع روستایی و ضرورت برقراری تساوی حقوق زنان و مردان تأکید شده است. بر اساس یافته‌ها، نامناسب بودن زمان برگزاری برنامه‌های آموزشی، یکی دیگر از مشکلات زنان روستایی برای شرکت در برنامه‌های آموزشی بود . لذا، توصیه می‌گردد که زمان برگزاری دوره‌های آموزشی، همزمان با فصل کشت و کار روستاییان نباشد. یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش نشان داد که با توجه به کمبود امکانات و منابع مالی، عدم صرفهٔ اقتصادی تولید در سطح خرد و عدم دسترسی به بازارهای خرید مواد اولیه و فروش تولیدات، امکان اشتغال زنان در زمینهٔ صنایع دستی در مناطق روستایی محدود می‌باشد. بنابراین، افزون بر آموزش، باید به فعالیت‌های جنبی اشتغال‌زایی نیز توجه شود. در این راستا، تشکیل تعاونی های زنان روستایی موجب ایجاد پایگاهی برای زنان می‌شود که از راه آن می‌توانند مسئولان را از نیازها و مشکلات خود آگاه نمایند. شرکت‌های تعاونی موجب استفادهٔ بهتری از توانایی‌های زنان روستایی و افزایش کمیت و کیفیت تولیدات شده و ضمن دادن وام‌های کم‌بهره به زنان روستایی و کمک به رفع نیازمندی‌های آنان، موجب توسعهٔ اقتصادی روستا و در نهایت، توسعهٔ پایدار می‌شود.

منابع

حیدری، ع.، برادران،م (۱۳۷۶). « بررسی به منظور شناخت برخی گرایش‌ها و خواست‌ها و تعیین زمینه‌های آموزشی مورد نیاز دختران روستایی» مجموعه مقالات سمینار توانا‌سازی دختران جوان روستایی در مشارکت‌های اجتماعی، کردستان.

حسینی نیا،غ (۱۳۷۸). « بررسی عوامل دموگرافیک مؤثر بر آموزش زنان روستایی» ، ماهنامهٔ علمی جهاد، ۲۲۵.

کوهساریان،ک.کلزایی،ص.، نظری،ن. (۱۳۷۶) "بررسی انواع آموزش‌های مطلوب و مناسب برای دختران جوان روستایی"، مجموعه مقالات سمینار توانا‌سازی دختران جوان روستایی در مشارکت‌های اجتماعی، کردستان: ۲۴۶-۲۸۰

محبوبی،م، (۱۳۷۶). « بررسی انواع آموزش‌های مطلوب و مناسب برای دختران روستایی» مجموعهٔ مقالات سمینار توانا‌سازی دختران جوان روستایی در مشارکت‌های اجتماعی- کردستان۱۲۸-۱۴۸.

میرزائی،م (۱۳۷۸). تحلیل اقتصادی بهره‌وری و دستمزدهای نیـروی کـار زنـان و مـردان در بخش کشاورزی" (مطالعهٔ موردی استان کرمان) پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز
معروفی، پ (۱۳۶۹). « تلاش‌های فراموش‌شـدهٔ زنـان در عرصـهٔ کشـاورزی» مجلـهٔ زیتـون، (۹۴): ۶-۸.

Banihashemi, F. (1993). Rural and Tribe Women Position in growth and development planning at Kohkiloyeh and Boyerahmad Province. Jahad Journal, No 165-166. pp 26-35. [Persian]

Rajika, B. & Frank, J. (1997). Rural Women in India: Assessment of Educational Constraints the need for new educational approaches. Journal of Research in Rural Education, winter, 1997. vol.13, no.3, 183-196

Okly, P. and Madsen, D. (1991). Rural Development Associative Approaches. Translated by Mansour Mahmud Nejad. Rural Research Center Publishing. Ministry of Jahad Sazandegi.[Persian Salmanzadeh, S. et al. (1994). Investigation of Agricultural Extension Theorization. Vol 1. Iranian Agricultural Extension System Authorization Committee. Tehran. Ministry of Jahad. Helpmeet of Humanity Extension and Assocaition.[Persian]

Soltani, S. (1991). Short report on Sistan & Baluchestan Women issues. Women Committee of Sistan & Baluchestan Provinces Center.[Persian]

Krejcie, Robert V., and Daryale W. Morgan (1970). Determining Sample Size for Research Activities. . Educational and Psychological Measurement, Vol. 30, No. 3, pp. 607-610.

چالش‌های پیش‌روی زنان متأهل به‌عنوان کارآموز در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و لزوم کسب مهارت‌های لازم برای اشتغال آنان

(مطالعهٔ موردی: زنان متأهل کارآموز در مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای کرمانشاه)

سهیلا شادفر[1]

چکیده

در این مقاله ضمن بررسی روند رو به رشد مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی در دهه‌های اخیر که از آن جمله می‌توان به حضور آنان در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای برای کسب مهارت به‌عنوان یکی از پیش‌زمینه‌های اشتغال اشاره کرد، به تأثیرات فرهنگ بومی، نقش محوری زن در خانواده، میزان علاقمندی و لزوم کسب مهارت توسط آنان برای ورود به بازارکار پرداخته می‌شود و سعی بر آن شده است در یک بررسی اجمالی انجام گرفته بر روی ۱۰۰زن متأهل به‌عنوان نمونهٔ آماری که مشغول به کسب مهارت در مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان کرمانشاه هستند در زمینه‌های بیان‌شده مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرند. پس از بررسی به‌عمل آمده یافته‌ها نشان از آن داشت که اکثریت آنها به مسئولیت‌هایی خود در خانواده و نیز به بعضی فرهنگ‌ها و باورهای نادرست اجتماعی و در مقابل، مشکلات و تعارض‌هایی که بعضی مقررات موجود در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان کارآموز برای آنان ایجاد می‌کند اشاره داشته‌اند. همچنین، در این مقاله سعی شده است که با توجه به شرایط محدودکنندهٔ ذکر شده برای زنان متأهل در فعالیت‌های اجتماعی خارج از خانه، خصوصاً لزوم مهارت‌آموزی و علاقمندی آنان برای ورود به بازار کار به بررسی راهکارهایی جهت ایجاد تغییراتی در مقررات حاکم بر این مراکز برای فراهم نمودن شرایط مساعد برای استفادهٔ آنان از آموزش‌های لازم و تسهیل ورود آنان به بازارکار پرداخته شود.

واژگان کلیدی: زنان متأهل، کسب مهارت، اشتغال، مقررات آموزشی، شرایط محدودکننده.

۱. مربی حق‌التدریس، مرکز شمارهٔ۳ خواهران، Email:S_shaadfar@yahoo.com

مقدمه

با گذشت سالیان متمادی از نگاه تبعیض‌آمیز به زن در گذشته و با توجه به تغییرات به‌وجود آمده در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعهٔ ایران که در طی سالیان گذشته و بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی به‌وقوع پیوسته است. بسیاری از الگوها و باورهای نادرست و نگاه سنتی به نقش زنان در اجتماع که در جامعه وجود دارد، نتوانسته خود را به‌طور کامل با تغییر این باورها و نگرش کلیدی به نقش زن وفق دهد، هنوز هم در جامعهٔ امروز زنان و بالاخص زنان متأهل برای برخورداری از امکانات آموزشی به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های لازم برای ورود آنان به بازار کار با مشکلات و موانعی روبه‌رو هستند که از شاخص‌ترین آنها می‌توان به باور غلط اجتماعی مرد به‌عنوان نان‌آور خانواده و زن به‌عنوان فردی که مسئولیت او بیشتر در خانه معنا پیدا می‌کند و همچنین عدم آزادی لازم و محدودیت‌های پیش‌روی آنان برای برخورداری از آموزش‌های لازم و... اشاره کرد. همچنین، از سوی دیگر، ادارات و مخصوصاً نهادهای آموزشی، کمتر به لزوم ایجاد تسهیلاتی برای استفادهٔ آسان از امکانات آموزشی و اشتغال زنان و تطابق آن با نقش محوری زن در خانواده و مسئولیت‌های بر دوش وی پرداخته‌اند. سلطهٔ فرهنگ‌های مردسالار بر برخی ساختارهای جامعهٔ ایران به محدود شدن زنان و نابرابری‌های جنسیتی در زمینهٔ اشتغال آنان و برخورداری آنان از دوره‌های آموزشی دامن زده است. در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای نیز با توجه به ساختارهای آموزشی موجود در آن که به نوعی از نظام آموزش و پرورش الگوبرداری شده است، عملاً استفادهٔ زنان متأهل را از امکانات آموزشی به کمترین حد ممکن رسانده است. از آنجایی که در نظام آموزش و پرورش دانش‌آموزان به‌صورت روزانه و مداوم از آموزش‌های لازم بهره‌می‌برند و البته این ساختار بر اساس فراغت بال دانش‌آموزان طراحی شده است که این الگوبرداری با نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای که گروه‌های هدف آن بیشتر دانشجویان، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و دیپلمه‌های جویای کار و... می‌باشند، باعث تضاد گردیده است و زنان و از جمله زنان متأهل نیز به‌عنوان بخشی از این زیرمجموعه در تعامل ارتباطی بین برخورداری از مهارت‌های آموزشی و سایر مسئولیت‌های آنان دچار نوعی تعارض در ایفای نقش‌های اجتماعی و خانوادگی آنها به نحو احسن گردیده است. که این تعارض باعث عدم استفادهٔ بسیاری از گروه‌های هدف به نحوهٔ صحیحی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و پیامد آن کاهش تقاضای نیروی انسانی متخصص، نابرابری‌های جنسیتی از لحاظ نرخ فعالیت و مشارکت، نسبت اشتغال، نرخ بیکاری و...گردیده است. پرسش اصلی در این مقاله این است که با گذشت سالیان متمادی از اجرای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران و عدم تطابق برخی قوانین موجود در آن، آیا زمان آن نرسیده است که این سازمان نیز مانند سایر سازمان‌های آموزشی، مانند آموزش و پرورش دست به ایجاد تغییراتی در عرصهٔ نظام آموزشی خود بزند، تا با حرکت به سمت آموزش‌های مبتنی بر در نظرگرفتن تمام محدودیت‌ها و خواست‌های گروه‌های هدف که زمینه‌ساز رشد و شکوفایی استعدادهای موجود، افزایش نیروی متخصص و آموزش‌دیده، اشتغال و مهم‌تر از آن به‌روزرسانی ساختار آموزشی سازمانی که متولی تربیت نیروهای کارآمد و متخصص در کشور می‌باشد، شود و با

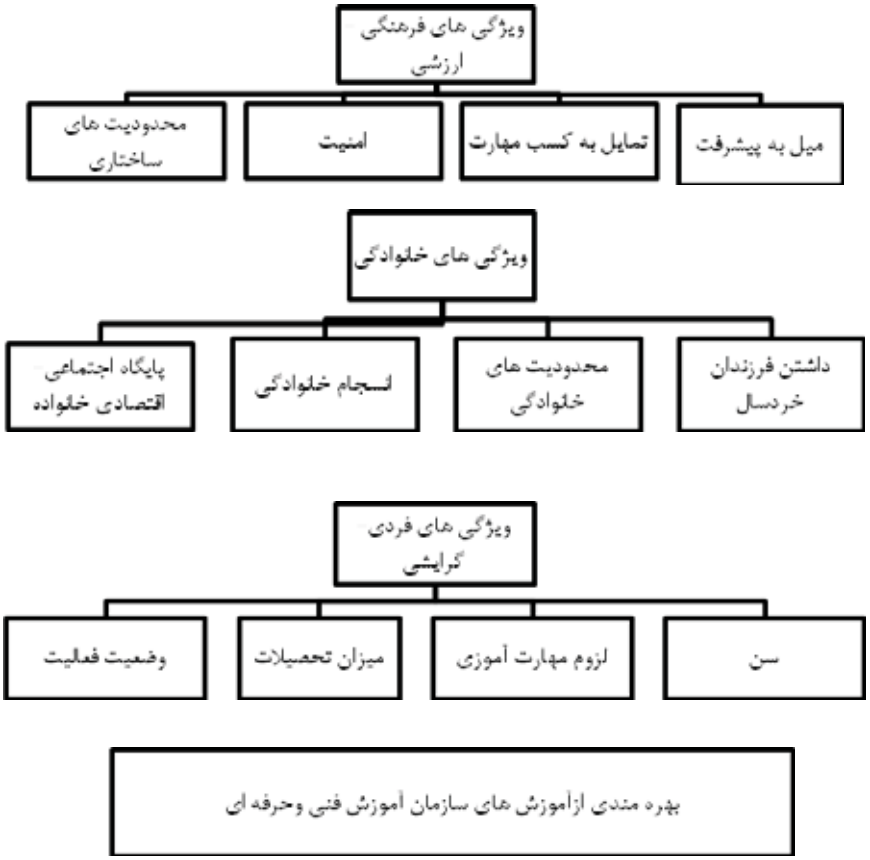
توجه به اینکه تجربهٔ دهه‌های اخیر در کشورهای درحال توسعه نشان می‌دهد که افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش زنان زمینهٔ لازم را برای رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر و رفاه اجتماعی بیشتر مهیا می‌سازد، در این مقاله با پژوهشی که بر روی یک جامعهٔ آماری صورت گرفته است، تمام محدودیت‌ها و موانع و تمایلات و نیازهای پیش‌روی آنان برای بهره‌مندی بیشتر آنان از آموزش‌های لازم، از زوایای مختلف مورد ارزیابی قرار داده شده است. در الگوی نظری این پژوهش، میزان بهره‌مندی زنان متأهل از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تحت تأثیر یک مجموعه از متغیرهای مستقل و زمینه‌ای، در گروه‌های جداگانه و در عین‌حال مرتبط در نظرگرفته شده است.

گروه اول در برگیرندهٔ ویژگی‌های فرهنگی– ارزشی زنان متأهل است و شامل متغیرهایی است که در میزان استفادهٔ آنان از آموزش‌های لازم تأثیرگذاراست. این متغیرها شامل اخلاق مدنی، عدالت‌جویی، محدودیت‌های خانوادگی، محدودیت‌های ساختاری، میل به پیشرفت، تمایل زنان متأهل به مشارکت اجتماعی، تمایل به مهارت‌آموزی، اشتغال و موانع و مشکلات پیش‌روی آنان و. . . می‌باشد.

گروه دوم متغیرها دربرگیرندهٔ ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اقتصادی زنان متأهل است که در تمایلات و خواست‌های وی در کسب مهارت و استفاده از آموزش‌های لازم تأثیرگذار است، این متغیرها شامل پایگاه اقتصادی – اجتماعی زنان متأهل، میزان پایبندی به سنت‌ها، نقش زن در خانواده، میزان انسجام و وابستگی خانوادگی و همچنین شامل فاکتورهای جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مانند سن، مدت ازدواج و . . . است که این فاکتورها تعیین‌کنندهٔ فرصت‌های رسیدن زنان متأهل به موفقیت و رضایت‌مندی در زندگی و همچنین عوامل تأثیرگذار در استفادهٔ بهینهٔ زنان متأهل از فرصت‌ها و وسایل نهادینه شدن رسیدن به اهداف شغلی می‌باشد، واضح است که تحقق رفتار مشارکتی از جمله سهم زنان در برخورداری از آموزش‌های لازم، تابع مواردی چون قانون، عرف، مکان، زمان و شرایط اقتصادی است که این موارد نیز می‌تواند نشان‌دهندهٔ محدودیت‌ها و موانع پیش‌روی آنها برای بهره‌مندی هرچه‌بهتر از آموزش‌های لازم و مهارت‌آموزی و استفاده از فرصت‌های شغلی باشد.

بر همین اساس، فرضیه‌های پژوهش در قالب مدل تحلیلی پژوهش مطابق نمودار شمارهٔ ۱ بر پایهٔ مهم‌ترین عوامل مؤثر در مهارت‌آموزی زنان متأهل ذکر گردیده است. همچنین، بر اساس همهٔ عوامل مرتبط با مهارت‌آموزی زنان و پیامد آن ورود به بازارکار در چهار گروه متغیر مستقل زیر طبقه‌بندی شده است:

- اینگونه به‌نظر می‌رسد که ویژگی‌های فرهنگی- ارزشی زنان متأهل با بهره‌مندی آنان از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ارتباط است.
- اینگونه به‌نظر می‌رسد که ویژگی‌های خانوادگی زنان متأهل با بهره‌مندی آنان از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ارتباط است.
- اینگونه به نظر می‌رسد که ویژگی‌های فردی -گرایشی زنان متأهل با بهره‌مندی آنان از آموزش‌های فنی و حرفه ای در ارتباط است.



روش‌شناسی

پژوهشی که این مقاله از آن بهره گرفته است، بر اساس بخشی از یافته‌های میدانی از نوع پژوهش‌های کاربردی می‌باشد که با روش پیمایشی انجام شده است. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات،پرسش‌نامه و جامعهٔ مورد بررسی ۱۰۰ زن متأهل در حال مهارت‌آموزی در مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای کرمانشاه می‌باشد. این زنان بین ۱۸ تا ۵۰ ساله و بیشتر ساکن کرمانشاه می‌باشند. پرسش‌نامه همراه با مصاحبه‌های انجام‌شده شامل ۲۸ متغیر در دو قالب متغیرهای مستقل و زمینه‌ای که در جداول۱ و۲ توضیحات آن آمده است، سبب تکمیل مدل تحلیلی پژوهش بر اساس نظریات و موقعیت این زنان متأهل گردیده است. متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، نسبت با سرپرست خانواده، میزان تحصیلات و... که ویژگی‌های ثابت و مشخصی هستند، به شناخت بیشتر متغیرهای مستقل می‌انجامد.

۱.متغیرهای مستقل و تعریف هر یک از آنها

ویژگی‌های فرهنگی - ارزشی	اخلاق مدنی	گرایش به جمع‌گرایی، نظم‌گرایی، مهارت‌آموزی، ارزش‌های عالی و ...
	نوپذیری	تغییر اولویت‌های زنان نسبت به نسل گذشته در امور ازدواج، کسب مهارت، اشتغال و ...
	عدالت‌جویی	باور به ضرورت تلاش برای رفع تبعیض بین زنان و مردان در جامعه
	نگرش جنسیتی	باور تغییر نگرش‌های سنتی و تقسیم کار جنسیتی در امور خانوادگی و اجتماعی
	اعتماد به دیگران	اطمینان خاطر نسبت به رفتار و عملکرد دیگران مانند مسئولان، مردم و ....
	امنیت در محیط‌های آموزش	داشتن احساس آرامش خاطر و امنیت در محیط‌های آموزشی
	امنیت در محیط خارج از محیط آموزشی هنگام رفت و آمد	داشتن احساس آرامش خاطر و امنیت در محیط خارج از مکان‌های آموزشی
	احساس تقید مذهبی	میزان اعتقاد و تقید به امور مذهبی
	محدودیت‌های خانوادگی	عواملی که از لحاظ اقتصادی، کاری و امور خانوادگی سبب محدودیت برای زنان می‌شود.
	محدودیت‌های ساختاری	عواملی که از لحاظ زمان و مکان و سایر محدودیت‌های قانونی در محیط‌های آموزشی سبب ایجاد محدودیت می‌شود.
	میل به پیشرفت	داشتن اشتیاق برای رشد و بهبود وضعیت تحصیلی و شغلی افراد
	خود اثربخشی	باور به لزوم تأثیر فعالیت فردی در رسیدن به نتایج مورد انتظار
	استفاده از وسایل ارتباط جمعی	استفاده از وسایل ارتباط جمعی مانند تلویزیون، رادیو، روزنامه، کامپیوتر و ...
	انسجام خانوادگی	میزان اهمیت داشتن نظر زنان در تصمیم‌گیری مهم خانوادگی مشورت و همکاری خانواده‌های آنها با یکدیگر
	لزوم مهارت‌آموزی	میزان اهمیت داشتن کسب مهارت به‌عنوان پیش‌شرط لازم برای اشتغال

۲.متغیرهای زمینه‌ای و تعریف هر یک از آنها

ویژگی‌های کلی	ویژگی‌های فردی، خانوادگی واقتصادی	سن	تقسیم‌بندی افراد بر اساس تعداد سال‌های زندگی هر مصاحبه‌شونده
		میزان تحصیلات	گروه‌بندی افراد بین دیپلم تا تحصیلات دانشگاهی
		سن ازدواج	تقسیم‌بندی افراد بر اساس تعداد سال‌های سپری‌شده از زمان ازدواج هر مصاحبه شونده
		محل سکونت	تقسیم‌بندی محل زندگی افراد بر اساس تعداد سال‌های سپری‌شده از زمان ازدواج هر مصاحبه‌شونده
		وضعیت تملک محل سکونت	تقسیم‌بندی محل زندگی افراد بر حسب شخصی، استیجاری، سازمانی و سایر
		مدت اقامت در محل سکونت فعلی	تعداد سال‌های سپری‌شده هر مصاحبه‌شونده در محل سکونت فعلی
		نسبت به سرپرست خانواده	تقسیم افراد برحسب گروه‌های سرپرست خانواده، همسر، فرزند، پدر و سایر بستگان سرپرست خانواده
		وضعیت فعالیت	تقسیم‌بندی افراد در گروه‌های شاغل، خانه‌دار، دارای درآمد بدون کار، دانشجو
		وضعیت شغلی	تقسیم‌بندی افراد در گروه‌های رئیس، کارمند (حقوق بگیر) بخش خصوصی، دولتی و ....
		گروه شغلی	تقسیم‌بندی افراد در گروه‌های مشاغل عالی، متوسط و پایین
		وضعیت اقتصادی – اجتماعی خانواده	تقسیم‌بندی افراد بر اساس در آمد سرپرست خانواده
		تعداد فرزندان	تعداد فرزندان هر مصاحبه‌شونده
		تعداد فرزندان زیر ۷ سال	مجموع تعداد فرزندان کمتر از ۷ سال هر مصاحبه‌شونده

یافته‌ها

با توجه به اطلاعات جمع‌آوری‌شده در زمینهٔ ویژگی‌های مهم زنان متأهل و چالش‌ها و محدودیت‌های پیش روی آنها در کسب مهارت در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای که پیامد آن بر روی بهره‌مندی آنها از آموزش‌های این سازمان و ورود آنان به به بازار کار تأثیر می‌گذارد، یافته‌های زیر که بیشترین تأثیر را دارد، ارائه می‌گردد.

سواد و تحصیلات

یکی از مهم‌ترین متغیرها که در طی این یافته‌ها به نظر می‌رسد در کسب مهارت توسط زنان متأهل تأثیرگذار است، میزان تحصیلات آنان می‌باشد. براساس یافته‌های پژوهش از میان

۱۰۰ زن متأهل پاسخگو ۵۷ نفر آنها دارای تحصیلات دانشگاهی و ۴۳ نفر باقیمانده دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر می‌باشند. بدین ترتیب، مجموع زنان با تحصیلات عالی ۵۷ درصد، تحصیلات متوسطه (متوسطه، پیش‌دانشگاهی و دیپلم) ۲۷ درصد و همچنین سطوح پایین تحصیلی (شامل راهنمایی و دبیرستان) ۱۶ درصد از جامعهٔ آماری را تشکیل داده‌اند.

وضعیت فعالیت

در جامعهٔ آماری مورد بررسی یافته‌های به‌دست آمده در مورد فعالیت زنان متأهل حاکی از آن داشت که در مجموع ۷۵ درصد از زنان متأهل کارآموز در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای به‌صورت فعال و ۲۵درصد از آنها نیز غیرفعال (شامل گروه‌های خانه‌دار و محصل) می‌باشند، که از میان زنان متأهل فعال نیز۱۲ درصد شاغل،۶۳ درصد نیز بیکار و جویای کار هستند.

وضعیت اقتصادی – اجتماعی خانواده

درطی یافته‌های به‌دست آمده وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی خانواده در اجتماع نیز به‌عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار درکسب مهارت توسط زنان متأهل کارآموز مورد توجه می‌باشد، از میان ۱۰۰ زن متأهل پاسخگو ۱۲ نفر دارای سطح درآمدی بالا و جایگاه اجتماعی بالا ازلحاظ طبقاتی و ۷۷ نفر دارای سطح درآمدی متوسط و جایگاه متوسط اجتماعی از لحاظ طبقاتی و ۱۱ نفر دارای سطح درآمدی پایین و جایگاه اجتماعی پایین از لحاظ طبقاتی می‌باشند، که به‌ترتیب ۱۲ درصد،۷۷ درصد و ۱۱درصد از جامعهٔ آماری را به خود اختصاص می‌دهند.

تعداد فرزندان زیر ۷ سال

یکی دیگر از مهم‌ترین متغیرها که در طی این یافته‌ها به نظر می‌رسد، در مراجعهٔ زنان متأهل به سازمان فنی و حرفه‌ای و استفادهٔ آنان از آموزش‌های لازم تأثیرگذار است. تعداد فرزندان و بالاخص تعداد فرزندان زیر ۷ سال آنان می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش از میان ۱۰۰ زن متأهل پاسخگو ۲۵ نفر (۲۵ درصد) آنها دارای فرزندان زیر ۷ سال و ۱۲ نفر (۱۲درصد) نیز دارای فرزندان بالای ۷سال می‌باشند و ۶۳ نفر (۶۳درصد) نیز بدون فرزند می‌باشند.

امنیت در محیط‌های آموزشی و خارج از محیط آموزشی

در طی پژوهش‌های انجام‌شده و مصاحبه با زنان متأهل کارآموز، یافته‌ها نشان از آن داشت که تمامی آنها (۱۰۰درصد) به نقش امنیت در محیط آموزشی و لزوم تفکیک جنسیتی در محیط آموزشی و ایجاد مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای ویژهٔ خواهران اشاره کرده‌اند.

محدودیت‌های خانوادگی

یکی از مهم‌ترین متغیرهای تاثیرگذار که در طی این یافته‌ها زنان متأهل کارآموز به آن اشاره داشته‌اند، محدودیت‌های خانوادگی و بعضی سنت‌های غلط قدیمی در میان برخی از خانواده‌های آنان می‌باشد. ۸ نفر از جامعهٔ آماری دارای خانواده‌های سنتی بودند که فعالیت زن را محدود به داخل خانه و کسب مهارت در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای را ازاولویت‌های پایین می‌دانستند و همچنین با مدت زمان طولانی و هر روزهٔ آموزش در مراکز آموزشی

موافق نبوده و۵۶ نفر نیز دارای ساختار خانوادگی بودند که کسب مهارت در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای را از اولویت‌های میانی در زندگی می‌دانستند و ۳۶ نفر نیز دارای ساختار خانوادگی بودند که کسب مهارت در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای را از اولویت‌های سطح بالا به‌عنوان پیش‌شرط لازم برای اشتغال می‌دانستند که به ترتیب ۸ درصد، ۵۶ درصد و ۳۶ درصد از جامعهٔ آماری را به خود اختصاص می‌دهند.

محدودیت‌های ساختاری

از دیگر متغیرهای تأثیرگذار که در طی این یافته‌ها زنان متأهل کارآموز به‌عنوان بزرگترین چالش پیش‌روی آنها به آن اشاره داشته‌اند، تعارض بین مدت زمان آموزش و مسئولیت‌های بر عهدهٔ آنان می‌باشد و خواستار تغییر در ساختار آموزشی موجود بودند. ۹۶نفر از جامعهٔ آماری از لحاظ خانوادگی با مدت‌زمان آموزش که به‌صورت مداوم می‌باشد، مشکل داشته و ۱۱نفر باقیمانده نیز به‌طور تقریبی با این ساختار مشکل داشته‌اند که درصد بالایی (۹۶ درصد) از جامعهٔ آماری با ساختار زمانی حاکم بزرگترین مشکل را داشتند که در جای خود تأمل‌برانگیز است.

میل به پیشرفت

بر اساس یافته‌های به‌دست آمده و مصاحبه با زنان متأهل کارآموز در جامعهٔ آماری۱۰۰ درصد آنها دارای اشتیاق برای کسب مهارت و استفاده از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بودند.

لزوم مهارت‌آموزی

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده و مصاحبه با زنان متأهل کارآموز، یافته‌ها نشان از آن داشت که ۹۴ نفر از آنها به لزوم کسب مهارت برای ورود به بازارکار و مثمر ثمربودن این آموزش‌ها اشاره داشته و ۶ نفر نیز به ارتباط بین کسب مهارت و اشتغال به دیدهٔ تردید می‌نگریستند که اختصاص گرفتن ۹۴ درصد از نظرات جامعهٔ آماری به لزوم مهارت‌آموزی نشان از اهمیت بالایی این متغیر دارد.

نتیجه‌گیری

با هدف پاسخگویی به پرسش‌های مطرح‌شده و با ارزیابی عوامل و مشکلات پیش‌روی زنان متأهل برای استفاده از آموزش‌های فنی حرفه‌ای و کسب مهارت‌های لازم و بررسی که بر روی جامعهٔ آماری انجام شد یافته‌های به‌دست آمده نشان از آن داشت که نسبت استفاده از آموزش‌های مهارتی در بین زنان متأهل تحصیل‌کرده نسبت به سایر گروه‌های تحصیلی بیشتر است که بازگوکنندهٔ محدودیت‌های کمتر و گرایش بیشتر زنان تحصیل‌کرده به آموزش‌های مهارتی در مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای است. همچنین، زنان متأهلی که جویای کار می‌باشند، به نسبت بیشتری خواستار استفاده از آموزش‌های لازم هستندکه نشان‌دهندهٔ آن می‌باشد که قشرتحصیل‌کرده جویای کار لزوم استفاده از کلاس‌های آموزشی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای را به‌عنوان پیش‌شرط اشتغال درک کرده و با حضور پررنگ‌تری در این مراکز ثبت‌نام می‌کنند و با توجه به وضعیت اقتصادی موجود در جامعه که اکثریت خانواده‌های جامعهٔ آماری نیز بر اساس یافته‌ها دارای سطح متوسط اقتصادی و اجتماعی می‌باشند و نیز خواهان ورود به بازار کار می‌باشند. همچنین، موانع و محدودیت‌های

خانوادگی از جمله داشتن فرزندان خردسال، عدم تعادل بین مدت زمان سپری شده در مراکز آموزشی و مسئولیت‌های به‌عهدهٔ آنان که یافته‌های این پژوهش نشان از پررنگ‌تر بودن متغیر محدودیت‌های ساختاری نیز داشت، لزوم ایجاد تغییراتی در ساختار آموزشی به وضوح ملموس و قابل مشاهده است، از آنجایی که تمام ساختارهای آموزشی در سایر ارگان‌ها در سال‌های اخیر برای انطباق بیشتر با خواست‌های گروه‌های هدف خود دچار تغییرات زیادی شده، اما در نظام آموزش فنی و حرفه ای که خود متولی دوره‌های مهارتی و آموزشی می‌باشد، هیچ‌گونه انطباقی با خواست‌ها و در نظرگرفتن شرایط زنان، مخصوصاً زنان متأهل، دانشجویان و ... دیده نمی‌شود. لذا، لزوم ایجاد تغییرات به سمت نظامی مبتنی بر در نظر گرفتن تمام فاکتورهای حمایتی احساس می‌شود. در این راستا می‌توان با مطالعه و کارشناسی و استفاده از سایر ساختارهای آموزشی چون ساختارهای دانشگاهی که به‌صورت واحدی و دارای ساعات مشخص آموزشی گسسته و خاص در هفته می‌باشد، تغییراتی بنیادین در این عرصه به‌وجود آورد.

منابع

رهنوردآهن، فرج الله؛ حسینی، نسرین (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان. فصل‌نامهٔ پژوهش زنان، دورهٔ اول، شمارهٔ ۷.

رادآورد، اعظم (۱۳۷۹). تحلیلی برنقش زنان در توسعه با تأکید براشتغال. نامهٔ علوم اجتماعی، شمارهٔ پانزدهم.

بمانیان، محمدرضا؛ رفعیعیان، مجتبی؛ ضابطیان، الهام (۱۳۸۸). سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری. فصل‌نامهٔ پژوهش زنان.

گلرد،پروانه (۱۳۸۶). زنان و کارآفرینی. سومین جشنوارهٔ زنان مدیرکارآفرین، تهران: دفتر بانوان وزارت کار، وزارت کشور و انجمن زنان مدیر کارآفرین.

معروفی، پروین؛ حمیدی، اسماعیل (۱۳۸۰). گامی به سوی توانمندسازی، راهنمایی استفاده از اعتبارات خرد برای راه‌اندازی فعالیت‌های کوچک درآمدزا. تهران: نشرتهران،چاپ اول.

شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱). توسعه و چالش‌های زنان ایران. تهران: نشر قطره.

جزئی، نسرین (۱۳۸۰). نگرشی برتحلیل جنسیتی در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). آیا می‌توان بین کار زن در خانه و کار بیرون آشتی برقرارکرد؟ مطالعات زنان، سال اول، شمارهٔ۲.

زنجانی زاده، هما؛ اعزازی، شهلا (۱۳۸۱). زنان و امنیت شهری. مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی مشهد، شمارهٔ ۳۴.

طالب، مهدی (۱۳۷۰). چگونگی انجام مطالعات اجتماعی، تهران. انتشارات امیرکبیر.

Banura,A.(1993)perceivedself-efficacy in cognitive Development and Functining,Educationnal Psychology,No.28,pp:114-148

Higgins,W.G.(1999)citizenship and Empowerment,oxford university press and community Development Journal,Vol.34No,PP:287-307

رویکردهای توانمندسازی زنان در حوزهٔ کارآفرینی با تأکید بر فناوری اطلاعات

رضا تاج آبادی[1]
محمد رحیمی[2]
سمیه شعبانی[3]

چکیده

هدف از ارائهٔ این مقاله بررسی توانمندی‌های زنان در کارآفرینی (با تأکید بر فناوری اطلاعات) می‌باشد. روش مطالعهٔ مقاله به صورت مروری می‌باشد. یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش درجهٔ توسعه‌یافتگی یک کشور میزان اهمیت و اعتباری است که زنان جامعه در زمینه‌های مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارا هستند. اشتغال زنان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعهٔ اقتصادی همواره ارزیابی و سنجش می‌شود و قالبی از برنامه‌ریزی‌های دورنگرانه کشورها است. رقابت میان کشورهای خاورمیانه در زمینه‌های مختلف، توسعهٔ اشتغال زنان را هدف می‌گیرد و جمهوری اسلامی ایران درصدد است که در افق ۱۴۰۴ بالاترین قله اهداف توسعه‌ای را فتح کند و طبیعتاً رشد اشتغال زنان نیز نسبت به سایر کشورهای منطقه مدنظر است. کارآفرینی به‌ویژه برای زنان نیاز به حمایت و پشتیبانی از سوی دولت‌ها دارد، زیرا در غیر این‌صورت فقط تعداد برگزیده‌ای که دارای ممارست و پیگیری مضاعفی هستند، می‌توانند از طریق کارآفرینی راهی برای حضور در بازار کسب و کار بیابند. کارشناسان اجتماعی بر این باورند که مشارکت روزافزون زنان در امور اجتماعی و اقتصادی باعث تقویت اعتماد به نفس، استقلال و افزایش توانمندی در تصمیم‌گیری و برخورد مناسب با رویدادها و حوادث زندگی می‌شود. افزایش خلاقیت، کارآیی و استقلال بیشتر، نتیجهٔ فعالیت زنان در مسئولیت‌پذیری‌های اجتماعی و اقتصادی است. کارآفرینی برای زنان می‌تواند منجر به تعامل اجتماعی، استقلال عمل بیشتر و در نهایت توانمندی آنها در عرصه‌های مختلف زندگی شود. مهم‌ترین ویژگی کارآفرینی برای زنان، افزایش توان مدیریتی در آنها است که شکل‌گیری این ویژگی در نهایت می‌تواند منجر به مسئولیت‌پذیری بیشتر در عرصه‌های مختلف زندگی شود. به‌طور یقین افزایش روحیهٔ کارآفرینی می‌تواند در نهایت منجر به افزایش توانمندی فرزندان شود که این روحیه در نسل‌های آتی، ادامه خواهد یافت. یکی از راهکارهایی که می‌توان زنان را در آن زمینه فعال کرد، رشته‌های مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات است. فناوری اطلاعات و ارتباطات به دلیل ایجاد تحولات چشمگیر در کلیهٔ فعالیت‌های اجتماعی از جمله کارآفرینی، به‌عنوان مهم‌ترین ابزار کارآفرینی مدرن مورد توجه قرار گرفته و کارآفرینی در فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز از سوی دیگر دارای پهنهٔ وسیعی برای فعالیت است. این فناوری با توجه به منافعی که برای زنان دارد، قادر است برخورد با بسیاری از چالش های رو در روی زنان کارآفرین را تسهیل کرده و قدرت کارآفرینی آنها را افزایش دهد. در این مقاله سطح توانمندسازی زنان در کارآفرینی و عوامل مؤثر بر آن (با تأکید بر کارآفرینی در فناوری اطلاعات) مورد بررسی قرارگرفته است.

واژگان کلیدی: مهارت‌آموزی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، کارآفرینی، زنان کارآفرین، اشتغال زنان.

---

۱. پژوهشگر وکارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی مجتمع آموزشی جهاد کشاورزی استان مرکزی،
Email:tajabadireza@yahoo.com

۲. کارشناس آموزشی مرکز آموزش شهید بابایی اراک.

۳ . لیسانس حسابداری ادارهٔ دادگستری شهرستان اراک.

مقدمــه

کارآفرینی در جهان امروز به سرعت درحال پیشرفت است، کارآفرینی زنان موضوع پرالتهاب کشورهاست. گزارش سال ۲۰۰۲ کارآفرینی جهان که توسط مرکز کارآفرینی کافمن منتشرشده است، تأکید می‌کند کارآفرینی زنان نقش برجسته‌ای در سلامت اقتصاد ملت‌ها دارد. ازطرف دیگر، تئوری‌های اجتماعی بیان می‌دارد ساختارهای اجتماعی، محیط کار، خانواده و زندگی اجتماعی ساختاریافته، برروی دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی تأثیر داشته و بر عملکرد آنان مؤثر می‌باشد. همچنین، تبعیض شغل و انتظارات در مورد نقش‌های خانواده می‌تواند زنان را در محیط‌های صنعتی محدود نماید. به‌علاوه برانگیزه‌ها، اهداف زنان و ریسک‌های مالی و تجاری آنها نیز تأثیر می‌گذارد. در حال حاضر، زنان در کشورما، به‌عنوان نیمی از جامعه نه تنها دیگر خانه نشین نیستند، بلکه متقاضیان مهارت‌دیده و دارای تحصیلات عالیه‌ای هستند که از این نظر بر مردان برتری یافته‌اند، به‌طوری که هم‌اینک بیش از ۶۰ درصد از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به محدودیت‌های سرمایه‌گذاری از سوی دولت، کارآفرینی، اگر نگوییم تنها راه پیش‌رو دست‌کم یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های معضل بیکاری زنان محسوب می‌شود. اما جامعهٔ ما با پذیرش این بینش که کار منزل برای زنان و کار بیرون برای مردان است و اولویت اشتغال برای مردان است، زیرا آنان نان‌آوران خانه هستند، نیمی از آحاد جامعه را از صحنه‌های اقتصادی کشور حذف نموده‌اند. لذا، زنان کشور ما، نیاز به الگوهایی دارند که آنان را در یافتن مسیر مناسب زندگی کاری یاری دهند. برای ارائهٔ چنین الگویی، توجه به عوامل فرهنگی جامعه با درنظرگرفتن جایگاه اصلی زنان در خانواده ضروری به‌نظرمی‌رسد.

تعریفی از کارآفرینی زنان

پروفسور لاوی‌دینا (۱۹۹۵)،زنان کارآفرین را اینچنین تعریف می‌نماید:"شخصی که به‌تنهایی، با مشارکت، یا ازطریق ارث کسب وکاری را ایجاد کرده و یا پذیرفته و یا قبول مسئولیت‌های اجتماعی و اداری و مالی، در ادارهٔ امور روزانه شرکت می‌جوید. شخصی که خطرات مالی را به‌منظور ورود به کسب و کاری می‌پذیرد و با خلاقیت و نوآوری محصولات جدیدی را ایجاد و تولیدات جدید را گسترش می‌دهد تا در بازار خرید و فروش بر رقبا غلبه یابد. "وضعیت کارآفرینی زنان در جهان بر اساس آخرین آمار مرکز جهانی کارآفرینی (GEM) از بین ۲/۴ میلیارد نیروی کار در جهان، مردان ۵۰ درصد، بیشتر از زنان درگیر امر کارآفرینی هستند. (۱۳/۹ درصد از مردان در مقایسه با فقط ۸/۹ درصد از زنان) این نسبت درکارآفرینی مبتنی بر فرصت برای مردان بیشتر است. (۹/۳درصد در مردان و ۴/۹درصد زنان) و در کارآفرینی مبتنی برضرورت تقریباً این نسبت برابر است. (۴/۲ درصد در مردان و ۳/۸ درصد در زنان) به هرحال، عموماً مردان دو برابر زنان درگیر فعالیت کارآفرینی می‌باشند، اما این موضوع در هر کشور با کشور دیگر تفاوت دارد. چنانچه در کشورهای در حال توسعه حضور زن و مرد در کارآفرینی، تقریباً برابر است مانند تایلند، چین، آفریقای جنوبی، مکزیک. اما درکشورهای اروپایی و کشورهای توسعه‌یافته این نسبت، ۳ به ۱است. از میان ۳۷ کشور در بررسی‌های

(GEM) کارآفرینی زنان در ژاپن از ۶ درصد (۶ از ۱۰۰۰) به ۱۸/۵ درصد (۱۸۵ در ۱۰۰۰) در تایلند متغیر است. با وجود آنکه تعداد زنان کارآفرین در جهان افزایش می‌یابد. اما سهم زنان در کارآفرینی، هنگامی‌که با نرخ مشارکت آنها مقایسه می‌شود، پایین است. به‌عنوان مثال، نسبت زنان کارآفرین تقریباً ۳۰ درصد تعداد کارآفرینان در دنیای غرب را تشکیل می‌دهند. با آنکه بیش از۴۰درصد از استخدام‌شدگان را زنان تشکیل می‌دهند. اما به هر صورت، کارآفرینی زنان در همهٔ جای جهان در حال گسترش است. مطالعات نشان داده است، کسب و کارهایی که مالکشان زنان هستند، بین یک چهارم تا یک سوم کسب و کارهای، اقتصاد رسمی را در جهان شامل می‌شود و احتمالاً نقش مهمی در بخش‌های رسمی اقتصاد، ایفاء می‌کنند.

صنعت فناوری اطلاعات

با گسترش روزافزون فناوری اطلاعات، هزینهٔ دستیابی به اطلاعات و خدمات بسیار کاهش می‌یابد. بنابراین، تقاضای مردم برای استفاده از اطلاعات در امور جاری زندگی و تصمیم‌گیری‌های جزئی و کلی زندگی افزایش می‌یابد. انتخاب مسکن، انتخاب همسر، انتخاب همکار، انتخاب مدرسهٔ فرزند، انتخاب پزشک خانواده، انتخاب محل خرید، انتخاب محل مسافرت و ... به‌صورت آگاهانه امکان‌پذیر خواهد بود. از آنجائیکه مردم خواستار موفقیت در انتخاب‌های خود هستند، ناچارند که به انتخاب‌های آگاهانه مراجعه کنند و حجم زیاد این نوع تقاضا باعث گسترش انواع مشاغل اطلاعاتی و خدماتی می‌گردد و در نتیجه صنعت اطلاعات توسعه خواهد یافت. با توجه به شکل جامعهٔ آینده که وابستگی زیادی به فناوری اطلاعات خواهد داشت، صنعت اطلاعات به‌عنوان بزرگترین صنعت در بطن جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است. صنعت اطلاعات نه تنها به خاطر ابعاد اشتغال‌زایی آن، بلکه به دلیل تأثیرگذاری آن بر ویژگی‌های رفتاری و فرهنگی جامعه نیز اهمیت دارد. مشاوره در زمینه‌های پزشکی، حقوقی، مسکن، ازدواج، کشاورزی، سیاسی، علمی و ... ، آموزش در کلیهٔ زمینه‌ها به‌صورت الکترونیکی، تهیه و ارائهٔ مطالب خبری، گزارش، سرگرمی و تحلیلی، مشاغل چون نقاشی، شعر و ... که جنبهٔ هنری دارند، انواع خدمات اطلاع‌رسانی، انواع خدمات پژوهشی و تحلیل‌گری، خدمات فروش و یا بازاریابی و ... نمونه‌هایی از مشاغل مرتبط با صنعت اطلاعات و خدمات می‌باشند. به دلیل گستردگی بازار خدمات و اطلاعات، نیاز به این صنعت نیز زیاد است و کشورهایی که استراتژی‌هایی برای استفاده از فرصت‌های داخلی و بین‌المللی داشته باشند، در این صنعت موفق خواهند بود.

فناوری اطلاعات در واقع، فناوری کار با اطلاعات است و به صنایعی که این فناوری را توسعه می‌دهند، صنعت فناوری اطلاعات گوییم. در اثر گسترش شتابان کاربردهای فناوری اطلاعات در جامعه و رونق صنعت اطلاعات، نیاز به فناوری اطلاعات نیز روندی صعودی پیدا کرده است. این روند تقاضای بسیار زیادی را برای صنعت فناوری اطلاعات ایجاد نموده است. کلیهٔ مشاغل تولیدی، خدماتی و پژوهشی در حوزه‌های سخت‌افزار، نرم‌افزار، هوش فناوری و مخابرات، میکروالکترونیک، نانوالکترونیک و... در حوزهٔ صنعت فناوری اطلاعات قرار می‌گیرند. مشاغل این صنعت به‌دلیل قرار داشتن در حوزهٔ فناوری‌های برتر از ارزش‌افزوده بالایی

برخوردارند و کشورهایی که از سال‌ها پیش در این صنعت قدم گذاشته‌اند، امروزه از منافع و بازار بزرگ آن سودهای سرشار می‌برند. برنامه‌نویس و طراح نرم‌افزار، پژوهشگر هوش فناوری، مهندس نرم‌افزار، مدیر سیستم و پایگاه داده، تحلیلگر شبکه و ارتباطات، مدیر اطلاعات رایانه، متخصص پشتیبانی از کامپیوتر، طراح سخت‌افزار، طراح وب، طراح سیستم‌های چندرسانه‌ای، طراح سوئیچ و سیستم‌های ارتباطی و ... نمونه‌هایی از مشاغل صنعت فناوری اطلاعات هستند. مجموعه شرکت‌های رایانه‌ای، الکترونیکی، اینترنتی، پارک‌ها و مراکز رشد فناوری اطلاعات و مراکز پژوهش و تحقیق و توسعهٔ فناوری اطلاعات که به تولید و خدمات در این عرصه مشغولند. این صنعت را شکل داده‌اند. بررسی وضعیت اشتغال زنان نشان می‌دهد، جمعیتی از زنان کشور در بخش غیررسمی با اندک دستمزد مشغول به‌کار هستند. طبق نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در زمستان سال گذشته، زنان فعال در عرصه‌های اقتصادی ۴۴/۵درصد در بخش خدمات، ۳۱/۱درصد در بخش صنعت و ۲۴/۴درصد در بخش کشاورزی به‌کار اشتغال دارند. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینهٔ کارآفرینی زنان به دلیل نوپایی مبحث، بسیار محدود است و از آنجا که حتی اشتغال زنان در ایران همواره با مسائلی مواجه است. کارآفرینی زنان نیز بالطبع با مسائلی متعدد در زمینه‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی مواجه است. ویژگی‌های شخصیتی و همچنین زمینه‌های اجتماعی از مهم‌ترین عوامل بروز کارآفرینی در میان زنان است. اعتماد به نفس زنان می‌تواند منشاء حضور فعال در عرصه‌های مختلف کسب و کار باشد. شکی نیست بخشی از زمینه‌های فردی کارآفرینی در مجموعهٔ ویژگی‌های فرد وجود دارد، اما بخشی دیگر می‌تواند از طریق نظام آموزشی مبتنی بر ایجاد خلاقیت و نوآوری در میان دانش‌آموزان، شکل بگیرد. ابعاد وسیع‌تر عدم مشارکت اقتصادی زنان، حاکمیت تفکری است که زنان و مردان را با توجه به جنسیت آنها به کارهای زنانه و مردانه تقسیم‌بندی می‌کنند. بنابراین، در بررسی مسائل اجتماعی مشاهده می‌کنیم، همواره جامعه موضوع تقسیم کار زن و مرد را به زنان تحمیل می‌کند بدون اینکه تعدیل بیشتری در عهده‌دار شدن وظایف اجتماعی زنان (نظیر مراقبت با کیفیت از کودکان) برعهده گیرد. شرایط اجتماعی در برخی موارد طوری تنظیم شده که اشتغال زنان را با دشواری همراه کرده است که از آن جمله عدم امنیت اجتماعی برای حضور زنان در برخی از مشاغل است. مقایسهٔ درآمدی نشان می‌دهد همواره دستمزد زنان در مقابل کار برابر، کمتر از مردان است و این موضوع نه تنها در کشورهای در حال توسعه، بلکه در کشورهای توسعه‌یافته نیز مشاهده می‌شود. فاصلهٔ دستمزد در ایران در حالی است که زنان شاغل همواره از تحصیلات بهتری نسبت به مردان برخوردار می‌باشند. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد، طی سال‌های اخیر اقدام‌های ارزشمندی در جهت بسط و توسعهٔ کارآفرینی در کشور شده و به‌طور یقین با توجه به اینکه تفکر کارآفرینی، کاری فرهنگی در ابعاد وسیع و گوناگون است، سال‌های طولانی نیاز است این باور در جامعه به‌ویژه برای کارآفرینی زنان به شکل هنجار در آید. برای انجام کارهای بزرگ نیاز به انسان‌های بزرگ و ارزشمندی است که از دشواری راه نهراسند و علی‌رغم دشواری‌ها همواره، به پیش روند. کارآفرینی به‌ویژه برای زنان نیاز به حمایت و پشتیبانی از سوی دولت‌ها دارد زیرا در غیر این‌صورت فقط تعداد برگزیده‌ای که دارای ممارست و پیگیری مضاعفی هستند، می‌توانند از طریق کارآفرینی راهی برای حضور در بازار

کسب و کار بیابند. کارشناسان اجتماعی بر این باورند مشارکت روزافزون زنان در امور اجتماعی و اقتصادی باعث تقویت اعتماد به نفس، استقلال و افزایش توانمندی در تصمیم‌گیری و برخورد مناسب با رویدادها و حوادث زندگی می‌شود. افزایش خلاقیت، کارآیی و استقلال بیشتر نتیجهٔ فعالیت زنان در مسئولیت‌پذیری‌های اجتماعی و اقتصادی است. کارآفرینی برای زنان می‌تواند منجر به تعامل اجتماعی، استقلال عمل بیشتر و در نهایت توانمندی آنها در عرصه‌های مختلف زندگی شود. مهم‌ترین ویژگی کارآفرینی برای زنان، افزایش توان مدیریتی در آنها است که شکل‌گیری این ویژگی در نهایت می‌تواند منجر به مسئولیت‌پذیری بیشتر در عرصه‌های مختلف زندگی شود. به‌طور یقین افزایش روحیهٔ کارآفرینی می‌تواند در نهایت منجر به افزایش توانمندی فرزندان شود که این روحیه در نسل‌های آتی، ادامه خواهد یافت. با توجه به نرخ ورود زنان به دانشگاه‌ها جذب این تعداد نیروی تحصیل‌کرده در سازمان‌های دولتی که بیشتر آنها با مازاد نیروی انسانی مواجه هستند، عملی نبوده و بخش خصوصی نیز با توجه به دامنهٔ محدود فعالیتش در ایران نتوانسته است در این زمینه موفقیت قابل توجهی به‌دست آورد. با توجه به دانش و مهارتی که زنان طی سال‌های اخیر فرا گرفته‌اند، امکان ایجاد کسب و کار به‌صورت فردی و یا گروهی در رشته‌های مختلف تخصصی را دارند، ایجاد تفکر کارآفرینی و ورود به کسب و کار در میان آنها باعث می‌شود تا بتوانند با بهره‌گیری از استعدادهای بالقوهٔ خود، افرادی خلاق، نوآور و خودباور شوند. یکی از راهکارهایی که می‌توان زنان را در آن زمینه فعال کرد، رشته‌های مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات است. فناوری اطلاعات و ارتباطات به دلیل ایجاد تحولات چشمگیر در کلیهٔ فعالیت‌های اجتماعی از جمله کارآفرینی، به‌عنوان مهم‌ترین ابزار کارآفرینی مدرن مورد توجه قرار گرفته و کارآفرینی در فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز از سوی دیگر، دارای پهنهٔ وسیعی برای فعالیت است. این فناوری با توجه به منافعی که برای زنان دارد، قادر است برخورد با بسیاری از چالش‌های رو در روی زنان کارآفرین را تسهیل کرده و قدرت کارآفرینی آنها را افزایش دهد. در گزارش سال ۲۰۰۲ مرکز کارآفرینی کافمن تأکید شده است، کارآفرینی زنان نقش برجسته‌ای در سلامت اقتصاد ملت‌ها دارد. براساس تحقیق مقایسه‌ای دیگر در مورد فعالیت کارآفرینی بین زنان و مردان در ۳۷ کشور جهان مشخص شد ویژگی‌های خاص هر کشور، نرخ رواج کارآفرینی را در میان زنان و مردان آن کشور تعیین می‌کند، به نحوی که مشارکت زنان در کارآفرینی از میزان ۰/۶ در هزار در ژاپن تا ۸/۵ در هزار در تایلند متغیر است.

نقش حمایت‌های دولت در گسترش کارآفرینی در میان زنان

زنان برای کسب استقلال مالی و به‌کارگیری استعداد و توان خود، به نحو فزاینده‌ای وارد بازار کار می شوند. بخشی از زنان فعال ترجیح می‌دهند که به‌طور مستقل کار کنند و با پذیرش مشکلات و نااطمینانی‌های فضای کسب و کار به ایجاد واحد اقتصادی دست می‌زنند. (مسجدیان، ۱۳۷۱، ص ۱۱۷). شمار زنان کارآفرین در دهه‌های اخیر رو به فزونی داشته است، ولی هنوز زنان سهم کوچکی در کل کارآفرینان کشورهای مختلف را به خود اختصاص می‌دهند، در حالی که خلاقیت و توان کارآفرینی زنان نهاده تولیدی ارزشمندی در جهت

تسریع آهنگ رشد اقتصادی و خلق فرصت‌های شغلی جدید است. (بارتو، ۱۹۸۹) هر چند خودباوری، ریسک‌پذیری، انگیزهٔ پیشرفت، خلاقیت و ... از ویژگی‌های زنان کارآفرین است و انتظار می‌رود که این گروه با وجود مشکلات محیطی، موانع فعالیت را از سر راه بردارند، ولی گروهی از کارشناسان حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت را عامل مهمی در موفقیت زنان کارآفرین در کشورهای صنعتی و در حال توسعه می‌دانند. (فارل، ۱۹۹۴). برخی معتقدند که برای ارتقاء توانمندی زنان، دولت باید کمبود نقدینگی و سرمایهٔ زنان کارآفرین را مورد توجه قرار دهند و به نحو مقتضی این مشکل را حل کنند. (سفیری، ۱۳۷۷)

بسیاری از کارشناسان بر لزوم اجرای برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای دولت برای قابلیت کارآفرینی در میان زنان و هدایت آنان در مسیر کارافرینی تأکید به عمل آورده‌اند. (احمدپور، ۱۳۷۹) ولی گروهی از کارشناسان معتقدند که حمایت‌های مستقیم دولت به صورت کمک‌های مالی به صورت وام‌های کم‌بهره و بلندمدت، برای توسعهٔ کارآفرینی در میان زنان ضروری است (هاشمی، ۱۳۸۳). برخی نیز معتقدند که نقش دولت برای توسعهٔ کارآفرینی به حمایت‌های مالی محدود نمی‌شود و اجرای همزمان سیاست‌های مناسب آموزشی و فرهنگی، اصلاح و تسهیل قوانین مرتبط با کسب و کار، برای پرورش و حضور نیروهای کارآفرین ضروری است. (صابر،۱۳۸۱) مطالعات تجربی نشان می‌دهد که وام‌های دولتی با نرخ‌های بهرهٔ ارزان یا سبب شکل‌گیری شرکت‌های صوری می‌گردد که در عمل وجود خارجی ندارند و یا به تأسیس شرکت‌های ضعیفی منجر می‌شوند که عموماً قادر به ادامهٔ کار نیستند. به علاوه پرداخت وام‌های کم‌بهره و با اقساط بلندمدت و تأمین تسهیلات بیمهٔ سرمایه‌گذاری و... از سوی دولت، بدون تلاش در جهت ارتقاء آگاهی عمومی نسبت به استعداد و توانمندی زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی، در بسیاری موارد به هدر دادن منابع است. (کاگاتای، ۱۹۹۵).

از آنجا که یکی از مهم‌ترین مشکلات شرکت‌های کوچک و متوسط، مدیریت مالی مناسب است، کمک‌های مالی دولت مانع از آن است که این‌گونه شرکت‌ها با مشکلات مدیریت مالی در شرکت به درستی مقابله کنند. کمک‌های مالی دولت حتی ممکن است مشکل مدیریت مالی ضعیف را تشدید کند. (افشار،۱۹۹۲)

وام‌های دولتی و معافیت‌های مالیاتی قادر نیست که عدم کارایی شرکت‌ها را جبران کند. زمانی که دولت با کمک‌های مالی و معافیت‌های مالیاتی زنان را به تأسیس واحدهای جدید تشویق می‌کند، در عمل بسیاری از شرکت‌های خصوصی را به سازمان‌های رانت‌جو مبدل می‌کند. (کبیر ، ۱۹۹۹).

ویژگی‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در کارآفرینی

فناوری اطلاعات و ارتباطات با برخورداری از ویژگی‌ها و قابلیت‌های مختلف توانسته است انعطاف‌پذیری شایان توجهی را در زمینهٔ کارآفرینی از خود نشان دهد. همین ویژگی‌ها سبب افزایش کارآیی این فناوری در امر کارآفرینی و ایجاد اشتغال شده‌اند. در یک نگاه کلی می‌توان برخی از این ویژگی‌ها را به شرح زیر برشمرد:

افزایش سرعت: محاسبه و پردازش سریع اطلاعات و انتقال فوری آن، زمان انجام کار را کاهش و در نتیجه بهره‌وری را افزایش می‌دهد. فناوری اطلاعات امکان جستجو و دستیابی سریع به اطلاعات را فراهم می‌کند.

افزایش دقت: در مشاغل مبتنی بر انسان، دقت انجام کار متغیر است، در حالی که فناوری اطلاعات دقتی بالا و ثابت را تأمین و تضمین می‌کند. در انواع فعالیت‌های پردازشی و محاسباتی، دقت کامپیوتر به مراتب بیشتر از انسان است.

کاهش اندازهٔ فیزیکی مخازن اطلاعات: با توسعهٔ فناوری اطلاعات و به‌کارگیری آن دیگر لزومی به حمل و نگهداری حجم زیادی از کتاب‌های مرجع تخصصی وجود ندارد و به راحتی می‌توان در هر دیسک فشرده اطلاعات چندین کتاب را ذخیره نمود.

رفع برخی از فسادهای اداری: استفاده از فناوری اطلاعات شفافیت در انجام کارها را افزایش می‌دهد و بسیاری از واسطه‌ها را حذف می‌کند. این دو مزیت کلیدی منجر به رفع برخی از فسادهای اداری خصوصاً در سطوح پایین می‌شود.

ایجاد امکان کار تمام‌وقت: به کمک فناوری اطلاعات بسیاری از استعلام‌ها و مراجعات افراد و غیره از طریق شبکه‌های کامپیوتری و به صورت خودکار انجام می‌گیرد و می‌توان به صورت شبانه‌روزی از آن بهره گرفت.

ایجاد امکان همکاری از راه دور: مخابرات، تلفن، تله کنفرانس، ویدئو کنفرانس و همچنین سیستم‌های همکاری مشترک، مبادلهٔ الکترونیکی داده‌ها و غیره، نمونه‌هایی از کاربردهای فناوری اطلاعات در این زمینه هستند.

کاهش هزینه‌های سیستم یا سازمان: با توجه به موارد فوق به‌خصوص افزایش سرعت که باعث انجام تعداد کار بیشتر می‌شود و انجام کار تمام‌وقت، بهره‌وری سیستم افزایش می‌یابد و در نتیجه باعث کاهش مقدار زیادی از هزینه‌ها می‌گردد. (اخوان صراف، ۱۳۸۷) با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد فناوری اطلاعات و ارتباطات قادر است بسیاری از چالش‌هایی که افراد کارآفرین و از جمله زنان با آن مواجه هستند را کاهش داده و بسیاری از محدودیت‌ها را برطرف نماید. این موضوع در مورد زنان به ویژه هنگامی اهمیت خود را بیشتر نشان خواهد داد که به این نکته توجه نماییم که فناوری اطلاعات و ارتباطات فراهم آورندهٔ منافع منحصر به فرد برای زنان در زمینه‌هایی همچون افزایش دست‌یابی به شغل‌ها و فعالیت‌های درآمدزا، افزایش فرصت‌هایی جدید برای استخدام، افزایش دسترسی به اطلاعات و توسعهٔ فرصت‌هایی برای ارتباطات می‌باشد. این منافع به نوبهٔ خود منجر به توانمندسازی زنان در مقابل عوامل منزوی‌کننده و محدودکنندهٔ پویایی آنان شده و می‌توانند به زنان کارآفرین برای ایجاد کسب و کاری کارآتر و رقابتی‌تر کمک نمایند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات و کارآفرینی زنان

جامعه‌ای که حول محور اطلاعات به وجود آمده، باعث برقراری آزادی انتخاب در هر چیزی شده است. عدم دسترسی زنان به منابع چهارگانهٔ ثروت، منزلت، اطلاعات و قدرت در همهٔ عرصه‌های تاریخ آشکار است. این در حالی است که برخی از محققان معتقدند که فناوری

اطلاعات و ارتباطات از لحاظ جنسیتی بی‌طرف دراستفاده زنان و مردان از کامپیوتر در کشورهای مختلف است و زنان و مردان باید به طور عادلانه از آن منتفع شوند.با وجود این،نتایج یک تحقیق بر مبنای شش مطالعه موردی از پروژه‌های ترویج فناوری اطلاعات و ارتباطات در آسیا و آفریقا و آمریکای شمالی این فرضیه را تأیید می‌کند که زنان به نحو برابر از این پروژه‌ها منتفع نیستند. همچنین، براساس تحقیقی که در میان ده کشور اروپایی صورت گرفته، درصد زنان و مردانی که از کامپیوتر استفاده نموده‌اند مورد بررسی قرار گرفته و نتایجی به‌دست آمده که یافته‌های تحقیق قبلی را تأیید می‌نماید. در تحقیقی دیگر که در بین چهار کشور اروپایی صورت گرفته، درصد کاربران زن اینترنتی به‌عنوان درصدکلی کاربران اینترنت محاسبه شده است. نتایج حاصل از این‌گونه تحقیقات نشان می‌دهد که زنان همچنان خود را در مشاغل با سطوح پایین‌تری درصد زنان استفاده‌کننده از اینترنت در تعدادی از کشورهای اروپایی عرصهٔ فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌یابند، در حالی که مردان با قبول مشاغل پرمسئولیت‌تر دستمزدهای بالاتری دریافت می‌کنند. کسب آمار استفادهٔ موفق زنان از اینترنت در کشورهای در حال توسعه بسیار دشوار است، هرچند واضح است که تعداد این زنان بسیار کم و توزیعشان محدود است. تقریباً در همهٔ کشورهای در حال توسعه، اکثر کاربران زن اینترنت نمایندهٔ کل زنان کشورشان نیستند، بلکه جزو نخبگان و اقلیت‌ها هستند. برحسب آمار منطقه‌ای، زنان تنها شش درصد کاربران اینترنت را در خاورمیانه تشکیل می‌دهند. ریشهٔ این مشکل در این کشورها علاوه بر مباحث فرهنگی، به این موضوع برمی‌گردد که عدهٔ زیادی مسائل جنسیت و فناوری اطلاعات را نادیده می‌گیرند، تنها با این توجیه که توسعه باید در ابتدا به مسائل ضروری توجه کند. (اخوان صراف،۱۳۸۷) طبق نظر گروهی از محققان، لازمهٔ کارآفرینی موفق زنان، دسترسی کافی به پنج منبع عمده به شرح زیر است:

۱. اطلاعات: زنان نیاز دارند که دسترسی مناسبی به آموزش و مشاوره داشته باشند.

۲. سرمایه: دسترسی به سرمایه و تأمین مالی یکی از مهم‌ترین مباحث کسب و کار زنان کارآفرین است. زنان علاوه بر مواجهه با کمبودهای آموزشی، اغلب با موانع عمومی برای تأمین مالی نیز مواجه هستند.

۳. بازار: زنان باید دسترسی مناسبی به راه‌های موجود برای سهیم شدن در اطلاعات بازار داشته باشند.

۴. شبکه‌ها: زنان باید دسترسی کاملی به شبکه‌های کسب و کار همچون انجمن‌های عمومی کسب و کار و یا صنایع خاص داشته باشند.

۵. اعتبار: زنان باید بتوانند به‌طور جدی به عنوان مالکان کسب و کار رفتار کنند. در این صورت است که زنان کارآفرین می‌توانند به عنوان نیروی محرکه‌ای برای رشد اقتصادی کشور باشند. (اخوان صراف،۱۳۸۷)

با توجه به دیدگاه فوق می‌توان منافعی که فناوری اطلاعات و ارتباطات برای توسعهٔ کارآفرینی زنان دارد را به شرح زیر بیان نمود: ۱. توسعهٔ دستیابی زنان به بازارها و افزایش دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی که از طریق تجارت الکترونیکی صورت می‌گیرد. خرید و فروش و تبادل هرگونه کالا، خدمات و یا اطلاعات از طریق شبکه‌های رایانه‌ای یا

انجام مبادلات تجاری در قالب الکترونیکی، از تعاریفی است که برای تجارت الکترونیکی شده است (کانینگهام، ۳۸۳۱).

۱. تسهیل توانایی زنان در تعادل بین کار و خانواده که از طریق ایجاد انعطاف‌پذیری بیشتر در زمینهٔ انجام وظایف شغلی و انجام بعضی از کارها در خانه صورت می‌گیرد.

۲. افزایش میزان و سرعت دسترسی به اطلاعات و شبکه‌ها از منافع اصلی فناوری اطلاعات و ارتباطات برای کارآفرینی زنان است. زنان می‌توانند از طریق آموزش الکترونیکی در هر زمان و مکان، آموزش‌های لازم در مورد کسب و کار مورد نظر خود را به دست آورند، با نتایج کارها و روش‌هایی که در دیگر کشورها در مورد این کسب و کار صورت گرفته آشنا شوند و با مشکلاتی که دیگر زنان کارآفرین در کشورهای دیگر با آن مواجه هستند آشنا شده و راه حل‌هایی که آنها برای حل این مشکلات به‌کار می‌برند را بشناسند و حتی می‌توانند از طریق اینترنت با مراکز مشاوره در اقصی نقاط دنیا ارتباط برقرار کرده و از خدمات آنها بهره‌مند گردند. (اخوان صراف، ۱۳۸۷)

۳. کاهش هزینه‌های مبادلهٔ محصولات و معاملات کسب و کار که با استفاده از تجارت الکترونیکی صورت می‌پذیرد.

۴. بهبود توانایی زنان در راه‌اندازی کسب و کارهای جدید با استفاده از فناوری‌های نو و ابزارهای قدرتمند که منجر به ترویج کارآفرینی زنان در اجتماع می‌شود.

۵. ارتقاء وسعت دید مالکان زن کسب و کار در اجتماع گستردهٔ کسب و کار نیز منفعت دیگر فناوری اطلاعات و ارتباطات برای کارآفرینی می‌باشد.

زنان خوداشتغال و کارآفرین

اجلاس مطالعاتی زنان و مشاغل خانگی (Soho)، طی روزهای ۱۰-۷ اکتبر ۳۰۰۲ توسط سازمان بهره‌وری آسیایی (Apo) در کرهٔ جنوبی برگزارشد. در این دوره نمایندگان کشورهای ژاپن، کره جنوبی، چین، تایلند، ویتنام، مغولستان، مالزی، سریلانکا، فیلیپین، پاکستان، نپال، بنگلادش، فیجی، هندوستان، اندونزی و ایران شرکت داشتند. گزارش ذیل خلاصه‌ای از مقالاتی است که توسط نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس ارائه‌شده بود. با توجه به تغییرات در سهم دانش و تجارب زنان کارآفرین و همچنین پیشرفت سریع فناوری اطلاعات IT و اینترنت و تغییرات نوع زندگی، جذب آنها در دفاتر کوچک - دفاتر خانگی soho به‌ویژه در نواحی شهری یک روش تازه و جدید است و در بین زنان کارآفرین می‌تواند عمومیت پیدا کند. دلایل مشاغل را بیان می‌کند، نظیر سرمایه‌گذاری کم، استفاده از استاندارد و دسترسی متداول به ابزار IT و قابلیت‌های بی‌نظیر ارتباطات اینترنت و صفحات WEB، مهمتر از آن مشاغل soho فرصت‌های شغلی آزاد را به زنان پیشنهاد می‌دهد، توسعهٔ این مشاغل برای زنان آنها را از ساختار موجود کار و شغل که به‌صورت سلسله‌مراتب بوده و اغلب پایه‌گذاری آن به ترتیبی است که در تسلط مردان قرار دارد، دور می‌سازد. در عین حال، مشاغل soho زنان را به سمت فرصت‌های شغلی مناسب هدایت می‌کند تا بتوانند استعدادهای کارآفرینی خود را بروز دهند. (گل محمدی، ۱۳۸۲)

از بعد اقتصادی نیز قوانین IT به عنوان ابزاری در جهت پیشرفت مشاغل SOHO مورد تأکید قرار گرفته و توصیه‌ها نشان‌دهندهٔ مساعدت با کارآفرینان برای افزایش رقابت‌جویی در بازارهای محلی و جهانی از طریق تمرکز بر توسعهٔ تولید، کارآفرینی و آموزش است. بر این اساس، اهمیت SOHO عنوان یکی از روش‌های کاری و مهم به‌ویژه برای توسعهٔ مشاغل و کارآفرینی زنان در میان کشورهای ژاپن، کره، مالزی، فیلیپین، هندوستان، اندونزی، بنگلادش، چین، نپال، پاکستان، سریلانکا، ویتنام و تایلند مورد توجه قرار گرفته است. (گل‌محمدی، ۱۳۸۲)

در تعریف soho و صنایع کوچک خانگی می‌توان گفت کسب و کاری است که برای بیکاران در محل سکونتشان ایجاد درآمد می‌کند، بدون آنکه نیازی به ایجاد یک دفتر در بیرون از منزل باشد. نکتهٔ قابل توجه در مشاغل soho استفاده از یک شبکهٔ کامپیوتری، است. soho soho کسب و کار خانگی هر دو دارای مفهوم یکسانی هستند.

اطلاعات و آمار موجود در خصوص کسب و کارهای کوچک، نشان‌دهندهٔ آن است که ۷۹ درصد از فعالیت‌های موجود در آمریکا در زمرهٔ کسب و کارهای کوچک طبقه‌بندی شده است. در کشور کره نیز ۷۹ درصد از کسب و کارها به عنوان مشاغل کوچک و ۸/۸۸ درصد به عنوان بنگاه‌های خرد طبقه‌بندی شده‌اند. بنگاه‌های خرد به‌عنوان فعالیتی با کمتر از ۰۱ نفر شاغل در کارخانه‌های صنعتی و کمتر از ۵ شاغل در صنایع خرد و خدماتی تعریف شده‌اند. اهمیت و ارزش کسب و کارهای کوچک و خرد در کره به حدی است که ۷۹ درصد از کل تمام بخش‌های صنعتی و ۷/۲۶ درصد از کل شاغلین را در برمی‌گیرد، به ویژه از سال ۱۹۹۷ که کشور یادشده دچار رکورد شده و نرخ بیکاری جوانان و بازنشستگی زودرس در آن رو به افزایش است. در نتیجه، تمامی توجه افرادی که منابع اصلی خود را از دست داده‌اند، به سمت کسب و کارهای کوچک معطوف شده است. به لحاظ آنکه کسب و کارهای خانگی، با میزان سرمایه‌گذاری کم و نیروی انسانی محدود قابل راه‌اندازی است، کارآفرینان در کشور کره گرایش زیادی به این نوع مشاغل دارند. (گل محمدی،۱۳۸۲) در سال ۱۰۰۲ بیش از ۴۲ میلیون کسب و کار خانگی در ایالات متحده آمریکا وجود داشته است. مطالعات نشان می‌دهد که ۹۶درصد تمامی کسب و کارهای جدید در محل سکونت مالکین انجام می‌گیرد. در سال ۲۰۰۲ نیز تعداد کسب و کارهای خانگی در این کشور به ۷۳ میلیون رسیده است.

کسب و کارهای خانگی در این کشور برای ۵/۳ میلیون نفر کارهای تمام‌وقت و پاره‌وقت فراهم کرده است. زنان کره‌ای /۳ ۶۳ درصد، از تعداد کل کسب و کارها را در بخش رسمی اقتصاد به خود اختصاص داده‌اند. حضور زنان در مشاغلی نظیر رستوران‌ها، هتل‌ها ۴/۴۶ درصد، خدمات آموزشی ۸/۴۵ درصد، اتحادیه‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی‌ها ۷/۴۳ درصد می‌باشد. زنان فعالیت‌های خود را در بخش‌های غیررسمی مانند تولید اجناس و صنایع ساختمان نیز گسترش داده‌اند. به دلیل رشد کامپوترهای خانگی، و نمابرها و دسترسی به اینترنت با سرعت بالا بیشتر افراد در خانه‌هایشان کار می‌کنند. کارآفرینان زن از ایجاد کسب و کارهای خانگی نه تنها برای مناسب‌تر شدن روش زندگیشان بهرهٔ بسیاری برده‌اند، بلکه در دنیای کارآفرینان مستقل نیز حضور یافته‌اند. چنانچه بر اساس گزارش آماری یک سازمان مشاوره‌ای کسب و کار ملی، حدود ۷۴ درصد از متقضایان مشاوره و یا داوطلبان ورود به

کارگاه‌های کسب و کار، زنان هستند. (گل محمدی، ۱۳۸۲) در حال حاضر، ژاپن در حدود ۲ میلیون مشاغل کوچک با کمتر از ۱۰ نفر شاغل، حدود ۵۱/۳ میلیون خوداشتغال و مدیران شخصی با کمتر از ۱۰ نفر شاغل و در حدود ۳۰۰ هزار کسب و کار کوچک در صنعت IT به مشاغل سوهو اختصاص دارد. در مالزی نیز حدود ۰۰۰/۰۴۳ زن کار آفرین وجود دارد که ۳۱٪از کارگاه‌های کوچک و متوسط SME در اختیار آنان قرار دارد. این نرخ در مقابل کشورهایی چون اندونزی (۰۳٪)، کره و فیلیپین (۴۳٪) نسبتاً پایین است. فعالیت زنان کارآفرین مالزی در مشاغل تولیدی ۱/۵۱ درصد، خدمات مشاوره ۳۱ درصد، خدمات ۸/۰۱ درصد، تجارت ۳/۰۱ درصد، مد لباس ۲/۹ درصد و غیره ۶/۱۴ درصد است. اگرچه SOHO یک روش نو در مالزی است، لیکن برای زنان که مالکیت مشاغل SOHO زنان را به سمت فرصت‌های شغلی مناسب هدایت می‌کند تا بتوانند استعدادهای کارآفرینی خود را بروز دهند.

مشاغل برتر جهان در حوزهٔ فناوری اطلاعات برای زنان

عصر ارتباطات مشاغل جدیدی را ایجاد کرده و می‌کند که درآمد و سطح رضایتمندی بالایی را برای متخصصان این حرفه‌ها به ارمغان آورده است. به‌ویژه، در شرایطی که زمانی زنان از دستمزدهای به مراتب پایین‌تری نسبت به مردان برخوردار بودند. امروز بازار فناوری ارتباطات و اطلاعات این فرصت را به آنها داده است تا با کسب مهارت‌های جدید به درآمدهایی تقریباً همسطح مردان دست یابند. مجلهٔ آمریکایی «پول» (Money) همانند سال‌های گذشته امسال نیز فهرستی از ۲۵شغل برتر را منتشر کرد. در طبقه‌بندی «برترین مشاغل۲۰۱۲» (Best Jobs of ۲۰۱۲)، مجلهٔ «پول» پس از انتخاب ۲۵ شغل برتر سال، روند رشد این مشاغل را تا سال۲۰۲۰ پیش‌بینی کرده است. این رده‌بندی براساس مجموع امتیازهای به‌دست آمده از حقوق متوسط، پیش‌بینی چشم‌انداز شغل در آینده و میزان رضایت شغلی انجام شده است. از ۲۵ شغلی که به‌عنوان مشاغل برتر سال۲۰۱۲ در این فهرست برگزیده شده اند، ۵ شغل در حوزهٔ فناوری ارتباطات و اطلاعات قرار دارند. (عربشاهی، ۱۳۹۱)

سازندهٔ نرم‌افزار (Software Developer): این شغل با کسب امتیاز۷,۶ توانسته است در رتبهٔ دوم ۲۵ شغل برتر سال ۲۰۱۲ در آمریکا قرار گیرد. توسعه‌دهندهٔ نرم‌افزار به فردی اطلاق می‌شود که وظیفهٔ طراحی، ساخت، آزمایش و حفظ نرم‌افزار را به‌عهده دارد. «ادارهٔ آمار کار»، نهاد وابسته به وزارت کار آمریکا، رشد ۲۷,۶ درصدی برابر با ۱۴۳ هزار و ۸۰۰ فرصت شغلی جدید را تا سال ۲۰۲۰ برای این حرفه پیش‌بینی کرده است. حقوق متوسط یک توسعه‌دهندهٔ نرم‌افزار ۸۷ هزار و ۷۹۰ دلار در سال، میزان رضایت شغلی آن در حد متوسط و احتمال بیکاری در این حرفه ۷,۹ درصد است.

مسئول پایگاه داده‌ها (Database Administrator): این شغل با کسب مجموع ۷,۵ امتیاز توانست در میان ۲۵ شغل این رده‌بندی در رتبهٔ پنجم قرار گیرد. جامعهٔ جهانی روز به روز به سوی دیجیتالی شدن پیش می‌رود و به همین نسبت نقش «مسئول پایگاه داده‌ها» اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به‌طوری که تا سال۲۰۲۰ در این عرصه برای ذخیره، مدیریت، سازماندهی و رفع عیب پایگاه اطلاعاتی به ۳۳ هزار و ۹۰۰ فرصت شغلی جدید نیاز خواهد

بود. درآمد متوسط این شغل ۷۳ و ۴۹۰ هزار دلار در سال، میزان رضایت از آن در حد متوسط و احتمال بیکاری یک مسئول پایگاه داده‌ها برابر با ۹/۷ درصد است.

سازندهٔ وب (Web Developer): این شغل با مجموع ۷,۵ امتیاز در رتبهٔ ششم جای گرفت. در نگاه اول «سازنده وب» اصطلاحی ساده و عمومی به نظر می‌رسد، اما این فرد به مهارت و دانش فنی بالایی برای ساخت یک وب سایت و عملکرد خوب آن نیاز دارد. براساس پیش‌بینی وزارت کار آمریکا تا سال ۲۰۲۰ در حدود ۶۵ هزار و ۷۰۰ سازندهٔ وب در سراسر دنیا مشغول به‌کار خواهند شد. درآمد متوسط یک سازندهٔ وب در آمریکا سالانه ۷۵ هزار و ۶۶۰ دلار، احتمال بیکاری فردی با این مهارت ۷,۹ درصد و میزان رضایت از این شغل در حد بالاست. (عربشاهی، ۱۳۹۱)

تحلیلگر سیستم‌های رایانه‌ای (Computer Systems Analyst): این شغل در طبقه‌بندی مشاغل برتر ۲۰۱۲ توانست با کسب ۷,۵ امتیاز در سکوی هفتم قرار گیرد. تحلیلگر سیستم‌های رایانه‌ای فردی است که اغلب با تجزیه و تحلیل سیستم‌ها، میان مشتریان و شرکت‌های IT نقش یک رابط را ایفا می‌کند. درآمد متوسط این فرد معادل ۷۷ هزار و ۷۴۰ دلار آمریکا در سال است. براساس پیش‌بینی‌ها ۱۲۰ هزار و ۴۰۰ نفر تا سال ۲۰۲۰ وارد این شغل می‌شوند. احتمال بیکار شدن تحلیلگر سیستم‌های رایانه‌ای برابر با ۷,۹ درصد و میزان رضایت شغلی آن در حد متوسط است.

برنامه‌نویس رایانه (Computer Programmer): این شغل با ۶,۸ امتیاز در رتبهٔ نهم جدول ایستاده است. C، ++ پیتون و سایر زبان‌های رایانه‌ای زبان دوم و طبیعی یک برنامه‌نویس رایانه به شمار می‌روند. حقوق متوسط این افراد ۷۱ هزار و ۳۸۰ دلار در سال است که این رقم در بین افراد بسیار ماهر به ۱۱۴ هزار دلار نیز می‌رسد. این حرفه با میزان رضایت‌مندی در حد متوسط و احتمال بیکاری ۷,۹ درصد، ۴۳ هزار و ۷۰۰ فرصت شغلی جدید تا سال ۲۰۲۰ ایجاد خواهد کرد. (عربشاهی، ۱۳۹۱)

نقش فناوری اطلاعات در ایجاد فرصت‌های کارآفرینی برای زنان در ایران

فناوری اطلاعات در ایجاد فرصت‌های کارآفرینی در دنیا از موضوعات مهمی است که اغلب کشورهای پیشرفتهٔ دنیا آن را به طورجدی مورد توجه قرار داده‌اند. با نگرش به اینکه نیمی از مردم جهان زنان هستند، راهبردهای توسعه در اغلب کشورها باید برای برون رفت از گوشه‌نشینی اقتصادی و اجتماعی، نگاهی به زنان نیز داشته باشد تا فرصت‌هایی برای رشد و گونه‌گونی پدید آید. با وجود این، هنوز تصویر روشنی از اشتغال و حضور زنان ایران در حوزهٔ فناوری اطلاعات وجود ندارد. تکنولوژی‌های نوین مانند فناوری اطلاعات از مهم‌ترین حوزه‌های شغلی در دنیای امروز به‌شمار می‌روند. لذا، فضای اشتغال ایران می‌طلبد به نحو مطلوبی این فناوری و فرصت‌های شغلی آن، که می‌تواند در آینده به‌عنوان فرصت یا تهدید برای زنان جامعهٔ ما مطرح باشد، مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد تا نقاط ضعف و قوت آن را دریابیم و آن را به عنوان یک فرصت یا تهدید مدیریت نماییم. (طاهرخانی، ۱۳۸۸) فعالان زن حوزهٔ آی‌تی، فعالیت زنان در بخش فناوری اطلاعات را این‌گونه توصیف می‌کنند. فعالیتی در فضایی بسته. در واقع آنها بر این باورند شرایط فرهنگی، اجتماعی و عدم وجود فضای

فعالیت باعث حضور کمرنگ آنها در این حوزه شده و باعث شده آنها خودباوری خود را از دست بدهند. (سراب پور ،۱۳۸۹)

اگر نگاهی به حضور فعالان زن در بخش فناوری اطلاعات در ایران بیندازیم، خواهیم دید که اکثر آنها بیشتر در رده‌های میانی شرکت‌های فناوری اطلاعات مثلاً به عنوان یک گرافیست، برنامه‌نویس، مشاور آی‌تی و... فعالیت می‌کنند. حضور زنان کمتری در این حوزه دیده شده که در بخش تجارت آی‌تی فعالیت گسترده‌ای داشته باشند. برای اثبات این حرف هم کافی است نگاهی به آگهی‌های استخدام در روزنامه‌ها بیندازید. خواهید دید که به‌طور معمول از مردان برای خدمات سخت‌افزاری، طراحی صفحات وب، نصب و راه‌اندازی شبکه و سیستم و از زنان برای تایپ، کارهای گرافیکی و اپراتوری دعوت به‌کار می‌شود. به گفته کارشناسان علت حضور کمرنگ زنان در رده‌های بالایی بخش آی‌تی به عدم ریسک‌پذیری آنها باز می‌گردد. در واقع، زنان نه تنها مجبور به حفظ تعادل بین کار و خانواده می‌شوند، بلکه درگیر تضاد بین رابطهٔ خودشان با شغل‌شان نیز می‌شوند. آنها هم دوست دارند که مهارت‌های خود را به‌روز نگهدارند و در پروژه‌های جالب و عالی مشارکت کنند، اما ویژگی‌های ذاتی بسیاری از مشاغل آی‌تی اولین دلیلی است که به آنها فشار وارد می‌کند تا داوطلبانه آن را ترک گویند. (سراب‌پور،۱۳۸۹) بیتا طهماسبی، مدیر عامل شرکت آواژنگ سیستم و عضو هیأت مدیره خدمات آواژنگ، معتقد است که حضور کمرنگ زنان در بخش مدیریتی و تأثیرگذار، محدود به صنف خاصی نبوده و در واقع ریشهٔ تاریخی و فرهنگی دارد. طهماسبی می‌گوید: یکی از واقعیت‌هایی که باید بپذیریم کم‌تجربگی خانم‌ها در سمت‌های مدیریتی است که این امر هم به نبود خودباوری در زنان به دلایل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و از طرفی نگاه جامعه به عرصهٔ دادن به مردان در سمت‌های مدیریتی بازمی‌گردد. همچنین، پذیرش و استقبال زنان از شغل‌های روتین و فرسایشی و غیرمدیریتی مانند امور دفتری باعث ایجاد نگاهی جاافتاده به محدود بودن توانایی زنان در این‌گونه شغل‌ها شده است. به باور وی یکی دیگر از دلایلی که باعث حضور کمرنگ خانم‌ها در حوزهٔ مدیریتی سازمان‌ها و شرکت‌ها می‌شود به مسئولیت خانوادگی آنها برمی‌گردد و این باعث می‌شود که بخشی از انرژی آنها صرف امور خانه و فرزندان شود. همچنین، طهماسبی اضافه می‌کند که نگرش منفی مدیران نیز در حضور کمرنگ زنان در این حوزه بی‌تأثیر نیست. در واقع هنگامی که مدیران مافوق به زنان به دلیل برخی تجربه‌های ناخوشایند، از لحاظ کاری اطمینان ندارند و در مورد موفقیت زنان در سطوح سرپرستی و مدیریتی پیش‌داوری می‌کنند، مسلماً ارتقای شغلی زنان در حوزهٔ آی‌تی نیز با مشکل مواجه خواهد شد. در مقابل فعالانی که معتقدند حضور زنان در بخش فناوری اطلاعات کشور بسیار کمرنگ است، اما افرادی هم هستند که معتقدند روزبه‌روز بر تعداد فعالان زن در حوزهٔ فناوری اطلاعات اضافه می‌شود و در حال حاضر می‌توان زنان زیادی را دید که در رده‌های بالایی شرکت‌ها و سازمان‌های فعال در بخش آی‌تی مشغول به فعالیت هستند. ویدا سینا، رییس مرکز تحقیقات صنایع انفورماتیک، معتقد است که در حال حاضر با تمامی مشکلات و نگاه‌های سنتی، اما سازمان‌ها و شرکت‌هایی را می‌توان دید که با توجه به نحوهٔ کار متمرکز و دقیق خانم‌ها به طرف استخدام آنها رفته‌اند. اما شاید ادعای سینا مبنی بر افزایش استخدام زنان در رده‌های بالایی مدیریتی

درست باشد، اما این افزایش استخدام شاید بیشتر در رده‌های مشاوره‌ای، سیاست‌گذاری و.... دیده می‌شود و کمتر دیده شده که خانمی در بخش تجارت حوزهٔ آی‌تی فعالیت کند. سینا در این خصوص می‌گوید: «حضور کم زنان در بخش تجارت فقط مربوط به بخش آی‌تی نیست، چرا که در حوزه‌های دیگر هم می‌توان دید که زنان در بخش تجارت به دلایلی حضور کمرنگی دارند. مثلاً در بخش راه و ساختمان حضور زنان بسیار کمتر از مردان است.» وی دلیل این امر را به سرمایهٔ کم بعضی زنان این حوزه، عدم اطمینان مدیران بالایی و سنگ‌اندازی برخی افراد ارتباط می‌دهد و می‌گوید: « وجود چنین شرایطی فقط مربوط به فعالان زن بخش آی تی کشور نیست. در تمام دنیا زنان در بخش تجارت این حوزهٔ حضور کمرنگی دارند و شاید تعداد بزرگ‌ترین تجار زن حوزهٔ آی تی به شمارش انگشتان یک دست هم نرسد. (سراب پور،۱۳۸۹) دلیل این هم به ساختار اجتماعی کشورها، نگاه‌سنتی، نوع مسئولیت‌پذیری خانم‌ها در قبال خانواده و... بر می‌گردد.» به باور اکثر فعالان زن حوزهٔ فناوری اطلاعات، باید برای حضور بیشتر زنان در این حوزه، کارآفرینی آنها در حوزهٔ فناوری اطلاعات و ارتباطات فرهنگ‌سازی شود. آزاده داننده مدیرعامل شرکت فناوری اطلاعات تهران و رئیس هیأت مدیرهٔ انجمن ملی زنان کار آفرین بر این باور است که در حال حاضر با توجه به مشکلات و محدودیت‌هایی که در رشته‌های دانشگاهی مربوط به آی‌تی برای زنان دیده می‌شود، اما می‌توان دختران زیادی را دید که با تمام سختی‌ها از این رشته فارغ‌التحصیل می‌شوند، اما به دلیل فراهم نبودن شرایط و نگاه مردانه‌ای که در این حوزه وجود دارد، نمی‌توانند برای خود کار مناسبی پیدا کنند. داننده در این خصوص می‌گوید: «در حال حاضر به دلیل عدم فراهم بودن شرایط کار بسیاری از فارغ‌التحصیلان زن مربوط به رشتهٔ آی تی توانسته‌اند در خارج از کشور موفقیت‌هایی را در سطوح بالای کارآفرینی کسب کنند. در واقع فراهم نبودن شرایط باعث شده تا دختران فارغ‌التحصیل پس از پایان دوره دانشگاه برای کار به خارج از کشور مهاجرت کنند.» رئیس هیأت‌مدیره انجمن ملی زنان کارآفرین تصریح می‌کند که هیچگاه در طول فعالیت چندسالهٔ خود در حوزهٔ کسب و کار موانع قانونی در پیش‌روی این حوزه برای زنان وجود نداشته است و تنها موانع مرتبط با امور فرهنگی بوده است که باید در راستای ارتقاء آنها گام برداشت. (سراب پور، ۱۳۸۹)

نتیجه‌گیری

افرادی که در صنعت اطلاعات کار می‌کنند به دو گروه کارکنان اطلاعات و دانشوران تقسیم می‌شوند. گروه اول بیشتر در حوزهٔ کار با اطلاعات و ارائهٔ خدمات اطلاعاتی تمرکز دارند، در حالی‌که گروه دوم به خدمات مبتنی بر دانش تخصصی مشغول می‌شوند. علاوه بر این، دو گروه افراد خلاق دیگری موسوم به کارآفرین اطلاعات لازمند تا فرصت‌های کارهای مبتنی بر اطلاعات و دانش را خلق کنند. این افراد ضمن برخورداری از خلاقیت و ایده‌پردازی توان سازماندهی سرمایه‌ها و منابع انسانی اطلاعات‌محور را دارا هستند. تربیت این‌گونه افراد و حمایت از آن‌ها خود باعث رونق صنعت اطلاعات و صنعت فناوری اطلاعات و ایجاد اشتغال در آن می‌گردد. فناوری اطلاعات از سویی، در مشاغل یدی و با مهارت پایین اشتغال‌زدا است و از سویی خود مشاغل بسیاری در حوزهٔ اطلاعات و دانش ایجاد می‌کند. صنعت اطلاعات و

صنعت فناوری اطلاعات دو حوزهٔ مهم هستند که از بیشترین رونق شغلی برخوردارند. سهولت در دسترسی به اطلاعات کارآمد و با هزینهٔ اندک، میزان تقاضای صنعت اطلاعات را افزایش داده و به تبع آن صنعت فناوری اطلاعات رشد می‌کند. کشورهای پیشرفته از فرصت‌های صنعت اطلاعات و صنعت فناوری اطلاعات تاکنون به خوبی بهره برده و رویکرد کشورهایی مثل کشور ما بیشتر باعث وابستگی و تولید شغل برای آن کشورها بوده است. بنابراین، باید با ارائه و اجرای راه‌کارهای صحیح از فرصت‌های جهانی عصر اطلاعات در صنعت اطلاعات و صنعت فناوری اطلاعات بهره برد. به صورت مشخص توسعهٔ دانایی، استفاده از فرصت‌های بازار خارج، حمایت از کارآفرینان اطلاعات آموزش مداوم و ضمن خدمت کارکنان، توسعهٔ بسترهای مشاغل اطلاعاتی و ... برخی از سیاست‌های اساسی برای توسعهٔ مشاغل در صنعت اطلاعات و صنعت فناوری اطلاعات هستند.

ازآنجا که زنان بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی کار جامعه را تأمین می‌کنند، عملکرد کارآفرینانه آنان در جهت رشد تولید یا فروش، افزایش سرمایه، رفاه کارمندان، قدرت رقابت و صادرات، به توسعهٔ اقتصادی جامعه کمک می‌کند. علاوه براین، جامعه‌ای که خواهان توسعهٔ همه‌جانبه است باید امکان رشد و شکوفایی استعدادها را برای همه اعضای خود از جمله زنان شاغل فراهم سازد. افزایش اعتماد به نفس و خودباوری در زنان خلاق و کارآفرین و توسعهٔ فرهنگ کارآفرینی باید به عنوان یک ارزش در جامعه مطرح شود. در مسیر توسعه، توجه به کارآفرینی زنان می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات مطرح به‌ویژه معضل بیکاری باشد. زنان به‌عنوان بخش عظیمی از جمعیت جامعه می‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی سهیم باشند. به‌منظور شناخت تأثیر کارکرد این مقوله، مطالعه‌ای که روی زنان کارآفرینی که نسبت به ایجاد کسب و کاری جدید مبادرت نموده و هم‌اینک نیز به فعالیت اشتغال دارند، نشان می‌دهد که محدودیت‌های مشترکی در میان آنها وجود دارد که با ابتکار و خلاقیت توانسته‌اند مسیر کار آفرینی خود را طی نمایند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که زنان کارآفرین برای کاهش تأثیرات موانع کارآفرینی، از راه‌های مختلفی وارد شده‌اند از جمله نسبت به جلب اعتماد عمومی، استفاده ازمهارت‌های ارتباطی، رعایت ضوابط و قوانین جاری و توسعهٔ روابط اجتماعی اقدام نموده‌اند. آنچه اهمیت دارد آن است که کارآفرینان زن علی‌رغم محدودیت‌های فراوان، خلاقانه توانسته‌اند از سه مانع عبورکنند و مسیرکارآفرینی خویش را هموار سازند.

راهکارهای پیشنهـادی

- ✓ اصلاح سیاست‌ها و قوانین موجود درجهت حمایت از کارآفرینی زنان.
- ✓ معرفی فرصت‌های کارآفرینی زنان خصوصاً در دانشگاه‌ها.
- ✓ حمایت از زنان کارآفرینی در مرحلهٔ راه‌اندازی کسب و کار.
- ✓ معرفی الگوهای موفق زنان درکارآفرین.
- ✓ ارائهٔ آموزش‌های تخصصی و کاربردی در زمینهٔ کارآفرینی.
- ✓ ترویج فرهنگ و آموزش کارآفرینی در میان زنان و دختران دانشگاهی.
- ✓ تقویت انگیزهٔ کارآفرینی در زنان و دختران دانشگاهی.

- ✓ توانا‌سازی زنان از طریق فراگیری آنان در روند توسعه و هدایت انگیزه‌های آنان.
- ✓ ایجاد فضا و فرصت‌های شغلی و استخدامی جدید. مانند خوداشتغالی، تأسیس تعاونی‌ها و سایر سیاست‌های حمایتی.
- ✓ توسعهٔ تفکر کار آفرینی در مسیر توانمندسازی زنان به‌منظور ایجاد اشتغال.
- ✓ در اختیار گذاشتن امکانات و تسهیلات سرمایه‌گذاری، تسهیلات بانکی بدون بهره یا ارزان قیمت، ابزار و ماشین‌آلات، مواد اولیه، زمین، خدمات اطلاع‌رسانی و به عبارت دیگر، آموزش‌های مهارت‌زا، تسهیل دسترسی آنها به منابع مورد نیاز، تحول عوامل فرهنگی و دگرگونی در باور زنان نسبت به توانایی خود.
- ✓ افزایش امکانات آموزش حرفه‌ای برای زنان دارای سطوح مختلف سواد.
- ✓ ایجاد بسترهای حقوقی مناسب برای تقویت زمینه‌های عینی تساوی حقوق زن و مرد.
- ✓ افزایش باور به توانمندی‌های اقتصادی – اجتماعی زنان.
- ✓ توسعهٔ آموزش عالی برای همه به‌عنوان نیاز اساسی جامعهٔ دانایی محور.
- ✓ تربیت کارآفرینان اطلاعات برای زنان.
- ✓ حمایت از ایده‌پردازی و نوآوری در حوزهٔ فناوری اطلاعات و ارتباطات.
- ✓ ایجاد نظام کار از راه دور.
- ✓ بسترسازی برای صادرات خدمات مهندسی، پزشکی، حقوقی و خدمات مشاوره از طریق شبکه.
- ✓ آموزش هدفمند نیروی انسانی با تفکیک برنامه‌های دراز مدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت.

منابـع

آراستی، زهرا (۱۳۸۴) توسعهٔ کارآفرینی و دختران دانشگاهی، فصل‌نامهٔ رویش. ش ۸ و ۹-

احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۷۹) "کارآفرینی" تهران: انتشارات پردیس.

احمد پورداریائی و محمد عزیزی محمـود (۱۳۸۳) کـارآفرینی. تهـران: مؤسسـهٔ فرهنگـی و انتشاراتی محراب قلم.

اخوان صراف، احمدرضـا؛ آراسـته، مجیـد (۱۳۸۷). کـارآفرینی زنـان و فنـاوری اطلاعـات و ارتباطات، ماهنامهٔ کار و جامعه، ش ۹۶ و ۹۷، ص ۴۸ – ۵۵.

اکرمـی‌فـر س.ع.(۱۳۸۰) " تحـولات تکنولـوژی و ماهیـت مشـاغل در عصـر اطلاعـات و ارتباطات"، همایش نقش فناوری اطلاعات در اشتغال، سازمان همیاری اشتغال.

باقری ، شهلا (۱۳۸۲). ا شتغال زنان در ایران. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان، روابط عمومی.

پاندی (۱۳۸۲). راهنمای جامعی برکارآفرینی موفق. ترجمهٔ ستاد اشـتغال جهـاد دانشـگاهی واحد صنعتی اصفهان. اصفهان: جهاد دانشگاهی، واحد صنعتی.

بامداد، شیدا (۱۳۷۶). ساختار اشتغال زنان و تغییرات آن در چهـل سـال گذشـته و بررسـی رابطهٔ میزان‌های اشتغال زنان با عوامل اجتمـاعی، اقتصـادی در شهرسـتان‌هـای ایـران، دانشگاه تهران، دانشکدهٔ علوم اجتماعی.

رجب بیگی، م. (۱۳۸۰). فناوری اطلاعات و تهدیدها و فرصت های شغلی، همایش نقش فناوری اطلاعات در اشتغال، سازمان همیاری اشتغال.
سفیری، خدیجه (۱۳۷۳). بررسی جنبه‌های کمی و کیفی اشتغال زنان و رابطهٔ آن با توسعهٔ اقتصادی. رسالهٔ دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکدهٔ علوم انسانی.
سعیدی کیا، مهدی (۱۳۸۲). آشنایی با کارآفرینی. تهران: نشر سپاس.
سراب‌پور، سونیتا (۱۳۸۹). نگاهی به جایگاه زنان ایرانی در حوزهٔ فناوری اطلاعات منبع: دنیای اقتصاد، ۲۵ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در سایت؛
http://online.tic.ir/fa/news/3913
سفیری، خدیجه. (۱۳۷۷) "جامعه‌شناسی اشتغال زنان". تهران: مؤسسهٔ فرهنگی انتشاراتی تبیان.
شاه حسینی، علی (۱۳۸۳). کارآفرینی. تهران: نشر پاییز.
صابر، فیروزه (۱۳۸۱). راه‌های توسعهٔ کارآفرینی زنان در ایران.- تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
عربشاهی، هدا (۱۳۹۱). مشاغل برتر جهان در حوزهٔ فناوری اطلاعات معرفی شدند، دوشنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۱، قبل دسترسی در سایت: اقتصادایران آنلاین
http://www.eghtesadeiranonline.com/vdcaeina.49nia15kk4.html
طاهرخانی، نسرین ؛ خداکرم عباسی (۱۳۸۸) نقش فناوری اطلاعات در ایجاد فرصت‌های کارآفرینی برای زنان ایران، چکیدهٔ مقالات همایش مدیریت تکنولوژی و نوآوری.
گل محمدی، پروین (۱۳۸۲). زنان خود اشتغال و کارآفرین، ماهنامهٔ کار و جامعه، شمارهٔ ۵۲، ص ۳۴ - ۳۷ .
کوک، جیمز (۱۳۸۲). پیش به‌سوی کارآفرینی. ترجمهٔ میترا تیموری. اصفهان: نشر آموزه.
کار، مهرانگیز (۱۳۷۹). زنان در بازار کارایران: تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
ملک پور، علی (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی کارآفرینی. تهران: راش؛ آزاد اندیشان.
مسجدیان، مهدی (۱۳۷۱). تحقیقی پیرامون وضعیت اشتغال، درآمد، فراغت، رضایت شغلی زنان اصفهان – کمیسیون اموربانوان .

زنان خانه‌دار، شاغلین بی‌ادعا و اقتصاددانان گمنام

رجبعلی حکم آبادی[1]
الهام قلیزاده رضایی[2]

چکیده

مقدمه و هدف: زن خانه‌دار، اغلب به عنوان مدیر اقتصادی خانواده شناخته می‌شود که یکی از ارکان اساسی و تعیین کنندهٔ مصرف در چرخه و زنجیر امور اقتصادی تلقی می‌شود. لذا، هدف از این مطالعه، ارج نهادن به مقام و منزلت خانه‌داری می‌باشد. روش‌شناسی: این مطالعه به روش مروری کتابخانه‌ای در مقالات و سایت‌های معتبر انجام شده است. یافته‌ها: از نظر ائمه و اهل بیت (ع)، مهم‌ترین امر برای زن، پرداختن به امور خانه‌داری و همسرداری است و اجر و ثواب زیادی نیز برای آن قائل شده‌اند. از دیدگاه دیگر، زنان می‌توانند پشتوانهٔ اقتصادی خوبی برای مردان باشند. بر اساس آنچه از آموزه‌های اسلامی برمی‌آید، اولویت ارزشی نظام اسلامی، مسئلهٔ خانه‌داری زنان است، در پاره‌ای از روایات، خانه‌داری زن هم‌پایهٔ وظایف مهم مردان چون جهاد در راه خدا در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب، آنچه در نظام اسلامی باید مورد تشویق قرار گرفته و با ارزش تلقی شود، فعالیت‌های خانه‌داری است. اشتغال زنان در خارج از خانه، باعث افزایش اشتغال زنان و به تبع آن افزایش آسیب‌های جسمی و روانی بر سلامت زنان، افزایش توقعات، کاهش نرخ باروری، افزایش بیکاری آقایان و تعارضات خانوادگی است، بنابراین، زنان خانه‌دار می‌توانند با افزایش تحکیم پایهٔ خانواده، اهمیت دادن به کار خانه‌داری، ارزش و ارج نهادن به مقام مادر و زن خانه‌دار، انجام کارهای دستی در خانه، آموزش عملی صرفه‌جویی و قناعت به فرزندان و همسر، عدم مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی کمک شایانی به اقتصاد کشور داشته باشند. نتیجه‌گیری: متأسفانه در جامعهٔ کنونی ما، مقام و منزلت خانه‌داری به حاشیه رفته است و ارج نهادن به مقام مادر و زن خانه‌دار کاهش یافته که باید جبران شود. بنابراین، می‌توان با سیاستگذاری، قوانین، واحدهای آموزشی و رسانه‌ها (به عنوان نهادهای شکل‌دهنده به نگرش افراد) به مقولهٔ خانه‌داری توجه بیشتری نشان داد که مسلماً می‌تواند در نگرش آحاد جامعه و به‌خصوص زنان تأثیرگذار باشد تا شغل خانه‌داری به عنوان شغلی مقدس و افتخاری بزرگ برای زنان کشورمان محسوب گردد.

واژگان کلیدی: زنان خانه‌دار، شاغلین بی‌ادعا، اقتصاددانان گمنام.

۱.کارشناسی ارشد بهداشت حرفه‌ای، مربی هئیت علمی دانشکدهٔ بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی،بجنورد، Email:abi.hse2006@gmail.com

۲.کارشناس حسابداری، عضو مؤسسهٔ قرآنی الزهرا شهرستان اسفراین.

مقدمه

خداوند زن و مرد را آفرید و به هر یک مقامی عطا نمود و برای زن مقام‌های مادری، همسری و سکینه را برگزید. فرهنگ‌سازی مطلوب و نهادینه کردن مجموعه‌ای از ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی متناسب با نقش زنان در اقتصاد ملّی، امری است ضروری و اجتناب‌ناپذیر، بیشتر جامعه‌شناسان توسعه، یکی از موانع عمدهٔ پیشرفت اقتصادی در برخی کشورها را فقدان یا ضعف بنیان‌های فرهنگی و عدم پایبندی به آداب و رسوم نهادینه‌شده در جامعه می‌دانند. تأکید شارع مقدس دین اسلام، مبین این است که بار مسئولیت و ادارهٔ خانواده در جامعهٔ اسلامی عمدتاً بر عهدهٔ بانوان می‌باشد. برداشت کلی از آیات، روایات، احادیث و سیرهٔ اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز به ما می‌آموزد که روشن نگه داشتن چراغ خانه و گرم نگاه داشتن کانون آن برعهدهٔ بانوان است و هیچ امری بر آن مقدم نیست. اگرچه زنان در آموزه‌های دینی از کار و فعالیت اقتصادی منع نشده‌اند، لکن باید عنایت داشت که جواز یک عمل به معنای در اولویت بودن آن نیست. عنایت به نقش تربیتی زنان با تکیه بر ویژگی‌های جسمانی و ابعاد روحی و عاطفی آنها در درون منزل و در تعامل با فرزند و همسر قابل ارزیابی است. آنها به دلیل برخورداری از عواطف، احساسات و لطافت روح، مناسب‌ترین گزینه برای تعلیم و تربیت می‌باشند. جهت‌گیری و نوع نگاه اسلام، تقدم و تأخر نوع فعالیت زنان را معین می‌کند. زنان با محور قرار دادن خانه و خانواده به عنوان اولویت نخستین، با این باور وارد عرصهٔ کار و فعالیت اقتصادی می‌شوند که مشارکت و حضورشان کمک مؤثری به پویایی اقتصاد کشور نموده و موجبات حمایت از تولید ملی را در پی داشته باشد. رهبر کبیر انقلاب اسلامی در عین حال نقش اصلی زنان را در مربی بودن آنها برای رشد و کمال انسان‌ها می‌دانند: «زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند... مربی انسان‌ها زن است، سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است، زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبداء همهٔ سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبداء همهٔ سعادت باید باشد» (۱ و ۲). رهبر کبیر انقلاب اسلامی به نقش مادران در تربیت صحیح فرزندان به عنوان آینده‌سازان جامعه تأکید فوق‌العاده‌ای دارند تا آنجایی که می‌فرمایند: «اسلام از شما این معنا را می‌خواهد که بچه‌های خودتان را در دامن‌های خودتان تربیت کنید... این‌ها فرزندان اسلامند و بعد از این مقدرات اسلام و مملکت خودتان به دست آنهاست» (۳) و در جای دیگر می‌فرمایند: «کمک‌های بانوان ارزش چند برابر کمک‌های مردان دارد. خداوند شما را حفظ کند و شما را برای تربیت انسان‌ها که شغل انبیاست ...حفظ کند. سلام برهمهٔ شما و رحمت بر همهٔ شما» (۴). دامان زنان یک مدرسه‌ای است که در آن باید جوانان بزرگ تربیت بشود. شما فضائل تحصیل کنید تا کودکان شما در دامن شما به فضیلت برسند.»(۵). رهبر معظم انقلاب می فرماید : «اسلام با کار کردن زن موافق است نه تنها موافق است بلکه کار را تا آنجا که مزاحم با شغل اساسی و مهم‌ترین شغل او یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند. یک کشور که نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد.» بنابراین، اشتغال بانوان نباید آنها را از وظایف خطیرشان در مدیریت خانواده و تربیت فرزندان باز دارد. همچنین می‌فرماید: «آن عنصر اصلی تشکیل دهندهٔ خانواده، زن است نه مرد. زن خانواده اگر عاقل با تدبیر و خانه‌دار باشد خانواده را حفظ می‌کند.» (۶). زن خانه‌دار اغلب به عنوان مدیر اقتصادی، سبد دارایی و

مصرفی خانواده شناخته می‌شود که یکی از ارکان اساسی و تعیین‌کنندهٔ مصرف در چرخه و زنجیر امور اقتصادی تلقی می‌شود. در هزارهٔ جدید نیاز به تغییر در نگرش به مسائل زنان خانه‌دار در سراسر دنیا به‌عنوان اصلی مسلم، کاملاً ملموس و پذیرفته‌شده است، اما مهم این است که چگونه می‌توان آن را از یک تفکر متظاهرانه و جذاب به یک تفکر قابل اجرا تبدیل کرد(۷). تردیدی نیست که خانواده یکی از ارکان جامعه و محور اساسی رشد و اعتلاء انسان به‌شمار می‌رود. این نقش از منظر جهان غرب و غرب باوران بسیار کم‌رنگ و بی‌اهمیت بوده و در برخی موارد یکی از مشکلات فراروی زنان، قلمداد شده است. یکی از مشکلاتی که زنان در همهٔ جوامع با آن درگیر هستند، مسئولیت پرورش فرزندان و ادارهٔ امور خانه می‌باشد. امروزه در جوامع غربی و متأسفانه در جامعهٔ ما، آن‌چنان به اشتغال زن در خارج توجه می‌شود که این امر به عنوان اولین و مهم‌ترین نقش زن مطرح شده است و نقش مادری و همسری و ادامه سنّت‌های فرهنگی به عنوان نقش دوّم و فرعی مدّنظر قرار می‌گیرد. لذا، هدف از این مطالعه، ارج نهادن به مقام و منزلت خانه‌داری می‌باشد.

روش‌شناسی

این مطالعه به روش مروری کتابخانه‌ای می‌باشد که نتایج به‌دست‌آمده ازبررسی کتب، مقالات و سایت‌های معتبر می باشد.

یافته‌ها

شکل‌گیری جوامع صنعتی و ایجاد بازار کار جدید، موجب اشتغال زنان در بخش صنعت و از طرف دیگر، باعث کاهش نقش خانواده شد. در جامعه‌های صنعتی، بسیاری از عملکردهای سنّتی خانواده از بین رفته یا به شدت دگرگون شده است. اشتغال زنان در این دوره به‌منظور تکریم و بالا بردن منزلت زن نبوده و فقط جوامع صنعتی درصدد برطرف کردن نیاز خود به نیروی کار ارزان بودند. بر اساس آمار، تقریباً در تمام جامعه‌های صنعتی درآمد زنان به میزان قابل ملاحظه‌ای کم‌تر از درآمد مردان است. از نظر ائمه و اهل بیت (ع)، مهم‌ترین امر برای زن، پرداختن به امور خانه‌داری و همسرداری است و اجر و ثواب زیادی نیز برای آن قائل شده‌اند. از دیدگاه دیگر زنان می‌توانند پشتوانهٔ اقتصادی خوبی برای مردان باشند بر اساس آنچه از آموزه‌های اسلامی برمی‌آید، اولویت ارزشی نظام اسلامی مسئلهٔ خانه‌داری زنان است. در پاره‌ای از روایات، خانه‌داری زن هم‌پایهٔ وظایف مهم مردان چون جهاد در راه خدا در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب، آنچه در نظام اسلامی باید مورد تشویق قرار گرفته و با ارزش تلقی شود، فعالیت‌های خانه‌داری است. اشتغال زنان در خارج از خانه، باعث افزایش اشتغال زنان و به تبع آن افزایش آسیب‌های جسمی و روانی بر سلامت زنان، افزایش توقعات، کاهش نرخ باروری، افزایش بیکاری آقایان و تعارضات خانوادگی است. بنابراین، زنان خانه‌دار می‌توانند با افزایش تحکیم پایهٔ خانواده، اهمیت دادن به کار خانه‌داری، ارزش و ارج نهادن به مقام مادر و زن خانه‌دار، انجام کارهای دستی در خانه، آموزش عملی صرفه‌جویی و قناعت به فرزندان و همسر، عدم مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی کمک شایانی به اقتصاد کشور داشته باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق فرمایشات صریح حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری وظیفهٔ مهم و اصلی بانوان حفظ حریم خانواده و تربیت فرزند است. به‌طوری‌که هیچ فعالیت دیگری نباید این دو مسئله را تحت‌الشعاع قرار دهد. حفظ خانواده اعم و اهم از مسائل اجرایی خانه و خانواده بوده و تبدیل این محیط به فضایی برای رشد و تعالی معنوی همسر و فرزندان از اهمیت والائی برخوردار است. متأسفانه در جامعهٔ کنونی ما، مقام و منزلت خانه‌داری به حاشیه رفته است و ارج نهادن به مقام مادر و زن خانه‌دار کاهش یافته که باید جبران شود، بنابراین، می‌توان با سیاست‌گذاری، قوانین، واحدهای آموزشی و رسانه‌ها (به‌عنوان نهادهای شکل‌دهنده به نگرش افراد) به مقولهٔ خانه‌داری توجه بیشتری نشان داد که مسلماً می‌تواند در نگرش آحاد جامعه و به‌خصوص زنان تأثیرگذار باشد تا شغل خانه‌داری به عنوان شغلی مقدس و افتخاری بزرگ برای زنان کشورمان محسوب گردد.

منابع

وصیت‌نامهٔ سیاسی ـ الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی (۱۳۶۹)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران، ص۴.

زمانه، شمارهٔ ۲۳-۲۴ ، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱، ص ۹۳.

فاطمه صفری (۱۳۷۴). الگوی اجتماعی پایگاه و نقش زن مسلمان، سازمان تبلیغات اسلامی، ص۲۵

جایگاه زن دراندیشهٔ امام خمینی (س) (۱۳۷۴). تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۱۳۲.

جایگاه زن دراندیشهٔ امام خمینی (س) (۱۳۷۴). تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۱۲۰.

زمانه، شمارهٔ ۲۳-۲۴ ، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱، ص ۱۰۵.

http://www.iqna.ir/fa/news_detail.php?ProdID=۱۱۲۳۹۴۰

زنان روستایی و کارآفرینی: ضرورت، چالش‌ها و راهکارها

بهمن خسروی پور (نویسنده مسؤول)[1]
امید مهراب قوچانی[2]
منتهی بوعذار[3]

چکیده

زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی در سطح تحصیلات زنان در جامعهٔ ایران به وجود آمده است، یکی از معضلات مهم شهرها و روستاهای ایران، شمار روزافزون زنان بیکار، به‌ویژه زنان تحصیل‌کردهٔ در جستجوی کار و متعاقب آن، کاهش سطح تولید و بهره‌وری، افت درآمد سرانه و رفاه است. به این لحاظ، توجه به استعداد و نقش زنان در چرخهٔ اقتصادی و اجتماعی کشورها به‌عنوان نیروی کار ضرورت دارد. جذب این تعـداد نیروی تحصیل‌کرده در سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی به علت تورم نیروی انسانی و گسترهٔ محدودی که با آن مواجهند، عملی نمی‌باشد. لذا، یکی از راهکارهای مهم جهت حل این معضل، توسعهٔ کارآفرینی در میان زنان و دختران بوده و توجه به فعالیت‌های کارآفرینانه در این قشر از جامعه می‌تواند به رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور کمک شایان توجهی نماید. بنا به ضرورت توسعهٔ سهم زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بیکاری زنان، و با توجه به اهمیت توجه به تولید ملی و حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی، ضروری به نظر می‌رسد که شرایط لازم برای توسعهٔ کسب و کار زنان و تقویت روحیهٔ کارآفرینانه در میان آنها فراهم گردد، تا این سرمایه‌های انسانی جامعه، بتوانند باعث رونق اقتصادی جامعه ایران گردند. این مقاله که به روش مروری و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و سایت‌های معتبر اینترنتی تهیه شده است، تلاش دارد مفاهیم، اهمیت و ضرورت کارآفرینی زنان در روند توسعه و لزوم آموزش و مشارکت زنان در این زمینه را بررسی، موانع و محدودیت‌های موجود در این رابطه را شناسایی و در پایان راهکارها و پیشنهاداتی کاربردی را ارائه نماید.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، زنان، روستا، توسعه، زنان روستایی.

---

۱. استادیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان،
Email:b.khosravipour@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه ترویج دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان،
Email:mehrab.omid@gmail.com
۳. دانش‌آموختهٔ کارشناسی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان،
Email:Montaha.boozar@yahoo.com

مقدمه

یکی از چالش‌های مهم جوامع انسانی به‌ویژه در عصر جهانی شدن و ماشینی‌تر شدن فعالیت‌ها، تأمین اشتغال است (دادگر و ندیری، ۱۳۸۵). علاوه بر آن، موضوع ایجاد و تنوع اشتغال، جایگاه مهمی در سیاست‌گذاری‌ها و تحکیم اقتدار ملی کشورها دارد، چرا که رشد بیکاری، ضمن کاهش بازدهی منابع اقتصادی- انسانی، موجب تشدید مسائل و شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌شود. از این رو، ضرورت و اهمیت بررسی و مطالعهٔ موضوع و راهکارهای اساسی برای کاهش بیکاری و ارتقاء بهره‌برداری از منابع انسانی، تقویت رشد اقتصادی و حفظ کرامت انسانی، امری محرز و بدیهی است (فنی، ۱۳۹۰). در سال‌های اخیر، زنان که نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند (منصور آبادی و کرمی، ۱۳۸۵. پوریوسفی و دیگران، ۱۳۸۸)، گرایش بیشتری به تحصیلات دانشگاهی پیدا کرده‌اند و نرخ ورود زنان و دختران به دانشگاه‌ها، سال به سال درحال افزایش است. درحالی که براساس آمارهای رسمی، نرخ بیکاری نیز در میان آنها به صورت قابل توجهی درحال افزایش می‌باشد (علی پور، ۱۳۸۸) یکی از معضلات مهم شهرها و روستاهای ایران، شمار روزافزون زنان بیکار، به ویژه زنان تحصیلکردهٔ در جستجوی کار و متعاقب آن، کاهش سطح تولید و بهره‌وری، افت درآمد سرانه و رفاه است (فنی، ۱۳۹۰). مناطق روستایی ایران اغلب شامل گستره‌ای وسیع از زمین‌های حاصل‌خیز با خاک مرغوب و آب و هوای مناسب می‌باشد. اما واضح و مبرهن است که منابع مادی و فیزیکی بدون وجود نیروی انسانی ماهر، کارآمد و خلاق، به هدر رفته و سودی از آن حاصل نمی‌شود (امیدی نجف آبادی و سلطانی، ۱۳۸۵) از آنجایی که بخش عظیمی از جامعهٔ روستایی و کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند (شاوردی و چیت‌ساز، بی تاریخ. خسروی پور و فروشانی، ۱۳۹۰. شریفی و عادلی، ۱۳۹۰)، به این لحاظ توجه به استعداد و نقش زنان در چرخهٔ اقتصادی و اجتماعی کشورها به‌عنوان نیروی کار ضرورت دارد (میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸). حال با آنکه افزایش تعداد زنان تحصیل‌کرده، می‌تواند شاخصی برای پیشرفت کشور محسوب شود و فرصت‌ها را برای تسریع روند توسعه فراهم سازد. اما فقدان تناسب میان بازار کار و نظام آموزشی از یک سو و کمبود شغل و مهیا نبودن امکانات لازم برای پرورش ایده‌های خلاق از سوی دیگر، شرایط را برای استفادهٔ مناسب از این ظرفیت عظیم فراهم نمی‌سازد (صابر، ۱۳۸۹) و به نظر می‌رسد جذب این تعداد نیروی تحصیل‌کرده در سازمان‌های دولتی موجود که اکثراً با تورم نیروی انسانی مواجه‌اند، عملی نباشد. بخش خصوصی نیز باتوجه به گسترهٔ محدودش در ایران، طبیعتاً نتوانسته است در جذب این سرمایه‌های ملی موفقیت قابل توجهی داشته باشد (علی پور، ۱۳۸۸). از سویی آمارها حاکی از آن است که در شرایط فعلی جامعهٔ ایران که نسبت قابل توجهی از جوانان به ویژه زنان، بیکار و از نعمت اشتغال محرومند و با توجه به اینکه در سراسر دنیا مردمی که در روستاها زندگی می‌کنند، به‌خصوص زنان، متحمل فقر شدیدی هستند و زنان و دختران چیزی حدود سه پنجم فقرای جهان را تشکیل می‌دهند (سازمان توسعهٔ صنعتی سازمان ملل متحد۱، ۲۰۰۳) و اغلب زنان روستایی مشغول به انجام کشاورزی معیشتی می‌باشند. رویکرد

1. UNIDO

توسعG کارآفرینی زنان در کشور امری ضروری می‌باشد (شیخان، ۱۳۸۸. ساتیاباما[1]، ۲۰۱۰). از طرفی توسعهٔ روستایی عامل بهبود شرایط زندگی افراد کم‌درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آنان در روند کلی توسعهٔ یک کشور معرفی می‌شود و این خودکفایی جزء برنامه‌های کارآفرینی است (عزمی، ۱۳۸۸). مهم‌ترین مبحث در بحث‌های توسعهٔ روستایی ایجاد شغل‌های غیرکشاورزی است و در این راستا توانمند ساختن روستاییان از اهمیت زیادی برخوردار است. آمارتیاسن (۱۹۹۹) می‌گوید هیچ چیز امروز در اقتصاد سیاسی توسعه به اندازهٔ تشخیص حق مشارکت و رهبری زنان در توسعه اهمیت ندارد. در حالی که بخش اعظمی از کشورهای جهان به مسائل زنان در قالب بهبود شرایط زندگی آنها می‌نگرند، مفهوم توانمندسازی زنان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به‌عنوان پیش‌نیاز توسعهٔ انسانی کمتر مورد توجه قرار گرفته و الویتی که شایسته است، به آن داده نشده است (نگاهی به آسمان) شعار روز جهانی زن در سال (۲۰۱۲) به توانمندسازی زنان روستایی، پایان‌دهی به فقر و گرسنگی اختصاص یافت (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۲). تجربهٔ کشورهای دارای رشد بالای درآمد ملی نشان‌دهندهٔ آن است که مدیران این کشورها به نقش و اهمیت کارآفرینی در پیشرفت و توسعهٔ کشور پی‌برده اند (شریفی و عادلی، ۱۳۹۰). اشتغال و کارآفرینی زنان از اهرم‌های مؤثر در توسعهٔ اقتصادی و مشارکت اجتماعی به‌شمار می‌رود (رجب‌پور و همکاران، ۱۳۹۰. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعهٔ سازمانی[2]، ۲۰۰۹) و کارآفرینی زنان نقش مهمی را در اقتدار زنان و توسعهٔ جوامع ایفا می‌کند. بررسی‌های اخیر نشان داده است که در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌ها از جمله کشور ما، زنان به شدت به کارآفرینی روی آورده‌اند، اما علی‌رغم این موضوع، ورود زنان به عرصهٔ کارآفرینی همواره با موانع و محدودیت‌های زیادی روبه روبوده است. آمارها نشان می‌دهد، کمتر از ۱۰ درصد از کارآفرینان در ایران زن هستند، و عوامل گوناگونی مانع از بروز و رشد استعدادهای بالقوه زنان در عرصهٔ کارآفرینی شده است. کارآفرینی فرآیندی است که نقش حیاتی در تداوم، رشد و توسعهٔ ملی و حتی اقتصادی جهان ایفا می‌کند. لذا، لزوم ایجاد بستر و جو مناسب در جهت حمایت‌های منطقی اعم از مادی، معنوی، فرهنگی، تحقیقاتی و علمی از کارآفرینی و کارآفرینان بیش از پیش در کشور ما احساس می‌گردد (میرغفوری و دیگران، ۱۳۸۸) تا بتوان با بهره‌مندی از نیروی کار زنان در مسیر توسعه با گام‌های سریع‌تری حرکت کرد.

اهمیت زنان در روستا

زنان در گسترهٔ جهانی نقش عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی دارند (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۹)، اما فعالیت اقتصادی آنان در کشورهای در حال توسعه و از همه مهم‌تر در نواحی روستایی این جوامع شکل متفاوتی دارد. این فعالیت‌ها عمدتاً سنتی است، در داخل خانه انجام می‌شود، جنبهٔ تولیدی دارد و در افزایش درآمد خانواده تأثیر به‌سزایی دارد. با این حال، زنان روستایی نامرئی‌ترین مشارکت‌کنندگان در فرایند اقتصادی جامعه و خانواده بوده و عدم توجه به توانایی این بخش از جامعه نتایج زیان‌باری را به دنبال خواهد داشت

1. Sathiabama
2. OECD

(موسوی،۱۳۹۰). زنان روستایی در ایران همانند سایر کشورها به صور گوناگون در عرصه‌های کشاورزی و غیرکشاورزی فعال هستند و از دیرباز علاوه بر مشارکت در بخش کشاورزی و صنایع روستایی، به‌طور گسترده و فعال در بخش خدمات روستایی نیز نقشی مؤثر و تعیین کننده داشته‌اند. وظایف و نقش‌های گوناگونی که بر دوش زنان خانه‌دار سنگینی می‌کند، نشان‌دهندهٔ سهم عظیمی است که او در فرایند توسعه دارد (مشیری،۱۳۸۷). فعالیت‌های زنان روستایی بنا به موقعیت خاص فرهنگی و اجتماعی در مناطق مختلف کشور متفاوت می‌باشد. بر اساس برخی آمارهای غیرمشابه گفته می‌شود زنان"۷۰ درصد فعالیت مربوط به زراعت برنج، ۹۰درصد فعالیت مربوط به سبزی و صیفی، ۵۰درصد فعالیت مربوط به زراعت پنبه و دانه‌های روغنی، ۳۰درصد مربوط به امور برداشت باغ‌ها و ۸۰تا ۱۰۰ درصد فعالیت مربوط به تولید لبنیات" را در بیشتر استان‌های کشور به‌عهده دارند (نوروزی و همکاران، ۱۳۷۶). امروزه نقش زنان روستایی، به عنوان اهرم‌های مهم و نیروهای پیش‌برندهٔ اساسی جامعهٔ روستایی، بسیار حائز اهمیت است، زیرا آنان به‌عنوان یکی از عناصر مهم در اقتصاد روستایی محسوب می‌شوند و سهمی قابل ملاحظه از نیروی کار و درآمد خانوار را به صورت مستقیم و غیرمستقیم به خود اختصاص داده‌اند (مشیری،۱۳۸۷) از طرفی، با توجه به این نکته که زنان روستایی در کانون اصلی توسعه قرار دارند، ارتقاء سطح دانش فنی آنها برای زندگی هرچه بهتر اهمیت ویژه‌ای دارد.

مفهوم کارآفرینی[1]

واژهٔ کارآفرینی از کلمهٔ فرانسوی به معنای متعهد شدن نشأت گرفته است (مشیری، بی تاریخ) و معنای این واژه، که به تازگی وارد زبان فارسی شده است، با به اشتباه انداختن افراد نا آشنا به مفهوم اصلی آن، بیش‌تر، مفهوم اشتغال‌زایی و پیوند مستقیم و ذاتی با کار (آن هم از نوع فیزیکی) را به یاد می‌آورد (فیض، ۱۳۸۸) و بایستی به این نکته توجه داشت که تعاریف کارآفرینی در جوامع مختلف با توجه به تنوع فرهنگی متنوع است (صابر، ۱۳۸۹. تشیکوکو[2]، ۲۰۰۱. کرامی[3]، ۲۰۰۵). کارآفرینی در دنیای کنونی، در پی کشف روابط تعادلی بین روح و فکر و جسم است و در مجموع، کارآفرینی یک فرایند خلق ابتکارها و نوآوری‌ها و ایجاد کسب و کار جدید در شرایط خطر خیز از طریق کشف فرصت‌ها و بهره‌گیری از منابع می‌باشد، اما تقریباً در تمامی تعاریف کارآفرینی، توافق بر سه مقولهٔ زیر وجود دارد:

- تفکرخلاقانه،
- بهره‌گیری سازمان‌یافته از منابع،
- توانایی پذیرش ریسک یا خطر (امیدی نجف آبادی و سلطانی، ۱۳۸۵).

برای کارآفرینان نیز تعاریف خاصی وجود دارد، اما آنچه در اکثر آنان می‌توان مشاهده کرد، این نکته است که کارآفرینان محور توسعهٔ اقتصادی بوده و با تخریب روش‌های کهن و ناکارآمد قبلی و جایگزینی آنها با شیوه‌های کارآمد و نوین به نظام اقتصادی پویایی و حیات می‌بخشند (هزارجریبی و ابراهیمی، ۱۳۸۹)، در واقع می‌توان گفت، کارآفرین کسی است که

1. Entrepreneurship concept
2. TSHIKUKU
3. Cerami

با کشف و شناخت فرصت‌های محیطی و بهره‌گیری مناسب از منابع، بتواند در شرایط پرابهام و ریسک‌آمیز به ابتکارات و نوآوری‌ها و ایجاد کسب و کار جدید بپردازد (امیدی نجف آبادی و سلطانی، ۱۳۸۵). شخص کارآفرین معمولاً مشخصه‌های ویژه‌ای دارد از جمله، خلاقیت، نوآوری، تحمل ابهام، نیاز به استقلال، آینده‌نگری، کنترل درونی، گرایش به رفاه اقتصادی، نگرش مثبت، نیاز به توفیق، اعتماد به نفس و نوآوری که در این میان نوآوری از اعمال کلیدی در فرایند کارآفرینی به‌شمار می‌آید (هزارجریبی و ابراهیمی، ۱۳۸۹).

زنان و کارآفرینی

بیست و سومین اجلاس ویژهٔ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰، "تساوی جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن ۲۱" را شعار و دستور عمل خود قرار داد (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰). تمرکز اصلی چهارمین کنفرانس جهانی زن (۱۹۹۵) در پکن بر پیشرفت و توانمندسازی زنان در حوزه‌هایی مانند حقوق بشر و زنان، زنان و فقر و ... بود، یعنی زمینه‌هایی که وضعیت زنان نیاز به تغییر قابل ملاحظه‌ای داشت. کارپایهٔ عمل پکن دوازده حوزهٔ نگران‌کننده را در ارتباط با زنان جهان مشخص کرده است: زنان و فقر، آموزش و پرورش زنان، بهداشت و زنان، خشونت علیه زنان، زنان و مناقشات مسلحانه، زنان و اقتصاد، زنان در قدرت و تصمیم‌گیری، ساز و کارهای نهادین برای پیشرفت زنان، حقوق بشر زنان، زنان و رسانه‌ها، زنان و محیط‌زیست و دختر بچه‌ها. شاید بتوان ادعا نمود که مهم‌ترین دستاورد فعالیت‌های سازمان ملل و تمام جهانیان وارد کردن رویکردهای جنسیتی در برنامه‌ریزی‌های راهبردی کشورهاست (جزنی، ۱۳۹۱). توسعهٔ پایدار جوامع و به تبع آن توسعهٔ منابع انسانی وابسته به آن است که دولت‌ها به عنوان قدرتمندترین عامل اقتصادی و اجتماعی بتوانند ضمن بسترسازی مناسب و ایجاد فضای لازم جهت رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی از توان کل جمعیت فعال اقتصادی اعم از زن و مرد بهره جسته و آن توان را اثربخش نمایند (صابر، ۱۳۸۹). تحولات جدید جهانی و تغییر رویکردها و نگرش‌های حاصل از آن باعث شد تا دنیا از حالت در انحصار محض مردان به دنیایی تبدیل شود که در آن زنان جایگاه مطلوب و واقعی خود را پیدا کنند و رفته رفته به این حقیقت نایل آیند که از یکی دیگر از عناصر تأثیرگذار و با ارزش خود در صحنهٔ معادلات جهانی یعنی نیروی خلاق، مستعد، پرارزش و انگیزشی بانوان بهره جوید. زنان به جهت اینکه از کرامت و لیاقت و ویژگی‌های عالی انسانی برخوردارند و حتی در پاره‌ای از جنبه‌ها و زمینه‌ها ایفا کنندهٔ نقش‌های اساسی‌تر و به مراتب حساس‌تر از جنس مخالف خود می‌باشند ، باید از حقوق عالیهٔ انسانی برخوردار باشند. لذا، یکی از مؤلفه‌های مهم حقوقی برای زنان به نحوهٔ گزینش و انتخاب شیوهٔ زیستن آنان توسط خودشان برمی‌گردد که باید مورد احترام و حمایت همهٔ اقشار جامعه قرار گیرد. بنابراین، اگر کارآفرینی را انتخاب فلسفهٔ نوین زندگی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدانیم، باید این حق را برای آنان قایل گشت تا با تمام قوا و به دور از هرگونه تبعیض، ناعدالتی، قالب‌های سنتی و باورهای مذموم و تنها در سایهٔ شایستگی‌ها و در چارچوب ارزش‌های متعالی جامعه در این عرصهٔ اجتماعی حضور یابند (وبلاگ خوشهٔ توریسم، ۱۳۸۸). زنانی که به تنهایی، یا با مشارکت و یا از طریق ارث کسب و

کاری را ایجاد کرده و با قبول خطرات مالی و مسئولیت‌های اجتماعی، اخلاقی، روانی و مالی در ادارهٔ امور روزانه شرکت جویند و با خلاقیت و نوآوری محصولات جدیدی را ایجاد یا گسترش دهند تا در بازار بر رقبا غلبه نمایند. زنان با کارآفرینی می‌توانند توانایی‌های خود را آشکار سازند و موانعی که در بروز استعدادهای خود دارند را رفع نموده و هرروز بیشتر و بیشتر بر جسارت‌های خود بیفزایند. زنان در کشورهای درحال توسعه، امید اول برای ارتقاء خانواده‌ها و رشد و توسعهٔ کشورهای خود هستند. موفقیت زنان کارآفرین در این جوامع نه تنها سبب سود اقتصادی می‌شود، بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌نماید (گلرد، ۱۳۸۴). مشارکت زنان در بازار کار به کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه، افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌انجامد (رجب پور و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهند و در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی در سطح تحصیلات و اشتغال زنان در جامعهٔ ایران به وجود آمده است، لذا، توجه به فعالیت‌های کارآفرینانه در این قشر از جامعه می‌تواند به رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور کمک شایانی نماید. آمار مربوط به اثرات اقتصادی کارآفرینی زنان در جوامع مختلف مؤید این گفته است. به عنوان مثال، فعالیت‌های کارآفرینانهٔ زنان در ایالات متحدهٔ آمریکا بین سال‌های ۸۷ تا ۹۷، از نظر تعداد ۲ برابر، از نظر اشتغال‌زایی ۴ برابر و از نظر فروش۵ برابر شده است. همچنین، نرخ افزایش تعداد زنان صاحب کسب و کار در ایالات متحدهٔ آمریکا بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲، افزایشی ۱۴درصدی داشته است و این نرخ دو برابر افزایش فعالیت‌های کارآفرینی مردان است. در رابطه با رشد در فروش سالیانه بنگاه‌های اقتصادی با مالکیت یا مدیریت زنان نیز شاهد ارقام بسیار بالایی هستیم. این رشد طی ۱۲ سال اخیر، حدود۴۳۰درصد و بین سال‌های ۱۹۹۷تا ۲۰۰۲ (۴۰)درصد بوده است. همچنین، این بنگاه‌های اقتصادی در سال ۲۰۰۲ برای حدود ۱۰میلیون نفر شغل ایجاد کرده‌اند و سالانه حدود ۲/۵ تریلیون دلار به درآمد اقتصادی دولت آمریکا کمک کرده‌اند که این رقم از GDP[1] بسیاری از کشورها بالاتر است. در سایر کشورها نیز شاهد چنین رشدی در تعداد زنان کارآفرین هستیم. در پرتقال، تعداد زنان کارآفرین در سال۱۹۹۵، ۵۳ درصد رشد داشته است. در فرانسه، ٪ ۲۸ کل کسب و کارها توسط زنان ایجاد و اداره می‌شود. در استرالیا، زنان صاحب کسب و کار ، ۱۰ ا لی ۱۵ درصد از درآمد ملی را تولید می‌کنند. در تونس،۵۰۰۰ زن صاحب کسب و کار وجود دارد که ۱۵٪ کل صاحبان کسب و کار تونس را تشکیل می‌دهند از این رو، کارآفرینی زنان، امروزه در دنیا به‌عنوان یکی از منابع رشد، اشتغال‌زایی و نوآوری شناخته شده است. لذا، بنا به ضرورت توسعهٔ سهم زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بی‌کاری زنان ضروری است که شرایط لازم برای توسعهٔ کسب و کار زنان کارآفرین فراهم گردد تا زنان با ایجاد کسب و کار و فرصت‌های شغلی برای خود و دیگران بتوانند معضل کنونی جامعه را پایان بخشند (میرغفوری، ۱۳۸۸) اما متأسفانه در ایران نهاد یا سازمان دولتی مختص کارآفرینی و کارآفرینان وجود ندارد و تنها در برخی وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی، حمایت‌های محدودی از خود اشتغالی مشاهده می‌گردد. این حمایت‌ها به صورت عمومی است و زنان نیز همچون مردان در حد امکان از آن بهره‌مند می‌شوند و برنامه‌ای ویژه

1. Growth Development Product

برای زنان کارآفرین وجود ندارد. از این حمایت‌ها می‌توان به طرح خوداشتغالی وزارت کار و امور اجتماعی، کمک‌های مالی بانک کشاورزی، حمایت‌ها و کمک‌های وزارت تعاون اشاره کرد. تنها برنامه‌های ویژه برای زنان کارآفرین، کمک‌های جزئی بانک کشاورزی و حمایت وزارت تعاون از تعاونی‌های با ۷۰٪عضو زن می‌باشد که آن هم متأسفانه کارایی و اثربخشی لازم را نداشته و به رانت تبدیل شده است (هزارجریبی و ابراهیمی، ۱۳۸۹) و بر این اساس تلاش جهت بهبود وضعیت فعلی و رهایی از مشکلات و موانع موجود بر سر راه کارآفرینی زنان، مسئولیتی جمعی است (صابر، ۱۳۸۹).

کارآفرینی زنان و موانع آن

بنا به اظهارات اخیر بانک جهانی، به موازات تغییرات جاری در عرصهٔ جهان نظیر کناره‌گیری دولت‌ها از حمایت مستقیم کشاورزان، جریان تمرکززدایی، خصوصی‌سازی و آزادسازی بازار، شرایط زندگی برای فقرای روستایی و زنان وخیم‌تر شده است. در حالی که رشد جمعیت تقاضا برای کار را در جوامع روستایی به‌ویژه در کشورهای غیرصنعتی افزایش داده است، محدودیت منابع تولید از یک سو و رشد مکانیزاسیون از سوی دیگر، عرصه را برای اشتغال نیروی کار روستاها تنگ کرده است که پیامد بارز آن در قالب مهاجرت بی‌رویهٔ روستاییان به شهرها به روشنی مشهود است. در چنین وضعیتی، توسعهٔ کارآفرینی و پایه‌ریزی مشاغل کوچک خانگی با بهره‌گیری از خلاقیت‌های فردی زنان به‌عنوان شاغلان پنهان جامعهٔ روستایی، یکی از اولویت‌های مهم استراتژی‌های جهانی توسعه به شمار می‌رود که می‌تواند سهم به‌سزایی در توانمندسازی مردم محلی، کاهش فقر و بهبود معیشت کشاورزان خرده‌پا و خوش‌نشیان جامعهٔ روستایی داشته باشد. در عین حال، مطالعات مختلف نشان می‌دهند که حتی در ممالک پیشرفتهٔ دنیا، جریان حرکت جوامع روستایی به سمت توسعهٔ کارآفرینی به ویژه در مورد زنان تا حد زیادی کند است که این مسأله، تحت تأثیر موانع متعدد و متفاوتی به‌وجود می‌آید. در ایران نیز اگرچه طی سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به موضوع کارآفرینی زنان روستایی شده و برنامه‌هایی نیز در راستای آموزش و حمایت از زنان روستایی کارآفرین به اجرا در آمده است، با این وجود هنوز تا دستیابی به وضعیت مطلوب راهی طولانی در پیش است و مشکلات فراوانی دراین زمینه به چشم می‌خورد (طهماسبی و میرزایی، ۱۳۸۹). بنابراین، مطالعهٔ موانع کارآفرینی زنان به شناسایی محدودیت‌های موجود، اصلاح مسیر آتی و در نهایت، افزایش کارآیی فردی و اجتماعی آنان کمک می‌کند (میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸). موانع کارآفرینی زنان را می‌توان در سه دسته تقسیم نمود:

۱. موانع فردی: محدودیت‌های خانوادگی فردی و شخصی و محیطی که یک زن در آن پرورش می‌یابد؛

۲. موانع سازمانی: موانع مربوط به یک شرکت اعم از بازاریابی و مالی و غیره است؛

۳. موانع محیطی: موانع عمدتاً فرهنگی اجتماعی و تا حدی قانونی.

بسیاری از روستاییان به علت تعلقات مذهبی یا مسایلی که در عرف یک مردم یک روستا وجود دارد، از فعالیت‌های اقتصادی دختران یا همسران خود جلوگیری می‌کنند (موانع فردی). خیلی از سازمان‌ها خصوصاً سازمان‌هایی که کارهای بازاریابی انجام می‌دهند، از

استخدام زنان خودداری می‌کنند، چراکه فکر می‌کنند، ممکن است مردان (که اغلب وظیفه تأمین معاش خانوار را برعهده دارند) حاضر نباشند، با زنان برخورد داشته باشند (موانع سازمانی). از طرفی، در ایران زنان از کار کردن در بسیاری از مشاغل بدون اجازهٔ همسرانشان محرومند، یا قانون اجازه نمی‌دهد که زنان در برخی از مشاغل فعالیت داشته باشند (عزمی، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر، زنان کارآفرین در روستا با دو مشکل اساسی در هنگام ایجاد یک شغل و یا پایه‌ریزی یک ایدهٔ کارآفرینانه روبه‌رو هستند که در شهرها ممکن است این مشکل کمتر نمود داشته باشد که عبارتند از:

۱. مسایل فرهنگی که در ایران شامل عرف و عقاید مذهبی می‌شود.

۲. مسایل مالی که زنان معمولاً با منابع کم مالی برای سرمایه‌گذاری روبه‌رو هستند.

در این رابطه شاید مروجین در حل مسائل فرهنگی و اعتقادی بتوانند نقش مثبتی داشته باشند و در مورد مسایل مالی می‌توان صندق‌های اعتباری را ایجاد کرد که با مدیریت خود زنان اقدام به وام‌دهی با بهرهٔ کم نمایند (عزمی، ۱۳۸۸).

سازمان بین‌المللی کار (۱۹۹۸) موانع زنان کارآفرین را به‌صورت زیر دسته‌بندی نموده است:

- موانع رفتاری: زنان اعتماد به نفس کمتر و تصور منفی نسبت به خود دارند.
- موانع ایفای نقش: تعارض بین وظایف مختلف با محدودیت‌های زمانی؛
- موانع اجتماعی و فرهنگی: دید منفی نسبت به زنان در کار؛
- موانع تحصیلی: زنان به‌طور نسبی از سطوح پایین‌تری نسبت به مردان برخوردارند و اغلب دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی شغلی دارند.
- موانع شغلی: زنان فرصت‌های کمتری در بخش رسمی اقتصاد برای پیشرفت مهارت‌های خود دارند.
- موانع زیربنایی: دسترسی به اعتبار، فن‌آوری، خدمات حمایتی، زمین و اطلاعات به‌طور اصولی برای زنان مشکل‌تر است.
- موانع قانونی: فعالیت قانونی مستقل برای زنان محدود است. (امیدی نجف‌آبادی و سلطانی، ۱۳۸۵).
- همچنین، در یک بررسی انجام‌شده، دربارهٔ موانع و مسائل کارآفرینی زنان در هند نیز نتایج زیر حاصل گشته است:
- جامعهٔ مردم سالار: اکثر مردم در جوامع در حال توسعه براین باورند که زنان از لحاظ جسمانی ضعیف و کارشان خانه‌داری است.
- فقدان اعتماد به نفس: عدم اعتماد زنان به توانایی خود یکی از عواملی است که فرهنگ جامعه آن را تلقین می‌کند.
- عدم تشویق زنان توسط خانواده‌ها: تحمل مسئولیت‌های سنگین خانه و فقدان پشتوانه اقتصادی کافی جهت فعالیت‌های تجاری از سوی خانواده به زنان اجازه فعالیت‌های خارج از خانه را نمی‌دهد.
- فقدان انگیزه: عدم بهره‌مندی از فرصت‌های مشارکت اقتصادی برای زنان تجربه‌ای موفق را در کسب و کار آنان ایجاد کرده است.

■ نگرش محافظه‌کارانه: نگرش محافظه‌کارانه زنان که در اکثر عادت‌های رفتاری غلط در طول تاریخ به‌وجود آمده آنها را متقاعد کرده که در صورت پذیرش فعالیت در اجتماع بهتر است یک کارمند خوب و یک مزد بگیر مطیع باشند تا یک کارآفرین.

■ مقاومت در برابر تغییر: زنان به دلیل نداشتن تجربه در امور تجاری بازاریابی مدیریت مالی برنامه‌ریزی اقتصادی و تولیدی از دخالت در چنین اموری حراس دارند.

■ محدودیت‌های تحرک‌پذیری اقتصادی: زنان در جامعهٔ اقتصادی به اندازهٔ مردان آزادی انتخاب مکان‌های سرمایه‌گذاری نوع فعالیت تولیدی و وسعت دادن بازار را ندارند (صابر، ۱۳۸۹).

استراتژی‌های توسعهٔ کارآفرینی زنان

مطالعات مختلف نشان داده است که در تدوین استراتژی توسعهٔ کارآفرینی زنان، ۳عنصر مهم را باید مد نظر داشت:

۱) حفظ نهاد خانواده؛

۲) نقش دولت به عنوان سیاست‌گذار و حمایت‌کننده؛

۳) نقش نهادهای غیردولتی.

■ خانواده: از آنجا که خانواده به عنوان کوچک‌ترین تشکل، در عین حال منسجم‌ترین نهاد اجتماعی می‌تواند در استحکام بنیان‌های فرهنگی – اجتماعی و حتی اقتصادی در جامعه مؤثر واقع شود، از اهمیت خاصی برخوردار است. اکثر کارآفرینان زن با جلب همکاری و مشارکت اعضای خانواده خصوصاً همسران خود در مراحل مختلف ایجاد و توسعهٔ کسب و کار توانستند به بسیاری از موانع محیطی و حتی سازمانی فائق آیند.

نقش دولت: به‌طورکلی، سیاست‌ها و اقداماتی که دولت می‌تواند در حمایت از کارآفرینی زنان انجام دهد عبارتند از:

■ تقویت امکانات و تسهیلات آموزشی برای زنان؛

■ ایجاد شبکه اطلاع رسانی برای زنان کارآفرین؛

■ ایجاد فرصت‌های کسب و کار مبتنی بر دانایی برای زنان کارآفرین؛

■ تقویت سازمان‌های غیردولتی و تعاونی‌های زنان.

■ نقش نهادهای غیردولتی زنان: منظور از نهادهای غیردولتی، سازمان‌های غیردولتی، تعاونی‌ها و مؤسسات خصوصی متشکل از زنان می‌باشد (شکربیگی، ۱۳۸۴).

نتیجه‌گیری

کارآفرینان، موتور محرکهٔ توسعهٔ اقتصادی هستند و در توسعهٔ کشاورزی و بالاخص توسعهٔ روستایی جایگاه ویژه دارند. توسعهٔ روستایی را نیز می‌توان عاملی در بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم‌درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آنان در روند کلی توسعهٔ یک کشور دانست. کارآفرینی امروزه در روستاها توجه ویژه‌ای را به زنان مبذول داشته و امیدوار است که بتواند مشکلات معیشتی، اقتصادی و اجتماعی آنان را از این راه برطرف کند. در بسیاری از کشورها نظیر مالزی، چین، هند و امریکا نیز به همین دلیل توجهات زیادی را به

امر کارآفرینی در روستا داده‌اند و طرح‌هایی را برای کارآفرینی و اشتغال زنان در روستاها پیاده کرده‌اند. یکی از چالش‌های مهم جوامع انسانی به‌ویژه در عصر جهانی شدن و ماشینی‌تر شدن فعالیت‌ها، تأمین اشتغال است. علاوه بر آن، موضوع ایجاد و تنوع اشتغال، جایگاه مهمی در سیاست‌گذاری‌ها و تحکیم اقتدار ملی کشورها دارد. چرا که رشد بیکاری، ضمن کاهش بازدهی منابع اقتصادی- انسانی، موجب تشدید مسائل و شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌شود. از این‌رو، ضرورت و اهمیت بررسی و مطالعهٔ موضوع و راهکارهای اساسی برای کاهش بیکاری و ارتقاء بهره‌برداری از منابع انسانی، تقویت رشد اقتصادی و حفظ کرامت انسانی، امری محرز و بدیهی است. لذا، بنابه ضرورت توسعهٔ سهم زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بی‌کاری زنان ضروری است که شرایط لازم برای توسعهٔ کسب و کار زنان کارآفرین فراهم گردد تا زنان با ایجادکسب و کار و فرصت‌های شغلی برای خود و دیگران بتوانند معضل کنونی جامعه را پایان بخشند. با این وجود، علی‌رغم سیر پیشروندهٔ فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای مختلف، آمارهای موجود بیانگر این واقعیت است که هنوز جامعهٔ ایران نتوانسته است از توانمندی‌های مربوط به زنان کارآفرین استفاده نماید.

پیشنهادها

با توجه به اهمیت و جایگاه کارآفرینی در توسعهٔ سهم زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بیکاری زنان موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- ✓ برنامه‌ریزی اصولی جهت فرهنگ‌سازی و افزایش آگاهی عمومی در راستای کاهش یا حذف موانع و محدودیت‌های فردی، سازمانی یا محیطی زنان روستایی در ورود به بازار کار؛
- ✓ برنامه‌ریزی مناسب جهت ادامهٔ تحصیل زنان روستایی، خصوصاً در مباحث مرتبط با کشاورزی و روستا؛
- ✓ برگزاری دوره‌های آموزشی با توجه به نیازهای آموزشی زنان روستایی با توجه به شرایط خاص؛
- ✓ برگزاری دوره‌های آموزشی برای زنان روستایی در رابطه با کسب و کار و خوداشتغالی با توجه به سطح آموزش‌های پایه؛
- ✓ حمایت‌های مالی لازم از زنان روستایی در طرح‌های خوداشتغالی به‌صورت فردی یا تشکل‌های زنان و جداسازی سهمیهٔ اعتبارات زنان از مردان (پرداخت وام با بهرهٔ کم، بیمه، تسهیل در پرداخت وام‌های خوداشتغالی)؛
- ✓ فرهنگ‌سازی از طرف نهادهای فرهنگی همانند صدا و سیما و ترغیب خانواده‌های روستایی با توجه بیشتر به ادامهٔ تحصیل دختران و ایجاد فضای آموزشی مناسب جهت آنان؛
- ✓ حمایت از شبکه‌سازی و فراهم ساختن امکانات و زمینهٔ لازم در برخورداری زنان کارآفرین روستایی از مشاورین متخصص، مشاورهٔ مؤسسات و انجمن‌های تخصصی، تجاری و صنفی؛
- ✓ حفظ بنیان خانواده با تقویت و تحکیم پیوند اعضاء خانواده و تدوین برنامه‌های حمایتی برای زنان کارآفرین روستایی در انجام وظایف منزل و نگهداری فرزندان همراه با توسعهٔ کسب و کار؛

منابع

امیدی نجف آبادی، م. سلطانی، ش. (۱۳۸۵). کارآفرینی و زنان روستایی. ماه‌نامهٔ جهاد. شمارهٔ ۲۷۲.

پوریوسفی، ح. طایفه، ا. آقاپورفرکوش، م. (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر الگوپذیری رفتار اجتماعی دختران. پژوهش‌نامهٔ علوم اجتماعی، سال سوم، شمارهٔ اول، بهار ۸۸.

جزنی. (۱۳۹۱). وبلاگ ویستا، عدالت جنسیتی، حقوق و توانمندسازی زنان. در دسترس در: www.vista.ir

خسروی پور، ب. فروشانی، ن. (۱۳۹۰). مشارکت زنان و توسعهٔ پایدار روستایی. کار و جامعه، شمارهٔ ۱۳۳-۱۳۲، خرداد و تیرماه ۱۳۹۰.

دادگر، ی. ندیری، م. (۱۳۸۵). جهانی شدن بازار کار در کشورهای در حال توسعه. فصل‌نامهٔ پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شمارهٔ اول، بهار ۱۳۸۵.

رجب پور میاندوآب، پ. محمدی، م. تاجیک، ه. (۱۳۹۰). ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه‌های زنان خوداشتغال روستای کندوان. فصل‌نامهٔ روستا و توسعه، سال ۱۴، شمارهٔ ۴، صفحات ۱۴۷ تا ۱۶۴.

شاوردی، ت. چیت ساز، م،ج. (بی تاریخ). بررسی مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حقوقی زنان کشاورز از نگاه مسئولان ترویج روستایی جهاد کشاورزی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی.

شریفی، ا. عادلی، م. (۱۳۹۰). تحلیل عاملی موانع موجود در زمینهٔ کارآفرینی زنان کشاورز از دیدگاه زنان نمونهٔ کشاورز منطقهٔ جیرفت و کهنوج. زن و حقوق توسعه (تحقیقات زنان) سال پنجم، شمارهٔ اول.

شکربیگی، ع. (۱۳۸۴). بررسی موانع و راه‌های توسعهٔ کارآفرینی در زنان. همایش ملی کارآفرینی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

شیخان، ن. (۱۳۸۸). برنامه‌های ترویج کارآفرینی زنان در کشورهای منتخب. فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شمارهٔ ۴۰.

صابر، ف. (۱۳۸۹). کارآفرینی زنان در ایران. در دسترس در: http://www.asriran.info/keyword

عزمی، آئیژ. (۱۳۸۸). کارآفرینی در روستاها و جایگاه آن در توسعهٔ روستایی. در دسترس در: http://aeizhazmi.persianblog.ir/

علی پور، ا. (۱۳۸۸). رشد خودباوری در زنان کارآفرین. در دسترس در: www.iranzanan.com

فنی، ز. (۱۳۹۰). زنان در بازار کار شهری؛ مطالعهٔ تطبیقی شهرهای تهران و مونترال. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقهٔ ایسال سوم، شمارهٔ یازدهم.

فیض، د. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر جنسیت بر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانهٔ دانشجویان: بررسی دانشگاه سمنان. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، سال ۷، شمارهٔ ۲، صص ۴۴-۲۵.

گلرد، پ. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر در توسعهٔ کارآفرینی زنان ایرانی. پژوهش زنان، دورهٔ ۳، شمارهٔ ۱، ۱۰۱- ۱۲۳.

مشیری، ب. (بی تاریخ). بررسی توسعهٔ کارآفرینی در کشور کانادا. پارک فناوری پردیس. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی.

مشیری، ر، مهدوی، م. علیایی، م. (۱۳۸۸). بررسی نقش سواد و نیروی کار زنان در درآمد خانوار روستایی. مجلهٔ جغرافیا و توسعه. شمارهٔ ۱۴.

منصور آبادی، م. کرمی، ع. (۱۳۸۵). پیامدهای توسعه بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی: مطالعهٔ موردی در استان فارس. مجلهٔ علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دورهٔ بیست و چهارم، شمارهٔ دوم، تابستان ۱۳۸۵، شمارهٔ پیاپی۴۷.

موسوی، س، عمانی، الف. اللهیاری، ص. (۱۳۸۹). بررسی موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی زراعی. فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی زن و فرهنگ. سال دوم، شمارهٔ پنجم، صص۶۹-۶۱.

میرغفوری، س، ح. صیادی تورانلو، ح. طاهری دمنه، م. (۱۳۸۸). تبیین و تحلیل موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان (مطالعهٔ موردی: استان یزد). پژوهش‌نامهٔ مدیریت تحول سال اول، شمارهٔ ۲.

نوروزی، ف. صدیقی، پ. (۱۳۷۶) .زنان کلید امنیت غذایی. فصل‌نامهٔ اقتصاد کشاورزی و توسعه، شمارهٔ ۱۹، انتشارات کشاورزی.

وبلاگ خوشه توریسم. (۱۳۸۸). در دسترس در: http torism-karafarini blogfa com

وبلاگ زنان و حقوق بشر. (۱۳۹۱). در دسترس در: http://www.ihrn.ir/

هزارجریبی، ج. ابراهیمی، م. (۱۳۸۹). بررسی و مقایسهٔ رابطهٔ بین ویژگی‌های کارآفرینی شاغلین سازمانی (زن و مرد) و رضایت شغلی. جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست و یکم - شمارهٔ پیاپی ۴۰، شمارهٔ چهارم.

Cerami, A. (2005). SOCIAL POLICY IN CENTRAL AND EASTERN EUROPE. THE EMERGENCE OF A NEW EUROPEAN MODEL OF SOLIDARITY?. Universität Erfurt. Staatswissenschaftliche Fakultät. Dissertation zur Erlangung des Grades eines Doktors der Sozialwissenschaft (Dr.rer.pol.) der Universität Erfurt, Staatswissenschaftliche Fakultät.

OECD. (2009). The role of employment and social protectionT making economic growth more pro-poor, Policy statement, DAC high-level meeting. Available in: www.oecd.org/dac/poverty

Sathiabama. K. (2010). Rural Women Empowerment and Entrepreneurship Development. eSS Student papers Sathiabama/Women Empowerment.

TSHIKUKU, K. (2001). CULTURE, ENTREPRENEURSHIP AND DEVELOPMENT IN AFRICA. INTERNATIONAL CONFERENCE ON THE CULTURAL APPROACH TO DEVELOPMENT IN AFRICA. 10-14 DECEMBER 2001. DAKAR – SENEGAL.

UNIDO, UNITED NATIONS INDUSTRIAL DEVELOPMENT ORGANIZATION. (2003). a path out of poverty. Developing rural and women entrepreneurship. Vienna.

United Nations. (2000). Five-year Review of the implementation of the Beijing Declaration and Platform for Action (Beijing + 5) held in the General Assembly, 5 - 9 June 2000.

United Nations. (2009). World Survey on the Role of Women in Development Women's Control over Economic Resources and Access to Financial Resources, including Microfinance.

United Nations. (2012). Intevnational women's day. Available in: http://www.un.org/en/events/womensday/

زنان و مهارت‌آموزی و اشتغال

دکتر حسن شهرکی پور[1]
شادی جمالی[2]

چکیده

شکاف دیجیتالی فرصت کار را از زنان می‌گیرد. بدون شک در پایان قرن بیستم، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات که از آن به‌عنوان فن‌آوری‌های نوین و عالی یاد می‌شود، با ایجاد تحولات شگرف و همه‌جانبه در زندگی انسان، فرصت‌های جدید و جالب توجهی را در بازار کسب و کار و اشتغال فراهم کرده است. لیکن با وجود افزایش قابل توجه سهم زنان در استفاده از محصولات و خدمات ICT، درصد پایینی از آنان در کارآفرینی، اختراعات و توسعهٔ این صنعت سهیم هستند. با چنین اختلاف معنی‌داری، بیم آن می‌رود که زنان در جایگاه شایسته قرار نگیرند و در پس انقلاب دیجیتال رها شوند و این رویکرد تکنولوژیکی منجر به یک تقسیم جنسیتی با انحصار «تکنیک برای مردان» شود. از این‌رو، شکاف عمیق جنسیتی در صنعت ICT، وجود فرصت و نقش‌آفرینی برابر را از مطالبات مستمر زنان قرار داده است. تصور زنان از دنیای حرفه‌ای ICT به‌عنوان دنیایی مردانه، سراسر مشغله و فاقد آرامش، حاکمیت جو مردگرا در ساختارهای سازمانی مشاغل و رشته‌های ICT، اعتیاد اینترنتی و...، عدم دسترسی منصفانهٔ زنان به امکانات و تجهیزات آموزشیICT، محدودیت‌ها و تفوق‌های جنسیتی، مسئولیت‌های خانوادگی، انقطاع‌های کاری زنان (مرخصی زایمان و...)، محرومیت زنان از مشارکت در ساختار تصمیم‌سازی و سطوح عالی مدیریتی و همچنین مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از برجسته‌ترین موانع اشتغال زنان در عرصهٔ ICT محسوب می‌شوند. بنابراین، تدوین و توسعهٔ سیاست‌های پایدار ملی با محوریت زنان و طراحی برنامه‌های مؤثر و منسجم حمایتی، آموزشی و فرهنگی، تخصیص امتیازات و ظرفیت‌های ویژهٔ دانشگاهی، آموزش الکترونیک و از راه دور، کاهش هزینه‌های آموزشی، الگوسازی از نقش‌های مثبت و موفق زنان، سیاست‌های مشوق دختران در مدارس و دانشگاه‌ها، اصلاح و بهبود ساختار و سازمان مشاغلICT به همراه تغییر فرهنگ شغلی و سیستم‌های ارزشی در راستای افزایش اشتغال زنان و توازن کار با زندگی، پشتیبانی زنان با ابتکارات on-line و بهره‌گیری از Teleworking Home از جمله رئوس راهکارهای افزایش مشارکت و اشتغال زنان است. این مقاله، پیرو مطالعه و بررسی پژوهش‌های متعددی از کشورهای مختلف جهان، به بیان موانع پنج‌گانهٔ (ادراکی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، آموزشی - پژوهشی و سازمان‌کاری) مشارکت فعال زنان و اشتغال آنان در حرفه‌های ICT و سپس ارائهٔ راهکارهای مؤثر خواهد پرداخت. در پایان قرن بیستم، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات فرصت‌های جدید و جالب توجهی را در بازار کسب و کار و اشتغال فراهم کرده و فضای همکاری گسترده‌ای را نیز پیش روی زنان قرار داده است.

واژگان کلیدی: ICT ، زنان، اشتغال، مهارت‌آموزی، فرهنگ شغلی.

---

۱. دکترای مدیریت آموزشی، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن،
Email:Hshahrakipour44@gmail.com
۲. کارشناس ارشد رشتهٔ برنامه‌ریزی آموزشی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، Email:shadi.jamali54@gmail.com

مقدمه

زنان در کشورهای رو به توسعه، امید اول برای ارتقاء خانواده‌ها و رشد و توسعهٔ کشورهای خود محسوب می‌شوند. موفقیت زنان در جوامع نه تنها سبب سودهای اقتصادی می‌شود، بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌نمایند. زنان به دلایل متعدد از جمله بیکاری و کاهش دستمزدها و نارضایتی از شغل قبلی، وارد مهارت‌آموزی می‌شوند. چون مهارت‌آموزی راهی برای برون‌رفت از بیکاری معمول است. سه دلیل مهم کشورها برای توجه به مقولهٔ مهارت‌آموزی، تولید ثروت، توسعهٔ تکنولوژی و اشتغال مولد است. درحالی که در کشور ما به اشـــتباه این مفهوم صرفاً با اشتـــغال‌زایی مترادف‌شده و فقط برای حل مشکل اشتغال به سمت مهارت‌آموزی پیش می‌رویم. در اواخر دههٔ ۷۰ در بسیاری از کشورهای پیشرفته به علت تغییر در ارزش‌ها و گرایش‌های جامعه و تغییرات جمعیت‌شناختی، موجی از کسب و کارهای کوچک و افراد خود اشتغال به وجود آمد. همچنین، مطالعات در ایران نشان می‌دهد که در فاصلهٔ سال‌های ۷۵ ـ ۱۳۵۵ هجری شمسی بیشترین میزان اشتغال جدید در اقتصاد ایران به شکل کارکنان مستقل (خویش‌فرما) بوده است. متأسفانه به دلیل عدم حمایت از این مهارت‌آموزان و سوق دادن‌آنها در مسیر رشد و توسعه، بزرگترین چالش اقتصاد ایران در دههٔ ۱۳۸۰ به بعد بحران بیکاری است. در حالی‌که اگر در فاصلهٔ ۲۰ سال مذکور حمایتی جدی از مهارت‌آموزان صورت می‌گرفت، به‌گونه‌ای که هر یک تنها یک نفر دیگر را به استخدام خود در آورند، در این‌صورت بزرگترین مشکل اقتصادی دههٔ ۱۳۸۰ در اقتصاد ایران کمبود نیروی کار می‌بود. بانوان در کنار وظایفی که در منزل به‌عهده دارند، در امر مهارت‌آموزی فعالیت دارند که ویژگی‌های آنان را می‌توان به شرح ذیل خلاصه نمود ، که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱. " دو شکل ایده‌آل از مسیرهای مهارت‌آموزی و اشتغال"

داشتن چشم‌انداز: چشم‌انداز برای یک زن مهارت‌آموز کاملاً شفاف و خالی از هرگونه ابهام بوده و لـــذا، قابل انتـــقال به دیگران می‌باشد.

مصمم بودن: عزم راسخ مهارت‌آموزان به‌ویژه بانوان، مصمم از ایده‌های جدید و فرصت‌ها و پیشنهادهای شغلی دیگر چشم‌پوشی کرده و در مقابل به‌کاری که برای خود برگزیده‌اند پایبند می‌مانند.

مرکز: مهارت‌آموز زن باید در تمام لحظات با تمرکز بر چشم‌انداز، همهٔ انرژی، وقت و سایر منابع را به هدف مصروف نماید.

انگیزش: نیاز به خودشکوفایی یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های مهارت‌آموزان در محقق کردن چشم‌انداز خود است.

وقف و از خودگذشتگی: زنان شاغل تمام زندگی خود را وقف کار نموده‌اند. بسیار سخت‌کوش هستند و پشتکار آنان مثال زدنی است. از دیدگاه نظریه‌پرداز مشهور، مک کللند شامل: نوآوری- خلاقیت ـ مخاطره‌پذیری- اعتماد به نفس ـ دانش‌فنی ـ استقلال- هدف‌گرایی ـ مرکز کنترل داخلی ـ عکس‌العمل مثبت نسبت به مشکلات و موانع ـ توانایی به ایجاد ارتباطات ـ توفیق‌طلبی و تمایل به مسؤولیت‌پذیری.

خانواده، کانونی است که در شکل‌گیری ویژگی‌های مهارت‌آموزی می‌تواند نقش حیاتی ایفاء کند. در جوامع سنتی که مردان نقش «نان‌آوری» و زنان نقش «خانه‌داری و تربیت فرزندان» را برعهده داشتند، انتقال ایدهٔ کسب و کار بیشتر از طرف مرد صورت می‌گرفت؛ ساختار جدید خانواده در جامعهٔ امروز و به تبع آن خروج زن از خانه، ظهور جلوه‌های تازه‌ای از بروز خلاقیت و نوآوری را در هر دو جنس زن و مرد باعث شد. بدنبال این تغییر نگرش؛ شیوهٔ تولید، سبک زندگی و نقش‌های والدین در درون خانواده نیز دچار دگرگونی شد. به شکلی که هر کدام از والدین با رفتار خود می‌توانند در رشد اعتماد به نفس، خلق ایده‌های جدید در خانواده و تعیین مسیر شغلی فرزندان، نقش‌های اساسی را ایفا کنند. خانواده می‌تواند از نظر کمّی و کیفی کانون اصلی اندیشه کار و تلاش و پرورش روحیهٔ خلق ایده و کار در افراد باشد.

یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجهٔ توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این‌رو، در تحول همهٔ جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌گردد. نکات مهمی در گسترش مهارت‌آموزی زنان وجود دارد که به شرح زیر مطرح می‌شود:

- توجه به خصوصیات گروه هدف به‌ویژه نقش‌های دوگانهٔ زنان هم به‌عنوان همسران خانه‌دار و هم به عنوان مادر در پرورش و نگهداری فرزندانشان و نیز یک فرد مشارکت‌کننده در درآمد خانواده؛
- شناسایی فرصت‌ها و خدمات مناسب کسب و کار که با انعطاف‌پذیری کافی جهت رویارویی با تغییرات میزان تقاضا در بازار کار وجود داشته باشد؛
- فراهم کردن آموزش مفید و مؤثر قابل دسترس و مرتبط همراه مدیریت مالی دقیق و پایدار؛
- شناسایی و تقویت کانون‌های مناسب برای خدمات مالی و غیرمالی به زنان مهارت‌آموز؛
- تأسیس شبکه‌های کاری و اطمینان از هماهنگی بین بخش‌های دولتی و غیردولتی؛
- آموزش افراد در بخش‌های دولتی و بانک‌ها و دیگر مؤسسات مالی یا اعتباری برای تشخیص توان اقتصادی مهارت‌آموزان زن.

ایده‌ها و حوزه‌های مهارت‌آموزی و اشتغال زنان در ایران

اطلاعات قابل دسترسی در مورد ویژگی‌های اشتغال زنان در ایران پیش از همه هشدار می‌دهد که تغییرات اساسی در دیدگاه‌های موجود نسبت به مهارت‌آموزی و اشتغال و تعریف آن‌ها لازم است، تا حداقل زنان نیز در زمرهٔ جمعیت فعال اقتصادی شمارش شوند. این تغییرات جز با ملاحظهٔ برنامه‌های توسعه و سیاست‌گذاری‌ها در سطح کلان میسر نخواهد شد. بنابراین، برنامه‌ریزی، بیشترین نقش را در این بُعد خواهد داشت. وقتی بحث از اشتغال و مهارت‌آموزی زنان به‌میان می‌آید، تعداد زنان کارمند به ذهن متبادر می‌شود، در حالی‌که بالاترین میزان اشتغال به زنان روستایی و خوداشتغال شهری اختصاص دارد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجهٔ توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. با توجه به این‌که نیمی از کل جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند و دو سوم ساعات کار انجام‌شده توسط زنان صورت می‌پذیرد، تنها یک‌دهم درآمد جهان و فقط یک صدم مالکیت اموال و دارایی‌های جهان به زنان اختصاص یافته است. عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند مشکلی بر سر راه توسعهٔ کشور تلقی گردد. ضرورت اشتغال زنان را باید با افزایش و گسترش فرصت‌های شغلی بر مبنای خلاقیت که بار فرهنگی- ارزشی آن قابل کنترل است، پاسخ مثبت داد و از آنجا که زنان دارای طبع لطیف و مادرانه‌ای هستند باید شغلی را انتخاب نمایند که برای آن از هر حیث آمادگی داشته باشند.

تحقیقات نشان می‌دهد، زنانی که در ده سال اخیر کسب‌وکاری راه‌انداخته‌اند، بیشتر تمایل به کسب تجربهٔ حرفه‌ای و یا موقعیت‌های مدیریتی دارند تا موقعیت‌های کارمندی. زنان صاحب کسب و کار بیشتر از مردان از داشتن تجربه‌های ناخوشایند در محیط‌های کاری پیشین خود گزارش می‌دهند و این مسئله در طی سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است. احتمال شروع کسب و کاری مرتبط با زمینهٔ قبلی کاری برای زنانی که در سال‌های اخیر صاحب کسب‌وکار شده‌اند و افرادی که در رأس شرکت‌های پرفروش قرار دارند، بسیار بیشتر از کسانی است که در گذشته وارد کسب‌وکار شده‌اند. Linda k.paresky رئیس کمیتهٔ راه‌های مهارت‌آموزی می‌گوید :«...در حالی‌که کسب‌وکارهایی که توسط مردان آغاز می‌شود، اکثراً به مشاغلی که قبلاً داشته‌اند ارتباط نزدیک دارد، اغلب زنان یا کسب وکار کاملاً غیرمرتبط با مشاغل قبلی خود آغاز می‌کند و یا علائق شخصی خود را در حرفهٔ خود دنبال می‌کنند.» زنان صاحب کسب و کار (۱۴٪) بیشتر از مردان (۲٪) علائق شخصی خود را در کسب و کارشان پیگیری می‌کنند. این مطالعات همچنین نکات زیر را آشکار می‌کند:

- اکثر مهارت‌آموزان دارای سابقهٔ کاری قبلی در بخش خصوصی هستند که از میان زنان کمتر از مردان از شرکت معتبر جدا شده و بیشتر تجربهٔ کار را به‌صورت غیرانتفاعی داشته‌اند؛
- زنانی که در ده سال اخیر کسب‌وکاری راه‌انداخته‌اند بیشتر از مشاغل مدیریتی آمده‌اند، تا از مشاغل کارمندی؛
- زنان بیشتر از مردان تمایل دارند که کسب و کاری راه بیاندازند، تا کسب‌وکاری را خریداری کنند؛

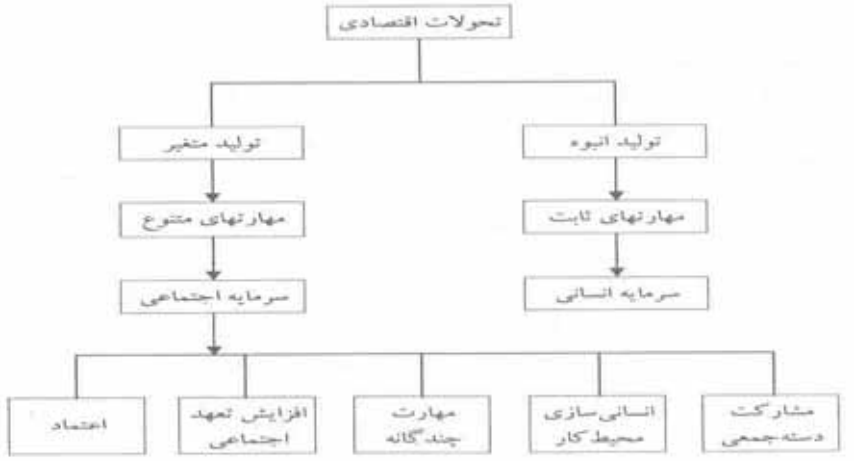
■ از نظر زنان کارآفرین رئیس خود بودن و داشتن آزادی‌های بیشتر جزو مهم‌ترین مزایای مهارت‌آموزی است.

تعدادی از صاحب‌نظران اشاره کرده‌اند زوج‌ها باید بین زندگی کسب‌وکار و زندگی خانوادگی مرز مشخص و روشنی قائل شوند. بدون شک مسائل و موضوع‌های هر دو حوزه در یکدیگر دخالت و سرایت پیدا می‌کنند، اما همسران باید تلاش کنند هر دو حیطه را از همدیگر جدا نگه دارند. در محل کار باید سعی کنند به‌طور عادی با همدیگر برخورد کنند؛ اما آیا ممکن است هیچ تنش و عصبانیتی بین آن‌ها به وجود نیاید؟ مطمئناً این مسائل از روابط زندگی زناشویی به محیط کسب و کار سرایت می‌کند. زوج‌های مهارت‌آموز به زوج‌هایی گفته می شود که همزمان و با هم مدیریت امور زندگی و کسب و کار را برعهده می‌گیرند. آن‌ها قبل از اینکه به صورت مشترک به کسب و کار بپردازند باید از خود بپرسند آیا ارزش‌هایشان مشترک است یا نه؟ درباره‌ی کارهایی که باید انجام دهند، مشخص کنند که آن کار را چه کسی و چگونه باید انجام بدهد؟ وقتی را نیز به خانوادهٔ خود اختصاص دهند. همان‌طوری‌که زمانی را به قراردادها و ملاقات مربوط به کسب و کارشان اختصاص می‌دهند، برای زمانی که به امور زندگی و خانوادگی اختصاص می‌دهند، ارزش قائل شوند. دربارهٔ پول به صورت شفاف و واقع‌گرایانه گفت و گو کنند. در محل‌کار همچون زن و شوهر رفتار نکنند، نگذارند کارکنانشان زندگی شخصی و خانوادگی آن‌ها را در محل کار مشاهده کنند. ارتباطات و گفت‌وگو بین زوج‌ها کلیدی و حیاتی است. اجازه ندهید مشکلات (حتی ریز و جزئی) روی هم انباشته شوند. سعی کنید دربارهٔ کوچک‌ترین مسائل نیز با همدیگر صحبت‌کرده و نظر طرف مقابل را جویا شوید و آن را حل کنید، چرا که معمولاً منشاء مشکلات عمده، مسائل کوچک هستند. مفهوم راه‌اندازی کسب‌وکار توسط زوج‌ها در سال‌های اخیر بیشتر مطرح شده است. بنابراین، این گروه در اداره‌کردن همزمان زندگی خانوادگی و کسب‌وکارشان احتمالاً با چالش‌هایی مواجه خواهند شد. به نظر می‌رسد این گروه از صاحبان کسب‌وکار قبل از راه‌اندازی کسب‌وکارشان بهتر است وظایف و مسئولیت‌های هریک را در هر دو حوزهٔ خانواده و کسب‌وکار کاملاً برای هم مشخص کنند. مهم‌تر این‌که موفقیت زوج مهارت‌آموز هم در زندگی و هم درکسب‌وکار به میزان تحمل همدیگر و داشتن خلاقیت در زندگی زناشویی و پرهیز از روش‌های تکراری در تعاملات باهم وابسته است. نکتهٔ قابل توجه این است که شناخت زوج‌های مهارت‌آموز از همدیگر در مقایسه با سایر زوج‌ها خیلی بیشتر است و می‌شود گفت که این‌گونه افراد هیچ‌گونه موضوع سرّی و پنهانی در برابر یکدیگر ندارند.

نرخ مهارت‌آموزی و اشتغال زنان در کشورهای مختلف

یکی از مسائلی که نتیجهٔ مطالعات متعدد در کشورهای مختلف است، پایین بودن نرخ مهارت‌اموزی زنان در مقایسه با مردان است (GEM۲۰۰۳). بنابراین، یک مسئله امکان طرح و بررسی دارد و آن این سؤال است که چرا نرخ مهارت‌آموزی بین زنان کمتر است؟ این سؤال از این‌رو اهمیت دارد که به‌واسطهٔ تحولات گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فنی، زنان آمادگی بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی پیدا کرده‌اند. هرگونه

افزایش در نرخ مهارت‌آموزی زنان می‌تواند در نهایت به شتاب‌گیری توسعهٔ مهارت‌آموزی منجر گردد. در فرهنگ‌هایی که خانه‌داری و مادری به عنوان تنها گزینه‌های بهنجار برای زنان تعریف شده باشد، انتظار می‌رود که نرخ مهارت‌آموزی زنان نیز کاهش پیدا کند. تحقیقات نشان می‌دهد طی یک دههٔ گذشته به‌ویژه از سال ۲۰۰۰ تاکنون دو تحول عمده در تجارت و اقتصاد بین‌المللی در حال وقوع است، که در شکل شمارهٔ ۲ نشان داده شده است :



ش

کل ۲. بررسی مهارت‌آموزی و اشتغال در تحولات اقتصادی

تحول نخست رشد چشمگیر و انفجارگونهٔ زنان مهارت‌آموز و تحول دوم رشد حجم تجارت بین‌المللی است. این دو تحول در کنار هم باعث ارتقاء سطح اقتصادی زنان و در مجموع رشد چشمگیر اقتصادی بسیاری از کشورهای بزرگ شده است و ابعاد این دگرگونی تاحدی وسیع است که صاحب‌نظران آن را آغاز عصر جدید تجاری در جهان می‌دانند.

با توجه به نقش روبه رشد زنان در اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته در سال ۲۰۰۳ فرمان تأسیس گروهی ویژه را برای تسهیل مهارت‌آموزی زنان صادر کرد. وظیفهٔ این گروه به شرح زیر است:

- شناسایی چالش‌ها و مشکلات پیشروی زنان در حوزهٔ مهارت‌آموزی و نیز اشتغال به کار و ارائهٔ راه‌حل برای رفع این مشکلات، برگزاری برنامه‌های آموزشی برای زنان در زمینه‌هایی نظیر تأمین اعتبار مهارت‌آموزی، مدیریت منابع انسانی و معرض رویه‌های موفق بین‌المللی در حوزه‌های گوناگون فعالیت زنان مهارت‌آموز؛
- دادن خدمات مشاوره‌ای به نهادهای دولت در زمینهٔ تسهیل مهارت‌آموزی زنان و آماده‌کردن مقدمات برای تصویب قوانین در این زمینه، با آن‌که تلاش‌های زیادی برای هموار کردن راه نقش‌آفرینی گسترده‌تر زنان در اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته صورت گرفته است، اما همچنان موانعی وجود دارد. گروه ویژه‌ای تشکیل شده با سه پیش‌فرض زیر اقدامات خود را انجام می دهد.

نتیجه‌گیری

- مهارت‌آموزی زنان، پرسرعت‌ترین مهارت‌آموزی در اقتصاد کشورهای توسعه یافته است.
- زنان مهارت‌آموز در کشورهای توسعه‌یافته با چالش‌ها و موانع منحصر به فرد برای پیروزی مواجه هستند.
- تسهیل رشد مهارت‌آموزی زنان یکی از عناصر توسعهٔ شرکت‌ها و کسب‌وکارهای کوچک این کشورها است.

این گروه برای آگاه‌کردن دولت از لزوم تمرکز بر زنان به‌عنوان عاملی مهم در پیشرفت اقتصادی این کشور ده‌ها توصیهٔ مشخص ارائه کرده است. در این توصیه‌ها به نحوهٔ برخورد با زنان به گونه‌ای که پتانسیل اقتصادی آن‌ها به حداکثر برسد، اشاره شده است. چند مورد این توصیه‌ها [که بعضاً می‌توان موضوع را به بانوان مهارت‌آموز ایرانی تعمیم داد] به شرح زیر است:

- افزایش دسترسی به سرمایه، اطلاعات و برنامه‌های دولت؛
- تحقیقات عمیق و گسترده در زمینهٔ تمام جوانب مهارت‌آموزی زنان؛
- افزایش دسترسی به کمک‌های دولتی؛
- افزایش دسترسی به شبکه‌های حمایتی دولت از جمله نگهداری از کودکان و مزایای بارداری و وضع حمل؛
- آموزش تجاری؛
- تسهیل ارتقاء شغلی زنان و تشویق آنها به مهارت‌آموزی و کسب مهارت‌های شغلی؛
- آموزش زنان در زمینهٔ صادرات محصولات کسب‌وکار و شرکت خود؛
- استفاده از تجارب دیگر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی؛
- اصلاح ساختار بخش خدمات یعنی بخشی از اقتصاد که بیشترین تعداد زن مهارت‌آموز در آن مشغول فعالیت هستند؛
- ارتقاء فرهنگ خوداشتغالی و مهارت‌آموزی با هدف کاهش نرخ هفت‌درصدی بیکاری و کمک به رشد اقتصادی کشور.

در گزارش گروه ویژه آمده است، برنامه‌ها و خدمات حمایتی ویژهٔ زنان باید با گستردگی بسیار بیشتر اجرا شود و در این زمینه دولت فدرال نقش بسیار بزرگی دارد. اگر دولت به وظیفهٔ بزرگ خود در بخش زنان عمل نکند، اقتصاد از رشدی که باید داشته باشد بی‌بهره خواهد ماند. یکی از اقداماتی که دولت باید انجام دهد، تأسیس مرکز تجاری زنان در سرتاسر کشورهای توسعه‌یافته است که می‌تواند تمامی خدمات ضروری را در اختیار زنان شاغل و مهارت‌آموز قرار دهد.

انواع مهارت‌ها و عوامل موفقیت آن در زمینهٔ مهارت‌آموزی و اشتغال زنان

هلن فیشر، انسان‌شناس دانشگاه راتجز، دریافته است که پنج خصوصیت، زنان مهارت‌آموز را در این زمینه منحصر به فرد کرده است و می‌تواند در موفقیت آنان بسیار مهم جلوه کند، که در شکل شمارهٔ ۳ نشان داده شده است:

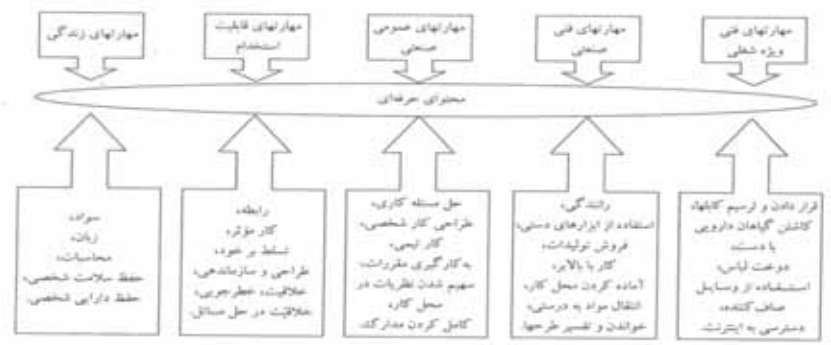
۱. **مهارت‌های ارتباطی:** بسیاری از زنان در بیان احساسات خود بهتر از همتای مرد خود عمل می‌کنند و توان برقراری ارتباط مؤثرتری دارند؛

۲. **مهارت‌های مردمی:** بسیاری از بانوان در خواندن احساسات از چهرهٔ دیگران و کشف رمز و رازهای حرکات دیگران و پی‌بردن به‌منظور طرف از لحن صدا بسیار ماهر هستند؛

۳. **مهارت‌های به‌کاری‌گیری تفکر شبکه‌ای:** به معنی توانایی زنان در جمع‌آوری داده‌ها از محیط و ایجاد ارتباط میان قطعات داده‌های مختلف است. برعکس، بسیاری از مردان معمولاً اطلاعات را قطعه‌قطعه کرده فقط توجه خود را معطوف به چیزهایی می‌کنند که تصور می‌کنند اهمیت بیشتری دارد.

۴. **مهارت برقرای توافق**: زنان کارآفرین موفق، غالباً خوب می‌توانند بحث کنند. آنان می‌کوشند شرایطی ایجاد کنند که با طرف‌های وارد در بحث، روابط هماهنگ برقرار کنند.

۵. **توانایی در ایجاد و گسترش روابط حسنه است:** حفظ روابط دراز مدت با مشتری در تجارت نیاز به ایجاد مؤدت و دوستی و استفاده از روابط عمومی مؤثر است.



شکل ۳. نمودار گسترهٔ مهارت‌آموزی و اشتغال زنان

ویژگی‌های مهارت‌آموزی و اشتغال زنان در کشورهای توسعه‌یافته

▪ زنان مهارت‌آموز تعهدی بسیار عمیق به جامعهٔ محلی خود به‌ویژه در زمینهٔ استخدام نیرو دارند خود را در مرکز شرکت و کسب و کار می‌دانند و گروه‌های کاری را در حاشیه می‌بینند؛

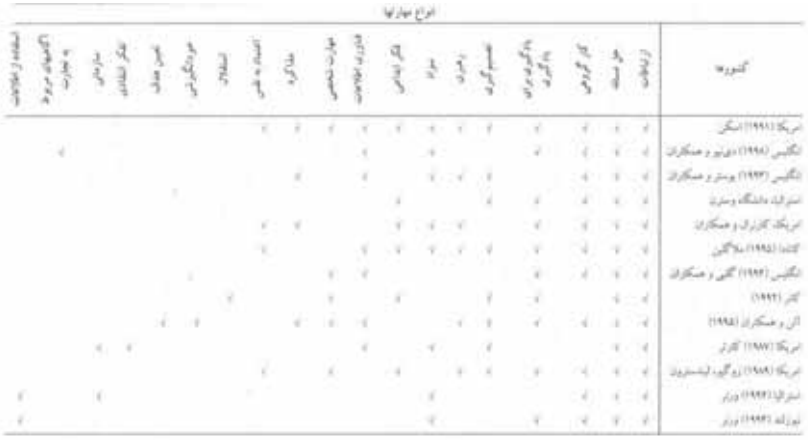
▪ بانوان مهارت‌آموز به زندگی خصوصی و خانوادگی خود توجهی قابل ملاحظه دارند، به همین دلیل، حمایت از آن‌ها در هنگامی که دارای فرزند می‌شوند، بسیار ضروری است؛

▪ زنان مهارت‌آموز در کشورهای توسعه‌یافته نسبت به مردان دیدگاه بلندمدت‌تری دارند، در نتیجه سوددهی کسب‌وکار آن‌ها در سال‌های اولیه پایین، اما در سال‌های بعد بسیار چشمگیر است و این زنان شبکهٔ گسترده‌تری از ارتباطات برقرار می‌کنند، درنتیجه، در هنگام بحران گزینه‌های بیشتری برای غلبه بر مشکلات دارند؛

▪ آن‌ها از همین ارتباط‌ها برای توسعهٔ کسب‌وکار خود به بهترین وجه بهره می‌برند و در نتیجه در بلندمدت، سوددهی آن‌ها بسیار بالاتر از مردان است و سودی که ایجاد می‌کنند

پایاتر است و زنان در اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته همچنان از تبعیض جنسیتی رنج می‌برند و این تبعیض خود را در دسترسی آن‌ها به اعتبارات بانکی، آموزش، اطلاعات، فناوری و ... نشان می‌دهد؛

▪ نقش دوگانهٔ زنان به‌عنوان مهارت‌آموز و محور خانواده به این معناست که آن‌ها در مقایسه با مردان وقت کمتری برای شرکت در دوره‌های آموزشی و حفظ رقابت‌پذیری خود در تجارت دارند و زنانی که در ابتدای مهارت‌آموزی هستند، در مقایسه با مردان بسیار بیشتر توصیه‌ها و نصیحت‌ها را از دیگر زنان مهارت‌آموز می‌پذیرند؛ درحالی که در بین مردان چنین وضعیتی مشاهده نمی‌شود، که در شکل شمارهٔ ۴ نشان داده شده است:

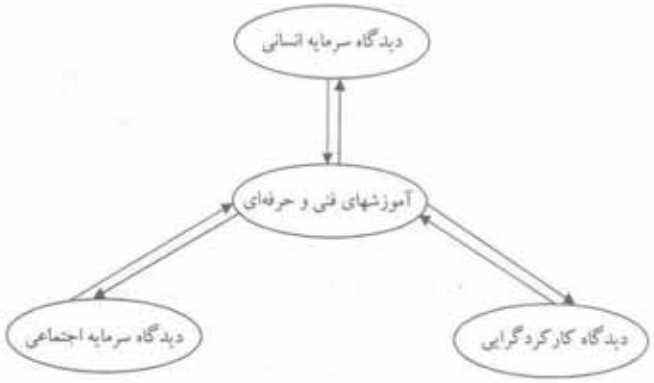


شکل ۴. مروری بر تاریخچهٔ مهارت‌های استخدامی در دنیا

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای توسعهٔ مهارت‌آموزی زنان پیشنهاد می‌شود موارد زیر مورد توجه قرار گیرد، که در شکل شمارهٔ ۵ نشان داده شده است:

- تأسیس مراکز حرفه‌ای و شغلی برای فعالیت‌های مهارت‌آموزی زنان؛
- با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی کشور[ایران]، ارائهٔ امکانات ویژه با نگرش جنسیتی برای بانوان؛
- ارائهٔ تسهیلات لازم برای دسترس آسان‌تر زنان به خدمات مالی؛
- اهمیت دادن به مهارت‌آموزی زنان ومشارکت آنان در اقتصاد خرد کشور در هر سن و سال؛
- ارائهٔ برنامه‌های آموزشی و کمک آموزشی برای گسترش مهارت‌آموزی آنان؛
- حمایت قانونی از زنان و برنامه‌هایی مربوط به آنان با تأکید بر جنسیت.



شکل ۵. دیدگاه‌هایی برای مرکز حرفه‌ای و شغلی

بحث و نتیجه گیری

این مقاله، پیرو مطالعه و بررسی پژوهش‌های متعددی از کشورهای مختلف جهان، به بیان موانع پنج‌گانهٔ (ادراکی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، آموزشی - پژوهشی و سازمان‌کاری) مشارکت فعال زنان و اشتغال آنان در حرفه‌هایICT و سپس ارائهٔ راهکارهای مؤثر خواهد پرداخت. در پایان قرن بیستم، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات فرصت‌های جدید و جالب توجهی را در بازار کسب و کار و اشتغال فراهم کرده و فضای همکاری گسترده‌ای را نیز پیش‌روی زنان قرار داده است، اما با وجود افزایش قابل توجه سهم زنان در استفاده از محصولات و خدمات ICT ، همچنان درصد پایینی از آنان در بازار کار، تحقیق و توسعهٔ این صنعت سهیم هستند و بیم آن می‌رود که پتانسیل اشتغال و کارآفرینی در عرصهٔ ICT را از دست داده و در پس انقلاب دیجیتال رها شوند. از این‌رو، جنسیت بحثی کلیدی در مشاغل ICT است و شکاف جنسیتی موجود، فرصت‌های برابر را از مطالبات مستمر زنان قرار داده است. طبیعی است این اختلاف جنسیتی، مطلوب دولت‌ها و دولتمردان نبوده و نیست. بنابراین، طی دو دههٔ اخیر شاهد پژوهش‌های متعددی در کشورهای مختلف جهان برای زدودن تبعیض در میدان کار و تحصیل علوم ICT بوده‌ایم، تا جوامع از استعداد و پتانسیل قابل توجه و عظیم زنان محروم نشوند. این مقاله، پیرو مطالعه و بررسی پژوهش‌ها و فعالیت‌های متعدد، شامل ده‌ها پروژه، تحقیق و گزارش با بررسی موانع غیبت زنان در میدان کار ICT ، به ارائهٔ راهکارهای اساسی برای ورود، اشتغال و مشارکت فعال زنان در حرفه‌های ICT خواهد پرداخت. رابطهٔ عمیق بین تکنولوژی و مهارت‌ها و پیوند صعودی بین مهارت‌ها و جای‌گیری در حرفه‌هایICT، حاکی از اهمیت الزامات علمی و تکنیکی و أخذ صلاحیت‌های فنی و درجات علمی ویژه در راهیابی به مشاغل عرصهٔ ICT و نیل به رسمیت حرفه‌ای در این صنعت است. در این راستا آگاهی از پژوهش‌های زیر در بیان مسأله مؤثر است: پژوهش‌ها حاکی از درصد پایین زنان علاقه‌مند به تحصیل و حضور در رشته‌های ICT و نابرابری جنسیتی در فرصت‌های شغلی ICT است. نتایج مطالعهٔ تفاوت جنسیتی ثبت‌نام‌کنندگان رشته‌های ICT در منطقهٔ Pacific، گویای آن است که به استثنای کشور فیلیپین، در پنج

کشور دیگر تفاوت جنسیتی مشهودی وجود دارد. (از ۲۰ درصد ثبت‌نام شدگان در کره تا ۳۳ درصد در سریلانکا) که مسلماً این تفاوت در مورد فارغ‌التحصیلان بیش‌تر است. درصد زنان فارغ‌التحصیل در میان دانش‌آموختگان رشته‌های ICT در آمریکا کم‌تر از ۱۶درصد در استرالیا کم‌تر از ۲۳درصد، در ترکیه کم‌تر از ۱۶درصد و در اروپا کم‌تر از ۲۰درصد است. بدون تردید سهم زنان در مقاطع عالی تحصیلی، خصوصاً دکترا، به مراتب پایین‌تر خواهد بود. مطالعه‌ای درخصوص تعدادی از زنان فارغ‌التحصیل آموزش عالی یا حرفه‌ای ICT در اروپا نشان می‌دهد که تنها ۱۶ درصد آنان در زیر گروه‌حرفه‌های ICT فعال هستند و ۳۳ درصد به مشاغل دیگر روی آورده‌اند. شاید این تصور که افزایش دسترسی و به‌کارگیری فن‌آوری اطلاعات در زنان منجر به افزایش تعداد زنان در حرفه‌های ICT خواهد شد، منطقی به‌نظر برسد. لیکن در مقایسهٔ فارغ‌التحصیلان زن در رشته‌های علوم کامپیوتر و مهندسی کامپیوتر در آمریکا از سال ۱۹۹۳ تاکنون، با توجه به عدم تساوی جنسیتی در دسترسی به ICT درگذشته و مقایسهٔ آن با حال که شاهد تساوی دسترسی در آمریکا هستیم، این امر، منجر به ورود بیش‌تر زنان در عرصهٔ ICT نشده است. (در سال ۱۹۹۳ بین ۲۲ درصد۱۷۷ درصد و در سال‌های ۱۹۹۷/۹۸ بین ۲۲ درصد ۱۶۶ درصد و در سال ۲۰۰۱ شاهد حضور ۱۶ درصد زنان در رشته‌های CS و CE بودیم که دور از تناسب جمعیتی زنان در آمریکاست) آن‌چنان که رئیس انجمن توسعهٔ علوم آمریکا، نگرانی خود را «فقدان استعداد برای رقابت جهانی در آینده» بیان می‌کند. پژوهشی در کشور رومانی حاکی از برابری جنسیتی در رشته‌های CS و CE است و عوامل آن عبارتند از: آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به این رشته‌ها از همان ابتدای تحصیل، باور پسران و دختران مبنی بر این که تحصیل در این رشته‌ها آن‌ها را به مشاغل خوب در اقتصاد اروپای غربی و آمریکا خواهد رساند و دیگر این که مشاغل مبتنی بر علوم طبیعی و مهندسی برخلاف حرفه‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی، کم‌تر متأثر از ایدئولوژی‌های سیاسی است. مطالعات نشان می‌دهند که هنوز در بعضی از کشورهای آفریقایی، آموزش سواد عمومی کامپیوتر در مدارس عمومیت ندارد و این مسأله بر مشارکت زنان تأثیرگذار است. یک پژوهش اروپایی طی یک نظرسنجی که با هدف تعیین میزان اهمیت تعدادی از علوم و مهارت‌های مختلف در مشاغل فعلی زنان و مردان حرفه‌ای عرصهٔ ICT صورت گرفت، نشان داد بعضی دانش‌ها و مهارت‌های غیر ICT (از جمله مدیریت، تجارت، ارتباطات و زبان) به اندازهٔ علوم ICT در مشاغل این عرصه حائز اهمیت است و دستیابی به فرصت‌های نقش‌آفرینی برابر برای زنان، نیازمند توجهات خاص و سیاستگذاری‌های مناسب در راستای توانمندسازی آنان با الزامات علمی و مهارتی مشاغل ICT است. آنچه در بیان مسأله گذشت، به سه اصل مهم اشاره می‌کند: ۱.تجهیز زنان به الزامات علمی و مهارتی و اتخاذ تدابیر و سیاست‌های لازم جهت به‌روز رسانی مهارت‌های آنان نقش کلیدی در دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب و برابر ایفا می‌کند. ۲. عوامل و موانع مشارکت زنان در حرفه‌های ICT برخی عمومی و بعضی نیز از کشوری به کشور دیگر متمایزند و یا میزان تأثیرگذاری متفاوتی دارند. بنابراین، نیل به مشارکت مطلوب و دستیابی به استراتژی‌های مؤثر، از یک سو نیازمند شناخت دقیق مشکلات، نیازها و موانع حضور زنان در جامعهٔ مورد نظر است و از سوی دیگر نیازمند تدوین برنامه‌های علمی و راهکارهای مناسب بر مبنای موانع و مقتضیات همان جامعه است. ۳. تعیین نقاط ضعف علمی و مهارتی

زنان و برآورد دقیق آن‌ها در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثر و کارآمد، جهت تحقق برابری جنسیتی در عرصهٔ ICT از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در نهایت، امید است با ارائهٔ راهکارهایی سازنده در این زمینه شاهد شکوفایی و خودباوری هرچه بیشتر زنان در عرصهٔ اشتغال و مهارت‌آموزی و در نهایت ارتقاء آنان باشیم و مقالهٔ مزبور توانسته باشد، تا حدودی پاسخگوی این امر خطیر باشد.

منابع

آذری‌نیا، محمدعلی، ترجمه، مؤسسهٔ تحقیقاتی مهارت‌آموزی زنان، کانادا، نیمهٔ دوم سال ۲۰۱۰؛

پورثانی، مریم،"آینه‌ای در برابر زنان شاغل"، تهران، انتشارات برگ زیتون،۱۳۹۰.

صالحی عمران،ابراهیم،"جامعهٔ کار و مشاغل- مروری بر مهارت‌های اشتغال‌زایی زنان در بازار کار"، تهران، انتشارات سمت۱۳۸۹.

مدرسی‌سریزدی، سیده‌جمیله، مدرسی‌سریزدی، سیدمحمد، مهارت‌آموزی و اشتغال، انتشارات ترمه، تهران، چاپ اول ۱۳۸۸،ص۳۳.

ملوندی، محمد، مهارت‌آموزی و اشتغال و پروژه، انتشارات امیدمهر، چاپ اول ۱۳۸۸، ص ص۲۳۱-۲۴۲.

نظری، محمدرضا، اصول و مبانی مهارت آموزی و اشتغال، انتشارات عشق دانش، گرگان، چاپ اول ۱۳۸۷.

موسوی، حنیف ، ایده های مهارت‌آموزی و اشتغال در کسب و کار زنان، منبع مقاله:
Entrepreneurial Ideas Motivate Women to
Start a Businesses ، خانهٔ پژوهش نواندیش، روزنامهٔ تفاهم.
هفته‌نامهٔ بازار کار.

http://karafarenan.blogfa.com-
http://emodir.com/downloads/view/1220

Stanford University, Hi- Tech entrepreneurship Course Syllabus, 2005-2006

The University of Pennsylvania, Entrepreneurship Course Syllabus, Fall 2006

The University Of British Columbia, Course Syllabus (Entrepreneurship and new Venture Creation, Preparing the business Development Plan, Winter2006

Athabasca University, Entrepreneurship Course Syllabus,2006

University Of Maryland, introduction to entrepreneurship Course Syllabus, 2003.

زنان، مهارت‌آموزی، کارآفرینی و توسعهٔ اجتماعی

مریم کیوانی[1]
علیرضا شفقی[2]

چکیده

آموزش‌های مهارتی، مجموعهٔ متنوعی از آموزش‌های غیررسمی را به‌منظور از بین بردن شکاف‌های مهارتی و ایجاد شغل دربرمی‌گیرد و نه تنها آموزش را از شکل تکراری و سنتی خارج می‌کند، بلکه کار و آموزش و دیگر ابعاد زندگی را در هم می‌آمیزد و شیوهٔ مطلوبی از کار و فعالیت را به‌وجود می‌آورد. آموزش، به ویژه آموزش‌های مهارتی، نقش مهمی در ازدیاد تولید و استفادهٔ بهینه از منابع موجود در کشور، خصوصاً مناطق روستایی و ارتقاء سطح زندگی افراد جامعه و امکانات رفاهی و کاهش فقر ایفا می‌کند. آموزش‌ها بر اساس نیاز زیربخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات در مناطق مختلف طراحی می‌شوند و اهداف والایی چون افزایش توانایی، دانش و مهارت، قدرت درک و تجزیه و تحلیل شاغلان در جهت انجام مطلوبتر کار و بهره‌وری بالاتر از منابع تولیدی را دنبال می‌نمایند که بر اساس آن افراد پس از کسب مهارت و تخصص و ارتقاء کیفی و دانش فنی قادر خواهند بود فرصت‌های شغلی مناسبی را به‌دست آورند. در واقع، خصیصهٔ این نوع آموزش‌ها، نوعی پرورش کارآفرین و ایجاد کارآفرینی است و تأثیر اصلی این آموزش‌ها جستجوی راه هایی در ایجاد اشتغال و شیوه‌های نو در ایجاد درآمد است. آموزش فنی و مهارتی برای زنان تأثیر بسیار مهمی در نیل به اهداف توسعهٔ اجتماعی آنان دارد. همچنین، سبب دستیابی به مشاغل، حفظ موقعیت در بازار کار و ارتقاء دستیابی به موقعیت‌های برابر اجتماعی و مشارکت در تصمیم‌سازی‌های جامعه می‌شود. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، نقش تولیدی زنان در اثر آموزش‌های مهارتی افزایش یافته و زنان آموزش‌دیده بهتر می‌توانند امورات خود و خانواده‌شان را اداره کنند. این آموزش‌ها شرایطی برای زنان به‌وجود می‌آورند که بتوانند از مزایای بیشتری بهره‌مند شوند.

واژگان کلیدی: آموزش، مهارت، اشتغال، کارآفرینی، توسعهٔ اجتماعی.

---

۱. رئیس ادارهٔ توانمندسازی و توسعهٔ تعاون– معاونت تعاون- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی،
Email: keivani1347@yahoo.com
۲. رئیس ادارهٔ مشوق‌ها و حمایت‌های مالی– معاونت تعاون- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی،
Email:shafaghi20@gmail.com

مقدمه

امروزه میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی _ اجتماعی به یکی از شاخص‌های مهم توسعهٔ انسانی تبدیل شده است و از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجهٔ توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این‌رو، در تحول همهٔ جوامع انسانی عاملی بنیادی محسوب می‌گردد. به همین دلیل، در برنامه‌های توسعه، اعمال برنامه‌های مختلف جهت تسهیل فعالیت اقتصادی زنان، به‌ویژه در اشکال خود اشتغالی و کارآفرینی مورد تأکید قرار گرفته است. نقش آموزش در افزایش مهارت‌های کارآفرینی در تحقیقات جدید پذیرفته و کارآفرینی به عنوان فرایند علمی مطرح شده که آموزش می‌تواند در ارتقاء آن مؤثر باشد. آموزش، کم‌هزینه‌ترین جریانی است که سبب افزایش عملکرد و بهبود منزلت اجتماعی افراد در جامعه می‌گردد و درکارآیی نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و نهایتاً توسعهٔ کشورها نقش اساسی دارد. یکی از دستاوردهای مهم آن تربیت منابع انسانی با کیفیت و دارای مهارتی است که می‌تواند منجر به توسعهٔ متوازن جامعه گردد. توسعه فرآیندی هدفدار بوده که انسان آغازگر آن است. امروزه آموزش به شکل وسیعی بسط یافته و انواع متعددی را در برگرفته است. به نحوی که علاوه بر آموزش عمومی و رسمی، آموزش‌های عملی، آزاد، غیر رسمی، بزرگسال، فنی و حرفه‌ایی و آموزش از راه دور را در برمی‌گیرد. با توجه به اینکه آموزش‌های رسمی در کشور به دلیل ضعف‌های ساختاری بستر مناسبی را برای کسب تخصص، و پرورش نیروهای کارآفرین به‌وجود نمی‌آورند، توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی و کاربردی اهمیت ویژه‌ای داشته و از طریق این آموزش‌ها زمینهٔ اشتغال پایدار فراهم خواهد شد. نکته‌ای که می‌بایست در این آموزش‌ها مد نظر قرار گیرد، توجه برنامه‌ریزان آموزشی به آموزش کارآفرینی به‌عنوان یکی از سر فصل‌های استاندارد آموزشی دوره‌های برگزار شده می‌باشد و این مهم الزاماً یکی از ضرورت‌های زیربنایی و درخور توجه در ایجاد اشتغال تلقی می‌گردد.

تعریف کارآفرینی

واژهٔ کارآفرینی که ترجمه‌ای از کلمه Entrepreneurship است، موجب گردیده که معنی ایجاد کار و یا اشتغال‌زایی از این واژه برداشت شود. این برداشت ناصحیح از مفهوم کارآفرینی و همچنین وجود نیروی انسانی بیکار در جامعه، به‌ویژه در بین دانش‌آموختگان دانشگاهی، موجب شده در بسیاری از سیاست‌هایی که برای توسعه اتخاذ شده، صرفاً جنبهٔ اشتغال‌زایی در نظر گرفته شود، حال آنکه کارآفرینی دارای پیامدهای مثبت و مهم دیگری چون تربیت و پرورش افرادی خلاق و نوآور، افزایش اعتماد به نفس، ایجاد و توسعهٔ تکنولوژی، تولید ثروت در جامعه و افزایش رفاه عمومی و... می‌باشد. از ویژگی‌های فردی کارآفرینان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. برنامه‌ریزی دقیق و آینده‌نگر که از حداقل امکانات حداکثر استفاده را می‌برند.
۲. دارای هنر و خلاقیت برای نوآوری و ابداع تولیدات جدید می‌باشند.

۳. هماهنگ‌کنندهٔ منابع موجود تولید با شرایط محیط و تصمیم‌گیری قاطع برای انجام کار جدید و یا تحول در روند کارند.
۴. دارای قدرت سازماندهی مؤثر و پویا و خواهان کسب موفقیت و موقعیت ویژه هستند.
۵. گرایش شدید به آگاهی یافتن از روش‌های جدید تولید و به‌کارگیری بهترین روش‌ها را دارند.

کسب اطلاعات اقتصادی، اجرای محاسبات اولیه و اساسی همچنین تحریک فرآیند تولید و کنترل تمامی این فرآیندها در شرایط اقتصادی عالی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسئولیت‌های کارآفرینان محسوب می‌گردد.

هر فعالیت کارآفرینی به‌طور معمول شامل چهارگام می‌باشد که به‌طور خلاصه شامل موارد ذیل می باشد:

گام اول. خلاقیت یا ایده‌یابی کار آفرینی:

پایه و اساس هر نوع کار آفرینی، یک فکر جدید یا راه حل نو برای رفع یک نیاز می‌باشد. این گام، مرحله‌ای خلاق و اکتشافی است که در طی آن، نیاز جامعه‌شناسایی شده و به‌عنوان یک مسأله، با خلاقیت، راه حل آن تعیین می‌گردد.

گام دوم. نوآوری یا تحقق بخشیدن به فکر خلاق:

در این مرحله بایستی به فکر خلاق یا ایدهٔ کارآفرینی، عینیت و وجود خارجی بخشید. اگر کسی از میان فکرهای خلاق، پاسخ‌هایی برای رفع نیاز در یک موضوع خاص، انتخاب کرده (در فاز خلاقیت)، در این مرحله باید آن‌ها را عملی کند.

گام سوم. طراحی یا برنامه‌ریزی کارآفرینی:

در صورت انتخاب نهایی موضوع فعالیت کارآفرینی برای عرضهٔ عمومی و ارائه به بازار مصرف، لازم است طرح و برنامهٔ تجاری‌سازی تهیه شود که آن را «برنامهٔ کسب و کار» می‌نامند. طرح و برنامهٔ کارآفرینی شامل اطلاعات ضروری و مهمی مانند طرح و برنامهٔ تولید، سازماندهی مالی، بازاریابی و نیروی انسانی و... می‌باشد و در واقع پاسخگوی سه سؤال اساسی است: «اکنون کجا هستیم؟ به کجا می‌خواهیم برویم؟ و چگونه می‌خواهیم برویم؟»

گام چهارم. اقدام یا مدیریت خلاقانه:

مدیریت خلاق و کارآفرینانه شامل فعالیت‌های مختلف مدیریتی مانند مدیریت استراتژیک، مدیریت اجرایی، مدیریت تولید، مدیریت تبلیغات و بازاریابی و مدیریت نیروی انسانی می‌باشد و در همهٔ آنها نیز همواره از خلاقیت و حل خلاق مسأله استفاده می‌شود.

نکتهٔ بسیار مهم این است که چنانچه در هریک از مراحل اجرای برنامهٔ کارآفرینی، ضعف یا نقصی وجود داشته باشد، بایستی با تدبیر و خلاقیت، نسبت به حل آن‌ها اقدام نمود.

نقش آموزش‌های مهارتی در توسعهٔ کارآفرینی و افزایش سهم اشتغال زنان در کشور

آموزش‌های مهارتی، مجموعهٔ متنوعی از آموزش‌های غیررسمی را به‌منظور از بین بردن شکاف‌های مهارتی و ایجاد شغل در بر می‌گیرد و شیوهٔ مطلوبی از کار و فعالیت را به‌وجود می‌آورد که به دلیل انعطاف‌پذیری نشأت گرفته از خصیصه‌های بازار کار و اوضاع اقتصادی

کشور و نیز ایجاد مهارت‌های لازم برای توانایی و احراز شغل، نقش به‌سزایی در اشتغال دارد. این آموزش‌ها هم مهارتهای خاص مورد نیاز صنعت و هم مهارت‌های عمومی بازار کار را فراهم می‌سازد. همچنین، برای شاغلینی که به دلیل تغییرات تکنولوژی دچار کاهش کارایی می‌شوند، امکان به روز شدن و تکمیل مهارت را فراهم می‌کند. لذا، به این آموزش‌ها به‌عنوان ابزاری برای مقابله با بیکاری، بالاخص بیکاری ساختاری که ناشی از تغییرات در اقتصاد جهانی می‌باشد، نگریسته می‌شود. در واقع، ویژگی این آموزش، نوعی پرورش کارآفرین است. به این معنی که افراد پس از کسب مهارت، تخصص، دانش فنی، قادر خواهند بود که اشتغال مناسبی برای خود و دیگران ایجاد نمایند. اینگونه آموزش‌ها در توسعهٔ اقتصادی- اجتماعی از نقش مهمی برخودار است. چرا که نوعی سرمایه‌گذاری در منابع انسانی محسوب می‌گردد.

کارمحور بودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که فرآیند یادگیری فراگیران را از طریق محیط‌های کار و در درون آنها طراحی و اجرا می‌نماید و محتوای آموزش‌ها را با تغییرات و پیشرفت‌های حوزهٔ تکنولوژی و به تبع آن در کارکرد نهادهای اقتصادی جامعهٔ هماهنگ می‌سازد، سبب می‌گردد که این آموزش‌ها به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی جهت تحقق پیشرفت‌های اقتصادی محسوب گردد و از جمله عوامل مؤثر در موفقیت کشورهای توسعه‌یافته تلقی شود، چراکه آموزش نظری همراه با کار عملی موجب تربیت نیروی انسانی خلاق و فعال می‌شود که این نیروها با نفوذ در جامعه سبب به‌کارگیری بخش عظیمی از نیروهای غیر فعال گردیده و نهایتاً توسعهٔ کارآفرینی را در جامعه به همراه خواهد داشت.

لذا، اگر آموزش فنی و مهارتی در کشور نادیده گرفته شود، در واقع، غیرمستقیم باعث سوق دادن آموزش کشور به سمت آموزش اشتغال کاذب و درآمدهای سهل‌الوصول و ناپایدار گردیده که به تدریج آسیب جدی به کشور وارد می‌سازد.

به همین علت است که یکی از اولویت‌های مهم در سرمایه‌گذاری‌های آموزشی در تمامی جوامع صنعتی، توسعه و گسترش آموزش‌های فنی و مهارتی است و این مهم نیز از سوی نهادهای ذی‌ربط بین‌المللی مانند یونسکو، یونیواک و بانک جهانی به منزلهٔ یک استراتژی مهم به کشورهای در حال توسعه توصیه می‌گردد.

در سازمان فنی و حرفه‌ای کشور به عنوان متولی این نوع آموزش، علاوه بر آموزش علم و مهارت، مواردی از قبیل انضباط، تعهد، احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی نیز به محتوای آموزشی افراد اضافه می‌گردد. از این‌رو، چنین نظام آموزشی از طریق تحول در فرهنگ جامعه می‌تواند در بالا بردن کارآیی و بهر وری نقش مؤثری ایفا نماید. نقش این آموزش‌ها در فرهنگ اجتماعی، فرهنگی به دلایل کاهش سطح بیکاری، میزان اعتبار بین‌المللی مدارک فنی و حرفه‌ای، کاهش معضلات اجتماعی، کمک در جلوگیری از مهاجرت بی‌رویهٔ جوانان به شهرهای بزرگ، کاهش تبعات منفی بیکاری، بازسازی و نوسازی آموزشی، توانمندسازی افراد برای زندگی بهتر و افزایش سلامت و بهداشت روانی، افزایش امید به زندگی، توسعهٔ عرصهٔ زندگی کار و حرفه، بهبود روابط اجتماعی و مناسبات انسانی و... بسیار با اهمیت است.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، حضور زنان در بازار کار، متناسب با افزایش سطح تحصیلات آنان افزایش نیافته است و موانع بسیاری بر سر راه فعالیت‌های اقتصادی زنان در خارج از منزل وجود دارد. لذا، قطعاً با افزایش شمار زنان تحصیل‌کرده و فعال بحران بیکاری تشدید خواهد شد. به علاوه، نمی‌توان از نظر دور داشت که بالا رفتن شمار زنان بیکار

تحصیل‌کرده به افزایش نارضایتی آنان منجر می‌شود و عوارض اجتماعی- اقتصادی خاص خود را به همراه خواهد داشت. از این‌رو، نیروی کار ماهر و با انگیزه و کارآفرینان خلاق می‌توانند به افزایش فرصت‌های شغلی یاری رسانند. به همین جهت در برنامه‌های توسعهٔ اعمال برنامه‌های مختلف جهت تسهیل فعالیت اقتصادی زنان از جمله آموزش‌های مهارتی و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص بسیار با اهمیت می‌باشد، زیرا امکان حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی یک جامعه از طریق تربیت نیروی انسانی ماهر و آموزش‌دیده میسر است.

بنابراین، جوامع امروزی به دلیل توسعهٔ روزافزون فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و تولیدی، ناگزیر به نیروی انسانی پر توان، آموزش‌دیده، ماهر و متخصص به‌عنوان مهم‌ترین عامل پویایی خود نیاز دارند و امکانات و تجهیزات مادی تنها در سایهٔ نیروی انسانی ماهر می‌تواند کمک‌دهنده به توسعهٔ اجتماعی باشد. در واقع، زن با کار و دریافت وجه در مقابل فعالیت اجتماعی و تبادل علم، اطلاعات، آگاهی و تعامل اجتماعی قدرت، خلاقیت، کارایی و استقلال بیشتری می‌یابد و این استقلال نهایتاً به تصمیم‌گیری بهتر در مقابل مشکلات خانه و محیط کار می‌انجامد. بنابراین، می‌توان گفت حضور هرچه بیشتر این قشر در عرصهٔ اجتماعی و رفع نابرابری در دستیابی به فرصت‌های شغلی زنان سبب تقلیل بحران هویت فردی و اجتماعی، افسردگی، انزوا، بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به قوانین حاکم بر جامعه می‌گردد.

آموزش‌های فنی و مهارتی برای زنان در زمینه‌های مختلف صنعتی، کشاورزی، خدماتی، صنایع دستی، بهداشت و... تأثیر مهمی در نیل به اهداف توسعهٔ اجتماعی آنان دارد. همچنین، سبب دستیابی به مشاغل، حفظ موقعیت و موفقیت در بازار کار و ارتقاء دستیابی به موقعیت‌های برابر اجتماعی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها در جامعه می‌باشد و فعالیت‌های آنان را در سه محل خانه، کار و خارج از محل کار بهبود می‌بخشد. بررسی سازمان یونسکو نشان داده است که نقش تولیدی زنان در اثر آموزش‌های مهارتی، افزایش یافته و زنان آموزش‌دیده بهتر می‌توانند امورات خود و خانواده‌شان را اداره کنند. این آموزش‌ها شرایطی برای زنان به‌وجود می‌آورند که بتوانند از مزایای آنها بهره‌مند شوند و به بهبود وضعیت معیشتی و درآمد خانوار کمک کنند.

یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش توسعه‌یافتگی یک کشور نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. نقش زنان در توسعه مستقیماً با هدف توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و در تحول همهٔ جوامع انسانی عاملی بنیادی محسوب می‌گردد. با توجه به نرخ جمعیت زنان و آمادگی زنان جهت ورود به بازار کار به نظر می‌رسد که این بخش از جامعه نیازمند نگاه ویژه‌ای است. توجه به کارآفرینی به عنوان عاملی که خود سبب رشد اقتصادی می‌شود و به‌عنوان موتور محرکهٔ اقتصادی شناخته شده است، می‌تواند سهم به‌سزایی در حضور گستردهٔ زنان در عرصه‌های توسعه و اشتغال در کشور داشته باشد.

ضرورت توجه به کارآفرینی در کشور

در کشور ما مراکز حمایت از کارآفرینان بسیار محدود و کارآفرین با تمام مشکلات، ضمن تلاش جهت تبدیل ایده به محصول باید تمام خطر سرمایه‌گذاری را خود عهده‌دار باشد.

مراکز حمایت از کارآفرینان به دلیل نداشتن پشتوانهٔ مالی و عدم حمایت جدی از طرف نهادهای ذی‌ربط قادر نیستند، پاسخگوی نیازهای مالی کارآفرینان باشند. کارآفرینان با ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط «SME's» با سرمایهٔ محدود خود و گاهی با دریافت وام اندکی وارد یک حرکت اقتصادی و صنعتی می‌شوند و در بسیاری از مواقع زندگی و امکانات خود را در راه توسعهٔ صنعتی از دست می‌دهند.

با تولید دانش فنی یک محصول توسط کارآفرین، شرکت‌های تولیدی خارجی توسط عوامل خود در کشور از این توانایی‌ها اطلاع یافته و قیمت محصول خود را چنان پائین می‌آورند که کارآفرین داخلی توان رقابت را از دست داده و در مدت کوتاهی ادامهٔ فعالیت آنها متوقف می‌شود. در این مواقع، اگر کارآفرین حمایت نشود، نمی‌توان انتظار داشت کارآفرینی و ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور توسعه یابد.

لذا، لازم است تا از تجربهٔ ارزندهٔ دنیا با توجه نیروهای مساعد فراوان در کشور به خوبی استفاده و با جدیت برای توسعهٔ کارآفرینی برنامه‌ریزی شود.

از سال۱۹۹۷، با همکاری مراکز معتبر دانشگاهی در برخی کشورها، مدل«جی.ای.ام» (Global Entrepreneurship Monitor) برای ارتباط بین کارآفرینی و رشد اقتصادی طراحی شد و در سال ۱۹۹۹ این الگو در ده کشور جهان مشتمل بر: آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، کانادا، فنلاند، دانمارک و رژیم اشغالگر قدس بررسی شد و در سال ۲۰۰۰ کشورهای آرژانتین، استرالیا، بلژیک، برزیل، هند، ایرلند، کره جنوبی، نروژ، سنگاپور، اسپانیا، و سوئیس هم به آنها پیوستند. از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش به موارد ذیل اشاره می‌گردد.

- سیاست‌های مناسب و افزایش توان کارآفرینی یک جامعه (از جمله مهارت‌ها و انگیزه‌ها)، بیشترین تأثیر را در گسترش کارآفرینی دارد.
- شرکت زنان در کارآفرینی ضرورتی دراز مدت برای اقتصاد است.
- برای رسیدن به دستاوردهای پایدار و بلندمدت، سیاست‌ها باید جوانان زیر ۲۵ سال و افراد بالای ۴۴ سال را به کارآفرینی فراخواند و تشویق کند.
- هر دولتی که متعهد به پیشرفت اقتصادی است، باید زمینهٔ حمایت‌های لازم را از کلیهٔ جنبه‌های اقتصادی که هادی و حامی افزایش بسترهای کارآفرینی هستند از جمله کاهش مالیات‌ها، دسترسی به نیروی کار، کاهش هزینه‌های نیروی انسانی (غیرحقوق بگیر)، روان‌سازی مقررات و آسان‌سازی کسب و کار را فراهم سازد.
- سیاست‌ها باید راهگشای گسترش سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز و برانگیزاننده انگیزهٔ افراد برای سرمایه‌گذاری بهینه در مراحل نخست هرگونه کسب و کاری باشد.

درک صحیح کار آفرینی

با توجه به اهمیت عملکرد مدیران در تدوین خط مشی‌ها و اجرای برنامه‌ها که در گسترش و ترویج کارآفرینی مهم و کارساز است، شاخص چگونگی درک مدیران کشور از کارآفرینی می‌تواند اثر به‌سزایی در تحقق اهداف کوتاه‌مدت میان‌مدت و بلندمدت اشتغال داشته باشد. علاوه بر آن توجه به ضرورت کسب استراتژی‌های دانش‌محور با تأکید بر گسترش حیطه‌های پژوهشی حائز کمال اهمیت است، تحقیق و توسعه می‌تواند پدیدآورندهٔ فرصت‌های اقتصادی

و تجاری جدید باشد و بدین نحو سبب رشد کارآفرینی و ایجاد یا توسعهٔ شرکت‌های کوچک و متوسط شود. بر این اساس، کشورها با ضریب توسعه‌یافتگی بیشتر اهمیت ویژه‌ای به تحقیق و توسعه می‌دهند و هزینه‌های هنگفتی را صرف آن می‌کنند.

دلایل توجه دولت به کارآفرینی زنان

بسیاری از کارشناسان بر لزوم اجرای اجرای برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای دولت برای قابلیت آفرینی در میان زنان و هدایت آنان در مسیر کارآفرینی تأکید کرده‌اند. برخی نیز معتقدند نقش دولت برای توسعهٔ کارآفرینی به حمایت‌های مالی محدود نمی‌شود و اجرای هم‌زمان سیاست‌های مناسب آموزشی و فرهنگی، اصلاح و تسهیل قوانین مرتبط با کسب و کار برای پروش و حضور نیروهای کارآفرینی ضروری است. از نتایج توجه دولت به کارآفرینی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی: اعتقاد بر آن است که انسان با دانش، مهارت و نگرش کارآفرینی زندگی بهتری خواهد داشت.

عدالت اجتماعی: در طول تاریخ، تبعیض باعث فقر بخش‌هایی از جوامع شده است. برای جبران این عقب‌ماندگی راهبرد توسعهٔ کارآفرینی زنان ابزار خوبی است. توسعهٔ کارآفرینی به توزیع درآمدها در جوامع کمک می‌کند و نابرابری‌ها را کاهش می‌دهد.

مسئولیت اجتماعی: اعضای جامعه برای ایفای درست مسئولیت‌های اجتماعی خود به قابلیت کارآفرینی نیاز دارند.

توسعهٔ ظرفیت تولید جامعه: کارآفرینان با ایجاد کسب و کارهای جدید و با نوآوری در توسعهٔ کسب و کارهای موجود به توسعهٔ ظرفیت تولید جامعه کمک می‌کنند و رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی را به ارمغان می‌آورند.

حل مشکلات جامعه: کارآفرینان با نوآوری و تلاش مؤثر، مسائل و مشکلات اجتماعی را حل می‌کنند.

برخی از راهکارهای ساختاری توسعهٔ کارآفرینی در ایران

راهکارهای ساختاری مربوط به اقدامات و برنامه‌هایی است که زیرساخت‌های دولتی و سازمانی را برای توسعهٔ کارآفرینی فراهم می‌سازند:

- ارائهٔ تسهیلات فنی، فن‌آوری، حمل و نقل و ارتباطات برای صنایع کوچک و متوسط.
- تعیین سازمان‌ها و نهادهای متولی برای توسعهٔ کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک و متوسط.
- ارائهٔ کمک‌ها و اعطاء وام یا بهره‌های کم و حداقل وثیقه در زمینهٔ تکمیل سرمایه.
- ایجاد بانک و مؤسسات پولی و مالی دولتی ویژهٔ کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک و متوسط.
- ارائهٔ معافیت‌های مالیاتی و تخفیف‌های ویژه در تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی.
- ایجاد و تقویت همکاری بین دولت، کسب و کارهای کوچک و متوسط و سازمان‌های بزرگ.

- ایجاد، توسعه و تقویت پارک‌های فناوری، مراکز رشد و پارک‌های صنعتی/علمی.
- ایجاد مراکز رشد در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها .
- اصلاح سیستم‌های ارائه‌دهندهٔ خدمات اداری به کارآفرینان و صاحبان ایده و کاهش مراحل اداری ثبت اختراع و ثبت شرکت.
- تدوین برنامه‌ها، سیاست‌ها و اهداف ویژهٔ توسعهٔ کارآفرینی.
- ایجاد مراکز خدمات مشاوره‌ای در پارک‌های فناوری، مراکز رشد و شهرک‌های صنعتی.
- تدوین برنامهٔ حمایتی برای تقویت همکاری بین کسب وکارهای کوچک ومتوسط و مراکز تحقیقاتی.
- ایجاد کلینیک‌های مشاورهٔ کارآفرینی در دانشگاه‌ها و بانک‌ها.
- ایجاد بانک ایدهٔ تجاری در سطح ملی.
- ایجاد بنیاد ملی توسعهٔ کارآفرینی ایران.
- ایجاد شبکه‌های کارآفرینی.
- ایجاد شرکت‌های مخاطره‌پذیر جهت حمایت از کارآفرینان.

برخی از راهکارهای زمینه‌ای توسعهٔ کارآفرینی در ایران

راهکارهای زمینه‌ای شامل کلیهٔ برنامه‌ها و اقداماتی است که هدف‌شان افزایش آگاهی عموم و ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی- اجتماعی لازم برای توسعهٔ کارآفرینی در کشور می‌باشد.

- تهیه و روزآمدسازی اطلاعات مورد نیاز صنایع کوچک و متوسط برای صادرات و واردات به صورت اینترنتی و آنلاین.
- ایجاد شبکهٔ سراسری اطلاع‌رسانی و ارائهٔ اطلاعات مورد نیاز کارآفرینان و صاحبان ایده.
- ایجاد و توسعهٔ ارتباط علمی- تحقیقاتی و پژوهشی بین کارآفرینان صنایع کوچک و متوسط با مراکز تحقیقاتی داخلی و خارجی.
- مستندسازی و انتشار تجربیات کارآفرینان.
- عضویت در انجمن‌های بین‌المللی کارآفرینی.
- ایجاد بازارچه‌های کارآفرینی در مناطق شهری.
- تربیت کارآفرینان جوان ویژهٔ کسب و کارهای کوچک و متوسط.

این عامل به ترتیب اولویت، شامل راهکارهای زیر است:

- ارائهٔ آموزش‌های ویژهٔ کارآفرینی برای صاحبان صنایع کوچک و متوسط و کارکنان شاغل در بنگاه‌های کوچک و متوسط.
- ارائهٔ دوره‌های تربیت کارآفرین و آموزش‌های کارآفرینی در قالب بستهٔ آموزشی (برنامهٔ ظرفیت‌سازی) برای جوانان.
- آموزش مبانی کارآفرینی تفکر خلاق و انگیزش موفقیت ویژهٔ دانش‌آموزان، والدین و مربیان.
- ارائهٔ دورهٔ آموزشی کار گروهی برای دانش‌آموزان در مدارس.

حمایت‌های آموزشی- مشاوره‌ای

- ارائهٔ مشاوره‌های مالی و اقتصادی (در زمینهٔ سرمایه‌گذاری، و جذب سرمایهٔ خارجی) به واحدهای کوچک و متوسط.

- ارائهٔ خدمات آموزشی در مراکز مشترک ایجادشده با دانشگاه‌ها و مراکز فنی و تخصصی.
- ارائهٔ مشاوره‌های تخصصی در زمینهٔ بازاریابی و ایجاد، توسعه و تقویت نمایشگاه‌های صنعتی و تخصصی.
- ارائهٔ مشاوره‌های فنی و تخصصی مدیریتی کارآفرینی.
- برگزاری سمینارهای تخصصی در حوزهٔ بازاریابی کارآفرینانه.
- ایجاد برنامهٔ تولید مبتنی بر سفارش.
- تدوین سند ملی و برنامهٔ استراتژیک ویژهٔ توسعهٔ کارآفرینی و تصویب قوانین حمایت از کسب و کارهای کوچک خوداشتغال.

راهکارهای توسعهٔ کارآفرینی توسط دولت

الف) کوتاه‌مدت:

- شناسایی ظرفیت‌های موجود بر اساس آمارها و کمک به کسب و کارهایی که ظرفیت خالی دارند و مشکل بازار ندارند.
- اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام و رفع موانع و مشکلات آنها.
- شناسایی افرادی که مهارت، تمایل و آمادگی ایجاد کسب و کار را دارند.
- شناسایی مراکز توانمندی و آموزش کارآفرینی و تشکیل ستاد برنامه‌ریزی آموزش کارآفرینی.
- تعیین مجری، ناظر و مشاور طرح.
- برقراری مکانیزم تشویق‌های مالیاتی و معافیت‌های تأمین اجتماعی جهت کسب و کارهای کوچک. به عنوان مثال، تعیین میزان مالیات برای صنایع کوچک و متوسط بر حسب میزان تولید انجام گرفته (حجم نقدی تولید) پس از کسر میزان ضایعات و همچنین همراه با محاسبهٔ بحران‌های مالی از قبیل عدم فروش کالا، عدم پرداخت و میزان ارزش پولی که باید کارآفرینان بابت اقساط وام‌ها پرداخت نمایند.
- حمایت‌های مالی و بازار از کسب و کارهای موجود.

ب) میان‌مدت:

- تهیهٔ برنامه (زمانبندی، هزینه، مکان) شهرک‌های خوشه‌پذیر اقتصادی با توجه به راهبردهای توسعه.
- توسعهٔ مراکز آموزش کارآفرینی و ایجاد مراکز مشاوره و توسعهٔ کارآفرینی در سطح کشور.
- تدوین قوانین و مقررات مورد نیاز.
- تبیین و تعیین فرصت‌های شغلی.
- ایجاد شهرک‌های صنعتی همراه با کلیهٔ امکانات فیزیکی، تسهیلاتی، ارتباطی و تحقیقاتی برای استقرار خوداشتغالان فعال.

ج) بلندمدت:

- تداوم ایجاد و تکثیر شهرک‌های خوشه‌پذیر و تداوم تأسیس کسب و کارهای جدید.
- سالم‌سازی، شفاف‌سازی و افزایش کارآمدی بازار و عناصر آن.

- توسعه علمی ـ فنی در زمینهٔ صنایع با ارزش افزودهٔ بالا نظیر فنّاوری اطّلاعات و زیست-فنّاوری.
- تداوم آموزش‌ها و ترویج و توسعهٔ کارآفرینی به عنوان راهکار اصلی استفادهٔ تجاری از دستاوردهای علمی و فنی در افزایش رقابت‌پذیری بازار و نظام اقتصادی.
- شایان ذکر است دولت‌ها برای توسعهٔ کارآفرینی اقداماتی انجام می‌دهند که این اقدامات بر اساس شرایط خاص هر جامعه و کشور انتخاب می‌شوند. برخی از اقدامات مهم توسعهٔ کارآفرینی عبارتند از:
- نوآوری و تحقیق و توسعه: منظور از نوآوری، کاربرد و به‌کارگیری یک ایدهٔ جدید در فعالیت‌ها یا محصولات شرکت است. نوآوری مرهون وجود افراد خلاق، مبتکر و خطرپذیر است و تا حد زیادی به ظرفیت جامعه هم بستگی دارد. از سوی دیگر، تحقیق و توسعه (R&D) نیز یکی از عواملی است که نقش مهمی را در فرآیند نوآوری و ارتقاء سطح کمی و کیفی مؤسسات ایفاء می‌کند و خود یک شاخص و معیار برای فعالیت نوآورانه به شمار می‌رود.
- طرح‌های دولت در رابطه با افزایش نوآوری معطوف به پذیرش فنّاوری جدید، بهبود طراحی و تحقیق و افزایش سطح نوآوری بهینه در سازمان می‌باشد.
- معرفی الگوهای موفق کارآفرینی به جامعه.
- ایجاد تسهیلات لازم برای توسعهٔ قابلیت‌های حرفه‌ای و کارآفرینی.
- افزایش دسترسی کارآفرینان به منابع، به‌خصوص منابع مالی.
- شناسایی فرصت‌های پایدار کارآفرینی در بخش‌های مختلف اقتصادی – اجتماعی و انجام خدمات حمایتی در این مورد.
- ایجاد پایگاه شناسایی و اطلاع‌رسانی در امور بازاریابی.
- عرضهٔ خدمات مشاوره‌ای، فنی و مدیریتی.
- تمهید وام‌های ترجیحی برای ایجاد محل‌های کاری جدید (این وام‌ها به بیکاران جهت خود اشتغالی و افزایش فرصت‌های شغلی در دفاتر کار داده می‌شود.)
- معافیت کامل عوارض گمرکی و سود بازرگانی برای واردات ماشین‌آلات مدرن، فنّاوری جدید، تجهیزات تحقیق و توسعه، مواد اولیهٔ منحصر به فرد برای تولید و ساخت کالاهایی که ۱۰۰ درصد قابل صادرات هستند.
- ایجاد شبکهٔ اطّلاعات کسب و کار. این شبکه با تأسیس مراکز انتشار ناحیه‌ای، گزارشات اطّلاعاتی، سازمان‌های حامی SME ها و تعاونی‌ها، مشاوره و... را در اختیار تشکل‌های مذکور قرار می‌دهند.
- توسعهٔ صنایع کوچک خرد شامل خوداشتغالی و مشاغل خانگی

عمده برنامهٔ حمایتی دولتی در این بخش (صنایع کوچک و خرد) عبارتند از:

- تأمین سرمایهٔ اولیه برای راه‌اندازی پروژهٔ تولیدی و نیمه‌تولیدی تا ۷۵ درصد کل هزینهٔ پروژه.
- آموزش نیروی انسانی در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای .

- آموزش مدیریتی برای کارآفرینان واحدهای صنعتی کوچک خود اشتغال.
- تأمین ماشین‌آلات از طریق اجارهٔ بلندمدت یا فروش ماشین‌آلات دولتی دست دوم به این واحدها.
- ایجاد بانک اطّلاعاتی و انجام مشاوره‌های مختلف.
- فعالیت‌های اجباری درون رشته‌ای (کارآموزی اجباری) در تمام رشته‌های دانشگاه. برنامهٔ آموزشی فوق برنامه برای آماده‌سازی دانش‌آموختگان دانشگاهی برای تأسیس کسب و کارهای خود و تبدیل آنها به افراد کارآفرین که شامل سه مرحلهٔ زیر می‌باشد، اجرا می‌گردد:
  - پیش آموزش (به کار آموزان اطلاع داده می‌شود و از میان داوطلبان آنهایی که بیشترین انگیزه را داشته‌اند و نمرهٔ خوبی کسب کرده اند، انتخاب می‌شوند).
  - آموزش (حداقل ۱۴۴ ساعت).
  - بعد از آموزش (مشکلات عمومی که در حین اجرای طرح‌ها بروز می‌کنند. مانند مجوز، گواهی‌نامه، تأمین مالی، بازاریابی و... مشاوره داده می‌شود).
- توسعهٔ راهبرد بازاریابی برای صنایع کوچک و روستایی از طریق ارتقاء استانداردهای کیفیت محصول، طراحی محصول و ارتقاء تنوع بازار.
- تشویق انستیتوهای تأمین مالی خصوصی و دولتی جهت توسعهٔ اعتبارات برای صنایع روستایی و به ویژه برای پوشش دادن تعداد بیشتری از صنایع کوچک و روستایی.
- انتشار اطّلاعات صنعتی و بازاریابی برای کارآفرینان روستایی از طریق ارتقاء نقش سازمان‌های کسب و کار خصوصی در هر دو ناحیهٔ روستایی و شهری.
- توسعهٔ قابلیت‌های مدیریتی و اداری کارآفرینان روستایی از طریق تدارک سمینارهای آموزشی در مورد بازاریابی، دارایی و اداری.
- اجرای دورهٔ آموزشی مربیان برای توسعهٔ کارآفرینی کوچک (جهت آموزش افراد روستایی).
- افزایش بهره‌وری صنعتی و حرکت تدریجی به سوی محصولات با ارزش افزودهٔ بالاتر از طریق ارتقای فنّاوری و مهارت‌ها.
- خلق کسب و کار: (برای کارآفرینان بالقوه)
- در این دوره کارآفرینان بالقوه قادر خواهند بود ایده‌های کسب و کار خود را ارزیابی کنند و شایستگی‌های خود را توسعه دهند. مدت زمان این دورهٔ تمام وقت ۴ تا ۶ هفته می‌باشد که به صورت فشرده و کوتاه‌مدت ارائه خواهد شد.
- مدیریت کسب و کارهای کوچک (برای کارآفرینان موجود). این رشته به توسعه و ارتقای دانش، مهارت و تکنیک‌های مدیریت کارآفرینان موجود تمرکز خواهد داشت.
- صادرات در ارتباط با خط مشی‌ها و برنامه‌های صادراتی، کمک به صادرکنندگان بالقوه جهت آماده نمودن مؤسسات خود و ورود به صحنهٔ اقتصادی و دسترسی به فرصت‌های فروش در بازار.

بحث و نتیجه‌گیری

نقش زنان در توسعه مستقیماً با هدف توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی بستگی داشته و از این‌رو، در تحول همهٔ جوامع انسانی عاملی اساسی و مهم محسوب می‌گردد.

بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ سالهٔ کشور، تحقق ایران توسعه‌یافته با بهره‌گیری از همهٔ توان نیروی انسانی اعم از زنان و مردان امکان‌پذیر خواهد بود. اما آمارها حاکی از سهم اندک زنان در مشارکت اقتصادی جامعه است. در این میان با تغییرات سریع جوامع و همچنین، حضور گسترده‌تر زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی- اقتصادی توجه به کارآفرینی به‌عنوان عاملی که خود سبب رشد اقتصادی می‌شود و به‌عنوان موتور محرکهٔ اقتصادی شناخته شده است، می‌تواند سهم به‌سزایی در حضور گسترده‌تر زنان در عرصه‌های توسعه و اشتغال در کشور داشته باشد.

توانمندسازی زنان با استفاده از حذف عواملی که مانع فعالیت‌های زنان هستند و همچنین افزایش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان به‌وسیلهٔ مسئولین و از همه مهم‌تر خواست و ارادهٔ خود زنان صورت پذیرد. برنامه‌ریزی مناسب ایجاد وضعیت مطلوب اقتصادی مدیریت زمان و قوانین مرتبط با حمایت از خانواده سبب می‌شود که زنان نسبت به حضور توأم در عرصهٔ اجتماعی و خانواده فراغ بال بیشتری داشته و در ارائهٔ توانایی‌ها و قابلیت‌های خویش موفق‌تر باشند.

تعیین سیاست‌ها، اهداف، روش‌ها و الگوهای مناسب جهت اجرای برنامه‌های حمایتی و تشویقی می‌تواند مهم‌ترین وظایف محوری دولت در زمینهٔ توسعهٔ کارآفرینی زنان و ایجاد اشتغال مناسب برای آنان باشد. سیاست‌های دولت‌ها در یک تحول سه مرحله‌ای از حمایت از کسب و کارهای کوچک به حمایت از توسعهٔ نوآوری و سپس به توسعهٔ کارآفرینی تغییر می‌یابد. به‌طورکلی، این اقدامات با دو جهت‌گیری کلی انجام می‌شود:

۱. حذف و کاهش محدودیت‌ها و موانع کارآفرینی زنان،
۲. ترغیب و تشویق کارآفرینان زن.

پیشنهادات

- ✓ توانمندسازی زنان در ایجاد تعادل بین زندگی کاری و خانوادگی از طریق برنامه‌های آموزش رسمی و غیررسمی و ارتقاء مهارت‌ها و صلاحیت‌های مرتبط با این موضوع به‌منظور اثربخشی بیشتر زنان کارآفرین در خانواده کسب و کار و جامعه.
- ✓ در جهت ایجاد بازار در داخل و خارج کشور برای محصولات تولیدی توسط زنان از روش‌های نوین تبلیغاتی و از فناوری روز جهت معرفی تولیدات آنها استفاده گردد.
- ✓ طراحی و ایجاد مراکز رشد خاص فعالیت‌های کارآفرینی زنان در پارک‌های علم و فناوری استان‌ها به‌منظور تشویق و ترغیب زنان به حضور در فعالیت‌های کارآفرینی.
- ✓ فرهنگ‌سازی با هدف تغییر نگرش جامعه نسبت به توانمندی زنان در فعالیت‌های اقتصادی.
- ✓ حذف بوروکراسی‌های اداری، شفاف‌سازی قوانین و مقررات کسب و کار و تسهیل دریافت مجوزهای فعالیت و همچنین، اصلاح سیاست‌ها و قوانین موجود و تدوین قوانین جدید در جهت حمایت از زنان کارآفرین.

- ✓ ایجاد انجمن سرمایه‌گذاران حامی زنان کارآفرین: شناسایی و حمایت از سرمایه‌گذاران بالقوه و ایجاد تشکل غیردولتی (با اولویت تعاونی‌های زنان) با هدف خیرخواهانه جهت ایجاد اشتغال در حرفه‌های مختلف، مفید به نظر می‌رسد. البته حمایت‌های دولت در زمینهٔ فرهنگ‌سازی و اعمال مشوق‌های لازم برای حضور سرمایه‌گذاران داوطلب در امر تولید ضروری خواهد بود.
- ✓ شبکه‌سازی و ایجاد خوشه‌های کسب و کار (در قالب تشکل‌های تعاونی زنان) در جهت ساماندهی مشاغل شهری و روستائی.
- ✓ ساماندهی و بهبود کسب و کار از طریق تشکیل شرکت‌های تأمین نیاز تولیدکنندگان با عضویت بانوان کارآفرین و صاحب حرفه می‌تواند جهت تسهیل‌سازی تأمین مواد اولیهٔ مورد نیاز مشاغل، پیگیری امور مرتبط با شغل و حرفه، اعمال نظارت‌های لازم برای مناسب بودن کیفیت محصولات، بازاریابی تولیدات یا خدمات، تهیهٔ بانک اطلاعاتی نیازمندی‌ها و آموزش‌های استاد ـ شاگردی.
- ✓ شناسایی و آموزش زنان فارغ‌التحصیل و توانمند در مناطق روستایی و ارائهٔ آموزش‌های کارآفرینی و مهارتی متناسب با زمینه‌ای شغلی به آنان بر اساس مزیت‌های نسبی مناطق و به‌کارگیری آنان به عنوان مدیران واحدهای کسب و کار متشکله برای زنان و رابط آموزشی جهت توانمندسازی سایر زنان جویای کار.

منابع

احمد پور داریانی_ محمود ۱۳۷۹ کارآفرینی، انتشارات پردیس.

پایگاه جامع اطلاع رسانی مدیران ایران/http://www.modiriran.ir .

دیده‌بان جهانی کارآفرینی(GEM).

راهکارهای توسعهٔ شرکت‌های کوچک و متوسط در سنگاپور، وب‌سایت خانهٔ کارآفرینان.

صابر_فیروزه ۱۳۸۱، راه‌های توسعهٔ کارآفرینی زنان در ایران.

طالبی، کامبیز، اهمیت و نقش محیط در رشد و تقویت کارآفرینان.

عباس زاده، حسین، نقش صنایع دستی در اقتصاد ایران، خبرنامهٔ آفتاب
. WWW.aftabir.com

کیوانی_ مریم، ۱۳۹۰ صنایع دستی کارآفرینی و توسعه.

گلستان هاشمی_سید مهدی، تهیه‌شده توسط مجلهٔ شادکامی و موفقیت خبرنامهٔ آفتاب
.WWW.aftabir.com

محمد معتمدی، سکینه کهنسال واجارگاه، فاطمه کهنسال واجارگاه .۱۳۹۰ .تبیین نقش آموزش‌های صنایع دستی و مهارتی در توسعهٔ اجتماعی جوامع روستایی.
هفته‌نامهٔ جامع http://jame.uast.ac.ir .

چیرانلیمنگ- ترجمهٔ دکتر پروین معروفی، مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی.

کارآفرینی، بستری برای توانمندسازی زنان

آیت اله ممیز[1]
فاطمه یوسفی[2]
شقایق محمدی[3]

چکیده

امروزه، تلاش‌ها برای ترویج کارآفرینی زنان، در کشورهای مختلف، در حال رشد است. کارآفرینی زنان در زمینه‌های مختلف اثربخش معرفی گردیده است که از میان آن‌ها، سه زمینهٔ مهم قابل درک است: افزایش بهره‌وری در بازار کار، کاهش فقر و افزایش توانمندسازی اجتماعی زنان. همچنین، بررسی‌های پیشین در حوزهٔ کارآفرینی زنان، رویکردهای اصلی در این حوزه را در سه رویکرد توسعه، رویکرد توسعه و جنسیت و در نهایت رویکرد توانمندسازی طبقه‌بندی می‌نمایند. با توجه به سیاست‌های حمایتی از کارآفرینی زنان، پایهٔ اصلی یافته‌های رویکرد توانمندسازی در قدرت رو به رشد جنبش زنان و سازمان‌های حمایت‌کننده از زنان می‌باشد. از سوی دیگر، به دلیل حمایت کارآفرینی زنان از سایر برنامه‌های مرتبط با هدف‌گذاری زنان، نیاز به اداره کردن سازمان‌های مذکور، از طریق یک دیدگاه جنسیتی، ضروری می‌باشد. بنابراین، دیدگاه توانمندسازی، مدعی داشتن نگاهی جنسیتی و یک رویکرد متناظر با آن است. این دیدگاه، زنان را قادر می‌سازد مسیر خود را متناسب با توانمندی‌هایشان، بنابر محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، پیدا کنند. به دلیل اینکه در پژوهش‌های ملی کمتر به کارآفرینی به‌عنوان بستری برای توانمندسازی زنان، توجه گردیده است، این پژوهش سعی دارد با تأکید بر یک پژوهش توسعه‌ای و ژرفانگر که با استفاده از روش تحلیل محتوا و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است، به مطالعه و بررسی این موضوع بپردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در بحث کارآفرینی، توجه به توانمندسازی زنان مستلزم برخوردی جامع‌تر و عمیق‌تر، تقویت ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی توانمندسازی و مستلزم برداشتن موانع و تحول در کلیهٔ نهادهایی است که زنان را از به‌دست آوردن توانمندی‌های خود باز می‌دارند.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، توانمندسازی زنان، رویکرد.

---

۱. عضو هیئت علمی دانشکدهٔ کارآفرینی دانشگاه تهران، دکترای مهندسی عمران، Email: amomayez@ut.ac.ir
۲. دانشگاه علم و فرهنگ، کارشناسی ارشد MBA، Email: fatemehusefy@yahoo.co.uk
۳. دانشکدهٔ کارآفرینی دانشگاه تهران، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، Email: sh_mohammadi@ut.ac.ir

مقدمه

در سال‌های اخیر، تعداد، اندازه و تنوع کسب و کارهای متعلق به زنان، دچار تغییرات شگرفی گردیده (Haynes et al., 2000)؛ به‌طوری که می‌توان گفت از اواخر قرن بیستم، موقعیت زنان در اقتصاد جهان، ارتقاء یافته است. امروزه، در بسیاری از کشورها، همراه با افزایش تعداد کسب و کارهای با مالکیت مردانه، تعداد کسب و کارهایی که از مالکیت زنان، بهره می‌برند، دارای افزایش چشمگیری می‌باشد (Lituchy et al.,, 2008). به عنوان مثال یک گزارش در سال ۲۰۰۵، که در سطح جهانی منتشر گردیده است بیان می‌کند که زنان بیش از یک سوم همهٔ مردم، در فعالیت‌های کارآفرینانه مشغول بوده‌اند (Minniti et al., 2005). این مشارکت‌های زنان، تنها به شرکت‌های کوچک و یا کسب و کارهای خانگی یا مشاغل غیررسمی محدود نمی‌شود، بلکه زنان موفق، در حال حاضر با مدیریت شرکت‌های چند میلیون دلاری، تعداد بسیار زیادی از افراد را مدیریت و هدایت می‌کنند. در حالی که چشم‌انداز کلی، برای کارآفرینی زنان، امیدوارکننده به نظر می‌رسد و بانوان کارآفرین دارای پتانسیل بسیار مناسبی برای ایجاد شغل و رشد اقتصادی می‌توانند باشند، تلاش آن‌ها برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو می‌باشد (Coleman 2002).

در حوزهٔ کارآفرینی، تمرکز نظریات، بر سهم منحصر به فرد زنان از کسب و کارها در حال افزایش است (Bruin et al.,, 2007). در بسیاری از موارد، اغلب تلاش‌های کارآفرینانه توسط زنان، نادیده گرفته شده است و سهم آن‌ها کم اهمیت جلوه داده شده است. شاید دلیل این امر، این باشد که مشارکت زنان در کسب و کار، بیش‌تر به صورت فعالیت‌های غیررسمی می‌باشد تا مشارکت در فعالیت‌های رسمی. در نتیجه، بخشی قابل توجه از تلاش‌های کارآفرینانه زنان، برای توسعهٔ فعالیت‌های خود با شکست روبه‌رو می‌گردد و یا توسط پژوهش‌های دانشگاهی مورد غفلت واقع می‌شود. با این وجود، این فقدان شناخت و توجه نسبت به فعالیت‌های کارآفرینانهٔ زنان، آنان را از کارافرینی و خلق ارزش باز نداشته است (Bruin et al., 2006) و حتی می‌توان گفت اثر مثبتی برای نقش‌آفرینی زنان در جامعه نیز دارد (Handy et al., 2002).

با توجه به مفهوم توانمندسازی که همانا به معنای قدرت بخشیدن است و این یعنی به افراد کمک کنیم تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود بخشند، بر ناتوانی[1] یا درماندگی[2] خود چیره شوند، و در افراد شور و شوق فعالیت ایجاد و انگیزه های درونی آنان را برای انجام دادن وظیفه بسیج کنیم (Blanchard et al., 2003)، به نظر می‌رسد که کارآفرینی، بتواند بستری برای توانمندسازی زنان، فراهم سازد.

در این مقاله، با توجه به کمبود تحقیقات دانشگاهی و ملی، در مورد کارآفرینی زنان و توانمندسازی آن‌ها، تلاش گردیده است با تمرکز بر یک مطالعه تحلیل محتوا به این سؤال پاسخ دهد که کارآفرینی چگونه می‌تواند بستری را برای توانمندسازی زنان فراهم سازد.

1. Powerlessness
2. Helplessness

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، به دلیل توسعهٔ سطح دانش موجود در مورد کارآفرینی و توانمندسازی زنان، از نظر هدف یک پژوهش توسعه‌ای و به‌دلیل بیان ابعاد مختلف این حوزه‌ها، از نظر تمرکز بر موضوع، یک پژوهش ژرفانگر است. اطلاعات مورد نیاز برای این مطالعه، به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده و با بهره‌گیری از شیوهٔ تحلیل محتوا، کارآفرینی، به‌عنوان بستری برای توانمندسازی زنان، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

کارآفرینی زنان

تعریف کارآفرینی زنان

پرفسور لاوی‌دینا[1]، «زنان کارآفرین» را این‌گونه معرفی می‌کند: «زنانی که به‌تنهایی، یا با مشارکت و یا از طریق وراثت، کسب و کاری را ایجاد کرده و یا پذیرفته و با قبول مسئولیت‌های اجتماعی، اداری و مالی، در ادارهٔ امور روزانه، مشارکت می‌کنند. این افراد، خطرات مالی را به‌منظور ورود به کسب و کاری جدید می‌پذیرند و با خلاقیت و نوآوری، محصولات جدیدی را ایجاد می‌کنند و تولیدات جدید را گسترش می‌دهند تا در بازار خرید و فروش بر رقبا غلبه پیدا نمایند» (Lavoie, 1995).

کارآفرینی زنان در جهان

کارآفرینی زنان در جهان در زمینه‌های متفاوتی مطرح است. از یک منظر می‌توان اهمیت کارآفرینی زنان را در ۳ زمینهٔ زیر بیان نمود:

- افزایش بهره‌وری در بازار.
- کاهش فقر.
- توانمندسازی اجتماعی زنان (Özar, 2005).

افزایش بهره‌وری در بازار کار

از جمله برنامه‌هایی است که به‌منظور افزایش بهره‌وری در بازار کار مورد استفاده قرار می‌گیرد، سیاست‌های بازار کار فعال ۲ می‌باشد. سیاست‌های بازار کار فعال شامل برنامه‌هایی برای متمرکز کردن جستجوی کار، آموزش توسعه‌ای سرمایهٔ انسانی، طرح‌های موقت کار و توسعهٔ سرمایه‌گذاری می‌باشد.

اهمیت رو به رشد کارآفرینی زنان، فرصت‌هایی را برای ایجاد ائتلاف بین محافل اجتماعی قدرتمند و مختلف، لابی‌های تجاری زنان، محافل سیاسی و سازمان‌های حمایتی و توسعه‌ای خلق کرده است و در مدت زمان نسبتاً کوتاهی سازمان‌های تجاری زنان در شبکه‌های بزرگ سازمان یافته و با فعالان محدودهٔ سیاسی و مدنی ارتباط برقرار کردند.

---

1. Lavoie Lavoie
2. Active Labour Market Policies (ALMPs)

این تحولات، کاملاً در راستای گفتمان نئولیبرالی[1] در ترویج جامعهٔ کارآفرینی ایده‌آل بود. بود. در این گروه‌ها، دربارهٔ مشارکت زنان در بهره‌وری اقتصادی، در سطوح مختلف، بحث صورت گرفت. برای مثال، کارآفرینی زنان به‌عنوان بهترین راه برای غلبه بر مشکلات ناشی از سقف شیشه‌ای یعنی مشکلی که مانع از فعالیت زنان به‌منظور بروز کامل توانمندی آنها خواهد شد، در سازمان‌ها مطرح شد (Wirth, 2001).

به‌طور کلی در جهان، ۲۵ تا ۳۰ درصد کل کارها متعلق به زنان است. زنان در اروپا، یک سوم از همهٔ کسب و کارها را به خود اختصاص داده‌اند و به‌طور رسمی زنان ۹,۵ درصد در مقایسه با ۱۸,۹ درصد از مردان، خود اشتغال هستند.

در مناطق روستایی نیز، کارآفرینی زنان پراکنده است و با توجه به این‌که زنان تمایل کمی به فعالیت‌های کارآفرینانه در خارج از روستا دارند، این عامل بر اشتغال روستایی تأثیر مثبتی داشته است. همچنین، کارآفرینی زنان به انعطاف‌پذیری بازار کار (یعنی این‌که آنها کار خود را به هر نحوی تغییر دهند، قبل از آن‌که بیکار شوند. این تبدیل وضعیت می‌تواند به شکل کارگری موقت، خوداشتغالی، کارآفرینی و ... ، باشد)، تحرک منابع و پاکسازی بهتر بازار (از آن‌جائی‌که زنان معمولاً حاشیه سود نسبتاً کم را در خانه و کارگاه‌های کوچک بر پایهٔ انطاف‌پذیری و خوداشتغالی می‌پذیرند) کمک خواهد کرد (Employment NOW Community Initiative, 1998).

کاهش فقر

موقعیت زنان در خانواده‌ها، از زمانی که آنها در تلاش برای کاهش فقر از طریق درآمدشان برای رفاه خانواده، اعم از آموزش و بهداشت کودکان و غیره بوده‌اند، بسیار مهم و حیاتی شده است. از طرف دیگر، افزایش تعداد مادران تنها و ترکیبات خانوادگی غیرمعمول، بیانگر نیاز به رویکرد خاص برای فقر زنان بود، چراکه قراردادی که در آن مرد به عنوان فراهم‌کنندهٔ رفاه پذیرفته شده بود، به‌نظر می‌آمد که دیگر شکسته شده است (Valenzuela, 2003).

از طریق ابزار قدیمی کاهش فقر، مانند سیاست‌های اجتماعی انتقال مستقیم درآمد و توزیع مجدد ثروت، محققان و دولتمردان، به‌دنبال استراتژی‌های جایگزین بودند. در این رابطه، سیستم‌های اعتباری خرد، توجه زیادی را در کاهش فقر به خود جلب کردند و برای یک دوره به‌نظر می‌رسید که یک درمان نسبتاً جادویی برای فقر هستند. به همین دلیل، زنان، بخش مهمی از گروه‌های هدف این سیستم را تشکیل داده‌اند و استقبال آنها خیلی زود، یک رکورد عالی از بازده‌های اعتباری به‌دست آورد. با وجود این‌که درآمد آنها از طریق همین سیستم‌های اعتباری خرد به‌دست می‌آمد، اما خیلی خوب نبود ولی به‌جهت آن‌که، این برنامه‌ها باعث خروج زنان از فقر مطلق می‌شد تا حدی رضایت‌بخش بود (Kantor, 2001).

توانمندسازی اجتماعی زنان

موضوع کارآفرینی زنان، توجه ویژه‌ای را به جنبش زنان و توسعه تلاش‌های آنان توسط سازمان‌های زنان مبذول داشته است. خدمات سازمان‌های زنان، شبیه به برنامه‌های

1. Neoliberal

سیاست‌های بازار کار می‌باشد. خدماتی مانند: آموزش حرفه‌ای، اعتبارات خرد، کارگاه‌های آموزشی، مکان‌های فروش مشترک، سازمان‌های خیریه به‌منظور توسعهٔ کانال‌های فروش و برنامه‌های طراحی محصول با توجه به تقاضای زنان فقیر برای کسب درآمد.

فعالیت‌های کارآفرینانهٔ زنان برای ایجاد اشتغال زنان، به‌صورتی که برای آنها مزدی درنظر گرفته شود، نیازمند افزایش تشویق کارفرمایان برای استخدام نیروی کار زنان، سازماندهی محل کار برای انطباق نیازهای زنان (مهد و کودکستان، مکان‌های پرستاری و غیره)، سازماندهی ساعات کاری؛ با توجه به مقررات عمومی و نهادها و سیستم‌های مداخله‌گر دولتی در امور اقتصادی، می‌باشد. در غیر این‌صورت گزینه استخدام کارمزدی برای افزایش اشتغال زنان محدود می‌شود. تا زمانی‌که عوامل ساختاری در ارتباط با یکدیگر نباشند، خدمات سیاست‌های بازار کار، می‌توانند تعداد کمی از موانع، مانند موانع ناشی از عوامل حرفه‌ای، نظیر ضعف سرمایهٔ انسانی را از پیش روی زنان بردارند.

رویکردهای متفاوت کارآفرینی به توسعه

هنگام بررسی استراتژی کارآفرینی با تمرکز بر زنان، به‌عنوان یک سیاست توسعه، نیازمند توجه به رویکردهای توسعه می‌باشیم. طرح انتقادهای فمنیستی[1] به جریان اصلی توسعه، باعث تمایز رویکردهای متفاوتی به موضوع کارآفرینی می‌شود.

شروع بحث‌های توسعه‌ای فمنیستی به نظر بازراپ[2] در سال ۱۹۸۷ برمی‌گردد. وی عنوان می‌کند که فمنیست‌ها تلاش کرده‌اند بعد روابط جنسیتی را با تئوری توسعه ترکیب کنند و از این منظر، ۳ رویکرد ایجاد کرده‌اند:

رویکرد توسعه زنان[3]

بازرا بر نیاز به کار مولد زنان و اهمیت کار آنها در سیستم اقتصادی، به‌منظور توسعه، اذعان می‌کند. در این رویکرد، «برابری جنسیتی» و «بهره‌وری» به عنوان اهداف اساسی و الگوهای شکل گرفته از این رویکرد پذیرفته شده‌اند (Molineux, 1998).

در این رویکرد، درآمد در مقیاس کم و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه‌ای با هدفگذاری بر روی زنان عنوان شده است. از سوی دیگر، تقسیم کار بین زنان و مردان در مسئولیت‌های داخلی به چالش کشیده نمی‌شود و این امر باعث می‌گردد زنان به مسئولیت‌هایی غیر از بازار، روی بیاورند؛ کارهایی که برای آنها مزدی در نظر گرفته نمی‌شود و به همین علت، در این رویکرد، حمایت از شیوه‌هایی که تأثیر مسئولیت بر دوش زنان را عنوان می‌کند، حذف شده است (Reeves & Baden, 2000).

در رویکرد فوق، گنجاندن زنان در پروژه‌های توسعه‌ای به دلایل مختلفی است از جمله:

- ادعای لیبرالی[1] مشارکت زنان در بازار کار، موقعیت اجتماعی آنها را افزایش خواهد داد (رویکرد عدالت).

1. Feminist
2. Bazerup
3. Women in development approach (WID)

- مشارکت زنان، بهره‌وری را در اقتصاد افزایش خواهد داد (رویکرد بهره‌وری).
- پرداخت‌های کاری که به زنان صورت می‌گیرد، به افزایش رفاه و کاهش فقر از سطح خانوار کمک خواهد کرد (رویکرد کاهش فقر و افزایش رفاه) (Young, 1993).

اما پیش‌تر از آن، رویکرد رفاه[2]، توسط مولینیوکس[3] در سال ۱۹۸۵ عنوان شده بود. این رویکرد تأکید می‌کند که هنگامی‌که زنان تحصیل‌کرده‌تر هستند و قدرت سیاسی و اجتماعی بیشتری دارند، نرخ رشد جمعیت کاهش یافته و تخصیص منابع در خانواده برای حمایت از رفاه خانواده و آموزش و پرورش آنان صورت می‌گیرد. در حقیقت، زنان، عوامل حیاتی در جمعیت مؤثر برای خانواده و همچنین سیاست‌های خانوادگی هستند. در واقع این دیدگاه در پیدایش این مطلب که سرمایه‌گذاری بر روی زنان موجب تقویت رفاه خانواده شده و آموزش زنان نتایج بهتری برای ارائه نسل‌های سالم‌تر خواهد داشت، نقش داشته است (Molineux, 1985).

رویکرد توسعه و جنسیت[4]

در این رویکرد، به‌جای اینکه فقط به مشارکت زنان در کار تولیدی و نقش مولد زنان در جامعه توجه شود، به عواقب ناشی از روابط نابرابر جنسیتی در توسعه و تمامیت مسئولیت کار زنان (چه به‌صورت پرداخت مزد و یا عدم پرداخت) نیز توجه شده است و به این مسئله که به زنان مزدی تعلق نمی‌گیرد، به‌عنوان مشکل نگاه شده و مورد انتقاد قرار گرفته است. در این رویکرد به هر دو نیاز کاربردی و استراتژیکی جنسیتی توجه شده است. از جمله ابزارهای استراتژیکی به‌کاربرده‌شده، تولید درآمد در مقیاس کم و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه‌ای می‌باشد (Kabeer & Subrahmanian, 1996).

رویکرد توانمندسازی[5]

دیدگاه توانمندسازی، استراتژی‌هایی را برای زنان به‌منظور دستیابی به منابع، مهارت‌ها و روابط اجتماعی عنوان می‌کند. در تعریف فرایند توانمندسازی، عنوان شده است که توانمندسازی توسط خود زنان، از طریق نقش کاتالیزگر سازمان‌های غیردولتی زنان[6] و سازمان‌های گروه‌های مختلف به‌دست می‌آید. این اصل، گروه‌های زنان را قادر می‌سازد راهشان را متناسب با توانمندسازی خود، طبق محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، پیدا کنند، به‌جای آن‌که مداخلاتی از سوی سازمان‌های کمک‌رسان توسعه‌ای صورت گیرد. همین‌طور ایجاد گروه نیز در این فرایندها، هدف است. از طرفی در این رویکرد، تمایز بین نیازهای جنسیتی کاربردی (نیازهایی با اهمیت کمتر) و نیازهای جننسیتی استراتژیک (نیازهای مهم‌تر) رد شده است و به جای آن، به توسعهٔ نیازهای جنسیتی زنان در هر بخش

1.Liberal
1. Welfare
2. Molineux
3. Gender and development approach(GAD)
4. Empowerment approach
5. NGOs

از زندگی اجتماعی توجه شده است. از جمله ابزارهای استراتژیکی به‌کاربرده شده در این رویکرد، تشکیل گروه‌های کوچک و فعالیت‌های مشارکتی در مقیاس‌های محلی می‌باشد.

البته موزر[1] در سال ۱۹۹۳ در طبقه‌بندی دیگری، عنوان کرد که رویکرد توانمندسازی از طریق تجربیات سازمان‌های زنان، گسترش می‌یابد و از این طریق زنان، طرح‌ها و ابتکاراتشان را سازماندهی کرده و برای مسائل مختلف، راه‌حل‌های مناسب رشد و ترقی را به‌صورت گروهی به‌دست می‌آورند و در این راه، سازمان‌های زنان آنها را تقویت خواهند کرد.

اگرچه فعالان در این زمینه، ادعا کرده‌اند که یک استراتژی اجرایی، البته بدون پیشنهادات قابل توجهی در ارتباط با فرایند توسعهٔ زنان تعریف می‌کنند، اما آنها فقط شیوه‌های سازماندهی زنان را به اثبات رسانیده‌اند و استراتژی را ارائه نداده‌اند. رویکرد توانمندسازی به شیوهٔ عمل جریان توسعه، به‌عنوان کمک به شکل فعالیت زنان، انتقاد می‌کند و مدعیست که باید بر روی فعال کردن قدرت احزاب آسیب‌پذیر و محقق کردن ابتکار عمل آنها تمرکز شود. از همه مهم‌تر، این رویکرد، انواع ابزار مشارکت زنان و دیدگاه جنسیتی را در تئوری توسعه و شیوهٔ عمل آن رد می‌کند (Moser, 1993) .

عوامل اثرگذار بر کارآفرینی زنان

به منظور کارآفرینی زنان، ۳ عامل را می‌توان به شرح زیر برشمرد. عواملی که بر کارآفرینی زنان اثرگذار است:

عوامل رفتاری شامل:

- اعتماد به‌نفس؛
- توانایی رهبری؛
- ریسک‌پذیری؛
- فهم ارزش‌های اخلاقی در تماس با کارکنان و مشتریان در تولید مناسب؛
- استقلال در مدیریت شرکت‌ها در سطوح مالی و رسمی؛
- انعطاف‌پذیری در مواجهه با اتفاقات غیرمنتظره؛
- تحمل موانع و مشکلات مالی و حقوقی و صبر پیشه کردن؛
- تحمل عدم قطعیت در مواجهه با مشکلاتی که دلایلش روشن نیست و پیدا کردن یک راه‌حل مناسب؛
- قدرت حاکمیت در شرکت و مدیریت کارکنان و سازمان؛
- فرصت‌طلبی: استفاده از فرصت‌های مالی و حقوقی؛
- کسب مهارت در یک زمینه خاص؛
- نوآوری در ارائهٔ فرایندهای بهتر و روش‌های بازاریابی که سودآورتر و کم‌هزینه‌تر است.

عوامل ساختاری شامل:

- اعطای پرداخت وام‌های رسمی و اعتباری به کارآفرینان زن؛
- توجه به مشارکت زنان و حمایت از آنها در صنعت و مصوبات دولتی؛

1. Moser

- توجه به تکنولوژی مورد نیاز و تجهیزات بخش صنعتی با تخفیف ویژه و امکانات توسط دولت؛
- حمایت مالی از کارآفرینان زن در خدمات مشاوره‌ای، برای فعالیت‌های تجاری، بازاریابی و آماده‌سازی برنامه‌های تجاری به‌وسیلهٔ دولت؛
- اتصال مراکز دانشگاهی به کارآفرینان برای مطالعات توسعه‌ای؛
- ارائهٔ تسهیلات موردنیاز برای ایجاد کارآفرینی شرکت‌های دولتی؛
- آموزش کارآفرینی در سیاست‌های دولتی؛
- پذیرش طرح‌های کسب و کار زنان کارآفرین توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی؛
- همکاری بانک‌ها برای اعطای اعتبار و وام.

عوامل محیطی شامل:

- ارائهٔ منطقه مناسب برای فعالیت کارآفرینی زنان؛
- رفتار مثبت سازمان‌ها و مؤسسات اقتصادی با کارآفرینان زن؛
- رفتار مردم با زنان کارآفرین؛
- توافق همسران در بخش‌های صنعتی (Yaghoubi & Ahmadi, 2010).

توانمند سازی زنان

تعاریف توانمندسازی زنان

توانمندسازی، یک مفهوم توسعه‌یافته به‌وسیلهٔ سازمان‌های مردمی کشورهای در حال توسعه، بالاخص، سازمان‌های زنان می‌باشد. بسط این مفهوم منجر به رشد سازمان‌های ضعیف جهان سوم و جمع‌آوری و تدوین تجربیات، در زمینهٔ توسعهٔ حقوق افراد ضعیف و منازعات سیاسی در استراتژی‌های سیاسی می‌شود (Razavi & Miller, 1995).

از توانمندسازی، تعاریف متعددی ارائه شده است. به‌عنوان مثال، کلر[1] و ام‌بی‌وو[2] توانمندسازی زنان را فرایندی تعریف می‌کنند که به‌وسیلهٔ آن، زنان برای سازماندهی خودشان توانمند می‌شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود، برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع، که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی آنها می‌گردد، دفاع می‌کنند (Malhatra, 2002).

فارست[3] نیز توانمندسازی را به معنای به چالش کشیدن مناسبات سنتی قدرت بین زن و مرد و تلاشی برای بازتوزیع قدرت و منابع جهت یاری به فقرا تعریف می‌کند (Forrest, 1994).

همین‌طور، اگبومه[4] توانمندسازی را به‌معنای دستیابی بیش‌تر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می‌داند که موجب احساس استقلال و اعتماد به‌نفس بیشتری در آنها می‌شود. این فرایند، موجب افزایش عزت نفس زنان می‌گردد. به این معنا که موجب بهبود تصویری می‌شود که زنان از خودشان می‌بینند (Ugbpmeh, 2001).

---

1. Keller
2. Mbwew
3. Forrest
4. Ugbpmeh

و در نهایت، توانمندسازی زنان به‌معنی سازماندهی شدن و تولید استراتژی‌های توانمندسازی، بر اساس واقعیت زندگی زنان، به‌منظور توسعG روش‌هایی برای بهبود وضعیت و ظرفیت تصمیم‌گیری آنها و دسترسی به دارایی‌ها و ظرفیت‌هایی در هر زمینه از زندگی آنها، در خلال ایجاد تغییرات تحول‌آفرین می‌باشد (Razavi & Miller, 1995).

مفاهیم مشترک توانمندسازی زنان

از بررسی تعاریف چنین برمی‌آید که توانمندسازی زنان شامل ۳ مفهوم مرتبط و مشترک می‌باشد:

- دسترسی به منابع (شرط اصلی و اولیه)

این بعد از توانمندسازی جزو عوامل تسریع‌کنندهٔ توانمندسازی محسوب می‌شود. دسترسی اغلب زنان به منابع، به‌خصوص مشاغل رسمی، به دلیل شرایط فرهنگی که نقش زنان از آن تبعیت می‌کنند، محدود شده است (Brahme, 1984).

تابعیت زنان، به‌ویژه زنانی که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی دچار نقصان هستند، به‌علت فقدان مهارت‌های فنی و کلان در مدرسه و یا آموزش‌های توسعه‌یافته می‌باشد (Ghosh, 2002).

بیش‌تر دختران از شرکت در آموزش‌های مهارت‌آموزی، به خاطر تصمیمات خانواده و یا هنجارهای اجتماعی، منع می‌شوند. نداشتن مهارت‌های خاص می‌تواند از بسیاری از جسارت‌ها برای شروع کسب و کارهای خوداشتغالی جلوگیری کند (Calás et al., 2009).

- عاملیت (فرایندها)

کالاس[1] و همکارانش در سال ۲۰۰۹ عنوان کردند که دسترسی به منابع تضمینی برای تغییر اجتماعی نیست. حتی اگر زنان، به‌منابع، دسترسی پیدا کنند، صرف‌نظر از مهارت‌های حرفه‌ای آنان، شاید شرایط فرهنگی مانع از تصمیم‌گیری آنها برای اجرای شغل باشد. تحریم‌ها و سلطه‌های مردسالارانه، می‌توانند به‌طور غیرمستقیم، مانعی برای اشتغال زنان باشد (Calás et al., 2009).

موضوع عاملیت، چالش‌هایی که در زمینهٔ اندازه‌گیری توانمندسازی زنان وجود دارد را برجسته می‌سازد. تمایز قابل توجهی بین افزایش فرصت‌های اجتماعی زنان و انتخاب و حصول اطمینان از این‌که یک زن واقعاً قادر به انتخاب و استفاده از فرصت است، وجود دارد (Williams, 2005).

در حقیقت نباید زنان را فقط به‌عنوان دریافت‌کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به‌عنوان بازیگران اصلی در فرایند تغییر به‌ویژه در تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در زندگی آنها دارد، درنظر گرفته شوند. این عنصر معرف اهمیت گفتمان از پائین به بالا نسبت به رویکرد از بالا به پائین است (Malhatra, 2002).

- دستاوردها

کابر[2] عنوان می‌کند که دستاوردهای واقعی یا خروجی‌ها یک فاکتور بسیار مهم برای درک توانمندسازی زنان است. یکی از چالش‌های اندازه‌گیری خروجی‌های خاص

1. Calás
2. Kabeer

توانمندسازی زنان، شناسایی پویایی قدرت جامعه می‌باشد که همواره در حال تکامل است. آنچه به منزلهٔ توانمندسازی تعریف می‌شود، می‌تواند از یک زمان به زمان دیگر و از یک موقعیت به موقعیت دیگر، تغییر کند. تفسیر تعریف‌های مختلف، سنجش داده‌ها را مشکل‌تر می‌کند. برای دستیابی به فرایند اندازه‌گیری دستاوردهای توانمندسازی، در طولانی مدت، داده‌های کیفی می‌توانند منابع غنی باشند (Kabeer, 1996).

ابعاد توانمندسازی زنان

توانمندسازی زنان، از طریق توانمند کردن زنان، در ۴ بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی به شرح ذیل صورت می‌گیرد:

- توانمندی اقتصادی: با متغیرهای کسب و یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام و قدرت پس‌انداز کردن تعریف شده است.
- توانمندی اجتماعی: با مؤلفه‌هایی نظیر تغییر نگرش نسبت به نقش زنان، تمایل به مشارکت در امور اجتماعی، جمع‌گرایی و تمایل به حضور در فضاهای عمومی عنوان شده است.
- توانمندی سیاسی: به افزایش مشارکت سیاسی، مبارزه برای کسب حقوق برابر و حذف تبعیض علیه زنان اطلاق می‌شود.
- توانمندی روانی: با متغیرهای عزت نفس، استقلال فکری، احساس قدرت و افزایش خود اثربخشی معرفی می‌شود (شادی طلب و گرایی نژاد، ۱۳۸۳).

در تقسیم‌بندی دیگری، ابعاد توانمندسازی شامل: احساس نسبت به خود و چشم‌انداز آینده، تحرک و قابلیت حضور، امنیت اقتصادی، تصمیم‌گیری در خانواده، توانایی برای ارتباط مؤثر در حوزهٔ عمومی و مشارکت در گروه‌های غیرخانوادگی می‌باشد (Hashemi & Schuler, 1993).

دیدگاه و رویکرد فمنیستی توانمندسازی زنان

دیدگاه فمنیستی توانمندسازی در بسط و گسترش بیشتر رویکرد فمنیستی به قدرت ریشه دارد، که این مطالب از بحث‌های رایج در ارتباط با حکومت، مشارکت و حقوق بشر مشتق می‌شود. قدرت برای پوشش ۴ معنی مختلف عنوان می‌شود:

- قدرت متجاوز

در این نوع از قدرت، یکی از طرفین، قدرت را حفظ می‌کند و طرف دیگر قدرت را از دست می‌دهد و تشکیل‌دهندهٔ قدرت مجبور به حفظ آن از طریق اعمال خشونت و سرکوب است. این نوع از قدرت براساس سناریوی ارتباط متضاد بین دو طرف و یا بیشتر است.

- قدرت برابر

این قدرت، مربوط به تصمیم‌گیری ظرفیت و اختیار بزرگ کردن گزینه‌های موجود در ارتباط با تصمیم‌گیری است.

- قدرت با دیگران

این تعریف از قدرت، توصیف مجموعه‌ای از افراد است که در محدودهٔ یک هدف مشترک، درگیر می‌باشند.

- قدرت درونی

تبدیل تجربیات فردی و گروهی مثبت افراد برای ایجاد اعتماد به نفس و جسارت در آنها می‌باشد.

جنبش فمنیستی، استراتژی توانمندسازی خود را به‌ویژه با استفاده از تعاریف "قدرت با دیگران" و "قدرت درونی"، ایجاد کرده است. به‌منظور انتقال ساختارهای قدرت موجود و عملیات در همهٔ سطوح، یک استراتژی متقابل چندسطحی و چشم‌انداز جامعی مورد نیاز است که با رویکرد توانمندسازی تهیه می‌شود (Qxaal & Baden, 1997; 5).

اصول اولیهٔ رویکرد توانمندسازی در این بخش، از اصول و تجربیات سازمان‌های فمنیستی به‌دست آمده است:

- توانمندسازی توسط خود زنان: هدف این رویکرد، تجهیز نیروی بالقوه زنان، به‌منظور توانمند کردن آنها می‌باشد.
- رویکرد پائین به بالا: سازمان‌های زنان و گروه‌های هدف آنها باید شیوه‌های توسعه‌ای خود را، طراحی، اجرا و نظارت کنند.
- عاملیت: فراتر از طراحی مدل‌های مشارکتی، رویکرد توانمندسازی، راه‌هایی را برای اجرا و عمل به استراتژی‌های توانمندسازی که خود زنان پیدا کرده‌اند، به‌عنوان عوامل اصلی اجرا و پیاده‌سازی، جست‌وجو می‌کند.
- مالکیت اشتراکی: رویکرد توانمندسازی فمنیستی، تأکید زیادی بر روی اقدام جمعی زنان می‌کند و عنوان می‌کند که زنان باید سازمان‌دهی شده و به‌صورت جمعی فعالیت کنند.
- ایجاد تغییر و تحول- ویژگی‌های سیاسی فعالیت: شیوه‌های دستیابی به توانمند شدن زنان در یک روش مفهومی، به‌وسیلهٔ رویکرد توانمندسازی فمنیستی، به‌طور مستقیم، سازمان سیاسی و فعالیت سیاسی تحول‌گرا را مورد هدف قرار می‌دهد (Qxaal & Baden, 1997; 16).

بحث و نتیجه‌گیری

در بحث کارآفرینی، توجه به توانمندسازی زنان مستلزم برخوردی جامع‌تر و عمیق‌تر، تقویت ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی توانمندسازی و مستلزم برداشتن موانع و تحول در کلیهٔ نهادهایی است که زنان را از به‌دست آوردن توانمندی‌های خود باز می‌دارد. این مطلب، با نظرات شادی طلب و گرایی‌نژاد (۱۳۸۳)، کالاس[1] و همکاران (۲۰۰۹)، و اکساآ[2] و بیدن[3] (۱۹۹۷) مطابقت دارد.

کارآفرینی به‌نوبهٔ خود، فرایند پیچیده‌ای است که عوامل متعدد رفتاری، ساختاری و محیطی، بر آن تأثیرگذار است و شاید همین پیچیدگی و ناهمواری، توجیه‌کنندهٔ میزان قابل تأمل عدم موفقیت بانوان در کارآفرینی و اساساً عدم ورود آنها به فعالیت‌های کارآفرینانه

1. Calac
2. Oxaal
3. Baden

باشد. از این‌رو، شناسایی عوامل مؤثر در فرایند راه‌اندازی یک فعالیت کارآفرینانه و شناخت ویژگی‌های زنان کارآفرین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

علاوه بر محدودیت‌های مختلفی که پیش‌روی یک کارآفرین یا ایجادکنندگان و توسعه دهندگان بنگاه‌های اقتصادی قرار دارد، زنان باید بر محدودیت‌های دیگری که گهگاه نیز غیرقابل حل هستند، فائق آیند. دلیل این محدودیت‌ها، اغلب وجود تبعیض‌های مختلفی است که در سطح عمیقی از رفتارهای فرهنگی حاکم بر جوامع، تثبیت شده و در این میان کارآفرین زن، بزرگ‌ترین گروه از جمعیتی را تشکیل می‌دهند که از چنین اعمال تبعیض‌آمیز شغلی رنج می‌برند. تداوم تبعیض جنسیتی علیه زنان، موجب طرح رویکردها و تدابیر مختلف از جمله توانمندسازی زنان در ادبیات توسعه و جنسیت شده است.

گزارش‌های بانک جهانی در سال‌های اخیر، اکثراً به استمرار محرومیت و نابرابری جنسیتی درکشورهای در حال توسعه، صحه گذاشته است. بر اساس گزارش بانک جهانی، بیش از ۶۶٪ از حدود یک و نیم میلیارد نفر از فقرای جهان را زنان تشکیل می‌دهند و این در حالی است که زنان در سراسر جهان، همواره بیش از دو سوم از بازار کار را بر دوش داشته‌اند، اما تنها ۱۰٪ از کل درآمد جهانی و فقط ۱٪ از ثروت جهان نصیب آنها شده است.

منابع

شادی‌طلب، ژاله؛ گرایی‌نژاد، علی‌رضا (۱۳۸۳) فقر زنان سرپرست خانوار، پژوهش زنان، دوره دوم، شماره اول.

Blanchard, K. H., Carlos, J. P., & Randolph, A. (2003). Empowerment Take More Than One Minute. Sanfrancisco: Barrett-Koehler.

Brahme, S. (1984). Producers' cooperatives. Roterdam: Institute of Social Studies.

Bruin, A., Brush, C., & Welter, F. (2006). Towards building cumulative knowledge on women's entrepreneurship. Entrepreneurship Theory and Practice, 30(5), 585–594.

Bruin, A., Brush, C., & Welter, F. (2007). Advancing a framework for coherent research on women's entrepreneurship. Entrepreneurship Theory and Practice, 31(3), 323–339.

Calás, M., Smircich, L., & Bourne, K. (2009). Extending the boundaries: Reframing "entrepreneurship as social change" through feminist perspectives. Academy of Management Review, 34(3), 552–569.

Coleman, S. (2002). Constraints faced by women small business owners: evidence from the data. Journal of Dave Entrep, 7(2), 151–175.

Forrest, W. D. (1999). Education and Empowerment. Oxford University Press and Community Development Jornal, 34(2), 93-107.

Ghosh, J. (2002). Globalization, export-oriented employment for women and social policy: A case study of India. Social Scientist, 30(11/12), 17–60.

Handy, F., Kassam, M., & Ranade, S. (2002). Factors influencing women entrepreneurs of NGOs in India. Nonprofit Management and Leadership, 3(2), 139–154.

Hashemi, S. M., & Schule, S. R. (1993). Defining and studying empowerment of women:Aresearch note from Bangladesh. JSI Working Paper(3).

Haynes, G., Rowe, B., Walker, R., & Hong, G. (2000). The differences in financial structure between women and men owned family businesses. J Fam Econ Iss, 21(3), 209–226.

Initiative, E. N. (1998). Business Creation By Women Measures to Support the Creation. Consolidation and Growth of Women Owned Business, European Commission.

Kabeer, N. (1999). Resources, agency, achievements: Reflections on the measurement of women's empowerment. Development and Change, 30(3), 435–464.

Kabeer, N., & Subrahmanian, R. (1999). Institutions, Relations and Outcomes Framework and Tools for Gender-Aware Planning. Discussion Paper - Institute of Development Studies, University of Sussex.

Kantor, P. (2001). Promoting Women's Entrepreneurship Development based on Good Practice Programmes: Some Experiences from the North to the South. Series on women's entrepreneurship development and gender in enterprises (WEDGE)(9).

Lavoie, D. (1995). Froum sur I entrepreneurship feminine quebecois. Ecoledes hautes etudes commericales Montreal.

Lituchy, T. A., Duffy, J. A., Monserrat, S., Fox, S., Gregory, A., Punnett, B. J., . . . Miller, J. (2008). Comparative Study ofWomen Small Business Owners in the Americas. (I. Aaltio, P. Kyr?, & E. Sundin, Eds.) Denmark: Business School press.

Malhatra, S., Schuler, R., & Boender, C. (2002). Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development. Retrieved from http://Sitere sources.Worldbank.Org

Minniti, M., Allen, I., & Langowitz, N. (2005). Global entrepreneurship monitor report on women and Minnit. London: Babson College.

Molyneux, M. (1985). Mobilization without emancipation? Women's interest, the state and revolution in Nicaragua. Feminist Studies, 11, 227-54.

Molyneux, M. (1998). Analyzing Women's Movements. London: Routledge.

Moser, C. (1993). Gender Planning and Development: Theory, Practice and Training. Routledge: London.

Oxaal, Z., & Baden, S. (1997). Gender and Empowerment: Definitions Approaches and Implications for Policy. Institute of Development Studies, University of Sussex. Brighton: , BRIDGE.

Özar, S., Dadak, T., & Keklik, H. (2005). GAP Bölgesi Kadın Girisimcilik Raporu. Ankara: Gap daresi Yayını.

Razavi, S., & Miller, C. (1995). From WID to GAD: Conceptual Shifts in the Women and Development Discourse, UNRISD Occasional Paper. UNRSID Geneva.

Reeves, H., & Baden, S. (2000). Gender and Development: Concepts and Definitions. , BRIDGE Institute of Development Studies. Brighton: University of Susse.

Ugbomeh, M., & George, M. (2001). Women Empowerment in Agricultural Education, for Sustainable Rural Development. Oxford University Press and Community Development Journal, 36(4), 289-302.

Valenzuela, M. E. (2003). The Incorporation of Gender ın Employment and Anti-Poverty Policies: Challenges for the Future. Geneva: National Policy Group Policy Integration Department.

Williams, J. (2005). Measuring gender and women's empowerment using confirmatory factor analysis. Retrieved from University of Colorado Institute of Behavioral Science: www.colorado.edu/

Wirth, L. (2001). Breaking through the Glass Ceiling. International Labour Org.

Yaghoubi, n. m., & Ahmadi, f. (2010). Factors Affecting the Women Entrepreneurship in Industrial. Journal of Social Sciences, 17(1).

Young, k. (1993). Planning and Development with Women. (k. Young, Ed.) London: Macmillan Press.

(n.d.).

(1993) 'Framework for analysis', in K. Young, (ed) Planning and Development with Women, London: Macmillan Press. (n.d.).

Blanchard, K. H., Carlos, J. P., & Randolph, A. (2003). Empowerment Take More Than One Minute. Sanfrancisco: Barrett-Koehler.

Brahme, S. (1984). Producers' cooperatives. Roterdam: Institute of Social Studies.

Bruin, A., Brush, C., & Welter, F. (2006). Towards building cumulative knowledge on women's entrepreneurship. Entrepreneurship Theory and Practice, 30(5), 585–594.

Bruin, A., Brush, C., & Welter, F. (2007). Advancing a framework for coherent research on women's entrepreneurship. Entrepreneurship Theory and Practice, 31(3), 323–339.

Calás, M., Smircich, L., & Bourne, K. (Academy of Management Review). Extending the boundaries: Reframing "entrepreneurship as social change" through feminist perspectives. 34(3), 552–569.

Coleman, S. (2002). Constraints faced by women small business owners: evidence from the data. Journal of Dave Entrep, 7(2), 151–175.

Forrest, W. D. (1999). Education and Empowerment. Oxford University Press and Community Development Jornal, 34(2), 93-107.

Ghosh, J. (2002). Globalization, export-oriented employment for women and social policy: A case study of India. Social Scientist, 30(11/12), 17–60.

Handy, F., Kassam, M., & Ranade, S. (2002). Factors influencing women entrepreneurs of NGOs in India. Nonprofit Management and Leadership, 3(2), 139–154.

Hashemi, S. M., & Schule, S. R. (1993). Defining and studying empowerment of women:Aresearch note from Bangladesh. JSI Working Paper(3).

Haynes, G., Rowe, B., Walker, R., & Hong, G. (2000). The differences in financial structure between women and men owned family businesses. J Fam Econ Iss, 21(3), 209–226.

Employment NOW Community Initiative, E. N. (1998). Business Creation By Women Measures to Support the Creation. Consolidation and Growth of Women Owned Business, European Commission.

Kabeer, N. (1999). Resources, agency, achievements: Reflections on the measurement of women's empowerment. Development and Change, 30(3), 435–464.

Kabeer, N., & Subrahmanian, R. (1999). Institutions, Relations and Outcomes Framework and Tools for Gender-Aware Planning. Discussion Paper - Institute of Development Studies, University of Sussex.

Kantor, P. (2001). Promoting Women's Entrepreneurship Development based on Good Practice Programmes: Some Experiences from the

North to the South. Series on women's entrepreneurship development and gender in enterprises (WEDGE)(9).
Lavoie, D. (1995). Froum sur I entrepreneurship feminine quebecois. Ecoledes hautes etudes commericales Montreal.
Lituchy, T. A., Duffy, J. A., Monserrat, S., Fox, S., Gregory, A., Punnett, B. J., . . . Miller, J. (2008). Comparative Study ofWomen Small Business Owners in the Americas. (I. Aaltio, P. Kyr?, & E. Sundin, Eds.) Denmark: Business School press.
Malhatra, S., Schuler, R., & Boender, C. (2002). Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development. Retrieved from http://Sitere sources.Worldbank.Org
Minniti, M., Allen, I., & Langowitz, N. (2005). Global entrepreneurship monitor report on women and Minnit. London: Babson College.
Molyneux, M. (1985). Mobilization without emancipation? Women's interest, the state and revolution in Nicaragua. Feminist Studies, 11, 227-54.
Molyneux, M. (1998). Analyzing Women's Movements. London: Routledge.
Moser, C. (1993). Gender Planning and Development: Theory, Practice and Training. Routledge: London.
Oxaal, Z., & Baden, S. (1997). Gender and Empowerment: Definitions Approaches and Implications for Policy. Institute of Development Studies, University of Sussex. Brighton: , BRIDGE.
Özar, S., Dadak, T., & Keklik, H. (2005). GAP Bölgesi Kadın Girisimcilik Raporu. Ankara: Gap daresi Yayını.
Razavi, S., & Miller, C. (1995). From WID to GAD: Conceptual Shifts in the Women and Development Discourse, UNRISD Occasional Paper. UNRSID Geneva.
Reeves, H., & Baden, S. (2000). Gender and Development: Concepts and Definitions. , BRIDGE Institute of Development Studies. Brighton: University of Susse.
Ugbomeh, M., & George, M. (2001). Women Empowerment in Agricultural Education, for Sustainable Rural Development. Oxford University Press and Community Development Journal, 36(4), 289-302.
Valenzuela, M. E. (2003). The Incorporation of Gender ın Employment and Anti-Poverty Policies: Challenges for the Future. Geneva: National Policy Group Policy Integration Department.
Williams, J. (2005). Measuring gender and women's empowerment using confirmatory factor analysis. Retrieved from University of Colorado Institute of Behavioral Science: www.colorado.edu/
Wirth, L. (2001). Breaking through the Glass Ceiling. International Labour Org.
Yaghoubi, n. m., & Ahmadi, f. (2010). Factors Affecting the Women Entrepreneurship in Industrial. Journal of Social Sciences, 17(1).
Young, k. (1993). Planning and Development with Women. (k. Young, Ed.) London: Macmillan Press.

کارآفرینی و اشتغال زنان و بازکاوی نقش زنان در تولید ملی

نازیلا زیرک[1]
نائله زیرک[2]
فاطمه محمدزاده[3]

چکیده

باتوجه به این نکته که کارآفرینی در ایران پدیدهٔ جدیدی است و می‌توان گفت که مطالعات محدودی در زمینهٔ کارآفرینی زنان انجام شده‌است. باتوجه به اینکه زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، بدون مشارکت این قشر از جامعه نیل به توسعهٔ واقعی امکان‌پذیر نخواهد بود، کلید موفقیت زنان در این عرصه و مشارکت آنان در فعالیت‌های کارآفرینی، یافتن روش‌های خلاقانه‌ای است که با رفع موانع موجود زمینهٔ حضور آنان را بیش از پیش تسهیل کند. بررسی موانع اشتغال و کارآفرینی زنان از دیدگاه‌های مختلف این فرضیه را به ذهن می‌آورد که شاید بر خلاف اکثریت آراء، عوامل درونی و به ویژه عدم وجود خلاقیت و خودباوری، مانع مهمی بر سر راه اشتغال و کارآفرینی بهینهٔ زنان باشد. از سوی دیگر، با وجود رشد ناگهانی جمعیت دانشجویان دختر و افزایش تقاضا برای اشتغال از سوی زنان به دلایل مختلف، سیاست کاهش تصدی‌گری دولت، خبر از کمبود جدی فرصت‌های شغلی در بخش دولتی دارد. بخش خصوصی نیز به‌نظر نمی‌رسد کشش لازم برای جذب خیل عظیم زنان کارجو را داشته باشد. در این میان مرور منابع نشان داد که کارآفرینی و ترویج فرهنگ آن، رویکرد مناسبی برای حل یا تخفیف مشکل اشتغال زنان، به‌ویژه زنان تحصیل‌کرده به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر، آراء صاحب‌نظران در مورد خصوصیات کارآفرینان نشان داد که خلاقیت و خودباوری از جمله پیش‌نیازهای قطعی کارآفرینی می‌باشند. در این مقاله سعی بر این بوده‌است که مقولهٔ اشتغال و کارآفرینی زنان و نقش این قشر از جامعه در تولیدملی بیش از پیش مورد بازکاوی قرارگیرد.

واژگان کلیدی: زنان، کارآفرینی، تولید ملی، اشتغال.

---

۱. دانشجوی کارشناسی مهندسی پزشکی و عضو تیم تحقیقاتی مرکز رشد واحدهای فن آور، دانشگاه آزاداسلامی قزوین،
Email: nazila.zirak@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد رشت.

۳. دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر و عضو تیم تحقیقاتی مرکز رشد واحدهای فن آور، دانشگاه آزاداسلامی قزوین.

مقدمه

زنان در ایجاد و پیشرفت تمدن سهم ارزنده‌ای داشته و دارند. زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. آنان گرایش بیشتر به تحصیلات دانشگاهی پیدا کرده‌اند و نرخ ورود دختران به دانشگاه‌ها سال به سال در حال افزایش است (نیازکار و عرب مقدم،۱۳۸۹). بنابراین، پذیرفتنی است که موفقیت هرگونه برنامهٔ توسعه منوط به لحاظ نمودن این بخش از جامعه در مراحل سیاست‌گذاری و اجرا می‌باشد و توجه به نیروهای بالقوهٔ این بخش از جامعه، عاملی است که در کشورهای در حال توسعه نادیده گرفته شده‌است و به همین جهت، علی‌رغم برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های انجام‌یافته، هنوز در این کشورها زنان نتوانسته‌اند به جایگاه و نقش مناسب خود در ادارهٔ امور کشور و در تصمیم‌گیری‌ها دست یابند. در واقع، جامعه‌ای که قصد حرکت به سوی توسعه را دارد، اگر صرفاً به ابعاد مادی آن توجه داشته باشد و تعالی انسان‌ها و کاهش نابرابری‌ها را در نظر نگیرد به موفقیت دست نخواهد یافت. اگر در جامعه‌ای ضریب باسوادی، تندرستی، شاخص‌های تغذیه و تأمین مسکن، ایجاد اشتغال و درآمد، بالا رود اما توزیع آن بین زنان و مردان متعادل نباشد، آن جامعه توسعه نیافته‌است. از این رو، نقش زنان در توسعه، مورد توجه نظریه‌پردازان «توسعهٔ مشارکتی» قرار گرفت. امروزه دنیا با این واقعیت روبه‌رو شده که دیگر نمی‌توان زنان را به عنوان عوامل نامرئی در فرآیند توسعه به حساب آورد و توانمندی‌های زنان در میزان موفقیت دولت‌های در حال توسعه در زمینهٔ کنترل رشد جمعیت، بیکاری، بهداشت و ...امری غیر قابل انکار است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد تحقق توسعهٔ پایدار در کشور ما نیز بدون توجه به توانمندی‌های زنان امکان‌پذیر نیست و بررسی دقیق‌تر این مسأله، امری ضروری در راستای ایجاد زمینهٔ مناسب برای بهبود وضعیت جامعه محسوب می‌شود. این مقاله قصد دارد مشارکت زنان در اشتغال و کار آفرینی را به‌عنوان یکی از جهت‌گیری‌های فرایند توسعهٔ پایدار مورد بحث و بررسی قرار دهد و به نقش زنان در روند تولید ملی بپردازد و ضمن کشف موارد یادشده، راهکارهایی سودمند و عملی برای رفع مشکل کمبود مشارکت زنان در کشور را مطرح کند. میزان مشارکت زنان در بازار کار طی دهه‌های اخیر در جهان روند فزاینده‌ای را طی کرده است که به عنوان مهم‌ترین ویژگی «انقلاب در نقش‌های جنسیتی» محسوب می‌شود. سهم زنان در نیروی کار جهان از ۳۸ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۴۱ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. این روند فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای زنان و اقتصاد کشورهای متبوعشان ایجاد می‌کند (رضوی و علاء الدینی، ۱۳۸۵). در ایران، علی‌رغم توانمندی‌های قابل توجه زنان، میزان مشارکت آنان در بازار کار بسیار پایین است. در واقع، میزان مشارکت زنان ایرانی در بازار کار حتی در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان سوم که از سطح توسعهٔ اقتصادی- اجتماعی کما بیش یکسان یا پایین‌تر از ایران نیز برخوردارند، کمتر است. به عنوان مثال، مطابق گزارش سازمان بین‌المللی کار، (I.L.O،۲۰۰۱) میزان مشارکت زنان در بازار کار در ایران برابر با ۱۲,۵ درصد می‌باشد. در حالی‌که، این میزان در کشورهایی همچون سوریه ۱۹,۵ درصد، مصر۲۴ درصد، تونس ۲۷ درصد، ترکیه ۳۲,۲ درصد و مراکش ۳۴,۵ درصد و مالزی ۵۰,۲ درصد است (فروتن، ۱۳۹۰).

اشتغال زنان

واژهٔ اشتغال به معنای استخدام است، و در معنای جمعی، مجموع فعالیت‌های اقتصادی یک ملت را در ارتباط با افرادی که حائز شرایط کارند، در بر می‌گیرد. در معنای معمول آن، هر نوع کاری اشتغال است که پاداش مالی بر آن مترتب باشد (سفیری،۱۳۷۳). اندیشه‌های کلیشه‌ای (قالبی) دربارهٔ نقش جنسیت به‌گونه‌ای مخرب بر پیشرفت شغلی بانوان تأثیر می‌گذارد. نقش جنسیتی همچنین مانع دسترسی به اطلاعات می‌شود، اگر زنان تصمیم‌گیرنده و رهبر نباشند اطلاعات مهم در اختیار آنها قرار نمی‌گیرد، چرا که این اطلاعات مرتبط با آنها تلقی نمی‌شود. زمانی که نقش جنسیتی و عدم دسترسی به اطلاعات بدین گونه در کارند، راهی وجود ندارد که زنان بتوانند به پست‌های رأس سازمانی برسند. افزایش چشمگیر میزان اشتغال زنان در جهان از نیمهٔ دوم قرن بیستم به بعد، به عنوان مهم‌ترین مشخصه «انقلاب در نقش‌های جنسیتی» نامیده شده است (کوتر ،۲۰۰۱). در ایران، علی‌رغم توانمندی‌های قابل‌توجه زنان و پیشرفت‌های برجسته‌ای که طی سال‌های اخیر در خصوص عناصر زمینه‌ساز افزایش مشارکت آنان در بازار کار به وقوع پیوسته است، مانند افزایش تحصیلات زنان به‌ویژه تحصیلات دانشگاهی، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش سطح باروری و روند فزایندهٔ نگرش موافق با اشتغال زنان، میزان مشارکت زنان در بازار کار همچنان پایین است. معمولاً سطح پایین اشتغال زنان به میزان قابل ملاحظه‌ای ریشه در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد که از طریق سیستم‌های آموزشی و متون درسی بازتولید می‌شود (فروتن،۱۳۹۰). با توجه به روند رو به افزایش تعداد پذیرفته‌شدگان زن در سال‌های آتی به نظر می‌رسد که از یک طرف فرصت استثنایی برای جامعه به‌منظور کشف و بهره‌برداری از این استعدادها فراهم شده و از طرف دیگر در صورت عدم برنامه‌ریزی و استفادهٔ صحیح از آنها بحران اشتغال شدید می‌شود. مسألهٔ نگرش فرهنگی مردم ما به کار و شغل زن نیز مسألهٔ مهمی است که باید در رابطه با توسعهٔ پایدار مورد توجه قرار گیرد. اصلاح نگرش فرهنگی جامعه به کار زنان چه در حوزهٔ تولید و چه درحوزه‌های دیگر مانند خدمات اجتماعی می‌تواند جایگاه زنان را در عرصه‌های کار و تولید ارتقاء بخشد. کِلی۱۹۹۲ [1] معتقد است که مشارکت زنان در آموزش عالی باعث مشارکت بیشتر آن‌ها در نیروی کار جامعه می‌شود. بنابراین، می‌توان اذعان کرد که هرچه زنان در آموزش عالی و کسب تجربیات تحصیلی، مشارکت بیشتری داشته باشند، شانس بیشتری برای توسعهٔ شغلی و نیل به مشاغل با مراتب بالا خواهند داشت (سعیدی و مسگری، ۱۳۸۸). با افزایش تعداد زنان دارای تحصیلات عالی، بازار کار نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جمعیت زنان باشد و در آینده‌ای نزدیک جامعه با بحرانی جدید مواجه خواهد شد: بحران بیکاری زنان تحصیل‌کرده از طرف دیگر یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش درجهٔ توسعه‌یافتگی یک کشور میزان اهمیت و اعتباری است که زنان جامعه در زمینه‌های مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارا هستند. اشتغال زنان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعهٔ اقتصادی همواره ارزیابی و سنجش می‌شود و قالبی از برنامه‌ریزی‌های درون‌گرایانهٔ کشورهاست (یوسفی ۱۳۸۵). نرخ مشارکت

1. Kelly

زنان و سهم اشتغال آنان در کل کشور بسیار پایین است. اختلاف زیاد نرخ مشارکت به تفکیک جنسیت با متغیرهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط است که بررسی آنها نیازمند پژوهشی مستقل است. سرمایه‌گذاری آموزشی کمتر برای ارتقاء مهارت‌های زنان، نقش‌های جداگانهٔ زنان و تمایل نداشتن مردان به پذیرش بخشی از مسئولیت کارهای منزل، نامناسب بودن محیط کار، تفاوت در سرمایهٔ انسانی، نگرش منفی به اشتغال زنان در برخی از فعالیت‌ها و وجود قوانین و مقرراتی که هزینهٔ استفاده از نیروی کار زنان را افزایش داده از مهم‌ترین عوامل نرخ پایین مشارکت زنان به‌شمار می‌روند (ملک زاده،۱۳۸۷). در عصر حاضر به دلیل پیشرفت‌های علمی و فنی، واژهٔ دهکدهٔ جهانی کلمه‌ای مناسب به نظر می‌رسد. از آنجا که شبکه‌های ارتباطی بازارهای گوناگونِ تولید و عرضهٔ خدمات را در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی به یکدیگر متصل ساخته و کلید ورود به این بازارهای جهانی را رقابت‌پذیری دانسته‌اند، بدیهی است که در این رقابت جهانی نه تنها کشورها بلکه کلیهٔ نهادها و افراد باید پیوسته قابلیت‌های رقابت‌پذیری و سازگاری خود را افزایش دهند. برای دستیابی به این مهم، پرورش ایده‌های خلاّق و کارآفرینایی که بتوانند خود را پیوسته با دنیای جدید هماهنگ و سازگار کنند، ضروری به نظر می‌رسد. اما موضوع دیگری که لزوم توجه به کارآفرینی را سبب شده، معضل بیکاری است که کشور با آن دست به گریبان است. به‌طوری که به نظر می‌رسد پرورش افراد کارآفرین و تفکر خوداشتغالی به عنوان راه‌حل‌های مقتضی از طرف سیاست‌گذاران و مدیران اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است (فرید، ۱۳۸۸). افزایش زنان و دختران دانشگاهی، عدم توان جذب این تعداد نیروی تحصیل‌کردهٔ آماده به کار از سوی بخش دولتی به دلیل ظرفیت کم و بخش خصوصی موجود به‌دلیل گسترهٔ محدود و نهایتاً امکان استقلال و انعطاف‌پذیری بیشتر ساعات کار در کسب و کار شخصی که باعث ایجاد تعادل بین کار و زندگی خانوادگی می‌شود، منجر به گرایش بیشتر زنان به راه‌اندازی کسب و کار در سال‌های اخیر شده است. ولی تعداد معدود کارفرمایان زن در ایران، نشان‌دهندهٔ موانع و مشکلات فراوانی است که در راه‌اندازی کسب و کار زنان وجود دارد. بر این اساس، توسعهٔ کارآفرینی زنان در شرایط امروزی ایران، به‌عنوان یکی از بهترین راه‌حل‌های معضل بیکاری زنان و افزایش مشارکت اقتصادی آنان در جامعه مطرح است (آراستی و اکبری جوکار، ۱۳۸۷).

۲. کارآفرینی زنان

مرکز کارآفرینی جهانی، کارآفرینی را فرآیند توانایی جمع‌آوری منابع ضروری و لازم برای سرمایه‌گذاری بر روی فرصت‌های شغلی جدید و رشد پی‌درپی کسب و کارهای مبتکرانه تعریف می‌کند و کارآفرینان را این‌گونه توصیف می‌نماید: افرادی که خلاقیت خود را با روش‌های مختلف تجارت ادغام می‌کنند تا با تبلیغ محصولات و خدمات جدید شرکت‌های خود را به رشد بالا برسانند (گلرد، ۱۳۸۶). آن شین و ونکتارامان (۲۰۰۰) معتقدند که کارآفرینی فرآیندی است که به کمک آن فرصت‌هایی برای خلق محصولات و خدمات آتی کشف، ارزیابی و بهره‌برداری می‌شوند. به عبارت دیگر، این فرآیندی است که به کمک آن، سازمان‌ها و افراد دانش جدید خود را به فرصت‌های جدیدی در قالب محصولات و خدمات جدید تبدیل می‌کنند (مقیمی و احمدپور داریانی، ۱۳۸۷). موضوع کارآفرینی همیشه با

خلاقیت و نوآوری عجین بوده، به طوری که دراکر[1] معتقد است خلاقیت و کارآفرینی، آنچنان لازم و ملزوم یکدیگرند که می‌توان گفت کارآفرینی بدون خلاقیت و نوآوری حاصلی ندارد (Druker, 1995). نتایج برخی از تحقیقات به این نکته اشاره دارند که کارآفرینان انتخاب مشاغل جدید یا تأسیس شرکت‌ها (و مؤسسات) را نه فقط به دلایل اقتصادی، بلکه اغلب به خاطر علت نوآوری و خلاقیتی که در مشاغل وجود دارد دنبال می‌کنند (فرید، ۱۳۸۸). در همین راستا شاین[2] معتقد است که کارآفرینان واقعی مشاغل جدید را بیشتر به دلایل نوآوری و خلاقیت شروع می‌کنند تا انگیزه‌های اقتصادی (Schein، 1994). زنان در کشورهای در حال توسعه امید اول برای ارتقاء خانواده‌ها و رشد و توسعهٔ کشورهای خود هستند. موفقیت زنان کارآفرین در این جوامع نه تنها موجب سود اقتصادی می‌شود، بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌کند. اما زنان کارآفرین در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با موانع متعدد و جدی روبه رو هستند که مانع موفقیت آنان در فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. تأکید بر نقش‌های سنتی زنان و تعهد به حضور در خانه در این کشورها مانع از آن می‌شود که زنان بر توزیع وقت و انرژی خود کنترل داشته باشند. بنابراین، در صورت حضور در بازار کار در ایفای موازای تعهدات کار و خانواده خود با تعارض نقش مواجه هستند (گلرد، ۱۳۸۸) در بسیاری از جوامع، زنان با تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی روبه رو هستند که همین امر، آن‌ها را از دسترسی درست و دقیق به بازار کار و دستیابی به حداکثر توان بالقوه محروم می‌سازد. اگرچه سطح تبعیضی که زنان با آن روبه‌رو می‌شوند از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما اعمال تبعیض در همهٔ کشورها با هر سطح توسعه وجود دارد (غلامی اواتی و همکاران، ۱۳۸۹). تبعیض‌هایی که برضد زنان و ارتقاء کارآفرینی آنان اعمال می‌شود در کاهش نقش آن‌ها درتولید ناخالص ملی کشورها و در نتیجه توسعهٔ اقتصادی سهم به‌سزایی دارد (Hurley،1999). زنان باید به‌منظور دستیابی هرچه بیشتر به توان و پتانسیل موجود در خود بر اساس سیاست‌ها و برنامه‌هایی به شناسایی محدودیت‌های مختلفی که در مقابل توانمندی‌هایشان وجود دارد، بپردازند. فعالیت‌های اقتصادی زنان ممکن است با تبعیض‌های مستقیم و غیرمستقیم محدود شود. برای مثال، تبعیض مستقیم در دسترسی به مکانیزم‌های حمایتی مانند آموزش و مسائل مالی و اعتباری است؛ از سوی دیگر، تبعیض غیرمستقیم، معمولاً به خاطر عدم شناخت کافی و یا عدم پذیرش نقش‌های متفاوت زنان در جامعه و تأثیر آن بر اشتغال اعمال می‌شود (غلامی اواتی، ۱۳۸۹).

موانع و مشکلات کارآفرینی و اشتغال زنان

محدودیت‌های عمده‌ای که در گزارش سازمان جهانی کار (ILO) برای زنان کارآفرین شناسایی شده است، عبارت‌اند از:

- پررنگ‌تر بودن نقش زنان در خانواده و نیاز به آ نها به حضوردائمی در خانواده پیش از مردان.
- وجود افکار منفی در مورد نقش زنان در کسب و کار.

1. Druker
2. Schein

- سطوح آموزشی نسبتاً پایین‌تر زنان، به دلیل دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی شغلی.
- فرصت‌های محدودتر در بخش دولتی برای توسعهٔ مهارت‌ها.
- دسترسی ناکافی زنان کارآفرین به تکنولوژی خدمات حمایتی و اطلاع‌رسانی.
- دسترسی کمتر زنان به اعتبارات نسبت به مردان به دلیل ضعف مسائل مربوط به ضمانت و مقادیر کم اعتبارات و نیز نگرش منفی درخصوص توان بازپس‌دهی پائین زنان کارآفرین از سوی متصدیان وام: در بعضی کشورها قوانین یا مسائل اجتماعی مانع از مالکیت زنان بر اموال شده و بنابراین از ثبت کارآفرین به نام یک زن و نیز دستیابی آنان به خدمات دولتی جهت توسعهٔ کسب و کار و برنامه‌های توسعه SME جلوگیری می‌کنند. همچنین تعدادی از کشورها محدودیت‌های قانونی و بسیاری از موارد تبعیض‌آمیز، که زنان در تأسیس یا ادارهٔ یک کسب و کار با آنها مواجه می‌شوند، دارند (غلامی اواتی، ۱۳۸۹).

نقش زنان در تولید ملی

از آنجا که نقش زن در تولید ملی و توسعهٔ اقتصادی کشور کاملاً مشخص و روشن شده است ولی در بسیاری از عرصه‌های قانونی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی زمینه‌ای جدی برای توسعهٔ دانش و مهارت زنان مهیا نگردیده و در عین حال، نسبت به رفع موانع در زمینهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، راهنمایی و مشاورهٔ شغلی، مهارت‌های اجتماعی و کسب‌وکار سیاست‌گذاری خاص و منسجمی مشاهده نمی‌گردد.

اصول و سیاست‌های افزایش مشارکت زنان

اصلاح الگوی مشارکت اجتماعی و فرهنگی

اگر ظرفیت بی‌بدلیل زنان در برخی عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی را در کنار خلأهای موجود ملاحظه کنیم، به ضرورت بازنگری در الگوی مشارکت اجتماعی که به‌طور عمده اقتصادمحور است، پی خواهیم برد. ویژگی‌های زنانه‌ای چون حیا، حمایتگری، مراقبت، و صبر و حوصله می‌توانند زمینه‌ای مهم و تأثیرگذار برای حضور زنان در عرصه‌هایی باشند که نتیجهٔ آن افزایش حیای عمومی، افزایش حس همیاری، کاهش آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه آسیب‌های کودکان و زنان، و تأثیرگذاری‌های مهم فرهنگی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی باشد؛ زمینه‌هایی که امروزه با توسعهٔ فضای مجازی، گسترش یافته است. اگر بتوان فرهنگ تبرّع و فعالیت‌های خیرخواهانه را در میان زنان گسترش داد، تأثیرگذاری آنان دوچندان خواهد شد. در برخی کشورها که نگرانی‌های زیادی دربارهٔ حاکمیت نظام آموزشی مدرن وجود دارد و خانواده‌ها نگران آیندهٔ فرزندان خود هستند، نهضت «آموزش در خانه» به جای آموزش مدرسه‌ای در حال گسترش است، که زنان در آن نقش ممتازی ایفا می‌کنند. این قبیل فعالیت‌ها می‌تواند الگویی از مشارکت فرهنگی زنان باشد.

اصلاح نظام تأمین اجتماعی

اصل بیست و یکم قانون اساسی تضمین حقوق زنان و حمایت از آنان را مسئولیت نظام اسلامی دانسته است و اصل بیست و نهم نیز به مسئولیت دولت به‌منظور ایجاد نظام تأمین اجتماعی بازنشستگان، از کارافتادگان، درماندگان و افراد بی‌سرپرست اشاره می‌کند. هم‌اکنون نهادهایی چون رفاه اجتماعی و کمیتهٔ امداد امام خمینی مسئولیت پشتیبانی اقتصادی از درماندگان و بازنشستگان را بر عهده دارند. اما حمایت‌های مالی از زنان سرپرست خانوار تنها بخشی از نیازهای آنان را تأمین می‌کند، و آنان در اغلب اوقات، ناگزیر، به مشاغل، به‌ویژه در بخش خدماتی روی می‌آورند. از سوی دیگر، بالا رفتن آمار تجرد قطعی دختران در کنار افزایش آمار طلاق، نگرانی زیادی در میان زنان ایجاد کرده است که آثار خود را در حوزهٔ اشتغال نیز بر جای می‌گذارد. از این روی، لازم است حمایت از این طبقه‌ها در دستور کار قرار گیرد.

توسعهٔ مشاغل خانگی و انعطاف‌پذیر

فعالیت‌های خانگی، با وجود سنگینی آن، از این ویژگی برخوردارند که می‌توانند بر اساس میل زن و اقتضائات دیگر زندگی، از جمله بچه‌داری، تنظیم شوند. انعطاف‌پذیر شدن فعالیت زنان و امکان‌پذیر شدن انجام تمام یا بخشی از فعالیت‌های شغلی در خانه، زنان را قادر می‌سازد که با آرامش بیشتری میان وظایف خانگی و شغل خود سازش برقرار کنند.

توسعهٔ مشاغل نیمه‌وقت و دوره‌ای

هم‌اکنون شمار بسیاری از زنان شاغل در کشورهای صنعتی به‌کار نیمه‌وقت اشتغال دارند، این موضوع افزون بر آنکه منافع کار فرما را برای دستیابی به بازار کار زنانه تأمین می‌کند، رضایت خاطر قشرهای پرشماری را نیز در پی دارند.

مهارت افزایی به اعضای خانواده

موافقت و مخالفت با اشتغال زنان گاه به قدری پر رنگ می‌شود که دو طرف دعوا واقعیتی به نام اشتغال زنان و چگونگی مواجههٔ اعضای خانواده با این پدیده را از یاد می‌برند. اگر خانواده اشتغال زن را پذیرفته است باید از مهارت‌های لازم برای پر کردن خلأ حضور وی نیز برخوردار شود (زعفرانچی،۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

با توجه به این که مهم‌ترین عامل سرعت رشد و توسعهٔ اقتصادی جامعهٔ منابع انسانی آن جامعه است و هر جامعه نیز متشکل از زنان و مردان فعال است که تحت روابط متقابل اجتماعی تأثیر مستقیمی در اقتصاد و توسعهٔ آن جامعه دارند. لذا، استراتژی‌های یک جامعه توسعه‌یافته لازم است بر مبنای مشارکت هرچه بیشتر و فعال‌تر زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پی‌ریزی گردد.

اشتغال و کارآفرینی زنان، می‌تواند مصلحت‌های مهمی چون تأمین نیازهای ضروری خانواده و اجتماع را در پی داشته باشد. تلاش در جهت توانمندتر ساختن زنان و ارتقاء حضور آنان در اجتماع، و برنامه‌ریزی جهت گسترش مشارکت آنان به‌ویژه در زمینهٔ اشتغال از جمله جهت‌گیری‌های لازمی است که باید مورد توجه دولتمردان و برنامه‌ریزان توسعه قرار گیرد.

کارآفرینی در جهان امروز به سرعت در حال پیشرفت است، کارآفرینی زنان موضوع پرالتهاب کشورهاست و کارآفرینی زنان نقش برجسته‌ای در توسعهٔ کشورها دارد.

از سوی دیگر، فرصت زمانی بیشتر، تحصیلات و امکانات ویژه‌ای که برای نقش آفرینی زن امروز وجود دارد وی را به سمت ایفای نقش‌های اجتماعی، از جمله در شکل احراز فرصت‌های شغلی می‌کشاند. نظام مدیریت اجتماعی می‌تواند این ظرفیت را به‌منظور افزایش حس هم‌گرایی عمومی، گسترش ارزش‌های اخلاقی و استحکام و پویایی خانه و اجتماع به‌کار گیرد یا با به‌کارگیری مفاهیم، ارزش‌ها و شاخص‌های جهان مدرن در توسعهٔ اشتغال زنان، به تقویت نظام سرمایه داری و به محاق بردن خانواده کمک کند.

منابع

آراستی، ز؛ اکبری جوکار، ر(۱۳۸۷). تحقیقی پیرامون ویژگی‌های کسب و کارهای زنان کارآفرین تحصیل‌کردهٔ دانشگاهی و مشکلات آنان در راه‌اندازی کسب و کار. دوماه‌نامهٔ علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال پانزدهم، دورهٔ جدید، شمارهٔ ۳۲، صفحهٔ ۳۷-۴۶.

براتعلی، م؛ یوسفی، ع. ل و میرشاه جعفری، س ا (۱۳۸۹). زنان، اشتغال و تحصیلات آموزش عالی. فصل‌نامهٔ انجمن آموزش عالی ایران، سال سوم، شمارهٔ ۲، صفحهٔ ۷۹-۱۰۱.

رضوی، م. ر؛ علاء الدینی، پ (۱۳۸۵). وضعیت مشارکت و اشتغال زنان در ایران. فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شمارهٔ ۱۲، صفحهٔ ۱۳۲-۱۵۷.

زعفرانچی، ل، (۱۳۸۸). اشتغال زنان. انتشارات مرکز امور زنان و خانوادهٔ ریاست جمهوری، تهران، چاپ اول.

سعیدی،پ؛ مسگری، م (۱۳۸۸). بررسی تأثیر دانشگاه بر امور اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی زنان. فصل‌نامهٔ تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال چهارم، شمارهٔ ۸، صفحهٔ ۲۱۳-۲۴۲.

سفیری، خ (۱۳۷۳). اشتغال زنان و مدیریت. مجلهٔ دانش و مدیریت شمارهٔ ۲۴.

سلطانی عربشاهی، س (۱۳۸۳). مدیریت توسعه. انتشارات استادی، تهران، چاپ چهارم.

غلامی اواتی، ر؛ نازک تبار،ح و نامدار، ع (۱۳۸۹) . بنگاه‌های کسب و کار زنان و نقش آنان بر توسعهٔ پایدار در استان مازندران. پژوهش‌نامهٔ زنان، سال اول، شمارهٔ اول،صفحهٔ۱۳۳-۱۵۶

فروتن، ی (۱۳۹۰). بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران. پژوهش زنان، دورهٔ ۹، شمارهٔ۲ ، صفحهٔ ۳۹-۸۰.

فرید، د (۱۳۸۸). بررسی رابطهٔ بین خلاقیت و کارآفرینی در بین مردان و زنان ورزشکار و غیرورزشکار مطالعهٔ موردی: (دانشجویان دانشگاه یزد). مدیریت ورزشی، شمارهٔ۲، صفحهٔ ۹۷ -۱۱۶.

گلرد، پ (۱۳۸۶). ویژگی‌ها و انگیزه‌ها و اهداف ترغیب‌کنندهٔ زنان ایرانی در توسعهٔ کسب‌وکار. فصل‌نامهٔ پژوهش‌نامهٔ بازرگانی، شمارهٔ ۴۴، صفحهٔ ۲۶۷-۲۹۵.

گلرد، پ (۱۳۸۸). رشد خودباوری در زنان کارافرین، پژوهش زنان، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۲۱، صفحهٔ ۱۴۹-۱۳۱.

مقیمی، س م؛ احمدپور داریانی،م (۱۳۸۷) . آموزش کارآفرینی درکسب و کارهای کوچک و متوسط ایران: نیازها و راهکارها. توسعهٔ کارآفرینی، سال اول، شمارهٔ۱، صفحهٔ۲۰۷-۲۴۵.

نیازکار، ف؛ عرب مقدم، ن (۱۳۸۹). زنان کارآفرین دانشگاهی نسبت به موانع توسعهٔ کارآفرینی زنان. زن و حقوق توسعه (تحقیقات زنان)، سال چهارم، شمارهٔ۱، صفحهٔ ۵-۲۵

Cotter; D. (2001). Women’s Work and Working Women: The Demand for Female Labor.Gender and Society; 15, 3, 429-45.

Druker, P. (1985). The Disipline of Innovation, Harvard Business Review. May – June, 67-72.

Hurley, A. (1999). Incorporating Feminist Theories into Sociological Theories of Entrepreneurship. Woman in Manaegement Review, 14, (2), 2.

Schein, E.H. (1994). Entrepreneurs: what they're really like. vocational education journal, 64, (8), 42-44.

مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان روستایی و کمک به توسعهٔ اقتصادی کشور

مهدی جودان[1]
حسام الدین عباسی[2]

چکیده

تحولات کنونی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا علی‌رغم پیامدهای مثبتی که جهت بهبود شرایط زیست محیطی در روستا داشته، سبب گردیده تا از نقش فعال زنان در عرصهٔ تولید کاسته شود و زنان روستایی تولیدکنندهٔ سابق، تبدیل به زنان خانه‌دار مصرف‌کننده شوند .نرخ مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان روستایی در ایران مشابه کشورهای توسعه‌نیافته است. درحالی‌که از نظر میزان سواد و تحصیلات، با کشورهای توسعه‌یافته قابل مقایسه است. نوشتار حاضر، حاصل پژوهش در مورد مشارکت و اشتغال زنان روستایی و کمک آنها به توسعهٔ کشور است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دلیل اصلی اشتغال و تمایل زنان روستایی در ایران، نیاز مبرم اقتصادی است. نیمی از زنان شاغل، درآمد حاصل از دسترنج خویش را شخصاً دریافت نمی‌کنند و بیش از نیمی از آنها حق خرج کردن درآمد خود را ندارند. علی‌رغم پیشرفت‌های نسبی طی دهه‌های گذشته، میزان فعالیت و اشتغال زنان درایران نسبت به مردان ایران پایین‌تر است. مشاغل زنانه عمدتاً کمتر به سرمایهٔ گران مجهز هستند، سودآوری کمتری دارند و دستمزد کمتری کسب می‌کنند. دراین مقاله به‌طور اجمالی به تفاوت بین اشتغال زنان روستایی و شهری می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: مشارکت اقتصادی، اشتغال زنان روستایی، توسعهٔ اقتصادی، توسعهٔ روستایی.

۱.دانشگاه سیستان و بلوچستان گروه اقتصاد دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، Email:Mj_mkh_145@yahoo.com
۲. دانشگاه سیستان و بلوچستان گروه اقتصاد دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، Email:Hesam.sh67@yahoo.com

مقدمه

بررسی‌های تطبیقی نرخ مشارکت و نرخ بیکاری نیروی کار زنان روستایی در ایران با سایر کشورها، نشان می‌دهد که زنان روستایی در مشارکت اقتصادی از نرخ بسیار پایین ولی در بیکاری از نرخ بالایی برخوردارند (هاشمی، ۱۳۸۰) از این منظر، ایران از وضعیتی مشابه کشورهای توسعه‌نیافته با ساختار فرهنگی و اجتماعی خاص، نظیر پاکستان و عربستان برخوردار است. در جهان امروز، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی رو به رشد می‌باشد. سهم زنان در نیروی کار جهان از ۳۸ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۴۱ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است. در مرحلهٔ اول، انگیزهٔ اصلی کار برای زنان مسائل اقتصادی بود و منجر به ایجاد طبقهٔ متوسط و حتی مرفه شد که نه تنها برای بهبود وضعیت اقتصادی، بلکه برای موفقیت‌های فردی خودشان، موقعیت اجتماعی مناسب و سایر امتیازاتی که به‌دنبال اشتغال به‌دست می‌آورند، به کار خارج از منزل تمایل دارند. (جوهی پارک، ۲۰۰۰). بررسی‌ها نشان می‌دهند حضور زنان در پست‌های مدیریتی، کرسی پارلمان و رشته‌های فنی و مهندسی بسیار کمتر از مردان می‌باشد. اغلب زنان در کارهایی که نیاز به شیفت شبانه دارند، مشغول نمی‌شوند (به‌جز در پزشکی) همچنین شغل‌هایی که دارای مأموریت‌های دائمی باشند، را بر نمی‌گزینند. زنان بیشتر به کارهای خانه و فعالیّت‌های ذوقی و هنری، علاقه‌نشان می‌دهند و بیشتر مشاغلی را می‌پسندند، که در آنها نیازی به جابه‌جا شدن نباشد، و یا کارهایی را دوست دارند که در آنها باید مواظبت و دلسوزی بسیار به خرج داد، مانند مواظبت از کودکان و اشخاص عاجز و بینوا. زنان دلجویی و همدردی نشان می‌دهند، و از مردان کم‌روتر وریزه‌کارتر و از نظر ذوقی حساس‌تر می‌باشند (سفیری، ۱۳۷۷).

ادبیات موضوع

دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی از آرمان‌هایی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول کرده است. با توجه به اینکه توسعهٔ اقتصادی به تغییر برنامه‌ریزی‌شده ساخت تولید تأکید دارد، پس به دلیل کاهش سهم کشاورزی در تولید و اشتغال، استراتژی‌های توسعه معمولاً بر صنعتی شدن سریع شهری و به زیان کشاورزی و توسعهٔ روستاها منجر شده و توسط شاخص‌های اجتماعی غیراقتصادی مانند بهبود در سطح سواد، تعلیم و تربیت، شرایط بهداشت، و خدمات و تأمین مسکن تکمیل شده است. تا پیش از سال ۱۹۷۰ تصور بر این بوده است که فرایند توسعه بر زنان و مردان به‌طور یکسان اثر می‌گذارد. در این زمان نفوذ سرمایه‌داری منجر به مدرنیزاسیون و باعث نابودی اقتصاد سنتی شده و این امر لطماتی را که بر زنان وارد می‌شد، تشدید نموده است.

اعلام سال ۱۹۷۵ به عنوان" سال جهانی زن" و در پی آن، اعلام " دههٔ زن" از سوی سازمان ملل توجه جهانیان را به نقش انکارناپذیر زنان در توسعه جلب کرد و انگیزه‌های لازم را در سازمان‌های بین‌المللی و بسیاری از حکومت‌ها به منظور تلاش در رفع تبعیض از زنان به‌وجود آورد. در همین زمان و به‌خصوص بعد از اعلام سال زن، حجم عظیمی از تحقیقات

تحت عنوان " زنان در توسعه" (**WID**)[1]بررسی مسائل خاص زنان از دیدگاه‌های گوناگون پرداختند. کار نظریهٔ **WID** با فرض بر این‌که رهیافت‌های توسعه بر علیه زنان عمل کرده و باعث متضرر شدن آنها شده، آغاز گردید و به این نتیجه رسید که باید از طریق رفع احتیاجات عملی جنسیت در راستای به‌دست آوردن مایحتاج آنان، شرایط را برای رفع نیازهای استراتژیک آنان فراهم ساخت (دادور خانی،۱۳۸۴).

مطالعات تحت عنوان " زنان در توسعه "**WID** از چند نظر دارای اهمیت بوده است: اولاً آنها به انتقال فوری نوسازی در فرایند توسعه تاب داده‌اند. ثانیاً موارد بی‌شماری از مطالعات این واقعیت را که سیاست‌های توسعهٔ روستایی غالباً به اثرات و اهداف پیش‌بینی شده خود نمی‌رسند و بعضاً باعث اثرات منفی و ناخواسته می‌گردد را گوشزد کرده‌اند (دادور خانی، ۱۳۸۴).

پیشینه

در زمینهٔ مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان روستایی مطالعات زیادی صورت گرفته است. در این مقاله به پژوهش‌هایی که به این مهم پرداختند به‌طور خلاصه اشاره می‌کنیم:

سادات نوفل (۱۳۷۶) موانع اشتغال زنان را به سه دسته تقسیم می‌کند: موانع فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی و فردی- شخصیتی. در بخش موانع فرهنگی- اجتماعی به نگرش منفی جامعه (خانواده و همسر) میزان تحصیلات همسر و درصد رقیبان مرد در مقابل زنان اشاره می‌کند. نگرش‌های فرهنگی رایج درکشور ما عامل اصلی کناره‌گیری زنان از فعالیت‌های اجتماعی- اقتصادی شده است. لذا، هنوز در بین زنان این احساس باقی مانده که آنان دارای موقعیت اجتماعی و اقتصادی درجهٔ دوم هستند. تغییر دیدگاه فرهنگی نسبت به اشتغال زنان می‌تواند مشارکت زنان را در جامعه تقویت کند.

امینی و رمضانی (۱۳۷۹) با بررسی ارتباط درآمد زنان روستایی و خوداتکایی آنها، به این نتیجه رسیده‌اند که کار بانوان روستایی تأثیری قابل‌توجه در میزان استقلال آنها برای مصرف درآمدشان ندارد، اما با افزایش درآمد، میزان استقلال برای مصرف افزایش می‌یابد. آنها همچنین تأکید می‌کنند که دو متغیر سن و طول مدت دورهٔ زناشویی زنان روستایی نیز با استقلال مالی آنها رابطه‌یی مثبت و معنادار دارد.

فروتن (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران" به بررسی اشتغال زنان در متون و کتاب‌های درسی در ایران پرداخته است در تحقیق فروتن با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، مهم‌ترین الگوها و ویژگی‌های اشتغال زنان در کتاب‌های درسی سه مقطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج نشان داده است که الگوی سنتی تفکیک نقش‌های جنسیتی داخل و خارج خانه به وضوح در متن و تصاویر این کتاب‌های درسی بازنمایی شده است. مطابق این نتایج، نقش‌های جنسیتی داخل خانه برای زنان تعریف و تعیین شده و مشارکت مردان در انجام کارهای خانگی و مراقبت از فرزندان بسیار کمرنگ و ناچیز در متن و تصاویر این کتاب‌های درسی انعکاس یافته است.

---

1. Women in development

هاشمی (۱۳۷۳) بر این عقیده است که با وجود نقش مهم و اساسی زنان روستایی در تولید قالی، میزان مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مصرف درآمد حاصل از فروش قالی‌ها بسیار ناچیز است؛ به‌طوری‌که در ۸۲ درصد از خانواده‌های روستایی، مردان دراین مورد به تنهایی تصمیم می‌گیرند و فقط در ۱۰ درصد از خانوارها، زنان نقش بیشتری در چگونگی مصرف درآمد حاصل از فروش قالی‌های بافت خودشان را دارند. در ۸ درصد از خانواده‌ها نیز زن و مرد به‌طور مشترک دربارهٔ چگونگی مصرف درآمد به‌دست آمده از فروش قالی‌ها، تصمیم‌گیری می‌کنند.

شادی‌طلب در یکی از مطالعاتش (۱۳۸۱)، رفتارهای اقتصادی زنان روستایی را مورد بررسی قرار داده، اعلام می‌کند که کسب درآمد مستقل در زنان باعث شده است آنان به سمت کسب استقلال حرکت نمایند؛ هر چند که تأکید می‌کند سهم زنان روستایی دارای درآمد مستقل، هنوز همانند کل زنان مشارکت‌کننده درفعالیت‌های اقتصادی نیست. به عقیدهٔ وی با وجودگذر از مرحلهٔ کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری، هنوز زنان روستایی ایران به عنوان کارکنان بی‌دستمزد خانواده، بخشی مهم از نیروی کار واحدهای تولید را تأمین می‌کنند (شادی‌طلب ۱۳۷۸) و در نوشتاری دیگر نیز، ضمن اشاره به جایگاه فعالیت‌های زنان روستایی در صنایع دستی و امور کشاورزی، اعلام می‌کند که از نظر جامعهٔ روستایی، فقط فعالیت اقتصادی مردان، کار محسوب می‌شود (شادی‌طلب،۱۳۸۱).

کشورهای در حال توسعه

در کشورهای در حال توسعه بیشتر جمعیت در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. در این مناطق زنان به فعالیت‌های مختلف کشاورزی اشتغال دارند. به علاوه، کارهایی نظیر آماده کردن و بسته‌بندی محصولات کشاورزی، تهیه و فروش این محصولات بر عهدهٔ زنان است و این کارها در خانه توسط آنها انجام می‌گیرند در حالی‌که این گروه از زنان از هرگونه حمایت اجتماعی محروم هستند. در طول سه دههٔ اخیر بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه دچار تحولات بسیاری گردیده است و به شکل‌های مختلف بر روی اشتغال زنان و مردان روستایی تأثیر عمیقی به‌جای گذاشته است. آشنایی با فن‌آوری جدید و تغییر در ساختار تقسیم اراضی، افزایش تولید و رشد نابرابری در مناطق روستایی، تحرک و جابه‌جایی زیادی را در مشاغل سنتی زنان ایجاد کرده و توانایی و ظرفیت شغلی آنها را در برخی از کارهای کشاورزی افزایش داده است. همچنین، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه کارفرمایان ترجیح می‌دهند زنان جوان مجرد (گروه سنی۲۰- ۲۵ ساله) را استخدام کنند. مطالعات انجام‌شده حاکی ازآن است که این رجحان بیش از آنکه به دلیل ضرورت‌های شغلی باشد، ناشی از برداشت‌های اجتماعی آنان است. چنین تصور می‌شود که زنان در برخی از کارهای زنجیره‌ای مهارت، چابکی و تحمل زیادی دارند. این تصور وجود دارد که کارگران زن بیشتر از کارگران مرد در کارها منظم و مطیع بوده و حاضر به قبول دستمزد کم می‌باشند. در برخی موارد نیز مشاهده شده که دختران کارگر پس از رسیدن به سن قانونی که استحقاق دریافت دستمزد کارگران بزرگسال را دارند، از کار اخراج شده‌اند.

نقش برنامه‌های آموزشی و سواد آموزی در اشتغال زنان روستایی

از عوامل مؤثر بر اشتغال زنان روستایی میزان برخورداری آنان از سطح سواد است. این عامل همانند پیکان دو لبه‌ای عمل می‌کند که علاوه بر ارتقاء کارایی و توان شغل‌یابی زنان به لحاظ نبود زمینه‌های اشتغال متناسب و کافی، با سطح توقعات ایجادشده جهت کسب شغل در مکان‌های خارج از روستا بر درجهٔ بیکاری آنان می‌افزاید. از آنجا که اشتغال در روستاها عمدتاً به‌صورت غیررسمی و کار در مزارع می‌باشد، لذا، با فزایش سطح سواد از میزان اشتغال تولیدی و اقتصادی یا به عبارتی کار زراعی کاسته می‌شود. این در حالی است که ساعاتی را که صرف امور خانه‌داری می‌نمایند، افزایش یافته است. عمده‌ترین دلیل این افزایش ساعات کار خانه‌داری را می‌توان در وجود فرزندان خرد سال در این‌گونه خانواده‌ها دانست، چرا که غالباً افرادی با سطح سواد بالاتر سن کمتری نیز داشته و خانواده‌های جوان را تشکیل می‌دهند و از این‌رو ساعات فراغت کمتری را نیز گزارش کرده‌اند؛ در حالی که زنان بیسواد و یا با سطح سواد ابتدائی عمدتاً دارای سنین بالاتری بوده که قاعدتاً وقت آزادشان نیز اندکی بیشتر می‌باشد (دادور خانی، ۱۳۸۴).

سهم زنان روستایی در آموزش عالی

در سال‌های اخیر شوق به تحصیلات عالی در میان دختران به‌خصوص دختران روستایی افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است و چنانچه محدودیت‌های موجود نیز رفع شود، با توجه به افزایش آگاهی‌های زنان جامعه به خصوص پس از انقلاب اسلامی، می‌توان به آینده بسیار امیدوار بود. البته برداشتن محدودیت‌ها به صورت مستدل از سوی مرکز امور مشارکت زنان پیشنهاد شده است و امید می‌رود که با حمایت مسئولین به زودی انجام پذیرد.

ایجاد دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و هنرستان‌های دخترانه و سایر مراکز آموزشی مورد نیاز در سطح روستاها برای برداشتن فاصلهٔ موجود میان باسوادان زن و مرد، بایستی در برنامه‌های پنج‌سالهٔ بعدی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد (معروفی، ۱۳۷۸).

جدول ۱. سواد بین زنان مناطق روستایی (ارقام بر اساس ۱۰۰۰ نفر)

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
کل جمعیت	۱۳۰۰۱	۱۵۹۹۵	۱۷۸۵۵	۲۲۳۵۰	۲۳۰۲۷	۲۴۱۲۳
جمعیت با سواد	۵۱۴	۱۷۲۳	۴۲۴۹	۸۳۷۱	۱۳۶۶۱	۱۷۵۴۳
زن	۴۳	۲۳۸	۱۱۹۶	۳۰۸۴	۶۰۹۶	۸۱۲۸

مأخذ: سالنامهٔ آماری ایران

مشارکت اقتصادی زنان روستایی

نرخ مشارکت اقتصادی زنان از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر متفاوت است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نواحی مرکزی و غربی ایران کمترین نرخ مشارکت زنان در نیروی‌کار را داراست؛ در حالی که مناطق شمالی کشور عمدتاً دارای معیشتی مبتنی بر کشاورزی می‌باشند، بالاترین نرخ مشارکت زنان را به خود اختصاص داده‌اند. از جمله این استان‌ها می‌توان استان گیلان با نرخ

اشتغال (۲۹/۷) و مازندران (۱۵/۵) را نام برد. لذا می‌توان ادعا نمود که مناطق کشاورزی کشور عمدتاً بالاترین نرخ اشتغال زنان روستایی را دارا می‌باشند. این در حالی است که آمارهای رسمی کشور، زنان روستایی شاغل در مزارع خانوادگی خانه‌دار محسوب می‌شوند. نقش چندجانبهٔ این زنان در فعالیت‌ها و مسئولیّت‌های خانوادگی و واحد تولید کشاورزی به حدی است که بخش عمده‌ای از ساعات روزمره آنان را پر می‌کند. این مسئله نیازمند توجه خاص برنامه‌ریزان می‌باشد.

در بسیاری از مناطق روستایی کشور، زنان در فعالیت‌های کشاورزی و صنایع دستی فعال‌تر از مردان هستند. لیکن برای کارشان اجرتی دریافت نمی‌کنند. در سال ۱۳۷۵ در حدود ۴۴/۱ درصد از زنان شاغل در روستا در خانه کار می‌کردند و مزدی برای کارشان دریافت نمی‌کردند. این رقم درسال ۱۳۸۰ به ۵۵/۸ درصد افزایش یافت (نوروزی و هاشمی، ۱۳۸۱).

عوامل بیشتری کار زنان در روستا را در مقایسه با شهر تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرهنگ سنتی‌محور بودن مردان، در مناطق روستایی شدیدتر است. زنان در مناطق روستایی فرصت کمتری برای ادامهٔ تحصیل دارند و بسیاری از آنها بی‌سواد و یا کم‌سواد هستند. به همین دلیل از حقوق خود اطلاعی ندارند. همچنین، چون کار زنان روستایی در بخش رسمی نیست آنان از مزایای رفاه اجتماعی نیز بهره‌مند نمی‌شوند. در سال ۱۳۷۴ بر اساس قانونی که دربارهٔ بیمهٔ درمانی عمومی تصویب شد، چنین افرادی تحت پوشش قرار می‌گیرند (اگرچه شناسایی این افراد ساده نیست) این قانون با قانون دیگری که زنان خانه‌دار را تحت پوشش قرار می‌دهد، تکمیل شده و شامل زنان ازدواج کرده در مناطق روستایی نیز می‌شود (کار، ۱۳۷۹).

یکی از دلایل مهم پایین بودن سهم مشارکت زنان در بسیاری از کشورها، عدم دسترسی آنها به منابع اقتصادی است. در کشورهای در حال توسعه، مالکیت زمین سرمایه به شدت با منافع مرد خانواده گره خورده است؛ با این حال، شواهد زیادی حکایت از این دارد که هر زمان ساختار اجتماعی، از رویهٔ استاندارد مالک بودن مرد خارج شود، زنان به ابتکارهای تجاری و اقتصادی نو، با موفقیّت‌های بسیار دست زده‌اند. بدیهی است هدف مشارکت بیشتر زنان، صرفاً ایجاد درآمد برای آنها نیست، بلکه بهبود منافع اجتماعی ناشی از استقلال مالی نیز در دستور کار قرار دارد.

جدول ۲. اشتغال زنان روستایی (ده سال و بیشتر از آن) ارقام به ۱۰۰۰ نفر

سال شمسی	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵
کل	۴۲۴۸	۴۶۸۷	۴۹۸۷	۵۴۰۵	۵۷۱۱	۶۱۱۵
زن	۶۰۳	۷۵۲	۴۴۶	۴۷۴	۷۶۵	۸۰۱
درصد	٪۱۴/۲	٪۱۶	٪۸/۹	٪۸/۸	٪۱۳/۴	٪۱۴/۷

مأخذ: مرکز آمار ایران، (اعداد را گرد کردیم)

نقش زنان در برنامه‌های توسعهٔ روستایی

از آنجا که بخش بزرگی از جمعّیت کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، توسعهٔ روستاها بخش اجتناب‌ناپذیر توسعهٔ ملی است. اما در عین حال پدیدهٔ مذکور دارای جنبه‌های متعددی است که تماماً می‌بایست در یک قالب واحد سنجیده شود. از عوامل مهم دستیابی به توسعه، برخورداری از نیروهای محرکه یعنی سرمایه، نیروی‌کار و غیره می‌باشد. لذا به دلیل کمبود سرمایه و تراکم بالای جمعیتی در روستاهای کشور، تأکید بر بهره‌برداری بهینه از نیروهای محرکهٔ موجود، عاقلانه‌ترین راه رسیدن به هدف توسعهٔ همه‌جانبه و یکپارچه می‌باشد. در این راستا زنان که نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند غالباً از دید سیاست‌گذاران توسعه پنهان بوده و توجه بیشتری را می‌طلبند. همچنین، نسبت فعالیت زنان از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر برحسب ملاحظات جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی تغییر می‌کند و در هر گوشه‌ای از کشور بر حسب شرایط گوناگون محیطی شکل و میزان مشارکت زنان در امور مختلف تفاوت دارد. لذا، اتخاذ روش ناحیه‌ای می‌تواند در تفکیک مناطق همگن ما را یاری داده و تعمیم نتایج را به مناطق مشابه ممکن می‌سازد.

اثرات ساختار مالکیت اراضی و طبقهٔ اجتماعی بر مشارکت اقتصادی زنان روستایی

در کشورهای کمتر توسعه یافته زنان مجبورند کارهایی با دستمزد پایین را بپذیرند. عدم تحرک به‌منظور یافتن شغل بهتر و دستمزد بیشتر بر موقعیت زنان تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل آنان در فعالیت‌های کم‌درآمد و بی‌ثبات به‌کار گمارده می‌شوند. (دادور خانی، ۱۳۸۴) مطالعهٔ وزارت کشاورزی به این نتیجه رسیده است که در تمام طبقات بهره‌برداری به جز کوچکترین (کمتر از ۵/ هکتار) و بزرگترین بهره‌برداری‌ها (بزرگتر از ۱۰۰ هکتار) افراد در درجهٔ اول در مقام کارکن خانوادگی به این‌گونه فعالیت‌ها مشغول بوده‌اند. علاوه بر آن در طبقات بهره‌برداری کوچک و میانی (از یک تا صد هکتار) صنایع خانگی بیشترین زمینهٔ اشتغال غیر کشاورزی را تشکیل می‌دهند (الوندی و کسایی، ۱۳۶۴).

در مورد فرصت‌های شغلی، زنان به‌طور نامناسبی در بخش کشاورزی به‌عنوان نیروی کار خانوادگی بدون دستمزد در سطوح پایین از سلسله مراتب شغلی تمرکز می‌یابند. توسعهٔ کشاورزی معمولاً استفادهٔ مردان از محصولات جدید فن‌آوری‌های پر بازده و رها شدن زنان با کشاورزی کم‌بازده و معیشتی را به دنبال داشته است (دبال و روی، ۱۹۹۵)[1].

نابرابری‌های طبقاتی و اقتصادی منجر به تفاوت شرایط اشتغال زنان در بین گروه‌های روستایی می‌گردد. تا زمانی که زمین مهم‌ترین سرمایهٔ خانوار روستایی است، کنترل بر روی زمین به شدت تعیین‌کنندهٔ طبقه می‌باشد. اکثر مطالعات بر تأثیر منفی سرمایه و دارائی‌ها بر مشارکت کاری زنان در نواحی روستایی تأکید دارند. کنترل بر زمین‌های زراعی ممکن است به دو طریق بر بافت اشتغال زنان تأثیر گذارد: اول، در دسترس بودن مقدار بیشتری زمین

1.Debaland Roy

می‌تواند اشتغال بیشتری را برای زنان در کشاورزی ایجاد کند و دوم: در خانوارهایی که از نظر اقتصادی قوی‌تر هستند، دارای تأثیر منفی می‌باشد. (دادورخانی، ۱۳۸۴).

تعداد قابل توجهی از زنان به‌عنوان نیروی‌کار خانوادگی در زمین‌های تحت ادارهٔ خانواده کار می‌کنند. اگرچه علت مشارکت برخی زنان در امورکشاورزی نبود تقاضا برای نیروی کار نیست، بلکه این دسته از خانوارهای کشاورز که اغلب جزء زمین‌داران متوسط و مرفه می‌باشند، نیاز به نیروی کار خود را از طریق استخدام کارگر مزد بگیر تأمین می‌کنند. پس، افزایش درآمدخانوارهای روستایی موجب خروج زنان از نیروی کارکشاورزی می‌شود.

اشتغال زنان روستایی و رفاه خانواده

مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی نه‌تنها در توسعهٔ ظرفیت‌ها و توانایی‌های زنان روستا، بلکه در توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی جامعه نقشی کلیدی دارد. کشوری که به دنبال توسعه یا تسریع فرایند توسعه است، نمی‌تواند حدود نیمی از نیروی انسانی روستاها را نادیده بگیرد. جامعه هنگامی توسعه می‌یابد که همهٔ اعضای جامعه اعم از زن و مرد فرصت برابر و انگیزهٔ قوی برای مشارکت در فعالیّت‌های اقتصادی را داشته باشند. با توجه به میزان پایین فعالیّت اقتصادی زنان، واضح است که تعداد زنان شاغل چه از نظر نسبی و چه از نظر مطلق خیلی پایین است. (زراع نژاد، ۱۳۸۰)

خانواده مهم‌ترین واحد تولید، توزیع کالاها و ارائه‌کنندهٔ خدمات در تمامی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته است. علاوه بر این، خانواده مسئولیت بقای نسل و توسعهٔ منابع انسانی را به عهده دارد. از این‌رو، اقتصاددانان خانواده را بنیان زندگی اقتصادی جوامع می‌دانند. در خانواده برای رسیدن به اهداف دو نوع کار انجام می‌شود: کار بازاری و کار خانگی. انتقال بخشی اساسی از کارکرد تولیدی خانواده به بازار و کوچکتر شدن اندازهٔ خانواده و علاقهٔ فزاینده به ارتقاء رفاه آن، سبب گردیده که نسبت این دو نوع کار در طول زمان روند نزولی را طی کند.

ارتباط اشتغال زنان روستایی و درآمد خانوار

زنان روستا هرچند که عمدتاً به‌لحاظ نیاز مالی خانوار اقدام به انجام امور کشاورزی و سایر فعالیت‌های اقتصادی می‌نمایند، لیکن، محدودیت‌های ناشی از نبود فرصت‌های اشتغال مزدی خصوصاً اشتغالات غیر کشاورزی و فرسودگی جسمی ناشی از کهولت سن و یا بیماری از یک سو و سختی کار کشاورزی از سوی دیگر، زمینه‌های اشتغال منسب را برای آنان فراهم نمی‌سازد؛ لذا، نه تنها در شرایط بحران اقتصادی آنها قادر به گسترش منابع درآمدی خویش از طریق یافتن شغل درآمدزا نمی‌باشد، بلکه در شرایط گسترش بیکاری بعضاً اشتغال سابق خود را از دست می‌دهند، به‌طوری‌که نمونه‌های چندی در روستا مؤید این مسأله است.

از سوی دیگر، با افزایش سطوح دستمزدها و یا افزایش درآمد خانوار از طریق اشتغال به کارهای غیر زراعی که برای اکثر زنان متأهل سبب بالا رفتن درآمد شوهرانشان و بالطبع ارتقاء استاندارد زندگیشان می‌گردد،زنان زیادی درصدد کاهش کارهای خانگی غیرمزدی‌شان برمی‌آیند. در شرایط وجود فرصت‌های اشتغال، این عده ضمن استفاده از شیوه‌های غیر کاربر

و خرید خدمات سعی در آزاد کردن وقت خود از امور خانه و ورود به بازار نیروی کارمزدی دارند و در فقدان فرصت‌های کافی اشتغال این گروه به اتلاف وقت آزادشدهٔ خویش می‌پردازند. برای مثال، منسوخ شدن تهیهٔ پوشاک خانوار و تهیهٔ سایر ملزومات از جمله حصیر، سبد و ... و رواج انواع تجاری آن شاهدی بر این مدعاست.

خلاصه و نتیجه گیری

زنان در جوامع در حال توسعه نقش چشم‌گیری را در اقتصاد روستا ایفاء می‌کنند؛ اما شواهد فراوانی حاکی از آن است که سیاست‌های توسعهٔ به‌کار رفته در مناطق روستایی منجر به خارج شدن تعداد زیادی از زنان خصوصاً زنان تحصیل‌کرده از بازارکار روستایی شده است. مشارکت زنان روستایی خصوصاً زمانی که عنوان سرپرست خانوار را دارند، حساس‌تر می‌شود.

زنان روستایی اغلب کارهایی را انجام می‌دهند یا به دنبال مشاغلی هستند که خدشهٔ کمتری به کار خانگی وارد کند. به علت عوامل فرهنگی و غیره، زنان به رشته‌های خاص تحصیلی گرایش دارند. مطالعات نشان می‌دهند که بالاترین ضریب اشتغال برای زنان بی‌سواد مربوط به بخش کشاورزی است. زنان در مناطق روستایی تابع سنت‌های رایج در فرهنگ‌های محلی هستندکه تقسیم کار سنتی و اجباری را بر زنان تحمیل کرده است. توزیع نابرابر قدرت، منابع و مسئولیت‌ها بین زن و مرد به‌وسیلهٔ سنت‌های‌کهن نهادینه شده است. یافته‌ها نشان داده که از بین متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی، ساختار مالکیت اراضی، سواد و انزوای جغرافیایی و همچنین از بعد فرهنگی، منزلت پایین اشتغالات کشاورزی نزد زنان روستایی از عوامل اثرگذار بر کاهش مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی بوده است. از بین عوامل فوق مالکیت اراضی و سواد ارتباط معکوسی با اشتغال زنان داشته است و انزوای جغرافیایی دارای ارتباط مثبت و معنی‌دار با میزان مشارکت زنان در نیروی کار کشاورزی می‌باشد.

در فقدان اشتغالی متناسب با دانش و توانمندی جدید زنان روستایی و پایین بودن قدرت تحرک فیزیکی و جابه‌جایی آنان نسبت به مردان، در شرایط فعلی هیچ چشم‌انداز روشنی را برای این قشر از جمعّیت روستایی نمی‌توان متصور شد؛ جز آن‌که این گروه فلسفهٔ جدیدی را تحت عنوان «زن خانه‌دار» وارد فضای روستا کرده و یک نقش صرفاً مصرف‌کننده داشته باشند. در این راستا ایجاد اشتغالات متناسب باتوانمندی‌ها و نیازهای روز زنان و پاسخ‌گویی به « نیازهای عملی و استراتژیک» آنان حائز اهمیت فراوان است.

منابع

براتعلی مریم، یوسفی علیرضا، (۱۳۸۹)، زنان، اشتغال و تحصیلات آموزش عالی، فصل‌نامهٔ انجمن آموزش عالی ایران، سال سوم، شمارهٔ ۲، پاییز ۱۳۸۹.

بنی هاشم، فروغ السادات، (۱۳۷۶)، زنان روستایی و ضرورت‌های ایجاد تشکل های اقتصادی پیام زن، شمارهٔ ۲۰.

دادورخانی ، فضیله، (۱۳۸۵)، توسعهٔ روستایی و چالش‌های اشتغال زنان، پژوهش‌های جغرافیایی، شمارهٔ ۵۵، بهار ۱۳۸۵ صفحات ۱۷۱- ۱۸۸.

رئیسی، سهیلا (۱۳۷۶)، تحولات فرایند مشارکت زنان روستایی ایـران در گـذار بـه جوامـع صنعتی، گردهم‌آیی زنان مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، جلداول، مؤسسـهٔ برنامـه‌ریـزی و اقتصاد کشاورزی.

هاشمی، علی، (۱۳۸۰)، بررسی تطبیقی مشارکت زنان در بازار ایران و سایر کشورها، مرکـز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری،

فروتن یعقوب، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی دین و جنسیت: بررسی نظری و تجربی با تأکیـد بـر اشتغال زنان، مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶، شمارهٔ ۶۳، زمستان ۱۳۸۷.

صادقی مسعود، عمادزاده مصطفی، (۱۳۸۳)، تحلیلی بر عوامـل اقتصـادی مـؤثر در اشـتغال زنان ایران، پژوهش زنان، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۱، بهار ۱۳۸۳.

عزیزی پروانه، (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر آموزش بر اشتغال زنان با تأکید بـر ایـران، فصـل‌نامـهٔ جغرافیایی آمایش، شمارهٔ ۸.

علاء الدینی، پویا، (۱۳۸۸)، وضعیّت مشارکت و اشتغال زنان در ایران.

مهرگان، نادر، موسائی میثم، (۱۳۸۹)، تحولات اشتغال زنان در ایران بـا اسـتفاده از تحلیـل انتقال – سهم، فصل‌نامهٔ علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شمارهٔ ۴۰.

موسوی کمال الدین، (۱۳۸۴)، بار تکفل و عوامل فرهنگی – اجتماعی مؤثر بر آن بـا تأکیـد بر مسئلهٔ اشتغال زنان، سال سوم، شمارهٔ ۸، تابستان و پاییز ۱۳۸۴، صص ۳۱-۴۶.

یعقوبی، جعفر، (۱۳۸۴) بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان، پژوهش زنان، دورهٔ ۳، شمارهٔ ۱، بهار ۱۳۸۴.

Adelman and C.T Morris (1973), Economic growth and social equality in developing Countries.

Ahmad zobeideh (1984) Rural women and their work Depndence and alternatives for change .internationallabour Review. Vol. 123,no./JanueryFabruary.

Aly, Y. H. and quisi, I. A., (1996), "Determinants of women labourforce participation in kuwait: A logit analyses", The Middle East Business and economic Review, 8(2) ,pp 1-9.

Singha Roy. Debal K. (1995), Women ,New technology and develoment,changing Nature of Gender Relatrons in Rural India . Manohar . New Delhi,India.

Statistical Center of Iran and UNFPA, (2001), Socio 0 Economic Characteristics of Women in Iran: 1986-1996, Tehran: Statistical Center of Iran.

Tanveer, Mohammad (2004). Women participation in rural development ,lahorepakistan . http//www.syberwurx.com /jrc/publications/p.15 htm/.

Yusef and C.Hetter (1980) , Rural household headed women prorrity concern for development.

Zareen, Negvi and Labna, Shahnazl (2002), How do Women Decide to Work in

Pakistan?,Available in: www.zareen\zareen\papers\rsp\women's pea paper. rft, pp: 1-23.

موانع و بازدارنده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای بانوان مورد: شهرستان گرگان، استان گلستان

محمد رضا محبوبی[۱]
بنفشه ترحمی[۲]
فرهاد شادکام[۳]

چکیده

عامل انسانی، نقش مهمی در توسعهٔ پایدار اقتصادی دارد و آموزش فنی و حرفه‌ای عامل اساسی در تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد جهت دستیابی به توسعهٔ پایدار اقتصادی است. هدف از این تحقیق، شناسایی موانع و بازدارنده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای بانوان شهرستان گرگان در استان گلستان بود. تحقیق توصیفی و از نوع پیمایشی و جمعیت مورد مطالعه شامل ۸۵ نفر از بانوان شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی مرکز شمارهٔ دو آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان گرگان بودند که به شیوهٔ تصادفی ۷۵ نفر از آنان به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسش‌نامه‌ای بود که روایی محتوایی آن با استفاده از نظرات متخصصان آموزش و کارشناسان فنی و حرفه‌ای بعد از چند مرحله اصلاح و بازنگری به‌دست آمد. همچنین، در نتیجهٔ انجام آزمون پیشاهنگ جهت تعیین اعتبار پرسش‌نامه، مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به‌دست آمد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخهٔ ۱۶ انجام شد. نتایج حاصل نشان داد مهم‌ترین موانع و بازدارنده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای از نظر بانوان شامل محیط خسته‌کنندهٔ اجرای دوره‌ها، عدم تناسب محتوای آموزشی با نیازهای بانوان و نیاز به وجود حداقلی از تحصیلات برای ورود به دوره‌ها بود. نتایج حاصل از آزمون همبستگی بیانگر رابطهٔ مثبت و معنی‌دار بین سن، سطح تحصیلات و تعداد فرزندان و دیدگاه بانوان در مورد برخی بازدارنده‌های سازمانی آموزش فنی و حرفه‌ای بود. توجه به جذاب کردن محیط آموزشی، تأمین امکانات رفاهی بیشتر در آن، بازنگری در محتوای آموزشی و توجه به نظرات و دیدگاه‌های فراگیران در تدوین آن از جمله پیشنهادهای این مطالعه بوده است.

واژگان کلیدی: زنان، آموزش فنی و حرفه‌ای، توسعه، استان گلستان.

---

۱. دانشیار و عضو هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان،
Email:mahboobi47@yahoo.co.in
۲. دانش‌آموختهٔ مقطع کارشناسی ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی.
۳. کارشناس ادارهٔ کل آموزش فنی و حرفه‌ای گلستان.

مقدمه

تجربهٔ دهه‌های اخیر کشورهای در حال توسعه مبین آن است که افزایش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی به‌ویژه آموزش زنان، زمینهٔ لازم را برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر و رفاه اجتماعی بیشتر مهیا می‌سازد. علاوه بر این سرمایه‌گذاری در آموزش زنان نه تنها شکاف جنسیتی را کاهش می‌دهد، بلکه موجب ارتقای سطح بهره‌وری، تولید بیشتر، درآمد بالاتر، ارتقاء سطح بهداشت، سلامت و پیشرفت تحصیلی فرزندان و مشارکت بیشتر آنان در نیروی کار خواهد شد (عمادزاده، ۱۳۸۲). در بین انواع آموزش زنان، نقش بی‌بدیل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را نمی‌توان از نظر دور داشت. این نوع آموزش نقش مهمی در تشکیل سرمایهٔ انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر زن مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفاء می‌کند و در عین حال با بسترسازی خود اشتغالی، به حل مشکل بیکاری این گروه نیز کمک می‌نماید (زینلی‌زاده و زینلی‌زاده، ۱۳۹۱). با این حال شواهد موجود نشان می‌دهد عوامل فردی، فرهنگی، اجتماعی و سازمانی زیادی وجود دارند که مانع از بهره‌مندی برابر زنان همپای مردان از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌شوند.

شکوهی (۱۳۸۶) در بررسی مشکلات آموزش کارکنان نتیجه گرفت یکنواختی در اجرا، عدم توجه به تنوع، عدم پیروی از استانداردهای مشخص و ناکافی بودن نیروی انسانی از مشکلات عمدهٔ آموزش است. صحرائیان (۱۳۷۹) در بررسی وضعیت اشتغال کارآموزان مراکز فنی و حرفه‌ای نتیجه گرفت اکثریت قریب به اتفاق کاراموزان، نداشتن سرمایهٔ لازم برای راه‌اندازی حرفه را بزرگترین مانع خوداشتغالی خود دانسته، خواهان کمک و راهنمایی سازمان فنی و حرفه‌ای در امر کاریابی و اشتغال می‌باشند. پرویزیان (۱۳۸۳) در ارزشیابی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نتیجه گرفت مشکلات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شامل ضعف در خدمات پشتیبانی، فقدان نیروی متصدی کارگاه در مراکز برای استفادهٔ بهینه از امکانات، عدم استفاده از ظرفیت‌های موجود، به‌روز نبودن اطلاعات مربیان، عدم تطبیق تجهیزات موجود با استانداردها، فقدان کتابخانه، منابع آموزشی و اینترنت بوده است. نتایج مطالعهٔ میرک‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد مهم‌ترین موانع مشارکت زنان در آموزش‌های حرفه‌ای مربوط به ابعاد فرهنگی چون آداب و رسوم و اعتقادات سنتی، اشتغال زنان به فعالیت‌های سخت، تربیت فرزندان، بی‌سوادی یا کم‌سوادی و عدم رضایت همسر بوده است. محبوبی و همکاران (۱۳۹۱) مهم‌ترین علل عدم شرکت زنان تعاونگر در دوره‌های آموزشی را اطلاع نداشتن آنان از برگزاری دوره‌ها، طولانی بودن دوره‌ها و نداشتن فرصت کافی برای شرکت در آن و مسئولیت‌های شغلی و اجتماعی متفاوت آنان دانسته‌اند. لامبرت و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای در غنا موانع آموزش زنان را فقر و ذهنیت‌های فرهنگی جامعه در مورد ارزش کمتر کار زنان دانسته‌اند. مک دوناگ (۲۰۰۴) فرهنگ سنتی خانواده، فقر، مخالفت همسر، نگهداری فرزندان و عدم اعتماد به نفس را مهم‌ترین موانع آموزش زنان برشمرده است. مطالعه اوانز (۱۹۹۵) حاکی از این است که مهم‌ترین موانع آموزش زنان فرهنگی (نظیر هنجارها و سنت‌های اجتماعی)، نگرشی (درک ناکافی از قابلیت‌های زنان)، موقعیتی (اعتقاد به جایگاه پایین زنان در جامعه) و سازمانی (فقدان آموزشگران زن، جهت‌گیری مردانهٔ برنامه‌های آموزشی و...) است. نتایج مطالعهٔ ویلیامز (۱۹۸۷) در آفریقا نشان داد جایگاه پایین

زن در خانواده، تصور خانواده‌ها در مورد منافع اندک آموزش زنان، تبعیض و فقدان امکانات آموزش زنان از موانع مهم آموزش زنان بوده است. مهم‌ترین موانع آموزش زنان طی مطالعهٔ الیس (۱۹۹۰) در منطقهٔ کارائیب شامل فشارهای اجتماعی درون و برون کلاس، نگرش مردانه در برنامه‌ریزی علوم و فناوری، فقدان مربیان زن، نگرش‌های منفی مربیان مرد و فقدان مشاوره‌های مناسب شغلی و حرفه‌ای بوده است. خان (۱۹۹۳) عواملی چون فقر، ازدواج زودرس، تقاضا برای کار زنان در خانه و مزرعه و نگهداری فرزندان را از موانع مهم آموزش زنان در جنوب آسیا برشمرده است.

با توجه به آنچه گفته شد در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، فردی و سازمانی عمده‌ترین موانع و بازدارنده‌های آموزش زنان به‌شمار می‌روند. بر این اساس، این تحقیق با این سؤال کلیدی شکل گرفته است که در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان چه موانع و بازدارنده‌هایی بیشتر ایفای نقش می‌کنند و اهمیت دارند؟ در راستای پاسخ به این سؤال این تحقیق با هدف شناسایی موانع و بازدارنده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای بانوان شهرستان گرگان در استان گلستان به اجرا در آمده است.

روش‌شناسی تحقیق

هدف از این تحقیق، شناسایی موانع و بازدارنده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای بانوان شهرستان گرگان در استان گلستان بود که در سال ۱۳۹۱ انجام شد. تحقیق توصیفی و از نوع پیمایشی و جمعیت مورد مطالعه شامل ۸۵ نفر از بانوان شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی مرکز شمارهٔ دو آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان گرگان بودند که به شیوهٔ تصادفی ۷۵ نفر از آنان به عنوان نمونهٔ تحقیق انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسش‌نامه‌ای بود که روایی محتوایی آن با استفاده از نظرات متخصصان آموزش و کارشناسان فنی و حرفه‌ای بعد از چند مرحله اصلاح و بازنگری به‌دست آمد. همچنین، در نتیجهٔ انجام آزمون پیشاهنگ جهت تعیین اعتبار پرسش‌نامه، مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به‌دست آمد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخهٔ ۱۶ انجام شد.

نتایج

نتایج نشان داد اکثر پاسخگویان متولد و ساکن شهر، دارای میانگین سن ۳۱ سال و تحصیلات در حد دیپلم بوده‌اند (۴۱ نفر معادل۵۴/۷ درصد). اکثر آنان کارآموزان رشته‌های گیاهان داروئی (۱۳نفر معادل ۱۷/۳ درصد)؛ سوخت‌نگاری روی چوب (۱۳نفر معادل ۱۷/۳ درصد) و کیف دوزی (۱۳نفر معادل ۱۷/۳ درصد) و شغل اصلی‌شان خانه دار بوده است (۴۲ نفر معادل ۵۶ درصد). انگیزهٔ اکثر آنان از شرکت در دوره‌ها به ترتیب کسب درآمد (۱۹ نفر معادل ۳/ ۲۵ درصد) و کسب آگاهی (۱۵ نفر معادل۲۰ درصد) بوده است. اکثر آنان متأهل (۵۳ نفر معادل ۷۰/۷ درصد)، دارای یک فرزند (۲۰ نفر معادل ۲۶/۷ درصد) و شغل همسر اکثر آنان آزاد (۲۵ نفر معادل ۳۳/۳ درصد) بوده است.

دیدگاه‌های پاسخگویان در مورد موانع و بازدارنده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای با توجه به مقادیر ضریب تغییرات و اولویت‌بندی انجام‌شده نشان داد خسته‌کننده بودن محیط اجرای دوره‌های آموزشی، عدم تناسب محتوای مطالب آموزشی ارائه‌شده در دوره با نیازها، نیاز به

داشتن حداقلی از تحصیلات برای ورود به دوره‌های آموزشی و نارضایتی از مدیر و کارکنان فنی و حرفه‌ای، مهم‌ترین موانع و بازدارنده‌های شرکت بانوان در دوره‌های فنی و حرفه‌ای بوده است. در عین حال، موانع و بازدارنده‌هایی چون مشکلات شخصی (خانوادگی) و داشتن مسئولیت‌های شغلی و اجتماعی، وجود پارتی و رابطه‌بازی برای حضور در دوره‌های فنی و حرفه‌ای، ماندن به مدت طولانی در نوبت شرکت در دوره‌های آموزشی و نگرانی از احتمال عدم پشتیبانی مناسب (اعطای وام خوداشتغالی و ایجاد کسب و کار) بعد از اتمام دوره از نظر بانوان شرکت‌کننده کمترین اهمیت را داشته‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. دیدگاه‌های پاسخگویان در مورد موانع و بازدارنده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای

گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	اولویت
محیط خسته‌کنندهٔ اجرای دوره‌های آموزشی	۳/۸۶۶	۱/۲۲۲	۰/۳۱۶	۱
عدم تناسب مطالب آموزش‌های ارائه‌شده در دوره‌ها با نیاز بانوان	۳/۶۸۰	۱/۱۸۷	۰/۳۲۲	۲
نیاز به داشتن حداقلی از تحصیلات برای ورود به دوره‌های آموزشی	۳/۷۷۳	۱/۲۳۶	۰/۳۲۷	۳
نارضایتی از مدیر و کارکنان فنی و حرفه‌ای	۳/۹۳۳	۱/۳۲۸	۰/۳۳۷	۴
عدم ارزیابی مستمر و مداوم برنامه‌های اموزشی با هدف یافتن نقاط ضعف و قوت آنها	۳/۲۴۰	۱/۱۰۰	۰/۳۳۹	۵
پیش‌بینی عدم امکان کاربرد توصیه‌ها و آموزش‌های مطرح‌شده در مشاغل و فعالیت‌های آینده	۳/۴۲۶	۱/۱۶۵	۰/۳۴۰	۶
تجربه بد و نامطلوب از شرکت در دوره‌های برگزار شدهٔ قبلی	۳/۹۴۶	۱/۳۵۴	۰/۳۴۳	۷
عدم علاقه و نداشتن انگیزهٔ کافی مربیان برای انجام فعالیت‌های آموزشی	۳/۸۱۳	۱/۳۲۲	۰/۳۴۶	۸
عدم اعتماد کافی بانوان به مربیان فنی و حرفه‌ای	۳/۷۰۶	۱/۳۱۲	۰/۳۵۴	۹
نداشتن تجربه و مهارت کافی آموزشگری مربیان	۳/۷۸۶	۱/۴۰۷	۰/۳۷۱	۱۰
نامناسب بودن زمان برگزاری دوره‌های آموزشی	۳/۴۸۰	۱/۳۴۹	۰/۳۸۷	۱۱
مشکلات مربوط به زمان طولانی دادن مدرک فنی و حرفه‌ای	۳/۲۰۰	۱/۲۴۱	۰/۳۸۷	۱۲
عدم توانایی مربیان برای ایجاد ارتباط صمیمی و دوستانه با بانوان	۳/۴۴۰	۱/۳۳۸	۰/۳۸۸	۱۳
عدم توانایی مربی درانتقال مطالب به زبان ساده و در نتیجه عدم استفاده مناسب بانوان از دوره‌ها	۳/۵۸۶	۱/۳۹۵	۰/۳۸۹	۱۴
عدم وجود خلاقیت و ابتکارو نوآوری آموزشگران در امر آموزش و تدریس	۳/۲۲۶	۱/۲۶۸	۰/۳۹۳	۱۵

گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	اولویت
عدم اعتماد به‌نفس و خودباوری در بانوان	۳/۲۵۳	۱/۳۰۵	۰/۴۰۱	۱۶
عدم وجود تبادل اطلاعات بین مربی و مهارت آموز (بانوان) برای یادگیری بهتر مطالب آموزشی	۳/۳۴۶	۱/۳۵۰	۰/۴۰۳	۱۷
مخالفت خانواده یا همسر و فرزندان بانوان برای شرکت آنان در دوره‌های آموزشی	۳/۳۳۳	۱/۳۴۹	۰/۴۰۴	۱۸
عدم اطلاع‌رسانی به موقع بانوان در مورد دوره‌های آموزشی (زمان ، مکان و...)	۲/۷۳۳	۱/۱۱۹	۰/۴۰۹	۱۹
نامناسب بودن امکانات رفاهی مکان اجرای دوره‌های آموزشی	۳/۵۰۶	۱/۴۸۳	۰/۴۲۲	۲۰
عدم وجود امکانات مناسب برای آموزش بانوان (وسایل و مواد اولیه برای آموزش عملی در دوره)	۳/۱۰۶	۱/۳۳۱	۰/۴۲۸	۲۱
کمبود مربی و امکانات و در نتیجه عدم امکان آموزش به همهٔ جمعیت بانوان متقاضی	۳/۱۳۳	۱/۳۴۹	۰/۴۳۰	۲۲
عدم تشویق خانواده و درنتیجه عدم وجود انگیزهٔ کافی بانوان برای شرکت دردوره‌های آموزشی	۳/۱۰۶	۱/۳۵۱	۰/۴۳۴	۲۳
قرار گرفتن افراد با خصوصیات مختلف (سن، تجربه و...) در یک کلاس آموزشی	۳/۳۶۰	۱/۴۸۵	۰/۴۴۱	۲۴
طولانی بودن دوره‌ها و نداشتن فرصت کافی برای شرکت در دوره‌های آموزشی	۳/۲۸۰	۱/۴۵۷	۰/۴۴۴	۲۵
عدم آگاهی کافی بانوان از فواید دوره‌های آموزشی	۲/۶۱۳	۱/۱۷۲	۰/۴۴۸	۲۶
دوری و عدم دسترسی بانوان به مکان اجرای دوره‌های آموزشی	۲/۶۸۰	۱/۲۶۴	۰/۴۷۱	۲۷
مشکلات شخصی (خانوادگی) و داشتن مسئولیت‌های شغلی و اجتماعی بانوان	۲/۵۶۰	۱/۲۱۰	۰/۴۷۲	۲۸
وجود پارتی و رابطه‌بازی برای حضور در دوره‌های فنی و حرفه‌ای	۲/۹۰۶	۱/۴۲۵	۰/۴۹۰	۲۹
ماندن به مدت طولانی در نوبت شرکت در دوره‌های آموزشی	۲/۳۳۳	۱/۲۸۷	۰/۵۵۱	۳۰
احتمال عدم پشتیبانی مناسب از بانوان شرکت‌کننده در دوره‌ها	۲/۲۹۳	۱/۳۷۳	۰/۵۹۸	۳۱

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون همبستگی با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد رابطهٔ مثبت و معنی‌داری با اطمینان ۹۵ درصد بین سن پاسخگویان و بازدارنده‌های آموزشی چون عدم اعتماد کافی به مربیان فنی و حرفه‌ای ($r = ۰/۲۴۴, p = ۰/۰۳۵$)، نامناسب بودن

زمان برگزاری دوره‌های آموزشی (r =۰/۲۸۱, p =۰/۰۱۵)، طولانی بودن دوره‌ها و نداشتن فرصت کافی برای شرکت در آن (r =۰/۲۵۷, p =۰/۰۲۶) و زمان طولانی اعطای مدرک پایان دوره به فراگیران (r =۰/۲۵۸, p =۰/۰۲۵) وجود داشته است. همچنین، بین تعداد فرزند و بازدارندهٔ نامناسب بودن زمان برگزاری دوره‌های آموزشی(r =۰/۳۰۷, p =۰/۰۲۴)، رابطهٔ مثبت و معنی‌داری با اطمینان ۹۵ درصد وجود داشته است (جدول ۲).

جدول۲. نتایج آزمون همبستگی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح معنی‌داری	مقدارr
سن	عدم اعتماد کافی به مربیان فنی و حرفه‌ای	۰/۰۳۵	۰/۲۴۴*
سن	نامناسب بودن زمان برگزاری دوره‌های آموزشی	۰/۰۱۵	۰/۲۸۱*
سن	طولانی بودن دوره‌ها و نداشتن فرصت کافی برای شرکت در آن	۰/۰۲۶	۰/۲۵۷*
سن	زمان طولانی اعطای مدک پایان دوره	۰/۰۲۵	۰/۲۵۸*
تعداد فرزند	نامناسب بودن زمان برگزاری دوره‌های آموزشی	۰/۰۲۴	۰/۳۰۷*

* معنی داری در سطح ۵ درصد

بحث و نتیجه‌گیری

زنان به عنوان نیمی از پیکرهٔ اجتماع، نقش مهمی در توسعهٔ پایدار اقتصادی دارند و آموزش فنی و حرفه‌ای عامل اساسی در تربیت زنان ماهر و کارآمد با هدف حضور آنان در جامعه و دستیابی به رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی است. با این حال، موانع و بازدارنده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای زنان عامل کاهش مشارکت بیشتر آنان در نیروی کار و کمک به رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور همپای مردان است. این تحقیق با هدف شناسایی موانع و بازدارنده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای بانوان شهرستان گرگان در استان گلستان به اجرا در آمد. نتایج حاصل بیانگر حضور بیشتر زنان شهری در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای بوده است که به‌دلیل استقرار مرکز آموزشی در شهر و برخورداری زنان از فرصت‌های آموزشی در مرکز است. خانه‌دار بودن اکثر زنان شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی با انگیزهٔ کسب درآمد نشان می‌دهد زنان در جامعهٔ امروز تمایل دارند با هدف کمک به اقتصاد خانواده و در عین حال استقلال مالی خود از محیط منزل خارج شده، اقدام به ایجاد کسب و کار یا مشارکت در فعالیت‌های تولیدی یا خدماتی نمایند. به نظر می‌رسد این انگیزه در صورت عدم توفیق قبولی در دانشگاه، تعداد فرزندان کم و درآمد کمتر همسر تقویت می‌شود. علاوه بر این، نتایج حاصل بیانگر تأثیر عوامل سازمانی از جمله محیط خسته‌کنندهٔ اجرای دوره‌ها، عدم تناسب محتوای آموزشی با نیازهای بانوان و نیاز به وجود حداقلی از تحصیلات برای ورود به دوره‌ها به‌عنوان مهم‌ترین موانع و بازدارنده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای زنان بود. خسته‌کننده بودن محیط اجرای دوره را می‌توان به عدم وجود تسهیلاتی چون سالن مطالعه، محل صرف چای و نبود جاذبه‌های خاص هنری و معماری در محیط آموزشی نسبت داد که باعث می‌شود

کارآموزان در فاصلهٔ زمانی بین کلاس‌ها یا حضور در مرکز مکان مناسبی برای استراحت یا آرامش فکر نداشته باشند. عدم تناسب محتوای آموزشی با نیازهای بانوان را می‌توان ناشی از تدوین اهداف و محتوای دوره‌های آموزشی به صورت متمرکز و بر مبنای استانداردهای فنی و حرفه‌ای دانست به‌گونه‌ای که فراگیر محتوای ارائه‌شده در دوره را متناسب با نیازهای خود ارزیابی نمی‌کند. نیاز به وجود حداقلی از تحصیلات برای ورود به دوره‌ها عمدتاً به شرایط خاص برای ورود کارآموز به برخی از دوره‌ها مربوط است که از آن جمله می‌توان به دوره‌هایی چون دکوراسیون داخلی منزل اشاره کرد که فرد باید دارای دیپلم مرتبط باشد و در نتیجه، افراد علاقه‌مند خود را از این فرصت محروم می‌بینند. این یافته‌ها با یافته‌های میرک‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، محبوبی و همکاران (۱۳۹۱)، مک دوناگ (۲۰۰۴)، اوانز(۱۹۹۵)، الیس (۱۹۹۰) و خان (۱۹۹۳) مطابقت دارد که در مطالعهٔ خود به نقش بازدارنده‌های مذکور در آموزش زنان اشاره کرده‌اند.

وجود رابطهٔ مثبت و معنی‌دار بین متغیرهای سن و تعداد فرزند و بازدارنده‌هایی چون عدم اعتماد کافی به مربیان فنی و حرفه‌ای، نامناسب بودن زمان برگزاری دوره‌های آموزشی، طولانی بودن دوره‌ها و نداشتن فرصت کافی برای شرکت در آن و زمان طولانی اعطای مدرک پایان دوره به‌دان معناست که با افزایش سن پاسخگویان، آنان اعتماد کمتری به مربیان فنی و حرفه‌ای داشته، نظر نامساعدتری در مورد زمان برگزاری دوره‌های آموزشی داشته، فرصت کمتری برای شرکت در دوره‌های آموزشی داشته و زمان طولانی‌تری را برای اعطای مدرک پایان دوره ارزیابی کرده‌اند. در این موارد به نظر می‌رسد با افزایش سن می‌توان انتظار داشت زنان از تجارب و اندوخته‌های بیشتری که حاصل زندگی فردی و اجتماعی آنان است، برخوردار باشند و در نتیجه در نوع تعامل با مربیان و پذیرش محتوای مطالب ارائه‌شده در مقایسه با زنان جوان‌تر به نوعی سخت‌گیرانه‌تر عمل نمایند. علاوه بر این، می‌توان انتظار داشت به‌دلیل افزایش سن زنان، احتمال وجود تعداد فرزندان بیشتر و مشغلهٔ زندگی نزد این گروه بیشتر باشد و با توجه به عدم انعطاف در زمان برگزاری دوره‌های آموزشی، این گروه زمان برگزاری دوره‌ها را نامناسب و عدم فرصت کافی برای شرکت در آن را به عنوان یک مانع ذکر نمایند. در مورد زمان طولانی اعطای مدرک پایان دوره، به نظر می‌رسد گروه‌های زنان مسن‌تر به‌دلیل شرایط زندگی خود از جمله احتمال تعداد فرزند بیشتر و نیاز به کسب درآمد بیشتر برای پاسخ به نیازهای خانواده علاقه‌مندند هرچه سریع‌تر مدرک پایان دوره را دریافت نموده و از مزایای آن چون دریافت وام، بیمه و ایجاد کسب و کار مستقل بهره‌مند شوند. این یافته‌ها با یافته‌های محبوبی و همکاران (۱۳۹۱)، میرک‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، مک دوناگ (۲۰۰۴) و خان (۱۹۹۳) مطابقت دارد.

با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهادهای زیر قابل ارائه است:

۱. با توجه به نظر پاسخگویان در مورد خسته‌کننده بودن محیط اجرای آموزش، توصیه می‌شود نسبت به جذاب کردن محیط آموزش و تأمین امکانات رفاهی بیشتر در آن اقدام لازم صورت پذیرد. در این مورد، ایجاد فضای سبز و توجه به معماری منظر، ایجاد رستوران و فروشگاه تأمین مواد اولیه دوره‌های آموزشی و نمایشگاه تولیدات کارآموزان در محیط آموزش می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

۲. نسبت به بازنگری در محتوای آموزشی دوره‌ها حتی‌الامکان با توجه به نظرات و دیدگاه‌های فراگیران اقدام لازم صورت پذیرد. در عین حال، از طریق بازنگری در سرفصل و استاندارد دوره‌های آموزشی خاص زنان، امکان کاهش طول دوره‌ها مد نظر قرار گیرد.

۳. انعطاف بیشتری در پذیرش متقاضیان برای ورود به دوره‌ها مد نظر قرار گیرد به‌گونه‌ای که علاوه بر ملاک‌هایی چون مدرک تحصیلی مرتبط، علایق، استعدادها، تجارب و مهارت‌های عملی آنان مد نظر قرار گیرد.

۴. با انتخاب مربیان با تجربه و کارآزموده و آشنا به اصول آموزش بزرگسالان و توجه به تجارب و دیدگاه‌های فراگیران، زمینه‌های ایجاد اعتماد بین فراگیران و مربیان فراهم آید.

۵. از سوی مدیریت فنی و حرفه‌ای شهرستان، بررسی لازم در مورد امکان همکاری یا استقرار مهدهای کودک جوار آموزشگاهی برای نگهداری فرزندان خردسال زنان کارآموز انجام گیرد.

۶. با توجه به استقرار مرکز آموزشی بانوان در نقطه‌ای از شهر که دسترسی به آن توأم با مشکلاتی برای متقاضیان علاقه‌مند شهری و روستایی است، موضوع تجدید نظر در مورد مکان استقرار مد نظر قرار گیرد یا با هماهنگی دستگاه‌هایی چون شهرداری زمینه‌ای فراهم آید تا خدمات حمل و نقل عمومی یا خطوط ویژهٔ تاکسی به متقاضیان ارائه شود.

منابع

پرویزیان، م. ع (۱۳۸۲). شناسایی وضعیت موجود نظام آموزش فنی و حرفه‌ای از طریق ارزشیابی و ارائهٔ الگو جهت بهبود نظام آموزشی موجود، ادارهٔ کل فنی و حرفه‌ای استان مرکزی. صفحهٔ ۱-۲۱.

زینلی‌زاده، ل و زینلی‌زاده، ا (۱۳۹۱). مهارت‌آموزی،کارآفرینی و بهره‌وری مهارت‌آموختگان. مقالهٔ ارائه‌شده به کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان. صفحه ۱-۱۵.

شکوهی، ع (۱۳۸۶). بررسی مشکلات آموزش کارکنان در سطح منطقه ویژهٔ اقتصادی بندر امام خمینی، پیشنهادها و راهکارها، صفحهٔ۱-۱۴. قابل بازیابی بر خط در www.*bikport.pmo.ir/filedownload-fa*

صحراییان، ن (۱۳۷۹). بررسی وضعیت اشتغال کارآموزان مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای استان مرکزی در سال‌های ۱۳۷۶- ۱۳۷۷. سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، پژوهشکدهٔ اراک. صفحهٔ۱-۱۲.

عماد زاده، م (۱۳۸۲). اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان، پژوهش زنان، دورهٔ ۱ سال ۳، شمارهٔ ۷، صفحهٔ ۱۱۵ – ۱۴۰.

محبوبی، م.ر؛ مقصودلو نژاد، س و اسماعیلی اول، م (۱۳۹۱). بررسی علت‌های عدم شرکت زنان تعاونگر روستایی در دوره‌های آموزشی. فصل‌نامهٔ پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی. ویژهٔ چهارمین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایران. صفحهٔ۷۶-۸۱.

میرک زاده، ع. ا؛ علی آبادی، و و شمس، علی (۱۳۸۹). واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی فصل‌نامهٔ روستا و توسعه، سال۳، شمارهٔ ۲، صفحهٔ ۱۴۷-۱۶۵.

Ellis, P (1990). Measures increasing the participation of girls and women in technical and vocational education and training: A Caribbean study. *Common wealth secretariat*, London.

Evans, K (1995). Barriers to participation of women in technological education and the role of distance education. *COL's news application*, 6(2), 1-16.

Khan, S.R., Siddiqui, R. & Hussain, F (1986). *Analysis of school dropout rates and output in Pakistan*. Pakistan institute of development economics research report 149. Islamabad.

Lambert, M., Perrino, E. P & Barreras, E. M (2012). *Understanding the barriers to female education in Ghana*. Blue kitabu research institute, Boston MA. 1-20.

McDonagh, A (2004). *Barriers to women's education*. Center for women policy studies, Ontario, Canada.1-2.

Williams, G.A. (1987). "Science, technology and mathematics education for all, including women and girls in Africa." *Workshop on gender stereo-typing in science, technology and mathematics education*. Report of a common wealth Africa regional workshop, Accra, Ghana.

موانع و مشکلات فرهنگی بازدارندهٔ اشتغال زنان ایرانی

اصغر شریفی[۱]
فاطمه اسلامیه[۲]

چکیده
پژوهش حاضر به‌منظور شناسایی موانع و مشکلات فرهنگی بازدارندهٔ اشتغال زنان ایرانی انجام شده است. روش تحقیق از نظر شیوهٔ گردآوری اطلاعات توصیفی (پیمایشی) و از نظر هدف، کاربردی بوده است. جامعهٔ آماری پژوهش را کلیهٔ کارکنان زن شاغل در ادارهٔ آموزش و پرورش شهر تهران به تعداد ۷۲۶ نفر تشکیل داده‌اند. حجم نمونه مطابق با فرمول کوکران ۲۵۱ نفر برآورد گردید و این تعداد با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین جامعهٔ آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته با ضریب آلفای ۰/۸۰ بوده است. داده‌های گردآوری شده به کمک آزمون‌های کومو، بارتلت و تحلیل عاملی از طریق نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج به‌دست آمده نشان داد که فرهنگ اقتدارگرا و مردسالارانه، نگاه جنسیتی و توجه نادرست به خصیصه‌های ذاتی زنان از جمله موانع و مشکلات فرهنگی بازدارندهٔ اشتغال زنان ایرانی می‌باشند.

واژگان کلیدی: زنان، فرهنگ، اشتغال.

۱. استادیار و مدیر گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، Email:drasharifi@gmail.com
۲. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، Email:feslamieh@hotmail.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رشد و توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی در کشورهای پیشرفته، اشتغال زنان است. این امر تلاشی همگانی در جهت به ثمر رساندن اهداف اجتماعی جوامع صنعتی است که به این مسئله رسیده‌اند و در کشورهای در حال توسعه به سمت این فرآیند در حال حرکت هستند (سفیری، ۱۳۸۳). در حقیقت، در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینهٔ اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود؛ زیرا مشارکت زنان در بازار کار، موجب افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه سبب افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌شود. برعکس، دسترسی محدود و نابرابر به فرصت‌های کسب درآمد و اشتغال که به صورت بیکاری و کم‌کاری پدیدار می‌شود، خود از عمده‌ترین علل فقر است و برای از بین بردن فقر، بیکاری و نابرابری باید هر دو جنس را مد نظر قرارداد (علیزاده، ۱۳۸۹).

در پژوهشی که به‌منظور بررسی تأثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در خانواده انجام شده است، نتایج به‌دست آمده حاکی از آن بوده است که میزان دسترسی زن و مرد به منابعی همچون درآمد و تحصیلات می‌تواند اقتدار به نفع هر یک از آنها را در خانواده افزایش دهد. افزایش اعتقاد به ایدئولوژی جنس‌گرایانه در زنان موجب می‌شود تا اقتدار به نفع مرد در خانواده افزایش یابد. همچنین، مشارکت زنان در تأمین مخارج خانواده می‌تواند اقتدار به نفع زن را در خانواده افزایش دهد (توسلی و سعیدی، ۱۳۹۰). مطالعات و بررسی‌های دیگر نشان داده است که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی رایج در یک جامعه، تأثیر مستقیمی بر میزان اشتغال زنان داشته است (علیزاده، ۱۳۸۹). نقشی که هر فرهنگ برای جنس زن و مرد در جامعه تعیین می‌کند، به دلیل تأثیر اجتماعی، خودباوری او را در اجرای نقش تقویت می‌کند. پرواضح است عدم تأیید اجتماعی نقش‌های جدید جنسیتی از سوی جامعه، که از رسوبات فرهنگی و دیدگاه‌های سنتی حاکم ناشی می‌شود، خودباوری آن جنس را تضعیف می‌کند و نقش وی را در بالفعل کردن توانایی‌هایش به تعویق می‌اندازد و یا مانع بالفعل کردن آنها می‌شود (مهدوی، ۱۳۸۵). با توجه به این امر، تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که موانع و مشکلات فرهنگی بازدارندهٔ اشتغال زنان ایرانی کدامند؟

روش‌شناسی

این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی و روش انجام آن، توصیفی (پیمایشی) است. جامعهٔ آماری آن را کلیهٔ کارکنان زن شاغل در ادارهٔ آموزش و پرورش شهر تهران به تعداد ۷۲۶ نفر تشکیل داده‌اند. حجم نمونه مطابق با فرمول کوکران ۲۵۱ نفر برآورد گردید و این تعداد با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین جامعهٔ آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته با ضریب آلفای ۰/۸۰ بوده است. داده‌های گردآوری شده به کمک آزمون‌های کومو، بارتلت و تحلیل عاملی از طریق نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها

سؤال تحقیق: موانع و مشکلات فرهنگی بازدارندهٔ اشتغال زنان ایرانی کدامند؟

جهت بررسی مناسب بودن داده‌ها برای استفاده از روش تحلیل عاملی، ابتدا از آزمون بارتلت و KMO (که اطلاعاتی در مورد توان عاملی شدن داده‌ها می‌دهند) استفاده شده است. از آنجایی که مقدار KMO بالاتر از ۰/۶ به عنوان مقیاسی قابل قبول برای توانایی عاملی بودن داده‌ها قابل پذیرش است، داده‌های جدول شمارهٔ ۱ نیز این مقدار را برابر با ۰/۷۳ نشان می‌دهد؛ سطح معناداری آزمون بارتلت نیز نشان می‌دهد که داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب می‌باشند.

جدول ۱. آزمون بارتلت و کومو

.73	KMO	
696.75	Chi Square	بارتلت
109	df	
.000	Sig	

با توجه به جدول شمارهٔ ۲، نتایج حاصل از تحلیل عاملی بر روی پاسخ‌های ۲۵۱ تن از کارکنان زن شاغل در ادارهٔ آموزش و پرورش شهر تهران، سه عامل را به عنوان موانع و مشکلات فرهنگی بازدارندهٔ اشتغال زنان ایرانی نشان می‌دهد.

جدول ۲. استخراج مجموعهٔ اولیهٔ عامل‌ها

عوامل	مقادیر ویژه			مقادیر ویژه بعد از استخراج مؤلفه‌ها			مقادیر ویژه بعد از چرخش واریماکس		
	جمع	درصد واریانس	درصد تراکمی	جمع	درصد واریانس	درصد تراکمی	جمع	درصد واریانس	درصد تراکمی
1	4	26.8	26.8	4	26.8	26.8	3.8	25.9	25.9
2	3.2	21.8	48.7	3.2	21.8	48.7	3	20.1	46
3	1.2	8.4	57.2	1.2	8.4	57.2	1.6	11.1	57.2

همان‌طور که در جدول شمارهٔ ۳ نشان داده شده است، از بین ۱۹ گویه پرسش‌نامه تحقیق، ۱۲ گویه باقی مانده است و سه عامل به‌عنوان موانع و مشکلات فرهنگی بازدارندهٔ اشتغال زنان ایرانی شناسایی شده‌اند که میزان اثرات این عوامل ۵۷/۲ درصد بوده است. به‌طوری‌که این میزان در فرهنگ اقتدارگرا و مردسالارانه (۴۷ درصد)، نگاه جنسیتی (۳۸ درصد) و توجه نادرست به خصیصه‌های ذاتی زنان (۱۵ درصد) نمود پیدا کرده است.

جدول ۳. بارهای عاملی موانع و مشکلات فرهنگی بازدارندهٔ اشتغال زنان ایرانی پس از چرخش عامل‌ها و سهم هر یک از آنها

عامل	بار عاملی	گویه	مقدار ویژه	٪ واریانس تبیین‌شده	٪ از کل عامل‌ها
فرهنگ اقتدارگرا و مردسالارانه	.437	مرد عامل اصلی و موتور حرکت اجتماع است.	26.8	26.8	47
	.309	فقط مرد حق انتخاب و بیان خواسته‌های خود را دارد.			
	.413	زن، جنس دوم است.			
	.507	توانایی‌های زن محدود است.			
	.215	درآمد مرد برای زندگی کافی است.			
نگاه جنسیتی	.511	در خانه باید حرف اول را مرد بزند و تصمیم آخر را نیز او بگیرد.	48.7	21.8	38
	.403	زنان به‌واسطهٔ ضعف جسمانی و اعمالی چون بچه‌داری و شیردهی، فاقد کارایی برای کار بیرون از خانه هستند.			
	.379	در یک محیط کاری مشترک، معمولاً مرد بیش از زن کارایی دارد.			
	.567	آگاهی و معلومات زنان از نظر حرفه‌ای و تخصصی پایین است.			
توجه نادرست به خصیصه‌های ذاتی زنان	.528	علاقهٔ بیش از حد زنان به گفتگو، آنها را از انجام درست کار بازمی‌دارد.	57.2	8.4	۱۵
	.427	چهرهٔ زنان، مناسب محیط کار مردانه نیست.			
	.418	رأفت قلبی زنان، مانع از گرفتن تصمیمات درست در کارشان می‌شود.			
جمع			--	۵۷/۲	۱۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به شناسایی موانع و مشکلات فرهنگی بازدارندهٔ اشتغال زنان ایرانی پرداخته است. با توجه به داده‌های به‌دست آمده و تحلیل‌های صورت گرفته، نتایج مربوط به بررسی سؤال پژوهش نشان داد که فرهنگ اقتدارگرا و مردسالارانه، نگاه جنسیتی و توجه نادرست به خصیصه‌های ذاتی زنان، از جمله موانع و مشکلات فرهنگی بازدارندهٔ اشتغال زنان ایرانی هستند.

موانع فرهنگی در قالب حقوق و وظایف شکل می‌گیرد و این عقیده وجود دارد که مردان از زنان، چه در زمینه‌های جسمی و چه در زمینهٔ استعدادها، روحیات و تفکرات، توانمندتر هستند. در خانواده‌ها زن مثل موجودی است که تنها وظایف خاص مادری برای او در نظر گرفته شده است. بر این اساس، در کل نظام اجتماعی هم بر اساس تفکیک وظایف و تخصصی شدن، نقش زن در حفظ نظام خانوادگی و مبنای اجتماعی کردن فرزندان از اهمیت بسیاری برخوردار است. در فرهنگ جامعهٔ ما، فعالیت زنان، بر مناسبات خانوادگی اثر می‌گذارد. بر این اساس: ۱. استخدام تمام‌وقت زنان و مادر خانواده، اضطراب والدین را در مورد رفاه کودکان افزایش می‌دهد. بنابراین، در روابط زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد. ۲. استخدام تمام‌وقت زنان آنها را از انجام کارهای مربوط به خانه باز می‌دارد، ولو اینکه شوهران و فرزندانشان مقداری از مسئولیت خانه را بر عهده بگیرند؛ چون بخش اصلی کار خانه مربوط به خود زنان است، این امر در روابط آنها تاثیر منفی برجای می‌گذارد و موجب تأثر خاطر زنان می‌شود. ۳. افزایش روزافزون مهدکودک‌ها و سایر سیاست‌هایی که برای رفع مشکل زنان شاغل به‌کار گرفته می‌شود، هرگز از میزان خستگی جسمی، نگرانی و سایر اضطراب‌های روانی و احساسی در محیط کار نمی‌کاهد.

بر اساس این ویژگی‌ها، در جامعهٔ ما نقش مادری و همسری نسبت به نقش اشتغال در درجهٔ اول اهمیت قرار دارد و حتی به اجتماعی شدن زنان از همان اوان کودکی نسبت به مردان کمتر توجه می‌شود. چنین روندی موجب عدم رشد و ترقی زنان از نظر تحصیلات، شخصیت و... می‌شود. فقدان این انگیزه‌ها در خانهٔ پدری، همراه با انجام کارهای خانه و ازدواج زودرس و در خانه همسر، به‌دلیل وظایف همسری، مادری و خانه‌داری و تسلط شوهر تداوم می‌یابد.

از بعد دیگر، باید در تربیت اجتماعی دختران، نگرش‌های تحقیرآمیز را به جنس زن کاهش داد و تعصبات را در جوامع، نسبت به ارزش زنان کمرنگ و حذف کرد. قالب‌های فکری و ذهنی سنتی را که تأکید یک‌جانبه بر قدرت مردان در جامعه می‌کند، باید تغییر داد و جامعه را به سمت حذف «جنس ضعیف» سوق داد. آموزش در ایجاد و تقویت چنین قالب‌های ذهنی و فرهنگی سهم عمده‌ای دارد. این آموزش باید در جهت تغییر و دگرگونی ایستارهای ذهنی و حذف قالب‌های سنتی نقش زنان و ارائهٔ سیمای مثبت از اشتغال زنان در جامعه باشد و به سوی ارائهٔ تصویری مثبت از مشارکت زنان در خانواده، بازار کار و زندگی اجتماعی سوق یابد. این مسئله باید در بین والدین که اولین مربیان هستند و با کودک بیشتر سروکار دارند، تقویت شود؛ حتی مدرسه در شکل‌گیری چنین نگرشی نقش به‌سزایی می‌تواند داشته باشد. باید روند گذشته تبعیض جنسیت را در جامعه از بین برد و مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان را، که در جامعه پایین است، افزایش داد. این امر منوط به زمینه‌سازی فرهنگی و اجتماعی تمام نهادهای دولتی و خصوصی است تا بتوان به توسعهٔ خانواده در جامعه از طریق اشتغال زنان کمک کرد (شربتیان، ۱۳۸۷).

منابع

سخاوت، ج (۱۳۸۰). وضعیت اشتغال زنان در ایران. مجموعه مقالات دومین همایش مسائل اجتماعی ایران. شمارهٔ ۵، صفحهٔ ۷۸-۷۶.

سفیری، خ (۱۳۸۳). مسائل اجتماعی به‌نام اشتغال زنان. مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران. دانشگاه علامه طباطبایی.

شربتیان، م.ح (۱۳۸۷). بررسی ابعاد و موانع اجتماعی اشتغال زنان. پیک نور. سال ۷، شمارهٔ ۳، صفحهٔ ۹۵-۸۵.

توسلی، ا؛ سعیدی، و (۱۳۹۰). تأثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در خانواده‌های شهر ایوانکی. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). سال ۳، شمارهٔ ۹، صفحهٔ ۱۴۹-۱۳۳.

علیزاده، م (۱۳۹۰). نقش اشتغال زنان در توسعه. زن و فرهنگ. سال ۲، شمارهٔ ۵، صفحهٔ ۵۹-۴۹.

مهدوی، م.ص (۱۳۸۵). بررسی موانع و مشکلات اشتغال زنان در بخش های دولتی. روزنامهٔ سرمایه. شمارهٔ ۲۷۸، صفحهٔ ۸.

مهارت‌های مورد نیاز زنان سرپرست خانوار روستایی برای خوداشتغالی

اصغر شریفی[1]
فاطمه اسلامیه[2]

چکیده

پژوهش حاضر به‌منظور شناسایی مهارت‌های مورد نیاز زنان سرپرست خانوار روستایی برای خوداشتغالی انجام شده است. روش تحقیق از نظر شیوهٔ گردآوری اطلاعات توصیفی (پیمایشی) و از نظر هدف، کاربردی بوده است. جامعهٔ آماری پژوهش را ۱۰۷ نفر از زنان سرپرست خانوار روستاهای اطراف شهریار که به شیوهٔ نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند، تشکیل داده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های اکتشافی و پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته در مقیاس سه‌درجه‌ای در پنج بعد دانش شغلی، مهارت‌های کارآفرینی، نگرش به کار، مهارت‌های اقتصادی و مهارت‌های فنی استفاده شده است که روایی آن از لحاظ صوری و محتوایی و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. این ضریب برای کل پرسشنامه ۰/۸۷ بوده است. داده‌های گردآوری‌شده به کمک آزمون‌های ناپارامتریک خی‌دو و رتبه‌ای فریدمن از طریق نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج به‌دست آمده نشان داد که هر پنج دسته از مهارت‌ها برای خوداشتغالی لازم بوده ولی رتبه‌بندی آن برحسب میزان تحصیلات زنان متفاوت است.

واژگان کلیدی: زنان، سرپرست خانواده، مهارت‌آموزی، خوداشتغالی.

۱. استادیار و مدیر گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، Email: drasharifi@gmail.com
۲. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، Email:feslamieh@hotmail.com

مقدمه

توسعهٔ پایدار جوامع و به تبع آن توسعهٔ منابع انسانی وابسته به آن است که دولت‌ها به عنوان قدرتمندترین عامل اقتصادی و اجتماعی بتوانند ضمن بسترسازی مناسب و ایجاد فضای لازم جهت رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی از توان کل جمعیت فعال اقتصادی اعم از زن و مرد بهره جسته و آن توان را اثربخش نمایند (صابر، ۱۳۸۵). ترکیب جمعیت در جهان کنونی نشان‌دهندهٔ آن است که نیمی از آن را زنان تشکیل می‌دهند. به این لحاظ توجه به استعداد و نقش زنان در چرخهٔ اقتصادی و اجتماعی کشورها به‌عنوان نیروی کار ضرورت دارد.

در جامعه، با زنانی تحت عنوان زنان سرپرست خانوار مواجه هستیم. زنانی که بدون حضور منظم و یا حمایت یک بزرگسال، سرپرستی خانوار را بر عهده دارند و مسئولیت ادارهٔ اقتصادی خانواده و نقش‌های عمدهٔ حیاتی و اجتماعی آن را بر عهده می‌گیرند (سازمان بهزیستی، ۱۳۷۹). در یک دسته‌بندی، خانوارهای دارای سرپرست زن به چند گروه عمده تقسیم شده‌اند:

۱. گروه اول: خانوارهایی هستند که در آنها، مرد به‌طور دائمی حضور ندارد و زنان به‌دلیل فوت همسر یا طلاق، بیوه شده‌اند یا دخترانی که ازدواج نکرده و به تنهایی زندگی می‌کنند و سرپرستی خانواده را عهده‌دار می‌شوند.

۲. گروه دوم: خانوارهایی را شامل می‌شوند که مرد به‌طور موقت و به‌دلایلی همچون مهاجرت، مفقودالاثر بودن، متواری یا زندانی بودن، سرباز بودن و... غایب است و زن مجبور است به تهیهٔ معاش زندگی خود و احیاناً فرزندانشان بپردازد.

۳. گروه سوم: خانوارهایی هستند که مرد در آنها حضور دارد؛ اما به‌دلیل بیکاری؛ از کار افتادگی، اعتیاد و... نقشی در امرار معاش خانواده ندارد و زن، عملاً مسئولیت رسیدگی به زندگی خود و احیاناً فرزندانشان را عهده‌دار می‌گردد (چانت،[1] ۱۹۹۷).

نظریهٔ زنانه شدن فقر یا آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار، مبتنی بر این دیدگاه است که خانوارهای زن سرپرست نه تنها در همهٔ کشورهای جهان گسترش یافته، بلکه روزبه‌روز هم بر تعداد افرادی که در جمعیت کم‌درآمد قرار می‌گیرند، افزوده می‌شود. در بسیاری از کشورها، به‌رغم کمک‌های دولتی به زنان سرپرست خانوار، فرآیند فقیر شدن آنها به‌ویژه در نواحی روستایی همچنان ادامه دارد (چانت، ۱۹۹۷؛ سانی،[2] ۲۰۰۶).

مطالعات انجام‌شده، در این زمینه بیانگر آن است که در میان زنان سرپرست خانوار، وضعیت اقتصادی زنان روستایی بدتر از زنان شهری است (جوان و همکاران، ۱۳۸۷). نگاهی به زندگی اینگونهٔ زنان نشان می‌دهد که بیشتر آنها از نداشتن مهارت‌هایی برای خوداشتغالی در رنج هستند. به‌طوریکه قوامی (۱۳۸۴) نیز در بیان نتایج تحقیق خود اذعان داشته است که زنان سرپرست خانوار، به‌دلیل نداشتن مهارت، تحصیلات و آگاهی‌های کافی و در نتیجه، نداشتن شغل مناسب، از درآمدی اندک برخوردارند و برای تأمین اقتصاد خانوار با مشکلات، فشارهای روحی و تضادهای شخصیتی و کارکردی بسیار روبه‌رو می‌شوند.

---

1. Chant
2. Sanni

نتایج به‌دست آمده از تحقیق دوست‌محمدی (۱۳۸۲) نشان داده است که برگزاری دوره‌های آموزشی و تولیدی و ارائهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از سوی کمیتهٔ امداد در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان سرپرست خانوار مؤثر بوده است. الیس[1] (۱۹۹۸) در تحقیقی با عنوان «راهبردهای خانوار و متنوع‌سازی معیشت روستایی» به نقش زنان سرپرست خانوار در تولیدات کشاورزی پرداخته است. عوامل اثرگذار را تحت عناوین افزایش منابع انسانی و مادی، افزایش مشارکت در مراحل مختلف اجرای پروژه‌های توسعه، افزایش آگاهی اقتصادی و افزایش کنترل بر فرآیندهای تصمیم‌گیری برآورد نموده است. با توجه به مطالب ذکر شده، سؤالات پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. مهارت‌های مورد نیاز زنان سرپرست خانوار روستایی برای خوداشتغالی کدامند؟

۲. رتبه‌بندی مهارت‌های مورد نیاز زنان سرپرست خانوار روستایی جهت خوداشتغالی بر حسب میزان تحصیلات آنان چگونه است؟

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی و روش انجام آن، توصیفی (پیمایشی) است. جامعهٔ آماری آن را ۱۰۷ نفر از زنان سرپرست خانوار روستاهای اطراف شهریار که به شیوهٔ نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند، تشکیل داده‌اند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های اکتشافی و پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته در مقیاس سه‌درجه‌ای (کم، متوسط، زیاد) استفاده شده است که روایی آن از لحاظ صوری و محتوایی و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که این ضریب برای کل پرسشنامه ۰/۸۷ بوده است. داده‌های گردآوری شده به کمک آزمون‌های ناپارامتریک خی‌دو و رتبه‌ای فریدمن از طریق نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها

❖ سؤال ۱: مهارت‌های مورد نیاز زنان سرپرست خانوار روستایی برای خوداشتغالی کدامند؟

همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، خی‌دوهای محاسبه‌شده (۳۱/۶۴، ۲۵/۵۸، ۱۷/۷۳، ۲۷/۲۱، ۲۰/۷۱) با درجهٔ آزادی (۲) و در سطح معناداری ۰/۰۵ از خی‌دو بحرانی جدول (۵/۹۹) بزرگتر می‌باشند؛ بنابراین، فرض صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار رد می‌شود و می‌توان گفت دانش شغلی، مهارت‌های کارآفرینی، نگرش به‌کار، مهارت‌های اقتصادی و مهارت‌های فنی از جمله مهارت‌های مورد نیاز زنان سرپرست خانوار روستایی جهت خوداشتغالی می‌باشند.

1. Ellis

جدول ۱: نتایج آزمون X^2 مربوط به سؤال اول تحقیق

مهارت	طبقات	FO	FE	باقیمانده	X^2	df	Sig
دانش شغلی	کم	20	35.7	-15.7	31.64	2	.000
	متوسط	24	35.7	-11.7			
	زیاد	63	35.7	27.3			
	مجموع	107					
مهارت‌های کارآفرینی	کم	20	35.7	-15.7	25.58	2	.000
	متوسط	27	35.7	-8.7			
	زیاد	60	35.7	24.3			
	مجموع	107					
نگرش به کار	کم	20	35.7	-15.7	17.73	2	.000
	متوسط	32	35.7	-3.7			
	زیاد	55	35.7	19.3			
	مجموع	107					
مهارت‌های اقتصادی	کم	37	35.7	1.3	27.21	2	.000
	متوسط	13	35.7	-22.7			
	زیاد	57	35.7	21.3			
	مجموع	107					
مهارت‌های فنی	کم	39	35.7	3.3	20.71	2	.000
	متوسط	15	35.7	-20.7			
	زیاد	53	35.7	17.3			
	مجموع	107					

❖سؤال۲: رتبه‌بندی مهارت‌های مورد نیاز زنان سرپرست خانوار روستایی جهت خوداشتغالی برحسب میزان تحصیلات آنان چگونه است؟

نتایج حاصل از آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی هر یک از مهارت‌ها (جدول۲) مشخص نموده است که رتبه‌بندی مهارت‌های مورد نیاز زنان سرپرست خانوار روستایی جهت خوداشتغالی برحسب میزان تحصیلات زنان، متفاوت است. به‌طوری‌که زنان سرپرست خانوار فاقد سواد، مهارت‌های مورد نیاز خود را به ترتیب نگرش به کار با میانگین ۳/۳۶، مهارت‌های کارآفرینی با میانگین ۳/۳۴، دانش شغلی با میانگین ۲/۹۸، مهارت‌های فنی با میانگین ۲/۸۴ و مهارت‌های اقتصادی با میانگین ۲/۴۸ عنوان نموده‌اند و زنان سرپرست خانوار دیپلمه، مهارت‌های مورد نیاز خود را به ترتیب دانش شغلی با میانگین ۳/۲۴، مهارت‌های کارآفرینی و اقتصادی با میانگین ۳، نگرش به کار با میانگین ۲/۸۷ و مهارت‌های فنی با میانگین ۲/۸۱ عنوان نموده‌اند.

جدول ۲. آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی مهارت‌های مورد نیاز زنان سرپرست خانوار روستایی جهت خوداشتغالی برحسب میزان تحصیلات

آمارهٔ / مؤلفه	زنان سرپرست خانوار فاقد سواد					زنان سرپرست خانوار دیپلمه				
	رتبه میانگین	*N*	*Chi Square*	*df*	*Sig*	رتبه میانگین	*N*	*Chi Square*	*df*	*Sig*
دانش شغلی	2.98	28	10.49	4	.033	3.24	79	5.96	4	.010
مهارت‌های کارآفرینی	3.34					3				
نگرش به کار	3.36					2.87				
مهارت‌های اقتصادی	2.48					3				
مهارت‌های فنی	2.84					2.81				

بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق انجام شده در روستاهای اطراف شهریار، پنج دسته مهارت (دانش شغلی، مهارت‌های کارآفرینی، نگرش به‌کار، مهارت‌های اقتصادی و مهارت‌های فنی) که زنان سرپرست خانوار روستایی برای خوداشتغالی نیاز دارند، شناسایی شد. نتایج حاصل از یافته فوق، با نتایج تحقیقات انجام‌شده توسط نازک‌تبار و ویسی (۱۳۸۶)، قوامی (۱۳۸۴)، دوست محمدی (۱۳۸۲) و الیس (۱۹۹۸) که هر یک در پژوهش‌های خود به نتایج مشابهی دست یافتند، همخوانی داشته و مورد حمایت قرار می‌گیرد.

جهت ایجاد و نهادینه نمودن مهارت‌های ذکرشده در بین زنان به‌ویژه زنان روستایی نیازمند آموزش هر چه بیشتر آنها در زمینهٔ فوق هستیم. بر این اساس، پیشنهاد می‌گردد:

- ✓ دوره‌های حرفه‌آموزی به‌طور رایگان در سطح روستاها برگزار شده و مهارت‌های خوداشتغالی به زنان آموزش داده شود.
- ✓ زنان سرپرست خانوار روستایی را به ضرورت و اهمیت بیمه نمودن خود و فوایدی که این امر در زندگی شغلی و خانوادگی آنها در دوران کهولت دارد، تشویق نموده و از طرف دیگر، مسئولان امر، برنامه‌ای تدارک ببینند که اینگونه زنان، ماهیانه هزینهٔ کمتری جهت بیمه نمودن خود و افراد تحت سرپرستی‌شان پرداخت نمایند.
- ✓ تسهیلات بانکی، جهت ایجاد شغل توسط زنان روستایی با وام‌هایی کم‌بهره و در اقساط بلندمدت تدارک دیده شود.
- ✓ به زنان یادآوری کنیم که خوداشتغالی آنها به عنوان افرادی کارآفرین و مولد، سبب چرخش هر چه بیشتر موتورهای توسعهٔ کشور خواهد بود.

منابع

دوست‌محمدی، ق (۱۳۸۲). بررسی میزان موفقیت طرح‌های خودکفایی و اشتغال‌زایی کمیتهٔ امداد امام خمینی (ره) در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان سرپرست خانوار استان سمنان. کمیتهٔ بانوان و جوانان کمیتهٔ امداد امام خمینی (ره) استان سمنان.

جوان، ج؛ یاسوری، م؛ رهنما، م.ر؛ احمدیان شالچی، ن (۱۳۸۷). بررسی وضعیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی. جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای. شمارهٔ ۱۱، صفحهٔ ۳۵-۱۹.

سازمان بهزیستی (۱۳۷۹). بررسی شاخص‌های توسعهٔ انسانی در زنان سرپرست خانوار. تهران: دانشگاه بهزیستی.

صابر، ف (۱۳۸۵). راه‌های توسعهٔ کارآفرینی زنان در ایران. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

نازک‌تبار، ح؛ ویسی، ر (۱۳۸۶). وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان مازندران. رفاه اجتماعی. شمارهٔ ۲۷، صفحهٔ ۱۱۳-۹۵.

قوامی، ه (۱۳۸۴). بررسی مقایسه‌ای زنان سرپرست خانوار خوداشتغال و زنان سرپرست خانوار دستمزد و حقوق‌بگیر در نقاط شهری ایران. تحقیقات اقتصاد. شمارهٔ ۷۲، صفحه ۲۲۷-۲۵۷.

Chant, S. (1997). Women-headed households: Poorest of the poor? Perspectives from Mexico. Costa Rica and the Philippines.

Ellis, F. (1998). Household strategies and rural livelihood diversification. The Journal of Development Studies, 35(1), 1-38.

Sanni, L. (2006). Comparative study of female-headed households in the city of Ibadan. [Online] at: www.africaknowledgeproject.org

نقش فرهنگ کار آفرینی و تأثیر آن در اشتغال زنان در کشور

منیره کتابچی[1]

چکیده

اشتغال زنان اساسی‌ترین مقولهٔ مورد بحث جهان امروز می‌باشد که سال‌هاست توجه کشورهای در حال رشد را به خود جلب کرده و جز کارآفرینی محقق نخواهد شد. در این مقالهٔ اسنادی و کیفی سعی شده که با فرهنگ‌سازی کارآفرینی در کشور، اشتغال زنان در سطح کشور گسترده‌تر شده و اینکه آیا مشارکت دادن زنان در عرصهٔ اجتماع عاملی برای کارآفرینی و بالفعل شدن ایده‌های خلاقانهٔ آنها و رفع پاره‌ای از مشکل بیکاری از طریق مهارت‌افزایی خواهد شد؟ در این مقالهٔ توصیفی با تحلیل و بررسی پیشینه‌ای از مقالات و کتب مستند، می‌خواهیم به این سؤالات پاسخ دهیم که آیا جنسیت و کارآفرینی با هم ارتباطی دارند؟ آیا زنان با و جود نقش مادری و همسری در منزل می‌توانند به خوداشتغالی و مهارت‌افزایی خود و دیگر اعضای خانواده کمک کنند؟ بسترهای لازم جهت نهادینه‌سازی و تحقق این امر مهم چیست؟ هدف از ارائهٔ این مقاله با رویکردی توصیفی و کتابخانه‌ای علاوه بر موارد مذکور، آن است که نقش حیاتی و مؤثر زنان در کسب و کارهای خانگی و خارج از محیط خانواده را پررنگ‌تر جلوه داده و همین‌طور موانع و مشکلاتی که باعث حرکت به این سو شده را شناسایی و محدودیت‌های عمده برای زنان کارافرین در کشور و اقدامات لازم برای توسعهٔ کارآفرینی در اشتغال زنان ایرانی را مورد تحقیق و تفحص قرار داده و در صدد ارائهٔ پیشنهادات کاربردی و سازنده است تا بتوان گامی در جهت رشد و توسعهٔ کشور با فرهنگ‌سازی کارآفرینی بالاخص در قشر زنان ایرانی گردیم.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، زنان، توسعه، اشتغال.

---

۱. عضو علمی مدیریت دولتی دانشگاه پیام‌نور، Email:ketabchimonireh@yahoo.com

مقدمه

در بسیاری از جوامع، برخی از گروه‌های اجتماعی با تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو هستند که همین امـــر، آنها را از دسترسی درست و دقیق به بازار کار و دستیابی به حداکثر توان بالقوه محروم می‌سازد. این گـــروه‌هـــا شامل زنان، کارگران کهنسال و کارگران بسیار جوان، افرادی با تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای، گروه‌های غیربومی و اقلیت‌های مذهبی، همچنین افرادی که در مدت زمان طولانی بیکار بوده‌اند، کارگرانی که مهارت آنها در سطح پائینی است و ... می‌باشند. (کرمی نوری، ۱۳۷۹) در این میان تبعیض‌هایی که علیه زنان و ارتقاء کارآفرینی آنان اعمال می‌شود در کاهش نقش آنها در تولید ناخالص ملی کشورها و در نتیجه، توسعهٔ اقتصادی سهم به‌سزایی دارد. بنـــابـــراین، بـــا توجه به اهمیت موضوع در این مقاله سعی داریم به بحث و بررسی پیرامون این مسألـــه و راه‌حل‌های موجود بپردازیم. هدف از انجام این مقاله مروری آن است که: به‌منظور استفادهٔ بهینه از توانایی‌های زنان و دستیابی به توسعهٔ اقتصادی، باید نقش کارآفرینی زنان را در توسعهٔ همه‌جانبه به‌ویژه توسعهٔ اقتصادی تقویت نمایند امروزه در عرصهٔ جهانی، زنان خلاق، نوآور و مبتکر به‌عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و نقش آنان به عنوان موتور توسعهٔ اقتصادی، قهرمانان ملی و توسعه‌دهندگان صنعتی، مشوقان سرمایه‌گذاری، عاملین ایجاد اشتغال، گزینه‌های اصلی انتقال فناوری و عاملین رفع خلل و تنگناهای بازار، تبیین یافته است. چرخ‌های توسعهٔ اقتصادی همواره با توسعهٔ کارآفرینی به حرکت در می‌آیند، از این‌رو، پرورش نیروهای خلاق و نوآور، یکی از مباحث مهم در سطح صنعت، خدمات و دانشگاه می‌باشد (Bas,2000).

توسعهٔ کسب کارهای کوچک: راه حل مشکل بیکاری

یکی از مهم‌ترین مسائل کشورها در دنیای امروز و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه با جمعیت نسبتاً جوان که نظام‌های سیاسی این جوامع را با چالش جدی رو به رو کرده است. مسالهٔ افزایش نرخ بیکاری است و با اطمینان زیاد می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اولویت‌هایی که در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی به آن اهمیت داده می‌شود ایجاد اشتغال پایدار و کاهش نرخ بیکاری می‌باشد. (گنجی ،۱۳۷۹) در این میان، کسب و کارهای خانگی که یکی از شکل‌های این فعالیت‌های اقتصادی است به‌واسطهٔ کارکرد و مزایای خاص خود به سرعت رشد و توسعه یافته است که این امر از نظر ایجاد اشتغال و بهره‌وری در تولید و عرضهٔ کالا و خدمات و سنخیت با تکنولوژی موجب تنوع و دگرگونی زیاد در بازارهای مختلف شده است که می‌تواند برای جوانان بستر مناسبی جهت راه‌اندازی آسان و سادهٔ فعالیت‌های اقتصادی فراهم آورد و نقطهٔ شروع مناسبی برای ورود به بازار کار محسوب گردد.

هفت محدودیت عمده برای زنان کارآفرین شناسایی شده‌است: (Baba,1999)

۱. پررنگتر بودن نقش زنان در خانواده و نیاز بیش از مردان به حضور دائمی آنها در خانواده،
۲. وجود افکار منفی در مورد نقش زنان در کسب و کار،
۳. سطوح آموزشی نسبتاً پایین‌تر زنان، به دلیل دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی شغلی،
۴. فرصت‌های محدودتر در بخش دولتی برای توسعهٔ مهارت‌ها،

۵. دسترسی ناکافی زنان کارآفرین به تکنولوژی خدمات حمایتی و اطلاع‌رسانی،
۶. دسترسی کمتر زنان به اعتبارات نسبت به مردان به‌دلیل ضعف مسائل مربوط به ضمانت و مقادیر کم اعتبارات،
۷. نگرش منفی درخصوص توان بازپس‌دهی پائین زنـــان کارآفرین ازسوی متصدیان وام.

نتایج تحقیقات انجام‌شده در توسعهٔ کار آفرینی زنان: (حسینی،۱۳۸۲)

در این بخش، اطلاعات مورد نیاز بیش از۵۰ کشور جهان جمع‌آوری شده است و این نشان‌دهندهٔ اهمیتی است که در اغلب کشورها برای توسعهٔ کارآفرینی قائل شده‌اند. بیشترین تعداد پاسخ‌ها اشاره به اقداماتی دارد که توسط دولت‌ها برای حمایت از کارآفرینی زنان انجام شده است و در ذیل به آنها اشاره می شود:

- اهمیت کارآفرینی زنان و مشارکت آنها در اقتصاد محلی،
- برنامه‌های آموزشی برای گسترش کارآفرینی زنان،
- ارائهٔ امکانات ویژه با ایجاد نگرش جنسیتی،
- تسهیل دسترسی آسان‌تر زنان به خدمات مالی،
- محافظت و حمایت قانونی از زنان و برنامه‌های حمایتی با تأکید بر جنسیت.

نقش کارآفرینی در توسعهٔ صنعتی و اقتصادی کشور:(Argyris,1995)

ساختار اقتصادی دنیای امروز با گذشته به‌طور اساسی تفاوت دارد. شاخص‌های سخت‌افزاری و دارایی‌های مشهود که دیروز در جایگاه یک بنگاه اقتصادی نقش تعیین‌کننده داشت، جای خود را به نوآوری، ابداع، خلق محصولات جدید و دارایی‌های نرم‌افزاری داده است. تولید علم و دانش، بهره‌گیری از دانش و گسترش آن در سطح جامعه در تمام زمینه‌های اجتماعی، توانمندی و قدرت ایجاد می‌نماید. کشورهایی که بخش قابل ملاحظه‌ای از تولید علم و دانش را به خود اختصاص داده‌اند، از نظر صنعتی توسعه‌یافته و از توان اقتصادی و سیاسی بالایی برخوردارند. بدیهی است تولید علم و دانش جز از راه تحقیق حاصل نمی‌گردد. رابطهٔ سرمایه‌گذاری در امر تحقیقات و تولید علم و رابطهٔ تولید علم با توان اقتصادی و سیاسی کشورها یک رابطهٔ مستقیم است. به‌کارگیری دانش و مدیریت در هر جامعه زیربنای نوآوری و خلاقیت‌هاست. بنابراین، لازمهٔ رشد اقتصادی در دنیای امروز، توسعهٔ مراکز تولید دانش، فنّاوری و مهارت‌های فنی است که مهم‌ترین آن‌ها دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی هستند. دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به‌عنوان رکن اساسی در توسعهٔ همه‌جانبهٔ کشور باید از هر نظر مورد حمایت قرار گیرند و محققان و اساتید باید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشند تا با آسایش خیال قادر باشند نیروهای جوان و طالب علم کشور را اهل فکر و نظر، نوآور و خلاق پرورش دهند. در دنیای امروز، بزرگترین سرمایه‌های یک بنگاه اقتصادی نیروهای اهل فکر، یادگیرنده و خلاق آن‌ها هستند و این نیروها کسی جز کارآفرینان نیستند.

بسیاری از کارآفرینان فعالیت خود را در قالب ایجاد شرکت‌های کوچک و متوسط (SME۲ها) شروع می‌نمایند. این شرکت‌ها سهم به‌سزایی در توسعهٔ صنایع پیشرفته و ایجاد اشتغال داشته و نسبت به شرکت‌های بزرگ از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردارند. لذا، بسیاری از دولت‌ها متقاعد شده‌اند که باید بستر رشد را برای واحدهای کوچک و متوسط در قالب

مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فنّاوری فراهم سازند و آن‌ها را تا مدت زمانی که بتوانند به‌صورت یک شرکت مستقل وارد بازار شوند، حمایت کنند. در کشورهای جنوب شرقی آسیا ٪۹۵ کل بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی کشورها را «SMEها» تشکیل داده و به‌عنوان رکن اساسی در اقتصاد و اشتغال کشورها تأثیر گذارند.

در ایران، مرکز تحقیقات گسترش یکی از شرکت‌های تابعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران در رابطه با مقولهٔ کارآفرینی تجربهٔ بسیار ارزنده‌ای دارد. در طول بیش از سه سال فعالیت در رابطه با کارآفرینی حدود ۱۲۰ کارآفرین را مورد حمایت مالی و فنی قرار داده است. از این تعداد کارآفرین تاکنون ۴۰ کارآفرین پروژهٔ خود را تمام و حاصل تلاش آن‌ها وارد یا در شرف ورود به بازار است. (مؤسسهٔ کار و تأمین اجتماعی،۱۳۶۴)

- از بخش تحقیق و توسعهٔ شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEها) در ۴ مورد حمایت شده که در هر مورد فرآیندی جدید در تولید یا محصولی جدید به خط تولید اضافه شده است. (سفیری،۱۳۸۲)

- با استفاده از فرایندهای جدید در ساخت، انجام پروژه‌های کارآفرینی در ۲۶ مورد منجر به توسعهٔ فنّاوری شده است.

- در این میان ۱۱ کارآفرین توانسته‌اند با ثبت ۱۱ شرکت جدید فعالیت صنعتی و اقتصادی خود را در قالب « SMEهای» ایجادشده دنبال نمایند.

- با فروش محصولات، تولیدی کارآفرینان در طول زمان انجام پروژهٔ کارآفرینی بیش از ۶/۵۹۵ میلیون دلار صرفه‌جویی ارزی حاصل شده است که با ادامهٔ فعالیت کارآفرینان در صنایع ایجادشده، روند صرفه‌جویی ارزی به‌طور پیوسته ادامه خواهد یافت.

با نگاهی به نتایج ذکرشده می‌توان به میزان موفقیت طرح توسعهٔ کارآفرینی پی‌برد. مهم‌ترین آثار توسعهٔ کارآفرینی، افزایش نوآوری، ارتقاء سطح فنّاوری، افزایش تعداد ثبت اختراعات و ابداعات، تولید دانش فنی، ایجاد اشتغال و SMEها، تولید و توزیع درآمد در سطح جامعه است که در نتیجه می‌تواند افزایش ثروت ملی را در برداشته باشد.

راهکارهای نهادینه کردن مشارکت زنان

پس از پرداختن به بحث لزوم مشارکت زنان و شناخت محدودیت‌ها و موانع سر راه آنان، لازم است راهکارهایی برای رفع این مشکلات و نهادینه کردن مشارکت آنان در اجتماع اعمال شود. امروزه گزارش‌های منتشرشدهٔ بانک جهانی نشان می‌دهد جهان به این نتیجه رسیده است که توسعهٔ اقتصادی، به تنهایی پاسخ‌گوی مفهوم کامل توسعه نمی‌باشد. بر اساس آخرین گزارش‌های جهانی، سرمایه‌های ملی یا ثروت ملی شامل ۳ منبع اصلی است که عبارت است از: منابع انسانی، منابع فیزیکی و منابع طبیعی (فرنودیان،۱۳۶۸)

در یک نگاه اجمالی به ۳ کشور ژاپن، آلمان و ایران مشاهده می‌شود منبع نیروی انسانی در کشور ما، تنها ۳۴درصد از منابع و ثروت ملی را شامل می‌شود، در حالی‌که این رقم در کشور ژاپن و آلمان بالای ۷۵درصد است. این امر بیان‌گر این است که ما نتوانستیم به بهترین شکل از غنی‌ترین منبع خود (منبع انسانی) استفاده کنیم. منابع فیزیکی و طبیعی فناپذیر بوده و پس از چند بار استفاده قابلیت وکلایی خود را از دست داده و از چرخهٔ تولید خارج می‌شوند، اما منبع انسانی، نه تنها فناناپذیر است، بلکه هر چه استفاده از آن بیشتر می‌شود کارایی آن بالاتر می‌رود، زیرا تنها منبع قابل تکامل می‌باشد.

امروزه در جهان کسی را نمی‌توان یافت که فقط با توجه به امکانات فردی خود کار مهمی را انجام داده باشد. پس لازم است برای رسیدن به موفقیت در زمینه‌های گوناگون، هم سیاست‌های عمومی مدبرانه و عاقلانه را در پیش گرفته و هم به گسترش سازمان‌های اجتماعی مبتنی بر مشارکت مردم بپردازیم. اگر می خواهیم زنان وارد عرصهٔ جامعه شوند و از حقوق خدادادی خود به نحو احسن بهره‌مند شوند، چه اقداماتی باید انجام دهیم؟ (ناجی راد،۱۳۸۲)

۱. به نقاط مثبت و ظرفیت‌های وجودی زن توجه کنیم و تصمیم‌گیری و مدیریت او را محدود به اداره نکنیم و توجه بیشتری به نقش او در خانواده و تصمیم‌گیری‌های خانوادگی نماییم.

۲. بایستی در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات‌مان در نظام اداری، برای زنان فعالیت‌هایی را در نظر بگیریم که در آنها مؤثرتر، کارآمدتر و موفق‌تر باشند، زیرا امروزه با این روند حضور زنان در عرصهٔ اشتغال نه تنها برابری و عدالت در مورد زنان تحقق پیدا نکرده است، بلکه زمینهٔ استثمار مضاعف را نیز فراهم آورده است. زیرا به اشتغال زنان، از دریچه نوعی اشتغال ارزان‌قیمت نگریسته می‌شود، چون زنان در سطح دستمزد کمتری از مردان حاضر به کار می‌شوند.

۳. زنان خود نیز می‌توانند با ایجاد سازمان‌های غیردولتی خیرخواهانه، گام بزرگی را در زمینهٔ مشارکت برداشته و بسیاری از خوبی‌ها و حرکت‌های انسانی را در جامعه نهادینه کنند.

۴. از طرف دیگر، دولت‌مردان کشور ما نیز بایستی با سیاست‌گذاری‌های خود فضای لازم را برای به‌وجود آمدن چنین سازمان‌هایی فراهم کنند؛ یعنی از یک طرف سازمان‌های مردمی ایجاد شود و از طرف دیگر نظام اداری، زمینه‌های پشتیبانی و حمایت‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی را فراهم کند.

نتایج مشارکت زنان در اشتغال (اسفرجانی،۱۳۶۸)

۱. اشتغال زنان به کارهای غیرخانگی از بار تکفل می‌کاهد و هرچه بار تکفل کمتر باشد، درآمد سرانه بیشتر می‌شود و یکی از شاخص‌های توسعه، میزان بار تکفل است.

۲. افزایش اشتغال زنان، کاهش باروری و در نتیجه کاهش رشد جمعیت را به همراه دارد و درآمد سرانه را بالا می برد که موجب رشد و توسعه می‌شود.

۳. با افزایش مشارکت زنان در اشتغال، دسترسی مادران به فرصت‌های آموزشی بیشتر شده و موجب تقویت حس استقلال و تأثیر آن در افزایش تصمیم‌گیری‌های زن در خانواده می‌شود.

۴. در سطح روستاها، هرچه آموزش بیشتر باشد و تجزیهٔ شغلی افزایش یابد و زنان همراه با مردان در استفاده از تکنولوژی‌های جدید مربوط به کشاورزی و صنایع دستی، آموزش‌های لازم را ببینند، باعث رشد اقتصادی کشور خواهند شد.

۵. در سطح شهرها، هر چه زنان تحصیلات عالی و تخصص داشته باشند و تخصص‌های لازم جهت کسب مشاغل بالاتر را کسب نمایند، شرایط بهتری در اقتصاد کشور ما ایجاد خواهد شد.

به‌طورکلی، اگر از بعضی تنگ‌نظری‌ها به زنان که در جامعهٔ ما وجود دارد، بگذریم؛ شرایط تا حدودی برای مشارکت زنان در صحنه‌های مختلف توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم است. با توجه جدی‌تر دولت در این زمینه و آگاهی و حرکت خود زنان، این نیروی بالقوه به‌کار گرفته خواهد شد تا بتوانیم گامی در جهت توسعه برداریم. (ساعتچی،۱۳۸۲)

نتیجه‌گیری

مقولهٔ کارافرینی و کسب و کارهای خانگی در زنان از آن جهت که مستلزم بروز تغییراتی در جامعه می‌باشد، هم می‌تواند باعث شکوفایی و رشد عمیق و پایدار کشورها شود و هم بی‌توجهی نسبت به تمام جوانب و پیامدهای آن می‌تواند منجر به فروپاشی بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی کشورها گردد.

اما اگر نتایج تحقیقات نسبتاً محدودی را که در رابطه با کارآفرینان زن انجام گرفته است، مرور کنیم به این نتیجه می‌رسیم که: دو راه حل اصلی برای کاهش اعمال تبعیض‌آمیز وجود دارد: یکی راه‌حل درازمدت با هدف تغییر تدریجی رفتارهـای فرهنگی و اجتماعی که اشکال بدتر تبعیض را کاهش می‌دهد و دیگری را ەحلهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت که در بسیاری از کشورها به‌کار گرفته می‌شوند. راه‌حل طولانی‌مدت نیاز به استفاده از انواع مختلف روش‌هایی دارد که سطح آگاهی‌های عمومی را افزایش داده و تحقق آن از طریق سمینارها، کارگاه‌های آموزشی، و در قالب فیلم‌های آموزشی و برنامه‌های رسانه‌های ارتباط‌جمعی امکانپذیر است. در این مقاله به اهم وجودی کارآفرینی و نقش آن در اشتغال و توسعه در سطح کشور اشاره کردیم و اینکه با تغییر نگرش‌ها و سبک زندگی می‌توان از قوهٔ خلاقیت و کارآفرینی زنان کشورمان، همپای مردان استفادهٔ کارآمد کرد.

در پایان، امیدواریم سیاست‌ها و برنامه‌های کشور ما نیز همسو با بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه از جمله مالزی، اندونزی، هندوستان که در سال‌های اخیر در سطح قابل‌توجهی در امر کارآفرینی و اشتغال زنان موفق بوده‌اند، به حمایت از کارآفرینی و اشتغال بانوان توانمند ایرانی که قطعاً سهم به‌سزایی در توسعهٔ اقتصادی کشور خواهند داشت، بپردازد تا بتوانیم در ابعاد بین‌المللی و ارتقاء جایگاه زنان کارآفرین ایرانی در سطح جهان، گام‌های مؤثری برداریم.

پیشنهادات

- ✓ جلوه دادن زنان خانه‌دار به‌عنوان افراد ناآگاه، کم‌سواد، بیکار و وابسته به شوهر، بی‌توجهی به باورها و توانایی‌های زنان (یعنی نیمی از اقشار جامعه) می‌باشد. زن باید جایگاه واقعی خود را بیابد و این مهم باید در کتب درسی و رسانه‌های گروهی مختلف به‌ویژه تلویزیون مورد توجه واقع شود.
- ✓ باید زمینهٔ لازم را جهت ارتقاء زنان به سطوح بالای شغلی فراهم کرد.
- ✓ باید آگاهی‌های لازم به شوهران در مورد اشتغال زنان و تأثیرگذاری آن بر بنیان‌های اقتصادی و فرهنگی خانواده داده شود.
- ✓ باید زنان خانه‌دار را با هدف تأمین آتیهٔ آنان در دوران از کارافتادگی، کهولت و بی‌سرپرستی (طلاق و یا فوت همسر) بیمه کرد.

- ✓ باید حداقل در برهه‌ای کوتاه از زمان - به‌عنوان عامل انگیزش - مدیریت و هدایت برنامه‌ها و پروژه‌های رشد و توسعه به زنان شایسته و متخصص و کارآمد واگذار شود.
- ✓ با توجه به اهمیت مساوات و عدالت اجتماعی و اقتصادی، باید با مصوبه‌های قانونی از قدرت و نیروی خلاق زنان به عنوان نیمی از نیروی کار و منابع انسانی، استفادهٔ کامل نمود.
- ✓ باید با آگاهی و آموزش مدیریت مشارکت به شوهران و فرزندان آنان، بار سنگین ادارهٔ امور خانه و تربیت فرزندان را سبک نمود.
- ✓ باید باورها و پندارهای غلط جامعه را در مورد استعداد و اشتغال زنان و این‌که مرد بر مبنای جنسیت، استعداد و توانایی بیشتری برای به‌عهده گرفتن مشاغل سطح بالا دارد، اصلاح گردد.
- ✓ محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای آزادسازی فعالیت‌های زنان را باید از بین برد.
- ✓ امر توسعه بدون مشارکت زنان میسر نخواهد بود؛ زنان مصداق کلام مبارک «الذین آمنو و عملو الصالحات» هستند و تربیت مردان و زنان فردا را بر عهده دارند. بنابراین، لازم است که تمام امکانات را برای فراهم کردن بستری مناسب برای فعالیت‌های آنان فراهم نمود.

منابع

اسفرجانی، ی(۱۳۶۸)، روان‌شناسی صنعتی، انتشارات هنرسازی عالی،تهران،چاپ دوم،ص ۱۲

تاریخچهٔ آموزش، پژوهش، کاربرد و دستاوردهای روان‌شناسی صنعتی ـ سازمانی در ایران(۱۳۶۴)، مؤسسهٔ کار و تأمین اجتماعی، چاپ پنجم، صص ۱۲۰-۱۱۷.

ساعتچی، م (۱۳۸۲)، روان‌شناسی بهره‌وری، ابعاد کاربردی روان‌شناسی کار و روان‌شناسی صنعتی ـ سازمانی ـ مؤسسهٔ نشر ویرایش، چاپ اول، ص ۴۹.

کرمی نوری، ر(۱۳۷۹)، تاریخچهٔ روان‌شناسی صنعتی ـ سازمانی در ایران، طرح تحقیقاتی مؤسسهٔ کار و تأمین اجتماعی، چاپ دوم، ص ۵۵.

گنجی، ح (۱۳۷۹)، روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، مؤسسهٔ انتشارات بعثت، چاپ اول،ص ۲۳.

حسینی . ا (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات زنان؛ مشارکت و برنامه‌ریزی برای توسعهٔ پایدار، (تهران: برگ زیتون)، صفحهٔ ۱۸۵-۱۹۰.

سفیری، خ ،(۱۳۸۲)، اشتغال زنان در توسعهٔ رضایت شغلی و نوع مشاغل، مجموعه مقالات زنان ؛ مشارکت و برنامه‌ریزی برای توسعهٔ پایدار، (تهران: برگ زیتون)، ص۱۶۷- ۱۶۸.

ناجی راد، م (۱۳۸۲)، موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی اقتصادی ایران پس از انقلاب، (تهران: کویر)، ص۳۵۶.

فرنودیان، ف(۱۳۷۰)، مقالهٔ محتوای درسی و پژوهش خلاقیت دانش آموزان، مجلهٔ رشد تکنولوژی آموزشی، شماره‌های ۵، ۶ و۷ ، چاپ ششم،.صص ۶۷-۶۵.

Argyris. C. (1995) Interventions for improving leadership effectiveness Journal of Management Development, Vol 4 (5).pp:67-9

Baba, V. V, & Journal, M. (1999) How much do we really know about moonlighters? Public personal management.pp:92-4

Bas, B.M. (2000), Handbook of leadership, free press, New York.p:45

نقش‌آفرینی زنان در تحقق شعار سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی

محبوبه زحمتکش[1]

چکیده

زنان به‌عنوان نیمی از آمار عظیم جامعه عامل مهمی در پیشبرد فعالیت اقتصادی محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه بیشتر فعالیت اقتصادی بانوان در بخش خانواده است و زن به‌عنوان مدیر اقتصادی خانواده محسوب می‌گردد، در این مقاله به نقش زنان در خانواده در جهت تحقق سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی پرداخته می‌شود. در مقالهٔ حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز به منابع کتابخانه‌ای استناد گردیده است و در ابتدای به نقش زنان به‌عنوان مدیر اقتصادی خانواده و نقش آنها در خرید و نحوهٔ مصرف، پرداخته می‌شود، زیرا زنان با کسب آگاهی‌های لازم قادر خواهند بود که هزینه‌های یک جامعه را کنترل کنند و باعث ارتقاء و بهره‌وری ملی گردند. سپس به نقش دیگر آنان در تربیت فرزندان و هدایت خانواده به سمت صرفه‌جویی و اصلاح الگوی مصرف و در ادامه نیز به اهمیت انتخاب کالای ایرانی و بالا بردن کیفیت تولیدات داخلی پرداخته خواهد شد. از مطالعات و تحقیقات انجام‌شده این نتیجه حاصل می‌گردد که زن نقش به‌سزایی در شکل‌گیری شخصیت رفتاری فرزندان دارد، وقتی اعضاء خانواده اصلاح الگوی مصرف و فرهنگ درست مصرف کردن و صرفه‌جویی را بیاموزند از منابع به نحو مطلوب استفاده می‌شود و به اقتصاد کشور کمک شایسته‌ای خواهد شد. با رعایت فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی در خانوادهٔ جامعه نیز به سمت آن هدایت می‌شود و از هدر رفتن منابع جلوگیری خواهد شد و به رونق اقتصادی کشور و تولید ملی خواهد انجامید. بنابراین، زنان با اصلاح مدیریت خانه و خانواده هم چرخهٔ تولیدات داخلی را می چرخانند و هم نسلی توانمند را که تولید سرمایه می‌کنند، تربیت می‌نمایند.

واژگان کلیدی: نقش، زنان، اصلاح الگوی مصرف، تولید ملی.

۱.کارشناسی ارشد مدیریت آ موزشی(کارشناس اموزشگاههای آزاد) سمنان، Email:helena_8686@yahoo.com

مقدمه

اولین و مهمترین مولفه توسعه در هر کشور انسان است، نیروی انسانی سهم عمده ای در توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دارا می باشد.در واقع نیروی انسانی مهمترین زیر ساخت کشورو اساس حرکت به سوی توسعه می باشد.(مجدنیا ، ۲۵:۱۳۸۸)

زنان به عنوان نیمی از آمار عظیم جامعه عامل مهمی در پیشبرد فعالیت اقتصادی محسوب می شوند. در خانواده اصیل ایرانی ، زن نقش تعیین کننده ساختار فرهنگی خانواده را بر عهده دارد. زن در نقش مادر خانواده بیشترین نقش را در تربیت و شکل گیری فرهنگ و احساسات فرزندان دارا می باشد و می تواند با داشتن آگاهی های لازم یک زندگی سالم را در شخصیت افراد خانواده گسترش دهد و با کسب جدیدترین اطلاعات ودانش روشهای نوین را جایگزین باورهای غلط غیر اقتصادی نماید و سطح فرهنگی خانواده را افزایش دهد. اتخاذ الگوی صحیح و منطقی در مصرف، آثار فردی و اجتماعی فراوانی به دنبال دارد؛ زیرا در سطح کلان، تا امکانات یک جامعه با نیازها و خواسته‌های افراد آن جامعه متناسب و هماهنگ نباشد، کسب استقلال اقتصادی و دستیابی به عزّت و سرافرازی ممکن نمی‌گردد و در سطح فردی، بدون اجتناب از مصارف غیرضرور و تجمّلی و تقدیر معیشت به معنای متوازن نمودن درآمدها و هزینه‌ها آرامش روحی و روانی- که شرط اصلی رفاه مادی است- به‌وجود نمی‌آید. جست و جوی الگوی مصرف متناسب خانوار به معنای تهیه نسخه‌ای عام برای همه نیست، بلکه آشنایی با معیارها، فرضیه‌ها و رفتارهای بخردانه‌ای در مصرف است که خانواده در پرتو آن بهتر می‌تواند بر مسائل و مشکلات مالی خویش غلبه کند و هزینه‌ها را تا حد ممکن به امکانات نزدیک نموده، از فشارهای روانی وارد بر خانواده از نظر ساعات کار و احساس محرومیت، خفّت وشکست بکاهد(رزاقی،۱۳۷۴) بنابراین برای رسیدن به خودکفایی و استقلال ملی می توان به نهادینه شدن فرهنگ اصلاح الگوی مصرف و صرفه جویی وافزایش مصرف تولیدات داخلی توسط زنان اشاره نمود .

زن و مدیریت اقتصاد خانواده

در خانواده اصیل ایرانی، زن نقش تعیین کننده ای در بعد اجتماعی و فرهنگی خانواده دارا می باشد . مادر خانواده بیشترین تاثیر خود را در تربیت و شکل گیری فرهنگ و ساختار خانواده می گذارد و این بدلیل ارتباط زیاد مادر با اعضای خانواده است، زن در نقش مادر خانواده می تواند با داشتن آگاهی های لازم در ابعاد فرهنگی اجتماعی اقتصادی مبنای یک زندگی سالم را در شخصیت اعضای خانواده گسترش دهد. مادر خانواده با برخورداری از جدیدترین اطلاعات و دانش در رابطه با موضوعات مختلف زندگی وآموزش به اعضای خانواده می تواند روشهای جدید و نوین را جایگزین باورهای غلط و غیر اقتصادی نماید و سطح فرهنگی خانواده را افزایش دهد و با کسب اطلاعات از طریق آموزش اجتماعی و رسانه های عمومی و تحصیل، مهارت لازم را برای هدایت اعضاء خانواده به سمت صحیح مهیا نماید.

زن به عنوان مدیر اقتصادی خانواده در خرید و نحوه مصرف نقش مهمی بر عهده دارد. زنان با کسب آگاهی های لازم در مورد نحوه مصرف قادر خواهند بود که هزینه های یک

جامعه را کنترل نمایند و باعث ارتقاء سطح مدیریت و بهره‌وری ملی شوند که این امر از طریق بهینه‌سازی مصرف در خانواده حاصل می‌گردد (برادران رضائی، ۱۳۸۵).

زنان نه تنها در خرید لوازم و مواد مصرفی نقش مهمی دارند، بلکه در درست مصرف کردن و همچنین نگهداری مواد مصرفی نیز باید مدیریت داشته باشند. الگوی مصرف در اقتصاد اهمیت ویژه‌ای دارد. هم از این‌رو که مخارج مصرفی در درآمد ملی دارای سهم بزرگی است و هم از این جهت که آن بخش از درآمد ملی که مصرف نمی‌شود، سرانجام پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خواهد شد. (گرجی، ۱۳۷۹) همچنین، زنان به خاطر اینکه بیشترین خریدها را انجام می‌دهند، می‌توانند در نوع تولیدات مد و تعداد کالاهای واردشده به بازار نیز دخالت داشته باشند. (تفضلی به نقل از ادیب و دیگران، ۱۳۸۸)

نقش زنان در حمایت از تولید ملی

زنان از راه‌های مختلف در حمایت از تولید ملی و رسیدن به خودکفائی تأثیرگذار می‌باشند و می‌توان به نوع مصرف، طریقهٔ مصرف و فرهنگ صرفه‌جویی اشاره نمود که به اختصار به آن خواهیم پرداخت.

مصرف کالاهای داخلی

بانوان ایرانی می‌توانند نقش به‌سزایی در رونق اقتصاد کشور و روان‌تر کردن حرکت چرخ‌های صنعتی ایفا کنند و با خرید و البته «بالیدن» به خرید کالای ایرانی، «خرید کالای ایرانی» را به فرهنگ تبدیل کنند. حوزهٔ آموزش، یکی از حوزه‌هایی است که زنان می‌توانند در آن نقش‌آفرین باشند. این آموزش می‌تواند هم در تربیت فرزندان و هم در نقش معلمان در مدارس صورت پذیرد. مادران می‌توانند فرزندان خود را از کودکی به مصرف کالاهایی تشویق کنند که در داخل تولید می‌شود و از فوایدش برای آنان بگویند تا کودکان بدانند چه قدر می‌توانند در توسعه و پیشرفت کشورشان مفید باشند.

برای اصلاح الگوی مصرف باید تولیدات داخلی را جانشین محصولات خارجی کنیم و زنان و خانواده‌ها باید تصمیم بگیرند، برای تهیهٔ وسایل خانه و جهیزیهٔ فرزندانشان، از کالاهای داخلی استفاده کنند..(رئیسی وانانی و عیوضی: ۱۳۹۱)

اگر فرهنگ خرید کالای ایرانی در میان زنان نهادینه شود، کشور به رشد و جهش خوب در زمینهٔ تولید خواهد رسید (رستمی، ۱۳۹۱) آنچه مهم است و مصرف‌کنندهٔ ایرانی را به استفاده از کالای داخلی ترغیب می‌کند، افزایش کیفی محصول داخلی است. تولیدکنندهٔ داخلی بدون آنکه محصولات خود را به استانداردهای جهانی آن محصول نزدیک کند و بدون آنکه آسایش و ایمنی مصرف‌کننده را در نظر گیرد، نمی‌تواند انتظار فروش مناسب محصولاتش را داشته باشد. (رئیسی وانانی و عیوضی:۱۳۹۱) بنابراین، جایگزینی کالای ایرانی در خانواده‌ها، وظیفهٔ جهادی زنان است، این موضوع موجب رونق اقتصادی کشور و بر طرف شدن مشکل بیکاری جوانان نیز می‌شود (توانا علمی به نقل از حاج حسینی، ۹۱)

خانواده‌ها با خرید و استفاده از محصولات فرهنگی وطنی سه کار را انجام می‌دهند:

- تاریخ و فرهنگ چند هزار سالهٔ ایران را به کودکان معرفی می‌کنند؛

- استفاده از این محصولات سبب می‌شود کودکان در مقابل تهاجم فرهنگ بیگانه واکسینه شوند.
- خانواده‌ها با تهیهٔ این‌گونه محصولات، از تولیدکنندگان آنها حمایت می‌کنند .(رئیسی وانانی وعیوضی: ۱۳۹۱)

فرهنگ صرفه‌جویی

زن با مدیریت صحیح و فرهنگ‌سازی درست در زمینهٔ صرفه‌جویی می‌تواند نقش کلیدی در تحقق شعار تولید ملی ایفا نماید. زنان با اصلاح مدیریت خانواده هم می‌توانند چرخ تولیدات داخلی را بچرخانند و هم نسلی توانمند را که تولید سرمایه می‌کنند، تربیت نمایند. مادر به‌دلیل ارتباط فراوان با فرزندان می‌تواند روش‌های صحیح درست مصرف کردن و مزایای صرفه‌جویی را به کودکان و اعضاء خانوادهٔ خود بیاموزد.

نقش زن در تربیت و پرورش کودکان چشمگیر است. بسیاری از عادات و رفتارها چون در سنین کودکی و در کانون خانواده و توسط مادر آموزش داده می شوند، در انسان به‌صورت پایدار باقی می‌مانند و تغییر آن بسیار دشوار است. چنانچه آموزش مادران صحیح باشد، نتایج مثبت آن در طول زندگی پایدار می‌شود و بالعکس، اگر آموزش نادرست باشد، پیامد فنی آن فرد و جامعه را با چالش مواجه می‌نماید (حسینی، ۱۳۷۹).

مصرف‌کنندهٔ نهایی انرژی می‌بایستی تشویق به پرهیز از مصرف بیش از حد و تحریک درونی به صرفه‌جویی انرژی شوند. اعضای خانواده با استفاده صحیح و درست از مواد مصرفی و صرفه‌جویی می‌توانند گامی مهم در جهت رسیدن به خودکفایی و تولید ملی داشته باشند. اگر خانواده بتواند هم در انتخاب کالاهای مورد نظر دقت کافی داشته باشد و هم در خرید کالاها، ایرانی بودن آنها را در نظر بگیرد، می‌تواند اقتصاد خودش را خوب مدیریت کند و در اقتصاد ملی اثرگذار باشد. (رئیسی وانانی و عیوضی: ۱۳۹۱)

در قرآن نیز اشارتی به صرفه‌جویی و تأکید بر آن شده است. در آیهٔ ۱۴۱ سورهٔ انعام به مسئلهٔ اعتدال در مصرف اشاره دارد که همان معنای صرفه‌جویی و بهینه‌سازی مصرف در اقتصاد امروز جهان است. خداوند در این آیه اعتدال در تصرف و دوری از اسراف و تبذیر را خیلی مهم در هزینه‌کرد اموال اقتصادی برشمرده و در آیهٔ ۳۱ سورهٔ اعراف و ۲۶ سورهٔ اسراء و ۶۷ سورهٔ فرقان بر آن تأکید می‌ورزد.

اصلاح الگوی مصرف

اصلاح الگوی مصرف به معنی نهادینه‌کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است که سبب ارتقاء شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها شده و زمینه‌ای برای گسترش عدالت است. از طرفی، الزام مصرف بهینه باعث می‌شود تا علاوه بر پیشرفت علمی ناشی از ارتقاء فناوری در طراحی و ساخت وسایل تجهیزات بهینه مطابق با استاندارد جهانی، فرصت توزیع مناسب منابع و به تبع آن پیشرفت در دیگر بخش‌هایی که کمتر مورد توجه بوده است نیز فراهم گردد (کلانتری به نقل از ادیب ،۱۳۸۸). الگوی مصرف حاکم بر جامعه می‌تواند به تخصیص بهینه منابع و نحوهٔ به‌کارگیری عوامل تولید کمک کنند. به‌گونه‌ای که در برگیرندهٔ

نیازهای ضروری و اساسی باشد و با الویت‌بندی و تشخیص میزان اهمیت هریک زمینهٔ لازم را برای استفادهٔ منطقی از امکانات فراهم آورد. (صادقی، ۱۳۷۵)

زنان و راهکارهای الگوی مصرف

- نظارت زنان بر نحوهٔ مصرف خانواده: مادر می‌تواند با نظارت بر نحوهٔ مصرف، اعضاء خانواده را در مسیر صحیح قراردهد و با ترغیب خانواده به صرفه‌جویی و قرار دادن خود به‌عنوان الگو نقش مهمی ایفا نماید. زنان و مادران با توجه به اینکه حضور پررنگتری در خانه دارند، بیشتر می‌توانند بر مسائل و صرفه‌جویی‌هایی هرچند کوچک نظارت کنند.
- ارتقاء سطح آگاهی زنان در زمینهٔ مصرف صحیح: در درجهٔ اول ابزار زنان آگاهی و خودباوری است و زنان باید به نقش آموزش‌دهندهٔ خود در مورد درست مصرف کردن و در نتیجه، کاهش ضایعات واقف باشند. بچه‌ها را از کودکی در خانه طوری تربیت کنند که افراد مصرف‌گرا نباشند و این در صورتی ممکن است که زن در زندگی روزمره الگوی صحیحی از مصرف داشته باشد (ویلکی، به نقل از ادیب، ۱۳۸۸)
- آموزش از طریق مدارس و یا قرار دادن برنامهٔ درسی مستقلی که به مسائل مختلف انرژی بپردازد.
- استفاده از اجناس تولیدی با کیفیت و دوام بالا: استفاده از محصولات با دوام‌تر مدت استفاده از آنها را طولانی می‌نماید.
- مصرف صحیح و درست مواد غذایی و طعام روزانه و مصرف صحیح برق و آب و گاز ..
- خرید و تهیهٔ لوازم و کالاهایی که استفاده ضروری دارند.
- کاهش استفاده از کالاهای یکبار مصرف.

خودباوری ملی

یکی از راه‌های مهم تقویت تولید ملی، ایجاد روحیهٔ خودباوری در سطح کشور، به‌ویژه در بین خانواده‌ها و تولیدکنندگان است. باید این روحیه را در سطح کشور ایجاد کنیم که ایران و ایرانی می‌تواند کالاهای بسیار باکیفیتی تولید کند؛ کالاهایی که قابلیت رقابت با کالاهای خارجی را داشته باشند و بتوانند بهتر و مطلوب‌تر از نمونهٔ خارجی باشند. استفاده از کالاهای تولید داخل کشور نیازمند فرهنگ‌سازی است، که این فرهنگ‌سازی در درون خانواده‌ها انجام می‌پذیرد. در این زمینه، آنچه بر عهده خانواده است، بیشتر مربوط به فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن این اقدام است تا با ارزش بخشیدن به تولیدات داخلی و اهمیت دادن به کالای وطنی، تلاش خود را در مقابله با دشمن نشان دهند. تقویت روحیهٔ خودباوری در ملت و جوانان، با شعار «ما می‌توانیم»، باید سرلوحهٔ همه مسیر جوانان و متخصصان امروزی ایران اسلامی قرار گیرد. (رئیسی وانانی وعیوضی:۱۳۹۱)

نتیجه‌گیری

از دلایل رشد و پیشرفت اقتصادی کشور مدیریت مصرف منابع می‌باشد. با توجه به اینکه مادر نقش اصلی را در تربیت فرزندان ایفا می‌کند و مدیریت اقتصادی خانواده در اختیار

اوست و همچنین نقش کلیدی در تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرزندان دارا می‌باشد با تربیت صحیح فرزندان، فرهنگ درست مصرف کردن و صرفه‌جویی رادر نهاد و شخصیت اعضاء خانواده نهادینه می‌نماید. مادر خانواده با مصرف درست منابع می‌تواند الگوی صحیح مصرف را به اعضاء خانواده آموزش دهد. زیرا فرزندان او را به‌عنوان الگو پذیرا هستند. یک مادر هنگامی که الگوی صحیحی برای مصرف داشته باشد و از اسراف و مصرف غیرضروری پرهیز نماید، فرزندانی تربیت خواهد نمود که در زندگی فردی و اجتماعی دچار تقلید از دیگران و اسراف نخواهند شد. بالا رفتن دانش و آگاهی زنان و درک اقتصادی بالا باعث خواهد شد، تا زنان تحت تأثیر تبلیغات و عادات نادرست قرار نگیرند و از منابع موجود به نحو صحیح استفاده نمایند. بنابراین، خانواده‌ها با خرید کالاهای ایرانی، تولید ملی را جان دوباره بخشند.

پیشنهادات

- ✓ جایگزینی کالای ایرانی در خانواده به‌خصوص در هنگام خرید جهیزیه.
- ✓ تبلیغات اجناس ایرانی به‌جای کالاهای خارجی.
- ✓ بالابردن کیفیت کالاهای داخلی.
- ✓ ارائهٔ خدمات پس از فروش برای ایجاد انگیزه و تشویق زنان به خریدکالاهای ایرانی.
- ✓ رقابت با کالاهای خارجی مشابه از نظر قیمت.

منابع

ادیب، یوسف و تاجور، آذر و پورطهماسبی، سیاوش (۱۳۸۸) نقش زن ایرانی در اصلاح الگوی مصرف و ارائهٔ راهکار، نشریهٔ فرهنگ و هنر مهندسی آذر ودی ۱۳۸۸ شمارهٔ ۳۵ و ۳۶.

حاج حسینی، معصومه. (۱۳۹۱) نقش کلیدی زنان در حمایت از تولید ملی روزنامهٔ خراسان، شمارهٔ ۲۳۹۱۸۲.

حسینی، سیدرضا (۱۳۷۹)، الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمانان، تهران: مؤسسهٔ فرهنگی دانش و اندیشهٔ معاصر.

رزاقی، ابراهیم. (۱۳۷۳). الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، تهران: چاپخش: ۱۶۴ ـ ۱۶۳

رستمی، علی (۱۳۹۱) نگاهی به نقش زنان و خانواده در تحقق شعار نوروزی مقام معظم رهبری، روزنامهٔ رسالت، سال ۲۷ شمارهٔ ۷۵۱۳ رضایی م، شیروانی م.(۱۳۸۵). وضعیت عادت غذایی دانشجویان دانشگاه‌های تبریز؛ بر اساس رفتارهای خطرزای جوانان، نهمین کنگرهٔ تغذیهٔ ایران، تبریز.

رئیسی وانانی، حسین. عیوضی، غلامحسین (۱۳۹۱). رسانهٔ تولید ملی و کار و سرمایهٔ ایرانی، مرکز پژوهش‌های اسلامی.

صادقی، حسین. (۱۳۷۵). سیزده اندیشمند و اقتصاددان مسلمان، مباحثی در اقتصاد خرد، نگرش اسلامی، تهران، مؤسسهٔ تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.

گرجی، ابراهیم، (۱۳۷۹). اقتصاد کلان (تئوری‌ها و سیاست‌گذاری اقتصادی)، تهران، شرکت نشر و چاپ بازرگانی.

مجدنیا، مجید، ۱۳۸۸، ارتباطات و توسعهٔ پایدار، مجلهٔ ثامن الائمه.

نگاهی بر تأثیر جنسیت در میزان دسترسی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای جهان (با تأکید بر کاربرد ICTs دربسیج اشتغال زایی و توانمندسازی زنان روستایی)

فرهود گل محمدی[1]
فرناز گل محمدی[2]

چکیده

علی‌رغم گذشت بیش از یک دهه از ورود به قرن بیست و یکم، هنوز مباحث تبعیض جنسیتی در تعداد زیادی از بدنه‌های سازمان‌های اجتماعی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مشاهده می‌شود که متأسفانه این وضعیت در نظام‌های آموزشی کشورها و زیرمجموعهٔ مهم آن یعنی سازمان‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای این کشورها نیز مشاهده می‌گردد. زنان و مردان به دلایل متعدد تفاوت‌های جسمانی و شرایط فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و ... که در کشورهای محل سکونت آنها وجود دارند، نقش‌های متفاوتی را در زمینه‌های فوق‌الذکر در جوامع خود ایفاء می‌نمایند. هر چند در دهه‌های اخیر تا زمان حاضر در بسیاری از ملل جهان، مداخله‌گری‌های زیادی در راستای دستیابی به مساوات و عدالت در دستیابی به فرصت‌های مساوی در نظام‌های آموزشی کشورها صورت گرفته است، ولی شواهد موجود نشان می‌دهند که جهت غلبه بر این نابرابری‌ها در وضعیت و موقعیت مردان و زنان در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای این کشورها و تغییر نگاه کلیشه‌ای و رایج به زنان و تبعیض‌های اقتصادی در این راستا، راه درازی در پیش‌رو می‌باشد. می‌بایست به این نکتهٔ کلیدی توجه داشت که هرگونه تلاش جهت رشد دانش و آگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای و اشتغال زنان و پیشبرد جایگاه مشارکت آنها در فعالیت‌های گوناگون در جامعه (توانمندسازی زنان) از پیش‌شرط‌ها و لازمه‌های اساسی در راستای دستیابی به توسعهٔ پایدار در کشورهای جهان از سوی سازمان ملل و مجامع معتبر علمی شمرده شده است. این مقاله قسمتی از طرح پژوهشی "شناسایی عوامل تأثیرگذار بر اشتغال مهارت‌آموختگان آموزش فنی و حرفه‌ای استان خراسان جنوبی جهت ارائهٔ راهکارهای لازم" می‌باشد که توسط نگارنده در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای - ادارهٔ کل فنی و حرفه‌ای استان خراسان جنوبی هم‌اکنون در حال اجراء می‌باشد. این مقاله به سفارش ریاست محترم دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی مرزبانی نیروی انتظامی خراسان جنوبی نوشته شده است.

واژگان کلیدی: جنسیت، اشتغال، موانع، راهکارها، آموزش فنی و حرفه‌ای.

---

۱. دکترای رشتهٔ ترویج و آموزش کشاورزی، Email: farhoodgol@yahoo.com
۲. دانش‌آموختهٔ دکترای تخصصی روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز،
email:farhood.gol@gmail.com

مقدمه

اگر ما به یک مرد آموزش بدهیم، تنها به یک نفر آموزش داده‌ایم، اما اگر به یک زن آموزش بدهیم به یک خانواده آموزش داده‌ایم (به نقل از دبیر کل سابق سازمان ملل متحد).

زنان باید همگام و همپای مردان در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توسعهٔ روستایی سهیم و شریک باشند و به‌طور کامل در بهبود وضع زندگی ساکنان مناطق روستایی ایفای نقش نمایند (اعلامیهٔ اصول و برنامهٔ کار کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعهٔ روستایی، ژوئیه ۱۹۷۹. نقل شده در فائو. ۱۳۷۴. ص: الف).

اگر یک تقسیم و شکاف دیجیتالی موجود می‌باشد، پس ما در اینجا گرد هم آمده‌ایم، تا این تقسیم و شکاف را پر کنیم و با کمک همدیگر می‌توانیم آفریقا را به پیش‌قراول و جلودار در اقتصاد دیجیتالی دنیا تبدیل نماییم. (Ms.Rebecca Enonchong. Global Advisory Committee, Africa Launch of DDI Initiative,May 2003)

- ICTs در آینده می‌تواند شکاف و تقسیم شمال - جنوب و به همان میزان شکاف و تقسیم جنسیتی را پر نماید و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در رواندا تشویق کند. (Mr.Juma Okech,Director of the Rwanda Informat ion Technology Authority –RITA, N.D.)

زنان روستایی علاوه بر مشارکت در بخش کشاورزی و صنایع روستایی در بخش خدمات روستایی نیز از گذشته نقش فعال و چشمگیری داشته‌اند. تقسیم کار همیشه طوری انجام شده که بیشترین وظایف خدماتی بر دوش زنان است ارزش کار زنان در روستاها. نه تنها از کار خدماتی مردان کمتر نیست، بلکه در بسیاری از موارد ارزش بیشتری دارد. حتی ارزش کار زنان روستایی از کارهای کشاورزی و دامداری مردان روستایی بالاتر است. زیرا انجام کار کشاورزی و دامداری وابسته به آماده شدن شرایط زندگی توسط زنان روستایی است. کار زن روستایی سخت‌تر از کارهای خدماتی زنان شهری است. در کارهای خدماتی، زنان شهری (چه در خانه و چه در خارج از خانه) در مقایسه با زنان روستایی از وسایلی استفاده می‌کنند که زحمت کار را کمتر می‌کند. طول زمان کاری زنان روستایی بین ۱۵تا ۱۶ساعت است. کار آنها هم یکنواخت‌تر از زنان شهری است. در نتیجه، خستگی بیشتری را به همراه می‌آورد. از آنجایی که زنان روستایی کلید تولید مواد غذایی هستند یک روز قبل از روز جهانی غذا یعنی ۱۵ اکتبر به نام زنان روستایی نامیده شده است. این امر برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ در چهارمین کنفرانس زن در پکن پیشنهاد شد و امروز بیش از ۵۰ کشور جهان این روز را جشن می‌گیرند. زنان روستایی بیش از یک چهارم کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. ۵۰۰ میلیون نفر از زنان جهان که در مناطق روستایی زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بین ۸۰-۶۰ درصد مواد غذایی اولیه را تولید می‌کنند و به‌طور متوسط ۵۰ درصد کار کشاورزی را در کشورهای نیمه‌صنعتی و ۳۰ درصد در کشورهای صنعتی انجام می‌دهند و فرآوری مواد غذایی برای تهیهٔ غذای خانوار در اغلب نقاط روستایی جهان صد درصد با زنان روستایی است. این در حالی است که زنان امکان دسترسی به خدمت بخش کشاورزی مانند آب، زمین، نهادها و اعتبار را ندارند. در کشور ما زنان روستایی در اغلب نقاط کشور در فعالیت‌های کشاورزی نقش اساسی دارند. در کشت محصولات زارعی در بخش‌هایی که به صورت مکانیزه انجام نمی‌شوند، زنان تا ۱۰۰ درصد نقش دارند و در داشت و برداشت محصولات باغی تا ۳۰ درصد فعالیت می‌کنند. در فعالیت‌های پس از برداشت مانند انبارداری،

نگهداری محصول، تبدیل و فرآوری مهم‌ترین مسؤلیت را دارا هستند. در برخی از نقاط کشور که بازارهای محلی وجود دارد کار با زاریابی و فروش محصول نیز با آنان است. در امور دام بعد از فصل تألیف سبز تا ۷۰ درصد نقش داشته است. کلیهٔ امور مربوط به نگهداری و مراقبت از دام، شیردوشی و تبدیل و فرآوری تا ۱۰۰ درصد به عهده آنان است. در اغلب نقاط ایران زنان مطابق با سنت‌های جامعه خود به کارهای هنری می پردازند. از دوختن لباس تا بافتن پوشاک پشمی که بعضاً، نخ و رنگ آن را نیز خود تهیه می‌کنند تا حصیربافی، گلیم، جاجیم و فروش و غیره از فعالیت‌های بارز آنان است. (بی‌نام. ماهنامهٔ مروج. آبان ۱۳۸۰. ص:۲).

تحول تکامل و تعالی انسان‌ها مستلزم پرورش معنوی و آموزش مستمر آنان در زمینه‌های علمی، فنی و حرفه‌ای است، و این رمز تطوّر و پیشرفت مدنیت در جوامع بشری در طول تاریخ بوده و خواهد بود. در مقام مقایسهٔ نسبی اعضای جوامع شهری با اعضای جوامع روستایی و عشایری در ایران، شهرنشینان با استفاده از امکانات آموزشی و منابع اطلاعاتی در دسترس خود، از مواهب آموزشی و پرورشی بیشتری بر خوردارند و نیز، در حالی که روستانشینیان و عشایر چادرنشین و کوچ‌رو به مقدار کمتری به این امکانات و منابع دسترسی دارند، زنان روستایی و عشایری، در مقام مقایسه با مردان همین جوامع، باز هم به مقدار خیلی کمتری از مواهب برنامه‌های آموزشی و پرورشی در کل جامعه برخوردار بوده و هستند. بدین جهت، می‌توان زنان روستایی و عشایری را به علت عدم دسترسی به منابع و اطلاعات وامکانات آموزشی، به‌عنوان مستضعف‌ترین اقشار جامعه بزرگ ایران قلمداد کرد. (شهبازی. ا. ۱۳۷۵. صص:۵۱۰-۵۰۹).

همان‌طور که ابرمایر (Ober maier , 1990, P.2) به‌درستی عنوان می‌کند "در یک بررسی کلی، زنان کشورهای در حال توسعه تنها علاقمند به اموری هستند که برایشان جنبهٔ عینی و ملموس داشته باشد؛ حال این اقدام‌ها خواه پروژه‌های بیشتر و بهتری باشد که اختصاصاً برای زنان اجرا می‌شود و خواه منظور این باشد که زنان بیشتری تحت پوشش برنامه قرار بگیرند تا بتوانند برای رسیدن به مرحلهٔ آزادی عمل، مشکلات موجود بر سر راه خود را شخصاً از پیش پا بردارند". کمک به زنان در دسترسی به خدمات ترویج باید با پیشرفت‌های عینی و ملموس برای زنان روستایی همراه باشد و باعث افزایش بهره‌وری و بازدهی بخش کشاورزی و بهبود امنیت غذایی ملی از طریق افزایش تولید برای عرضه به بازار باشد. (سوانسون و دیگران. ۱۳۸۱. صص: ۲۳۶-۲۳۵).

مروری بر آموزش از راه دور (تاریخچه، اینترنت، توسعهٔ کشاورزی و روستایی و...)

سال ۱۹۸۵، نمایشگاهی بسیار عظیم در شهر تسوکابا در ژاپن تشکیل شد؛ (Tsukaba, Expo 85, The 21st Century's in View) که ظرف ۶ ماه که درهای آن به‌روی بازدیدکنندگان باز بود، بیست میلیون نفر از آن بازدید کردند. نمایشگاه به سوی قرن‌بیست و یکم که یک نمایش تبلیغاتی بزرگ برای تکنولوژی ژاپن بود، فرصت‌هایی برای تفکر دربارهٔ آیندهٔ ارتباطات انسان نیز ایجاد می‌کرد. آیا وقتی انسان به تدریج به وسایل شخصی خود مثل عینک، اتومبیل و غیره، خو می‌گیرد، نمی‌تواند به ربوتی خو بگیرد که قادر است عصاکش یک نابینا گردد؟ یکی از روش‌شناسان مسائل سیبرنتیک می‌نویسد: «اشکال ما دانشمندان از آن

است که هنوز از هوشمندی و خرد، شناخت کامل نداریم. ما در این زمینه هنوز از فرصت‌های نخستین فراتر نرفته‌ایم». وی می‌افزاید: «ارتباطات را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. نخست گفت و گو میان انسان‌ها، دوم گفت و گو میان انسان و ماشین. البته حل کامل مسئلهٔ انسان ـ ماشین در گرو بررسی خردآمیز داده‌های مربوط به ارتباطات میان انسان‌هاست که در قلمرو روان‌شناسی و جامعه‌شناسی گرد آمده است. گرچه رابطهٔ نزدیک میان انسان و ماشین، برخورد همزمان با آنها را ایجاد می‌کند. به همین دلیل، داده‌های تجربی در مورد گفت وگوی انسان ـ ماشین، برای درک مسایل محض نهفته در ارتباطات انسان نیز حایز اهمیت است». (محسنیان راد، م.۱۳۷۴ .صص:۵۲۶-۵۲۳). بدین ترتیب، تفکر فعلی در جهت مطلوبیت تغییر است. در واقع، پذیرفته شده که نیازم برمی برای تغییر وجود دارد. در حالی که هم‌زمان نسبت به تکنولوژی‌های جدید نیز عدم اعتماد وجود دارد.

ارتباط مستقیم با کشاورز در فرایند آموزش بزرگسالان، جایی که او نقش اصلی را به‌عهده دارد، فرآیندی متحرک با فراهم نمودن هزاران فرصت برای تعامل Interaction و ارتباطات مشترک Intercommunication و پیش‌رو است. نوآوری آموزشی باید دو نوع تقاضا را کامل کند. باید بتواند پاسخ‌های به موقع، مناسب و انعطاف‌پذیر، بر مبنای کار، فرهنگ و جنبه‌های اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند را فراهم‌کند. باید دارای استعداد و لیاقت درونی و از نظر روان‌شناسی گویا باشد. هم‌چنین بتواند به شرایط کمّی و کیفی و غیرهمگنی Heterogeneity نیز جواب دهد. آموزش از راه دور شامل شیوه‌هایی است که آن را وسیله‌ای مناسب برای ارائهٔ مؤثر طیفی از فرصت‌های آموزشی با نظارت بهتر فراهم ساخته است. با استفاده از یک طرح آموزشی براساس رهیافت سیستم‌ها که‌از طریق فرایندهای آموزشی توسعه یافته‌اند، در پرتو موقعیت‌های یادگیری فردی (آموزش‌اختصاصی) امکان برقراری نظام‌های مطابق روز و خلاق نسبت به نیازهای فردی وجود دارد. (الیوت، س. ۱۳۸۱. صص:۴-۲). بسیاری از نوشتارهای مربوط به ترویج و پذیرش حاکی از آن بوده است که هرچه شیوه‌ها و کانال‌های بیشتری در ترویج کشاورزی به‌کار گرفته شود، احتمال موفقیت بیشتر است. اما بدون توجه به میزان پیچیدگی روش، کارآیی پیام تا حدود زیادی مبتنی بر فردی است که مسئول اجرای آن است. شیوهٔ انتقال یک پیام تا اندازهٔ زیادی تعیین‌کنندهٔ تغییر در رفتار و ایستارها می‌باشد. مروجین به‌ویژه در کشورهای جهان سوم آموزش کمی در مبادلهٔ اطلاعات و دانش با توجه به سطح فراگیری، توانایی و تجربهٔ زارعان دارند. (کرمی، ع.فنایی، ا.جلد دوم . ۱۳۷۳.صص: ۱۹۵-۱۹۴). کمترین شرط برای ارتباط، تحریک یک و یا تعداد بیشتری حس می‌باشد. هدف ارتباط مداخله‌گرانه مورد استفاده در ترویج؛ تحرک بخشیدن، انتقال اطلاعات، یاد دادن مهارت و یا به‌وجود آوردن تشکیلات می‌باشد. (کرمی، ع. فنایی، ا. ۱۳۷۳.جلد اول .ص: ۱۲۹). علوم تجربی، در توسعهٔ انواع وسایل ارتباطات انسان با انسان، سخت در تلاش است و مجلات علمی جهان، بانک‌های اطلاعاتی و واحدهای ثبت اختراعات، آرشیوی غنی از خبرهای تحول و توسعهٔ این وسایل را در اختیار دارند (محسنیان راد، م. ۱۳۷۴.ص:۵۱۱).

نگاهی بر پاره‌ای از تعاریف و مفاهیم مهم

توسعه و توسعه پایدار

توسعه به‌صورت کلی به معنای بهبود در روش زندگی مردم از طریق آموزش بهبودیافته، درآمدها، توسعهٔ مهارت‌ها و اشتغال می‌باشد. توسعه همچنین، به معنای آن است که مردم باید دارای مسکن مناسب و دارای امنیت در منازلشان باشند. توسعه همچنین به معنای آن است که مردم باید قادر به خواندن و نوشتن باشند. توسعه دارای معانی یکسان در کشورهای گوناگون نمی‌باشد. توسعهٔ پایدار تعریف شده است به عنوان: توسعه‌ای که نیازهای نسل کنونی را برآورده می‌سازد، بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده را در بر آوردن نیازهایشان مورد مصالحه و اغماض قرار دهد
(SHARHAN 2000:44) (MACRO ENVIRONMENT AND TELECOMMUNICATION. PP:1-4)

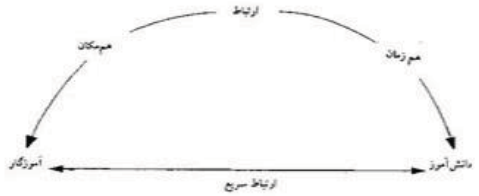
توسعهٔ روستایی

به‌طورکلی، توسعهٔ روستایی طیف وسیعی از فعالیت‌های گوناگون و بسیج انسانی است که هدف آن در نهایت این است که مردم روستاها بتوانند روی پای خود بایستند و ناتوانایی‌هایی که آنها را در اسارت شرایط نامناسب زندگیشان نگهداشته است از میان ببرد. (تقوی، ن. ۱۳۸۱. ص:۱۷۴). طبق گفتهٔ بانک جهانی، اهداف وسیع و گستردهٔ توسعهٔ روستائی عبارتند از: رشد، فقرزدائی و مدیریت بهبودیافتهٔ منابع پایهٔ طبیعی. توسعهٔ تکنولوژی و پذیرش سریع آن در سیستم‌های تولید و فرآوری کشاورزی، عناصری کلیدی در دستیابی به این اهداف وسیع و گستردهٔ بخشی می‌باشند (The World Bank.1996.p:1. online).

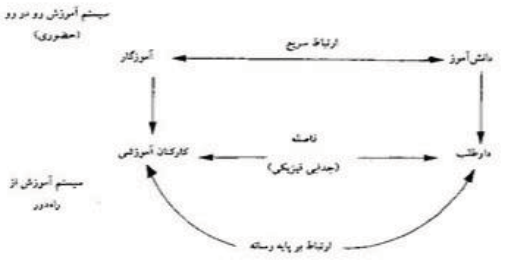
نقش ICTs و مدیریت روستایی در توسعهٔ‌پایدار

دانش، آگاهی و اطلاعات برای مردم در جهت پاسخ موفقیت‌آمیز به فرصت‌ها و چالش‌های تغییرات اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی ضروری می‌باشند. اما برای اینکه مفید و سودمند باشند، دانش و اطلاعات باید به‌گونه‌ای مؤثر به مردم رسانده و ارتباطات داده شود. بیش از ۸۵۰ میلیون نفر در کشورهای درحال توسعه از یک دامنهٔ وسیع از اطلاعات و دانش و آگاهی مجزا و دور مانده‌اند. با توجه به اینکه فقیران روستایی به‌صورتی ویژه مجزا و دور از هم رسانه‌های سنتی و هم فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی مانده‌اند که می‌توانستند امرار معاش‌های آنها را بهبود بخشند.
(UN SYSTEM NETWORK ON RURAL DEVELOPMENT AND FOOD SECURITY, P:1)

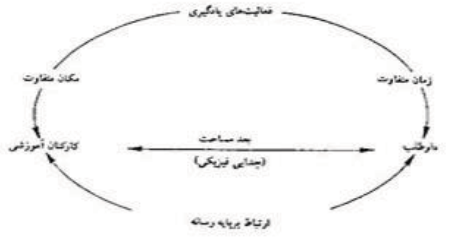
کاستل برای نقش ICTs در تحریک فرایند توسعه بیان می‌دارد: به کشورها برای حرکت جهشی در فرایند توسعهٔ اقتصادی امکان و اجازه می‌دهد با توانا کردن آنها به مدرنیزه کردن سیستم‌های تولیدشان و افزایش سریع‌تر (توان) رقابتیشان از آنچه که در گذشته بوده است. هرگونه موفقیت در توسعهٔ روستایی و مدیریت آن بستگی کامل به اطلاعات به روز، موثق و کافی دارد که ICTs در دستیابی به آن می‌تواند نقشی کلیدی داشته باشد.
(CASTELLS,1998:4) (MACRO ENVIRONMENT AND TELECOMMUNICATION.P:2).



نمودار ـ تعامل آموزشی Educational interaction در آموزش چهره به چهره (حضوری)



نمودار ـ مقایسه بین تعامل آموزشی در آموزش از راه دور و تعامل آموزشی در آموزش حضوری

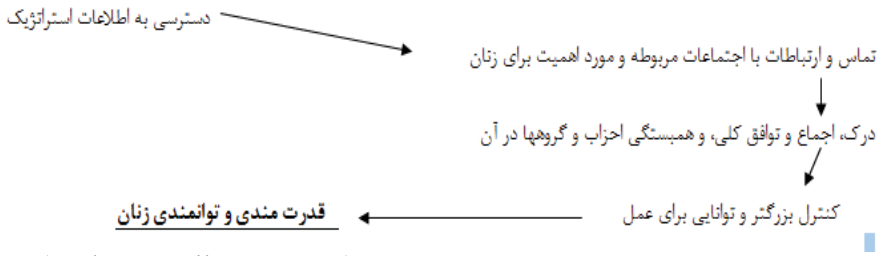


نمودار ـ تعامل آموزشی در آموزش از راه دور (منبع: الیوت، س. ۱۳۸۱)

چالش‌های ترویج کشاورزی در سالیان اخیر و نقش ICTs در حل آنها

با گذشت زمان و طی بررسی‌ها بر همگان آشکار شده است که راهبردهای گذشتهٔ ترویج و اطلاع‌رسانی روستایی علی‌رغم برخی موفقیت‌ها، به دلایل متعدد و از جمله: یک‌سویه بودن، تأکید بر برخی اقشار خاص و عدم پوشش همگانی(هم در سطح فردی و هم در سطح روستا)، عدم تطبیق با نیازهای واقعی آموزشی روستاییان و تأکید عمده بر ترویج کشاورزی و چه بسا غیرضروری دانستن دیگر نیازهای متنوع آموزشی روستاییان نتوانسته است موفقیت چندانی داشته باشد، چرا که علاوه بر نارسایی‌های ذکر شده، بومی نبوده و با خصوصیات فرهنگی و شرایط جغرافیایی مناطق روستایی نیز انطباق نداشته است. (لهسایی‌زاده. ۱۳۷۹.صص:۹۰-۷۵).

ICTs با قابلیت‌های متنوع آنها، به‌ویژه در عرصهٔ نشر و انتقال اطلاعات و نوآوری‌ها به مناطق دوردست و از جمله روستاها، قرین بوده است و به‌عنوان امید آیندهٔ ترویج و توسعهٔ روستایی و کشاورزی به‌عنوان چالشی عمده در میان صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران مربوطه مطرح می‌باشد. (منبع: فاضل‌نیا، غ. و کیانی، ا. ۱۳۸۲ ص۲۳).



شکل ۱. مدل قدرت‌بخشی زنان به‌وسیلهٔ ICT s : (Nath,V. April 2001. P: 4)

مکاتب گوناگون توسعهٔ و رشد و جایگاه زنان در هرکدام

رهیافت‌ها و دلایل و اصول برای پشتیبانی از خود-اشتغالی و کارآفرینی زنان متفاوت می‌باشند. در رهیافت رشد، به زنان به‌عنوان یک منبع نامحدود رشد برای اقتصاد به‌عنوان یک کل، تأکید می‌شود. در منطق ایجاد شغل، حمایت از کارآفرینی زنان به استراتژی‌های وسیع‌تر نبرد با عدم‌اشتغال، متصل می‌گردد. در منطق فقرزدایی، بر خوداشتغالی به‌عنوان یک ابزار بقای اقتصادی برای زنان و خانواده‌های آنها، تأکید می‌گردد. تلاش‌ها برای پیشرفت بدنهٔ کارآفرینی زنان، همچنین یک تعهد برای توانمندی و قدرت‌بخشی به زنان را شکل می‌دهد.
(UNITED NATIONS ECONOMIC COMMISSION FOR EUROPE. P:9.Online).

اهمیت داده‌های اطلاعاتی خوب در مشاغل زنان و مشکلات موجود در این راستا

طراحی برنامه‌های مؤثر برای پیشبرد کارآفرینی زنان، نیازمند اطلاعات دربارهٔ زنان کارآفرین می‌باشد: آنها چه کسانی می‌باشند؟ چه انواعی از مشاغل را انجام می‌دهند؟ و چگونه آنها را در مقایسه با مردان انجام می‌دهند؟ چنین اطلاعاتی در اغلب مواقع برای به‌دست آوردن آسان نیستند و داده‌هایی که موجود می‌باشند، اغلب از چندین مشکل رنج می‌برند. مهم‌تر از همه، فقدان تعاریف استاندارد و یکسان و ثبات در میان منابع داده‌های موجود است.
(UNITED NATIONS ECONOMIC COMMISSION FOR EUROPE. P:10).

پنج حیطهٔ مورد توجه در هرگونه پروژه ICTs برای زنان جهت رفع تبعیض جنسیتی

در سمپوزیوم بین‌المللی زنان و ICTs: ایجاد انتقال جهانی در سال ۲۰۰۵ در بالتیمور آمریکا، اعضای سمپوزیوم، پنج حیطه را که باید در هر پروژه ICTs یا پیشنهادی در راستای ایجاد یک محیط که در آن زنان به اندازهٔ مردان از مزایای ICTs به‌گونه‌ای مستقیم سود ببرند، قرار گیرند، بدین شرح بیان شدند:

▪ سیاست و عمل: سیاست‌های قانون‌گذاری، تنظیمی و اداره‌کننده، باید در سطوح بین‌المللی، ملی و محلی و به همان‌گونه در مکان کار برای اطمینان از دسترسی به ICTs برای زنان و دختران باشند. عمل مورد نیاز می‌باشد، برای اینکه اطمینان حاصل گردد قوانین در آنسوی جملات فصیح ولی توخالی رفته‌اند و به پیشرفت واقعی انتقال می‌یابند.

▪ تحقیق و همکاری: تحقیق مورد نیاز می‌باشد برای اینکه به مبحث شناسایی روش‌ها و برنامه‌های مؤثر برای استفادهICTs برای منفعت زنان و دختران، هدایت گردیده شوند. همچنین، نیازمند به گنجاندن زنان می‌باشد که به معنای بورس‌های تحصیلی دانشگاهی، کارورزی، پیشرفت استادان دانشگاه زن در حیطه‌هایICTs، به همان میزان گنجاندن زنان و سایر بهره‌برداران در طراحی، اجرا و تجزیه و تحلیل از هرگونه پروژهٔ ICTs می‌باشد. همچنین نیازمند به درک بهتر از سیستم‌ها برای یادگیری و کارآموزی مؤثر برای زنان و دختران می‌باشیم.

▪ اشاعه و ارتباطات: روش‌های مؤثر باید به‌گونه‌ای وسیع برای اجازه دادن برای دو برابرسازی و بالا بردن موفقیت، ارتباط داده شوند. این امر نیازمند همکاری دولت‌ها، بدنه‌های بین‌المللی، مؤسسات و سازمان‌ها برای توسعهٔ روش‌های گردآوری داده‌ها و نظارت بر پیشرفت به سوی اهداف کلی می‌باشد.

▪ توسعهٔ منابع: ایجاد زیربنای ضروری برای افزایش دسترسی برای زنان و دختران به آموزش و سایر اهداف کلی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از طریق ICTs، نیازمند همکاری سازمانه‌ها و دولت‌ها می‌باشد. هدف اساسی عبارت از شناسایی و اختصاص بهتر منابع محدود به آن حیطه‌هایی هستند که با بیشترین احتمال از آنها به‌گونه‌ای مؤثر برای سود همه استفاده کنند که شامل دختران و زنان می‌باشند.

▪ متن و فرهنگ: نمایش و مشارکت زنان در سیستم آموزش و به همان‌گونهٔ جامعهٔ اطلاعاتی، به‌وسیلهٔ نفوذهای فرهنگی از رسانه‌ها، والدین، همتایان، معلمان، همکاران و سایرین شکل داده می‌شوند. در بسیاری از راه‌ها این نافذترین و مشکل‌ترین مانع جهت غلبه می‌باشد. اما باید یک توجه و ملاحظهٔ مرکزی در راستای مؤثر بودن در تمام حیطه‌ها و نواحی باشد.

▪ (ACM Press. ACM International Conference Proceedings Series. June 12-14 ,2005. P:2).

چند پروژهٔ مهم ملی و بین‌المللی متمرکز در ICTs برای زنان در کشورها و قاره‌های گوناگون

شبکهٔ ICTs زنان ویکتوریا در ملبورن استرالیا: اهداف ویژهٔ این پروژه عبارتند از: تشویق زنان برای ورود در صنعت ICTs ، استخدام و نگاهداشتن زنان در صنعت ICTs و توانا ساختن برای به‌دست آوردن توانایی بالقوه‌اشان در مشاغل مختلف.

دامنه‌ای از اقدامات و ابداعات مورد اجرا در این پروژه قرار گرفته خواهند شد، شامل: ۱) برنامه‌های مشاوره و مددکاری کارآموزان توسط افراد مجرب، ۲) بورس‌های تحصیلی و تحقیقی، ۳) گردهم‌آیی‌های آموزشی، ۴)کارگاه‌های آموزشی توسعهٔ حرفه‌ای، ۵) کتابچهٔ

راهنمای شبکهٔ مشاغل، ۶) برنامهٔ پاداش‌ها، ۷) رویدادهای شبکه‌ای، ۸) برنامه‌های بازاریابی و پیشبرد فرصت‌های کاری
(Victorian Women in ICT Network.11 November 2005. Online)

قدرت بخشی زنان رواندا از طریق ICTs:عدم پایداری و ثبات سیاسی دائم و نسل‌کشی ۱۹۹۴، زخم‌های عمیقی را بر زنان رواندایی بر جای گذاشت. علی‌رغم محیط سیاسی توانمندکننده و حضور ۵۰درصد پیش‌بینی نشدهٔ نمایندگان زن در مجلس، زنان رواندا به‌وسیلهٔ فقر، فقدان دسترسی به منابع و نابرابری‌های جنسیتی، به‌گونه‌ای مداوم مورد تأثیر قرار گرفته می‌شوند که آنها را از فرصت‌ها جهت بهبود امرار معاش و حقوقشان، مجزا نگه می‌دارند. پروژهٔ رواندا قسمتی از کار ابتکاری UNIFEM در پل کردن فاصلهٔ تقسیم و شکاف دیجیتالی جنسیتی در آفریقا به‌وسیلهٔ مشارکت‌کنندگان استراتژیک که از نیروی اهرم دانش و آگاهی، تخصص و منابع آفریقایی "پراکندگی دیجیتالی" برای سهیم شدن در ریشه‌کن کردن فقر فمنیستی در آفریقا از طریق ICT می‌باشد (Empowering Rwandan Women Through ICT).

پروژه- ICTs – شبکهٔ اجتماعی زنان توانمندشده در هندوستان، هدف اصلی یک کامپیوتر برای هر روستا جهت ایجاد یک مرکز خدمات ICT می‌باشد که منحصراً برای زنان خدمات مورد نیاز را تهیه خواهد نمود. مجریان پروژه،ICT را به‌عنوان یک ابزار که تغییر قدرت را از داراها به ندارها تسهیل و تسریع و از فرایند توانمندسازی زنان حمایت و پشتیبانی خواهد نمود، دریافته‌اند. (ICT-Enabled Women's Social Net in India.P:1)

در پروژهٔ آناتولی جنوب شرقی(GAP) که بزرگترین پروژهٔ توسعهٔ منطقه‌ای در ترکیه است که ۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع زمین،۹ استان و یک‌دهم کل سطح ترکیه را می‌پوشاند. هدف اساسی پروژه بهبود وضعیت اقتصادی ناحیهٔ آناتولی جنوب شرقی با یک دیدگاه برای کاهش اختلاف و نابرابری‌ها بین ناحیهٔ GAP و نواحی نسبتاً توسعه‌یافته‌تر ترکیه می‌باشد. زنان در میان گروه‌های محروم در ناحیه در شرایط مشارکت و منفعت آنها از فعالیت‌های توسعه می‌باشند. به‌ویژه ICTs حمایتگر از مشارکت زنان در فرایند توسعه می‌باشد. ICTs توسعهٔ متوازن جنسیتی را به‌وسیلهٔ قدرت‌بخشی زنان از طریق تسهیل انتقال اطلاعات، پیشرفت می‌دهد. نتایج یک تحقیق در کاربرد ICTs توسط زنان در این ناحیه GAP نشان داد که دانش و آگاهی زنان روستایی از ICTs ناکافی می‌باشد. این موجب اثر منفی بر منفعت زنان روستایی از ICTs می‌گردد و گنجاندن آموزش ICTs با فعالیت‌های آموزشی، آموزش کشاورزی، و خواندن و نوشتن آموزش با گسترده‌تر کردن چشم‌انداز زنان روستایی، مقید و سودمند می‌باشد. همچنین، تعدادی محدودیت‌های فرهنگی برای استفاده از ICTs در این ناحیه مشاهده گردید (Ozer,et al. October 2005.PP:213-218).

توان بالقوهٔ ICTsهای جدید برای توسعهٔ روستایی:

تعریف جامع ICTs

در حالی که واژهٔ ICTs می‌تواند به عنوان شمول یک دامنهٔ وسیع از رسانه‌ها تعبیر و تفسیر شود، ICTs های جدید به معنی"استفاده از کامپیوترها و نظام‌های ارتباطی بین کامپیوترها

مورد استفاده قرار می‌گیرند" (CTA 1994: 4). این ICTs جدید بیشتر قابلیت دسترسی پیدا می‌کنند، و استفاده‌کنندگان می‌توانند اطلاعات را از منابع متنوع به‌دست بیاورند. یک کامپیوتر توانسته است نیازهای یک اجتماع روستایی بزرگ را برآورده کند. یک سمینار CTA در مورد "نقش اطلاعات برای توسعهٔ روستایی در کشورهای ACP " نتیجه‌گیری کرد که"این فن‌آوری‌های جدید چشم‌اندازهای جدید و چندگانه‌ای را ارائه می‌کنند که همانند دسترسی سریع‌تر و با تمرکز بهتر به اطلاعات می‌باشد. پست الکترونیکی عمومی‌ترین ICT جدید مورد استفاده می‌باشد و موجب یک انقلاب فرهنگی در روشی که افراد و سازمان‌ها با هم کنش متقابل می‌کنند در شرایط زمان، هزینه و مسافت؛ گردیده است. دومین استفادهٔ قابل توجه از ICTs جدید شبکهٔ جهانی وِب است که مردم را برای دسترسی به اطلاعات در میلیون‌ها کامپیوتر دیگر قادر و توانا می‌کند.

زمینه‌هایی که در آنجا ICTs یک نقش تسریع‌گر در نواحی روستایی درحال توسعه ایفاء می‌کنند

* فرایند تصمیم‌گیری ـ تصمیم‌گیری‌های صحیح وابسته بر موجود بودن اطلاعات جامع،به موقع و به روز می‌باشد. مسایل و مشکلات امنیت غذایی که کشورهای در حال توسعه با آن‌رو بروینند، نیاز برای محققان، برنامه‌ریزان، سیاستگذاران، کارگزاران توسعه و کشاورزان مطلع‌و آگاه را به نمایش می‌گذارد.

- چشم‌انداز بازار ـ کشاورزان تولیداتشان را توانستند پیشرفت دهند و به مدارک و اسناد ساده همانند ترتیبات بر روی شبکهٔ وب اقدام کنند. بنابراین، تجارت الکترونیکی توانست مؤسسان شرکت‌ها را برای دسترسی به اطلاعات بازار جهانی و بازکردن بازارهای ناحیه‌ای و جهانی قادر سازد که قیمت‌های بهتر فروش و افزایش درآمدهای‌کشاورزان می‌باشند.
- قدرت‌بخشی به اجتماعات روستایی- ICTs می‌توانند به اجتماعات روستایی قدرت ببخشند و به آنها یک "عقیده و اظهار" بدهند که به آنها برای سهیم بودن در جریان توسعه اجازه می‌دهد. با ICTs جدید، اجتماعات روستایی می‌توانند توانایی برای بهبود و پیشرفت شرایط زندگیشان را به‌دست آورند و از طریق آموزش و مباحثه با دیگران به یک سطحی برسند که تصمیماتی را برای توسعهٔ خودشان بگیرند.
- هدف‌گیری گروه‌های حاشیه‌شده ـ اغلب مردم فقیر روستایی فاقد قدرت برای‌دسترسی به اطلاعات می‌باشند. ICTs توانستند به همهٔ بهره‌برداران شامل جامعهٔ‌مدنی، به‌ویژه جوانان و زنان منفعت و سود برسانند. سایر گروه‌های محروم که توانستند مورد هدف قرار گیرند، شامل دهقانان از کار افتادهٔ ناتوان می‌باشند.
- ایجاد اشتغال ـ از طریق ایجاد مراکز اطلاعات روستایی، ICTs می‌توانند فرصت‌های شغلی در نواحی روستایی به‌وسیلهٔ به‌کار گماردن مدیران مرکز از راه دور (telecentre)، کارشناسان متخصص موضوعی، مدیران اطلاعات، مترجمان و تکنسین‌های‌فن‌آوری روستایی ایجاد کنند. چنین مراکزی به پر کردن شکاف بین اجتماعات شهرنشینی و روستایی و کاهش مسئله و مشکل مهاجرت روستا ـ شهر؛ کمک می‌کند.

راهکارها و الگویی برای بسیج خواهران و چگونگی استفاده از ICTs در فرایند ایجاد اشتغال و توانمندسازی زنان روستایی در ایران

بسیج، یک حرکت اجتماعی است که در هر جامعه‌ای با توجه به فرهنگ آن جامعه و به اشکال مختلفی در اثر شرایط خاص به‌وجود می‌آید. حتی در دوران صدر اسلام نیز به هنگام حملهٔ کفار و منافقین علیه مسلمانان، زمانی که فرمان تشکیل نیروی مبارز علیه آنها داده می‌شود، مسلمانان داوطلبانه در مساجد گردهم می‌آمدند تا توان خود را از نظر نیروی انسانی و تجهیزات نظامی برای مقابله با دشمنان اسلام بسیج کنند. امام خمینی (ره) در این رابطه چنین می‌فرمایند: « قضیهٔ بسیج، همان مسأله‌ای است که در صدر اسلام بوده است. این مسأله جدید نیست، در اسلام سابقه داشته است و چون مقصد ما اسلام است، باید هر جوانی یک نیرو باشد برای دفاع از اسلام و همهٔ مردم و هر کسی در هر شغلی که هست مهیا باشد برای جلوگیری از کفر و هجوم بیگانگان». در طول تاریخ اسلام و ایران همواره دشمنان سعی کرده‌اند به اشکال مختلف از پیشرفت و ترقی مسلمانان جلوگیری کنند. سنگ بنای بسیج بر حکم فقهی و جهادی استوار است؛ جهادی که مبتنی بر روحیهٔ دفاعی باشد و نه تهاجمی و جهان‌گشایی. آرمان والا و ایدهٔ بلند و هدف عالی انقلاب اسلامی ما را چنین می‌سازد که از چارچوب مرزهای ایران بگذرد و دروازه‌های ملل محروم و توده‌های مظلوم و مستضعف جهان را بگشاید و پیام آرامش‌بخش و رسالت انسانی و رهائی‌بخش خویش را به‌گوش جان آنها برساند و زمینه‌های حکومت عدل الهی و جهانی امام عصر (عجل الله فرجه) را آماده سازد. از این روی، بسیج تمامی نیروهای فعال و آمادگی جهت تحقق این آرمان ارزنده انسانی، امری ضروری و طبیعی به نظر می‌آید. از اینجا بود که امام خمینی (ره) این قلب تپندهٔ انقلاب و پیام‌آور آزادی و کرامت و هویت اسلامی و انسانی این قرن، جهت مبارزهٔ همه‌جانبه با آمریکای جهانخوار که هر روز برای گسترش تجاوزات و سبعیت خویش، چنگ و دندان نشان می‌دهد و در رویارویی با همهٔ ابرقدرت‌های تجاوزگر و تیز، رشد انقلابی نهضت اسلامی‌مان روز ۵۸/۸/۵ را بسیج عمومی اعلام فرمودند و هدف از تشکیل بسیج را گفتند که «مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد». درحالت کلی می‌توان گفت که هدف از تشکیل بسیج را قرآن بیان نموده و در سورهٔ توبه آیهٔ ۴۰ می‌فرماید: «انفروا خفافا و ثقالا و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون» ؛ با کیفیت مختلف حرکت کنید و کوچ کنید در حالی‌که با بار سبک هستید. مجهز باشید و جهاد کنید با مال و جانتان در راه خدا، و یکی دیگر از اهداف تشکیل بسیج را بازوی ولایت فقیه دانسته و تک تک اعضای بسیج را سلول‌های بافت ولایت فقیه می‌دانیم. به هر حال، هدف از تشکیل بسیج را جذب آموزش، سازماندهی نیروهای مردمی دانسته و اصلی‌ترین مسأله بسیج، به‌کارگیری نیروهای مردمی در مأموریت‌های محوله با توجه شرایط سنی بسیجیان اعم از دانش‌آموزی، دانشجویی، کارگری، کارمندی، عشایر و غیره می‌باشد. تشکیلات بسیج به علت ساخت مردمی از یک طرف و گستردگی آن از طرف دیگر باید طوری تنظیم شود که هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ بتواند کارآیی لازم را داشته باشد.

در بینش اسلامی، زن (حوا) از مرد (آدم) آفریده نشده است تا طفیلی مرد باشد، بلکه در سرشت و سرنوشت همسو و برابر با مرد است. اما اگر از این جایگاه در مبانی بنیادین بگذریم، جایگاه اجتماعی و خانوادگی زن نیز در اسلام جایگاه رفیعی است. قبل از اسلام به زن ستم‌های بسیاری روا می‌شد طوری که زن به‌عنوان یک انسان شناخته نمی‌شد، اما اسلام بالاترین تجلیل را به‌وسیلهٔ پیامبر (ص) از زن صورت داد و او را مکمل انسان نامید. در بین چهره‌های معصوم و کامل، حضور حضرت فاطمه زهرا (س) را می‌بینیم که اکثر معصومین از دامن او به عالم معرفی شدند و علاقهٔ پیامبر(ص) به دخت محترم خود به قدری بود که ایشان، فاطمه را امابیها یا مادر پدر خود خطاب می‌کردند و بر دست وی بوسه می‌زدند. قرآن کریم بر نقش زنان در ساختن جامعه و تاریخ تأکید می‌کند و مسئولیت‌هایی اجتماعی از جمله امر به معروف و نهی از منکر را برعهدهٔ هر دو می داند: «مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند.» (توبه- ۷۱) همچنین، در برابری زنان و مردان برای برعهده گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی از بیعت پیامبر(ص) به‌طور مستقل با زنان یاد می‌کنند: «ای پیامبر گرامی چون زنان مؤمن آیند تا با تو بیعت کنند... پس با آنها بیعت کن.». پس از انقلاب اسلامی اگرچه با عملکردهای قابل چالش در ارتباط با بسترسازی برای فعالیت برابر زنان در عرصهٔ جامعه و تبیین نقش‌ها در حوزهٔ شخصیتی، خانوادگی، فرهنگی و.... روبه رو هستیم، اما اگر از جادهٔ انصاف هم نگذشته باشیم، باید عنوان کنیم لااقل تمایل جمعی به این سمت و سو بوده است. آمارهای ارائه‌شده در همایش مدیریت دانش و یادگیری با رویکرد نقش و جایگاه زنان در کادر فنی و اداری کشور تا حدودی موضوع فوق را تأیید می‌کند: «بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، ۶۲ درصد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌های کشور زنان هستند و در بخش اداری نیز ۵۰ درصد امور توسط زنان انجام می‌پذیرد. در ۱۵ سال گذشته در امور فنی جایگاه زنان کمرنگ بوده که اکنون رو به افزایش است.» کارشناسان می‌گویند بزرگ‌ترین تشکل زنانه، بسیج خواهران با ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار عضو بزرگ‌ترین تشکل زنانه‌ای است که در جهان وجود دارد و در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی فعال است. فاطمه اصلانی مسئول ستاد بسیج خواهران کشور در تبیین این موضوع می‌گوید: «بسیج خواهران بیش از ده هزار پایگاه فعال در کشور دارد که ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از خانم‌های علاقه‌مند را در سنین مختلف به‌ویژه جوانان سازمان‌دهی کرده است. فعالیت علمی و آموزشی یکی از فعالیت‌های ماست که در سطح وسیعی انجام می پذیرد؛ طرح اردوهای علمی برای دانشجویان، کلاس‌های تقویتی برای دانش‌آموزان، غنی سازی اوقات فراغت و... که از سوی خانواده‌ها نیز با استقبال مواجه می‌شود.» یکی از دلایل استقبال خانواده‌ها از برنامه‌های فراگیر بسیج خواهران، اعتماد والدین به بسیج ارزیابی می‌شود. در اردوهای ما گاه دختران جوان از نقاط دور کشور به دورترین نقطهٔ مقابل سفر می‌کنند و بیش از یک ماه را دور از خانواده هستند، اما والدین با اعتماد، اطمینان و رغبت فرزندانشان را به این اردوها می فرستند. بسیج خواهران توانسته است تاکنون با تربیت ۳۵۰ هزار مدیر از میان بانوان هم تشکیلات خود را به شکلی مستقل اداره نماید و هم زمینه‌های مشارکت مدیران تربیت‌یافتهٔ خود را که با اصول علمی مدیریت و گردش کاری آشنا هستند، در سایر بخش‌ها فراهم کند.

یکی از مسائل مبتلا به هزارهٔ سوم بشر خلأ اخلاق و معنویت است که ما برای تعمیق و گسترش آن در میان بانوان ایرانی سعی می‌کنیم بر فعالیت‌های فرهنگی تأکید بیشتری داشته باشیم. از سوی دیگر، معتقدیم تربیت نسل‌ها و انتقال ارزش‌ها و باورهای یک ملت بر دوش زنان نهاده شده که همین وظیفهٔ ما را سنگین‌تر می‌کند. به گفتهٔ مقام معظم رهبری بسیج یک زن، بسیج یک خانواده است و اگر یک زن وظایف خود را به درستی انجام دهد و با مسئولیت‌هایش آشنا باشد قطعاً یک جامعه با مسئولیت‌های خود آشنا شده است.» زن و مرد تفاوت‌هایی با هم دارند که باید به این تفاوت‌ها احترام گذاشت. زن جایگاه ویژه‌ای در تربیت دارد و که زنان محور بسیاری از فعالیت‌ها قرار می‌گیرند. بسیج خواهران در راستای تبیین و تعمیق نقش زن در خانواده و جامعه تاکنون ۱۱ کنگرهٔ فاطمه‌شناسی را برگزار کرده که در این کنگره‌ها سعی شده است سیرهٔ فاطمی تبیین و چگونگی مطابقت دختران امروزی با الگویی همچون فاطمه(س) بررسی شود. در راستای فعالیت‌های بسیج خواهران در زمینه‌های مختلف به‌عنوان بزرگ‌ترین تشکل زنانه می‌توان به یادوارهٔ شهدای زن اشاره کرد. تاکنون ۷ هزار زن شهید شناسایی شده که بسیج خواهران در تلاش است تا موزهٔ شهدا اسناد مربوط به این شهیدان را نیز در گنجینه خود نگهداری کند.

یافته‌های یک نظرسنجی تازه نشان می‌دهد پاسخگویان آسیب‌پذیرترین حوزه در ارتباط با زنان را: ۱. مسائل معنوی و اخلاقی، ۲. مسائل اجتماعی، ۳. مسائل اقتصادی و ۴. اشتغال می‌دانند. همچنین اصلی‌ترین دغدغه‌های بانوان ایرانی ابتدا دغدغه‌های مذهبی بوده و بعد حفظ شئونات خانواده و تلاش برای تحکیم آن.» جدی‌ترین آسیبی که خانواده را گرفتار می‌کند اختلاط نقش‌هاست و از آن گذشته نقش‌های سنتی دیگر امروزه پاسخگوی نیاز بانوان نیست. متأسفانه خانواده‌های امروزی خوابگاه‌هایی هستند که بنیان حیات در آنها جاری نیست. در حالی که اساس خانواده باید بر مبنای سکون و آرامش شکل گیرد. بنابراین، اگر یک زن به‌عنوان محور عاطفی خانواده در خارج از خانه شاغل باشد باید بتواند از فرصت‌ها استفاده کند و بر کیفیت حضور خود در منزل بیفزاید.» از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به خصوص اصل ۲۱ آن، دولت در نظام جمهوری اسلامی باید از حقوق زنان در همهٔ جهات حمایت کند تا با زن آن‌گونه رفتار شود که اسلام مقرر داشته است. زن یک انسان دارای کرامت و شرافت است و از تمامی حقوق انسانی برخوردار بوده و در چارچوب ضوابط اسلامی متناسب با آفرینش و خلقت می‌تواند از همهٔ این حقوق برخوردار باشد.

در راستای این مقاله، فن‌آوری ICTs می‌تواند فرصت‌های بسیار زیادی برای کار در محیط خانه و به‌دور از اختلاط با مردان برای زنان در جامعهٔ ایران فراهم نماید. همین‌طور، فن‌آوری ICTs می‌تواند فرصت‌های بسیار زیادی کاری و اشتغال و اجتماعی و فرهنگی و آموزشی و سیاسی برای زنان، به‌ویژه زنان روستایی در ابعاد گوناگون فراهم نماید که امکان‌پذیری این فرصت‌ها شاید تا ۳ دههٔ پیش تنها در حد یک رویا و آرزو بوده است.

بنا بر اعتقاد نگارنده با توجه به تعاریف و مأموریت‌های وسیعی که بسیج خواهران در مأموریت‌ها و کارکردهای خود تعریف نموده است که از جملهٔ آنها افزایش مشارکت اقتصادی زنان، افزایش درآمد خانواده‌های فقیر تحت پوشش، توانمندسازی و ایجاد اشتغال برای زنان به‌ویژه زنان روستایی و ساکن در مناطق محروم می‌باشند و با توجه به توانمندی‌ها و امکانات

بعضاً نامحدودی که فن‌آوری ICTs در اختیار ما گذاشته است بسیج خواهران در مأموریت‌ها و کارکردهای خود می‌تواند ایجاد و گسترش زیرساخت‌ها و استفادهٔ بهینه از فن‌آوری ICTs در مناطق محروم کشور برای زنان روستایی را با توجه به تجارب موفق جهانی، به‌ویژه کشورهای مسلمان مانند ترکیه در این حیطه برای زنان روستایی را مورد توجه و در اولویت کاری خود قرار دهد و در این حیطه مانور و برنامه‌ریزی کافی را انجام و اقدام نماید. ضمن اینکه می‌بایست شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی کشور اسلامی ترکیه که تشابهات بسیار زیادی با ایران دارد و اکثریت مردم آن مسلمان می‌باشند، مورد توجه قرار گیرد.

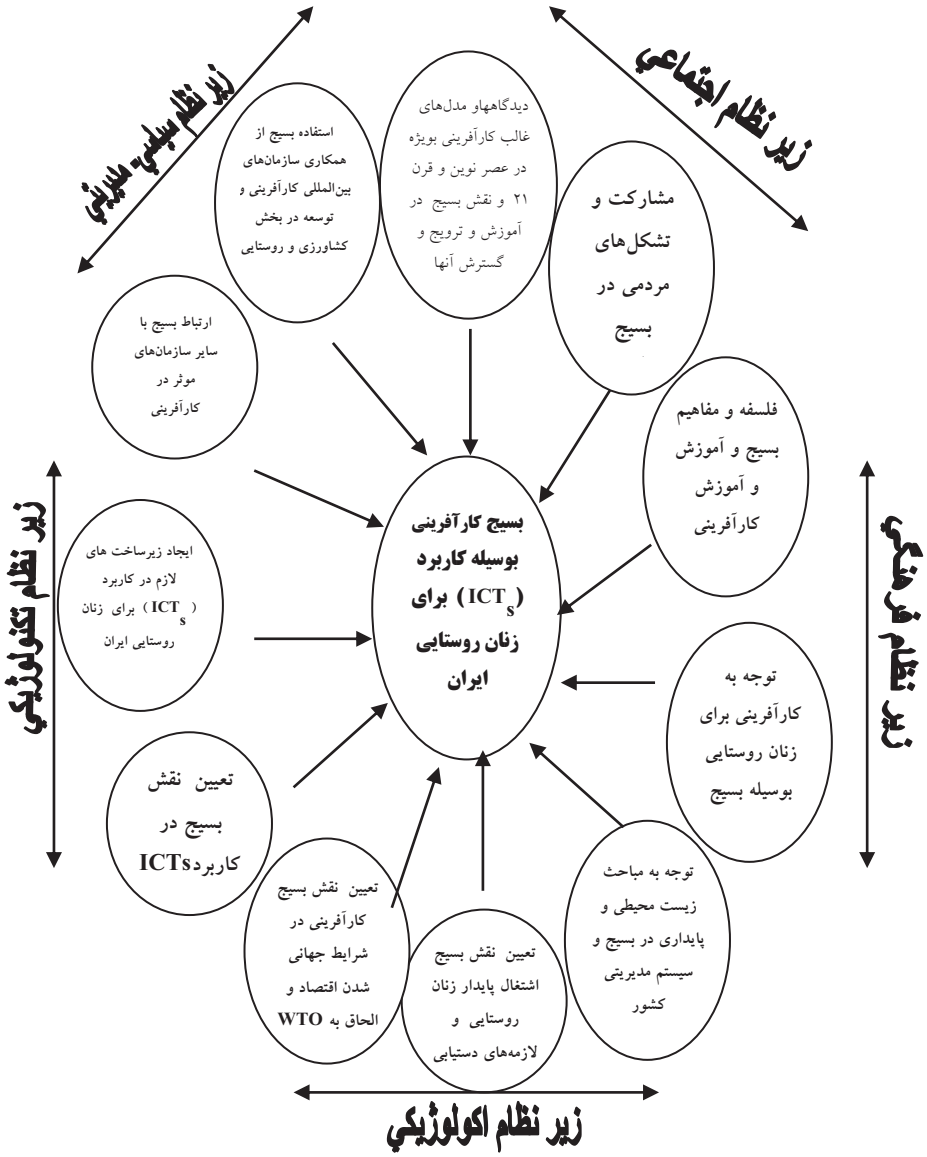
نتیجه‌گیری

فن‌آوری ICTs به‌عنوان یک عنصر کلیدی نوآوری اجتماعی و اقتصادی مورد شناسایی قرار گرفته شده است. بازار ICTs فرصت‌های شغلی خوبی را ارائه و فراهم می‌کند، اما سهم زنان در این قسمت، هنوز پایین‌تر از متوسط است و نرخ‌های خروج و شرکت نکردن بسیار بالا می‌باشند (ICT and Women:Dream Job as IT Expert.P:1).

ایجاد فضاهای مخصوص زنان در ارتباط با ICTs بسیار مهم است. برای مثال، شروع و راه‌اندازی رشته‌های کارآموزی مختص زنان و کافه‌های Cyber برای گروه‌های زنان محروم فرهنگی به‌نظر می‌رسد که بسیار مهم می‌باشند. این واضح است که علاقه به تلویزیون در اغلب نواحی روستایی بسیار بالا است، اما بدون هیچ تسهیلی از سوی آژانس‌های توسعه، ICTs تنها یک سرگرمی اوقات فراغت در کوتاه‌مدت است. بنابراین، ICTs باید در سایر فعالیت‌های توسعهٔ کشاورزی و روستایی همانند کارآفرینی و بازاریابی الکترونیکی ادغام و گنجانده شود.

برای نتیجه‌گیری، چالش‌های سیاسی بسیار زیادی برای مشکلات زنان و ICTsدر ارتباط با موارد آموزش، بازار کار و مصرف، مورد نیاز می‌باشند. ICTs نه همه، بلکه یک ابزار مهم برای توسعهٔ روستایی است و باید به‌عنوان قسمتی از فعالیت‌های توسعهٔ روستایی و ترویج، گنجانده شود. مشارکت مؤثر زنان روستایی در تمام جنبه‌های حیطهٔ ICTs و منفعت اجتماعی و اقتصادی آنها از ICTs نیازمند اقدامات فوری و قاطع در بسیاری از حیطه‌ها می‌باشد (Ozer,et al. October 2005.PP:213-218).

ما باید از نظام‌های نرم‌افزار روشن و واضح برای رسانه‌های جدید و نظام آموزش همراه با نظام‌های سخت‌افزار آنها، حمایت کنیم. هنگامی که نظام‌های اطلاعات را برنامه‌ریزی و ایجاد می‌کنیم، باید سه سازه‌های [۱۳]عمده و اصلی فن‌آوری را مورد توجه قرار دهیم که عبارت از: سخت‌افزار، نرم‌افزار و نیروی انسانی[۱۴]مورد نیاز در این زمینه است و این برای بهبود نزدیک‌ترین مسائل در مدیریت کشاورزی، مهم‌ترین است، زیرا مشکلات بر اساس و به استناد موقعیت کشاورزان جداگانه و منفرد، تفاوت می‌کنند.



مدل ۲. مدل علی- ارتباطی سازه‌های مؤثر بر بسیج کارآفرینی به‌وسیلهٔ کاربرد (ICT_S) برای زنان روستایی ایران (محقق)

پیشنهاداتی برای ایران

در پذیرش و اشاعهٔ فن‌آوری‌های اطلاعات (IT) در مناطق روستایی و کشاورزی ایران، باید به مباحثی همچون ظرفیت جذب (هزینه، پیچیدگی، وابستگی به خدمات زیرساختاری، گرانی و ...) اتصال به سیستم، اختیارات، سلسله مراتب، شکاف دیجیتالی بین مناطق شهری و روستایی و همین‌طور بین اقشار مختلف درون کشور مثل ثروتمند و فقیر، مرد و زن و ... ، جایگاه (IT) در فرهنگ، سیاست و جامعهٔ ایران، عوامل فرهنگی در پذیرش (IT) (زبان، ملی‌گرایی، تنوع‌گرایی، وجود چهارچوب قانونی برای کاربرد، اعتماد مردم و مسئولین، نوع روابط قدرت در کشور و ...) سرمایه (درونی، بیرونی، فیزیکی)، کنترل (نوع مؤسساتی که عهده‌دار و کنترل بر (IT) دارند، نوع کنترل آنها)، مهارت و توانایی بهره‌برداران (سطح سواد، ایجاد دوره‌های کارآموزی، تخصص و ...) توجه شود. در کل باید ببینیم که آیا (IT) در کارهای کشاورزی و توسعهٔ روستایی ایران، دارای مواردی همچون قابل دسترس بودن، از عهده بر آمدن، موجود بودن و مناسب بودن می‌باشد یا خیر؟ بدیهی است که برای دسترسی به موارد فوق و موفقیت در پذیرش و کاربرد (IT) در کشاورزی ایران، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق، مشارکتی، غیرمتمرکز، مداوم و واقع‌گرایانه داریم و در کنار آن باید از تجارب و مدل‌های موفق پذیرش (IT) در کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهایی که از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... با ایران مشابهت دارند، استفاده و ارزشیابی نمود و در توسعه و پذیرش (IT) در ایران، با حفظ جانب احتیاط و ایجاد ابداعات از آنها استفاده کرد.

پی‌نوشت‌ها

1- Information Technology (IT):

فن‌شناسی اطلاعاتی: سیستم‌های الکترونیکی برای ذخیره‌سازی، بازخوانی، انتقال، دریافت و پردازش اطلاعات (سلمان زاده، س. ؛ و دیگران ؛ ۱۳۷۹).

2- Information and communication Technologies (ICTs)

(ICTs) به صورت گسترده می‌تواند به فن‌آوری‌هایی اطلاق و تعبیر گردد که ارتباطات را تسهیل می‌کنند و فرآوری و انتقال اطلاعات را به‌وسیلهٔ وسایل الکترونیکی انجام می‌دهند. این تعریف دامن‌های کامل از (ICTs) را شامل می‌شود، از رادیو و تلویزیون تا تلفن (ثابت و متحرک)، کامپیوترها واینترنت.

(WORLD SUMMIT ON THE INFORMATION SOCIETY.FEBRUARY 2005. P :1)

منابع

الیوت، س. (۱۳۸۱). نظام‌های آموزش از راه دور. ترجمه: دکتر سید مهدی میردامادی. کرج. نشر آموزش کشاورزی.

برنامهٔ عمران ملل متحد. (۱۳۷۴). گزارش توسعهٔ انسانی ۱۹۹۵. مترجم: غلامحسین صالح نسب. ضمیمهٔ ماه‌نامهٔ جهاد. شمارهٔ ۱۸۳-۱۸۲. معاونت ترویج و مشارکت مردمی.تهران. وزارت جهاد سازندگی.

بلکبرن، د. (ویراستار). (۱۳۸۰). بنیان‌ها و تحول فعالیت‌ها در ترویج کشاورزی. مترجم: دکتر سید جمال فرج الله حسینی. تهران. مرکز انتشاران علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
بنی‌هاشمی. (دی ۱۳۸۰). نگرش نادرست جامعه نسبت به توانایی‌های زنان، مشکل کلیدی بر سر راه توسعهٔ فعالیت‌های زنان روستایی. ماهنامهٔ مروج. تهران. انتشارات فنی معاونت ترویج سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. صفحهٔ ۳.
بی‌نام. (فروردین ۱۳۸۲). با زنان مدد کار. جهاد روستا، ویژهٔ جوانان. شمارهٔ:۴۲۲. تهران. معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری (وزارت جهاد کشاورزی).
بی‌نام. (شهریور ۱۳۸۲). نگاهی به انواع آموزش‌های کاربردی برای دختران روستایی. جهاد روستا، ویژهٔ جوانان .شمارهٔ: ۴۲۷.تهران. معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری (وزارت جهاد کشاورزی).
بی‌نام.(آبان ۱۳۸۰).روز جهانی زنان روستایی. ماهنامهٔ مروج. تهران. ا نتشارات فنی معاونت ترویج سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. صفحهٔ۲.
بی‌نام .(دی ۱۳۸۰). تعاونی‌های روستایی زنان. ماهنامهٔ مروج. تهران . انتشارات فنی معاونت ترویج سازمان تحقیقات،آموزش و ترویج کشاورزی.
پناهی،ف. (۱۳۸۲). بررسی میزان دسترسی زنان به خدمات آموزشی و ترویجی. مجموعه مقالات برگزیدهٔ دومین همایش سراسری علمی پژوهشی باشگاه پژوهشگران جوان. اقلید. معا ونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی اقلید.
تریبوس، م. (۱۳۸۲). مدیریت کیفیت در آموزش و پرورش. ترجمه: افسانه باقری، یعقوب حسین‌زاده. تهران. دفتر بهبود کیفیت و راهبری استانداردها.
رستمی، ف .(آبان ۱۳۸۴). سیاست‌های توانمندسازی زنان روستایی. ماهنامهٔ علمی - کشاورزی - زیست‌محیطی"دهاتی". سال سوم. شمارهٔ ۲۶. صفحات۵۰ -۵۲.
رضایی نژاد، ع. (۱۳۷۸) . پژوهشی در مدیریت کیفیت فراگیر، شناخت و کاربرد. تهران. مؤسسهٔ خدمات فرهنگی رسا.
زگتیری، ه. د. (۱۳۷۸) . مدیریت ارشد و کیفیت. ترجمه: مهندس مسلم خرم. تهران. ریزپردازنده.
سازمان جهانی خوار و بار وکشاورزی (فائو). (۱۳۷۴). زنان در توسعهٔ کشاورزی؛ برنامهٔ کار فائو . مترجم: غلامحسین صالح نسب. تهران. مدیریت مطالعات و بررسی‌ها. معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
سلمان‌زاده، س.؛ شهبازی، ا؛ کرمی، ع. ؛ ملک محمدی، ا. (۱۳۷۹). فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی، جلد ششم، ترویج و آموزش کشاورزی. انتشارات دانشگاه تهران.
سوا نسون ،ب ، ی. بنتز، ر، پ. سو فرانکو ،ا، ج.(۱۳۸۱). بهبود ترویج کشاورزی ،کتاب مرجع. مترجمان: غلامحسین صالح نسب، رضا موحدی، اسماعیل کرمی دهکردی. تهران – معاونت ترویج و نظام‌های بهره‌برداری، دفتر مطالعات و تلفیق برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی.
شهبازی،ا. (۱۳۷۵). توسعه و ترویج روستایی. چاپ دوم. انتشارات دانشگاه تهران.
فاضل‌نیا، غریب. کیانی، اکبر. (۱۳۸۲ اسفند). فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و تبیین نظریه‌ای روستایی و روستای غنی و فقیر اطلاعاتی. مقالهٔ ارائه شده در همایش کاربرد

فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستا . دانشگاه علم و صنعت تهران .چاپ در کتاب مجموعه مقالات همایش: صص:۱۹ – ۲۸.
کزازی، ا . (۱۳۷۸). مدیریت کنترل کیفیت فراگیر (نگرشی کاربردی). تهران. مرکز آموزش مدیریت دولتی.
کرمی، ع. فنایی، ا. (۱۳۷۳). بررسی نظریه‌پردازی‌ها در ترویج، جلد اول. معاونت ترویج و مشارکت مردمی. وزارت جهاد سازندگی. تهران.
کرمی، ع. فنایی، ا. (۱۳۷۳). بررسی نظریه‌پردازی‌ها در ترویج، جلد دوم. معاونت ترویج و مشارکت مردمی. وزارت جهاد سازندگی. تهران.
گل محمدی،ف. (خرداد وتیر ۱۳۷۸). زنان و فقر روستایی. در: ماهنامه سنبله. شمارهٔ ۱۰۸. تهران. صفحات: ۷۱-۶۶.
لهسایی زاده، عبدالعلی.(۱۳۷۹).جامعه‌شناسی توسعهٔ روستایی. نشر زر. شیراز.
محسنیان راد، م. (۱۳۷۴). ارتباط‌شناسی، ارتباطات انسانی (میان فردی، گروهی، جمعی). چاپ دوم. سروش. تهران.
معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی .(۱۳۸۳). مروری اجمالی بر طرح‌های توسعهٔ فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات. تهران. وزارت بازرگانی.
ورزه گر، ش. آقاجان نوری، ن. (۱۳۷۶). نقش زنان در فرایند توسعه. توسعهٔ پایدار کشاورزی، مجموعه مقالات نشریهٔ شمارهٔ ۴. فصل‌نامهٔ اقتصاد کشاورزی و توسعه. تهران. معاونت برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. وزارت کشاورزی. صفحات: ۳۹-۲۲۶.
هاوکنیز، ا.ا.، دان، آ.ا. کاری، ج.د.د. (۱۳۷۳). فرایند ترویج کشاورزی و دامپروری. سلسله انتشارات روستا و توسعه: شماره. ۱۴ مترجم: ناصر اوکتایی. مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی. وزارت جهاد سازندگی. تهران.

Accascina, G. (2000). Information Technology and Poverty Alleviation. http://www.fao.org/SD/CD direct/ CDre 0055 h. htm.
Anonymus. (2004) .Technology Development and Transfer for rural Women in Asia .available online:www.fao. org
Chapman,R.and slaymaker,T. (November 2002) ICTs and Rural Development : Review of the literature , current interventions and opportunities for Action. Available online: www.odi.org.UK/publications /working papers/ wp192.pdf
EmpoweringRwandanWomenthroughICT(N.D).www.wougnet.org/Documents/UNIFEM/EmpowerRwandanWomen.html
Farrel, C.O., Norrish, P., Scott, A. (2000). Information andCommunication technologies for sustainable livelihoods. http://www.fao.org/waicent /faoinfo/ sust Dev/ CD direct/ CD re 0055d. htm.
Hambly Odame, H . , Hafkin , N. , Wesseler , G. , Boto, I. (September 2002). Gender and Agriculture in the information Society . in : Briefing Paper 55 . International Service For National Agricultural Research (ISNAR).
ICT-Enabled Women 's Social Net in India(December 2003).www.apdip.net/projects/ictrnd/2003/S09-social_net
ICTand Women:Dream Job as IT Expert(21 May 2005).www.socialrights.org/spip/article1183.html

MACRO ENVIRONMENT AND TELECOMMUNICATION.(N.D.) AVAILABLE ONLINE:cbdd.wsu.edu Kewlcontent/cdoutput/TR501/page59.htm

Kirlidog,M. Gur,Oymen.(October 12-14 ,2005).Existing Rural ICT in Turkey and ICT for Development:Is Tranformation Possible ? in: Proceedings-International Congress on Information Technology in Agriculture,Food and Environment(ITAFE'05).PP:205-213.

Munyua, H. (2000). Information and Communication Technologies for rural Development and food security: lessons from field experiences indeveloping countries. http://www.fao.org/sd/CD direct / CD re 0055 b. htm.

Nath,V.(April 2002).Empowerment and Governance through ICT:Women's Perspective.Internet &ICTs for Social Justice and Developmen News-APC.Volume11,No.1,availableonline:www.iimahd.ernet.in/egov/ifip/apr2001/article1.htm

OXFORD, advanced Learner's Dictionary, 2002.

Ozer,D.Yilmaz,Y.Demiryurek,K.Gulcubuk,B. Talug,C.(October 12-14 ,2005).Do Information and Communication Technologies (ICTs) Have any Meaning for Rural Women?in: Proceedings-International Congress on Information Technology in Agriculture,Food and Environment(ITAFE'05).PP:213-218.

Proceedings of the International Symposium on Women and ICT:Creating Global Transformation-CWIT'05.(June 12-14 ,2005).ACM Press.ACM International Conference Proceedings Series.

Rotschild , C . S . (1995) . Gender and Rural Poverty . in : Poverty Alleviation through Agricultural Projects .[Eds :Emmanuel D ' Silva and kaye Bysouth] . 2 nd ed . Washington , D . C . , The World Bank . PP: 30 – 36 .

Seeverse, B., Graham, D., Gamon, J., Conklin, N. (1997). Educationthrough cooperative Extension. Delemar Publishers. U.S.A.

Spira, J.L. (1999). Integrating Progressive Education into Technology - Based Distance learning. http://horizon. unc. edu/ Projects/ monograph/cd /Professional - schools/spira.asp.

Thomas, D.C., Callahan, D.W. (2002), Information Technology Adoptionin Agricultural Operations: A Progession Path. http://www.joe.org/joe/2002decem ber/iw1. shtml.

UNITED NATIONS ECONOMIC COMMISSION FOR EUROPE,SERIES:ENTREPRENEURSHIP and SME.(2004).ACCESS TO FINANCING AND ICT FOR WOMEN ENTREPRENEURS IN THE UNECE REGION,Challenges and good practices.UnitedNations.Geneva.Switzerland.availableonline:www.unece.org/oes/gender/documents/Overview.pdf

UN system network on rural development and food security.(N.D). COMMUNICATION FOR DEVELOPMENT . AVAILABLE ONLINE:www.rdfs.net/themes/communication_en.htm

Victorian Women in ICT Network.(11 November 2005).www.mmv.vic.gov.au/WomeninICT

WORLD SUMMIT ON THE INFORMATION SOCIETY.(FEBRUARY 2005).GENDER AND AGRICULTURE/ RURAL DEVELOPMENT IN THE INFORMATION SOCIETY .AVAILABLE ONLIN: WWW. Genderwsis.org/196.0html